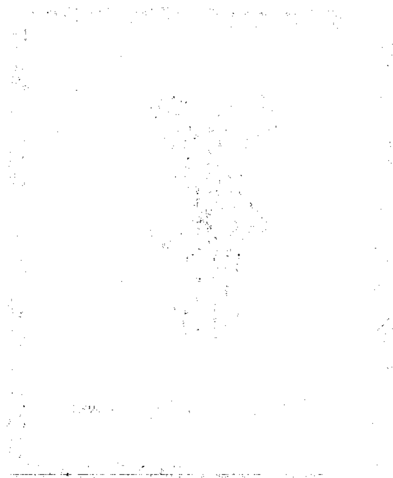
بسم الله الرحمن الرحيم




ناشر برگزیدهٔ سال ۱۳۷۳

فرهنگنامهٔ قرآنی

فرهنگ برابرهای فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن

محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی

فرهنگنامهٔ قرآنی

فرهنگ برابرهای فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی

جلد ۳

ص - م

تهیه و تنظیم

گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهشهای اسلامی

سید محمود خسروانی شریعتی، حسین ادیالباف مقدم

سید حسن مدرّسی، عباس هوتکانی، اصغر ارشاد سرابی و دیگران

با نظارت

دکتر محمد جعفر یاحقی

شابک دورهٔ ۵ جلدی	۹۶۴ - ۴۴۴ - ۰۲۱ - ۸
ISBN 5 Vol Set	964 - 444 - 021 - 8



بنیاد پژوهشهای اسلامی
آستان قدس رضوی

فرهنگنامهٔ قرآنی

فرهنگ برابرهای فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخهٔ خطی کهن
محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی

جلد سوم (ص ـ م)

تهیه و تنظیم: گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهشهای اسلامی
سید محمود خسروانی شریعتی، حسین ادیالباف مقدم
سید حسن مدرّسی، عباس هوتکانی، اصغر ارشاد سرابی
بانظارت: دکتر محمد جعفر یاحقی

چاپ اول ۱۳۷۴
چاپ دوم ۱۳۷۷
۲۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: مؤسسهٔ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
قیمت دوره: ~~۶۵۰۰۰~~ ریال

مشهد ـ ص. پ ۳۶۶ ـ ۹۱۷۳۵ تلفن ۵ ـ ۸۲۱۰۳۳

مرکز پخش: شرکت به‌نشر: دفتر مرکزی: مشهد، تلفن ۸۳۴۸۰۰، ۸۱۷۸۰۰، دورنگار ۸۱۹۸۱۰

شابک	۹۶۴ - ۴۴۴ - ۱۸۳ - ۴
ISBN	964 - 444 - 183 - 4

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

سوره قمر ۵۴، آیه ۱۷

وبتحقیق قرآن را برای پندگرفتن آسان کردیم آیا هیچ پندپذیری هست؟

إِنَّ هٰذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَنَارُ الْهُدَى وَمَصَابِيحُ الدُّجَى

(اصول کافی ج ۲)

در این قرآن نشانهٔ هدایت است و چراغها برای رهایی از تاریکی

وَلَقَدْ یَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّکْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّکِرٍ

سورهٔ قمر ۵۴، آیهٔ ۱۷

وبتحقیق قرآن را برای پندگرفتن آسان کردیم آیا هیچ پندپذیری هست؟

اِنَّ هٰذَا الْقُرْآنَ فِیهِ مَنَارُ الْهُدیٰ وَمَصَابِیحُ الدُّجیٰ

(اصول کافی ج ۲)

در این قرآن نشانهٔ هدایت است و چراغها برای رهایی از تاریکی

فهرست مندرجات





ص: صٓ وَٱلۡقُرۡءَانِ ذِي ٱلذِّكۡرِ (۳۸:۱)
راست گوی است خدای ۲٤، سوگندست براستی ۳۰

ٱلصَّائِمَاتِ: وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ (۳۳: ۳۵)
زنان روزه داشتار[1] ۱، زنـان روزه دار ۳، روزه داران از زنـان ۲٤، زنـان روزه دارنـده ٤۳، زنـان روزه دارنـد گـان ٦۱، زنـان روزه داران ۹۲، روزه داران زنان ۹۹

ٱلصَّائِمِينَ: وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ (۳۳: ۳۵)
مردان روزه داشتار ۱، رُوزه داران مردان ۲، مردان روزه دار ۳، روزه داران از مـــردان ۲٤، مـــردان روزه دارند گان ٦۱، مردان روزه دارنده ٦٤، مردان روزدار ۷٤، روزه داران و نـگـاهـدارنـده از مـردان ۸۷، روزه داران ۹۲، روزه دار آن از مـــرد آن ۹٤، روزه داران مردان ۹۹، روزه دار مردان ۱۱۵

ٱلصَّابِئُونَ: هَادُواْ وَٱلصَّٰبِـُٔونَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ (۵: ٦۹)
دلْ شَد گان ۲، آنانکه از ترسایی بستاره پرستی رفتند ۳، نغوشا کان[2] ۱۰ مکرّر، نغوشکان[2] ۲۹، ستاره پرستان ۳۸، از کیشی بکیش شوند گان ۳۹، دل شد گان ٤۲، از کیش به کیش شوند گان ٤۳، روزه داران ترسایان ٤۵، آنکه از جهودان بگشتند و بترسایی برسیدند ۵۸، از کیش بکیش شوند ٦۱، از دینی بدیـنی شوند گان ٦۳، آنکه خرم دینانند ۷۲، گشتگان ۷۵، ستاره پرست ۷٦، آنان که از ترسایی بستاره پرستی رفتند ۸۰، آنکه درین دومیانه اند ۸۲، کیش بکیش شوند گان ۹۰، دلشد گان ۱۰۵، از کیش بکیش شوند گان ۱۰۹، مجوسیان ۱۱۱، آنکه از ترسایی به ستاره پرستی رفتند ۱۱٤، آنکه در دین دومیانه اند ۱۲٤، دینی بدینی شوند گان ۱۳٤

ٱلصَّابِئِينَ: هَادُواْ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ (۲: ٦۲)
آنکه در میانه باشند ۲، نغوشکان ۳، از کیشی بکیشی شوند گان ٤، از کیش به کیش شوند گان ۳٦، آنها که از کیشی بکیشی شوند ٤۸، از دینی بدینی شوند گان ٤۹، نفوسا کام ۵۰، نغوشا گان

---

۱. روزه داشتار: روزه دارنده.
۲. نغوشا؛ نغوشاک: کسی که از کیش و ملتی به کیش و ملتی دیگر درآید (نفیسی).

۵۵، خرّم دینان ۵۷، گوشه گشتگان از دینی بدینی ٦٤، کیش بکیش شوند گان ۹۰، از دین بر گشتگان ۹٤، از دین بدین شد گان ۹۵، گوشه شد گان از دینی با دینی ۹۸، آنان که از دینی به دینی میروند ۱۰۱، آنانکه اندر دو میانه باستادند ۱۰۵، بهره گیرند گان از هر دین ۱۱۵، از دینی به دینی [روند گان] ۱۲۳، آنانی که میان جهودی و ترسایی اند ۱۲٤، میان ترسایان و جهودان ۱۲۷، دینی بدینی شوند گان ۱۳٤، از کیش گردیده ۱۳٦

~: وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ (۲۲: ۱۷)
ستاره پرستان ۳، آنکه از دین بدین رفتند ۳۰، آنها که از کیشی بکیشی شدند ٤۸، از دینی بدینی شد گان ۵۲، از کیش بکیش شوند گان ۵۸، بر گردند گان ۹۰، آن کسان که از کیشی بکیشی روند ۱۰۲، گروند گان کیش بکیش ۱۰۹، آفتاب پرستان ۱۲۲، آفتاب و ماه پرستان ۱۲٤

صَابِرًا: إِن شَآءَ ٱللَّهُ صَابِرًا (۱۸: ٦۹)
شکَیبا ۲، شِکیبَا ۵۵، شکیبای ۷۲، شکیبان ۹٤، شکیبُا ۱۱٤

~: إِنَّا وَجَدْنَٰهُ صَابِرًا نِّعْمَ ٱلْعَبْدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ (۳۸: ٤٤)
شکیوا[1] ۱، شکیبایی کننده ۵٦

ٱلصَّابِرَاتِ: وَٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰبِرَٰتِ (۳۳: ۳۵)
زنان شکیوایی کنار ۱، زنان شکیبا ۳، زنان شکیبای ۳۰، شکیبایان از زنان ٤۷، زنان باشکیبا ٤۹، زنان شکیبایی کنند گان ٦۱

صَابِرَةٌ: فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٌ صَابِرَةٌ (۸: ٦٦)
شکَیوا ۱، شکیبایان ۳، شکیبا ۱۰، شکیبای کننده ۲۷، پای برجای ۹۵، شکیبا آن ۹٦

صَابِرُوا: ٱصْبِرُواْ وَصَابِرُواْ (۳: ۲۰۰)
شکَیوابید ۱، شکیبا باشید ۲، شکیبیت ۳، شکیبائی نمائید ۲۵، پیشی کنید ۲۷، پای بدارید ۳۸، شکیبایی کنید ٤۰، پای افشارید ٤۳، شِکیبیت ۵۵، شکیبّائی فرمااید ۵۷، شکیبایی فرمایید ۵۸، پایدار باشید ٦٤، شکیبا باشی ۹۱، شکیبید ۱۱۹، شکیبائی ورزید ۱۲۳، شکیبایی ورزید ۱۳۵

ٱلصَّابِرُونَ: إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَٰبِرُونَ (۸: ٦۵)
شکیوَا ۱، شکیبائی کنند گان ۳، شکیبا آن ۱۱، شکیبای کننده ۲۷، شکیبایی کن ۵۸، شکیبایی کننده ۹۰، شکیبایی کند گان ۹٤

~: وَلَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلصَّٰبِرُونَ (۲۸: ۸۰)
شکیواان[2] ۱، شکیبایان ۲، شکیبایَان ۵۳، شکیبان ۸۰

~: إِنَّمَا يُوَفَّى ٱلصَّٰبِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۹: ۱۰)
شکیوایی کناران ۱، شکیباان ۳۸

ٱلصَّابِرِينَ: إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ (۲: ۱۵۳)
شکیبایی کنند گان ۳، شکیبا آن ۱۰، شکیبااند ۲۵، شِکیبّائی کُنند گان ۵۵، شکیبان ۵۷، شکیبا کنند گان ۱۱٦

~: وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ (۲: ۱۵۵)
شِکیبَایان ۵۵

~: وَٱلصَّٰبِرِينَ فِى ٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ (۲: ۱۷۷)
شکیبا آن ۲

~: وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ (۲: ۲٤۹)
شِکیبأیان ٤۲، شکیب کنند گان ۱۱۱، شکیبا پیشه گان ۱۳٦

---

۱. شکیوا / شکیبا.
۲. شکیواان / شکیبایان.

~: اَلصَّـٰبِرِينَ وَٱلصَّـٰدِقِينَ وَٱلْقَـٰنِتِينَ (۱۷:۳)
شکیوای کناران[1] ۱، شکیبایانان ۴۲، شکیبایی پیشگان ۱۲۲، شکیبایی ورزند گان ۱۳۰

~: وَيَعْلَمَ ٱلصَّـٰبِرِينَ (۱۴۲:۳)
شکیوا آن ۱

~: وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّـٰبِرِينَ (۱۴۶:۳)
شکیوای کناران را ۱، شکیبآیان ۵۸

~: إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّـٰبِرِينَ (۴۶:۸)
شکیبایان ٦۱، شکیبائی ورزند گان ۱۲۰

~: وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّـٰبِرِينَ (٦٦:۸)
نیکوا آن ۱

~: وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّـٰبِرِينَ (۱۲٦:۱٦)
شکیبایان ۵۳، شکیبند گان ۱۱۵

~: وَذَا ٱلْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ ٱلصَّـٰبِرِينَ (۸۵:۲۱)
شکیب داران ۱۰۹

~: وَٱلصَّـٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمْ (۳۵:۲۲)
شکیبایان ۲، شکیبایانْ ۵۳

~: وَٱلصَّـٰبِرِينَ وَٱلصَّـٰبِرَٰتِ (۳۵:۳۳)
مردان شکیوای کنار ۱، مردان شکیبا ۳، مردان شکیبای ۳۰، شکیبان از مردان ۳۹، شکیبایان از مردان ٤۷، مردان باشکیبا ٤۹، مردان شکیبایی کنند گان ٦۱، شکیبنده مردان ۱۱۵

~: ٱلْمُجَـٰهِدِينَ مِنكُمْ وَٱلصَّـٰبِرِينَ (۳۱:٤۷)
شکیبایان ۲، شکیباان ۱۸

اَلصَّاحِبِ: وَٱلصَّاحِبِ بِٱلْجَنۢبِ (۳٦:٤)
ایار ۱، یار ۳، هم‌راه ۱۰، یاران ۲٤، همسایه ۲۹، همکار ۵۷، همراه ٦۷، با همراه ۹۱، یآر ۱۰۰، هم‌سایه ۱۳۵

~: وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ ٱلْحُوتِ (٤۸:٦۸)
خداوند ۲، خواوند ۱۰۹

صَاحِبَةٌ: وَلَمْ تَكُن لَّهُۥ صَـٰحِبَةٌ (۱۰۱:٦)
یَار ـ زَن ۲، همتا ۹، زَن ۱۰، یار ـ زن ۱۰ مکرّر، یار ـ جفت و زن ۲۷، جفت ـ زن ۳۰، جفت یار ٤۱، انباز ٦۲، زن و جفت ۷۵، یار و جفت ۱۰۲

~: وَأَنَّهُۥ تَعَـٰلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا ٱتَّخَذَ صَـٰحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۳:۷۲)
زن ۱، جفت ۳، یار ٦، زن و یار ۳۰

صَاحِبَتِهِ: وَصَـٰحِبَتِهِۦ وَأَخِيهِ (۱۲:۷۰)
زن ۱

صَاحِبِكُمْ: ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا۟ مَا بِصَاحِبِكُم (٤٦:۳٤)
یَار ۵۳

~: مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ (۲:۵۳)
ایار ۱، یار ۲

~: وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ (۲۲:۸۱)
همنشین ٦٤

صَاحِبِهِ: إِذْ يَقُولُ لِصَـٰحِبِهِۦ (٤۰:۹)
ایار ۱

~: فَقَالَ لِصَـٰحِبِهِۦ وَهُوَ يُحَاوِرُهُۥٓ (۳٤:۱۸)
یار ۲، خداوند ۲٤، یار و برادر ۵۸، برادر ۷٤

صَاحِبِهِمْ: أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا۟ مَا بِصَاحِبِهِم (۱۸٤:۷)
ایار ۱، پیمبر ۱۳٦

~: فَنَادَوْا۟ صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ (۲۹:۵٤)
ایار ۱، پیغامبر ٤۳

---

۱. شکیوای کناران / شکیبایی کنندگان.

وَصَاحِبْهُمَا: وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا (۳۱: ۱۵)
یار باش ۳۹، دوستی کن ۴۲، همراهی کن ۴۳، زندگانی کن ٦٤، زندگانی ٧٦

صَاحِبَي: يَصَاحِبَيِ السِّجْنِ (۱۲: ۳۹)
دوا ایار[۱] ۱، دو یار ۲، خداوندان ۲٤، دو خداوند ۲۹، دُو یار ۵۵، دو تن یاران ٦۲، دو همراه ۹۵، خداوند ۱۲٤

~: يَصَاحِبَيِ السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا (۱۲: ٤۱)
یاران ۳٦، دو یاران ٦۱

الصَّاخَّةُ: فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ (۸۰: ۳۳)
بانگ ۱، کار بُزرگ ۲، کار بزرگ ۳۰، رستخیز ٦۱، بانگ کر کننده ۸۰، بانگ کننده ۹۱، آواز کر کننده ۱۰۳، بانگ کردُ کننده ۱۱٤، آواز کننده ۱۱۵، فریاد کننده ۱۱٦، گوینده ۱۲٦

صَادِقٌ: إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (۱۹: ۵٤)
راست گوي ۳۹، راست کننده ٤۱، راست پیمان ٤٤، راست کن ۵۳، راست کننده ۵۹، راست گوی دارنده ۷۲، راستگوی ۷٤

~: إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ (۵۱: ۵)
راست ۱، راسته ۱۱۰، راست و درست ۱۱۳

* صَادِقَ الْوَعْدِ: إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ (۱۹: ۵٤)
راست نوید ۳

صَادِقًا: وَإِن يَكُ صَادِقًا يُصِبْكُم (٤۰: ۲۸)
راست گفتار ۱، راست گو ۲، راست گوی ۳، راست گوینده ۳٦، راستگوی ٤۲، راستگو ۱۰٦

الصَّادِقَاتِ: وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ (۳۳: ۳۵)
زنان راست گفتار ۱، زنان راست گوی ۳، راست گویان از زنان ۲٤، زنان راست گوی دارنده ۹۱، زنان راست گویان ۹۲، راست گویان زنان ۹۹، زنان راست گو در گفتار ۱۱٦، زنان راست گو ۱۲٦

صَادِقُونَ: ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُم بِبَغْيِهِمْ (٦: ۱٤٦)
راست گویان ۳، راست گوی ۵۸، راست گویان ٦۱

~: وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۱۲: ۸۲)
راست گویان ۲، راست همی گوییم ۵۳، راست گویان ٧٦

~: وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۱۵: ٦٤)
رآست گویان ۱۰۰

~: وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۲۷: ٤۹)
راست گفتاران ۱، راست گُویان ۲

~: أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۹)
راست گران ۲۹، راستگویان ۱۰٦

صَادِقِينَ: وَادْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲: ۲۳)
راشت گُویان ۲، رَاشْت گُویان ۵۵، راست گوینده ۹٦

~: فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲: ۹٤)
راست گوی ٦۲

~: إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲: ۱۱۱)
رَاشْت گُوانْ ۵۵، راست گوینده گان ٦۱

~: الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ (۳: ۱۷)
ایشان که راست گویند ۲۵، راست گوینده گان ۲۷، راست [باشند] ٦۲، رآست گویان ۱۰۰

~: فَاتْلُوهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۳: ۹۳)
راست گفتاران ۱

~: فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۳: ۱۸۳)

---

۱. کذا در متن اصلی (؟) آیا تحریفی از واژه «کر» است ؟

راست گوی دارند گان ۹۷

~: أَغَيْرَ ٱللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٦:٤٠)
راست گویان ۲

~: نَبِّـُٔونِى بِعِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٦:١٤٣)
راه گویان ۷٦

~: فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ (٧:٧٠)
راست گویان ۱۰۰

~: فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ (١٢:٢٧)
راست گویان ۲

~: إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ (١٥:٧)
راست گویان ۲، راست گویان ٦۲

~: قَالَ فَأْتِ بِهِۦٓ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ (٢٦:٣١)
راست گوان ۲۰

~: لِّيَسْـَٔلَ ٱلصَّٰدِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ (٣٣:٨)
راست گردانند گان ۱۰٤، راستان راست گویان ۱۰۹

~: لِّيَجْزِىَ ٱللَّهُ ٱلصَّٰدِقِينَ بِصِدْقِهِمْ (٣٣:٢٤)
راست کاران ۸٦، راستکاران ۹۲

~: وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلصَّٰدِقَٰتِ (٣٣:٣٥)
مردان راست گفتار ۱، مردان راست گوی ۱۸، راست گویان از مردان ۲٤، مردان راستگوی ۷٤، مردان راست گوی دارنده ۹۱، راست گویان از مرد آن ۹٤، راست گویان مردان ۹۹، مردان راست گو ۱۰۰، مردان راست گفتار و کردار ۱۱۱، مردان راست گویان ۱۱٤، راست گو مردان ۱۱۵، مردان راست گو در گفتار ۱۱٦، راست گویند گان مردان ۱۲۳

~: فَأْتُوا۟ بِـَٔابَآئِنَآ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٤٤:٣٦)
راست گویان ۲

~: فَتَمَنَّوُا۟ ٱلْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٦٢:٦)

راستگیر ۲۹

~: مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٦٧:٢٥)
راستگیری ۲۹

★ كُنتُمْ صَادِقِينَ: إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٢:٣١)
شما می راست گفتید ۱۰

~: فَتَمَنَّوُا۟ ٱلْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٢:٩٤)
راست گفتید ٤۰

~: إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٢:١١١)
می راست گویید ٤۰

~: فَٱتْلُوهَآ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٣:٩٣)
راست می گویید ۲۷، شما راست همی گویید ٦۲

~: مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (١٠:٤٨)
شما می راست گویید ۱۰

صَارِمِينَ: أَنِ ٱغْدُوا۟ عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰرِمِينَ (٦٨:٢٢)
بریداران ۱، درودن ۲، میوه باز کنند گان ۳، راست میوه باز کنان ۱۹، شما خواهید میوه چیدن ۲٤، دروند گان ۳۰، میوه باز کنان ۳۸، برند گان ۳۹، بُرینند گان ٤۲، میوه چینند گان ٤۳، درووده ۷۸، برند گان میوه ۷۹، راست گویان ۸۸، برند گان تیغ ۱۰۳، باز کنند گان ۱۰۹، برنده گان ۱۱۳، چینند گان ۱۲۲، روند گان ۱۲٤، درروند گان ۱۳۸، کشت دروند گان ۱۳۹

★ كُنتُمْ صَارِمِينَ: إِن كُنتُمْ صَٰرِمِينَ (٦٨:٢٢)
همی خواهید درودن ۱۰۸

ٱلصَّاعِقَةُ: فَأَخَذَتْكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (٢:٥٥)
بانگ سخت ۳، آتش سوزان ۲۹، آتش آسمانی ۳٦، بانگ سخت ۵۵، آوآز ۹٤، بیهوشی ۱۰۱، آتشه ۱۰۹، بانک ابر ۱۱۹، آواز سخت ۱۳٦

~: فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ (٤:١٥٣)
مرگی ۱، آتش جهنده ۲، آتش جهنده ٤۲، آتش

یا بَانگ سُوزَنده زَنَدَهٔ کُشَندَه ۵۵، آتش سوزنده ۱۰۳، آتشی جهنده ۱۰۵، آتش درخشنده ۱۲۰

~: فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَٰعِقَةً (۱۳:۴۱)
آواز آتش ۳، بیهوش سازنده ۱۱۱

~: فَأَخَذَتْهُمْ صَٰعِقَةُ ٱلْعَذَابِ ٱلْهُونِ (۱۷:۴۱)
بانگ جهنده ۲، بانگ ۳، رنج و دشخواری ۴۹، آتش افتنده ۵۶، آواز ۶۱، اتش افتنده ۶۹، بآنگ ابر ۱۰۰، بانگه جهنده ۱۰۸، بانگ رسنده و کوبنده ۱۰۹، سختی ۱۳۲، دشواری ۱۳۹

~: فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَهُمْ يَنظُرُونَ (۴۴:۵۱)
آتش ۳، آواز سخت ۲۹، جهنده ۳۰، آواز ۹۴، آتش جهنده یا بانگ ۱۰۸، آتش آسمان ۱۰۹، بیهوش کننده ۱۱۶

صَاغِرُونَ: عَن يَدٍ وَهُمْ صَٰغِرُونَ (۲۹:۹)
خواران ۳، خوار و ناشگوه ۱۰، خوار ۲۴، خَوآران ۵۵، خوار باشند ۷۴، خو آران ۱۰۰

~: وَلَنُخْرِجَنَّهُم مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَٰغِرُونَ (۳۷:۲۷)
خواران و خردان ۵۸، خوار کرد گان ۷۲، خوران ۸۰، خوارشد گان ۱۰۲، خاران ۱۰۸، فرومایگان ۱۱۵، کوچکان ۱۳۰

ٱلصَّاغِرِينَ: فَٱخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ ٱلصَّٰغِرِينَ (۱۳:۷)
خواران ۲، خواران و ناشگهان ۱۰، کوچکان ۲۹، خـوارشـد گـان ۳۶، خـوار کـرد گـان ۴۱، خوار گردانید گان ۴۹، خوارزد گان ۷۹، خو آران ۹۴، خوار کنند گان ۱۲۴، خَوار کرد گان ۱۴۰

~: فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَٱنقَلَبُوا صَٰغِرِينَ (۱۱۹:۷)
خوارشداران ۱، خُوارشُد گان ۲، خُوار و شکسته ۱۰، خوار ۲۴، خواران و بی شکوهان ۲۸، خوار و نژندان ۶۴، خواران ۷۲، خارشوند گان ۱۰۴، خوار وزار ۱۲۱

~: لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ ٱلصَّٰغِرِينَ (۳۲:۱۲)
خواران ۱، خَواران ۵۵، خوار آن ۱۰۰، خار کرد گان ۱۱۳، فروتران ۱۱۵، خوردان ۱۲۱، خاران ۱۲۸

صَافَّاتٍ: وَٱلطَّيْرُ صَٰٓفَّٰتٍ (۴۱:۲۴)
بال باز کرد گان ۳، پرّها باز کرده ۲۴، پر بازده ۳۴، بررسته ۳۹، پرها باز کرده ۴۸، پَرْ باز کشیده ۵۳، کشیده ۶۹، برسته استاده ۷۶، گسترند گان بالها ۷۹، بالها باز کرد گان ۸۰، پرها باز زده ۱۰۹، گسترنده بالها ۱۱۳، بال گشاده ۱۲۰، بال باززد گان ۱۲۱، گسترانیده ۱۳۲، گستراننده ۱۳۴، بال گشاد گان ۱۳۵

~: وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفًّا فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجْرًا (۱:۳۷)
بسته ایستاد گان ۱۰۹

~: أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى ٱلطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَٰٓفَّٰتٍ (۱۹:۶۷)
بالها گسترده ۳۶، پرها گشاده ۶۴، گسترده ۷۹، ایستاد گان برس و بپرّند پرواز کنند گان ۱۰۹، گسترانیده بالها ۱۱۳، گشایند گان بالها ۱۲۲، پرها واگشاده ۱۳۶

ٱلصَّافِنَاتُ: بِٱلْعَشِيِّ ٱلصَّٰفِنَٰتُ ٱلْجِيَادُ (۳۱:۳۸)
اسبان ورسه دست و پای استادار ۱، اسبان بر کرانه سنب چهارم ایستاده ۳، اسبان تازی ۲۴، اسبان بر سه پای ایستاده ۲۹، اسبان بسه پای ایستاده ۳۰، اسبان بر سه پای ایستاده و سر سم چهارم بر زمین نهاده ۳۳، اسبانی که سر سه پای ایستاده و سر سنب چهارم بر زمین نهاده ۳۶، اسبان سه دست و پای بر زمین نهاده ۴۱، اسبانی را که بر سه دست و یک پا براستاده باشند ۴۲، اسبان یک دست برگرفته ۴۹، اسبانی که بر سه دست و یک پای ایستاده باشند ۵۲، اَسْبَان ۵۳، اسبان ایستاده بر سه پای و سُم بهاء چهارم ۵۶، اسبان بسه پَای استاده ۵۷، اسبان بکرانه سم چهارم ایستیده ۸۰، اسبانی چند که بر سه دست وپای ایستادَه باشند ۸۱ اسبان تک گرفته ۸۸، اسبان ۹۰، اسبان بکرانه سم

چهارم ایستند ۹۱، اسبان بسته ۹۵، اسپان ۹۶، اسبان ایستاده سره ۱۰۲، اسبان استاده بر سر سم ۱۰۴، اسبان بسته پای استاده ۱۰۸، استادگان بر سه پای از اسبان ۱۰۹، اسبان «دوان» ۱۱٤، اسبان سه دست و پا بر سم چهارم ایستاده ۱۲۲، اسپان استاده بر سه پای ۱۲۳، اسبان دست بر گرفته ۱۲٤، اسبان ایستاده ۱۲٦

★ صَافِنَاتُ ٱلْجِيَادُ: بِٱلْعَشِيِّ ٱلصَّـٰفِنَـٰتُ ٱلْجِيَادُ (۳۸: ۳۱)
اسبان نیک دو ۱۰۰، نیک دونده ۱۰٦، کنارهٔ راستان ایستاده بر سر سم اسبان نیکو ۱۱۳، اسبان نیک دونده ۱۱۷، اسبان نیک ۱۳٦

ٱلصَّافُّونَ: وَإِنَّا لَنَحْنُ ٱلصَّآفُّونَ (۳۷: ۱٦۵)
ایستادگان ۲۲، پاکان ۸۱، ایستادگان ۸۸

صَالِ: إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ ٱلْجَحِيمِ (۳۷: ۱٦۳)
درشدار ۱، اندر باید آمدن ۲، اندرْ شود ۲۲، اندر آینده ۳۳، درشونده ۳۹، درشود ٤۳، اندر رَوُد ۵۳، دررونده ٦۷، درآینده ۸۰، درآرنده ۱۱۳، برآینده ۱۱٤، در رود ۱۲٤

صَالِحٌ: إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِۦ عَمَلٌ صَـٰلِحٌ (۹: ۱۲۰)
نیکو ۲۹، شایسته ۳٤، نیکوا ۵۷، نیک و شایسته ۵۸، کردار شایسته ۱۳۰

~: إِنَّهُۥ عَمَلٌ غَيْرُ صَـٰلِحٍ (۱۱: ٤٦)
نیکو ۵۵، شایسته ٦۲، شایست ۹۳، خوب ۹٤، بسامان ۱۰٤

~: وَٱلْعَمَلُ ٱلصَّـٰلِحُ يَرْفَعُهُۥ (۳۵: ۱۰)
نیک ۱

~: هُوَ مَوْلَىٰهُ وَجِبْرِيلُ وَصَـٰلِحُ ٱلْمُؤْمِنِينَ (٦٦: ٤)
نیکان ۲، نیک مرد ۲۹، نیک مردان ۱۰۵، نیکان ـ نیک مرد ۱۰۹، شایستگان ۱۲۰، شایسته تر ۱۳٦

صَالِحًا: وَٱلْيَوْمِ ٱلْأَخِرِ وَعَمِلَ صَـٰلِحًا (۲: ٦۲)
نیکو ۲، کاری نیک ۳، شایسته ۲۵، کار نیکو ۲۹، کار نیک ٤۲، کار نیک ۵۵، نیکویها ۵۷، نیکی ۹۰، کارهای نیکو ۱۰۲، خوبی ۱۳۵

~: وَٱلْيَوْمِ ٱلْأَخِرِ وَعَمِلَ صَـٰلِحًا (۵: ٦۹)
کار نیک ۳

~: لَئِنْ ءَاتَيْتَنَا صَـٰلِحًا لَّنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّـٰكِرِينَ (۷: ۱۸۹)
فرزندی نیک ۱، نیکوکار ٦۱، شایسته ٦۲، شایسته ـ بسامان ۱۰۹

~: فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُمَا صَـٰلِحًا جَعَلَا لَهُۥ شُرَكَآءَ (۷: ۱۹۰)
تن درست ۲۷، فرزند شایسته ۹۳، فرزند نیک ۱۳٦

~: مَنْ عَمِلَ صَـٰلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ (۱٦: ۹۷)
کردار نیکو ۲۹

~: وَكَانَ أَبُوهُمَا صَـٰلِحًا (۱۸: ۸۲)
مردی نیک ۱، نیکْ مرد ۲، نیک مرد ۳، پارسا ۳٤، مرد نیک ٤۳، نیکْ مَرد ۵۵، نیک کردار ۵۸، نیکان ٦۳، نیکمرد ۸۰

~: فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَـٰلِحًا (۱۸: ۱۱۰)
شاهسته ۳٤، نیک خوب ۹٤

~: كُلُوا۟ مِنَ ٱلطَّيِّبَـٰتِ وَٱعْمَلُوا۟ صَـٰلِحًا (۲۳: ۵۱)
نیکیها ۲، کار شایسته ۱۱٦

~: لَعَلِّىٓ أَعْمَلُ صَـٰلِحًا فِيمَا تَرَكْتُ (۲۳: ۱۰۰)
شایسته و نیکو ٦۲

~: إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَـٰلِحًا (۳٤: ۳۷)
پسندیده ۱۰۳

~: رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَـٰلِحًا (۳۵: ۳۷)
کردار نیک ۲۲

~: مَنْ عَمِلَ صَـٰلِحًا فَلِنَفْسِهِۦ (٤۵: ۱۵)
نیک ۲

~: وَأَنْ أَعْمَلَ صَـٰلِحًا تَرْضَىٰهُ (٤٦: ۱۵)
نیک ۱، ستوده ۱۲۳

~: وَمَن يُؤْمِن بِٱللَّهِ وَيَعْمَلْ صَٰلِحًا (۱۱:٦٥)
کار ستوده ۱۰۳

ٱلصَّالِحَاتُ: وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۲:۲٥)
کارهای شایسته ۲۹، کارهاءِ نیک ٥٥، نیکویها ۱۱٤

~: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۲:۸۲)
کارهای نیکو ۲۹، کارهایِ نیک ٥٥، کارها و کردارهای نیکو ٥۹، نیک ٦۳، نیکیهاء ۹۰، کار نیکو ۱۲۳، کارهای خوب ۱۳٥

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۲:۲۷۷)
نیکیها ۲، کارهاآ نیک ۳، کارها[ی] نیکو ٦۲، نیکی ۸۲، نیکهاء ۹۰، کارهآی نیکو ۱۰۰، شایستها ۱۰۹، کارهای پسندیده ۱۲٤

~: وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۳:٥۷)
کارها نیک ۲٥، نیکی ها ۲۹، کارهای بسامان ۹٥

~: فَٱلصَّٰلِحَٰتُ قَٰنِتَٰتٌ حَٰفِظَٰتٌ (٤:۳٤)
زنان نیک ۱، زنان پارسا ۲، آن زنان که پارسا باشند اوُ بسامان او نیکواکار باشند ۱۰، زنان نیکوکار و کردار ۲۷، شایستگان ۲۹، نیکان ۳۸، آن زنان که پارسا و بسامان باشند ٤۰، زنان پارسا ٤۲، زنان نیکوا کاران ٥۷، نیک زنان پارسایان ٥۸، نیکو زنان ٦۱، شایستگان از زنان ٦۲، نیک زنان ٦۳، زنان نیکوکار ۷۹، نیکان از زنان ۸۸، زنان فرمان بردار ۹۱، زنان بسامان کار ۹٥، زنان پارسایان ۹۸، زنآن نیکوکار ۱۰۰، بسامانان ۱۰۹، زنان شایستگان ۱۱۱، زنان پاکان ۱۲٤، نیگوان ۱۳٥

~: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (٤:٥۷)
کارهاء نیک ۷٥

~: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (٤:۱۲۲)
نیکیها ۱

~: وَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (٤:۱۲٤)
کارهاء نیک ۳، کارهای بسامان ۹٥

~: وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (٥:۹)
نیکیها ۳۷، نیکوییها ٥۸

~: إِذَا مَا ٱتَّقَوا۟ وَّءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (٥:۹۳)
کار نیک ۹۲، کردهای شایسته ۱۲۷

~: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۷:٤۲)
شایسته ٥۳، کردار شایسته ۸۳

~: إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۱۱:۱۱)
نیکی ها ۱۲۷

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۱۱:۲۳)
کردارهای نیک ۲۹، بسامانیها ٥۹

~: ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۱۳:۲۹)
کردارها نیک ۲۹، کارها[ی] شایسته ٦۲

~: ٱلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۱۷:۹)
نیکیها ۲، کارهایِ نیک ٥٥

~: ٱلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۱۸:۲)
کارهای شاهسته ۳٤، کارهاء شایسته ٦۲

~: وَٱلْبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا (۱۸:٤٦)
دختران نیککار ٤۱، کردار نیک ٦۳، سامانیها ۸۸

~: وَٱلْبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا (۱۹:۷٦)
کردارهاء نیک ٤٤

~: قَدْ عَمِلَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۲۰:۷٥)
کردارهای نیکو ٥۸

~: وَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ (۲۰:۱۱۲)
کردارهای شایسته ۱۱۱

~: فَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۲۱:۹٤)
کارهای کردنی ۸٦

~: وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۲٤:٥٥)
کارهاءِ نیک ٥۱

~: وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ (۷:۲۹)
کردارهاء نیکو ۱۰۳

~: وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ (۵۸:۲۹)
نیکها ۳٤

~: لِيَجْزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ (۴۵:۳۰)
کارهاء شایسته ٦۲

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ (۸:۳۱)
نیکو ٦۱

~: إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ (۲٤:۳۸)
کارهاء نیک و شایسته ۸۱

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ (۸:٤۱)
نیکیها ۲۲، ستوده ۱۰۳

~: وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ (۲۲:٤۲)
نیکیها ۳۰، کارهای نیک و شایسته ۸۱، نیکوئیها ۹٦

~: ٱللَّهَ يُدْخِلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ (۱۲:٤۷)
کارهای نیک و شایسته ۸۱

~: ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ (۲۹:٤۸)
کارهای ستوده ۱۰۳

~: ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ (۱۱:٦۵)
کارها نیک و شایسته ۸۱، شایسته نیکو ۱۳٦

~: وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ (۳:۱۰۳)
شایسته ها ۱۲۰

ٱلصَّالِحُونَ: أُمَمًا مِّنْهُمُ ٱلصَّالِحُونَ (۱٦۸:۷)
نیکان و دادگران ۱۰، شاهسته ۳٤، نیکوکاران ٤۱، بسامان کاران ۱۰٤، شایسته گان ۱۰۹

~: يَرِثُهَا عِبَادِيَ ٱلصَّالِحُونَ (۱۰۵:۲۱)
شاهستگان ۳٤، نیک کاران ۵٦، نیک ٦۱، شایستگان ٦٤، پارسایان ۸۷، ستوده ۱۱۱، ستودگان ۱۳۳

~: وَأَنَّا مِنَّا ٱلصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَ (۱۱:۷۲)
نیکان ۱، نیک مردان ۳، نیک مرد آن ۱۰۰، بسامانان ۱۰۹

صَالِحَيْنِ: عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ (۱۰:٦٦)
نیکان هر دو ۲، دو نیک مرد ۳، هر دو نیک ۳۰، دو نیک ۳۸، نیک مردان ٦٤، نیکوکاران ۹۲، نیکوان ۹۵، شایستگان ۱۱٦، شایسته ۱۳٦

ٱلصَّالِحِينَ: وَإِنَّهُۥ فِي ٱلْءَاخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّالِحِينَ (۱۳۰:۲)
نیکان ۲، نیک مردان ۵۵، بهشتیان ٦۰، بسامان کار ۹۵

~: وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ ٱلصَّالِحِينَ (۳۹:۳)
نیکوکار ٦۱، پیغامبران ۷۵، نیکویان ۱۰۲

~: وَكَهْلًا وَمِنَ ٱلصَّالِحِينَ (٤٦:۳)
وارستگان ۸۰

~: وَأُولَٰٓئِكَ مِنَ ٱلصَّالِحِينَ (۱۱٤:۳)
نیکو مردان ٦۳

~: وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّالِحِينَ (٦۹:٤)
نیکان و پرهیزگاران ۱۰، نیک مرد آن ۹٤، بسامان کاران ۹۵

~: نَطْمَعُ أَن يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ ٱلْقَوْمِ ٱلصَّالِحِينَ (۸٤:۵)
نیک مردان ۳، سامان کاران ۹۵

~: وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ ٱلصَّالِحِينَ (۸۵:٦)
نیک و نیکوکاران ۸۸

~: وَهُوَ يَتَوَلَّى ٱلصَّالِحِينَ (۱۹٦:۷)
نیکان ۲، نیکوکاران ۵۸، بندگان نیکوکار ۱۳۰

~: لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلصَّالِحِينَ (۷۵:۹)
پارسایان ۳٤، نیکمردان ٦۱، نیکان بسامانان ۱۰۹

~: وَتَكُونُوا۟ مِنۢ بَعْدِهِۦ قَوْمًا صَٰلِحِينَ (۱۲:۹)
بسامان ۵۳، پدران و نیکان ۵۸، نیک ۷٦، شایسته کرداران ۱۲۲

~: تَوَفَّنِى مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِى بِٱلصَّٰلِحِينَ (۱۲:۱۰۱)
شاهستگان ۳٤، نیکان ۷٦، شایستگان ۱۳۳

~: وَإِنَّهُۥ فِى ٱلْءَاخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ (۱٦:۱۲۲)
نیکوکاران ۵۳، نیکویها ۱۱٤، شایسته کاران ۱۳۳

~: إِن تَكُونُوا۟ صَٰلِحِينَ فَإِنَّهُۥ كَانَ لِلْأَوَّٰبِينَ غَفُورًا (۱۷:۲۵)
بسامانان ۸، با سامانان ۳۹، نیکی کنند گان ۵۸، خوب کاران ۹٦، خوبان ۹۸، فرمان برداران ۱۱۳

~: وَكُلًّا جَعَلْنَا صَٰلِحِينَ (۲۱:۷۲)
شایستگان و بسامان ۱۰۹، شایستگان در کردار ۱۱۱، شایسته گان ۱۳۵

~: وَأَنكِحُوا۟ ٱلْأَيَٰمَىٰ مِنكُمْ وَٱلصَّٰلِحِينَ (۲٤:۳۲)
شایسته ۵٤، نیکان و شایستگان ۱۰۳، مردان شایسته ۱۱٦

~: وَأَلْحِقْنِى بِٱلصَّٰلِحِينَ (۲٦:۸۳)
نیکان ۱، شایستگان راه و برگزیدگان درگاه ۱۰۳

~: أَدْخِلْنِى بِرَحْمَتِكَ فِى عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ (۲۷:۱۹)
نیکان نیک مردان ۵۸، نیکان و پارسایان ۷٦، نیکان ۹۵

~: لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِى ٱلصَّٰلِحِينَ (۲۹:۹)
نیکان ـ شایستگان ۱۰۹، نیک بختان ۱۲٦

~: فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ (٦۳:۱۰)
نیک کاران ۹۲، نکوکاران ۱۱۳

~: فَٱجْتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَجَعَلَهُۥ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ (٦۸:۵۰)
نیک بند گان ٤۱، نیکان و پاکان ۹۲، ستود گان ۱۰۳

صَالُوا: لَا مَرْحَبًۢا بِهِمْ ۚ إِنَّهُمْ صَالُوا۟ ٱلنَّارِ (۳۸:۵۹)
درشداران ۱، اندر آیند گان ۲، درخواهند شدن ۲٤، بسوختگان ۲۹، اندر شوند ۳۸، درشوند گان ۳۹، درآمدند ٤۱، اندر روند ۵۳، در شدند ۸۱، در آمد گان ۱۱۱

~: ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا۟ ٱلْجَحِيمِ (۸۳:۱٦)
اندر آیند ۳۰، درآیند گان ٤۱، دربرند ۱۰۵، درآینده گان ۱۱۳، دریابند گان ۱۱٤، باز آیند گان ۱۲٦، درآیند ۱۳٤، آیند گان ۱۳۸

صَامِتُونَ: أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنتُمْ صَٰمِتُونَ (۷:۱۹۳)
خموش استاداران ۱، خاموشان ۲، خاموشان ۳، خاموش ۱۰، خواموشان ۵۸، خاموش باشند گان ۹۹

★ أَنْتُمْ صَامِتُونَ: أَمْ أَنتُمْ صَٰمِتُونَ (۷:۱۹۳)
خاموش باشید ۱۰، خاموش باشیت ٤۱، خاموش باشید ٤۳، شما خاموش باشیت ۵۵، خاموشان باشید ۷۹، همی خاموش باشید ۸۸، خاموشید ۹۸، خواموش باشید ۱۳۰

فَصَبَّ: فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (۸۹:۱۳)
فرو ریخت ۲، بفرستاد ۲٤، بریخت ۲۹، برریخت ۳۹، ببارانید ٦٤، ریخت ۹٦، فرستاد ۹۹

صَبًّا: أَنَّا صَبَبْنَا ٱلْمَآءَ صَبًّا (۸۰:۲۵)
ریختن ۱، بباریدن ۲٤، فرستادن ۲٦، فرو ریختن ۳۸، فرو بارانیدن ٦۷، ریزانیدن ۸۰، بارانیدن ۱۰۲، برریختن ۱۱۷

صَبَاح: فَسَآءَ صَبَاحُ ٱلْمُنذَرِينَ (۳۷:۱۷۷)
بامداد ۱، روزگار ٦٤، بامدادان ۹۹

صَبَّار: لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۱٤:۵)
شکیبا ۲، نیک شکیبای ۳، نیک شکیبا ۳۰، شکیبایی کننده ٤۱، شکیبای کننده ۹٦، شکیبا ۱۱٤

~: لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ [illegible]
نیک شکیبنده ۳، شکیبایی دار ۱۰۸

~: لَأَيَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳٤:۱۹)
شکیبا ۲، شکیبا کننده ۱۳۹

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (٤۲:۳۳)
شکیوایی کنار ۱، شکیبای ۲۲، نیک شکیبا ۳۲، سخت شکیبا ٤۱، شکیبای کننده ۸۱، شکیبنده ۱۰۲

صَبَبْنَا: أَنَّا صَبَبْنَا ٱلْمَآءَ صَبًّا (۸۰:۲٥)
بریختیم ۱، فرو ریختیم ۲، ببارانیدیم ۲٤، فرو ریختیم ۳۰، می فرستیم ۳٦، فرو بارانیدیم ٦۷، ریزانیدیم ۸۰، برریختیم ما ۸۹، ما فرو ریختیم ۹۹، بارانیدیم ۱۰۲، بریزانیدیم ۱۰٤، ریختیم ۱۱۱، بریختیم ما ۱۱۳، بریزیم ۱۳٦

ٱلصُّبْحُ: إِنَّ مَوْعِدَهُمُ ٱلصُّبْحُ (۱۱:۸۱)
سپیده دم ۲، سپیده دَم ٥٥، سپید دم ۹۲، سفیده ۱۲۷

~: وَٱلصُّبْحِ إِذَآ أَسْفَرَ (۷٤:۳٤)
بام ۱، سپیده ۲، سفیده دم ۳۰، بامداد ۳۹

~: وَٱلصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۸۱:۱۸)
بام ۱، سپیده دم ۲

صُبْحًا: فَٱلْمُورِيَٰتِ قَدْحًا فَٱلْمُغِيرَٰتِ صُبْحًا (۱۰۰:۳)
بامدادان ۲، سپیده دم ۸۷

صَبَّحَهُمْ: وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً (٥٤:۳۸)
بامداد کرد ۱، آمد ۳، بامداد بیامد ٥٦، سپیده دمان نمود ٦۱، بیامد ۹٦، بامدادان بیاید ۱۰۸، بامداد آمد ۱۳۸، سپیده گان زد ببامدادان ۱۳۹

صَبَرَ: وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ (٤۲:٤۳)
شکیوای کند ۱، شکیبایی کرد ۳۲، شکیبایی کند ٤۱

~: فَٱصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُوْلُوا۟ ٱلْعَزْمِ (٤٦:۳٥)
شکیوای کردند ۱، شکیبایی کردند ۲۲

ٱلصَّبْرُ: وَٱسْتَعِينُوا۟ بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَوٰةِ (۲:٤٥)
شکیبایی ۲، روزه ٦۰، شکیبائی ٦٤، شکیبایی کردن ۸۰، شکیبایی کردن ۹٤

~: ٱسْتَعِينُوا۟ بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَوٰةِ (۲:۱٥۳)
شکیبایی کردن ۲، شکیبائی کردن ۳۸، شکیبائی ٥٥، شکیباء یی ٥۷، بازداشتن ۱۰٤

~: فَصَبْرٌ جَمِيلٌ (۱۲:۱۸)
شکیبا کنم ٥۳، شکیبای ۹٦

~: فَصَبْرٌ جَمِيلٌ (۱۲:۸۳)
شکیوای ۱، شکیبایی ۲، شکیبای کردن ٤۹، شکیبائی ٥٥

~: وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلْمَرْحَمَةِ (۹۰:۱۷)
روزه داشتن ٦۷

صَبْرًا: رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا (۲:۲٥۰)
شکیوای ۱، شکیبایی ۲، شکیبایی ۳، شکیبای ۲۷، شکیب ٥٥، شکیبائی ٥٦، شکیبای ٥۷، شکیب ۸۰، شکیبا ۱۳۸

~: رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (۷:۱۲٦)
شگیبایی ۱۰، شکیبائی ۳۱

~: قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا (۱۸:٦۷)
شکیوای کردن ۱، شکیبایی کردن ۳، شکیبای کردن ٤۹، شکیبایی کردن ٥۳

~: إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا (۱۸:۷۲)
شکیفتن ۳، شکیبا بودن ۱۱٤

~: إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِىَ صَبْرًا (۱۸:۷٥)
شکیبایی کردن ۲

~: ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا (۱۸:۸۲)
شکیبائی ٤۳

صَبَرْتُمْ: سَلَٰمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ (۱۳:۲٤)

شکیوای کردید ۱، شکیبایی کردیت ٤۱، شِکیبا گَرْدیْد ۵۳، شِکیبَائي گَردیْت ۵۵، شکیبای کردید ۹٦، شکیبایی نمودید ۱۰٤، شَکیبا شدید ۱۱٤

~: وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّـٰبِرِينَ (۱۲٦:۱٦)
شکیوای کنید ۱، شکیبایی کردید ۵۲، شکیبایی کنید ۸۸، شکیبایی کنید شما ۱۲٤

صَبْرُکَ: وَٱصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِٱللَّهِ (۱۲۷:۱٦)
شکیوای ۱، شکیبایی ۵۲، شکیبای ۵۳، شِکیبَایی ۵۵

صَبَرْنَا: أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِن مَّحِيصٍ (۲۱:۱٤)
شکیوای کنیم ۱، شکیبایی کنیم ۲، شکیبای کنیمْ ۵۳، شِکیبَایی گَرْدیم ۵۵، شکیبایی کنم ۵۷، شکیبایی کنیم ما ۵۸، شکیبای کنیم ۹٦

~: لَوْلَآ أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا (٤۲:۲۵)
شکیوای کردیم ۱، شکیبایی کردیمی ٤۱، شکیبایی کردیمی ما ٤٦، شکیبایی کردیم ٦۱، پای بداشتمانی ما ۱۰٦

صَبَرُوا: فَصَبَرُوا۟ عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا۟ (۳٤:٦)
شکیبایی گردند ۲۷، شکیبایی گَردَند ٤۲، شکیبائی کردند ۵۳، شکابانی کردند ۸۰

~: وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ ٱلْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ بِمَا صَبَرُوا۟ (۱۳۷:۷)
شکیبا شدند ۱۱٤

~: إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ (۱۱:۱۱)
شکیبائی کردند ۳۸، شکیبای کنند ۵۳، شکیبائی ورزیدند ۱۲۳

~: وَٱلَّذِينَ صَبَرُوا۟ ٱبْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ (۲۲:۱۳)
شکیبایی کردندْ ۲، شکیبائی گَرْدَنْد ۵۳

~: ٱلَّذِينَ صَبَرُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (٤۲:۱٦)
شکیبایی کردند ۲، شکیبائی گردَند ۵۳

~: وَلَنَجْزِيَنَّ ٱلَّذِينَ صَبَرُوٓا۟ أَجْرَهُم (۹٦:۱٦)
شکیبایی کردندْ ۲، شکیبا بودند ٦٤

~: ثُمَّ جَـٰهَدُوا۟ وَصَبَرُوٓا۟ (۱۱۰:۱٦)
شکیبایی کردن ۳۰، شِکیبای گردَنْد ۵۳، شکیبایی نمودند ٦۱، شکیبایی کنند ۷٦، شکیبائي نموهند ۱۳۰

~: ٱلَّذِينَ صَبَرُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۵۹:۲۹)
شکیوای کردند ۱، شکیبایی ورزیدند ۱۰۳، شکیبایی ورزند ۱۳۲

~: وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا۟ (۲٤:۳۲)
شکیبایی می کردند ۵۸

~: وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُوا۟ (۳۵:٤۱)
شکیبای کردند ۲۲

~: وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا۟ حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ (۵:٤۹)
شکیبایی کردندی ۳۰ شکیبائي کردندی ۳۹، درنگ کنند ۵۳

~: وَجَزَىٰهُم بِمَا صَبَرُوا۟ جَنَّةً وَحَرِيرًا (۱۲:۷٦)
شکیبایی کردند ۲

صِبْغ: تَنۢبُتُ بِٱلدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْـَٔاكِلِينَ (۲۰:۲۳)
نـان خورش ۱، نـان خـورش ۲، خـورشـهـاء ۲٤، نـانـخـورش ٦۱، نـاخـورش ۹۰، نـان خـرش ۹۲، خوردنی ۹٤، نان و خورش ۱۱۱، نان خورشت ۱۲۰، خورش ۱۳٦، نان خوردن ۱۳۹

صِبْغَةً: وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ ٱللَّهِ صِبْغَةً (۱۳۸:۲)
نگاه داریت دین خدای را ۳، دین ۳۰، رنگ ٦٤، کیش ۱۰۹، گرفتن ۱۲٤

صُبُّوا: صُبُّوا۟ فَوْقَ رَأْسِهِۦ مِنْ عَذَابِ ٱلْحَمِيمِ (٤۸:٤٤)
بریزید ۱، بر ریزید ۲، بریزیت ۳، فرودبر ۱٦، فرو ریزید ۲۲، فرو ریزیت ۳۰، ریزید ٤۹، ریخته شود ۱۱۰

صَبِیًّا: وَءَاتَیْنَٰهُ ٱلْحُكْمَ صَبِیًّا (۱۹:۱۲)
کودکی ۱، کودک ۲، بکودکی ۵۳، در حال کودکی ۱۳۸

~: كَیْفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِی ٱلْمَهْدِ صَبِیًّا (۱۹:۲۹)
خورد ۱، شیرخوار ۳۶، کودک خرد ۵۹، کودک خورد ۸۷

بِصِحَافٍ: یُطَافُ عَلَیْهِم بِصِحَافٍ مِّن ذَهَبٍ (۴۳:۷۱)
آب دستانها ۴۹، جام ۵۳، کاسهاء ۶۴، کاسها ۶۹، جامها ۸۸، کاشنها ۹۱، کاسهای پهن ۱۱۱، گامها ۱۲۴، کاسه ها ۱۳۸

ٱلصُّحُفِ: مَا فِی ٱلصُّحُفِ ٱلْأُولَىٰ (۲۰:۱۳۳)
نامها ۱، کتابها ۹۱، نبشتها ۱۰۲

~: أَمْ لَمْ یُنَبَّأْ بِمَا فِی صُحُفِ مُوسَىٰ (۵۳:۳۶)
کراسها[1] ۹۱

~: فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ فِی صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ (۸۰:۱۳)
نوشتها ۱۰۲

~: وَإِذَا ٱلصُّحُفُ نُشِرَتْ وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ كُشِطَتْ (۸۱:۱۰)
نامها ۱۰۰، نامه ها ۱۲۰

صُحُفًا: أَن یُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنَشَّرَةً (۷۴:۵۲)
نامه ۱، نامها ۲، کراسها ۸۰، نامهاء ۹۰

ٱلصَّخْرَ: وَثَمُودَ ٱلَّذِینَ جَابُوا۟ ٱلصَّخْرَ بِٱلْوَادِ (۸۹:۹)
سنگ ۱، سنگها ۲۴، سنگ خاره ۳۶، سنگ کوه ۳۸، سنگهاء ۹۰، سنگ سخت ۱۰۲، کوهها ۱۰۶، سنگ ۱۲۴

ٱلصَّخْرَةِ: قَالَ أَرَءَیْتَ إِذْ أَوَیْنَآ إِلَى ٱلصَّخْرَةِ (۱۸:۶۳)
سنگ ۱، سَنگ ۵۵، سند ۱۰۷، سنگ لاخها ۱۳۶، سنگ بزرگ ۱۳۷

~: فَتَكُن فِی صَخْرَةٍ أَوْ فِی ٱلسَّمَٰوَٰتِ (۳۱:۱۶)
سنگ سخت ۳۴، کوهها ۶۱، دل سنگ ۱۳۲

صَدَّ: فَمِنْهُم مَّنْ ءَامَنَ بِهِۦ وَمِنْهُم مَّن صَدَّ عَنْهُ (۴:۵۵)
واززد ۱، برگشت ۲، بازداشت ۳، روی اندر گردانید ۱۰، بگرداند ۲۴، روی گرداند ۲۵، روی بگردانید ۲۷، برگشت ۲۹، روی گردانید ۳۰، برگردد ۳۴، برگشت ۴۲، رُوی گردانیدْ ۵۵، روی بگرداند ۵۶، روی برگرداند ۵۷، بگردند ۶۲، روی گردانیده است ۶۴، روی بگردانی ۶۹، بگردید ۷۶، دور شد ۸۸، بازگردد ۹۶، برگردند ۱۲۴

صَدٌّ: قِتَالٌ فِیهِ كَبِیرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِیلِ ٱللَّهِ (۲:۲۱۷)
واززدن ۱، بازگردانیدنْ ۲، بازگردانیدن ۳، واداشتن ۱۰، بازداشتن ۲۵، گردانیدن و بگرویدن ۲۷، گردانیدن ۳۰، بازگردانیدن ۴۲، روی گردانیدن ۶۱، برگشتن ۶۳، بازگرداندن ۷۴، بگردیدن ۷۶، برگردآنیدن ۱۰۰، بگردانیدن ۱۰۲، دور کردن ۱۲۴، بازداشتند ۱۳۰

صُدَّ: وَصُدَّ عَنِ ٱلسَّبِیلِ (۴۰:۳۷)
واززد[2] ۱، بازداشته شد ۲، برگردانیده شد ۳، بازداشتند ۳۸، بگردانید ۴۳، باززده ۶۱، برگردانیده شده بود ۶۴، گردانیده شد ۶۹، گمراه شد ۸۱، بازداشت ۹۲، گردیده شد ۱۱۴، بازداشته شده ۱۳۲، برگردیده شد ۱۳۴، بازداشته شده بود ۱۳۶، برگشت ۱۳۸

صَدَدتُّم: بِمَا صَدَدتُّمْ عَن سَبِیلِ ٱللَّهِ (۱۶:۹۴)
واززدید ۱، برگشتیت ۳، ورگردید باشی ۲۴،

---

۱. کُراسه: جزوی از جزوهای کتاب (کُراسه: قرآن مجید).
۲. واززد / باز زد.

روی بگردانیدی ۲۹، بازداشتید ۳۹، دوست داشتید ۵۳، بَر گَشْتِیتْ ۵۵، بگردانید شما ۵۶، بـر گـردی شـمـا ۵۷، بـاز زدیـد شـمـا ۵۸، روی گردانیدْید ۶۱، بر گشتید شما ۶۳، باز زدید ۷۲، بر گشتید ۱۰۶، بازایستادن شما ۱۱۱، بازاستید شما ۱۲۳، دور داشتید ۱۲٤، بازداشته باشید ۱۲۶

صَدَدْنَاكُمْ: أَنَحْنُ صَدَدْنَكُمْ عَنِ ٱلْهُدَىٰ (۳٤:۳۲)
وازدیم ۱، بازداشتیم ۲، بـر گـردانـیـدیـم ۳، ور گردانیدیم ۲۹، گردانیدیم ۳۶، می گردانیم ۳۹، ما بازداشتیم ۵۳، باز زدیم ۵۸، باز گردانیم ۶۱، بگردانیم ۱۰۹، بر گردانیم ۱۳٤

صَدْرًا: وَلَٰكِن مَّن شَرَحَ بِٱلْكُفْرِ صَدْرًا (۱۶:۱۰۶)
گور[1] ۱، دِلْ ۲، سینه ۲۹، دل ۵۳، سینَه ۵۵

صَدْرِكَ: فَلَا يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِۦ (۷:۲)
گور[1] ۱، دل ۲، سینه ـ دل ۱۰۹

~: وَضَآئِقٌۢ بِهِۦ صَدْرُكَ أَن يَقُولُوا۟ (۱۱:۱۲)
سینه ۳

~: وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ (۱۵:۹۷)
دِل ۲

صَدْرَهُ: فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهْدِيَهُۥ يَشْرَحْ صَدْرَهُۥ (۶:۱۲۵)
گور[1] ۱، دِل ۲، دل ۱۰

~: أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَٰمِ (۳۹:۲۲)
سینه ۳

صَدْرِي: قَالَ رَبِّ ٱشْرَحْ لِي صَدْرِي (۲۰:۲۵)
گور[1] ۱، دِل ۲، سینه ۲۹، دل و سینه ۵۸

~: وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِي (۲۶:۱۳)

دل ۲

ٱلصَّدْعِ: وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلرَّجْعِ وَٱلْأَرْضِ ذَاتِ ٱلصَّدْعِ (۸۶:۱۲)
شکافها ۳۰، شکاف ٤۲، شکافتن ۶۱، شکافته شدن ۷۹، شکافنده ۹۰، شکافت ۱۱۱، گیاه ۱۲۲، گیاهها برویاند ۱۳۹

صَدَفَ: وَصَدَفَ عَنْهَا (۶:۱۵۷)
روی گردانست ۱، روی اندر گرداند ۱۰، بر گردد ۲٤، بگردید ۲۹، روی گردانید ۳۰، روی گرداند ۳۶، بگشت ۳۹، روی بگرداند ٤۱، بر گردَد ٤۲، بگَردَدْ ۵۳، رُوی گردَانید ۵۵، بازداشت ۵۶، بازچسپد ۵۷، روی بگردانید و بگشت ۵۸، بگردد ۶۰، بگرداند ۶٤، باز گردد ۷۶، روی بگردانند ۹۰، باز گشت ۹۹، بر گشت ۱۰۰

ٱلصَّدَفَيْنِ: حَتَّىٰٓ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ ٱلصَّدَفَيْنِ (۱۸:۹۶)
دو که[2] ۱، دو کوه ۳، دو گوشه کوه ٤۳، دو گوه ۵۳، دُو کوُه ۵۵، دوراه ۹۰، بند ۱۰۰، دو کوه بلند ۱۰۲، دو کرانهٔ کوه ۱۲۶، دو کوه با کوهها ۱۳۲

صَدَقَ: قُلْ صَدَقَ ٱللَّهُ فَٱتَّبِعُوا۟ مِلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ (۳:۹۵)
راست گفت ۱، راسْت گُفت ۲، راست بکرد ۱۰، راست گفت است ۶٤، رآست فرمود ۱۰۰

~: وَصَدَقَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ (۳۳:۲۲)
راسْت گفت ۵۳

~: وَصَدَقَ ٱلْمُرْسَلُونَ (۳۶:۵۲)
راست گر گرفتند ۱، راست گفتند ۳۳، راست گفتار بودند ۵۶، رآست گفتند ۱۰۰

~: لَّقَدْ صَدَقَ ٱللَّهُ رَسُولَهُ ٱلرُّءْيَا بِٱلْحَقِّ (٤۸:۲۷)
راست کرد ۱، راست ساخت ۱۱۱، راست گردانید

---

۱. گور: سینه.
۲. دو که / دو کوه.

۱۱٦

صَدَّقَ: وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُۥ (۲۰:۳٤)
راست کرد ۱، راست گردانید ۲، راست بکرد ۲٤، درست کرد ۳۹، راست گفت ٤۲، راست شد ٤۳، خود راست کرد ۹٦، راست یافت ۱۰۳

~: بَلْ جَآءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ (۳۷:۳۷)
راست گُو داشت ۲، راست کردشت ۲۲، استوار داشت ۳۳، راست گوی دارنده ٦۱، راست گوی کرده است ٦٤، باور داشت ۸٦، راست گفتند ۱۰۵، راست گوی داشت و باورداشت ۱۰۹، راستگوی داشت ۱۲۱، راست گوی کرد ۱۳۹

~: وَالَّذِي جَآءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ (۳۳:۳۹)
راست گوی داشت ۳، استوار داشته است ٦٤، براست داشت ۱۰۰، راست شمرد ۱۲۳

~: فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۳۱:۷۵)
کرد باور ۲۹، راست داشت ۳۸، باور کرد ۱۳۲

~: فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ (٦:۹۲)
راست گر گرفت ۱، راست دارد ۳۹، استوار دارد ٦٤، براست داشت ۸۹، برآست داشت ۱۰۰، راست پندارد ۱۳٦

★ لَا صَدَّقَ: فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ (۳۱:۷۵)
راسْت گُو نداشت ۲، استوار نداشت ۳۰، رَاست نگفت ٤۲، راست گوی نداشت ٦۱، نکرد باور ۹٦، برآست نداشت ۱۰۰، باور نداشت ۱۰۹، راست نداشت ۱۳۸

اَلصِّدْقِ: أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِندَ رَبِّهِمْ (۲:۱۰)
نیک ۱، بزرگوار ۲۹، بزرگ ۱۲۱

~: وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ (۹۳:۱۰)
نیکو ۳، نیک ۲۹، نِیکو وُ پِسَنْدیَده ۵۵، بزرگ و نیکو و خوش ٦۰، شایسته و بسزا ۱۱٦، سزا. شایسته ۱۲۰، راست و نیک ۱۲۱، بسزا ۱۲۳

~: رَّبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ (۸۰:۱۷)
راسْت ۲، نِیکو وَ پِسْنِدیدَه ۵۵، نیکویی ۱۳٦

~: وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (۵۰:۱۹)
نیکوا ۱، رَاسْت ۲، راستین ٤٤، راست گو ٤۸، رآست ۱۰۰، راستی و ستایش ۱۱۱، راست نیکو ۱۱۹، راست گویی ۱۳٦

~: وَاجْعَل لِّي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ (۸٤:۲٦)
نیکو و راست ٦٤، رَاستی شنا[1] و خوب ۷٦، نیکو راست ۹۲، نیکنامی ۱۰۸، باز ۱۳۸

~: وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَآءَهُۥٓ (۳۲:۳۹)
راستی ۱

~: وَالَّذِي جَآءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ (۳۳:۳۹)
سخون راست ۷۲، سخن راست ۱۱٦

~: وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۱٦:٤٦)
راست ۱، راست و روشن ۱۱۳

~: فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (۵۵:۵٤)
خوش ۱، پسندیده ۳، گرامی ۲٤، شایسته ٤۹، درست ۹٦، پسندیدهٔ راستی و سزا ۱۰۹

★ لِسَانَ صِدْقٍ: جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (۵۰:۱۹)
ستایش نیکویٓ ۹۱

★ مُدْخَلَ صِدْقٍ: رَّبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ (۸۰:۱۷)
درآوردنی نیکوٓ ۳

صِدْقًا: وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا (۱۱۵:٦)
راستی ۱، راست ۳، راست کردن ۳۹، راست گُوی

۱. کذا در متن اصلی (؟) آیا کلمه تحریفی از واژهٔ «ثنا »ست ؟

۵۷، راست گفتن ۵۸، راستی و درستی ٦٤، راست گفتار ۸۲، راست بگفتار ۸۸، بر آست دارنده ۱۰۰، از روی راستی ۱۲۷

ٱلصَّدَقَاتِ: إِن تُبْدُوا۟ ٱلصَّدَقَٰتِ (۲:۲۷۱)
دادنیها ۱۰۹

صَدَقَاتِكُمْ: لَا تُبْطِلُوا۟ صَدَقَٰتِكُم بِٱلْمَنِّ وَٱلْأَذَىٰ (۲:۲٦٤)
دهشها ۱۰۹

صَدُقَاتِهِنَّ: وَءَاتُوا۟ ٱلنِّسَآءَ صَدُقَٰتِهِنَّ نِحْلَةً (٤:٤)
کاوینها ۱، کابپنها ۲، مهرها ۲۵، کابینهَا ۵۵، کابین ۷۲، کابنهاء ۹۰، کاوین ۹٦، مَهْرها ۱۰٤، کاوین ها ۱۱۸، کابین ها ۱۱۹

فَصَدَقَتْ: قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ (۱۲:۲٦)
راست گفت زن ۱ راست گفت آن زن ۲۹، راست گفته باشد ۳۰، راست گوید ۳٦، راست گفته است ۵۳، راست گفت ۵۸، راست همی گوید زن ٦۲، راست می گوید ٦۳، راست گُفت ۷٦، راست میگوید ۹۳، راست گفته است آن زن ۹٤

أَصَدَقْتَ: قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقْتَ (۲۷:۲۷)
راست گفتی ۱، راست می گویی ۲٤، راست می گویی تو ۷٦، راست گفتی تو ۸۹، تو راست گفتی ۱۳۹

صَدَّقَتْ: وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَٰتِ رَبِّهَا (٦٦:۱۲)
راست کر گرفت[1] ۱، راست داشت ۲، راست گوی داشت ۳، راست کرد ۲٤، راست دَاشت ٤۲، راست گفت ۹۲، براست د آشت ۱۰۰، باور داشت ۱۰۲، براست داشت ۱۰٦، استوار داشت ۱۰۹

صَدَّقْتَ: قَدْ صَدَّقْتَ ٱلرُّءْيَآ (۳۷:۱۰۵)
راست کردی ۱، راست کردي ۲، راست کِرْدی ۲۲، راست بکردی ۲٤، براست کردی ۲۹، راست کردی تو ٦۱، رآست کردی تو ۱۰۰، راست گردانیدنی ۱۱۳، راست گردانیدی ۱۲۱

صَدَقَةٍ: خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَآ أَذًى (۲:۲٦۳)
دادن ۱۰٤، دادنی ۱۰۹

~: إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ (٤:۱۱٤)
دهش ۱۰۹

~: فَقَدِّمُوا۟ بَيْنَ يَدَىْ نَجْوَىٰكُمْ صَدَقَةً (۵۸:۱۲)
آنچه بدرویش دهند ۳

صَدَقْتَنَا: وَنَعْلَمَ أَن قَدْ صَدَقْتَنَا (۵:۱۱۳)
راست گفتی ۱، رَاسْت گُفتی ۲، راست کنیم ۹، راست مِی گویی تو ۲٤، راست می گویی ۳٦، راست گفتی ٤۲، تو راست گفتی ۵۷، راست گویی تو ۵۸، راست کردی تو ٦۱، راست گفتن تو ۱۳۸

صَدَقَكُمُ: وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ ٱللَّهُ وَعْدَهُۥٓ (۳:۱۵۲)
راست کرد ۱، راسْت کرْد ۲، راست بکرد ۱۰، راست گفت ۲۹، راست کرده بد ٤۰، راست گرد ٤۲، رَاسْت گرْد ۵۵، رآست کرد ۹٤، راست گردانند ۱۰۱، راست گردانید ۱۰٤، راست گُوتان ۱۱٤

صَدَقَنَا: ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى صَدَقَنَا وَعْدَهُۥ (۳۹:۷٤)
راست کرد ۱، راست بکرد ۳٤، راست گفت ۹٦، رآست کرد ۱۰۰، راست گردانید ۱۳۲

صَدَقْنَاهُمُ: ثُمَّ صَدَقْنَٰهُمُ ٱلْوَعْدَ فَأَنجَيْنَٰهُمْ (۲۱:۹)
راست کردیم ۱، راسْت کردیم ۲، راست داشتیم و راست کردیم ٤۱، راست کردَیم ٤۲، راست گرْدیم ۵۳، راست کردیم ما ۵٦، رَاست گفتیم

۱. راست کر گرفت: راستگو داشت.

۸۶، راست گردانیدیم ما ۱۰۰، راست گردیم ۱۰۸، راست گردانیدیم ۱۱۱، براست داشتیم ما ۱۱۷

صِدْقُهُمْ: هَٰذَا يَوْمُ يَنفَعُ ٱلصَّٰدِقِينَ صِدْقُهُمْ (۵:۱۱۹)
راست گفتن ۲، راست ۱۰ مکرر، راست گویی ۲۹، راستی ۴۲، درستی ۱۳۰

~: لِّيَسْـَٔلَ ٱلصَّٰدِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ (۳۳:۸)
راست گفتن ۱، استی گران ۱۷، راست گردانیدن ۱۰۴، راستی ۱۱۱

صَدَقُوا: أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُوا (۲:۱۷۷)
رَاسْت گُفتنْد ۲، راست کردند ۳، راست گو باشند ۲۹، راست باشند ۴۰، راست گُفتَند ۴۲، رَاسْت گُفتَند ۵۵

~: حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُوا (۹:۴۳)
رَاست گُفتَند ۵۵، رَاست هَمِی گُویُند ۶۲، رآست گفتند ۱۰۰، راست کنند ۱۱۲، راست می گفتند ۱۲۶، راست گفتار بودند ۱۲۷، راست میگفتند ۱۲۹

~: فَلَيَعْلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُوا (۲۹:۳)
راست گفتند ۱، راست گوی ۲۱، راست گوی بودند ۲۴

~: ٱلْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَٰهَدُوا ٱللَّهَ عَلَيْهِ (۳۳:۲۳)
راست بکردند ۴۳، راسْت کَرْدَنْد ۵۳، راست کردند و راست گفتند ۵۶، راست کرده‌اند ۱۱۱، راست گردانیدند ۱۱۳

~: فَلَوْ صَدَقُوا ٱللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ (۴۷:۲۱)
راست گفتندی ۱، راستی کردندی ۶، راست کردندی ۳۹، راست گوی دارند ۴۱، راست گویند ۵۱، راست کردارند ۶۱، براست دارند ۱۰۰، راست گفته‌اند ۱۱۱

صَدَّهَا: وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعْبُدُ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۲۷:۴۳)
بازداشت ۲، بگردانید ۳۹، بگردانیده بود ۴۷، دُورْ گردْ ۵۳، باز گردانیده بود ۶۴، باز زد ۷۴، روی بگردانید ۱۰۵، بر گردانید ۱۰۶، بازداشت بگردانیده بود ۱۰۹، گردانید ۱۲۱، بر گردانیدند ۱۳۸

صَدَّهُمْ: فَصَدَّهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ (۲۷:۲۴)
بازداشت ۲، گردانید ۳، بگردانید ۲۴، بگردانیده است ۴۸، باز زد ۵۸، بر گردانیده بود ۶۲، بگرداننده است ۷۶، گردانید است ۹۲، بازداشته است ۱۰۳، بازداشته ۱۱۱

~: فَصَدَّهُمْ عَنِ ٱلسَّبِيلِ (۲۹:۳۸)
واز زد[1] ۱، باز گردانید ۲۷، بر گردانید ۱۰۶، بگردانید ـ بازداشت ۱۰۹، دور کرد ۱۳۹

وَبِصَدِّهِمْ: وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ (۴:۱۶۰)
واز زدن ۱، باز گردانیدن ۲، گردانیدن ۳، واداشتن ۱۰، بازداشتن ۲۴، گشتن ۲۷، گشتن ۳۰، بازداشت ۴۱، بازشدن ۵۸، روی گردانیدن ۶۱، باز زد کردن ۶۴، گشت ۷۵، بر گردانیدن ۸۳، بر گشتن ۸۹، باز زدن ۹۲

صَدُّوا: وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ (۴:۱۶۷)
واز زدند[2] ۱، بازداشتند ۲، واداشتند ۱۰، بازداشته‌اند ۳۴، باز زدند ۵۸، باززد کردند ۶۴، بر گردیدند ۷۲، بر گردند ۷۵

~: فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ (۹:۹)
بر گردانیدند ۳، می وادارند و مَی واگردانند ۱۰،

۱. واز زد / باز زد.
۲. واز زدند / باز زدند.

بی راه شدند و بازداشتند ۱۱، روی بگردانیدند ۲۹، بیراه شدند ۳۸، روی بتافتند ۴۳، گردیدند ۵۷، گشتند ۶۳، بازد آشتند ۹٤

~: كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ زِدْنَٰهُمْ (۱٦:۸۸)
بَاز دَاشتند ۵۳، باز گردَانیدَند ۵۵، روی گردانیدند ٦۱، بر گردانیدید ۱۱۹، بازداشته‌اند ۱۲۰

~: ٱلَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَٰلَهُمْ (٤۷:۱)
بر گشتند ۳، باز گشتند ۳۰، روی گردانیدند ٦۱، باز گردیدند ۹٦، بگردیدند ۱۲۵، روی بگرداندند ۱۳۹

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ (٤۷:۳۲)
بازداشتند ۲، بازداشتَند ۸۱، برگردانید ۱۱۹

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ (٤۷:۳٤)
بگشتند ٦، بر گشتنْد ۲۲، بر گشتند ۱۱۹

~: ٱتَّخَذُوٓا أَيْمَٰنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ (۵۸:۱٦)
بازداشتند ۳۸، می گردانیدند ۳۹، بر گشتند ٤۲، بر گشتید ۸۱، بگشته‌اند ۸۷، بازداشتن ۱۰۸، بازمیدارند ۱۱۱

صُدُّوا: وَصُدُّوا عَنِ ٱلسَّبِيلِ (۱۳:۳۳)
واز زدند ۱، بازداشته شدند ۲، بر گشتند ۳، بگردانیدندشان ۵، بگردانیده شدند ۲۹، بازداشته‌اند ایشانرا ۳٤، روی بگردانیدند ۳۹، بازداشتند ٤۱، دوُر گرْدَنْد ۵۳، بَر گردَانیدَه شُدَند ۵۵، بگردانیدند ۵٦، باز زدند ۵۸، بر گردانیده شدند ٦۳، بازدارند ۷٤، بازداشته شد ۹۸، بازداشته شده‌اند ۱۱۱، بر گردیده شدند ۱۱٤، دور شدند ۱۲۱، بازداشتند ایشانرا ۱۲۸

صُدُودًا: يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودًا (٤:٦۱)
روی گردانستن ۱، باز گَشْتن ۲، روی گردانیدن ۳، روی بگردانیدن ۱۰، گردیدن ۲٤، رو گردانیدن ۲۵، بر گردیدن ۲۹، بازداشتن ٤۱، باز گردِیدَن ٤۲، باز گردیدن ۵۲، دور شدن ۵۳، رُوی گردَانیدَن ۵۵، باز گردانیدن ۵٦، گردانیدن ٦۹، بر گشتن ۷۵، باز گشتن ۸۲، باز کشتن ۸۳، روی گرداندگان ۹۰، روی گرداندن ۱۰۹، رو گردانیدن ۱۱۵، گشتن ۱۲۱

ٱلصُّدُور: إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۳:۱۱۹)
گورها ۱، دلها ۲، سِينَها ۵۵

~: وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۳:۱۵٤)
گورها ۱، سینها ۲۷

~: وَٱتَّقُوا ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۵:۷)
دلها و سینها ۷۰، دل ۸۲

~: إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۸:٤۳)
سینها ۳

~: وَشِفَآءٌ لِّمَا فِى ٱلصُّدُورِ (۱۰:۵۷)
دِلهَا ٦۲

~: إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۱۱:۵)
سِينَها ۵۲، سینهاء ٦٤

~: وَلَٰكِن تَعْمَى ٱلْقُلُوبُ ٱلَّتِى فِى ٱلصُّدُورِ (۲۲:٤٦)
سینها ۲، سینه ها ٤۳، بر[۱] ۵۳

~: إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۳۹:۷)
سِينَها ۸۱

~: يُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (۵۷:٦)

---

۱. بر: سینه و صدر.

دِلها ۲

صُدُورِكُمْ: قُلْ إِن تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ (۳:۲۹)
دل ۲۴، سینه ها ۲۸، سینها ۵۵، دلهاء ۹۰

~: وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ (۳:۱۵٤)
گورها ۱، سینها ۲۷

~: أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ (۱۷:۵۱)
دِلها ۵۳

صُدُورُهُمْ: وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ (۳:۱۱۸)
سینها ۳

~: أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ (٤:۹۰)
سینها ۱۰۰

~: أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ (۱۱:۵)
سینها ۹٤

~: وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا (۱۵:٤۷)
دلها ۲، دِلها ۵۳، دلهاء ٦۲

~: وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ (۲۷:۷٤)
گورها ۱

~: وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ (۲۸:٦۹)
سینه ها ۵۳، سینهاء ٦٤

~: وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً (۵۹:۹)
سینها ۸۱

صَدُّوكُمْ: شَنَآنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ (۵:۲)
بازگردانیدند ۲، بازداشتند ۳، واداشتند ۱۰، بازگردانند ۱۰ مکرر، بگردانند ۲۷، واز زدند ۳۷، روی برگردانید ٦۱، برگردانید ٦۳، بازگردانند ۸۸، واگردانیدند ۱۰۲، برگردانند ۱۰٦

~: كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (٤۸:۲۵)
گردانیدند ۳، بگردانیدند ٦

صَدِيدٍ: مِّن وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِن مَّاءٍ صَدِيدٍ (۱٤:۱٦)
زرداب ۱، خون آب ۲، ریم ۵، زرداب و هب وریم ۲٤، خونابه و ریمابه ٤۱، خون آبه و ریم ٤۲، زرد آب ۵۵، شورش ۵۷، ریم آب و خوناب دوزخیان ۵۸، ریم آب ۵۹، خون و ریم ٦۰، آبی که از دوزخیان رفته باشد ۷٦، زرداب و خون آب ۸۳، تافته ۹۱، خوناب ۱۰۲، آنچه از تن دوزخیان رود ۱۰٤، خونابه و ریم ۱۰۵، ریم و زردابه ۱۱۱، زرد ۱۱۲، چرک و ریم ۱۱٦، خوناب دوزخیان ۱۱۹، آب زرد ۱۲۱، جوشانیده ۱۲٤، خونابهٔ دوزخیان ۱۲۷، امیخته بریم ۱۳۳، چرک ۱۳۵

ٱلصِّدِّيقُ: يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا (۱۲:٤٦)
راست گوی ۱، راست گفتار راست کردار ۲، نیک راست گوی ۳، راستگوی ۲٤، نیک راست گوی ۵۵، راست گفتار راست کردار ۸۳، راست گو ۸۸، راست گفتار، راست کردار ۹٤، راست گفتار و کردار ۹٦، رآست گوی ۱۰۰، راست گفتار ۱۰۵، راستگو ۱۰٦، بسیار راست گوینده ۱۱٦، راستگوینده ۱۲۱، بسیار راست گو ۱۲۷، راست گفتار یا راست کردار ۱۲۸

صَدِيقٍ: فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ (۲٦:۱۰۱)
دوست ۱، دوست راست ٦٤، دوست و خویش ۱۳٦

صِدِّيقًا: إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا (۱۹:٤۱)
راست گوی ۱، راست گو راست کار ۲، راست کار ۲٤، سخت راست گو ۳٦، سخت راست گوی ۵۸، راست گوی و راست کار ٦٤، رآست گوی ۱۰۰، راست آهنگ ۱۰۲، راست گفتار، راست کردار ۱۰۳، راستگوی ۱۰٦، راست گفتار ۱۳۲

~: وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا (۱۹:۵٦)
راست گو ۲، راست گو ۳۰، سخت راستگوی ٤۱، راست گر ۵۳، نیک راست گوی ۷۹، راستگو ۱۰٦، پیوسته راست گوی ۱۰۹، بسیار راست گو ۱۱۱، بسیار راست گفتار ۱۱٦

صِدِّيقَةٌ: إِلَّا رَسُولٌ...وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ (۵: ۷۵)
راست گوی ۱، راست گو راست کار ۲، نیک راست گوی ۳، راست گوی و راستکار ۱۰ مکرّر، راست کار ۲۹، راستگوی ۳۰، راستگوی دارنده ۴۳، نیک رَاسْت گُو ۵۵، راست گو ۵۷، سخت راست گوی ۶۳، نیک باور دارنده ۷۹، راستکار ۸۸، راست گوی دارنده ۹۲، راست گوینده ۹۶، راست آهنگ ۱۰۲، راستگو ۱۰۶، بسیار راست گفتار ۱۲۲، راست گو و راست کردار ۱۲۴، راست کار و راست گوی ۱۲۷

صَدِيقِكُمْ: أَن تَأْكُلُوا مِنۢ بُيُوتِكُمْ... أَوْ صَدِيقِكُمْ (۲۴: ۶۱)
دوست ۲، دوستان ۳۰، دُوست ۵۱، دوستی ۱۰۸

ٱلصِّدِّيقُونَ: أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصِّدِّيقُونَ (۵۷: ۱۹)
راست گویان ۱، نیک راست گویان ۳، راستگیران ۲۹، راست دارند گان ۳۰، رَاست دارَندِ گان ۴۲، رآست گویان ۱۰۰، راست گویان راست کاران ۱۰۸، بسیار راست گویان ۱۱۱، راست گویند گان ۱۲۹

ٱلصِّدِّيقِينَ: مِنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلصِّدِّيقِينَ (۴: ۶۹)
راست گویان ۱، راسْت گویان راست دلان ۲، نیک راست گویان ۳، راست گویان و راست کاران و راست دلان ۱۰، راستگویان ۵۳، رآست گفتاران ۹۴، نیک راست گوی دارند گان ۹۷، رآست گویان ۱۰۰، راست آهنگان ۱۰۲، بسیار راست گویان ۱۲۲

صِرٌّ: فِي هَٰذِهِ... كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ (۳: ۱۱۷)
سرد ۱، سَرْما ۲، سرمای سخت ۳، سرما ۲۳، سرما سخت ۲۵، سَرما ۲۷، زمهریر ۴۰، باد سرد ۴۱، سرمای ۴۸، سَرمَایِ سَخْت ۵۵، بانگ ۵۶، سرمَا سرد ۸۸، سردی ۹۰، سخت سرما ۹۶، سرماء سخت ۱۰۱، سخت ۱۱۲، سرماها ۱۲۹، باد سخت ۱۳۳، سردی سخت ۱۳۴

ٱلصِّرَٰطَ: ٱهْدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلْمُسْتَقِيمَ (۱: ۶)
رَاهْ ۵۵

~: وَٱللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۲: ۲۱۳)
رَاه ۲

~: فَٱعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۳: ۵۱)
[ر]اه ۲۵

~: وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۶: ۳۹)
راه ۱

~: وَهَٰذَا صِرَٰطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا (۶: ۱۲۶)
راه و دین ۵۸

~: وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَٰطٍ تُوعِدُونَ (۷: ۸۶)
راه گُذر ۱۰، راه گذر ۲۷، گذرگاه ۳۶

~: إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۱۱: ۵۶)
جادّه ۱۰۴

~: وَيَهْدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَمِيدِ (۳۴: ۶)
راه راست ۶۴

~: وَلَا تُشْطِطْ وَٱهْدِنَآ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلصِّرَٰطِ (۳۸: ۲۲)
رَه ۱

~: وَإِنَّكَ لَتَهْدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۴۲: ۵۲)
راه

★ إِلَىٰ صِرَٰطٍ: وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۵: ۱۶)
براه ۳۷

★ سَوَاءِ الصِّرَاطِ: وَٱهْدِنَآ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلصِّرَٰطِ (۳۸: ۲۲)
میانه راه ـ راه راست ۹۱

صِرَٰطًا: وَلَهَدَيْنَٰهُمْ صِرَٰطًا مُّسْتَقِيمًا (۴: ۶۸)
رَه ۱

~: وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَٰطًا مُّسْتَقِيمًا (۴: ۱۷۵)

راه ۲

صِرَاطَكَ: لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَٰطَكَ ٱلْمُسْتَقِيمَ (۱٦:۷)
ره ۱، راه ٤٥

صِرَاطِي: هَٰذَا صِرَٰطِي مُسْتَقِيمًا فَٱتَّبِعُوهُ (۱۵۳:٦)
راه ۵۳

صَرَّة: فَأَقْبَلَتِ ٱمْرَأَتُهُۥ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا (۲۹:۵۱)
بانگ ۱، بانگ سخت ۲، آواز ۳٦، بنگ ۳۹، بانگ کردن ٤۲، بانگ زدن ۵۳، آواز کردن ۷۹، جامهٔ کهنه ۸۱، بانگ و گریه ۹٦، تاریکی ۱۰۲، بانگ و آواز ۱۰۹، فریاد ۱۱۱، دشخواری ۱۱۳، روی خراشیدن ۱۱۷

صَرْح: قِيلَ لَهَا ٱدْخُلِي ٱلصَّرْحَ (٤٤:۲۷)
کوشک ۱، کوشک ۲، گرد کوشک ۱۵، کوش[1] ٤٦، گوشه ٤۹، سرای ٦٤، میان سرای ۷۸، گنبد ۷۹، سرای ۹۲، کوشک ـ کاخ ۱۰۹، گنبد ۱۱۳

صَرْحًا: فَٱجْعَل لِّي صَرْحًا لَّعَلِّيٓ أَطَّلِعُ (۳۸:۲۸)
کوشک ۵۳، کوشک بلند ۵٦، کاخ بلند ٦٤

~: يَٰهَٰمَٰنُ ٱبْنِ لِي صَرْحًا لَّعَلِّيٓ أَبْلُغُ ٱلْأَسْبَٰبَ (۳٦:٤۰)
کوشک ۱، کاخ ٦٤

صَرْصَر: فَأُهْلِكُوا۟ بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (٦:٦۹)
سرد ۱، سخت سرد ۲، سخت آواز سرد ۳، سخت جهنده ۱۹، سخت تند ۳۹، سرد سخت ٤۱، سخت ۵٦، سرد با بانگ ٦۷، سخت و سرد ۷۹، سخت آواز ۸۰، سخت خارج از عادة ۸٤، سخت سرد و تند جهنده ۱۱٦، سخت وزنده ۱۲۲، باد سخت ۱۲٦

صَرْعَى: فَتَرَى ٱلْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ (۷:٦۹)
اوکندگان[2] ۱، افتاده ۲، اوکنده ۸، افتاده چون دیوانه مرده ۱۹، افتاده ۲٤، فتاده ۲۹، افکنده ۳٤، افکندگان ٤۳، افتادگان مرده ۵٤، بازمانده و افتاده ٦٤، اَفتادَه وَ اَز خودْ بازمانده ۷۸، افتادگان ۹٤، افتاده و از خود بازمانده ۹۸، باد افکنده شده ۱۰۲، مردگان افتاده ۱۰۳، شبا افتاده ۱۰۸، انداخته شدگان ۱۰۹، افتادگان ـ مردگان بزمین افتاده ۱۱٦، مردگان ـ افتادگان ۱۲۰، بیهوشان ۱۲۱، سخت افتادگان ۱۲۲، بیهوش شده ۱۲٦، مردگان ۱۳۱، بروی درافتاده و دیوانه ۱۳٦

صَرَفَ: صَرَفَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُم (۱۲۷:۹)
گردانید ۳، واگردانیده بود ۲٤، بازگرداناد ۲۷، ورگردانید ۲۹، گردانید ۵۵، بازگرداند ۵٦، بگردانیده است ٦٤، برگرداناد ۵۳، گرداند ۱۱٤، گردانیده است ۱۱٦

~: فَٱسْتَجَابَ لَهُۥ رَبُّهُۥ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ (۳٤:۱۲)
بگردانست ۱، بازگردانید ۲، بگردانید ۲۹، برگردانید ٦۲، بگردانید ۷٦، بگردآنید ۱۰۰

صَرْفًا: فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا (۱۹:۲۵)
بازگردانیدن ۲، گردانیدن ۲٤، واگردیدن ۲۹، بازداشتن ٤۲، بگردانند ٤۷، گردیدن ۸۹، واگردن ۱۱۳

صُرِفَتْ: وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَٰرُهُمْ تِلْقَآءَ أَصْحَٰبِ ٱلنَّارِ (٤۷:۷)
گَردانسته شهد[3] ۱، گردانیده شود ۳، واگردانند ۱۰، واگردانند ۲٤، بگردانند ۲۷، بازگردانند ۵۲، بازگَرْدانَنْد ۵۳، گردانیده شوند ٦۱، برگردانند ۷٦، بگردانیده شوند ۸۹، بازگردانیده شود ۹٤،

---

۱. متن اصلی: کوس (بدون نقطه).
۲. اوکندگان / افکندگان.
۳. گر دانسته شهد / گردانیده شود.

بازداده شود ۱۰٤، برگردانیده شود ۱۰٦، گردیده شود ۱۱٤، بازگردانیده ۱۲٤

صَرَفَکُمْ: ثُمَّ صَرَفَکُمْ عَنْهُمْ لِیَبْتَلِیَکُمْ (۳: ۱۵۲)
واگردانید ۱۰، برگردانید ۲۳، ورگردانی ۲٤، بازگردانید ۳٤، بگرداند ۳٦، می گرداند ٤۱، بازگرداندَ ٤۲، برگرداند ۵۲، بازگردید ۸۸، برگردآنید ۱۰۰

صَرَفْنا: وَإِذْ صَرَفْنَآ إِلَیْکَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ (٤٦: ۲۹)
بگردانستیم ۱، گردانیدیم ۲، بازگردیدیم ۱۷، بازگردانیدیم ۲۲، بازگردانیم ۳۰، بگردانیدیم ۳۹، بگردانیم ٤۱، بگردانیدیمْ ٦۱، بگردانیدیم ما ٦٤، گردانیدیم ما ۹۲، بازگردانیدیم ما ۱۲٤

صَرَّفْنا: وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِی هَٰذَا الْقُرْءَانِ لِیَذَّکَّرُوا (۱۷: ٤۱)
پدید کردیم ما ۲٤، پیدا کردیم ۳۹، درگردانیدیم ما ۵۲، گرْدانِیدیم ۵۵، جدا کردیم ۵۹، گردانیدیم ما ٦۱، هویدا کردیم ٦۳، بگردانیدیم ما ۷٦، ما گردانیدیم ۹٦

~: وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِی هَٰذَا الْقُرْءَانِ (۱۷: ۸۹)
دیدور کردیم ۱، ما برگردانیدیم ۵۲، پَدیْد گرْدیمْ ۵۳، بگردانیم ۵۹، بگرْدانیدیم ٦۲، واگردانیدیم ما ٦۳

~: وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِی هَٰذَا الْقُرْءَانِ لِلنَّاسِ (۱۸: ۵٤)
پدید کردیم ۲، گردانیدیم ۸، پَدید گرْدیمْ ۵۳، گرْدنیدیم ۹۱

~: وَصَرَّفْنَا فِیهِ مِنَ الْوَعِیدِ (۲۰: ۱۱۳)
گردانیدیم ـ پدید کردیم ۲، پدید گرْدیم ۵۳، هویدا کرْدیم ما ۸۹، گرداندیم ۱۲۱، بیان کردیم ۱۳۸

~: وَصَرَّفْنَا الْءَایَٰتِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ (٤٦: ۲۷)
بگردانیدیم ۲، پدید کردیم ۱۷، پدید کِردیم ۲۲، پیدا کردیم ما ۲٤، بگذرانیدیم ۳۰، پدید گرْدیمْ ۵۳، گردانیده بودیم ۱۱٦

صَرَّفْناهُ: وَلَقَدْ صَرَّفْنَٰهُ بَیْنَهُمْ لِیَذَّکَّرُوا (۲۵: ۵۰)
پیدا کردیم ۲، فاواگردانیدیم ۱۵، بگردانیدیم ٤۳، گردانیدیم ٤٦، بگردانیم ما ۵۸، گردانیم ۷٦، همی گردانیم ـ پیدا همی کنیم ۱۰۸، هویدا کردیم ۱۱۷، همی گردانیم ۱۲۸، میگردانیم ۱۳۲، واگردانیدیم ما ۱۳۸، بگردانیدیم ما ۱۳۹

فَصُرْهُنَّ: فَصُرْهُنَّ إِلَیْکَ (۲: ۲٦۰)
بهم کن ۱، خسبان ۳، پاره پاره بَکن ۱۰، پاره پاره کن ۲٤، پاره پاره کن و بهم برکن ۲۵، بپاره کن ۳٤، پاره کنِ ٤۱، بَیار ٤۲، ببر ٤۳، بیار ۵۲، چسپان ۵٦، پاره پاره کن ۵۷، بگردان ٦۱، پاره پاره بکن ۷۲، بجوشان و پاره پاره کن ۸۰، پارها کن ۸۸، بجنبان و پاره پاره کن ۹۱، بچسبان ۱۰۹، بیار ۱۲۵، بکش ۱۳۸

صَرِیخ: وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِیخَ لَهُمْ (۳٦: ٤۳)
فریاد رسیدار ۱، فریادرَسْ ۲، فریادرس ۳، فریاد رسیدن ۲۲، فریادرسنده ۳۳، فریاد ٦٤، فریاآدرس ۱۰۰، فریاد رسد ۱۲٤

★ لَاصَرِیخ: وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِیخَ لَهُمْ (۳٦: ٤۳)
فریادرَس نبود ۵۲، فریاد رسنده نباشد ٦۹، فریادرس نشود ۸۰، هیچ فریادرسی نیست ۱۰۳، فریادرسی نباشد ۱۱٦

کَالصَّرِیم: فَأَصْبَحَتْ کَالصَّرِیمِ فَتَنَادَوْا مُصْبِحِینَ (٦۸: ۲۰)
شوسیه[1] ۱، بُریده بَرکنده آز بن ۲، شب ـ سوخته و

---

۱. شوسیه: شب سیاه.

سیاه ۳، خاکستر ناچیز ۱۹، شب تاریک ۲٤، بریده و برکنده ۳۰، خاکستر ۳۸، بریده ۳۹، سیاه سوخته ٤۱، بُریدَه ٤۲، شب ٤۳، سیاه گشته چون سیاهی شب ٤۹، دروده ٦۷، برنده ٦۹، باغ درووده که درو هیچ نمانده باشد ۷۸، شب رنگ سوخته و سیاه ۸۸، کشت درووده ۹۰، چیده و بریده ۱۰۳، پوسیده و ریزیده ۱۰٦، بریده برکنده از بن ۱۰۸، شب تاریک سیاه انجیده و بر هم افتاده باغ میوه بریده ۱۰۹، مانند باغی که میوه آنها را چیده و پاک کرده باشند ۱۱۱، چیده ۱۲۲، شب سیاه ۱۲٦، ریگستان ۱۳۱

صَعَدًا: يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا (۱۷:۷۲)

سخت ۱، سخت دشوار ۳، دشوار ٦، برشدن ۱۹، بلند بزرگ ۲۹، سخت تر ۳۰، برشده ۳۸، دشخوار ٤۲، دشوار و سخت ۷۲، برتر ۸۸، دشوآر ۱۰۰، برتر ـ سخت ۱۰۸، سخت و تند ۱۰۹، بسیار ۱۱٤، سخت ـ دشوار ۱۲۹، دشواری ۱۳٦، دشوار سخت ۱۳۹

فَصَعِقَ: فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ (۳۹:٦۸)

بمیرد ۱، بمیرند ۲، بیهوش شود ۳، بی هوش بیُفتَند ۲۲، بی هوش گردد ٦٤، هوش رفت ۷۸، بیهوش بیفتد ۱۰۳، بمرد ۱۰۹، بیهوش شد ۱۲۰، بیهوش گردد ۱۲۲، بیفتد ۱۲۳، بیهوش شوند ۱۲۹

صَعِقًا: جَعَلَهُۥ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا (۷:۱٤۳)

وی هش[1] ۱، هُش رفته ۲، از هوش آسوده ۳، از هُش بشده ۱۰، از هوش رفته ٤۲، از هُوش بَشدَه ۵۳، آز هُوش آسُوده ۵۵، بی هوش ۵۷، بیهوش ۵۸، از هش ۸۸، مرده ۸۹، بی خود شده ۹۵، بیهوش بوده ۹٦، بیهوش شده ۱۱٦، زهوش رفته ۱۲٤، هوش رفته ۱۲۷، از خویش آسوده شد ۱۲۹، بیوش ۱۳۰، از هوش رَفته ۱٤۰

صَعُودًا: كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا سَأُرْهِقُهُۥ صَعُودًا (۱۷:۷٤)

برشدن ۲، دشوار ٦، پای افراز ۲۹، برآمدن ۳٦، دشوارترین دوزخ ۳۹، دشخوار ۵۲، برشدن دوزخ ٦۱، بررفتن ٦۷، دشواری ۷۲، ببالا برشدن بر کربوه آتشین ۷۹، بلند ۹۲، سخت ترین جای اندر دوزخ ۹٤، دشخواری ۹٦، بالای کوه ۱۱۱، ببالاتر شدن ۱۱۳، بلندی دشوار ۱۱٤

صَعِيدًا: فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا (٦:۵)

خَاک ۵۵

~: وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا (۸:۱۸)

خاک ۱، زمین هموارْ ۲، هموار ۳، هامون ۸، روی زمین ۲۹، خاک پاک ٤۱، زمین ساده ٤۲، زمین هموار ۵۲، هَموَار ۵۵، زمی ۵۹، خاک خشک ٦۲، خشک ٦۹، بیابان ۷٤، زمین استوار ۹٤، زمین هامون ۱۱۳، خورده و بوده ۱۱۹، خاک سوده ۱۲۸

~: فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا (٤۰:۱۸)

خاک نغز ۲، زمین ۳، خاک هامون ٤۱، زَمین ۵۵، زمین هم وار ۵٦، خَاکی شده ۵۷، خاک نرم ٦۳، خاک و زمین ۹٤، خاک خشکه ۹۹

★ صَعِيدًا جُرُزًا: لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا (۸:۱۸)

زمین هامون و بی گیاه ۱۱۱

★ صَعِيدًا زَلَقًا: فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا (٤۰:۱۸)

زمینی لغزان ۳، زمین هامون بی گیاه ۱۱۱

صَغارٌ: سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ (٦:۱۲٤)

خواری ۱، خُواری ۲، خُواری ٤۲، خَواری ۵۵، خوار ۵٦، خواران ۷٦، خُوار ۸۸، کوچک ۹٦، خاران ۱۱٤، خواری و رسوائی ۱۱٦

---

[1] ۱. وی هش / بیهوش.

صَغَتْ: إِن تَتُوبَآ إِلَى ٱللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا (٦٦:٤)
بگشت ۱، بگشتست ۲، گرایست ۳، بگردیده است ۲٤، بگشت ۳۸، بگردد ۳۹، برگشت ٤۱، بگشته است ٤۳، بچسبیدست ٤۹، بازگشت ٦۷، بگردید ٦۹، گرایت ۹۱، خمیده است ۹٦، گرائید ۱۱٤، گشته است ۱۲۰، رانده شود ۱۳٦

صَغِيرًا: وَلَا تَسْـَٔمُوٓاْ أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا (۲:۲۸۲)
خورد ۱، خُرد ۲، خرد ۳، خُورد ۱۰، اندک ٦۰، کهتر ۱۲٤، کوچکی ۱۳۸

~: وَقُل رَّبِّ ٱرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِى صَغِيرًا (۱۷:۲٤)
خُردک ۲، خردک ۸، خوردگی ۳۹، کوچک ٤۱، بخردگی ٤۹، کودَک ۵۷، کودک ٦۱، خردگی ٦۲، در حال کودکی ۹۳، خوردی ۱۰۵، کودک خورد ۱۱۳

صَغِيرٍ: وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌ (٥٤:٥۳)
خوردِ ۱، خرد ۳، خردی ٤۹، خردک ۸۷، خُرد ۱۳۲، کوچک ۱۳۸

صَغِيرَةً: وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً (۹:۱۲۱)
خورد ۱، خُرْد ۲، کوچک ۵۷، خرد و اندک ۵۸، خرد ٦۲، خرد ٦۷، خرد کوچک ۱۰۹، اندک و خورد ۱۱۱

~: لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّآ أَحْصَىٰهَا (۱۸:٤۹)
خرد ۳، گناه کوچک ۲۹، گناه خُرد ۵۵، گناه خو[ر]د ۵٦، خورده ۵۷، اندک ٦۱، گناه خرد ٦٤، خوردک ۱۰۸

صَفًّا: وَعُرِضُواْ عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا (۱۸:٤۸)
همه ۲٤، استاده ۷٦، برسته ۷۹

~: فَأَجْمِعُواْ كَيْدَكُمْ ثُمَّ ٱئْتُواْ صَفًّا (۲۰:٦٤)
درهم پیوسته ۲۹، ایستاده ۳۰، گروه گروه ۳۸، رسته ۳۹، همگان ۵۸، بِرَسته استاده ۹٤، دسته دسته ۹۸، رس استاده ۱۰۹، بدسته ایستاده ۱۲۸

~: وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفًّا فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجْرًا (۳۷:۱)
بسته ایستادگان ۱۰۹

~: ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِى سَبِيلِهِۦ صَفًّا (٦۱:٤)
بَرسْته ایستاده ۲، برسته افتاده ۳۰، بر رسته ۳۹، برسته استاده ۱۰۸، برس ایستاده ۱۰۹، بهم آراسته ۱۱٤

~: يَوْمَ يَقُومُ ٱلرُّوحُ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ صَفًّا (۷۸:۳۸)
رس رس ۱۰۹

~: وَجَآءَ رَبُّكَ وَٱلْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۸۹:۲۲)
گروه ۸۸، رس ۱۰۹

ٱلصَّفْحَ: فَٱصْفَحِ ٱلصَّفْحَ ٱلْجَمِيلَ (۱۵:۸۵)
درگذاشتن ۱، گُذاشتَن ۲، گذاشتن ٤۲، دَرگذاشتِن ۵۵، گردانیدن ۵۸، درگذشتن ٦۳، روی گردانیدن ۷۲، درگذرانیدن ۷۹، درگذشت ۱۰٦، گذشتن ۱۱۱، درگذاردن ۱۲۱، اندر گذاشتن ۱۲۸، درگذارش ۱۲۹، فروگذاردن ۱۳٤

صَفْحًا: أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ ٱلذِّكْرَ صَفْحًا (٤۳:۵)
گردانستن ۱، گردانیدن ۳، گذاشته ۱٦، گذاشته ۲۲، درگذشتن ۲۹، برگشتن ۳۰، یک بار دیگر ۵۲، روی گردانیدن ٦۱، درگذاشتن ۸۱، بگردانیدن ۸۹، روی برگردانیدن ۹۰، برگشت ۱۰۸، یکباره ۱۲٤، بازداشتن ۱۳۲

صُفْرٌ: كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٌ صُفْرٌ (۷۷:۳۳)
سیاهان و زردان ۲، رسباه ۳، زردان ۳۰، زردفام ٤۳، زرد ۵٦، یکان یکان موی دور ٦۷، سیاهی که بزردی زند ۸۰، سیاه ۹۱، زرد زرد ۹۲، سیاه زردان ۱۰۹، باز روی زرده ۱۱۷، سیاه سفید ۱۲۱، زردان و سیاهان ۱۲٤، زرد رنگ ۱۳۲، زردی زده ۱۳۸

صَفْرَآءُ: قَالَ إِنَّهُۥ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَآءُ (۲:٦۹)
زَرْد ۲، زرد ۳، زرد سُم و سَر وُ سیاه پوست ۱۰، زرد

زرد ٣٦، زرد سم و سُره سیاه پوست ٤٠، زَرد ٥٢

صَفْصَفًا: فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (٢٠:١٠٦)
هموار ١، هَامُون ٢، هامون ٣، هامون و نرم ٢٩، نه بالا و نه نشیب و نه گیاه و نه درخت ٤١، ساده ٤٢، هموار لشن ٥٨، راست و ساده ٧٦، بی گیاه ٨٦، هامون ناک ٨٨، نرم ٨٩، راست ٩٢، دشت راست ٩٦، زمین پست و هموار ١٠٣، هامون نرم ١٠٦ هموار و نسو ١٠٩

صَفْوَان: فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ (٢:٢٦٤)
سنگ ١، سَنگ ١٠، سنگ سخت ساده ٢٥، سنگ لشن ٢٧، سنگ تاری شخشان دشتنه ٣٠، سنگ پاک سوده ٤١، سنگ نغز و سودَه ٤٢، سنگ نَسُو ٦٢، سنگ نسود ٦٣، سنگ نشستن ٦٧، سنگ سوده ٨٤، سنگ سخت ٩١، سنگ نغز ٩٦، سنگ خاره ٩٨، سنگ نرم ١٠٣، سنگ نغز و سوده ١٠٥، سنگ خواره هموار ١١٦، سنگ هموار ١٣٥، سنگ ساد ١٣٨

فَصَكَّتْ: فَصَكَّتْ وَجْهَهَا (٥١:٢٩)
بزد ١، می زد ٦، می خراشید ٢٤، بکوفت ٢٩، زد ٣٦، بخراشید ٣٨، می کوفت و می زد ٤١، می زد بانگشتان ٤٣، کوفت تَپنجَه ٥٣، بزد دست ٥٦، تپانچه می زد ٦٧، کفت دستها را[1] ٧٩، کوفت دستها را ٨٦، دست زد ٨٨، تپانچه زد ٩١، طپنچه زد ٩٦، مشت میزد ١٠٠، دست میزد ١٠٢، خراشید ١٠٦، بزد طپانچه ١٠٩، طبانچه زد ١١١، کفت دستها[1] ١١٣، دست برزد ١٢٤، میخراشید ١٣٦

★ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا: فَصَكَّتْ وَجْهَهَا (٥١:٢٩)
دست بر روی خود زد ٣٠، کوفت روی خود را ١٣٢

صَلِّ: وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ (٩:١٠٣)
نماز کن ٣، درود ده ١٣، نَماز کُنْ ٥٥، نماز گزار تو ٦١، درود کن ٩٠

~: فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنْحَرْ (١٠٨:٢)
نماز گذ آر ١٠٠، نماز بگذار ١١٦، نماز گذار ١٢٠

ٱلصَّلَاةَ: ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱلْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ (٢:٣)
نَماز ٥٥

~: وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ (٢:٤٣)
نَماز ٥٥

~: وَٱسْتَعِينُوا۟ بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَوٰةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ (٢:٤٥)
نماز ٢، نماز کردن ١٠

~: ٱسْتَعِينُوا۟ بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَوٰةِ (٢:١٥٣)
نماز کردَن ٤٢، نماز گُزاردَن ٥٣، نماز گذاردن ١٠٠

~: وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ (٢:٢٧٧)
نَماز ٢

~: لَا تَقْرَبُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنتُمْ سُكَٰرَىٰ (٤:٤٣)
نماز ١، نماز ٤٥

~: وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ ٱتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا (٥:٥٨)
نماز گزاردن ٤١

~: تَحْبِسُونَهُمَا مِنۢ بَعْدِ ٱلصَّلَوٰةِ (٥:١٠٦)
کردن نماز ٩

~: وَأَوْصَٰنِى بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (١٩:٣١)
نَماز ٥٣، نماز گذ آردن ١٠٠

★ إِلَى الصَّلَاةِ: وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ (٥:٥٨)

---

١. کفت دستها را: کوفت دستها را.

بنمآز کردن ۳۷، بنماز ۶۳

★ صَلاةِ الْعِشاءِ: وَمِنْ بَعْدِ صَلَوٰةِ الْعِشَآءِ (۲۴:۵۸)
نماز خفتن ۳۰

★ صَلاةِ الْوُسْطی: حَـٰفِظُواْ عَلَى الصَّلَوَٰتِ وَالصَّلَوٰةِ الْوُسْطَىٰ (۲:۲۳۸)
نماز دیگر ۳، نماز بهترین نماز میانگین ۱۰۷

★ مُقیمِی الصَّلاةِ: وَالصَّـٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِى الصَّلَوٰةِ (۲۲:۳۵)
پیوسته نماز کنند گان ۵۸

صَلاتِکَ: إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ (۹:۱۰۳)
درود دادن ۱۳، درود ۹۰

~: قَالُواْ يَـٰشُعَيْبُ أَصَلَوٰتُكَ تَأْمُرُكَ (۱۱:۸۷)
نماز ۲۴، نمازها ۵۹

~: وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا (۱۷:۱۱۰)
خواندن ۵۹، آواز ۱۳۹

صَلاتَهُ: كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُۥ وَتَسْبِيحَهُۥ (۲۴:۴۱)
نماز کردن ۲۴، نماز ۴۸، خواندن ۸۶

صَلاتِهِمْ: وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۶:۹۲)
نمازها ۱

~: وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِندَ الْبَيْتِ (۸:۳۵)
نماز کردن ۱۰، خواندن ۳۵، نماز ۵۵

~: الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَآئِمُونَ (۷۰:۲۳)
نماز ۶

صَلاتی: قُلْ إِنَّ صَلَاتِى وَنُسُكِى وَمَحْيَاىَ (۶:۱۶۲)

نماز کردن ۲۴، نماز ۵۳

الصُّلْب: يَخْرُجُ مِنۢ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَآئِبِ (۸۶:۷)
پشت پدر ۲، پشت مازه ۳۰، پشت ۶۲، استخوان پشت مازوی مرد ۷۹، پشت مازهٔ پدر ۸۰، استخوانها پهلو ۸۷، پشت مازه پدر ۹۱، پشت مایه ۹۴، مازه ۱۱۴، استخوانهای پشت ۱۲۶، استخوانهای پشت مرد ۱۳۰، پشت مرد ۱۳۴

صَلَبُوهُ: وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ (۴:۱۵۷)
آویختند ۲، بر دار کردند ۳، بر دالِش کردند ۱۰، آویختند او را بر دار ۳۱، بیاویختند ۵۳، بَر دار گردَند ۵۵، بدار کردند ۸۲، دار کردند ۹۰

★ مَاصَلَبُوهُ: وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ (۴:۱۵۷)
ور دار نکردند ۱، نه بر دالِش کردند ۱۰، ورنیاویختند ۲۴، بر دار نکردند ۴۲، نیاویختند ۶۰، نه آویختند ۸۸، بر دار نکردندش ۹۴، بر دآر نکردند ۱۰۰، بر دار نکشیدند ۱۲۲، بدار نکردند ۱۲۷

صَلَحَ: وَمَن صَلَحَ مِنْ ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ (۱۳:۲۳)
نیک شهد[1] ۱، نیک بود ۳، بسامان بودند ۵، نیک باشد ۵۲، نیک بُود ۵۵، نیکوکار بود ۵۶، نیک کرد ۵۷، آشتی کرد ۶۱، بسامان بود ۱۰۴، کار شایسته کرده‌اند ۱۱۱، نیکوکار باشد ۱۲۱، شایسته است ۱۳۶

~: وَمَن صَلَحَ مِنْ ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ (۴۰:۸)
نیک شد ۱، خوب بودند ۲، نیکو بود ۳، نیوکار[2] باشد ۲۲، بگروید ۲۴، خوب کردند ۳۰، بسامان باشد ۳۹، نیکو شد ۴۳، بسامان شد ۴۹، نیکی کرد ۵۶، خوب بود ۹۱، شایسته بود ۱۰۳،

---

۱. شهد / شود.
۲. نیوکار / نیکوکار.

بسامان آورد ۱۳۲

اَلصُّلْحُ: أَن يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ (۱۲۸:٤)

آشتی ۲، آشتی ۳، آشتی کردن ۱۰، آشتی دادن ۲۷، آشتی دادن ۵۵، نیکویی کردن ٦۱، آشتی افکندن ۷۸

صَلْدًا: وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا (۲:۲٦٤)

روده[1] ۱، سخت نغز ۲، لغزان ۳، تهی و برهنه و پاکیزه ۱۰، پاکیزه ۲٤، بی خاک و گرد ۲۵، سنگ سخت پاکیزه ۲۷، سنگ سخت ۲۹، از آن گرد و خاک هیچ نماند ۳۰، لشن ۳٦، پاک هیچ نماند بروی خاک ۳۱، روشن و نسوک ٤۹، لَغزان ۵۵، سنگ پاکیزه ۵٦، سخت ۵۷، سنگ پاک رخشان ٦۷، سنگ لشین پاک ۷۲، سخت پاکیزه و برهنه ۷۵، پاک و هموار ۸۸، پاک ۹۰، خشک و ساده ۹۵، ساده و سخت ۱۰۰، رُت[2] ورده ۱۰۲، پاک از غبار ۱۰٤، سنگ نسو ۱۰۹، سنگ پاک از خاک ۱۱۱، ساده و پاک ۱۲۰، سنگ خاره ۱۲٤، سنگ هموار ۱۳۵، ساد ۱۳۸

صَلْصَالٍ: وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ (۱۵:۲٦)

گل خشک ۱، گِل خُشک بانک آور یا گنده ۲، گل ۲٤، گل خشک شده ٤۱، گِل برخیزنده ۵۳، گِلِ خُشک ۵۵، گل خازه ـ گل خشک ۵٦، گل خازه ۵۹، گِل خشک ٦۰، گل سَخت ٦۲، گل خشک بانگ آور ٦۷، گِلِ خشک ۷٦، گل خشک بانگ آور یا گنده ۸۳، گلی خشک ۹۱، گل خشک با بانگ ۹٤، گل خشک بانگ ناک ۱۰۳، گِل تابان ۱۱۲، گل برخواسته شده ۱۲٤، گل با بانگ خشک ۱۲۸

~: إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن صَلْصَالٍ (۱۵:۲۸)

گِل بانگ آور ۲، گِل سخت ۲٤، گل بانگ‌اور ٤۲، گِل ٤۳، گل بانگ آو[ر] ۵۲، گل برخواسته ۵۳، گل بانگ آور خشک ۸۲، گل بانگ آور ۸۳، گل با بانگ ۹٦، گل بانگ ۱۰۵، گل سیاه ۱۲۳، گل خشکی که بهمرسیده ۱۲۷

~: لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ (۱۵:۳۳)

گلِ گنده ۲، سفال ۲٤، گلِ خشک از زمین برخاسته ۳۹، گل گنده ٤۲، گل چون سفال ۵۹، گل گُنده[3] ۱۰۵، گِلِ خشک چون سفال ۱۱۹، سنگ گلی ۱۲۲، سنگ گل ۱۲۷

~: مِن صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (۵۵:۱٤)

گِل خُشک ۲، گل نارک[4] ۳۰، نخل گل ولوش ۳۵، گل خشک ۳۸، گل آوازدهنده ٤۳، گل بانگ کن ٤۹، گِل خشک آواز آرنده ۵٦، گل خشک شده ٦٤، گل خاره ۹۸، گل خشکه ۹۹، بکشیده از گل ۱۰۰، گل یا بلنک ۱۰۸، گل سخت که چون دست بر آن زنند آواز دهد ۱۱۱، گل خشکیده ۱۲۲، گل بانگ دار ۱۲٦، گِل خشکیده ۱۳۲

صَلُّوا: صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۳۳:۵٦)

درود دهید ۱، دُرود فرستید ۲، درود دهیت ۳، درود همی فرستید ۳۰، درود گوئید ۳۹، درود فرستید ٦۱، درود فِرستِیدْ ٦٤، درود می دهید ۱۰۵، درود بفرستید ۱۱۳

---

۱. روده: هموار؛ لغزان؛ سخت.

۲. رُت: برهنه، خالی.

۳. اصل متن: گُنده (با همین اعراب)؟ با توجه به معنی واژهٔ صلصال، گَنده صحیح است.

٤. اصل متن: نارنک (بدون نقطه). منظور از «تاریک» می تواند سیاه و بوی گرفته باشد.

صَلَوَاتٌ: أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ (۲:۱۵۷)
دُرودهـا ۲، درودهـا ۳، آمـرزش ۱۰، درودهـا ۴۲، دُرُودها ۵۵، درودیها ۵۷، درود ۶۱، نمازهاء ۹۰، درود و آمرزش ۱۲۱

~: حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ (۲:۲۳۸)
نمازها ۱، نماز ۳۰، گزاردن نماز ۷۵، نمآزها ۱۰۰

~: وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ (۹:۹۹)
درود دادن ۱۳، درودهاء ۹۰، آفرینها ـ درودها ۱۰۹

~: لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ (۲۲:۴۰)
کنشتها ۱، آتش گاهها ۱۲ کنشها ۶۱، کنشتهای یهود ۷۹، کُنشتها ۸۹، کُنِشْتِهایِ جهودان ۹۴، کنشت جهودان ۱۰۰، کنش ۱۲۰

صَلَوَاتِهِمْ: وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۲۳:۹)
نمازها ۱، نماز ۱۲۱

صَلُّوهُ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ (۶۹:۳۱)
درکنید ۱، درآرید ۲، درآریت ۳، درآویزید ۲۴، بسوزی ۲۹، بریت ۳۰، بسوزانید ۳۸، اندر آرید ۳۹، کشیت ۴۱، بسوزند ۵۴، برید ۶۱، سورید[1] ۶۷، بسوزیت ۸۰، دراندازید ۸۸، درآورید ۱۰۲، درافکند ۱۱۱، درآرند ۱۱۳، سوزید ۱۱۴، بیندازید ۱۲۰، بسوزید ۱۲۱، درافکنید ۱۳۰، بیفکنید ۱۳۶

صَلَّىٰ: فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۷۵:۳۱)
نماز گزارد ۳، نماز داشت ۶۱

~: وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ (۸۷:۱۵)
نماز کرد ۱، نماز گذار ۱۲۳، نماز آرد ۱۳۹

~: أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ (۹۶:۱۰)
نماز کند ۲۴، نماز می کرد ۶۴، نماز گذارد ۹۶، نماز میگذارد ۱۰۰، نماز میکرد ۱۰۲، نماز می آرد ۱۲۴، نماز می گذارد ۱۳۹

★ لَا صَلَّىٰ: فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ وَلَٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۷۵:۳۱)
نماز نکرد ۱، نماز نگزارد ۷۹، نماز نگذارد ۱۰۰، نماز نکرده بود ۱۳۶

صِلِيًّا: ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا (۱۹:۷۰)
درشدن ۱، از روی درآمدن و سوخته شدن ۳، شدن ۲۴، سوختن ۲۹، بدوزخ اندر آمدن ۳۰، بدر آمدن ۳۹، اندر آوردن ۴۱، بریان کردن ۴۴، اندر شدن ۵۳، درشونده ۵۶، اندر آمدن ۶۱، دررفتن ۶۷، درشدن آتش ۷۲، دوزخ ۷۶، درآمدن ۷۹، سوزانیدن ۸۹، سوخته شدن ۱۱۴، انداختن ۱۲۳

صُمٌّ: صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۲:۱۸)
گرانْ ۵۵، کرآن ۹۴

~: صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۲:۱۷۱)
گرّان ۲، خویشتن کر ساخته ۴۰، گرّان ۵۵

~: وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ (۶:۳۹)
کوتان[2] ۱، نشنوند ۸۸، ناشنوا ۱۰۴

~: الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۸:۲۲)
کران ۷۹

~: أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ (۱۰:۴۲)
کوتان[2] ۱

~: وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (۲۱:۴۵)
ثُران[3] ۲

~: إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ (۲۷:۸۰)

---

۱. کذا در متن اصلی.
۲. کوتان: کران.
۳. کذا ضبط متن اصلی با سه نقطه، ثُران / گران = کران.

گران ۲، کرّان ۳

صُمًّا: عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا (۹۷:۱۷)
کوتان[1] ۱، کران ۲، گران ۵۳، گران ۹۸، ناشنوایان ۱۰۴، کرران ۱۱۳

~: لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (۷۳:۲۵)
کوتان[1] ۱، کرّان ۲٤، کر ٤٨، کرّان ۱۰۰، کران ۱۲۳

اَلصَّمَدُ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ (۲:۱۱۲)
پناه نیازمندان ۷۹، پناه همه ۱۰۲، بی نیاز ۱۲۳

صَمُّوا: فَعَمُوا وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ (۷۱:۵)
کوت شدند[2] ۱، کر گَشتَنْد ۲، کر شدند ۳، کر گشتند ۱۰ مکرّر، کر گردند ۲٤، کر شدند ۳۷، کر گشتَند ٤۲، کر شدند ٤٥، کرْ شَدَنْد ۵۵، کر گشتندی ۶۷، کرانند ۶۹، کر شدندی ۸۲، کرّ شدند ۸۸، کر شدَنْد ۹٤، کر بودند ۹۶، کر گشتند ۱۰۰، ناشنوا شدند ۱۲۶

صُنْعَ: صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ (۸۸:۲۷)
کردن ۱، کردار ۳، کار ۳۹، کرداران ٤۶، بکرد ٤۷، کرد ۵۸، پدید آورده ۷۹، کار و کنش ۱۰۹

صُنْعًا: وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱۰٤:۱۸)
کار ۱، کارْ ۲، کردار ۹، گار ۵۵، کار نیکو ۹۰، آگاه کرده ۱۳۹

صَنْعَةَ: وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ (۸۰:۲۱)
کردن ۱، کردَن ٤۲، ساختن و کردن ۵۸، ساختن ۷٤، کاریگری ۹۹

★ صَنْعَةَ لَبُوسٍ: وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ (۸۰:۲۱)
زره گری ۲٤

صَنَعُوا: وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا (۱۶:۱۱)
کرده باشند ۲٤، بکردند ۲۹، کردَند ۵۵، کردَه بَاشَد ۶۲، کرده بودند ۷۶، ساخته بودند ۱۰۰، بکنند ۱۳۶

~: الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ (۳۱:۱۳)
می کردند ۲٤، گرْدَنْد ۵۳، گردَند ۵۵، گردند ۶۱، همی کردند ۶۲، بگردَند ۷۶، بکردند کار ۹٤، ساختند ۱۰۶

~: وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا (۶۹:۲۰)
کردند ۱، بکردنْد ۲، ایشان کردهاند ۲٤، کردهاند ۷۶، ساز دادهاند ۸۶، ساختهاند ۹۲، ساختهاند ۱۰۰، ایشان کردند ۱۳۹

صِنْوَانٌ: وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ (٤:۱۳)
کویلکها[3] ۱، از یک بُن بر آمده ۲، دو بیکجا بر آمد ۵، فاهم ۲٤، یک تنه و دو شاخ ۳۶، جفت از یک بیخ بهم رسته ۳۹، دو تنه و سه تنه ٤۱، همتا ٤۲، دو شاخ از یک بن ٤۳، درختان بهم در نزدیک ٤۸، بسیار انبوه ٤۹، پیوسته بَا هَمْ ۵۳، رُسته از یکدیگر ۵۶، همه یکجا ۵۸، شاخ دار ۶۰، دو سه در یک بیخ ۶۷، درخت جمع شده ۷۶، از یک بن بر آمده ۷۸، بهم نزدیک ۸۵، فراهم آمده ۹۰، سربلند ۹۱، دو تن از یک بن رسته ۹۲، از یک بیخ رسته ۹۳، بررسته از بر یکدیگر ۹۵، جفتی که از بیخ هم رسته ۱۰۲، شاخ ۱۱۲، نزدیک رسیده ۱۱۵، از یک رسته ۱۲۰، از یک ریشه رسته ۱۲۲، چند شاخ ۱۲۳، پیوسته بهم ۱۲٤، بر یکدیگر رُسته ۱۲۶، چند ساقه از یک ریشه رسته ۱۲۷، چند از یک بیخ رسته ۱۳۳، دو تا از یک بیخ رسته ۱۳۵، خوشه دار ۱۳۶

---

۱. کوتان: کران.
۲. کوت شدند: کر شدند.
۳. کویلکها: از یک اصل رسته؛ از یک بن بر آمده.

صِهْرًا: فَجَعَلَهُۥ نَسَبًا وَصِهْرًا ۗ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا (۲۵: ۵٤)
خویشی ۱، خویش ۲، داماد ۳، خوسر ۲۰، پیوستگی ۲۹، زناشویی ۳۰، زناشوی ٤٦، پیوستگی نکاح ٤۷، زَناشوی ۵۳، خویش از داماد و خسر ۵۸، پیوستگانی ٦۲، خویشاوندی ۷٦، خویشی از زنان شوی ۷۸، پیوند داماد و خسر ۸۰، خویشاوندان ۸۷، آنکه میان پدر و فرزند باشد ۸۸، شو و داماد و خسر ۹۱، خویش ۹۲، داماد ۱۰۰، پیوند ۱۰۳، خسر ۱۰۹، دامادی ۱۳۹

صَوَابًا: إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا (۷۸: ۳۸)
راست ۱، سخن بکار آمد ۳۰، سخن بکار آمده ۳٤، راستی ۳۸، سخون راست ۳۹، سخن راست ۵٦، درست ۸۰

صُوَاعَ: قَالُوا۟ نَفْقِدُ صُوَاعَ ٱلْمَلِكِ (۱۲: ۷۲)
پیمانه ۱، پَیمانه ۲، آب جامه ۳، آوند ۳٦، آب خوار و پیمانه ٤۱، آبْ جَامه ۵۵، آب خور ٦۰، جام ٦۷، آبجامه ۹۱، جام آبخوره ۱۰۲، انجه آره[1] ۱۲۱، آبخوره ۱۳۵

ٱلصَّوَاعِقِ: فِىٓ ءَاذَانِهِم مِّنَ ٱلصَّوَٰعِقِ (۲: ۱۹)
بانگهایَ آسمان ۲، سختی آواز ۲۵، آوازهاءِ سَخت ۵۵، بانگهای آسمان ٦۲، بانگ آسمان ۸۲، بانگ اوازهای سخت ۸۳، آوازهای سخت ۸۹، بانک سخت ابر ۱۰۱، آوازها ۱۰٤، آتشها که از ابر جهد ۱۱۲، آواز سخت ۱۳۰، آوازهای سخت ۱۳٤، بنگ آسمان[2] ۱۳٦

~: وَيُرْسِلُ ٱلصَّوَٰعِقَ (۱۳: ۱۳)
آتشها یا بانگهاءَ جهنده ۲، آتشها ۳، آوازها سخت ۲۹، آتشهای جهنده ٤۲، آتشهاء جهنده ۵۲، آتشها ۵۵، آتشها و آوازها سخت ۵٦، بانگها ٦۱، آتشها که از آب بجَهد ۷٦، آتشها جهنده و آوازهای سخت ۸۳، آتش سوزنده ۹۲، آتس جهنده ۹٤، آتشهای بانگ جهنده ۹٦، آتشهای با بانگ ۱۰۲، آتشهای آسمانی ۱۰۹

صَوَآفَّ: فَٱذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَيْهَا صَوَآفَّ (۲۲: ۳٦)
بَرده استاده ۲، پای بهم وانهاده ۲۹، استاده ۳۰، بر سه پا استیده ۳٤، اسبان بسه پای ایستاده و بر سم چهارم بر زمین نهاده ٤۱، پای بهم باز نهاده ٤۲، ایستَادهْ ۵۳، ایستاده یکی از دو دست وی بسته ۵٦، بر رده ایستاده ٦۱، بدسته کرده ٦۹، رسته کرده ۹۰، شتران که بر دو دست و پای ایستاده و زانوی دست چپ بسته ۱۰٦، برده استاده ۱۰۸، استادگان بر سر پای ۱۰۹، بر پای ایستاده ۱۱۱، ستاده باشد ۱۱۳، پیوسته ایستاده ۱۲۸، ایستادگان ۱۳۲، بپای استاده ۱۳۳، بر سه دست و پا ایستاده ۱۳۸

صَوَامِعُ: لَّهُدِّمَتْ صَوَٰمِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَٰتٌ (۲۲: ٤۰)
آتش کده ۵۸، آتشکدها ۷٤، آتش کرده گبرکان ۸۷، خانها ۱۱۹، کنشتها ۱۳٤

صَوْتِ: لَا تَرْفَعُوٓا۟ أَصْوَٰتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ ٱلنَّبِىِّ (٤۹: ۲)
بانگ ۱، آواز ۲، آوآز ۱۰۰

صَوْتِكَ: مَنِ ٱسْتَطَعْتَ مِنْهُم بِصَوْتِكَ (۱۷: ٦٤)
آواز ۵۵، بانگ و خروش ۱۰۳

~: وَٱقْصِدْ فِى مَشْيِكَ وَٱغْضُضْ مِن صَوْتِكَ (۳۱: ۱۹)
بانگ ۱، آواز ۲

ٱلصُّورِ: وَلَهُ ٱلْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ فِى ٱلصُّورِ (٦: ۷۳)

---

۱. کذا در متن اصلی (؟).
۲. بنگ آسمان: بانگ آسمان.

شاخ ۳، نای ٦١، شاخ با پیکرها ۹۱، شَپُور ۱۰۹

~: وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَجَمَعْنَٰهُمْ جَمْعًا (۱۸:۹۹)
شَاخ ۵۵، گردنا ۷۲

~: يَوْمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ وَنَحْشُرُ ٱلْمُجْرِمِينَ (۲۰:۱۰۲)
بوق ٤١

صُورَةٍ: فِيٓ أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ (۸۲:۸)
نگاشتن ۳۰، پیکر ۸۰، چهره ۸۷، نگاختن ۱۰۸

صُوَرَكُمْ: وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ (٤۰:٦٤)
نگاشتها ۲، نگاشت ۳۰، آفرینش ۵۲

~: وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ (٦٤:۳)
پیکرها ۳، نگاشتها ۳۰، نگاشتن ٤١، نگاشته ۱۰۸، بنگاشت ۱۱۰

صَوَّرَكُمْ: وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ (٤۰:٦٤)
بنگاشت ۱، بیافرید ۵۲، نقش بندی کرد ۱۳٦

~: وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ (٦٤:۳)
بنگارید ۲، نگاشت ۳، بنگاشت ٤۲، نگار کرد ٤۳، انگاشته ۱۳۰

صَوَّرْنَاكُمْ: وَلَقَدْ خَلَقْنَٰكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَٰكُمْ (۷:۱۱)
بنگاشتیم ۱، بنگاشتیم ۲، نگاشتیم ۳، بنگاشتیم ۱۰، نگاشتیم ۵۵، بنگاشتیم ما ٦١، بنگاریدیم ۱۰۲

صَوْمًا: إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا (۱۹:۲٦)
خموشی ۱، خامُوشی ۲، خاموشی ۳، روزه ۲۹، خاموش بودن ٤۳، روزه ـ خامش بودن ۹٤، روز[ه][1] ۱۳۸، خاموش ۱۳۹

صَيَاصِيهِمْ: وَأَنزَلَ ٱلَّذِينَ ظَٰهَرُوهُم مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ مِن صَيَاصِيهِمْ (۳۳:۲٦)
ستادیها ۱، شارستانها ٤١، گوشها ٤۳، کوشکها ٤۸، کوشها ٤۹، جایها ۱۲٤

ٱلصِّيَامُ: كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلصِّيَامُ (۲:۱۸۳)
رُوزه ۲، رَوزه داشتن ۱۰، رُوزه دَاشتن ۵۵

~: أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ ٱلصِّيَامِ ٱلرَّفَثُ (۲:۱۸۷)
روزه ۱۰، ماه رُوزه ٤۰، رُوزه ۵۵

~: فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٍ فِي ٱلْحَجِّ (۲:۱۹٦)
رُوزه داشتن ٤۲

~: فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ (٤:۹۲)
روزه داشتن ٤۲، روزه بَايَدْ داشتن ۵۳، رُوزه دَاشتن ۵۵، روزها ٦١، روزه بدارد ٦۲، روزه د آشتن ۹٤، روزه باید داشتن ۱۰۵

~: فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٍ (۵:۸۹)
رُوزه داشتن ۲، روزه دارد ۹، رُوزه دَاشتن ۵۵، روزه دارید ۵۸

~: فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ (۵۸:٤)
روزه داشتن ۱

صِيَامًا: أَوْ عَدْلُ ذَٰلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِۦ (۵:۹۵)
رُوزه داشتن ۲، روزه داشتن ۲٦، روزه ۵۳، روزه دارد ۵۸، روزهاء ۹۰

كَصَيِّبٍ: أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فِيهِ ظُلُمَٰتٌ (۲:۱۹)
باران آینده ۲، بَاران باریدنی ۵۵، باران سخت ۹٤، ابر باران ۹۹، باران ستوه آینده ۱۰٤، باران فرو آینده ۱۰۵، باران سخت ریزنده ۱۱٤

ٱلصَّيْحَةُ: وَأَخَذَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ٱلصَّيْحَةُ (۱۱:٦۷)
بانگ ۲، آواز سخت ۲۹، باد سخت ۳۹، بَانگ ۵۵، بانگ نهیب مرگ ۵٦

---

۱. در متن اصلی «ه» نبود به قرینهٔ معانی قرآنهای ۲۹ و ۹٤ افزوده شد.

~: وَأَخَذَتِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا ٱلصَّيْحَةُ (۱۱:۹۴)
بانگ ۲، بانگ ۴۲

~: فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ (۱۵:۷۳)
بانگ ۱۰۰، آواز ترس ناک ۱۳۰

~: فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّيْحَةُ بِٱلْحَقِّ (۲۳:۴۱)
آواز هولناک ۱۳۰

~: وَمِنْهُم مَّنْ أَخَذَتْهُ ٱلصَّيْحَةُ (۲۹:۴۰)
بانگ سخت ۲۹

~: إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً (۳۶:۲۹)
آواز کردن ۷۹

~: مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً تَأْخُذُهُمْ (۳۶:۴۹)
بانکبس ۱۰۵

~: إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً (۳۶:۵۳)
بانک ۴۱، بانگ بلند ۴۹، فریاد ۱۰۳

~: وَمَا يَنظُرُ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً (۳۸:۱۵)
بانگ ۱، نعره ۱۲۰

~: يَوْمَ يَسْمَعُونَ ٱلصَّيْحَةَ بِٱلْحَقِّ (۵۰:۴۲)
آواز بلند ۱۷، آواء ۷۲، بانگ دمیدن ۱۳۹

~: إِنَّآ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَٰحِدَةً (۵۴:۳۱)
آواز ۲، فریاد ۱۰۳

~: يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ ٱلْعَدُوُّ (۶۳:۴)
بانگ زدن ۳۹

ٱلصَّيْدِ: إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّى ٱلصَّيْدِ (۵:۱)
شکار ۲، شِکارْ کَردَنْ ۵۳، شکار کَردَن ۵۵، شکاری گرفتن ۹۰، نخجیر ۹۶

~: لَيَبْلُوَنَّكُمُ ٱللَّهُ بِشَىْءٍ مِّنَ ٱلصَّيْدِ (۵:۹۴)
شکاری ۳، آشکار ۲۷، شِکاری ۵۵، شکار کردن ۵۸

ٱلصَّيْفِ: إِۦلَٰفِهِمْ رِحْلَةَ ٱلشِّتَآءِ وَٱلصَّيْفِ (۱۰۶:۲)
تابستان ۲



ضَائِقٌ: وَضَآئِقٌۢ بِهِۦ صَدْرُكَ (۱۲:۱۱)
تنگ شدارست[1] ۱، تنگ شونده ۳، تنگ شده ۲۹، تنگ شوند[ه] ۳۰، تنگ کننده ٤١، تنگ شود ٤٢، تنگ ٤٣، تنگ می شود ۵۱، تَنگ شَونَده ۵۵، تنگدست ١١٦، تنگ شد ١٢١

* ضَائِقٌ بِهِ: وَضَآئِقٌۢ بِهِۦ صَدْرُكَ (۱۲:۱۱)
تنگ شود بدان ۲

ضَاحِكًا: فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا (۱۹:۲۷)
خندیدار ۱، خندان ۲، خندنده ۳، شادان ۳٦، بخندید ۵۲، بخنده ۵٦، خنده ۵۸، خندیدن ۷٦، خنده کنان ١١٤

ضَاحِكَةٌ: وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹:۸۰)
خندیدار ۱، خَندان ۲، خندان ٢٤، خند آن ۱۰۰، درخشان و خندان ۱۱۱، خنده ناک ۱۲۲، خندان و شادان ۱۳۹

بِضَارِّهِمْ: وَلَيْسَ بِضَآرِّهِمْ شَيْـًٔا إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ (۱۰:۵۸)
دشخواری نمودار ۱، گزند کننده ۳، زیان کار ۳۹، گُزند کُننده ٤٢، زیان کننده ٤٣، زیان رساننده ٥٦، رنجه داشتن ٦١، گزند رساننده ٧٩، کاست کار ٨١، زیان کاری ٩٩، گزند رسانید ١١٣، گزنده رساننده ١٣٨

* لَيْسَ بِضَارِّهِمْ: وَلَيْسَ بِضَآرِّهِمْ شَيْـًٔا (۱۰:۵۸)
نتوانند گزند کردن ۳۰

بِضَارِّينَ: وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنْ أَحَدٍ (۱۰۲:۲)
زیان کنندگان ۲، گزند کنندگان ٤، زیان کاران ۲۹، زیان کنندگان ۳۷، زیان کنندگان ٤٢، گزند رساننده ترین ٤٨، زیان کنند[2] ۵۳، گُزَند رَسانَندگان ۵۵، زیان کننده ۵۷، گزند رسانندگان ٦١، زیان رسندگان ٦٤، زیان رسانندگان ۷۹، گزند رسانیدگان ۸۵، گزند کاران ۸۸، زیان رساننده ۹۰، گزند زنندگان ۱۱۲، دیو مردمان ۱۲۱

* مَا هُمْ بِضَارِّينَ: وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ (۱۰۲:۲)

---

۱. تنگ شدار: تنگ شده.
۲. در روال جمله به صورت فعل معنی شده است.

ایشان هیچ بزند[1] نکنند ۱۰، ایشان گزند نکنند ۴۰

ضَاقَ: سِيٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا (۱۱:۷۷)
تنگ شد ۲، تنگ آمد ۵۵، درماند ۶۳، تنگ گشت ۶٤، تنگدل شد ۱۰۲، تنگ شود ۱۰۵، کوتاه شد ۱۲۲

~: سِيٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا (۲۹:۳۳)
تنگ شد ۱، تنگ گردانید ۲، تنگ آمد ۳، تنگ ببود ۳۷، تنگ کرد ٤۱، دل تنگ گشت ٤۷، دلتنگ گشت ٦۲، درماند در کار خویش ۹۸، تنگ گشت و دلتنگ شد ۱۱۱، دلتنگ شد ۱۱۵، تنگدل شد ۱۲٦

⭑ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا: سِيٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا (۲۹:۳۳)
تنگ دل شد ۲٤

ضَاقَتْ: وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ (۹:۲۵)
تنگ گشت ۱۰، تنگ گردید ۳۷، تَنگ شد ۵۵، تنگ شد ۷۹، تنگشد ۸۸، تنگ کند ۹۲، تنگ گردانید ۱۲۳

~: حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ (۹:۱۱۸)
تنگ شد ۱، تنگ شود ۲، تنگ کرد ۲٤، تنگ شُد ۵۵، تنگ شُد ۵۷، تنگ شدند ٦۱، تنگ شَود ٦۲، تنگ آمد ٦٤

ضَالًّا: وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ (۹۳:۷)
گم راه ۲، گم ره ۲۹، رآه نادانسته ۳۷، گم کرده ۳۹، گمراه ٤۸، گُم شده ۵٦، راه نادانسته میان کرده ۸۸، گم شده ۹۱، گم نام ۱۰٦، راه گم کرده ۱۰۹، گم ۱۱۳، گمراهی ۱۲۵، گمشده ۱۳۲

ٱلضَّآلُّونَ: وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلضَّآلُّونَ (۳:۹۰)
بی رهان ۱، بی راهان ۱۰، بی راهان و گم شدگان ٤۰، بی راهان ٤۲، گمراهآن ۱۰۰

~: وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ (۱۵:۵٦)
گُم راهان ۲، گمراهان ۳، گم راهان ۲٤، بیراهان ۳۷، گمبوده گان ٤۹، گُمراهان ۵۵، گم رَاهان ۵۸، گم مانده گان ۵۹، بِی رَاهَان ٦۲، گمراه شوندگان ۱۱۳

~: ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا ٱلضَّآلُّونَ ٱلْمُكَذِّبُونَ (۵٦:۵۱)
گم شدگان ۲، بی راهان و گم شده گان ۳۰، گُم بودگان ۵٦، گُم شدگان ۸۱، گم بودگان ۹۵، گمراهان ۱۰۰

~: فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوٓاْ إِنَّا لَضَآلُّونَ (٦۸:۲٦)
وی رهان[2] ۱، گم شدگان ـ راه گم کردگان ۲، راه گم کردگان ۳، راه گم کرده گان ۳۰، بیرهان ۹۲، گم کرده گان راه ۱۱۱، گم شده گان ۱۱۳

~: وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوٓاْ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّونَ (۸۳:۳۲)
گمراه شده‌اند ۱۳٦

ٱلضَّآلِّينَ: وَلَا ٱلضَّآلِّينَ (۱:۷)
گم بودگان ٤، گُمراهَان ۲۹، بِی رَاهَان ۵۵، کمراهان ۱۲۰

~: وَإِن كُنتُم مِّن قَبْلِهِۦ لَمِنَ ٱلضَّآلِّينَ (۲:۱۹۸)
گُم بُودگان ۲، گم شدگان و بی راهان ۱۰، گم بُودِ گان ٤۲، گُمرَاهَان ۵۵، گُمرآهان ۹٤، گمراهان و راه نیافتگان ۱۱٦، راه نایافتگان ۱۲۳

~: لَأَكُونَنَّ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلضَّآلِّينَ (٦:۷۷)
گُم رَاهان ۲، گمراهان ۳، بی راهان و گم شدگان

---

۱. بزند / گزند.

۲. وی رهان: بی راهان.

۱۰، بی رَاهان ۲۷، بی رَاهَان ۵۳، گُم راهان و گُم شد گان ۵۸

~: وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ (۲۳: ۱۰۶)

وی رهان[1] ۱، گُم شد گان ۲، گُم راه ۷۶، از راه بیفتاد گان ۹٤، گمراه شد گان ۱۳۰

~: قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ (۲٦: ۲۰)

فرموش کناران[2] ۱، بی راهان ۲، نادانان ۳، فراموش کنان ۵۳، بیراهان ـ نادانان ۱۰۹

~: وَاغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ (۲٦: ۸٦)

وی راهان ۱، گُم شد گان ۲، گُم راهان ۲۰، گمراها ۱۰۲

~: إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ (۳۷: ٦۹)

گُم شده گان ۲٤، گُمراهان ۵٦، گُم راهان ۸۱

~: وَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ (۵٦: ۹۲)

بیراهان ۳٤، تابند گان از راه راست[3] ۱۳۹

ضَامِر: وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ (۲۲: ۲۷)

اشترأن میان باریک ۱، اشتر باریک نزار ۲، شتر باریک میان ۳، باریک میان ستور ۱۲، ستوران باریک میان ۲٤، اسب میان باریک ۲۹، ستور نزار ۳۰، اشتر سبک رو ۳٤، شتری باریک میان ۳۸، اشتر باریک میان ۳۹، اشتر بَارِیْک مِیَان ۵۱، نشسته بر ستوران ۵۲، شتر میان باریک ۵۳، اشتر سبک و تشنه ۵٤، اشتر باریک و نزار ٦۱، اشتر نزار سبک رو ٦۲، میان باریک ٦۵، استر میان باریک کرده ٦۹، اشتر نزار ۷٦، شتران میان باریک ۷۹، اشتر ۹۲، نشسته و ستوران ۱۰۵، شتر لاغر شده ۱۱۱، شتر لاغر ۱۱۵، شتر لاغر گشته و نزار شده ۱۱٦، شتر ۱۱۹، اشتر باریک ۱۲٤، ستور باریک میان ۱۲۹، نشسته گان ۱۳٦، اشتربار ۱۳۹

اَلضَّأْن: ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ (٦: ۱٤۳)

میشان ۱، گوسْپَند ۲، میش ۳، مَیشان ۱۰، گوسفند ۲۷، مِیش ۵۵، میشینَه ٦۲، گوسبند میش ٦۷، گامیشان ۷۸و ۹۸، میشینه ۷۹، میشنه ۸۸، گوسبندان ۹۲، گوسفند ها ۹٦، گوسفندان ۱۰۵، آنچه پشم دارند ۱۲۳

ضَبْحًا: وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۱۰۰: ۱)

دم زنند گان ۲، با آواز ۵۲، همی دَوَنْد ۵۳، آواز نفس اسبان در وقت دویدن ۷۹، دویدن ۸۷، آواز ۱۰۵، دم زدن ۱۰٦، دوزننـد ۱۱۱، نفس زدن ۱۱٦، نیک دویدن ۱۱۷، نفس زننده ـ دویده ۱۲۰ آواز دم ۱۲۱، شیهه کشیدن ۱۲۲، بانگ در گلو افتاد گان ۱۲٤، بانگ می گویند ۱۳۹

ضُحَاهَا: وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا (۷۹: ۲۹)

چاشتگه ۱، روز ۲٤، روشنایی چاشت ۱۰٤

~: يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۷۹: ٤٦)

بامداد ۲٤، چاشتگاه ۲۹، بامدادان ۳٤، چاشگاه ۳۸، روز یا چاشت ۱۱۱

~: وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا (۹۱: ۱)

آفتاب ۲، چاشت گاه ۲٤، چاشت ۲۹، روشنی ۳٤، روشنایی ۳٦، روشنای ۵۳، روشنائی ۸۷، بر آمدن ۹۲

فَضَحِكَتْ: وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ (۱۱: ۷۱)

بخندید ۱، بخنْدید ۲، خندید ازشادی ۳، خندید ۳۰، خَنْدید ۵۵، بخَندید ٦۲، بخَندید ۷٦، خنده

[1] وی رهان / بی راهان.
[2] فرموش کناران: فراموش کنان.
[3] تابند گان از راه راست: سرباز زنند گان از راه راست.

کرد ۹۹، می خندید ۱۰۰

ضُحًى: أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى (۷:۹۸)
چاشتگاه ۲، چاشتگاه ۳، چاشتگاه بروز روشن ۱۰، چاشتگاه ـ روز روشن ۳۹، روز ۵۳، چاشتگاه ۵۵، بامداد ۶۹، چاشتگاه ۹۸، بروز ۱۱۳، بروز یا بچاشتگاه ۱۲۰

~: وَأَن يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى (۲۰:۵۹)
چاشتگه ۱، چاشت گاه ۲، چاشت ۲۴، چاشگاه ۳۰، چاشتگاه ۵۳، وقت چاشتگاه ۶۷، چاشتگاهان ۸۸

~: وَالضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ (۹۳:۱)
روز روشن ۲۴، روشنایی روز ۳۴، چاشتگاه ۳۸، روشنایی چاشتگاه روز ۵۶، روز و روشنایی ۸۸، چاشت ۱۰۴، هنگام چاشت ۱۰۹، چاشت گاه ۱۱۶

ضِدًّا: وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا (۱۹:۸۲)
ناهمتا ۲، دشمنان ۳، دشمن ۲۴، ناهمتا آن ۳۹، همتا ۴۳، ناهمتایان ۶۵، پشت ۸۸، اخشیج ناهمتا ۱۰۸

ضَرًّا: مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۵:۷۶)
گزند کردن ۳، رنج رسانیدن ۶۷، گزند کردن ۹۴

~: قُل لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا (۷:۱۸۸)
بزند اوزیان ۱۰، بدی ۲۷

~: قُل لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۱۰:۴۹)
زیان کردن ۳، بزند ۱۰، زیان کردن ۵۵

~: وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۲۰:۸۹)
زیان ۱

~: وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۲۵:۳)
گزند ۲

~: فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًّا (۳۴:۴۲)
زیان کردن ۷، رنج ۵۸

~: إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا (۴۸:۱۱)
گزند رسانیدن ۳، سختی ۲۴

~: قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا (۷۲:۲۱)
تنگی و سختی ۲، گزند کردن ۶

ضُرٌّ: وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ (۶:۱۷)
سختی ۲، گزندی ۳، رنج و سختی ۲۹، گزند ۵۳، سختی و درویشی ۹۶، بسختی ۱۲۴

~: وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ (۱۰:۱۰۷)
گزند ۳، بیماری ۲۴، سختی و زیان ۷۹

~: قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ (۱۲:۸۸)
گرسه ی[1] ۱، سختی ۲، گزند ـ گرسنگی ۳، رنج ۵، بیچارگی ۵۳، گزند ۵۵، رنج و گرسنگی ۵۸، رنجوریهاء بسیار ۶۴، سختی و گرسنگی ۶۵، گرسنگی ۷۴، سختی و بینوایی ۱۱۱، سختی و تنگی ۱۱۳

~: ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ (۱۶:۵۳)
بیماری و زیان و تنگ دستی ۵۸، رنج بیماری ۹۲

~: ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنكُمْ (۱۶:۵۴)
سختی ۲، سختی زیان ۵۳، سختی و گزند ۵۵، رنجها ۵۸، سختی و گزند ۸۰

~: فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنكُمْ (۱۷:۵۶)
درویشی ۵۷، بدی و زیان ۹۴

---

۱. گرسه ی: گرسنگی.

~: وَإِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فِي ٱلْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ (١٧: ٦٧)
رنج و فروماند گی ٥٨

~: وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ (٢١: ٨٣)
رنج سخت ٤١، نزاری و تنگ دستی ٥٨، تنگ دستی ٧٤، سختی و بیماری ١١٣، سختی بیماری ١١٦، زیان و رنج ١٣٨

~: فَٱسْتَجَبْنَا لَهُۥ فَكَشَفْنَا مَا بِهِۦ مِن ضُرٍّ (٢١: ٨٤)
سختی و رنج ٩٢، گزند سختی و رنج ١٠٩، آزار ١٣٢، ناخوشیها ١٣٦

~: وَلَوْ رَحِمْنَٰهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّن ضُرٍّ (٢٣: ٧٥)
سختی ٣، رنج گرسنگی ٥٨، زیان کردن ١١٩، بدی و گزند ١٢٤

~: وَإِذَا مَسَّ ٱلنَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا۟ رَبَّهُم (٣٠: ٣٣)
سختی یا بیماری ١٠٣

~: إِن يُرِدْنِ ٱلرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ (٣٦: ٢٣)
دشخواری ١، بدی ٢، زیان ٣

~: وَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُۥ مُنِيبًا إِلَيْهِ (٣٩: ٨)
رنج و زیان ٥٨، رنج زیان ٧٤، گزند ـ رنج ١٠٩، بدی ـ سختی ١٢٤

~: إِنْ أَرَادَنِيَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ (٣٩: ٣٨)
گزند رسانیدن ٣

~: فَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَٰنَ ضُرٌّ دَعَانَا (٣٩: ٤٩)
بدی ٣٩، رنج ٧٤

ٱلضَّرَّاءُ: وَٱلصَّٰبِرِينَ فِي ٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ (٢: ١٧٧)
بیچارگی ٢، بیماری او[1] درد او[1] گرسنگی ١٠، درد و بیماری ٤٠، بیچارگی ٤٢، رنجها ٤٣، درماندگی ٥٣، رنج ٥٥، گزندها ٦٠، رنج بیماری ٦٥، ناتوانی و بیماری ١١٢، هنگام آزار ١٢٢، بیچاره گی ١٢٤، آزار ١٢٧، رنج و سختی ١٣٠

~: مَّسَّتْهُمُ ٱلْبَأْسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ (٢: ٢١٤)
دشخواری ١، درد و بیماری او بیچارگی ١٠، بیماری ٢٤، گرسنگی و بیماری ٤١، تنگی ٤٢، رنجوری ٥٣، گزند ٥٥، رنج درویشی ٦٤، تنگیها ٨٣، بیماری و گرسنگی ١٠١، شکستگی و گرسنگی ١١١، بیماری و شکستگی ١١٦، آزارها ١٢٢، خستگی ١٣٠، زیانها ١٣٦

~: ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ (٣: ١٣٤)
اندوه و سختی و تنگی و بیچارگی ١٠، اندوه ٢٣، تنگی ٢٤، درویشی ٢٧، پنهان ٣٨، اندوه و سختی ٤٠، ناخوشی ٤٣، اندُه ٥٣، گزند ٥٥، تنگی و درویشی و گرانی ٦٣، نیکی ٦٧، تنگ دستی ٧٩، گزند یا بیماری و تنگدستی ١٠٤، آشکارا ١٣٦

~: فَأَخَذْنَٰهُم بِٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (٦: ٤٢)
تنگی ٢، اندوه و زیان ٩، گرسنگی و رنج ٤٤، بیماریها و دردها و گرسنگیها ٥٨، گزند رسانیدن ١٠٠، زیان و گزند ١٠٤، تنگی و بیماری ١١١، گسنگی ١١٢

~: إِلَّآ أَخَذْنَآ أَهْلَهَا بِٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ (٧: ٩٤)
تنگی ٢، بیماریها ١٠، زیان ٣٥، زیان کاری ٣٩، سختیها ٤١، سختی و گزند ٤٥، گرسنگی ٤٩، سختیها و بیماریها ٥٨، زیانکاری ٦٧، رنج و بیماری ٩٦، گزند و تنگی ١٠٩

~: وَقَالُوا۟ قَدْ مَسَّ ءَابَآءَنَا ٱلضَّرَّآءُ وَٱلسَّرَّآءُ (٧: ٩٥)
رنج ٢٩، زیان و سختی ٤٥، رنج و سختی و بیماری ٥٨، سختی و غم ١١٣، غمناکی ١٢٦

~: وَإِذَآ أَذَقْنَا ٱلنَّاسَ رَحْمَةً مِّنۢ بَعْدِ ضَرَّآءَ (١٠: ٢١)

---

١. أو / و (عطف).

سَختی و تنگی ٢، سختی ٣، سختی و تنگی ٤٢، سَختی ٥٥، بی نوایی و سختی ٥٨، بی نوایی ٧٤، ناخوشیها ١٣٦

~: وَلَئِنْ أَذَقْنَٰهُ نَعْمَآءَ بَعْدَ ضَرَّآءَ (١٠:١١)
دشواری ٣٩، سَختی و گُزند ٥٥، سَختی ٦٢، بیماری و درویشی ٦٤، تنگی و سختی ١٠٥، گزند سختی و تنگی ١٠٩، بدیها ١٣٦

~: وَلَئِنْ أَذَقْنَٰهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنۢ بَعْدِ ضَرَّآءَ (٥٠:٤١)
گزند ٣

ضِرَارًا: وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا (٢٣١:٢)
زیان کاری ٢، گزند رساندن ٣، سَتیزه ١٠، ستیزه ٣٩، زیان کاری ٤٢، گُزند رَسانیدَن ٥٥، ستیزه کردن ٥٦، زیان نمودن ٥٧، رنجه داشتن ٦٢، بستم و رنج ٧٤، زیان ١٠٠، زیان رسانیدن ١٠١، دشواری ١١٩، رنج ١٢٣، بیچاره گی ١٢٤، رنج رسانیدن ١٢٩، بناخوشی ١٣٦

~: وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا (١٠٧:٩)
دشخواری نمودن ١، زیانکاری ٢، گزند رسانیدن ٣، زیان کاری ٢٧، گزند ٢٩، زیان ٣٦، رنجه نمودن ٥٣، گُزند رَسانیدَن ٥٥، رنجانیدن ٥٨، از بهر رنجه داشتن ٩٣، زیانکاری ٩٤، گزند کردن ١٠٢، بدی ١٢١

ضَرَبَ: أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا (٢٤:١٤)
پَدیْد کرد ٥٣، یاد کرده است ٩٣

~: ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا (٧٥:١٦)
پدید کرد ٢، یاد گرد ٦٢، زد- پدید کرد ٨٠

~: وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً (١١٢:١٦)
بزدْ- پَدید کرد ٢، پدیدار کرد ٢٤، بَزدْ ٥٣

~: ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ أَنفُسِكُمْ (٢٨:٣٠)
بزد و پدید کرد ٤٧

~: وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ (٧٨:٣٦)
زده است ٢٤، پدید کردیم ٨٧

~: إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا (١٧:٤٣)
بزد ١، زد ٣، بزد- بگفت ٣٠، بسازد ١٢٣، بگفت ١٢٤

~: ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا (١٠:٦٦)
پیدا کرد ٢، پدید کرد ٢، یاد کرد ١٠٢

ضَرْبَ: فَإِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ ٱلرِّقَابِ (٤:٤٧)
زدن ٢٢، همی زنید ٥٦، بباید زدن ١٠٨

★ ضَرْبَ الرِّقَابِ: فَضَرْبَ ٱلرِّقَابِ (٤:٤٧)
بزندشان بر گردنها ٦١

ضُرِبَ: يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ (٧٣:٢٢)
زدهَ شُد ٢، بزدند ٢٤، زده‌اند ٣٤، پیدا کرده است ٣٩، پدید کرده شد ٥٦، زده شده است ٦٤، زده و پدید کرده شد ٧٩، پیدا شد ١١٤

~: وَلَمَّا ضُرِبَ ٱبْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ (٥٧:٤٣)
زده شد ١، زده آمد ٢، پیدا کرده شد ٦١

~: فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَّهُۥ بَابٌۢ بَاطِنُهُۥ فِيهِ ٱلرَّحْمَةُ (١٣:٥٧)
زده شهد[1] ١، زده شود ٣٠، پدید آید ٦٧، زده آید ٩٤، پدید کرده شود ١٠٠

ضَرْبًا: لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِى ٱلْأَرْضِ (٢٧٣:٢)
رفتن ٣، رَفتن ٤٢

~: فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًۢا بِٱلْيَمِينِ (٩٣:٣٧)
زخم ٢، بتَرْزدن ٢٢، زدن ٢٩، زخم زدن ٦١، زدن و

---

١. زده شهد / زده شود.

شکستن ۹۶

ضُرِبَتْ: وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ ٱلذِّلَّةُ (۲:۶۱)
زدَه شد، نهاده شد ۲، برنهادند ۱۰، نهادند ۲۴، زده آمد ۵۰، زدَه شد ۵۵، نهاده شود ۷۶، زدَه آمد ۹۴

~: وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ ٱلْمَسْكَنَةُ (۳:۱۱۲)
زده شد ۱، برنهادستند، بَرزدستند ۱۰، برافکنده آمد ۲۳، ورنهند ۲۴، بزدند ۲۹، بَرْزدستند ۴۰، فرستاده شد ۴۱، نهادَه شد ۴۲، زده شود ۵۲، برافکنده‌اند ۵۳، نهاده وزده شد ۵۸، برنهاده است ۶۲، کرده شد برنهاده‌اند، زدند ۷۶، برافکند ۸۸، پدید آورده شد ۱۰۲، زده شده [است] ۱۳۶

ضَرَبْتُمْ: إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (۴:۹۴)
بروید ۱، رفته باشید ۱۰، رَوِیْت ۵۵، بشوید ۶۹، روید ۷۵، روید شما ۹۶

~: وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي ٱلْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ (۴:۱۰۱)
بروَید ۱۰، بروید شما ۵۷، بروید تان ۶۱، می روید ۹۶، رفتیت ۹۷

~: إِنْ أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي ٱلْأَرْضِ (۵:۱۰۶)
برفتید ۱، رویت ۳، بیرون رویت ۱۰ مکرّر، آمد شد کنید ۲۷، آمد و شد کنید ۹۸، رفتید ۱۲۱، برفتید شما ۱۲۴، بیرون روید ۱۲۵

ضَرَبْنَا: وَضَرَبْنَا لَكُمُ ٱلْأَمْثَالَ (۱۴:۴۵)
پدید کرده بُودیم ۲، بزدیم ما ۵، پدید کردیم ۳۰، پدید کرده بودیم ۴۲، پَدیْد کَرْدیم ۵۳، زدیم ۵۹، یَاد کردیم ۶۲، زدیم ما ۹۳

~: فَضَرَبْنَا عَلَىٰٓ ءَاذَانِهِمْ فِي ٱلْكَهْفِ (۱۸:۱۱)
بخوابانیدیم ۱، بزدیم ۲، زدیم - بخوابانیدیم ۴۳، مهرنهادیم ۴۴، بَزدیم ما ۵۷، بجنبانیدیم ۷۲، بخوابانیدیم ما ۱۰۰، بنهادیم ۱۰۸، افکندیم ۱۱۴، نهادیم ۱۳۲

~: وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ ٱلْأَمْثَالَ (۲۵:۳۹)
پیدا کردیم ۳، پدید کردیم ما ۶۴، بزدیم ما ۷۶، پدیدیم ۱۱۳

~: وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ (۳۰:۵۸)
پدید کردیم و بزدیم ما ۴۷، پدید کردیم ما ۵۸، یاد کردیم ۶۲، بیان کردیم ۱۳۳، بینا کردیم ۱۳۹

~: وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ (۳۹:۲۷)
بزدیم ۱، پدیدار کردیم ۲۴، پیدا کردیم ما ۶۱، زدیم - بیان کردیم ۱۰۹

ضَرَبُوا: إِذَا ضَرَبُوا فِي ٱلْأَرْضِ (۳:۱۵۶)
برفتند ۱، بَرفتنْد ۲، میروند ۳، برفتَند ۲۳، بروند ۲۴، بشدند ۲۷، می رفتند ۳۶، بَرفتید ۴۲، رفتند ۵۳، بَروَند ۵۵، برفتندی ۶۳، بیرون روند ۶۷، برید ۷۵، بزنند - بروند ۹۴، رفتندی ۹۶، میرفتند ۱۰۱، برفتید ۱۰۵

~: ٱنظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ ٱلْأَمْثَالَ فَضَلُّوا (۱۷:۴۸)
بزدند ۱، زدنْد ۲، زدند ۸، زدند و پدید کردند ۵۸

~: ٱنظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ ٱلْأَمْثَالَ فَضَلُّوا (۲۵:۹)
می زنند ۳۰، زنند ۵۴، پیدا کردند ۱۲۱

ضَرَبُوهُ: ءَأَٰلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ (۴۳:۵۸)
زنند ۲۲، زدند ۵۶

* مَاضَرَبُوهُ: ءَأَٰلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ (۴۳:۵۸)
نزدند ۱، مانند نمی کنند ۳۹، پیدا نکردند ۶۱

ٱلضَّرَرِ: غَيْرُ أُو۟لِي ٱلضَّرَرِ (۴:۹۵)
بیچارگی و درماندگی ۲، گزند ۳، بیچارگی ۲۹، سختی ۳۹، دَرمَاندِگی ۴۲، رنج ۴۳، درماندگی ۵۲، گزند ۵۵، زیان ۱۰۰، بیماری ۱۰۴، بیچاره گی ۱۲۷، بیماریها ۱۳۶

ضَرُّهُ: يَدْعُوا لَمَن ضَرُّهُۥٓ أَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِۦ (۲۲:۱۳)
زیان ۲، گزند ۱۲، رنج ۵۸، زیان کاری ۹۹

ضُرَّهُ: فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ (۱۰:۱۲)
دشخواری ۱، سختی ۲، گزند سختی ۳، بیماری ۲٤، رنج ۲۹، سختی گرسنگی ۵۵، سختی و رنج ۵۸، سختی و بیماری ٦۷، بدی ۹۱، سختی و گرسنگی ۹٤، گزند و بیماری درد ۱۰۹، بیچارگی ۱۲۱، زیان و گزند ۱۲٤، آزار ۱۲۷، ناخوشی ۱۳٦

~: هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ (۳۹:۳۸)
سختی و گزند ۳، گزند ۲۲، زیان ۳۹، زیان رنج ۱۳۸

ضَرِيع: لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ (۸۸:٦)
خار آتشین ۲، درخت دوزخ ۲٤، شترخواره ۲۹، خوار آتشین ۳٤، خار خشک ۳٦، شتر خواره گیاه ناخوش ٤۲، درخت خار ٤۸، شتر خواره گیاه ۵۲، خارخشک زهردار ۷۹، خار آتش ۹۰، خآر ۱۰۰، خار ۱۰۲، خارخسک ۱۰٤، شتر خواره گیاهیست ناخوش ۱۰۵، نوعی از خارخشک ۱۰٦، گیاه خارناک ۱۲۰، گیاه خوارناک گیاه خاردار ۱۳۱، خار و خاشاک ۱۳٤، چرک و زرداب ۱۳٦

ضِعَافًا: لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا (٤:۹)
سستان ۱، خردْ ۲، بی چاره ۱۰، بیمار ۲٤، خرد و بیچاره ۲۷، خوردوی چاره[1] ٤۰، خورد ٤۲، سست ۵۳، سُستان ۵۵، بیچارگان ۱۰۲، خورد ۱۰۵، سُستان ۱۰۹، خردان ۱۱٤، خرد و ناتوان ۱۲۲

ضَعُفَ: ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ (۲۲:۷۳)
سست شد ۱، سُست است ۲، سست است ۱۲، سُستست ۳، ٤۳، سُستا ۱۰۹، ناتوانست ۱۳۲، سست ۱۳۹

ضِعْفٌ: قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ (۷:۳۸)
بهره ۱۰٦

~: إِذًا لَّأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ (۱۷:۷۵)
دوُباره ۲، دومانند ۳، افزونی ۸، دوچند ۳٦، یکی بدو ۳۹، دوُمانَند ۵۵، دوهم چند ۵٦، سُستی ۵۷، یک دو چندان ۵۸، دوتو ۵۹، دو بهره ٦۳، هم چند ۹۲، یکدو ۱۰۷، یک دوچندان ۱۱۹، دوبرابر ۱۲۱، یکی دو ۱۳۹

~: فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا (۳٤:۳۷)
یک دوا ۱، دو چندان ۳، یک دو ۷، یک دوُ ۲۲، افزونی ۲٤، دوباره ۳٤، آفزونی ۵۳، یک بدو ۵۸، فزونی ۸٦، دوبار ۱۰۲، افزون ۱۲٤

ضَعْفًا: وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا (۸:٦٦)
سستی ۱، سُستی ۱۰، بیچارگان و سُستان ۲۷، سسْتی ۵۵

~: ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً (۳۰:۵٤)
سُسْتی ۲، ناتوانی ۲۹، بی توانی ٤۱، سُسْتی ۵۳، سستی و پیری ۵۸، سست ۱۱۱، سُستی ۱۲٤

ضَعْف: اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعْفٍ (۳۰:۵٤)
بیچارگی ٤۱

ضِعْفًا: فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ (۷:۳۸)
یک دوا ۱، دوُ چندان ۲ دو چند ۱۰، افزون ۲۹، دوبهره ٦۳، دتو ۷٦، یکدو ۹۹، دوبهره و دو چند آن ۱۰۰، دوبار ۱۰۲، افزون تر ۱۰٤، دوچندان - افزون ۱۰۹، دوُ چندان ۱٤۰

~: مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا (۳۸:٦۱)
دوباره ۳۰، دوچَنْدَانْ ۵۳، بیفزوده ۸۱، دوبرابر ۱۳٦

الضُّعَفَاءُ: وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ (۲:۲٦٦)
بی نیرَو ۱۰، کوچک و خرد ۲۵، بیچاره ۲۷، کوچک بیچاره ٤۱، خردان ٤۲، خرد ٤۳، خردان

---

۱. وی چاره / بیچاره.

۵۲، بی زوران ۵۷، کوچک ۶۰، سست ۱۰۲، خورد ۱۱۱، ناتوان ۱۲۱، خرد و ناتوان ۱۲۲

~: لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ (۹:۹۱)

سُستان ۳، سُسْتان ۵۵، سستان و پیران ۵۸، بیماران سستان ۸۰، سُستان بیچارگان ۱۰۹، پیران سست ۱۱۴، ناتوانایان ۱۱۵، پیران ۱۲۷

~: فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا (۱۴:۲۱)

سستان ۱، ناتوانان ۲۹، زیردستان و چاکران ۵۸، چاکران ۷۲، سستان ـ بیچارگان ۹۴، سستان و بیچارگان ۱۲۸

~: فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا (۴۰:۴۷)

بیچارگان ۲، سستان یعنی زیردستان ۳، سُسْتانِ ۲۲، کهتران ۲۴، بیچاره گان ۳۰، سستان ـ زیردستان ۹۱، سستان ـ فرومایگان ۱۰۹، زبونان ۱۱۶، زیردستان ۱۲۱

ضَعُفُوا: وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا (۳:۱۴۶)

سست شدند ۲، شدند بیچاره ۳۹، سُسْت شدند ۵۵، بیچاره شدند ۷۵، بد دل شدند ۹۰، سست گشتند ۹۴

* مَاضَعُفُوا: وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا (۳:۱۴۶)

سست نشدند ۱، سُسْت نگشتند ۲، سستی نکردند ۱۰، زبونی نکردند ۴۰، سُست نگشتند ۴۲، سست نگشتند ۵۲، سست و بیچاره نشدند ۵۸، نرم و سست نشدند ۶۹، سُست نگشتند ۸۳، بیچاره نکردند ۱۰۲، بیچاره وسُست نشدند ۱۰۹، ناتوان نشدند ۱۱۵، سُست نشدند ۱۳۸

ضِعْفَيْنِ: فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ (۲:۲۶۵)

یک دَوا ۱، دوُ چندان ۲، دوبار ۲۹، یکی بدو ۳۹، دوُچندان ۴۲، دوُچَنْدان ۵۵، دوبهره ۶۳، دوچند دیگرها ۷۲، دوچند آن ۱۰۰، دوبرابر ۱۰۱، دوبارَه ۱۳۸

~: يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ (۳۳:۳۰)

دوُباره ۲، یک دو ۱۴، دوبرابر ۳۸، دوچندانه ۹۹، دو چند آن گردانیدن ۱۰۰، دوباره ـ دوچندان ۱۰۹

~: رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ (۳۳:۶۸)

دو یک دوا ۱، دوچندان ۲، یک دو ۷، دوچند ۲۹، دو چندانها ۸۰

ضَعِيفًا: الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا (۲:۲۸۲)

بیمار ۳، ناتوانا ۱۰، کوچک ۲۵، ناتوان ۲۷، ناتوانای بیمار ۲۸، سست و بیمار ۲۹، سستی ۶۹، وازمانده ۷۵، سست یا بیمار ۱۲۷

~: وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا (۴:۲۸)

سُست ۳، سُست و بی چاره ۱۰، سست و بیچاره ۳۹، بیچاره ۴۰، سُسْت ۵۵

~: إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (۴:۷۶)

سست ۱، سست وی نیرَو[1] ۱۰، سُست و نابکار ۴۲، سست و نابکار ۵۲، سست و بیجان ۱۲۲

~: وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا (۱۱:۹۱)

سُسْت ۲، بی یار ۵۲، بی نیرو ۷۵

ضِغْثًا: وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ (۳۸:۴۴)

مشتوی گیا[2] ۱، دستهٔ گیاه ۳، گیاه ۲۲، دسته از خار ۲۴، دسته ۲۹، بند خاشاک ۳۰، دستهٔ سپرغم ۳۳، دسته گیاه ۴۲، دستهٔ از گیاه ۶۹، دسته وخوشه ۷۴، شاخ خرما ۷۸، دَسْتَه ۸۱، مشت گیاه ۸۸، کینه ۹۰، دسته شاخهاء گندم ۹۴، دسته از چوب باریک ۱۱۱، دستهٔ چوب ۱۱۳، دستهٔ از چوب یا از

---

۱. وی نیرَو / بی نیرو.

۲. مشتوی گیا: دسته ای گیاه.

هر گیاه شک ۱۱۶، دسته‌ای چوب خرد ۱۲۰، چوب ۱۲۶، دسته چوپ ۱۳۰، چوب کوچک ۱۳۶

ٱلضَّفَادِعَ: وَٱلْجَرَادَ وَٱلْقُمَّلَ وَٱلضَّفَادِعَ (۱۳۳:۷)
کزو[۱] ۱، چغزان ۲، جغزان ۳، بزغان ۱۰، بزغ ۲۴، غوکان ۲۷، جغران ۳۱، وقان ۳۵، غوک ۳۶، بَزق ۴۱، بزغها ۴۸، غوکان ـ بزغ ۴۹، وزغ ۵۳، جَغزَان ۵۵، وزه ۵۷، بَزغ ۶۲، جغز ۹۱، مکل[۲] ۱۰۲، بزغ ها ۱۰۴، بزخ ۱۰۶، بزغها ـ چَغران ۱۰۹، وزغها ۱۱۱، زبزغها ۱۱۳، چغزان و بکان ۱۱۴، غوکها ۱۲۰، بزق[۳] ۱۲۱

ضَلَّ: فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ (۱۰۸:۲)
گم گَرْد ۲، گم کرده باشد ۲۹، گم کرد ۳۸، گم گردید ۹۶، برگشته باشد ۱۰۶، گم گشته است ۱۱۱، گم کرده ۱۲۲، گمراه گشته ۱۲۳، گمراه شده است ۱۳۶

~: **وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا** (۱۱۶:۴)
گُم شود ۲، گمراه شد ۳، بَی راه گشت ۱۰، گم راه شود ۳۸، گم ببُود ۴۵، گم شد از راه ۵۳، گمراه شده باشد ۶۴، او بی راه باشد ۶۵، گم ره شود ۷۶، گُمْ راه شود ۹۴، گمره شده بود ۱۰۰

~: **فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا** (۱۳۶:۴)
گم شود ۲، بی راه گشت ۱۰، گم ببُود ۴۵، بی رَاهْ شدْ ۴۳، بی راه شده است ۹۶، گمراه شده ۱۱۱

~: **فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ** (۱۲:۵)
گم راه باشد ۲۹، بی راه گشت ۵۷، برگردیده باشد ۶۳، گم راه کرد ۸۸، کم کرده شد ۱۲۴، برگشته باشد ۱۳۸

~: **لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا ٱهْتَدَيْتُمْ** (۱۰۵:۵)
گم راه شد ۹، گمراه گردد ۲۶، بی راه است ۵۳، بی راه بود ۷۲، گمراه است ۱۲۱، بیراهست ۱۲۷

~: **ٱنظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ ۚ وَضَلَّ** (۲۴:۶)
گم شد ۱، گُم شد ۲، گم بوده شد ۳۹

~: **وَضَلَّ عَنكُم مَّا كُنتُمْ تَزْعُمُونَ** (۹۴:۶)
گُم گشتْ ۲، گم شدند ۹، بباد شد ۳۶

~: **وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ** (۵۳:۷)
گم شده باشد ۵۳

~: **وَرُدُّوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ مَوْلَىٰهُمُ ٱلْحَقِّ ۖ وَضَلَّ عَنْهُم** (۳۰:۱۰)
گم شهد[۴] ۱، گم شد و ناچیز شد ۱۰، گمراه کرد ۱۳۶

~: **وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا** (۱۰۸:۱۰)
وی ره شهد[۵] ۱، بی راه شود ۳، گم راه گردد ۲۴، گمراهی می کند ۴۱، بِی رَاه شَوَد ۵۵، گُم راه شود ۷۶، بیراه شود ۱۲۴

~: **وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ** (۲۱:۱۱)
گم شد ۵۵، گم شدَه آست ۶۲

~: **وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ** (۸۷:۱۶)
ناچیز شود ۳، گم شَوَد و ناچیزْ شَوَد ۵۵، گُم راه کرد ۵۷، بباد شد ۷۲، گم شده بود ۱۰۵

~: **إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ** (۱۲۵:۱۶)

---

۱. کزو: وزغ؛ وک.
۲. مکل: زالو.
۳. بزق: وزغ.
۴. گم شهد: گم شود.
۵. وی ره شهد: بی راه شود.

گُم شد ۲، بی راهْ شد ۵۳، برگشت ۶۳، گمره شد ۱۰۰

~: وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا (۱۵:۱۷)
گمراه کند ۱۱۸

~: ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّآ إِيَّاهُ (۶۷:۱۷)
گُم گردد ۲، گم گردد ۴۲، گُمْ شُدْ ۵۳، گم شوند ۱۱۸

~: ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۱۰۴:۱۸)
بباد شود ۹۰، گم شده است ۹۲، بی برشد ۱۰۲، نیست شد ۱۰۳

~: وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُنذِرِينَ (۹۲:۲۷)
گُم شدَه بود ۴۷، گمراه شود ۵۳

~: فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًا مُّبِينًا (۳۶:۳۳)
وی ره شد[1] ۱، گم گشت ۲، بی راه شد ۱۸، گم گشت ۹۴، بیراه کرد ۹۹

~: وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ ٱلْأَوَّلِينَ (۷۱:۳۷)
گُمراه شد ۵۶، بی راه شدند ۶۱، گمراه شدند ۸۷، راه گم کردند ۹۲

~: وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا (۴۱:۳۹)
بیراه شد ۶۱

~: وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَدْعُونَ مِن قَبْلُ (۴۸:۴۱)
گَمْ شُدْ ۳۲، دورماند ۳۹، ناپدید شد ۱۲۲

~: مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ (۲:۵۳)
گم شده است ۲

~: إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ (۳۰:۵۳)
گُم ببود ۲، گم کند ۸۱، گمراه است ۸۶

~: وَمَن يَفْعَلْهُ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ (۱:۶۰)
گُم کردْ ۲، گم کرده است ۱۰۳، برگردیده باشد ۱۳۸

~: إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ (۷:۶۸)
گُم شدست ۵۶، گم شده ۱۳۲

★ مَا ضَلَّ: مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ (۲:۵۳)
گم راه نگشت ۳۰، گم بوده نشد ۳۹، بی راه نبود ۴۲، گمراه نشد ۶۴، بیراه نشده است ۹۶، گم نگشت ۱۰۸، گم نشود ۱۱۳، گمراه نگشت ۱۲۴، گمراه نشده ۱۳۲، گمراه نیست ۱۳۶

ضَلالٌ: وَإِن كَانُوا۟ مِن قَبْلُ لَفِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۱۶۴:۳)
بَی راهی ۱۰، بیبی راهی ۲۳، گم بودن ۲۹، گم بودگی ۴۲، گم شدن ۵۳، گمرآهی ۹۴

~: إِنِّىٓ أَرَىٰكَ وَقَوْمَكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۷۴:۶)
بی رَاهي ۲، گم بودی ۲۶

~: إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۶۰:۷)
وی رهی[2]، بیراهی ۲۷، گم بود ۱۲۵

~: فَمَاذَا بَعْدَ ٱلْحَقِّ إِلَّا ٱلضَّلَٰلُ (۳۲:۱۰)
گم شدگی و کوزی و بی راهی ۱۰، گمبودگی ۴۹، بیرَاهی ۶۲، گمرَاهی ۱۰۰

~: قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَىٰهَا فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۳۰:۱۲)
گم بُودگی ۲، گُمرَاهی ۵۵، بی رَاهی ۷۶

~: وَمَا دُعَآءُ ٱلْكَٰفِرِينَ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ (۱۴:۱۳)
گُم راهي ۲، گمراهی ۳، بی راهی ۵، تباهی ۱۱۱

~: وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُو۟لَٰٓئِكَ فِى ضَلَٰلٍۭ بَعِيدٍ (۳:۱۴)
گم راهی ۵

---

۱. وی ره شد / بی راه شد.
۲. وی رهی / بی راهی.

~: ذَٰلِكَ هُوَ ٱلضَّلَٰلُ ٱلْبَعِيدُ (۱۸:۱٤)
بی‌راهی و گمراهی ۵۸، راه کجی ۱۲۲

~: أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُمْ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۵٤:۲۱)
گُم بودگی ۲

~: تَٱللَّهِ إِن كُنَّا لَفِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۹۷:۲٦)
بی‌راهی ۵۳

~: فِى ٱلْعَذَابِ وَٱلضَّلَٰلِ ٱلْبَعِيدِ (۸:۳٤)
گُم بُودگی ۲

~: لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۲٤:۳٤)
گُم راهی ۲۲

~: أُوْلَٰٓئِكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۲۲:۳۹)
گُمراهی ٥٦

~: وَمَا كَيْدُ ٱلْكَٰفِرِينَ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ (۲۵:٤۰)
ناچیز شدن ۳، بی‌راهی و بیهودگی ۱۰۳، گمراهی و بیهودگی ۱۲۲

~: وَمَا دُعَٰٓؤُاْ ٱلْكَٰفِرِينَ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ (۵۰:٤۰)
گم بودگی ۳

~: أُوْلَٰٓئِكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۳۲:٤٦)
گم بودگی ۵۳

~: إِنَّآ إِذًا لَّفِى ضَلَٰلٍ وَسُعُرٍ (۲٤:۵٤)
سرگشتگی و گم‌راهی ۵۳

~: إِنَّ ٱلْمُجْرِمِينَ فِى ضَلَٰلٍ وَسُعُرٍ (٤۷:۵٤)
سرگشتگی ۵۳

~: فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۲۹:٦۷)
گم شدگی ١٤

ضَلَالاً: أَن يُضِلَّهُمْ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا (٦۰:٤)
گُم راهی ۲، گمراهی ۳، بی راهی ۱۰، گمر راهی ۲٤، گمراهی کردن ۲۷، گم کردن ۳۹، گمبوده کردن ٤۹، از راه بردن ۵۳، بی‌راه ۵۷، گم بودن ۹۱

~: وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا (۱۱٦:٤)
گُم شدن ۲، گمراه شدن ۳، بی‌راه گشتن ۱۰، بی‌راه گردیدن ۲۹، گُم شدن ٤۵، گمرآهی ۹٤

~: فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا (۱۳٦:٤)
وی راه ۱، بی راه گشتن ۱۰، گم راه شدن ۲۹، بی‌راه شدن ۵۳، گم شودن ۸۸، گمره شدن ۱۳٤

~: قَدْ ضَلُّواْ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا (۱٦۷:٤)
بی‌راه شدن ٤۵، گم راه گشتن ۷۰

~: فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًا مُّبِينًا (۳٦:۳۳)
وی رهی[1] ۱، گُم گشتن ۲، گم راه شدن ۷، بی‌راه شدن ۱۸، بیراهی ۳٤، گم گشتن ۹٤

~: وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا ضَلَٰلًا (۲٤:۷۱)
گم شده گی ۲٤، بیراهی ٦۱

ٱلضَّلَالَةُ: ٱلَّذِينَ ٱشْتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلْهُدَىٰ (۱٦:۲)
گُم رَاهی ۲، گم راهی ٤، بی راهی ۱۰، گم راهی ۸۲

~: ٱلَّذِينَ ٱشْتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلْهُدَىٰ (۱۷۵:۲)
گُم بودگی ٤۲، گُم رَاهی ۵۳، گُمراهی ۵۵، گُم راهی ۸۸، بی رآهی ۹٤

~: يَشْتَرُونَ ٱلضَّلَٰلَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّواْ ٱلسَّبِيلَ (٤٤:٤)
وی رهی[1] ۱، گُم بُودگی ۲، بی راهی و جَهودی ۱۰، گم بودگی ۲۹، گُم بودگی و بی رائی ۱۲۱،

---

۱. وی رهی / بی راهی.

گم بردگی ۱۲۷

~: فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ ٱلضَّلَٰلَةُ (۷: ۳۰)
وی راهی[1] ۱، گُم راهی ۲، بی راهی و گم بودگی ۱۰، بی راهی و گمراهی ۲۵

~: قَالَ يَٰقَوْمِ لَيْسَ بِى ضَلَٰلَةٌ (۷: ۶۱)
بیراهی ۳۱، نادانی و گمراهی ۹۲، گمرآهی ۱۰۰، گم رَاهی ۱۴۰

~: وَمِنْهُم مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ ٱلضَّلَٰلَةُ (۱۶: ۳۶)
گمراهی ۳، گمبودگی ۴۹، گم بوده گی ۱۱۹

~: مَن كَانَ فِى ٱلضَّلَٰلَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ مَدًّا (۱۹: ۷۵)
گُم راهی ۲

ضَلَٰلَتِهِمْ: بِهَٰدِى ٱلْعُمْىِ عَن ضَلَٰلَتِهِمْ (۲۷: ۸۱)
وی رهی ۱، گُم بودگی ۲، بی راهی ۴۶، گمراهی ۴۷

~: وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِ ٱلْعُمْىِ عَن ضَلَٰلَتِهِمْ (۳۰: ۵۳)
بی راهی ۱۴، گم شدگی ۲۴، بیراهی ۵۶

ضَلَٰلِكَ: إِنَّكَ لَفِى ضَلَٰلِكَ ٱلْقَدِيمِ (۱۲: ۹۵)
وی راهی ۱، گُم بُودگی ۲، دوستی ۳، نادانی ۵۶، گمراهی ۶۱، گُم رَاهی ۷۶، گم بودگی ۹۴، گُم بودگی ۱۰۹

ضَلَلْتُ: لَآ أَتَّبِعُ أَهْوَآءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا (۶: ۵۶)
وی ره شدم[2] ۱، گُم راه گَشْته باشم ۲، راه گم کنم ۳، من بی راه گرفتم ۹، بی راه کردم ۲۴، گمراه شُوم ۳۶، گمراه شدم ۳۹، گمراه باشم ۴۱، گم شدَه باشَم ۴۲، گمراه شده باشم ۴۴، گم بوده باشیم ۵۳، گُم راه شدم ۵۶، بی راه شده باشم ۵۷، گمراه شدم من ۶۱، گم بوده شدم ۶۷، بدراه شده باشم ۷۴، گُم شده باشم ۸۳، بی راه گشته باشم ۸۸، گمراه گشته بآشم ۹۴، بی راه باشم ۹۶، گم شده باشم ۱۰۵، راه گم کرده باشم ۱۲۰

~: قُلْ إِن ضَلَلْتُ فَإِنَّمَآ أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِى (۳۴: ۵۰)
وی ره شم[3] ۱، بی راه شوم ۳، من گم راه شوم ۷، بی راه شدم ۱۸، بیراه شدَم ۲۲، گم گردم ۳۰، بیراه شوم ۳۴، بی راه شدْمْ ۵۳، گمراه شوم من ۶۱، گمراه کنم ۶۴، بیراه شدم ۸۷، گمره شده باشم ۱۰۰

ضَلَلْنَا: وَقَالُوٓا۟ أَءِذَا ضَلَلْنَا فِى ٱلْأَرْضِ (۳۲: ۱۰)
بگوا دشیم[4] ۱، گم شده باشیم ما ۲۴، گم شویم ۳۰، گم ببودیم ۴۷، ناپیدا شویم ۵۶، گمراه شدیم ما ۶۱، ما گم شده باشیم ۶۴، گُم کردیم ۸۹، ناپدید شدیم ۹۰، گمراه شویم ۹۶، گم شویم ۱۲۱، ناپدید گردیم ۱۲۲

ضَلُّوا: قَدْ ضَلُّوا۟ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا (۴: ۱۶۷)
گُم شدند ۲، گمراه شدند ۳، از راه بیفتادند ۶۴، گم راه گشتند ۷۰، گم کنند ۷۵

~: وَضَلُّوا۟ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ (۵: ۷۷)
گُم گشتنْد ۲، گم راه شدند ۲۴، گم راه شدهاند ۲۷، بگشتهاند ۳۶، گمراه رفتند ۳۹، برگشتند ۶۳، گمراه بودند ۶۷، گم گشتند ۸۸، گُمْ رآه شدند ۹۴، گمراه شدهاند ۱۲۴

~: قَدْ ضَلُّوا۟ وَمَا كَانُوا۟ مُهْتَدِينَ (۶: ۱۴۰)
گُم راه گشتنْد ۲، بی راه شدند ۱۰، راه گم کردند

---

۱. وی راهی / بی راهی.
۲. وی ره شدم / بی راه شدم.
۳. وی ره شم / بی راه شوم.
۴. بگوادشیم: بر باد شویم.

۲۹، گمراه گشتند ٤٤، بی راهْ شُدَنْد ۵۳، خود گم شدند ٦٧، گم شده‌اند ۹۲

~: قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ (۳۷:۷)
رفتند ۳٦، گمشدند ٦٧

~: وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا (۱٤۹:۷)
وی ره شدند ۱، گم شدند و بی راه گشتند از راه راست ۱۰، گمراه شدند از راه راست ۲۷، از راه راست بیفتادند ٦٤، بی راه شده‌اند ۹٦

~: انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا (٤۸:۱۷)
گُم شُدند ۲، گم شدستند ۲٤، گُمْ شُدَند ۵۳، گم شَوَند ۵۵، گمراه شدند ۵٦، گمره شدند ۱۰۰، سرگردان شده‌اند ۱۰۳

~: قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا (۹۲:۲۰)
گُم راه گشتنْد ۲، بیراه گشتند ۳٤، بی راه شدَند ٤۲، بیراه شدند ۵٦، از راه گشتند ٦٧

~: كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا (۹:۲۵)
گُم شدند ۲، بی راه شوند ۵٤، گم راه شوند ۱۱۹

~: هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ (۱۷:۲۵)
گمراه بودند ٤٧، گم کَرْدَند ۵۱، گم کردند ۵۸، گم کرده‌اند ٦۲، گُم کردند ٧٦

~: قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُن نَّدْعُوا (٧٤:٤۰)
گمراه کردند ٦۱

~: بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَٰلِكَ إِفْكُهُمْ (۲۸:٤٦)
گم شدند ۱، گم بوده شدند ۳۹

ضَنْكًا: فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنكًا (۱۲٤:۲۰)
تنگ ۱، ناخوش ۲٤، بد ۳٦، تنگ و سخت ٤۱، نه با برکت ۸٦، تنگ و بی برگ ۱۱۳، تنگی ۱۲۲

ضَنِين: وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (۲٤:۸۱)
گُمانْ ۲، گمان برنده ٦۵، گمان‌مند ۹٤، زفت ۱۱٤

ضِياءً: هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً (۵:۱۰)
روشنایی ۱، روُشنایی ۲، روشنااِی ۱۳، روشنی ۲٤، تابناکی ۲٧، تابانْ ٤۳، نیک روُشَنْ ۵۵، روشنآءی ٦۰، روشن ٦۱، نیک روشن ۸۰

~: ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً (٤۸:۲۱)
روشنایِي ۲، رشنایی ۳۰، روشنائي ۳۹، روشنای ٤۸، رشنای ۵۳، روشنائی ۵٦، نور ٦٤

~: مَنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ (٧۱:۲۸)
روُشنایی ۲، روشنایی روز ۹٤

ضَيْرَ: قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ (۵۰:۲٦)
زیان ۱، زیان ۵۳، گزند ٧۹، سرزنش ۱۰۰، باک ۱۰۵، زیانْ و گزند ۱۳۸

★ لاَ ضَيْرَ: قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ (۵۰:۲٦)
ندارد زیان ۲، بد نیست ۲۰، نیست باکی ۲۹، زیان ندارد ۳۰، گزند ندارد ٤٧، باک نیست ۵۲، نیست زیانی ۱۰٧، نیست هیچ گزندی ۱۲۰، نزیان دارد ۱۲٤

ضِيزَىٰ: تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ (۲۲:۵۳)
کیل[1] ۱، کژ ۳، کاسته ۲۹، کژو بی داد ۳۵، ناکم کرده ٤۳، بچسبیده ۵۲، کم و کژ ٦۱، کم کرده ٧۸، بیداد ۸۱، بی داد ۸۸، ناراست ۹۰، کم و کاسته ۱۰۲، کم و کاست ۱۰۹، ناراست ۱۱۱، کج و ناراست ۱۱٦، ستم ناروا ۱۲۰، فرومایه ۱۲٤، جنبیده ۱۳٦

ضَيْف: وَنَبِّئْهُمْ عَن ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ (۵۱:۱۵)
مهمانان ۱، مهمان ۲۹، مهْمَانْ ۵۳، مِهمانان ۵۵،

---

۱. کیل: ناراستی و کژی و بیداد.

میهمان ۵۷، مهمانی ۹۳، میهمانان ۱۰۳
~: هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَٰهِيمَ ٱلْمُكْرَمِينَ (۵۱: ۲٤)
مهْمانان ۲، مهمان ۵۱، مهمانان ۱۰۰

ضَيْفِهِ: وَلَقَدْ رَٰوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِۦ (٥٤: ٣٧)
مهمانان ۱، مهمان ۲٤، مِهمانان ۵۱، مهمانی کردن ۸۱، میهمانان ۱۲۰

ضَيْفِي: فَاتَّقُوا ٱللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِيٓ (۱۱: ۷۸)
مهمانان ۱، مهْمَانان ۲، میهمان ۲٤، مهمان ۳٤، مهمَانان ۵۵، مهمانانان ۷٦، میهمانان ۹۰، مهمانی ۱۳٦
~: قَالَ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ (۱۵: ٦۸)
میهمانان۵۳، مهمانان ۵۵

ضَيِّقًا: يَجْعَلْ صَدْرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجًا (٦: ۱۲۵)
تنگ بسته ۱۰، تنْک ۵۵، تنگ و تاریک ۵۸، ناگنجا ٦٤، سخت ۸۸، تنک ۹۱، گرفته ۱۰٤
~: وَإِذَآ أُلْقُوا۟ مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ (۲۵: ۱۳)
تنگ ۱، جای تنگ ٤۷، جَای تنگ ۷٦، نیک تنگ ۸٦، تنگ ۱۱۹، تنگنا ۱۲۲، تنگنای ۱۳۲، تنگ کردن ۱۳۸

*ضَيِّقًا حَرَجًا: يَجْعَلْ صَدْرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجًا (٦: ۱۲۵)
سخت تنگ ۲، تنگی تنگ ۱۰٦، تنگ و سخت ۱۱۱، تنگ تنگ ۱۲۲، تنگِ تنگ ۱۳٤

ضَيْقٍ: وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (۱٦: ۱۲۷)
تنگّی ۱، دلتنگ ۵۲، تنگی ۵۵، دلتنگی ۵۸، تنگ دل، تنکی دل ٦۵، نیکو کاران ۱۲۲
~: وَلَا تَكُن فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (۲۷: ۷۰)
دل تنگی ۲٤، تنگ دلی ۲۹، تنگی و تنگ دلی ٤۷، دِل تنگ ۷٦، تنگدلی ۱۰۲، تنگ ۱۲۹



طائر: وَلَا طَٰٓئِرٖ يَطِيرُ بِجَنَاحَيۡهِ إِلَّآ أُمَمٌ (۳۸:٦)
پریداری[1] ۱، پرنده ۲، پرنده ۲٤، مرغ ۲۹، پرنده ۵۷، پرنده ۹٤

طائرکم: قَالَ طَٰٓئِرُكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ (٤۷:۲۷)
مرو[2] ۱، تنگی و فراخی ۲٤، اختر ۳۰، اختر بد ٤٦، نیکی و بدی ۵۸

~: قَالُواْ طَٰٓئِرُكُم مَّعَكُمۡ أَئِن ذُكِّرۡتُم (۱۹:۳٦)
شومی ۳۰، بدنشانی ۵٦، شوم ۹۲، شومی بد زد شما ۱۱۳، فال بد ۱۲۹

طائره: وَكُلَّ إِنسَٰنٍ أَلۡزَمۡنَٰهُ طَٰٓئِرَهُۥ فِي عُنُقِهِۦ (۱۳:۱۷)
اختر ۲، کار ۳، کردار ۲٤، کرده ۳۸، نامه ۳۹، بخت ۵۹

طائرهم: أَلَآ إِنَّمَا طَٰٓئِرُهُمۡ عِندَ ٱللَّهِ (۱۳۱:۷)
مرو[2] ۱، اختر ۲۷، تنگی و فراخی ٦۷، مرغان ۹۲، بدی ۱۱۳

طائعین: قَالَتَآ أَتَيۡنَا طَآئِعِينَ (۱۱:٤۱)
خوش کامه شداران ۱، فرمان برداران ۳، خوش کامان ۱۵، خوش کامان ۲۲، بخوشی ۳۰، خوش منشان ۳۹، خواهان ٤۱، خوشمنشان ٤۹، فرمان بُرداران ۵۳، گردن نهاده ٦۵، فرمان بُرداران ۸۱، فرمان برندگان ۱۱٦

طائف: إِذَا مَسَّهُمۡ طَٰٓئِفٞ مِّنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ (۲۰۱:۷)
گروه ۲٤، آینده ۹۰، اندیشه ۱۰۵

~: فَطَافَ عَلَيۡهَا طَآئِفٞ مِّن رَّبِّكَ وَهُمۡ نَآئِمُونَ (۱۹:٦۸)
گشتار[3] ۱، گردنده ۲، گرد برآینده ۱۰٤، گشتی ۱۳۹

طائفة: أَمَنَةٗ نُّعَاسٗا يَغۡشَىٰ طَآئِفَةٗ مِّنكُمۡ (۱۵٤:۳)
گره[4] ۱

~: فَلۡتَقُمۡ طَآئِفَةٞ مِّنۡهُم مَّعَكَ (۱۰۲:٤)
جوق ۷۲

---

۱. پریدار: پرنده.
۲. مرو: فال بد، فال.
۳. گشتار: گردنده.
٤. گره / گروه.

~: إِن نَّعْفُ عَن طَآئِفَةٍ مِّنكُمْ (۹:۶۶)
گرُوُه ۵۵

~: فَإِن رَّجَعَكَ ٱللَّهُ إِلَىٰ طَآئِفَةٍ مِّنْهُمْ (۹:۸۳)
گروهان ۹۳

~: فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ (۹:۱۲۲)
تنی چند ۵۳، یک دو تن یا بیشتر ۵۸، بهری ۱۰٤، بهره ۱۲۷

~: وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۲٤:۲)
گروه ۱، کسان ۷۷، پاره ۱۳۰

~: وَإِذْ قَالَت طَّآئِفَةٌ مِّنْهُمْ (۳۳:۱۳)
گروُه ۲، گروهـ ٤٦، گروهه ۱۱۳

طَائفَتَانِ: إِذْ هَمَّت طَّآئِفَتَانِ مِنكُمْ (۳:۱۲۲)
دو گروه ۲، دو بُنگاه ۱۰، دو گروهان ۹۹

~: وَإِن طَآئِفَتَانِ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱقْتَتَلُوا (٤۹:۹)
دو گره ۱، گروهان دو ۹۹

طَائفَتَيْنِ: إِنَّمَآ أُنزِلَ ٱلْكِتَٰبُ عَلَىٰ طَآئِفَتَيْنِ (۶:۱۵۶)
دو گروه ۱، دو گُروه ۲، دو گَروه ۱۰

~: وَإِذْ يَعِدُكُمُ ٱللَّهُ إِحْدَى ٱلطَّآئِفَتَيْنِ (۸:۷)
دو گره ۱، دو کاروان ٤۳

للطَّائفينَ: أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّآئِفِينَ (۲:۱۲۵)
گَردَنَد گان ۲، گردند گان ۳، گروید گاَن[1] ٤۲، گردید گان ۵۲

~: وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّآئِفِينَ (۲۲:۲۶)
گَردنْد گان ۵۳، ره گذریان ٦٤، گردند گان گِرد واگردان ۱۰۹

طَابَ: مَا طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ فَٱنكِحُوا (٤:۳)
خوش استِ۱، پاک باشد ۲، خوش آید ۳، خوش باشد ٤۱، خوش آید ۵۷، خوش آمد ۸۸

بِطَارِدِ: وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا (۱۱:۲۹)
دور گَننده ۳٦، رَاننده ۵۳، رَاننَدَه ۵۵، پراننده ۵۷، رانَندَه ٦۲، راننده و دور کننده ۷۹

~: وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۲٦:۱۱٤)
راندار ۱، راننده ۲، براننده ۲۰، راندن ۳۰، بَرانَمْ ۵۳، رانده ۷٤، دور کننده ۷۹

★ مَا اَنَا بِطَارِدِ: وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا (۱۱:۲۹)
نرانم من راندن ٢٤

~: وَمَآ أَنَا۠ بِطَارِدِ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۲٦:۱۱٤)
من بنرانم ۲٤، نخواهم من راندن ۱۰۸

ٱلطَّارِقُ: وَٱلسَّمَآءِ وَٱلطَّارِقِ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلطَّارِقُ (۸٦:۱)
آینده ۲، آن ستارگان که بشب برآید ۲٤، ستارگان شب آینده ۳٦، ستارگان که بشب درآیند ٦۷، بشب آینده ۸۰، شب روان ۹۰، بشبْ آینده - ستارهٔ که شب پیدااند ۹۱، راهها ۹۲، ستارهٔ صبح ۱۰۰، آینده شب ۱۰۸، آینده بشب ۱۰۹، ستاره پیدا شونده در شب ۱۱۱

~: وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلطَّارِقُ ٱلنَّجْمُ ٱلثَّاقِبُ (۸٦:۲)
ستاره ۲۹، آینده بشب ۳۰، شب آینده ۹۱

طَاعَةٌ: وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ (٤:۸۱)
فرمان برداری ۱، فرمان بُرداری ۲، فرمان بردارِی ٤۲، فرمانی برداری ٤۵، فرمان برداریم ۵۸

~: قُل لَّا تُقْسِمُوا۟ طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ (۲٤:۵۳)
فـرمـان بـردن ٤۲، فـرمـان داری نـمـودن ۹۲، فرمانبرداری ۱۲٦

۱. اگر تحریف گردندگان نباشد، باید گفت لازم معنی کلمه مراد بوده است.

~: طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ (۴۷:۲۱)
فرمان بُرداری ۲، فرمان ۲۲، نیک کار و فرمان برداری ۹۹

طَاعِمٍ: مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ (۶:۱۴۵)
خوردار ۱، خورنده ۲، خورنده ۳، خوردنی ۱۰، خورش ۴۱، خوَرنده ۵۵، خورندَه ۶۲، خورند گان ۹۲، خورده ۱۰۵، برخورنده ۱۱۱

اَلطَّاغُوتُ: فَمَن يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ (۲:۲۵۶)
دیو ۱، بُتان ۲، هرچه جز خدای بخدایی گرفته ۴۱، آنچه او را پرستند جز خدای ۵۶، بت پرستیدن ۶۳، بتان ۱۰۰، جز خدای ۱۲۹، بازدارند گان ۱۳۳، بتها ۱۳۶

~: وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ (۲:۲۵۷)
بتان و دیوان ۴۲، دِیوان ۵۵، بی راه کنند گان ۶۹

~: يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ (۴:۵۱)
آنچه جز خدای را می پرستند ۴۱، دِیو ۵۵، برون خدای ۷۶، آنچه بدون خدای پرستند ۸۸، هر چه آنرا پرستند بجز خدای ۱۰۵، آنچیزی که جز از خداست ۱۲۴

~: يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ (۴:۶۰)
آنچه پرستند جز خدای ۵۶

~: وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ (۴:۷۶)
دیو ۲، دیو و بت ۳، دیو بت ۱۰۹

~: وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ (۵:۶۰)
دیو و بُت ۲، بت ۱۰ مکرر، دیو و پرستنده بت ۲۹، جز خدا ۷۶، دیو ستنبه ۸۸، بتآن ۱۰۰

~: أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (۱۶:۳۶)
بت و دیو ۳، بُتان ۵۳، بُت و دیو ۵۵، دیو و بت و جز آن ۵۸

~: وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا (۳۹:۱۷)
دیوان ۱، بتان ۳، بُتانْ ۵۳، شیطان ۱۰۳

طَاغُونَ: أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۵۱:۵۳)
وی رهان[1] ۱، نافرمانان ۲۹، گردن برده گان ۳۰، بی فرمانان ۳۹، گروهی نافرمانان ۴۹، بدراهان ۵۶، بی راه ۸۷، گردن کشید گان از فرمان ۸۸، از حد در گذرند گان ۱۱۳، گردن کشان ۱۳۹

~: أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُم بِهَٰذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۵۲:۳۲)
بی راهان ۲، سرباز زده گان ۳۰، بی فرمان ۳۹، بی فرمَانَانْ ۵۳، بیراهان ۶۵، گردن کشند گان ۸۸، نافرمان ۹۴، گردن برد گان ۹۵، بیفرمانان ۹۹، از اندازه گذرند گان ۱۰۹

بِالطَّاغِيَةِ: فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (۶۹:۵)
وی رهی ۱، بی راهی ۱۹، بی راه ۳۹، بانگ سخت ۴۱، گردن کش ۴۳، بیراه ۵۴، بیراه شدند ۵۶، گردن کشی ۶۱، بیراهی ۷۲، آواز از حد درگذرنده ۷۹، بیفرمانی ۹۰، بانگ ۱۰۸، برتری جستن ۱۲۴، سرکش ۱۳۶

طَاغِينَ: بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ (۳۷:۳۰)
گردن بُرد گان ۲، نافرمانان ۲۹، گردن کشان ۴۳، گمراهان ۶۴، بی راه شد گان ۷۴، بیفرمانان ۹۹، گردنکشان ۱۰۶، از اندازه درگذشتگان ۱۱۱، از اندازه درگذشته ۱۲۳، گردن از فرمان بیرون نهاد گان ۱۲۹

~: هَٰذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ (۳۸:۵۵)
گردن بُرد گان ۲، گردن برده گان ۳۰، بیراهان ۳۳، بدراهان ۵۶، نافرمانبرداران ۱۱۱، سرکشان ۱۳۲، ستم کاران ۱۳۴

---

۱. وی رهان / بی راهان.

~: قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ (۶۸: ۳۱)
وی رهان ۱، گردن برد گان ۲، بی فرمانان ۳، بی راهان ۱۹، گنه کاران ۲٤، گم راهان ٥٤، بیراهان ٦١، بیفرمانان ستمکاران ٦٧، بی فرمایان ۹۰، بی فرمان ۹۲، گذرند گان از اندازه ۱۰۹، سر کشی کنند گان ۱۳٦

~: لِلطَّاغِينَ مَآبًا لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا (۷۸: ۲۲)
گم شد گان ۳۰، گردن زد گان ۸۸، از حد در گذارنده گان ۱۱۳

طَافَ: فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۶۸: ۱۹)
بگشت ۲، گشت ۳، فرود آمد ٤۳، گردید ٤۹، بیامد ٥٤، بگذشت ٦۷، بر گشت ۸۸، گرد آمد ۱۰۰، بگردید ۱۰۲، گرد بر آمد ۱۰٤، بگرد در آمد ۱۲۰

طَاقَةَ: قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ (۲: ۲٤۹)
توانای ۲، توانایی ٤۲، توانایی ٥٥، توش ٦۹، توانائی ۸۸، توانائی ۱۲۳

~: رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ (۲: ۲۸٦)
توان ۱، توانایی ۳، توانایی ٤۲، توانایی ۸۲، توانیم ۹۰، توآنایی ۹٤، توانای ۹٦، توانا ۱۲۷

طَالَ: أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ (۲۰: ۸٦)
دراز گشت ۲، دراز بود ٤۲، دراز آمد ٤۳، دیر می آمد ٤۸، دیر شد ٥۳، بدراز بود ۱۰٥، دراز کنند ۱۲۱

~: حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ (۲۱: ٤٤)
دراز شد ۱، دراز گشت ۲، دراز کرده است ۳٤، دراز شود ۱۳٥

~: فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ (۵۷: ۱٦)
دراز گردید ۲٤، دراز گشت ۳۰، دراز باشد ۳۹، دراز گشت ٤۲، دراز کشید ۱۳۲

الطَّالِبُ: ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ (۲۲: ۷۳)
جوینده ۲، جوینده ۳، رباینده ۷۹

الطَّامَّةُ: فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى (۷۹: ۳٤)
بانگ ۱، کار پوشیده ۲، کار ترسنده ۳۰، روز رستخیز ٥۲، فرو گیرنده و کاری نوستاننده ٥٦، فرو گیرنده ٦۱، کل وی پوشیده ۱۰۸، رستخیز ۱۰۹، فریاد ۱۳٦، آواز ۱۳۹

طِبَاقًا: الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (٦۷: ۳)
بر روی یکدیگر ٦، بالای یک دیگر ۲٤، بر هم نهاده ۲۹، زیر یکدیگر ۳٤، برهم ۳۹، بر زور یک دیگر ٤۹، توبر تو ٦۱، برهم چون بسته ۷۲، بر زبر یکدیگر ۷۹، یک زبر یکدیگر ۹٥، یک از بر دیگر ۱۰۸، بالای یکدیگر ۱۲۰، یکی بر بالای دیگر ۱۲۳، از زبر یکدیگر ۱۲٤، توی در توی ۱۳٦

~: أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۷۱: ۱٥)
تاه بر تاه زبر یک دگر ۲ زبر یکدیگر ۳، زبر یک دیگر ۲٤، بر یکدیگر ۳٤، تو برتو ـ ته بر ته ٥٦، برهم زده ۷۲، تاه بر تاه ۸۸، ته بر ته ۱۰۲، تاه بر تاه زیر یکدیگر ۱۰۸، تای بر تای از زبر یکدیگر ۱۲٤، بر بالای یکدیگر ۱۳۰

طِبْتُمْ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ (۳۹: ۷۳)
پاک شدید ۱، خوش بادید ۲، پاک بودیت ۳، خوش آمدید ۲٤، پاک بودید ۳٦، خوش باشید ۳۹، خوش آمدیت ٤۱، خوش باشد ٤۳، پاک شدید خوش باد شما را ٥٦، خوش شدید ٦٥، پاک شدید و رستید ۷۲، پاک شوید ۸۱، پاک زیستید ۹۲، خوشتان باد ۱۰۰، خوش بودید ۱۰۹، پاکیزه بودید ۱۱۱، خوش باد شما را ۱۱۷، خوش باد شما ۱۳۸

طَبَعَ: بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ (٤: ۱٥٥)
مهر نهادست ۲، مهر کردست ۱۰، مهر زده است ۱۳٦

~: وَطَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (٩:٩٣)
مهر برنهاد ٤٩، مُهر گرد ٥٥، مهر برنهاده است ٦٢، مُهر كرد ١١٤، مهر نهاده ١٢٣، مهر زد ١٣٦

~: ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ (١٦:١٠٨)
مهر كرد ١، مُهْر نَهَادْ ٥٥، مهرى نهاده است ٦٢، مهر نهآد ١٠٠، مهر نُهاد ١٠٩

~: أُولَٰئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ (٤٧:١٦)
مُهر نهاد ٢، مهر نهاد ٣، مهر نهاده است ٦، مهر نهادند ١٧

طُبِعَ: وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (٩:٨٧)
مهر كرده شد ١، مهر نهاده آيد ١١، مهر كرده ٢٤، مهر نهاده آمد ٣٨، مُهْر گردَه شد ٥٥، مهر نهاده شده است ٦٧، مُهْر نهاده شد ٩٤، مهر نهاد ٩٦، مهر نهآد ١٠٠، مُهرنهادند ١٠٣، مُهر نهاده شد ١١١، مهر شد ١١٤، مهر نهاده شده ١٣٠

~: فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (٦٣:٣)
مهر نهادند ٢٤، مهر نهاده شد ٣٠، مُهر نهاده آمد ٥٦، مُهر نهاد ٨١، نهاده شد ١١١، مهر كرده شدند ١١٤، مهر زده شده ١٣٦

٭ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ: لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ (٨٤:١٩)
يكى از پس ديگرى ٥٢

طَبَقٍ: لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ (٨٤:١٩)
خانْ ١١٤

طِبْنَ: فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا (٤:٤)
خوش شند ١، خوش شوند ٣، بخوشى مَنِشى بخشَند ١٠، بخوش منشى بدهيد ٢٣، خوش منشى ٢٧، زنان خوش دل گردند ٢٩، خوش گردند ٣٤، خوش آيد ٣٦، بخوش منشى دهند ٤٠، ببخشَند ٤٢، ببخشند ٥٢، بخوشى بدهند ٥٣، خَوش شَوَند ٥٥، خوش شود ٥٧، خوش دل گردند ٦٢، بخوش منشى بدهند ٦٣، ببخشد ٦٤، خوش دل شوند ٧٦، خوش كنند ٨٢، خوش ببود ٨٨، خوش شويد ٩١، دل خوش كنند ٩٦، بخوش بدهند ١٠٦، خوش كنيد ١٠٧، خوش دل باشند ١١١، خوش كنند ١٢١، بخوشدلى دهند ١٢٢، خوش آيند ١٢٣، خوش منشى بدهد ١٣٤، گذشتند ١٣٥، خوش منشى كنند ١٣٦، بخوش منشى ١٣٨

طَحَاهَا: وَٱلسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا وَٱلْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا (٩١:٦)
بگسترد ٢، بگسترانيد ٢٤، گستردن ٤٨، گسترد ٥١، گستراند ٨٧، بگستراند ٩٠، بگسترآنيد ١٠٠، گسترده است ١١٦، بهن كرده است ١٢٠، گسترند ١٢٤، گسترانيد ١٣٢، گسترن ١٣٦

طَرَائِقَ: وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ (٢٣:١٧)
آسمان ١، زبر يك دگر ٢، ته بر ته ١٠، تاه بر تاه ١٠٣، روشن ١٠٥

~: وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا (٧٢:١١)
گرهها ١، گونه گونه ٢، گروهان ـ راهها ٣، گروهها ٦، راهها ٢٩، گروهان ٣٠، گروه ٣٩، راههاء ٩٠، خداوندان ١١٣

٭ سَبْعَ طَرَائِقَ: خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ (٢٣:١٧)
هفت آسمان زير يكديگر ٨٠

طَرَدْتُهُمْ: مَن يَنصُرُنِي مِنَ ٱللَّهِ إِن طَرَدتُّهُمْ (١١:٣٠)
برانم ١، رَانم ٥٥، رانم ٩١، برآنم ٩٤، بگذارم ١٢١، راندم ١٣٥

ٱلطَّرْفِ: وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ ٱلطَّرْفِ عِينٌ (٣٧:٤٨)
فراخ ١، فِراخ ٥٣، چشمها ٥٦

~: وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ ٱلطَّرْفِ أَتْرَابٌ (٣٨:٥٢)
نگرش ٣، چَشْمَها ٥٣، خوابانيده چشم ٨٨، چشم خوابانيده ٩٨، نظر ١٣٨

~: يَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِيٍّ (٤٢:٤٥)

چشم ۱، گوشه‌ء چشم ۲، چشم زدن ۳، گوشه چشم ۲۲، زیرچشم ۲٤، گوشهٔ چشم ۳۸، نگریستن ۳۹، سوی چشم ۵۲، گوشه‌ی چشم ۸۸، کناره ۱۱۳، چشمان ۱۲۰، نگاه ۱۲۲

★ طَرْفٍ خَفِيٍّ: يَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِيٍّ (٤٢:٤٥)
نگریستن پنهان ۱۱۱

★ قاصِراتُ الطَّرْفِ: قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ (۳۸:۵۲)
کنیزکان نگاه دارندگان چشم بجز بشوی ننگرند ۱۰۸

~: فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ (۵۵:۵٦)
کنیزکان فروگرفته چشمها یا خوابیده ۱۰۸

طَرَفًا: لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ (۳:۱۲۷)
کرانه ۱، کناره ۲، گروه ۳، کنار ۱۰، کناره ۲۳، گوشه ٤۱، کناره ٤۲، گروه ۵۵، بیخ ٦٤، گشتن ۹۲، کران ۱۲۷

طَرْفُكَ: أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ (۲۷:٤۰)
چشم ۱، چشم زدن ۳، گوشه چشم ٤۱، پلک چشم ۵٦، چشم ۷٦، نگرستن[1] ۷۹، کناره چشم ۱۰٦، نگریستن[1] ۱۱۳، چشمها ۱۲۳

طَرْفُهُمْ: لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ (۱٤:٤۳)
چشم ۱، چشمها ۲٤، چشم زدن ٦۱، چشمهاء ۹۰، کناره چشم ۱۰٦، بیناییها ۱۱۳، نگرستن ۱۱٤

طَرَفَي: وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ (۱۱:۱۱٤)
دو کرانه ۱، دو کناره ۲، دو کنار ۲۹، کرانه ٤۳، دُو کرانه ۵۵، هر دو کناره ۵۷، دو کناره ٦۲، کنارها ۷۵، دُو کناره ۷٦، در کناره ۹۳، بدو کرانه ۹٤، کناره ۹٦

★ طَرَفَيِ النَّهارِ: وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ (۱۱:۱۱٤)
در بام و در شام ۷ مکرر، شبان روز ۲٤، اوّل و نماز دیگر ۵۳

طَرِيًّا: لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا (۱٦:۱٤)
تازه ۱، تازه ۵۵، تازه ٦۲، تر و تازه ۱۰۲

~: وَمِن كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا (۳۵:۱۲)
تازه ـ ماهی ٤۱، تازه ۵۳، ترتازه ۱۰٤، تازه و تر ۱۲٦

طَرِيقَ: إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا (٤:۱٦۹)
راه ۱، راه ۱۰۰

طَرِيقًا: وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا (٤:۱٦۸)
راه راست ۱۱۱

~: أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا (۲۰:۷۷)
راه ۱، راه ۱۰۰

طَرِيقَةً: إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً (۲۰:۱۰٤)
سخن ۱، راه روشن ۸۷

~: وَأَلَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ (۷۲:۱٦)
راه ۲، راه راست ۱۹

بِطَرِيقَتِكُمْ: وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى (۲۰:٦۳)
راه ۲، روش ٤۱، آیین و کیش ۱۲۲، راه نهاد ۱۲٦

طس: طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ (۲۷:۱)
سوگند همی یاد کنند ۲٤، سوگند است ٤۳

طسم: طسم تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲٦:۱)
سوگند همی یاد کند ۲٤، سوگند است ٤۳

طَعَامٌ: لَن نَّصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ (۲:٦۱)
خوردنی ۳، خوردنی ۵۵

~: فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ (۲:۱۸٤)
خورد ۱۰، خورش دادن ۵٦، خورده نی ۱۱۹

~: كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلًّا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (۳:۹۳)
خوردنیها ۲، خوردنیها ۳، خورشها ۲۳

۱. باتوجّه به تکرار این معنی در مدخلهای دیگر نمی توان در درستی آن تردید کرد.

~: وَطَعَامُ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ حِلٌّ لَّكُمْ (۵:۵)
کُشتار ۲۷

~: أَوْ كَفَّٰرَةٌ طَعَامُ مَسَٰكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَٰلِكَ صِيَامًا (۵:۹۵)
خوردنی یا خوردنی دادن ۳، خورش ۲۷، خوردن ۴۲، نان دادن ۴۳

~: قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِۦ (۱۲:۳۷)
خوردنی ۲، خوردنی ۵۵

~: وَمَا جَعَلْنَٰهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ ٱلطَّعَامَ (۲۱:۸)
خوردنی ۲، نان ۴۳

~: إِلَّآ أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ (۳۳:۵۳)
نان خوردن ۳۹، خوردنیی ۱۲۱

~: إِنَّ شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ طَعَامُ ٱلْأَثِيمِ (۴۴:۴۴)
خورُش ۲، خوردنی ۳۲، خوراک ۱۳۲

~: وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ (۶۹:۳۶)
خوردن ۲، برخورداری دادن ۵۶، خورشت ۱۳۹

~: وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ (۱۰۷:۳)
خوردنی دادن ۱۲۱

★ إِلَى طَعَام: إِلَّآ أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ (۳۳:۵۳)
بخورش ۴۱

طَعَامًا: فَلْيَنظُرْ أَيُّهَآ أَزْكَىٰ طَعَامًا (۱۸:۱۹)
خوردنی ۲، خوردن ۵۸

~: وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا (۷۳:۱۳)
خوردنی ۲، خورش ۳۰، خورشها ۶۵

★ طَعَامًا ذَا غُصَّة: وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا (۷۳:۱۳)
خورشی که به گلو اندر ماند ۵۶

طَعَامِكَ: فَٱنظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ (۲:۲۵۹)
خوردنی ۳، خورش ۲۷، خوردنی ۵۵

طَعَامُكُمْ: وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَّهُمْ (۵:۵)
خوردنی ۳، کُشتار ۲۷، خورش ۲۹، خوردن ۵۷، خورشها ۷۵، کُشتار ۸۳، دست کش ۱۳۸

طَعَامُهُ: وَطَعَامُهُۥ مَتَٰعًا لَّكُمْ (۵:۹۶)
خوردن ۲۴

~: فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ (۸۰:۲۴)
خوردنی ۵۶، خورش ۸۷

طَعِمْتُمْ: فَٱدْخُلُوا۟ فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَٱنتَشِرُوا۟ (۳۳:۵۳)
خوردیت ۳، بخوردید ۷، بخورید ۱۸، بخوریت ۳۰، *نان خورید* ۳۹، بخوردید شما ۴۳، بخورید ۵۳، خوردید شما ۸۷، بخورند ۱۰۵، خوردنی خورید ۱۱۴، خوردید ۱۳۲، خورده باشید ۱۳۸

طَعْمُهُ: وَأَنْهَٰرٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُۥ (۴۷:۱۵)
میزه[1] ۱، مزه ۳، مزه ۶، مُزه ۲۲، چاشنی ۲۹، خوره - مزه ۱۰۹

طَعِمُوا: لَيْسَ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوٓا۟ (۵:۹۳)
بخُوردند ۲، خوردند ۳، خورند ۹، خورده باشند ۱۰، بخوردند.۱ مکرّر، بخورند ۲۶، خورده‌اند ۲۹، آشامیدند ۶۳، بخورید ۱۰۷، میخورند ۱۱۱، خوردید ۱۱۹

طَعْنًا: لَيًّۢا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِى ٱلدِّينِ (۴:۴۶)
بد گفتن ۵۸، عیب جُستن ۸۳، درآمدن ۱۰۹

طَعَنُوا: وَطَعَنُوا۟ فِى دِينِكُمْ (۹:۱۲)
زشت گویند ۲۷، بد گویند ۴۱، زشتی کنند ۵۸، ناسزا گویند ۱۰۴

طَغَوْا: ٱلَّذِينَ طَغَوْا۟ فِى ٱلْبِلَٰدِ (۸۹:۱۱)

۱. میزه / مزه.

وی رهی کردند [1] ۱، گردن کشی کردند ۲، از اندازه برفتند ۲۹، بی فرمانی کرد ۶۱، انباردگی کردند ۸۷، از اندازه برفتند ۹۶، بیراه شدند ۹۹، گردن کشی کردن ۱۰۸، درگذشتند ۱۱۵، سرکشی کردند ۱۳۶

بِطَغْوَاهَا: كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَىٰهَآ (۹۱:۱۱)

وی رهی [2] ۱، گردن بُردگی ۲، گردن کشیدن ۲۴، بی راهی ۳۹، گمراهی ۵۶، انباردگی ۸۷، گردن کشی ۸۸، بیفرمانی ۹۰، گردن بردگی ۱۰۸، بگذشتن از اندازه ۱۰۹، گمراهی ۱۳۶

طَغَىٰ: اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ (۲۰:۲٤)

وی ره شد ۱، گردن بُردشت ۲، گردن کش ۲٤، نافرمان شد ۲۹، گردن برده است ۳۰، بی راه ۳۸، بی فرمان است ۳۹، بی فرمانست ٤۲، نافرمان گشت ۵۳، گردن بردست ۶۱، نافرمانی کرده ۸۷، از راه شده است ۹٤، بیفرمان است ۱۰۵، گردن برداست ۱۰۸، از اندازه گذشت ۱۰۹، بیراه است ۱۱٤

~: اذْهَبَآ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ (۲۰:٤۳)

بی راه است ۵٤، بیراه شد ۵۶، گردن کش است ۶۱، انبازه گرفت ۶۹، نافرمان است ۱۲۱، زیاده روی کرد ۱۳۵

~: مَا زَاغَ ٱلْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ (۵۳:۱۷)

بی راه شد ۲، بگردید ۲٤، نافرمانی کرد ۵۱، گشت ۷۸

~: إِنَّا لَمَّا طَغَا ٱلْمَآءُ حَمَلْنَٰكُمْ فِى ٱلْجَارِيَةِ (۶۹:۱۱)

فرمانبرد [3] ۱۹، بر آمد ٤۳، بالا گرفت ۱۰۰

~: اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُۥ طَغَىٰ (۷۹:۱۷)

گردنْ بُرد ۲، بی راه گشت ۳۰، بی راهست ۳۹، بی فرمانی کرد ٤۱، بی فرمان ۶۱، گردن کشیده است ۸۸، گذشت از اندازه ۱۰۹، از حد درگذشت ۱۱۳، گمراه شد ۱۲۱، بی راهی کند ۱۲٤، سرکشی کرد ۱۳۶

~: فَأَمَّا مَن طَغَىٰ وَءَاثَرَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا (۷۹:۳۷)

بی فرمان شد ۲٤، گردن برد ۳۰، بی راه کند ۳۹، سرکشی کند ۱۳۶

★ مَاطَغَىٰ: مَا زَاغَ ٱلْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ (۵۳:۱۷)

وی ره نشد ۱، نه بگردید ۲٤، نافرمانی نکرد ۲۹، بی راه نشد ٤۲، بیراه نشد ۱۱۷

طُغْيَانًا: مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَٰنًا وَكُفْرًا (۵:۶٤)

وی رهی ۱، گردن بُردگی ۲، گردن بردگی و سرزدگی ۱۰ مکرّر، بی راهی ۲۷، بی رهی ۳۷، بی فرمانی ٤۱، ستیزه در بی راهی ۵۸، گردن روی ۶۷، بی دادی ۶۹، ستیزه ۷۵، بیدادی ۱۱۰ سرکشی و ناگرویدن ۱۱۱

~: مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَٰنًا وَكُفْرًا (۵:۶۸)

گردن بُردگی ۲، بیدادی ۳۹، گردن کشی بی راهی ٤۵، ستیز و بی راهی ۵۸، بسرشدن ۶۲، گردن و رایی ۶۷، فزونی جستن ۷۰، بی راه ۷۵، گم بودگی ۸۲، افزونی جستن ۸٤، گردن بردگی و سرزدگی ۸۸، گردن بری ۹۲، گُم بودگی و گردن کشی ۹٤، از اندازه درگذشتن ۱۰۲، گم بودگی و گردن کشی ۱۲۷

~: وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَٰنًا كَبِيرًا (۱۷:۶۰)

گم راهی ۲٤، نافرمانی ۲۹، سرکشی ۳۶، گردن کشی ۳۸، ستم کردن ۳۹، بی راه شدن ۵۸، گمراهی ۶۱، سرکشی و بزرگ منشی ۶٤

---

۱. وی رهی کردند / بی راهی کردند.

۲. وی رهی / بی راهی.

۳. فرمانبرد / فرمان نبرد، با ادغام دو حرف همجنس.

~: أَن يُرۡهِقَهُمَا طُغۡيَٰنٗا وَكُفۡرٗا (۱۸: ۸۰)
وی راهی ۱، گردن بُرد گی ۲، بیراهی ۳٤، گردن برد گی ۵۲، ستم ۵۳، گردنکشی ۹٦، بی با کی ۱۱۵، گناه کردن ۱۲۸

طُغۡيَانِهِمۡ: وَيَمُدُّهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ (۲: ۱۵)
بی راهی ۲، گمراهی ۲۹، گُمراهی ٤۲، بی رَاهی ۵۰، گُم بود گی ۸۳، گذشتن از اندازه ۱۰۹، گذاف[1] ۱۲۳

~: وَنَذَرُهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ (٦: ۱۱۰)
گم شد گی و بی راهی ۱۰، گردن برد گی ۱۰ مکرّر، گردن کشی ۲۹، بی راهی و گم بود گی ۵۸، سر کشی و بی فرمانی ٦٤، گمرآهی ۱۰۰، گذشتن ۱۰۹

~: وَيَذَرُهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ (۷: ۱۸٦)
وی رهی ۱، گُم شد گی و بی راهی ۱۰، گم راهی ۲٤، گمبود گی ٤۹، گم بودن ۹٤، سر گردانی ۱۰٤، گردن برد گی ۱۰۵

~: ٱلَّذِينَ لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ (۱۰: ۱۱)
وی رهی ۱، گردن بُرد گی ۲، برد گی[2] ۱۳، گم بود گی ۲۷، بی فرمانی ۳۹، بیرَاهی ٦۲، سر گشتگی ۹۵، سر کشی ۱۲٦

~: لَّلَجُّواْ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ (۲۳: ۷۵)
گردن بُرد گي ۲، نافرمانی ۲۹، بیراهی ۵٤، بیراهه ۱۰٦، سر کشی ۱۱۱

فَطَفِقَ: فَطَفِقَ مَسۡحَۢا بِٱلسُّوقِ وَٱلۡأَعۡنَاقِ (۳۸: ۳۳)
دراستاد ۱، ساخت ۲، آغاز کرد ۳، اندر ایستاد ۲۲، در ایستاد ۲۹، باستاد ۳۳، اندر استاد ٤۹، واایستاد ٦۵، درایستاد و می کرد ۸۱، درایستید ۸۸، دریستاد ۱۱٦، دراستاده ۱۲۳

طَفِقَا: وَطَفِقَا يَخۡصِفَانِ عَلَيۡهِمَا مِن وَرَقِ ٱلۡجَنَّةِ (۷: ۲۲)
آندر استادنْد ۲، فایستادند ۱۰، ایستادند ۱۰ مکرّر، درایستادند ۲۷، فرو استیده اند ۳٤، اندر ایستادند ۳۸، می جستند ٤۱، دراستادن ۵۲، آغاز گردَنْد ۵۵، فرایستادند ٦۵، ایستادند و ساختند و اندر گرفتند ۸۳، فرو ایستادند ۸۸، اندر ایستادند ۱۲٤

~: وَطَفِقَا يَخۡصِفَانِ عَلَيۡهِمَا مِن وَرَقِ ٱلۡجَنَّةِ (۲۰: ۱۲۱)
دراستادند ۱، بساختنْد ۲، آغاز کردند ۳، آهنگ کردند ۲٤، می خواستند ٤۱، اندر ایشْتَادَنْد ۵۳، درایستادند. نهادند ۷٤، باستادند ۷٦، درافتادند ۹۰، درستادند ۱۰۲، درایستادن ۱۱۳، دریستادند ۱۱٦، درایستاد ۱۳۹

ٱلطِّفۡلِ: أَوِ ٱلطِّفۡلِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يَظۡهَرُواْ (۲٤: ۳۱)
کُودکُ خرد ۲، کودک ۳، کودکان خرد ۲٤، خوردکان ۳۹، کودکان ٤۳، کودک خرد ۵۳، کودکان نارسیده ۱۰۹

طِفۡلٗا: ثُمَّ نُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلٗا (۲۲: ۵)
کوچک ۲، کودک خرد ۱۲، کودک ۲٤، کودَکانْ ۵۳، خرد ۷٤، خردک ۹۵

~: ثُمَّ يُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلٗا (٤۰: ٦۷)
کودکان خرد ۳، کودک خُرد ۲۲، خورد ۳۹، خردان ۵۸، خُرْدَکْ ۹٤، خوردک ۹۸، کوچککُ ۱۰۸، کودکان خورد ۱۲۱

فَطَلّ: فَإِن لَّمۡ يُصِبۡهَا وَابِلٞ فَطَلّٞ (۲: ۲٦۵)

---

۱. گذاف / گزاف.
۲. برد گی: گردن برد گی و طغیان.

تنرم بارانی[1] ۱، فریجاب[2] ۳، (باران) اندک ۲٤، باران خرد ۲۵، باران نرم ۲۹، باران نرم خوش ٤۰، شب نم ٤۱، فَرنجاب[3] ۵۵، [باران] نرم ٦۲، باران خرد و نرم ٦٤، باران خورد ۹۲، باران خرد قطره ۱۰٤، باران ریزهٔ خرد ۱۰۹، باران سبک ۱۲۱، نم ۱۲۷

اَلطَّلَاقُ: وَإِنْ عَزَمُوا۟ ٱلطَّلَٰقَ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲: ۲۲۷)
هشته آید ۲۷، پَای گُشاده گردَن ۵۵، گذاشتن زن ۷٤، دست بازداشتن ۹۵، رها شدن ۱۰٤، رهانیدن زن ۱۰۷، رهایی ۱۰۹، پای گشاده کردن ۱۱٤، رها کنند زنانرا ۱۲٤

~: ٱلطَّلَٰقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌۢ بِمَعْرُوفٍ (۲: ۲۲۹)
پای گشادن ۳، پای گشاده کردن زن ۳۰، پای گشادن کردن ۹۱

طَلَبًا: فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُۥ طَلَبًا (۱۸: ٤۱)
جُستن ۲، جستن ۳، جُسْتَنْ ۵۵، بدست آوردن ۵۸

طَلْحٍ: فِى سِدْرٍ مَّخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ (۵٦: ۲۹)
درخت موز ۳، موز ۳٦، مرد[4] خوشبوی ٤۱، درخت موژ[5] ٦۱، بار موز ٦۹، شکوفه[6] ۸۱، درخت مورد ۸۸، کاردو[6] ۹۲، مُوز ۱۰۹، بر ماخود[7] ۱۱۰

طَلْعٌ: وَٱلنَّخْلَ بَاسِقَٰتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ (۵۰: ۱۰)
کاردوها ۱، بَرْ ۲، شکوفه ۳، میوه ٦، بار ۱۷، خوشها ۲٤، بر ۵۱، کاردو ٦۵، کاردوا[8] ٦۹، غوره ۷۲، شاخها و بار ۸۱، آغاز میوه ۸٦، کارده ۹۰، آغاز میوها ۱۰٤، سؤر[9] ۱۰۸، شکوفها ۱۱٤

طَلَعَتْ: وَتَرَى ٱلشَّمْسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَٰوَرُ (۱۸: ۱۷)
ورآمدی ۱، برآید ۲، برمی آید ۲۹، برآمدی ۳۰، برمی آمد ۳٦، بَرامَدی ۵۵، بَرآید ۵۷، برآمد ۵۹، بداند ۱۳۹

طَلْعِهَا: وَمِنَ ٱلنَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ (٦: ۹۹)
کاردوها ۱، گارْدُو ۲، شکوفه ۳، بار ۹، کاردُ ۱۰، کاردو ۱۰ مکرّر، شکوفها ۲٤، میوه ۲۹، میوه و شکوفه ۳۹، شکوفَه ۵۵، کاردی ۹۰، کاردوان ۹۲، خوشه ۱۰۰

~: وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ (۲٦: ۱٤۸)
شاخها ۲، میوه‌دار ٤۷، کاردو - شکوفه ۵٦، کاردوی ۵۸، کارد ۷۲، کاردوهارن[10] ۷۸، شکوفه‌ها ۱۲۹، کاردر ۱۳۹

~: طَلْعُهَا كَأَنَّهُۥ رُءُوسُ ٱلشَّيَٰطِينِ (۳۷: ٦۵)
شاخ ۲۲، بر ۳۰، بَر ۳۳، بار و میوه ۵٦، شکوفه میوه ۹٦، خوشها ۱۰۰

طَلَّقْتُمْ: وَإِذَا طَلَّقْتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ (۲: ۲۳۱)
رها کنیت ۳، دست وادارَید ۱۰، دست بازدارید شما ۲۷، دست بدارید ۳۰، رَها کُنیت ۵۵، جدایی دهید ۵۷، پای گشاده کردید ۱۱۹

---

۱. تنرم بارانی: پس بارانی خرد و نرم.
۲. فریجاب: باران خرد و شبنم.
۳. فرنجاب، فریجاب: باران خرد و نرم.
٤. مرد / مورد.
۵. موژ / موز.
٦. کذا، آیا کلمهٔ «طَلح» با «طَلع» اشتباه شده است؟
۷. کذا (؟).
۸. کاردوا، کاردو: شکوفه.
۹. کذا در متن اصلی (؟).
۱۰. کاردوهارن (؟): شکوفه ها.

~: لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ (۲:۲۳۶)
رها کنید شما ۱۲۴

~: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ (۶۵:۱)
رها کنی ۲۹، رها کنید ۷۶، رهانید ۱۱۴

طَلَّقْتُمُوهُنَّ: وَإِن طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ (۲:۲۳۷)
دست وادارید ۱۰، شما گسی[1] کنی ۹۵، رها کنید ۱۰۳

~: إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ (۳۳:۴۹)
پای گشاده کنیت ۳، دست بازدارید ۴۷

طَلَّقَكُنَّ: عَسَىٰ رَبُّهُ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا (۶۶:۵)
بگذارد ۸۱، دست بدارد ۹۴

طَلَّقَهَا: فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِن بَعْدُ (۲:۲۳۰)
پای گشاده کند ۳، دست وادارد ۱۰، دست بازدارد ۲۷، پای گُشاده کند ۵۵

فَطَلِّقُوهُنَّ: إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ (۶۵:۱)
رها کنی ۲۹، رها کنید ۷۶

طُلُوع: سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ (۲۰:۱۳۰)
ورآمدن[2] ۱، برامدن ۵۳، برآمدن ۹۹

~: وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ (۵۰:۳۹)
برآمدن ۲، برآمدن آفتاب ۶۴

طُمِسَتْ: فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (۷۷:۸)
محا کرده شهد[3] ۱، ناپیدا کنند ۲، ناپدید کرده شوند ۳، فرو ریزند ۱۹، تاریک گردند ۲۴، نور ببرند ۲۹، ناپیدا شوند ۳۰، ناپدید گردند ۳۹، بی نور کرده شوند ۵۶، تاریک و بی نور شوند ۶۷، ناپدید کنند ۷۶، تاریک بی نور شود ۷۸، تاریک و ناپدید کرده شود ۷۹، ناپدید شوند ۱۰۲، بی نور شوند ۱۰۴، ناپیدا کننده ۱۰۸، ناپدید کرده شود ۱۰۹، بی نور شود ۱۲۶، نابود شوند ۱۳۱، بی نور گردند ۱۳۲، پنهان شود ۱۳۶

طَمَسْنَا: وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ (۳۶:۶۶)
محا کنیم[4] ۱، پاک کردیم ۳، کوری آریم ۲۲، ناپدید کنیم ۲۹، نشان ببردیمی ۳۰، بپوشیم ۳۳، پدید کنیم ۳۸، ببریم ۳۹، پاک کنیم ۴۱، کور کنیم ۴۲، ناپیدا کنیم ۵۶، پوشیده کردیمی ۶۴، بپوشانیم ۸۷، بسودمانی ۱۱۴، کور گردانیم ما ۱۲۴

~: وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ (۵۴:۳۷)
محا کردیم ۱، کور کردیم ما ۲، کور گردانیدیم ۲۴، کور بکردیم ۲۹، بی نشان گردانیدیم ۳۰، کور کردیم ۳۸، ما ناپدید کردیم ۳۹، پاک کردیم نابینا کردیم ۴۱، ناپدید گردیم ۴۲، نابینا گردانیدیم ما ۶۷، ناپدید کردیم ۷۹، نابینا گردانیدیم ۸۸، ببردیم ما ۹۰، ببردیم روشنایی ۹۲، ناپدید کردیم ما ۱۱۳، کور مادرزاد کردیم ۱۲۲

طَمَعًا: وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا (۷:۵۶)
مید[5] ۱، امید ۱۰، اومید ۴۵، اُمید ۵۵، امیدوار ۵۸، آز و امید ۹۲، امیدواران ۹۸، اومید ۱۴۰

~: يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا (۱۳:۱۲)
امید ۲، امیددارندگان ۳، اومید ۵۳، امید

---

۱. گسی / گسیل.
۲. ورآمدن / برآمدن.
۳. محا کرده شهد / محو کرده شود.
۴. محا کنیم / محو کنیم.
۵. مید / امید.

دَارَند گان ۵۵، کشاوند[1] ۹۲، امیدوار گردانیدن ۱۳۵

~: يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا (۳۰:۲٤)
امید داشتن ۳، اومیدواری ۳٤، اُمیدْ ۵۳، چشم داشتن ٦۱، اومید داشتن ۸۰، امّید ۹٦

~: يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا (۳۲:۱٦)
امید ۲، اومید ۱٤

طٰهٰ: طٰه مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ (۲۰:۱)
ای مرد ۲۹، یا پیغامبر ۸۸

طَهِّرْ: وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ (۲۲:۲٦)
پاک کن ۱، پاکْ دارْ ۲، پاک گردان ۲۹، پاک داری ٤۱، پاک ساز ۱۱۱، پاکیزه ۱۳۹

~: وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ (۷٤:٤)
پاک دار ۱، پاکیزه کن ۲، پاکیزه دار ٦، پاک گردان ٤۲، پاک کن و کوتاه کن ۷۹، کوتاه دار و پاک از گناهان ۸۷، کم کن ۱۳۸

طَهِّرَا: أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ (۲:۱۲۵)
پَاک دَارید ۲، پاک کنیت ۳، پاکیزه دارَید ۱۰، پاک بکنی ۲٤، پاک کنید ۲۹، پاک گردانید ۳۸، پاکیزه دارید ٤۰، پاک داریت ٤۱، پَاکْ کِنیتْ ۵۵، پاک کنی ٦۰، پاک دارند ۸۸، پاک دارید ۱۲۱، پاکیزه کنید ۱۲۲، پاک سازید ۱۲۳

طَهَّرَكِ: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ (۳:٤۲)
پاک گردانید ۲، پاکیزه کرد ۳، پاکیزه بکرد ۱۰، پاک گردانید ۲٤، پاکیزه گردانید ۲۵، پاک کرد ۲۹، پاکْ گردَانید ٤۲، پاکْ آفرید ۵۸، پاک کرده است ٦۲، پاکْ گردآنید ۱۰۰، پاک کردانید ۱۱۵، پاکیزه ساخت ۱۱٦، پاک ساخت ۱۳۰

طَهُورًا: وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (۲۵:٤۸)
پاک کننده ۳، پاک ۲۰، پَاک پَاک کننده ٤۱، پاک و پاکیزه ٤۷، پاک پاکْ کننده ۵۸، نیک پاک پاک کننده ۸۰، پاک و پاک کننده ۱۰۹

~: وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۷٦:۲۱)
پاکیزه ۱، پَاک پاک کُننده ۲، نیک پاک ۳، پاک پاکیزه ۱۱۱، پاک پاک ۱۲۰

طَوَّافُونَ: طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ (۲٤:۵۸)
گشتاران[2] ۱، گردند گان ۲، همی گردند ۳۰، می گَرْدَنْد ۵۳، درون و بیرون روند گان ٦٤، درآیند ۷٦، گرد برآیند گان ۱۰۰، بسیار گردند گان ۱۰۹، درآیند گان ۱۱۱، گَردَندَ گان ۱۱۹

طُوبَىٰ: طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ (۱۳:۲۹)
برزشت[3] ۱، خنکْ ۲، خنک ۳، شادی ۲٤، خُنکا ۲۹، شادی بود ۳٤، خوشی و خنکی ۳٦، خُنُکْ ۵۵، خوشی باد ٦۱، خوش باد ٦۳، پاکیزه ترین ۷٤، خنک باد ۷٦، شادمانی باد ۷۹، خنکی ۹۱، خوبا و خوشا ۱۰۰، خوشی ۱۰۲، زندگانی خوش ۱۱۱، خوشا ۱۱٤، خوشحالی باد ۱۲۲، خوشست ۱۲۹

★ طُوبَىٰ لَهُمْ: طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ (۱۳:۲۹)
خوشی مر ایشانراست ۵۸، خوشحالی مر ایشانرا باد ۱۲۲

كَالطَّوْدِ: فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ (۲٦:٦۳)

---

۱. احتمالاً از ماده کشش، که به صورت «گشاینده» به معنی امید و گرایش و رابحه وجود دارد.
۲. گشتاران / گشت زنند گان؛ گردند گان.
۳. برزشت: خنکا؛ خوش باد.

که[1] ۱، کوه ۲۰، کُوه ۱۱۹

اَلطُّورَ: وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ (۲:۶۳)

آن کوه ۳، گوه ۱۰، کوهها ۳۶

~: وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ (۴:۱۵۴)

که[1] ۱، کُوه ۲۷

~: وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِن طُورِ سَيْنَاءَ (۲۳:۲۰)

کوه ۲

~: وَالطُّورِ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ (۵۲:۱)

آن کوه که خدای سخن گفت با موسیٰ ۴۳

★ طُورِ سَيْنَاءَ: شَجَرَةً تَخْرُجُ مِن طُورِ سَيْنَاءَ (۲۳:۲۰)

کوه نیکو ۸۰

طَوْعًا: وَلَهُ أَسْلَمَ مَن... طَوْعًا وَكَرْهًا (۳:۸۳)

خوش منشی ۲، بخوش منشی ۳، خُوش مَنشی ۱۰، فرمان برداری ۲۷، خوش دلی ۳۶، خَوشْ مَنِشی ۵۵، خواه ۱۲۲، بخویش منشی ۱۲۷

~: قُلْ أَنفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّن يُتَقَبَّلَ مِنكُمْ (۹:۵۳)

خوش کام ۱، کام ۲، خوش منشی ۱۰، بکام ۱۱، خَوش مَنِشی ۵۵، خوش کامی ۵۷، خواست ۹۴، بکام بخشنودی ۱۰۹

~: وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَن... طَوْعًا وَكَرْهًا (۱۳:۱۵)

خوشکام ۱، خوش منشی ۲، خوش منش ۵، خوشی ۳۶، خَوش مَنِشی ۵۵، خوش ۵۷، بارزو خوش منش ۷۸، خوش مِنش ۱۰۵، از روی فرمان برداری ۱۱۱، خواهان ۱۳۳

~: فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا (۴۱:۱۱)

فرمان بردار ۳، خُوشْ کام ۲۲، خواهان ۴۱، بخوشی ۴۳، خواهید ۵۸، گردن نهاده ۶۵، فرمان ۹۶، کام یا خوشی ۱۰۸، فرمانبرداری ۱۱۱، فرمان برداران ۱۲۱، خواهش ۱۲۳

فَطَوَّعَتْ: لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَطَوَّعَتْ (۵:۳۰)

خوش کامه شد ۱، فرمان کرد ۲، آسان کرد ۳، فرمان بردار گشت ۲۷، فرمان برداری کرد ۳۹، فرمان گرد ۴۲، خوش گرْدانیْد ۵۳، آسان گرد ۵۵، فرمان برداری شد ۵۶، فرمان بردار شد ۵۷، خوش ایستاد ۵۸، فرمان برد ۶۱، فرمان بَردار گشت ۶۲، خوش گشت ۷۲، آسان گردان ۸۴، آسان گردانید ۱۰۲، خوش کرد ۱۰۹، خوش گردانید ۱۱۲، فرمان داد ۱۲۲، بیاراست ۱۲۶، آراسته کرد ۱۳۶

اَلطُّوفَانُ: فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ (۷:۱۳۳)

اوبرد[2] ۱، آب باران هَفته هَفته هَنگُفت پَیوسته تا بسیار خانمانهاشان ویرَان شد ۱۰، آب بسیار ۲۷، بارانها از آسمان ۴۹، آب ۷۶، باران یکهفته ۹۲، باران پیاپی ۹۶، آب بی اندازه ۱۰۹، آب روان ۱۱۴، باران و سیل ۱۱۶

~: فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (۲۹:۱۴)

باران ۲

اَلطَّوْلِ: اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ (۹:۸۶)

خُواسته ۲، افزونی ۳، توانایی ۵۷، خواسته ۶۱، دراز[3] ۹۲، تونگری[4] ۱۰۲، بی نیازی توانگری افزونی ۱۰۹

~: شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ (۴۰:۳)

---

۱. که / کوه.

۲. اوبرد: آب مهیب؛ غرق آب.

۳. هرچند این معنی با ریشهٔ لغت بی ارتباط نیست، امّا این جا مناسبتی ندارد.

۴. تونگری / توانگری.

تـوانـگـری ۲٤، فـراخـی ۵۳، بـخـشـایـش ۱۰۰، نیکوکاری ۱۰۳، بخشش ۱۲۰

طَوْلًا: وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ طَوْلًا (٤:٢٥)
أفزونی ۲، فراخ دستی ۳، خواسته و دست گاه ۱۰، توانایی ۲۷، دست و خواسته ٤۰، برافزودن ۵۲، دستگاه ۵٦، افزون ۵۷، توانگری ٦۰، توانگری و توانایی و دستگاه ٦۷، فزونی ۸۰، افزونی ۸۲، فراخ کاری ۸۸، توانائی ۱۲۳

طُولًا: وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا (٣٧:١٧)
درازا ۱، درازی ۲، بـــالا ۳۹، دَرَازی ۵۵، درازی و بالا ۵۸، بلندی ۱۲۲

طُوًى: إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (١٢:٢٠)
زمین ٤۲، ایسْتادَه ۵۳، در نور دیده شده ۱۰۲

~: إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (١٦:٧٩)
پاکیزه ۱۲۰، دوباره ۱۳۰

طَوِيلًا: إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (٧:٧٣)
دراز ۱، دراز و بسیار ۳، بسیار ۱۰۲

~: فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (٢٦:٧٦)
درآز ۳٤

كَطَيِّ: كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ (١٠٤:٢١)
درنوِشتن ۱، نوشتن ۲، درنوردیدن ۳، نوردیدن ۲٤، دِرپیچیدن ۲۹، پیچدن ۳۰، پیچیدن ۳٦، نورد - ۵۲، نوردِیدَن ۵۳، درنَوشتن ٦۷، نبشتن ۸۷، نوردانیدن ۹۵، نوشتن نامه ۱۰۸، درهم پیچیدن ۱۱٦، درنوردیدند ۱۳۸

اَلطَّيِّبُ: حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ (١٧٩:٣)
پاک و پاکیزه ۱۰، پاک بی گناه ۵٦، نیکان ۱۰٤

~: وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ (٥٨:٧)
خوش روی ۳، پاک و خوش ۱۰ مکرّر، خوش ۲٤، پاکیزه و خوش ۲۷، پاک خوش ۱۰۵

~: لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ (٣٧:٨)
پاکیزه ۱۰، پَاک ۵۵، نیکوکار ٦۹

~: وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ (٢٤:٢٢)
پاک ۱، خوش و پاکْ ۲، خوشترین ۱۲، خوش پاک ۳۰، پَاکیزَه ۵۱، پاکیزگی ۵۳، خوشی و پاکی ۵۸، خوش بوی ۸۸، خوشی ۱۰۵، پاکی ۱۲۱، سخن خوش ۱۲٤

~: إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ (١٠:٣٥)
پاک و خوش ۷، نیکو ۲٤، خوش و پاک ۹۱

طَيِّبًا: كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا (١٦٨:٢)
خوش پاکیزه ۲، پاکیزه ۱۰، خوش پاکیزه ٤۱، پَاکْ ۵۵، خوش و پاکیزه ۷٦، پاک پاکیزه ۹۲

~: فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا (٤٣:٤)
پَاکْ ۲

~: فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا (٦:٥)
خوش پاک ۹٤

~: وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا (٨٨:٥)
پاک ۱، پاکیزه و خوش ۲، پاک خوش ۵۸

~: فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا (٦٩:٨)
خَوْش وُ پاکْ ۵۵

~: فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا (١١٤:١٦)
خوش ۲، پاکیْزَه ۵۳

طَيِّبَاتُ: كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ (٥٧:٢)
پاکیها و خوشیها ۲، خَوشِیها ۵۵، پاکیهاء ۹۰، خورشهای پاک ۱۰۵، پاکیزه ترین ۱۳٦، پاکي ها ۱۳۸

~: كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ (١٧٢:٢)
خوشِیها و پَاکیها ۲، پاکها ۳، خوشِیَها ٤۲، خَوشْهَا ۵۵

~: أَنفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ (۲:۲٦۷)
پاکیها ۱، پاکیها ۲، پاکیزه ۲۷، نیکیها ٦۹، نیکوییها ۱۰٤، پاکترین ۱۲۱، پاکیزی ۱۲٤، خوبیها ۱۳۵

~: حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ (٤:۱٦۰)
پاکیها و خُوشیها ۲، چیزها خوش ۳٦، پاکیزگیها ۵۳، آنچه پاک و خوش ۵٦، چیزهاء پاک و خوش ۵۷، پاکیها و خورشها ۵۸

~: يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ (۵:٤)
پاکیزها ۲۷، چیزها پاک و خوش ۵۷، پاکیزهاء ۹۰، پاک و پاکیزه ۱۱٦، خوشیها، پاکیها ۱۱۸، پاکیزگی ها ۱۲٤

~: الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ (۵:۵)
پاکها و خوشَها ۵۵، پاکیْها ٦۱، پاکهای خوش ۹۷، خوش آینده ۱۱۱، پاکیزه ها ۱۲۱، کِشْتبار[1] ۱۳٦

~: لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ (۵:۸۷)
پاکیْزَها ۵۳، خورشها ۷٦، چیزهاء پاکیزه ۹۲

~: وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ (۷:۳۲)
خوشیها و پاکیها ۲، خوشها ۳، چیزها پاکیزه ۲٤، خوبیها ۳۰، پاکی و خوشیها ۵۸، چیزهاء پاک ۱۰۳، خوشیْها ۱٤۰

~: وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ (۷:۱۵۷)
چیزها پاک ۹۳، چیزهای پاک ۱۰۳، چیزها و خوردنیهای پاکیزه ۱۲۲، خوردنیهای پاکیزه ۱۲۷

~: كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ (۷:۱٦۰)
خوشیهاء پاک ٤۱، خَوْشَها وَ پاگها ۵۵

~: وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا (۱۰:۹۳)
پاکیزَها ۵۳، چیزَها پاک ٦۲

~: وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ (۱۷:۷۰)
خوشیها و پاکیها ۲

~: كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا (۲۳:۵۱)
شایستهاء پاک ۳۹

~: وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ (۲٤:۲٦)
پاکیها یا زنان پاکْ ۲، زنان پاک ۳، زنان پارسا ۳٦، زنان پاک و پاکیزه ٤۷، زن پاک ۵۸، زنان پاکیزه ٦٤، کارهاء پاکیزه ۷۲، کارها و گفتارهاء پاک ۷۲، زنان نیکوکار ۸٦، پاکان زنان ۹٤، پاکان از زنان فراخورد و شایسته ۱۰۹، زنان پاکیزه کار ۱۱۳، زنان نیکوکار و پاکیزه کار ۱۱۳، زنان پاک ۱۱۹، زنان پاکیزه کردار ۱۳۲، پاکان ۱۳۹

~: وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ (٤۰:٦٤)
خُوشیها و پاکیها ۲، خوشها و پاکها ۹۱، پاکیزه ها ۱۳۰

~: وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ (٤۵:۱٦)
پاکها و خوشها ۳، روزیهای پاکیزه ۱۲۲، چیزهای پاکیزه ۱۳۰

طَيِّبَاتِكُمْ: أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا (٤٦:۲۰)
خوشیها ۱، نیکویها ۲٤، آرزوها ۷۹، خوشیها و پاکیها ۸۱

طَيِّبَةٌ: قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً (۳:۳۸)
پاکیزه ۲، پاکیزه ۳، نیک و پارسا و پاکیزه و پرهیزگار ۱۰، نیک ۲۵، پاکیزه و پارسَا ۲۷، پاکیزه و پرهیزگار ٤۰، پاک پارسا ۵۸، نیکو ٦۷، پاک از بزه ۹۸، خوب پاک ۱۰۰، پاک و پاکیزه ۱۱۱،

---

۱. کذا. (؟).

پاکیزه و پاک ۱۱۶، پاکْ پاکیزه ۱۲۷

~: وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّٰتِ عَدْنٍ (۹: ۷۲)
پاکیزه و خوش ۱۱، خوش پاکیزه ۲۴، خوش نیکو ۴۳، خوش و پاکیزه ۵۷، خرّم ٦٤

~: وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ (۱۰: ۲۲)
خوش ۱، خوش و نرم ۲۷، نرم و خوش ۴۳، خَوش ۵۵، خوش نرم ۵۸، نرم ٦٤، نرمی ۱۲۰

~: كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ (۱٤: ۲٤)
پاکْ ۱، خوش پاکیزه ۲، خوش و پاک ۲۹، پاک پاک ۳۰، پَاک ۵۵، پاک خوش ۵۸، پاکیزه و خوش ٦۵، پاک نیکو ۱۰۰، خوب ۱۱۲

~: فَلَنُحْيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ (۱٦: ۹۷)
خُوش ۲، خَوش ۵۵، خوشی ۱۳۵

~: تَحِيَّةً مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُبَٰرَكَةً طَيِّبَةً (۲٤: ٦۱)
پاک ۱، پَاکیزَه ۵۱، پاکیزه کرده ۷۷، پسندیده ۸٦

~: وَٱشْكُرُوا۟ لَهُۥ ۚ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ (۳٤: ۱۵)
خوش پاک ۷، پاک و خوش ۳۹، پاکیزَه ۵۳، پاک ۱۱۹

~: وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّٰتِ عَدْنٍ ۚ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ (٦۱: ۱۲)
پاکیزه خوش ۱۱٤

ٱلطَّيِّبُونَ: وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِ (۲٤: ۲٦)
مردان پاک ۱، مردان پاکیزه ٦٤، پاک مردان ٦۵، پاکان از مردان و زنان ۷۲، مردان نیکوکار ۱۰٤، مردان نیکوکار و پاکیزه کار ۱۱۳، پاکیزگان ۱۱٦، پاکان ۱۲۳، پاکان مردان ۱۳۹

طَيِّبِينَ: ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ طَيِّبِينَ (۱٦: ۳۲)
پاکان ۱، خُوشان پاکان ۲، پاکیزگان ۳۸، خوشان و پاکان ۵۸، خوش منشیان ٦۹، خوشان ۷٤، خوشان پاکان ۸۳، خوش ۹۲، بخوشی ۹۳، پاکان و خوشان ۱۰۵، خوش منشان ۱۱۰، پاکیزها ۱۳۵

~: وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِ (۲٤: ۲٦)
مردان پاک ۱، مَردان پاکْ ۲، مردان پارسا ۳٦، مردان پاک و پاکیزه ٤۷، پاکیزگان از مردان و زنان ۷۲، مردان نیکوکار ۸٦، مردان پاکیزه ۹۲، پاکان مردان ۹٤، مردان پاکیزه و نیکوکار ۱۱۳، مردان پاکیزه کار ۱۳۲

ٱلطَّيْرُ: قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ ٱلطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ (۲: ۲٦۰)
مرغان ۱، مُرغان ۲، مَرْغان ۲۵، پرندگان ۳٦، مرغان خروهی و کلاغی و... ٦۳

~: وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ ٱلطِّينِ كَهَيْـَٔةِ ٱلطَّيْرِ (۵: ۱۱۰)
مُرغان پَرنده ۲، پرنده ۹، مُرْغان ۵۳، مرغ پرنده ۸۳، مرغ زنده ۸۹

~: أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ ٱلطَّيْرُ مِنْهُ (۱۲: ۳٦)
مرغآن ۱۰۰

~: أَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَى ٱلطَّيْرِ مُسَخَّرَٰتٍ (۱٦: ۷۹)
مُرغان ۲

~: فَتَخْطَفُهُ ٱلطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ ٱلرِّيحُ (۲۲: ۳۱)
مرغان شکاری ۷۹

~: وَقَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ ٱلطَّيْرِ (۲۷: ۱٦)
مرغ ۲

~: جُنُودُهُۥ مِنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ وَٱلطَّيْرِ (۲۷: ۱۷)
پرندگان ۸٦

~: أَوَلَمْ يَرَوْا۟ إِلَى ٱلطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَٰٓفَّٰتٍ (٦۷: ۱۹)
مرغان ـ پرندگان ۳۰

طَيْرًا: فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًۢا بِإِذْنِ ٱللَّهِ (۳: ٤۹)
مُرغ پَران ۲، پرنده خَویوَز[1] ۱۰، مرغ ۲٤، پرَندَه ٤۰،

۱. کذا در متن اصلی با همین اعراب؛ خُویَوز: شب پره، خفّاش.

مُـرغ ٤٢، مـرغ پـران ٨٤، مـرغ پـرنـده ١١٢، مـرغ پرواز کننده ١٢٣، مرغ زنده ١٣٠

~: فَتَنفُخُ فِیهَا فَتَکُونُ طَیْرًا بِإِذْنِی (٥:١١٠)

پرنده ٢٩

~: وَأَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْرًا أَبَابِیلَ (١٠٥:٣)

مرغان ٢

اَلطِّین: أَنِّی أَخْلُقُ لَکُم مِّنَ الطِّینِ (٣:٤٩)

گل ٧٥، گل تر ٩٨

~: وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَةِ الطَّیْرِ بِإِذْنِی (٥:١١٠)

گِل ١٠٠

~: أَنَا خَیْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِی مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِینٍ (٧:١٢)

گل ١، خاک و گل ٥٨، گِل تیره ١٠٩

~: خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِینٍ (٢٣:١٢)

گِـلْ ٢، گـل بـی آمـیـغ ٣، گـل نـرم ٦٤، گـل خازه[1] ٧٢، زمین ٧٦، گل کشیده ٧٧، لوش ١٣٦

~: فَأَوْقِدْ لِی یَا هَامَانُ عَلَى الطِّینِ (٢٨:٣٨)

گل خشت پخته ٣٠، گل خشت پخته ٤٧، گل اسی و خشت بیز[2] ٤٨، گل خشت ٦٤

~: وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِینٍ (٣٢:٧)

گِل ٢، پارهٔ گل ٦٤

~: إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّن طِینٍ لَّازِبٍ (٣٧:١١)

گل دوسنده[3] ١٠٦

~: إِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِکَةِ إِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِینٍ (٣٨:٧١)

گل تر کرده ٦٤

~: لِنُرْسِلَ عَلَیْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِینٍ (٥١:٣٣)

گل پخته ٣٥، گل سنگ ٩٤، گل پخته در آتش ١١١، گِل پخته ١٢٤

طِینًا: قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِینًا (١٧:٦١)

خاک ٨، پارَهٔ گِل ٦٢

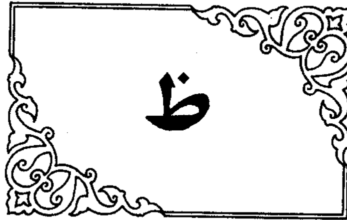
---

١. خازه: خمیر کرده و ممجون.

٢. کذا در متن اصلی.

٣. دوسنده: چسبنده.





ظَالِمٌ: أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا (٤:٧٥)
ستمکار ۱، ستم کاران ۲۹، بیداد کننده ۵۷، ستم کننده ۷۵

~: وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ (١٨:٣٥)
ستمکاره ۹۶، بیداد کرده بود ۱۰۸، ستمگر ۱۱٤

~: فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ (٣٥:٣٢)
ستم کار ۱، ستم کاره ۲، بی داد گر ۳۹، بیداد گر ۵۸، ستمکار کننده ۱۳۸

~: وَظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ (٣٧:١١٣)
بیداد کار ۸۱

ظَالِمَةٌ: إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ (١١:١٠٢)
ستمکار ۳، بیدادان ۱۰۹، ستمگر ۱۱٤، ستم کننده ۱۲۰

~: وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً (٢١:١١)
ستم کار ۱، ستمکاران ۵۸، ستم کاران ٦۱، بی داد کن ۹۲

~: وَهِيَ ظَالِمَةٌ (٢٢:٤٥)
نا گرویده ۵۸

~: أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ (٢٢:٤٨)
ستم کاره ۲، بیداد و ستمکار ۱۰۹، بیداد گر ۱۲۸

ظَالِمُونَ: اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ ... وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ (٢:٥١)
بیداد گران ۲، بیداد گران ٤۲، ستمگاران ۵۵، زیان کاران ٦۲

~: اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ (٢:٩٢)
ستمکاران ۳، بیداد کنان ۵۷، ستمکار ٦٤، ستمکارگان ۷۹

~: وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (٢:٢٢٩)
ستم داران ۳۰، بی دادگران ٤۲، ستمگران ۱۲۹

~: وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (٢:٢٥٤)
بی دادان وُ ستم گران ۱۰، زیان کرده‌اند ۲۵

~: أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (٦:٢١)
ستم کنند گان ۲٤

~: هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ (٦:٤٧)
بیداد کاران ۲، ستم کاره ۷٦

~: إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (٦:١٣٥)
بی دادیان ۵۸

~: إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۱۲:۲۳)
ستمکاران ۱۰۰

~: إِنَّآ إِذًا لَّظَالِمُونَ (۱۲:۷۹)
ستم کار ۵۸، ستم گاران ۶۱، بیداد گر ۷۶، ستم گران ۱۲٤

~: عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ (۱٤:٤۲)
بیداد کاران ۵۷

~: فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (۱٦:۱۱۳)
بیداد گران ۲

~: إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا (۱۷:٤۷)
ستمکار آن ۱۰۰

~: فَقَالُوٓا إِنَّكُمْ أَنتُمُ الظَّالِمُونَ (۲۱:٦٤)
بیداد کار ۷٦

~: بَلْ أُولَٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲٤:۵۰)
بی دادان ۳۹، بی داد کاران ٤۲

~: إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۸:۳۷)
ستمکاران و بیدادان ۱۰۹

~: إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ (۲۸:۵۹)
بی داد گر ٤٦

~: فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (۲۹:۱٤)
نا گروید گان ۵۸

~: وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَآ إِلَّا الظَّالِمُونَ (۲۹:٤۹)
بیداد کاران ۲

~: إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ (۳٤:۳۱)
ستم کاران ۱

~: وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (٤۲:۸)
ستمکاران. نا گروید گان ٦٤

ظَالِمِي: الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ (٤:۹۷)
ستم کاران ۱، ستمکاران ۳، بیداد کننده ۷٦، ستمکاره ۱۰۰

~: الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ (۱٦:۲۸)
ستمگاران ٤۲، ستمگاران ۵۵، ستم کنند گان ۵٦، بیداد کنان ٦۰، ستمکنان ۱۱٤

ظَالِمِينَ: فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۲:۳۵)
زیان کاران ۱۰، ستم کنند گان ۲٤، زیان کاران ٤۰، ستمگاران ۵۵، گروه ستمکاران ۱۳٦

~: فَإِنِ انتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (۲:۱۹۳)
بیداد کاران ٤۲، بیدا کاران ۵۲، آنکه بیداد و ستم کند ٦۳

~: وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۲:۲٤٦)
بیداد گران ۲، بی دادان او بی داد گران ۱۰

~: وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۲:۲۵۸)
نا گروید گان ۵۵، بیدا گران ۱۳۸

~: وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ (۲:۲۷۰)
بیداد گران ۲

~: وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ (۳:۱۵۱)
بی داد کاران ۹۲، ستمکنند گان ۱۰٤

~: وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُا الظَّالِمِينَ (۵:۲۹)
بیداد گران ۲، ستم کاران ٤۵

~: وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ (۵:۷۲)
ستم کاران ۱

~: وَمَا اعْتَدَيْنَآ إِنَّآ إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ (۵:۱۰۷)
بزه کاران ۲٦

~: فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ (٦:۵۲)
ستم کاران ۱

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (٦:۱٤٤)

بیداد کنان ٥٧

~: إِذْ جَآءَهُم بَأْسُنَآ إِلَّآ أَن قَالُوٓا۟ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ (٧: ٥)

بیداد گران و ستم کاران ١٠، ستم کاران ١٤٠

~: ٱتَّخَذُوهُ وَكَانُوا۟ ظَٰلِمِينَ (٧: ١٤٨)

ستم کار ٦١، بی داد گرآن ٩٤

~: وَلَا تَجْعَلْنِى مَعَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ (٧: ١٥٠)

ستمکاران ١، ستم کاران و بیداد گران ١٠

~: وَأَغْرَقْنَآ ءَالَ فِرْعَوْنَ ۚ وَكُلٌّ كَانُوا۟ ظَٰلِمِينَ (٨: ٥٤)

ستم کاران و بی دادان ١٠

~: وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ (٩: ١٩)

ستم کاره ٦٢

~: فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ (١٠: ٣٩)

ستمگران ١١٤

~: رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ (١٠: ٨٥)

ناگرویدگان ٥٨، ستمکار ١٣٦

~: إِنِّىٓ إِذًا لَّمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ (١١: ٣١)

بیداد کنان ٣٤، بد کاران ٧٦

~: وَمَا هِىَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ بِبَعِيدٍ (١١: ٨٣)

ستمکاران و بدان ٥٨

~: فَهُوَ جَزَٰٓؤُهُۥ ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلظَّٰلِمِينَ (١٢: ٧٥)

ستمکان ١١٣

~: وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّۢ ۚ بِئْسَ لِلظَّٰلِمِينَ بَدَلًا (١٨: ٥٠)

بیداد کاران ٢

~: وَّنَذَرُ ٱلظَّٰلِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا (١٩: ٧٢)

ستم کان ١٣٩

~: قَالُوا۟ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ (٢١: ١٤)

بیدادان ١٠٩

~: إِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ (٢١: ٥٩)

بی داد گر ٥٨

~: مِّنْ هَٰذَا بَلْ كُنَّا ظَٰلِمِينَ (٢١: ٩٧)

بیداد گرترین ٤٨

~: فَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى نَجَّىٰنَا مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ (٢٣: ٢٨)

ستمکاران ناگرویدگان ٥٨

~: وَأَعْتَدْنَا لِلظَّٰلِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (٢٥: ٣٧)

ویداد گران[1] ٢٠

~: ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَٰلِمِينَ (٢٦: ٢٠٩)

بیداد گران ٢٠

~: لَا تَخَفْ ۖ نَجَوْتَ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ (٢٨: ٢٥)

بی دادان ٣٩

~: فَذُوقُوا۟ فَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ (٣٥: ٣٧)

ستمکاران ٧

~: إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ (٤٢: ٤٠)

ستمکاران ٣٢

~: وَمَا ظَلَمْنَٰهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا۟ هُمُ ٱلظَّٰلِمِينَ (٤٣: ٧٦)

ستمکاران ٣٢

~: وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ (٦٢: ٧)

بی دادان ٣٩

~: قَالُوا۟ سُبْحَٰنَ رَبِّنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ (٦٨: ٢٩)

بیداد گران ٢، بیداد کار ٢٩

ٱلظَّآنِّينَ: ٱلظَّآنِّينَ بِٱللَّهِ ظَنَّ ٱلسَّوْءِ (٤٨: ٦)

---

١. ویداد گران / بیداد گران.

گمان برند گان ۲، اندیشه کنند گان ۱۷، اندیشه برند گان ۲٤، گمان برد گان ۳۰، اندیشه کنان ۳۸، آنانکه گمان می برند ٤۱، گمان بَرند گان ۵۱، اندیشه گردَنْد ۵۳، گمان کنند گان ٦۱، گمان برنده ۸٦، گمان کننده ۱۳٦

ظَاهِرُ: وَذَرُواْظَٰهِرَٱلْإِثْمِ وَبَاطِنَهُۥٓ (٦: ۱۲۰)
اشکَرا ۱، آشکارا ۲، پیدا ۳، آشکاره ۱۰ مکرر، آشکارا کردن ۲۷، پیدائي ۳۹، آشکار ۵۳، آشکارایی ۵۸

~: بِمَا لَا يَعْلَمُ فِى ٱلْأَرْضِ أَم بِظَٰهِرٍ مِّنَ ٱلْقَوْلِ (۱۳: ۳۳)
اشکارا ۵۳، آشکار کردن ۹۲

~: هُوَ ٱلْأَوَّلُ وَٱلْءَاخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلْبَاطِنُ (۵۷: ۳)
بیرون ۲٤، پدید ۳۹، پدیدا ٦۱، هویدا ۸۱، پیدا بهستی ۱۱٤

ظَاهِرًا: فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَآءً ظَٰهِرًا (۱۸: ۲۲)
اشکرا[۱] ۱، آشکارا ۲، پیدا و روشن ۱۱۳

~: يَعْلَمُونَ ظَٰهِرًا مِّنَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۳۰: ۷)
پیدا ۳، آشکار ۲٤، پیدایی ٤٦، آشکارای ٤۷، پیدای ۸۰، چیزهاء آشکار ۱۰۳

ظَاهِرَةً: وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةً وَبَاطِنَةً (۳۱: ۲۰)
اشکرا[۱] ۱، آشکارا ۲، پیدا ۳، اِشکارا ٤۷، اشکارا ۵۳

~: ٱلَّتِى بَٰرَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَٰهِرَةً (۳٤: ۱۸)
آبادان ۲٤، پیدا نزدیک ۳۹، پیوسته ٤۲، بهم نزدیک ۸۹، بیکدیگر پیوسته و نزدیک ۱۱۳، بهم پیوسته ۱۱٤، هویدا ۱۱۹

ظَاهِرُهُ: وَظَٰهِرُهُۥ مِن قِبَلِهِ ٱلْعَذَابُ (۵۷: ۱۳)
بیرون ۱، بیرُون ۲، برون ۳، بیْرُون ۵۱، آشکارا ۹۹

ظَاهَرُوا: وَظَٰهَرُواْ عَلَىٰٓ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ (٦۰: ۹)
پُشتی کردند ۲، هم پشت شدند ۳، یاری کردند ۲٤، پشت با هم نهادند ۲۹، پیدا کردند ۳۰، هم نشینی کردند ٤۹، هم پشتی کردند ٦۱، یاری دادند ٦٤، یکدیگر را یاری دادند ۷۹، آشکارا کردند ۹۲، یکدیگر را یاری میکردند ۱۰۲، یاری نمودند ۱۰٤، یاری یکدیگر کردند ۱۱۱، هم پشت یکدیگر شدند ۱۱٦

ظَاهَرُوهُمْ: وَأَنزَلَ ٱلَّذِينَ ظَٰهَرُوهُم (۳۳: ۲٦)
یارْ گشتند ۲، هم پشت شدند ۳، یاری کردند ۱٤، همپشتی کردند ۳۸، یاری دادند ٤۱، هام پشت گشته بودند ٤۷، یاری کرده بودند ٤۹، هم پشتی می کردند ۸۹، هم پشت گشته بودند ۱۰۲، هم پشت ایشان گشتند ۱۰۳، هم پشتی کردند ۱۰۹، هم پشت شد ۱۲۱، پشتی کرد ۱۲٤، پشتی کردند ۱۳۸

ظَاهِرِينَ: لَكُمُ ٱلْمُلْكُ ٱلْيَوْمَ ظَٰهِرِينَ (٤۰: ۲۹)
آشکارا ۲، پیروزان ۳ و ۹۱، به آیند گان ۱۰۹، فیروزان ۱۱٤، هم پشتان و پیروزان ۱۲۱

~: فَأَيَّدْنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُواْ ظَٰهِرِينَ (٦۱: ۱٤)
یاری کنان ۳۹، آشکارا شد گان ٦۱، آشکارا کنند گان ۹۲، هم پشتان ۱۰۰، دست یافتگان ۱۰۲، به آیند گان و فره و دست یابند گان ۱۰۹

ظَعْنِكُمْ: تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ (۱٦: ۸۰)
بیرون شدن ۱، رفتن ۲، کوچ کردن ۳، سفر ۵۲، کوچْ کَردن ۵۵، بار برداشتن ۵۷، رفتن و بار کردن ۱۰۲، کوچ ۱۰۹، برداشتن ۱۱۱

ظُفُر: حَرَّمْنَا كُلَّ ذِى ظُفُرٍ (٦: ۱٤٦)

---

۱. اشکرا / آشکارا.

چنگل ۱، ناخُنْ ۲، چنگال ۳، سنب ۲۹، ناخن ۳۹، چَنْگال ۵۵، ناخن گیرنده ۵۸، ناخون ۶۱، خداوند چنگی و سگی از ددگان و مرغ ۸۳، چنگلهاء ۹۰، ناخنها ۱۳۰

ظَلَّ: ظَلَّ وَجْهُهُۥ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (۱۶:۵۸)
همه روز بباشد ۲، شود ۳، گردد ۲٤، همه روز باشد ۲۹، می شود ٤۱، بَمانَدْ ۵۳، شَوَد ۵۵، همه روز ۵۷، بماند همه روز ۵۸، باز ماند ۸۸، گشته باشد ۱۱۸

~: ظَلَّ وَجْهُهُۥ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (٤۳:۱۷)
شهد[1] ۱، بازایستد ۲، بازایستد ۱٦، روز گرداند ۳۹، روز گذارد ٤۳، بماند ۵٦، بگردد ٦٤، گردید ۹٦، همه روز بباشد ۱۰۸، بُود ۱۲٤، بشود ۱۳۹

اَلظِّلَّ: أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ ٱلظِّلَّ (۲۵:٤۵)
سایه بان ۹۱

~: ثُمَّ تَوَلَّىٰٓ إِلَى ٱلظِّلِّ (۲۸:۲٤)
آساید گاه ۷٦

~: وَلَا ٱلظُّلُمَٰتُ وَلَا ٱلنُّورُ وَلَا ٱلظِّلُّ (۳۵:۲۱)
سایه خنک ۳

~: فِى سِدْرٍ مَّخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ (۵٦:۳۰)
سایه ۱، سایه ها ۱۳٦

~: ٱنطَلِقُوٓا۟ إِلَىٰ ظِلٍّ ذِى ثَلَٰثِ شُعَبٍ (۷۷:۳۰)
سایه ٦، دود ۱۲۲

ظِلًّا: وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا (٤:۵۷)
سایه ۱، سایَ ٤۵، سایه ۵۵، سایگاه ٦۰، سایه ٦۲، سایه ۱۰۰، سایها ۱۳۵

★ ظِلًّا ظَلِيلًا: وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا (٤:۵۷)
سایه پایدار ۲۹، سایه خوش ۵٦، سایه گسترده پاینده ۱۱۱، سایه کشیده ۱۱٤، بسایه بینداز ۱۲۷

ظِلَالًا: وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَٰلًا (۱٦:۸۱)
سایه ۱، سایها ۲، سایهَا ۵۳، سایَها ۵۵، سایه وانها ۵۹، سایهاْ ۱۰۰، سایبانها ۱۰۲، سرسایها ۱۲۲

ظِلَالٍ: هُمْ وَأَزْوَٰجُهُمْ فِى ظِلَٰلٍ عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ (۳٦:۵٦)
سایها ۱، سایه درختان ۲٤، سایه ها ۳۳، سایبانها ۱۲۲

~: إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى ظِلَٰلٍ وَعُيُونٍ (۷۷:٤۱)
سایه ۲٤، سایْها ٦۱، سایبها ۹۲، سایبان ۱۱۳

ظِلَالُهُ: يَتَفَيَّؤُا۟ ظِلَٰلُهُۥ عَنِ ٱلْيَمِينِ وَٱلشَّمَآئِلِ (۱٦:٤۸)
سایها ۱، سایه ۲٤، سایهَا ۳۰، سایهَا ۵۵، سایهاء ٦۲، سایه ۱۰۰، سایه ها ۱۱۳

ظِلَالُهَا: وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَٰلُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا (۷٦:۱٤)
سایها ۳، سایه ۲٤، سایه بانها ۹۰، سایها ۱۰۰، سایه ها ۱۱۳

ظِلَالُهُمْ: وَظِلَٰلُهُم بِٱلْغُدُوِّ وَٱلْءَاصَالِ (۱۳:۱۵)
سایها ۱، سایه ها ۷ مکرر، سایه ۲٤، سایها ۵۳، سَایها ۵۵، سایهاء ٦٤، سایها ۱۰۰، سایه بانها ۱۰٦

ظَلَّام: وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۳:۱۸۲)
ستمگار ۱، ستم کار ٤۲، بیدادگر ۵۷، بیداد کننده ۷٦، ستمکآر ۱۰۰

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ (۸:۵۱)
ستمکاره ۵۲، ستمگار ۷٤، ستم رساننده ۱۰۷

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ (۲۲:۱۰)
ستم کننده ۲، ستمکاره تر ۱۲، بیداد کن ۹۲

~: وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ (٤۱:٤٦)

---

۱. شهد / شود.

سِتمْ کار ٢٢

~: مَايُبَدَّلُ ٱلْقَوْلُ لَدَىَّ وَمَآ أَنَا۠ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ (٥٠: ٢٩)

ستم کار ١، ستم کاره ٢، بیدادگر ٤٢، ستم نماینده ٨٦

ظَلْتَ: وَٱنظُرْ إِلَىٰٓ إِلَٰهِكَ ٱلَّذِى ظَلْتَ (٢٠: ٩٧)

شدی ١، پیوسته بودی ٢، بودی ٢٤، همه روز بودی ٢٩، بازایستادی ٣٨، روز گذاشتی ٣٩، همه روز ٤٢، بیسْتادی ٥٣، پیوسته بوْدی ٦١، همه روزه بودی ٧٦، گشتی ٨٦، بازاستادی ٨٨، روزی ایستادی ٩٠، همه روز گرایی ٩٢، تو گردی ٩٦، همیشه هستی ١٠٠، روز میگذاشتی ١٠٢، همه روز می باشی تو ١١٤، گردیدی ١٢٢، بودی تو ١٢٣، تو همه روز بودی ١٣٨، همه روز گذاری ١٣٩

★ظَلْتَ...عَاكِفًا: ٱلَّذِى ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ (٢٠: ٩٧)

همه روز نشسته بودی

ظَلَّتْ: فَظَلَّتْ أَعْنَٰقُهُمْ لَهَا خَٰضِعِينَ (٢٦: ٤)

شهد[1] ١، بَباشد ٢، شود ٣، گردد ٢٠، همه روز باشند ٢٩، شدندی ٣٩، فروکشید ٤١، گشت ٤٣، همه روز بود ٤٦، گرددی ٤٧، بباشد ٥٦، بمانند ٥٨، گردند نرم ٦٤، گردیدی ١٠٠، گشتندی ١٠٦، نزدیک شود ١١٩، باشد ١٢١، بگردد ١٣٢، گشتند ١٣٨

ظُلَّةٌ: وَإِذْ نَتَقْنَا ٱلْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُۥ ظُلَّةٌ (٧: ١٧١)

اور[2] ١، سایه بان ٣، ابر سایه برافکنده ١٠، ساذوان ٢٤، سَایَه بَان ٥٥، سَایه بَان ٦٢، سایبان ٧٩

~: فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ ٱلظُّلَّةِ (٢٦: ١٨٩)

سایه وان ٢، میغ ٢٤، سایه ٢٩، تاریکی ٤٢، سایه پردهٔ آتشی ٥٣، سایه ـ ابر ٥٦، ابر ٦٩، بَرآمده ٧٦، میانه ١٠٨

فَظَلْتُمْ: لَجَعَلْنَٰهُ حُطَٰمًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (٥٦: ٦٥)

شید[3] ١، شدیت ٣، گشتید ٢٤، همه بودیتی ٣٠، روز گذارید ٣٩، گَردید ٤٢، روز گذارید شما ٤٣، باشید ٥٣، همه روز بگذارید ٥٦، شوید ٦١، همه روز باشی ٨١، همه روز باشید شما بشگفت ٨٧، گشتید شما ٩٠، شدیتی ٩١، همیشه شما ١٠٠، روز میگذاشتید ١٠٤، همی روز بودی ١٠٨، گردید شما ١١٣، شدید ١٢١، بباشید شما ١٢٤، بگردید شما ١٣٢، همه روز ١٣٨

★ ظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ: لَجَعَلْنَٰهُ حُطَٰمًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (٥٦: ٦٥)

باشیت پشیمان بران رنج ٤١

ظُلَلٌ: إِلَّآ أَن يَأْتِيَهُمُ ٱللَّهُ فِى ظُلَلٍ مِّنَ ٱلْغَمَامِ (٢: ٢١٠)

سایهٔ بانها ٣، پارها ١٠، پوشش ٢٩، پارها ٤٠، سَایهَا ٤٢، سایها ٥٢، سَایهْ بَانَها ٥٥، پارهاء ٥٧، سَایَهاْ ٩٤

~: وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوْجٌ كَٱلظُّلَلِ دَعَوُا۟ ٱللَّهَ (٣١: ٣٢)

کهها ١، سُایها[4] ٢، سایبانها ٣٩، ابرایز[5] ٤٦، سِراپَردَهَا ٥٣، کوهها ٥٦، ابرها ٥٨، کوه ابر ٦٤، ابر ٦٩، ابرابر ٧٢، پارهای میغ ٧٦، سایه وانها ٨٨

~: مِّن فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ ٱلنَّارِ وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ (٣٩: ١٦)

سایها ١، سایه وانها ٢٢، پردها ٢٤، سایه ها ٣٤، فرشها ٣٩، سَایِهَا ٥٣، گسترشها ٧٩، تاریکها سایه

---

١. شهد / شود.
٢. اور / ابر.
٣. شید / شوید.
٤. اعراب مربوط به متن اصلی است.
٥. کذا در متن اصلی (؟).

۸۷، سایهها ۹۰، سایه بانها ۱۰۰، سایها ۱۰۰، سایه ۱۲۶، سایبان ۱۲۹

وَظَلَّلْنَا: وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ ٱلْغَمَامَ (۲: ۵۷)
سایه بان ساختیم ۲۹، سایبان کردیم ۳٤، سایه می کردیم ۵۳، سایه دار گردیم ۵۵، سایبان کردیم ٦۰، سایه دادیم ٦۲، سایه افکندیم ما ۹۹، سایه بان کردیم ما ۱۰۰، سایه بان گردانیدیم ۱۰۱، سایه ساختیم ۱۱۱، گستردیم ۱۲۲، سایه بآن کردیم ۱۲۷، سایبان گردانیدیم ما ۱۳۸

~: وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ ٱلْغَمَامَ (۷: ۱٦۰)
سایه کردیم ۱، سایه کردیم ۲، سایه دار کردیم ۳، سایه دار کردیم ۱۰، سایه بان کردیم ۲۹، سادوان کردیم ۳٤، سایه فکندیم ٤۱، سایه افکندیم ٤۲، سایه دار گردیم ۵۵، سایه کردیم ما ۵٦، سایه بان گردیم ٦۲، سایه بان گردانیدیم ما ٦۳، سایه بانی کشیدیم ٦٤، سایه بان ساختیم ما ۱۰٤، سایبان ساختیم ۱۱۱، سایه داشتیم ۱۱۲، سایبان ساختیم ۱۲۰، سایه بان انداختیم ۱۲٦، سایه دار گردانیدیم ۱۲۹

ظَلَمَ: وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُۥ (۲: ۲۳۱)
ستم کرده باشد ۲، ستم کرده بود ۱۰، ستم گرد ۲۷، ستم کرده باشد ٤۲، ستم کرده بود ٦۳، ستمکرد ۹۲، ستمکار باشد ۱۰٤

~: قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُۥ (۱۸: ۸۷)
ستم کرد ۱، بیداد کرد ۱۰۵

~: إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوٓءٍ (۲۷: ۱۱)
ستم کند ۵۸

~: وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُۥ (٦۵: ۱)
بیداد کرده باشد ۲٤، بی داد کرد ۳۹، ستمکاره کرده باشد ۱۰۸، ستم کرده است ۱۱٦

ظُلِمَ: لَّا يُحِبُّ ٱللَّهُ ٱلْجَهْرَ ... إِلَّا مَن ظُلِمَ (٤: ۱٤۸)
ستم کرده شد ۱، ستم کرده شود ۳، بروی ستم کرده باشند ۱۰، برو ستم کرده باشند ۲۷، ستم رسیده ۲۹، بروی ستم رسد ٤۲، ستم رسیده بود ٤۵، ستم رسیده باشد ۵۸، ستم رسند ۸۸، ستم کرده باشند ۱۱۱، بیداد کردند ۱۲٤

ظُلْمٌ: فَبِظُلْمٍ مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُوا۟ (٤: ۱٦۰)
بی دادی و ستم کردن ۱۰، بیداد کردن ٤۲، بی دادی و ستم ۵۸، ستم رسیده باشد ۸۲، بی داد کردن ۸۳، بیداد کردن ۱۲۵

~: ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَمْ يَلْبِسُوٓا۟ إِيمَٰنَهُم بِظُلْمٍ (٦: ۸۲)
ستم ۱، بیداد ۲

~: لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ بِظُلْمٍ (٦: ۱۳۱)
بیدادی ۵۸، ستم کاری ٦۱

~: وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ بِظُلْمٍ (۱۱: ۱۱۷)
بی داد ۷٦

~: وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍۭ بِظُلْمٍ (۲۲: ۲۵)
ستم کردن ۲٤، بی دادی ۵۳

~: إِنَّ ٱلشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (۳۱: ۱۳)
بی داد ۱٤، گناه ٦۱

~: ٱلْيَوْمَ تُجْزَىٰ ... لَا ظُلْمَ ٱلْيَوْمَ (٤۰: ۱۷)
بیداد ٤۲

ظُلْمًا: وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَٰلَمِينَ (۳: ۱۰۸)
ستم ۱، ستم ۲، ستم او بی دادی ۱۰، بیداد و ستم ٤۰

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَٰلَ ٱلْيَتَٰمَىٰ ظُلْمًا (٤: ۱۰)
بیداد ۲، ستم ۵۳، ستم و ناروا ۱۱۱

~: وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ عُدْوَٰنًا وَظُلْمًا (٤: ۳۰)
ستم کردن ۲، ستم کاری ۹۰، ستم کردن ۹٤، ستم و بیداد ۱۱۱، ستم کردند ۱۲۷، بیدادی ۱۳۵، ستم کنی ۱۳۹

~: فَقَدْ جَآءُو ظُلْمًا وَزُورًا (٤:٢٥)
بی دادی ٣٩

~: وَٱسْتَيْقَنَتْهَآ أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا (١٤:٢٧)
بی داد ٤٦، ستمکاری ٦٤

ظُلُمَاتٍ: وَتَرَكَهُمْ فِى ظُلُمَـٰتٍ لَّا يُبْصِرُونَ (١٧:٢)
تاریکیها ٥٥، تاریکیها ١٠٠

~: أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فِيهِ ظُلُمَـٰتٌ (١٩:٢)
تاریکیها ٢، تاریک ٦٠

~: يُخْرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَـٰتِ (٢٥٧:٢)
تاریکیها ١، تاریکیها ٢، تاریکها ٣، تاریکی ها ٧٦، تاریکهاء ٩٠، تاریکها ١٠٠

~: لِتَهْتَدُوا۟ بِهَا فِى ظُلُمَـٰتِ ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ (٩٧:٦)
تاریک ها ١٢٧

~: أَمْ هَلْ تَسْتَوِى ٱلظُّلُمَـٰتُ وَٱلنُّورُ (١٦:١٣)
تاریکی ٢٤، تاریکیها ٥٥

~: فَنَادَىٰ فِى ٱلظُّلُمَـٰتِ أَن لَّآ إِلَـٰهَ إِلَّآ أَنتَ (٨٧:٢١)
تاریکی شب ٨٦

~: أَوْ كَظُلُمَـٰتٍ فِى بَحْرٍ لُّجِّىٍّ يَغْشَىٰهُ مَوْجٌ (٤٠:٢٤)
تاریکیها ٥١، تارکیها ٥٤، تاریکیها ١١٩

~: لِّيُخْرِجَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ... مِنَ ٱلظُّلُمَـٰتِ (١١:٦٥)
بار تنگیهای کفر ١١٣

ظَلَمَتْ: وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ (٥٤:١٠)
ستم کرد ١، بیداد کرده باشد ١٣، ستم کرده باشد ٣٨، بیداد گرد ٤٢، ستم کردست ٥٦، ستم کرده باشند ٦٣، ستم کند ٩٢، بیداد کرده باشد ٩٤، ستم کرده بود ١٠٠

ظَلَمْتُ: قَالَتْ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى (٤٤:٢٧)
ستم کرده ام ٣٦، بیداد کردم ٤٢، من ستم کردم ٥٦

~: قَالَ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى فَٱغْفِرْ لِى فَغَفَرَ لَهُۥ (١٦:٢٨)
ستم کردم ١، بی داد کردم ٣٩

★ ظَلَمْتُ نَفْسِی: إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى فَٱغْفِرْ لِى (١٦:٢٨)
بکاهانیدم بهرهٔ خویش ٥٣

ظَلَمْتُمْ: يَـٰقَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم (٥٤:٢)
ستم کردید ١، ستم کردید ٢، ستم کردیت ٣، ستم کردید ١٠، ستم کردی ٢٤، ستم گردیت ٥٥، ستمکاری کردید ٩٤، شما ستم کردید ٩٦

~: وَلَن يَنفَعَكُمُ ٱلْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ (٣٩:٤٣)
ستم کردیت ٣٢، بی داد کردید ٣٩، ستم کردید شما ٦١، ستم کرده باشید شما ١٠٠، ستم کرده باشید ١١٣

ظَلَمَكَ: قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ (٢٤:٣٨)
ستم کرد ١، ستم کرده است ٦٤، ستم کردی ٨١

ظَلَمْنَا: قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَآ أَنفُسَنَا (٢٣:٧)
ستم کردیم ١، زیان کردیم ١٠، ستم کردیم ما ٢٧، بیداد کردیم ما ٥٧، بکاهانیدیم ٦٣، ما ستم کردیم ١٠٧، ستم کردند ١١٢

ظَلَمْنَاهُمْ: وَمَا ظَلَمْنَـٰهُمْ وَلَـٰكِن ظَلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ (١٠١:١١)
ستم گردیم ٥٥، کردیم بیداد ١٢٨ ستم کردند ١٣٦

~: وَمَا ظَلَمْنَـٰهُمْ وَلَـٰكِن كَانُوٓا۟ (١١٨:١٦)
ستم کردیم ٥٥

~: وَمَا ظَلَمْنَـٰهُمْ وَلَـٰكِن كَانُوا۟ هُمُ ٱلظَّـٰلِمِينَ (٧٦:٤٣)
ستم کردیم ٢٢، ستم کردیم ٣٢، ستم کردیم ما ٥٦

★ مَا ظَلَمْنَاهُمْ: وَمَا ظَلَمْنَـٰهُمْ (١٠١:١١)
ما ستم نکردیم ٧ مکرّر، نکردیم ستم ٤١، نه ستم گردیمشان ٥٥، ما بیداد نکردیم ٥٧ ما بیداد نگردیم ٧٦، نکردیم بیداد ٩٦، نکردیم ما بیداد

۱۰۵، بی داد نکردیم ۱۱۸

~: وَمَا ظَلَمْنَٰهُمْ وَلَٰكِن كَانُوٓا (۱۶: ۱۱۸)
ستم نکردیم ۱، بیداد نکردیم ۲، ستم نکردیم ما ۵۸

~: وَمَا ظَلَمْنَٰهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا هُمُ الظَّٰلِمِينَ (۴۳: ۷۶)
نکردیم ما ستم ۱۰۰

ظُلْمِهِ: فَمَن تَابَ مِنۢ بَعْدِ ظُلْمِهِۦ وَأَصْلَحَ (۵: ۳۹)
ستم ۱، ستم کردن ۲، گناه ۴۱، بیداد ۱۲۶

~: وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِۦ (۴۲: ۴۱)
ستم کشیدن ۲۲

ظَلَمَهُمُ: وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ (۳: ۱۱۷)
ستم کرده بود ۴۰، ستم کرد ۵۶، ستم کند ۶۱

★ مَا ظَلَمَهُمُ: وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ (۳: ۱۱۷)
ستم نکرد ۱، هیچ ستم نکرد ۱۰، بیداد نکند ۳۸، نه ستم کرده بود ۴۰

ظُلْمِهِمْ: فَأَخَذَتْهُمُ الصَّٰعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ (۴: ۱۵۳)
بیداد کردن ۱، بیدادی ۵۸، بی دادی ۹۲، ستم و بیداد ۱۰۲، ستمکاری ۱۱۱

~: وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْ (۱۳: ۶)
ستم ۱، بیداد ۴۲، بی داد کردی ۵۸، ستم کاری ۶۱

~: وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِم (۱۶: ۶۱)
بیداد ۲، ستم کردن ۳، ستم ۵۵

ظَلَمُوا: فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا (۲: ۵۹)
ستم کردند ۲، بگردانیدند ۲۴، ستم کاره بودند ۲۹، بیداد کردند ۴۲، ستم گردند ۵۵، ستم کار بودند ـ ستم کرده بودند ۶۲، ستمکردند ۱۳۸

~: إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ (۲: ۱۵۰)
گناه کاران بدند ۱۰، ستمکارند ۶۴، ستمکردند ۹۲، ستم کارانند ۱۲۷

~: وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوٓا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ (۲: ۱۶۵)
ستم کارند ۲۴، ستم کرده‌اند ۷۵

~: أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوٓا أَنفُسَهُمْ (۳: ۱۱۷)
ستم کرده باشند ۱۰، ستم کرده‌اند ۵۳، ستم کردند ۵۶

~: أَوْ ظَلَمُوٓا أَنفُسَهُمْ (۳: ۱۳۵)
ستم کنند ۱، ستم کرده باشند ۱۰، ستم کرده آید ۴۰، بیداد کنند ۵۷، بی داد کنند ۹۲

~: وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوٓا أَنفُسَهُمْ (۴: ۶۴)
ستم گردند ۲، ستم کرده بودند ۱۰، ستم گردندی ۶۱، ستم کردندی ۷۶، بیداد کردندی ۸۲، بید آد کردندی ۹۴

~: فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا (۶: ۴۵)
بیداد کاران ۷۶

~: وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَـِٔيسٍ (۷: ۱۶۵)
بیدادی و ستم کردند ۱۰

~: وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا (۸: ۲۵)
ستم کاران و بیدادگران‌اند ۱۰

~: لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا (۱۰: ۱۳)
ستم گردند ۵۳، ستم کردند ۶۲

~: ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ (۱۰: ۵۲)
ستم گردند ۵۳

~: وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ (۱۱: ۹۴)
ستم گرده بودند ۵۳

~: وَمَا ظَلَمْنَٰهُمْ وَلَٰكِن ظَلَمُوٓا أَنفُسَهُمْ (۱۱: ۱۰۱)
ایشان ستم کردند ۷ مکرّر

~: فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَآ أَخِّرْنَآ (۱۴: ۴۴)
ستم گرفتند ۴۱

~: اَلَّذِينَ ظَلَمُوٓا أَنفُسَهُمْ (۱٤:٤٥)
ستَم کردَه بُودَند ٦٢

~: وَءَاتَيْنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا۟ بِهَا (۱۷:٥۹)
نارای شدند[1] ۱، بیداد کردندْ ۲، بیداد کردَند ٤۲، سِتَمْ گَرْدَنْد ٥۳، بیداد کردند و بکشتند ٥۸، بیدادی کردند ۹٦

~: وَتِلْكَ ٱلْقُرَىٰٓ أَهْلَكْنَٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا۟ (۱۸:٥۹)
بیداد کردند ۲

~: وَلَا تُخَٰطِبْنِى فِى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ (۲۳:۲۷)
ستم کرده‌اند ۱۳۲

~: وَوَقَعَ ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُوا۟ (۲۷:۸٥)
بی داد کردند ۳۹

~: فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مَعْذِرَتُهُمْ (۳۰:٥۷)
ستم کردند و نگرویدند ٥۸

~: وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ذُوقُوا۟ عَذَابَ ٱلنَّارِ (۳٤:٤۲)
ستم کرداند ۷

~: ٱحْشُرُوا۟ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ وَأَزْوَٰجَهُمْ وَمَا كَانُوا۟ يَعْبُدُونَ (۳۷: ۲۲)
ستم کردند ایشان ٦۱

~: فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مِنْ عَذَابِ (٤۳:٦٥)
ستم کردند ۱

~: فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ذَنُوبًا مِّثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَٰبِهِمْ (٥۱:٥۹)
ستم کردن ۳۰

ظُلِمُوا: هَاجَرُوا۟ فِى ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا۟ (۱٦:٤۱)
ستم کرده شدند ۱، ستم کرده شده‌اند ٦٤، بریشان ستم کرده بودند ۹۳، بایشان بیداد کردند ۱۲۸

~: أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَٰتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا۟ (۲۲:۳۹)
بایشان ستم رسید ۲، ستم رسیده‌اند ۳۰ ستم کرده شده ٤۳، ستم رسید ٦۱، ستم کرده باشند ۷٦، ستم رسیده شدند ۹٤، ستم شدند ۱۲۱، ستم رسیده شده‌اند ۱۲۳، ستمرسیده شده‌اند ۱۳۲

~: وَٱنتَصَرُوا۟ مِنۢ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا۟ (۲٦:۲۲۷)
ستم کردند ۲۰، ستم کرده شده بودند ٥۸، ستم داده شدند ۱۰۳، ستم دیده شدند ۱۱۱، ستم بریش کرده شدند ۱۱۳، ستمرسیده بودند ۱۳۲

ظَلَمُونَا: وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ (۲:٥۷)
ستم کردند ۳، سِتَمْ کَرْدَند ٥٥، ستم بکردند ٦۳، بیداد کردند ۱۰٥

★ مَاظَلَمُونَا: وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ (۲:٥۷)
نکردند بیداد ۲، هیچ زیان نگردند ۱۰، نکردند ستم ۲٤، نه سِتَمْ کَردَند ٥٥، نکردند هیچ زیان ٦۲، زیان نکردند ۱۲۱، ستم نکردیم ۱۲۷

~: وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوٓا۟ (۷:۱٦۰)
نقصان نکردند ۱، ستم نکردند ۲۹، بیداد نکردند ٥۷، نکردیم ستم ۹٦

ظِلُّهَا: أُكُلُهَا دَآئِمٌ وَظِلُّهَا (۱۳:۳٥)
سایه ۱، سایه ۱۰۰

ظَلُّوا: بَابًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فَظَلُّوا۟ فِيهِ يَعْرُجُونَ (۱٥:۱٤)
دراستادندی ۱، روز گذاشتند ۳، می شند ۲٤، روز گذاشتندی ۳۰، بیستادندی ۳۹، دراستَند ٤۲، دراستند ٥۲، بیسْتَندْ ٥۳، نزدیک شوند ٥۷، بدیدندی همه روز ٥۸، گشتند ٦۱، همیشه ٦۳، همه روز بودند ۷٦، همی دون باشند ۷۸، دور[2] بباشند ۹٤، روز گذرانند ۱۰۳، گشتندی

---

۱. نارای شدند: انکار کردند؛ کافر شدند.

۲. به دو وجه قابل توجیه است: یا تحریفی از «روز» می توان تصورکرد، یا به معنی دیر و طولانی.

۱۰۹، استادندی ۱۱۲، درایستادندی ۱۱۳

~: فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنۢ بَعْدِهِۦ يَكْفُرُونَ (۳۰: ۵۱)
درایستند ۱، شوند ۳، باشند ۲۹، نیم روز ببودندی ۳۰، روز گذارند ۳۹، بیستادندی ۵۳، همه روز باشند ۵٦، پیوسته باشند ۷٦، خشک شدندی ۸۸، شدندی ۹۲، گردند ۹٦، همه روزه ۱۰٦، بگردند ۱۱۳، روز کنند ۱۲۲، بیفتادندی ۱۲٤

★ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ: فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ (۱۵: ۱٤)
تا ایشان از آن همی شدندی بآسمان ٦۲

ظَلُومًا: وَحَمَلَهَا ٱلْإِنسَـٰنُ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (۳۳: ۷۲)
ستمکار ۱، ستم کاره ۲، نیک ستمکار ۳، ستم کار ۲٤، بی داد ۳۹، سخت ستمکار ٤۱، ستم کننده ٤۹، ستم کنند[ه] ۹۱، ستم گر بر خود ۱۰۹

ظَلُومٌ: إِنَّ ٱلْإِنسَـٰنَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (۱٤: ۳٤)
ستم کار ۱، نیک ستمکار ۳، ستمکار ۳۹، بسیار ستم ٤۱، سِتَم گار ۵۳، نِیک سِتَمگار ۵۵، سخت ستمکار ۵۸، بیداد کننده ٦۲، بیداد گر ۷٦، بسیار ستمکار ۱۱٦

ظَلِيلًا: أَزْوَٰجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا (٤: ۵۷)
سایه مند ۱، پای دار ۲، خنک ۳، هنگفت و سایه دار ۱۰، سایه ۲٤، سرد و خنک ۲۷، کشیده ۳٦، گسترده ۳۸، سایه کرده ۳۹، پای دار ٤۲، پای دار ۵۲، همیشه سایه ۵۳، که آفتاب آنرا برندارد ٦۲، سرد خشک ٦۹، آفتاب آنرا برندارد ۷٦، پایدار ۷۸، سایه گسترده ۸۸، پای دآر ۹٤، پناه دار ۱۰۲، سایه ناگردنده پایدار ۱۰٤، پاید آر ۱۰۵، پاینده ۱۱۵، تمام خنک ۱۱۹، بسیار خوش ۱۳٦

ظَلِيلٍ: لَّا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِى مِنَ ٱللَّهَبِ (۷۷: ۳۱)
سَایهٔ کُنندَه از آفتاب ۲، سایه دار ٦، سایه گستر ۲۹، سایه دراز خشک ۳۹، سایه ور ٤۲، سایه کشیده ۸۷، سایه دهنده ۹۲، سایه افکند ۱۱۳، پوشیده ۱۱٤، سایه خنک ۱۳۰

ٱلظَّمْـَٔانُ: كَسَرَابٍۭ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ ٱلظَّمْـَٔانُ مَآءً (۲٤: ۳۹)
تشنه ۱، تشنَه ۲، جشنه[1] ۳، تَشنَهْ ۵۳، مرد تشنه ٦٤، مرد نیک تشنه ۸٦، تَشنَه ۱۱۹

ظَمَأٌ: لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ (۹: ۱۲۰)
تشنه ی[2] ۱، تشنگی ۲، جشنگی[2] ۳، جُشْنَگِی[3] ۵۵، تشنگی سخت ۵٦، تشنگی ۱۰٤، رنج ۱۲٤

ظَنَّ: وَظَنَّ أَهْلُهَآ أَنَّهُمْ قَـٰدِرُونَ عَلَيْهَآ (۱۰: ۲٤)
پینداشتند[4] ۱، چُنان دانند و چُنان پندارند ۱۰، چنان دانند ۱۳، پندارند ۲٤، بدانستند ۲۹، داند ۵۳، گُمان بُردند ۵۵، گمان برند ۷٦، پنداشتند ۱۱۳، گمابرند ۱۱۳

~: وَقَالَ لِلَّذِى ظَنَّ أَنَّهُۥ نَاجٍ مِّنْهُمَا (۱۲: ٤۲)
بیندیشید ۲، گمان برد ۳، می دانست ۲٤، دانسته بود ٤۳، گمان برده بود ٦٤، بیندیشید ۸۳، اندیشید ۱۲۸، میدانست ۱۳٦

~: فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ (۲۱: ۸۷)
پینداشت ۱، گمان بُردْ ۲، چنان دانست ۱۲، پنداشت ۲٤، گمان کرد ۱۳۲

~: ظَنَّ ٱلْمُؤْمِنُونَ وَٱلْمُؤْمِنَـٰتُ بِأَنفُسِهِمْ (۲٤: ۱۲)
گمان بردندی ۳۰، پنداشتی ۳٤، گمَان ۵۱، گمان

---

۱. جشنه / تشنه.
۲. تشنه ی / تشنگی.
۳. جشنگی / تشنگی.
٤. پینداشتند / پنداشتند.

۵٤، گمان بردی ٦١، گمان بردند ٧٧، گمان نمودند ٩٢

~: وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّٰهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ (٣٨:٢٤)
دانست ١، اندیشه کرد ٢٢، اندیشه کرد ٣٨، گمان برد ٥٦، گمان بُرد ٨١

~: وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (٧٥:٢٨)
بدانست ٦، اندیشه کند ٣٩، پندارد ٦١

~: إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ (٨٤:١٤)
همی گمان برد ٢

الظَّنَّ: يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ (٣:١٥٤)
گمان ٢، بداندیشه ١٠، اندیشه ٢٣، گمان کردن ٣٩

~: مَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ (٤:١٥٧)
گُمان ٢، اندیشه کردن ٤٥، و بگمان گفتن ٥٦، پندار ٧٥، گمآن ١٠٠

~: إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ (٦:١٤٨)
اندیشه دل ١٠، پنداشت و گمان ٢٩

~: إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا (١٠:٣٦)
اندیشه دل و دُو گمانی ١٠، پنداشت ٦٢، گمان برد ٦٣

~: وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ (١٠:٦٠)
مَی پندارند و مَی بدوسند ١٠، پنداشتن ٢٧، اندیشند ٥٩

~: إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ (١٠:٦٦)
اندیشه و هَوای و خواست و ایست دل خویش بدُو گمانی ١٠، گمان بردن ٢٧

~: وَظَنَنتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنتُمْ قَوْمًا بُورًا (٤٨:١٢)
گمان و اندیشه ١٠٩

~: إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا (٤٩:١٢)
پنداشت ٦، اندیشه کردن ٢٤، گمانها ١٠٣

~: وَمَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ (٥٣:٢٨)
اندیشه ٢، پنداشتن ٢٤، اندیشه دل ٦٤

ظَنًّا: إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ (٤٥:٣٢)
گمان بردن ٣، اندیشه ١٦، گمان ٥٢، پنداشتن ٥٦، گمان کردن ١٣٩

ظَنَّا: إِن ظَنَّا أَن يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ (٢:٢٣٠)
دانند ١٠، گمان برند ٣٦، پندارید ٤١، گمآن برند ٤٢، بی گمان شدند ٧٤، بدانند ٨٨، گمان بردند ١٠٣، دانسته باشند ١١٦

ظَنُّكُمْ: فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (٣٧:٨٧)
اندیشه ٢٢

~: وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ (٤١:٢٣)
گمان ٣، پنداشتن ٣٩، گمان ٥٦، گمان بردن ١٠٠

ظَنَنَّا: وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن تَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ (٧٢:٥)
پینداشتیم[1] ١، گُمان بُردیم ٢، پنداشتیم ٦، گمان برده بودیم ٦٤، پنداریم ما ٩٢، گمآن بردیم ١٠٠

~: وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن نُّعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ (٧٢:١٢)
می پنداشتیم ٦، گمان بردیم ٥٦، بی گمان داشتیم ٨٠، پنداشتیم ما ٩٢، دانستیم ١٠٢

ظَنَنتُ: إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهْ (٦٩:٢٠)
دانستم ٣، بی گمان بودم ٣٠، گمان می بردم ٤١، پنداشتم ٦١، گمان بردم ٩١، پندارم ٩٢، بگمان بودم ١٠٨، گمان کنم ١٣٦

ظَنَنتُمْ: وَلَٰكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ (٤١:٢٢)

---

١. پیداشتیم / پنداشتیم.

پینداشتید[1] ۱، اندیشه کردید ۱۵، پنداشتی شما ۲۴، اندیشه کَردید ۵۳، گمان بُردید ۵۶، پنداشتید شما ۶۱، می پنداشتید ۶٤، گمان داشتید ۱۰۳، گمان می کردید ۱۳۶

~: وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ (۲۳:٤۱)
گمان بردیت ۳، گمان بردید شما ٤۳، گمان می بردید ۱۰۳

~: وَظَنَنتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنتُمْ قَوْمًا بُورًا (۱۲:٤۸)
گمان بردید ۲، شما می پنداشتید ٦، پنداشتید ۱۷، بگمان بودید ٤٤، اندیشه کردید شما ۸۸، گمان برده‌اید شما ۱۱۳، گمان دارید ۱۳٦

~: مَا ظَنَنتُمْ أَن يَخْرُجُوا (۲:۵۹)
کردید اندیشه ۵٦، گمان بردید شما ۹۲

~: وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا (۷:۷۲)
شما پنداشتید ٦، گمان می بردیت ٤۱، گمان برده‌اید ۱۱۱

★ مَاظَنَنتُمْ: مَا ظَنَنتُمْ أَن يَخْرُجُوا (۲:۵۹)
نپنداشتید ۱، نپَنداشتید شما ٤۲، نپنداشتید شما ۵۲، گمان برده نبودید شما ٦٤، نپنداریدِ ۸۱، گمان نبردید شما ۱۰۰، گمان نداشتید شما ۱۰۳، گمان نداشتند ۱۱۱، نه کردند اندیشه ۱۳۹

ظَنَّهُ: وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ (۲۰:۳٤)
گمان ۲، اندیشه ۲٤

ظَنُّوا: وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ (۱۷۱:۷)
گُمان بُردَند ۲، بی گُمان دانستند ۱۰، دانسْتَند ۵۵

~: وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ (۱۱۸:۹)
بی گمان شدند ۳، پنداشتند ۱۳، بی گُمان شُدَند ۵۵

~: وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ (۲۲:۱۰)
گمان برند ۳، دانستند ۵۳، دانند ۱۲٤

~: وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا (۱۱۰:۱۲)
بی گمان گشتند ۲، گمان بردند ۳، بدانستند ۵، گمان بُردَند ۵۵، گمان بُردند ۷٦، بگمان گشتند ۸۳، بی گمان گشتند ۹٦، گمان می بردند ۱۲٦

~: فَظَنُّوا أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا (۵۳:۱۸)
بی گمان نشوید ۹٤، گمان کردند ۱۰۸، بی گمان شوند ۱۳۹

~: وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ (۳۹:۲۸)
پینداشتند[2] ۱، بگمان شدند ۵۸

~: وَظَنُّوا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ (٤۸:٤۱)
بدانند ۲٤، گمان بردَند ٤۲، بیگمان شوند ٦۷، پندارند ۱۰۸، بی گمان دانند ۱۳۲، گمان کردید ۱۳٦

~: وَظَنُّوا أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمْ حُصُونُهُم مِّنَ اللَّهِ (۲:۵۹)
پنداشتند ۲، برگمان بودند ۵۲، گمان برده بودند ٦٤، گمان برید ۹۲، گمان بردید ۱۰۰، گمان کرده بودند ۱۳٦

~: وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا (۷:۷۲)
می پنداشتند ٦، گمان می بردند ٤۱

اَلظُّنُونَا: وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا (۱۰:۳۳)
گمانها ۳، اندیشها ۲٤، گونه گونه گمانها ۳۰، اندیشها ۳٤، اندیشه‌ها ٤۷، اندیشها گونه گونه ٦۵، گمان بردن ۷٦، اندیشها گوناگون ۸۷، اندیشها[ی] گوناگون ۹۹

۱. پینداشتید / پنداشتید.
۲. پینداشتند / پنداشتند.

ظَهَرَ: مَاظَهَرَ مِنْهَا وَمَابَطَنَ (۶:۱۵۱)
آشکارا بُود ۱۰، آشکار باشد ۲۹، آشکار ۷۲، آشکار است ۸۸، آشکارا باشد ۱۲۰، آشکارا کرد ۱۲۴، آشکارست ۱۲۶

~: حَرَّمَ رَبِّيَ ٱلْفَوَاحِشَ مَاظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ (۷:۳۳)
آشکارا بَود ۱۰، آشکاراست ۲۴، آشکارا است ۴۵، پیدا کرد ۸۸

~: حَتَّىٰ جَآءَ ٱلْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ ٱللَّهِ (۹:۴۸)
آشکارا گشت ۱۰، پیدا گشت ۱۱، پَدیَد آمد ۵۵، پدید شود ۱۳۶

~: وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَاظَهَرَ مِنْهَا (۲۴:۳۱)
اشکرا شد[1] ۱، پیدا شد ۳، آشکارا بود ۲۴، پیداست ۳۹، پیدا آید ۴۲، پیدا باشد ۴۳، آشکارا باشد ۵۱، پیدا بود ۵۴، پدیدست ۵۶، پدید آید ۷۷

~: ظَهَرَ ٱلْفَسَادُ فِى ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ (۳۰:۴۱)
آشکارا شد ۲، پدید آمد ۳، هاشکارا[2] شد ۴۷، پَدیذ أمَذ ۵۳، آشکار شد ۷۴، پیدا آمد ۱۰۴، پدید گشت ۱۳۶

ظَهْرَكَ: ٱلَّذِىٓ أَنقَضَ ظَهْرَكَ (۹۴:۳)
پشت ۲، پُشت ۳۴

ظَهْرِهِ: فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِۦ (۴۲:۳۳)
پشت ۱، پُشت ۲، پَشت ۸۱

ظَهْرِهَا: مَاتَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِن دَآبَّةٍ (۳۵:۴۵)
پشت ۱، پُشت ۲

ظِهْرِيًّا: وَٱتَّخَذْتُمُوهُ وَرَآءَكُمْ ظِهْرِيًّا (۱۱:۹۲)
پس پشت ۱، پُشت ۲، پشت ۵۳، انداخته ۵۵، واپس انداخته ۵۹، پشت افکنده ۶۲، واپس پشت انداخته ۷۹، سپس پشت ۸۳، هم پشتان ۱۰۰، پشتها ۱۰۶، پس پشت انداخته ۱۱۱، فراموش کرده شده ۱۲۲

ظُهُورِكُمْ: وَتَرَكْتُم مَّا خَوَّلْنَٰكُمْ وَرَآءَ ظُهُورِكُمْ (۶:۹۴)
پشتها ۱، پُشتهَا ۲، پشت ۹، پُشتها ۸۸، پشتهاء ۱۰۳

ظُهُورِهِ: لِتَسْتَوُۥا عَلَىٰ ظُهُورِهِۦ (۴۳:۱۳)
پشتها ۳، پشتهاء ۳۲، پشت ۵۳، پشتهآ ۱۰۰

ظُهُورِهَا: بِأَن تَأْتُوا ٱلْبُيُوتَ مِن ظُهُورِهَا (۲:۱۸۹)
بالا - سوی بام ۲۹، پس پشت ۴۰، بامها ۴۱، پُشْتهَا ۵۵، نشانها ۶۳، پشت ۱۲۱، پشت ها ۱۳۸

~: وَأَنْعَٰمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَٰمٌ لَّا يَذْكُرُونَ (۶:۱۳۸)
پشتها ۱، پُشتهَا ۲، پُشتها ۱۰، پشتهَا ۶۲، پشها ۱۲۱

ظُهُورِهِمْ: كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ (۲:۱۰۱)
پشت ۲۴، پُشتَها ۴۲، پُشْتهَا ۵۵، پس ۱۰۴

~: فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ وَٱشْتَرَوْا بِهِۦ (۳:۱۸۷)
پشتهاء ۵۳، پس پشتها ۹۴، پس پشت - پشتها ۱۱۱

~: وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ (۶:۳۱)
پُشتها ۲

~: وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنۢ بَنِىٓ ءَادَمَ مِن ظُهُورِهِمْ (۷:۱۷۲)
پشت ها ۱۳۶

~: فَتُكْوَىٰ بِهَا ... جُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ (۹:۳۵)
پشتها ۱، پُشتَها ۲، پشتهها ۶۱، پشتهَا ۶۲

ظُهُورُهُمَا: مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَآ (۶:۱۴۶)
پشتها ۱، پُشتَها ۲، پشت و بهلوها ۱۲۷

ظَهِيرًا: وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (۱۷:۸۸)

---

۱. اشکرا / آشکارا.
۲. هاشکارا / آشکارا.

هم پشت ۲، یاریگر ۳، یار ۸، یاری ده ۲٤، یاری گر ۳٦، یَاری گرْ ٥٥، هم پشت و یار ٥٦، یاری گر ٦١، هم پُشت ۸۹، پشتی بان ۱۱٤، بازو ـ پشت ۱۳۹

~: وَكَانَ ٱلْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِۦ ظَهِيرًا (٢٥:٥٥)

آشکارا ـ هم پشت ۲، برون آمده ۳۹، هام پشتار[1] ٤٧، بیرون آمده ٥٦، پشت و پناه ٦۲، هم پشت و گران ۹۱، یار ۱۱۹، پشت کننده ۱۳٦

~: فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ (٢٨:١٧)

یَاری کُننده ۲، یاور ۲۹، یاری کن ٤۲، یار پشت ٤۳، یار و هم پشت ٥٦، یار و پشت ٥۸، پشت و یار ۷٦، یاری ۷۸، هم پشت و یاری گر ۸۰، پشتی وان[2] ۸۷، هم پشت و یاری دهنده ۱۱۱، پشتیبان ۱۳۱

~: فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ (٢٨:٨٦)

یاری کننده ۲، یاری دهنده ٤۳، پشتیوان[2] ٦۱، پشتیبان ٦٤، همپشت ۱۱۱، پناه ۱۲۲

ظَهِيرٌ: وَمَا لَهُۥ مِنْهُم مِّن ظَهِيرٍ (٣٤:٢٢)

یاری گر ۲، یاری کننده ۱۸، یاور ۲۹، پشتی وان[2] ۳۹، پشت ٥۸، پشتوان[2] ۸۷، یار و پشت ۸۸، هم پُشت ۸۹، پشتی بان ۹۹، یار و مدد کار ۱۰۳، یاری ۱۰٤، هم پشتی ۱۲۰

~: وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ بَعْدَ ذَٰلِكَ ظَهِيرٌ (٦٦:٤)

هم پشت ۲، یار ۲٤، یاران هم پشت ٤۱، هَم پشت ٤۲، یاری ده ٤۳، یاران ٥٦، یاری دهان ٦۷، هم پُشت و یار یاریگران ۸۷، پشتیوان ۹۲، پشت و یار ۹٦، هم پشت و یار یار و نگه دار ۱۰۸، یاردهنده ۱۱۳، یاری گران ۱۲٤، پشت و یاور ۱۳٦

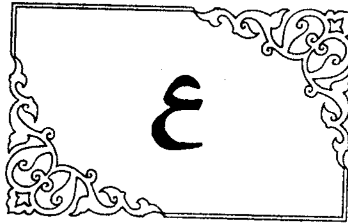
اَلظَّهِيرَةِ: وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ ٱلظَّهِيرَةِ (٢٤:٥٨)

نیم روزان ۱، نیم روز ۲، گرمگاه ۳، نماز پیشین ۲٤، نیم روز ۳٦، گرم گاه ٤۲، نیمروز ٤۷، نماز پیشین ٥۱، رُوزان ٥۳، خواب نیم روز ٥٤، خواب نیمروز ٥٦، گرماء نیم روز ۷۲، خواب نیم روزان ۸۸، گرمای نیم روز ۸۹، گرماء پیشین ۱۰۰، گرمگاه نیم روز ۱۰۹، پیشین ۱۱۱، نیمه روز ۱۲٤، گرما نیم روز ۱۳۹

---

۱. هام پشتار / هم پشت؛ یاور.

۲. پشتی وان / پشتیبان.



عَائِدُونَ: إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ (٤٤: ١٥)
باز کفر خویش شوند ٢٢، باز گردیت ٣٠، باز گردانید گان ٣٢، باز گردنده ٣٩، باز گردند گان ٤١، باز گرداند گان ٦١، باز آمده ٩٦، باز گردانند گان ١٢١، باز گردید ١٢٤، بر سر شوند گان ١٣٤، روند گان ١٣٨، گردانید گان ١٣٩

عَائِلًا: وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ (٩٣: ٨)
بی خواسته ٢، درویش ٢٤

عَابِدٌ: وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (١٠٩: ٤)
پرستیده باشم ٢، پرستنده ٧٩، پرستند ١٠٢

عَابِدَاتٍ: تَيِّبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ (٦٦: ٥)
برستون کناران[1] ١، خداپرستان ٢، پرستند گان ٣، خدای پرست ٢٩، پرستکار ٣٤، بند گی کنند گان ٣٩، خدای پرستند گان ٤٩، پرستش کنند گان ٥٦، پرستنده ٦١، پرستگان ٦٤، بند گی کننده ٨١، خدای پرستان ١٠٨، پرستند گان خدا ١١١

عَابِدُونَ: وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (٢: ١٣٨)
پرشتند گان ٢، پرستند گان ٣، برویده[2] ١٠، برویده[2] ٤٠، پرستند گان ٤٢، پرشتند گان ٥٥، می پرستیم ٦٤، پرستند گانیم ٨٢، پرستاران ١٢٢، پرستش کنند گان ١٢٩، پرستنده کنند گان ١٣٦

~: التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ (٩: ١١٢)
برستون کناران ١، پرشتند گان ٢، خدای پرستان ٣، بند گی کنند گان ٣٩، خدای ترسند گان ٥٥، خدای پرستند گان ٨٠، پرستند گان خدا ٨٨، پرستگان ٩٤، عبادت کنند گان ١١٣، بند گی کنان ١٢٦

~: وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ (٢٣: ٤٧)
برستون کناران ١، پرشتند گان ٢، بند گان ٢٤، پرشتند گان ٥٣، می پرستند ٧٦، خدمتکاران ٨٦، پرستنده گان ١١٣

~: وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (١٠٩: ٣)

---

١. برستون کناران: پرستند گان.
٢. برویده / گرویده.

پرستیدند و می پرستید ۴۰

~: وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ (۵:۱۰۹)

خواهید پرستیدن ۲۴، پرستنده ۱۰۰

عَابِدِينَ: قَالُواْ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا لَهَا عَٰبِدِينَ (۲۱:۵۳)

پرستندگان ۲، پرستنده ۲۹، گرستندگان[1] ۱۰۸، پرستش نمایندگان ۱۳۲، پرستش کنندگان ۱۳۵، پرستیدند[2] ۱۳۸

~: وَإِيتَآءَ ٱلزَّكَوٰةِۖ وَكَانُواْ لَنَا عَٰبِدِينَ (۲۱:۷۳)

برستون کناران ۱، پرستکار ۳۴، نیکوکاران ۸۷، پرستاران ۱۳۲

~: رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ (۲۱:۸۴)

برستون کناران ۱، خداپرستان ۲۹، بندگان پرستنده ۶۴، پرستکاران ۹۱، پرستندگان ۱۱۰

~: قُلۡ إِن كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ وَلَدٞ فَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡعَٰبِدِينَ (۴۳:۸۱)

پرستندگان یا ننگ دارندگان ۳، خدای پرستان ۲۹، ننگ دارندگان ۳۲، بندگان ۳۹، پرستندگان، ننگ دارندگان ۶۷، بندگی کنندگان ۸۱، ننگ دارندگان ۱۰۵، ننگ داران ۱۰۸، پرستیدگان ۱۱۳

عَابِرِي: وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغۡتَسِلُواْ (۴:۴۳)

گداره کرداران[3] ۱، گذرندگان ۲، راه گذران ۱۰، راه بگذر ۳۹، پای گذران ۴۰، راه گذر ۴۱، گذریان ۴۸، اندر گذار راه باشید ۵۳، راه گذریان ۶۱، گذرنده ۶۳، راه گذری ۶۷، ره گذری ۷۲، ره گذر ۹۲، بر راه ۱۲۴، راهگذار ۱۲۷، گذارنده ۱۳۸

عَاتِيَة: فَأُهۡلِكُواْ بِرِيحٖ صَرۡصَرٍ عَاتِيَةٖ (۶۹:۶)

نافرمان ۱، سخت سخت جهنده ۳، سخت ۲۴، سرکش ۳۶، جهنده ۴۸، سرد ۵۶، بی فرمان ۶۱، سخت جهنده ۸۰، سرکش از فرمان ۸۷، گردن کش ۹۰، آینده بی فرمان ۹۲، درگذرنده از اندازه ۱۰۹، سرباز زننده ۱۱۱، از خود درگذرنده ۱۱۳، باززننده ۱۲۰، بی فرمان، سخت ۱۳۹

ٱلۡعَاجِلَة: مَّن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعَاجِلَةَ عَجَّلۡنَا لَهُ (۱۷:۱۸)

این جهان ۲، آن جهان ۸، دنیا ۵۳، این جهان ۵۷، اینجهان ۱۰۵، شتابان ۱۲۸

~: ثُمَّ إِنَّ عَلَيۡنَا بَيَانَهُۥ كَلَّا بَلۡ تُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ (۷۵:۲۰)

این جهان ۲، شتافته و زود آینده ۶، شتابندگی ۳۰، این جهان ـ شتابنده ۱۰۹، شتابنده ۱۱۱، شتاب کننده ۱۳۷

~: إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ يُحِبُّونَ ٱلۡعَاجِلَةَ (۷۶:۲۷)

این گیتی ۱

عَادَ: وَمَنۡ عَادَ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ (۲:۲۷۵)

دیگر بار کند ۱، باز گردد ۲، واگردد ۱۰، بر گردد ۲۴، باز گردد ۴۲، باز آید ۵۷، بازدارد ۹۲، بازایستد ۱۰۴

~: وَمَنۡ عَادَ فَيَنتَقِمُ ٱللَّهُ مِنۡهُ (۵:۹۵)

بگذرد ۳۶، واز آید ۳۷، تاز گردذ ۵۵، دیگر باره کند ۵۸، با سر رود ۶۳، درگذرد ۶۴، باز آرد ۹۶

~: حَتَّىٰ عَادَ كَٱلۡعُرۡجُونِ ٱلۡقَدِيمِ (۳۶:۳۹)

---

۱. هرچند تبدیل «پ» به «گ» در متون قدیم و لهجه ای مرسوم بوده و می توان کلمه را گونه ای از «پرستندگان» هم دانست، با این حال معنی «گرستندگان» هم چندان نامقبول نمی نماید.

۲. در سیاق عبارت فعل معنی شده است.

۳. گداره کرداران: گذرندگان.

وازٔ[1] آمد ۱، شود ۳، ببود ۲۲، بگشت ۳۰، گشت ۳۳، بازگشت ۳۹، گردد ۱۲۳، گردید ۱۲۹

عَادٍ: فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ (۲:۱۷۳)
راه دار، راه‌زن ۱۰ مکرّر، ستم کار ۲۹، درگذرنده ۴۳، افزونی جوینده ۵۷، ستمکار ۶۲، ستم کننده ۷٤، درگذر مانده ۷۵، از حد درگذرنده ۷٦، گذارنده ۹۰، گذرنده از اندازه ۱۰۹، تجاوزکننده ۱۲۳

~: فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ (٦:۱٤۵)
ورحد گدشتاری[2] ۱، از حد گذرنده ۲۷، گذرنده ٦۹، از اندازه گذرنده ۱۰۹، بیدادگر ۱۳٦

~: فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ (۱٦:۱۱۵)
ورحد گدشتاری[2] ۱، راه زننده ٤۲

لَعَادُوا: وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ (٦:۲۸)
واز آینـدی ۱، بـازگـشـتـنـد ۳، بـازگـردنـد ۹، بازشدندی ۲۹، بازگشتندی ۳۰، بازگردَند ٤۲، بازگردندی ۵٦، با سر رفتندی ٦۳، با سر آن شوند ۷٦، باز می آیند ۹٦، با سر آن شدندی ۱۰۰، هرآینه بازگرداند ۱۱۱

الْعَادُونَ: فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۲۳:۷)
ورحد گدشتاران[3] ۱، ستم کاران ۲، ستمکاران ۳، دور بـاشـنـد ۷٦، گـذرنـد گـان از انـدازه ۱۰۹، درگذارندگان ۱۱۱، درگذشتگان ۱۲۲، از حد درگذرندگان ۱۳۸

~: بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (۲٦:۱٦٦)
ورحد گدشتاران ۱، گذرندگان ۷٤، درگذشته ۷٦، بی راهان ۹٤، درگذرندگان ۹۹

~: فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷۰:۳۱)
از اندازه درگذارندگان ٦، بی دادان ٤۹، پا از حد برون نهندگان ٦۷، بی دادگران ۹۰، بیرون رونده ۹٦، از خود درگذرندگان ۱۱۳

الْعَادِيَات: وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۱۰۰:۱)
اسبان دونده ۲، دوندگان ۲۹، دویدن اسبان ۳۹، اسبان ٤۱، اسبان نیک دونده ۱۰۰، اسپان تند روندگان ۱۰۵، اسبان جهنده ۱۲۲، اسپان دونده ۱۲۳، اسبان دوندگان ۱۲٤، اسبان جهنده ـ شیهه کشندگان ۱۳۲، اسبان رونده ۱۳۹

عَادَيْتُمْ: وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً (٦۰:۷)
دشمنای[4] گرفتید ۱، دشمنی گیرید ۲، دشمنی کردیت ۳، دشمنی کردید ۲٤، دشمنی کردی ۲۹، دُشمن دَاشتید ٤۲، دشمنایگی کردند ٤۳، دشمن داری گیرید ۵٦، دشمنایگی دارید شما ٦٤، با یکدیگر دشمنی کردید ۷۹، دشمن شدید ۸۱، دشمن میدارید ۸۷، دشمنایگی کردید شما ۹۹، دشمن داشتید ۱۰۳، دشمنی داشتید ۱۲۵، دشمنی ۱۳٤، دشمنید ۱۳٦

الْعَادِّينَ: يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ (۲۳:۱۱۳)
شمرداران[5] ۱، شمارگیران ۲، شمرندگان ۳، شمارندگان ۲۹، شمارکنندگان ٦۹، شمارکناران ۹٤، شماره کنندگان ۱۳٦

عَارِضٌ: قَالُوا هَٰذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا (٤٦:۲٤)

---

۱. واز / باز.
۲. ورحد گدشتار: از حد گذرنده.
۳. ورحد گدشتاران: از حد گذرندگان.
٤. دشمنای / دشمنی.
۵. شمرداران / شمرندگان.

اور[1] ۱، پیش آینده ابر ۲، میغ ۱۷، پاره ابرا ۲٤، آبر ۵۳، ابر سایه افکن ٦٦، ابر ظاهر شده از افق ۷۹، باران ۱۰۸، پیش آمده ۱۲٤

عَاشِرُوهُنَّ: وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (۱۹:٤)
زند گانی کنید ۲، سازواری کنیت ۳، زند گانی کنید ۱۰، زند گانی کنیت ٤۱، زند گانی کنید ٤۲، با ایشان زند گی کنید ٤۸، سازواری کنیت ۵۵، زیوش[2] کنید ۹٦، بزیید ۱۰۹، سازداری[3] کنید ۱۱۹، زند گانی برید ۱۲۹

عَاصِفٌ: جَآءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ (۲۲:۱۰)
سخت ۱، سخت ۲، سخت جهنده ۳، تند ۳٦، سخت شکننده و برهم زننده ٤۱، سَخت جِهَنْدَه ۵۵، شکننده ۵۸، سُوزَندَه ٦۲، تند و سخت شکننده ٦۷، جهنده ۷۵، شورنده ۸۸، سخت کن ۹٦، سخت ناخوش ۱۲۰، سخت تر ۱۲۱، تند ۱۲۷

~: اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ (۱۸:۱٤)
سخت باد ۱، بادناک ۲، باد سخت جهنده ۳، باد سخت ۵، باد شکننده ٤۱، بادناک سخت ٤۹، سخت بَادْ ۵۳، بَاد سَخْت جَهَندَه ۵۵، بسیار باد ۵۷، باد جهنده ٦۹، سخت جنده[4] باد ۹۱، تند باد ۱۲۲، باد سخت وزنده ۱۳۰، بسیار باد تند ۱۳٦

فَالْعَاصِفَاتِ: فَالْعَٰصِفَٰتِ عَصْفًا وَالنَّٰشِرَٰتِ نَشْرًا (۲:۷۷)
بادهای سخت شدار[5] ۱، بادهاءَ بر کننده ۲، بادهاء سخت جهنده ۳، بادها سخت جهنده ۱۹، بادها سخت ۲٤، بادهای جهنده ۲۹، بادهای بر کننده ۳۰، بادهای سخت جهنده ۳۸، بادهاء جهنده ۳۹، سخت بَزَنْدَه[6] و بر کننده ۵٦، بادها سخت شکننده ۸۷، بادهاء سخت ۹۰، بادها بزنده[6] ۹۲، بادهای سخت ۹٤، بادها جهنده ۱۰۰، بادهای سخت - جهند گان ۱۰۹، بادهای سخت سخت ۱۱٤، سخت جهنده و رونده ۱۱٦، بادهای که سخت جهد ۱۲٦، سخت روند گان ۱۳۱، فرشتگان بشتاب آینده ۱۳۲، بادهای شد ید ۱۳٦، بادهای سخت ریزیده ۱۳۹

عَاصِفَةً: وَلِسُلَيْمَٰنَ الرِّيحَ عَاصِفَةً (۸۱:۲۱)
سخت جهنده ۲، جهنده ۳، جمنده ۱۲، سخت ۲٤، سخت جهنده ۲۹، تند ۳٦، باد سخت ۳۹، تیز رونده و زود جهنده ٤۱، برنده ۵۲، باد سخت جهنده ٦۵، بادی سخت ۷۲، وزنده ۱۰۳، سخت وزنده ۱۰۹، سخت و تند وزیدن ۱۱۱، سخت دروزیدن ۱۲۳، جنبنده ۱۳۲، بسیار جهنده ۱۳٦، سخت. تند ۱۳۷

عَاصِمَ: مَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ (۲۷:۱۰)
نگهٔ داشتاری[7] ۱، یار و نِگه دارُ و رهانندَه او وادارنده ۱۰، نگه بان ۲۹، نگاه بَان ۵۳، نگاهَدارَندَه ۵۵، نگه دار ۵۹، نگاه بان ٦۱، نگاه د آرنده ۹٤، نگه دارند ۱۱۱

~: قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ (٤۳:۱۱)
نگه داشتار[7] ۱، نگاه دارنده ۲، نِگاه دَارَنده ۵۵، باپاینده ۵۷، واز دارنده ۵۹، نگاهدارنده ٦٦

---

۱. اور / ابر.
۲. زیوش: از زیستن، زند گی.
۳. کذا در اصل متن؛ سازداری / سازواری، سازگاری.
٤. جنده / جهنده.
۵. شدار / شونده.
٦. بزنده / وزنده.
۷. نگه داشتار: نگاه بان؛ بازدارنده؛ نگاه دارنده.

~: مالَكُم مِنَ اللهِ مِن عاصِمٍ (۴۰: ۳۳)
نگه داشتار[1] ۱، بازدارنده ۲۴، نگه دارنده ۲۹، نگاه دار ۳۰، نِگاه دارنده ۵۱، نگهدارنده ۱۰۰، دارنده ۱۰۵، نگاهداره ۱۱۰، نگهدار ۱۲۲، باز آرندگان ۱۳۹

★ لاعاصِمَ: لاعاصِمَ الْيَومَ مِن أَمرِاللهِ (۱۱: ۴۳)
نیست گریزگاهی ۱۲۱

اَلْعافينَ: وَالْعافينَ عَنِ النّاسِ (۳: ۱۳٤)
أنـدرْ گُـذارنـدگـان ۲، درگـذارنـدگـان ۳، درگُذارندگان ۲۳، کسانی که اندر گذارند ۲۹، درگـذرنـدگـان ۳۰، فـراگـذارنـدگـان ٤۹، درگُذارندگان ۵۵، آن کسانی که اندر گذارند ۶۲، گذرندگان ٦۹، اندر گذرندگان ۷۲، اندر گـذارنـده ۸۲، درگـذارنـدگـان گـنـاه ۹۲، درگذ آرنده ۹٤، اندر گذارندگان ۱۲۹

عاقَبَ: وَمَن عاقَبَ بِمِثْلِ ماعُوقِبَ بِهِ (۲۲: ۶۰)
شکنجه کند ۳، برپی شود ۱۲

اَلْعاقِبَةُ: فَانْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (۳: ۱۳۷)
سرانجام کار ۱۰، آخر کار ۵۳

~: تَعلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُ عاقِبَةُ الدّارِ (٦: ۱۳۵)
سَرنجام ۲، اَنجام ۵۵

~: فَانْظُرْ كَيفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُجْرِمينَ (۷: ۸٤)
سرانجام ۳، سَرانجام ٤۵، پایانِ کار ۵۵

~: فَانْظُرْ كَيفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُفْسِدينَ (۷: ۱۰۳)
انجام ۳۵

~: وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقينَ (۷: ۱۲۸)
سرآنجام ۹٤

~: فَانْظُرْ كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الظّالِمينَ (۱۰: ۳۹)
سَرانجام ۵۵، سَرانجام ۶۲

~: فَاصْبِرْ إِنَّ الْعاقِبَةَ لِلْمُتَّقينَ (۱۱: ٤۹)
سرانجام نیکو ۳

~: كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذينَ مِن قَبلِهِم (۱۲: ۱۰۹)
سرنجام ۲، اَنجام ۵۵

~: وَلِلّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ (۲۲: ٤۱)
بازگشت ۳

~: وَمَن تَكُونُ لَهُ عاقِبَةُ الدّارِ (۲۸: ۳۷)
بن ۹۸

~: لايُريدُونَ عُلُوًّا ... وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقينَ (۲۸: ۸۳)
سرانجام نیک ٤۷

~: فَانْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذينَ مِن قَبلُ (۳۰: ٤۲)
پایان کار ۳، انجام کار ۱۳۲

~: فَانْظُرْ كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُنذَرينَ (۳۷: ۷۳)
آخر ۷٤

~: فَيَنظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذينَ كانُوا مِن قَبلِهِم (٤۰: ۲۱)
فرجام ۱

~: فَيَنظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذينَ مِن قَبلِهِم (٤۰: ۸۲)
فرجام ۱، پایان ٦٤

~: فَانْظُرْ كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبينَ (٤۳: ۲۵)
سرنجام ۲۲

~: فَيَنظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذينَ مِن قَبلِهِم (٤۷: ۱۰)
پایان کار و سرانجام ۸٦

---
۱. نگه داشتار: نگاه بان؛ بازدارنده؛ نگاه دارنده.

عاقَبْتُمْ: وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا۟ بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُم بِهِۦ (۱۶:۱۲۶)
شکنجه کنیت ۳، شِکَنْجَه کُنیت ۵۵، پاداش دهید ۶۲، بد دلی کنید ۷۲، پاداشت دهید ۷۶

~: وَإِن فَاتَكُمْ شَىْءٌ مِّنْ أَزْوَٰجِكُمْ إِلَى ٱلْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ (۶۰:۱۱)
واگیرید ۵۲

فَعاقِبُوا: فَعَاقِبُوا۟ بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُم بِهِۦ (۱۶:۱۲۶)
شِکَنْجَه کُنیت ۵۵، شکنجه کنیت ۸۰، شکنجه کنید ۱۱۴، پاداش دهید ۱۱۸، پاداشت دهید ۱۳۴

عاقِرًا: وَكَانَتِ ٱمْرَأَتِى عَاقِرًا (۱۹:۵)
نازاینده ۱، نازایَندَه ۴۱، نومید شده از فرزند ۶۲، نازا ۶۴، نازایندَه ۹۹، ناز آینده ۱۰۰، نازنده ۱۰۷

~: وَكَانَتِ ٱمْرَأَتِى عَاقِرًا (۱۹:۸)
بی فرزند ۹۶

عاقِرٌ: وَقَدْ بَلَغَنِىَ ٱلْكِبَرُ وَٱمْرَأَتِى عَاقِرٌ (۳:۴۰)
نَازایَنده ۲، نازاینده ۳، سترون نه زاید ۱۰، نازایند [ه] ۲۷، گند پیر ۲۹، نازأیندَه ۴۲، نَازَاینده ۵۵، نزاینده ۵۸، نومید شده از فرزند ۶۲، نازا ۱۲۱

اَلْعاكِفُ: سَوَآءً ٱلْعَٰكِفُ فِيهِ وَٱلْبَادِ (۲۲:۲۵)
استادار[1] ۱، باشَنده ۲، باشنده ۳، ایستاده ۱۲، درنگ کنند گان ۵۲، ایسْتَادَهْ بَاشَنْدْ ۵۳، جا گرفت ۶۹، استاده ۷۶، باشنده آنکه ایستاده است ۹۴، پیوسته باشنده ۱۰۹، آینده ۱۳۸

عاكِفًا: ٱلَّذِى ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا (۲۰:۹۷)
استادار[1] ۱، ایستاده ۲۹، نشسته ۴۲، پیوسته ۴۸، پرستنده ۴۹، بیستاده ۶۹، استاده ۱۰۸، پیوستگی کننده ۱۰۹

عاكِفُونَ: وَأَنتُمْ عَٰكِفُونَ فِى ٱلْمَسَٰجِدِ (۲:۱۸۷)
باشند گان ۳، بَاشَندَ گان ۵۵، نشستگان ۸۸، پیوستگی کنند گان ۱۰۹، ایستاد گان ۱۲۱، نشسته ۱۲۴

~: مَا هَٰذِهِ ٱلتَّمَاثِيلُ ٱلَّتِىٓ أَنتُمْ لَهَا عَٰكِفُونَ (۲۱:۵۲)
استاداران[2] ۱، پرستند گان ۱۲، شما همی پرستید ۲۴، ایستند گان ۶۵، افتاده ۶۹، افتاد گان ۱۰۲، ایستاده ۱۰۸، نشینند گان ۱۹۹

اَلْعاكِفِينَ: أَن طَهِّرَا بَيْتِىَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلْعَٰكِفِينَ (۲:۱۲۵)
باشَند گان ۲، باشند گان ۳، بَاشَندَ گان ۵۵، بازایستند گان ۷۴، نشست کنان ۸۸، ترسید کاران ۹۴

~: قَالُوا۟ لَن نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عَٰكِفِينَ (۲۰:۹۱)
استاداران ۱، باشیم ایستاده ۲، درنگ کنند گان ۳، ایستاده ۲۹، پیوسته ۴۱، پیوسته بروافتاد گان ۴۳، اِستادَهْ باشید ۵۳، نشستگان ۵۸، چفسید گان ۸۴، ایستیده ۹۴، پیوستگی کنند گان ۱۰۹

~: نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ (۲۶:۷۱)
پرستند گان ۲، پیوسته باشند گان ۳، ایستاد گان ۲۰، نگاه دارند گان ۴۲، پَرستَنْد گانْ ۵۳، استاد گان ۶۱، استادن ۷۶، نشسته باشند گان ۹۱، پرستند گان پیوسته ۹۹، ستند گان ۱۱۹، نگه دارند گان ۱۲۵، پرستیدن ۱۳۵

لَعالٍ: وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِى ٱلْأَرْضِ (۱۰:۸۳)
زورفرازی ۱، برتری همی جست ۲، گردن کش ۳ و ۳۰، گردنی ۷ مکرّر، بزرگی جست ۱۳، سرکش ۳۶، برتری جست ۳۸، برتری می جست ۵۲،

---

۱. استادار / ایستاده.
۲. استاداران / ایستاد گان.

گردن کش ۵۵، برتری جوینده ۵۷، بزرگ سر ۵۸، برتر ۶۱، ورشوند [ه] ۶۶، بزرگ شود ۶۹، بزرگوار ۷۶، برتری همی جُست ۸۳، افرشته ۸۵، افرشتگی ۸۹، برتری کننده ۱۰۲، گردنکش ۱۱۴، برتر همی جست ۱۲۷، برتری ۱۲۹

عَالِمُ: عَـٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ (۶: ۷۳)
دانا ۲

~: عَـٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ (۹: ۹۴)
دانا ۱، دانندہ ۴۲

~: ذَٰلِكَ عَـٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ (۳۲: ۶)
داننده ۲، د آننده ۱۰۰

~: عَـٰلِمَ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ (۳۹: ۴۶)
د آنا ۹۵

~: ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَـٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَـٰدَةِ (۶۲: ۸)
داناء ۶۴

اَلْعَالِمُونَ: وَمَا يَعْقِلُهَآ إِلَّا ٱلْعَـٰلِمُونَ (۲۹: ۴۳)
داناان ۱، دانا آن ۲، دانایان ۳، دانندگان ۴۶، خردمندان ۶۲، د آنایان ۱۰۰، دانایان و خردمندان ۱۰۹، دانان ۱۳۹

اَلْعَالَمِينَ: ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۱: ۲)
جِهانیان ۵۵

~: وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى ٱلْعَـٰلَمِينَ (۲: ۴۷)
مُردِمان زمانه ۱۰، جِهانیان ۵۵

~: وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى ٱلْعَـٰلَمِينَ (۲: ۱۲۲)
همه جهانیان ۲، مردمان زمانه ۱۰

~: إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰٓ ءَادَمَ وَ... عَلَى ٱلْعَـٰلَمِينَ (۳: ۳۳)
مردمانه زمانه ۲۵، مردمان ۵۸

~: وَٱصْطَفَىٰكِ عَلَىٰ نِسَآءِ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۳: ۴۲)
همه جهان ۲، زمانه ۱۲۴

~: لَّآ أُعَذِّبُهُۥٓ أَحَدًا مِّنَ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۵: ۱۱۵)
جانوران ۸۸

~: وَٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۶: ۴۵)
همه ۱۲۴

~: وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۶: ۷۱)
همه جانوران ۲

~: وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى ٱلْعَـٰلَمِينَ (۶: ۸۶)
گروه زمانه ۸۸

~: إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْعَـٰلَمِينَ (۶: ۹۰)
مردمان و پریان ۱۰، همه جانوران ۸۸

~: أَلَا لَهُ ٱلْخَلْقُ وَٱلْأَمْرُ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۷: ۵۴)
جهانان ۱۰۹

~: مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۷: ۸۰)
جهانیان ۱۰۰

~: قَالُوٓا۟ أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۱۵: ۷۰)
جهانِیان ۳۰، مَردمان ۶۲

~: فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولُ رَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۲۶: ۱۶)
جهانیان ۱

~: قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۲۶: ۲۳)
جهان ۵۸

~: أَتَأْتُونَ ٱلذُّكْرَانَ مِنَ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۲۶: ۱۶۵)
جهانیآن ۱۰۰

~: إِنِّىٓ أَنَا ٱللَّهُ رَبُّ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۲۸: ۳۰)
گونه گونه خلق ۴۶

~: سَلَـٰمٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِى ٱلْعَـٰلَمِينَ (۳۷: ۷۹)
آفریدگان ۳۳، کرانه جهان ۷۴، جَهانِیان ۸۱

~: فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ (۳۷: ۸۷)
جهانِیان ۸۱

~: وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۹: ۷۵)
جهان و جهانیان ۱۰۹

~: وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۴۱: ۹)
جهانیان ۲۲، جهان و جهان یان ۹۴

~: وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۴۵: ۱۶)
جهانیان ۱۶

~: فَلِلَّهِ الْحَمْدُ ... رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۵: ۳۶)
جهانیان ۲۲

عالِمینَ: وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ (۱۲: ٤٤)
دانا‌ان ۱، دَانایان ۵۵، دانا آن ۵۸، دانند گان ۹۲، داننده ۱۱۲

~: وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ (۲۱: ۵۱)
دانایان ۲، داناتر دانایان ٤۱، دانا ٦۲، دانا و آگاه ۱۱۱

~: وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ (۲۱: ۸۱)
دَانا آن ۵۳، د آنا آن ۹۵

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالِمِينَ (۳۰: ۲۲)
دانشوران ۱۱۵

عالِیًا: إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ (٤٤: ۳۱)
زور[1] فرازی ۱، بزرگ منش ۲، گردن کش ۳، برتر ۲۲، برتری جوینده ۳۰، بلند شده ۳۹، بزرگی کننده ٤۲، برتری کننده ٤۳، زور[1] دست ٦۵، زبر ۹۸، افرشته ۱۰۰، سرکش ۱۱۱، گردنکش ۱۱٤، سرکشنده از فرمان ۱۱٦، افراشته ۱۳۱

عالِیَة: فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (٦۹: ۲۲)
بُلند ۲، بلند ۳، برتر ۱۹، برداشته ۲٤، زبرین ٦۱، بلندافراشته ۸۷، بلند پایه ۱۱۱، بلند مرتبه ۱۳٦

~: لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۸۸: ۱۰)
وردور ۱، بُلَند ۲، برین ۲٤، افراشته ۳۹، زبرین ٦۱، بلند کرده ۸۸، افرشته ۱۱۱، بردارنده ۱۲٦، برافراشته ۱۳٤، بلندی ۱۳٦، بلند برداشته ۱۳۹

عالِینَ: فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ (۲۳: ٤٦)
برتری جُویند گان ۲، گردن کشان ۳، بلند ۲۹، برترین جویند گان ۳۰، سرفرازان ٤۱، گرْدَن کشانْ ۵۳، برترین ٦۱، گردن آوران ٦٤، افرشتگان ۸۹، برتر آن ۹٤، بی فرمانان ۹۸، افرشتگی جوینده ۱۰۰، سربر آرند گان ۱۰۳، افراشتگان ۱۰٦، بلندان برتری جویند گان ۱۰۹، گردن کش ۱۱۱، گردنکشان ۱۱٤، بلندی جوینده ۱۲٦، افرشتگی جویند گان ۱۳٤، افرشتگی می جستند ۱۳۸

~: أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْعَالِينَ (۳۸: ۷۵)
زورفرازی کناران[2] ۱، برتری جویند گان ۲، سر آورد گان ۳، برتران ۲۲، بزرگواران ۲۹، بلندان ۳٦، برتری جویان ۳۸، زبردستان ۳۹، چیرگان ٤۲، بزرگی کنان ۵۳، سر بر آورد گان ۸۰، بزرگان ۸۱، برتری کنند گان ۱۰۲، آفراشتگان ۱۱۷، سربر آورند گان ۱۲۱، برترینان ۱۲٦، بلند مرتبگان ۱۳۲

عالِیَها: جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا (۱۱: ۸۲)
زور ۱، روی ۵۳، زَبَر ۵۵، بَر ۷۵، زبر ۱۱۲، بلندان ۱۲۱، بر ۱۲۷

~: فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا (۱۵: ۷٤)
زبر ۲، بالا ۲٤، زَبَر ۵۵، زور[1] ٦۲، بلند ۱۰۲

---

۱. زور / زبر: برتر.
۲. زورفرازی کناران: برتری جویند گان.

عالِیَهُم: عَٰلِیَهُمْ ثِیَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ (۷۶:۲۱)
ور[1] ۱، زبر ۲، ازبر ۱۹، بلند ۹۶، برابر ۱۱۳، بالای ۱۳۶

عامًا: یُحِلُّونَهُۥ عَامًا وَیُحَرِّمُونَهُۥ عَامًا (۹:۳۷)
سال ۱، سَال ۵۵

عام: فَأَمَاتَهُ ٱللَّهُ مِاْئَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُۥ (۲:۲۵۹)
سالْ ۱، سالْ ۲ سَالْ ۵۵

~: أَنَّهُمْ یُفْتَنُونَ فِی كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً (۹:۱۲۶)
سَال ۲

عامِلٌ: أَنِّی لَآ أُضِیعُ عَمَلَ عَٰمِلٍ مِّنكُم (۳:۱۹۵)
کارکنار[2] ۱، کارکننده ۲، کارکننده ۳، کارکن ۱۰، کارکَنَندَه ۵۵، کنند ۷۲، کارکنان ۸۸، کردارکننده ۹۰، کارکنندگان ۱۲۹

~: إِنِّی عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۶:۱۳۵)
من کارِ همی کُنم ۲، کننده ۳، همی کار کنم ۱۰ مکرّر، کُنندَه ۵۵، بکن ۷۶

~: إِنِّی عَٰمِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۱۱:۹۳)
که من کار می کنم ۲۴، می کنم ۴۱، کارکُنندَه ۵۵، کار میکنم ۱۰۵، کار همی کنم ۱۲۸

عامِلَةٌ: وُجُوهٌ یَوْمَئِذٍ خَٰشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ (۸۸:۳)
کارکنار[2] ۱، کار کرده ۲، کاربرده ۳۰، کارکننده ۴۲، کوشنده ۱۰۲، کارکنان ۱۳۲، کارکن ۱۳۸

عامِلُونَ: ٱعْمَلُوا۟ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَٰمِلُونَ (۱۱:۱۲۱)
کارکننده ۳

~: هُمْ لَهَا عَٰمِلُونَ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَخَذْنَا مُتْرَفِیهِم (۲۳:۶۳)
کُنندگان ۲، کننده ۲۹، همی کنند ۵٤، می کنند ۷۶

~: لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْیَعْمَلِ ٱلْعَٰمِلُونَ (۳۷:۶۱)
کارکُنندگان ۲، کارکنان ۳، کارکنندگانِ ۲۲، کارکنندگان ۳۰، کنندگان ۳٤، کارکننده ۸۹، کارگزاران ۱۲۲، کارگذاران ۱۳۲

~: فَٱعْمَلْ إِنَّنَا عَٰمِلُونَ (٤۱:۵)
کارکناران[3] ۱، می کنیم ٤۱، کنندگان ۱۳۸

ٱلْعامِلِینَ: خَٰلِدِینَ فِیهَا وَنِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِینَ (۳:۱۳۶)
کارگران ۱، کارْکُنندگان ۲، کار کُنندِگان ٤۲، کارگزاران ۵۳، کارکُنندگان ۵۵

~: إِنَّمَا ٱلصَّدَقَٰتُ لِلْفُقَرَآءِ وَٱلْمَسَٰكِینِ وَٱلْعَٰمِلِینَ عَلَیْهَا (۹:۶۰)
کارداران ۱، کارکُنندگان ۲، ستانندگان ۱۰، کارکُنان ۵۵، کنندگان کار ـ کارکنان ۱۰۹

~: خَٰلِدِینَ فِیهَا نِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِینَ (۲۹:۵۸)
کارکنندگان ۲، کارکنان ۳، کارکنار[2] ۷٤، کارکنندان ۱۰٤

~: فَنِعْمَ أَجْرُ ٱلْعَٰمِلِینَ (۳۹:۷٤)
نیکوکاران ۱۵، کنندگان ۲۹

عامِهِمْ: فَلَا یَقْرَبُوا۟ ٱلْمَسْجِدَ ٱلْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ (۹:۲۸)
سال ۱۱، امسال ۲٤، سَال ۵۵، سال ۱۰۰

عامَیْنِ: وَفِصَٰلُهُۥ فِی عَامَیْنِ (۳۱:۱٤)
دوسال ۱، دوسالگی ۲٤، دوسآل ۱۰۰

عاهَدَ: وَمِنْهُم مَّنْ عَٰهَدَ ٱللَّهَ لَئِنْ ءَاتَىٰنَا (۹:۷۵)
پیمان کرد ۲، پیمان بسته است ٦۷، پیمان کند ۹۲

---

۱. ور / بر.
۲. کارکنار: کارکننده.
۳. کارکناران: کارکنندگان.

~: وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ ٱللَّهَ (۱۰:٤۸)
پیمان کرد ٤٤

عَاهَدتَّ: ٱلَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ (۸:٥٦)
پیمان کردی ۲، زینهار کردی ۱۰، پیمان بستی ٦٤، پیمان گرفتی ۱۲۲، پیمان کردی تو ۱۲٤

عَاهَدْتُمْ: إِلَى ٱلَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ (۹:۱)
پیمان کردید شما ۲۷، پیمان بسته‌اید ۱۱۱، پیمان بسته بودید ۱۳۰

~: إِلَّا ٱلَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ (۹:٤)
پیمان کردید ۱۱، پیمان بردید ۱۲۷

~: إِلَّا ٱلَّذِينَ عَاهَدتُّمْ عِندَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ (۹:۷)
پیمان نهادید ٤۲، پیمان بستید ۱۱٤

~: وَأَوْفُوا۟ بِعَهْدِ ٱللَّهِ إِذَا عَاهَدتُّمْ (۱٦:۹۱)
پیمان کرده باشید ۲، پیمان کنید ۲۹، پیمان بستیت ٤۱، پیمان کرده باشید ٥۲، پیمان کنید ٥۳، پیمان کردند ۷٤، پیمان کرده باشیت ۸۳، پیمانه کرده باشید ۹٤

عَاهَدُوا: أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا۟ عَهْدًا (۲:۱۰۰)
پیمان کردند ۲، پیمان کنند ٤، ببندند ۲۹، پیمان بندند ٦٤، پیمان شدند ۹۸، به بندند ۱۰۲، پیمان بندید ۱۲۱

~: وَٱلْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا۟ (۲:۱۷۷)
پذیرفته باشند ٤۰، پیمان کنند ٤۲، پیمان بستند ٦٤

~: وَلَقَدْ كَانُوا۟ عَاهَدُوا۟ ٱللَّهَ مِن قَبْلُ (۳۳:۱٥)
پیمان کرده بودند ۲

~: رِجَالٌ صَدَقُوا۟ مَا عَاهَدُوا۟ ٱللَّهَ عَلَيْهِ (۳۳:۲۳)
پیمان کردند ۲، پیمان گرفتند ٥۳

عِبَاد «ی»: يُخَوِّفُ ٱللَّهُ بِهِۦ عِبَادَهُۥ يَٰعِبَادِ فَٱتَّقُونِ (۳۹:۱٦)
بندگان ۸۷

~: يَٰعِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ ٱلْيَوْمَ (٤۳:٦۸)
پرستاران ۱۳۲

ٱلْعِبَادِ: وَٱللَّهُ رَءُوفٌۢ بِٱلْعِبَادِ (۲:۲۰۷)
بندگان ۲، بَندِگان ۹٤

~: وَرِضْوَٰنٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَٱللَّهُ بَصِيرٌۢ بِٱلْعِبَادِ (۳:۱٥)
بندهها ۱۱۸

~: وَٱللَّهُ رَءُوفٌۢ بِٱلْعِبَادِ (۳:۳۰)
بندگان بَرویده[1] ۱۰

~: ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ (۷:۱۹٤)
بَندگان ۲

عِبَادًا: ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا۟ عِبَادًا لِّى (۳:۷۹)
بندگان ۱، بنده ۷٥

~: بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَآ (۱۷:٥)
بندگان ٥٥

بِعِبَادَةِ: وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدًۢا (۱۸:۱۱۰)
برستون کردن[2] ۱، پرستیدن ۲، پرستیدن ۲۹، بندگی ۳٦، پرستش ٥۸

عِبَادَتِكُمْ: إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَٰفِلِينَ (۱۰:۲۹)
برستون کردن[2] ۱، بَرستیدن ۱۰، پرستیدن ۲٤، پرستش ۳۸، بندگی ۳۹

---

۱. بَرویده / گرویده.
۲. برستون کردن / پرستیدن.

عِبادَتِه: وَمَن يَسْتَنكِفْ عَنْ عِبادَتِهِ (۴:۱۷۲)
برستون کردن[1] ۱، پرستیدن ۲، پرستش ۳، بندگی ۳۶، ۱۰۳، پرستش و بندگی ۵۸، بندگی و پرستش ۶۴، بندگی خدای ۶۷، پرستیدن خدای ۷۲

~: لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ (۷:۲۰۶)
پرستیدن ۳، بندگی کردن ۶۷

~: فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ (۱۹:۶۵)
پرستیدن ۲

بِعِبادَتِهِمْ: وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ (۴۶:۶)
برستون کردن[1] ۱، پرستیدن ۲، پرستش ۱۷

عِبادَتِي: الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي (۴۰:۶۰)
برستون کردن[1] ۱، پرستیدن ۳، پرستش ۲۲

عِبادُكَ: إِن تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ (۵:۱۱۸)
بندگان ۹

~: وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ (۱۵:۴۰)
بندگان ۵۵، بندگان ۶۲

~: إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ (۷۱:۲۷)
بندگان ۵۴

عِبادِكُمْ: وَأَنكِحُوا ... وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ (۲۴:۳۲)
بندگان ۵۱

عِبادِنا: كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا (۶۶:۱۰)
بندگان ۱

عِبادِهِ: عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ (۲:۹۰)
بندگان ۴۰، بندگان ۵۵

~: وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ (۶:۶۱)
بندهگان ۱۱۸

~: هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ (۹:۱۰۴)
بندگان ۵۵، نیکان ۵۷

~: إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (۱۷:۳۰)
بندگان ۸

عِبادِي: وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي (۲:۱۸۶)
بندگان ۱۰

~: وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي (۲۰:۷۷)
بندگان ۱

عَبَثًا: أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا (۲۳:۱۱۵)
بازی ۱، بازی ۲، ببازی ۲۹، بازی یا بازی کردن ۴۱، هرزه ۱۰۰، بازیچه ۱۲۲، بی فایده ۱۳۶

عَبَدَ: الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ (۵:۶۰)
برستون کرد[2] ۱، پرستیده است ۲۷، بندگان ۲۹، پرستید ۳۰، بپرستند ۳۷، پرستندگان ۴۲، پرستنده ۵۳، پرستیدند ۵۶، پرستیدندگان ۵۷، بپرستید ۵۸، پرستیده باشد ۷۶، پَرَسْتَنْدِگان ۹۴، پرستش نمود ۱۲۷، بُت پرستان ۱۳۶

اَلْعَبْدُ: الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ (۲:۱۷۸)
بنده ۲

~: وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكٍ (۲:۲۲۱)
بند[3][ه] ۱۰

---

۱. برستون کردن: پرستیدن.
۲. برستون کرد: پرستید.
۳. اصل متن: بندی / بنده‌ای

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ (٩:٣٤)
بنده ١

~: إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ (٥٩:٤٣)
بَنده ٣٢

عَبْدًا: أَن يَكُونَ عَبْدًا لِّلَّهِ (١٧٢:٤)
بنده ١

~: فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا (٦٥:١٨)
بَنده ٢

~: إِلَّا آتِي الرَّحْمَٰنِ عَبْدًا (٩٣:١٩)
بند گی ٢، بنده وار ٥٨

عَبَّدتَّ: أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ (٢٢:٢٦)
بنده گرفتی ١، ببند گی گرفتی ٢٤، بنده گردانیدی ٣٠، بند گی گرفتی ٣٦، بنده کردی ٣٩، پرستش خواستی ٤٢، ببند گی گرفتی تو ٧٦، به بند گی گرفتی ٨٦، ببنده گی گرفتی ٩١، بند گی کردی ٩٤، به بند گی میگرفتی ١٠٠، به بند گی گرفته‌ای ١٠٦، بنده گردانیدی ١٠٨، به بند گی بگرفتی تو ١١٣، ببند گی گرفتهٔ ١٣٨

عَبَدتُّمْ: وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدتُّمْ (٤:١٠٩)
شما پرستید ید ٢٤، می پرستید ٦٤، پرستید ید شما ٧٩، شما می پرستید ١٠٠، پرستید ید ١٣٤، شما پرستیده اید ١٣٦

عَبَدْنَا: لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِن دُونِهِ (٣٥:١٦)
پرستید یمی ما ٢، پرستید یم ٣، پرستید می ٢٤، پرستیمی ما ٥٦، پرستید مانیم ما ١٣٤

★ مَا عَبَدْنَا: لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِن دُونِهِ (٣٥:١٦)
برستون نکردی ایما ١، نپرستیم ما ٣٩، نپرستادمانی ٥٧، نپرستید یمی ما ٥٨، نپرستید یمی ٦٢، نپرستید مانی ٦٣، نپرستید یم ما ٧٦، نپرستید مانیم ما ٨٩، هرگز نپرستید مانی ١٠٠، نپرستندی ما ١٢٨، نمیپرستید یم ١٣٠

عَبْدِنَا: وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا (٢٣:٢)
بَنده ١٠، بند گان ٢٤، بَنده ٥٥، بند ها ١١٤

~: وَمَا أَنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ (٤١:٨)
بنده ١، بندَه ٦٢

عَبَدْنَاهُمْ: وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَٰنُ مَا عَبَدْنَاهُم (٢٠:٤٣)
پرستید یمی ٢٢، پرستید مانی ١١٤

★ مَا عَبَدْنَاهُمْ: لَوْ شَاءَ الرَّحْمَٰنُ مَا عَبَدْنَاهُم (٢٠:٤٣)
برستون نکردی ایما ١، ما بند گی نکردمانی ٥٨، نپرستیم ٩٦، نپرستید مانی ١٠٠، نپرستیم ما ١٢٤، نمیپرستید یم ١٣٢

عَبْدِهِ: سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا (١:١٧)
بنده ١، بندَه ٥٧

عَبْدَيْنِ: كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا (١٠:٦٦)
دو بنده ١، دُو بنده ٢

عِبْرَةٌ: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ (١٣:٣)
نشانی ٢، چشم زدن ٦٢، نشان و پیدا ٨٤، پند گرفتن ٩٢

~: لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ (١١١:١٢)
پَند ٢، پَند ٥٥، بازنگرش ٥٨، پند ١١١

~: وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً (٦٦:١٦)
نگریستن است به پند ٥٨، نگریستن ٧٤، اندازه گرفتن ١٠٢

~: وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً (٢١:٢٣)
نشان ٢، نشانی ٣٠، نگریستن اندیشه ٨٧

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ (٤٤:٢٤)
پیداای ٢، اندازه گرفت ٤٧، پیدایی ١٠٨

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ (٢٦:٧٩)
پند ٢، از پی فرا رفتن ١٠٩

عَبَسَ: ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ (٧٤: ٢٢)
روی تروش کرد ۱، روی ترش کرد ۲، رو ترش و درهم کرد ٤١، رُوی ترش کرد ٤٢، ترش گرفت ٩٠، ترش رویی نمود ١٠٤، ترش کرد روی ١١١، کرد روی ترش ١١٣، بدش کرد ١٢٩، روی درهم آورد ١٣٦

~: عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ أَن جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ (٨٠: ١)
روی ترش کرد ۲ روی ترش گرفت ٦٧، روی ترش کرد و درهم کشید ٧٩، ترشی کرد ١٠٣، ترش روی شد ١٠٤، روی ترش ١١١

عَبْقَرِيّ: مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ (٥٥: ٧٦)
جامّها گران مایه ٣، شادروانها ٢٤، جامها ٣٠، جامّها گران مایه ٤٢، جامها سوزنی کرده ٤٣، جامهای گران مایه ٥٢، نهالیها ٥٣، طنفسهای[1] رنگارنگ ٦٢، نهالیها و بالشتها ٦٤، گران مایه ٧٩، جامهاء گران مایه ٩١، نهالی ٩٥، جامهای گرانمایه ٩٦، نیکو ١٠٠، گرانمایه ١٠٤، بستران گران مایه ١٠٩، سوزن کرد ١١٠، جامهای گران بها ١٢١، جامهای گرانبها ١٢٢

عَبُوسًا: إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (٧٦: ١٠)
گست[2] ١، تُرش ٢، ناخوش ترش ٣، روی ترش کننده ١٩، دشخوار ٢٤، ترش روی ٢٩، ترش ٣٠، روی ترش ٣٨، سهمگن ٤٨، ترشناک ٥٦، ناخوش ٨٠، ترش روی (رویی) ١٠٤، سخت ١٠٥، درش روی[3] ١٣٠، درهم کشیده ١٣٦

لِلْعَبِيدِ: وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (٣: ١٨٢)
بَندَگان ٥٥، بردگان ٩٢، بندگان ١٠٠

~: وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (٢٢: ١٠)
بندگان ١، بنْدگان ٢٢

عَتَتْ: وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ (٦٥: ٨)
نافرمان شد ١، بیرُون رفت ٢، بیرون آمد ٣، بیرون شدند ٢٤، بیرون رفت ٣٠، نافرمان ببود ٣٨، سرکشی و بی فرمانی کرد ٤١، گردن کشی کرد ٥٦، بیرون شد ٦١، سر بکشیدند ٦٤، نافرمانی کردند ٦٧، درگذشتند ٨١، برگشت ٩٤، سرباز زدند ١١١، بیرون آمدند ١١٤، برون آمد ١٢١، سرباز زد ١٢٦، سرباز زند ١٣٢

عُتُلّ: عُتُلٍّ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ (٦٨: ١٣)
زوشی[4] ١، فراخ شکم ١٩، شکم فراخ ٢٤، بدکار ٣٠، درشت خوی ٣٦، درشت ٤١، جانی ٤٢، ستیزه دل ٥٢، زشت گوی درشت خوی ٥٦، درشت گوی ٦١، تن آور شکم خوار ٦٧، تن اواری شکم خواری ٧٨، ستبردلی ٩٦، زشت گوی ٩٩، سخت دل ١٠٢، بدمرد بدخوی کلان شکم بسیارخوار ١٠٨، بسیار گناه کار ١١١، سنگدل ١٢٢، ستبردل ١٢٥، سخت روی ١٣١، ناپاک ١٣٦

عَتَوْا: وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ (٧: ٧٧)
بیرون آمدند ٣، نَشْتوهی و نافرمانی کردند ١٠، بیرون شدند ١٠ مکرّر، سروازدند ٢٤، سرباز کشیدند ٣٦، باز ایستیْدَند ٥٣، برونْ آمدند ٥٥، بی فرمان شدند ٥٨، برگشتند ٦٠، بازایستادند ٦٢، گردن برتافتند ٦٤، بگذاشتند ٩٦، گردن بتافتند ١٠٢، از حد درگذشتند ١١٣، بیرون رَفتَند ١٤٠

---

١. طنفسها / طنفسه ها = جامه ها
٢. گست: زشت.
٣. درش روی / ترش روی.
٤. زوش: بدخو؛ درشت خو.

~: فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ (۷:۱٦٦)
گَردن بُردَند ۲، درگذشتند ۳، باز نَه آیستادند ۱۰، از فرمان بیرون شدند ۳۵، روی بگردانیدند ۳٦، بی فرمانی کردند و بجای آوردند ٤۱، گردن بردند ۵۲، دَرْ گُذَشْتَند ۵۵، سخت شدند ۵۷، سرباز زدند ٦٤، گردند بزدند[1] ۱۰۵، گردن کشیدند ۱۱۲

~: وَعَتَوْ عُتُوًّا كَبِيرًا (۲۵:۲۱)
نافرمانی کردند ۲، بی فرمانی کردند ۳، گردن کشیدن ۲٤، ستیهنده شده‌اند ۳٤، دلیری کردند ۳٦، ستم کردَند ٤۲، نافرمانی کردند ایشان ٤٦، ستیزه کردند ٤۸، نافرمان برداری کردند ٤۹، ستم کردند ۵۲، استهیده شدند ٦۲، ستیهیده شدند ۸۸، بی فرمان شدند ۹۲، نافرمانی کردن ۹٤، گذشتند از اندازه و سخت ستهیدند ۱۰۹، بیفرمانی کردند ۱۱٤

~: فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ (۵۱:٤٤)
نافرمان شدند ۱، درگذاشتند ۳، برگردیدند ۲٤، سربتافتند ۳٦، گردن کشی کردند ۳۹، گردنکشی کردند ٤۸، دَرگذشتند ۵۱، بی فَرْمَانی وَ گَرْدَن کشی کَرْدَنْدْ ۵۳، درگذشتند ۸۰، بیرون رفتند ۹٦، بیرون شدند گردن بردند ۱۰۸، سرکشیدند ۱۱۱، سرکشی کردند ۱۲۰

عُتُوًّا: وَعَتَوْ عُتُوًّا كَبِيرًا (۲۵:۲۱)
نافرمانی ۱، بی فرمانی کردن ۳، گردن کشیدن ۲٤، بی فرمانی ٤۱، ستم کردن ٤۲، نافرمانی کردن ٤٦، درگذشتن ٤۷، استهیدن ٦۲، دلیری کردن ۷۸، ستیهیده شدن ۸۸، بیفرمانی ۱۱٤، سرکشی کردن ۱۳٦

عُتُوّ: إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَل لَّجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ (٦۷:۲۱)
نافرمانی ۱، گردن بُردگی ۲، ستیهندگی ۳٤، بی فرمانی ۳۹، از حد درگذشتن ۷۹، گردن بزرگی ۸۸، سرکش ۱۰۳، گردن بردگی ۱۰۸، سرکشی ۱۱۱، از حد درگذشتند ۱۱۳، گردن کشی ۱۲۳

عِتِيًّا: وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا (۱۹:۸)
خشکی ۱، خشک شدن ۳، نودسالگی ۲٤، ناتوانی ۲۹، خشک ۳۰، سخت شدن پوست از تری ۳٦، فروماندِ گی ٤۱، سخت پیر ٤۳، خشک پشت ٤٤، بستم خشک شد ٤۸، خشگی ٤۹، خشک شده ۵٦، خشک اندام ۵۸، اندر گذشته ۵۹، پیر خشک اندام ۷۸، سرسپیدی ۸۸، پوست و استخوان ۹۰، سخت ۹٦، پیری ۱۱۳، خستگی ۱۲٤، سست ۱۲٦

~: أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَٰنِ عِتِيًّا (۱۹:٦۹)
بنافرمانی ۱، خُشکی ۲، گردن بردن ۲، درگذشتن از اندازه ۳، دلیری کردن ۲٤، نافرمانی ۲۹، دلیری ۳۹، بی فرمان ٤۱، فرمان نبرده ٤۲ و ۵۲، بسختی ٤۳، گردن کش ٤٤، ستیزه آوردن ٤۸، بیرون آمده ۵٦، گردن بزرگی ٦۱، بی فرمانی ٦۲، برون آمدن ٦۹، درگیری ۷۸، برگذشتن از اندازه ۸۰، بیرون آمده ۹۰، برگذشتن از اندازه خود ۹۱، کژی ۹۸، سرکش و ستیزگی ۱۱۱، سرکشی ۱۱٦، بدرگذشتن از اندازه ۱۱۹، گردن کشی ۱۲۲، نافرمان ۱۲٤، گردنکش ۱۳۲، برگیری ۱۳۹

عَتِيدٌ: مَّا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (۵۰:۱۸)
دیرینه ۲، آماده ۳، ساخته ٦، گواه ساخته ۳۹، ساخته و بچاردّه ٤۲، سخت ٤۳، ساخته و آماده ۵۱، سخت گاه ۵۳، درست ۹۲، ستیزه کش ۱۰۰، درشت ۱۱۰، مهیا و آماده ۱۱٦، آماده شده ۱۲۱

~: وَقَالَ قَرِينُهُ هَٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ (۵۰:۲۳)

---

۱. اگر تصحیف «گردن بردند» نباشد، می توان «گردن زدن» را به معنی گردن کشی کردن تصوّر کرد.

بزه ۸۱، ستیزه کار ۹۰، ستهیده ۱۰۰

اَلْعَتِيقِ: وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۲۲:۲۹)

کهن ۱، کُنانه[1] آزاد کرده ۲، دیرینه گران مایه ۳، کنانه[1] ۳۰، کهنه ۳۸، کهنه و دیرینه ۵۲، آزاد کرده کُهن ۵۳، آزاد کرده ۷۲، دیرینهٔ گران مایه ۸۰، بزرگوار ۱۰۲، کهنانه آزاد کرده ۱۰۸، دیرینه آزاد ۱۰۹، گرانمایه ۱۱۴، ازاد ۱۳۳

~: ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۲۲:۳۳)

کُهن آزاد کرده ۲، کُهن ۲، دیرینه ۳، آزاد کرده ۳۰، کرم و دیرینه ۵۲، ازاد کرده ۶۹، کهنه و آزاد کرده ۷۲، دیرینهٔ آزاد ۱۰۹، آزاد ۱۱۶، بزرگ ۱۳۶

عُثِرَ: فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا (۵:۱۰۷)

ور رسیده شهد ۱، بپرسند ۹، پوشانیده شود[2] ۱۰، بررسیده اید ۱۰ مکرّر، بررسیده شود ۲۷، بررسند ۳۱، سردرایند ۴۱، بر رَسیدَه ایَد ۴۲، بر رَسیْد ۵۳، براوفتیده اید ۵۷، بر رسیده شدند ۵۸، پیدا شود ۶۰، دیده ور شود ۶۳، دیده ورشوی ۶۷، پدید آید ۷۸، برسانیده شود ۸۰، برسیده اند ۸۲، برسیده آید ۹۴، دیده ور گردند ۱۰۲، رسیده اند ۱۰۵، دیده ور شوید ۱۰۶، بررسد ۱۰۷، دیده ور کرده شود ۱۰۹، دیده ور شدند ۱۱۴، دیده ور شوند ۱۳۸

عُجابٌ: إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ (۳۸:۵)

شگفت ۱، نیک شگفت ۳، سخت شگفت ۱۰۹

عِجافٌ: يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ (۱۲:۴۳)

لاغر ۱، لاُغران ۳، لاُغر ۲۹، لاغران ۳۰، لاَغران ۵۵، نزاران ۵۷، گاو لاغر ۶۱، نزار لاغر ۸۳، لاَغر ۹۴، لاگر[3] ۹۵

~: يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ (۱۲:۴۶)

نزار ۲۴، لاَغران ۵۵

عَجَبًا: أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا (۱۰:۲)

شگفتی ۱، شِگفتی ۵۵، شگفتگی ۱۲۹

~: كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (۱۸:۹)

شِگفت ۵۵، درشگفت ۱۳۶

~: وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا (۱۸:۶۳)

شگفت ۲، شِگفت ۵۳

~: فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (۷۲:۱)

شگفت ۱، خوش ۶، تازی[4] ۱۹، سخت شگفت ۲۴، شگفت بزرگ ۵۶، شگفت و بزرگوار و نیکو ۷۲، بس شگفت ۱۰۲

عَجَبٌ: وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ (۱۳:۵)

شگفت ۱، شِگفت ۵۵، شگفتی ۱۱۳، شگفت است ۱۲۹

عَجِبْتَ: بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ (۳۷:۱۲)

شگفت شدی ۱، همی شگفت کنی ۲۲، همی شگفت آید ترا ۲۴، شگفت داشتی ۳۳، شگفت کردی تو ۳۹، شگفت می داری ۵۲، تو شگفت بماندی ۵۷، شگفت کردی ۶۹، شگفت داشتی تو ۱۰۳، تو شگفت میداری ۱۰۵، همی شگفت داری ۱۰۸، بشگفت آمدی ۱۳۲، شگفتی می کنی ۱۳۸

أَوَعَجِبْتُمْ: أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ (۷:۶۳)

شگفتی کردید ۱، شگفت داشتیت ۳، مَی شِگفت آیدتان ۱۰، همی شگفت داریت ۱۰ مکرّر، شگفت می دارید شما ۲۷، شگفت داشتید شما ۲۹،

---

۱. کنانه = کهنه، کهن، قدیمی

۲. در متن چنین است که ظاهراً در خلال جمله کلمه معنی شده است.

۳. لاگر / لاغر.

۴. در اصل چنین است. آیا صورت دیگری است از «تازه»؟

شگفت داشتید ۳۰، شگفت می آید شما را ۳۹، شگفت دارید ۴۲، شگفت آمد شما را ۴۳، همی شگفت کنید ۴۵، شِگفت داشتیت ۵۵، همی شگفت داشتی شما ۵۷، شگفت کردید شما ۵۸، شگفت آوردید ۶۱، شگفت می دارید ٦٤، می شگفت کردید ۷۲، شگفت دآشتید ۹۴، همی شگفت دارید ۱۰۵، شگفت میدارید ۱۱۲

~: أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ (۷:۶۹)
شگفت داشتید ۴۲، شگفت کردید ۵۸، شگفت همی دارید ۶۵، بشگفت داشتید ۱۰٤، بشگفت داشتید شما ۱۱۳، شگفت آرد ۱۲۳، شگفت دآشتید ۱۴۰

عَجِبُوا: وَعَجِبُوٓا أَن جَآءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ (۳۸:۴)
شگفت داشت ۲، بشگفت کردند ۴۹، شگفت کردند ۵٦، شگفت آوردید ۹۲، شگفت نمودید ۱۰٤، شگفتی داشتند ۱۱٤، شگفت دارند ۱۲۰، بشگفت آمدند ۱۲۲، شگفت ۱۳۹

~: بَلْ عَجِبُوٓا أَن جَآءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ (۵۰:۲)
شگفتی کردند ۱، شگفت داشتند ۲، بشگفت شدند ۳، شگفته داشتند ۳۹، بشگفت داشتند ۱۰۰، بشگفت دانستند ۱۱۳

أَعَجَزْتُ: أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَٰذَا الْغُرَابِ (۵:۳۱)
ناتوان شدم ۱، درماندم ۲، اندر ماندم ۱۰ مکرّر، نتوانستم من ۲۷، دَرماَندَم ۴۲، سست ماندم ٤۹، ناتوان بُودَمْ ۵۳، زبون شدم ٦۱، نتوانستم ٦۷، سُست گشتم ۸۳، سُسْت گشتم ۹٤، سست گشتم ۱۲٤

اَلْعِجْلَ: ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِهِۦ (۲:۵۱)
گوسلِه ۱۰، گوساله ۵۳

~: ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِهِۦ (۲:۹۲)
گوساَله ۲، گوساله پرستیدن ۵۹

~: ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِ (۴:۱۵۳)
گوساله ۲

~: إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ (۷:۱۵۲)
گوساله ۱

~: أَن جَآءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ (۱۱:٦۹)
بخته ۷ مکرّر، گاو ۸۸

~: فَرَاغَ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ فَجَآءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ (۵۱:۲٦)
گُوساله ۵۳، گوک[1] ۹٦

عَجَّلَ: لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ (۱۸:۵۸)
بشتاوانیدی ۱، بشتابانیدی ۲، بشتابانند ۳۹، شتاَبَانیدی ۵۵، بشتابند ۵۸، زود کند ٦۲، شتاب کردی ۷۹، شتابانندی ۸۰، بشتافتی ۸۹، شتافتی ۱۰۰، بشتابانذی ۱۰۸، شتابانیدی ۱۰۹، شتاب کند ۱۲٤، بشتاب رسانیدی ۱۳۲

~: وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (۳۸:۱٦)
بشتاوان ۱، بَشتابان ۲، شتابان ۳، بشتاب ۲۲، زود بده ۲٤، بشتابان ۳۰، زود کن ۳۳، دور کن[2] ۳۹، شتاب کن ٤۱، شتاب ۱۳۱، بزودی برسان ۱۳۲

~: فَعَجَّلَ لَكُمْ هَٰذِهِۦ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنكُمْ (۴۸:۲۰)
بشتاوانید ۱، بشتاب بَداد ۲، شتابانید ۳، بشتوانید ٦، شتاب کرد ۱۷، بشتافت ۲۹، بشتابانید ۳۹، شتاب نمود ۸٦، بشتاب داد ۱۰۲، بشتاب بداد ۱۰۸، شتافت ۱۲٤، شتاب داد ۱۳۲، زود گرداند ۱۳٦

عَجَلٍ: خُلِقَ الْإِنسَٰنُ مِنْ عَجَلٍ (۲۱:۳۷)

---

۱. گوک: گوساله.

۲. کذا در متن اصلی. آیا تحریفی از زود کن است؟

شتاوی ۱، شتابْ ۲، شتاب زدگی ۳، شتاب ۲٤، شتابزدگی ۹٤، شتاب شتاب زدگی ۱۰۹، شتاب کاری ۱۱۱، گل[1] ۱۳٦

عِجْلًا: مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ (۷:۱٤۸)
گُوسالَه ۵۵، گاوبچه ـ گوساله ۱۰۹، گاوچه ۱٤۰

~: فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ (۲۰:۸۸)
گوساله ۱، گوسالَه ۵۳

عَجِلْتُ: وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ (۲۰:۸٤)
بشتافتم ۲، شتافتم ۳، من بشتافتم ۲۹، شتاب کردم ٤۲، من شتافتم ۳٤، بشتافتَمْ ۵۳، شتاب نمودم ۸٦، بشتافتم من ۱۲۳، میشتافتم ۱۳۰، بشتاب آمدم ۱۳۲، بشتافتیم ۱۳۹

أَعَجِلْتُمْ: أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ (۷:۱۵۰)
شتاوکردید[2] ۱، شتابْ داشتید ۲، شتافتیت ـ پیش دستی کردیت ۳، شتاب زدگی کردَی ۱۰، بشدی پیش ۲٤، شتاب زدگی کردید ۲۷، بشتافتید ۲۹، شتافتیت ۳۰، همی شتاب کردی شما ۳۵، شتاب کردید ۳٦، فرو گذاشتیت ٤۱، شتاب داشتید ٤۲، همی شتاب کردید ٤۵، شُتافتِیت ۵۵، شتاب زدگی کردی ۵۷، شتاب کردید شما ۵۸، شتاب شدید ٦۱، بشتابید شما ٦۲، شتافتید ٦۳، پیشی کردید ٦٤، شتاب داشتیت ۸۳، شتافتیت ـ پیش دستی کردید ۹۱، بگذاشتید ۹۳، شتاب میکردید شما ۹۹، شتاب نمودید ۱۰٤، پیشی گرفتید ۱۲۲، پیش رفتید ۱۲٤، شتاب داشتید ۱٤۰

عَجَّلْنَا: عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ (۱۷:۱۸)
بشتاوانیم ۱، بشتابیم ۲، شتابانیم ۳، بشتابانیم ۸، بشتابیم ما ۲۹، شتابانیم ۳۰، زود بدهیم ٤۱، شتاب کنیم ۱۱۸، شتاب کردیم ۱۳٦

عَجوزاً: إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (۲٦:۱۷۱)
زالی ۱، زال ۳۹، دانای ٤٦، گَندَه پیر ۵۳، گنپیر ۹۱، گنده پیرزن ۱۲٤، زال ۱۳۹

~: إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (۳۷:۱۳۵)
گنده پیر ۲، گند پیر ۳، پیرزن ۲٤، پیره زن ۹٤، زن پیر ۱۱٦

عَجوزٌ: قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ (۱۱:۷۲)
پیرْ گشته ۲، پیر ۲۹، زال ۳۹، گنده پیر ٤۹، گَندَ پیر ۵۵، زن پیر ۵۷، نازاینده ٦۱، گُند و پیر گشته ۹٤، پیرزن ۱۰۰، پیرزال ۱۰۲، پیر گشته ۱۲۵

~: فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ (۵۱:۲۹)
زالی ۱، گنده پیر ۲، گند پیر ۳، پیرزن ٦، گنت[3] پیر ۳۰، زنی گند پیر ۳۸، زن گَندَه پیر ۸۱

عَجولاً: وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا (۱۷:۱۱)
شتاوکنار[4] ۱، شتابْ زده ۲، نیک شتاب زده ۳، شتاب زده ۲٤، شتاب کننده ۲۹، نیک شتابزده ۳۰، شتابنده ۳۸، نیک شتّاب زَدَه ۵۵، شتافته ۵۹، شتاب کار ٦٤، شتاب کرده ۹۲، شتآب زده ۱۰۰، شتابان ۱۰٤، بسیار شتاب ۱۰۹، شتابکار ۱۱۱، بسیار شتاب کننده ۱۱٦، شتابان در کارها ۱۲۷

عَجیبٌ: إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ (۱۱:۷۲)
شگفت ۱، شِگفت ۵۵، با شگفت ٦۱، بشگفت آرنده ۱۲۰

---

۱. معنی تفسیری است.
۲. شتاو / شتاب.
۳. گنت پیر / گندپیر.
٤. شتاوکنار / شتاب کننده.

~: فَقَالَ ٱلْكَٰفِرُونَ هَٰذَا شَىْءٌ عَجِيبٌ (۵۰:۲)
شگفته ۹۹، سخت شگفت ۱۰۹

عَدًّا: فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا (۱۹:۸٤)
شمردن ۱، سازیدن ۲۹، ساختن ۳۹، آراستن ٤۲، شمرْدن ۵۳، شمرندن ـ شمردن ۵۹، آماده کردن ۷۹، ساختگی ۸۷، سازش ۸۸، برشمردن ۱۰۰، پدید کرد ۱۰۵

~: لَّقَدْ أَحْصَىٰهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا (۱۹:۹٤)
شماردن ٤۱، پدید کردن ٤۲، شمار برگرفتن ۵٦، شماره برگرفتن ۱۰۲

ٱلْعَدَاوَةَ: فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ ٱلْعَدَاوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ (۵:۱٤)
دشمنی آشکارا ۳، دشمن داری ۱۰، دُشمَناذگی ۵۳، دُشمنی پیدا ۵۵، دشمنی پنهانی ۹۱، دوشمنی ۱۲۷

~: وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ (۵:٦٤)
دشمنی پیدا ۳، دشمنانگی ٦۱، دشمنی آشکار ۱۰۹

~: لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ ٱلنَّاسِ عَدَٰوَةً (۵:۸۲)
دُشمناذگی ۲، دشمنازگی ۳۱، دشمنایی ۱۱۱

~: أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ (۵:۹۱)
دشمناذگی ۲، دشمنایگی ۲٦، دشمنادگی ۵۲، دشمن کاری ۷۸

~: فَإِذَا ٱلَّذِى بَيْنَكَ وَبَيْنَهُۥ عَدَٰوَةٌ (٤۱:۳٤)
دشمنی ۱، دشمنگی ۹۲

~: وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةُ وَٱلْبَغْضَآءُ (٦۰:٤)
دشمنای ۱، دشمنانیگی ۱۱۰

عِدَّةٌ: فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ (۲:۱۸٤)
همچندان ۲۹، چندانکه گشاده بود و ابدارد ٤۰، شمرد ۱۰٦

~: وَلِتُكْمِلُوا۟ ٱلْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا۟ ٱللَّهَ (۲:۱۸۵)
شمارْ ۲، شمردن ٤۱، شُمار ۵۵، شمرده ۵٦، چندان ٦۲، شمآر ۱۰۰، شماران ۱۰۷، شمار باید کرد ۱۲٤

~: إِنَّ عِدَّةَ ٱلشُّهُورِ عِندَ ٱللَّهِ ٱثْنَا عَشَرَ شَهْرًا (۹:۳٦)
شمار ۱، شُمار ۱۰، شماره ۱۱۱

~: لِّيُوَاطِـُٔوا۟ عِدَّةَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ (۹:۳۷)
بسیار[1] ۱۱

عُدَّةً: لَأَعَدُّوا۟ لَهُۥ عُدَّةً وَلَٰكِن كَرِهَ ٱللَّهُ (۹:٤٦)
ساز ۱، ساخت ۱۰، ساختن ۲٤، ساز جنگ ۳٦، سَاز ۵۵، بازگردانیدن ۵٦، ساز و برگ بسیار ۱۲۷، ساز و برگ ۱۳۳

عُدتُّمْ: عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا (۱۷:۸)
وازآیید ۱، بازگردیت ۳۰، بازگردید ۳٦، بازآئید ۳۹، بازآیید ٤۲، بازگرْدیت به بی فرمانی ۵۵، بازگردید شما ۵۸، بازگردی ۵۹، بازشوید ٦۲

عِدَّتِهِمْ: قُل رَّبِّىٓ أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم (۱۸:۲۲)
شمار ۱، شمار ٤۱، شَمار ۵۵، شمردن ۹۳، شمار کردن ۱۰۰، شماره ۱۳۲

~: وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا۟ (۷٤:۳۱)
شمآر ۱۰۰

عَدَدًا: فَضَرَبْنَا عَلَىٰٓ ... سِنِينَ عَدَدًا (۱۸:۱۱)
شمار ۱، شمرده ۳، شُمُرْده ۵۵، شِمرده ۵۷، شماریده ۸۸، شمرده شده ۱۰۰

~: فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا (۷۲:۲٤)
لشکر ۱۳۸

---

۱. کذا در متن اصلی، اگر تحریفی از «شماره» معنایی ضمنی و تفسیری است.

~: وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (۷۲: ۲۸)
شماره ۲، شمار کردن ۳، شمردن ٦، شماردن ـ شمارده ۱۰۹

عَدَّدَهُ: ٱلَّذِى جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۱۰٤: ۲)
شمرده گردانید ۲، همی شمرد ۲٤، بشمارد ۲۹، بسیار شمرد ۷۹، بشمرد ۸۸، ببچارد ۱۰۰، شمار کرد ۱۰۹، شمرد ۱۱٤، شمرده ۱۳۲، آماده داشت ۱۳٤

عَدَسِهَا: يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ ٱلْأَرْضُ وَعَدَسِهَا (۲: ٦۱)
مَرْجُو ۲، نرسک[1] ۳، دانزه ۱۰، برسک ۲۹، نسک ۳٦، مَرجُوی ٤۲، مجوی ۵۰، نَرسک ۵۵، مَرجو ٦۰، نیژو ٦۳، نسکان ۷۸، مزوه ۸٤، بُنو ۹٤، بخو ۹۵، نسکه ۹۹، مزوو ۱۰٤، مرجومک ۱۱۲، بُنو سُرخ ۱۱٤، مرجوم ۱۱۹، مزو ۱۲٤، مرنجو ۱۲۷، نیزو ۱۳۸

عَدْلًا: وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا (٦: ۱۱۵)
داد ۳، درست ٤۳، داددهی ۵۷، راستی ۵۸، داور بکردار ۸۳، داد بکردار ۸۸، درستی ۹۰، برابری ۹۹، از سر راستی ۱۰٦، داد گری ۱۱۲، داد کردار ۱۲٤

عَدْلٌ: وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ (۲: ٤۸)
برابری ٤، بَرخی کردن او خویشتن وَاخِریدن ۱۰، هم سر ٦۰

~: وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَٰعَةٌ (۲: ۱۲۳)
نیکی ٤۱، همتا ٤۲، هم سری ٦۰، فرادادن ۸۰، دآد ۹٤، همتای ۹٦، فرادادن ۱۱٤

~: وَلْيَكْتُب بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِٱلْعَدْلِ (۲: ۲۸۲)
داد راست نه کم و نه بَیش ۱۰، دادستان ۲۵، دَاد وُ رَاسْتِی ۵۵، راستی و درستی ٦٤، درستی ٦۷، راست ۷۵، راستی و داد ۸۸، براه راست ۱۳۸

~: أَوْ عَدْلُ ذَٰلِكَ صِيَامًا (۵: ۹۵)
بَرابر ۲، مانند ۳، اندازه ۳٦، همچندان ۳۷، برابران ۳۹، هم گوشه ٤۹، مَانَندْ ۵۵، داد گر ۵۸، مانندان ۷۲، باز گردانیدن ۷٦، برابَر ۸۳، برابر ۱۰۰

~: ٱثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ (۵: ۱۰٦)
رَاست گوی ٤۲، راست کاری ۱۰۵

~: وَإِن تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذْ مِنْهَا (٦: ۷۰)
برابر کرد ۷٦، داد گر بکردار ۸۲، برابر کردن ۱۰۳

~: وَمَن يَأْمُرُ بِٱلْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۱٦: ۷٦)
داد و راستی ۳، راست گفتن ۵۸، دادگری ٦۱، نیکویی و داد ۷٦، نیکویی ۱۱۸

~: إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُ بِٱلْعَدْلِ وَٱلْإِحْسَٰنِ (۱٦: ۹۰)
داد کردن ۳۹، دادراستی ۵۳

~: فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِٱلْعَدْلِ وَأَقْسِطُوٓا (٤۹: ۹)
راستی ۱، داد ۲

~: وَأَشْهِدُوا ذَوَىْ عَدْلٍ مِّنكُمْ (٦۵: ۲)
رَاست گواه ۲، دو مرد با راستی ۳، راست کار ۳۹، راست گوی ۱۰۵، درست گوی سخن ۱۰۸

★ ذَوَا عَدْلٍ: ٱثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ (۵: ۱۰٦)
دو مرد بسامان ۱۰

فَعَدَلَكَ: ٱلَّذِى خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ (۸۲: ۷)
راست کرد ۱، راست آفرید ۲، بنگاشت ۳۹، برابر کرد ۹۰، برابر گردانید ۹۱، بگردانید ۱۲۰، برگردانید ۱۲۹

عَدْنٍ: فِى جَنَّٰتِ عَدْنٍ وَرِضْوَٰنٌ مِّنَ ٱللَّهِ أَكْبَرُ (۹: ۷۲)
باشیدن ۵٦، آراسته ٦۰، پاینده ٦٤، همیشگی ۷۲، پاییدن و جاودان ۷۹، پایندان ۱۱۲، آراسته ۱۲٤

---

۱. نرسک: عدس.

~: جَنَّتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنْ ءَابَآئِهِمْ (۱۳: ۲۳)
درنگی ۲، باشیدن ۳، پایندگی ۵، ایستادن ۲۹، درنگ ۴۲، مِیانگین ۵۳، باشِیدَن ۵۵، آراسته ۶۰، پایدار ۱۲۳

~: جَنَّتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (۱۶: ۳۱)
مِیانگین ۵۳، بَاشِیدَن ۵۵، بدن جای[۱] ۵۹، پای دار ۹۴، آراسته میانگی ۱۲٤

~: أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ جَنَّٰتُ عَدْنٍ (۱۸: ۳۱)
ایستاده ۲۹، بودنی ۳٦، جاوید ٦٤

~: جَنَّٰتِ عَدْنٍ ٱلَّتِى وَعَدَ ٱلرَّحْمَٰنُ (۱۹: ٦۱)
جاء بودن ۳۹، جاودان ۵۲، مِیانگین ۵۳، جاودانگی ۹٤

~: جَنَّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا (۲۰: ۷٦)
پیوسته بودن ۳، بودن جاء ۳۹، جاودانه ٤۲، پیوسته ٤۸، میانگِین ۵۳، درنگ کردن ۹۰، پایستگی ۱۰۲، باشندنی همیشه ۱۱۹

~: جَنَّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا (۳۵: ۳۳)
جایگاه درنگ کردن ٦۵، آماده ۹۱

~: جَنَّٰتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ ٱلْأَبْوَٰبُ مُتَّكِـِٔينَ فِيهَا (۳۸: ۵۰)
جای بودن ۳۸، جاویدان ٦٤، استادنی ۱۲۹

~: رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّٰتِ عَدْنٍ (٤۰: ۸)
مِیانگین ۲۲، میانگی ۳۹، بهشت ۸۷

~: وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةً فِى جَنَّٰتِ عَدْنٍ (٦۱: ۱۲)
میانی ٤۹، بودنی ٦۷، میانگین ۹٤، میانه ۱۱٤

~: جَنَّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ (۹۸: ۸)
پاییدن ۷۹، بپایگی ۹۰، میان گیر ۱۱٤، پاکیزه ۱۲٦

عُدْنَا: إِنْ عُدْنَا فِى مِلَّتِكُم (۷: ۸۹)
واگردِیم ۱۰، درآییم ۲٤، بازآییم مَا ۲۷، بازآئیم ما ۲۹، پس گردیم ۳۰، بازآئیم ٤۸، بازآییم ما ۵۷، بازآمدیم ما ٦۳، بازگردیم ۱۰۵، بَاز آییم ۱٤۰

~: عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا (۱۷: ۸)
بازگردیم ۲، بَازآییم ٤۲، بازگردیم ما ٦۹، باز فرستیم ۱۰۳

~: فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَٰلِمُونَ (۲۳: ۱۰۷)
وازآییم ۱، بازآییم ۲۹، بازشویم ۳٤، بازگردیم ما ٤۳، ما با سَر گُناه شوِیمْ ۵۱، بازاییم ۵۳، بازرویم ۹٦، با سر رویم ۱۰٦، ما بازآییم ۱۲٤

عِدْهُمْ: وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ إِلَّا (۱۷: ٦٤)
نوید ده ۳ و ۸۰

عَدَّهُمْ: لَّقَدْ أَحْصَىٰهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا (۱۹: ۹٤)
بشمرد ۱، شمردشت ۲، گرفتن ۹، ورشمرد ۲۹، بشمار آورد ٤۱، بدید کرد ٤۲، شمار گرد ۵۳، شمار گرفت ۵٦، دانست بشمار ۵۸، شمرده است ٦۱، بشمرده است ٦٤، شمرد ۸۷، بر گرفتن ۸۸، شماره بر گرفت ۱۰۲، شمرد است ۱۰۸، برشمرد ۱۱۷، شمرده ۱۲۲

عَدْوًا: فَيَسُبُّوا ٱللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (٦: ۱۰۸)
دشمنای ۱، ستم و بیداد ۹، ستم گاری و بی دادی و نادانی و بی خردی ۱۰، بی داد ۲۷، نادانی ٤۲، دشمنی ۵۸، از سر دشمنی ٦۳، از روی ستم ۱۰٤، نادان ۱۰۵، بیراهی ۱۱۲

~: فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُۥ بَغْيًا وَعَدْوًا (۱۰: ۹۰)
ستم ۱، بی دادی ۳، ستم کردن ۵٦، بیداد کردن ۵۷، بستم بکشتن ۵۸، دشمنایگی ٦۱، ستمکاری ٦۲، بیداد ۸۰، دشمن ۱۳٦

عَدُوٌّ: وَقُلْنَا ٱهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ (۲: ۳٦)

---

۱. بدن جای / بودن جای.

دُشمن ۲، دُشمَن ۵۵

~: وَأَقُل لَّكُمَآ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمَا عَدُوّٞ مُّبِينٞ (۷:۲۲)
دوشمن ۱۲۷

~: تُرۡهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمۡ (۸:۶۰)
دشمنان ۱

~: وَلَا يَنَالُونَ مِنۡ عَدُوّٖ نَّيۡلًا (۹:۱۲۰)
دشمَن ۵۳

~: إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّا (۳۵:۶)
دشمن ۷

~: لَا يَصُدَّنَّكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ (۴۳:۶۲)
دشمن ۱

عَدُوًّا: مَن كَانَ عَدُوّٗا لِّلَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ (۲:۹۸)
دُشمن ۲، دُشمن ۲، دشمنان ۳، دُشمَن ۵۵

~: وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا (۶:۱۱۲)
دوشمنان ۳، دوشمن ۵۳

~: وَلَن تُقَٰتِلُواْ مَعِيَ عَدُوًّا (۹:۸۳)
دشمن ۵۸، دشمنایگی ۶۱

~: وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّٗا (۲۵:۳۱)
دشمن ۱

ٱلۡعُدۡوَٰنِ: تَظَٰهَرُونَ عَلَيۡهِم بِٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ (۲:۸۵)
از اندازه درگذشتن ۴، بَزر ۱۰، دشمنی جستن ۴۰، سِتَم کَردَن ۵۵، بیداد ۶۱، از حد درگذشتن ۷۶، ستم و بیدادی ۹۲، گذشتن از اندازه ۱۰۹، افزونی ۱۱۱

~: فَلَا عُدۡوَٰنَ إِلَّا عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ (۲:۱۹۳)
بزر جستن ۱۰، درگُذاشتَن ۴۲، دشمنایگی و ستم ۴۳، دشمنادگی ۵۶، درگذاشتن[1] ۷۶، دشمنانی ۸۸، گذشتن ۱۰۹

~: وَلَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ (۵:۲)
گدشتاری[2] ۱، ستم کاری ۲، بیدادی ۲۷، ستم کاری ۴۲، دشمنایگی ۴۳، ستمکاری ۵۲، سِتَم کردن ۶۲، بی‌داد ۷۵، سِتَم کارِی ۸۸

~: يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ (۵:۶۲)
ستم کردن ۲، دشمنازگی ۳۱، گذشتاری ۳۷، بی‌فرمانی ۴۱، دشمناذگی ۴۵، بی‌دادی ۴۸، سِتَم ۵۳، بیداد کردن ۵۷، بی‌راه ۶۹

~: أَيَّمَا ٱلۡأَجَلَيۡنِ قَضَيۡتُ فَلَا عُدۡوَٰنَ عَلَيَّ (۲۸:۲۸)
ستم ۲، دشمنی ۲۴، بزه ۵۸، دشمنی و سختی ۱۰۰، افزونی جستن و بیشی ۱۰۹، افزونی جستن ۱۱۱

~: وَيَتَنَٰجَوۡنَ بِٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ (۵۸:۸)
بدسگالی ۱۰۲، بیداد ۱۲۰

~: فَلَا تَتَنَٰجَوۡاْ بِٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ وَمَعۡصِيَتِ ٱلرَّسُولِ (۵۸:۹)
بیداد و ستم ۱۱۱، بیداد ۱۲۰

★ فَلَا عُدْوانَ: فَلَا عُدۡوَٰنَ إِلَّا عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ (۲:۱۹۳)
هیچ بزر نباید جستن ۴۰، هیچ بزر نباید جستن ۶۳

عُدْوَانًا: وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ عُدۡوَٰنٗا (۴:۳۰)
گدشتاری ۱، ستم و بی‌دادی ۱۰، بیدادی ۲۷، بی‌داد ۴۰، بیداد ۴۱، دشمنانی ۵۳، نافرمانی ۵۶، دشمنی ۶۳، بی‌دادی ۹۰، دشمنایگی ۹۹، بیراهی ۱۱۲، زور ۱۲۴، اندازگی[3] ۱۳۵

---

۱. درگذاشتن / درگذشتن.
۲. گدشتاری: افزونی جویی؛ از حد درگذشتن.
۳. در اصل چنین است.

بِالْعُدْوَةِ: إِذْ أَنتُم بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا (۸: ٤۲)
کرانه ۱، گوشه ۱۱، کنارهٔ رود ۲۷، کناره ٤۲، کِنار ۵۳، کرانه ۵۵، کرانه رود ۷۲، کرانه وادی ۷۸، کنارهٔ رود کده ۱۰۹، تاختن ۱۲۱، گوشه کناره ۱۲۷

عَدُوَّكُمْ: عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ (۷: ۱۲۹)
دشمنان ۱، دشمن ۳، دشمَنْ ۵۳

~: تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ (۸: ٦۰)
دُشمَن ۵۵

~: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ (۲۰: ۸۰)
دشمنان ۵۳

عَدُوِّهِ: هَٰذَا مِن شِيعَتِهِ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ (۲۸: ۱۵)
دشمن ۱، دشمنان ۲۱، دشمن داران ۳۰

عَدُوِّهِمْ: فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ (٦۱: ۱٤)
دشمنان ۵٦

عَدُوِّي: لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ (٦۰: ۱)
دشمنان ۳، دشمن ٤۸

الْعَذَابُ: وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۲: ۷)
دردمندی ۲۹، شِکَنجه ۵۵

~: يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ (۲: ٤۹)
شکنجه ۳

~: يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ (۲: ۸۵)
دردمند ۱۰٤

~: وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ (۲: ۱٦٦)
دوزخ ٤۰

~: بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ (٤: ۵٦)
سختی ناخوشی ۵۸

~: فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۵: ۹٤)
رنج ۲۷

~: وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَىٰ (۲۰: ۱۲۷)
رنج و سختی ۵۸

~: أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ (۲۲: ۵۵)
ناخوشی ۵۸

~: أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ (۲۳: ٦٤)
ناخوشی و گرسنگی ۵۸

~: وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَن تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ (۲٤: ۸)
سنگسار کردن ۱۰۹

~: أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ (۳٤: ۵)
شکنجه ـ رنج بزرگ ۱۰۹

~: الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۳۵: ۷)
شکنجه ۷

~: إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ مَّا لَهُ مِن دَافِعٍ (۵۲: ۷)
آسیب ۸۱

عَذَابًا: أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا (۱۷: ۵۸)
شِکَنجه کَرْدَن ۵۵

~: وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (۲۵: ۳۷)
شکنجه ۲۰، ناخوشی ۵۸

~: لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ (۲۷: ۲۱)
رنجانیدن ۱۰۹

~: فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (۷۸: ۳۰)
شکنجه بر شکنجه ۱۰۹

عَذَابَهُمَا: وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲٤: ۲)
زخم ٦۱

عَذَابِي: فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۵٤: ۱٦)
شکنجه ۸۷

عَذَّبَ: وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا (۹: ۲٦)
شکنجه کرد ۳، شِکَنجه کرد ۵۵

عَذْبٌ: هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ (۲۵:۵۳)
خوش ۱، شیرین ۲٤، خوش سخت ۳۹، آب خوش ٤۳، خوشی ۵۳، خوش گوار ٦٤، آب خوشگوار ۸٦، خوش و شیرین ۱۰۹، آب شیرین تشنگی نشاننده ۱۱۱، خوشگوار ۱۲۲

~: هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ (۳۵:۱۲)
خوش ۲، آب شیرین ٤۳، خوشی ۵۳، سخت شیرین ۵٦، گوارنده ۷٤، بامزه ۷۹، خوش آب ۸٦، آب خوش گوارنده ۸۷، آب شیرین گوارنده و بامزه ۱۰۳، خوش گوار ۱۰٤، آبیست خوش ۱۰۵، سخت خوش ۱۰٦، خوش مزه ۱۰۸، خوش مزه دار ۱۰۹، خوش و بامزه ۱۱۳

لَعَذَّبْنَا: لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا (٤۸:۲۵)
شکنجه کردیم ۳، شکنجه کردیمی ۸۰

عَذَّبْنَاهَا: وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا (٦۵:۸)
شکنجه کردیم ۱۰۹

لَعَذَّبَهُمْ: لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا (۵۹:۳)
شکنجه کردی ۸۰، شکنجه کرد ۱۱٤

عُذْتُ: وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ (٤۰:۲۷)
پناه گرفتم ۳، پناه گیرم ۳۸، پناه می برم ٤۱، باذداشت خواهم[1] ۵٦، پناه میخواهم ٦۱، زینهار و نگاه داشت میخواهم ٦۷، پناه می دهم ۸۹، پناه جستم ۱۲۲

~: وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ (٤٤:۲۰)
وازداشت خهستم ۱، بازداشت خواهم ۲، اند خسیدم ۳، بازداشت خواهم ۲۲، اند خسیدم ۳۲، پناه کنم ۳٤، بازداشت می خواهم ٤۹، اند خشیدم ۸۰، پناه بردم ۱۰۳، پناه میگیر ۱۲۰، پناه میگیرم ۱۲۲، پناه میجویم ۱۲٤

عُذْرًا: فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا (۱۸:۷٦)
بهانه ۳، بَهانه ۵۵، پوزش ۱۰۹

~: فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (۷۷:٦)
امید ۲، اومید ۳۰، خواستن ۳٤

بِالْعَرَاءِ: فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ (۳۷:۱٤۵)
هامون ۱، دشت هامون ۲، خشک ۲۲، لب آب ۳۳، بیابان ٤۱، زمین هموار ۵۸، برهنه ۱۳٦، صحرای بی نبات و بی پوشش ۱۳۸

~: لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (٦۸:٤۹)
دشت ۲، زمین برهنه ۳، خشکی ۱۹، بیابان خشک ٦۷، زمین ۱۱۳، بیابان برهنه ۱۳٦، زمین بی پوشش ۱۳۸

عُرُبًا: فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا عُرُبًا أَتْرَابًا (۵٦:۳۷)
شوی دوستان ۱، دوست داران ۲۹، شوهر دوستان ٤۱، شوی دُوستان ٤۲، شوهردوست ٤۸، شوی دوست ٦۹، نارپستانان ۹٦، دوستداران ۱۲۰، شوهران ۱۲۲، دوستداران شوهران ۱۲۳، همراز با یکدیگر ۱۳۲، شیرین سخنان دوست داران شوی ۱۳۹

عَرَبِيًّا: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۲:۲)
تازی زبان ۳

~: وَكَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا (۱۳:۳۷)
تازی ۱، تازی ۲

~: وَكَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا (۲۰:۱۱۳)
تازی ۵۳

~: قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (٤۱:۳)
زبان تازی ۱۲۱

---

۱. کذا با «ذ» با ذال، که البته در این قرآنها بی سابقه نیست.

~: وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا (۷:٤۲)
تازی زَبانْ ۳۲، تازه[1] ۱۲٦

عَرَبِیٌّ: وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِىٌّ مُّبِينٌ (۱۰۳:۱٦)
تازی ۱، تازی ۵۵

~: لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَٰتُهُۥٓ ءَا۬عْجَمِىٌّ وَعَرَبِىٌّ (٤٤:٤۱)
تازی زبان ۸۷

كَالْعُرْجُونِ: حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (۳٦: ۳۹)
شاخ خُرما ۲، خوشهٔ خرما ۳، گردیدن ۲۲، چوی خشک شده ۲٤، چوب خوشه ۲۹، شاخ خرما خنبیده ۳۰، شاخ خشک کژ ۳۳، بن خوشهٔ خرما ۳۹، چوب خشک خرما ٤۳، بن خوشه خرمای کهن باریک شده و خم گرفته ٤۸، شاخ ۵۲، شاخ خرما ۵۹، پاره خوشهٔ خرما ٦٤، چوب خوشهٔ خرما ٦۵، خوشه خرما ٦۷، بن خوشه ٦۹، شاخ خوشهٔ خرما ۸۰، چوبها ۸۷، شاخ خوشه خرما ۹۱، بن خوشه خرما ۹۸، چوب خوشه خرما ۱۰٤، چوب شاخ یکساله و کج گشته ۱۱۱، تنه خوشهٔ خرمابن ۱۱۷، خوشه خرمای کج شده ۱۲۰، چوب ۱۲۳، شاخ خرما خشک شده ۱۲۹، شاخها ۱۳۳

الْعَرْشِ: ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِى الَّيْلَ النَّهَارَ (۷: ۵٤)
تخت بُزرگ ۵۵

~: وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۹: ۱۲۹)
تَخت ۵۵

~: وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ (۱۲: ۱۰۰)
تخت ۱، تَخت ۲، تخت ۷٦

~: ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ (۱۳: ۲)
تخت بُزرگ ۵۵

~: رَفِيعُ الدَّرَجَٰتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِى الرُّوحَ (٤۰: ۱۵)
تَختِ بُزرگ ۳۲

عَرْشُكِ: فَلَمَّا جَآءَتْ قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرْشُكِ (۲۷: ٤۲)
تخت ۳۹

عَرْشُهُ: وَكَانَ عَرْشُهُۥ عَلَى الْمَآءِ (۱۱: ۷)
تخت ۳، تخت بزرگ ۱۱٤

عَرْشِهَا: أَيُّكُمْ يَأْتِينِى بِعَرْشِهَا (۲۷: ۳۸)
تخت ۱

عَرَضٌ: تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا (٤: ۹٤)
چیز ۲، کالار[2] ۱۰، چیز و خواسته ۲۹، کالا و خواسته ٥٦

~: وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهُۥ يَأْخُذُوهُ (۷: ۱٦۹)
کالا ۲، تزده ۱۰، خواسته ۲۷، چیزها ۳۵، کالاً ۵۵، کلا[3] ۸۵، کاها[4] ۹۱، برخورداری ۱۱۱

~: تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ (۸: ٦۷)
خواسته ۱۰، برخورداری ۱۱، سرمایه ٤۱، کالاً ۱۰۰، کالای ـ بها گرفتن ۱۰۹

~: إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا (۲٤: ۳۳)
آرایش ٤۲

* عَرَضَ الْحَیاةِ: تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا (٤: ۹٤)
کالای زندگانی ۳، چیزی زندگانی اینجهان ۱۰۵

كَعَرْضِ: عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَآءِ وَالْأَرْضِ (۵۷: ۲۱)

---

۱. اگر تحریف نباشد می توان آن را صورت دیگری از «تازی» دانست.
۲. کالار / کالا.
۳. کلا / کالا.
٤. اگر تحریف کالا نباشد قابل توجه است.

پهنا ۱، فراخی ۳۹، فراخ ۵۶، فراخا ٦۵، پنها[1] ۸۰، فراخنا ۸۸، فراخی و پهنا فراخای ۱۰۸

عُرِضَ: إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ (۳۸:۳۱)
نموده شد ۱۰۹

عَرَضًا: لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا (۹:٤۲)
چیز ۱۱، خواسته ۲۹، کالا ۳۰، کالاً ۵۵، چیز این جهانی ۸۳، راه ۱۲٤

عَرْضًا: وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا (۱۸:۱۰۰)
پدیدار آوردن ۲٤، نمودن ۳۹، پدید آوردن ۵٦، پیش آوردن ۱۰۲، آشکارا کردن ۱۰٤، آشکار کردن ۱۲۲

عُرْضَةً: وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ (۲:۲۲٤)
گهانه ۱، بَهانه ۲، بهانه ۳، نمونه ۳٦، بَهانَه ۲، بَهانَهْ ۵۵، بهانه و شایسته ٦۳، بُهانه ۷۵، پیمانه ۹٤، دستواره ۹۵، دست آویز ۱۱٦، دست آواز ۱۲۹

عَرَّضْتُمْ: وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ (۲:۲۳۵)
نمایش کنید ۲، سرپوشیده گوئیت ۳، سخن گویید ۲۷، نمایش کنید ٤۲، پوشیده گوئیت ۵۵، پدید کنید شما ۵۷، سرپوشیده کردیت ۸۰، گردانید ید ۹۰، نمایان کنید ۹۹، نمودید ۱۰۹، پیدا کنید ۱۲۱، دور باشید شما ۱۲٤، سربسته سخن گوئید شما ۱۳۸

عَرَضْنَا: وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا (۱۸:۱۰۰)
پدیدار آریم ۲٤، ما نمودیم ۳۸، بنمائیم ۳۹، بنماییم ٤۱، پیدا کنیم ما ٦٤، پیدا آوردیم ۱۲٦، آشکارا گردانیم ۱۳۲

~: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۳۳:۷۲)
بنمودیم ۳۹

عَرْضُهَا: وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ (۳:۱۳۳)
پهنا ۱، قراخا ۲، پنهاء[2] ۳، فراخنای ٤۰، فراخی ٤۱، پَهنا ۵۵، پهنای ٦۱، فراخای ٦۹، فراخ ۸۲، فراخنا ۸٤، پهنی ۱۳٦

~: وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (۵۷:۲۱)
پنها[1] ۳

عَرَضَهُمْ: ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ (۲:۳۱)
بگذرانید ۹۰، نمود ۱۰۱

الْعُرْفِ: خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ (۷:۱۹۹)
نیکوی ۱، نیکوکاری ۲۷، نیکویی کردن ۵۲، نیکُویی ۵۵، نیکی ۵۷، نیکی کردن ۵۸، نیکوی کردن ۹٦، نیکوئی ۱۱٦، نیکو کردن ۱۲۷

عَرَّفَ: عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ (٦٦:۳)
اشنخته کرد[3] ۱، شناخته کرد ۲، شناسا کرد ۳، بدانست ۲٤، آگاه کرد ۲۹، روشن کرد ۳۹، پیدا کرد ٤۱، بَیاگاهانید ٤۲، بشناخت ٤۹، دانا کرد ۹٦، آشکارا کرد ۱۰۲، شناسا گردانید ۱۰۳، شناخت ۱۱۰، بازگفت ۱۳۸

عُرْفًا: وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (۷۷:۱)
نیکوی ۱، بیاپی ۳، پیوسته به پیش یکدیگر ۳۰، پس یکدیگر ٤۳، بیاپی یکدیگر ۵٦، پیوسته از پس یکدیگر ۸۸، بادها بزنده[4] ۹۱، نیکویی ۱۰۲، نیکی ۱۲۲، انبوه ۱۳۸، نیکویی کردن ۱۳۹

---

۱. پنها / پهنا.
۲. پنهاء / پهنا.
۳. اشنخته کرد: آگاه کرد؛ شناسا کرد.
٤. بزنده / وزنده.

فَلَعَرَفْتَهُمْ: فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَٰهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ (۴۷: ۳۰)
اشناسی[1] ۱، شناختی ۳، تو شناسی ٦، بشناسی ۲۲، بشناختی ۳۰، بشناسی تو ٦۱، شناختی تو ۸٦، شناسی ۸۷، می شناختی تو ۱۰۰، بشناختی تو ۱۱۳، بدانند ۱۲٤، شناسی تو ۱۳۸

عَرَّفَهَا: وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ (۴۷: ٦)
اشنخته کند ۱، خوش بوی گرداند یا شناسا گرداند ۲، خوش بوی کرد ۳، شناخته کرد ۱۷، ساخته کرد ۲۲، پیدا کرده است ۲٤، خوش کرد ۲۹، خوش بوی گرداند ۳۰، شناسا کند ۳۹، خوش کند ٤۳، پیدا کرْد ۵۳، شناسا گرداند ٦٤، پدید کرد ٦۷، شناسا و خوش بوی گرداند ۷۲، شناخته کرده ۸۸، شناسا کرد ۹۸، شناسا و خوش گردانیده ۱۰۲، خوشبوی کرده ۱۰٦، خوشبوی گرداند ۱۰۸، شناسا گردانید ۱۰۹

فَعَرَفَهُمْ: فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ (۱۲: ۵۸)
بیشنخت[2] ۱، بشناخت ۲، شناخت ۳۰، شِناخْت ۵۵، بَشناخت ۷٦، بشناختند ۹٤

عَرَفُوا: فَلَمَّا جَاءَهُم مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ (۲: ۸۹)
بَشناختنْد ۲، شناختند ۳، بشناختند ٤، دانستند ۱۰، می شناختند ۲٤، می دانستند ۲۹، بِشناختَند ٤۲، شِناخْتَنْد ۵۵، همی شناختند ٦۲، شناخته بودند ٦٤، بدانسته بودند ۷٦

~: مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ (۵: ۸۳)
اشنختند[3] ۱، بشناختنْد ۲، شناخته اند ۳۹، بشناختَند ٤۲، بدانستند ۵۷، شناسند ۱۰۳، شناختند ۱۱۲، شناخته باشند ۱۳۸

الْعَرِمِ: فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ (۳٤: ۱٦)
زیانْ کار ۱۸، بی فرمان ٤۱، پیاپی ٤۲، تند ۹۰، دشوار ۱۱۱، نیرومند ۱۱٤، بَسیار ۱۱۹

★ سَيْلَ الْعَرِمِ: فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ (۳٤: ۱٦)
آب بند گاهْ ـ توخته ۲، بند آب ۲۹، بند گاه ۳۰، بند بسته ۳۹، باران پیوست ٤۳، بند ها ۵٦، آب بند گاه ۹۵، لای بند آب ۱۰۹

بِالْعُرْوَةِ: فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ (۲: ۲۵٦)
گوشه ۱، دستاویز ۱۰، دست گاه ۲۹، گُوشَه ٤۲، دست آویزه ٦۱، گره ریسمان ۱۱۱، دست آواز[4] ۱۲۹، دستگیره ۱۳۵

~: فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ (۳۱: ۲۲)
گوشه ی ۱، گُوشه ۲، کرانه ۳، بند ۲۹، گوشۀ ٦٤، دست آویز ۱۰۳، الْمَا[5] ۱۱۹

★ عُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ: فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ (۳۱: ۲۲)
گوشه استوار دین ٤۷

عُرُوشِهَا: وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا (۲: ۲۵۹)
آسمانها ۱۰، کاز[6] ۲۷، بنهاده زبر یکدیگر ٤۱، بامَها ٤۲، آسمان خانها ٤۳، بامها ۵۲، سِفْدَها ۵۵، تخنها ٦۱، پوششها ٦٤، کوشکها ٦۹، آسمان خانه ۷۵، سقفها ۸۰، دیوارهاء و پوششهاء ۹۰، سرها ۹۷، کاژها[6] ۱۰۲، بامَها ۱۰۵، تَختها ۱۱٤، سفیده ها[7] ۱۲۷

---

۱. اشناسی / بشناسی.
۲. بیشنخت / بشناخت.
۳. اشنختند / بشناختند.
٤. دست آواز / دستاویز.
۵. اَلمَا: گوشه. ظاهراً کلمه ای محلّی و گویشی است.
٦. کذا، در متن اصلی با همین ضبط، کلمه با هر دو ضبط در فرهنگها موجود است.
۷. سفیده ها / سفدها (؟)، سقفها.

~: وَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا (۱۸: ۴۲)
شتفتها[1] ۱، سفدها ۲، اسکامها ۸، دیوارها ۲۴، چفتها ۲۹، وایجها، سفدها ۵۵، کاراکها ۵۹، چفتها ۶۲، آسمانها خانها ۶۷، چفتهاء ۹۰، وایجها ۹۱، بلندیها ۹۶، بامهای خانها ۱۰۲، شاخها ۱۰۸، چوب بستها ۱۲۲، بنها ۱۳۹

~: فَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا (۲۲: ۴۵)
افراشتها ۲، شفدها ۳، آسمانه ۱۲، سقفها ۴۱، پایها، پایهاء ۵۲، ستونها ۵۸، آسماءان ۷۲، سفیدها[2] ۱۰۸، سَفدها ۱۱۴، سفها[3] ۱۱۹

عَرِيضٍ: وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِيضٍ (۴۱: ۵۱)
پنهام ۱، روی گردانیده ۲، پهن ۳، روی گردانیده ۲۲، بسیار ۲۴، فراخ ۳۰، بَهْن ۳۲، پهن و دراز ۴۲، بَسْیارْ ۵۳، دراز و بسیار ۵۶، دراز ۶۱، پهنا آور ۸۱، فراخ پهن ۱۰۸

عِزًّا: لِّيَكُونُوا۟ لَهُمْ عِزًّا (۱۹: ۸۱)
نیرُو ۲، بازدارنده ۲۴، بزرگواری ۴۱، ارجمندی ۷۲، بزرگی ۱۰۲، نگاهدارنده ۱۱۵

ٱلْعِزَّةُ: أَخَذَتْهُ ٱلْعِزَّةُ بِٱلْإِثْمِ (۲: ۲۰۶)
نام و ننگ ۳۰، خشم ۴۱، سِتیزَه ۴۲، نَامْ وَ ننگ ۵۵، بزرگ منشی ۶۴، مهتری ۷۴، ننگ ۷۵، ارجمندی ۹۲، سِتیزَه ۹۴، بزرگ منشی با گناه بهم ۱۰۲، استیزه ۱۲۴

~: فَإِنَّ ٱلْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (۴: ۱۳۹)
نیرُوی ۲، توانایی و بازداشتن ۴۵، بزرگواری ۵۳، برتری ۸۲، نیرو ۸۳

~: إِنَّ ٱلْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ (۱۰: ۶۵)
بی همتاای ۱۳، بی همتایی ۲۹، چیرگی ۴۹، توانایی ۵۷، کامرانی ۱۰۲، کامکاری ۱۰۹

~: وَقَالُوا۟ بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ ٱلْغَٰلِبُونَ (۲۶: ۴۴)
بزرگواری ۲، ارجمندی ۲۰

~: مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلْعِزَّةَ فَلِلَّهِ ٱلْعِزَّةُ جَمِيعًا (۳۵: ۱۰)
مِهْتری ۵۳

~: سُبْحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۳۷: ۱۸۰)
بزرگواری ۲۲، بزرگی ۳۳، بزرگواری ۱۳۹

~: بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فِى عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ (۳۸: ۲)
تنگی ۱، ستیزه ۲، گردن کشی ۳، دشخواری ۸۱، سرکشی ۱۱۱، گردنکشی ۱۱۴، دشواری ۱۳۶

فَبِعِزَّتِكَ: قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۳۸: ۸۲)
بزرگواری ۲۲، بزرگی ۵۳، بی همتایی ۱۰۹

عَزَّرْتُمُوهُمْ: وَءَامَنتُم بِرُسُلِى وَعَزَّرْتُمُوهُمْ (۵: ۱۲)
نیرومند کنیت ۳، یاری کنید ۱۰، یاری کنیت ۱۰ مکرّر، یاری کنی ۲۴، بزرگ دارید و یاری کنید ۲۷، بزرگ داریت ۴۱، بزرگ داشتید ۴۳، بزرگ دارید ـ یاری کنید ۴۵، نیرُومَند کُنیت ۵۵، بزرگ دارید ۵۶، گرامی دارید ۶۴، یاری دهید ۶۹، نیرمند کنیت ۸۰، ارجمند دارید ۱۰۰، نیرو دهید ۱۱۴، بشکوه دارید ۱۳۸

وَ عَزَّرُوهُ: فَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ (۷: ۱۵۷)
نیرُو کردند ۲، بزرگ داشتند ۳، یاری و نیروا کُرده باشند ۱۰، یاری دادند ۲۹، بزرگ دانستند ۳۱، گرامی داشتند ۴۱، نیرو کردند ۴۹، بُزرک

---

۱. شتفتها: سقف ها.
۲. سفیدها / سفدها (؟).
۳. سفها / سفدها (؟).

دَاشتند ۵۵، یاری کردند ٦۲، نیرومند کرد ٦۹، بشکوه داشتند ۸۵، بزرگ د آشتند ۹٤، ارجمند داشتند ۱۰۰، شکوه داشتند ۱۰۲، بشکوه دارند ۱۰٦، بشکوه داشتند و نیرو دارند ۱۰۹، بازداشته‌اند ۱۳۰، بزرگ شمارند ۱۳٦، نیرو دادند ۱٤۰

فَعَزَّزْنَا: فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوٓا إِنَّآ إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ (۳٦: ۱٤)
نیرومند کردیم ۲، بیاوردیم ۱۸، برومند کردیم ۲۹، نیرمند کردیم ۷٤، ارجمند کردیم ۹۲، نیرومند کردیم ما ۱۲٤، نیرومند گردانیدیم ۱۲۵

عَزَلْتَ: وَمَنِ ٱبْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ (۳۳: ۵۱)
ورتا کردی[1] ۱، جُدا کردی ۲، دور شدی ۱۸، دور کردی ۱۹، جدا کردی ۳۰، دور کرده باشی ۳٦، جدا شوی ۳۸، دوری گزینی ٤۱، جدا کردی تو ٦۱، برانده باشی ٦٤، بگذاشتی ٦۹، جدا گردی تو ۷۹، دور شده‌ای ۸٦، جدا کرده باشی ۸۸، جدا کردی و کناره کردی ۱۰۹، بیک سو شوی ۱۱٤، جدا شده است ۱۲٤، جدا شدی ۱۲٦، گوشه گرفته ۱۳۰

عَزَمَ: فَإِذَا عَزَمَ ٱلْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا۟ ٱللَّهَ (٤۷: ۲۱)
منشتی شهد[2] ۱، درست گرداند ۲، سخت گردد ٦، درست گردد ۱۷، درست گردد ۲۲، درست شد ۲۹، درست شود ٤۲، دل نهادند ٤۳، پدید آید ۵٦، بداند یا درست گرداند ۱۰۸، استوار شود ۱۰۹

عَزْم: فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ (۳: ۱۸٦)
منشتی[3] ۱، گرْدنی ۲، بَیهین ۱۰، استواری ۲۳، درستی و بهینه ۲۷، بهتر ۳٦، بهین ٤۰، کردن ٤۲، بهینه ٤۳، دِل بَسْتَن ۵۵، استواری و هشیاری ۵٦، کردنی ۸۲، دلبستن ۹۱، استاد ۹۲

~: إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ (۳۱: ۱۷)
استوارترین ۲، درستی ۱٤، درست کردن ٤۷، مهین ٤۸، درست تر ۱۰۹

~: وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ (٤۲: ٤۳)
استوار ۳، بهترین ۲٤، درست ۲۹، بزرگ ٦۱، درست ترین ۱۰۲، خوب ۱۱۳، اندیشیدن ۱۲٤

~: فَٱصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُو۟لُوا۟ ٱلْعَزْمِ مِنَ ٱلرُّسُلِ[1] (٤٦: ۳۵)
استوارکاری ۲، هشیاری ۱۷، استوارکاری ۳۰

عَزْمًا: وَلَمْ نَجِدْ لَهُۥ عَزْمًا (۲۰: ۱۱۵)
منشتی[3] ۱، استواری ۲، استواری ۳۰، دل نهادن ٤۳، دل بر کارنهادن ۵٦، نگاه داشت ۹۰، استوار ۱۰۸، درست و استوار ۱۰۹، پای‌داری ۱۲٤

عَزَمْتَ: فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ (۳: ۱۵۹)
منشتی شی[4] ۱، آهنگ کنی ۲، دل بنهی بر کاری ۳، دل بر کار نهی ۱۰، دل نهادی ۲۷، دل بنهی ۳۰، دل بر کار نهادی ۳۹، دل برنهی ٤۰، اندیشه بر کاری کنی ٤۱، آهنگ کردی ٤۲، دِلْ نهی ۵۵، آهنگ درست کردی ۵۸، آهنگ کنی تو ٦۱، به کار بایستی ٦۵، دل بنهادی ۱۰۲، آهنگی کنی ۱۱۰، بنهی دل ۱۲۹

عَزَمُوا: وَإِنْ عَزَمُوا۟ ٱلطَّلَٰقَ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲: ۲۲۷)
آهنگ کنند ۲، دل برنهند ۲۹، دل نهند ۳٦، آهنگ کُنَد ٤۲، دل نهد ٦۲، آهنگ کند ۷٤، دل بنهید ۷۵، آهنگ کنید ۸۲، دل بنهند ۱۰۲، دل نَهید ۱۰۷، بدل دادند ۱۲۱

---

۱. ورتا کردی: دوری کردی؛ کناره کردی.
۲. منشتی شهد: درست شود و تمام شود.
۳. منشتی: آهنگ؛ قصد؛ اندیشه.
٤. منشتی شی: عزیمت کنی؛ قصد و آهنگ کنی.

عَزَّنی: فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ (۳۸:۲۳)
سختْ بکرد ۲۹، پایندانی کن ۵۶، درشت شد ۱۰۰

اَلْعُزَّی: أَفَرَءَيْتُمُ اللَّٰتَ وَالْعُزَّىٰ وَمَنَوٰةَ الثَّالِثَةَ (۵۳:۱۹)
بت میانه ۱۳۶

اَلْعَزِيزُ: إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲:۱۲۹)
بی هَمتا ۵۵، بی همتای ۸۰

~: فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲:۲۰۹)
کینه گُزار ۲

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲:۲۲۰)
کینه گذار ۵۲، ناهَمتا ۵۵

~: وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲:۲۲۸)
نه همتا ۴۱، کینه گُذار ۴۲، بی هنباز ۱۰۱

~: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ ... وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲:۲۴۰)
اِستُوار گیر ۲، استوار کار ۴۲

~: وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲:۲۶۰)
ارجمند و بی همتا ۲۷، کینه آهنجدان ۳۶، درُست کار ۴۲، درست کار ۵۲، درستکار ۱۰۵

~: وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (۳:۴)
سختْ گیرْ ۲، سخت گیر ۴۲

~: لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳:۶)
اِسْتُوار کار ۲

~: لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳:۱۸)
ارجمند بی همتا ۲۷، ارجمند ۴۱

~: وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۳:۱۲۶)
استوار ۵۳

~: وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۵:۳۸)
سخت گیر ۲

~: وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (۵:۹۵)
سَختْ کار ۲، ستم کار ۵۷

~: وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۵:۱۱۸)
اِستُوار کار ۲، بیهمتا ۹

~: ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۶:۹۶)
خدای ارجمند ۱۳۶

~: إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۸:۱۰)
اسْتُوار کار ۲، گرامی کنند[1] ۹۳، سخت کار ۹۴، بی نیاز، توانا ۱۰۴، بیهمتای ۱۱۲

~: اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۸:۶۳)
توانا ۵۷

~: وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۹:۴۰)
استوار گیر ۵۲

~: عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم (۹:۱۲۸)
گرامی ۲، دُشوار ۵۵، گرامی ۶۲، سخت دشخوار ۸۵، دشوار، سخت ۱۰۹، گران ۱۲۲

~: إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (۱۱:۶۶)
دادستان ۲۴، چیره ۴۹، تُوانَا ۶۲

~: وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ (۱۱:۹۱)
ارجَمَند ۵۵، گرامی داشته ۹۵

~: وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۴:۴)
ستوده ۵۳، بزرگ ۶۱

~: وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (۱۴:۲۰)

۱. گرامی کنند / گرامی کننده.

دشخُوار ۲، دشوار ۳، دُشْوار ۵۵، سخت دشوار ۵۹، دشوآر ۱۰۰

~: إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ ذُو ٱنتِقَامٍ (۴۷:۱۴)
اسْتوار گیر ۲، استوار گیر ۴۲

~: وَلِلَّهِ ٱلْمَثَلُ ٱلْأَعْلَىٰ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (۶۰:۱۶)
اِستوار کار ۲، سِتُودَهْ ۵۳، بِی هَمتا ۵۵، بِی همتا ۶۲

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۴۰:۲۲)
کینه آهنج ۹۵

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۷۴:۲۲)
سختْ گیر ۲

~: وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ (۹:۲۶)
بی همتا ۲، که چون وی نیابند ۱۰۸

~: وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ (۶۸:۲۶)
کینه کش ۵۳، بزرگوار بی همتا ۹۴

~: وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ (۱۵۹:۲۶)
سخت گیرنده ۶۱

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱلْعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ (۲۱۷:۲۶)
بی همتا ۲، خداوند ۶۱

~: مَّا نَفِدَتْ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۷:۳۱)
بی همتان ۹۱

~: عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ (۶:۳۲)
سخت ۲، ارجمند بی همتان ۴۶، بی همتا و ارجمند ۶۴

~: وَيَهْدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَمِيدِ (۶:۳۴)
نیست همتا ۴۷

~: وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ بِعَزِيزٍ (۱۷:۳۵)
دشخوارْ ۲، دشخوار ۱۸، سخت. دشوار ۷۴، هرگز دشوار ۱۰۹، دشوار و سخت ۱۳۹

~: عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ تَنزِيلَ ٱلْعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ (۵:۳۶)
ارجُمند ۵۶

~: ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ (۳۸:۳۶)
خدای ۶۱

~: أَمْ عِندَهُمْ خَزَآئِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ ٱلْعَزِيزِ ٱلْوَهَّابِ (۹:۳۸)
کینه کشنده ۲، کینه کشنده ۳۰، ارجُمند و بی همتا ۸۱

~: وَمَا بَيْنَهُمَا ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفَّٰرُ (۶۶:۳۸)
بی همتا ۹۸

~: تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ (۱:۳۹)
نیک کار یا کینه گزار ۲، ارجْمند ۵۶، بزرگُوار و ارجُمند ۸۱

~: أَلَا هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفَّٰرُ (۵:۳۹)
کینه آهنج ۶۴

~: أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِى ٱنتِقَامٍ (۳۷:۳۹)
سخت گیر ۲، سخت کینه گزار ۳۰

~: تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْعَلِيمِ (۲:۴۰)
بی همتاء ۳

~: وَأَنَا۠ أَدْعُوكُمْ إِلَى ٱلْعَزِيزِ ٱلْغَفَّٰرِ (۴۲:۴۰)
خدای بی همتا ۱۵

~: وَإِنَّهُۥ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٌ (۴۱:۴۱)
ارجمند ۳، بزرگوار ۲۲، بی مانند ۴۹، شکوه مند ۱۰۹، ارجمند و گرامی ۱۱۶

~: يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ وَهُوَ ٱلْقَوِيُّ ٱلْعَزِيزُ (۱۹:۴۲)
ارجمند - بی همتا ۱۰۹

~: لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ ٱلْعَزِيزُ ٱلْعَلِيمُ (۹:۴۳)
بی همتاء ۳۲، ارجُمند و بی هَمتا ۸۱

~: وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (۳۷:۴۵)

کینه کش و بی همتا ٤٩

~: كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَٰهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ (٥٤: ٤٢)
سختگیر ۳۰، پادشاه ۹۲

~: إِنَّ ٱللَّهَ قَوِىٌّ عَزِيزٌ (٥٧: ٢٥)
کامران ٦٤

~: إِنَّ ٱللَّهَ قَوِىٌّ عَزِيزٌ (٥٨: ٢١)
سختْ گیر کینه گُزار ۲، سخت کینه گذار ۳۰، سخت گیر کینه گذار ۱۰۸

~: وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (٥٩: ٢٤)
خوب کننده ۹٦

~: وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (٦١: ١)
بی نیاز ۵۳

عَزِيزًا: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا (٤: ٥٦)
سختْ گیرْ ۲، ارجمند بی همتا ۲۷، استوار ۲۹، کینه کشنده ۳٦، سخت گیر ٤۲، چیره ٤۹، کامکار ٦٤، کینه کش ۸٤، سخت گیرنده ۹۸، بیهمتا ۱۱۲

~: بَل رَّفَعَهُ ٱللَّهُ إِلَيْهِ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (٤: ١٥٨)
بی همتا ۳، توانا ۵۷، ارجمند ۵۸، بی همتا ارجمند ۱۰۹

~: وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (٤: ١٦٥)
سختْ گیر ۲، نیست همتا ۲۷، سخت گیر ۸۸، سخت کار ۱۲۵

~: وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (٣٣: ٢٥)
سخت گیرْ ۲، سخت گیرنده ۳۰، کین کش ٤۷

~: وَيَنصُرَكَ ٱللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا (٤٨: ٣)
وادارنده از گزند ٦، بزرگوار ۱۷، بنیرو ۳۰، استوار ۳۹، سخت ۵٦، بزرگ ۸۸

~: وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (٤٨: ٧)
بی همتا ۱۷، بی همتا ـ کینه کش ۱۰۹

عِزِينَ: عَنِ ٱلْيَمِينِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ عِزِينَ (٧٠: ٣٧)
گرهها ۱، گروه گروه نشسته ۲، گروهها پراکنده ۳، گرهان ٦، گروه، گروه ۲۹، فوج فوج ۷۸، گروههای پراکنده ۸۰، گروهها ۹٤، گروه گروه ایستاده ۱۰۲، گروهان ۱۰٦

ٱلْعُسْرَ: وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا۟ ٱلْ (٢: ١٨٥)
دُشخُواری[1] ۲، دشواری ۳، دُشوَارِی ۵۵، دشوار ۸۲، دشو آری ۱۰۰

~: سَيَجْعَلُ ٱللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (٦٥: ٧)
دشخواری[1] ۱، تنگی ۲، درویشی ۲٤، سختی و تنگی ٤۱، دُشخواری[1] ٤۲، دشواری و تنگ دستی ۱۰۳، دشواری و تنگی ۱۰۹، دشواری و تنگدستی ۱۱۱

~: فَإِنَّ مَعَ ٱلْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ ٱلْعُسْرِ يُسْرًا (٩٤: ٦)
سختی ۳٤، رنج ٤۱

عَسِرٌ: يَقُولُ ٱلْكَٰفِرُونَ هَٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ (٥٤: ٨)
سخت ۱، دشوار ۳، دشخوار ۲٤، دشواری ۱۰۳، سخت دشخوار ۱۰۸، سخت دشوار ۱۰۹، دش خار[2] ۱۱۳، دشوار و سخت ۱۱٦

عُسْرًا: وَلَا تُرْهِقْنِى مِنْ أَمْرِى عُسْرًا (١٨: ٧٣)
دشخواری ۱، دشخواری ۲، دشواری ۳، گرانی ۳۹، تنگ و دشخوار ٤٤، دُشوَاری ۵۵، دشوار ٦۵، سختی ۷٦، دشخوار ۹۵، دشو آری ۱۰۰

عُسْرَةٍ: وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ (٢: ٢٨٠)

---

۱. دشخواری / دشواری.
۲. دش خار / دشخوار.

تنگدستی ۱، درویشی ۳، تنگ دستی ۱۰، دست تنگی ۵۷، تنگ دست ۷۸، فام دار یا درویش ۸٤، درویشی و تنگی ۱۰۰، دشواری و تنگدستی ۱۱۱، تنگی و درویشی ۱۲۷

~: ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ ٱلْعُسْرَةِ (۹:۱۱۷)
دشخواری ۱، تنگی ۲، دشواری ۳، سختی و دشواری ۲۷، سختی ۳٦، تنگی و سختی ٤۱، تنگی و دشواری ٤۸، دُشْوارِی ۵۵، سختی و اندکی توشه ۵۸، گرسنگی و سختی ٦۷، دشوآری ۱۰۰، دشواری تنگی ۱۰۹، تنگی و بیبرگی ۱۱۱، دشخوارکار ۱۱۳، تنگی ـ سختی ۱۲۹

لِلعُسْرَى: فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلْعُسْرَىٰ (۹۲:۱۰)
دشخواری ۱، دشخوارتر ۲۹، دشوارترین ۳٤، دشواری ۳۸، کار دشخوار ٤۲، خوار و دشخوار ۵۱، دشوار ۹۲، تنگی ۱۲٤

عَسْعَسَ: وَٱلَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ (۸۱:۱۷)
تاریک شهد ۱، تاریک شود ۲، تاریک گردد ۳۹، پیش آید و پس رود ٤۱، بازگردد ـ تاریک شود ۵٦، رو فراکند بتاریکی خویش ۷۹، پشت دهد ۸۰، تاریک شد ۸۷، تاریکشده ۹۹، درآید و تاریک شود ۱۰۲، درآید و برود ۱۰٤، روی فراکند بتاریکی ۱۱۳، پشت کند ۱۲۰

عَسٓقٓ: حمٓ عٓسٓقٓ كَذَٰلِكَ يُوحِيٓ إِلَيْكَ (٤۲:۲)
بدین پنج نام ٤۳

عَسَل: وَأَنْهَٰرٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى (٤۷:۱۵)
انگبین ۱، انگمین ۲٤، ترانگبین ٤۳، آنگبین ۱۱٤، شهد ۱۱۵

عَسَى: وَعَسَىٰٓ أَن تَكْرَهُوا۟ شَيْـًٔا (۲:۲۱٦)
شاید و باشد ۳، بَود ۱۰، بود ۲٤، مَگَر ٤۲، بَاشَد ۵۵، گاه باشد ـ بسا باشد ۱۲۲

~: فَعَسَىٰٓ أَن تَكْرَهُوا۟ شَيْـًٔا (٤:۱۹)
بو که ۲٤، شایَدْ بُدْ ٤۰، بوی ۸٤، نزدیک است ۹٦

~: عَسَى ٱللَّهُ أَن يَكُفَّ بَأْسَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ (٤:۸٤)
شاید که ٦۱

~: فَأُو۟لَٰٓئِكَ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَعْفُوَ عَنْهُمْ (٤:۹۹)
مگر ۲، شاید ـ هر آینه ۵٦

~: فَعَسَى ٱللَّهُ أَن يَأْتِيَ بِٱلْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِندِهِۦ (۵:۵۲)
مگر زود ۱۰ مکرّر، زود ٤۲، بودَ که ٦۲

~: قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ (۷:۱۲۹)
نزدیک آمد ۱۰، شاید بود که ۲۷، امیدست ۱۰۳، امید دارم ۱۲۲

~: وَأَنْ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَدِ ٱقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ (۷:۱۸۵)
شاید ـ بود ۳٦

~: فَعَسَىٰٓ أُو۟لَٰٓئِكَ أَن يَكُونُوا۟ مِنَ ٱلْمُهْتَدِينَ (۹:۱۸)
باشَند ۱۰، شایَد ٦۱

~: عَسَى ٱللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۹:۱۰۲)
هر آینه ۲۷، شَاید ۵۵

~: عَسَى ٱللَّهُ أَن يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا (۱۲:۸۳)
تا بو که ۵، شَایَد که ۵۵، مگر باشد ۹٦

~: عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ ۚ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا (۱۷:۸)
شَایَد ۵۵، تا باشد ۵۷، شآید ۱۰۰

~: وَقُلْ عَسَىٰٓ أَن يَهْدِيَنِ رَبِّي (۱۸:۲٤)
روا بود ٤٤، اومید دارم ۵٦، نزدیکست ۱۰٦

~: فَعَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا (۱۸:٤۰)
گمان می برم و می دانم ٤۱، نزدیک بود ۹۱، سزد ۱۰۸

~: عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّي شَقِيًّا (۱۹:٤۸)
باشد ۲

~: قُلْ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم (۷۲:۲۷)
نزدیک آمدست ۸۸

~: عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوْ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدًا (۹:۲۸)
مگر که ۲۹، بَاشد ۷۶

~: قَالَ عَسَىٰ رَبِّىٓ أَن يَهْدِيَنِى (۲۲:۲۸)
امیدوارم که ٦٤، اُومید دارم ۷٦

~: عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ (۱۱:۴۹)
شاید بود ٦، بوک ۵۲، بباشد ٦۱

~: عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنكُمْ سَيِّـَٔاتِكُمْ (۸:٦٦)
شاید ۱، باشد که ۲۹

~: عَسَىٰ رَبُّنَآ أَن يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِّنْهَآ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا رَٰغِبُونَ (٦۸: ۳۲)
زود باشد ۱۹، همانا ۲۹

عَسَيْتُمْ: هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِتَالُ (۲:۲٤٦)
شاید تان ۳، چنانست اُو شاید بُد ۱۰، شاید بود که شما ۲۷، شما سربازنید[1] ۸۲، شاید که شما ۹۰، نزدیکید شما ۱۱٤، باشد ۱۲٤، باشید شما ۱۳۵

~: فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ (۲۲:٤۷)
شایید[2] ۱، نزدیک شدیت ۳، شاید بود ٦، باشید ۲۲، می توانیت ٤۱، نزدیک بودکی شما ۵۱، مگر شما ۸۱، شماید شما ۹۲، امید دارید ۹٦، شآید بود که شما ۱۰۰، نزدیک شده‌اید ۱۲۱، هستید شما ۱۲۳

عَسِيرًا: وَكَانَ يَوْمًا عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ عَسِيرًا (۲٦:۲۵)
سخت ۱، دُشخوار ۲، دشوار ۳، دشخوار ۲۰، دُشوار ۵۳، سخت دشوار ۷٦، سخت دشخوار ۹۵، دشوآر ۱۰۰، سخت و دشوار ۱۰٦، استوار ۱۳۹

عَسِيرٌ: فَذَٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ (۹:۷٤)
دشخوار ۲، دشوار ٦، سخت ۲۹، دُشخوار ٤۲، دشوار و سخت ۷۲، سخت دشوار ۹۹، دشوآر ۱۰۰، سخت و دشوار ۱۱٦، بسیار دشوار ۱۳۲، دشوار، سخت ۱۳۹

عِشَاءً: وَجَآءُوٓ أَبَاهُمْ عِشَآءً يَبْكُونَ (۱٦:۱۲)
شبانگاه ۱، شبنگاهان ٤۹، نماز دیگرْ ۵۳، شَبانگاه ۵۵، شبنگاه ۵۸، نماز شام ۷۲، شب آنگاه ۹۰، شبانگآه ۱۰۰، نماز خفتن ۱۱۸، شبانگه ۱۲۵

~: وَمِنۢ بَعْدِ صَلَوٰةِ ٱلْعِشَآءِ (۵۸:۲٤)
خفتن ۱، خُفْتَن ۵۱

ٱلْعِشَارُ: وَإِذَا ٱلْعِشَارُ عُطِّلَتْ (٤:۸۱)
اشتران آبستن ۱، اشتر ده ماهه ۲، اشتران ۲٤، اشتران ده ماهه آبستن ۳۰، شتران ۳٦، شتران گرانمایه ۳۸، مادر بچگان ۷۸، شترآن ۱۰۰، شتران آبستن ۱۰۲، شتران ده ماهه ۱۰٤، اشتران ده ماهه ی آبستن ۱۰۵، اشتر ده ماهه آبستن ۱۰۸، ستوران ده ساله ۱۱۳، اشتران ماده ۱۲۰، شتران دهماهه آبستن ۱۲۲، شتران سرخ موی ۱۲٦

عَشْرُ: مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ عَشْرُ أَمْثَالِهَا (۱٦۰:٦)
ده ۱، دَه ۸۲

~: وَٱلْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ (۲:۸۹)
ده گانه ٦۵، دهه ۱۰۵، دهگانه. ده ۱۲۰

عَشْرًا: أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا (۲۳٤:۲)
دَه ۲

~: فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِكَ (۲۷:۲۸)
ده ۱

---

۱. سر بازنید / سرباز زنید آیا مترجم کلمه را با «عصیتم» اشتباه کرده است (؟).
۲. شایید: نزدیک است که شما؛ شاید که شما.

عَشَرَةٌ: وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ (۲:۱۹٦)
دَه ۲، ده روز ۷۵، دهه ۱۰۰

~: فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ (۵:۸۹)
ده ۱

عِشْرُونَ: إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ (۸:٦۵)
بیست ۱، بیْست ۲

بِالْعَشِيِّ: وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ (۳:٤۱)
شفانگاه[1] ۲۵، نماز دیگر ۵۸، شام ٦۰، شبگاه ٦۷، شبانگاه ۹٤، شبآنگاه ۱۰۰، خفتن ۱۱٤

~: يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ (٦:۵۲)
اویارگه[2] ۱، شبانگاه ۲، شبانگاهان ۹، شبانگاه هان ۲٦، شبان گاه ۵۳، شبانگاه ۵۵، شب انگاه ۹۰

~: يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ (۳۸:۱۸)
شبان گاه ۲۲، شامگاه ٤۱، شبانگه ۹۵

~: إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ (۳۸:۳۱)
شبانِ گاهان ۲۲، پس نماز پیشین ۲٤، پسین ۱۲۲

~: وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ (٤۰:۵۵)
شبنگاه ۲۲، نماز شام ۱۲۱

عَشِيًّا: فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۱۹:۱۱)
اویارگه[2] ۱، شبانگاه ۲، نماز پیشین ۷۲، شب هنگام ۱۰۷

~: وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۱۹:٦۲)
شبآنگاه ۱۰۰

~: وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ ... وَعَشِيًّا (۳۰:۱۸)
شبانگاهان شام و خفتن ۲، نماز دیگر ۳۹، نماز شام ٤۳، خفتن ۷٤، شبانگاهان ـ نماز خفتن ۹٤، هنگام نماز خفتن ۱۰۰، خفتن گاه ۱۱٤، در خفتن آید ۱۱۷، شبانگه ۱۲۵

~: النَّارُ ... عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا (٤۰:٤٦)
شبانگاهها ۳، شب ۱۲۳

عَشِيَّةً: يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۷۹:٤٦)
اویارگه[2] ۱، شبانگاه ۲، شب هنگام ۷۹، خفتن ۱۳٦

الْعَشِيرُ: لَبِئْسَ الْمَوْلَىٰ وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ (۲۲:۱۳)
دوست ۱، تبار ۲، یار ۳، گیرنده ۱۲، تبار ۳۰، انباز ۳٦، آمیزنده ۳۹، خویشاوند ٤۱، همباز ٤۲، خویشاوندی ٤۳، دودمان ۵۲، یاْر ۵۳، دوست سازگار ۵٤، خویش و یار ۵٦، همنشین ٦٤، آمیزنده و یار ۷۲، یار و خویش ۸۰، خداوند گیرنده ۸۸، یار و هم جای ۹٤، دودماننده ۱۰۵، آمیزگار ۱۱۵

عَشِيرَتَكَ: وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (۲٦:۲۱٤)
خُویشاوندان ۲، تبار ۳، خویشاوندان ۲۰، خویشان ۲٤، گروه ٤٦، قبیله ۱۳۸

عَشِيرَتُكُمْ: قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ ... وَعَشِيرَتُكُمْ (۹:۲٤)
تَبار ۲، تبار ۳، خویشاوندان ۱۰، خویشان ۲٤، خویشاوندان ۲۷، خویشاوند ٤۱، تبارّان ۵۵، نزدیکان ۵۸، یاران ۸۰، تباران ۹۱، تبآران ۹٤، خویشان نزدیک ۱۰٤، خویشان و تبار ۱۰۹، تبارها ۱۱٤، خویش و تبار ۱۲۹

عَشِيرَتَهُمْ: أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ (۵۸:۲۲)
خویشان ۱، تبار ۲، خویشاوندان ۲٤، تباران ۳۰، خویشَان ٤۲، پدرزایان ۹٦، انباز ۱۱٤، خویش ـ تبار

---

۱. شفانگاه / شبانگاه.
۲. اویارگه: شبانگاه.

۱۲۹، خواهران ۱۳۰

عَصَاكَ: فَقُلْنَا اَضْرِب بِعَصَاكَ الْحَجَرَ (۲:۶۰)
چوب دستی ۳، چَوبِت ۱۰، عکا ۵۳

~: وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ (۷:۱۱۷)
چوب دستی ۶۱، دست‌ور ۱۰۶

~: أَنِ اضْرِب بِعَصَاكَ الْحَجَرَ (۷:۱۶۰)
چَوب ۱۰

~: وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ (۲۸:۳۱)
دست چوب ٤٦، چوب دست ٦٤، چوبدست ۱۲۲

عَصَانِي: وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱٤:۳٦)
نافرمان شهد ۱، بی‌فرمانی کند ۳، بی‌فرمانی کرد ۳۰، نافرمانی کند ۵۳، بی‌فرمانی گرد ۵۵، نافرمانی کند ۷۶، بیفرمانی کند ۹۲، بی‌فرمان شود ۹٦، نافرمانی کرد ۱۰۲، فرمان برداری نکند ۱۱۳

عَصَاهُ: فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (۷:۱۰۷)
چوب دستی ۳، چوب ۹۲، دست‌ور ۱۰٦، باهو ۱۲۷

عَصَايَ: قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا (۲۰:۱۸)
دست آسای ۵۸، دست آسا ۷٤، دستور ۱۰٦، چوب دست ۱۲۲

عُصْبَةٌ: أَحَبُّ إِلَىٰ أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ (۱۲:۸)
گره[1] ۱، گروه ۲، ده ۳٦، گروه بسیار ٦۱، باریک دیگر ۷٦، گروهه مردان بکار آینده تر ۷۹، جماعت ده‌تن ۹۳، گروه با نیرو ۹٦، مردان کاری ۱۰۲، مردان بکار آینده ۱۰٤، توانا ۱۱۱، مردان پیکار ۱۱۳، گروه توانایان ۱۱٤، بزرگان ۱۱۵، کارگذار ۱۲۰، توانا و کارگذار ۱۳۰

~: قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ (۱۲:۱٤)
گُروه ۲، ده‌تن ۵۸، گروه با قُوّت استاده ۷٦، ده مرد ۸۸، گروه ده مرد ۹۳، توانا و کارآمدنی ۱۱۱، جوانان ۱۱۵، جوانان کارزار ۱۲۲، گروه توانا ۱۲۳، مردان کاردیده ۱۲٦، گروهی به نیرو ۱۲۸

~: إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنكُمْ (۲٤:۱۱)
دشمنی ۸٤

~: إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوأُ بِالْعُصْبَةِ (۲۸:۷٦)
مردان سخت ۷٦، گروهان ۹۰، گروه مردمان ۱۰۳

وَالْعَصْرِ: وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۱۰۳:۱)
شبانگاه و آمدن شب ۲، روزگار ۲٤، نماز دیگر ۳۹، شبانگاهان ۸۸، نماز دیگر و روزگار ۹۰، زمانه ۹٦

الْعَصْفِ: وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (۵۵:۱۲)
برگ ۱، گاه ۲، بَرگ ٤۲، کاه خشک ۵۲، برگ روزی چهارپای ۵٦، برگهای کاه ٦٤، کاژیره ۸۱، کاه ۱۰۰، کاه ۱۰٤، پایه ۱۰۸، برگه جوید[ه] ۱۱۰، شاخ ۱۳٦

~: فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ (۱۰۵:۵)
بَرگ گندم ۲، برگ گندم ۲٤، برگ خرما ۳۹، برگ پوسیده خورده ٤۱، برگ کشت ۵۲، گیاه ۷۹، برگ گیاه ۹٤، کاه برگ ۱۰۰، بلک کشت ۱۰٦، برگ کاه ۱۲۰، کشت‌زار ۱۳۲

عَصْفًا: وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (۷۷:۲)
سخت شدنی ۱، برکندن ۲، سخت جستن ۳، جستن ۱۹، جهنده ۳٤، سخت ۳۹، بریدن سخت و برکندن ۵٦، باد سخت ٦۱، گرد انگیزد ۷۸، بزیدن[2] ۹۱، بزیدن[2] سخت ۹۲، سخت جهیدن

---

۱. گره / گروه.
۲. بزیدن / وزیدن.

۱۱۶، سخت رفتن ۱۲۰، تند باد ۱۲۲، بشتاب آمدن ۱۳۲، شکستن ۱۳۶

عِصَم: وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ (۶۰: ۱۰)
نکاحها ۱، بَندها ۲، پیوندها ۳، بندها ۳۰، نگاه داشت ۳۸، استواری ۵۶، رسنها ۶۷، پیوند ۸۰، پیوندها ـ نکاحها ۹۱، خودپاسته[1] ۹۶، نگاه داشتن ۱۰۰، نگاه داشتها ۱۰۹

عَصَوْا: ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (۲: ۶۱)
بی‌فرمانی کردند ۲، نافرمانی کردند ٤، نافرمانی کردَند ۱۰، بی‌فرمانی گردَنْد ۵۵، نافرمانی پیشه کردند ۱۲۷

~: ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (۳: ۱۱۲)
بی فرمانی کردنْد ۲، نافرمانی ٤۰، بی‌فرمانی کردَند ٤۲، از فرمان بیرون شدند ۵۷، گناه کردند ۱۳۶

~: يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ (٤: ٤۲)
نافرمان شدند ۱، نافرمانی کرده باشند ۱۰، بی‌فرمان شدند ۳۹، نافرمانی کرده‌اند ۵۳، بی‌فرمانی شدند ۹۲، بی‌فرمانی کردند ۹۷، بی‌فرمانی کردن ۱۱۹

~: ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (۵: ۷۸)
بی‌فرمانی کردنْد ۲، بی‌فرمانی گردَند ۵۵، فرمان گذاشتند ۹۶

~: وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (۱۱: ۵۹)
بی‌فرمانی کردند ۲، بی‌فرمان کردن ۵۲، بی‌فرمانی گردَند ۵۵، نافرمان برداری کردند ۷۹، بیفرمانی کردند ۹۶، نافرمانی نمودند ۱۰٤، نافرمان شد ۱۱۸

~: فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً (۶۹: ۱۰)
نافرمان برداری کردند ۱۱۳، فرمان نبردند ۱۱۶

عَصَوْكَ: فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ (۲۶: ۲۱۶)
نافرمانی شند ۱، فرمان نکنند ۲٤، نافرمانی کنند ۳۹، بی‌فرمانی کنند ٤۱، نافرمان شدند ۵۶، نافرمانی کند ۷٤، بیفرمانی کنند ۱۲۳

عَصَوْنِي: قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي (۷۱: ۲۱)
نافرمان شدند ۱، بی‌فرمانی کردند ۳۰، نافرمان برداری کردند ۷۹، نافرمانی کردند ۹۶، بیفرمانی کردند ۱۱٤

عَصَى: وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ (۲۰: ۱۲۱)
نافرمان شد ۱، بی‌فرمان شد ۲٤، نافرمانی کرد ۲۹، بی‌فرمانی کرد ٤۱، نافرمانی گردْ ۵۳، بیرون آمد از فرمان ۵۶، نافرمانی نمود ۸۶، نافرمان برداری کرد ۱۱۳

~: فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا (۷۳: ۱۶)
نافرمانی گرد ٤۲، بیفرمان شد ۹۹، بیفرمانی کرد ۱۱٤

~: فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ (۷۹: ۲۱)
فرمان نبرد ۲۹، بی‌راه شد ۹٤

عَصِيًّا: وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا (۱۹: ۱٤)
بی‌فرمان ۲، نافرمان بردار ۲٤، نافرمان و بی‌فرمان ۵۹، سخن ناشنو ٦٤، گردن کش و نافرمان ۱۲٤، نافرمانی ۱۳۰، نافرمانبردار ۱۳۲

~: إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ عَصِيًّا (۱۹: ٤٤)
نافرمان ۱، نافرمان بُردارْ ۲، بی‌فرمان بردار ٤٤، فرمان نابرنده ۸۶، بیفرمان ۹۲

الْعِصْيَانَ: الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ (٤۹: ۷)
نافرمانی ۱، بی‌فرمانی کردن ۳، نافرمان برداری

---

۱. پاستن، از «پایستن» به معنی پاییدن و مراقبت کردن.

۲٤، نافرمان شدن ۳۸، بی فرمانی ۳۹، نافرمان برداری کردن ۷۹، نافرمان شدن ۸۱، نافرمانی کردن ۸۷، برون آمدن از فرمان ۱۱٤، بیفرمانی ۱۲۳

عَصِيبٌ: وَقَالَ هَٰذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ (۱۱: ۷۷)
سخت ۱، سختْ ۲، نیک سخت ۳۶، سخت سهمگین ٤۸، سخت ۵۵، دشخوار ۵۷، سخت و دشوار ٦۱، سهمگین ۱۰۲، سخت است ۱۰۵، سخت دشوار ۱۱۵، بسیار سخت ۱۳٦

عَصَيْتُ: قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي (٦: ۱۵)
نافرمان شم[1] ۱، نافرمان شوم ۹، نافرمانی کنم ۵۳، بی فرمان شوم من ٦۱، بیفرمان شوم من ۹۹، نافرمانی نمایم ۱۰٤، بیفرمانی کنم ۱۱۲، فرمان نبرم ۱۱٦

~: إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۰: ۱۵)
بی فرمانی کنم ۲، نافرمانی کنم ۲۹، بی فرمان شوم ۳٦، بی فرمانی کنم ۵۳، بی فرمانی کنم ۵۵، پس روی نکنم ٦۹

~: آلْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ (۱۰: ۹۱)
نافرمان شدی ۱، بی فرمانی کردی ۲، بی فرمانی کردی ۳، نافرمانی کردی ۲۹، نافرمانی کردی ۵۳، بی فرمانی کردی ۵۵، بی فرمانی کرده بودی تو ۹۱، بیفرمانی کردی تو ۱۲۳

~: أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي (۲۰: ۹۳)
بی فرمان گشتی ۲، بی فرمان شدی ۳٦، نافرمانی کردی ۵۳، بی فرمان شدی تو ۵۸، بگذاشتی ٦۷، فرمان نبردی ۱۱۱، نافرمان برداری کردی ۱۱۳، بیفرمانی کردی ۱۱٤، بیفرمان شدی ۱۲۳، بی فرمان گشتی ۱۲۹، سرکشیدی ۱۳۱

~: قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۳۹: ۱۳)
بی فرمانی کنم ۳، نافرمان شومْ ۲۲، نافرمان شوم ۵۳، نافرمان برداری کنم ۷۹، نافرمانی کنم ۸۱، نافرمانی کنم ۱۱۱

عَصَيْتُمْ: وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ (۳: ۱۵۲)
نافرمان شدید ۱، بی فرمانی کردید ۲، بی فرمانی کردیت ۳، بی فرمانی کردید شما ۲۷، نافرمانی کردید ۲۹، نافرمانی کردید مرکز بگذاشتید ٤۰، بی فرمانی کردید ٤۲، نافرمانی کردید شما ٤۳، نافرمانی کردید ۵۳، بی فرمان شدی شما ۵۷، بی فرمان شدید ٦۱، بی فرمانی کردند ۷۸، ناستادید[2] و فرمان گذاشتید ۹٦، بیفرمانی کردید ۱۱۲

عَصَيْتُهُ: فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ (۱۱: ٦۳)
نافرمان شم[3] ۱، بی فرمانی کنم ۲، بی فرمانی کنم ۳، بی فرمان شوم ٤۱، بی فرمانی کنم ۵۵، نافرمان شوم ۷۵، بیفرمانی کنم ۹٦، نافرمانی کنم ۱۰۰، نافرمانی نمایم ۱۲٦

عَصَيْنَا: قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا (۲: ۹۳)
نکنیم ۲، فرمان نه بریم ۱۰، نکنیم فرمان ۳۸، نکنیم فرمانت ٤۲، فرمان نکردیم ۵۳، بی فرمانی گردیمْ ۵۵، فرمان نبردیم ۵۷، بی فرمان گشتیم ما ٦۱، سرباز زدیم ٦٤، نکنیم فرمانت ۷٦، فرمان نکنیم ۸٤، نافرمانی کنیم ۸۸، نافرمان برداری کردیم ۹۵، بیفرمانی کردیم ما ۱۲۳، نافرمان شدیم ما ۱۲٤، نافرمانی نمودیم بدل ۱۳۰، فرمان

---

۱. نافرمان شم / نافرمان شوم.
۲. ناستادید / نه ایستادید.
۳. نافرمان شم / نافرمان شوم.

نمی بریم ۱۳٦

~: وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ (٤٦:٤)
نافرمان شدیم ۱، بی فرمانی کردیم ۳، نافرمانیم ۱۰، فرمان نه بریم ٤۰، نافرمانی کردیم ۵۲، بی فرمانی کردیم ما ٦۱، بی فرمان شدیم ٦٤، نافرمانی نمودیم ما ۱۰٤، فرمان نبردیم ما ۱۱۸، نافرمان گشتیم ۱۲۹

عِصِيُّهُمْ: فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ (٦٦:۲۰)
چوب دستها ۱۰۰، دستورها ۱۱٤، رشتها ۱۲۹

~: فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ (٤٤:۲٦)
چوبها ۲، باهوها[1] ٤۷، چوبهاء ۹۰، چوُها[2] ۱۱۹

عَضُدًا: وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا (٥۱:۱۸)
ایارانی[3] ۱، بازُو ۲، یاری گر ۳، یار ۳۹، یاور و بازو ٤۲، بازو ٤۳، یَاری گرَ ۵۵، بازوی ٦۱، یاری ۷٤، یاری دهنده ۹٤، هم پشت ۱۰۰، دوست ۱۰٦، یاران ۱۱۱، یار و یاور ۱۳۲، یاری ده ۱۳۳، مدد کار ۱۳۵

عَضُدَكَ: قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ (۳۵:۲۸)
بازو ۲، دست ٦۲، بازوی ٦٤

عَضُّوا: وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ (۱۱۹:۳)
بخایند ۱، گزند ۳، بدَندان گیرند ۱۰، می گزند ۲۳، در دندان گیرند ۲٤، بدندان فرو گیرند ۲۹، بگزند ۳٦، می گزید ۵۳، گَزَندْ ۵۵، بگزند و بخایند ۵۸، با یکدیگر بخایند ۱۱۱، بخوایند و بگزند ۱۱٦، بخایند و بگزند ۱۲۲، می گیرند ۱۲٤، بخوایند ۱۲۷

عِضِينَ: الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ (۹۱:۱۵)
پارها ۱ و ۲۹، پَاره پَاره ۲، پاره پاره ۳، اندام اندام ۳٦، بهتان و دروغ و آفسانه ٤۱، لخت لخت ٤۲، پَارَها ۵۳، پارَه پارَه ۵۵، پاره پَاره ۷۱، بهره بهره ۷۸، پاره ها ۸۹، دروغها و افسانهای پیشینیان ۱۲۲، دروغها و افسانهٔ پیشنیان ۱۲۷

عَطَاءً: إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ (۱۰۸:۱۱)
دادن ۲۹، پاداش ٤۹، دِهش ۵۵، بخشش ۵٦، بخشودن ۷۲

~: وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (۲۰:۱۷)
دهش ۲، بخشش و دهش ٤۱، دَهِش ٤۲، داده ۵۷، بخشایش ۱۲۹

~: جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا (۳٦:۷۸)
بخشیدن ۲، دهش و بخشش ۵٦، داد ۹۲، جایزه ۱۳٦، دادنی ۱۳۸

عَطَاؤُنَا: هَٰذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۹:۳۸)
دهش ۳، بخشش ۳۰، پادشاهی دادن ۵٦، دادن ٦۹، داده ۷۹، بخش ۱۲۳

عِطْفِهِ: ثَانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ (۹:۲۲)
بازوی ۱، دوش ۳، پهلوها ۳٤، گردن ۳٦، روی یک سو می کند ٤۱، بهلو ٤۲، بگردانید پهلوی خویش ۹٦، پهلوی ۱۰۳، سر ۱۱٤، کران ۱۲۸، دامن ۱۳۱

عُطِّلَتْ: وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (٤:۸۱)
هرزه کنند ۲٤، رها کنند ۲۹، بگذارند ۳۰، فرو گذاشته شود ۳٦، بی کار مانند ٤۱، گذاشته شوند ۵٦، فروگذارند ٦۱، فروگذاشته شوند ٦۵، جدا

---

۱. باهو: عصا؛ چوبدست.

۲. چوها / چوبها.

۳. ایاران: یاری گران.

ماند ۷۸، بار فرو گذارند ۱۰۶، بگذارند ـ بجای مانند ۱۰۸، گذاشته شود ۱۰۹، مهمل گذاشته شوند ۱۱۳، بارنهند ۱۳۴، بازماند ۱۳۶

ٱلْعِظَامِ: وَٱنظُرْ إِلَى ٱلْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا (۲: ۲۵۹)
استخوانها ۱، استُخوانها ۲، خورش[1] ۴۱، اسْتُخوانَها ۵۵، استخوانهاء ۹۰، استخو آنها ۹۴، استخوانهای پوسیده ۱۲۲

~: فَكَسَوْنَا ٱلْعِظَٰمَ لَحْمًا (۲۳: ۱۴)
اِسْتخوان ۲، استخانها ۳، استخوان ۲۴، استخوان پارها ۱۱۴، استخوان ها ۱۳۸

عِظَامًا: وَقَالُوٓا۟ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمًا وَرُفَٰتًا (۱۷: ۴۹)
استخوانها ۱، اِسْتخوانها ۲، استخانها ۳، استخوان ۲۴، استُخوانْ ۵۳، اسْتُخوانْها ۵۵، استخوانهاء ۹۰

~: وَقَالُوٓا۟ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمًا وَرُفَٰتًا (۱۷: ۹۸)
ستخوانها[2] ۸، استخوانهای پوسیده ۹۳

~: أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۳۷: ۱۶)
استخوانهای پوسید و ریزنده ۴۱

~: أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَدِينُونَ (۳۷: ۵۳)
استخوانها ریزنده ۴۱

~: أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا (۵۶: ۴۷)
استخان ۳، استخوان ریزیده ۱۲۶

عِظَامَهُ: أَيَحْسَبُ ٱلْإِنسَٰنُ أَلَّن نَّجْمَعَ عِظَامَهُ (۷۵: ۳)
استخوانها ۱، اِستخوانها ۲، استخانها ۳، استخوانهای ریزنده ۴۱، استخو آنها ۹۶، استخوان ۹۸

ٱلْعَظْمُ: أَوِ ٱلْحَوَايَآ أَوْ مَا ٱخْتَلَطَ بِعَظْمٍ (۶: ۱۴۶)
استخوَان ۱، استخوان ۱۰، اِستخوان ۵۳

~: قَالَ رَبِّ إِنِّى وَهَنَ ٱلْعَظْمُ مِنِّى (۱۹: ۴)
استخان ۲۹، استخوانها ۵۹

عِظُهُمْ: فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُل لَّهُمْ (۴: ۶۳)
پند ده ۱، پندْ دِه ۲، پَندِی نیک بدَه ۱۰، پَند دِه ۴۲، پَند دِهْ ۹۴، پند دهد ۱۲۶

فَعِظُوهُنَّ: فَعِظُوهُنَّ وَٱهْجُرُوهُنَّ فِى ٱلْمَضَاجِعِ (۴: ۳۴)
پند دهید ۱، پند دَهید ۱۰، پند دهیت ۳۰، پند دَهید ۴۲، پند دهی ۶۰، پند دَهید ۶۲، پند بدهیت ۹۱، پند بدهید ۹۶، پند گوئید ۱۲۳

عَظِيمًا: كُنتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا (۴: ۷۳)
بزرگ ۱

~: إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمًا (۳۳: ۵۳)
بزرگتر ۸۸

~: فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۴۸: ۱۰)
بزرگه ۱۱۰

عَظِيمٌ: وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۲: ۷)
بُزرگْ ۲

~: وَلَا يَـُٔودُهُۥ حِفْظُهُمَا وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْعَظِيمُ (۲: ۲۵۵)
بزرگ و بزرگوار ۴۱، بُزرگتر ۴۲، بزرگوآر ۱۰۰

~: وَأُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۳: ۱۰۵)
سخت بزرگ ۴۰

~: أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِى ٱلْـَٔاخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۳: ۱۷۶)
سخت و بزرگ ۴۰

~: وَذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ (۴: ۱۳)

---

۱. ظاهراً معنی تفسیری است.
۲. ستخوانها / استخوانها.

بزرگوار ۴۰

~: وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۵:۳۳)

دردناک ۱۲۴

~: إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۶:۱۵)

رستخیز ۱۲۴

~: ذَٰلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ (۹:۶۳)

سهمگن ۱۰

~: ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹:۷۲)

بزرگتر ۲۴

~: وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۶:۱۰۶)

سخت ۶۱

~: فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۹:۳۷)

بُزرگ ۲

~: قُلْ مَنْ رَبُّ ... وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۲۳:۸۶)

بزرگوار ۱

~: إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۲۸:۷۹)

بسیار ۵۸

~: لَهُ مَا فِي ... وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۴۲:۴)

بزرگ ۱، بزرگوارتر ۱۶، بزرگُوار ۲۲، بی همتا ۳۴

~: ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۴۴:۵۷)

بزرگه ۱۱۰

~: فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۵۶:۹۶)

بسیار بزرگوار ۱۳۶

~: خَالِدِينَ فِيهَا ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۵۷:۱۲)

بزگوار[1] ۸۱

~: وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ (۶۸:۴)

بزرگوار ۳۹

عَفَا: فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ (۲:۱۸۷)

درگذاشت ۳، بگذاشت ۶۷، درگذارید ۹۴، بپذیرفت ۱۰۲، گذرانید ۱۰۹، درگذراند ۱۲۱، درگذرانیدن ۱۲۷

~: وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ (۳:۱۵۲)

أندرْ گُذشت ۲، درگُذاشت ۴۲

~: وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۳:۱۵۵)

أندرْ گُذاشتْ ۲، فراگذاشت ۴۹، درگذرانید ۱۰۲

~: عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ (۵:۹۵)

أندر گُذاشت ۲، اندرگذاشت ۹، درگذرانید ۶۷، درگذاشته است ۹۰، درگردانید ۹۲

~: عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۵:۱۰۱)

اندر گذشت ۲۹، بگذشت ۷۲، درگذشته است ۱۱۱، درگذر ۱۱۹

~: عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنْتَ لَهُمْ (۹:۴۳)

درگُذاشت ۲، درگذشت ۲۹

~: فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ (۴۲:۴۰)

درگذارد ۳، اندر گذارد ۱۶، در گذارد ۳۲، بگذارد ۶۱، درگذرد ۱۰۰

عِفْرِيتٌ: قَالَ عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ (۲۷:۳۹)

ستنبه و نیرومند ۲۰، ستنبه ۲۳، سهمناک ۲۹، دیو ستنبه ۳۹، دیوی ستنبه ۴۱، ستنبه ـ بدترین ۹۱، دیو ۱۰۳، ستمبه ۱۰۹

★ عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ: قَالَ عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ (۲۷:۳۹)

---

۱. بزگوار / بزرگوار.

بزرگ از دیوان ۱۰۵

عَفَوْا: حَتَّىٰ عَفَوا وَّقَالُوا قَدْ مَسَّ ءَابَآءَنَا (۷:۹۵)
فراوان شدند ۱، بسیار خواسته شدند ۱۰، بسیار شدند ۲۷، بیفزودند ۲۹، برشدند ۳۵، بسیار گشتند ۴۲، بسیار ببودند ۴۵، بشْیار شُدَنْدْ ۵۵، انبوه شدند ۵٦، درگذشتند ۱۰۰، بسیار شد ۱۰٤، بسُیار گشتند ۱٤۰

اَلعَفوَ: وَيَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ (۲:۲۱۹)
اوزونی[1] ۱، افزون تر و آسان تر ۲، فزُون تر و آسان تر ٤۲، فزون تر ۵۲، آنچه بسر میامده است ۵۷، آنچه افزون تر ۸۲، فزونتر و آسانتر ۹٦، آسان تر ۱۰۵، افزونی و آسانی ۱۲٤، فزون تر و آسان تر ۱۲۷

~: خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَٰهِلِينَ (۷:۱۹۹)
أندر گُذاشتن ۲، درگذاشتن ۳، اندر گذاشتن ۲۷، آسانی ۲۹، دَر گُذاشْتَن ۵۵، بخشش ۹۳، درگذشتن ۱۱٤، بخشایش ۱۳٦

عَفُوًّا: إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا (٤:٤۳)
أندر گذارنده ۲، درگذارندهٔ ۳، اندرگذارنده ۱۰، درگذارنده ۲٤، ناپیدا کننده ۳٦، فروگذارنده گناه ٤۹، درگُذارَنده ۵۵، درگذرنده ٦۳، پوشنده ٦۷، ناپیدا کننده ۱۰۹

~: وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا (٤:۹۹)
درگُذارنده ۲، درگذارنده ۳، اندر گذارندَه ٤۵، درگزارنده ۹۷، درگذرانده ۱۱۹، بخشاینده ۱۳٦

~: فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا (٤:۱٤۹)
اندر گذارنده ۲۹، دَرگزارندَه ٤۲، درگذرنده ٦۳، فروگذارنده ۸۸، آمرزنده ۱۳٦

عَفُوٌّ: إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (۲۲:٦۰)
اندر گُذارنده ۲، نیک درگذارنده ۳، آمرزنده ٦۱، گذرنده ۱۳۸

~: وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (۵۸:۲)
فراگذارنده ٤۹، پوشنده گناه ۵۲

عَفَوْنَا: ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ (۲:۵۲)
درگذاشتیم ۲، درگُذاشتیم ٤، درگذشتیم ۲۹، فروگذاشتیم ۳٤، اندرگذشتیم ۵۳، درگذرانیدیم ۱۰۹، بخشیدیم ۱۱٤

~: فَعَفَوْنَا عَن ذَٰلِكَ ۚ وَءَاتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَٰنًا مُّبِينًا (٤:۱۵۳)
أندرْ گُذاشتیم ۲، درگذاشتیم ۳، اندر گذاشتیم ۱۰، درگذاشتیم ما ۲٤، دَرگُذاشتیم ٤۲، اندر گذرانیدیم ۵۳، درگذشتیم ما ٦۳، درگذاریم ۷۵، درگذرندیم ۱۰۲، گذشتیم ما ۱۰٦

عُفِیَ: فَمَنْ عُفِيَ لَهُۥ مِنْ أَخِيهِ شَىْءٌ (۲:۱۷۸)
اندر گذارد ۲، درگذاشته شود ۳، اندر گذارند ۲۹، آندر گُذارَد ٤۲، دَر گُذاشْته شود ۵۵، درگذارند ۵٦، درگذرند ٦۳، اندر گذرد ۷٦، دست بازدارد ۸۸، درگذآرد ۱۰۰، آسان فراگیرد ۱۰۲، فروگذاشته شود ۱۰٤، درگذاشته ۱۱۹، درگذارد ۱۲٤

عِقابِ: ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۱۳:۳۲)
سرانجام ۸٤

اَلعِقابِ: فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۳:۱۱)
شکَنجه ۵۵

~: وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۵:۲)
شَکَنجه ۵۵

۱. اوزونی / افزونی.

~: شَدِيدِ ٱلْعِقَابِ ذِى ٱلطَّوْلِ (۴۰:۳)
شکنجه ۳

عُقْبًا: هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا (۱۸:۴۴)
سرنجام ۲، سرانجام ۳، آخر کار ۵۳، سَرانْجام ۵۵، سَرانجام ۵۷

عُقْبَاهَا: وَلَا يَخَافُ عُقْبَٰهَا (۹۱:۱۵)
سرانجام ۳۴، پایان کار ۸۰

اَلْعَقَبَةُ: فَلَا ٱقْتَحَمَ ٱلْعَقَبَةَ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْعَقَبَةُ (۹۰:۱۱)
گریوه[1] ۷۹، دره ۹۰، دشواری ۱۰۹، کوه دشوار ۱۲۰، پشته بلند ۱۲۲

~: وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْعَقَبَةُ (۹۰:۱۲)
راه دشوار ۱۰۴، راه دشوار و نگذشته ۱۳۰

عَقِبِهِ: وَجَعَلَهَا كَلِمَةًۢ بَاقِيَةً فِى عَقِبِهِۦ (۴۳:۲۸)
پس ۲۲، فرزندان ۲۴، پَی ۸۱

عُقْبَى: أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عُقْبَى ٱلدَّارِ (۱۳:۲۲)
فرجام ۱، سرانجام ۳، آخر کار ۵۳، انجام ۵۷

~: سَلَٰمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى ٱلدَّارِ (۱۳:۲۴)
سرنجام ۲، سَرانجام ۵۵

~: تِلْكَ عُقْبَى ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوا۟ (۱۳:۳۵)
سَرانجام ۵۵

عَقِبَيْهِ: مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ (۲:۱۴۳)
دو پاشنه ۲، پاشنه ها ۳۶، دوپاشنه ۵۵، هر دو پایشنه ۵۷، دوپا ۶۳، پی پا ۱۰۰، دوپای ۱۰۶، پاشنه ۱۱۲، پس پس ۱۲۲، پاشنهای پا ۱۳۰، پی ۱۳۶

~: وَمَن يَنقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ ٱللَّهَ شَيْـًٔا (۳:۱۴۴)
دوپاشنک ۱، دو پایشنه ۲، دو پی خود ۳، پی سو ۲۷، پی ۲۹، دوپی ۳۰، هردو پاشنه ۵۲، پس ۵۳، دُو پَیْ ۵۵، دو پی پا ۶۳، دوپاشنه ۶۹، پی پایها ۸۵، پی پایها ۱۰۰

~: نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّى بَرِىٓءٌ مِّنكُمْ (۸:۴۸)
دوپاشنه ۳، پاشنه ۱۱، پاشنها ۳۶، دُو پاشنه خَوْد ۵۵، دو پی پای ۶۳، پاشنهاء ۹۰، بر پی خویش ۹۳، پی پاها ۱۳۴

اَلْعُقَدِ: وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِى ٱلْعُقَدِ (۱۱۳:۴)
گِرَهها ، گِرهها ۲، گره ۹۰، بند ۹۶، بندها ۱۰۵، کوهها ۱۱۴

عَقَدَتْ: وَٱلَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَٰنُكُمْ فَـَٔاتُوهُمْ (۴:۳۳)
دجک بستند[2] ۱، گره بست ۳، سوگند خُوردستی ۱۰، ببستند ۳۹، پذیرفته بود ۴۰، پیمان بستند ۴۱، ببست ۴۲، گِره بَست ۵۵، بسته شد ۵۷، بستند ۵۸، بسته شده باشند ۶۳، بسته باشند ۷۶، بسته‌اند ۹۰، بِبَسْتَنْد ۹۴، بسته است ۱۱۱، گره بسته شد ۱۱۹، به بستند ۱۲۱، بسته‌اید ۱۲۲، بسته باشد ۱۳۵

★ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ: وَٱلَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَٰنُكُمْ (۴:۳۳)
سوگند خُوردستی ۱۰، خوردستی سوگند ۲۴، شما بایشان سوگند خورده باشید ۹۶

عُقْدَةَ: وَلَا تَعْزِمُوا۟ عُقْدَةَ ٱلنِّكَاحِ (۲:۲۳۵)
بستن ۱، بَسْتن ۲، بَستَن ۴۲، گِره ۵۵، بربستن ۹۵

~: أَوْ يَعْفُوَا۟ ٱلَّذِى بِيَدِهِۦ عُقْدَةُ ٱلنِّكَاحِ (۲:۲۳۷)
پند ۲، فرابستن ۳۴، بَند ۵۳

---

۱. گریوه: پشته.
۲. دجک بستند: گره بستند.

~: وَٱحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي (۲۰:۲۷)
دجک[1] ۱، گره ۲، بستگی ۲۹، بند ۴۲، گرهٔ ۵۳، گرهٔ ۸۸، گره و بستگی زبان ۹۴، دلبستگی ۱۲۶

عَقَّدتُّم: يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ ٱلْأَيْمَٰنَ (۵:۸۹)
دجک[1] بستید ۱، ببندید شما ۲، بندیت ۳، بشکسته باشید ۹، ببندیت ۱۰ مکرّر، ببندید ۲۶، بربندید ۲۹، بسته کنید ۳۰، ببستید ۳۷، بستید شما ۵۶، بسته باشید شما ۶۳، گره بندید ۶۹، بستیت ۹۱، بَرْبَنْدیدِید ۹۴، بسته‌اید ۹۸، استوار گردانیدید ۱۰۴، به بندید شما ۱۰۵، بستید ۱۰۹، بدل بربندید ۱۲۷، استوار شدید ۱۳۰

فَعَقَرَ: فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ (۵۴:۲۹)
بکشت ۱، کشت ۳، پی بکرد ۲٤، پی بکرد و بکشت ۲۹، پی کرد ۳۰، بکشتند ۴۳، بکشت ۵۶، پی کردند ۸۱، کشت پی‌زد ۹۱، پی کرد بکشت ۱۰۰، کشته شد ۱۲٤

فَعَقَرُوا: فَعَقَرُوا ٱلنَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ (۷:۷۷)
بکشتند ۱، بکُشتندْ ۲، کشتند ۳، بَکشتَند ۱۰، بُکشتند ۲۷، پی کردند ۳۹، کُشْتَندْ ۵۵، پی بکردند ۶۰، پی زدند ۹۱، پی کردند و کشتند ۱۰۲، بریدند ۱۳۶

فَعَقَرُوهَا: فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ (۱۱:۶۵)
بکُشتَنْد ۲، پَی بکردند ۷ مکرّر، پی زدند ۳۰، پی بکردَند ۴۲، پی زَدَند ۵۵، پَیْ بکردند ۶۲، پی زدند و کشتند ۹۱، بکُشْتَنْد یا پَیْ زَنَنْد ۹۴، پی کردند و کشتند ۱۰۲

~: فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَٰدِمِينَ (۲۶:۱۵۷)
پَی کردند ۲، کشتند ۳، پی بکردند ۲٤، پی کردند ۳۰، کشتند و پَی کردند ۴۷، بکشتند ۵۶، بکشتند و پی کردند ۶۵، پیکردند ۱۰۸، پی بریدند ۱۰۹، پی کردند و بکشتند ۱۲٤

~: فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ (۹۱:۱٤)
بکشتند ۱، بکشت ۱۳۹

عَقَلُوهُ: ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُۥ مِنۢ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ (۲:۷۵)
دریافتند بخرد ۳، دریافته وُ شناخته و نیک بدانسته بُدند ۱۰، دانستند ۲٤، بدانستند ۲۹، برافتاده بُودَند ۴۲، دریافتند ۴۳، بَخِرَد دَرِیَافْتَند ۵۵، می دانستند ۶۰، بخرد دانستند ۶۱، بخود دانسته بودند ۶۳، برافتاده بودند ۷۶، دریافته بودند ۸۲، دریابند ۹۰، دانسته بودند ۱۱۱، دانسته بودند و دریافته ۱۱۶، بخرد دانسته بودند ۱۲۷

بِٱلْعُقُودِ: يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا أَوْفُوا بِٱلْعُقُودِ (۵:۱)
پیمانها ۲، پیمآنها ۹٤

عَقِيمٍ: أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ (۲۲:۵۵)
بزرگ ۱۲، نازا ۳۶، نازائیده ۹۹، دشوار و سخت ۱۰۰، بی بهره ۱۲۱

~: فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ (۵۱:۲۹)
نازاینده ۱، نازَایَنده ۵۱، کودَک نَازَادهْ ۵۳، نازاد ۱۳۱

~: وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ ٱلرِّيحَ ٱلْعَقِيمَ (۵۱:۴۱)
نافرمان ۲، ی چیز ۳، سخت ۲۹، بی بر ۳۹، بی سود ٤۱، نازای ۱۰۹

عَقِيمًا: وَيَجْعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًا إِنَّهُۥ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (۴۲:۵۰)
نازاینده ۱، نازایَنده ۲، بی فرزند ۲٤، نه‌زا ۵۳، نازایندَه ۸۱، نازآینده ۱۰۰، بسته از فرزند ۱۰۲

عَلا: وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ (۲۳:۹۱)
زورفرازی کردی ۱، برتری جستندی ۲، سربرآورد ۳،

---

۱. دجک: گره.

بلندی کردی ۲۹، برشدندی ۳۹، برتری کرد-برتری گرفتی ٤۳، برترشد ٥٦، برتری جستی ٦۱، برشدی ٦۹، چیره شدی ۷٦، افرشتگی جستندی ۱۰۰، بزرگی دادم ۱۰٥، برتری جستند ۱۰۸، افراشتگی جستندی ۱۱۷، بَرشدِی ۱۱۹، افرشتگی جستید ۱۳۸

~: إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا (۲۸: ٤)
زورفرازی کرد ۱، برتری جست ۲۱، گردن کشید ۲٤، برتری کرد ۳۹، بزرگی جست ٤۱، بزرگی کرد ٤۳، افرشته ٥۳، بزرگ منشی کرد ٦٥، گردن کشی کرد ۷٦، افرشتگی جست ۸۹، بلند بود ۹۲، برتری یافت ۱۰۲، افراشتگی جست ۱۰٦، برتری گرفت ۱۰۸، برتری جست و بزرگی ۱۰۹، برتری و بلندی جست ۱۱۱، بلند شد ۱۱٤، بلندی کرد ۱۲۱، گردن کشی کرد ۱۲۲، بزرگ شد ۱۲٦، گردنکشی کرد ۱۳۲

عَلَّام: قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (٥: ۱۰۹)
دَاننده ۲، نیک داننده ۳، نیک دَانَا ٥٥، همه دان ٥۸، دآننده ۹٤، دانند ۱۳۸

~: وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (٥: ۱۱٦)
دانا ۱، شناسنده ٦۲، نیک دان ۹٥، دانای نهانها ۱۰۲

~: وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۹: ۷۸)
نیک دانا ۳، نیک دَانا ٥٥، دانندَه ٥۷، داناء ۱۰۳، دانا همه دان ۱۰۹، سخت دانا ۱۳٥

~: قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۳٤: ٤۸)
داننده ۱

عَلَامَات: وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ (۱٦: ۱٦)
نشانها ۱، نشانیها ۲، نَشانَهَا ٥٥، نشآنها ۱۰۰

عَلَانِيَةً: بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً (۲: ۲۷٤)
اشکرا ۱، آشکارا ۲، آشَکَارَا ٥٥، آشکاران ٦۱، آشکآرا ۱۰۰

~: وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً (۱۳: ۲۲)
آشکار ٥، اشکارْا ٥۳، پیدا ۱۱٥

~: وَيُنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً (۱٤: ۳۱)
اشکارا ٥۳

عَلَق: خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۹٦: ۲)
خُونّ بسته ۲، خون بسته ۲٤، پاره خون بسته ٦۷، خونهای بسته ۱۲۰، خونهای بسته شکم مادران ۱۳۰

عَلَقَة: ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ (۲۲: ٥)
خون تازه ۱۲، خون سیاه و بسته ٦۲، پارهٔ خون ٦٤، خون پاره ۸٤، پاره خون بسته ۱۲۲

~: ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً (۲۳: ۱٤)
خُون بسته ۲، خون ۳٤، پاره خون سرخ ۱۱۱، پاره خون ۱۲۲، پارهٔ خون ۱۳۲

~: ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ (٤۰: ٦۷)
خون بسته ۲

~: ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ (۷٥: ۳۸)
پاره گوشت ۹۸، پارچه خون ۱۲۲، خون پسته ۱۲۳

عَلِمَ: قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ (۲: ٦۰)
دانسته بودند ۲، دانسته بُدوشناخته بُد ۱۰، بدانستند ٥۷، دانستید ٦۳، میدانستند ٦٤، میدانست ۱۰۰، می دانستند ۱۰۱، دانستند ۱۲۱

~: عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ (۲: ۱۸۷)
دَانِسْت ۲، دانسته بود ۳٦، بداند ٥٦

~: عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِن (۲: ۲۳٥)
دانِسْت ۲، پدید کرد ٦۱، داناست ۱۰٤

~: قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ (۷: ۱٦۰)
دانستند ۱، دانسته بُدند ۱۰، بدانسته بودند ۲۷، همی دانستند ۳۱، دانسته بودند ۱۲٤

~: وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ (۸: ۲۳)

دانستی ۱، بدانستی ۵۸، دانستی - پدید کردی ٦۱، داندی ۱۰۷

~: وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ (۸: ٦٦)

دآنست ۱۰۰، دید ۱۱۱، بدانست ۱۲٤

~: كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا (۲٤: ٤۱)

دانستْست ۲، دانسته است ۱۲۸

~: وَإِذَا عَلِمَ مِنْ ءَايَاتِنَا شَيْـًٔا اتَّخَذَهَا هُزُوًا (٤٥: ۹)

میداند ۲۲، یاد گیرد و بداند ٦٤

~: فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ (٤۸: ۱۸)

دانست ۱، بدانست ٦، می دانست ٦٤

~: فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَٰلِكَ (٤۸: ۲۷)

دانست ۱۲٤

~: عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ (۷۳: ۲۰)

داند ۱، دانسته است ٦٤

اَلْعِلْمُ: قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا (۲: ۳۲)

دَانِشْ ٥٥، دانائی ٦٤، آگاهی ۸۲، دانش جستن ۱۳۸

~: هَا أَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِ عِلْمٌ (۳: ٦٦)

آگاهی و دانش ٤۰

~: مَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ (٤: ۱٥۷)

دانایی ۳٦

~: لَّٰكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ (٤: ۱٦۲)

دانش ۱۰۰

~: قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (٥: ۱۰۹)

دانش ۲

~: فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً (۷: ٥۲)

دانستن ۱٤۰

~: وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ (۱٦: ۲٥)

دانش ۲

~: قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ (۳۹: ٤۹)

دانش هنر ٦۱

~: وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا (٤۳: ٦۱)

نشان ٦۱

~: كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (۱۰۲: ٥)

دانستی ۲٤

★ بِغَيْرِ عِلْمٍ: وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ (٦: ۱۰۰)

بی دانش ۲٦، بنادانی ٤٤

~: لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ (٦: ۱۱۹)

نادانسته ٥۸

~: وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (۲۲: ۳)

بی دانایی ٤۱

~: فَتُصِيبَكُم مِّنْهُم مَّعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ (٤۸: ۲٥)

بی دانستن ۱۲٦

★ لَا عِلْمَ لَنَا: قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا (۲: ۳۲)

ندانیم ۲۹، نیست دانشی ۱۰٦

★ مِنْ عِلْمٍ: وَمَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِن يَتَّبِعُونَ (٥۳: ۲۸)

هیچ دانشی ۸٦

عَلَّمَ: وَعَلَّمَ ءَادَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى (۲: ۳۱)

بیاموزنید ۲، درآموخت ٤، بیاموخت ۱۰، بیآموزانید ۳٦، آموزانید ٥٥، آموزانید ۸۰

~: الرَّحْمَٰنُ عَلَّمَ الْقُرْءَانَ خَلَقَ الْإِنسَانَ (٥٥: ۲)

بیامخت[1] ۱، درآموزانید ۳، واآموخت ۲۹،

---

۱. بیامخت / بیاموخت.

آموخت ٦٤، بیاموخته است ۱۰۳

~: عَلَّمَ ٱلْإِنسَٰنَ مَا لَمْ يَعْلَمْ كَلَّآ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَيَطْغَىٰٓ (٩٦:٥)
بیامُوزنید ۲، بیاموزانید ٥٦، درآموزانید ۱۱۳

عِلْمًا: وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلْنَا (٧:٨٩)
دانستن ۱۰، دانستَن ۱٤۰

~: وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥٓ ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا (١٢:٢٢)
د آنش ۱۰۰

~: وَعَلَّمْنَٰهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا (١٨:٦٥)
دانائی ٥٩

~: وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا (٤٠:٧)
دانش ۳

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًۢا (٦٥:١٢)
دانایی ۲۹، دانا ٦۱

عُلَمَٰٓؤُاْ: أَن يَعْلَمَهُۥ عُلَمَٰٓؤُاْ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ (٢٦:١٩٧)
داناان ۲، دانایان ۳، دانشمندان ۲۹، دانندگان ۹۰، دانشمند آن ۱۰۰

~: إِنَّمَا يَخْشَى ٱللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ ٱلْعُلَمَٰٓؤُاْ (٣٥:٢٨)
دانا آن ۱

عَلِمَتْ: وَلَقَدْ عَلِمَتِ ٱلْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (٣٧:١٥٨)
دانستند ۱، بدانستند ٦۱، دانند ٦٤

~: عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّآ أَحْضَرَتْ (٨١:١٤)
بداند ٥٦، د آند ۱۰۰

~: عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (٨٢:٥)
داند ۱

عَلِمْتَ: قَالُواْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ (١١:٧٩)
تو می دانی ٤۲، بدانسته ای ٥۳، دَانِستی ٥٥، دانستی توا ٥٧، می دانی تو ٥٨، تو دانی ٧٦، دانسته[ای] ۱۰۸

~: لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ (٢١:٦٥)
دانستی ۱، دانسته یی ۲، دانی ۱۲، دانستی تو ٥٦، می دانستی تو ٦٤، میدانستی ۸۷، میدانی ۱۰۳، دانستهٔ تو ۱۲۳

~: مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرِي (٢٨:٣٨)
دانم ٤٦

★ لَقَدْ عَلِمْتَ: قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَآ أَنزَلَ هَٰٓؤُلَآءِ (١٧:١٠٢)
نیک د آنسته ۹٤

★ مَا عَلِمْتُ: مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرِي (٢٨:٣٨)
ندانستم ۱، من ندانستم ۲٤، نمی دانم من ٥۸، ندانسته‌ام ٦۱، ندانسته‌ام من ٦٤، نمیدانم من ۱۰۰، ندانیستم ۱۲۸

عُلِّمْتَ: هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ (١٨:٦٦)
آمخته شدی ۱، بیامُوزنید تُرا ۲، آموزانیده شدی ۳، آموختند ترا ۲٤، ترا آموخته‌اند ٤۲، بیاموزانید ترا ٥۲، آمُوزانیده شدی ٥٥، آموخته شدی ٥٦، آموخته شدی تو ٥۸، آموزانیده شدی تو ٦۱، آموخته‌اند ترا ۷۲، درآموختند ترا ۹۳، آموزانیدند ترا ۱۰٥، آموختندت ۱۱٤

عَلَّمْتُكَ: وَإِذْ عَلَّمْتُكَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (٥:١١٠)
بیامختم[۱] ۱، بیامُوزنیدمتْ ۲، آموزانیدت ۳، بیاموختم ۹، آموختم ۲٤، بیاموزانیدمت ۲٦، بیاموزانیدیم ۲۷، درآموختم ۲۹، بیاموزانیدیمت ٥۲، آموزانیدم ٦۱، بیاموختیم ۷٦، درآموزانیدم ۷۹، بیاموزنیدم ۸۸، درآموختمت ۱۰٦، درآموخت ۱۱٤، درآموختیم ۱۲٤

عَلِمْتُمُ: وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ ٱلَّذِينَ ٱعْتَدَوْاْ مِنكُمْ (٢:٦٥)

۱. بیامختم / بیاموختم.

نیک دانستی ۲، دانستیت ۳، دانستید شما ٤، شما نَیک دانَید ۱۰، دانستی شما ۲٤، بدانسته اید ۳٦، نیک بدانستید ۳۸، دانِسْتِیتْ ۵۵، شما دانستی ۵۷، بدانستید شما ۱۲٤

~: قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ (۱۲: ۷۳)

دانستی ۱، دانسته اید ۲، شما دانستید ۵۳، بدانستید شما ۵٦، می دانید شما ٦٤، دانسته اید شما ٦۷، دانُید شما ۷٦، شما دانید ۹۳، دآنید شما ۱۰۰، دانسته آید ۱۰۵

~: قَالَ هَلْ عَلِمْتُم مَّا فَعَلْتُم بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ (۱۲: ۸۹)

دانید شما ۵۸، شما مِی دانید ۷٦

~: فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُم (۲٤: ۳۳)

دانید ۱، دانند ٤۷، بدانید ۵٤

~: وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (۵٦: ٦۲)

دانستید ۱، بدانستید ۵۱

★ لَقَدْ عَلِمْتُمْ: وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنكُمْ (۲: ٦۵)

خود دانسته اید ۲۹، نیک دانستید ۱۰۵

★ هَلْ عَلِمْتُمْ: قَالَ هَلْ عَلِمْتُم مَّا فَعَلْتُم بِيُوسُفَ (۱۲: ۸۹)

یاد داری ۷ مکرّر

عَلَّمْتُمْ: أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ (۵: ٤)

بیامختید[1] ۱، بیاموزنید ۲، شما بیاموخته باشید ۱۰، بیاموزنیدت[2] ۱۰ مکرّر، بیاموزی ۲٤، بیاموخته باشید ۲۷، درآموزید ۲۹، بیاموختید ۳۷، بیاموختیت ٤۱، آموخته اند ۵۳، بگیری ٦۰، آموزانید ٦۱، آموخته باشید ٦۲، درآموخته باشید ٦۳، درآموزانیدیت ۹۷، آموختید شما ۹۸، آموزانیده باشید ۱۰٤، آموخته اید ۱۱٦، آموخته کرده اید ۱۲۷، بیاموزید ۱۲۸

عُلِّمْتُمْ: وَعُلِّمْتُم مَّا لَمْ تَعْلَمُوا أَنتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ (٦: ۹۱)

آمخته شدید[3] ۱، بیاموزنید شمارا ۲، درآموزانیده شدیت ۳، بیاموختید ۹، بیاموختند شما را ۱۰، بیاموزنیدند شما را ۱۰ مکرّر، آموختند شما را ۲٤، بیاموزانیدند شما را ۲٦، بیاموختندتان ۲۷، آموزانیده شُدیت ۳۰، آموخته شدید شما ۳۹، بیاموزانید شمارًا ٤۲، بیاموخته شدید شما ٤٤، بیاموزانید شما را ۵۲، اموختند شما را ۵۳، آموخته شدید ۵۸، آموزانیده شدید ٦۱، درآموختند شما را ٦۳، بیاموختید شما ٦۷، درآموخته شدیت ۸۲، درآموخته شدید ۹٤، درآموختند شمآرا ۱۰۰، آموزانیدند شما را ۱۰٤

عَلِمْتُمُوهُنَّ: فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ (٦۰: ۱۰)

دانید ۱، دانیت ۳، دانستید ۳۹

عَلَّمْتَنَا: قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا (۲: ۳۲)

بیاموزانیدی ۲، اندرآموختی ۱۰، درآموختی ۲٤، آموختی ٤۰، آمُوزَانِیدِی ۵۵، بیاموختهیی ٦۲، بیاموختی ۹۰، آموزانیدی ۹۱، آموختی تو ۱۰۲، آموزانیدی تو ۱۰٤، آموخته کردی ۱۱٤، تو آموختی ۱۱۸، درآموزی تو ۱۲۳، تو بیاموختی ۱۲٤، درآموختی تو ۱۳۸

عَلَّمْتَنِي: وَعَلَّمْتَنِي مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ (۱۲: ۱۰۱)

بیامختی ۱، بیامُوزنیدی ۲، درآموزانیدی ۳، درآموختی ۵، بِیاموخْتی ۵۳، آمُوزَانِیدِی ۵۵، بیاموختی ۵۸، آموزانیدی تو ٦۱، تو آموختی ٦٤،

---

۱. بیامختید / بیاموختید.

۲. بیاموزنید / بیاموزانید.

۳. آمخته / آموخته.

تو آموختی ٧٦، درآموختی تو ٨٩، بیاموزانیدی ٩٦، آموختی ١٠٣، درآموزانیدی تو ١١٣

عَلِمْتَهُ: إِن كُنتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ (١١٦:٥)

دانسته باشی ٣، دانستی ١٠ مکرّر، دانسته‌ای ٢٩، بدانستی ٣٩، دانستَه‌ای ٤٢، دانسته یی ٤٥، تو دانستهٔ ٥٨، دانستی تو ٦١، تو دانستی ٧٦، دانی ٩٢، نیک دانسته‌ای ١٠٥، دانی تو ١١٤

عَلَّمَكَ: وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ (١١٣:٤)

بیامخت ١، بیاموزنید ٢، بَیامَوخت ١٠، بیاموزانید ٣٦، بَیامُوخت ٤٥، آموزانید ٦١، درآموخت ٨٢، دانش آموخت ٩٠، آموخت ١٠٢، بیوموزانید ١٢٧

عَلَّمَكُمْ: فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم (٢٣٩:٢)

بیامُوزنید ٢، درآموزانید ٣، درآموخت ٢٤، اندر آموخت ٢٩، بَیامُوزانید ٤٢، بیاموزند ٥٣، دَرامُوزَانیت ٥٥، آموختست ٦٣، درآموزانیت ٨٠، آموخت ٩٨

~: تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ (٤:٥)

بیامخت ١، بیاموزنِید ٢، بَیاموختست و بفرهختست ١٠، درآموخته است ٢٧، آموزانید ٣٦، بیاموخت - دانا کرد ٣٧، بیاموزانید ٥٢، آموزانیده است ١١١، بیاموزنده است ١٢٧

~: إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ (٧١:٢٠)

بیامُوزنید ٢، بیآموخت ٤٣، آموخته ١٣٢

~: إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ (٤٩:٢٦)

بیاموخت ١، آموخته است ٢٤، بِیامُوخت ٥٣، بیاموزند ٦١، بیاموخته است ٦٢

عَلِمْنَا: وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا (٨١:١٢)

بدانستیم ما ٢٩، دانیم ٥٣، دأنیم ٧٦

~: وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنكُمْ (٢٤:١٥)

دانستیم ١، دانستیم ٢، دَانِسیتِم ٥٥، بدانیم ما ٥٨، بدانسته‌ایم ٦٢، ما دانیم ٧٦، دانیم ما ٩٣

~: قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ (٥٠:٣٣)

بدانستیم ٢٩، ما دانسته‌ایم ١٠٣

~: قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ (٤:٥٠)

دانستیم ما ٢، ما می‌دانیم ٦، دانسته‌ایم ١٧، می‌دانیم ما ٦٤، ما دانستیم ٨١، میدانیم ما ١٠٣

★ مَا عَلِمْنَا: مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِن سُوءٍ (٥١:١٢)

ندانستیم ١، ندانستیم ٢، ما نشناختیم ٢٩، ندانستیم ما ٣٩، نَه دَانِسْتِیم ٥٥، ندانیم ما ٥٨، ندیدیم ما ٦٣، نَدانِیم ما ٧٦، ما ندانستیم ٩٦، ندانیم ١١٨، نمی دانیم ١٢١

عُلِّمْنَا: قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ (١٦:٢٧)

آمخته شدیم ١، بیاموختند ما را ٢، آموختند ما را ٣٠، آموخته شدیم ٤٣، درآموختند ما را ٤٧، آمُوخته شدیم ٥٦، آموخته شدیم ما ٥٨، آموزانید مرا ٦١، آموزیده شدیم ٦٤، درآموزیده شدیم ما ٦٧، آموخته‌اند ما را ٧٦، آموزانیده شدم ٨٠، آموخته‌اند مرا ٨٨، درآموخته‌اند ما را ١٠٠، بیاموزید ما را ١٠٥، آموخته شده‌ایم ١١٦، بیاموختند ١٢٤، ما آموخته شدیم ١٣٩

عَلَّمْنَاهُ: وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ (٦٨:١٢)

بیاموختیم ١، آموزیده بُودیم ٢، آموخته بودیم ٢٤، اموختیم ٥٣، آموزانیدیم ما ٦١، درآموخته بودیم ٦٣، آمُوختَه بُودیم ٧٦، آموزانیده بودیم ٩٣

~: وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا (٦٥:١٨)

بیامختیم ١، بیامُوزنیدیم ٢، درآموختیم ٨، بیاموخته بودیم ٣٤، بیآموختیم ٤٣، درآموزانیدیم ٥٢، بیاموزانیدیم ما ٥٨، بیاموزانیدیم ٩٦، درآموخته بودیم ما ١٠٠، اندر آموختیم ١٠٨، آموختیم ١٢٨

~: وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ (٨٠:٢١)

بیاموزنید یم ۲، آموختیم ۲٤، بیاموختیم ما ۳٤، بیاموزیم ٦۱، در آموزانیده بودیم ۱۰۰، در آموزید یم ۱۱۳، در آموختیم ما ۱۱۷ .

~: وَمَاعَلَّمْنَـٰهُ ٱلشِّعْرَ وَمَايَنۢبَغِى لَهُۥٓ (۳٦: ٦۹)
آموزانید یم ۳، آموختیم ما ۲۲

★ مَاعَلَّمْنَا: وَمَاعَلَّمْنَـٰهُ ٱلشِّعْرَ وَمَايَنۢبَغِى لَهُۥٓ (۳٦: ٦۹)
نیامختیم ۱، نیامُوزنید یم ۲، نیامُوختیم ما ٦۱، نیاموزانید یم ۸٦، درنیاموختیم ۹٦، نیاموختیم ۱۰۳، نیاموختهایم ۱۳۲

عَلَّمَنِي: ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِى رَبِّىٓ (۱۲: ۳۷)
بیامخت ۱، بیامُوزنید ۲، آموزانید ۳، آموخت ۲٤، بیاموزانید ۳٦، بیاموخت ٤۳، در آموزانید ۵۲، در آموخت ٦۳، بیاموختست ٦٤، آموزاند ۸۰، بیاموخته است ۱۰۳، در آموزانید یم ۱۱۳، در آموخته است ۱۲۸

عَلِمَهُ: لَعَلِمَهُ ٱلَّذِينَ يَسْتَنۢبِطُونَهُۥ مِنْهُمْ (٤: ۸۳)
دانستندی ۱، بدانستندی ۲، بدانندی ۲٤، بدانند ۵۸، بدانستی ۸۸، دانند ۱۱۱

عِلْمِهِ: أَنزَلَهُۥ بِعِلْمِهِۦ وَٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ يَشْهَدُونَ (٤: ۱٦٦)
دانستن ۳، دانا بودن ۱۲۱

~: وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِۦ (٤۱: ٤۷)
شناختن ۳٤

عَلَّمَهُ: وَءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ... وَعَلَّمَهُۥ مِمَّا يَشَآءُ (۲: ۲۵۱)
بیامخت ۱، بیامُوزنید ۲، آموزانید ۳، بیامَوخت ۱۰، بیاموخت ۲٤، در آموخت ۲۹، بیاموزنید ۸٤، بیاموزاند ۹۲

~: أَن يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُ فَلْيَكْتُبْ (۲: ۲۸۲)
بیامُوزنید ۲، آموخت ۲۵، بیاموخته است ۲۷، بیاموخته باشد ۳٤، آموخته باشد ۳۸، بیاموزانی ۵۲، بیاموختست ٦۳، اموخت ٦۹، در آموزیدن ۱۱٤

~: عَلَّمَهُۥ شَدِيدُ ٱلْقُوَىٰ ذُو مِرَّةٍ فَٱسْتَوَىٰ (۵۳: ۵)
اندر آموخت ۲، بیاموزانید ۳۰، بیآموخت ٤۳، در آموزانید ۷۹، در آموزانیدن ۱۱۳

~: خَلَقَ ٱلْإِنسَـٰنَ عَلَّمَهُ ٱلْبَيَانَ (۵۵: ٤)
بیاموزید ۱۳۹

عِلْمُهَا: قَالَ عِلْمُهَا عِندَ رَبِّى فِى كِتَـٰبٍ (۲۰: ۵۲)
دانش ۸٦

~: قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ ٱللَّهِ (۳۳: ٦۳)
دانستن ۳

عِلْمُهُمْ: بَلِ ٱدَّٰرَكَ عِلْمُهُمْ فِى ٱلْـَٔاخِرَةِ (۲۷: ٦٦)
دانش ۱۱٤

عَلِمُوا: وَلَقَدْ عَلِمُوا۟ لَمَنِ ٱشْتَرَىٰهُ (۲: ۱۰۲)
دانستند ۲، دانستند ۳، دانند ۱۰، دانستهاند ۲۹، بدانستند ٤۱، میدانند ٦۷، آموختند ۹۰، بدانستندی ۱۲۷

~: فَعَلِمُوٓا۟ أَنَّ ٱلْحَقَّ لِلَّهِ (۲۸: ۷۵)
بدانند ۱، بدانید ۲۱

عِلْمِي: قَالَ وَمَا عِلْمِى بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ (۲٦: ۱۱۲)
دانم ٤٦

★ ماعِلْمِي: قَالَ وَمَا عِلْمِى بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ (۲٦: ۱۱۲)
چه دانم ٦۱، من چه دانم ۷٦

عَلَوْا: وَلِيُتَبِّرُوا۟ مَا عَلَوْا۟ تَتْبِيرًا (۱۷: ۷)
درشدند ۱، برتری جُستند ۲، دست یابند ۳۰، برشدند ۳۹، بزرگی کردند ٤۱، بلند کرده باشند ٤۲، برتری جستند ۵۲، برشوند ۵٦، برآیند ۵۸، برتری گزیدند ٦۱، افرشتکی جسته باشند ٦۳، برتری کردند ۷۲، افرشتگی جُسته باشند ۸۹، زبردست شدند ۱۰۹، برترین جستند ۱۲٤، افرشتگی کردند ۱۳٤

عُلُوًّا: وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا (١٧:٤)
ورشدن[1] ١، برتری ٢، گردن کشی کردن ٣، بلندی ٢٩، گردن کشی کردن ٥٥، بلندی ٥٧، افرشته شدن ٦٣، برتری کردن ٨٨، گردنکشی ٩٣، دست یافتن ١٠٢، بلند کردن ١٣٦

~: **سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا** (١٧:٤٣)
وردوری[2] ١، برتری ٢، بلند شدن ٣، بزرگی ٣٤، برشدن ٣٩، بزرگواری ٤٢، افرشتگی ٤٨، بلند شدن ٥٥، برداشته ٥٧، برتر ٨٨، افراشته ٩٣، برترین ٩٦، بلند و بزرگوار ١١٣، افرشته ١٣٤

~: **وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا** (٢٧:١٤)
زورفرازی[3] ١، بزرگ منشی ٢، گردن کشی ٣، برتری جستن ٢٠، بزرگی کردن ٣٩، بزرگ منشی ٤٨، آفراشتگی ٥٣، برترین کردن ٦١، سرکشی ٨٠

~: **لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا** (٢٨:٨٣)
زورفرازی[3] ١، برتری ٢، بلندی و گردن کشی ٣، بلندی و برتری ٣٩، افرشتگی ٥٣، بلندی و بزرگ منشی ٥٨، مهتری ٧٦، سرافرازی ٩٢، افراشتگی ١٠٦، بلند و برتر ١٠٩

عَلَى: عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ (٢:٩٠)
با ٢٩

~: **وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ** (٢:٢٣٣)
بر ٤٣

~: **وَإِن كُنتُم مَّرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ** (٥:٦)
در ٢٧

~: **وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَائِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا** (٥:١٣)
از ٣٧

~: **عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا** (٥:١٠٧)
اندر ٢٩

~: **وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ** (٦:٣٠)
نزد ٨٨

~: **وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ** (٦:٣٥)
به ٨٨

~: **قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ** (٢١:٦١)
برابر ١١٣

~: **وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا** (٣٣:١٩)
ور ١

~: **إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم** (٤٧:٢٥)
وا ٦

~: **ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ** (٥٧:٤)
زبر ٦٧

★ عَلَى أَدْبَارِ: **إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم** (٤٧:٢٥)
وابروا گشتن ٦

★ عَلَى اسْتِحْيَاءٍ: **تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ** (٢٨:٢٥)
با شرمی دست بر روی نهاده ٤٧

★ عَلَى الَّذِينَ مِنْ: **كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا** (٢:٢٨٦)
وریشان کاز ١

★ عَلَى الطَّرِيقَةِ: **وَأَلَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ** (٧٢:١٦)

---

١. ورشدن / برشدن.
٢. وردوری: برتری.
٣. زورفرازی / زبرفرازی: برتری.

براه ۱۳۶

★ عَلَى عَيْنِي: وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِيٓ (۲۰: ۳۹)

بر نگاه داشت من ۳

★عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ: وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ (۲۲: ۲۷)

بر هر نشسته بر ستوران ۹۶

★عَلَى هٰؤُلَاءِ: وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هٰٓؤُلَآءِ (۱۶: ۸۹)

ورین ۱

لَعَلَى: وَإِنَّآ أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى (۳۴: ۲۴)

بر ۳۸

~: وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (۶۸: ۴)

ور[1] ۶، افرشته ۱۳۴

اَلْعُلَى: تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ ٱلْأَرْضَ وَٱلسَّمٰوٰتِ ٱلْعُلَى (۲۰: ۴)

برترین ۲، بلند ۳، برداشته ۲۴، بلند برکشیده ۴۱، افراشته ۴۲، بلند برداشته ۴۳، بلند برافراشته ۶۷، افرشته ۸۹، بلند تربنان ۹۴، برتری ۱۰۸

~: فَأُولٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلدَّرَجٰتُ ٱلْعُلَىٰ (۲۰: ۷۵)

وردور[2] ۱، بلند تر ۳، برترین ۲۴، برداشته ترین ۳۴، برتر ۳۹، بزرگتر ۴۲، بلند و برتر ۵۶، برداشته برتر ۶۲، بلند افراشته ۶۴، بلندتران ۱۰۹، بزرگ ۱۲۶

عَلَيَّ: قَالَ قَدْ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيَّ (۴: ۷۲)

ورمن ۱، برمن ۲۷، مرا ۳۶

~: قَالَ هٰذَا صِرٰطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ (۱۵: ۴۱)

بمن ۵۸

~: قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ (۱۹: ۹)

بر ۶۴

فَعَلَيَّ: قُلْ إِنِ ٱفْتَرَيْتُهُۥ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي (۱۱: ۳۵)

بَر مَن ۵۵، بر من است ۱۲۰

اَلْعَلِيُّ: وَهُوَ ٱلْعَلِيُّ ٱلْعَظِيمُ (۲: ۲۵۵)

برتر ۲، بزرگوارتر ۱۰، بزرگ ۲۴، زبر ۳۶، بلند تر ۴۱، بُلَند ۵۵، افرشته[3] ۸۵، بَرتر ۹۴، آفرشته[3] ۱۳۸

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْعَلِيُّ ٱلْكَبِيرُ (۲۲: ۶۲)

بَرتر ۲، افراشته ۴۲

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْعَلِيُّ ٱلْكَبِيرُ (۳۱: ۳۰)

بلند ۳، بردور ۱۴، زبر هر چیزی ۷۸، بلند و بزرگوار ۷۹، برتر از همه ۱۳۹

~: قَالُوا ٱلْحَقَّ وَهُوَ ٱلْعَلِيُّ ٱلْكَبِيرُ (۳۴: ۲۳)

بزرگوار ۲۹، بزرگتر ۶۱

~: فَٱلْحُكْمُ لِلَّهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْكَبِيرِ (۴۰: ۱۲)

بَرترین ۲، برترین ۳۰، بر از همه[4] ۹۱، بلند و برتر از همه چیز ۱۰۹

~: وَهُوَ ٱلْعَلِيُّ ٱلْعَظِيمُ (۴۲: ۴)

وردوری ۱، بَلَند ۳۲، بی همتا ۴۲، برزور[5] ۴۹، بلند مرتبه ۱۱۶

~: بِإِذْنِهِۦ مَا يَشَآءُ إِنَّهُۥ عَلِيٌّ حَكِيمٌ (۴۲: ۵۱)

برْتر ۲۲، بزرگوار و برتر از همه ۸۱، بزرگوآر ۱۰۰

---

۱. ور / بر، بالا.

۲. وردور: برتر.

۳. افرشته / افراشته.

۴. بر از همه / برتر از همه.

۵. برزور / برزبر.

~: وَإِنَّهُۥ فِىٓ أُمِّ ٱلْكِتَـٰبِ لَدَيْنَا لَعَلِىٌّ حَكِيمٌ (۴۳:۴)
بَرزورتر[1] ۲۲، برداشته ۲۴

عَلِيًّا: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا (۴:۳۴)
برتر ۲، بزرگ ۲۴، بزرگوار ۲۷، زبر ۳۶، افرشته ۴۸، بَلَند ۵۵، بَرْتر ۹۴، آفرشته تر ۱۳۸

~: وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (۱۹:۵۰)
وردور[2] ۱، بُلَندْ ۲، بلند ۳، برداشته ۲۴، بلند بزرگوار ۴۲، افراشته ۴۴، نیکو بالا ۵۲، راست و بلند ۶۴، نیک بالای ۱۰۵، بزرگوار افراشته ۱۰۶

~: وَرَفَعْنَـٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا (۱۹:۵۷)
بلند و افراشته ۴۴، بالا ۸۶

اَلْعُلْيَا: وَكَلِمَةُ ٱللَّهِ هِىَ ٱلْعُلْيَا (۹:۴۰)
ورتر[3] ۱، بَرْترین ۲، بلند تر ۳، بزرگ تر و ستوده تر ۱۰، برترین ۱۱، برتر ۲۷، بالاتر ۲۹، بلند ۴۳، بزرگ و بلند ۵۳، بَلَند تر ۵۵، افراشته ۶۳، افرشته تر ۸۹، افراشته تر ۱۰۶، فرازین ۱۲۹

عَلَيْكَ: فَإِنَّمَا عَلَيْكَ ٱلْبَلَـٰغُ وَعَلَيْنَا ٱلْحِسَابُ (۱۳:۴۰)
بَر تُوسْت ۵۵

~: وَإِنَّ عَلَيْكَ ٱللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلدِّينِ (۱۵:۳۵)
بر تو باد ۵۸

~: ٱقْرَأْ كِتَـٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ ٱلْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (۱۷:۱۴)
بر تو ۱۰۳

~: وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلدِّينِ (۳۸:۷۸)
بر تست ۶۴

~: تِلْكَ ءَايَـٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّ (۴۵:۶)
بر ۲

★ عَلَيْكَ ٱلْبَلَاغُ: فَإِنَّمَا عَلَيْكَ ٱلْبَلَـٰغُ (۳:۲۰)
بر تو آنست که پیغام برسانی ۲۵

عَلَيْكُمْ: ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتِىَ ٱلَّتِىٓ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ (۲:۴۰)
بر ۱۰

~: يَتْلُوا۟ عَلَيْكُمْ ءَايَـٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ (۲:۱۵۱)
بر ۱۰

~: كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ (۲:۲۱۶)
ور[4] ۱

~: بَعْضَ ٱلَّذِى حُرِّمَ عَلَيْكُمْ (۳:۵۰)
ابر ۶۲

~: وَٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَآءً (۳:۱۰۳)
بر ۳۹

~: فَكُلُوا۟ مِمَّآ أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَٱذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَيْهِ (۵:۴)
ورشما ـ ازیشان ۳۷، از بهر ۶۳

~: وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُۥ عَلَيْكُمْ (۵:۶)
برای ۳۷

~: يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ (۵:۱۰۵)
بر شما بادا ۱۰ مکرّر، نگاه دارِیْت ۵۵

~: وَقَدْ جَعَلْتُمُ ٱللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا (۱۶:۹۱)
خویشتن ۹۴

~: وَلَكُمْ أَعْمَـٰلُكُمْ سَلَـٰمٌ عَلَيْكُمْ (۲۸:۵۵)
بر ۳

~: بَلِ ٱللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَىٰكُمْ (۴۹:۱۷)
ور ۶

~: أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا ٱلْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ (۶۸:۲۴)

---

۱. بَرزورتر / برزبرتر.
۲. وردور: برتر.
۳. ورتر / برتر.
۴. ور / بر.

بر ٦٤

عَلِيمًا: وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا (٤:٧٠)

دانا ٨٨

~: وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (٤:٩٢)

دانا ١

~: فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (٣٣:٥٤)

دانا ١١٩

عَلِيمٌ: إِنَّكَ أَنتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (٢:٣٢)

دانش ١٠٤، بسيار دانا ١١٦

~: وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (٢:٩٥)

نيک داند ٤٠

~: إِنَّكَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (٢:١٢٧)

دانا و توانا ٦١، بينا ١٢٧

~: وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (٢:٢٤٦)

نيک داند ١٠، نيک دانست ٦٣

~: وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (٢:٢٤٧)

دانا ١، داناتر ٨٨

~: وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (٢:٢٧٣)

دانا و آگاه ٢٥، د آنا ٩٤

~: وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (٣:٣٤)

آگاه و دانا ٢٥

~: إِنَّكَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (٣:٣٥)

داننده ٢

~: وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (٣:٩٢)

دانا و بينا ٤٠

~: وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (٥:٧٦)

دانا ١٠٠

~: إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (٧:١٠٩)

زيرک و دانا ١٠٩

~: وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (١٠:٧٩)

استاد ٧ مکرر

~: قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (١٥:٥٣)

دانا ٥٣

~: وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (٢٣:٥١)

آگاه ٣

~: وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (٢٧:٦)

همه دآن ٩٤، راست گفتار ١٣٢

~: وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (٢٧:٧٨)

درست کار ١٣٩

~: إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (٣٥:٣٨)

بداند ٦١

~: بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (٣٦:٨١)

دانا بهمه ١١١

~: فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (٤١:٣٦)

دانا ٢

~: وَفِي الْأَرْضِ إِلَٰهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (٤٣:٨٤)

داناى همه دان ٩٤

~: قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (٥١:٢٨)

دانا و زيرک ١٠٩

عَلَيْنَا: إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا (٢:٧٠)

بر ٦١

~: قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا (٢:٩١)

برما ٤٠، برمايان ٩٩

~: وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا (٢:١٢٨)

از ما ٩٢، ما را ١٠٥

~: قَالُوٓاْ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ ٱلْمُلْكُ عَلَيْنَا (۲:۲۴۷)
فر ۳۰

~: قَالُواْ رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا (۲:۲۵۰)
برمابر ۱۰

~: يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ (۵:۱۱۲)
ورايما ۳۷

~: فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ (۷:۳۹)
وريما ۱

~: وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ (۱۱:۲۷)
بر خود ۱۳۶

~: ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُۥ (۷۵:۱۹)
ور ٦

عَلَيْهِ: إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ (۱۲:٦۷)
بر ۲

~: يَسْمَعُ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا (۴۵:۸)
بَر ۳۲

★ عَلَيْهِ: فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ (۲:۲٦۴)
برون ۱۳۸

~: فَإِن كَانَ ٱلَّذِى عَلَيْهِ ٱلْحَقُّ (۲:۲۸۲)
وروى ۱، برو ۲۵

~: وَكَانُواْ عَلَيْهِ شُهَدَآءَ (۵:۴۴)
بران ٦۳

~: مَن لَّعَنَهُ ٱللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ (۵:٦۰)
بوى ۹۴

~: حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَآ (۵:۱۰۴)
وران ۳۷

~: إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ (۷:۱۷٦)
براو ۹٦

~: قُلْنَ حَٰشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِن سُوٓءٍ (۱۲:۵۱)
ازو ۱۰۰

~: إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ (۱۲:٦۷)
بُرو ۷٦

~: قُلْ هُوَ رَبِّى لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ (۱۳:۳۰)
برو ۵۸

~: إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ (۴۳:۵۹)
بروا ۲۲

~: نَظَرَ ٱلْمَغْشِىِّ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْمَوْتِ (۴۷:۲۰)
ورو ٦

فَعَلَيْهِ: إِن كُنتُمْ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوٓاْ (۱۰:۸۴)
بر ٦۴

عَلَيْهَا: وَمَا جَعَلْنَا ٱلْقِبْلَةَ ٱلَّتِى كُنتَ عَلَيْهَآ (۲:۱۴۳)
ور ۱۰، وَر ۴۰

~: ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ (۳۷:٦۷)
بر ۸۹

★ عَلَيْهَا: مَا وَلَّىٰهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ ٱلَّتِى كَانُواْ عَلَيْهَا (۲:۱۴۲)
بر آن ۴۰

~: لَا يَذْكُرُونَ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَيْهَا ٱفْتِرَآءً عَلَيْهِ (٦:۱۳۸)
بدوى ۱۰ مكرّر

~: وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا (٦:۱٦۴)
خويشتن ۱۲۷

~: يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ (۱۲:۱۰۵)
بَروَى ۵۵، بدان ۱۱۳

~: وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا (۱۷:۱۵)
خويشتن را ۲

~: وَٱلْخَٰمِسَةَ أَنَّ غَضَبَ ٱللَّهِ عَلَيْهَآ (۲۴:۹)
بر آن باد ۴۷

~: إِن كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (٨٦:٤)
مر آنرا ١٠٠

فَعَلَيْهَا: فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِۦ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا (٦:١٠٤)
زیان کرد خود را ٥٨

وَعَلَيْهَا: لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا ٱكْتَسَبَتْ (٢:٢٨٦)
برو ٢٥

عَلَيْهِمْ: فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ (٢:٣٨)
بر ٣

~: وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ ٱقْتُلُوٓا۟ أَنفُسَكُمْ (٤:٦٦)
بَر ٤٥

~: وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ (١٣:٢٣)
دَر بَر ٧٦

~: فَقَالُوا۟ ٱبْنُوا۟ عَلَيْهِم بُنْيَٰنًا (١٨:٢١)
بر در ٤١

★ عَلَيْهِمْ: صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ (١:٧)
برایشان ٦٤

~: وَإِذَآ أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا۟ (٢:٢٠)
بَریشان ١٠

~: فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ (٢:٣٨)
ایشان را ٢٩

~: تَظَٰهَرُونَ عَلَيْهِم بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ (٢:٨٥)
بریشان بر ٤٠

~: فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقِتَالُ تَوَلَّوْا۟ (٢:٢٤٦)
بریشان ٢٧

~: حَتَّىٰٓ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ (٢٣:٧٧)
بازیشان ٤٧

~: فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنۢبِهِمْ (٩١:١٤)
وریشان ١

عَلَيْهِمَا: فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَآ أَن يَتَرَاجَعَآ (٢:٢٣٠)
ور ١

~: وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ ٱلْجَنَّةِ (٧:٢٢)
بر ٥٨

★ عَلَيْهِمَا: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا ٱفْتَدَتْ بِهِۦ (٢:٢٢٩)
بر ایشان هر دو ٢٧

~: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدتُّمْ (٢:٢٣٣)
هر دو را ٦٣

~: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَآ أَن يُصْلِحَا (٤:١٢٨)
بریشان ٥٨

~: وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ ٱلْجَنَّةِ (٧:٢٢)
بر خود هر دو ٥٨، بر خویشتن ١٢٧

عَلَيْهِنَّ: وَلَهُنَّ مِثْلُ ٱلَّذِى عَلَيْهِنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ (٢:٢٢٨)
بَریشان ١٠

~: فَٱسْتَشْهِدُوا۟ عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنكُمْ (٤:١٥)
وریشان ١، برایشان ٨٨

~: وَقَالَتِ ٱخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُۥٓ أَكْبَرْنَهُۥ (١٢:٣١)
بدین شانرا ٩٢

~: يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ (٣٣:٥٩)
بر خود ١٠٠

فَعَلَيْهِنَّ: فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى ٱلْمُحْصَنَٰتِ (٤:٢٥)
بر ٢

عِلِّيُّونَ: وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا عِلِّيُّونَ (٨٣:١٩)
برترین ٣٠، بالاها ٥٦، زبرترین ٨٨

عِلِّيِّينَ: كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلْأَبْرَارِ لَفِى عِلِّيِّينَ (٨٣:١٨)
بَرتَرین ٢، برترین ٣٠، بالاها ٥٦، بالایی ٦١، بالای هفتم آسمان زیر عرش ٧٩، آسمان هفتم ٨٠، زبرترین ٨٨، زبر آسمان هفتم ٩١، بالای بهشت

۱۰۵، بالای هفتمین آسمان در زیر عرش ۱۱۳، زیر آسمان هفتم ۱۱۴، بلند تر ۱۳۶

★ عَمَّ: عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ (۱:۷۸)
از چه ۳۰، از چه چیز ۱۲۳

★ عَمَّا: وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲:۸۵)
بدانچی ۴۰

~: وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲:۱۳۴)
از آنچه ۳

~: وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲:۱۴۰)
زانچه ۱۰

~: وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۳:۹۹)
از آنچه ۲

~: فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۷:۱۹۰)
زان ۱

~: قُل لَّا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا (۳۴:۲۵)
از آن که ۲۴

★ عَمَّا قَلِيلٍ: قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ (۲۳:۴۰)
بس روزگار برنیاید ۲۴

عَمَّاتِكَ: وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ (۳۳:۵۰)
خُواهران پدر ۲، خواهر پدر ۳، خواهران پدران ۶۱، خواهران پدر ۴۷، پدر خواهران ۱۱۹

عَمَّاتُكُمْ: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ ... وَعَمَّاتُكُمْ (۴:۲۳)
خواهران پدران ۲

~: أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ (۲۴:۶۱)
خواهران پدر ۳، خواهر پدر ۸۸، پدر خواهران ۱۱۹

الْعِمَادِ: إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ (۸۹:۷)
إسْتُونها ۲، ستونها ۲۴، ستون ۲۹، استونها ۹۱

عِمَارَةَ: سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (۹:۱۹)
اودان کردن[1] ۱، آباداں کردن ۲، آبدان کردن ۳، آباداں داشتن ۱۰، اباداں کردن ۱۱، آبادانی ۲۹، آباداں کردن ۵۵، آبادانی کردن ۵۸، آباد آن کردن ۹۴، آبادی ۱۲۱

عَمَدٍ: اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا (۱۳:۲)
ستون ۳، استون ۳۴، سُتُون ۵۳، اُستُونَها ۵۵، ستان ۱۱۱

~: خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا (۳۱:۱۰)
ستونها ۱، ستُون ۲، سِتون ۵۳، ستو ۱۳۰

~: إِنَّهَا عَلَيْهِم مُّؤْصَدَةٌ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ (۱۰۴:۹)
ستُونها ۲

★ بِغَيْرِ عَمَدٍ: خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا (۳۱:۱۰)
بی ستون ۴۱

الْعُمُرِ: وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ (۱۶:۷۰)
روزگار ۱۲، زندگانیها ۴۱، زنده گانی ۱۲۹

~: وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ (۲۲:۵)
زندگانی ۲، زیستن ۸۶، زندگی ۱۲۲، فرتوتی ۱۲۴

~: فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ (۲۸:۴۵)
زندگانی ۱

عُمُرًا: فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ (۱۰:۱۶)
یک چندی ۱، رُوزگار ۲، روزگار ۱۳، دیرگاه ۵۳، گاه ۵۵، زندگانی ۶۱، سالها ۶۳، گاه ۸۰، روزگاردراز ۱۰۹

لَعَمْرُكَ: لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۵:۷۲)
زندگانی ۲، بجان سر تو ۳، بزندگانی تو ۲۴، بجان تو ۵۳، سوگند تو ۶۱، بجان و سر تو ۷۶،

---

۱. اودان کردن / آبادان کردن.

جان ۸۸، سوگند بزندگانی تو ۱۱۱

عُمُرِكَ: وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ (۱۸:۲٦)
زندگانی ۱، زیستن ۱۱٤

عُمُرِهِ: وَلَا يُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَٰبٍ (۳٥:۱۱)
زندگانی ۱، زاد ۵۸، زندگی ۹٦

عَمَرُوهَا: وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا (۳۰:۹)
آودان کردند[1] ۱، آبادان کردند ۲، آبادان بکردند ۲۹، ایشان آبادان کردند ٤٦، ابادان کردند ٦۹، آبادانی کردند ۷٦، آبادان گردانیدند ۸٦، آبادان ۱۳۹

عَمَّٰتِكَ: إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَٰجَكَ وَبَنَاتِ عَمَّٰتِكَ (۳۳: ۵۰)
برادر پدر ۲، برادران پدر ۵٦، پدر برادر ۱۱۹

عَمِلَ: وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ (۲: ٦۲)
کرده باشند ۲۹، بکرد ۳٤، کار کند ۳٦، کردند ۵۷، بکند کار ۱۲۳

~: وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ (۵: ٦۹)
بکند ۲، کردار ۳٤، کردار کند ۵۳، کارها ۷۰

~: أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوٓءًا بِجَهَٰلَةٍ (٦: ٥٤)
کند ۱

~: مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ (۱٦: ۹۷)
کند کار ۱۰۰

~: وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَهُ جَزَآءً الْحُسْنَىٰ (۱۸: ۸۸)
بکند ۲

~: إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا (۱۹: ٦۰)
بگزارد ۳۹، کار ۱۰٦

~: وَمَن يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّٰلِحَٰتِ (۲۰: ۷۵)
گزارده بود ۳۹، کرده باشد ٦۲، کرده بود ۱۰۰، بکرده باشد ۱۳۹

~: فَأَمَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا (۲۸: ٦۷)
کرد ۱

~: خَيْرٌ لِّمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا (۲۸: ۸۰)
کرده ۱۲۲

~: مَّنْ عَمِلَ صَٰلِحًا فَلِنَفْسِهِ (٤۱: ٤٦)
کار کرد ۲، کردار کند ۷۲

عَمَلَ: أَنِّي لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَٰمِلٍ مِّنكُم (۳: ۱۹۵)
کار ۲

~: رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَٰنِ فَاجْتَنِبُوهُ (۵: ۹۰)
فرمان ۷۵

~: إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَٰلِحٌ (۹: ۱۲۰)
کردار ۱۳

~: وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا (۱۰: ٦۱)
کار و کردار ۱۰، کار ۵۵

~: إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَٰلِحٍ (۱۱: ٤٦)
کرد ۱

~: وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ (۲۵: ۲۳)
کار کردن ٤٦، کردارها ۷٦

~: قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَٰنِ (۲۸: ۱۵)
کار و کردار ۵۸

~: وَالْعَمَلُ الصَّٰلِحُ يَرْفَعُهُ (۳۵: ۱۰)
کردن ۲٤، کرده ۱۳۲

عَمَلًا: خَلَطُوا عَمَلًا صَٰلِحًا وَءَاخَرَ سَيِّئًا (۹: ۱۰۲)
کار ۱۰۰

---

۱. آودان کردند / آبادان کردند.

~: لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۷:۱۱)
کرد ۷، کار کرد ۳۸، کِرْدار ۵۳

~: فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ (۱۸: ۱۱۰)
کار کردن ۲٤

~: وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَٰلِكَ (۲۱ :۸۲)
کار ۲، کردار ۱۲

~: لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۲:٦۷)
کار و کردار ٥٦

عَمِلَتْ: كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا (۳: ۳۰)
کرده باشد ۲، کرده بود ۱۰، کرده بود ۲٤، کردست ۲۷، گرده باشد ٤۲، کرده است ٥۸، بکرده باشد ۷٥، کار کرده باشد ۹۰

~: وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ (۱۱۱:۱٦)
کرد ۱، کرده باشند ٥۲، کرْد ٥٥

~: أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا (۷۱:۳٦)
کِردست ۲۲، بکردند ٥٦، بکرد ٦٤، ساخته است ۱۳۲

~: وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ (۷۰:۳۹)
کار کرد ۱، کِرْد ۲۲

عَمِلْتُمْ: ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ (۷:٦٤)
کردید ۱، کردیت ۳، بکرده اید ٦٤، کردید شما ۹۲، کرده باشید ۹٦، شما کرده باشید ۱۰۰، کرده اید شما ۱۰۳، کرده اید ۱۱۱

عَمِلَتْهُ: وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۳٦: ۳٥)
بکرد ۱، کرد ۳، کردست ۲۲، کار کرد ۳۰، کرده است ٦٤، کردند ۱۰۰

عَمَلُكَ: لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ (٦٥:۳۹)
کردار ۳۹، کار ۹۲

عَمَلَكُمْ: وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ (۹: ۱۰٥)
کردار ۳٤

~: وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ (٤۱:۱۰)
کار ۳، کار و کردار ۱۰، کار کردن ۲۷، کِرْدار ٥۳

~: قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ (۱٦۸:۲٦)
کِرْدار ٥۳، کرد آر ۱۰۰

عَمَلُهُ: فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ (٥:٥)
کار ۲

~: أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا (۸:۳٥)
کردار ۱۸

~: وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ (۱۱:٦٦)
کرد آر ۱۰۰

عَمَلَهُمْ: كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ (۱۰۸:٦)
کار ۲، کردار و سگالش و گفتار ۱۰، کرداران ۸۸

عَمِلُوا: وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (۲: ۲٥)
کنند ٤، کرْدند ٥٥

~: وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (۸۲:۲)
بکرده باشند ۲۹، کردند ایشان ۱۰٤

~: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (۲: ۲۷۷)
گزارده باشند ٦۳

~: وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (٥۷:٤)
بکردند ۲، بگزارده باشند ۱۰

~: الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (۹۳:٥)
بکردند ۲، کرده اند ۲۹، بکنند ۳۷

~: وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا (۱٥۳:۷)
کرده باشند ۱۰

~: الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (۲۹:۱۳)
بکردند ۲، کِرْدار کنند ٥۳

~: فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا (۳٤:۱٦)

همی کردند ۲

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۳۰:۱۸)

می کردند ۸

~: وَوَجَدُوا۟ مَا عَمِلُوا۟ حَاضِرًا (۴۹:۱۸)

کرده بودند ۶۲

~: لِيَجْزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا۟ (۳۸:۲۴)

کردند ۲، کرده باشند ۵۱

~: وَقَدِمْنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُوا۟ مِنْ عَمَلٍ (۲۳:۲۵)

کارها کردند ٦٤

~: فَلَا يُجْزَى ٱلَّذِينَ عَمِلُوا۟ ٱلسَّيِّـَٔاتِ (۸٤:۲۸)

کنند ۷٦

~: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۷:۳۵)

بکردند کارها ٦۱

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۸:٤۱)

کردند ۲۲، کردند کارها ٦۱

~: فَلَنُنَبِّئَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِمَا عَمِلُوا۟ (۵۰:٤۱)

کردند ۱

~: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۲۲:٤۲)

گزاردند ۳۹

~: لِيَجْزِيَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔوا۟ بِمَا عَمِلُوا۟ (۳۱:۵۳)

کار کردند ۸۰

★ عَمِلُوا۟ ٱلصَّالِحَاتِ: وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۲۵:۲)

بکردند کارهای شایسته ۱۱۲

~: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۸۲:۲)

نماز نیک کنند ٦۳

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ (۲۷۷:۲)

کارها[ی] نیکو کنند ٦۲

عَمُوا: فَعَمُوا۟ وَصَمُّوا۟ ثُمَّ تَابَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ (۷۱:۵)

کور شدند ۱، نابینا گشتند کور گشتند ۲، نابینا گشتند ۱۰ مکرّر، نابینا شدند کور گردند ۲٤، نابینا گشتند ٤۲، کور شدند ٤۵، نابینا شدند ۵۳، کور شدند ۵۵، نابینا گشتندی ٦۷، نابینااند ٦۹، کور شدندی ۸۲، کور گشتند ۸۸، کور[شدند] ۸۹، کور گشتندی ۹۲، کور شدند ۹٤، کور بودند ۹٦

★ عَمُوا و صَمُّوا: فَعَمُوا۟ وَصَمُّوا۟ ثُمَّ تَابَ ٱللَّهُ (۷۱:۵)

نابینا و کر ساختند ۵۸

عَمُونَ: فِى شَكٍّ مِّنْهَا بَلْ هُم مِّنْهَا عَمُونَ (٦٦:۲۷)

کوران ۱، کوران ۲، کوردلان ۳، کورشدگان ۲٤، کوردل ۳٤، ناپیدا ٤٦، نابینا ۵۳، نابینا ۵٦، کور ٦۲، نابینااان ٦۹، نابینایان ۸٦

عَمِيَ: فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِۦ وَمَنْ عَمِىَ فَعَلَيْهَا (۱۰٤:٦)

کور شهد ۱، کور شود ۳، کور باشد ۹، بنه بروید ۱۰، کور گردد ۱۰ مکرّر، کور گرد[د] ۲٦، نابینا گشت ۲۷، نه بیند ۳۹، نابینا شد ٤۱، نابینا ساخت ٤٤، نابینا باشد ۵۳، کور شود ۵۵، ندید و نگروید ۵۸، نابینا گردد ٦۱، درنیابد ٦۳، نابیناست ۷۲، کور شد ۷۵، نشناسد کور گردد ۸۸، نابینا شود ۱۱۱، نداند و درنیابد ۱۳۸

عَمًى: فَٱسْتَحَبُّوا۟ ٱلْعَمَىٰ عَلَى ٱلْهُدَىٰ (۱۷:٤۱)

کوری ۱، نابینایی ۵٦، بی‌راهی ٦۵، کور ۹۲، کوردلی ۱۰۲، بیراهی ۱۰٦، گمراهی ۱۱۳

~: فِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى (٤٤:٤۱)

پوشیده ۲، نابینائی ۵٦

عُمْيٌ: صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۱۸:۲)

کوران ۵۵، کور آن ۹٤

~: صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۱۷۱:۲)

کور ٤۰، کوران ۵۵

~: أَفَأَنتَ تَهْدِي الْعُمْيَ (۴۳:۱۰)
گوران ۱۰، نابیناان ۱۳، نابیناان ۵۳

~: وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِي الْعُمْيِ عَن ضَلَٰلَتِهِمْ (۸۱:۲۷)
کُوران ۲، کوردلان ۲۱، نابیناانْ ۵۳، نابینا ۶۱

~: وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِ الْعُمْيِ عَن ضَلَٰلَتِهِمْ (۵۳:۳۰)
کوران ۱

~: أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ (۴۰:۴۳)
نابینایان ۳۰، نابینا آن ۳۹

عُمْيًا: يَوْمَ الْقِيَٰمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمْيًا (۹۷:۱۷)
کوران ۱، نابینایان ۲، نابینا ۸، نابینا آن ۵۳، نگونسار کوران ۵۸، نابیناان ۱۰۵، نابیناون ۱۲۵، کور ۱۳۷

عُمْيَانًا: لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (۷۳:۲۵)
کوران ۱، کُوران ۲، نابینایان ۳۹، نابیناان ۴۶، کور ۴۸

فَعَمِيَتْ: فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنۢبَآءُ يَوْمَئِذٍ (۶۶:۲۸)
کور شهد ۱، پوشیده شود ۲، پوشیده گردد ۲۴، پوشیده شدند ۲۹، پوشیده شد ۳۰، کور شود ۳۶، کور شد ۴۲، پُوشیدهٔ گشت ۵۳

فَعُمِّيَتْ: فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا (۲۸:۱۱)
کور شد ۱، پُوشیده گشتْ ۲، کور کرده شد ۳، پوشیده شدست ۲۴، پوشیده شده است ۲۷، کور شود ۲۹، پوشیده کرده شِد ۳۰، پوشیده شد ۳۶، پوشیده شِود ۴۱، پوشیده شد ۴۲، پوشیدهٔ است ۵۳، پُوشیده شد ۵۵، پوشیده است ۵۸، پوشیدهٔ شدهٔ باشد ۶۲، پوشیده گشت ۶۷، پوشیده ماند ۷۹، پوشیده باشد ۹۴، پوشیده بود ۱۰۰

عَمِيقٍ: يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (۲۷:۲۲)
دور ۱، دُور ۲، ژرف ۳۹، دَرُو ۵۱، دورفرو ۱۰۰

عَمِينَ: إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ (۶۴:۷)
کوران ۱، کُور گشتگان ۲، کوردلان ۳، گوردل از راه راست ۱۰، کُور ۳۰، نابینا کوردل ۳۹، کور گشتگان ۴۲، کورَان ۴۵، نابینایان ۴۸، کوردل ۵۳، کُوردِلَان ۵۵، نابینا ۶۱، نابینای ۹۲، کور آن ۹۴

عَنْ: قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنفُسِكُمُ الْمَوْتَ (۱۶۸:۳)
اَز ۲

~: إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ (۲۹:۴)
به ۱۰، از بهر ۴۵

~: يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَٰدِلُ عَن نَّفْسِهَا (۱۱۱:۱۶)
وا ۲۴

★ عَنِ الْهَوَىٰ: وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰٓ (۳:۵۳)
بخواسْت خویش ۵۲

★ عَنْ هَٰذَآ: يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَآ (۷۶:۱۱)
ازین ۹۶

★ عَنْ يَدٍ: حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ (۲۹:۹)
از سر دست ۹۳

عَنَّا: وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِيٓ أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ (۳۴:۳۵)
از ۳

★ عَنَّا: وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَآ (۲۸۶:۲)
از ما ۵۵

عِنَبًا: فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا (۲۸:۸۰)
انگور ۱، رزان ۲۴، انگور بنان ۵۶، تاک انگور ۱۰۳، انگورستان ۱۳۴

عِنَبٍ: أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ (۹۱:۱۷)
انگورها ۲، انگور ۳، انگوربنان ۳۹، انگُور ۵۵، رزان انگور ۶۴، انگورستان ۹۲، درختان تاک ۱۱۶

الْعَنَتَ: ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنكُمْ (۲۵:۴)
بَزه و رنج ۲، پلید کاری ۳، بی سامانی ۱۰، بزه و

رنج ۴۲، بزه ۵۲، بَزه ۵۳، سختی ۵۸، رَنج ۶۱، در بزه افتد ۶۳، زلت ۶۷، نفرین ۶۹، رنج و بَزه ۹۴، درویشی ۱۰۰، بزهٔ و رنج ۱۰۵، رنج و بزه ۱۲۱، رنج بزه ۱۲۷

عَنَت: وَعَنَتِ ٱلْوُجُوهُ لِلْحَيِّ ٱلْقَيُّومِ (۲۰:۱۱۱)
نرم شهد ۱، فروتنی کنند ۳، فروتر شدند ۲۹، خوار گردد ۳۰، درفتند ۴۲، خوار شدند ۵۸، نژند و خوار شود ۶۴، فرود شوند ۶۷، فروتر شود ۷۹، گردن نهد ۸۸، فروتنی کرد ۹۴، خوار کرد ۱۰۸، فروتنی کرد و رام شد ۱۰۹، خوار و فروتن شوند ۱۱۱، فروتن بشود ۱۱۳، فروتنی کنند ۱۲۱، خوار شوند ۱۲۳، فروترین شوند ۱۳۳، رنجور شده ۱۳۹

عَنِتُّمْ: لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ (۳:۱۱۸)
شما برنج افتید ۲، در بزه اُفتادن شما را ۳، شما در بزه افتید ۲۳، شما برنج اُفتید ۴۲، بزومند شوید شما ۴۳، بشما رسد از رنج ۴۸، برنج بزه افتید ۵۳، دَر بَزه اَفتادن شما ۵۵، رنج بینید شما ۵۶، بزه‌مند گردید ۵۸، در بزه افتید شما ۶۳، برنج افتید ۷۸، شما را زیان دارد ۹۶، رنجور شوید ۱۰۲

~: عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم (۹:۱۲۸)
بزه کنید ۱، در رنج افتیت ۳، نافرمان شوند ۱۳، بزه کنی شما ۲۴، بزه کار گردیت ۲۷، در رنج افتید ۳۰، ستیزه می کنیت ۴۱، در رَنجْ اُفتیت ۵۵، بزه‌مند شوید شما ۵۷، بزه می کنید شما ۵۸، رنج بردید ۶۱، بزَه گار شَوند ۶۲، زیان کند شما را ۷۶، بزه‌مند شدن شما ۷۹، همی بزه کنیت ۸۳، از بزه می کنند ۹۱، بزمند گشتید ۱۰۵، در کاری افتد که از آن بیرون شدن نتوان ۱۱۲، بزه کار شوید شما ۱۲۴، بزه کار گردید ۱۲۷، بزه کنید شما ۱۳۶

~: لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ ٱلْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ (۴۹:۷)
برنج و بزه افتید ۲، در کاری افتادی که ازو بیرون نتوان آمدن ۳، شما بزه‌مند شوید ۶، بزه کار شود ۱۷، برنج و اندوه افتید ۳۰، در بزه افتید ۳۶، بازه کار شوید ۳۹، بزه کار شوید ۴۲، بزهمند گردید ۶۷، بزومند گردیدی ۶۹، بزمند شد تان ۷۹، در کاری افتادیتی که از آن نتوانیت بیرون آمدن ۸۰، بزه‌مند شوید ۹۰، بزه‌مند شدیدی ۱۰۹، بزمند شدتانی ۱۱۳، در کاری افتادتانی ۱۱۴، گردنکشی کنید ۱۲۱

عِنْدَ: ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ (۲:۵۴)
نَزدْ ۵۵

~: لِيُحَاجُّوكُم بِهِۦ عِندَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۲:۷۶)
پیش ۶۴

~: قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِندَ ٱللَّهِ عَهْدًا (۲:۸۰)
بنزد ۲۹

~: وَٱتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ خَيْرٌ (۲:۱۰۳)
نَزدیک ۴۲

~: وَلَا تُقَٰتِلُوهُمْ عِندَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ (۲:۱۹۱)
نَزدیک ۲

~: لِلَّذِينَ ٱتَّقَوْا عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّٰتٌ (۳:۱۵)
بنزدیک ۱۰

~: لَهُمْ دَارُ ٱلسَّلَٰمِ عِندَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُم (۶:۱۲۷)
نزدیک ۱

~: وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ (۷:۲۹)
سوی ۵۸

~: وَٱلْبَٰقِيَٰتُ ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ (۱۸:۴۶)
نزد ۲

~: وَإِنَّ يَوْمًا عِندَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ (۲۲:۴۷)
نزدیک ۲

~: حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمْ (۴۲:۱۶)
نزد ۳۲

عِنْدَکَ: ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ (۷:۱۳٤)
نزد ۳٦، نزدیک نزدیک ٦۳

~: فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِكَ (۲۸:۲۷)
نزدیک ۱

عِنْدَکُمْ: إِنْ عِندَكُم مِّن سُلْطَٰنٍ بِهَٰذَآ (۱۰:٦۸)
نزدیک ۱۳، نزد ٥۹

عِنْدَنَا: لَّوْ كَانُوا۟ عِندَنَا مَا مَاتُوا۟ وَمَا قُتِلُوا۟ (۳:۱٥٦)
با ۲۹

~: لَوْ أَنَّ عِندَنَا ذِكْرًا مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ (۳۷:۱٦۸)
نزد ۳۳، نزد ماستی ۱۰۹

~: وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَـَٔابٍ (۳۸:۲٥)
نزدیک ۱

عِنْدَهُ: مَن ذَا ٱلَّذِى يَشْفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ (۲:۲٥٥)
بنزدیک ۲٥، بنزد ۲۹

~: ثُمَّ قَضَىٰٓ أَجَلًا ۖ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُۥ (٦:۲)
نزد ۲

~: إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَٰعَنَا عِندَهُۥٓ (۱۲:۷۹)
در ۷٦

~: يَمْحُوا۟ ٱللَّهُ مَا ... وَعِندَهُۥٓ أُمُّ ٱلْكِتَٰبِ (۱۳:۳۹)
نزدیک ۲

~: وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُۥ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰٓ (۹۲:۱۹)
نزدیک ۱

عِنْدَهَا: وَوَجَدَ عِندَهَا قَوْمًا (۱۸:۸٦)
نزد ۱۰۸، نزدیک ۱۳۹

عِنْدَهُمْ: وَعِندَهُمُ ٱلتَّوْرَىٰةُ فِيهَا حُكْمُ ٱللَّهِ (٥:٤۳)
نزدیک ۱

~: وَعِندَهُمْ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرْفِ عِينٌ (۳۷:٤۸)
نزد ۸۱

~: وَعِندَهُمْ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرْفِ أَتْرَابٌ (۳۸:٥۲)
نزدیکی ۱۳۹

عِنْدِی: قُل لَّآ أَقُولُ لَكُمْ عِندِى خَزَآئِنُ ٱللَّهِ (٦:٥۰)
نزد ۲

~: قُل لَّوْ أَنَّ عِندِى مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِۦ (٦:٥۸)
نزدیک ٤٤

عُنُقَكَ: وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ (۱۷:۲۹)
گردن ۱

عُنُقِه: وَكُلَّ إِنسَٰنٍ أَلْزَمْنَٰهُ طَٰٓئِرَهُۥ فِى عُنُقِهِۦ (۱۷:۱۳)
گردن ۱، گرْدَن ٥۳

عَنْكَ: وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ ٱلْيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ (۲:۱۲۰)
أز ۲، از ٦۱

ٱلْعَنكَبُوتِ: كَمَثَلِ ٱلْعَنكَبُوتِ ٱتَّخَذَتْ بَيْتًا (۲۹:٤۱)
کنک ۱، گراتنه ۲، غندهٔ تننده ۳، تننده ۳۹، کارتنه ٤۲، جولاهک ٤۸، تَنْنده ٥٦، غنده تننده ۸۰، حوراهکت ۹۲، کرتینه ۹٤، کراتن ۹٥، غنده ۱۰۸، کارتن ۱۲٥

عَنْکُمْ: وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّـَٔاتِكُمْ (۸:۲۹)
از ۱

عَنْهُ: فَلَمَّا عَتَوْا۟ عَن مَّا نُهُوا۟ عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ (۷:۱٦٦)
از ٤۱

★ عَنْهُ: رَّضِىَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ ۚ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ (٥:۱۱۹)
ازوی ۳

~: كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ ٱلسُّوٓءَ (۱۲:۲٤)
ازو ۷٦

~: فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ كَلَّآ إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۸۰:۱۰)
ازو ٦۱

عَنْهَا: فَأَزَلَّهُمَا ٱلشَّيْطَٰنُ عَنْهَا (۲:۳٦)

از ۳

★ عنها: خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يَبۡغُونَ عَنۡهَا حِوَلٗا (۱۰۸:۱۸)

از آنجا ۱۰۸

~: وَيَدۡرَؤُاْ عَنۡهَا ٱلۡعَذَابَ (۸:۲٤)

ازو ۱۰۰

عَنۡهُمۡ: فَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُمُ ٱلۡعَذَابُ (۸٦:۲)

از ٤۰

~: فَمَن يُجَٰدِلُ ٱللَّهَ عَنۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ (۱۰۹:٤)

أز ۲، از بهر ٤٥

~: وَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُم مِّنۡ عَذَابِهَا (۳٦:۳٥)

بر ۲۲

★ عَنۡهُمۡ: إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ (۱۰:۳)

زيشان ۱، ايشانرا ۲٥

~: لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَۖ فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ (۱٥۹:۳)

ازوشان ۹٦

~: فَمَن يُجَٰدِلُ ٱللَّهَ عَنۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ (۱۰۹:٤)

از بهر ايشان ٦۳

~: فَلَمَّا كَشَفۡنَا عَنۡهُمُ ٱلرِّجۡزَ (۱۳٥:۷)

ازيشان ۱

~: فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ (۸٤:۱٥)

ازشان ٦۱

~: لَا يُفَتَّرُ عَنۡهُمۡ وَهُمۡ فِيهِ مُبۡلِسُونَ (۷٥:٤۳)

ازيشان ۳۲

عَنۡهُمَا: مَا وُۥرِيَ عَنۡهُمَا مِن سَوۡءَٰتِهِمَا (۲۰:۷)

از ۱۲۳

★ عَنۡهُمَا: مَا وُۥرِيَ عَنۡهُمَا مِن سَوۡءَٰتِهِمَا (۲۰:۷)

از آن ايشان ۹۲

عَنِّي: وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي (۱۸٦:۲)

از ۲۹

★ عَنِّي: مَآ أَغۡنَىٰ عَنِّي مَالِيَهۡۜ هَلَكَ عَنِّي سُلۡطَٰنِيَهۡ (۲۸:٦۹)

از من ۱

عَنِيدٗا: كَلَّآۖ إِنَّهُۥ كَانَ لِأٓيَٰتِنَا عَنِيدٗا (۱٦:۷٤)

نافرمان ۱، ستيزه كش ۲، سرباز زده ۱۹، ستيزه كن ۳۰، ستيزه ٤۱، ستيهنده ٤۲، سرباززننده ٤۳، ستيزه كار ٥٦، ستيزه دار ٦۱، سركش ٦۹، ستيزه كار و دروغ دارنده ۷۲، ستيزنده ۷۹، روى گردانيده ۹۱، گردن كش ۱۰۹، ستيهنده ـ گردن كش ۱۰۹، ستيزه كننده ۱۱٦، دشمن ۱۳٦، ستيهيد و كين كش ۱۳۸

عَنِيدٖ: وَٱتَّبَعُوٓاْ أَمۡرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٖ (٥۹:۱۱)

نافرمان ۱، بى فرمان ۲، ستيزه كار ۳، ستيز كار ۳٦، سرباز زده ۳۸، گردن كش ۳۹، ستهنده ٤۸، ستيزه كار ٥٥، ستيذه كش ٥۷، ستنبه ٦۱، گردن آور ٦٤، بيفرمان ۹٦، ستهيده ۱۰۰، گناه مند ۱۱۲، ستيزه مند ۱۱٤

~: وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٖ (۱٥:۱٤)

بى فرمان ۲، ستيزه كار ۳، ستيزه برنده ۲۹، روى گردانده ٤۹، بزرگ منش ٥۳، ستم كار ٥٥، ستيزكن ٥۹، پاى بيرون نهنده از حق ۹۳، گردن كش ستيزه كننده ۱۱۱، باززننده ۱۱۲، ستيزه روى ۱۲٦

~: أَلۡقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٖ (۲٤:٥۰)

ستيزه كش ۲، ستمكار ۱۷، بد كردار ۲٤، ستيهيده ۲۹، سركشنده ۳۰، سركش ۳٤، ستيهنده ٤۱، دشمنانگى ٥۳، ستيزنده ٥٦، گردن تابنده ٦۷، سرباز زننده ۸۱، سخت ۹۰، گردنكش ۱۰۳، ستيزه گر ۱۲۰

عَهِدَ: ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ عَهِدَ إِلَيۡنَآ (۱۸۳:۳)

پيمان كرد ۳، فرمودست ۱۰، بفرمود ۲۷،

فرموداست ٤۰، پیمان کردَه آست ٤۲، پَیمَان گرد ۵۵، پیمان بست ۵٦، پیمان کند ۸۸، پیمان ۱۲٤

~: اُدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ (۷:۱۳٤)

پیمان کرده أست ۲، فرمود ۳، پیمان کردست ٤۲، فَرمُود ۵۵، پیمان بستست ٦٤، فرموده ۱۱٤

عَهْدَ: اَلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللّٰهِ (۲:۲۷)

پیْمان ۲، پَیمان ۵۵، پیمآن ۹٤، فرمان ۱۳۵

~: إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللّٰهِ (۳:۷۷)

زینهار ۲۵

~: وَبِعَهْدِ اللّٰهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ (٦:۱۵۲)

پیمان ۲، فرموده ۱۰٤

~: وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ (۷:۱۰۲)

نگاه داشتن پیمان ۷۲

~: كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِندَ اللّٰهِ (۹:۷)

زینهار ۱۰

~: اَلَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللّٰهِ وَلَا يَنقُضُونَ الْمِيثَاقَ (۱۳:۲۰)

زینهارْ ۵۳

~: وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللّٰهِ إِذَا عَاهَدتُّمْ (۱٦:۹۱)

پیْمان ۵۳، پیمْان ۵۵، پیمان کردن ۵٦

~: وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيلًا (۱٦:۹۵)

استواری ٦۱

~: إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (۱۷:۳٤)

پیمانها ۵۸

~: أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ (۲۰:۸٦)

گاه رفتن ۳۹، روزگار ۵۳، دیدار ۱۳۹

~: لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللّٰهِ مَسْئُولًا (۳۳:۱۵)

پیمان ۲

عَهْدًا: قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِندَ اللّٰهِ عَهْدًا (۲:۸۰)

پَیمَان ۵۵، استواری ٦۱

~: أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا (۲:۱۰۰)

پیمان بستن ۱۲۱

~: إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَٰنِ عَهْدًا (۱۹:۸۷)

پیمان ۲، پیْمان ۵۳

بِعَهْدِكُمْ: وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ (۲:٤۰)

پَیمان ۲، پیمان ۳، پیْمَان ۵۵

عَهِدْنَا: وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ (۲:۱۲۵)

پَیْمان کردیم ۲، بفرمودیم ۱۰، فرمودیم ما ۲٤، فرمودیم ٤۰، پَیمان کردیم ٤۲، پیمان گرفتیم ۵۳، پیمان بستیم ما ۹۰، پیمان کردیم ما ۱۰۲، پیمان ۱۰۵، پیمان کنیم ما ۱۲٤

~: وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلُ (۲۰:۱۱۵)

پیمان کردیم ۲، بفرمودیم ما ۲۹، پیمان گرفته بودیم ۵٦، فرمان دادیم ما ٦٤، فرمودیم و پیمان کردیم ۸۰، پیمان گرفته بودیم ما ۹۰، ما فرمودیم ۱۰۵، فرموده بودیم ۱۰٦، پیمان گرفتیم ۱۳٦

عَهْدِهِ: بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ (۳:۷٦)

پَیمان ۲، پیمان ۳، گزاردن ٤۰

~: وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللّٰهِ (۹:۱۱۱)

پَیمان ۵۵

عَهْدِهِمْ: وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا (۲:۱۷۷)

پیمان ۳، پَیمان ۵۵، پیمانها ۱۲۳

~: ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ (۸:۵٦)

ببار[1] ۹۲، زینهار ۱۰

۱. کذا (؟).

~: وَإِن نَّكَثُوٓا۟ أَيْمَـٰنَهُم مِّنۢ بَعْدِ عَهْدِهِمْ (۹:۱۲)
پیمان بستن ۱۱، پیمان کردن ۱۲۷

~: وَٱلَّذِينَ هُمْ لِأَمَـٰنَـٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَٰعُونَ (۲۳:۸)
پیمانها ٦١، پیمان و سوگندان ٦٤

عَهْدِی: وَأَوْفُوا۟ بِعَهْدِىٓ (۲:٤٠)
هرچه شما را فرمودم ۲۹

~: قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِى ٱلظَّـٰلِمِينَ (۲:۱۲٤)
زینهار ۱۲٤

كَٱلْعِهْنِ: وَتَكُونُ ٱلْجِبَالُ كَٱلْعِهْنِ (۷۰:۹)
پشم رنگی ۱، پشم رنگین ۳، پشم ۱۹، پشم گوناگون ۳۰، پشم سرخ زده ٥٦، پشم وازده ۱۰۰، پشم رنگین برزده ۱۰۲، پشم زده شده ـ ریزه‌ریزه ۱۱۱، پشم شیده ۱۱٤، پشم واخیده ۱۱۹، پشم زده شده ۱۲۲، پشم رنگین ریزه‌ریزه ۱۳۱، پشم توده شده ۱۳۲، پشم رنگین و آزده ۱۳۸

~: وَتَكُونُ ٱلْجِبَالُ كَٱلْعِهْنِ ٱلْمَنفُوشِ (۱۰۱:٥)
پشم زده ۲، پشم برزده ۲٤، پنبه ـ پشم ۳٦، پشم رنگ کرده ۳۹، پشم وازده ۱۱۱

عَوَانٌ: لَّا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌۢ بَيْنَ ذَٰلِكَ (۲:٦٨)
میانه سال ۲، میانه ۳، میانجی ۲۹، میانه سال ٤۲، میانه سال ٥۲، میان پیر و برنا ٥٧، میان ٦۲، میانه سال ٧٦، نیم‌زال ۹۰، درمیانه ۹۹، نه پیر و نه جوان ۱۰۱، جوانه سال ۱۱٤، میان این و آن ۱۲۱، نیم پیر ۱۲٤، نیم بهره ۱۲٧، بکار درآمده ۱۳٥

عِوَجَ: يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ ٱلدَّاعِىَ لَا عِوَجَ لَهُۥ (۲۰:۱۰۸)
گژی ۲۹، درنگ ٤۱، بگردیدن ٧۹، گوژ ۸٤، کجی ۱۱۹

~: قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِى عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۳۹:۲۸)
کیلی ۱، گژی ۲، کژ ۹۹

★ لَا عِوَجَ: يَتَّبِعُونَ ٱلدَّاعِىَ لَا عِوَجَ لَهُۥ (۲۰:۱۰۸)

کژی نباشد ۲، نباشد کژی ۸۲، نگردیدن ۱۱۳

عِوَجًا: تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنتُمْ شُهَدَآءُ (۳:۹۹)
کیلی ۱، گژی ۲، گوزنا ۱۰، گژ ۲٧، کژی و گردانیدن ۳۹، کجی ٥٧، گنگی و کژی ۸۸

~: وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِٱلْءَاخِرَةِ كَـٰفِرُونَ (٧:٤٥)
گوزی ۱۰، کوژه ۲٤، دیکی ۹۸، کج ۱۱۱، ناراست ۱۳۰، کجان ۱۳۱

~: مَنْ ءَامَنَ بِهِۦ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا (٧:۸٦)
کوژی ٤٥، گژی ٥٥

~: وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ كَـٰفِرُونَ (۱۱:۱۹)
کژی ۳، کوژ ٧ مکرر، ویژه ۲٤، کژی و ناراستی ٦٤، کچی ۹٦، کجی و نادرستی ۱۱۱

~: وَلَمْ يَجْعَل لَّهُۥ عِوَجَا (۱۸:۱)
کژی ۲، کژ ۸، دروغ ۲٤، گمراهی ۹۰، گردی ۱۱٤

~: لَّا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَآ أَمْتًا (۲۰:۱۰٧)
کژی ۲۹، کوژی ۳٤، نشیب ۳۹، پانشیب ٤۸، گژی ۸٧، پستی ۹۰، کژوی ۱۱۰، شیب ۱۱٥، کژه ۱۳۸

عَوْرَٰتِ: ٱلَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا۟ عَلَىٰ عَوْرَٰتِ ٱلنِّسَآءِ (۲٤:۳۱)
برهنگیها ٦٧، شرمها ٧۸، گشاد گیهاء اعضاء ۱۰۹

~: ثَلَـٰثُ عَوْرَٰتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ (۲٤:٥۸)
برهنگی ۳، پوشش ٤۱، پوشیدن ٥٦، نادیدنی ٥۸، برهنه کردن شرمها ٧۸، برهنگی و گشادگی ۱۰۹

عَوْرَةٌ: إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِىَ بِعَوْرَةٍ (۳۳:۱۳)
تهی ۱، گشاده ۲، نااستوار ۳، گشاده ۳۰، پیدا ٤۱، گذاشته ٤٧، خالی ٥۳، برهنه ٥۸، شکاف دارد ٧۸، کناره ۱۰۸، گشاده است پشت بادشت ۱۰۹، گشاده است پشت بادشت دارد ۱۰۹، بیرون ۱۳۸

عُوقِبَ: وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ (۶۰:۲۲)
شکنجه کرده شد ۳، بر پی او شدند ۱۲، کشته باشد ۲٤

عُوقِبْتُمْ: فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ (۱۲۶:۱۶)
شکنجه کرده شدیت ۳، شکنجه کرده شدید ۹۱، شکنجه تان کردند ۱۱٤

عِيدًا: تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا (۱۱٤:۵)
جَشْن ۲، جشن ۳، شادی روز ۲۷، رامش و جشن ۵۸، روز شادی بازآینده ۶۷، شادی ۷۲، خرّمی ۹۶، روز شادی ۱۲۰، روز جشن ۱۲۷

الْعِيرُ: ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ (۷۰:۱۲)
کاروان ۱، کاروانیان ۲، گاروَان ۵۵، مَردُم کاروان ۷۶، شترداران و کاروانیان ۱۳۶

~: وَسْئَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ (۸۲:۱۲)
کاربان ۳۹، کاروآن ۹٤، کاروان نیان ۱۱۳

عِيشَةٍ: فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۲۱:۶۹)
زیست ۱، زندگانی خوش ۳۹، زیستن ۱۰۲، زنده گانی ۱۰۸

~: فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ (۷:۱۰۱)
زند گانی ۲، زیوش ۹۶

عَيْلَةً: وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ (۲۸:۹)
درویشی ۱، دَرْویشی ۲، دروَیِشی ۱۰، درویش ۲۹، دَرویشی ۵۵، درویشی و درماند گی ۶٤، تنگی ۱۰۲، درویشی ـ تنگی و بی برگی ۱۰۹، فقر و درویشی ۱۲۲

عَيْنَ: كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ (۱۳:۳)
چشم ۱، چشم دیدار ۹۷، آشکار ۱۲۳

~: أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ (۴۵:۵)
چَشْم ۹٤

~: وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ (۸۶:۱۸)
چَشمه ۵۵

~: وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ (۱۲:۳٤)
چشمه ۱

~: ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷:۱۰۲)
دیدن ۱۰۲

عَيْنًا: فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا (۶۰:۲)
چَشمَه ۵۵، چشمهٔ آب ۱۲٤

~: فَانبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا (۱۶۰:۷)
چشمه ۱، چَشمه ٤۵، چشمه روان ۵۲، چشمَه ۶۲، چشمه آب روان ۹٤

~: فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا (۲۶:۱۹)
چشم ۲

عِينٌ: وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ (٤۸:۳۷)
فراخ چشمان ۱، فراخ چشم ۲۹، چشم آوران ۳۳، بزرگ چشمان ۷٤، فراخ چشمها ۹۲، سیاه چشمان ۱۲۱، چشم ۱۳۰

~: كَذَٰلِكَ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ (۵٤:٤٤)
نیکو چشمان و فراخ چشمان ۷۹، سیاه و فراخ چشمان ۱۰۸، گشاده چشم ۱۲۰، گشاده چشمان ۱۳۲

~: مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ ... وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ (۲۰:۵۲)
فراخ چشمان سیاه چشمان ۳۰، فِراخ چَشْم گشادگان ۵۳، فراخ چشمهان[1] ۶۱، گشاده چشم ۱۲۰، چشمها ۱۳۹

---

۱. کذا در متن اصلی.

~: وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَلِ ٱللُّؤْلُوِ ٱلْمَكْنُونِ (۵۶:۲۲)
نیکو چشم ۲۴، سیاه چشمان فراخ چشمان ۵۱

عَیْنَاکَ: وَلَا تَعْدُ عَیْنَاکَ عَنْهُمْ (۱۸:۲۸)
دو چشم ۱، چشم ۲۴، چشمها ۳۴، دُو چَشم تو ۵۵، چشمان ۱۱۴

عَیْنَانِ: فِیهِمَا عَیْنَانِ تَجْرِیَانِ (۵۵:۵۰)
دو چشمه ۱، دُو چشمه ۸۱، دُو جای آب ۹۲، چشمها ۹۹

~: فِیهِمَا عَیْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (۵۵:۶۶)
هر دو چشمه آب ۲۴، چشمه آب ۵۶، دو چشمه روان ۶۱، دو چشم ۹۲، دو چشمه برجوشنده ۱۱۴

عَیْنَاهُ: وَٱبْیَضَّتْ عَیْنَاهُ مِنَ ٱلْحُزْنِ فَهُوَ كَظِیمٌ (۱۲:۸۴)
دو چشم ۱، چشمها ۳۶، دو چَشم ۵۵، دُو چَشم ۷۶، هر دو چشم ۱۰۰

عَیْنُهَا: فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰٓ أُمِّكَ كَیْ تَقَرَّ عَیْنُهَا (۲۰:۴۰)
چشم ۱۰۳

~: فَرَدَدْنَٰهُ إِلَىٰٓ أُمِّهِۦ كَیْ تَقَرَّ عَیْنُهَا (۲۸:۱۳)
دیده ۳۹، چشمها ۶۱

عَیْنِی: وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَیْنِیٓ (۲۰:۳۹)
دیدار ۳۰، نگاه داشت ۴۲، نگاه داشتن ۵۸، چشم ۷۶، دیدارگاه ۷۸، نگاهداشت ۹۲، نگاه داشتِ چشم ۹۴، نگهداشت ۱۰۰، نگه داشت ۱۱۱، دیده ۱۳۰، دیدار و نگه داشت ۱۳۸

عَیْنَیْكَ: لَا تَمُدَّنَّ عَیْنَیْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِۦٓ (۱۵:۸۸)
دو چشم ۱، دو چَشم ۷۱

عَیْنَیْنِ: أَلَمْ نَجْعَل لَّهُۥ عَیْنَیْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَیْنِ (۹۰:۸)
دو چشم ۱

عُیُونًا: وَفَجَّرْنَا ٱلْأَرْضَ عُیُونًا (۵۴:۱۲)
چشمها ۲، چشمهای روان ۳۰، چشمهاء ۶۴، چشمه ۸۱، چشمه ها ۱۲۰

عُیُون: إِنَّ ٱلْمُتَّقِینَ فِی جَنَّٰتٍ وَعُیُونٍ (۱۵:۴۵)
چَشمّها ۵۵، چَشمها ۷۱، چشمه زارها ۱۲۲

~: فَأَخْرَجْنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٍ وَعُیُونٍ (۲۶:۵۷)
چشمَها ۵۳، چشمَها ۸۶، چشمهاء ۹۰، چشمه سارها ۱۰۳، چشمیَها ۱۱۹

~: أَمَدَّكُم بِأَنْعَٰمٍ وَبَنِینَ وَجَنَّٰتٍ وَعُیُونٍ (۲۶:۱۳۴)
چشمهاء روان ۳۰، چشمهای آب ۳۴، چشمهای آب روان ۴۱، چشمها آب روان ۴۶، چشمهاء آب روان ۶۵، چشمه های روان ۱۲۸، چشمها و کاریزها ۱۳۸

~: فِی جَنَّٰتٍ وَعُیُونٍ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ (۲۶:۱۴۷)
آبها روان ۲۴، آب روان ۴۶، چشمهاء آب ۵۶

~: وَفَجَّرْنَا فِیهَا مِنَ ٱلْعُیُونِ (۳۶:۳۴)
چشمها ۱، چشمها آب ۲۴، چشمه ها ۱۰۶

~: كَمْ تَرَكُوا۟ مِن جَنَّٰتٍ وَعُیُونٍ وَزُرُوعٍ (۴۴:۲۵)
چشمهای رَوان ۲۲، چشمهای روان ۳۰، چَشمها ۳۲، چشمهها ۹۱، سرچشمها ۱۲۳

~: إِنَّ ٱلْمُتَّقِینَ فِی جَنَّٰتٍ وَعُیُونٍ (۵۱:۱۵)
چشمهاءَ روان ۲

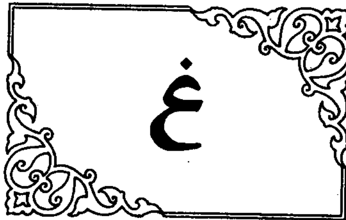
~: إِنَّ ٱلْمُتَّقِینَ فِی ظِلَٰلٍ وَعُیُونٍ (۷۷:۴۱)
چشمها روان ۲، چشمهآ روان ۸۸، جویهاء روان ۹۱، کنار چشمهای آب ۱۰۳

أَفَعَیِینَا: أَفَعَیِینَا بِٱلْخَلْقِ ٱلْأَوَّلِ (۵۰:۱۵)
درماندیم ۱، ما مانده نگشتیم[1] ۲، ما را ماندی

---

۱. چون کلمه در جملهٔ پرسشی قرار گرفته است، به اعتبار استفهام در متن جمله می تواند منفی معنی شود، بدون این که فرض نفی باشد.

رسید ٦، مانده بگشتیم ۳۰، مانده شدیم ٤١، فرومانیدیم ٤٢، مانده شدیم ما ٦١، رنجه و مانده شدیم ٦٧، فرو نماندیم ۷۸، برنجه شدیم ما ۷۹، اندر ماندیم ما ۸۱، ما برنج آمده‌ایم ۹٦، مامانده گشتیم ۱۰۸، مانده و کوفته شدیم ۱۱۱، رنجه شدیم ۱۱۳، درماندیم ما ۱۱۷، درمانده‌ایم ۱۲۰، مانده گشتیم ۱۲۱، ما مانده نگشتیم ما ۱۲٤



غائِبَة: وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي ٱلسَّمَاءِ وَٱلْأَرْضِ (۲۷: ۷۵)
ناپیدا ۲، دورشونده ۳، نهان ۲٤، پوشیده ۲۹، پنهانی ۵۸، پوشیدهٔ نیک نهان ۸٦، پوشید ۸۹، نهانی ناپیدایی ۱۰۹، پوشنده ۱۱۷

غائبین: فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ (۷:۷)
دوران ۳، دورماندگان ٤۱، دورشدگان ۷۲، نهان ۷٦، پنهان داشتگان ۹۹، پنهان ۱۲۳، ناپیدا ۱۲٤

~: ٱلْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ ٱلْغَائِبِينَ (۲۷: ۲۰)
ناپدیداران ۲۰، ناپیدایان ۳۰، پنهانان ۵۸، رفتگان ٦۱، دوران از چشم ۱۰۹، پنهانیان ۱۲۹

~: يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ ٱلدِّينِ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ (۸۲: ۱٦)
پنهان شوندگان ٤۱، دورشوندگان ۸۰، گم شدگان ۱۱۱، بیرون شونده گان ۱۱۳، ناپدیدشوندگان ۱۲۲

ٱلْغائِط: أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ ٱلْغَائِطِ (٤: ٤۳)
آب داست[1] ۵۷، زمین نشیب ۸۵، زمین گوفراخ ۱۰٤، گودال ۱۰۹، خلاجای ۱۳۳

~: أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ ٱلْغَائِطِ (٦:۵)
گو ۱۰، آب دست ۵۳، آب داست ۵۷، آبدست ۹۱، بوی ۱۱۲، نجاست ۱۲٤، زمین شیب بحدث ۱۳۸

لَغائِظون: وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ (۲٦: ۵۵)
در خشم کناران[2] ۱، خشم کردگان ۲، خشمناک کنندگان ۳، بخشم آورده ۲٤، خشم گیرنده ۲۹، در خشم آرندگان ۳۹، خشم آرندگان ٤۳، خشم آرند ٤٦، بخُشم آرنده ٤۷، بخشم بدر آمده‌اند ٤۸، بخشم کنندگان ٤۹، کین دارند ۵۲، بخشم کنند ۵۳، در خشم کنندگان ۵۸، بخشم همی آرند ٦۱، بدر آمده‌اند ۷٦، خشمناک کنندگان ۸۰، خشم می آورند ۸۸، خشم آورندگان ۸۹، بخشم آرندگان ۹۹، بخشم آورندگان ۱۰۰، خشم آمدگان ۱۰۷، همی بخشم آرند ۱۰۸، خشمناک کننده ۱۱٤، بخشم آورندگان ۱۱۹

ٱلْغابِرینَ: إِلَّا ٱمْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ ٱلْغَابِرِينَ (۷: ۸۳)

---

۱. کذا، آب داست / آب دست.
۲. در خشم کناران: به خشم آورندگان.

مَــانَـــد گـــان ۲، واپـــس مـــانـــد گـــان ۱۰، باپس مند گان[1] ۴۹، ماند گان ۵۵، مانند گان ۱۲۷

~: إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ قَدَّرْنَآ إِنَّهَا لَمِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ (۱۵:۶۰)
مانید گان ۳۰، بازپس مند گان ۴۹، مند گان[2] ۵۷، استاد گان ۱۱۲، مانده گان ۱۲۹

~: إِلَّا عَجُوزًا فِى ٱلْغَٰبِرِينَ (۲۶:۱۷۱)
بــازپــس مــانــد گــان ۲۴، پــس مــانــد گــان ۴۶، اندرماند گان ۴۹، گذشته ۸۸، درگذشتگان ۱۳۶، بازمانده ۱۳۸

~: إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ قَدَّرْنَٰهَا مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ (۲۷:۵۷)
بازماند گان ۲، بازپس ایستاد گان ۲۴

~: إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ كَانَتْ مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ (۲۹:۳۲)
وامانده گان ۴۷، ماند گان و بافتگان[3] ۶۷، باپس مـــانـــد گـــان ۹۶، فـــروبـــرنـــده کـــاری ۱۱۹، بازمامند گان[3] ۱۳۰

~: إِلَّا عَجُوزًا فِى ٱلْغَٰبِرِينَ (۳۷:۱۳۵)
درمـانـد گـان ۱، مـانـد گـان ۲۲، وامـانـد گـان ۲۹، بـمـانـد گـان ۳۳، گذشتگان ۳۴، مَاندِ گان ۵۳، بازمانده گان ۹۵

اَلْغَارِ: ثَانِىَ ٱثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِى ٱلْغَارِ (۹:۴۰)
سوراخ ۱، شکاف ۳، شکاف کوه ۲۹، شِکاف ۵۵، سوراخ کوه ۷۲

اَلْغَارِمِينَ: وَفِى ٱلرِّقَابِ وَٱلْغَٰرِمِينَ (۹:۶۰)
اوام[4] داران ۱، فام داران[5] ۳، وام ورامد گان ۱۰، وام گـزاران ۱۱، وام داران ۲۴، وام بـر آمـد گـان ۲۷، وام زد گـــان ۳۶، اوام[4] کـنـنـد گـان ۴۹، فـام دَارَان[5] ۵۵، تـاوان زد گـان ۷۲، تـاوان داد گـان ۹۰، وآم زد گـان ۱۰۰، وام دار آن ۱۰۵، وام دارنـد گـان ۱۰۷، وام داران تاوان داران ۱۰۹

غَاسِق: وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۱۱۳:۳)
تـاریـک ۲، شب تـاریـک ۲۴، تـاریـکـی شب ۷۹، درآینده ۱۰۵، تاریکی ۱۲۲، تاریک شونده ۱۲۶

غَاشِيَة: أَفَأَمِنُوٓا۟ أَن تَأْتِيَهُمْ غَٰشِيَةٌ (۱۲:۱۰۷)
ورپوشیدار[6] ۱، پُوشش ۲، پوشاننده ۳، پوشش ۵، پوشنده ۳۰، پُوشَانَنده ۵۵، پاره ۶۰، پوشانیده ۸۰، پوشش و پوشنده ۸۳، بمسیّده[7] ۹۰، برسنده ۹۵، فروپوشنده ۱۰۳، آینده ۱۰۴، واپوشاند ۱۱۳، پوشنده و فروگیرنده ۱۱۶، پوشاننده و فراگیرنده ۱۲۲، فروگیرنده ۱۳۵

~: هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ٱلْغَٰشِيَةِ (۸۸:۱)
پوشیده ۲، پُوشیده ۳۴، ناگاه بسر درآینده ۱۰۵، فراگیرنده ۱۲۲

غَافِر: غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوْبِ (۴۰:۳)
آمرزید گار ۱، آمُرزنده ۲، آمرزنده ۳، آمرزگار ۳۸، پوشنده ۵۶، امرزنده ۶۹

اَلْغَافِرِينَ: فَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْغَٰفِرِينَ (۷:۱۵۵)
آمرزید گاران ۱، درگذارند گان ۳، آمُرزند گان و

---

۱. باپس مند گان / واپس ماند گان.
۲. مند گان / ماند گان.
۳. کذا در متن اصلی آیا تصحیف «یافتگان» است.
۴. اوام / وام.
۵. فام، ڤام / وام.
۶. ورپوشیدار: برپوشنده.
۷. کذا (؟).

اندر گذارند گان ۱۰، آمرزند گان ۲۴، آمرز گاران ۲۷، آمرز گار آن ۴۵، آمرزَند گان ۵۵، بخشند گان ۱۱۵، آمـرزنـد گـان و درگـذرنـد گـان ۱۱۶، آمرزنگان[1] ۱۳۰

غافِلًا: وَلَا تَحْسَبَنَّ ٱللَّهَ غَٰفِلًا عَمَّا (۱۴:۴۲)

بارخوار[2] ۱، بی آگاه ۲، نادان ۴۳، نه آگاه ۷۹، بی آگاهی ۹۸، بیخبر ۱۱۲، بی خبر ۱۲۳

بِغافِلٍ: وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲:۷۴)

نادان ۴۳

~: وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲:۸۵)

بی تیمار ۴۳، بی آگاه ۵۵

~: وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲:۱۴۰)

بی آگاه ۵۵

~: وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۲:۱۴۴)

بی دانش ۹۲

~: وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۶:۱۳۲)

بارخوار[2] ۱، بی آگاه ۲، فراموش کننده ۳۹، فرویش کار ۷۸

~: وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲۷:۹۳)

بی آگاه ۲، فراموش کار ۶۱، نا آگاه ۸۶

الْغافِلات: ٱلَّذِينَ يَرْمُونَ ٱلْمُحْصَنَٰتِ ٱلْغَٰفِلَٰتِ (۲۴:۲۳)

بارخوار[2] ۱، بی آگاهیان ۲، بی آگاهان ۲۴، آنکه آگاهی ندارند ۵۶، ساده دلان ۵۸، بی تیماران از زنان ۷۲، سوی کاران[3] ۸۱، نا آگاهان ۱۰۳، بی آگاهیان ۱۰۸، بی آگان[4] ۱۰۹، بیخبران ۱۱۳

غافِلُونَ: مُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَٰفِلُونَ (۶:۱۳۱)

بارخواران[5] ۱، دل شُد گان ۲، آگاه نباشند ۱۰، دلشد گان ۲۹، بی آگاهی ۸۲، دل شد گان و بی آگاهان ۸۳، دل شد گان بی گناهان ۸۸، دل شد گان و بی آگاه ۹۴ و ۱۲۴

~: كَٱلْأَنْعَٰمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْغَٰفِلُونَ (۷:۱۷۹)

فراموشکاران و فرغول کاران ۲۷، بی آگاهان ۳۰، نا بی افتاد گان ۵۸، دل برده گان بی آگاهان ۱۰۹، دل مرد گان ۱۲۴، دل برد گان ۱۲۵

~: وَٱلَّذِينَ هُمْ عَنْ ءَايَٰتِنَا غَٰفِلُونَ (۱۰:۷)

دل برد گان ۲۷، بی آگاهند ۷۶، نا آگاهان ۱۳۰

~: وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْغَٰفِلُونَ (۱۶:۱۰۸)

نادانان ۴۳، بی آگاهان ۶۱

~: وَهُمْ عَنِ ٱلْءَاخِرَةِ هُمْ غَٰفِلُونَ (۳۰:۷)

بی آگاهیان ۲، بی تیماران ۴۳

~: لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أُنذِرَ ءَابَآؤُهُمْ فَهُمْ غَٰفِلُونَ (۳۶:۶)

بی آگاه ۲۴، دل برده گان ۳۰، بی تیمار ۱۳۹

~: وَهُمْ عَن دُعَآئِهِمْ غَٰفِلُونَ (۴۶:۵)

بی آگاهیان ۲، نشنوند گان ۶۱

غافِلِينَ: وَإِن كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَٰفِلِينَ (۶:۱۵۶)

بی آگاهیان ۲، بی آگاهان ۳، بی آگاهان ۶۱

~: كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَكَانُوا۟ عَنْهَا غَٰفِلِينَ (۷:۱۳۶)

---

۱. آمرزنگان / آمرزند گان.
۲. بارخوار: نا آگاه.
۳. کذا (؟).
۴. کذا، بی آگان / بی آگاهان.
۵. بارخواران: نا آگاهان؛ بی خبران.

بارخواران ۱، دلْ بُرد گان ۲، بی تیماران ۲۷، گروه بی آگاه ۵۵، نااند یشد گان ۵۸، گروهی بی آگاهان ۹۱، بی آگاهان ـ دل برد گان ۱۰۹، بیخبران ۱۱۲

~: كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (۷:۱٤٦)
دل برد گان ۵۲، بی آگاهیان ۵۵، نااند یشند گان ۵۸، فراموشی کاران ۹۲

~: إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (۷:۱۷۲)
فرغول کاران[1] ۲۷

~: وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ (۷:۲۰۵)
فراموش کاران ۱۰، بی آگاهان ـ دلبرد گان ۱۰۹

~: إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ (۱۰:۲۹)
بی آگاهیان ۳، بی آگاهید ۷٦

~: وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ (۱۲:۳)
فرویش کاران[2] ۳۹، نمی دانستید ۵۸، بی آگاهان ۱۱۹، نا آگاهان ۱۲۳، بی آگا آن ۱۲۸

~: وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ (۲۳:۱۷)
بی آگاه ۲، نادانان ۵۸، نا آگاه ۸٦، بی آگاهی ۱۰۸، نه آگاه ۱۱۳

غَالِبٌ: وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ (۸:٤۸)
به آینده ـ دست یابنده ۱۰۹

~: وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ (۱۲:۲۱)
چیر ۳، چیره ۳۰، پیش برند ۳٦، چِیَره ۵۵، پیش برنده ۵۸

غَالِبُونَ: فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ (۵:۲۳)
چیرگان ۳، به آیند گان ۳۰، چِیَره گان ۵۵

~: فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (۵:۵٦)
چیره شد گان ٤۱

~: مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ (۲۱:٤٤)
چیره گان ۳

~: وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ (۲٦:٤٤)
به ایند گان ۲۰، به آینده ٤۷، چیره ۷٦، به آینده گان ۹۵، زبردستان ۱۰۹، به آیند گان ۱۲۸

~: وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ (۳۷:۱۷۳)
چیره شوند گان ۹۱

الْغَالِبِينَ: إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (۷:۱۱۳)
به آیند گان ٤۲، چِیرَگان ۵۵، برشکنند گان ۵۸، بهتر آیند گان ۸۳

~: لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (۲٦:٤۰)
به ایند گان ۲۰، زبردستان ۱۰۹

~: أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (۲٦:٤۱)
چیره ٤۸، بآیند گان[3] ۱۲۸

~: وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (۳۷:۱۱٦)
بِه آیند گان ۲، چیرگان ۳، بآیند گان[3] ۱۰۸

الْغَاوُونَ: فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ (۲٦:۹٤)
وی رهان[4] ۱، بیراهان ٤۲، بی رَاهَانْ ۵۳، بی راهان ۹۱، بتان گمراهان ۹۲، گمراهان ۱۰۰، بت پرستان ۱۱٦، ویراهان ۱۲۸

---

۱. فرغول کاران: غفلت کنندگان.
۲. فرویش کاران: غفلت کنندگان و تقصیر کاران.
۳. بآیندگان / به آیندگان.
٤. وی رهان / بی راهان.

~: وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (۲۶:۲۲۴)
بی راهان ۲، گمراهان بی راهان ۳، گمراهان ۲۰، نادانان ۲۹، گم راهانان ۷۶، دیوان ۹۶ زیان کاران ۱۱۱

الْغَاوِينَ: فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (۷:۱۷۵)
وی راهان[1] ۱، بی راهان ۲، بی راهان ۱۰، گم بودگان ۲٤، نادانان ۲۹، بی راهان ۵۵، بیراهان ۶۲، بد راهان ۸۳، بی رآهان ۹٤، گمراهان ۱۰۰

~: إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (۱۵:٤۲)
بی راهان ۲، بیراهان ۵۵، گم راهان ۵۸، بیراهان ۶۱، بی راهان ۶۲، گمرهان ۷٤، گمراهان ۱۰۰، گناه کاران ۱۱۳

~: وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ (۲۶:۹۱)
وی رهان[1] ۱، گم راهان ۲، بیراهان ۳٤، بد راهان ۵۸، زیان کاران و گمراهان ۱۱۱، ویراهان[1] ۱۲۸

~: فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ (۳۷:۳۲)
بی راهان ۲، گمراهان ۳، گم کنندگان ۲۲، بی راه ٤۸، گم شدگان ٤۹، بی راهان ۵۳، گمراه کنندگان ۶۱، راه گم کردگان ۹۲، بی فرمانان ۹۸

غَبَرَةٌ: وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ (۸۰:٤۰)
گرد ۱، گرد ۲، گرد نشسته ٤۱، گردار ۶۱، گردها ۹۲، گرد آلوده ۹۹، غبار و تیرگی ۱۰۳، تاریکی ۱۱۱، تیرگی ۱۱۶

غُثَاءً: فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً (۲۳:٤۱)
خاشه ی ۱، خاشاک خشک ۲، خس سر آب ۳، خسی که آب بر سر آورد ٤۱، خشک شده ٤۲، گیاه خشک ٤۳، خشک گشته ۵۳، کف بر سر آب ۵٤، خاشاک که زبر آب افتد ۵۶، خورده ۵۸، کف ۶۲، خشک و سیاه ۷۶، مردگان ۷۹، رود آورده ۸۸، خورده خاشاک ۹۹، چیزی که بدروند ۱۰۰، خاشاک آب آورده پوده ۱۰۳، خاشاک رود آورد ۱۰۹، خاشاک آب آورد ۱۱۱، مردگان ۱۱۳، خس سر آب ۱۱٤، خاشاک آب آورده که کهنه و سیاه و خورد و مردست ۱۱۶

~: وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ (۸۷:۵)
خشک ۲، خاشاک ۳۹، خشک و ریزه ٤۸، خشک ۵۳، خشک ریزه شده ۸۰، خشکه ۹۹، خشک و پژمرده و سیاه ۱۱۱، خشک ریزه ۱۱٤، خشک و خرد ومرد ۱۱۶، خشک پژمرده ۱۲۰، پژمرده ۱۳۱

غَدًا: أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ (۱۲:۱۲)
فردا بامداد ۳، فردا ۵۳، فردا بامداد ۵۵، فردا ۷۶، بامداد ۹۲

~: وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا (۱۸:۲۳)
فردا ۲، فرداد[2] ٤۲، فردا ۵۵

~: وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا (۳۱:۳٤)
فردا ۱، فرداد[2] ٤۲

لِغَدٍ: وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ (۵۹:۱۸)
فردا ۱، فرداد[2] ۹۶

غَدَاءَنَا: قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا (۱۸:۶۲)
چاشت ۱، چاشته ٤۱، چاشنی ۵۳، چاشت ۵۵، بامداد ۵۶، چاشت ۶۲، چاشتهاء ۹۰

بِالْغَدَاةِ: وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ (۶:۵۲)

---

۱. وی راهان، وی رهان / بی راهان.
۲. کلمه نباید سهو و یا غلط باشد، زیرا در سه مورد و در دو قرآن متفاوت تکرار شده است.

بامداد ۱، بامدادْ ۲، بامدادان ۹، بامدادن ۵۲، بامِداذْ ۵۳، بَامْدَاد ۵۵، بامد آد ۹٤، بآمداد ۱۰۰، بام داد[1] ۱۱۸

~: اَلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَوٰةِ وَالْعَشِيِّ (۱۸: ۲۸)
بامَداد ٦۲، بامگاه ۱۰٤

غَدَقًا: لَأَسْقَيْنَٰهُم مَّآءً غَدَقًا (۷۲: ۱٦)
فراوان ۱، بسیار ۲، خوش ۱۹، بسیّار ٤۲، خوشگوار ۱۰۰، فراخ بسیار ۱۰٤، آب بسیار ۱۱۱

غَدَوْا: وَغَدَوْا عَلَىٰ حَرْدٍ قَٰدِرِينَ (٦۸: ۲۵)
بامداد کردند ۱، بامداد برفتند ۲، بامداد رفتند ۳۰، بامدادان کردند ۳۹، بامداد پگاه برفتند ٤۱، پگاه رفتند ٦٤، رفتند ۸۰، گردیدند ۱۰۰، گشتند ۱۰٤، بامداد پگاه رفتند ۱۱٦

بِالْغُدُوِّ: وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ (۷: ۲۰۵)
بامداد ۱، بَامْدادْها ۵۵، بَامَدادان ٦۲

~: وَظِلَٰلُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (۱۳: ۱۵)
بامدادها ۳، بَامْدادهَا ۵۵، بأمداد ۷٦، بامد آد ۹٤، بام داد ۱۳٤

~: يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (۲٤: ۳٦)
بامدادان ۳٦، مام داد[2] ۱۱۳

غُدُوًّا: اَلنَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا (٤۰: ٤٦)
بامدادها ۳، بامداد ۱۵، بَامِداد ۲۲، بامدادان ٤۸، بامِدَاذْ ۵۳، روز ۱۲۳

غَدَوْتَ: وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ (۳: ۱۲۱)
بامداد کردی ۱، بامداد برخاستي تُو ۲، بامداد رفتی ۳، برفتی بامداد ۱۰، بامداد که بیرون آمدی ۲۷، بامداد کردی تو ۳٤، بامداد خاستی ۳٦، بامداد بیامدی ۳۸، بامداد برفتی ٤۰، بیرون رویت ٤۱، بَامداد بَرخَاستی ٤۲، بامداد برخاستی ۵۲، بَامَداد رَفتی ۵۵، بامداد بشدی ۵۷، بامداد بیرون آمدی ۵۸، بیرون آمدی ٦۰، بامداد برفتی تو ٦۳، بامدادان برون آمدی ٦۷، بامداد بیامدی تو ۷٦، بامداد برون آمدی ۹۰، بامداد برخواستی ۹٤، بیرون رفتن بامداد ۱۳۵، بامداد بروی ۱۳٦

غُدُوُّهَا: وَلِسُلَيْمَٰنَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ (۳٤: ۱۲)
بامدادان ۱، بامداد ۲، بامداد کردن ۳، بامداد رفتن ۸۰ و ۱۰۰، بام داد[1] رفتن ۱۳٤

غَرَّ: وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَٰٓؤُلَآءِ دِينُهُمْ (۸: ٤۹)
بفریفت ۱، بَفریفتْ ۲، فریفت ۳، فریفته کردست ۲۷، فِریفت ۵۵، بفریبانید ۷۹، فریفته کرد ۹٤، فریفته است ۱۱۱، فریفته کرده است ۱۲۷

اَلْغُرَابِ: أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَٰذَا الْغُرَابِ (۵: ۳۱)
گراغی[3] ۱، زاغ ۲، کلاغ، کراغ ۲۷، زاغ ٤۲، گلاغ ۵۳، زَاغ ۵۵

غَرَابِيبُ: وَغَرَابِيبُ سُودٌ (۳۵: ۲۷)
سیاهها ۱، سیاهیها ۲، سایها ۱۸، سخت ۲۲، سخت سیاه ۳٤، سیاه ۳٦، سیائیها ۳۸، سیاهی سیاه ۵۲، گروهها سیاه سیاه ٦۱، نیک سیاهان ۸۰، سیاهان ۹۰، سیاهاها ۹۵، سیاه سیاه ۱۰۵، سیاهی ۱۰٦، سخت سیاهان ۱۰۹، کوهها ۱۳۹

غَرَامًا: إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (۲۵: ٦۵)
تاوان ۱، سخت گران ۳۰، پیوسته ٤۱، سخت تاوان ٤۲، گران ٤٦، پاینده ۵۸، ستیزه کننده ۷۸، گران و گرم سخت ۹۵، سخت تابان ۱۲۵

---

۱. بام داد / بامداد.
۲. مام داد / بامداد. هرچند تبدیل «ب» به «م» چندان بعید بنظر نمی رسید، با این حال احتمال تحریف هم هست.
۳. گراغ: کلاغ.

غَرَبَتْ: وَإِذَا غَرَبَت تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ ٱلشِّمَالِ (۱۸: ۱۷)
فرود شدی ۱، فرو رود ۳، فرو شود ۸، فرو رفتی ۳۰، فرو می شد ۳٦، فرو شدی ٤۲، آفتاب فرو می شد ٤٤، فرو رَفتی ٥٥، فُرو شود ٥۷، فرو شد ٥۹

ٱلْغَرْبِيِّ: وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلْغَرْبِيِّ (۲۸: ٤٤)
فرو رفتن آفتاب ٤۱، فرو شدن آفتاب ٤۳، روز فرو شدن ٥۳، آفتاب فرو شدن ۱۲۱، بروز فرو شدن ۱۳۹

غَرْبِيَّةٍ: لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا (۲٤: ۳٥)
سُوی آفتابْ فرو شُدن ۲، سوی آفتاب فرو رفتن ۳، همیشه بسایه باشد ۳۰، در سایه ٤۳، سایگی ٤۷ و ۱۰۲، سوی آفتاب فرو شدن ٦۱، همیشه بسایه ۹۱، باختری ـ نسری ۱۰۹، بی آفتاب ۱۲٤

غَرَّتْكُمْ: وَغَرَّتْكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا (٤٥: ۳٥)
بفریفت ۱، بفریبد ۹٦، فریب داد ۱۱۱، بفریبانید ۱۱۳، فریفته گردانید ۱۲٤

~: وَغَرَّتْكُمُ ٱلْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَآءَ أَمْرُ ٱللَّهِ (٥۷: ۱٤)
فریفت ۳، بفریفته بود ٦٤، فریفته بود ۹۰، فریب داد ۱۳۲

غَرَّتْهُمْ: وَغَرَّتْهُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا (٦: ۷۰)
بفریفت ۱، بَفریفتْ ۲، فریفت ۳، فریفته است ۲۹، فریفته کرد ٤۸، فریفته کردست ۸۸، بفریبد ۱۰٥، بزیبد ۱۱۲، فریب داده ۱۲۲

~: وَغَرَّتْهُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا (٦: ۱۳۰)
بفریفت بُد ۱۰، فریفته کرد ۲۷، بفریبانید ۷۹، فریفته کرده بودند ۱۱۱، فریفته بود ۱۱٦، بفرماید ۱۱۳

~: وَغَرَّتْهُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا (۷: ٥۱)
بفَریفت بُد ۱۰، فریفته گردانید ۳۹، فریفته کرده است ۸۸، فریب داد ۱۰٤

غُرَفًا: لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ ٱلْجَنَّةِ غُرَفًا (۲۹: ٥۸)
وروارها[1] ۱، بروارها ۳، کُوشکها ۱٤، بَروارها ٤۱، دروازها ٦۱، روارها ٦۹، وروارهاء ۹۰، فرودها ۹۲، درینجها[2] ۱۱٤

غُرَفٌ: لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ (۳۹: ۲۰)
وروارها[1] ۱، بَروارها ۲، بروارها ۳ و ۹٤، کوشکها ۲۲ و ۱۳۲، نشست گاه ۲٤، بررواره ۳۳، بارگهها ۳٦، روادها[2] ٦٤، ورواره ۹۰، بالاخانها ۱۰۹، جایهای بلند ۱۲۱، کوشها[3] ۱۲٤

ٱلْغُرُفَاتِ: وَهُمْ فِي ٱلْغُرُفَٰتِ ءَامِنُونَ (۳٤: ۳۷)
ورواها ۱، بَرْوارها ۲، بروارها ۳، کوشکها ۲٤، بارگاهها ۳٦، کوشکَها ٥۳، وروها ٦٥، فروارها و کوشکها ٦۷، جاهاء بلند ٦۹، وزوارها ۷٤، کنگرهها ۹۱، کوشها[3] ۹۲، روزنهای بهشت ۱۰۲، باورها ۱۱٤، پروازها[4] ۱۲۹

غُرْفَةً: إِلَّا مَنِ ٱغْتَرَفَ غُرْفَةًۢ بِيَدِهِۦ (۲: ۲٤۹)
ورداشتن ۱، مشت آب ۳، مشت ۱۰، برکشیدن ۲۹، کشیدن ۳٤، یک بار ۳٦، کف ٤۲، برگرفتن ٤۳، یَک مُشت آب ٥٥، آب ٦۳، برداشتن ٥٦، یک بار مشتی[5] ٥۷، بکف گرفتن ۷۲، کف آب ۷٦، مقدار یک کف ۷۸، یک کشیدن ۸۲، دست

---

۱. وروارها: غرفه ها.
۲. کذا در متن اصلی.
۳. کوشها / کوشکها.
٤. هرچند ضبط متن چنین است، امّا احتمال تصحیف «بروارها» به این صورت هم بکلّی منتفی نیست.
٥. کذا، هر چند احتمال تحریف «بار» به «باز» هم می رود.

۹۰، یک مشت آب ۹۱، یک کف آب ۱۲۰، برکشت[1] ۱۲۷

~: أُوْلَٰٓئِكَ يُجْزَوْنَ ٱلْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا۟ (۲۵: ۷۵)
ورواره ۱، کوشک ۲، بربالا - برواره ۳، کوشک بلند ۲۹، بروارة ۳۰، کاخ بلند ٦٤، کوشکها ۷٦، خانه بر بالا ۸۰ و ۹۱، ورواره‌اء ۹۰، برواژه ۹۵، برداره - بهشت ۱۰۸، بالاخانه ۱۰۹، جایگاه بلند ۱۱۳، خانهای ببالا ۱۱٤، بلندی ۱۲۳، خانهٔ بالا ۱۲۹

ٱلْغَرَقُ: حَتَّىٰٓ إِذَآ أَدْرَكَهُ ٱلْغَرَقُ (۱۰: ۹۰)
بآب فرو رفتن ۳، بآب فُرُو رَفتن ۵۵، فرو شد بآب ۹۱، فرو شدن بآب ۱۰۹، در آب بردن ۱۱٤

غَرْقًا: وَٱلنَّٰزِعَٰتِ غَرْقًا وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشْطًا (۷۹: ۱)
به سختی ۱، جان ستاننده ۳۰، سخت ٤۳، کشیدن بسختی ۷۹، نیک درکشیدن ۸۰، بنیرو ۸۸، ستدن ۹٦، نیرو ۱۰۸، کشیدن سخت ۱۱۳، کشیدن ۱۱٤، دشواری ۱۱۷، تنگ درکشیدن ۱۲۱، سختی ۱۳۲

غَرَّكَ: يَٰٓأَيُّهَا ٱلْإِنسَٰنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلْكَرِيمِ (۸۲: ٦)
فریفت ۲، بفریفت ۳۸، دلیر کرد ٤۱، فریفته کرده است ٦۲، بفریبانید ۷۹، فریفته کرد ۱۰۲، بفریباند ۱۱۳، فریبانید ۱۱٤

غَرَّكُمْ: وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ (۵۷: ۱٤)
بفریفت ۱، فریفت ۳۰، بفریبانید ۷۹، فریفته کرد ۱۰۲، فریب داد ۱۰۳

غَرَّهُمْ: وَغَرَّهُمْ فِى دِينِهِم مَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ (۳: ۲٤)
بفریفت ۱ و ۲، فریفت ۳، فریفته کرد ۲۷، فریفته کردند ٤۱، فَریفتْ ۵۵، فریفته گردانید ٦٤، بفریبانید ۹۸، فریفتند ۱۰٤، بفریبد ۱۰۵، فریب داد ۱۱۱، بفرفت ۱۳٤

ٱلْغُرُوبِ: وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ وَقَبْلَ ٱلْغُرُوبِ (۵۰: ۳۹)
فروشدن ۱، فرورفتن ۲، فرو رفتن آفتاب ۳۰، فروشدن آفتاب ۳۹، فرو شدن ۵۱، فرود شدن ۹۰، فرود آمدن ۹۹، نماز دیگر ۱۲٤

غُرُوبِهَا: قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا (۲۰: ۱۳۰)
فُروشدن ۲، فرورفتن ۳، فروشدن ۲٤، فرو رفتن آفتاب ٦۱، فروشدن آفتاب ٦۲، فرود شدن ۹۰

ٱلْغَرُورُ: وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ (۳۱: ۳۳)
فریفتار[2] ۱، دیو فریبنده ۳، فریبَنده ۱٤، دیو ۲۹، فریفتنی ٤۳، دنیای فریبنده ٤۷، فریبنَدهٔ ۵۳، فریبانندہ ۵۸، فریبنده - دیو ۹۱، فریب ۹۲، فریب دهنده ۱۳٦، فَریبنْده ۱۳۸

~: وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ (۳۵: ۵)
دیو فریبنده ۲، فریفتکاری ۲۲، دیو فریبند گی ۳۰، فریفتکاری - فریفتگاری ۳۸، دیو فریبنده ۵٦، دیو فریونده[3] ٦۵، شیطان فریبنده ۱۰٤، فریبند گان ۱۱۵، فری بی ۱۱۹

~: حَتَّىٰ جَآءَ أَمْرُ ٱللَّهِ وَغَرَّكُم بِٱللَّهِ ٱلْغَرُورُ (۵۷: ۱٤)
فریبنده ۲، فروُبنده ۵۱، فریفتن ۹۰، فریب دهنده ۱۳۲، دیو فریب دهنده ۱۳٦

ٱلْغُرُورِ: وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلْغُرُورِ (۳: ۱۸۵)
فریفتن ۲، فَریفتن ۱۰، فریونده[3] ۲٤، فِریب ۲۷، فریبنده ۳۸، بافریب ۵۳، فِریْب ۵۵، فریبش ۵٦، فریفته ۵۸، ناپایدار ٦٤ و ۱۲۳، اند ک و فریب ۷۲، فریب دهنده ۱۲۹

~: فَدَلَّىٰهُمَا بِغُرُورٍ ۚ فَلَمَّا ذَاقَا ٱلشَّجَرَةَ (۷: ۲۲)
فرِیفتن ۲، فریب و سوگند دَروغ ۱۰، دستان ٤۹،

---

۱. کذا در متن اصلی (؟).
۲. فریفتار: فریبنده.
۳. فریونده / فریبنده.

فریفت ۶۱

~: وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلْغُرُورِ (۵۷:۲۰)
فریو[1] ۱، فریب ۲

~: إِنِ ٱلْكَٰفِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ (۶۷:۲۰)
فریفتگی ۲، بی راهی ۱۹ و ۳۸، سرکشی ۱۳۶

غُرُورًا: وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا (۴:۱۲۰)
فریفتگی ۲، فریفتکاری ۳۱، فریفتگاری ۴۵، فریب ۵۵، فریبش ۵۶، فریفتن و دروغ ۵۸، بیهوده ۶۴ و ۹۰، فریبیدن ۱۱۴

~: يُوحِي بَعْضُهُمْ ... زُخْرُفَ ٱلْقَوْلِ غُرُورًا (۶:۱۱۲)
فریفتن ۲، فروفتن[2] ۳۹، فریبنده ۵۳، فریب ۵۵، فریفته کند ۶۲، فریفته شده ۹۴، فریب دادن ۱۱۱

~: وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا (۱۷:۶۴)
فریبْ ۲، فریفتگی ۲۴، فریبْ ۵۳، فریفتن ۵۵، فریب و دستان ۵۸، فرهیو ۵۹، دیوی ۶۱، دستان ۷۴، فریو[1] ۹۵

~: مَّا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ إِلَّا غُرُورًا (۳۳:۱۲)
فریفتن ۲، فریب ۳، بازی دهنده ۱۱۱

~: إِن يَعِدُ ٱلظَّٰلِمُونَ بَعْضُهُم بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا (۳۵:۴۰)
فریو[1] ۱

غَزْلَهَا: وَلَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا (۱۶:۹۲)
ریسمان ۱، ریسَمان ۲، رشته ۳، رِشتهٔ خودْ را ۱۰، ریسمان ۵۳ رشته ۵۵، ریسمان رشته ۵۶، ریسمّان ۶۲، تاب ریسمان ۶۹، رشتها ۹۱، تارهای رشته ۱۲۲، تاب ریسمان رشته ۱۳۳

غُزًّى: إِذَا ضَرَبُوا۟ فِي ٱلْأَرْضِ أَوْ كَانُوا۟ غُزًّى (۳:۱۵۶)
جَنگ کُنَند گان ۵۵، جنگ کننده ۱۱۴

غَسَّاقًا: إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا (۷۸:۲۵)
خُون و ریم ۲، خون و ریم ۳، خون آبه ۲۴، ریمآبه دوژخیان[3] ۳۶، گنده ۳۹، خون آب ۴۱، زرداب ۴۲، زرد آب ۵۲، ریم آبهٔ دوزخیان ۶۴، ریم آوه[4] ۶۷، گنده پاداش ۷۸، خون و ریم دوزخیان ۸۰، ریم و خون ۱۰۲، ریم دوزخیان ۱۰۳، ریم و خون دوزخیان ۱۰۹، زردابه و خونابه ۱۱۱، آنچه بپالانید از اندام دوزخیان از ریم و چرک ۱۱۳، ریم ۱۱۵، چرک و ریم ۱۳۰، چرک ۱۳۶، آنچه برود از زیر دوزخیان ۱۳۸، ریم دوزخیان، رین[5] دوزخیان ۱۳۹

غَسَّاقٌ: هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ (۳۸:۵۷)
سَرماءَ سَرْد سوزان ۲، خون و ریم ۳، ریم دُوزخیان ۲۲، خون آبه ۲۴، خون آبه و ریم آبه ۳۰، پالایش دوزخیان ۳۳، سردی سرد ۳۴، ریمابه ۳۶، خونابه و ریمابه ۴۱، زرداب ۴۲، ریم آب ۴۳، ریم ۴۹، ریم و خون ۵۳، ریم و آنچه بیرون آید از پوست دوزخیان ۵۶، ریمابه دوژخیان ۶۱، ریم آبهٔ دوزخیان ۶۴، ریمابهٔ دوزخیان ۶۵، ریم آبه دوزخیان ۶۷، ریم و زرداب ۶۹، آنچه بپالاید از اندام دوزخیان از چرک و ریم ۷۹، خون و ریم دوزخیان ۸۰، گنده ۹۰، زرد آب ۹۶، ریم و زرد آب ۹۹، خون و چرک ۱۰۰، ریمی که از گوشت و پوست دوزخیان سیلان میکند ۱۰۳،

---

۱. فریو / فریب.
۲. فروفتن / فریفتن.
۳. کذا، «ژ» با سه نقطه در متن اصلی.
۴. ریم آوه / ریم آبه.
۵. رین / ریم.

سرمای سرد سوزان یا ریم دوزخیان ۱۰۸، چرک و ریم ۱۱۳، چرک سخت گندیده ۱۱۶، ریم و خونابه ۱۲۶، سرمای سرد ۱۲۹، آنچه برود از زیر دوزخیان ۱۳۸

غَسَق: لِدُلُوكِ ٱلشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيْلِ (۱۷:۷۸)
تاریکی ۱، تاریکی ۲، تاریکی شب ۳۶، تاریکی ۵۵، تاریک شدن ۵۶، گرد آمدن[1] ۵۷، تارکي[2] ۶۰، درامدن ۶۹، تاریک ۱۰۵، سیاهی ۱۱۱

غِسْلِين: وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ (۶۹:۳۶)
خون و ریم ۲، پالایش دوزخیان ۳، ریم ۱۹، ریم آبه ۳۰، ریمابه دوزخیان ۳۶، خونابه و ریمابه دوزخیان ۴۱، شسته دوزخیان ۴۳، ریم اهل دوزخ ۵۴، خون و ریم دوزخیان ۵۶، زرداب دوزخیان ۶۱، ریم آبهٔ دوزخیان ۶۴، خونابه و ریم آبه ۷۲، آنچه بپالاید از اندام دوزخیان ۷۹، خونابه ۹۰، ریم اندام دوزخیان ۹۲، آنچه از تن دوزخیان برود ۱۰۰، فروشده دوزخیان ۱۰۲، آنچه از شکم دوزخیان وزوچکد از ریم ۱۰۵، آنچه ببالاید از اندام دوزخیان ۱۱۳، زرد آب ۱۱۵، زرد آبه[3] و خونابه دوزخیان ۱۱۶، زرد آب دوزخیان ۱۱۹، چرک تن دوزخیان ۱۲۲، ریم آب ۱۲۶، چرکٔ تن دوزخیان ۱۳۲، انک برود از زیر دوزخیان ۱۳۸

غِشَاوَةٌ: وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَٰرِهِمْ غِشَٰوَةٌ (۲:۷)
پُوشش ۲، پُوشِش ۵۵، پرده تاریکی ۹۹

~: وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِۦ غِشَٰوَةً (۴۵:۲۳)
پرده ۱، پوشش ۲

غَشَّىٰ: وَٱلْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ فَغَشَّىٰهَا مَا غَشَّىٰ (۵۳:۵۴)
وربوشید ۱، بربُوشید ۲، پوشانید ۳، بپوشید ۲۴، بپوشانید ۳۰، بربوشید ۳۸، پوشید ۵۳، رسید ۸۱، پوشاند ۱۰۸، فرو پوشید ۱۲۴، رسانید ۱۳۲، برسانید ۱۳۹

غَشِيَهُمْ: فَغَشِيَهُم مِّنَ ٱلْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ (۲۰:۷۸)
وربوشید ۱، پُوشید ۲، فرو پوشید ۳، بپوشید ۲۴، هارسید ۲۹، پوشید ۳۰، دربوشید ۳۶، پوشاند ۴۱، بیامد ۴۲، برسید ۴۳، رَسید ۵۳، بپوشانید ۶۱، اندرآمد ۶۲، درآمد ۷۶، پوشد ۹۲، رسید ۱۰۰، پوشانید ۱۰۸، فراپوشید ۱۰۹، فروگرفت ۱۱۱، دریافت ۱۲۳، برسید ۱۳۹

~: وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوْجٌ كَٱلظُّلَلِ (۳۱:۳۲)
وربوشد ۱، فروپوشد ۳، برپوشد ۱۴، بپوشد ۲۴، بیاید ۳۰، بپوشاند ۴۱، بسر فرو گیرد ۴۲، برسد ۴۶، درآید ۴۷، فرو می پوشد ۴۸، بسر فرو کرد ۵۲، بَرسَدْ ۵۳، دررسد ۷۶، روی آرد ۸۸، فراپوشد ۱۰۹، فرو گیرد ۱۱۱

غَصْبًا: وَكَانَ وَرَآءَهُم مَّلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا (۱۸:۷۹)
بستم ۱، ستم ۲، سِتَم ۵۵، زور ۷۶، ستم و زور ۱۰۹، بزور ۱۳۷

غُصَّة: وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا (۷۳:۱۳)
گلواگیر[4] ۱، بگلوُ اندرماندن ۲، درماندن بگلو ۳، گلوآویز ۶، گرفتن گلو ۱۹، گرفتن در گلو ۳۸، در گلو گرفتن ۷۹، درماند در گلو ۸۰، بگلو درماندن ۸۸، گلوگیرنده ۸۹، گلوگیر ۹۰، ناگواری ۱۰۴، بگلو اندرماندن ۱۰۸، در گلو گیرنده ۱۳۶

---

۱. کذا (؟).
۲. تارکي / تاریکی.
۳. کذا، زردآبه / زردابه.
۴. گلواگیری / گلوگیر.

غَضِبَ: وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُۥ (٤:٩٣)
خشم گیرد ٢٧، خشم ٣٦، خشم گیرد ٤٢، نَاخُشنُود شُد ـ خَشم گِرفت ٥٥، خشم آورد ٥٦، خشم گرد ٦١، ناخشنود شد ٩١

~: مَن لَّعَنَهُ ٱللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ (٥:٦٠)
بخشم شد ١، خشم گرفت ٢، خِشم گِرفت ٤٥، خشم گِرفت ٦١، خشم گرفته ٧٠، خشم کرده باشد ١٠٣

~: وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ (٤٨:٦)
خشم گرفت ٢، افکند خشم خود ٣، خشم گرفته است ٦، خشم کرد ٣٠، خشم گرفته باشد ٣٤، افکند ٨٠، خشم گرفتست ١٠٨

~: أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ تَوَلَّوْا۟ قَوْمًا غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِم (٥٨:١٤)
بخشم است ٣٩، خشم آورده است ٦٤، خشم گرفته ست ١١٣، خَشم گرفت ١٣٨

غَضَبٌ: فَبَآءُو بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ (٢:٩٠)
نفرین و خشم ٦٤

~: وَبَآءُو بِغَضَبٍ مِّنَ ٱللَّهِ (٣:١١٢)
ناخشنودی ٣، آزار ٢٧، ناخُشنودِی ٥٥، خشم بزرگ ١٢٧

~: قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ (٧:٧١)
خشم ١، دشمنی ١١٢

~: سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ (٧:١٥٢)
خِشم ٢، شکنجه ٣، خَشم و نَاخشُنودی ٥٥

~: وَٱلْخَٰمِسَةَ أَنَّ غَضَبَ ٱللَّهِ عَلَيْهَآ (٢٤:٩)
خشم کناد ١١٤، خشم گرفته ١٣٩

~: حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ (٤٢:١٦)
خِشمُ ٨١

غَضْبَانَ: وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوْمِهِۦ غَضْبَٰنَ (٧:١٥٠)
خشم آلود ١، خِشم آلوُد ٢، اندوهگین ٣، خِشم آلود ١٠، خشم گن ٣٥، خشمگین ٣٩، اندوهگن ٤٢، خِشمْ گن ٥٣، خَشْمناک ٥٥، در خشم شده ٥٨، خشمگن ٦٣، خَشمگین ٦٩، خشم گین ٧٩، خشمگِن ٩٣، غمناک ١٠٥، خشم کن ١٠٦

~: فَرَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوْمِهِۦ غَضْبَٰنَ أَسِفًا (٢٠:٨٦)
خشمناک ٣، خشم ناک ٣٩، خَشم الو ٥٣، خشم گرفته ٦٢، پرخشم ٦٤، خشم الوده ٦٩، خشم زده ٧٦، خشم گیر ٩٨، در خشم ١٢١، خَشم گن ١٣٨

غَضِبُوا: وَإِذَا مَا غَضِبُوا۟ هُمْ يَغْفِرُونَ (٤٢:٣٧)
در خشم شند ١، خشم گیرند ٢، خشمناک شوند ٣، خِشم گیرند ٢٢، خشم ناک شوند ٣٢، خشم گرفتند ٣٨، بخشم شوند ٣٩، در خشم شوند ٤١، بخشم آورند ٨٩، خشم بر آید ٩٦، بخشم آیند ١٠٦، خَشمناک شوند ١١٤

غَضَبِي: وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِى فَقَدْ هَوَىٰ (٢٠:٨١)
خِشمْ ٥٣

غِطَاءٍ: ٱلَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِى غِطَآءٍ عَن ذِكْرِى (١٨:١٠١)
پرده ١، پُوشش ٢، پوشش ٣، پوشیدگی ٣٦، پُوششِ ٥٥

غِطَاءَكَ: فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَآءَكَ (٥٠:٢٢)
پرده ١، پُوشش ٢، پوشش ٣، پُوشِش ٤٢، پرده و پوشش ٥٣

ٱلْغَفَّارُ: وَإِنِّى لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ (٢٠:٨٢)
آمرزید گار ١، آمرزنده ٢، آمرز گار ٣، اُمرزَنده ٥٣، بسیار آمرزنده ٥٨

~: رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَ... ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفَّٰرُ (٣٨:٦٦)
آمُرز گار ٢، آمرزنده گناهان ٦٤، آمرز کار ١٢١

~: أَلَا هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفَّٰرُ (٣٩:٥)
کینه گُزار ٢، سخت بسیار آمرزنده ٤١، آمُرزنده

۸۱، آمرزش کار ۱۳٦

غَفّارًا: فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (۷۱: ۱۰)
نیک آمرزنده ۳، گنه آمرز ۲٤، سخت آمرزنده ٤١، آمرزنده گاه ٤٩، بسیار آمرزش ٦٤

غَفَرَ: إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ (۲۸: ۱٦)
بیامرزید ۱، بیامرزانید ۱۲٤

~: بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (۳٦: ۲۷)
آمرزید ۸٦، آمرزد ۱۲٤

~: وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ (٤۲: ٤۳)
درگذارد ۱، درگذاشت ۳۲، بپوشید ۳۹، اندر گذارد ٤٩، بیامرزد ٦١، درگذاشت ۸۰، درگذشت ۱۰۰، بپوشاند ۱۰۸، درگذرانید ۱۱٤

غُفْرَانَكَ: وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا (۲: ۲۸۵)
آمرزشت ۱، بیامرزد ما را ۲، آمرزش ۳، آمُرزِش ۱۰، آمرزش خواهیم از تو ۲٤، آمرزیدن ۲۵

فَغَفَرْنَا: فَغَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ (۳۸: ۲۵)
بیامرزیدیم ۱، بیامرزیم ما ۵٦، آمرزیدیم ما ۵۸، بیامرزیدم ٦١، بیامرزیدیم ما ٦٤، درگذاشتیم ٦٩، بیامُرزیدیم ۸۱، آمرزیدیم ۱۰٤

غَفْلَةٍ: إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۹: ۳۹)
بارخواری ۱، نادانی ٤۳

~: وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ (۲۱: ۱)
بی آگاهی ۳، کوشش ۱۲، دل بردگی ٦١، فرویش[1] ٦٤، بیماری ۱۳۹

~: يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا (۲۱: ۹۷)
پوشش ۱۲، ناگرویدگی ۵۸، بی تیماری ۷۲، بی چیزی ۱۱۳، دل شدگی ۱۲۸

~: وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا (۲۸: ۱۵)
بی آگاهی ۲، ناگاه ٤۲، نادانستن ۱۱۹

غَفُورًا: إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (٤: ۲۳)
پوشنده گناه ۲۹، پوشنده گناهان ٤۲، برنده گناهان ۱۲۷

~: إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (٤: ٤۳)
آمُرزَنده ۲، آمرزگار ۵۸، مهربان ۷۵، درگذارنده ۱۱۲

~: وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا (٤: ۹۹)
همیشه آمرزنده ۳، بخشاینده ۷۲، بخشنده ۱۳۰

~: إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (٤: ۱۰٦)
آمرزش کار ۷۲، آمرزگار ۵۷

~: يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا (٤: ۱۱۰)
پوشنده ۳٦

~: فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (٤: ۱۲۹)
نیک آمرزگار ۳

~: فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا (۱۷: ۲۵)
آمرزگارْ ۲، اُمرزِگارْ ۵۳، اَمرُزگار ۵۷، امرزگار ٦٩

~: إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (۱۷: ٤٤)
آمرزش کار ۱۳٦

~: إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۲۵: ٦)
درگذارنده ۱۱۵

~: وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۲۵: ۷۰)
آمرزیدگار ۱

~: وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (٤۸: ۱٤)
آمُرزگار ۸۱

---

۱. فرویش: قصور و تقصیر؛ فراموشی.

غفورٌ: إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۷۳:۲)
آمُرزنده ۲، پوشنده گناه ۵۵

~: فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۸۲:۲)
آمُرزگار ۵۵

~: وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۱۸:۲)
آمرزند[ه] ۲۷

~: وَٱللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۲۲۵:۲)
آمُرزگار ۲

~: وَأَصْلَحُوا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۸۹:۳)
آمرزند[ه] ۲۵

~: وَأَن تَصْبِرُوا۟ خَيْرٌ لَّكُمْ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۵:۴)
آمرزیدگار ۱

~: فَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۴:۵)
آمرزندگار ۳۷

~: إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۹:۵)
آمرزیدگار ۱

~: وَيَسْتَغْفِرُونَهُۥ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۷۴:۵)
آمرزنده ۲

~: وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُۥ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵۴:۶)
بسیار آمرزش ۶۲

~: إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ ٱلْعِقَابِ وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۶۵:۶)
اندر گذارنده و آمرزگار ۱۰

~: وَإِنَّهُۥ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۶۷:۷)
اندر گذارنده ۱۰

~: وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۷۰:۸)
پوشندهٔ گناه ۵۸

~: إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۹۹:۹)
پوشنده ۶۲

~: إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ (۹۸:۱۲)
امرزنده ۵۳

~: نَبِّئْ عِبَادِىٓ أَنِّىٓ أَنَا ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ (۴۹:۱۵)
آمُرزگار ۵۳

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۸:۱۶)
آمُرزنده ۵۵

~: إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۱۰:۱۶)
امُرزگار ۵۳، مهربان ۱۱۵

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۱۵:۱۶)
آمُرزنده ۵۷

~: وَرَبُّكَ ٱلْغَفُورُ ذُو ٱلرَّحْمَةِ (۵۸:۱۸)
نیک آمرزگار ۵۵

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (۶۰:۲۲)
آمرزنده ۲

~: أَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَكُمْ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۲:۲۴)
آمرزنده ۵۱

~: بَدَّلَ حُسْنًۢا بَعْدَ سُوٓءٍ فَإِنِّى غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۱:۲۷)
امرزگار ۵۳

~: فَغَفَرَ لَهُۥٓ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ (۱۶:۲۸)
آمرزنده و پوشانیده از بدیها ۱۱۱

~: وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ ٱلرَّحِيمُ ٱلْغَفُورُ (۲:۳۴)
پوشنده گناهان ۱۰۳

~: بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ (۱۵:۳۴)
آمرزگار ۲، آمرزش کار ۱۳۶

~: نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ (۳۲:۴۱)
امرزیدگار ۶۹

~: أَلَآ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ (۵:۴۲)
بخشاینده ۱۶

~: وَإِنَّ ٱللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (۵۸:۲)
پوشنده ۴۹، درگذرنده ۱۱۴

~: لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفُورُ (۶۷:۲)
نیک آمرزگار ۸۰، آمرزگار بسیار آمرزش ۱۰۹

~: وَهُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلْوَدُودُ (۸۵:۱۴)
فراپوشنده گناه ۴۱

غَلَّ: وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (۳:۱۶۱)
ناراستي كرد ۳، نَاراسْتي رَوَد ۵۵

غِلًّا: وَلَا تَجْعَلْ فِى قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ (۵۹:۱۰)
گرانی ۱، کینه ۲، کینه ۳، دشمنی ۲۴، کین ۹۶، ناپاکی ۱۳۶

غِلٍّ: وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ (۷:۴۳)
کین ۹۰، اندوه ۹۲، بدی ۱۰۲

~: وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ (۱۵:۴۷)
کینه ۱، کینه و دشمناذگي ۲، دشمنی و کینه ۴۱، کینَهْ ۵۳، کِینَه ۵۵، کینهاء ۶۴، دشمنایگی ۹۰، دشمنی ۹۴، کینه و دشمنی ۹۶، کینها ۱۰۳، دوشمنی ۱۲۸

غِلَاظٌ: عَلَيْهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ (۶۶:۶)
زوشان[1] ۱، درشتان ۲، سخت ۳۴، درشت خوی ۳۶، ستبر ۶۴، سطبران و سخت دلان ۶۵، ستبر درشت دلان ۶۷، درشت ۹۰، خشم ناکان ۹۶، سطبر دلان ۱۰۲، درشت سخنان ۱۱۱

غُلَامًا: فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا لَقِيَا غُلَٰمًا فَقَتَلَهُۥ (۱۸:۷۴)
کودک ۲، پسر ۴۸، جوان ۶۴، فرزند ۱۰۶

غُلَامٌ: قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِى غُلَٰمٌ (۳:۴۰)
پسرْ ۲، فرزند پسرینه ۱۰، فرزند نرینه ۲۷، فرزند پَسرینه ۴۵، پِسَر ۵۵، کودک نرینه ۷۶

~: فَأَدْلَىٰ دَلْوَهُۥ ۖ قَالَ يَٰبُشْرَىٰ هَٰذَا غُلَٰمٌ (۱۲:۱۹)
کودک ۲

~: قَالُوا۟ لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٍ (۱۵:۵۳)
پسر ۲، کُودَک ۵۵، پسرَ ۶۲

~: وَأَمَّا ٱلْغُلَٰمُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ (۱۸:۸۰)
جوان کودک ۴۴

~: إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَٰمٍ ٱسْمُهُۥ يَحْيَىٰ (۱۹:۷)
فرزند ۲، کودک پسرینه ۹۱

~: قَالُوا۟ لَا تَخَفْ ۖ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَٰمٍ عَلِيمٍ (۵۱:۲۸)
کودک ۲

غُلَامَيْنِ: وَأَمَّا ٱلْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَٰمَيْنِ يَتِيمَيْنِ (۱۸:۸۲)
دُو کُودک ۲، دو کودک ۳، دو پسر ۲۴، دو کودک خرد ۳۰، دُو کُودَک ۵۵، دو پسرکان ۹۹

غُلْبًا: وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَآئِقَ غُلْبًا (۸۰:۳۰)
گیشن[2] ۱، درختان بزرگ یا سطبر ۲، پردرخت ۲۴، ستبر ۲۹، سِطَبر ۳۰، خوشه ۳۸، انبوه ۴۱، با درختان دراز ۵۶، گرد بر گرد آن بیخادرشت ۶۱، درهم و انبوه ۶۵، بهم درشده ۷۹، بزرگ و سطبر ۸۸، با درختان ۹۰، بسیار درخت ۹۱، خوش ۹۲، سِتَبْر ۹۶، درختان انبوه ۹۹، سطبر و بالیده ۱۰۲، درهم شده ۱۱۳، بسیار ۱۲۶، درختان درهم ۱۳۳

غَلَبَتْ: غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً (۲:۲۴۹)
بشکستند ۳۶، بِه آمد ۱۰۹

~: قَالُوا۟ رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا (۲۳:۱۰۶)

---

۱. زوشان: درشتان؛ سختان.
۲. گیشن: گشن. پردرخت.

فروگرفت ۲، فرو گرفت ٦١، چیره شد ۸۰، برشگفت ۸۱، برشکست ۹۹

غُلِبَت: الٓمٓ غُلِبَتِ الرُّومُ فِىٓ أَدْنَى الْأَرْضِ (۳۰:۲)
شکسته شد ۱۰۹، چیره کرده شد ۱۱٤

غَلَبِهِمْ: وَهُم مِّنۢ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (۳۰:۳)
چیره شدن ۱۱٤

غَلَبُوا: قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰٓ أَمْرِهِمْ (۱۸:۲۱)
چیره شدند ۳، چیرَه شُدَند ۵۵، چیره گشتند ۵۷، برآمدند ۷۸، به آمدند ۱۰۹

غُلَّتْ: غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا (۵:٦٤)
بسته باد ۲، بسته بادا ۱۰ مکرّر، بند نهند ۳۸، بسته باد ٤۲، بَسْتَه بَاد ۵۵، بسته و باز گرفته باد ۵۸، بسته ٦۹، بند یهاد[1] ۷٦، با گردن بسته شد ۷۹، اندر بند باد ۸۲، بربسته باد ۹۱، با گردن بسته بآد ۱۰۰، بند نهاده شد ۱۰۳، بند نهاد ۱۱۸، باز گرفته ۱۱۹، بند کرده شد ۱۲۱، اندر بند بادا ۱۲۷

غِلْظَةً: وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً (۹:۱۲۳)
زوشی[2] ۱، دُرشتی ۲، درشتی ۲۹، سختی ۳۹، دُرُشتی ۵۵، درشتی سخت ۱۰۰، درشتی و سختی ۱۲۹، دشمنی ۱۳۰

غُلْفٌ: وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌۢ بَل لَّعَنَهُمُ اللَّهُ (۲:۸۸)
بَسته ۲، پردها ۳، بند ٤، دَر پَردَها ۵۵، درپوشش ۵۹، در پرده ۸۰، پوشش ۹۰، با پرده ۱۰۹، پوشیده ۱۳٦

~: وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌۢ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا (٤:۱۵۵)
نیاو ۲٤، درپردها ۸۰

غَلَّقَت: وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ (۱۲:۲۳)
ببست ۱، بَبَسْت ۲، دربست ۷ مکرّر، بربست ۳۰، دَربَست ٤۲، بَربَسْت ۵۵، دربرست ۵۷، ببَست ٦۲، بست ٦۹، به بست ۱۰۰

غِلْمَانٌ: وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ (۵۲:۲٤)
کَودکان ۳، کودکان خرد ٤۳، پسران ۱۰۲، پسران ـ کودکان ۱۰۹

فَغُلُّوهُ: هَلَكَ عَنِّى سُلْطَٰنِيَهْ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ (٦۹:۳۰)
بَبندئی ۲، دست با گردن بندیت ۳، بند نهی ۲۹، بندیت ۳۰، بند نهید ۵۲، در بند کنید ۷۲، ببندید ۱۰۸، بند کنید ۱۰۹، بوبنبدند ۱۱۳، دست بر گردن بندید ۱۱٤، دست بگردن بندید ۱۲۹

کَغَلْي: يَغْلِى فِى الْبُطُونِ كَغَلْىِ الْحَمِيمِ (٤٤:٤٦)
جوشیدن ۱، جُوشیدن ۲

غَلِيظٌ: وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ (۳:۱۵۹)
ستوردِل[3] ۱، سطبرْ ۲، سخت ۳، سطبر ۱۰، استبر ۳٤، سَتبُر ۵۵، ستیز ٦۳، ستیزکار ۷۵، آستبر ۹۵، سخت سخت ۱۲۷

~: وَنَجَّيْنَٰهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (۱۱:۵۸)
دُرشت ـ سخت ۲، ستبر سخت ۲۷، بزرگ ۳٤، درشت و سخت ۵۳، دُرُشت ۵۵، درشت و سطبر ۵۸، دَرشت ۹٦

~: وَمِن وَرَآئِهِۦ عَذَابٌ غَلِيظٌ (۱٤:۱۷)
دُرشتْ ـ سخت ۲، ستبر ۵، سخت و دشوار ٤۱، دُرُشت ۵۵، سخت تر و دشوارتر ٦٤، سخت و درشت ۱۰۲

---

۱. کذا (؟)، آیا «بندنهاد» بوده است و تصحیف شده؟
۲. زوشی: درشتی و سختی.
۳. ستوردِل: ستبر دل؛ سخت دل.

~: ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ (۳۱:۲٤)
درشت سخت ٤٦، سطبر سخت ٥٨، سخت و گران ۱۰۳، زفت، درشت ۱۰۹، گران ۱۱٦، سخت، گران ۱۲۰، سخت و زفت و ستبر ۱۳۸

~: وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (٤۱:٥۰)
زوش[1] ۱، دُرشتْ ۲، درشت ۳، سخت درشت ٤۱، گران سخت ۹٤، دشوار ۱۱٥، سخط[2] ۱۲٤

★ غَلِيظَ الْقَلْبِ: وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ (۳:۱٥۹)
درشت دل ٦۹، ستبردل ۸۸، سیاه دل ۱۳٦

غَلِيظًا: وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (٤:۲۱)
اِستُوار ۲، دِرشت ۳، بزرگ ۱۰، زفت و بزرگ ٤۰، استُوار ٤۲، استوار ۹۷

~: وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (٤:۱٥٤)
زوش ۱، دُرشتْ ـ استوار ۲، درشت استوار ۳، زفت ۱۰، ستبر ۲٤، درُشت ٤٥، استوار درشت ٥۷، سخت و سطبر ٥۸، سخت ٦۰، گران ۷۲، سطبر ۷٤، استوار ۹٤، ستَبر ۹٥، درشت و زفت ۱۰۹

~: وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (۳۳:۷)
اِستُوار ۲، استوار ۳، بزرگ ۱٤، سخت و استوار ٤۱

غَمًّا: فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ (۳:۱٥۳)
انده ۱، اَندُوه ۲، اَندوه ٥٥، اندیشه ۷٥، اندوه ۷٦، بی بیمی[3] ۱۱۹

★ غَمًّا بِغَمٍّ: فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ (۳:۱٥۳)
اندوهی با اندوهی ۳

غَمٌّ: ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا (۳:۱٥٤)
اندوه ۳، بیم و اندوه ٤۰

~: كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ (۲۲:۲۲)
انده ۲، رنج ٥۸

اَلْغَمَامَ: وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ (۲:٥۷)
ابر سپید ۲، اَبر ۱۰، میغ تنک ۲۹، مِیغ ٤۲

~: أَن يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ (۲:۲۱۰)
ابر سپَید ۱۰، میغ سپید ٤۰، ابَر ٤۲، آبرِها ۹٤، آبرسفید ۱۱۱، ابر تیره ۱۲۲

~: وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ (۷:۱٦۰)
اور[4] ۱، ابر ۳، آبر سپید ۱۰، ابرها ٥٦، میغ ـ ابر ۱۰۹

~: وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ (۲٥:۲٥)
میغ ۲، ابر سفید ۸٦، ابر ـ میغ تنک ۱۰۹

غُمَّةً: ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً (۱۰:۷۱)
انده ۱، پُوشیده ۲، پوشیده ۳، پُوشیدَه ۱۰، پوشیده و تنگ ٤۲، پُوشِیدَه ٥٥، اندوه ۹۹، پوشیده و شوریده ۱۰۲

غَمَرَاتِ: وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ (٦:۹۳)
سختیها ۱، سَختیها ۲، سختی ۹، تا سه[5] جان کندن اوسختی ۱۰، رنج و سختیها ٤٤، تلخی ٥۸، سختی ها ٦٤، سختیها و بیماریها ٦۷، پوششها ۷٥، تنگ نای ۹٥، گرداب ۱۲٦، سختی جان کندن ۱۳٦

غَمْرَةٍ: بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا (۲۳:٦۳)

---

۱. زوش: سخت؛ درشت.
۲. سخط / سخت.
۳. کذا، شاید تحریفی باشد از به بیمی.
٤. اور / ابر.
٥. تاسه: اندوه و ملالت و اضطراب.

سختی ۹٦

~: اَلَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ (۱۱:۵۱)

سستی ۷۸

غَمْرَتِهِمْ: فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ (۲۳:۵٤)

بی هوشی ۷۸، بیراهی ۹٦، مستی ۱۰۰

اَلْغَنَمْ: وَمِنَ... وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَآ (٦:۱٤٦)

گوسپندان ۱، گوسفند ۳، گوسپندان ۱۰، گوسفندان ۲۷، گوسپند ۵۳

~: إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ (۲۱:۷۸)

گوسبندان ۱، گوسپندان ۲، گوسپند ۱۲

غَنِمْتُمْ: وَاعْلَمُوٓا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ (۸:٤۱)

بستانید ۵۳

غَنَمِي: وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي (۲۰:۱۸)

گوسبندان ۱، گوسپندان ۲، گوسفندان ۳، گوسپند ۲۹، گوسپندان ۳۹، گوسفندان ۵۳، گوسپندان ٦۷

غَنِيًّا: وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ (٤:٦)

توانگر - بی نیاز ۲۷، تونگر[1] ٤۹، توانگر و بی نیاز ۵۸

~: وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا (٤:۱۳۱)

بی نیاز ۱، بی نیاز ۲، توانگر ۵۵

~: إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا (٤:۱۳۵)

توانگر ۲، بی نیاز و توانگر ۱۰

غَنِيٌّ: قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَآ أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ (۲:۲٦۳)

وی نیازی[2] ۱، بی نیاز ۱۰

~: وَاعْلَمُوٓا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۲:۲٦۷)

تُوانگر ۲

~: وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۳:۹۷)

وی نیاز[2] ۱

~: وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ (٦:۱۳۳)

بی نیاز ۲، توانگر ۳، بی نیاز ۵۵، بینیاز ٦۷

~: اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ (۱۰:٦۸)

بی نیاز ۲، توانگر و بی نیاز ۱۰، توانگر و بی نیاز ۵۵، بی نیاز ٦۲

~: وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۲:٦٤)

بی نیاز ۱۲

~: وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۳۵:۱۵)

تونگر ۳۹، توانگر بی نیاز ۱۳۹

غَوَاشٍ: لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ (۷:٤۱)

پوشِشتها ۱، پوششها ۳، پوشیدنی ۱۰، پوست ۳۵، زبرپوشها ۳۹، پراکندهاء آتشین ٤۹، پوشِشها ۵۵، پوشش ۷٦، جامها ۸۳

غَوَّاص: وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّآءٍ وَغَوَّاصٍ (۳۸:۳۷)

بلک خور[3] ۱، بَدریا فروروندە ۲، بدریا فروشوندە ۳، بدریا فروشوندە ۲۲، هر که گوهر از دریا بر آوردی ۲٤، بآب فرو شوندە۲۹، فروروندە ۳۰، فروشوندە بدریا ۳۳، دریا فروروندە ٤۲، فروشوندە ٤۹، بدریا فرو روندە ۵۲، بدریا فروشوند گان ۷۹،

---

۱. تونگر / توانگر.

۲. وی نیازی / بی نیازی.

۳. بلک خور: شناکننده؛ غوّاص.

درشونده ۸۱، بدریا فرورونده ۱۰۸، شناور پرنده در دریا ۱۱۶، آب باز ۱۳۶

غَوْرًا: أَوْيُصْبِحَ مَآؤُهَا غَوْرًا (۴۱:۱۸)

فروشده ۱، فُرورفته ۲، در تک زمین ۳، فروشونده ۲۹، زمین[1] ۴۱، بزمین فروشده ۴۲، فروشونده بزمین ۴۳، فرو شود ۴۸، فرو شد ۵۳، فروُ رَونده ۵۵، در زمین شده ۵۷، فرود شده ۵۸، ناپیدا ۵۹، شده در زمین ۶۳، بر زمین فرو رونده ۸۰، فرو شونده ناپیدا ۸۸، پنهان ۱۰۳، بزمینِ فرو رفته ۱۱۴، فرو رونده ۱۲۱

~: قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَآؤُكُمْ غَوْرًا (۳۰:۶۷)

فرو رفته ۲، بزمین فرو شود ۶، فرو شده بزمین ۱۹، ناپدید ۲۴، بزمین فرو رفته ۸۰، بزمین شونده ۹۱، فرو شونده در زمین ۹۴، فرو رونده در زمین ۱۳۶، در زمین فرو شونده ۱۳۹

غَوْلٌ: لَافِيهَا غَوْلٌ وَلَاهُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ (۴۷:۳۷)

بی خردی ۲، درد سر ۳، سَرْگردانیدن ۲۲، درد شکم ۲۴، شدن خرد ۳۹، تباهی ۴۲، بی هوشی ۴۳، سرگشتن ۴۹، پیر گشتن ۵۳، خروشیدن ۶۵، بزه ۷۴، بردن خردهاء ۹۰، برگردانیدن ۹۴، کژ ۱۰۶، بی خودی ۱۰۸، سخن بی فایده ۱۱۳، افت ۱۲۳، سرگشتگی ۱۲۴، بی خردی ۱۲۹، کژی که خرد ببرد ۱۳۸

غَوَىٰ: وَعَصَىٰٓ ءَادَمُ رَبَّهُۥ فَغَوَىٰ (۱۲۱:۲۰)

وی ره[2] شد ۱، اَز راه بگشت ۲، در رنج شد ۳، از راه بگشت ۳۰، بیراه شد ۳۴، از راه بشد ۵۸، بی رآه شد ۹۴، از راه بیفتاد ۱۰۲، بناداں می مانید ۱۰۶، گم شد ۱۱۴، گم راه کرد ۱۱۵، در رنج افتاد ۱۲۱، بی بهره ماند ۱۲۳، راه نیافت ۱۲۸، از راه بگردید ۱۲۹، ناامید شد ۱۳۰، نادان میمانید ۱۳۸

~: مَاضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَاغَوَىٰ (۲:۵۳)

وی ره[2] بشد ۱، بی راه شد ۳، راه بگشت ۳۰، بی راه گشت ۴۹، گم گشت ۵۳، سرگشته است ۹۴، از راه گردید ۱۲۶، نادان ۱۳۸

★ مَاغَوَىٰ: مَاضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَاغَوَىٰ (۲:۵۳)

بی راه نشد ۲۹، نیست گمراه ۶۴، بیراه نشد ۶۵، نیست گم بوده ۶۷، از راه نگشت ۸۸، گمراه نشده است ۱۳۶

غَوِيٌّ: قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰٓ إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ (۱۸:۲۸)

وی راه ۱، بی رَاه ۲، بی راه ۳، نادان ۲۴، گم راه ۲۱، گمراه ۳۹، بی راهی ۴۳، نهماد باداں[3] ۴۷، بیراه ۵۶، بیراه کننده ۶۱، سخت بی راه ۷۶، گمرای ۹۲، گمره کننده ۱۰۰، نادان و از راه رفته ۱۰۲، بیراهه ۱۰۶

غَوَيْنَا: أَغْوَيْنَٰهُمْ كَمَا غَوَيْنَا (۶۳:۲۸)

گم شدیم ما ۲، بی راه شدیم ۳، گم را شدیم[4] ۲۹، گم شدیم ۳۰، بی راه کردند ما را ۴۳، بودیم بیراه ۴۷، گم راه شدیم ۵۸، بیراه گشته ایم ۶۲، گمراه بودیم ۶۴، بی راه شدیم ما ۷۶، گمراه کردند ما را ۹۶، بیراه کردیم ۱۰۶، بیراه شدیم ۱۱۴، گمراه شدیم ۱۳۲، بی راه بودیم ۱۳۹

اَلْغَيِّ: قَدتَّبَيَّنَ ٱلرُّشْدُ مِنَ ٱلْغَيِّ (۲۵۶:۲)

کیلی[5] ۱، بی راهی ۲، ویراه ۲۴، راه ناراست ۲۵، گمراهی ۳۶، تاریکی ۴۱، بیراهِی ۴۲، بیراهی ۵۲،

---

۱. معنی می تواند تفسیری تلقی شود.
۲. وی ره / بی ره.
۳. کذا (؟).
۴. گم را شدیم / گمراه شدیم.
۵. کیلی: کژی؛ بی راهی.

بی رَاهی ۵۷، پس راهی ۶۳، بدی ۶۹، راه کژ ۷۲، راه بد ۹۹، گمرآهی ۱۰۰، کژی ۱۰۲، راه کج ۱۱۱، نگرانی ۱۱۲

~: وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ ٱلْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا (۷: ۱۴۶)

کیل[1] ۱، راه کژ ۱۰، کژ ۳۶، بی رَاهی ۵۵، بد و بیراهی ۶۱، بی رآهی ۹۴، گمراهی و تباهی ۹۵، بی راهی و گمراهی ۹۶، گمراهی ۱۰۰، بدی و بیراهی ۱۰۵، کج و ناراست ۱۱۱

~: وَإِخْوَٰنُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِى ٱلْغَيِّ (۷: ۲۰۲)

وی رهی ۱، بی راهی ۲، بی راهی ۱۰، گم راهی ۲۴، نادانی ۴۲، بی راه ۵۳

غَيًّا: فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا (۱۹: ۵۹)

بی راهی ۲۹، گمراهی ۳۶، دوزخ ۴۸، دور ۵۲، جایگاه ۵۳، بدی ۱۱۱، وادی دوزخ ۱۱۹، سزای بد ۱۳۲

غَيَابَة: وَأَلْقُوهُ فِى غَيَٰبَتِ ٱلْجُبِّ (۱۲: ۱۰)

ناپدیدی ۱، بن ۲، تک ۳، بن تاریکی ۴۳، چاه ۵۲، تک ۵۵، پایان ۵۸، تک چاه ۸۰، بُن ۸۹، ته ۱۳۶

~: وَأَجْمَعُوٓا۟ أَن يَجْعَلُوهُ فِى غَيَٰبَتِ ٱلْجُبِّ (۱۲: ۱۵)

تاریکی ۲، پوشش ۹۵

اَلْغَیْبُ: ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِٱلْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ (۲: ۳)

ناپیدا ای ۲، ناپدید و بود و هست و بودنی ۱۰ مکرّر، نَاپَیْدا ۵۵، ناپیدائی ۸۲، نادیداری ۹۸، ناپیدایی ۱۲۱

~: إِنِّىٓ أَعْلَمُ غَيْبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۲: ۳۳)

ناپیداییها ۲، آنچه بد و هست[2] و نبودنیست ۴۰، ناپیداء ۹۱، ناپید آیی ۱۰۵

~: ذَٰلِكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ (۳: ۴۴)

نادیده و ناشنیده و نادانسته ۱۰، ناپَیدا ۵۵

~: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى ٱلْغَيْبِ (۳: ۱۷۹)

ناپیدایی ۴۲، سرپوشیده ۱۱۶، ناپیدای ۱۲۷

~: قَٰنِتَٰتٌ حَٰفِظَٰتٌ لِّلْغَيْبِ (۴: ۳۴)

پنهانی ۲، پس پشت ۵۶، پنهانیها ۵۷، دوری ۸۰، رازها ۱۲۴

~: لِيَعْلَمَ ٱللَّهُ مَن يَخَافُهُۥ بِٱلْغَيْبِ (۵: ۹۴)

نیهانی[3] ۹، نابدید ۳۷، نادیدن ۶۱، پوشید گیها ۶۲

~: وَلَآ أَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ وَلَآ أَقُولُ لَكُمْ إِنِّى مَلَكٌ (۶: ۵۰)

ناپیداای ۲، پنهانیها ۵۸، نهان و پوشیده ۱۰۴

~: وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَآ إِلَّا هُوَ (۶: ۵۹)

ناپیدا ۲

~: عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ (۶: ۷۳)

ناپیدا ۲، نهان ناپیدا ۵۸

~: وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ لَٱسْتَكْثَرْتُ (۷: ۱۸۸)

نابُوده و نادیده ۱۰، ناپیدای ۹۴، نابود ۹۶، ناپیدا - نابوده ۱۰۹

~: ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ (۹: ۹۴)

ناپیدا ۲

~: وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ (۹: ۱۰۵)

ناپیدائیها ۲۷

~: فَقُلْ إِنَّمَا ٱلْغَيْبُ لِلَّهِ فَٱنتَظِرُوٓا۟ (۱۰: ۲۰)

ناپیدا دانستن ۲، نهانی دانستن ۳۸، ناپیدایی دانستن ۱۰۵

---

۱. کیل: کژ.

۲. بدوهست: بود و هست.

۳. نیهانی / نهانی.

~: وَلَآ أَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ وَلَآ أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ (۳۱:۱۱)
نابوده ۵۲

~: تِلْكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلْغَيْبِ نُوحِيهَآ إِلَيْكَ (۴۹:۱۱)
ناپیدا ۵۵

~: وَلِلَّهِ غَيْبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۱۲۳:۱۱)
ناپدیدی ۱، ناپیدا ۵۵، دانستن نهانی ۱۱۳

~: وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَٰفِظِينَ (۸۱:۱۲)
پنهانی ۷۶

~: عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلْكَبِيرُ ٱلْمُتَعَالِ (۹:۱۳)
نهان ۵۳

~: وَلِلَّهِ غَيْبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۷۷:۱۶)
ناپیداییها ۲، پوشیده ۲۹، نهانها ۵۶

~: سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًۢا بِٱلْغَيْبِ (۲۲:۱۸)
نادانسته ۴۱، گزاف ۱۰۵

~: لَهُۥ غَيْبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِۦ (۲۶:۱۸)
ناپیداییها ۲، نهانیها ۲۴، رازها ۴۴

~: جَنَّٰتِ عَدْنٍ ٱلَّتِي وَعَدَ ٱلرَّحْمَٰنُ عِبَادَهُۥ بِٱلْغَيْبِ (۶۱:۱۹)
نادیده ۳، دور ۴۴

~: ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ (۴۹:۲۱)
ناپیداای ۲، ناپیدا ۱۱۷

~: عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ (۹۲:۲۳)
ناپیدا ۲

~: قُل لَّا يَعْلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ٱلْغَيْبَ (۶۵:۲۷)
پنهان ۵۳، ناآمده و پوشیده ۱۰۳، پوشیده و ناآمده ۱۱۶

~: عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ (۳:۳۴)
نهانی ۱۸، کارهای نهان ۸۶

~: أَن لَّوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ ٱلْغَيْبَ مَا لَبِثُوا۟ (۱۴:۳۴)
ناپیدای ۲

~: وَيَقْذِفُونَ بِٱلْغَيْبِ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ (۵۳:۳۴)
نادانی ۳۰

~: وَخَشِيَ ٱلرَّحْمَٰنَ بِٱلْغَيْبِ (۱۱:۳۶)
پوشیدگی ۲۹

~: عَٰلِمَ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ أَنتَ تَحْكُمُ (۴۶:۳۹)
پنهان ۱۵

~: إِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۱۸:۴۹)
نهان ۲

~: مَّنْ خَشِيَ ٱلرَّحْمَٰنَ بِٱلْغَيْبِ وَجَآءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ (۳۳:۵۰)
اندیشه دل ۴۳، تنهایی و خلوت ۵۱، دوبیر[1] ۷۸

~: أَمْ عِندَهُمُ ٱلْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (۴۷:۶۸)
پنهان ناپیدا ۴۱، دانستن ناپیدایی ۸۸

~: عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِۦٓ أَحَدًا (۲۶:۷۲)
پوشیده‌ها ۱۳۷

★ رَجمًا بِالْغَيْبِ: وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ رَّجْمًۢا بِٱلْغَيْبِ
گمان و تخمین ۱۳۲ (۲۲:۱۸)

ٱلْغَيْثَ: وَيُنَزِّلُ ٱلْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي ٱلْأَرْحَامِ (۳۴:۳۱)
باران ۱۰۰

~: كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ ٱلْكُفَّارَ نَبَاتُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ (۲۰:۵۷)
باران ۱، ابر ۸۱

---

۱. کذا (؟).

غَيْر: غَيْرِ ٱلْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ (۷:۱)
جُزَ ۵۵، نه ۱۱۱

~: فَبَدَّلَ ... قَوْلًا غَيْرَ ٱلَّذِى قِيلَ لَهُمْ (۵۹:۲)
جزاز ۶۲

~: وَيَقْتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ (۶۱:۲)
نا ۳، دون ۱۳۶

~: فَمَنِ ٱضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ (۱۷۳:۲)
نبود ۱۲۳

~: وَٱللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۱۲:۲)
بی ۴۲، بی ۱۰۰

~: وَيَقْتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيْرِ حَقٍّ (۲۱:۳)
بجد[1] ۱

~: وَتَرْزُقُ مَن تَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۷:۳)
بیرون ۹۸

~: لَّا يَسْتَوِى ٱلْقَٰعِدُونَ ... غَيْرُ أُو۟لِى ٱلضَّرَرِ (۹۵:۴)
هیچ ۲۹

~: إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّى ٱلصَّيْدِ (۱:۵)
نه چنانکه ۲۹

~: فَمَنِ ٱضْطُرَّ فِى مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ (۳:۵)
جُز ۲

~: مَن قَتَلَ نَفْسًۢا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِى ٱلْأَرْضِ (۳۲:۵)
نه أز بَهر ۲، بی آنکه ۱۲۱

~: قُلْ أَغَيْرَ ٱللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۱۴:۶)
بجز ۹

~: أَوْ أَتَتْكُمُ ٱلسَّاعَةُ أَغَيْرَ ٱللَّهِ تَدْعُونَ (۴۰:۶)
بجز ۲

~: وَٱلزَّيْتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَٰبِهٍ (۹۹:۶)
جُدا ۵۵

~: قُلْ أَغَيْرَ ٱللَّهِ أَبْغِى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَىْءٍ (۱۶۴:۶)
بجُز ۱۰

~: فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ ٱلَّذِى (۱۶۲:۷)
جز آنکه ۴۱

~: وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ ٱلشَّوْكَةِ (۷:۸)
جدا از ۶۲

~: ٱللَّهُ ٱلَّذِى رَفَعَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا (۲:۱۳)
پیش ۹۳

~: صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَآءٍ وَٰحِدٍ (۴:۱۳)
نه ۲

~: أَسْكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِى بِوَادٍ غَيْرِ ذِى زَرْعٍ (۳۷:۱۴)
نیست ۷۶

~: يَوْمَ تُبَدَّلُ ٱلْأَرْضُ غَيْرَ ٱلْأَرْضِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ (۴۸:۱۴)
دیگر ۶۲، بدیگر ۷۶، دیگر ۹۳

~: وَلَهُ ٱلدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ ٱللَّهِ تَتَّقُونَ (۵۲:۱۶)
جز ۵۹

~: وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِى ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (۳:۲۲)
بی ۲

~: لَا تَدْخُلُوا۟ بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ (۲۷:۲۴)
جز ۲

~: وَٱسْتَكْبَرَ هُوَ ... فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ (۳۹:۲۸)
جز ۴۶، جُز ۷۶

---

۱. بجد / بجز؟

~: يُقْسِمُ ٱلْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُواْ غَيْرَ سَاعَةٍ (۳۰:۵۵)
مگر ۳۰

~: يُجَٰدِلُونَ فِىٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَٰنٍ (۴۰:۵۶)
وَی ۲۲

~: فَأَمَّا عَادٌ فَٱسْتَكْبَرُواْ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ (۴۱:۱۵)
بنا ۱۳۹

~: فَتُصِيبَكُم مِّنْهُم مَّعَرَّةٌۢ بِغَيْرِ عِلْمٍ (۴۸:۲۵)
وی ۶

~: وَأُزْلِفَتِ ٱلْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ (۵۰:۳۱)
نه ۲

غَيْرِكُمْ: أَوْ ءَاخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ (۵:۱۰۶)
جدَ ۱، جُز ۲، جز شما ۳، جز ۹، بی ۱۰ مکرّر

~: وَإِن تَتَوَلَّوْاْ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ (۴۷:۳۸)
جزاز ۶

غَيْرُهُ: حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُۥ (۲:۲۳۰)
بجز ۲، دیگر ۲۴

~: ٱعْبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥٓ (۷:۵۹)
بجز ۱۰ مکرّر

غَيْرَهَا: بَدَّلْنَٰهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا (۴:۵۶)
جُز ۲، دیگر ۲۴، جز ۳۶

غَيْرِى: لَئِنِ ٱتَّخَذْتَ إِلَٰهًا غَيْرِى لَأَجْعَلَنَّكَ (۲۶:۲۹)
دیگر ۱۳۹

★ غَيْرِ آسِن: فِيهَآ أَنْهَٰرٌ مِّن مَّآءٍ غَيْرِ ءَاسِنٍ (۴۷:۱۵)
نا گنده گشته ۲، نبه گردد از حال خویش ۶، نا گردیده از حال ۲۲، نا گردیده ۴۹، نبه گردد ۴۸، بوی و طعم نگردانیده ۷۸، نگردیده ۱۰۲، نا گندیده ۱۱۱، بوی نا گرفته ۱۲۱، نا گردنده ۱۲۶، نبوی بگردانیده ۱۳۸

★ غَيْرِ أَحْيَآءٍ: أَمْوَٰتٌ غَيْرُ أَحْيَآءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ (۱۶:۲۱)
نه زندگان ۱۲۰

★ غَيْرِ ٱلْحَقِّ: وَيَقْتُلُونَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ (۲:۶۱)
ناشایسْت ۲

~: يَظُنُّونَ بِٱللَّهِ غَيْرَ ٱلْحَقِّ (۳:۱۵۴)
جز راستی ۸۰

~: لَا تَغْلُواْ فِى دِينِكُمْ غَيْرَ ٱلْحَقِّ (۵:۷۷)
ناشایست ۱۰ مکرّر، ناراستی ۲۹، بناراستی ۱۲۷

~: بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ غَيْرَ ٱلْحَقِّ (۶:۹۳)
ناراست ۸۸

★ غَيْرَ بَاغٍ: فَمَنِ ٱضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ (۲:۱۷۳)
بی ستم کردن ۵۶، نه ستم کاره ۱۲۴

~: فَمَنِ ٱضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ (۶:۱۴۵)
جوینده ستمکاره نباشد ۵۸، ناستم کننده ۹۴، افزونی نجوید ۱۲۱، ستمکار نباشد ۱۲۲

★ غَيْرَ بَعِيدٍ: فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ (۲۷:۲۲)
اند ک ۵۸

★ غَيْرِ حِسَابٍ: وَٱللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲:۲۱۲)
بی شمار ۳، بی شماره ۱۲۹

★ غَيْرِ حَقٍّ: وَقَتْلِهِمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ (۴:۱۵۵)
ناشایسْت و بیداد ۲، ناروا ۱۱۱

★ غَيْرَ ذِى: قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِى عِوَجٍ (۳۹:۲۸)
بی هیچ ۴۱

★ غَيْرِ ذِى زَرْعٍ: بِوَادٍ غَيْرِ ذِى زَرْعٍ (۱۴:۳۷)
جُز بَا کِشت ـ بی کشت ۵۵، نیست دروی کشتی ۷۶، بی کشت زار ۱۲۸

★ غَيْرِ ذِى عِوَجٍ: قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِى عِوَجٍ (۳۹:۲۸)
نه خداوند کژی ۱۲۰، بی هیچ کژی ۱۲۴

★ غَيْرُ صَالِحٍ: إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَٰلِحٍ (٤٦:١١)
ناشایسته ٤١، ناشایسته ٦٢، ناخوب ٩٤

★ غَيْرُ صِنْوَان: وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ (٤:١٣)
پراکنده ٢٤، یک تنه و یک شاخ ٣٦، ناانبوه ٤٩، جز رسته بهم ٥٦، نه از یک بن برآمده ٩٨، جز آنک پراکنده ١١٩، نه از یک ریشه رسته ١٢٧

★ غَيْرِ عِلْمٍ: فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (١٠٨:٦)
نادانی ٢

~: وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ (١١٩:٦)
بی دانشی ١١١

~: قَتَلُوا أَوْلَٰدَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (١٤٠:٦)
بی دانش ١٠ مکرّر، بیدانشی ١١١

~: وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (٨:٢٢)
نادانستن ٥٦

~: بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ (٢٩:٣٠)
نادانی ٣

~: فَتُصِيبَكُم مِّنْهُم مَّعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ (٢٥:٤٨)
نادانستن ١٧

★ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ: غَيْرَ مُتَبَرِّجَٰتٍ بِزِينَةٍ (٦٠:٢٤)
بی آراسته ٥٢، جز آنکه برهنه ندارند ٧٦

غَيْرَ مُتَجَانِفٍ: غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِّإِثْمٍ (٣:٥)
بی گردانیده ٨٨، نایافتن ١١١

★ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ: مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَٰبِهٍ (٩٩:٦)
نبود مانندهٔ یک دیگر ٢٤، نامانند یکدیگر ٢٦، نامَانندهٔ یک دیگر ٥٣، جز مانندهٔ بمزه ٥٥، نباشد مانند یکدیگر ٥٨، نه بهم مانندهٔ ٦٣، ناهمتا ١٠٣، نه مانند یکدیگر ١٢٧

~: مُتَشَٰبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَٰبِهٍ (١٤١:٦)
نه مانندْ یک دگر ٢، نامانندۀ یک دیگر ٥٣

★ غَيْرَ مَجْذُوذٍ: عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ (١٠٨:١١)
نه باز بریده ٦٣، نابُرنده ٨٣، بریده نشود ١٢١، بریده نخواهد شد ١٢٢

★ غَيْرَ مَدِينِينَ: فَلَوْلَا إِن كُنتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ (٨٦:٥٦)
ناداد گان ١٠٨

★ غَيْرُ مَرْدُودٍ: عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (٧٦:١١)
باززده ٥٢، باز نَتوان داشت ٥٣، باز نتوان داشت ٩٣، ناباززده ٩٤، باز ناگردانیده ٩٦، بر گردیده نگردد ١٢٢، بازنگردد ١٢٩

★ غَيْرَ مُسَافِحِينَ: مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَٰفِحِينَ (٥:٥)
بی زنی دست گرفتن ٢٤

★ غَيْرَ مَسْكُونَةٍ: تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ (٢٩:٢٤)
باشنده نباشد ٢، جز درش نشسته ٢٩، آرامگاه کسی نباشد ٥٤، جز باشنده ٩١

★ غَيْرَ مُسْمَعٍ: وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ (٤٦:٤)
مَشنویا ٢، مشنویا ٢٧، مشنواش ٤٨، نشنویا ٥٢، مشنوی و مشنویا ٥٣، مشنویا هرگز ٥٨، مباشیا شنوانیده ٦٢، مشنویاد ٦٣، جز شنوا ٨٨، مَشنَویَا ٩٤، ناشنوا ١١٢، ناشنونده ١٢٦، مشواياد ١٣٨

★ غَيْرَ مُشْرِكِينَ: حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ (٣١:٢٢)
ناانباز گیرندگان ١٠٨

★ غَيْرَ مُضَارٍّ: أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ (١٢:٤)
بی زیان کردن ٢

★ غَيْرُ مُعْجِزِي: أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ (٣:٩)
نتوانید سستَ گردانیدن ١٢٧

★ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ: وَغَيْرَ مَعْرُوشَٰتٍ (١٤١:٦)
چُفته نابَسته چون دَال میوَه ١٠، ناخنبیده ١٠ مکرّر، برنَاداشته ٤٤، بی چفتها ٦٢، ناخوانبیده ٩٤، ناجنبیده ١٠٥، نابسته و بر زمین افتاده ١١١، نابسته بر چوب بزمین افتاده ١١٦، داربست نشده ١٢٢

زمین افتاده ۱۲۳

★ غَیْرُمَمْنُونٍ: لَهُمْ أَجْرٌغَیْرُمَمْنُونٍ (۴۱:۸)
ناکاسته ۲، ناکاسته و نابریده ۶۶، نابریده ۱۱۶، بریده نشود ۱۲۶

~: وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَیْرَمَمْنُونٍ (۶۸:۳)
نابریده ۴۳، ناگسسته ۸۰، نه کاسته ۱۰۵، نه باز بریده ۱۰۶، بیحساب ۱۳۶

~: لَهُمْ أَجْرٌغَیْرُمَمْنُونٍ (۸۴:۲۵)
ناکاسته و ناگسسته ۳۰، جز کاسته نابُریده ۵۶، ناکاسته و نابریده ۱۱۱

~: فَلَهُمْ أَجْرٌغَیْرُمَمْنُونٍ (۹۵:۶)
بریده نشود ۳۶، بی پایان ۶۷، نابریده و ناکاسته ۱۱۶، کم ناشده ۱۲۰، نابریده کم نشده ۱۳۰

★ غَیْرَمَنْقُوص: نَصِیبَهُمْ غَیْرَمَنْقُوصٍ (۱۱:۱۰۹)
ناکم کرده ۴۳، جز کاسته ۸۰، ناکم کرده شده ۹۹، نکاسته شده ۱۱۱

غِیضَ: وَغِیضَ الْمَآءُ وَقُضِیَ الْأَمْرُ (۱۱:۴۴)
فِرو شد ۱، فرو شُد ۲، کم کرده شد ۳ و ۱۲۰، فروشد ۲۷، بکاست ۳۴، کاسته شد ۳۸، کهنه شِد ۳۹، کم شد ۴۱، فرو خورده شد ۴۲، کم کردَه شدْ ۵۵، بکاست و نیست شد ۶۲، باز کم کرده شد ۶۳، کم کرد ۶۹، فرو خورد ۷۵، فرو بردند ۷۶، فرو گذاشته و کم کرده ۱۳۳

الْغَیْظَ: وَالْكَاظِمِینَ الْغَیْظَ وَالْعَافِینَ (۳:۱۳۴)
خشم و کِینه ۱۰، خشم، درد ۶۹

~: وَیُذْهِبْ غَیْظَ قُلُوبِهِمْ (۹:۱۵)
خشم و أندُوه ۲، خِشم ۱۰، خشم و اندوه ۱۱، کینه ۲۴، کِینه و خَشم ۶۲، اندوه ۹۶، گرمیٔ خشم ۱۰۹

~: تَكَادُ تَمَیَّزُ مِنَ الْغَیْظِ كُلَّمَا أُلْقِیَ فِیهَا فَوْجٌ (۶۷:۸)
خشم ۱

بِغَیْظِكُمْ: قُلْ مُوتُوا بِغَیْظِكُمْ (۳:۱۱۹)
خشم ۱، خِشم و کینه ۱۰، کین ۲۳، خشم و کینه ۳۹، خشم و غله ۴۰، خَشْم ۵۵، دشمنایگی ۶۴، کینه ۱۱۵

بِغَیْظِهِمْ: وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِینَ كَفَرُوا بِغَیْظِهِمْ (۳۳:۲۵)
خشم ۱، خَشم ۱۴، خشم و سختی و رنج ۴۱، گُرم ۴۷، کینه ۶۴

الْغُیُوبِ: إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ (۵:۱۰۹)
ناپیداای ۲، نهانها ۳، پنهانیها ۹، ناپیدایهای ۱۰ مکرّر، نابدیدها ۳۷، پنهانها ۴۵، نَهانَها ۵۵، ناپیدائی ۸۲، ناپیدائیها ۸۹، پوشیده ها ۱۱۸

~: إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ (۵:۱۱۶)
ناپدیدیها ۱، ناپیداییها ۲، نابدیدیها ۳۷، نیهانی ۴۵، پوشیده ۱۲۳، ناپیدایان ۱۲۷، چیزهای پنهانی ۱۳۰

~: وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ (۹:۷۸)
پنهانی ۱۱، نهان ها ۲۷، پوشیدها ۲۹، نَهانَها ۵۵، ناپیدا ۶۳، ناپیداها ۷۲، نهانیهاء ۹۰، ناپیدایی ها ۱۲۷

~: قُلْ إِنَّ رَبِّی یَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُیُوبِ (۳۴:۴۸)
ناپیداییها ۲، نهان ۳، نهانیها ۲۴، ناپیدا و پیدا ۱۰۶



ف: أَن يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا (٢:٢٦)
یا ٢

~: وَكُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ (٢:٢٨)
آنگه ١٠

~: وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (٢:٣٥)
تا كه ٣

~: فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى (٢:٣٨)
پس ٢

~: فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ (٢:٦٨)
کنون ١٠ مکرّر

~: فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ (٢:٩٨)
زیرا ٦٧

~: وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ (٣:١٠٧)
خود ٢٩

~: فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ (٤:٥٩)
ت ١

~: فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (٤:١٣٩)
و ٢

~: فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (٤:١٧٣)
زود ٧٠

~: فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسَرُّوا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ (٥:٥٢)
آنگاه ٢٧

~: إِن تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ (٥:١١٨)
ت ١

~: وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ (٦:٥٢)
اگر ١٠ مکرّر، پس اگر ٦٣

~: فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا (٦:١٤٥)
چه ٢٧

~: قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ (٦:١٤٩)
جز ٢٧

~: فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ (٧:١٤٥)
ها ١٤٠

~: فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (٧:١٨٥)
ب ١

~: فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (٧:١٩٠)
ور ١

~: فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَـٰدُهُمْ (۹:۵۵)
نگر ۱

~: أَفَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَيَنظُرُوا۟ (۱۲:۱۰۹)
هیچ ۹٦

~: فَٱرْتَدَّا عَلَىٰٓ ءَاثَارِهِمَا قَصَصًا (۱۸:٦٤)
سپس ۲

~: فَأَرْسَلْنَآ إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا (۱۹:۱۷)
ولی ۱۳۹

~: أَفَإِيْن مِّتَّ فَهُمُ ٱلْخَـٰلِدُونَ (۲۱:۳٤)
پس ۲

~: فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى ٱلسَّمَآءِ ... فَلْيَنظُرْ (۲۲:۱۵)
باز ۲

~: فَبِئْسَ مَثْوَى ٱلْمُتَكَبِّرِينَ (٤۰:۷٦)
چون ۲۲

~: حَتَّىٰٓ إِذَآ أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا۟ ٱلْوَثَاقَ (٤۷:٤)
اکنون ۷۲

~: وَلَقَدْ أَهْلَكْنَآ أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (٥٤:٥١)
ای ۱

~: تَدْعُوا۟ مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰٓ (۷۰:۱۸)
واپس ۱۱۳

~: فَلَا ٱقْتَحَمَ ٱلْعَقَبَةَ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْعَقَبَةُ (۹۰:۱۱)
هنوز ۲

فَاءَتْ: فَإِن فَآءَتْ فَأَصْلِحُوا۟ بَيْنَهُمَا بِٱلْعَدْلِ (٤۹:۹)
واز آید[1] ۱، باز گردد ۳، وا گردد ٦، باز آید ۱٤، باز آمد ۳۸، باز گشت ۳۹، بر گشت ٦۱، باز گردند ۱۲۳

ٱلْفَائِزُونَ: وَأُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ (۹:۲۰)
دست برداران[2] ۱، رسْتگاران ۲، رستگاران او بهشت یاوند گان ۱۰، رَسْتگاران ۵۵، رستگارَان ٦۲، پیروزی یابند گان و رستگاران ۷۹، رستاد گان[3] ۹۸، فیروزان ۱۱٤، فیروزی یابند گان ۱۲٦

~: أَنَّهُمْ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ (۲۳:۱۱۱)
رَستگاران ۲، رستگار ۲۹، رستگاری دارند ٦۱، دست یافتگان ۷۷، پیروزی یابند گان ۷۹، رسند گان ۱۱۵، رسته گاران[4] ۱۳٦

~: وَيَخْشَ ٱللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ (۲٤:۵۲)
فیروزی یافتگان ٤۷، پیروزی یافتند ۵۱، پیروزی یافتگان ۷٦، رهایی یافتگان ۱۰۳، پیروزی یابند گان ۱۰۹

~: أَصْحَـٰبُ ٱلْجَنَّةِ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ (۵۹:۲۰)
رسْتگاران ۲، رستگان ٤۹، پیروزی یافته گان ۱۱۳

فَاءُو: فَإِن فَآءُو فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲:۲۲٦)
باز گردند ۲، باز گشتند ۲۲، وا گردند ۲٤، باز آیند ۲۹، باز گَردند ٤۲، برابر شد ۵۳، آیند ۱۲۱، باز آئید ۱۳۸

ٱلْفَاتِحِينَ: وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْفَـٰتِحِينَ (۷:۸۹)
داوران ۱۰، گشایند گان ۳۸، کار گشایند گان ٤۱، دَاوَران ٤۵، داوری کنند گان ۷۲، داور آن ۹٤،

---

۱. واز آید / باز آید.
۲. دست برداران: رستگاران.
۳. کذا (؟).
٤. رسته گاران / رستگاران.

برگشایندگان ۱۰۶

فَاتَكُمْ: مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ (۳: ۱۵۳)
درگذشت ۲، درگذاشت ۳، درگذشت ۱۰، گذشته است ۲۹، درگذشته است ۳۴، اندر گذشت ۵۳، درگذشت ۵۵، رفت ۵۸، بشدست ۷۵، درگدشت ۸۰

~: لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا (۵۷: ۲۳)
بشد ۱، گذشت ۳

~: وَإِن فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ (۶۰: ۱۱)
بشهد[1] ۱، بشود ۲، درگذرند ۵۶، درگدارد ۸۰، درگذارد ۹۲، درگذرد ۱۰۵، بروند ۱۳۸

بِفَاتِنِينَ: مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ (۳۷: ۱۶۲)
وی ره شداران ۱، بی‌راه کنندگان ۳، گم بوده کنندگان ۳۳، گمراه کنندگان ۳۶، گم کنندگان ۵۸، آشوب کنندگان ۶۱، افکندگان ۸۷، بیراه کنندگان ۱۰۲، گمراه کنندگان و تباه سازندگان ۱۱۱، تباه کنندگان ۱۱۵، آزمایندگان ۱۲۴، پراگنده ۱۳۸

فَاجِرًا: وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (۷۱: ۲۷)
بد مَرد ۲، بدکردار ۳، بدمرد ۶، تباه کاران ۱۹، تباه کار ۳۸، بدکار ۴۱، بدکرداران و بدکاران ۴۹، پلید گناه کار ۵۶، گناه کار ۵۶، نابکار ۶۴، بدمردان ۹۲، بزه کار ۱۰۰، بی‌سامان کار ۱۱۳

فَاحِشَةً: وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا (۳: ۱۳۵)
ناخُوبی ۲، گناه ۳۶، نابکاری ۳۹، ناخُوبی ۴۲، کار زشت ۵۵، ناپسندیده ۶۴، ناخوبی ۷۸، نابکاره ۹۰، کار ناشایست ۱۱۶، کار ناشایسته ۱۲۲

~: وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِن نِّسَائِكُمْ (۴: ۱۵)
کار زشت ۲، پلیدی ۲۷، ناپارسائی ۳۸، گناهان زشت ۴۱، زشتی و پلیدی ۵۳، نابکار ۶۴

~: أَن يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ (۴: ۱۹)
زیان ۴۰، ناکردنی ۹۰

~: إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا (۴: ۲۲)
ناخوبْ کار ۲، گناه زشت ۴۱، ناخوب کاری ۴۲، ناخوب کاری ۵۲، بدی ۵۶، ژشتکاری ۶۵، ناخوبکاری ۹۴

~: فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ (۴: ۲۵)
زشتی ۵۳، کار زشت و ناشایست ۱۳۶

~: وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا (۷: ۲۸)
ناخوبی ۲، زشت ۳، پلید کاری ۱۰، بدی و ناخوبی ۱۰ مکرّر، تباهی ۳۶، ناخوبی ۱۴۰

~: أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ (۷: ۸۰)
ناشایست ۲۹، زشتی کردار ۴۱، زشتی و ناشایستی ۵۸، ناخوبی کار ۱۲۷، ناشایسته ها ۱۳۶

~: وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً (۱۷: ۳۲)
زشتْ کاری ۲، زشتی ۸، ناخوب کار ۱۰۵

~: إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ (۲۴: ۱۹)
سخن زشت ۳۰، زشتکاری ۴۷، زشتی ۵۳ و ۹۴، زشتی و بدنامی ۵۸، زشت نام ۶۴، نامی گشت ۷۷، زشت نامی ۱۱۱، بدنامی ۱۳۳

~: وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ (۲۷: ۵۴)
زشت کاری ۲، کار زشت پلید ۲۴، ناشایست زشت ۶۴، لواط ۷۸

~: إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا (۲۹: ۲۸)
کاری زشت ۲، زشتی و پلید کاری ۵۶، زشتیها ۵۸

---

۱. بشهد: بشود؛ درگذرد.

~: مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ (۳۳: ۳۰)
ناخوبی ۲، کار بد ۳۹، پَلیدی ۵۳، ناشایسته ۹۲، کار ناپسندیده ۱۰۳، زشت و ناپسندیده ۱۱۶

~: وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَن يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ (۶۵: ۱)
ناخوش ۱۲٤

فَارَ: حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ (۱۱: ٤۰)
ورجوشید ۱، برجوشید یا بدمد ۲، برآمد ۲۷، بیرون آمد ۳۶، برآمد آب ٤۱، بَرجُوشید ۵۵، آب بَرآمد ۶۲، بدمید ۶۹، آب برآمد ۹۳، بردمید ۹۵، برجوشد ۹۹، جوشد ۱۰۶، برخیزد آب ۱۱۰، بجوشید ۱۱۵، بجوش آمد ۱۲۲

~: فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا (۲۳: ۲۷)
جوشید ۱، بیرون آید ۲٤، برجوشد ۲۹، برآید ۳٤، بجوشد ۳۶، آب براند ٤۸، برامد آب ۵۳، بِردمد ۶۱، بدمد ۹۵، آمد آب ۹۶، پر جوش شد ۹۹، برجوشید آب ۱۰۵

فَارِضٌ: قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ (۲: ۶۸)
بزاذ برآمده ۲، پیرگاو ۳، پیر ٤، بَس پیر ۱۰، بس پیر ۱۰ مکرّر، بزرگ ۲٤، سخت پیر ۲۹، بزاد برآمده ۳٤، سال برآمدَه ۵۲، پیْرگاو ۵۵، پیر سخت ۶۷، سال برآمده ۷۶، پیر بزاد برآمده ۸۲، از کار افتاده ۱۱۶، پیر از کار افتاده ۱۲۲ و ۱۳۱

فَارِغًا: وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا (۲۸: ۱۰)
پردخته[1] ۱، پَرداخته ۲، پرداخته ۲٤، پرداخته از همه اندوهان ۱۰۹، تهی ۱۲۱

الْفَارِقَات: وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا (۷۷: ٤)
جداکناران ۱، فریشتگان جُداکننده ۲، جداکنندگان ۳، فریشتگان جداکننده ۲۹، بادهای جداکننده ۳۰، فرشتگان جداکننده ٤۱، جداکننده ۱۰۰، بادهای جداکننده ۱۰۸، فرشتگان جداگرداننده ۱۲٤، فرشتگان جدا نمایندگان ۱۳۲

فَارِقُوهُنَّ: أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ (۶۵: ۲)
جداشید ۱، جدا شوید ۲، جدا شویت ۳۰، جدا کنید ۳۹، جدای کنید ٤۲، دست بازدارید ٤۹، بگذارید ۶۷، گسیل کنید ۷۹، جدای شوید ۸۱، جدای کنید ۹۶، رها دهید ۱۰۰، بیزار شوید ۱۰۵، رها کنید ۱۰۶، جدا گردید ۱۲٤، جدایی نمایید ۱۳۲

فَارِهِينَ: وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ (۲۶: ۱٤۹)
هنبارده کناران[2] ۱، شادی کنان ۲، استادان و فیریدگان[3] ۳، استادوار ۲٤، دنه گرفته[4] ۲۹، شادان ٤۱، انباردگان ٤۳، نیک نیک ٤۶، دنه گرفتگان ٤۷، شادمان ٤۸، شادمانان ۵۸، استواران ۶۱، استواروار ۶۹، زیرکان ۷۹، استادان ۸۰، خرّم استاده ۸۸، استادان ۸۹، نیک خوش ۹۰، نازندگان ۹۲، نیکو ۱۰۲، خوش منشان استادان ۱۰۹، شادمانان ۱۱۹، شادکامان ۱۲۲، ایستارانه[5] ۱۲۸

فَازَ: وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ (۳: ۱۸۵)
بَرشت ۲، رست ۳، پیروزی یافت ۲۳، رسته باشد ۳۸، دست یافت ۳۹، رستگاری یافت ۶۳، رسته شد ۹٤، فیروزی یافته بود، فیروز گشت ۱۰۲،

---

۱. پردخته / پرداخته: بی غم.
۲. هنبارده کناران: شادی کنان؛ شادکامان.
۳. فیریدگان: شادی کنندگان.
٤. دنه گرفته: خوشحال و شادمان.
۵. کذا در متن اصلی (؟).

فزونی یافت ١٠٤، برست ١٢١

~: فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ (٣٣: ٧١)

دست برد ١، رَست ٢، برست ١٨، پیروز گشت ٤٧، برسد ٦٤، رستگاری یافته بود ١٠٠، فیروزی یافت ١٠٢، برهد و فیروزی یابد ١٠٣، فیروزی یافت - برست ١٠٩، رستگار شد ١١١، پیروزی یافته باشد ١١٣

★ فَقَدْ فَازَ: وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ (٣: ١٨٥)

تدست برد[1] ١

فَاسِقًا: أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا (٣٢: ١٨)

بی فرمان ٢، از فرمان بیرون آینده ٣٩، نافرمان ٤٦، تباه کار ٥٨، ناگرویده ٦٤، بیرون گذرنده از فرمان خدای تعالی ٧٩، بیرون رفته از فرمان ١١١، بیفرمان ١١٤، بیرون رفته ١٣٣، تباهکار ١٣٧

فَاسِقٌ: إِن جَآءَكُمْ فَاسِقٌۢ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوٓا (٤٩: ٦)

دروغ زن ٢٤، بی فرمان ٣٠، تباه کار ٣٨، نابسامان ٥٣، تباهکار ٨٧، بد کردار ٩٠، دروغ گوی بیرون رفته از فرمان ١٠٣، بیرون آینده از فرمان ١٠٤، بیرون آیندهٔ از فرمان خدا ١٠٩، بیفرمان ١١٤، نافرمان ١٢١، بیرون شده از فرمان ١٢٢، دروغ گو ١٢٣، بیرون شده از فرمان خدا ١٣٢، نابکار ١٣٩

ٱلْفَاسِقُونَ: وَمَا يَكْفُرُ بِهَآ إِلَّا ٱلْفَاسِقُونَ (٢: ٩٩)

بیرون آیند گان از فرمان ٣، از فرمان بیرون آمد گان ٤، بی فرمانان ٤٢، از فرمان خدای بیرون آیند گان ٤٩، بیرون گذرند گان از فرمان خدا ٧٩، بدمردان ٩٠، بیرون آیند گان از فرمان خدا ١١٢، بیرون رفتگان از فرمان خدا ١٢٢

~: فَمَن تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَاسِقُونَ (٣: ٨٢)

بی فرمانان ٢، زینهار شکسته باشند ٢٥، بی فرمانان ٤٢، از فرمان بیرون آیند گان ٤٩، از فرمان بیرون شد گان ٥٧، بیرون شد گان از فرمان برداری ٦٤، تباه کار آن ٩٤، تباهی کنند گان ١٠٠، بیرون آمده از فرمان خدای ١٠٣، بیرون آمد گان ١٠٤، بیرون شوند گان ١٠٩، نافرمان برداران ١٢٢

~: مِنْهُمُ ٱلْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ ٱلْفَاسِقُونَ (٣: ١١٠)

بد کاران ٤١، بی فرمانان ٥٥، بی فرمان ٥٦، نافرمایان ٦٣، بیرون گذرند گان از فرمان ٧٩، نافرمانبرداران ١٢٧، روند گان از فرمان ١٣٠، ناگروید گان ١٣٦

~: فَأُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَاسِقُونَ (٥: ٤٧)

نافرمان بُرداران ٢، بیرون گذرند گان از فرمان خدای تعالی ٧٩، بیرون روند گان ١٢٠

~: وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلنَّاسِ لَفَاسِقُونَ (٥: ٤٩)

نافرمانبران ١٢٢

~: وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ (٥: ٥٩)

بی فرمانان ٢، ناگروید گان ٥٨، بیراهان ٦١، بیرون آیند گان ١٠٩

~: وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (٥: ٨١)

گناه کار ٥٧

~: وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ (٩: ٨)

نافرمان و بد تنه ١٠، بیرون گذرند گان ٧٩

~: إِنَّهُمْ كَفَرُوا ... وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ (٩: ٨٤)

بیرُون آیندَ گان اَز فرمَان ٥٥، بیرون آیند گان از فرمان برداری ٩١، بیرون شد گان از فرمان خدا عزّوجلّ ٩٣، بیرون رفتگان ١١١

~: وَأُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْفَاسِقُونَ (٢٤: ٤)

---

١. تدست برد: پس پیروز و فایز گشت.

بد کاران و بد مردان ۲، بیرون شوند گان از فرمان خدا ٤٧، بیرون آمد گان از فرمان ٥٦، بد کرداران ۷۸، تبه کاران ۱۱۵

~: بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (٢٤: ٥٥)
نابکاران ٦٤، بیرون روند گان از فرمان ۱۰۳، بیرون شد گان از طاعت ۱۰٤، از فرمان بیرون رفتگان ۱۱۱، بیرون گذرند گان از فرمان خداء ۱۱۳، بیرون رفتگان از فرمان ۱۲۲، بیرو[1] رفتگان ۱۳۰

~: فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ (٤٦: ٣٥)
تباه کاران ۲۲، بیرون شوند گان از فرمان ٤٨، بی فرمانان یا بیرون آمد گان از فرمان ۸۰، تباهکاران ۸۷

~: فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (٥٧: ١٦)
بی فرمانی کردند ۳۰، بی سامان کاران ۸۱

~: فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (٥٧: ٢٦)
نافرمانان ۲

~: وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (٥٧: ٢٧)
نابسامانان ۸۱، از فرمان بدر رفتگان ۱۲۲

~: أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (٥٩: ١٩)
بی راهان ٥٢، نافرمان ٥٦، بیفرمانان ٦٧، بیرون رفتگان از راه فرمان برداری ۱۰۳، بیرون رفتگان از راه خدا ۱۱۱

اَلْفاسِقِینَ: وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (٢: ٢٦)
بی فرمانان ۲، گنه کاران ٤، برون آینده گان از فرمان ٥٥، بیرون گذرند گان از فرمان ۷۹، بیرون آینده از طاعت ۱۰٤، نادانان ۱۰٦، گمراهان ۱۱٤، نافرمانبران ۱۲۲، ستم کاران ۱۲٤

~: فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (٥: ٢٥)
بی داد گران و بی فرمانان ۸۸، بد سگالان ۹۰، بیرون شوند گان از فرمان ۱۰۲، بیرون آمده از طاعت ۱۰٤، فرمان بیرون رونده گان ۱۲۹

~: فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (٥: ٢٦)
بیرون آمد گان ۳، نافرمانان ۲۹، ناپاکان ٤١، از فرمان بیرون آیند گان ۸۰، بد کرداران ۹۰، بیفرمانیان ۱۱۰، ناگروند گان ۱۲۱، ناگروید گان ۱۳٦

~: وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (٥: ١٠٨)
بی فرمان ۲٦، نافرمان بردار ۹۸، ستمکاران ۱۰٦، تبه کاران ۱۱۵، نافرمان برداران ۱۳۸

~: وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (٧: ١٠٢)
نابسامانان ۲۹، از فرمان بیرون شد گان ۳۵، بیراهان ۹۹، تباه کارآن ۱۰۰، بیرون روند گان ۱۰٤، تباکاران[2] ۱۰۷، تباه گران ۱۱۰، بیرون رفتگان از فرما[3] ۱۱٦، نافرمان ۱۲٤، بی فرمانان ۱٤۰

~: يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ (٧: ١٤٥)
نابسامان ۲۹، بی راهان ٦١، ستمکاران ٦٤، گذرند گان از فرمان خدای تعالی ۷۹، بیرو[1] روند گان ۱۳۰

~: وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (٩: ٢٤)
بیرون آمد گان از فرمان خدای ٥٦، نابکاران ٥٨، بیرون شد گان از راه خدای ۱۰٤

~: إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ (٩: ٥٣)
نافرمان ۱۰، بیرون گذرند گان از فرمان خدای ۷۹، بیرو[1] آیند گان از فرمان ۹۱

---

۱. بیرو / بیرون.
۲. تباکاران / تباه کاران.
۳. فرما / فرمان.

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْفَٰسِقِينَ (٩:٩٦)
نابسامان کاران ۲۹

~: إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمَ سَوْءٍ فَٰسِقِينَ (٢١:٧٤)
بلایه کاران از فرمان ۹۱، بیرون رفتگان ۱۱۱، بیفرمان ۱۱٤، بیرون شوند گان ۱۲٦

~: إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا فَٰسِقِينَ (٢٧:١٢)
بد مردان ۲۰، تباهکاران ۷٤، بی سامان کاران ۷٦، تباهی کنند گان ۸۷، بیرون از فرمان ۹۲، بیفرمانان ۹۹، بیرون رفتگان ۱۳۰

~: إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا فَٰسِقِينَ (٢٨:٣٢)
بیرون شونده از فرمان ٤٧، تباه کاران ناگروید گان ۵۸، بیرون شده از فرمان خدای ۷٦، بیرو[1] رفتگان ۱۳۰

~: إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا فَٰسِقِينَ (٤٣:٥٤)
برون آمد گان از فرمان ۳، از فرمان بیرون آینده ۳۹، بد کرداران ۵۳

~: وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَوْمًا فَٰسِقِينَ (٥١:٤٦)
بیرون روند گان از فرمان ۱۲٦

~: فَبِإِذْنِ ٱللَّهِ وَلِيُخْزِىَ ٱلْفَٰسِقِينَ (٥٩:٥)
نافرمان بران ۱۳۲

~: وَٱللَّهُ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ (٦١:٥)
از فرمان بیرون رفتگان ۱۱۱، فرمان بیرون روند گان ۱۲٦

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْفَٰسِقِينَ (٦٣:٦)
بی سامان کاران ۸۱، بد کاران ۱۰۲، بیرو[1] گذرند گان از فرمان ۱۱۳، دورویان ۱۱٤

ٱلْفَاصِلِينَ: يَقُصُّ ٱلْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ ٱلْفَٰصِلِينَ (٦:٥٧)
جُدا کنند گان ۲، پیدا کنند گان ۳، داوران ۱۰ مکرّر، جدا کنند گان ۲٦، کار گزاران ٤۱، پیدا کنند گان ۵۵، گزارند گان ۵۷، داوری کنند گان ۷۲، داوری کنان ۷۸، جدا کنند گان - داوران ۸۸، کار گذاران ۱۱۵

فَاطِرٌ: أَغَيْرَ ٱللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (٦:١٤)
آفریننده ۲، آفریده ۸۸، کننده ۱۰۲

~: فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (١٢:١٠١)
آفرید گار ۲، آفریننده ۵۵، پدید آرنده ۱۱۱

~: أَفِى ٱللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (١٤:١٠)
آفرید گار ۱، هست کننده ۳٦، نو کننده ۵۹، افرید گار ٦۹، شکافاینده ۹٤، پدید آورنده ۱۲۷، شکافنده ۱۲۸

~: ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (٣٥:١)
نو آفریننده ۳، نوسازنده و پدید آرنده ۱۰۳، نوسازنده ۱۲۳، آفریننده ۱۳۹

~: قُلِ ٱللَّهُمَّ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (٣٩:٤٦)
پیدا کننده ۹۹

~: فَاطِرُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم (٤٢:١١)
آفرینندهٔ ۳۲، شکافنده ٤۱

فَاعِلٌ: وَلَا تَقُولَنَّ لِشَا۟ىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ (١٨:٢٣)
کنار[2] ۱، کننده ۸، کار کننده ۵۸

فَاعِلُونَ: قَالُوا۟ سَنُرَٰوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَٰعِلُونَ (١٢:٦١)
کناران ۱، بکنیم ۲، کنند گان ۳، کنند گان ۵۵، کنیم ۷٦، کار کنند گان ۱۰۰، کننده گان ۱۳۰

---

۱. بیرو / بیرون.
۲. کنار: کننده.

~: وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَوٰةِ فَاعِلُونَ (۲۳:٤)
داداران[1] ۱، کارْبندان ۲، دهنده ۲۹، گزارنده ۳۹، گزارنده‌گان ٤۱، دهنده‌گان ٤۳، گزارده‌گان ۵۸، کاربند ٦۱، کردنده‌گان ۸۷، کاربنده‌گان ۱۰۸، کننده‌گان ـ گذارنده‌گان ۱۰۹

فَاعِلِينَ: وَالْقُوهُ فِي... إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ (۱۲:۱۰)
کارکنان ٦۱، کارکننده ۷٦، کننده‌گان کار ۸۸، کننده‌گان ۱۱۸، کننده کار ۱۲۳

~: قَالَ هَٰؤُلَاءِ بَنَاتِي إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ (۱۵:۷۱)
کناران ۱، کننده ۷٦

~: وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ (۲۱:٦۸)
کننده‌گان ۱۲، کارکننده‌گان ٤۱

~: يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ (۲۱:۷۹)
کُنندگان ۲، کردکاران[2] ۳٤، کُنَندگانْ ۵۳

~: وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (۲۱:۱۰٤)
کُنَندَه ۵۳، نوردندگان ۵۸، برانگیزندگان ۹۸

★ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ: إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ (۲۱:٦۸)
اگر خواهید کردن ۱۰۸

★ كُنَّا فَاعِلِينَ: إِن كُنَّا فَاعِلِينَ (۲۱:۱۷)
خواستیمی کردن ۲٤، خواستمانی کردن ۳٤

~: الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ (۲۱:۷۹)
ما کردیم ۲٤

★ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ: إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ (۱۲:۱۰)
شما خواهی کرد کاری ۲٤

فَاقِرَةٌ: تَظُنُّ أَن يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (۷۵:۲۵)
سخت ۱، کار بُزرگ یا بدی بُزرگ ۲، کار سهمناک ۳، پشت شکننده ٦، درویشی ۱۹، کار بزرگ ۳۰، سیاه سست شکسته ٤۱، کاری سخت ٤۳، کار سخت ۵٦، درویش ٦۱، مهره پشت بشکند ۷۸، شکننده پشت ۷۹، کاری بزرگ بیمناک مهرهٔ پشت را شکند ۸۰، شکنندهٔ مهرهٔ پشت ۸۹، پشت‌شکن ۹۰، شکنجه ۹۱، پشت شکسته ۹٤، سختی ۱۰۰، شکننده مهره‌های پشت ۱۱۱، کاری بزرگ ۱۱٤، شکنندهٔ مهرهای پشت ۱۱٦، رنجی شکننده ۱۲۰، شکننده پشتها ۱۲۲، پشت شکستن ۱۲٦، سهمناک ۱۲۹، شکننده ۱۳۲، بسختی پشت شکننده ۱۳٦

فَاقِعٌ: إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا (۲:٦۹)
سختْ زَرْد ۲، نیک زرد ۳، روشن ۱۰، سخت زرد ۳۸، نیک زَرْد ۵۵، سَخت زرد ٦۰، سخت ٦۱، زرد زرد ٦۳، زرد رنگ ۱۱۹، تازه، تازه و روشن ۱۲۱، سیر رنگ ۱۲۲، زردی زرد ۱۲٤، سیرنگ[3] ۱۲۷، خوش رنگ ۱۳٦

فَاكِهَةٌ: لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ (۳٦:۵۷)
میوهاء گوناگون ٦٤

~: لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ (٤۳:۷۳)
میوه ۱، میوه بسیار ۱۱٤، میوه‌ها ۱۳۰

~: يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ (٤٤:۵۵)
میوه ۲، میوه رسیده ۵٦

~: وَأَمْدَدْنَاهُم بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (۵۲:۲۲)
گونه گونه میوها ۳۵

~: فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۵۵:۱۱)

---

۱. داداران: دهندگان.
۲. کردگاران هم می‌توان خواند.
۳. سیرنگ / سیر رنگ.

میوها ۲٤، میوهٔ گوناگون ۱۰۹

~: وَحَدَآئِقَ غُلْبًا وَفَٰكِهَةً وَأَبًّا (۸۰:۳۱)
میوهای تر ۱۰۳، میوهٔ تر ۱۳٦

فَٰكِهُونَ: ٱلْيَوْمَ فِى شُغُلٍ فَٰكِهُونَ (۳٦:۵۵)
رامشتی شداران[1] ۱، سخن همی گویند و شادی کنند ۲، خوش منشان ۳، شادمَاان[2] ۲۲، شادی کنان ۲٤، خوش منش ۲۹، سخن همی کنند ۳۰، شادمان ۳۳، خرمی ٤۱، شادمانان ٤۳، خوش منشین ۵۲، نازان ۵۹، شادمانه ٦۵، خوشی می کنند ٦۹، خوش منشان و شادان ۷۹، شادان ۸٦، انباردگان ۸۷، میوه داران ۱۰۲، شادان و نازان و میوخاران ۱۰۳، سخن همی گویند و شادی همی کنند ۱۰۸، خوش منشان شادان و نازان ۱۰۹، نازان و شادان و میوه خواران ۱۱۱، شادی می کنند ۱۲٤، خوش منش باشند ۱۲٦

فَٰكِهِينَ: وَنَعْمَةٍ كَانُوا۟ فِيهَا فَٰكِهِينَ (٤٤:۲۷)
رامشتی شداران[1] ۱، خوش منشی ۲، خوش منشان ۳، شادمانان ۱٦، شادمانان ۲۲، خوش مَنشان ۳۲، پروردگان ٤۱، انباردگانَ ٦۱، خورندگان ۹۰، شادمانه ۹۹، خوش منشان ـ نازندگان ۱۰۹، بازی کنان و شادان ۱۱۱

~: فَٰكِهِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمْ رَبُّهُمْ (۵۲:۱۸)
شادخوای کنند[3] ۲٤، خوش منش ۲۹، نیکوییها ۳۰، شادان و نازان ۳۵، شادمانگان ۳۹، خوشدلان ۵۱، خوش منشان و شادان ۷۹، شادمان ۹۰، شادان ۹۲، میوه داران ۱۰۲، خوش منشان ـ نازان و شادان ۱۰۹، شادمان کنندگان ۱۱۱، میوه خواران ۱۱٦، شادمانها ۱۲۱، یابندگان ۱۲۳، شگفت آوردگان ۱۳۹

فَالِقُ: إِنَّ ٱللَّهَ فَالِقُ ٱلْحَبِّ وَٱلنَّوَىٰ (٦:۹۵)
شکافنده ۲، شکافاند ۹، واشکافاند ۱۰، گشاینده ٤۱، بشکافد ٤۸، شکافانند ه ٤۹، شِکافنده ۵۵، شکافنده و گشاینده ۵۸، آفریدگار ۹۲، شکافته است ۹٤، ترقاننده ۹٦، شکافنده و آفریننده ۱۳٦

~: فَالِقُ ٱلْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ ٱلَّيْلَ سَكَنًا (٦:۹٦)
شکافتار ۱، بشکافد ۹، برآرَنده ۱۰، بازشکافنده ۳۹، شِکافَنْده ۵۵، گشاینده و آفریدگار ۷۵، آفریننده ۹۲، شکافتنده ۹٤، بیرون آورنده ۱۰٤، بیرون آرنده ۱۲٦

فَانٍ: كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۵۵:۲٦)
کرانه شهد[4] ۱، نیست شونده ۳، نیست شوند ۳۰، نیست شدنی ۳۹، نیست گردد ۸۱، بنماند ۹٤، اسپری شوند ۱۰۸، نیست شونده مردنی ۱۰۹، ناپاینده ۱۲۲

فَاهُ: لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَٰلِغِهِۦ (۱۳:۱٤)
دهن ۱، دهان ۲، دَهان ۵۳ و ۵۵، دَهَن ۷٦

ٱلْفُؤَادَ: إِنَّ ٱلسَّمْعَ وَٱلْبَصَرَ وَٱلْفُؤَادَ كُلُّ أُو۟لَٰٓئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْـُٔولًا (۱۷:۳٦)
دلْ ۲، دانستن ۲٤، دِلْ ۵۵، دلها ۹۳

فُؤَادَكَ: مَا نُثَبِّتُ بِهِۦ فُؤَادَكَ (۱۱:۱۲۰)
دِل ۲

فِئَةٌ: مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً (۲:۲٤۹)
گُروه ۲، سپاه، لشگر ۱۰، بسیاری از گروه ۱۱٦

---

۱. رامشتی شداران: شادمانان.
۲. شادمَاان / شادمانان.
۳. شادخوای: شادخوایی / خایی (ظ) می توان پنداشت که تحریفی از شاد خواری کننده هم باشد.
٤. کرانه شهد: بپایان رسد: نیست شود.

~: فِئَةٌ تُقَٰتِلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (۳:۱۳)
گره ۱، یک گروه ۲۹

~: إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَٱثْبُتُوا وَٱذْكُرُوا ٱللَّهَ كَثِيرًا (۸: ٤٥)
گروه ۱۰

~: وَلَمْ تَكُن لَّهُۥ فِئَةٌ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ (۱۸: ٤۳)
گروه ۵۵، گروهان ۹۳

~: فَمَا كَانَ لَهُۥ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُۥ (۲۸: ۸۱)
گروه ۲، جوانان ۱۱۵

ٱلْفِئَتَانِ: فَلَمَّا تَرَآءَتِ ٱلْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ (۸: ٤۸)
دو گره ۱، دو گروه ۳، هر دو لشگر ۱۰، هر دو گروه ۳٤، دو گروه ۵۵، دو لشکر ٦۳

فِئَتُكُمْ: وَلَن تُغْنِيَ عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْـًٔا (۸: ۱۹)
لشگر و سپاه ۱۰، انبوه ۳۹، گروهان ۱۰۰

فِئَتَيْنِ: قَدْ كَانَ لَكُمْ ءَايَةٌ فِي فِئَتَيْنِ ٱلْتَقَتَا (۳: ۱۳)
دو گروه ۱، دو لشکر ۱۰، دو گرو ۸۰

~: فَمَا لَكُمْ فِي ٱلْمُنَٰفِقِينَ فِئَتَيْنِ وَٱللَّهُ أَرْكَسَهُم (٤: ۸۸)
دُو گروه ۲، دُو گروه ۵۵

★ فَبِإِذْنِ: فَبِإِذْنِ ٱللَّهِ وَلِيَعْلَمَ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۳: ۱٦٦)
تبفرمان ۱

ٱلْفَتَّاحُ: وَهُوَ ٱلْفَتَّاحُ ٱلْعَلِيمُ (۳٤: ۲٦)
داور ۳، گشاده ۱۸، داوری کننده ۲۲، گشاینده ٤۱ و ۱۱۹، گشاده کننده ۹۹، کارگذار ۱۰۹

لِفَتَاهُ: وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَىٰهُ لَآ أَبْرَحُ (۱۸: ٦۰)
شاگرد ۱، جُوامرد[1] ۲، جوان مرد ۲۹، جوانمرد ۳٤، شاگرد ۵۵، جوان ۵٦

~: فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَىٰهُ ءَاتِنَا غَدَآءَنَا (۱۸: ٦۲)
یار ۳۹، جُوان ۵۵، جوان مردان ۱۲۸

فَتَاهَا: ٱمْرَأَتُ ٱلْعَزِيزِ تُرَٰوِدُ فَتَىٰهَا عَن نَّفْسِهِۦ (۱۲: ۳۰)
جوانک ۱، جوامرد ۲، جوان ۳، وَرنا[2] ۷ مکرّر، بنده ۳٤، پرورده ٤۱، غلام ۵۳، بندَه ٦۲، جوانمرد ۹٤، جوآن ۱۰۰، بنده شاگرد ۱۰۹، جوان مرد ۱۲۸

فَتَحَ: أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ ٱللَّهُ عَلَيْكُمْ (۲: ۷٦)
بگشاد ۲ و ۸٤، بگشادست ۱۰، بگشادَست ۱۰ مکرّر، پدید کرد ۲٤، گشاد ۳٤، گُشادَه است ٤۲، گشاده است ۵۲، گُشاد ۵۵، بگشاده است ٦٤، گشاده کرد ۸۲، بر گشود ۸۹، گشاده گرداند ۱۰٤، گشوده است ۱۱۱، روشن کرده ۱۲۲، گشاده ۱۲۳

ٱلْفَتْحُ: فَإِن كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ ٱللَّهِ (٤: ۱٤۱)
گشایش ۲، گشایش و شادی ۱۲٤

~: فَعَسَى ٱللَّهُ أَن يَأْتِيَ بِٱلْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِندِهِۦ (۵: ۵۲)
گشایش ـ فراخی ۲، گُشایش ۵۵، گشادی ۸۸، گشایش ۱۱۹

~: إِن تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَآءَكُمُ ٱلْفَتْحُ (۸: ۱۹)
یاری ۱۰۵، نصرت ۱۱۳، گشادن ۱۱۹

~: يَوْمَ ٱلْفَتْحِ لَا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا إِيمَٰنُهُمْ (۳۲: ۲۹)
گشاد ۱

~: وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ (٦۱: ۱۳)
گشایش ۲، گُشادن ٤۲، گشادگی ۵۲، فیروزی ۹۲

فَتْحًا: فَٱفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي (۲٦: ۱۱۸)
گُشادان ۲، گشاد ۲۰، داوری کردن ۲٤

~: إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا (٤۸: ۱)
گشادن ۲، گشاده کردن ۷۹، بر گشودن ۱۳۸

---

۱. جوامرد / جوان مرد.
۲. ورنا / برنا.

~: فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَـٰبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (۴۸: ۱۸)
گشادی ۱، گشایش ۲، گشاد ۱٤، گشودن ۲۹، پیروزی ۳۰، گشادگی ۹۰، فیروزی ۹۲

فُتِحَتْ: حَتَّىٰٓ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ (۲۱: ۹٦)
گشاده شده ۱، گشاده شود ۲، گشاده آید ۵٦، گشوده شود ۱۰۰، گشوده شد ۱۰٦، بگشوده شد ۱۳٤

~: حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَٰبُهَا (۳۹: ۷۱)
بگشاید ۱۵، بگشایند ۲۲، بگشایند ۲٤، واگشایند ۲۹، گشاده شوند ٤۳، گشاده شده ۱۱۱، گشاده باشند ۱۳۸

~: حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَٰبُهَا (۳۹: ۷۳)
گُشادَهْ شَوَدْ ۵۳، گشاده باشد ۱۰۳

~: وَفُتِحَتِ السَّمَآءُ فَكَانَتْ أَبْوَٰبًا (۷۸: ۱۹)
گشاده شود ۳، برگشایند ۲۹، گشایند ۳۰، گشاد کرده شود ۵٦، گشود شود ۱۱۱، شکافته شود ۱۲۰، بگشاید ۱۲٤

فَتَحْنَا: فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَٰبَ كُلِّ شَىْءٍ (٦: ٤٤)
بگشادیم ۱، بگشَادیم ۲، گُشادِیم ٤۲، بازگشادیم ٤٤، بگشاایم ٦۰، برگشودیم ٦۳، گشاده کردیم ۹۹، بگشآدیم ۱۰۰، گشودیم ۱۱۱

~: لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَـٰتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْأَرْضِ (۷: ۹٦)
بگشادی ایما ۱، بُگشادیمی ۲، گشادیمی ۳، بگشادیَمی ۱۰، بگُشادِیَمی ۱۰ مکرّر، بگشادیمی ۲۷، واگشودمانی ۲۹، بگشادمانی ۳٤، بگشودیمی ٤۸، بگشادمی ۵۳، بگشودمانی ۵۷، برگشادیمی ۸۸، ما با گشودمانی ۹۵، گشادیم ۹۹، بگشودیمانی ۱۰٤، میگشودیم ۱۱۱، گشادمانی ۱۱٤، می گشودیم ۱۳٦

~: وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَآءِ فَظَلُّوا۟ (۱۵: ۱٤)
بگشاییم ۲، واگشادیم ۲٤، بگشائیم ۳٦، گُشادِیمی ۵۵، برگشودمانی ٦۳ و ۱۰٦، برگشودمانیم ۸۹، بگشادم ۱۱۲، میگشادیم ۱۱۵، گذاشتیم ۱۲٤

~: حَتَّىٰٓ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا (۲۳: ۷۷)
واگشودیم ۲۹، برگشادیم ۳٤، بگُشادیمْ ۵۳

~: إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا (٤۸: ۱)
گشاده کردیم ٦، بگشودیم ۲۹، گشاده گردانیدیم ۱۰۲، گشاده گرداندیم ۱۱۳

فَتَحُوا: وَلَمَّا فَتَحُوا۟ مَتَـٰعَهُمْ (۱۲: ٦۵)
بگشادند ۱ و ۷۹، بگشایند ۲، گشادند ۳ و ۱۳۵، واکردند ۷ مکرّر، واگشادند ۲٤، بگشادَند ٤۲، گُشادَنْد ۵۵، باز گُشادَند ۷٦، بگشودند ۸۹، بازگشودند ۹۵، گشودند ۱۰٤، بگشودند ۱۲۰

فَتْرَة: يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ (۵: ۱۹)
سستی ۲، سُستی ۳، گسستن ۱۰ مکرّر، بریده شدن ۲۷، بریده ۳۱، بریدن ۳۷، پدید شدن ۳۹، پستی ٤۲، بُریدَه ٤۵، گسسته شدن ٤۹، سُستِی ۵۵، سست ۵٦، رفتن که بریده شده بود آمدوشد ٦۷، از پس گشتن ۷٤، گشتن ۸۲، روزگار ۱۰۳، بدی ۱۰۷

فَفَتَقْنَاهُمَا: كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَـٰهُمَا (۲۱: ۳۰)
بگشادیم ۱ و ۵٦، بشکافتیم ۲، گشادیمشان از یکدیگر ۳، پاره پاره کردیم ۱۲، بگشادیم زیکدیگر ۲٤، جدا کردیم ۳٦، بازگشادیم ۳۹، آبادان کردیم ٤۲، گشادیم ۵۳، واگشادیم ٦۷، ما بگشادیم ۷٦، گشادیم از یکدیگر ۹۱، بشکافتیم ما ۹۹، برگشودیم ما ۱۰۰، گشاده گردانیدیم ۱۰٤، گشودیم ۱۰٦، از هم بازگشادیم ۱۰۹، ما بازگشادیم ۱۳۹

فَتَنَّا: وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ (٦: ۵۳)
آزموده کردیم ۲۷، در آشوب افکندیم ٤۱، بیازمُودیمْ ۵۳، آزموده گردآنیم ۹٤، آزمایش نمودیم ۱۰٤، آزموده گردانیدم ۱۰۵، آشوب دادیم

۱۰۹، می آزماییم ۱۲۲

~: قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ (۲۰:۸۵)
آزموده گردانیدیم ۲، در آشوب انداختیم ٤۱، آزمودگی کردیم ۵۸، در آزمایم ۸۷، بشورانیدیم ۱۰۹، درانداختیم ۱۱۳، در آزمایش افکندم ۱۳۹

~: وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ (۲۹:۳)
ما آزموده گردانیدیم ۲، آزمودیم ۳

~: وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ (٤٤:۱۷)
بیازمودیم ۱، بیازموده‌ایم ۳٦، کردیم آزمایش ٤۲

فَتَنَّاكَ: فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا (۲۰:٤۰)
آزموده گردانیدیم ۲، آزموده گردانیدم ۳۰، آزمون کردیم ۳۹، بیآزمودیم ٤۳، بیاموزدیم ۷٦، آزمود گردانیدیم ۹٤، ما آزمایش کردیم ۹٦، بیاموزیم ۱۲۳

فَتَنَّاهُ: وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ (۳۸:۲٤)
آزموده گردانیم ۲، آزمایش کردیم ٤۲، بآزمایش افکندیم ٤۹، ازموده کردیم ٦۹، بیازمُودیم ۸۱، آزمادیم ما ۱۲٤

الْفِتْنَةُ: حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ (۲:۱۰۲)
آزمون ٤، آزمودگان ۳٤، آزمودگانِ ٤۲، آزمَایش ۵۵

~: وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ (۲:۱۹۱)
بت پرستیدن ٤۰

~: وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ (۲:۱۹۳)
مردن[1] ۷۵

~: وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ (۲:۲۱۷)
آزمَایشْ ۵۵

~: مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ (۳:۷)
شُورِش و آشوبْ ۲، دو گروهی ۷۵، سوزش ۸۲

~: وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُّوا (۵:۷۱)
آزمایش و شورش ۱۰ مکرّر، تباه ۲٤

~: وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا (۸:۲۵)
گناه ۱۲۰

~: وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ (۸:۳۹)
آشوب و شور ۱۰۹

~: إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ (۸:۷۳)
شور ۵۸

~: وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ (۹:٤۷)
بزر ۱۰، آشوب ۱۱، بدی و تباهی ۵۸

~: لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ (۹:٤۸)
بزر ۱۰، شور و تباهی ٤۳، بزه ۱۰٤

~: رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۰:۸۵)
آزموده کرده شدگان ۳۰، گرفتار ۳٦، آزمُودَه کردَه شُدگان ۵۵

~: الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ (۱۷:٦۰)
ازمُودَن ۵۳

~: وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً (۲۱:۳۵)
آزمودن ۱، آزمُودن ۲، ازمَایِشْ ۵۳، آزمایش کردن ۱۱۳

~: وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ (۲۱:۱۱۱)
دوستی ۱۰۵

~: وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ (۲۲:۱۱)
شورش ۲، سختی ۲٤، رنج ٤۱، زیان ۵۲

---

۱. در اصل چنین است. هرچند معنی دور از ذهن می نماید، امّا شاید در جمله غیرقابل قبول نباشد.

~: أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ (۲۴:۶۳)
آشوب ۲، بدی و آشوب ۱۰۸، آشوب و شور - آزمون ۱۰۹، آزمایش و آشوب ۱۲۸، کوردلی ۱۳۸

~: جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ (۲۹:۱۰)
آزمایش - شورش ۲

~: ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ (۳۳:۱۴)
شرک ۱

~: بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۹:۴۹)
ازمایش ۵۳

~: إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ (۵۴:۲۷)
آزمایش ۱، آزمایش و بدبختی ۱۱۳

~: رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا (۶۰:۵)
آزموده ۲

فِتْنَتُكَ: إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ (۷:۱۵۵)
آزمودن ۱، آزموده گردانیدن ۲، آزمایش ۳

فِتْنَتَكُمْ: ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ (۵۱:۱۴)
سوزش ۶، آشوب ۶۱، شکنجه ۸۰، پاداشت ۸۱، سوختن ۹۵، آزمایش ۱۲۵

فَتَنْتُمْ: وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ (۵۷:۱۴)
آزموده گردانیدیت ۳۰، بیازمودید ۶۹، آزموده گردانیدید ۱۰۸

فُتِنْتُمْ: يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ (۲۰:۹۰)
آزموده شدید ۱، آزموده گشتید ۲، آزموده کرده شدیت ۳، آزموده گشتید ۳۰، در آشوب افتادیت ۴۱، شما را ازمُودَهْ گردند ۵۳، آزموده کرده شدید ۵۶، فریفته کرده شدید ۶۴، شما آزموده شدید ۹۶، آزمایش کرده شدم ۱۲۲، بیازمودید ۱۳۴

فِتْنَتَهُ: وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ (۵:۴۱)
آزمودن ۱، آزموده گردانیدن ۲ و ۱۰ مکرّر، گم راهی ۲۴، آزمایش ۵۳، بیراهی ۶۲، بی راه کردن ۷۰، گمراه گردانیدن ۷۹، بی راهی ۸۸، گمراهی و آزمون ۱۰۲، باز گذاشتن ۱۲۰، واگذاشتن ۱۲۲

فِتْنَتُهُمْ: ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا (۶:۲۳)
آزمایش ۲، دروغ ۵۳

فَتَنُوا: إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ (۸۵:۱۰)
بُسختند ۱، بسُوختند ۲، بسوختند ۳۰، میسوختند ۶۷، بیازمودند ۸۰، رنجانیدند ۱۰۰، می کشتند ۱۰۶، سوختند ۱۰۹، آزمودند ۱۱۴

فُتِنُوا: لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا (۱۶:۱۱۰)
آزموده کردند شدند ۳، برنجانیدند ۴۱، آزمُودَه گردَه شُدَند ۵۵، آزمون کردند ۵۷، آزموده شدند ۸۰، آزمون کرده شدند ۱۰۹، آزموده‌اند ۱۳۶

فُتُونًا: فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا (۲۰:۴۰)
آزمودن ۱، آزمون کردن ۳۹، آزمایش ۶۴، آزموده کردن ۷۲، آزمایش کردن ۷۹

فَتًى: قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ (۲۱:۶۰)
جوانک ۱، جوان ۱۲، جوان مرد ۲۹، جوانمرد ۵۳، برنای ۶۱، جوانی ۱۱۳، برنا ۱۲۸

فَتَيَاتِكُمْ: مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ (۴:۲۵)
بستاران[1]۱، پرستاران ۲، پرستاران ۱۰، کنیزگان ۵۵، بندگان ۸۸، پَرستارآن ۹۴، زنان بنده ۱۰۴، کنیزان - پرستاران ۱۲۹، کنیزها ۱۳۵

---

۱. بستاران / پستاران = پرستاران، کنیزگان.

~: وَلَا تُكْرِهُوا۟ فَتَيَـٰتِكُمْ عَلَى ٱلْبِغَآءِ (۲٤:۳۳)
پَرِشْتاران ۲، کنیزکان ۳، زیردستان ٤۱، زنان جوان ٤۲، پرستاران ـ کنیزکان جوان ۱۰۹، کنیزان ۱۱٦

فَتَیانِ: وَدَخَلَ مَعَهُ ٱلسِّجْنَ فَتَيَانِ (۱۲:۳٦)
دو جوانک ۱، دو جوان ۳، دو جوان مرد ۲۹، دو جوانان ٤۳، دو بُرْنا ۵۳، دو غلام جوان ۵۸، دو مرد ٦۰، دو جوانمرد ٦٤، دو غلام ٦۹، دو بنده ۸۸، جوانمرد ۹۰، جوانمردان ۹٦، دو جوآن ۱۰۰

لِفِتْیانِه: لِفِتْيَـٰنِهِ ٱجْعَلُوا۟ بِضَـٰعَتَهُمْ فِى رِحَالِهِمْ (۱۲:٦۲)
جوانکان ۱، جوانمردان ۵۲ و ۹٤، بندگان ۵٦، جُوانان ۵۷، جوان مردان ۱۲٤، غلامان ۱۲٦

اَلْفِتْیَةُ: إِذْ أَوَى ٱلْفِتْيَةُ إِلَى ٱلْكَهْفِ (۱۸:۱۰)
جوانکان ۱، جُوامردان[1] ۲، جوانان ۳، جوانمردان ۸، جوان مردان ۲۹، جوامردان[1] ٤۸، جوامَرْدان[1] ۵۳، جُوانان ۵۵

~: إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ ءَامَنُوا۟ بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَـٰهُمْ هُدًى (۱۸:۱۳)
جُوانان ۵۷، جوان ٦۱، آزادمردان ٦۵، آزادمردان جوان ۹۲، جوآن مردان ۱۰۰، جوانمرد ۱۰۸

فَتِیلًا: بَلِ ٱللَّهُ يُزَكِّى مَن يَشَآءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (٤:٤۹)
دسه[2]ی خسته[3] ۱، اندازهٔ رشتهٔ جویجه خرما ۳، رشتهٔ میان خستهٔ خرما ـ خاز میان دو انگشت ۲۷، ریم میان دو انگشت ۲۹، رشتهٔ جویجهٔ خرما ۳۰، اندازه خاز که از انگشتان بیرون آید ۳٦، بمقدار پوست دانه خرما ٤۱، چند میان دو انگشت ٤۲، پوست خرماسته ٤۹، شکاف استخوان خرما ۵۳، اندازهٔ رشْتَه جُویجَه خُرمَا ۵۵، پوستک میان خرما و دانه ۵۸، پوستک بخسته خرما ٦۱، پوستی که در خسته خرما باشد ٦٤، چوبک خستهٔ خرما ۷۵، اندازه جویچه دانه خرما ۸۰، انگشت مال ۸٤، مقدار پوست استه[4] خرما ۸۸، اندازه‌ی رشته‌ای ۹۷، ریم میان دو انگشت بمالند ۹۸، آنچه در شق استه خرما بود ۱۰٤، تافته ۱۰۹، رخنه استخوان خرما ۱۱۱، رشتهٔ که در شکاف استخوان خرماست ۱۱٦، رسته خرما ۱۱۹، پوست خرمای دانه ۱۲٦، آنچه میان دو انگشت بمالی ۱۲۹، مقدار رشته در میان خسته خرما ۱۳۱

~: وَٱلْـَٔاخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ ٱتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا (٤:۷۷)
بمقدار آن که مَیان دُو انگشت شُوخکی تباوی اوُ بُمالی ۱۰، شوخ میان انگشت ۲۷، چند پوست دانه خرما ٤۱، چند ریم میان دو انگشت ٤۲، مقدار شکاف خُرْما آسته[4] ۵۳، چند پوست خسته خرما ۵٦، چرک دست ٦۰، خندق پوستک خرما ٦۱، چند پوستک خرما ٦۷، انچ میان دو انگشت بمالند ۷۸، مقدار آنکه در میان استه[4] خرما باشد ۸٤، چند دو انگشت ۹٤، تافته انگشت ۱۰۲، رخنه دانه خرما ۱۱۱، خسته خرما ۱۲۱، چند ریمی میان دو انگشت ۱۲۵، شکاف خرماایست ۱۲۸، رشته که شکاف دانه خرما است ۱۳۰

~: يَقْرَءُونَ كِتَـٰبَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۱۷:۷۱)
باندازهٔ آنچ میان دو انگشت مالی ۳، اند ک ۲۹، اندازه آنچه میان دو انگشت مالی ۳۰، اندازه خازه دست ۳۹، پوستک تنک دانه خرما ٤۱، پوست استهٔ[4] خرما ٤۹، چند میان دو انگشت ۵۲،

---

۱. جُوامردان / جوان مردان.
۲. دسه / رشته.
۳. خسته / هسته.
٤. اَسته / هسته.
۵. لت در مت اصلی نقطه ندارد. این کلمه به معنی «برگ خرما» در لغت نامه آمده است.

شاخکی که میان آسته[1] باشد ۵۳، مانند آنچه در مالی میان دو انگشت ۵۵، چند شکاف خسته[2] خرما ۶۵، دانه خرما ۷٤، پوست استه[1] خرما ۷۹، پوست خرماسته[1] ۸۸، پوست خسته[2] ۹۰، آنکه در میان خسته[2] خرما بود ۱۰۲، شکاف دانه خرما ۱۰۳، رشتهٔ دانهٔ خرما ۱۰۹، بند پوست استه[1] خرما ۱۱۳، باندازه رسته استه[1] خرما ۱۱٤، رشته که شکاف تخم خرما است ۱۳۰، رشتهٔ در شکاف تخم خرما ۱۳۷، آنکه در میان خسته[2] خرما باشد ۱۳۹

فَجّ: يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (۲۷:۲۲)
راه ۱، گوشه ۶۹، بیابان ۱۲۱

فِجَاجًا: وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا (۳۱:۲۱)
شکافته ۲٤، فراخ گشاده ۵۶، رود کدها ۵۸، رودبارها ۷۸، گریوها ۱۳۵

~: لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا (۲۰:۷۱)
فراخ ۱، دور ۳۸، در کوه ۳۹، گشاده ٤۳، نرم ۵٤، فراخ و روشن ۷۹، روان گشاده ۹۲، هموار ۹٤، فراخها ۱۰۹، فراخ ـ گشاده ۱۲۶

★ فِجَاجًا سُبُلًا: وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا (۳۱:۲۱)
راههای فراخ ۱، راههاء فراخ کوفته ۲، راهها فراخ ۳، راهها رفتن ۱۲، راهها روشن ۲۹، راهها سخت و راههاء آسان ٤۱، راههای رفتن ۸۸، راههاء فراخ ۹۰، گذرهای فراخ ۱۰۹، راههای گشاده ۱۱۱، راه‌هاء بپای سپرده ۱۱۳

ٱلْفُجَّار: أَمْ نَجْعَلُ ٱلْمُتَّقِينَ كَٱلْفُجَّارِ (۲۸:۳۸)
گدان[3] ۱، بدان ۲، نابکاران ۳، تباه کاران ۲۲، گنه کاران ۲٤، بد کاران ۳۳، پلیدان ۵۳، پلیدان ۵۶، بزه کاران ۶٤، بی سامان کاران ۷۹، نابه کاران ۸۰، گناه کاران ۸۱، گناه کارآن ۱۰۰

~: وَإِنَّ ٱلْفُجَّارَ لَفِى جَحِيمٍ (۱٤:۸۲)
بد کرداران ۲٤، بد مردان ۳۰، تباه کاران ۳۸، گناهکاران ۹۲، بی سامان کاران ۱۱۳

~: كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلْفُجَّارِ لَفِى سِجِّينٍ (۷:۸۳)
گدان ۱، بدان ۲، بلایه کاران ۸۰

ٱلْفَجْر: وَكُلُوا وَٱشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلْخَيْطُ ٱلْأَبْيَضُ مِنَ ٱلْخَيْطِ ٱلْأَسْوَدِ مِنَ ٱلْفَجْرِ (۱۸۷:۲)
سپیده ۲، بام کبر آید ۱۰، سفیده دم ٤۳، سپیده دمان ۵۳، سپیده دم ۵۵، صبح ۵۷، سپید دم ۶۷، سپیده دم از بامداد ۸٤، بامد آد ۱۰۰، سپیدی دم ۱۱۰

~: أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيْلِ وَقُرْءَانَ ٱلْفَجْرِ (۷۸:۱۷)
سپیده ۲، بامدادان ۳۹، بامداذ ۵۵، بامداد ۶۲، سپیده دم ـ نماز بامداد ۹٤، بآمداد ۱۰۰، سفیده دم نماز بامدادان ۱۲۸

~: مِّن قَبْلِ صَلَوٰةِ ٱلْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم (۵۸:۲٤)
بام ۱، بامداد ۳، بامدادین ۱۰۸

~: وَٱلْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَٱلشَّفْعِ وَٱلْوَتْرِ (۱:۸۹)
سپیده دم ۲

~: سَلَٰمٌ هِىَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ ٱلْفَجْرِ (۵:۹۷)
سپیده دم ۲٤، آفتاب ۱۲۱، بام داد ۱۳٤

ٱلْفَجَرَة: أُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْكَفَرَةُ ٱلْفَجَرَةُ (٤۲:۸۰)
بد مردان ۲، بد کرداران ۲٤، پرده دران ۳۶، بی سامان ٤۲، پلید کاران ۵۶، بد کردار ۶۱، نابکار ۶٤، نابکاران ۶۷، بی سامان کاران ۷۹، بد کاران

---

۱. سته / آسته / هسته.
۲. خسته / هسته.
۳. گدان / بدان.

٨٠، تباه کاران ٩١، بی سامانان ٩٦، دروغ گویان ١٠٣، بی سامان کار ١٠٤، دروغ گویان و نابکاران ١١١، زشت کاران ١٢٢، گردنکش ١٣٤، ستمکاران ١٣٩

فُجِّرَتْ: وَإِذَا ٱلْبِحَارُ فُجِّرَتْ وَإِذَا ٱلْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (٣:٨٢)
رانده شهد ١، بگشایند ٢، در یک دیگر گشایند ٢٤، درهم گشایند ٢٩، بیرون رود ٣٨، برجوشانند ٤١، درهم کشانید ٤٢، گشاده شود ٤٨، روانه و درهم کرده شود ٧٩، روان کرده شود ٨٠، دوانیده شود ٨٧، بیرون شد ٩٢، روآن کرده شوند ١٠٠، روان گردانیده شود ١٠٤، روان کرده شوند ١١٣، شکافته شوند ١١٩، بهم گشوده شوند ١٢٢، درهم گدازند ١٢٤، روان گردانید شوند ١٣٠، گشوده شدند ١٣٢، رانده شود ١٣٣

فَجَّرْنَا: وَفَجَّرْنَا خِلَٰلَهُمَا نَهَرًا (٣٣:١٨)
بشکافتیم ٢، روان کردیم ٣، بیرون آوردیم ٢٩، بَراندیم ٥٣، روَان کَردِیم ٥٥، بگشایانیدیم ٥٨، بشارانیدیم ٥٩، برگشادیم ٦٢، روان گردانیدیم ٧٩، بیرون راندیم ٨٨، بروانیدیم ٩٥، روآن کرده بودیم ١٠٠، شکافتیم ١٣٠

~: وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ ٱلْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا۟ (٣٤:٣٦)
براندیم ١، برانیدیم ٣٨، گشادیم ٥٦، بگشادیم ٦١، گشاده کردیم ٦٤، روان گردانیدیم ٨٦، گشودیم ٩٤، روآن کردیم ١٠٠، روان ساختیم ١١٦، روان گردانیم ١٢٦

~: وَفَجَّرْنَا ٱلْأَرْضَ عُيُونًا فَٱلْتَقَى ٱلْمَآءُ عَلَىٰٓ أَمْرٍ (١٢:٥٤)
بگشادیم ٢٤، بردمانیدیم ٢٩، روَان کردیم ٤٢، گشاده کردیم ٤٩، بشکافانیدیم ٦٧، بدرانیدیم ٦٩، گشادیم ١٠٤، روانه گردانیدیم ١١٣، بیرون آوردیم ١٢٤

فَجْوَةٍ: وَهُمْ فِى فَجْوَةٍ مِّنْهُ (١٧:١٨)
فراخی ١، فراخی جای ٣، یک سوی ٢٤، جایگاه فراخ ٣٤، سوراخ ٤١، جای فراخ و سایه و باد خوش ٤٤، گشادگی ٤٩، مغاک فراخ ٥٧، گو ٦٣، فراخی گاه ٦٧، فراخ جای ٧٩، فراخ نای ٩٣، فراخ ١٠٨، فراخنای ١١٤، گشاده ١٣٠، فراخ گاه ١٣٩

فُجُورَهَا: فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَىٰهَا (٨:٩١)
گدی ١، بدی ٢، بی سامانی ٢٩، تباه کاری ٣٨، نافرمانی ٦١، بی سامان کاری ٧٩، بد کردن ٩١، راه بی سامانی ١٠٠، بد کاری ١٠٢، بی سامان ١٠٥، ناپاکی ١١٦، گناه ١٢٤

اَلْفَحْشَاءَ: إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِٱلسُّوٓءِ وَٱلْفَحْشَآءِ (١٦٩:٢)
زشتی ٢٤، ناخُوبی ٤٢، گارِ زشت ٥٥، کار کرد زشت ٥٧، گفتار بد و زشت ٦٤، ناپسندیده ٦٥، ناخوش ٧٦، گفتار بد ٩٨

~: يَعِدُكُمُ ٱلْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِٱلْفَحْشَآءِ (٢٦٨:٢)
ناخُوبی و زشتی ٢، زشتی و بدی ٢٤، زشتی ٥٢، بد کاری ٥٦، جیلی ٦٧، ناخردی ٧٥، کارهای بد ٩٨[1]

~: قُلْ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِٱلْفَحْشَآءِ (٢٨:٧)
زشت کاری ٢٧، ناشایست ٢٩، گناهان زشت ٤١، زشتیها ٤٥، کارهای زشت ٤٨، بزشتی گرفتن ٦٧، ناخوبی و زشتی ٩٤، ناشاهست ٩٥، زشتی و ناخوبی ١٢٨

~: كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ ٱلسُّوٓءَ وَٱلْفَحْشَآءَ (٢٤:١٢)
ناخُوبی ٢، گناه زشت ٤١، ناخوبی کردن ٩٤، ناشایست ١٠٠

~: وَيَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَآءِ وَٱلْمُنكَرِ وَٱلْبَغْىِ (٩٠:١٦)

١. کذا در متن اصلی (؟).

ناشایستها ٦٤، گناه ۹۲، کردار زشت ۱۱۱

~: فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ (۲۱:۲٤)

کار زشت ۳، کارها زشت ۲٤، پلید کاری ۳۹، بد بهاء زشت ٤۱، کارهای ناشایست ٦٤، کستی ۷۲، زشتیها گفتن ۷۷، زشتها ۸۷، کارهاء بد ۱۱۳، کار بد ۱۳۳

~: إِنَّ الصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ (۲۹: ٤٥)

زشتیها ۲، زشتکاری ۳۸، پلیدی ۵۸، کار پلید ۱۱۹، بد بها ۱۲۱

كَالْفَخَّارِ: خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (۱٤:۵۵)

سخال ۱، سفال ۲، کلوزه ۲۹، جو سفال ۳۵، سفال پاره ۳۹، کوزه ٤۱، دَاش ٤۲، سفال ناپخته ٤۸، کوزگران ۵۱، داش ۵۲، سفال پخته ٦٤، سفالینه ٦٦، داشگر ۸۱، گِل سفال گر ۸۹، سفاله ۹۹، داش و سفال ۱۰۲، گل پخته ۱۰٤، سفال گر ۱۰٦، سفالو ۱۱۳، گل بآتش پخته ۱۱٦، کوزه گر ۱۱۷، سفار ۱۱۹، خزف ۱۲۲، زمین برخواسته چون تنور ۱۲٤

فَخُوراً: لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (٤: ۳٦)

خرامنده ۲، نازنده ۳، کش و نازنده او رای مست ۱۰، لاف زند ۲٤، لاف زن ۳۹، خرامنده ٤۲، نَازَنده ۵۵، بزرگ منش ٦۱، سرفرازنده ٦٤، نازمده ٦۷، نازیده ٦۹، لافو ۷۲، خواهنده نازنده ۷۵، نازش کننده ۷٦، بازنده خرامنده ۷۸، نازنده خرامنده ۹۸، خواهنده ۱۲۸، خود ستاینده ۱۳۱

فَخُورٌ: إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ (۱۱: ۱۰)

نازَنْده ۲، نازان ۳، نَازَانْ ۵۵، بزرگ ٦۱، نازآینده ۹۰، شادان نازان ۱۰۱، بسیار نازنده ۱۱٦

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۳۱: ۱۸)

نازنده ۲، مازنده ٤۲، نازش کننده ۱۰۳، نازش گر ۱۱۱

~: وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۵۷: ۲۳)

گشي کُننده ۲، نازکننده ٤۹، کشی کننده ۱۰۸

فِداءً: فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً (٤۷: ٤)

وازفرختن ۱، بازخریدن ۳، بازفروختن ۱٤، فروختن ۱۲٤

فِدْيَةٌ: فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ (۲: ۱۹٦)

بازخریدن ۸۰، بَدَل ۱۰٦

فَدَيْناهُ: وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ (۳۷: ۱۰۷)

بازخریدیم ۲

فُراتاً: وَأَسْقَيْنَاكُم مَّاءً فُرَاتًا (۷۷: ۲۷)

خوش ۱، آب خوش ۲، خوش گوارنده ٤۱، گوارنده ٤۲، خوشتر ٦۱، سرد و خوش ۷۹، خوش شیرین ۹۲، آب خوش گوار ۱۰٤، گوارنده ـ خوش ۱۰۹، شیرین و خوش مزه ۱۱۱، شیرین ۱۱٦، خوش گوار ۱۳۰، خوش و شیرین ۱۳۹

فُراتٌ: هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ (۲۵: ۵۳)

سخت خوش ۲، نیک خوش ۳، سرد و گوارنده ۲۹، گوارنده ٤۱، شیرین ٤۳، مزه دار ٤۷، گواران ٦۹، نیک ۷۲، سرد و خوش ۷۹، خوش مزه ۱۰۲، شیرینک ۱۰۸، شکننده ۱۰۹، خوشگوار ۱۲۰، گوارا ۱۲۱، تشنگی نشاننده ۱۲۳، خوش گوار ۱۳٦

~: هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ (۳۵: ۱۲)

خوش ۱، مزه ۲، تشنگی ۳، سخت خوش ۱۸، بمزه ۳۰، پاک ۳۹، خوش گوارنده ۸۰، تشنگی شکن ۱۰۹، خوش بگلو ۱۱۳، خوشگوارنده ۱۲۱، آب شکننده تشنگی ۱۲۲، بامزه ۱۲٤

فُرادَی: وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ (٦: ۹٤)

تنها کان ۱، یکان یکان ۲، تنها ۹، یک یک تِنها تهی و بَرَهنه مادَری زاد ۱۰، تنها یکان یکان ۲۷، تنها تنها ۳۹، یَکان یَکان ـ تَنهَا ۵۵، جدا جدا تنها ۵۸، جداجدا ۷٤، تنهاء

یگانه ۱۰٤، تنهایان ۱۱٤، تنها تنها و یکیک ۱۲۷

~: أَن تَقُومُواْ لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ (۳٤:٤٦)
تنهاگان ۱، تنها ۲۲، یک بیک ۲٤، یک یک ۲۹، تنهاگانه ۳٦، یکان ٤۱، تَنْها ۵۳، یکیک ۱۰۳ و ۱۱۱، یک یک ـ تنهاتنها ۱۰۹

ٱلْفِرَارُ: قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم (۳۳:۱٦)
گریختن ۲٤

فِرَارًا: لَوِ ٱطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا (۱۸:۱۸)
بگریختن ۱، گریز ٤۳، گریزان ۵۲، گُریزان ۵۷، رمنده ۱۱۵

~: وَمَا هِىَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (۳۳:۱۳)
گریختن ۱

~: فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَآءِىٓ إِلَّا فِرَارًا (۷۱:٦)
گریختن و رمیدن ۲، رمیدن و گریختن ۵۲ و ۱۰۵، رمیدن و گردیدن ۷۹

ٱلْفَرَاشِ: كَٱلْفَرَاشِ ٱلْمَبْثُوثِ (۱۰۱:٤)
چرا کشک ۲، پرنده ۲٤، پروانه ۳٦، پروانهٔ چراغ ۵۱ و ۵۲، پروانه‌ی چراغ ۱۰۵، پروانها ۱۱٦، ملخان ۱۲٦، پروانه یا ملخ ۱۳۰، ملخ ۱۳٦

فِرَاشًا: ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ فِرَٰشًا (۲:۲۲)
گسترده ۲، بسترگاه ٤، آرام گاه ۱۰، بِسْتَرْ ـ آرامْگاهْ ۵۵، گستَرده ٦۲، آرام گاه ٦۳، گسترش ۷۹، بستر ۸۰، گستردنی ۸٤، گسترده ـ آرام گاه ۸۸، بسترها ۹۱، بِستَرْگاه ۹٤، آرام جای ۹۸، بستر ـ آرامگاه ۱۰۹، بستر گسترده ۱۲۲

فِرَاقُ: قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيْنِى وَبَيْنِكَ (۱۸:۷۸)
جدایی ۱، جُدایی ۲

~: وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ وَظَنَّ أَنَّهُ ٱلْفِرَاقُ (۷۵:۲۸)
جُداشدن ۲، جداشدن ۳۰، جدائي ۳۹، جدائی ٤۳، جدای ٤۹، جُدَایی ۵۵، جداای ٦۰، جداکننده

۹۱

فَرَّتْ: كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنفِرَةٌ فَرَّتْ مِن قَسْوَرَةٍ (۷٤:۵۱)
بگریختند ۱، گریختند ۳، برمیده باشند ٦، گریخته ۱۹، بگریخته ۲٤، برمد ۲۹، گریخته باشند ۳۰، بگریخت ۳۸، بگریخته‌اند ٦٤، گریخت ۸۰، می گریزیدند ۸۷، گریخته‌اند ۸۸، می بگریزد ۹۲، بگریزد ۹٦، گریزند ۱۰۰، رمیده ۱۲٦، بگریزند ۱۳۲

فَرْثٍ: نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِى بُطُونِهِۦ مِنۢ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ (۱٦:٦٦)
سرگین ۱، سَرگینْ ۵۵

فُرِجَتْ: وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ فُرِجَتْ وَإِذَا ٱلْجِبَالُ نُسِفَتْ (۷۷:۹)
بشکاود ۱، بشکافند ۲، شکافته شود ۳، بشکافد ۱۹، بشکافته شود ۳۰، بگشایند ٤۳، گشاده کنند ۵٦، بازشکافد ٦٤، از هم فرو گشایند ۷٦، شکافد ۹۱، گشاده کرده شود ۹۹، گشاده شود ۱۰۹، شکافته وابرده شود ۱۱۳، شکافته گردد ۱۱٦، گشوده شود ۱۱۷، گشاده پاره‌پاره شود ۱۲۲، شکافتند ۱۳۹

فَرْجَهَا: وَٱلَّتِىٓ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا (۲۱:۹۱)
گریبان ۲، شکاف ۳، اندام ۲٤، خویشتن ۳٤، شرمگاه ۱۳۱

~: وَمَرْيَمَ ٱبْنَتَ عِمْرَٰنَ ٱلَّتِىٓ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا (٦٦:۱۲)
گریبان ۲، تن ۳٤، گِریبَان ۷۸، دامن ۱۱۱

فَرِحَ: فَرِحَ ٱلْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ (۹:۸۱)
رامشتی شدند ۱، شاد شدند ۳، شادی کردند ۱۱ و ۳۸، خرّم شدند ٤۲، شاد شُدَند ۵۵، شادمانه شدند ٦۱، شادند ٦٤، شادمانه گشتند ۱۰۵، شادکام شد ۱۰۹، شاد شدن ۱۲۷

~: إِذَآ أَذَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا (٤۲:٤۸)
رامشتی شهد ۱، شاد شود ۲، شاد شوند ۳، شادی ۳٤، شادمان شود ٤۱، شاد گردد ۸۱، شادی کند

۹۲، خوش شود ۱۱۱، خوش شوند ۱۲۳

فَرِحٌ: ذَهَبَ ٱلسَّيِّـَٔاتُ عَنِّيٓۚ إِنَّهُۥ لَفَرِحٌ فَخُورٌ (۱۱:۱۰)
رامشتی شداری ۱، شادی کننده ۲، شادمان ۳، شادان ۲٤، شادمانه ۲۹، شادی ۳٤، خوش ۳۹، شاد کننده ٤۲، شاد ۵۳، شادمان ۵۵، شادی کننده ۵۸، شاد شونده ٦۳، خُرّم ۷٦، بسیار شادمان ۱۱٦، خوشحال ۱۳٦

فَرِحُوا: حَتَّىٰٓ إِذَا فَرِحُواْ بِمَآ أُوتُوٓاْ أَخَذْنَٰهُم بَغْتَةً (٦:٤٤)
رامشتی شدند ۱، شادمان شُدنْد ۲، شاد شدند ۳، شاد گردیدند ۹، شادمانه گشتند ۱۰ مکرّر، شادمان گشتند ۲٦، شادمانه شدند ۲۹، شاد گشتند ٤٤، خرم شوند ۹٦

~: وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُواْ بِهَا (۱۰:۲۲)
رامشتی شند ۱، شاد شوند ۲، شاد شوَد ۵۵، خوش شوند ۱۱۸، شادی کردید ۱۱۹

~: وَفَرِحُواْ بِٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا (۱۳:۲٦)
شادی همی کنند ۲، شاد گردند ۳٤، شادمان می باشند ٤۱، شاد می شوند ٤۸، شادی همی کُنَند ۵۲، شادْ شُدَنْد ۵۳، خرم شدند ۵۷، شاده شده‌اند ٦٤، شادی می کردند ۸۸، شادی میکنند ۱۰۳، شادمان شده‌اند ۱۱۱، شاد میشوند ۱۱۸

~: وَإِذَآ أَذَقْنَا ٱلنَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُواْ بِهَا (۳۰:۳٦)
شاد کردند ۲، شادی کردند ۱٤، شادمان شوند ٤۱، شادمانه شوند ٤۲، شادی کنند ٤۷، شادشد شوند ٦۹

~: فَرِحُواْ بِمَا عِندَهُم مِّنَ ٱلْعِلْمِ (٤۰:۸۳)
شادی کردند ۲۲، شادمان شدند ٤۱، شادی گرَدَنْد ۵۳، شاد می بودند ۵۸، شاد شوید ۸۱، شاد نشستند ۱۰۳، خوش نود شدند ۱۳٦

فَرِحُونَ: وَيَتَوَلَّواْ وَّهُمْ فَرِحُونَ (۹:۵۰)
شادمانان ۳، شادی مَی کُنند ۱۰، شاد باشند ۲۹، شادان می شوند ۳٦، شادی کنان ۳۸، شادمان ۵۵، شادمان باشند ۸۸، شادان باشند ۱۱۳، شادمان می باشند ۱۲٤

~: كُلُّ حِزْبٍۭ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۲۳:۵۳)
رامشتی شداران ۱، شادان ۳، شادمانه ۲۹، شادمانه شوند ٤۳، شادانْ ۵۳، شادانه ۵٦، شاد همی باشد ٦۱، شادمانه گان ۷۲، شادی کنند ۱۰۵، شادماند گان ۱۳۹

~: كُلُّ حِزْبٍۭ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۳۰:۳۲)
شاد همی باشند ۲، شادمان ۳، شادمانگان ٤٦، شاد ۷٦، شادی کنند گان ۱۱۹، شادمانند ۱۲٦

فَرِحِينَ: فَرِحِينَ بِمَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ (۳:۱۷۰)
رامشتی شداران ۱، شادَمانانْ ۲، شادمانان ۳، شادان ۱۰، شادمانگان ۲۷، شادمان ۲۹، شاد می باشند ۵۳، شادمانان ۵۵، شادمانه ٦۱، شادی همی کنند ٦۲، شادمانند ٦٤، شادمانگانند ٦۹، شادی کنند ۷۲، شادمان هستند ۷٤، شاد همی باشند ۸۸، شادان ۱۰۰، خرمند ۱۱۸

~: لَا تَفْرَحْ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْفَرِحِينَ (۲۸:۷٦)
هنبارده کناران ۱، شادی کنندگان ۲، دنه گیرند گان ۲۱، دنه گرفتگان ٤۷، شادی کُنانْ ۵۳، انبارد گان ٦۱، انبازد گان[1] ٦۹، شادانان ۷٤، شاد ۷٦، شادگان ۸۷، شادشوندگان ۸۹، شادی کنان ۹٤، شادمانکار ۱۰۵، شاد کنند گان ۱۲٤

فَرْدًا: وَنَرِثُهُۥ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا (۱۹:۸۰)
تنها ۱، تنها ۲، تنها گانه ۹۲، تنهایی ۱۱۱، یگانه ۱۲۱

~: وَكُلُّهُمْ ءَاتِيهِ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فَرْدًا (۱۹:۹۵)

---

۱. املای دیگری است از «انبارد گان» که در قدیم به هر دو صورت وجود داشته است.

تَنْها ۵۳، تنها بی یار ۱۰۶

~: رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْوَٰرِثِينَ (۲۱: ۸۹)
بی فرزند ۸۶، تنها و بی کس ۱۰۰، جدا ۱۲۱

ٱلْفِرْدَوْسِ: كَانَتْ لَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلْفِرْدَوْسِ نُزُلًا (۱۸: ۱۰۷)
بهشت ۲، پردرخت ۳۸، پاکیزه ۶۳، جاودانه ۶۵، آراسته ۱۲۱، برتر ۱۳۲

~: ٱلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ (۲۳: ۱۱)
بهشت بسیار درخت ۳، بستان برین ۵۸، بهشت پردرخت ۸۸، بهشت برین ۹۵، بهشت برترین ۱۰۹، بهشت بهتر و بلنتر ۱۱۳

فَرَرْتُ: فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ (۲۶: ۲۱)
بگریختم ۱، گریختم ۳، بگُریختَمْ ۵۳، بگُریختیم ۱۳۹

فَرَرْتُمْ: قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم (۳۳: ۱۶)
بگریزید ۱، گریزیت ۳، بگریختنند ۱۴، بگریزیت ۳۰، بگریختید ۳۴

فَرْشًا: وَمِنَ ٱلْأَنْعَٰمِ حَمُولَةً وَفَرْشًا (۶: ۱۴۲)
خوردان ۱، شتران خرد ۳، اشتران کوچَک او گوسَپندان ۱۰، بارنابرندگان ۱۰ مکرّر، ناباربردارندگان ۲۷، ستوران خورد ۳۹، برنشستن ۴۱، نه باربرندگان ۴۲ و ۱۰۵، جامه ۵۳، شُتُرانِ خُرْد ۵۵، نه بارکش چون گوسپندان ۵۶، گسترده ۶۱، آنچ خورند و برنشینند ۶۲، شتران خورد ۶۳، اشتران خرد و گوسفندان ۶۷، ببار نیامده ۷۴، شاید خورد ۷۶، خرد ۷۸، [بار]نابرندگان ۸۸، اسبان ۹۰، نابردارندگان ۹۴، گوسفندان ۹۵، بستر ۹۹، خوردنی ۱۰۲، گوسفند ۱۰۳، گوسبندان ۱۱۰، شتر خرد کشتن ۱۱۲، خورد ۱۱۵، ناباربردار ۱۲۴

فُرُش: مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ فُرُشٍۭ بَطَآئِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ (۵۵: ۵۴)
گستَرها ۱، بسترها ۲، بَستَرها ۵۱، زیلوها ۵۲، بسترهاء ۸۷، گستردنیها ۸۸، گسترانیها ۱۰۸، زیلو ۱۲۵

~: وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ إِنَّآ أَنشَأْنَٰهُنَّ إِنشَآءً (۵۶: ۳۴)
جامها ۲، گسترشها ۳۰ و ۱۰۸، بپستر ۳۵، افکندنیها ۶۵، زنان ۱۳۴

فَرَشْنَاهَا: وَٱلْأَرْضَ فَرَشْنَٰهَا فَنِعْمَ ٱلْمَٰهِدُونَ (۵۱: ۴۸)
بگستردیم ۱ و ۸۹، گستریدیم ۳، بگسترانیدیم ۲۴ و ۹۰، بگسترده‌ایم ۳۶، بازگستردیم ۴۹، بکردیم ۵۶، بگسترانیم ۶۴، گستردیم ۸۰، برافراشتیم ۱۱۷، گسترده‌ایم ۱۲۰، گسترانیدیم ۱۳۲

فَرَضَ: فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلْحَجَّ فَلَا رَفَثَ (۲: ۱۹۷)
بریده کند ۳، اندازه کرد ۱۰۹

~: إِنَّ ٱلَّذِى فَرَضَ عَلَيْكَ ٱلْقُرْءَانَ لَرَآدُّكَ (۲۸: ۸۵)
فرود کرد ۱، وارد شد ۲۱، فرو فرستاد ۲۹، بداد ۴۶، فرستاد ۵۳، بریده کرد و فرستاد ۷۲، فرستاده است ۸۸، فرو فریستاد ۱۲۸، بفرستاد ۱۳۹

~: مَّا كَانَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ ٱللَّهُ لَهُۥ (۳۳: ۳۸)
پیدا کرد ۳، فرمود ۳۹، پدید کرد ۴۲، پَدیدْ گَردْ ۵۳، بازبرید ۱۰۰

~: قَدْ فَرَضَ ٱللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَٰنِكُمْ وَٱللَّهُ مَوْلَىٰكُمْ (۶۶: ۲)
پدیدار کرد ۲۴

فَرَضْتُمْ: لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ (۲: ۲۳۷)
نامزد کردید ۱، کاوین کردید ۱، بُریده باشید ۲، پیدا کردیت ۳، پدید کرده باشید ۱۰، نام برده باشید ۲۴، نام‌زده کرده‌اید ۳۹، بُریدَه باشِید ۴۲، بریده دهید ۴۳، بریده باشید، بریدید ۵۲، اندازه کردید ۵۷، باندازه کرده باشید ۵۷، بریده کردید ۶۱، بازبریده باشید ۶۳ و ۱۲۱ و ۱۳۸، کابین دهید ۶۹، پیدا کرده باشید ۷۵، بریده‌اید ۸۴، پدید کرده‌اید ۹۰، پیدا کردید ۹۰، بریده آید ۹۴، کابین بستید ۹۹، کاوین کرده‌اید ۱۲۴، بریده‌اید ۱۲۷، کابین کرده باشید ۱۳۶

فَرَضْنَا: قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ (۳۳: ۵۰)

بازبریدیم ۱۳۸

فَرَضْنَاهَا: سُورَةٌ أَنزَلْنَٰهَا وَفَرَضْنَٰهَا وَأَنزَلْنَا فِيهَآ (۲٤:۱)
پیدا کردیم ۳، پیدا بکردیم ۲٤، پدید کردیم ٦۹، پیدا و روشن کردیم ۱۰۹، فرمودیم ۱۱۷، روشن کردیم ما ۱۳۸

فُرُطًا: وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ أَمْرُهُۥ فُرُطًا (۱۸:۲۸)
زیان آمده ٤۱، پشیمانی ۵۲، گزافْ ۵۳، باد شده ۵۸، بیهوده ٦۳، از اندازه گذشته ۸٤، گزاف ۸۸، گذشته ۱۱۳، پشیمان ۱۱٤، درگذشته ۱۱٦، تباه ۱۲۳

فَرَّطْتُ: تَقُولَ نَفْسٌ يَٰحَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ (۳۹:۵٦)
بارخواری کردم[1] ۱، سُسْتی کردم ۲، دست بداشتیم ۲٤، سستی کردیم ۳۰، سستی کردم ٤۱

فَرَّطْتُمْ: وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطتُمْ فِى يُوسُفَ (۱۲:۸۰)
بارخواری کردید ۱، سُستی کردی ۲، سستی کردید ۵۲، کردید ۵٦، سستی کردیت ۸۳، گذاشتید ۹۰

فَرَّطْنَا: قَالُوا۟ يَٰحَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا (٦:۳۱)
بارخواری کردیم ۱، سُسْتی کردیم ۲، اندر گذشت از ما ۹، بگذاشتیم ۳۹، سُستی کردیم ٤۲، بُگذاشتیم ما ٦۱، فروگذاشتیم ما ۸۰، ما سُستی کردیم ۹٦، بگذاشتیم ما ۹۹، سستی کردیم ما ۱۰۲

~: مَّا فَرَّطْنَا فِى ٱلْكِتَٰبِ مِن شَىْءٍ (٦:۳۸)
فروگذاشتیم ۳، گذاشته ایم ۳٦، دست بازداشتیم ۵۳، گذاشتیم ۵٦

★ مَافَرَّطْنَا: مَّا فَرَّطْنَا فِى ٱلْكِتَٰبِ مِن شَىْءٍ (٦:۳۸)
بارخواری نکردیم ۱، سُسْتی نکردیم ۲، بازنداشتم دست ۹، فرو نگذاشتیم ۲٤، سستی نکردیم ۲٦، دست بازنداشتیم ۲۷، نفروگذاشتیم ٤۱، فرُو نگذاشتیم ۵۵، دست باز نداشتیم ما ۵۷، نگذاشتیم ٦۰، فرو نگذاشته ایم ٦۲، فرو نگذاشتیم ما ٦۹، نکردیم سستی ۸۲، ما نگذاشتیم ۹٦

فَرْعُهَا: أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِى ٱلسَّمَآءِ (۱٤:۲٤)
شاخ ۱، شاخها ۳، شاخها ۵۵، سر ۵۸، شاخهاء ۱۰۳، شاخ درخت ۱۰٦

فِرْعَوْنَ: وَإِذْ نَجَّيْنَٰكُم مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ (۲:٤۹)
ناگرویده ۵۵

~: وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَٰنَهُۥٓ (٤۰:۲۸)
آن ناگرویده ۳

فَرَغْتَ: فَإِذَا فَرَغْتَ فَٱنصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرْغَب (۹٤:۷)
بپردازی ۲ و ۹٦، پردازی ۳۹، بپرداختی ۹۰، پرداختی ۹۱

فَرْقًا: وَٱلنَّٰشِرَٰتِ نَشْرًا فَٱلْفَٰرِقَٰتِ فَرْقًا (۷۷:٤)
جدا کردن ۱

فِرْقٍ: فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَٱلطَّوْدِ ٱلْعَظِيمِ (۲٦:٦۳)
پاره ی ۱، پاره ۲، نیمه ۲۹، راه ۳۹، که و بازه ٤۱، گروه ٤۳ و ۵۸، پاری ٤٦، شکاف ۵۲، پارّه ۵۳، پاره جدا شده از هم ۱۰۳، بارّه ۱۱۹، پارهٔ ۱۲٤، شکافتن ۱۳۹

ٱلْفُرْقَانَ: وَإِذْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْفُرْقَانَ (۲:۵۳)
جُدایی ۲، جداکننده ۳، شکافتن دریا ۳٦، پیداکننده ۹۱، شکافتن ۱۰۱، گشادن و جداکردن ۱۲۷

~: وَبَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْهُدَىٰ وَٱلْفُرْقَانِ (۲:۱۸۵)
جداکردن ٤۱، جُداکُننده ۵۵، پیدا کردن ۵٦، جدای افکننده ۱۳۰

~: وَأَنزَلَ ٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ ... وَأَنزَلَ ٱلْفُرْقَانَ (۳:۳)
جداکننده ۲، نُبِی ۵۵، نبی جداکننده ۸۳، نُبی

---

۱. بارخواری کردم: سستی کردم.

۱۰۵، نبی ـ جداکننده ۱۰۷، نوی ۱۱٤

~: وَمَآ أَنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ ٱلْفُرْقَانِ (۸: ٤۱)
جدایی ٤۱، بدر ۱۱۲، جدائی ۱۲۱

~: وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ٱلْفُرْقَانَ (۲۱: ٤۸)
گشاد دریا ۵۸

فُرْقَانًا: إِن تَتَّقُواْ ٱللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا (۸: ۲۹)
بیرون شد ۱، جُدایی ۲، رستن از سختیها ٤۹، جدایی ۸٤ و ۱۲۵، جداکننده ۱۱٤

فَرَّقْتَ: إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ (۲۰: ۹٤)
جدا کردی ۱، جُدایی افکندی ۲، جدایی افکنی ۳، بپراکندی ۲٤ و ۷۲، جدایی افکندی ۲۹، جدائی افکندی ۳٦، پراکنده کردی ۳۹، جدایی کردی ٤۱، جداکن ٤۳، دو گروهی افکندی ۵۳، بَپَراکندی ۵٦، برپراکندی ۵۸، جدا افکندی ٦۱، پراکندی ۷٤، جدایی کردی ۸۸، جدایی انداختی ۹٤، جدائی انداختی ۱۱٦، جدای افکندی ۱۳۰

فِرْقَةٍ: فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ (۹: ۱۲۲)
گره ۱، گروه ۲۹

فَرَقْنَا: وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ ٱلْبَحْرَ فَأَنجَيْنَٰكُمْ (۲: ۵۰)
بشکافتیم ۲، جدا کردیم ٤، بَدْوازده بُکردیم ۱۰، شکافتیم ۲٤، بشکافانید ۲۹، بشکافتیم ۳٦، بشگافِتیم ٤۲، شِگافِتیمْ ۵۵، جدا کردیم و بشکافتیم ۵۷، جدا گردانیدیم ۸٤، جدا باز کردیم ما ۸۹، بشکافتیم ما ۹۰، بگشادیم ما ۹۹، باز کردیم ۱۰۱، بشکافانیدیم ۱۰۲، جدا گردانیم ۱۰٤، ما شکافتیم ۱۲۷، جدا کردیم و شکافتیم ۱۳٦

فَرَقْنَاهُ: وَقُرْءَانًا فَرَقْنَٰهُ لِتَقْرَأَهُۥ عَلَى ٱلنَّاسِ (۱۷: ۱۰٦)
پیدا کردیم ۳، جدا بکردیم ۲۹، بپراکندیم ٤۲، پراکنده گردانیم ۵۲، پَیدا گَرْدِیم ۵۵، پراکنده کنیم ۷٦، پراکنده فرو فرستادیم ۹۳، هویدا کردیم ما ۱۰۰، پس گردانیدیم ۱۱۳، پراکنده فرستادیم ۱۲۲، پراکنده کردیم ۱۳۰

فَرَّقُوا: إِنَّ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمْ وَكَانُواْ شِيَعًا (٦: ۱۵۹)
پراکنده کردند ۲، جدا شدند ۱۰، پراکنده گردانیدند ۱۰ مکرّر، جدایی کردند ۲۹، پراکنده بکردند ۳٤، جدا گشتند ٤۲، جدا گشتند ٤٤، پَراکنده گردَند ۵۵، بپراکندند و یله کردند ۵۸، بگذاشتند ٦۳، جدا شوند ۷٦، جدایی جستند ۸۲، جِدَا روَنْد ۹٤، پاره پاره کردند ۱۰۷، جدا گردانیدند ۱۱۲، جدا واکردند ۱۱٤، پراکنده کرده‌اند ۱۲۲

~: وَلَا تَكُونُواْ ... مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمْ (۳۰: ۳۲)
بپراکندند ۱، پراکنده کردند ۲، دست بازداشتند ۲٤، پراکنده گشتند ۳۰، جدا کردند ۳۸، جدایی کردند ٤۱، برگردیدند ٦۲، یله کردند ٦۵، جُدا شدند ۷٦، دور شدند ۹۰، پراکنده ساختند ۱۱۱، پراکنده شوند ۱۱۹

فَفِرُّوا: فَفِرُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۵۱: ۵۰)
بگریزید ۱ و ۲٤، بشتاب بیایید ۲، بگریزیت ۳۰، بُگریْزید ۵۱، گریزیت ۸۰، پناه برید ۸٦، درگریزید ۱۰۰، گریزید ۱۰٦، بازگردید ۱۲٤، گریختند ۱۳٦، بازائید ۱۳۸

فُرُوج: كَيْفَ بَنَيْنَٰهَا وَزَيَّنَّٰهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٍ (۵۰: ٦)
شکافتها ۱، شکاف ۲، رخنه ۲٤، شکافها ۳٤، شِکاف ۵۳، شکاف و درز ٦۷، سوراخ ۱۱۱، شکاف و سوراخ ۱۳٦

فُرُوجِهِمْ: وَٱلَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَٰفِظُونَ (۲۳: ۵)
اندامها ۲

~: يَغُضُّواْ مِنْ أَبْصَٰرِهِمْ وَيَحْفَظُواْ فُرُوجَهُمْ (۲٤: ۳۰)
اندامهای پیش ۱۰۹، از ناف تا زانو ۱۳۱

~: وَٱلْحَٰفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَٱلْحَٰفِظَٰتِ (۳۳: ۳۵)

شرمها ۵۸، شرمگاه ٦٤، شرمگاهها ۱۱۵

~: وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۷۰: ۲۹)
شکافها ۳، اندامان ٦، اندام نهانی ٦۷، اندامهاء نهانی ۹۱، اندامهای نهانی ۱۳۳

فُرُوجَهُنَّ: وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ (۲٤: ۳۱)
اندامها ۲، شکافها ۳، شرم جایها ۵۸، شرمها ۷۸، شرم جای ۸۷، تنها ۱۲٤

فَرِيًّا: يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا (۱۹: ۲۷)
بزرگ ۱، بُزرگ زشت ۲، ناپسندیده ٤٤، سخت زشت ٤۸، شگفت ۵۲، شگفت و بزرگ ۵۸، شگفت بزرگ ۷٤، زشت ۹٤، نزدیک[1] ۱۰۲، بزرگ زشت شگفت ۱۰۸، عجیب ۱۱٦، بزرگ و نیکو ۱۲۸

فَرِيضَةً: مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً (۲: ۲۳٦)
کاوین ٤۲، بریدن ۸۲، بریدن ـ کابین ۸٤

~: وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً (۲: ۲۳۷)
کاوین ۱، بریده ۳، مهر ۳٦، بُریدن ٤۲، کاوین نام زده ٦۳، اندازه کردن ۹۲، پیدا کردن ۱۱٤، بریدن کابین ۱۲۷

~: نَفْعًا فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ (٤: ۱۱)
پیدا کرده ۳، بریده کرده ۲۷، فرمان ۱۰۳

~: فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً (٤: ۲٤)
پدید کرده ۲، نام برده ۲٤، کابین ۲۷، پدید کرده ٤۲، بازبریده ٦۳، پدید کردن ٦۹، پدید کرد ـ کابین ۹٤، مَهر ۱۰٤، پدید کرده ـ کاوین ۱۰۵، بازبریدن ۱۰٦، کرده کابین ۱۲۷

~: فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۹: ٦۰)
فرموده ۳، بشخش[2] ۱۰، فَرمُوده ۵۵، بریده کردن ٦۱

فَرِيقًا: وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ (۲: ۸۵)
گروه ۱۰

~: لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ (۲: ۱۸۸)
پاره ۳، برخی ۱۰، برخ ٤۰، بَهر ٤۲، پارَه ۵۷، چیز ٦۱، گوشهٔ ٦٤، لختی ۹۰، بهره ۹۲، پارهٔ ۱۱٦

~: وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ (۳: ۷۸)
گروه اند ک ۲۵

~: فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ (۵: ۷۰)
گره ۱، گروه ۲، گرُوه ۲۷

~: وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ (۸: ۵)
گروهه ۱۱۳

فَرِيقٌ: وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ (۲: ۷۵)
گَروه ۱۰، گُرُوه ۵۵

~: إِذَا فَرِيقٌ مِنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (۱٦: ۵٤)
گروهه ۱۱۳، پارهٔ ۱۳۵

~: إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي (۲۳: ۱۰۹)
گره ۱، گروه ۲، گرُوهْ ۵۳

فَرِيقَانِ: فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ (۲۷: ٤۵)
دو گره ۱، دو گروه ۲، دو گروه ۹٦، دو گروهان ۹۹

اَلْفَرِيقَيْنِ: فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ (٦: ۸۱)
دو گره ۱، دُو گرُوه ۲، دو گروه ۹٦

اَلْفَزَعُ: لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ (۲۱: ۱۰۳)
بیم ۲، بانگ ٤۱، ترسیدن ۵۲

---

۱. اگر تحریفی از «بزرگ» نباشد، قابل تأمّل است.
۲. بشخش / بخشش.

~: وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ ءَامِنُونَ (٢٧:٨٩)
ترس ١، بی بیمان ٤٧، هراس و ترس ١٠٩

فَزِعَ: فَفَزِعَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلْأَرْضِ (٢٧:٨٧)
ترسد ١، بترسد ٢٤، بیم افتد ٣٠، بترسند ٤٦، بهراسند ٤٧، بمیرند ٥٣، ترسان ٧٦، بهراسد - بترسد ١٠٩

~: إِذْ دَخَلُوا۟ عَلَىٰ دَاوُۥدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ (٣٨:٢٢)
بترسید ١، ترسید ٥٣، ترسید و هراسید ١٠٩

فُزِّعَ: حَتَّىٰٓ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا۟ (٣٤:٢٣)
ترس برده شهد ١، گشاده شود ٢، برده شود ٣، بردارند ترس ١٨، بردارد بیم ٢٤، ترس ببرند ٢٩، گشاده شود ٣٠، اندوه بشود ٣٩، برداشت ترس از دلها ٤١، بازبرداشته شود ترس ٥٦، دور کرده شود ٦٩، ترس برده شود ٧٤، وابرده شود ترس ٧٩، ترسیده شد ٨٧، ببردند ترس ٨٨، برود ترس ١٠٠، بترسانند ١٠٥، وابرد ترس ١٠٦، سبک کرده شود بازبرده شود ١٠٩، وابرده شود ١١٣، ترس برداشته شود ١٢٠، دور کنند ترس ١٢٦

فَزِعُوا: وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ فَزِعُوا۟ فَلَا فَوْتَ (٣٤:٥١)
بترسند ١، بترسید ٢، ترسند ١٨، ترسند ٤٢، بترسیدند ٦١، ترسیده باشند ٨٦، ترسان شوند ١٠٣، ترسید ١٠٥

ٱلْفَسَادُ: وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلْفَسَادَ (٢:٢٠٥)
تباه کاری ٢، بی سامان کاری ١٠، بی سامانی ٤٠، کار بد ٤١، تباه کاری ٤٢، تباهی کنند گان ١٣٨

~: مَن قَتَلَ نَفْسًۢا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي ٱلْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ ٱلنَّاسَ جَمِيعًا (٥:٣٢)
توهی ١، تباهی کردن ٥٥

~: تَكُن فِتْنَةٌ فِي ٱلْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ (٨:٧٣)
تباهی ٥٥، تباهی ١٠٠

~: أُو۟لُوا۟ بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْفَسَادِ فِي ٱلْأَرْضِ (١١:١١٦)
تباه کردن ٩٢

~: وَلَا تَبْغِ ٱلْفَسَادَ فِي ٱلْأَرْضِ (٢٨:٧٧)
تباه کاری ٢، تباهی کردن ٣، تباهی و بیداد ١١١

~: ظَهَرَ ٱلْفَسَادُ فِي ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ (٣٠:٤١)
تباهکاری ٩٢

~: إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَن يُظْهِرَ فِي ٱلْأَرْضِ ٱلْفَسَادَ (٤٠:٢٦)
تباهی ٣، کارهای تباه ٤١، تباهی ١٠٠

~: ٱلَّذِينَ طَغَوْا۟ فِي ٱلْبِلَٰدِ فَأَكْثَرُوا۟ فِيهَا ٱلْفَسَادَ (٨٩:١٢)
نابکاری ٦٤، بدی ١٣٦

فَسَادًا: وَيَسْعَوْنَ فِي ٱلْأَرْضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُوٓا۟ (٥:٣٣)
تباه کاری ٢، تباه کاری کردن ٤٥، تباهی و راه زدن ٥٨، تبهکاری کردن ١١٢

~: وَيَسْعَوْنَ فِي ٱلْأَرْضِ فَسَادًا (٥:٦٤)
توهی ١، بی سامانی ٢٧، تباهی ٣٦، تباه کاران ٥٢، تباهی ٥٣، تباهی کردن ٦٣، تباهکاری ٩٠

لَفَسَدَتِ: لَفَسَدَتِ ٱلْأَرْضُ (٢:٢٥١)
تباه گشتی - ویران شدی ٢، تباه شدی ١٠، تباه گشتی ٢٩، ویران گشتی ٤٢، تباه شدستی ٥٥، تباه شدستی ٦٤، تباهی کند ٦٩، تبه گشتی ٧٢، ویران گشتی ٧٦، تباهی یافتی ١٠٠، تباهی بودی ١٠٤، سیاه شدی ١٠٦، تباه گشت ١٢١، تباه گشتن ویران گشتی ١٢٧، تباه می شدی ١٣٥

~: لَفَسَدَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلْأَرْضُ (٢٣:٧١)
توه شدی ١، تباه شدی ٢٤، تباه ببودی ٣٠، تباه شوند ٣٩، تباه شود ٥٣، تباه گشتندی ٦١، تباه شدندی ٨٩ و ١٠٠، نیست شدی ١٠٣، تباه شدند ١٠٦

لَفَسَدَتَا: لَوْ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَا ([illegible])
توه شدندی ١، تباه شدندی هر دو ٢ و ١٣٩، تباه

شدندی ۳، تباه کاری کنند ۱۲، تباه شدی ۲٤، تباه شدی هر دو ۳۹، تباه بودی ۵۲، تباهْ گشتی ۵۳، ناچیز شدندی ۵٦، ویران شدندی ٦۷، تباهی یافتندی ۱۰۰، هرآینه تباه شدی ۱۱۱، تباه شوند ۱۲۱، تباه شدند ۱۳۲، تباه شدندي ۱۳۸

فَسَقَ: كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ (۱۸: ۵۰)
نافرمان شد ۱، بیرون آمد ۲٤، بیرون شد ۲۹، بی فرمانی کرد ٤۱، نافرمانی کرد ٤۳، بیرون آمد از فرمان ٤۹، بیرُون آمَدْ ۵۳، بُرُون آمد ۵۵، بی فرمان بیرون شد ۵۸، بیرون آمَد ٦۱، بی فرمان شد ۷٤، بیرون گذشت ۷۹، بیرون رفت ۱۱۱

فِسْقًا: فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ (٦: ۱٤۵)
بی فرمانی ۲، کُشتن ۱۰، چیز از فرمان بیرون ۲۷، تباهی ٤۱، تباه ۵۳، بُرُون آمَدِن اَز فرمان ۵۵، نافرمانی ۵٦، از فرمان بیرون شدن ۵۷، بزه ٦۱، نافرمانی ۸۹ بیرون آمدن از فرمان ۹۱، بیفرمانی ۱۱۲، از فرمان بیرون ۱۲٤، چیزی از فرمان بیرون ۱۲۷

فِسْقٌ: وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ (۵: ۳)
بی فرمانی ۲، بیرون آمدن از فرمان ۳، تباهی ۳٦، بی فرمَانی ٤۲، پلید ۵۳، برُون آمَدن اَز فَرمَان ۵۵، از فرمان بیرون شدن ۵۷، بزه کاری ٦۱، بیرون گذشتن از فرمان ۹۸، تباه ۱۰۷، بیرون رفتن از فرمان ۱۱۱، نافرمان ۱۳۸

~: وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ (٦: ۱۲۱)
بي فرمانی ۲، نافرمانی ۳۹، گناه ٤۱، بیرون آمدن از فرمان خدا ٤٤، ناشایست ٦٤، بیفرمانی ٦۷، بیرون فرمان خدا ۷٦، بیرون گذشتن از فرمان خدای تعالی ۷۹، بیرون شدن، بیرون از فرمان ۸۲، تباه کاری ۸٤، بیرون رفتن از فرمان خدا ۱۱٦، بیرون رفتن ۱۲۰، نافرمانبرداری ۱۲۲

فَسَقُوا: حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا (۱۰: ۳۳)
بیرون آمدند از فرمان ۳، آشکارامَی ستیزه کنَند و فُرمان خدای و پیغَامبَر نه برند ۱۰، بیرون آمدند از فرمان خدای ۲۷، نابسامانان شدند ۲۹، تباه کاری کردند ٤۱، بی فرمانی کردَند ٤۲، بیرون گذشتند از فرمان ۷۹، بدرای شدند ۹۱، بیرون رفته‌اند از فرمان ۱۱۱، تباه کار شدند ۱۱۲

~: فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ (۱۷: ۱٦)
بي فرمانی کنند ۲، نابسامانی کردند ۲۹، تباه کاری کنند ۳۸، تباهی کردند ٤۱، بی فرمَانی کنند ۵۵، بیرون آیند از فرمان خدای ۵٦، از فرمان بیرون شُدند ۵۷، بدمردی کنند ۵۹، بی فرمان شدند ٦۱، نافرمانی کنند ٦۳، بیفرمانی کنند ۹٦، بیرون روند از فرمان ۱۱۱، تباهی ورزند ۱۲۳

~: وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ (۳۲: ۲۰)
بی فرمانی کردند ۲ و ۳، نافرمانی کردند ۵٦، بیرون شدند از فرمان ۱۰۲، بیرون رفتند از فرمان ۱۱۱، بیرون گذشتند از فرمان خدا ۱۱۳، بیفرمانی کردند ۱۱٤

اَلْفُسُوقُ: وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ (۲: ۱۹۷)
سخُن ناخُوب و بی فرمانی ۲، از فرمان بیرون آمدن ۳، از فرمان برون آمدن ۳۰، دشنام ٤۰، نابکاری کردن ٤۱، سَخُن ناخُوب ٤۲، بیرون آمدن از فرمان خدای ٤۹، سخن ناخوب ۵۲، از فَرمَان بیرُون آمَدَن ۵۵، کار ناشایست کردن ٦٤، ناخوب ۸۲، بی سانمانی ۸۹، زشتکاری ۱۰۲، تباهی کردن ۱۲٤

~: وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ (۲: ۲۸۲)
بي فرمانی ۲، بی فرمان ۳ و ۲۸، نافرمانی کردن ۲۷، بی فرماني ٤۲، بي فَرمَانِی ۵۵، بیرون شد ٦۲، گناه ۷٤، بزه ۹۰، بیرون گذشتن از فرمان ۹۸

~: وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ (۴۹: ۷)
بیرو آمدن از فرمان ۳، تباهی ۱٤، بی سامانی ۲۹، تباه کاری ۳۸، تباه کاری و بی فرمانی ۳۹، نافرمانی ٤۳، بی فرمانی ۵۳، ناسپاسی کردن ٦۹، تباه کاران ۸۱، بد کرداری ۹۰، بیفرمانی ۹۹، بیرون رفته از راه راست ۱۰۳، بیفرمانی کردن ۱۱٤، بیرون شدن از فرمان ۱۲۲، بد کاران ۱۳٦

فَشِلْتُمْ: حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ (۳: ۱۵۲)
بَددِلْ گشتید ۲، بددل شدیت ۳، بددلی کردَی ۱۰، بددل گردید ۲٤، بددلی کردید ۲۷، بدل[1] شدید ۳۹، بددل گَشتید ٤۲، بد بدل شدند ۵۳، بی دِلْ شُدِیت ۵۵، بددل شدی ۵۷، گردید ۷۵، بددلی کردند ۹۰، بددل شدید ۱۰۰، سُست شدید ۱۰۱، سستی کردید ۱۳۵

~: وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ (۸: ٤۳)
بددل شدید ۱، بددلی کردیت ۳، بددل گردیَدی ۱۰، بددل شدیدی ۲۷ و ۹۳، بددلی کردیتی ۳۰، بزدل شدید ۳٦، بددل شدیتی ٤۱، بددلی کنید ٤۳، بددل گشتی ۵۲، شما را بددلی آورد ۵۳، بَدْدِلی گَرْدِیتی ۵۵، بترسید تانی ۵۷، شما بددل شدیدی ٦۲، بددل شدندی ٦٤، بددل شدتانی ۷۹، بددلی کردیی ۸۰، بددل گشتیدی ۹٤، بددل می شدید ۱۰۰، بددل میشدید ۱۱۱، بزدل گردید ۱۲۱، بددل می گشتید ۱۲٤، بددل میشدند ۱۲٦

فِصَالًا: فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ (۲: ۲۳۳)
از شیرواز کردن ۱، شیر باز کردن ۲، جدایی ۲۷، از شیر باز کردن ۲۹، از شیر باز گرفتن ۳٤، آز شیر بازگردَن ٤۲، شِیر بَاز گردَن ۵۵، جدا کردن ٦۱، از شیر واکردن ٦۳، شیر باز کردن فرزند ٦٤، شیر واکردن ٦۵، از شیر بازخریدن ٦۹، از شیر گرفتن ۷٦، شیر باز کردن ۸۰، از شیر بازدارند ۱۰٤، جدا کردن فرزند از شیر ۱۱٦ و ۱۲۳، باز گرفتن از شیر ۱۲۲، شیر باز گرفتن ۱۲۹

فِصَالُهُ: وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي (۳۱: ۱٤)
از شیرواز کردن ۱، شیر باز کردن ۱٤، از شیر باز کردن ۲٤، شیر گرفتن ۳۸، باز کردن شیر ۳۹، شیردَادَن ۵۳، از شیر باز کرد ۵۸، باز کردن ٦۷، از شیر بآز گرفتن ۱۰۰، باز گرفتن از شیر ۱۱۱

~: وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا (٤٦: ۱۵)
شیر باز کردن ۲، شیر باز کردن ۳، شیر باز گرفتن ۲۲، از شیر باز گرفتن ۲٤، جدا گردانیدن ۳٤، باز کردن از شیر ۳٦، شیر باز کرد ٦۱، از شیر باز کرد ۸۰، جدایگی ۹۹، جدا کردن از شیر ۱۰۲، زمان شیر باز کردن ۱۲۳، از شیر گرفتن ۱۲٤، از شیر جدا کردن ۱۳۳، جدا شدن ۱۳٦

فَصَلَ: فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ (۲: ۲٤۹)
بُبُرِدْ ۲، برفت ۳، بَیرون آوُرد ۱۰، بیرون شد ۲٤، بیرون آورد ۲۷، ببرد ۲۹، بیرون آمد ۳۰، جدا شد ٤۱، ببَرد ٤۲، رَفْت ۵۵، بیرون آمد ٦۰، جدا کند ٦۱، برون آرد ٦۳، جدا شود ٦٤، بیرون برد ۸۸، جدا کرد ۹۰، ببرید ۱۰۲، جدا گشت ۱۱٤، برداشت ۱۳۰

الْفَصْلُ: هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۳۷: ۲۱)
داوری ۱، دَاوری ۲۲، جداشدن ٤۳، جدایگی ۹۹

~: وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ (۳۸: ۲۰)
گزارش ٤۲، بازگزیدن سخن ۷۹، گذارش ۱۰۵، گذاردن ۱۰۸، باز گردانیدن ۱۱۳، داوری کردن و سخن گفتن ۱۲٤، جداسازنده ۱۳۲، بیان کردن

[1] بدل / بددل، با ادغام دو حرف همجنس.

۱۳۸

~: وَلَوْلَا كَلِمَةُ ٱلْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ (۲۱:۴۲)
جُدا کردن ۲، جُدای کَرْد ۲۲، گزاردن ۲۹، جدا بازکرده ۱۰٦، پیدا ۱۱٤

~: إِنَّ يَوْمَ ٱلْفَصْلِ مِيقَـٰتُهُمْ أَجْمَعِينَ (۴۰:۴۴)
داوری کَردَنْ ۵۳، پیدا کردن ۸۰، جدایگیْ ۹۹

~: لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ لِيَوْمِ ٱلْفَصْلِ (۱۳:۷۷)
داوری ۱، جدا کردن ۲، داوری کردن ٢٤، جدائي ۳۹، جدا کردن میان حقّ و باطل ۷۹، گزاردن کارها ۹٦، گذاردن کارها ۱۰۵

~: وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا يَوْمُ ٱلْفَصْلِ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ (۱٤:۷۷)
جدائی ۱۱٦، جدا کرده ۱۲٤

~: هَـٰذَا يَوْمُ ٱلْفَصْلِ جَمَعْنَـٰكُمْ وَٱلْأَوَّلِينَ (۳۸:۷۷)
جدایی ٦، جدا گردانیدن ۱۲٤

~: إِنَّ يَوْمَ ٱلْفَصْلِ كَانَ مِيقَـٰتًا (۱۷:۷۸)
جدا ۹۲

~: إِنَّهُۥ لَقَوْلٌ فَصْلٌ وَمَا هُوَ بِٱلْهَزْلِ (۱۳:۸٦)
گزارده ۲۹، جدا کننده ۳۰، گزارنده ۹٦، درست ۱۰۲، گذارنده ۱۰۵، هویدا کرده ۱۱۷

فَصَّلَ: وَقَدْ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ (۱۱۹:٦)
دیدور کرد ۱، پدید کرده شود ۲، پیدا کرد ۳، پدید کرد ۱۰، پدید کرده شد ۲۷، پیدا بکرده است ۲۹، پیدا کرده شد ۳۹، پدید گَرْدَه آمَدْ ۵۳، پَیدَا گَرْد ۵۵، هویدا کرد ٦۳، پیدا کرده است ٦٤، پدید کرده است ٦۷، پدیده کرده است ۹۲، جدا کرد ۱۰۳، روشن کرده شد ۱۱۱

فَصَلَتِ: وَلَمَّا فَصَلَتِ ٱلْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ (۹٤:۱۲)
بیرون شد ۱، رفتند ۳، بیرون آمد ۵، بگیاشت ۷ مکرّر، جدا شد ۲۹، جدا شدند ٤۲، بیرون آمدند ۵۸، بیرُون آمَد ۷٦، بریده شد ۹٤، روان شد ۱۰۰، دیده شد ۱۲۸

فُصِّلَتْ: ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ (۱:۱۱)
دیدور کرده شد ۱، جدا کرده است ۱۳، پیدا کردَه ۲۷، پیدا کرده آمد ۳۸، جدا کرده شد ٤۱، پدید کرده شود ٤۲، پدید کرده بود ۵۲، پَیدَا کردَه شُد ۵۵، پدید کرده شد ۷٤، پدید کرده آمد ۷۵، بریده کرده شد ۹۱، هویدا کرده شده است ۹۳، جدای گردانیده‌اند ۱۰٤، جدا کرده شده ۱۱۱، پیدا شد ۱۱٤، روشن شده است ۱۲۲، جدا گردانیده شد ۱۲۳، جدا کرده شده است ۱۳۰، جدا کننده است ۱۳٦

~: كِتَـٰبٌ فُصِّلَتْ ءَايَـٰتُهُۥ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا (۳:٤۱)
جُدا کرده آمد ۲۲، جدا بکردند ۲۹، جدا کرده ۳۸، پدید کرده شد ۵٦، پدید کرده شده ۸۱، پدید کرده ۹۸، هویدا کرده‌اند ۱۰٦، روشن گردانیده شده ۱۱۱، پیدا کرده شده است ۱۱٤، جدا کرده‌اند ۱۳٦، هویدا و روشن کرده‌اند ۱۳۸، پیدا کرده است ۱۳۹

~: لَقَالُوا۟ لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَـٰتُهُۥٓ (٤٤:٤۱)
پیدا کرده شد ۳، جدا کردَه آمد ۲۲، جدا کرده آید ۹٤، پیدا کردند ۱۰۸

★ لَافُصِّلَتْ: لَقَالُوا۟ لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَـٰتُهُۥٓ (٤٤:٤۱)
پیدا کرده نشد ۵٦، از هم جدا کرده نشد ۱۰۹

★ لَوْلَافُصِّلَتْ: لَقَالُوا۟ لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَـٰتُهُۥٓ (٤٤:٤۱)
چرا دیدور کرده نشد ۱، چرا پیدا کرده نشد ٦۱ و ۱۲۱، چرا جدا نکرد ۱۳٦، چرا هویدا نکرده‌اند ۱۳۸

فَصَّلْنَا: قَدْ فَصَّلْنَا ٱلْـَٔايَـٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۹۷:٦)
پدید کردیم ۲، پدید کردیم ۹، پیدا بکرده‌ایم ۲۹، جدا و پیدا کردیم ٤۱، پدیدیم ٤۲، هویدا کردیم ٦۳، روشن کردیم ۱۰٤، نیک پدید کردیم

۱۰۵، روشن ساختیم ۱۱۱، روشن گردانید یم ۱۱۶، پدید آوردیم ۱۲۹

~: قَدْ فَصَّلْنَا ٱلْأَيَٰتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ (۶:۹۸)
دیدور کردیم ۱، جدا می کنیم ۳، پیدا بکردیم ۲۹، پیدا گردانیدیم ۸۸، هویدا میکنیم ۱۰۰، هویدا کردیم ۱۳۸

~: قَدْ فَصَّلْنَا ٱلْأَيَٰتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (۶:۱۲۶)
پیدا کردیم ۳، جدا کردیم ۵۷، ما پدیدار کردیم ۱۰۲

فَصَّلْنَاهُ: وَلَقَدْ جِئْنَٰهُم بِكِتَٰبٍ فَصَّلْنَٰهُ عَلَىٰ عِلْمٍ (۷:۵۲)
پدید کردیم ۲، جدا واکردیم ۲۹، پیدا کردیم ۴۵، آشکارا کردیم ۷۶، هویدا کردیم ۱۰۶، بیان کردیم ۱۱۱

~: وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَٰهُ تَفْصِيلًا (۱۷:۱۲)
دیدور کردیم ۱، پدپد کردیم ۲، پدیدار کردیم ۲۴، پیدا کردیم ۳۰، جدا کردیم ۴۲، پیدا کردیم ۵۵، هویدا کردیم ۸۹

فَصِيلَتِه: وَصَٰحِبَتِهِۦ وَأَخِيهِ وَفَصِيلَتِهِ ٱلَّتِي تُـْٔوِيهِ (۷۰:۱۳)
گروه ۲، تبار ۳، خویشاوند ۶، خویشاوندان ۳۶، خویشان ۴۱، دُوست ۴۲، مادر و پیوند ۶۷، یار ۹۲، همشیره ۹۴، خویش و تبار ۱۲۱

ٱلْفِضَّةَ: وَٱلْقَنَٰطِيرِ ٱلْمُقَنطَرَةِ مِنَ ٱلذَّهَبِ وَٱلْفِضَّةِ (۳:۱۴)
سیم ۵۵

~: وَٱلَّذِينَ يَكْنِزُونَ ٱلذَّهَبَ وَٱلْفِضَّةَ (۹:۳۴)
نقره ۳۶

~: لَجَعَلْنَا ... لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ (۴۳:۳۳)
سیم ۲، سیم ۲۲، زر و سیم ۸۱

~: وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِـَٔانِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا۠ (۷۶:۱۵)
نقره سفید ۱۰۲

~: قَوَارِيرَا۟ مِن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا (۷۶:۱۶)
سیم سفید ۳۰

ٱلْفَضْلُ: فَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ (۲:۶۴)
مهربانی ۱۰۱

~: وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ (۲:۱۰۵)
أفزُونی ۲، افزون ۵۳، آفزُونی ۵۵

~: وَلَا تَنسَوُا۟ ٱلْفَضْلَ بَيْنَكُمْ (۲:۲۳۷)
نیکوا کاری کردن ۱۰، نیکویی کردن ۲۷ و ۵۶، نیکو کردن ۱۰۱، احسان ۱۰۳

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ (۲:۲۴۳)
با افزونی ۳، آفزُونی ۴۲، اُفزونی ۵۳

~: وَٱللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ (۳:۱۵۲)
نیکویی ۵۸

~: يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضْلٍ (۳:۱۷۱)
مزد ۶۰

~: وَٱتَّبَعُوا۟ رِضْوَٰنَ ٱللَّهِ وَٱللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ (۳:۱۷۴)
سود ۵۸

~: ذَٰلِكَ ٱلْفَضْلُ مِنَ ٱللَّهِ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ عَلِيمًا (۴:۷۰)
افزونی و نیکویی ۱۰۲

~: وَلَئِنْ أَصَٰبَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ ٱللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنۢ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُۥ مَوَدَّةٌ (۴:۷۳)
افزوني ۱۳۸

~: وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ (۴:۸۳)
بخشش و فزونی ۱۰۴

~: ذَٰلِكَ فَضْلُ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ (۵:۵۴)
روزی ۱۰

~: فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ (۷:۳۹)
بهتری و افزونی ۱۰۲، زیادتی ۱۳۶

~: قُلْ بِفَضْلِ ٱللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِۦ فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا۟ (۱۰:۵۸)
فزونی ۳، فُزونی ۵۵

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ (۱۰:۶۰)
آفزونی ۵۵، نیکی ۵۸

~: وَيُؤْتِ كُلَّ ذِى فَضْلٍ فَضْلَهُۥ (۱۱:۳)
بزرگی ۴۱، فُزونی ۵۵، نیکوکاری ۶۲

~: وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ (۱۱:۲۷)
بزرگی فزونی ۴۱

~: وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ (۲۴:۲۰)
بخشودن ۸۶

~: وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم (۲۴:۲۱)
أفزونی ۲، بخشش ۸۶

~: إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْفَضْلُ ٱلْمُبِينُ (۲۷:۱۶)
بخشایش ۹۲

~: قَالَ هَٰذَا مِن فَضْلِ رَبِّى (۲۷:۴۰)
افزونی نیکویی ۴۷، نیکوکاری ۵۸

~: ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَضْلُ ٱلْكَبِيرُ (۴۲:۲۲)
افزونی ۳۲

~: يَضْرِبُونَ فِى ٱلْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ ٱللَّهِ (۷۳:۲۰)
روزی ۱۳۹

فَضَّلَ: وَلَا تَتَمَنَّوْا۟ مَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بِهِۦ (۴:۳۲)
افزونی نهاد ۳، افزون بکردست ۱۰، افزونی دادست ۴۰، افزُونی نَهاد ۵۵، فزونی نهاد ۱۰۴، افزونی داده ۱۲۷

~: ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ ٱللَّهُ (۴:۳۴)
أفزُون گرداند ۲، فزون گرد آنید ۹۴، افزونی گردانند ۱۰۵

~: فَضَّلَ ٱللَّهُ ٱلْمُجَٰهِدِينَ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ (۴:۹۵)
أفزون گردانید ۲، افزونی نهادست ۲۷، فزونی داد ۲۹، بزرگ نهاد ۹۶

~: وَٱللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِى ٱلرِّزْقِ (۱۶:۷۱)
أفزُون گردانید ۲، افزونی داد ۲۹، افزونی نهاده است ۶٤، افزون نهاد ۹۳، افزونی نهآد ۱۰۰، فزون داد ۱۲۸

فَضْلًا: تَبْتَغُوا۟ فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ (۲:۱۹۸)
أفزُونی ۲، اُفزُونی ۵۵، روزی ۶۰، رُوزی ۶۳

~: وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا (۲:۲۶۸)
توانگری ۶۰، آمرزش ۱۱۱

~: يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَٰنًا (۵:۲)
سود ۳

~: لِّتَبْتَغُوا۟ فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ (۱۷:۱۲)
أفزونی ۲

~: وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا (۳۳:۴۷)
بخشش ۱۳۰

~: وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ مِنَّا فَضْلًا (۳۴:۱۰)
افزونی نیکو ٤۷

~: يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضْوَٰنًا (۴۸:۲۹)
بزرگی ٤۱

~: فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَنِعْمَةً وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۴۹:۸)
فزونی ۳۹، افزوند ۱۳٤

فَضَّلْتُكُمْ: وَأَنِّى فَضَّلْتُكُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ (۲:۴۷)
افزونی دادَم ۲، افزونی نهادم ۳، برگزیدُم ۱۰، افزون گردانیدم ۳۶، فزونی دادَم ٤۲، آفزُونی دَادَمْ ۵۵، افزونی کردم ۸۲، افزونی دادم برگزیدم ۱۰۹، برگزیدم ۱۱۵، من افزونی نهادم ۱۲٤، افزونی دادهام ۱۳۰

~: وَأَنِّى فَضَّلْتُكُمْ عَلَى ٱلْعَٰلَمِينَ (۲:۱۲۲)

افزونی دادم ۳، برگزیدُم ۱۰، گزیدم ، مسن گزیدم ۴۰، افزونی گردانیدم ۵۲، افزون گردانیدم ۵۳، فزونی دادم ۱۰۴، فزونی نهادم ۱۲۱

فَضَّلَكُمْ: وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۷: ۱۴۰)
بگزیده است ۲۷، افزون گردانید ۴۲، برگزید ۵۳، افزونی نهاد ۶۱، فزونی دآد ۹۴، فزونی نهاد ۱۰۴، افزونی داده ۱۲۲، فزونید ۱۲۴، فزُون گردانید ۱۴۰

فَضَّلَنَا: وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا (۲۷: ۱۵)
افزونی داد ۳۶، برگزید ٤٦

فَضَّلْنَا: تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ (۲: ۲۵۳)
فزون گردانیدیم ۲، افزون نهادم ۳، برگزیدستیم ۱۰، بگزیدیم ما ۲۷، آفزُون گَردانیم ۴۲، فزونی گردانیدیم ۵۲، افزونی دادیم ۹۰، فزونی دادیم ما ۱۰٤، افزون کردیم ۱۰۹، افزونی دادیم ما ۱۲۳، برگزیدیم ما ۱۲٤، افزون گردانیم ۱۳۸

~: وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ (۶: ۸۶)
برگزیدیم ۹، فزونی دادیم ۲۹، گزیدگی دادیم ٤١، افزونی نهادیم ما ٦١، افزونی نهآدیم ما ۱۰۰

~: انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ (۱۷: ۲۱)
أفزون گردانیم ۲، افزون گردانیدیم ٤٢، افزونی نهاده ایم ٦٤، افزونی گردانیدیم ۹٤، فزونی نهادیم ۱۰٦، بیفزودیم ۱۲۱

فَضَّلْنَاهُمْ: وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا (۱۷: ۷۰)
ما افزون گردانیدیم ۲، افزون گردانیدیم ۵۲، برگزیدیم ۵٦، افزونی کردیم ۹۰، برداشتیم ۱۳۷

~: وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (٤٥: ١٦)
افزونی نهادیم ۳، فزونی دادیم ۳۲، افزونی دادیم ۳۹، برگزیدیم ما ۵٦، افزون کردیم ما ٦١، افزونی نهادیم ما ٦٤، فزونی دادیم ۸۰، افزونی نهآدیم ۱۰۰، فزونی دادیم ما ۱۰٤، افزونی نهادیمشان ۱۱٤

فُضِّلُوا: فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ (۱٦: ۷۱)
أفزون گردانید ۲، فزونی داده شدند ۳، فزونی دادند ٤١، افزون گردانیدند ٤٢ و ١٠٥، فزُونی دَادَه شُدَند ٥٥، افزونی نهاده شدند ٦١، فزونی دارند ۹٤، افزونی نهادند ۱۰٦، افزونی یافته‌اند ۱۱۱، فزونی نهاده شدند ۱۱٤، فزون دادند ۱۲۸، افزونی داده شده‌اند ۱۳۰

فَضْلِهِ: أَنْ يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ (۲: ۹۰)
آفزُونی ۵۵

~: فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (۳: ۱۷۰)
نیکویی ۵۸، بخشش ۱۰٤

~: وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ (٤: ٣٢)
فزونی ۲۹، آرزو ۱۱۲

~: وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ (۱۱: ۳)
فزُونی خوْد ۵۵

~: إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا (۱۷: ۸۷)
فراهم آیند ۱۳۹

~: حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (٢٤: ٣٣)
روزی ۲۹

~: أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ (٢٤: ٣٨)
فزُونی ۵۳، نیکویی افزونی ۱۰۸

~: وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ (۳۰: ۲۳)
بخشایش ۸٦

~: لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ... مِنْ فَضْلِهِ (۳۰: ٤٥)
افزونی و نیکویی ٤٧

~: وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ (۳۰: ٤٦)
نیکویی و افزونی ۵۸

~: وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ (۳۵: ۳۰)
بزرگی ۱۱٤

فَطَرَ: لِلَّذِی فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ (۶:۷۹)
بیافرید ۱، بیافرید ۲، آفرید ۳، بیافرید ۵۳، آفریده است ۶۲

~: فِطْرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِی فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَیْهَا (۳۰:۳۰)
بیافریده است ۶۴، بیافرید است ۹۲، بنو بیافرید ۱۰۰

فِطْرَةَ: فِطْرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِی فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَیْهَا (۳۰:۳۰)
آفرینشت ۱، آفریدن ۲، آفرینش ۲۹، آفریده ۵۲، افرینش ۵۳، بیافرید ۹۶

فَطَرَکُمْ: قُلِ ٱلَّذِی فَطَرَکُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ (۱۷:۵۱)
بیافرید ۱، آفریدتان ۳، أفرید ۵۳، آفرید ۵۵، از نو بیافرید ۹۴، بنو بیافرید ۱۰۰، بنو آفرید ۱۰۶

فَطَرَنَا: وَٱلَّذِی فَطَرَنَا فَٱقْضِ مَآ أَنتَ قَاضٍ (۲۰:۷۲)
بیافرید ۱، آفرید ۳۴

فَطَرَنی: إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَى ٱلَّذِی فَطَرَنِیٓ (۱۱:۵۱)
بیافرید ۱، آفرید ۳، هست کرد ۳۶، آفریدَه است ۶۲، از نو بیافرید ۷۹، بنو بیافرید ۱۰۰

~: وَمَا لِیَ لَآ أَعْبُدُ ٱلَّذِی فَطَرَنِی وَإِلَیْهِ تُرْجَعُونَ (۳۶:۲۲)
آفریده است ۳۴، بیافریده است ۶۴، پیدا کرد ۹۹

فَطَرَهُنَّ: رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ٱلَّذِی فَطَرَهُنَّ (۲۱:۵۶)
بیافرید ۱، آفریده است ۳۴، بیافریده است ۶۴، آفرید ۸۶، از نو آفرید ۹۴، بنو بیافرید ۱۰۶، بیافراید ۱۳۸

فُطُورٍ: فَٱرْجِعِ ٱلْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ (۶۷:۳)
شکافتها ۱، شکاف ۲، شکافها ۳، شکافی ۱۹، شکافتن ۲۴، گشادگی ۶۷، شکافهاء ۹۰

فَظّاً: وَلَوْ کُنتَ فَظًّا غَلِیظَ ٱلْقَلْبِ لَٱنفَضُّوا۟ (۳:۱۵۹)
زوشی[1] ۱، درشت سخن ۲، درشت ۳، زَفت سَخُن ۱۰، زوش[1] ۲۳، جاو ۲۴، درشت بزبان ۲۷، درشت خوی ۳۶، ستبر ۳۹، دُرُشت ۵۵، زفتی ۶۵، درشت زبان ۶۷، بدخوی ۷۶، درشت خو ۷۹، سطبر ۹۲، زفت خوی ۱۰۹، تندخوی ۱۲۲، زشت خوی ۱۲۳، خوی سخت ۱۳۱

فَعّالٌ: إِنَّ رَبَّکَ فَعَّالٌ لِّمَا یُرِیدُ (۱۱:۱۰۷)
کنار ۱، کُننده ۲، نیک کننده ۳، نیکْ کُنَندَه ۵۵، کنندَه ۵۷، بسیار کننده ۱۳۶

فَعَلَ: أَفَتُهْلِکُنَا بِمَا فَعَلَ ٱلْمُبْطِلُونَ (۷:۱۷۳)
کردند ۱، کردند و ساختند و گفتند ۱۰، بکرد ۲۹

~: کَذَٰلِکَ فَعَلَ ٱلَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ (۱۶:۳۳)
بکند ۱۱۸

~: کَذَٰلِکَ فَعَلَ ٱلَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ (۱۶:۳۵)
همی کردند ۲، بگردند ۶۱

~: قَالُوا۟ مَن فَعَلَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَآ (۲۱:۵۹)
کرده است ۱۲

~: أَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِعَادٍ (۸۹:۶)
کرد ۱

فُعِلَ: کَمَا فُعِلَ بِأَشْیَاعِهِم مِّن قَبْلُ (۳۴:۵۴)
کرده شد ۱، کرده آمد ۱۸، کردند ۴۲

فِعْلَ: وَأَوْحَیْنَآ إِلَیْهِمْ فِعْلَ ٱلْخَیْرَٰتِ (۲۱:۷۳)
کردن ۱، کارکردن ۳۹، کَردَنْ ۵۳، کردارها ۵۸

★ فِعْلَ الْخَیْراتِ: أَوْحَیْنَآ إِلَیْهِمْ فِعْلَ ٱلْخَیْرَٰتِ (۲۱:۷۳)
نیکی کردن ۹۶

فَعَلْتَ: فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّکَ إِذًا مِّنَ ٱلظَّٰلِمِینَ (۱۰:۱۰۶)

---

۱. زوش: تندخو؛ درشت سخن.

کنی ۱، تو بکنی ۲۹، کُنی ۵۵، بکنی ۵۶، کنی تو ۵۸، بکنی تو ۶۱، کنی تو ۷۶، بکنی بباشی ۱۲۷

~: قَالُوٓاْ ءَأَنتَ فَعَلْتَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَا يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ (۲۱: ۶۲)
کردی ۲

~: وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ ٱلَّتِى فَعَلْتَ (۲۶: ۱۹)
کردی ۱، بکردی ۴۶، کردی تو ۵۶، آنچه کردی ۵۸

فَعْلَتَكَ: وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ ٱلَّتِى فَعَلْتَ (۲۶: ۱۹)
کردن ۱، کردار ۲، کار ۷۶

فَعَلْتُمْ: هَلْ عَلِمْتُم مَّا فَعَلْتُم بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ (۱۲: ۸۹)
کردیت ۳، کردی ۵، شما کردید ۷ مکرّر، کردی شما ۲۴، بکردید شما ۶۴، گردَه‌اید ۷۶، کردید شما ۹۰

~: فَتُصْبِحُواْ عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَٰدِمِينَ (۴۹: ۶)
کردید ۱، کرده‌اید ۶، کرده باشید ۶۴، کرده باشید شما ۱۰۰، بکردید ۱۳۹

⋆ مَا فَعَلْتُمْ: هَلْ عَلِمْتُم مَّا فَعَلْتُم بِيُوسُفَ (۱۲: ۸۹)
چکردید ۱، شما چه کردید ۷ مکرّر

فَعَلْتُهُ: وَمَا فَعَلْتُهُۥ عَنْ أَمْرِى (۱۸: ۸۲)
کردم ۲

⋆ مَا فَعَلْتُهُ: وَمَا فَعَلْتُهُۥ عَنْ أَمْرِى (۱۸: ۸۲)
نکردم ۱، نکردم من ۵۹

فَعَلْتُها: قَالَ فَعَلْتُهَآ إِذًا وَأَنَا۠ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ (۲۶: ۲۰)
کردم ۱، کردم من ۶۴

فَعَلْنَ: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِىٓ أَنفُسِهِنَّ (۲: ۲۳۴)
کردند ۳، کنند زنان ۲۷، کُنند ۴۲، کنند آن زنا[1] ۱۰۴، بکنند ۱۲۷

~: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِى مَا فَعَلْنَ فِىٓ أَنفُسِهِنَّ (۲: ۲۴۰)
کردید ۱، کنند ۱۰، بکردَند ۴۲، کرده باشند ۱۰۰، کرده باشید ۱۳۰

فَعَلْنا: وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ (۱۴: ۴۵)
کردیم ۱، کردیم ۲، بکردیم ما ۲۹، بگردیم ما ۶۱، کردیم ما ۶۲

فَعَلَهُ: قَالَ بَلْ فَعَلَهُۥ كَبِيرُهُمْ هَٰذَا (۲۱: ۶۳)
کردست ۲۴، کرد ۶۱، کرده بود ۱۰۳

فَعَلُوا: وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوْ ظَلَمُوٓاْ (۳: ۱۳۵)
کردند ۱، بکنند ۲، کرده باشند ۱۰، کرده‌اند ۴۰، گردند ۶۱

~: وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُواْ مَا يُوعَظُونَ (۴: ۶۶)
کردندی ۱، بکردندی ۲، کِردندی ۱۰، کنندی ۴۵، بکنندی ۵۳

~: وَإِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً قَالُواْ وَجَدْنَا عَلَيْهَآ ءَابَآءَنَا (۷: ۲۸)
کنند ۱، بکردند ۲۴، بکنند ند ۵۷

فَعَلُوهُ: مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ (۴: ۶۶)
کنند ۶۱

~: كَانُواْ لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ (۵: ۷۹)
همی کردند ۲، می کردند ۲۴، بکردندی ۵۸، بکردند ۷۵، میکردند ۹۰، کرده باشند ۱۰۳

~: وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۶: ۱۱۲)
گردندی ۶۱

~: وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ مَا فَعَلُوهُ (۶: ۱۳۷)
گردَندی ۲، کردندی ۱۰ مکرّر

~: وَكُلُّ شَىْءٍ فَعَلُوهُ فِى ٱلزُّبُرِ (۵۴: ۵۲)
کردند ۱، کرده‌اند ۲ و ۱۰۳

---

۱. زنا: تلفظ لهجه ای «زنها»

★ مَافَعَلُوهُ: مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ (۴:۶۶)
نکنند ۳۶، نکردند ۵۳، نکردید ۷۵، نکردند ۱۲۱

~: وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۶:۱۱۲)
نکردندی ۲، نکردی ۵۸

~: وَلَوْ شَاءَ ٱللَّهُ مَا فَعَلُوهُ (۶:۱۳۷)
نکردندی ۱، نکردند ۱۲۴

اَلْفَقْرَ: ٱلشَّيْطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلْفَقْرَ (۲:۲۶۸)
دَرْویشی ۲، درویشی ۳، دَرویشی وُ نیازمندی ۱۰، نیازمندی ۶۳

اَلْفُقَرَاءَ: وَإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا ٱلْفُقَرَاءَ (۲:۲۷۱)
دَرْویشان ۲، درویشان ۱۰، درویشآن ۱۰۰

~: لِلْفُقَرَاءِ ٱلَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (۲:۲۷۳)
بیچارگان ۱۲۲

~: إِنَّمَا ٱلصَّدَقَٰتُ لِلْفُقَرَاءِ وَٱلْمَسَٰكِينِ (۹:۶۰)
دَرویشان ۱۰، درویشان ۵۵، درویشان نیازمندان ۱۰۹

~: إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ (۲۴:۳۲)
درویشان ۲، درویش ۴۷، دَرویْشان ۵۱، درویشان و تنگ دستان ۱۰۳، درویشان و تنگدستان ۱۱۶

~: وَٱللَّهُ ٱلْغَنِيُّ وَأَنتُمُ ٱلْفُقَرَاءُ (۴۷:۳۸)
نیازمندان ۲

اَلْفَقِيرٌ: قَالُوا إِنَّ ٱللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ (۳:۱۸۱)
درویش ۲، هیچ چیز ندارد ۴۰، دَرویش ۴۲

~: فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا ٱلْبَائِسَ ٱلْفَقِيرَ (۲۲:۲۸)
دَرْویش ۲، بی چیْز ۵۱، بیچاره ۶۱، تنگدست ۱۱۱، تنگ دست ۱۱۶، نخواهنده ۱۳۴

~: رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ (۲۸:۲۴)
نیازمند ۲

فَقِيرًا: وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِٱلْمَعْرُوفِ (۴:۶)
نیازمند اُو درویش ۱۰، درویش و نیازمند ۴۰، درویش و بیچیز ۱۱۱

~: إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَٱللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا (۴:۱۳۵)
درویش ۲، نیازمَندُ و دَرویش ۱۰، دِرویش ۴۵، دَوریشان ۵۳، بانیاز ۱۱۴

فَكُّ: وَمَا أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ (۹۰:۱۳)
آزاد کردن ۱، گشادن ۲۹، باز گشادن ۸۰، آزاد باید کرد ۸۸، واپس کردن ۱۰۲، واکردن ۱۰۹، رهانیدن ۱۱۶، آزاد کرده ۱۲۴

فَكَّرَ: إِنَّهُۥ فَكَّرَ وَقَدَّرَ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۷۴:۱۸)
اَندیشه کرد ۲ و ۳، بیندیشید ۶، دراندیشید ۳۶، اندیْشه کرد ۶۱، کرد اندیشه ۱۱۳، اندیشید ۱۲۲

فَكِهِينَ: وَإِذَا ٱنقَلَبُوٓا إِلَىٰٓ أَهْلِهِمُ ٱنقَلَبُوا فَكِهِينَ (۸۳:۳۱)
رامشتی شدار[۱]، شادی کنان ۲، شادمان ۲۴، شاد کنان ۵۶، شکفته کنند گان ۶۱، شادان ۶۴، شادمانان ۶۵، خوش منشان و شادان ۷۹، خوش منشان ۸۰، انباردگان ۸۷، شادکام ۹۰، شاد کامان ۱۲۶، دنه گیرندگان ۱۳۴

فُلَانًا: يَٰوَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (۲۵:۲۸)
بهمان ۳

اَلْفَلَقِ: قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلْفَلَقِ (۱۱۳:۱)
سپیده ۲، چاهیست در دوزخ ۷۹، سپیده دم و چاهی بدوزخ ۹۰، سپیده دَم ۱۱۴، سفیده دم ۱۲۶، شکافتن زمین ۱۳۰

اَلْفُلْكَ: وَٱلْفُلْكِ ٱلَّتِي تَجْرِي فِي ٱلْبَحْرِ (۲:۱۶۴)
کِشتیها ۵۵، کشتی ها ۶۴

---

۱. رامشتی شدار: شاد ؛ شادان.

~: فَأَنجَيْنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ فِى ٱلْفُلْكِ (٧:٦٤)
کشتی ١، کِشتی ١٠

~: حَتَّىٰٓ إِذَا كُنتُمْ فِى ٱلْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِم (١٠:٢٢)
کَشتیها ٩٤

~: وَٱصْنَعِ ٱلْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا (١١:٣٧)
کَشتی ٦٢

~: وَيَصْنَعُ ٱلْفُلْكَ (١١:٣٨)
کِشتی ٥٥

~: وَٱلْفُلْكَ تَجْرِى فِى ٱلْبَحْرِ بِأَمْرِهِۦ (٢٢:٦٥)
کِشتیها ٦١

~: وَعَلَيْهَا وَعَلَى ٱلْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (٤٠:٨٠)
کشتیها ٢

فَلَك: وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ كُلٌّ فِى فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (٢١:٣٣)
گردش ٢، گشت ١٢

~: وَكُلٌّ فِى فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (٣٦:٤٠)
گردون ٣، چرخ ٣٩، جای گشتن ستارگان ٥٦، کشتی ٥٩

فَفَهَّمْناها: فَفَهَّمْنَٰهَا سُلَيْمَٰنَ حُكْمًا وَعِلْمًا (٢١:٧٩)
دریا وانیدیم ١، دریا بانیدیم ٣، بهش بازدادیم ١٢، اندر یافتیم ٣٠، دررسانیدیم ٤٢، دانش بدادیم ٥٣، دریا بانیدیم ما ٥٦، اندر یابانیدیم ٦١، فرادل دادیم ٧٩، دریابانديم ٨٧، دانش دادیم ما ١٢٤، آموزانیدیم ١٢٩

اَلْفَواحِش: وَلَا تَقْرَبُوا۟ ٱلْفَوَٰحِشَ (٦:١٥١)
کارهاء زشت ٣٠، پلیدیها ٥٦، نابکاریها ٥٨، کارهای ناخوب ١٠٤، ناشایستیها ١٠٦، زشت کاری ١٠٧، کارهای بد ١١٢، بدیها ١١٥، ناپسندیده ها ١٣١، ناپسندیدها ١٣٣

~: قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّىَ ٱلْفَوَٰحِشَ (٧:٣٣)
کارها زشت ٣، ناخوبیها ١٠ مکرّر، ناشایستها ٢٩، کارهای زشت ٤٥، زشتکاریها ٦٢، ناشایستی ٦٣، ناکردنیها ٦٤، ناشایستهاء ٩٠، ناشایست ها ١٣٦، نَاخُوبیهَا ١٤٠

~: وَٱلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَٰحِشَ (٤٢:٣٧)
زشتیها ٢، گناهان بزرگ ٣، زشتکاری ١٦، گناهان کوچک ٢٤، پلید کاریها ٣٩، بدیها ٥٣، ناشایست ٨٧، ناشآیست ١٠٠، زیشتیها ١١٣، کار پلید ١١٩، کارهای زشت ١٣٢

~: يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَٰحِشَ إِلَّا ٱللَّمَمَ (٥٣:٣٢)
زشتیها ٢، گناهان زشت ٣، گناهان ٥٦، تباهها ٩٢، زشت کاریها ١٠٢، زشت ترین گناهان ١٢٠، کارهای ناشایست ١٣٦

فَواق: إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً مَّا لَهَا مِن فَوَاقٍ (٣٨:١٥)
بازگشتن ٢٢، بازگردانیدن ٢٤، بازگشت ٣٣، بدوشند ٥٢، باگشتن ٥٣، بازآمدن ٥٦، پایستن ٩٥، بگشتن ١٠٦، آرامیدن ١٠٨، درنگ ١١٤، بهوش آمدن ١٢٦، بازدارنده ١٣٣

فَواكِهُ: لَكُمْ فِيهَا فَوَٰكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (٢٣:١٩)
میوها ٣، میوه ٤٣، میوهاء ٦٢، میوه ها ١٠٨

~: فَوَٰكِهُ وَهُم مُّكْرَمُونَ (٣٧:٤٢)
میوَها ٢٢، میوهای گوناگون ٦٤، خورشها ١٠٤، خوش منشان ١١٩، میوه های پاکیزه ١٣٠، میوه های گوناگون ١٣٨

~: وَفَوَٰكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ (٧٧:٤٢)
میوهها ٣، میُوها ٦١

فَوْت: وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ فَزِعُوا۟ فَلَا فَوْتَ (٣٤:٥١)
شدن ١، درگذشتن ٣، گریختن ٢٤، از دست شدن ٣٨، گذشتن ٣٩، بشدن ٦١، فروگذاشتن ١٠٢، درگذشت ١٣٨

★ لافَوْت: وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ فَزِعُوا۟ فَلَا فَوْتَ (٣٤:٥١)
جَستن نباشد ٢، جستن نباشد ٣٠، درنگذرند ٤٢

فَوْجًا: وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا (۲۷: ۸۳)
گروه ۳۰، برخ ۵۳، پاره ۸۰ و ۹۱

فَوْجٌ: هَٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ (۳۸: ۵۹)
گره ۱، گروه ۲

فَوْرِهِمْ: وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ (۳: ۱۲۵)
روی ایشان ۱، چشم و روی ایشان ۳، شتاب زدگی ۲۳، سوی ۲٤، خشم ۳۹، پس ۵٦، برجوشیدن ۵۷، هم اکنون ۵۸، شتاب ٦۱، جوشیدن ٦۳، جوش ۷۵، زود ۹٦، رو ۱۰۵، جوشش ۱۰٦، خشمناکی ۱۲۳، جوشیدن خشم ۱۳٦

اَلْفَوْزُ: وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (٤: ۱۳)
رهایش ۵٦، فیروزی ٦۷

~: رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۵: ۱۱۹)
دست برد ۱، دست بردن ۳۷، کامیابی ۱۳۵، رستگار ۱۳۸

~: فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (٦: ۱٦)
رَستگاری ۲، رَستگاری ۵۳، پیروزی یافتن ۷۹

~: ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹: ۷۲)
دست بردن ۱، رَستگاری ۲، رَستگاری ۵۵

~: خَالِدِينَ فِيهَا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹: ۸۹)
دست یافتن ۵۸

~: وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹: ۱۱۱)
رَستگاری ۲، رستن و بهره ۵۸

~: ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۰: ٦٤)
رَستگاری ۲، رَستگاری ۱۰

~: فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (٤۰: ۹)
بخت ٤۸

~: فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (٤٤: ۵۷)
نیک بختی ٤٤، رستگار ۱۰۸

~: وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (٦۱: ۱۲)
یافتن ۲٤

فَوْزًا: يَا لَيْتَنِي كُنتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا (٤: ۷۳)
دست برد ۱، پیروزی ۳۰ و ۸۰، نیکبختی ۳٦، دست یافتن ۳۹ و ۵۳، پیروُزی ۵۵، بهره ۵۸، رستگار شدن ٦۱، نیک بختی ٦٤، برسیدن ۷۵، یافتن ۹٤، فیروزی ۹٦، فیروزی یافتن ۹٦، فیروزی شدن ۱۱۹

~: وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (۳۳: ۷۱)
دست بردن ۱، رستن ۳ و ۱۸، فیروزی ٤۷، برستن ٦۷، رَستن ۸۷، پیروزی یافتن ۱۱۳، رستگاری یافتن ۱۳۸

~: وَكَانَ ذَٰلِكَ عِندَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا (٤۸: ۵)
رستگاری ۲، پیروزی ٦، رستن و یافتن ۲٤، رست گاری ۳۹، مزد ۱۰۵

فَوْقَ: وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا (۳: ۵۵)
از بَر ۱۰، برتر ٤۰، زبردست ٦٤

~: فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ (٤: ۱۱)
بیشتر ۱۰، بیش ۲۹، فزون ۱۰۹، فراتر ۱۲۳

~: وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (٦: ۱۸)
زور ۱، از بر ۹، افراز ۲٤

~: وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ (٦: ٦۱)
زبر ۲، بر سر ۱۰٤

~: فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ (۸: ۱۲)
زوَر ۲۷، بلندی ۱۳٦

~: إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا (۱۲: ۳٦)
بالا ۱۰۰

~: وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ (۱۲: ۷٦)
زِبَر ۵۳

~: كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِن فَوْقِ الْأَرْضِ (۱٤: ۲٦)

بالا ۲٤، روی ٥٩، پشت ٧٦

~: يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ ٱلْحَمِيمُ (١٩:٢٢)
بر ۲، بالا ۱۱۱

~: وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَٰتٍ (٣٢:٤٣)
بر زبر ۱۰۲

~: إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ يَدُ ٱللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ (١٠:٤٨)
زَبَر ۲

★ فَوْقَ رَأْسِي: إِنِّيٓ أَرَىٰنِيٓ أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي (٣٦:١٢)
از سر خویش ٩٤

فَوْقَكُمْ: وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ ٱلطُّورَ (٦٣:٢)
آز بَر ۱۰، بر سر ٥٠، بر سَر ٥٣، زَبَر ٥٥، بر بالا ۱۰٤، بر زبر ۱۲۳

~: وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ ٱلطُّورَ (٩٣:٢)
از وَر ۱۰، ورسر ۲٤، زبر شما بر ٤٠، زور ٤٩

~: عَلَىٰٓ أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ (٦٥:٦)
زبر سر ۲۷، بَر سَر ٤٤

~: وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَآئِقَ (١٧:٢٣)
زبر ۲، از بر ۲٤

~: إِذْ جَآءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ (١٠:٣٣)
بر ۲، بالای سر ١٤، بالا ۲٤

فَوْقِهِ: مِّن فَوْقِهِۦ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِۦ سَحَابٌ (٤٠:٢٤)
بَر ۲، زوَر ٥٤، بالا ۱۰٦

فَوْقَهَا: أَن يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا (٢٦:٢)
برتر ۲، زور ٤، مهتر ۲٤، کهْ وَ مَهْ ٤٠، بَر ٥٥، زَبَر ٥٧، فراتر ۱۱۱، بزرگتر ۱۲۱، بالاتر ۱۳٦

~: لَهُمْ غُرَفٌ مِّن فَوْقِهَا غُرَفٌ (٢٠:٣٩)

زَبَر ۲، بالا ۳٤

~: وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِيَ مِن فَوْقِهَا وَبَٰرَكَ فِيهَا (١٠:٤١)
زبر ۳، بر ۱٥

فَوْقَهُمْ: وَٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (٢١٢:٢)
برسوی ۳، از بَر ۱۰، زوَر ٦۲

~: وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ ٱلطُّورَ بِمِيثَٰقِهِمْ (١٥٤:٤)
بَر سَر ٤٥، بالا ٥٣

~: لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِم (٦٦:٥)
زَبَر ۲، بالای ۱۱۸

~: لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ (٤١:٧)
زور ۱، ازبر ۱۰، بالای سر ۲٤

~: وَنَسْتَحْيِۦ نِسَآءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَٰهِرُونَ (١٢٧:٧)
زبردست ٦٤

~: فَخَرَّ عَلَيْهِمُ ٱلسَّقْفُ مِن فَوْقِهِمْ (٢٦:١٦)
زِبَر ٥٦، زوَر ٦۲

~: يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (٥٠:١٦)
اوراز[1] ۲٤

~: يَوْمَ يَغْشَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ مِن فَوْقِهِمْ (٥٥:٢٩)
بالا سر ۲٤

~: لَهُم مِّن فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ ٱلنَّارِ (١٦:٣٩)
بَر ۲، برتر ۳۰، زبر سر ٦٤، بالا ۱۰۰

فَوْقِهِنَّ: تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ (٥:٤٢)
بر ۲۲، زَبَر ۳۲، زبر ۳۹، بالاء ۸۱

فُومِهَا: مِنۢ بَقْلِهَا وَقِثَّآئِهَا وَفُومِهَا (٦١:٢)
گندم ۲، گندم یا سیر ۳، سیر ۱۰، سیر یا گندم ۳۰، گندم ٤۲، سیر و گندم ٥٥، گندم و سیر و

۱. اوراز / افراز؛ فراز.

باد برنگان ٦٧، گند نان ٧٨، سیرم گندم ١٠٤

فِي: قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي ٱلسَّمَآءِ (٢:١٤٤)
سوی ٣٦

~: مِنۢ بَعْدِ مَا بَيَّنَّٰهُ لِلنَّاسِ فِي ٱلْكِتَٰبِ (٢:١٥٩)
أندرْ ٢

~: وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ ٱللَّهِ فِي شَيْءٍ (٣:٢٨)
ور ٢٤

~: وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي ٱلْكِتَٰبِ فِي يَتَٰمَى (٤:١٢٧)
از بهر ٥٥

~: كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي ٱلسَّمَآءِ (٦:١٢٥)
به ٢٧

~: وَٱذْكُر رَّبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً (٧:٢٠٥)
وا ١٠

~: وَٱلَّذِينَ هَاجَرُوا۟ فِي ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا۟ (١٦:٤١)
زبهر ٢٤

~: كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلْكِتَٰبِ مَسْطُورًا (١٧:٥٨)
درْ ٢

~: فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِيٓ أَهْلِ مَدْيَنَ (٢٠:٤٠)
اندر ٢، اندر میان ٥٦

~: لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي ٱلْأَرْضِ (٢٤:٥٥)
آندر ٦١

~: وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ (٢٦:٢١٩)
در میان ٧٦

~: يُخْرِجُ ٱلْخَبْءَ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (٢٧:٢٥)
از ١١٤

~: مَا يُجَٰدِلُ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ (٤٠:٤)
در ١

أَفِي: أَفِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمِ ٱرْتَابُوٓا۟ (٢٤:٥٠)
درون ٩١

فَفِي: ٱلَّذِينَ ٱبْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ ٱللَّهِ (٣:١٠٧)
اندر ٨٨

لَفِي: وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَآ إِلَيْهِ مُرِيبٍ (١١:٦٢)
اندر میان ١١٢

~: لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (١٥:٧٢)
در ١١٢

فِيكُمْ: كَمَآ أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ (٢:١٥١)
اندر میان ٦٢

~: إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنۢبِيَآءَ (٥:٢٠)
درَ میان ٥٥، اندر ٩٨

~: فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِۦٓ (١٠:١٦)
در میان ٢٩

وَفِيكُمْ: وَأَنتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ وَفِيكُمْ
رَسُولُهُۥ (٣:١٠١)
میان ٥٦

ٱلْفِيلِ: أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَٰبِ ٱلْفِيلِ (١٠٥:١)
پیل ٣٩

فِينَا: قَالُوا۟ يَٰصَٰلِحُ قَدْ كُنتَ فِينَا مَرْجُوًّا (١١:٦٢)
دریما ١، اندرمیان ٦٢

~: وَإِنَّا لَنَرَىٰكَ فِينَا ضَعِيفًا (١١:٩١)
وریما ١

~: قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا (٢٦:١٨)
در میان ٢٤، درما ١٢٩

~: وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُوا۟ فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا (٢٩:٦٩)
از بهر ما ١٤، در میان ما ٤٣

فِيهِ: الٓمٓ ذَٰلِكَ ٱلْكِتَٰبُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى (٢:٢)

درین ۱۲۳

~: فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ (۲:۲۴۸)

اندر آن ۲۷

~: لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (۴:۸۲)

اندرو ۲۴

~: وَإِن يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ (۶:۱۳۹)

اندرون ۲۷

~: وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۷:۱۷۱)

اندر آن ۲۷

~: فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُوا (۹:۱۰۸)

درو ۲۴، دروی ۴۳

~: وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ (۱۱:۱۱۰)

درُو ۷۶

~: قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ (۱۵:۶۳)

در آن ۱۱۲

~: أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ (۵۲:۳۸)

بدان ۶۱

فیها: وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ (۲:۲۵)

در آن ۳۶

~: لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ (۲:۲۶۶)

درش ۲۵

~: قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا (۴:۹۷)

بی آن ۱

~: قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ (۵:۲۲)

در آنجا ۳۷

~: وَعِندَهُمُ التَّوْرَاةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ (۵:۴۳)

درو ۲۴

~: تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا (۵:۸۵)

اندر آنجا ۹

~: وَمَا يَكُونُ لَنَا أَن نَّعُودَ فِيهَا (۷:۸۹)

دروی ۱۳۶

~: نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا (۱۱:۱۵)

اند آنجا[1] ۵۷

~: يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (۲۴:۳۶)

درُو ۵۱

~: وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (۳۵:۲۴)

میان ۵۶

~: فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۵۱:۳۵)

اندرو ۳۹

~: فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۵۵:۱۱)

اندر اینجا ۴۱

فیهم: رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ (۲:۱۲۹)

بدیشان ۲۴، درمیان ۴۱

~: وَكُنتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ (۵:۱۱۷)

اندر میان ۲۶

~: وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ (۸:۲۳)

دریشان ۳۹

~: فِيهِمْ حُسْنًا وَإِمَّا أَن تَتَّخِذَ (۱۸:۸۶)

اندریشان ۹۶

فیهما: قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ (۲:۲۱۹)

---

۱. اندآنجا / اندر آنجا.

اندران هر دو ۲۷

فِيهِنَّ: قُلِ ٱللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ (۴:۱۲۷)
ايشان ۶۱

~: لِلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ (۵:۱۲۰)
ميان ۵۶، درميان ۶۳، هر دو ۱۱۴

~: فَلَا تَظْلِمُوا۟ فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ (۹:۳۶)

دريشان ۱، آن ۱۱۴

~: تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ ٱلسَّبْعُ وَٱلْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ (۱۷:۴۴)
دَريشان ۵۷، اينها همه ۱۱۴

~: لَفَسَدَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ (۲۳:۷۱)
اندريشان ۱۰۸



ق: قٓ وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡمَجِيدِ (۱:۵۰)
سوگند است ۴۳، سوگند یاد می کند ۸۷

ق: وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ (۲: ۲۰۱)
وازدار ۲٤، بردار ۳۹، نگاه دار ٤۲، نگهدار ٤۸، برهان ۹٤، بازد آر ۱۰۰

~: فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ (۳: ۱٦)
نگه دار ۱، وادار [از] ۱۰، بازدار ۲٤، نگاه دار ۵۵، بازپای ۵۷، نگاهدار ٦۷، نگهبد آر ۱۰۰

~: سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ (۳: ۱۹۱)
برهان ۱، برهان ۱۰، بگردان ٤۱، نگه دار ٦۳، نگاه دارید ٦۹، بپای ۹٦، نگه د آر ۱۰۰

~: وَٱتَّبَعُواْ سَبِيلَكَ وَقِهِمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ (۷:٤۰)
نگاه دار ۲، برهان ۲۲، به پرهیز ۹٤

~: وَقِهِمُ ٱلسَّيِّـَٔاتِۚ وَمَن تَقِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ (۹:٤۰)
نگاه دار تو ٦۱، پناه ده ۹۹

قائل: قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ لَا تَقۡتُلُواْ يُوسُفَ (۱۲: ۱۰)
گفتار ۱، گوینده ۲

~: قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ كَمۡ لَبِثۡتُمۡ (۱۸: ۱۹)
گوینده ۲

~: قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٞ (۳۷: ۵۱)
گوینده ۲

قائلها: كَلَّآۚ إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَا (۲۳: ۱۰۰)
بگوید ۲، گوید ٦۱، گوینده ۷۲، می گوید ۷٦، گویند ۱۰۰

قائلون: فَجَآءَهَا بَأۡسُنَا بَيَٰتًا أَوۡ هُمۡ قَآئِلُونَ (۷: ٤)
خواب نیم روزان کناران ۱، نیمروز خفتگان ۲، خفتگان نیم روز ۳، بروز گرم گاهین خفته ۱۰، خفته (بودند) ۲٤، نیمروزان خفتگان ۳۱، نیم روز خفته بودند ٤۱، روز خفتگان ٤۲، خفتگان نیم روز ۵۵، آسایش کنند گان در نیم روز ۵٦، نیم روز خفتگان ٦۳، خفتگان ۷۲، خفته باشند ۷٦، خفتند گان ۸۰، بنیم روز خفتگان ۸۹، خفتگان در نیمروز ۹۱، نیم روز خفته ۹٤، بودند در خواب نیم روز خفتگان ۹٦، گفتار گویند گان ۹۹، خفتگان ۱۰۰، نیمروز خفته ۱۰۲، خفته به نیم روز ۱۰٤، خواب نیم روزی کنند گان ۱۰۹، خفتگان در نیم روز ۱۱٦، گویند گان ۱۲۱، خفتگان نیم روز بودند ۱۲۹، خفته گان ۱۳٦، نیم روز خفتگان ۱٤۰

قَائِلِينَ: ٱلْمُعَوِّقِينَ مِنكُمْ وَٱلْقَآئِلِينَ لِإِخْوَٰنِهِمْ (۳۳: ۱۸)
گفتاران[1] ۱، گویند گان ۲، آنها که می گویند ۹۱

قَائِمًا: وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلْعِلْمِ قَآئِمًۢا بِٱلْقِسْطِ (۳: ۱۸)
استادار[2]، ایستاده ۲، بپای کننده ۳، پاینده ۲٤، پیوسته ٤۱، استاده و برخاسته ٤۹، بپای کننده ۵۵، راست ۷۵، ایستآده ۱۰۰، به پای ایستاده ۱۲۹

~: لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَآئِمًا (۳: ۷۵)
ایستاد گی کننده ۳، باستی ٤۲، ایستادگی کننده ۵۵، براستی ۸٤، برپا ایستاده ۱۰۲، باستی ۱۰۵، بایستی ۱۲۸

~: دَعَانَا لِجَنۢبِهِۦٓ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَآئِمًا (۱۰: ۱۲)
بپای ۱، ایستاده ۲، ایستاده ۳، ورپا ۲٤، ایستاده ۵۵، برپای ٦۲، برخواسته ۱۱۸

~: أَمَّنْ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ سَاجِدًا وَقَآئِمًا (۳۹: ۹)
استاده ۲، ایستنده ۳، بپآی ایستادَه ۲۲، بپای ایستاده ۲٤، ایستادَه ۵۳، ایستاده ۸۱، بپا استاده ۸۸، برپای ایستنده ۱۰۹، بپا ایستاده ۱۳۲

~: ٱنفَضُّوٓاْ إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَآئِمًا قُلْ (٦۲: ۱۱)
استیده ۳٤

★ مَادُمْتَ قَائِمًا: إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَآئِمًا (۳: ۷۵)
برایستی همیشه ٦۲

قَائِمٌ: وَهُوَ قَآئِمٌ يُصَلِّي فِي ٱلْمِحْرَابِ (۳: ۳۹)
استاده ۲، استاده ۳، ورپای ۲٤، برپای ایستاده ۲۵، برپای استاده ۳٤، استادَه ٤۲، ایستاده بود ٦۷

~: نَقُصُّهُۥ عَلَيْكَ مِنْهَا قَآئِمٌ وَحَصِيدٌ (۱۱: ۱۰۰)
برپای ۲، بجای ۷ مکرّر، بپاء ۳۹، برپای مانده ٤۲، ایستاده ۵۵، بپا ۷۲، پای استاده ۱۰۵، برجا ۱۰۹، برپا ۱۲۹، آبادان ۱۳٦

~: أَفَمَنْ هُوَ قَآئِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ (۱۳: ۳۳)
استادار ۱، ایستاده ۲، نگاه دار ۲٤، براستیده ۳٤، نگاه دارنده ۵۸، برایستادَه ٦۲، نگهبان ٦۳، پاینده ۷۲، نگهبان ۱۲۲

قَائِمَةٌ: أُمَّةٌ قَآئِمَةٌ يَتْلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ (۳: ۱۱۳)
استادار ۱، ایستاده ۲، ایستاده ۳، ایستادَه ۲۳، استنده ۳٤، براه راست ٤۰، استادَه ٤۲

~: وَٱمْرَأَتُهُۥ قَآئِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَٰهَا (۱۱: ۷۱)
استاده ۲، ورپا ۲٤، استیده ۳٤، بای استاده ۵۳، ایستادَه ٦۲، بپای ایستاده ۹۳، ایستآده ۱۰۰

~: وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةً (۱۸: ۳٦)
بپای شدار[3] ۱، بودنی ۲٤، برخیزد ٤۲، بپای ٤۳، برخواستن ۵۲، ایستادَه ۵۵، برخیزنده ۵٦، بپا شد ۵۸، آمدنی ۵۹، ایستنده ٦۱، برخواهد خاست ۷٦، برخواهد خواست ۹۳، برخاستنی ۹٦، خاستنی ۱۰۵، بودن ۱۰٦، راست ۱۲۸

~: لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَآ أَظُنُّ ٱلسَّاعَةَ قَآئِمَةً (٤۱: ۵۰)
بپای شده ۱٦، برخاسته ۲۹، ایستاده و باشنده ۷۲، برخواسته ۱۰۳، خواستن ۱۰۸، بپا ایستاده ۱۲۲، برخیزنده ۱۳۰، بپا خواسته ۱۳٦

~: أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَآئِمَةً عَلَىٰٓ أُصُولِهَا (۵۹: ۵)
استاده ۲، برپای ایستاده ۲٤، برپا ایستاده ۱۰۲

قَائِمُونَ: وَٱلَّذِينَ هُم بِشَهَٰدَٰتِهِمْ قَآئِمُونَ (۷۰: ۳۳)
استاداران ۱، ایستاد گی کنند گان ۳، ایستاده ۱۹، بپای دارند گان ٤۳، بپای ایستاد گان ۵٦،

---

۱. گفتاران / گویند گان.
۲. استادار / ایستاده.
۳. بپای شدار / برپای شونده؛ ایستاده.

استادگی نماینده ۷۹، گذارندگان ۹۱، استادگی کنندگان ۹٤، ایستادگی نماینده ۱۰٤، استادگان ۱۰٦، ایستادگی نمایند ۱۱۳

قائمین: طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ (۲۲:۲٦)
استاداران ۱، ایستندگان ۳، ایستادگان ۱۲، نمازکنان ۲۹، ایستندهگان ۳۰، استادگان ٤۲، ایستادگان ۵۱، ایستادگان ۵۳، نمازکنندگان ۵٤، باشندگان ٦۱، برپای باشندگان ۹۲، استادگان بنماز ۱۰۵، نمازکنندگان برپااستندگان ۱۰۹، واستندگان ۱۱۹

قاب: فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ (۵۳:۹)
اندازه ۳، چندان ۲٤، گوشه یا دسته ۳۰، دسته ۸۸، میان ۹۰، گوشه ۱۰۸

★ قابَ قَوْسَيْنِ: فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ (۵۳:۹)
اندازه دو کمان ٤۱، بمقدار دو گوشهٔ کمان ۵۱، اندازهء دو کمان ۸۰، دو گوشه کمان ۸۱

قابل: غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ (٤۰:۳)
پذیرفتار[1] ۱، پذیرنده ۲، پذیرندَه ۵۳، پزیرنده ۱۲۹، پذیرا ۱۳٦

قاتَلَ: وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ (۳:۱٤٦)
کازار کردند ۱، کارزار کردند کشش کردند ۲، کارزار کردند ۵٦، بکشت ۷۵

~: لَا يَسْتَوِي مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ وَقَاتَلَ (۵۷:۱۰)
کارزار کرد ۱، کارزارکند ٦۱، جنگ کرد ۸۱

قاتِلْ: فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ (٤:۸٤)
کازار کن ۱، جنگ کن ۱۳۰

قاتِلا: فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا (۵:۲٤)
کازار کنید ۱، کارزار کنید ۲، جنگ کنید ۳٦، کارزار کنید شما ٦۷، کارزار کنیت ۸۸، هر دو کارزار کنید ۹٦

قاتَلَكُم: وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ (٤۸:۲۲)
کازار[2] کنید ۱، جنگ کردی ٦، کارزار کنید ۱۷، کارزار کردندی ۳۹، کارزار کردند ۸۱

قاتَلَهُم: قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ (۹:۳۰)
بکشاد ۲۹، نیست کند ۳۰، بنفرین کرد ۳۸، بنفرین کشاد ٤۹، نیست کَند ۵۵، بکشآد ۱۰۰، نیست کناد ۱۱۲، بکشد ۱۱٤، نفرین کرد ۱۲٤

~: هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ (٦۳:٤)
بکشا ۲۹، بکشاد ٤۲، نفرین کناد ۱۰۹

قاتَلوا: قَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ (۳:۱۹۵)
کازار[2] کردند ۱، کارزار کردند ۲، وادشمن کارزار کردند ٤۰، کارزاری کردند و بکشتند ۵۸، کارزار کردند ٦۱، بکشتند ۸۸، کارزآر کردند ۱۰۰

~: وَلَوْ كَانُوا فِيكُم مَّا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا (۳۳:۲۰)
کارزار کردند ۳

★ ماقاتلوا: قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا (۳۳:۲۰)
کازار نکردندی ۱، کارزار نکردندی ٤۲، نه کارزار کنند ٤۷، کارزار نکنند ۹۲، کارزار نکیدی ۱۰۸، کارزار نکردند ۱۱٤

قاتِلوا: وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ (۲:۱۹۰)
کازرار کنید ۲، کارزار کنیت ۳، کارزار کنید ۱۰، کارزار کنی ۹۵، کارزآر کنید ۱۰۰

~: وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۲:۲٤٤)

---

۱. پدیرفتار / پذیرفتار.
۲. کازار / کارزار.

کارزار کُنَید ۱۰، کارزار کُنِید ۴۲، کشش کنید ۱۰۹

~: قَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوِ ٱدْفَعُواْ (۳:۱۶۷)
کازار کنید ۱، کارزار کُنید ۲

~: فَقَٰتِلُوٓاْ أَوْلِيَآءَ ٱلشَّيْطَٰنِ (۴:۷۶)
کارزار کُنِید ۲، کارزار کنید ۱۰، کارزا کنید ۴۵

~: فَقَٰتِلُوٓاْ أَئِمَّةَ ٱلْكُفْرِ (۹:۱۲)
بکشید ۹۲

~: قَٰتِلُواْ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ (۹:۲۹)
کارزار کنِید ۲

~: فَقَٰتِلُواْ ٱلَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيٓءَ إِلَىٰٓ أَمْرِ ٱللَّهِ (۴۹:۹)
جنگ کنید ۶، شما کارزار کنید ۶۱

قاتَلوکُمْ: فَإِن قَٰتَلُوكُمْ فَٱقْتُلُوهُمْ (۲:۱۹۱)
کارزار کنْند ۲، کارزار کنند ۳، بکشند ۹۰، کارزآر کنند ۱۰۰

~: وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَٰتَلُوكُمْ (۴:۹۰)
کارزار کنندی ۴۵، کارزار گردَنْدِی ۵۳، کارزار کردندی ۹۲

~: إِنَّمَا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ قَٰتَلُوكُمْ فِي ٱلدِّينِ (۶۰:۹)
کارزار کردند ۵۶، کارزار کردید ۱۲۳

قاتِلوهُمْ: وَقَٰتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ (۲:۱۹۳)
کشیت ۳، کارزار می کنند و ایشان اگر بژر جویند ۴۰، کارزار کنیت ۸۰

~: وَقَٰتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ (۸:۳۹)
کازار کنید ۱، کارزار کنید ۱۰، کارزَارَ کُنیتْ ۵۵، بکشید ۵۸، کارزا کنید ۱۱۱

~: قَٰتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ ٱللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ (۹:۱۴)
هلا کارزار کنَید همه را بر هم کشید ۱۰، جنگ کنید ۹۳

قادرٌ: قُلْ إِنَّ ٱللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰٓ أَن يُنَزِّلَ ءَايَةً (۶:۳۷)
تواناً ۲۴

~: قُلْ هُوَ ٱلْقَادِرُ عَلَىٰٓ أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا (۶:۶۵)
توانا ۲

~: أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يُحْـِۧىَ ٱلْمَوْتَىٰ (۷۵:۴۰)
توانا ۱

قادِرُونَ: أَنَّهُمْ قَٰدِرُونَ عَلَيْهَآ (۱۰:۲۴)
توانایان ۳، تواناان ۴۹، توانا گشتند ۱۰۵، توانا اند ۱۲۰

~: وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍۭ بِهِۦ لَقَٰدِرُونَ (۲۳:۱۸)
توانا آن ۱، توانا ۲

~: وَإِنَّا عَلَىٰٓ أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَٰدِرُونَ (۲۳:۹۵)
توانا ۲، توانابیم ۶۱

~: فَلَآ أُقْسِمُ بِرَبِّ ٱلْمَشَٰرِقِ وَٱلْمَغَٰرِبِ إِنَّا لَقَٰدِرُونَ (۷۰:۴۰)
توانان ۱

~: فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ ٱلْقَٰدِرُونَ (۷۷:۲۳)
أندازه کننده گان ۲، اندازه کنان ۱۹، اندازه کننده گان ۳۰، اندازه پدید کننده ۷۹، پدیدارَندِ گان ۱۰۴، اندازند گان ۱۰۶، اندازه کنند گان ـ توانایان ۱۰۹، اندازه کننده ۱۱۳

قادِرينَ: وَغَدَوْاْ عَلَىٰ حَرْدٍ قَٰدِرِينَ (۶۸:۲۵)
توانایان ۳، تواناان ۱۹، اندازه کرده ۱۰۸، توانایان و کامکاران ۱۰۹

~: بَلَىٰ قَٰدِرِينَ عَلَىٰٓ أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُۥ (۷۵:۴)
توانا آن ۱، توانا ۶، توانائیم ۱۱۳

اَلْقارِعَةُ: تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُواْ قَارِعَةٌ (۱۳:۳۱)
سختی ۱، کار بُزرگ ۲، سختیها ۵، کوفتنی ۳۸، سختی و سیاهی ۴۹، سَختی ۵۳، کوفتن ۵۷، کوفتن و رنج ۶۰، کار بزرگ کوبیده ۸۷، سختی

یا سیاهی ۹۱، کوبنده سخت ۹۴، کوبنده و از بیخ برکنده ۱۱۱، سختی ۱۱۲، کوبنده دلها ۱۲۷، مصیبت سخت ۱۳۵

~: كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ (۶۹:۴)
رستاخیز ۱، کُوبَنده ۲، رستخیز ۱۹، کوبنده ۳۰، کوبنده ـ رستخیز ۵۶، هول کننده ۱۰۲

~: اَلْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ (۱۰۱:۱)
کُوبنده ۲، درهم کوبنده ۱۳۴، کُوبیده ۱۳۶

~: وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۱۰۱:۳)
سرزنش ۱۳۶

اَلْقَاسِطُونَ: اَلْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ (۷۲:۱۴)
ستمکاران ۳، وی دادگران ۶، بی دادکاران ۱۹، ستم کننده گان ۳۴، بگردیده گان از حقّ ۷۹، ناگرویده گان ۹۱، از راه افتاده گان ۱۰۲، بگریزنده گان ۱۱۳، از فرمان بیرون شد گان ۱۲۲، بیدادکاران ۱۲۳، بیدادگران ۱۳۷

~: وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (۷۲:۱۵)
بیدادگران ـ ستم کاران ۲، وی دادگران ۶، بگردنده گان از حقّ ۷۹، بی دادان ۹۰، دور افتادگان از راه ۱۰۹، بگردنده گان ۱۱۳

قَاسَمَهُمَا: وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ (۷:۲۱)
سوگند خورد ۱، سُوگند خورْد ۲، سوگند خورد ۱۰، سوگند یاد کرد ۲۴، سوگند داد ۴۱، سَوگنْد خَورْد ۵۵، سَوگند خورد ۶۱، سوگند بسیار خورد ۱۲۲

اَلْقَاسِيَةَ: وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً (۵:۱۳)
سخت شدار ۱، سختْ ۲، سخت ۳، سخت و سیَه و خشک و تاریک ۱۰، سخت و سیاه ۳۰، سَخت ۴۲، سَخْت ۵۵، سخت سیاه ۵۸، سخت و خشک ۶۷، بسیار سخت ۱۱۶

~: فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ (۲۲:۵۳)
سخت شده ۱، سخت گشته ۳۰، سیاه ۴۱، سختی ۴۲، سخت وسیاه شده ۷۹، سخت شد ۸۴

~: فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ (۳۹:۲۲)
مرسخت گشته سخْت گشته ۲، سخت شونده ۳، سیاه و سخت ۴۱، سخت شوندگان ۸۹، سیاه شد ۱۳۹

قَاصِدًا: لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا (۹:۴۲)
آسان ۱، میانه ۳، دور ۲۷، میانه و آسان ۳۹، آسان و آسوده ۴۱، آسَان و نَزدِیک وَ مِیانَه ۵۵، نه دور ۵۷، میانه و آسَان ۵۸، میانه و خوار ۶۰، اسان ۶۹، آسان نزدیک ۹۱، میانه آسان ۱۰۲، میانجی ۱۰۹، آسان میانه ۱۲۷

قَاصِرَاتُ: وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ (۳۷:۴۸)
فروگرفتاران[۱] ۱، کنیزکان ۲، کنیزکان خوابانیدن [چشمان] ۳۰، بازدارندگان ۳۳، زنان بازداشته ۴۳، فروگرفتگانْ ۵۳، فروگیرندگان ۵۶، کوتاهان ۸۱، فرو گردندگان ۹۰، کوتاه ـ خوابانیده ۱۰۹، فرو گرفتگان ۱۲۴

~: وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ (۳۸:۵۲)
کوتاه کنندگان ۳، زنان در پیش افکننده ۲۹، کنیزکان فُرُو گرفتَهْ ۵۳، خوابندگان و فروگیرندگان ۵۶، کنیزکان خوابانَنده ۶۹، کنیزان ۸۸، کنیزگان ۹۸، فروداشتگان ۱۰۹، کوتاه کنندگان ۱۱۴، خوابانیده ۱۳۹

~: فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ (۵۵:۵۶)
فرود گیرندگان ۹۲، خوابانداگان ۱۰۹، کوتاه ۱۲۰، زنان کوتاه ۱۳۸، فرود آیندگان ۱۳۹

۱. فروگرفتاران: به زیر افکندگان.

★ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ: وَعِندَهُمْ قَـٰصِرَٰتُ ٱلطَّرْفِ عِينٌ (۳۷:۴۸)
فرو گرفتاران چشم ۱، کنیزکان چشم خوابنیده گان ـ کس نادیده ایشان را ۲، خوابنیده چشمان ۲۲، کنیزکانی که چشم برنگیرند ۲٤، بازدارنده گان چشم ۳۳، کنیزکان فرو گرفته و خوابانیده چشم ۳۹، کشیده چشم ٤۱، زنان باشند که جز بشوهر خود نگرند ٤۲، خوابانیده چشمها ٤۹، چشمهاء خوابانیده ٦٤، کنیزکان فرود گرفته و خوابانیده ـ چشم بشویان خود ۷۲، فرو خوابانیده چشمها ۷٤، زنانی که جز بشوی خود ننگرند ۸۰، کوتاهان چشمان ـ بجُز شوی خویش ننگرند ۸۱، زنانی که جز شوهر خود ننگرند ۸٦، زنانی بوند که جز بشوی خود ننگرند ۹۱، خوابیده چشمان ۹٤، زنان که جز بشوهران خویش ننگرند ۱۰۵، فرو داشته چشم ۱۱۱، زنانیکه جز بشوی خود ننگرند ۱۲۱، زنان خوابانیده چشم ۱۲٦، زنان کوتاه نظر ۱۳۸

~: وَعِندَهُمْ قَـٰصِرَٰتُ ٱلطَّرْفِ أَتْرَابٌ (۳۸:۵۲)
فروگرفتاران چشم ۱، کنیزکان نگاه دارند گان چشم ـ جز بشوی خود ننگرند ۲، کنیزکان خوابنیده چشمان ۲۲، کنیزکانی که ننگرند جز بشوهر خویش ۲٤، زنان فرو گرفته چشمان ۳۳، زنان فروگرفته چشم و خوابنیده ۳۹، چشم کشید گان که جز بشوی خود ننگرند ٤۲، چشم کشید گان که جز بشوهر خود ننگرند ۵۲، کنیزکان فرو گرفته چشم ٦۱، خوابانید چشمان ٦۷، زنان فرو گرفته چشم خوابانیده چشم ۷۲، زنان کوتاه کنند گان نگرش ۸۰، زنانی که چشم از شوهران خود بر ندارند و کسی دیگر نخواهند ۹٤، چشم کشید گان ۹٦، زنآن تنگ چشم ۱۰۰، کوتاه چشمان ۱۰۳، کنیزکان نگاه دارند گان چشم بجز بشوی ننگرند ۱۰۸، زنان کوتاه چشم کوتاه میکنند چشم خود را در نگریستن ۱۱۱، کوتاه کنند گان نگرش (جز بشوی خود ننگرند) ۱۱٤، زنانی که کوتاه کنند گانند چشمهای خود را ۱۱٦، خوابانیده چشمان ۱۲٦، زنان گشاده چشمان که ننگرند جز بشوهران خود ۱۳۰

~: فِيهِنَّ قَـٰصِرَٰتُ ٱلطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ (۵۵:۵٦)
خوابنیدَه چشمان ۲، زنان(ی) جز بشوی خود ننگرند ۳، کنیزکانی که ننگرند مگر بشوهران خویش ۲٤، کنیزکان فرو گرفته چشمها ۳۰، پوشیده چشمان ۳۹، سر در پیش و چشم نگاه دارنده ٤۹، زنانی که جز بشوهر خود ننگرند ۵۲، کوتاه چشم ۸۱، زنانیکه جز بشوهر خود ننگرند ۹٦، کوتاه چشمان ـ چشم فرو خوابانیده باشند از نگریستن ۱۰۳، کنیزکان فرو گرفته چشمها یا خوابیده ۱۰۸، زنانی که ننگرند جز بشوهران خویش ۱۱۳، زنان کوتاه چشم که بر غیر شوهران ننگرند ۱۱٦، زنان که جز بشوی خود ننگرند ۱۲۱، کنیزکان خوابانیده چشمها ۱۲٤، چشم خوابانیده ۱۲۹

قَاصِفًا: فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ ٱلرِّيحِ (۱۷:٦۹)
شکستار ۱، شکننده ۲، درهم شکننده ۳، بادی کشتی شکن ۸، سخت ۲٤، باد شکننده ۲۹، شکننده ها ۳۰، سخت جهنده ۳۸، باد سخت ۵۳، شِکَنَندَه ۵۵، سخت کشتی شکننده ۵٦، سخت و شکننده ٦۲، باد جمنده ٦۹، باد ۹۰، شکننده ۹۵، بشکند ۱۱۳، کشتی شکن ۱۱۵، باد شکننده کشتی ۱۲۲، شکننده کشتی ۱۳۱، درهم شکنند ۱۳۵

قَاضٍ: فَٱقْضِ مَآ أَنتَ قَاضٍ (۲۰:۷۲)
کنآر ۱، کننده ۳، گزارنده ۲۹، خواهی کردن ٤۲، گُزارَندَه ۵۳، توانی کرد ۵۸، خواهی کرد ۷٦، کنی ۸۸، گذارنده ۱۰۹

★ أَنْتَ قَاضٍ: فَٱقْضِ مَآ أَنتَ قَاضٍ (۲۰:۷۲)
تورَانیِ ۲

ٱلْقَاضِيَةَ: يَٰلَيْتَهَا كَانَتِ ٱلْقَاضِيَةَ (٦٩:٢٧)
مرگ ۳، مرگی ٥٤، گزارده ۷۹، مرگ گزارنده ۸۹، مردنی ۹٤، گذ آرده ۱۰۰، گذارده ۱۰٦، گذارنده ۱۲٦، میراننده ۱۳۲

قَاطِعَةً: مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ (۲۷:۳۲)
بریدار ۱، بُرنده ۲، برنده ۳، گزارنده ٤۷، بُریتا ٥۳، راننده ٦۱، برنده و گزانده ۷۲، گذارنده، برنده ۱۰۹، بسترنده ۱۱۷، برنده فرمان ۱۳۱، برنده و گزارنده ۱۳۹

★ مَا كُنتُ قَاطِعَةً: مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا (۲۷:۳۲)
نبرم ٤۳

قَاعًا: فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (۲۰:۱۰٦)
هامون ۱، دَشت ۲، راست هموار ۳، زمین ۲۹، دشت ۳۰، بیابان ۳٤، بیابان راست ٦۲، زمین هامون ۷۹، هموار ۹۲، پست و هموار ۱۰۳، زمین هموار ۱۲۱

★ قَاعًا صَفْصَفًا: فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (۲۰:۱۰٦)
راست هموار هامون ۳، زمین هموار نرمی ۱۳۲، زمین هامون نرم ۱۳۸

قَاعِدًا: دَعَانَا لِجَنۢبِهِۦٓ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَآئِمًا (۱۰:۱۲)
نشستار ۱، نشسته ۲، نِشِسْته ٥٥

ٱلْقَاعِدُونَ: لَّا يَسْتَوِى ٱلْقَٰعِدُونَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ (٤:۹٥)
نشستاران ۱، نشستگان ۲، نشست گان ۲۹، نشینند گان ٤۱، نِشستگان ٤۲، نِشِستگان ٥٥، نشستگان نارَوند گان ٥۸، مردمان نشسته در خانه ٦٤، نشستگان ٦۹، نشسته گان ۷٥، نشستگان ۹٤، نشینند گان ۱۰۹، نشستها ۱۳٥

~: فَقَٰتِلَآ إِنَّا هَٰهُنَا قَٰعِدُونَ (٥:۲٤)
نشستگان ۲، نشسته ایم ۲۹، نشستند گان ٥۳، نشسته ٥٦، همی نشینیم ٦۲، نشسته گان ۹٦

ٱلْقَاعِدِينَ: ٱلْمُجَٰهِدِينَ ... عَلَى ٱلْقَٰعِدِينَ دَرَجَةً (٤:۹٥)
نشستاران ۱، نشستگان ۲، نشست گان ۲۹، نشسته گان ٦٤، نشستند گان ۱۰٦، بر نشستگان ۱۳٤، نشینند گان ۱۳۸

~: وَقِيلَ ٱقْعُدُوا۟ مَعَ ٱلْقَٰعِدِينَ (۹:٤٦)
نِشینَندَ گان ٥٥، نِشست گان ٦۲، شنند گان ۹۱، ماند گان ۹۲، نشینند گان بر جای ماند گان ۱۰۹

~: وَقَالُوا۟ ذَرْنَا نَكُن مَّعَ ٱلْقَٰعِدِينَ (۹:۸٦)
نشینند گان ۳، واپس ماند گان ۱۰، باشند گان ٥۲، نِشینَند گان ٥٥، بازماند گان ۷۹، نشینند گان ۱۰۰، باپس نشستگان ۱۳۳

قَالَ: وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ (۲:٥٤)
گُفت ۲

~: كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ (۲:۱۱۳)
گُفتَنْد ۲

~: وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوا۟ لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً (۲:۱٦۷)
گوفتند ۹٤

~: قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِتَالُ (۲:۲٤٦)
گُفتْ ۲

~: قَالَ يَٰمَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَٰذَا (۳:۳۷)
میگفت ۱۰۰

~: قَالَ ءَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِى (۳:۸۱)
گفت ۱

~: قَالَ إِنِّى تُبْتُ ٱلْـَٰٔنَ (٤:۱۸)
گهد ۱

~: فَإِنْ أَصَٰبَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَىَّ (٤:۷۲)
بگوید ۲۹

~: قَالَ رَجُلَانِ مِنَ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ (٥:۲۳)
گفتند ۱

~: وَقَالَ ٱلْمَسِيحُ يَٰبَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ (٥:۷۲)

گفتْ ٢

~: فَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنْهُمْ (١١٠:٥)

بگفتْ ٢

~: قَالَ ٱلْحَوَارِيُّونَ يَٰعِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ (١١٢:٥)

گفت ٢

~: لَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (٧:٦)

گفتندی ١

~: وَقَالَ أَوْلِيَآؤُهُم مِّنَ ٱلْإِنسِ (١٢٨:٦)

گهند ١، بگفتند ٢٧، گویند ٥٨

~: وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي ٱلْمَدِينَةِ ٱمْرَأَتُ ٱلْعَزِيزِ (٣٠:١٢)

گفتند ٧٦

~: قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا (٧٧:١٢)

گفتا ٧ مکرّر

~: وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِرُسُلِهِمْ (١٣:١٤)

گفتنْد ٢

~: قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ (٩:١٩)

گفتست ٦٤

~: قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ ٱلزِّينَةِ (٥٩:٢٠)

گفته بود ٩٢

~: وَقَالَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ ٱلْخَٰسِرِينَ (٤٥:٤٢)

گویَند ٣٢

~: كَذَٰلِكُمْ قَالَ ٱللَّهُ مِن قَبْلُ (١٥:٤٨)

گفته است ٦

~: قَالَ قَرِينُهُۥ رَبَّنَا مَآ أَطْغَيْتُهُۥ (٢٧:٥٠)

گوید ٦

قالا: قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَآ أَنفُسَنَا (٢٣:٧)

گفتند ١، گفتند هر دو تن ٢٧، گفتند هر دو ٥٨

~: قَالَا رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَآ (٤٥:٢٠)

گفتنْد ٢

قالَتْ: قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ (٣٧:٣)

گفتی ١٠

~: وَقَالَت طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ ءَامِنُواْ (٧٢:٣)

گفتند ١

~: وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ وَٱلنَّصَٰرَىٰ نَحْنُ أَبْنَٰٓؤُاْ ٱللَّهِ (١٨:٥)

بگفتند ٢٩

~: قَالَتْ أُخْرَىٰهُمْ لِأُولَىٰهُمْ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ أَضَلُّونَا (٣٨:٧)

گهند ١، گویند ٢٩، گوید ٥٨

~: وَغَلَّقَتِ ٱلْأَبْوَٰبَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ (٢٣:١٢)

گفت ١

~: قَالَتْ مَا جَزَآءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوٓءًا (٢٥:١٢)

گفت زن ٩٦

~: وَقَالَتِ ٱخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُۥٓ أَكْبَرْنَهُۥ (٣١:١٢)

آواز داد ٧ مکرّر

~: قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ (١١:١٤)

گُفتنْد ٢

~: قَالَتْ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٌ (٢٠:١٩)

گفتْ ٢

قالَتا: قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ ٱلرِّعَآءُ (٢٣:٢٨)

گفتند ١

~: قَالَتَآ أَتَيْنَا طَآئِعِينَ (١١:٤١)

گفتنْد ٢٢، گفتند هر دو ٥٦

قالُوا: قَالُوٓاْ إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (١١:٢)

گویند ٢

~: قَالُوٓاْ أَنُؤْمِنُ كَمَآ ءَامَنَ ٱلسُّفَهَآءُ (١٣:٢)

گُویَنْدْ ۵۵

~: قَالُوٓا۟ أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا (۲:۳۰)

گفتن ۸۸

~: قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَآ (۲:۳۲)

گُفتنْد ۵۵

~: قَالُوٓا۟ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ (۲:۱۵۶)

گُویند ۲

~: وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا (۳:۱۱۹)

گهند[1] ۱، گویند ۲

~: وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا۟ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا (۴:۴۶)

گفتندی ۱، گفتندی ۲

~: قَالُوا۟ فِيمَ كُنتُمْ قَالُوا۟ كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِى ٱلْأَرْضِ (۴:۹۷)

گهند[1] ۱

~: قَالُوٓا۟ إِنَّا نَصَٰرَىٰٓ أَخَذْنَا مِيثَٰقَهُمْ (۵:۱۴)

گفتند ۱

~: قَالُوا۟ نُرِيدُ أَن نَّأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا (۵:۱۱۳)

بگفتند ۲۹

~: وَإِذَا فَعَلُوا۟ فَٰحِشَةً قَالُوا۟ وَجَدْنَا عَلَيْهَآ ءَابَآءَنَا (۷:۲۸)

برمیبافید ۱۲۲

~: وَإِذْ قَالُوا۟ ٱللَّهُمَّ إِن كَانَ هَٰذَا هُوَ ٱلْحَقَّ (۸:۳۲)

همیگفتند ۹۳

~: مَّاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوٓا۟ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ (۱۶:۲۴)

گویند ۲

~: وَقَالُوٓا۟ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمًا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۱۷:۴۹)

گُفتنْد ۲

~: قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِرَبِّ هَٰرُونَ وَمُوسَىٰ (۲۰:۷۰)

گفتنْد ۲

~: قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ مَا كَانَ يَنۢبَغِى لَنَآ (۲۵:۱۸)

گویند ۷۶

~: وَقَالُوا۟ رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ ٱلْحِسَابِ (۳۸:۱۶)

گُفتند ۸۱

~: قَالُوٓا۟ ءَاذَنَّٰكَ مَا مِنَّا مِن شَهِيدٍ (۴۱:۴۷)

گُفتند ۳۲

~: فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا۟ لَا تَخَفْ (۵۱:۲۸)

ایشان گفتند ۶

~: قَالُوا۟ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَن يَتَمَآسَّا (۵۸:۳)

گفته‌اند ۱۰۳

اَلْقَالِينَ: قَالَ إِنِّى لِعَمَلِكُم مِّنَ ٱلْقَالِينَ (۲۶:۱۶۸)

دشمن داشتاران ۱، دشمن داران ۲، دشمن دارندگان ۲۰، دشمن ۲۴، دشمنان ۴۱، دشمنی داران ۴۹، تنگ دارندگان ۸۹، دشمن دارندگان ۹۵، ننگ داران ۱۰۶، دوران ۱۲۱، دشمن دارگان ۱۲۴، دوشمن دارندگان ۱۲۸، دشمنان ۱۳۰

قَامَ: وَأَنَّهُۥ لَمَّا قَامَ عَبْدُ ٱللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا۟ (۷۲:۱۹)

بَرخاست ۲، برخاست ۳، بیستاد ۶، بپای خاست ۱۹، بپای خواست ۳۸، برپای خاست ۳۹، بایستاد ۶۴، به پای برخواست ۹۴، برخواست ۱۰۰، بایستد ۱۳۶

قامُوا: وَإِذَآ أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا۟ (۲:۲۰)

بیستَند ۲، برخیزند ۴، بَرجای بمانَندی ۱۰، بمانندی ۲۴، بَاستَند ۴۲، بایستند ۶۲، بیستند ۸۹، برجای بمانند ۹۴، برمی‌استند ۹۶، بایْستند

۱. گهند: گویند.

۱۰۰، باستد ۱۲۸

~: وَإِذَا قَامُوٓاْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُواْ كُسَالَىٰ (٤: ١٤٢)
ورخیزند ۱، ایستند ۳، برخیزند ۱۰، بایستند ۲۷، برخیزید ۲۹، بر پای خاستند ۳۱، بَرپای خاستند ۴۵، بَرپای خیزند ۴۵، بیستند ۶۱، برمی خیزند ۹۶

~: إِذْ قَامُواْ فَقَالُواْ رَبُّنَا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (١٨: ١٤)
ورخاستند ۱، برخاستند ۲، برخاستند ۳، باستادند ۳۴، باستادَند ۴۲، برخواستند ۵۲، ایستادند ۶۰، بیستَادند ۶۲، بایستادند ۶۴، بایستادند ایشان ۱۱۳، استادند ۱۲۳

قَانِتًا: إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِّلَّهِ حَنِيفًا (١٦: ١٢٠)
فرمان برداری کنار ۱، فرمان بُردار ۲، فرمان بردار ۳، فَرمان بُردار ۵۳، فَرمان بَردار ۵۵، فرمانبردار ۹۹، فرمان برنده ۱۲۲، فرمانبرنده ۱۲۷

قَانِتٌ: أَمَّنْ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ سَاجِدًا وَقَآئِمًا (٣٩: ٩)
فرمان برداری کنار ۱، استاده ۲، نماز کننده ۳، فرمان بردار ۲۲، ایستاده ۳۰، در نماز ایستاده ۸۱، خواننده ۸۷، فرمان برد ۸۸، فرمان برد آر ۱۰۰، فرمانبردار ۱۱۱، فرمان بردار بود ۱۳۸

قَانِتَاتٌ: قَٰنِتَٰتٌ حَٰفِظَٰتٌ لِّلْغَيْبِ (٤: ٣٤)
فرمان برداری کناران ۱، نبی خوانان فرمان بُرداران ۲، فرمان بُردار ۱۰، فرمان بران ۲۷، فرمان بردار ۳۶، فرمان برندگان ۳۸، فَرمان بردارَان ۴۲، فرما بردار ۶۷، فرمان بردگان ۹۱، فرمان بردار آن ۹۴، زنان فرمانبردار ۱۰۶، فرمان بردارنده ۱۱۵، فرمانبران شوهران ۱۲۲

~: وَٱلْقَٰنِتِينَ وَٱلْقَٰنِتَٰتِ (٣٣: ٣٥)
زنان فرمان برداری کنار ۱، زنان فرمان بردار ۳، زنان پاک فرمان بردار ۷، زنان نمازکن ۲۹، فرمان برداران از زنان ۴۷، زنان فرمان بر ۸۰، زنان فرمان برنده ۹۰، زنان فرمان برداران ۹۲، فرمان برداران زنان ۹۹، فرمان بران از زنان ۱۲۴، زنان فرمان برداره ۱۳۴

~: مُسْلِمَٰتٍ مُّؤْمِنَٰتٍ قَٰنِتَٰتٍ تَٰٓئِبَٰتٍ (٦٦: ٥)
فرمان برداری کناران ۱، فرمان بُرداران ۲، نماز کن ۲۹، نماز کنندگان ۹۱، فرمان برندگان از زنان ۱۰۹، فرمانبرداران ۱۱۱، نماز گذارندگان ۱۲۳

قَانِتُونَ: كُلٌّ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ (٢: ١١٦)
فرمان بُردار ۱۰، فَرمان بردَار ۴۲، فَرْمَان بَردَارَان ۵۵، فرمان برندگان ۶۱، فرمان بردارندگان ۹۹، فرمان بردار و گردن نهاده ۱۰۱، فرمانبُردار ۱۱۴، فرمان برندگان ۱۱۸، فرمان بردارنده ۱۲۳

~: كُلٌّ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ (٣٠: ٢٦)
فرمان برداری کناران ۱، فرمان بَردارنْد ۲، فرمان برداران ۳، فرمان بردار ۲۴، فرمان بردارند ۳۰، فرمان بران ۴۱، گردن نهندگان ۴۸، فَرْمَانْ بُردارَانْ ۵۳، فرمان بران و پرستندگان ۱۰۹، فرمانبرداران ۱۱۱

قَانِتِينَ: وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ (٢: ٢٣٨)
فرمان برداری کناران ۱، فُرمَان بُردار و ترسکار ۱۰، نبی خوانان ۴۲، فَرمان بَردَاران ۵۵، فرمان برداری ۶۹، نبی خوانان ۱۰۵

~: ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلْقَٰنِتِينَ (٣: ١٧)
فرمان برداران ۳، فرمان بردار ۱۰، نبی خُوانان ۴۲، فرمان برندگان ۴۹، نماز کنان ۶۰، فرمان بردار آن ۱۰۰، نبی خوانان و فرمان برداران ۱۰۵

~: وَٱلْقَٰنِتِينَ وَٱلْقَٰنِتَٰتِ (٣٣: ٣٥)
مردان فرمان برداری کنار ۱، فرمان بُرداران مردان ۲، مردان فرمان بردار ۳، مردان پاک فرمان بردار ۷، مردان نماز کن ۲۹، مردان و فرمان برداران ۴۲، مردان فرمان برداران ۴۳، فرمان برداران از مردان ۴۷، مردان فرمان بر ۸۰، فرمان برداران مردان ۹۹، مردان فرمانبردار ۱۱۱،

فرمان بران از مردان ۱۲٤

~: وَكُتُبِهِۦ وَكَانَتْ مِنَ ٱلْقَٰنِتِينَ (۶۶: ۱۲)
فرمان بران ۳۹، فرمان بَران ٤۲، نماز کنند گان ۸۰، فرمآن برداران ۱۰۰، فرمانبرداران ۱۱۱

ٱلْقَانِطِينَ: فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْقَٰنِطِينَ (۱۵: ۵۵)
نومید شداران ۱، نومیدان ۲، نومیدان ۳، نومید بود گان ۲٤، نومید شد گان ۳۶، نومیدان ۵۳، نُومیدان ۵۷، نَومیدَان ۶۲، نومید شوند گان ۹۳، نومید آن ۹٤، نومَیدان ۹۹، ناامیدان ۱۱۶، ناامید شوند گان ۱۲۶

ٱلْقَانِعَ: فَكُلُوا۟ مِنْهَا وَأَطْعِمُوا۟ ٱلْقَانِعَ وَٱلْمُعْتَرَّ (۲۲: ۳۶)
خواهنده[1] ۱، ناخواهنده[1] ۲، آنکه نخواهد ٤۳، خواهَنْدَه[1] ۵۳، خواهند گان[1] ۶۱، ناخواهند گان ۱۰۳، خواهنده آن که درخواهد[1] ۱۰۹، درویش ۱۱۶، درویش ناخواهنده ۱۲۳

ٱلْقَاهِرُ: وَهُوَ ٱلْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِۦ (۶: ۱۸)
فرو شکنَنده ۲، شکنندهٔ کامها ۳، فرو شکننده کامها ۲۶، پیش برنده ۳۶، شکننده ٤۱، فرو شکنَنده ٤۲، فرو شکنندهٔ توانا ۵۸، توانا ۶۱، شکنای ۶۲

~: وَهُوَ ٱلْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِۦ (۶: ۶۱)
فرو شکننْده ۲، شکننده کامها ۳۰، فرو شکننده ٤۲، شِگَننده‌ٔ گامَها ۵۵، کامکار ۶٤، بشکننده ۸۸، بالادست ۱۱۲

قَاهِرُونَ: وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَٰهِرُونَ (۷: ۱۲۷)
فرو شکند گان ۲، فرو شکنند گان ٤۲، چیر گان ٤۹، ستم کاران ۵۷، گماشتگان ۵۸، کامکاران شکنند گان کامها ۱۰۹، خوار کنند گان ۱۱۲

قَبَائِلَ: وَجَعَلْنَٰكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓا۟ (٤۹: ۱۳)
تَبارها ۲، پارهاء خردتر ۳، بنگاههای خورد ۶، گروهان ۱۷، تبارها ۳۰، گروهها ۶۱، بنه گاهها ۱۰۹

قَبْرِهِ: وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِۦٓ (۹: ۸٤)
گور ۱، گُور ۵۵

قَبَس: لَّعَلِّىٓ ءَاتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ (۲۰: ۱۰)
اورُوخته[2] ۱، آتش پاره ی فُروغته[3] ۲، پاره ۳، پارهٔ آتش ۲۹، پاره فروخته ۳۰، آتش فراگرفته ۳٤، پاره آتش ۳۶، سرسوخته ۳۸، دستهٔ آتش ٤۳، پاره افروخته ۶۱، آتش پاره ۶٤، اخگر ۱۱۱، شعله ۱۲۶

~: أَوْ ءَاتِيكُم بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (۲۷: ۷)
آتش ۱، پارهٔ آتش ۳، فراگرفته ۲۰، بازگرفته ۲٤، افروخته ۳۰، آتش افروخته ۳۹، روشنایی ٤۱، درگرفته ۱۰۲، فراگرفته شده ۱۱۱

قَبْضًا: ثُمَّ قَبَضْنَٰهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا (۲۵: ٤۶)
درکشیدن ۱، فراکشیدن ۲، گرفتن ۳، برداشتن ٤۲، فراگرفتن ۲۹، فراز کشیدن ۳۰، کشیدن ۳۹، باز بردن ٤۲، باز گرفتن ٤۶، بردن ۵۲، برگرفتن ۵۶، فراز گرفتن ۱۰۸

فَقَبَضْتُ: فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ ٱلرَّسُولِ (۲۰: ۹۶)
بگرفتم ۱، برگرفتم ۲، گرفتم ۳، برداشتم ۲٤، فراگرفتم ۲۹، برگرفتم من ۵۶، بستاندم ۹۶، من بگرفتم ۱۳۹

قَبْضَةً: فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ ٱلرَّسُولِ (۲۰: ۹۶)

---

۱. معنای «قانع» «خواهنده و ناخواهنده» هر دو صحیح است به معنای «خواهنده» از قنوع گرفته شده و «ناخواهنده» از قناعت گرفته شده است.

۲. اوروخته / افروخته.

۳. فروغته / افروخته.

مشتوی ۱، یَکُ مُشت، مشت ۲، گرفتن ۲۹، یک مشت ۳۰، مشتی ۴۳، کف ۴۸، یک چنگال ۷۶، چنگ خاک ۹۶، مشت خاک ۱۰۵، پاره ۱۱۱، یکمشت ۱۱۴، کف خاک ۱۳۸، پاره خاک ۱۳۹

قَبْضَتُهُ: وَٱلْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (۳۹:۶۷)

فرمان ۴۲، بفرمان ۴۳، در فرمان ۵۶، گرفته شده ۱۰۹، بدست گرفته ۱۲۰

قَبَضْنَاهُ: ثُمَّ قَبَضْنَٰهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا (۲۵:۴۶)

در کشید یم ۱، فراکشید یم ما ۲، واگرفتیم ۲۰، فراز کشید یم ۳۰، بازبریم ۴۲، بگرفتیم ۴۳، باز گرفتیم ۴۶، فرا گرفتیم ۴۷، اندر کشید یم ۵۳، بگرفتیم ما ۵۶، گرفتیم ما ۵۸، بکشید یم ۶۹، می گیریم ۷۶، باز گرفتیم ما ۹۰، گرفتیم ۹۱، فراز گرفتیم ۹۴، گیریم ۱۱۴، گرفتیمی ۱۱۹، ببردیم ۱۳۸

قَبْلُ: وَكَانُوا۟ مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ (۲:۸۹)

پیش ۲

~: وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ ٱلْمَوْتَ مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ (۳:۱۴۳)

پش ۷۵

~: وَإِن كَانُوا۟ مِن قَبْلُ لَفِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۳:۱۶۴)

پیش ازین ۲۷

~: مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ ءَابَآؤُهُم مِّن قَبْلُ (۱۱:۱۰۹)

پیش اکنون ۵۸

~: فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَآءِ أَخِيهِ (۱۲:۷۶)

پیش از ۵

~: وَقَالَ يَٰٓأَبَتِ هَٰذَا تَأْوِيلُ رُءْيَٰىَ مِن قَبْلُ (۱۲:۱۰۰)

پیش فرا ۵، پیش ۷۶

~: وَٱلْجَآنَّ خَلَقْنَٰهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ ٱلسَّمُومِ (۱۵:۲۷)

پیش ۵۵

~: أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ (۲۷:۴۰)

پیش از آنکه ۱۳۹

~: كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ (۳۴:۵۴)

پیش ازین ۱۱۶

~: وَأَسْلِمُوا۟ لَهُۥ مِن قَبْلِ (۳۹:۵۴)

پیش ۱

قِبَلَ: أَن تُوَلُّوا۟ وُجُوهَكُمْ قِبَلَ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ (۲:۱۷۷)

سوی ۲، بسُوی ۱۰، از سوی ۲۹، بسوی ۴۰، پیش ۷۵، فراپیش ۱۰۰، برابر ۱۰۴

~: ٱرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُم بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا (۲۷:۳۷)

توان نبهد[1] ۱، توان ۹۱، پیشی ۱۰۰

★ لاقِبَلَ: فَلَنَأْتِيَنَّهُم بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا (۲۷:۳۷)

پیش آمدنی نباشد ۱۲۱

قُبُلًا: وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَىْءٍ قُبُلًا (۶:۱۱۱)

گونها ۳، گروه گروه چشما چشم رُویا روی ۱۰، گروه گروه - رویاروی ۲۷، گروه گروه ۲۹، رویاروی ۳۶، گروه گرُوه ۴۲، گروها گروه ۴۴، میانجی ۶۹، روبروی ۹۶، روباروی ۱۰۶، روبرو ۱۲۱، گواهی دهند گان ۱۲۲

~: أَوْ يَأْتِيَهُمُ ٱلْعَذَابُ قُبُلًا (۱۸:۵۵)

گوناگون ۳، برابر ۸، آشکارا ۲۴، روی باروی ۲۹، روبارو ۴۲، از هر گونه ۴۴، رُویارُوی ۵۳، رُوبارُوی ۶۰، پیش ۶۲، روی یاروی ۷۲، اندرپیش ۷۶، روی بارو ۸۴، رُویاروی ۱۰۹، رویارو ۱۱۴، روی بروی - برابر ۱۲۶، روی بروی ۱۳۷

قُبُلٍ: إِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ (۱۲:۲۶)

---

۱. نبهد / نَبُوَد = نباشد.

پیش ۱، پیش سون ۴۳، پیش ۵۵، پیش ۷۶، پیش رو ۱۲۷

ٱلْقِبْلَةَ: فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَىٰهَا (۲:۱۴۴)
روی گاه ۱۰۹

~: وَمَا بَعْضُهُم بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ (۲:۱۴۵)
پیش ۹۲

~: وَٱجْعَلُوا۟ بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً (۱۰:۸۷)
جای نماز ۳۶، نمازگاه ۵۳، برابر یکدیگر ۶۴، جای نماز سوی روی آور ۱۰۹

قَبْلِكَ: بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ (۲:۴)
پیش ۲

~: وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا۟ (۶:۳۴)
پیش ۱

~: تَٱللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ (۱۶:۶۳)
پش ۱۳۰

قِبَلَكَ: فَمَالِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ (۷۰:۳۶)
سوی ۱، نزدیک ۳۹، نزد ۱۳۸

قَبْلِكُمْ: ٱلَّذِى خَلَقَكُمْ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ (۲:۲۱)
پیش ۵۵، پیش از ۹۰

~: كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ (۲:۱۸۳)
پیش ۱۰

~: سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ قَدْ (۵:۱۰۲)
پیش ۱۱۴

~: قَالَ ٱدْخُلُوا۟ فِىٓ أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم (۷:۳۸)
پیش ۱۰

قَبْلِنَا: كَمَا حَمَلْتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِنَا (۲:۲۸۶)
پیش ۲۵

قَبْلِهِۦ: وَإِن كُنتُم مِّن قَبْلِهِۦ لَمِنَ ٱلضَّآلِّينَ (۲:۱۹۸)
پیش ۱۰

~: وَجَآءَ فِرْعَوْنُ وَمَن قَبْلَهُۥ وَٱلْمُؤْتَفِكَٰتُ بِٱلْخَاطِئَةِ (۶۹:۹)
سوی ۱

* مِن قَبْلِهِۦ: وَمَا كُنتَ تَتْلُوا۟ مِن قَبْلِهِۦ (۲۹:۴۸)
پیش ازین ۱۰۰

قِبَلِهِ: وَظَٰهِرُهُۥ مِن قِبَلِهِ ٱلْعَذَابُ (۵۷:۱۳)
سوی ۱

قَبْلِهَا: قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهَآ أُمَمٌ (۱۳:۳۰)
پیش ۵

قَبْلِهِمْ: أَلَمْ يَرَوْا۟ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ (۶:۶)
پیش ۱

~: كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ (۴۰:۵)
پیش از ۵۶

~: وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ (۴۴:۱۷)
پیش از ۶۴

قَبْلِى: هَٰذَا ذِكْرُ مَن مَّعِىَ وَذِكْرُ مَن قَبْلِى (۲۱:۲۴)
از پیش ۱۲

ٱلْقُبُورِ: وَأَنَّ ٱللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِى ٱلْقُبُورِ (۲۲:۷)
گورها ۱

~: وَمَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِى ٱلْقُبُورِ (۳۵:۲۲)
گور ۲۴، گودها ۱۳۸

~: كَمَا يَئِسَ ٱلْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلْقُبُورِ (۶۰:۱۳)
گورستان ۹۲، گورستانها ۱۱۰

~: وَإِذَا ٱلْقُبُورُ بُعْثِرَتْ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ (۸۲:۴)
گورها ۲، اهل گور ۱۳، گورهاء ۹۰، دریاها ۱۲۰

قَبُول: فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ (۳:۳۷)
پذیرفتن ۲، پذیرفتن ۱۰، پذیرفتن ۵۵، پدرفتن ۸۰، پذیرفته ۱۱۴، پذیرفت ۱۲۵

قَبِیلًا: أَوْتَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَٰئِكَةِ قَبِيلًا (۱۷: ۹۲)
گروه گُروه ۲، پذرفتار ۳، گروه ۲۹، گواه ۳٦، گروهان ۳۹، گروه گروه ٤۲، روباروی ٤۳، پَذرُفتار ۵۵، میانجی رویاروی ۵۸، روی باروی ٦۳، برابر ٦٤، پدرفتار ۸۰، پذیرفتار ۹۰، پذیرفتاری ۱۱٤، روی بروی ۱۲٦، رویارو ۱۳٤، میانجی ۱۳۹

قَبِیلُهُ: إِنَّهُ يَرَىٰكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ (۷: ۲۷)
گره ۱، لشگر دیوان ۱۰، سپاه ۲٤، گروه ۲۷، یاران ٤۲، گُروه ۵۵، لشکرها ۵۸، گروه و یاران ۹٤، لشکر ۹٦، گروهه ۱۱۳

اَلْقِتَالُ: كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ (۲: ۲۱٦)
کازار کردن ۱، کارزار ۵۵، کشش کردن ۱۰۹

~: قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ (۲: ۲۱۷)
کارزار کردن ۲، کارزار کردن ۵۲، کالزار ٦۰، کالزار کردن ۹۵

~: فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا (۲: ۲٤٦)
کارزآر ۹٤، کالزار با دشمنان ۹۵

~: تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ (۳: ۱۲۱)
کازار کردن ۱، دشمن ۱۰، خنگ ۲۳، جَنگ ۲۷

~: فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ (٤: ۷۷)
کارزار ۵۳

~: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ (۸: ٦۵)
کارزارْ ۲، کارزارْ ۵۵، جنگ و کارزار ۱۰۲

~: وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ (۳۳: ۲۵)
کارزار ـ جنگ ۲، کارزار کردن ۳، کارزار، جنگ و کشش ۱۰۹

~: أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُّحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ (٤۷: ۲۰)
کارزار ۲، جنگ کردن ٦، کارزار کِردنْ ۲۲

قِتَالًا: قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَّاتَّبَعْنَاكُمْ (۳: ۱٦۷)
کازار کردن ۱، کشتن ۲، کارزار کردن ۲۷، جنگ ۲۹، کارزار ٤۰

قَتَرٌ: وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ (۱۰: ۲٦)
گرد ۱، سَختیِ ۲، سیاهی و ترِوشی و فروضی[۱] و زشتی ۱۰، سختی ۱۳، گَرد ۲۷، درویشی ٤۱، رنج ۵۳، گرْد و تاریکی ۵۵، دشواری ۵٦، تاریکی ۵۷، زشتی ٦۹، کرْد ۷۵، گرد، تاریکی ۸۰، دژمی ۸۸، تیرگی ۹٤، غبار ۱۲٦

قَتَرَةٌ: وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ (۸۰: ٤۱)
گرد ۱، سختی ۲، اندوه ۲٤، رنج و اندوه ۳۰، تنگی و اندوه و سیاهی ۵٦، تنگی ٦۱، تاریکی و سیاهی ٦٤، تاریکی سیاهی ٦۷، تاریکی همچو دود ۸۰، سیاهی ۹۹، تاریک و سیاه ۱۱۳، تاریک ۱۱٤، سیاه ۱۲۰، تاریکی ۱۲۱، تیرگی ۱۲۲، گردی سیاه ۱۳٤، گرد سیاه ۱۳۸

قَتَلَ: وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ (۲: ۲۵۱)
بَکشتْ ۲، کشت ۳، بکُشت ۱۰

~: وَمَن قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً (٤: ۹۲)
بکشد ۱

~: فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا (۵: ۳۲)
بکُشد ۲، کشتَه باشد ٦۲، بکشته باشد ٦۳، کشته است ٦۷، بکشتستی ۷۵، بکشته است ۹۲، بکُشَدْ ۹٤، بکشته بود ۱۰۰

اَلْقَتْلُ: وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ (۲: ۱۹۱)
کشدن ٤۰، کارزار ٦۱، کارزآر ۱۰۰

~: وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ (۲: ۲۱۷)

---

۱. کذا در اصل متن (؟).

کُشتن ۲، کارزار کردن ۹۰

~: لَبَرَزَ ٱلَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقَتْلُ (۳:۱۵٤)
کُشتن ۲

~: فَطَوَّعَتْ لَهُۥ نَفْسُهُۥ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُۥ (۵:۳۰)
کُشتن ۲

~: زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ ٱلْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَٰدِهِمْ (۶:۱۳۷)
کشتن ۱

قُتِلَ: أَفَإِيْن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ (۳:۱٤٤)
کشته شد ۱، کُشته شود ۲، کشته شود ۳، بکشد او را ۱۰، بکشند ش ۲٤، کشند ش ٤۱، بکشتند ش ۵۳، کشته اید ۵۷، ویرا بکشند ۶۲، کشته گردد ۱۰۰

~: وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلْطَٰنًا (۱۷:۳۳)
کشته شهد ۱، بکشتند ویرا ۵۳، کُشته شود ۵۶، کُشتند ۹٤، بکشد ۱۰۰

~: قُتِلَ ٱلْخَرَّٰصُونَ ٱلَّذِينَ هُمْ فِى غَمْرَةٍ سَاهُونَ (۵۱:۱۰)
نفرین کرده اند ۱۷، کشته بادندا ۵۱، نفرین کرده شوند ۱۲۱

~: إِنَّهُۥ فَكَّرَ وَقَدَّرَ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۷٤:۱۹)
کشته باد ۲، بکفت شد ۳۹، کشته کرده شد ۹۱، بنفریدند ۱۰۲، نفرین کرده شد ۱۰۹

~: ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۷٤:۲۰)
بکفت شد ۳۹، نفرین کرده شده باد ۹٤

~: قُتِلَ ٱلْإِنسَٰنُ مَآ أَكْفَرَهُۥ مِنْ أَىِّ شَىْءٍ خَلَقَهُۥ (۸۰:۱۷)
بکشاد ٤۲، بکشاد او را ۵۲، کشته شده باد ۸۰، کشته باد ۹۰، نفرین کرده باد ۱۱٤

~: قُتِلَ أَصْحَٰبُ ٱلْأُخْدُودِ ٱلنَّارِ ذَاتِ ٱلْوَقُودِ (۸۵:٤)
کُشته گشتند ۲، بکشاند ۲۹، کشته گشتند ۳۰، بنفرین کرده شد ۹٤، کشته کرده شدند ۱۳۹

★ أَوْ قُتِلَ: أَفَإِيْن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ (۳:۱٤٤)
یاش بکشند ٤۰

قَتَلْتَ: قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةًۢ بِغَيْرِ نَفْسٍ (۱۸:۷٤)
بکشتی ۱، بکُشتی ۲، همی بکشتی ۱۰۸، کشتی تو ۱۲٤، بکشی ۱۲۸

~: وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَٰكَ مِنَ ٱلْغَمِّ وَفَتَنَّٰكَ فُتُونًا (۲۰:٤۰)
بکشتی ۲، بکشتی تو ۲۹، کشتی ۳۰، بکُشتی تو ۵۶، تو بکشتی ۹۶، کشته بودی ۱۱۱

~: قَالَ رَبِّ إِنِّى قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا (۲۸:۳۳)
بکشتم ۱، کشته ام ٤۷، بکشم ۶۱، بکشته ام ۶٤، کشتم ۸۶، من کشته ام ۱۰۳

قُتِلَتْ: وَإِذَا ٱلْمَوْءُۥدَةُ سُئِلَتْ بِأَىِّ ذَنۢبٍ قُتِلَتْ (۸۱:۹)
کُشند ش ۲، کشتند ۳۰، کشته شد ۳۶، کشتند او را ٤۲، کشته شد ۵۶، بکشت شما را ۹۹، کشته شدند ۱۰۰، کشتند ش ۱۰۸، کشته شده ۱۱۱، کشته شدن ۱۱۳، کشته شده اند ۱۳۲، بکشتند ۱۳٤، کشته شده است ۱۳۶

قَتَلْتُمْ: وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَٱدَّٰرَٰءْتُمْ فِيهَا (۲:۷۲)
کُشتیت ۳، بکُشتید ۱۰، بکشتی شما ۲٤، بکشتید ۲۹، بکُشتید ٤۲، کشتیت ۵۵، بکشتید ۶۱، بکشتید شما ۶۳، بکشید ۸۲، کشتید شما ۹۹

قُتِلْتُمْ: وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ (۳:۱۵۷)
کشته شید ۱، کشته شویت ۳، بکشند شما را ۱۰، کشته شدید ۲۷، کشته گردید ٤۲، بشوید کُشته ۵۸، کارزار کنید ۷۵، بکشتند شما را ۷۶، کُشته گردید ۹٤، شما را کشند ۹۶، کشته شوید شما ۱۰۰، کشته گردد ۱۰۷، کشته شدید شما ۱۱۸، کشته گردید ۱۲۸

~: وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى ٱللَّهِ تُحْشَرُونَ (۳:۱۵۸)
بکشندتان ۱۰، تان بکشند ۲٤، کشته شوید ۲۷، بکشید ۷۶

قَتَلْتُمُوهُمْ: فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (۳: ۱۸۳)
می کشتید ۱، کُشتید ۲، کشتیت ۳، کشتید ۱۰، بکشتی ۲٤، بکشتید شما ۵٦، کشتید شما ۵۸، بکشتید ۹۰، کُشتید ۹٤، میکشتید ۱۰۰

★ لِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ: فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ (۳: ۱۸۳)
چرا کشتید ٦۷

قَتَلْنَا: وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا ٱلْمَسِيحَ عِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ (٤: ۱۵۷)
بکشتیم ۱، بکشتیم ۲، کشتیم ۳، بکشیم ۷۰، ما کشتیم ۹٦، بکشتیم ما ۱۰۰، به کشتیم ما ۱۲٤

قُتِلْنَا: لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ ٱلْأَمْرِ شَىْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَٰهُنَا (۳: ۱۵٤)
کشته شدیمی ۵٦، کشته آمدیمی، کشته آمدیم ۵۷، کشته شدیم ما ٦۱

★ مَاقُتِلْنَا: مَّا قُتِلْنَا هَٰهُنَا (۳: ۱۵٤)
کشته نشدی ایما ۱، کشته نه شدیمی ۳، ما را بر هم نه کشتندی ۱۰، بنه کشتند ما را ۲٤، کشته نشد یمی ۲۷، بنکشتندی ۲۹، بَرهم نهٔ کشتند ٤۰، کشته نگشتیمی ۵۲، نه کشتندی ما را ۵۳، کشته نشدیمی ۵۵، بنه کشتندی ما را ٦۲، نکشتند ما را ٦۳، کشته نشدیمی ما ٦٤، نکشتندی ما را ۷٦، کشته نشدیم ۹۲، کشته نگشتیم ۹٤، ما را نکشته بودندی ۹٦، کشته نشدمانی ۱۰۰، نکشتند ما ۱۰٤، کشته نگشتمی ۱۰۵، نکشتندمانی ۱۱٤، کشته نمی شدیم ۱۲۲، کشته نمی گشتیم ۱۳٦

قَتَلَهُ: قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ (۵: ۳۰)
بکُشت ۹٤

~: وَمَن قَتَلَهُ مِنكُم مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ (۵: ۹۵)
بکشت ۱، بکشتْ ۲، بکُشد ۲، کشد ۳، بکشند ۲٦، کشت ۲۷، بکشد ۲۹، کُشت ٤۵، بُکشت ٤۵، کشته باشد ٦۱، بکشته باشد ٦۳، کشتست ٦٤، کشته است ۹۲، کشته بود ۹۸

~: فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا لَقِيَا غُلَٰمًا فَقَتَلَهُ (۱۸: ۷٤)

بکُشت ۲

قَتَلَهُمْ: فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ قَتَلَهُمْ (۸: ۱۷)
بکشت ۱، کشت ۱۰، کشت ۲٤، بکشد ۱۲٤

قَتْلَهُمْ: وَقَتْلَهُمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ (۳: ۱۸۱)
کشتن ۱

~: وَقَتْلِهِمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ (٤: ۱۵۵)
کشتن ۲

قَتَلُوا: قَدْ خَسِرَ ٱلَّذِينَ قَتَلُوٓا۟ أَوْلَٰدَهُمْ سَفَهًۢا (٦: ۱٤۰)
بکشتند ۱، بکشتَند ۲، کشتند ٦۱، بِکُشْتَند ۹٤، کشتن ۱۳۰

قُتِلُوا: لَّوْ كَانُوا۟ عِندَنَا مَا مَاتُوا۟ وَمَا قُتِلُوا۟ (۳: ۱۵٦)
کشته شدندی ۳، بَکشدندی شان ۱۰، کُشتندی ۲۳، کشتندی ایشانرا ۵۳، کشتَه شدندی ۵۷، کشته می شدند ۱۲۲

~: لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا۟ (۳: ۱٦۸)
کشته گشتند ۲، کشتندی شان ۱۰، کشته شد ۲۷، کشته شوند ۹۷، کُشته گشته‌اند ۱۰۷

~: وَلَا تَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمْوَٰتًۢا (۳: ۱٦۹)
بکشتندشان ۱۰، بکشتند ایشانرا ۲٤، بکشتند ۷۲، اوشانرا کشتند ۹٦، کشته شدن ۱۱۱، کشته شده‌اند ۱۳۰

~: ثُمَّ قُتِلُوٓا۟ أَوْ مَاتُوا۟ لَيَرْزُقَنَّهُمُ ٱللَّهُ (۲۲: ۵۸)
کشته شدند ۱، کشته گشتند ۲، کارزار کردند ۱۲

~: وَٱلَّذِينَ قُتِلُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَٰلَهُمْ (٤۷: ٤)
کُشته شدند ۵٦، کارزار کنند ۱۰۳، کارزار کنند و کشته شوند ۱۱۱

★ مَا قُتِلُوا: لَّوْ كَانُوا۟ عِندَنَا مَا مَاتُوا۟ وَمَا قُتِلُوا۟ (۳: ۱۵٦)
کشته نشدندی ۱، نکشتندی ۳۸، کشته نه شدندی ٤۰، بنه کشتندی ۷٦، نکشته شدندی ۱۱۵

~: لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا (۳: ۱۶۸)
نَکشتندی ایشانرا ۲۳، بنکشتندی ۲۹، نکشتند ایشانرا ۵۳، نکشتندی ایشانرا ۷۶، کُشتَه نشدندی ۹۴، اوشانرا نکشتندی ۹۶، کشته نمی شدند ۱۱۱، کشته نگشتندی ۱۲۱، کشته نگشتند ۱۲۸

قُتِّلوا: أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا (۳۳: ۶۱)
کشته شند ۱، کشته شوند ۳، بکشتندشان ۲۹، بکشید ۴۲، بکشند ایشانرا ۴۷، برهم کشندشان ۵۶، کشته شدند ۱۳۹

قَتَلُوهُ: وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ (۴: ۱۵۷)
کُشتَند ۲، کشتند ۱۰

* ماقَتَلُوهُ: وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ (۴: ۱۵۷)
بنکشتند ۱، نکُشتَند ۲، بنه کشتند ۲۴، نکشتند ۵۳، نکشته بودند ۹۶، نه کشتند ۱۰۷

اَلْقَتْلَى: كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى (۲: ۱۷۸)
کُشتگان ۲، کشتگان ۳، کُشتگانْ ۵۵، کشتن ۶۰، کشندگی ۷۵، کشندگان ۸۸، گشتگان ۱۲۳، کشته گان ۱۳۵

قَتُوراً: وَكَانَ الْإِنسَانُ قَتُورًا (۱۷: ۱۰۰)
خرد انگارش ۲، نیک زفت ۳، تنگ نفقه و خشک ۸، تنگ کننده ۳۶، تنگ دل ۳۹، خشک دست ۴۱، تنگ دل و تنگ کار ۵۳، تَنگ زفت ۵۵، تنگ دل و بیچاره ۵۸، بخیال[1] ۵۹، تنگ فراگیرنده ۶۰، خرد انگارش ۷۸، تنک دست ۸۴ و۱۰۹، تنگدست ۸۸، تنگ هزینه ۹۴، نیک هزینه ۱۰۸، تنک فراگیرنده ۱۱۹، نیک خود را فراگرفته ۱۲۱، تنگ دستان ۱۲۹

قِثَّائِهَا: مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ مِن بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا (۲: ۶۱)
خیار ۲، خِیار ۱۰، خِیّار ۵۵، خیارها ۱۱۵، خیار و بادرنگ ۱۲۳

قد: قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ (۲: ۶۰)
چنانکه ۲۹، چون ۶۷

~: تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ (۲: ۱۴۱)
بدرست که ۵۹

~: قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ (۲: ۱۴۴)
گاه ۱۲۲

~: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَد تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (۲: ۲۵۶)
که ۲۷

~: قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا (۳: ۱۳)
خود ۲۹

~: قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ (۳: ۱۳۷)
براستی ۵۸

~: وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِن قَبْلُ (۴: ۱۶۴)
که ۲۷، خود بدرستی ۸۸

~: وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِن قَبْلُ (۵: ۷۷)
بدرستی ۳

~: قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۶: ۹۷)
نیک ۲

~: يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُم مِّنَ الْإِنسِ (۶: ۱۲۸)
بدرستی و راستی ۲۷

~: قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ (۷: ۱۶۰)
بدرستی که ۳۶

~: قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ (۱۰: ۴۵)
درست ۵۹

[1] بخیال، گونهٔ دیگری است از بخیل (؟).

~: وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُواْ (۱۲:۱۱۰)
بَدرستی ۵۵

~: قَدْ أَفْلَحَ ٱلْمُؤْمِنُونَ (۲۳:۱)
بدرستیکه ۱۲۱

~: قَدْ يَعْلَمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمْ لِوَاذًا (۲٤:٦۳)
بدرستی نیک ٦۱

~: قَدْ يَعْلَمُ مَآ أَنتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ (۲٤:٦٤)
نیک ۲

~: قَدْ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوْلَ ٱلَّتِى تُجَٰدِلُكَ فِى زَوْجِهَا (۵۸:۱)
هر آینه ۳۰

فَقَدْ: فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ (۲:۱۰۸)
بدرست که ۵۹

~: وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُۥ (۲:۲۳۱)
بدرستی که ۲۷

~: فَقَدْ هُدِىَ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۳:۱۰۱)
هر آینه ۵۸

~: إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ ٱلْقَوْمَ قَرْحٌ (۳:۱٤۰)
نیز ۲۷، همچنین ۵۸

~: فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (۳:۱٤۳)
تخود[1] ۱

~: وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱفْتَرَىٰٓ إِثْمًا عَظِيمًا (٤:٤۸)
که ٦۱

~: وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا (٤:۱۱٦)
هر آینه که ۱۲٤

~: وَمَن يَكْفُرْ بِٱلْإِيمَٰنِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُۥ (۵:۵)
هر آینه ۲

~: إِن كُنتُ قُلْتُهُۥ فَقَدْ عَلِمْتَهُۥ (۵:۱۱٦)
هرآینه ۲، نیک ۲٦

~: فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقَدْ أَبْلَغْتُكُم مَّآ أُرْسِلْتُ بِهِۦٓ إِلَيْكُمْ (۱۱:۵۷)
درست ۵۹

~: فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًۢا (۲۵:۷۷)
بدرستی و راستی ۱۱۳

~: فَقَدِ ٱحْتَمَلُواْ بُهْتَٰنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (۳۳:۵۸)
بدرستی ۳

★ فَقَدْ كُذِّبَتْ: فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ (۳۵:٤)
تدروزن گرفته شدند[2] ۱

لَقَدْ: لَّقَدْ سَمِعَ ٱللَّهُ قَوْلَ ٱلَّذِينَ ... (۳:۱۸۱)
نیک ۲

~: لَّقَدْ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ ... (۵:۱۷)
دُرُست ۲

~: لَّقَدْ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ ثَالِثُ ثَلَٰثَةٍ (۵:۷۳)
هر آینه ۲

~: وَقَالَ يَٰقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّى (۷:۷۹)
بدرستی و رآستی ۹٤

~: لَّقَدْ كَانَ فِى يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِۦٓ ءَايَٰتٌ لِّلسَّآئِلِينَ (۱۲:۷)
بدرستی و راستی که ٦٤، بدرستیکه ۱۱۸

~: لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبًا (۱۸، ٦۲)
خود ۳٤

~: لَقَدْ أَنزَلْنَآ إِلَيْكُمْ كِتَٰبًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ (۲۱:۱۰)
بدرستی که ۱۲

---

۱. تخود / پس خود.
۲. تدروزن گرفته شدند / پس دروغ زن گرفته شدند.

~: لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰؤُلَاءِ يَنطِقُونَ (٢١: ٦٥)
نیک ٢

~: لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي (٢٥: ٢٩)
بَدُرستی که ٧٦

فِي السَّبْتِ
وَلَقَدْ: وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنكُمْ (٢: ٦٥)
نیک ٢، هر آینه نیکو ١٢٣، هر آینه بدرستیکه ١٣٦

~: وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ (٢: ٨٧)
بَدُرُستی که ٩٤

~: وَلَقَدْ جَاءَكُم مُّوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ (٢: ٩٢)
هر آینه بدرستی ٩٢

~: وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ (٣: ١٤٣)
هر آینه ٢

~: وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ (٣: ١٥٢)
بدرستی ٥٨

~: وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ (٤: ١٣١)
بدُرستی که ٤٥

~: وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (٥: ١٢)
نیک ٢

~: وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ (٦: ٣٤)
هراینه ٢، همچنین ٩

~: وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ (١٣: ٣٨)
خود ٦٢

~: وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ (١٦: ١٠٣)
نیک ٢

~: وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ (١٧: ٧٠)
بدرستی و راستی ٥٨

~: وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ (٢٩: ١٤)
بدرستی که ٣٤

~: وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ (٣٠: ٤٧)
بدرستی و راستی ٣

~: وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ (٤٤: ١٧)
بدُرستی ٢

~: وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ (٤٤: ٣٠)
بدرستی ٢، بدرستی ٣٢

~: وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ (٦٧: ٥)
درستی ٣٩

~: وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ (٨١: ٢٣)
دُرست ٢

وَقَدْ: وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ (٢: ٧٥)
بدرستی ٣، بدرستیکه ١٢١

~: وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً (٢: ٢٣٧)
بدرستی که ٢٧

~: وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ (٤: ٢١)
هراینه ١٢٤

~: آلْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ (١٠: ٩١)
هان بدرستی که ٩٤، درست شد ١٢٤

~: وَقَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِمُ الْمَثُلَاتُ (١٣: ٦)
که ١١٣

~: وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا (١٣: ٤٢)
نیک ٢

~: لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ (١٥: ١٣)
خود ٢

~: وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا (١٦: ٩١)
بدرستی ٥٥

~: وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (٥٧: ٨)
درستی که ١١٤

~: وَقَدْ تَّعْلَمُونَ أَنِّى رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيْكُمْ (٦١ :٥)
نیک ۲

قُدَّ: إِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ (١٢ :٢٦)
دریده شد ۱، دریده شدست ۲، درانیده شده بود ۳۰، دریده شدست ۳٦، دریده ۳۸، پاره کرده شد ۳۹، بدریده است ۵۳، دَریدَه شدَه بُود ۵۵، درّیده ٦۰، پاره شده ٦۱، دریده است ٦۳، پاریده ۹۹، دریده باشده ۱۰٤، دردیده شده ۱۱۹، پاره شده باشده ۱۲۲، دریداست ۱۲۹، دریده شده [است] ۱۳٦

~: وَإِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ (١٢ :٢٧)
دریده شدست ۲، درانیده شد ۳، دریده شده باشد ۳۰، بشکافته است ۳٤، دریده بود ۵۳، دریده شده است ٦۳

~: فَلَمَّا رَءَا قَمِيصَهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٍ (١٢ :٢٨)
درانیده شده ۳، درید ٤۸، دریده شده بود ٦۳، پاره شده بود ۱۳٦

★ [كَانَ] قُدَّ: إِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن قُبُلٍ (١٢ :٢٦)
هست دریده ۲٤، بود شکافته ٦۲

قَدَّتْ: وَقَدَّتْ قَمِيصَهُۥ مِن دُبُرٍ (١٢ :٢٥)
بدرید ۱، بدرنْد ۲، درانید ۳، دریده شد ٤۳، دَرانیْد ۵۵، پاره کرد ۵۸، بشکافت آن زن ٦۲، دراند ۸۰، بش کافت ۹۵، بدرانید آن زن ۹٦، پاره کرد آن زن ۱۰٤، بدریده شد ۱۰٦، بدرید بشکافت ۱۰۹، درید ۱۱٤، بدرید آن زن ۱۲۸، دریده ۱۳۰

قَدْحًا: وَٱلْعَٰدِيَٰتِ ضَبْحًا فَٱلْمُورِيَٰتِ قَدْحًا (١٠٠ :٢)
سُنب ۳٦، آتش ۵۲، آتش بیرون آوردن ۷۹، افروختن ۱۰۹، [آتش] بیرون آوردن ۱۲۰، آتش زننده ۱۲٦، سمها ۱۳٦، آتش جستن ۱۳۸

قِدَدًا: وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَ كُنَّا طَرَآئِقَ قِدَدًا (٧٢ :١١)

پراکنده ۲، ناهم دل ۳، گروه گروه ۱۹، گروه ۳۹، ناهمور ۸۰، بر کنده ۱۰۸، پراکندگان ۱۰۹، گوناگون ۱۲۲

قَدَرَ: وَأَمَّآ إِذَا مَا ٱبْتَلَىٰهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُۥ (٨٩ :١٦)
تنگ بکند ۲٤، باندازد ۳۹، تنگ کند ۵۱، تنگ گرداند ٦٤، تنگ کرد ۹۲، تنگ باز گیرد ۱۱۱، تنگ سازد ۱۲۰، تنگ گیرد ۱۳٤

ٱلْقَدْرِ: إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ (٩٧ :١)
أندازه کردن ۲، اندازه کردن ٥٦

~: وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا لَيْلَةُ ٱلْقَدْرِ (٩٧ :٢)
اندازه ۹۱

قُدِرَ: فَٱلْتَقَى ٱلْمَآءُ عَلَىٰٓ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ (٥٤ :١٢)
أندازه کرده بُود ۲، اندازه کرده شده بود ۳۰، اندازه کرده آمد ۳۸، اندازه کردندش ۳۹، گزارده شد ٤۱، اندازه کرده ٤۳، اندازه کرده بود ۵۲، اندازه کردش ٦۱، اندازه کرده بودند ۱۰۵، اندازه کرده شده ۱۰۹

~: وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُۥ فَلْيُنفِقْ مِمَّآ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ (٦٥ :٧)
تنگ کرده باشند ۲٤، تنگ کنند ۲۹، تنگ گردانند ۳۰، تنگ کرده شود ۳۹، تنگ شد ٤۱، تنگ کند ٤۳، تنک گردانیده شد ۵٦، اندازه کرده شد ٦۹، تنگ گرداند ۸۸، تنگ کرده شد ۹۲، تنک کرده شده است ۱۰۳، تنگ گرفته شده ۱۳۲

قَدَّرَ: وَبَٰرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَآ أَقْوَٰتَهَا فِىٓ أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ (٤١ :١٠)
اندازه کرد ۳، پیدا کرد ۹٦، اندازه پدید کرد ۱۳۲

~: إِنَّهُۥ فَكَّرَ وَقَدَّرَ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (٧٤ :١٨)
بینداخت ۲۹، اندازه گرفت ۳۹، اندازه کردست ٦٤، اندازه راست کرد ۱۲۰

قَدِّرْ: أَنِ ٱعْمَلْ سَٰبِغَٰتٍ وَقَدِّرْ فِى ٱلسَّرْدِ (٣٤ :١١)

أنـدازه کُـن ۲، انـدازه کـن ۳، بـانـدازه کـن ۲٤، انداخت کن ۲۹، اندازه گیر ۳٦، اندازه نگاه دار ٤۷، اندازه نگه‌دار ۱۰۰، اندازه کن ـ نگاه دار ۱۰۹، اندازه نگهدار ۱۱٦، اندازه نگاهدار ۱۳۲

قَدَرًا: وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا (۳۳:۳۸)
اندازه ٤۳، بودن ۱۱۳

قَدَر: وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ (۱٥:۲۱)
أندأزه ۲، أنداز‌ۀ ٥۳، آنداز‌ه ٥٥

~: ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَٰمُوسَىٰ (۲۰:٤۰)
اندازۀ که نهاده بود ۹٤

~: وَلَٰكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَآءُ (٤۲:۲۷)
اندازه ۱، اندازه ۳۲، اندازه‌ها ۱۳۰

~: إِنَّا كُلَّ شَىْءٍ خَلَقْنَٰهُ بِقَدَرٍ (٥٤:٤۹)
آنداز‌ه و توانایی ٥۳

~: فَجَعَلْنَٰهُ فِى قَرَارٍ مَّكِينٍ إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ (۷۷:۲۲)
پیدا کرده ٤۱

قَدْرًا: قَدْ جَعَلَ ٱللَّهُ لِكُلِّ شَىْءٍ قَدْرًا (٦٥:۳)
اندازه ۲

قَدَرْنا: فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ ٱلْقَٰدِرُونَ (۷۷:۲۳)
باندازه کردیم ٦، اندازه کردیم ۱۹، بیافریدیم ۷٦، اندازه پدید کردیم ما ۷۹، اندازه کردیم ما ۱۰۰، توانا بودیم ۱۱٦، بینداختیم ۱۲٥، انداختیم ما ۱۳۸

قَدَّرْنَا: إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ قَدَّرْنَآ إِنَّهَا لَمِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ (۱٥:٦۰)
أنـدازه کـردیـم ۲، انـدازه کـردَیـم مـا ٦۱، انـدازه کرده‌ایم ۹٤، فرموده‌ایم ۱۰٤

~: وَقَدَّرْنَا فِيهَا ٱلسَّيْرَ (۳٤:۱۸)
پیدا کردیم ۱۸، آواره کردیم ۲٤، اندازه کردیم ما ۸۷، اندازه کرده بودیم ۱۰۲، باندازه ۱۱۳، میانه کردیم ۱۳۲

~: نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ ٱلْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (٥٦:٦۰)
اندازه کردیم ۲، اندازه کرده‌ایم ۱۳٦، انداختیم ما ۱۳۸

قَدَّرْناهُ: وَٱلْقَمَرَ قَدَّرْنَٰهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ (۳٦:۳۹)
اندازه کردیم ۳، بساختیم ۲٤، اندازه زدیم ۹٦

قَدَّرْناها: إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ قَدَّرْنَٰهَا مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ (۲۷:٥۷)
اندازه کردیم ٤٦، اندازه کرده بودیم ٤۷، اندازه کردیم ما ۸۷

قَدَرُهُ: وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى ٱلْمُوسِعِ قَدَرُهُۥ وَعَلَى ٱلْمُقْتِرِ قَدَرُهُۥ (۲:۲۳٦)
أندازَه ۲، اندازه ۱۰، توان ۸۸

قَدْرِهِ: وَمَا قَدَرُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦٓ (٦:۹۱)
اندازه ۲، شناختن ۹، شناخت ۳۹، شناخت و پرسش ٤۱، شناختَن ٥٥، بزرگی و شناخت ٥۸، شناسایی ۱۲۲

~: مَا قَدَرُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦٓ (۲۲:۷٤)
اندازه ۲، دانستن ۹٦، بزرگ گفتن ۱۱۳

~: وَمَا قَدَرُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِۦ وَٱلْأَرْضُ جَمِيعًا (۳۹:٦۷)
بزرگ داشتن ۳، بزرگ داشت ۳۰، بزرگی گفتن ۷۹، شناخته ۱۰٥، بزرگی ۱۳۲

قَدَّرَهُ: وَٱلْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُۥ مَنَازِلَ (۱۰:٥)
أندازه کرْد ۲، پدیدار کرد ٥۳، آنداَزه کَرد ٥٥، پیدا کرد ٥۸، بساخت اندازه کرد ٦۷، انداخت ۸٥، ساخت و انـدر کـرد ۹۲، پدید کرد ۱۲٤، اندازه گرفتن ۱۲۸

~: وَخَلَقَ كُلَّ شَىْءٍ فَقَدَّرَهُۥ تَقْدِيرًا (۲٥:۲)
بساخت ۱، اندازه کرد ۲، باندازه کرد ۲٤، آندازه کَرْد ٥۳، باندازه بکرد ۷٦، بَآندازَه کرد ۱۱۹، براندازه کردن ۱۲٤

~: مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ (۸۰: ۱۹)
باندازه آفرید ۲۴، اندازه بکرد ۴۲، بینداخت ۵۱، اند آزه کرد ۱۰۰، آماده ساخت ۱۱۶، انداخت ۱۳۸

بِقَدَرِهَا: فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا (۱۳: ۱۷)
اندازه ۲

قَدَرُوا: وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ (۶: ۹۱)
شناختند ۳، اندازه نهاد ۲۶، شِناختند ۵۵، اندازه نهادند ۸۸، شناخت ۱۰۰

~: وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا (۳۹: ۶۷)
بزرگ داشتند ۳، شناسند ۱۱۴

★ مَاقَدَرُوا: وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ (۶: ۹۱)
نَنهادند اندازه ۲، بنه شناختند ۲۴، نشناختند نپرستیدند ۴۱، اندازه ننهادَند ۴۲، اندازه ننهادند ۵۲، آنچه نشناختند ۷۶، نشناختهاند ۱۲۲، نداشتند بزرگ ۱۲۴

~: مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ (۲۲: ۷۴)
نشناختند و بزرگ نداشتند ۵۸، ندانستند اندازه ۶۱، بنشناختند ۶۴، ندانستند ۹۶، نشناسد ۱۰۵، بدورگی نگفتند ۱۱۳

~: وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا (۳۹: ۶۷)
نشناختند ۲۴، نشناشتند ۲۹، بزرگ نداشتند ۳۰، نشناسند ۵۲، بزرگی نگفتند ۷۹، نشناسند اندازه ۱۲۴، بزرگ ندانستند ۱۳۲

قَدَّرُوهَا: قَوَارِيرَا مِن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا (۷۶: ۱۶)
بساختند ۱، اندازه کردند ۳، انداخته باشند ۵۲، اندازه کرد ۶۱، اندازه کرده باشند ۱۰۳، باندازه کرده باشند ۱۱۳، اندازه کردهاند ۱۳۸

الْقُدُسِ: وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ (۲: ۸۷)
پاکی ۱۱۴

~: وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ (۲: ۲۵۳)
پاک ۱، پاکیزه ۲۷

~: إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ (۵: ۱۱۰)
پاکیزه ۲، پاکیزه ۹، پاک و پاکیزه ۱۱۱

~: قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ (۱۶: ۱۰۲)
پاک ۲

قَدَّمَ: قَالُوا رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا (۳۸: ۶۱)
پیش کرد ۱، پیشی کرد ۲۲، نهاد ۲۴، فراپیش داشت ۲۹، پیش فرستد ۳۰، پیش کند ۳۳، پیش آمد ۴۲، پیش داشت ۷۹، درپیش داشت ۱۱۳، فراداشت پیش ۱۲۳، پیش داشته ۱۳۶

~: يُنَبَّأُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ (۷۵: ۱۳)
پیش فرستاد ۳، پیش فرستاده ۶، پیش فرستاده باشند ۶۴، فراپیش داشته بود ۱۰۰، فرستاد ۱۰۸، درپیش داشته باشند ۱۱۳

قَدَمَ: أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِندَ رَبِّهِمْ (۱۰: ۲)
پایگاه ۳، پیش فرستاده ۳۶، پیش داشته ۳۹، روش ۴۱، پیشی ۸۳، پیش ۱۰۵، پایه گاه ۱۰۹

~: فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا (۱۶: ۹۴)
پایها ۲، پیش پا ۳، استادن ۲۴، پای ۲۹، پا ۵۳، پیش پای ۵۶

★ قَدَمَ صِدْقٍ: أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِندَ رَبِّهِمْ (۱۰: ۲)
پایگاهی بَلَندْ ۵۵

قَدَّمَتْ: وَلَن يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (۲: ۹۵)
پیش فرستادَست ۴، پیش بَفرستادَ ۴۲، پیش بفرستَاد ۵۲، پیش گَرْدَهْ است ۵۳، پیش کرده است ۵۷، پیش فرستادهاند ۶۲، پیش بفرستاد ۷۶، فرستاده است ۹۲، درپیش کرد ۱۰۱، فراپیش کرده است ۱۰۵، پیش کردهست ۱۰۷، فرستاده ۱۱۱، آفرینش کرده است ۱۲۵

~: ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ (۳: ۱۸۲)

پیش فرستاد ۲، پیش کردست ۱۰، پیش کرد و بفرستاد ۲۷، پیش بفرستاده است ۲۹، پیش فرستاد ۴۲، پیش از خود فرستاده ۱۲۲، فرستادی ۱۲۴، پیش فریستاد ۱۲۸، در پیش افکند ۱۳۵

~: إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (۴: ۶۲)
پیش کرده باشد ۵۳، ازپیش فرستاد ۵۷، پیش آمد ۵۸، پیش داشتند ۱۰۶

~: لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ (۵: ۸۰)
هاپیش داشتند ۵۷، فراپیش داشت ۶۳، بگذشت ۷۵، فرستاد ۸۸، فرستادند ۹۲

~: ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ (۸: ۵۱)
پیشی کردست ۸۸

~: فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ (۱۸: ۵۷)
درپیش داشته بود ۴۲، پیش کرد و فرستاد ۵۸، پیش فرستاده است ۶۲، پیش داشته بود ۷۶، پیش کرده ۱۳۲

~: ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ (۲۲: ۱۰)
پیش فرستاد ۲، پیش کرده بود ۱۲، پیش فرستاده است ۲۴، درپیش افکند ۴۲، پیش فرستادند ۵۶، پیشی کرد ۵۸، درپیش داشت ۱۱۳، پیش فرستاده ۱۳۲، پیش کردی ۱۳۶

~: تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (۲۸: ۴۷)
پیش فرستاده بود ۲۴، کردند و پیش فرستادند ۵۸، کرده باشند ۷۶

~: وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (۳۰: ۳۶)
پیش فرستادست ۲۴، فراپیش داشتند ۲۹، پیش داشت ۴۲، ازپیش فرستاده است ۶۲

~: وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (۴۲: ۴۸)
پیش کرد ۱، پیش کردست ۲۲، پیش فرستاد ۳۲، فراپیش داشته باشند ۸۱

~: وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ (۵۹: ۱۸)
فراپیش داشت ۱۰۰، درپیش داشته ست ۱۱۳، فراپیش داشته است ۱۳۸

~: وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُۥٓ أَبَدًۢا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (۶۲: ۷)
کرد ۲۹، فراپیش فرستاد ۱۰۰، پیش داشته است ۱۳۶

~: يَوْمَ يَنظُرُ ٱلْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ (۷۸: ۴۰)
درپیش داشته ۱۱۳، پیش فرستاده باشد ۱۱۶، پیش داشتند ۱۳۸

~: عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (۸۲: ۵)
پیش فرستاد ۲، درپیش داشته باشد ۷۹، ازپیش فرستاده ۱۱۱، درپیش داشته شود ۱۱۳، فراپیش داشته باشد ۱۳۴

★ قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ: بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (۲: ۹۵)
کردستند ۴۰

~: إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (۴: ۶۲)
کرده‌اند ایشان ۲۴

★ مَا قَدَّمَتْ: ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ (۲۲: ۱۰)
پیش بفرستاد ۱۰۵

★ مَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ: بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ (۳: ۱۸۲)
آن خود کردتان ۴۰

★ مَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ: بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (۲: ۹۵)
آنچه کردند ایشان ۴

قَدَّمْتُ: وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِٱلْوَعِيدِ (۵۰: ۲۸)
پیش کردم ۱، پیش فرستادم ۲، پیش رفتم ۳۰، پیش بفرستادم ۳۸، پیش فرستاده بودم ۳۹، بفرستادم ۸۱، پیش فرستاده‌ام ۸۶، فراپیش داشتم ۱۰۶، پیش فرستادیم ۱۱۴، پیش فرستادم من ۱۲۴، درپیش داشتیم ۱۳۰

~: يَقُولُ يَٰلَيْتَنِى قَدَّمْتُ لِحَيَاتِى (۸۹: ۲۴)

پیش داشتمی ٤٢، پیش فرستادمی ٦١، درپیش داشتمی ٧٩، فراپیش میداشتم ١٠٠، فراپیش داشتمی ١١١، پیش ازاین کار بندمی ١٣٩

قَدَّمْتُمْ: يَأْكُلْنَ مَاقَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا (١٢:٤٨)
پیش کرد ١، پیش فرستادیت ٣، داشتید ٢٩، پیش نهاده باشید ٣٦، پیش کردید ٣٩، پیش نهادیت ٤١، ازپیش نهاده باشید ٤٢، پیش فرستادیت ٥٥، نهاده باشید ٥٨، فراپیش داشته باشید ٦٣، پیش نهاده‌اید ٦٧، درپیش داشتید شما ٧٩، پیش فرستاده باشیت ٨٣، ازپیش نهاده باشید ٩٣، شما فراپیش داشتی ٩٥، پیش داشته باشید ٩٦، پیش فرستاده‌اید ١٠٤، فراپیش داشته‌اید ١٠٦، پیش فرستاده باشید ١١١، پیش کرده باشید ١١٢، پیش فرستادید ١٢٦

قَدَّمْتُمُوهُ: أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ (٣٨:٦٠)
پیش کردید ١، پیش آوردیت ٣٠، فراپیش داشتید ٤٢، پیشی کردید ٦٤، پیش داشتید ٧٩، فراپیش داشتید ٨١، پیش فرستادیت ٩١، درپیش داشتید ١١٣، پیش فرستادید ١١٤، پیش دوید ١٣٦

قَدِمْنَا: وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ (٢٥:٢٣)
آهنگ کنیم ما ٢٤، پیش آوردیم ٣٠، پیش آمدیم ٣٩، شویم ما ٤٦، پیش آریم ٥٢، آهنگ کنیم ٥٣، پیش آییم ٦١، پیش آئیم ١٠٨، آمدیم ١١٤، فراپیش داشتیم ما ١١٧

قَدَّمُوا: إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا (٣٦:١٢)
پیش کردند ١، پیش فرستادند ٢، از پیش فرستیده باشند ٣٤، پیش فرستادند ایشان ٦١، پیش فرستاده اند ١٠٣، فراپیش داشتند ١٠٦، درپیش داشتند ١١٣

قَدِّمُوا: فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ (٢:٢٢٣)
پیش کنید ١، پیش فرستید ٢، از پیش بفرستید ١٠، واپیش داری ٢٤، پیش فرستید ٢٧، از پیش بفرستید ٢٩، پیش فرستید ٤٢، پیش فرستاد ٥٣، پیشی کنید ٧٥، فراپیش دارید ٨٥، فراپیش د آرید ١٠٠، در پیش کنید ١٠١، فراپیش روید ١٣٤

~: فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً (٥٨:١٢)
پیش فرستید ٢، پیش فرستیت ٣، پیش بفرستید ٢٤، پیش دارید ٣٩، پیش بفرستید ٤٢، بدهید ٦٧، درپیش دارید ٧٩، پیشی روید ٩٢، فرستید ١١٤

قُدُورٍ: وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ (٣٤:١٣)
دیگها ١، دیگها ٢، دیکها ٣٠، دیگهاء بزرگ ٦٤، دیگهاء ٩٠، کاسها ٩١، دیگهای بلند ١٠٣، دیکهای بزرگ ١١٦، دیک ها ١٣٠

★ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ: وَقُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ (٣٤:١٣)
دیگ ها از سنگ ٤١، دیگهایی استوار ٨٠

الْقُدُّوسِ: الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ (٥٩:٢٣)
پاکیزه از زن و فرزند ٨١

~: الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (٦٢:١)
پاکیزه ١، پاک ٢، پاک کننده ١٠٦، پاک و پاکیزه ١١٦

قَدِيرًا: وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا (٤:١٣٣)
توانا ١، توانا ٢

~: فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا (٤:١٤٩)
توانا بگرفتن

~: إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (٣٥:٤٤)
توانا ٢

قَدِيرٌ: إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢:٢٠)
توانا ٢، دانا ٩٩

~: أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢:١٠٦)
توانا ٥٥

~: إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢:١٤٨)

تُوانا ۲، توآنا ۹۴

~: أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲: ۲۵۹)
توانا ۱

اَلْقَدِيمُ: قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ (۱۲: ۹۵)
دیرینه ۲، پیشین ۲۴، کنانه[1] ۵۵، دیرینه ۷۶، روزگار گذشته ۱۰۳، دورافتاده ۱۱۱، دیرین ۱۲۸، پیش ۱۳۶

~: حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (۳۶: ۳۹)
کهن ۱، خنبیده کهن خشک ۲، کهنهٔ دیرینه ۳، همیشه ۲۲، توانا ۳۳، کهنه شده ۳۹، کهنه و دیرینه ۸۰، سال برآمده ۹۹، جنبیده کهن خشک ۱۰۸، دیرینه و کهنه ۱۰۹، خشک شده ۱۱۱

~: فَسَيَقُولُونَ هَٰذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ (۴۶: ۱۱)
دیرینه ۱، پیشینه ۳۶، کهنه ۴۹، دیرینه ۸۱

قَذَفَ: وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ (۳۳: ۲۶)
اوکند ۱، اندر افکنند ۲، بینداخت ۱۴، اندر افکند ۲۴، بیفکند ۳۴، درانداخت ۳۶، بَنْداخت ۵۳، فکند ۸۶، اندر فکند ۸۷، افکند ۸۸

~: وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ (۵۹: ۲)
درافکند ۲، انداخت ۳، درفکند ۲۹، انداخت ۱۰۰، اندر افکندند ۱۰۸، درافکند ـ انداخت ۱۰۹

قَذَفْنَاهَا: فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَٰلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ (۲۰: ۸۷)
بینداختیم ۱، بینداختیم ۲، انداختیم ۳، افکندیم ۲۴، بیفکندیم ۳۴، گرد کردیم و سپردیم ۴۱، درانداختیم ۴۳، بَنداختیم ۵۳، بیفکندیم ما ۵۶، بیفکندیم ما ۵۸، فکندیم ۸۶، نهادیم ۹۶، ما انداختیم ۱۰۳، می اندازیم ۱۲۹

اَلْقُرْآنُ: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ (۲: ۱۸۵)
نُبی ۵۵

~: أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ (۴: ۸۲)
نبي ۲، نبی ۳

~: وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ (۷: ۲۰۴)
نبیٔ ۵۲

~: وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ (۱۰: ۶۱)
خواندن ۲۷، خوانَدن ۵۵، خواندنی ۹۲، نبي ۹۴

~: إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (۱۷: ۷۸)
نماز ۳۰

~: ص ۚ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ (۳۸: ۱)
نوی ۱۱۴

~: فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ (۵۰: ۴۵)
نبی ۲

★ قُرْآنَ الْفَجْرِ: وَقُرْآنَ الْفَجْرِ (۱۷: ۷۸)
خُواندن سپیده ـ نماز بامداد ۲، نماز بامداد ۳، خواندن سپیده دم ـ نماز بامداد ۹۶

قُرْآنًا: وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا (۴۲: ۷)
نُبیٔ ۳۲

~: فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (۷۲: ۱)
نبیٔ ۲، گفتار ۱۹

قُرْآنَهُ: إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۷۵: ۱۷)
خواندن ۱، برخواندن ۲، برخواندن ۳۰

اَلْقَرارُ: اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (۱۴: ۲۶)
آرامیدن ۳۶، درنگ ۴۹، آرام ۵۵، دواسی[2] از بیخ ۵۸، آرامش جای ۵۹، بیخ ۶۲، استواری ۹۰

---

۱. کنانه: کهن، قدیمی.
۲. کذا در اصل متن بدون نقطه که دانسته نشد (؟).

~: جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ (١٤:٢٩)
آرامگاه ٥٥، آرام گاها ٦٢، جايگاه آرام ٨٨

~: ثُمَّ جَعَلْنَـٰهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (٢٣:١٣)
جايگه ١، آرام گاه ٢، جاى ٤٣

~: وَءَاوَيْنَـٰهُمَآ إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ (٢٣:٥٠)
استادن ١، آرام ٢، آرامى ٧٧

~: أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ (٣٨:٦٠)
جايگاه ٢٢، جاى بودن ٣٣، جاى آرامش ٥٦، آرامجاى ٦٤، جاى ارامیدن ٦٩، جايگاه ٨١، آرامگاه جاى ٨٧، ارامیدن ٩٨

~: وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (٤٠:٣٩)
استاد ١، آرامش ٣٤، آرمیدن ٥٦، ارامیده ٦٩، پاییدن ٧٩، آرامگاه ٨٧، آرام گرفتن ١٠٨، پایندنى ١١٣

~: فَجَعَلْنَـٰهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (٧٧:٢١)
آرامگاه ٣، آرامش گاه ٦

قَرَارًا: أَمَّن جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا (٢٧:٦١)
استاد ١، جاى آرام ٣، آرامیدن جاى ٢١، آرام گاه ٢٤، آرامیده ٣٠، آرامگاه ٣٩، آرام جاى ٩٢، آرآم گاه ١٠٠، آرمیده ١٠٨، آرام ١١٤

~: اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا (٤٠:٦٤)
آرمیده ٢، آرامیده ٣٠، آرام جاى ٥٦، ارام جاى ٦٩

قَرَاطِيسَ: تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ (٦:٩١)
كاغذها ١، كاغذها ٢٧، كاغدها ٦٣، كاغزها ٩٦، كاغذ پارها ١٠٠، دفترها ١٠٤، پاره كاغذ ١٣٥

قُرِئَ: وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْءَانُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ (٧:٢٠٤)
خوانده شهد ١، خوانده شود ٣، برخوانند ١٠، ورخوانند ٢٤، برخوانند ٢٧، خوانده شود ٥٥، خوانده آید ٥٧، خوانند ٦٠، برخوانند ٦٢، بخوانند ٦٤، برخوانى ١٠٧، برخوانده میشود ١١٥، خونده شد ١٣٠

~: وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْءَانُ لَا يَسْجُدُونَ (٨٤:٢١)
خوانده مى شود ١٢٦

قَرَأْتَ: فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ (١٦:٩٨)
تو ورخوانى ٢٩، برخوانى ٣٩، بخوانى ٥٣، خوانى ٥٥، بخواندى تو ٦١

~: وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ (١٧:٤٥)
خوانى ١، ورخوانى ٢٤، برخوانى ٥٧، بخوانى ٥٨، خوانى تو ٨٩

قَرَأْنَاهُ: فَإِذَا قَرَأْنَـٰهُ فَاتَّبِعْ قُرْءَانَهُ (٧٥:١٨)
برخوانیم ٢، خوانیم ٣، ورخوانیم ٦، برخوانیم ٣٠، خوانیم ما ٨٩، خواندیم ما ٩٢، بخوانیم ١١٣، بخواندیم ١٣٩

قَرَأَهُ: فَقَرَأَهُ عَلَيْهِم مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ (٢٦:١٩٩)
بخواندندى ١، خواند ٣، برخواندى ٢٤، برخواند ٣٤، بخواند ٥٦، بخواندى ٩٢، خواندى ١٢١، برخواندندى ١٣٨، او بخواندى ١٣٩

قَرَّبَا: إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا (٥:٢٧)
نزدیک شدند ٢٤، نزدیک آورند ٢٩، نزدیک كردند ٤٢، بنهادند ٦٠، بكردند ٦٣، نزدیک گردند ٨٨، نزدیكى جستند ١٠٠، نزدیكى جست ١٠٢، نزدیک آوردند ١٠٤، نزدیک بودند ١٢٤

قُرُبَاتٍ: وَيَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ قُرُبَـٰتٍ عِندَ اللَّهِ (٩:٩٩)
نزدیكیها ١، نزدیکها ٣، نزدیکى ٣٦، نزدیكیها ٥٥، نزدیک ها ١٢٨

قُرْبَانًا: إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا (٥:٢٧)
آنچه بوى نزدیکى جُوید ٢، نزدیک ٨٢، آنچه بوى نزدیکى كنند ٨٨

~: الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا ءَالِهَةً (٤٦:٢٨)

نزدیکی ۱، آنچه بوی نزدیکی جویند ۳، نزدیکی جستن ۳۰، آنچه بوی نزدیکی می جویند ۸۰، نزدیکی جویند گان ۱۰۹

قُرْبَةٌ: أَلَآ إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ (۹: ۹۹)
نزدیکی ۱، نزدیک ۳۶، نزدیکی ۵۵

قَرَّبْنَاهُ: وَقَرَّبْنَٰهُ نَجِيًّا (۱۹: ۵۲)
نزدیک کردیم ۱، نزدیک گردانیدیم ۳، نزدیک گردیم ۴۱، نزدیک بکردیم ۴۲، نزدیک گردیم ۵۳، نزدیک کردیم ما ۵۶، نزدایک گردانیم ۸۰، نزدیک گردانیدیم ما ۱۰۶

قَرَّبَهُ: فَقَرَّبَهُۥٓ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۵۱: ۲۷)
نزدیک گردان ۱، نزدیک کرد ۲، بنزدیک آورد ۶، نزدیک ۱۷، بنهاد نزدیک ۲۴، نزدیک آورد ۳۹، نزدیک بنهاد ۴۱، نزدیک گردانید ۶۱، نزدیک نهاد ۶۴، نزدیک شده است ۹۲، نزدیک گردانید ۱۰۰، نزدیک برد ۱۳۲

الْقُرْبَى: وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِى ٱلْقُرْبَىٰ (۲: ۸۳)
پیوند ۱۲۱

~: وَءَاتَى ٱلْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِى ٱلْقُرْبَىٰ (۲: ۱۷۷)
خویشی ۵۵، نزدیکان خویشان ۱۰۷

~: وَإِذَا حَضَرَ ٱلْقِسْمَةَ أُوْلُوا۟ ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ (۴: ۸)
خویشاوندی ۲۳، خویشاوند ۵۳

~: وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا وَبِذِى ٱلْقُرْبَىٰ (۴: ۳۶)
خویشاوند ۱۱۲

~: لَا نَشْتَرِى بِهِۦ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ (۵: ۱۰۶)
نزدیک ۷۶

~: وَإِذَا قُلْتُمْ فَٱعْدِلُوا۟ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ (۶: ۱۵۲)
نزدیکی ۱

~: وَلَوْ كَانُوٓا۟ أُوْلِى قُرْبَىٰ (۹: ۱۱۳)
خویشی نزدیک ۵۳

~: وَءَاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ (۱۷: ۲۶)
خویشاوندان ۵۳، نزدیکتر ۱۱۴

~: فَـَٔاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ (۳۰: ۳۸)
خویشی ۳

~: قُل لَّآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِى ٱلْقُرْبَىٰ (۴۲: ۲۳)
خویشاوندان ۱۶، خویشی ۳۲، خویشان ۳۹، خویشان وندان ۹۰، خویشاوندی ۱۲۶

~: فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْيَتَٰمَىٰ (۵۹: ۷)
خویش نزدیک ۸۱

★ أُولُوا الْقُرْبَى: حَضَرَ ٱلْقِسْمَةَ أُوْلُوا۟ ٱلْقُرْبَىٰ (۴: ۸)
خداوندان نزدیکی ـ خویشان ۲، خویشان نزدیک ۶۴، خداوندان خویشی ۸۰

★ ذَا الْقُرْبَى: فَـَٔاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ (۳۰: ۳۸)
خویشی ۴۷

★ ذِي الْقُرْبَى: وَبِذِى ٱلْقُرْبَىٰ (۴: ۳۶)
با خویشی ۳

~: فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُۥ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى ٱلْقُرْبَىٰ (۸: ۴۱)
خویش ۳

قُرَّةً: مِنْ أَزْوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ (۲۵: ۷۴)
رُوشنایی ۲، روشنایی ۳۹، روشنی دهنده ۱۱۶، آسایش ۱۳۵

~: وَقَالَتِ ٱمْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّى وَلَكَ (۲۸: ۹)
روشنی ۱، روشنایی ۲، روشنائی ۵۶

~: فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّآ أُخْفِىَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ (۳۲: ۱۷)
روشنای ۱۴، نیرو ۷۶

★ قُرَّةَ أَعْيُنٍ: مِنْ أَزْوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ (۲۵: ۷۴)
روشنایی چشمها ۳

~: فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ (۳۲: ۱۷)
نیکو پاداشی ۱۰۶

★ قُرَّتُ عَيْنٍ: قُرَّتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ (۲۸: ۹)
روشنی چشم ٦٤

قَرْحٌ: إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ (۳: ۱٤۰)
خسته ۱، خَستگی ۲، رَیش و درد ۱۰، ریش و درد و خستگی ٤۰، خَستگی ۵۵، ریش ۵۷، دشواری ٦۱، زشتی ٦۹، سختی ۷۲، خستیگی ۸۵، زخم ۹٦

~: مِن بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ (۳: ۱۷۲)
خستگی ۲، خستگی ۳، رَیش ۱۰، درد و خستگی ٤۰، خَستگی ۵۵، زخمها ۱۳۳، اندوه ۱۳٦

قِرَدَةً: فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (۲: ٦۵)
کَپیان ٤، بُوزنگان ۱۰، بُزنگان ۲٤، کَپیان ۵۵، بوزنگان ـ کبَی ۸۳، کَپیان ۹۱، کپیان ۱۰۱، کپان ۱۰۲، کپیان ـ آبوزنه گان ـ حمدونه گان ۱۰۹، بوزینها ۱۱٤، بوزی نگان ۱۱۹، کَپیَان ۱۲٤، برنشانا[1] ۱۲۸

~: وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ (۵: ٦۰)
کپیان ۱، بوزنه گان ۲٤، بوزنگان ۲۷، بوزینگان ۳۰، کبیان ۳۱، بوزینه ٤۸، کَبیان ۵۳، کَپیان ۵۵، بوزینه گان ۸۲، کپی ۹۰، کبی ۹۲، میمونان ۹٦، بوزنگآن ۱۰۰، کپیها ۱۰۲، کبتیان ۱۲۹، بوزینه ها ۱۳۵

~: قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (۷: ۱٦٦)
بُوزَنگان ۱۰، بوزنه ۲٤، کَبیان ۲۷، کبیان ۲۹، کپی بوزنه ٤۱، بوزنها ٦۰، کِپیان ٦۲، بوزنگان و کبیان ۸۳، کَبی ۹۳، بوزیگان ۹٦، کپیان ۱۰۹، بوزنکان ۱۲۱

قَرْضًا: مَّن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا (۲: ۲٤۵)
اوام ۱، بَام دادن ۲، فام ۳، وام ۱۰، فَام ۵۵، وَام ٦۳، اوام دادن ۸۳، و آم ۹٤

~: وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا (۵: ۱۲)
قَام دادن ۲، فام دادن ۳، وام دادن ۱۰، قَام دَادَن ۵۵، بام دادن ۸۸

~: إِن تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ (٦٤: ۱۷)
فام داری ۱۰۸

~: وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا (۷۳: ۲۰)
فام ۳، دادن ٦

قِرْطَاس: وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ (٦: ۷)
کاغذ ۱، کاغد ۸۰

قَرْنَ: وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ (۳۳: ۳۳)
بنشینید ۱، آرام گیریت ۳، بیارامید ۱۸، آرام گیرید ۳٤، بنشینیت ٤۱، شکهمند باشید ٤۷، بباشید ۵۳، نگاه دارید ۸۷، بازمانید ۹۲، بآرام نشینید ۱۲۲، آهسته شوید ۱۲٦

قَرْنًا: وَأَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (٦: ٦)
گره ۱، گروه ۹، گروهان ٤۸، گُروه ۵۵

~: ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (۲۳: ۳۱)
گروه ۲، گروُهَان ۵۳

قَرْنٍ: أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ (٦: ٦)
گروه گروه ۲، گروهان ۹، گذشتگان ٦٤، مردمان روزگار ۱۱۱

~: وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ (۱۹: ۷٤)
گرُوُهَا ۵۳، زمانها ۱۲۲

~: وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ (۱۹: ۹۸)

---

۱. کذا در اصل، (؟).

روزگار ۹۲

~: كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ (۳۸:۳)
گروها ۳۳، گروهها ۶۱، گروهیان ۷۸، سی سال ۹۲، روزگار پیشین ۱۱۱

~: وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ (۵۰:۳۶)
گره ۱، گروه ۲، گروه ۱۷، گروه ها ۱۳۶

قُرَنَاءَ: وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُم (۴۱:۲۵)
هم نشینان ۲، یاران ۳، هم سران ۲۹، پیوستگان ۳۹، بهم نشینان ۴۲، همنشینان ۸۹، همتایان ۹۴، انبازان ۹۶، همنشینان و دوستان ۱۱۱، دوستان ۱۲۳، ندیمها ۱۳۶

ٱلْقَرْنَيْنِ: وَيَسْـَٔلُونَكَ عَن ذِى ٱلْقَرْنَيْنِ (۱۸:۸۳)
دو تا گیسو ـ اسکندر ۳، دو گیسو ۳۰، دو تا گیسوی ۱۱۴

قُرُوٓءٍ: يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَٰثَةَ قُرُوٓءٍ (۲:۲۲۸)
پاکی ۲۴، بی نمازی ۲۷، پاکی ۴۲

ٱلْقُرُونَ: وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا ٱلْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ (۱۰:۱۳)
گروهها ۳، گروههای بسیار ۱۲۲

~: فَلَوْلَا كَانَ مِنَ ٱلْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ (۱۱:۱۱۶)
گذشتگان ۴۱، گُروهان ۵۵، گروه ها ۱۲۸

~: وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ ٱلْقُرُونِ مِنۢ بَعْدِ نُوحٍ (۱۷:۱۷)
گُروهَها ۵۳، گروهها ۵۵، گُروهَها ۵۷، دیهها ۶۱، گذشتها ۹۱

~: قَالَ فَمَا بَالُ ٱلْقُرُونِ ٱلْأُولَىٰ (۲۰:۵۱)
گُروهان ۲، مردمان ۵۲، پیشینگان ۶۲، گرهآن ۱۰۰

~: أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ ٱلْقُرُونِ (۲۰:۱۲۸)
گرهان ۹۱

~: مِنۢ بَعْدِ مَآ أَهْلَكْنَا ٱلْقُرُونَ ٱلْأُولَىٰ (۲۸:۴۳)
روزگارها ۳۹، دیهها ۱۱۴

~: أَنَّ ٱللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِۦ مِنَ ٱلْقُرُونِ (۲۸:۷۸)
گروهیان ۴۶

~: كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ ٱلْقُرُونِ (۳۲:۲۶)
گروهان ۲، گُروهَها ۵۳

~: أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ ٱلْقُرُونِ (۳۶:۳۱)
گُروهان ۲۲، گروها ۳۳، گروهان گذشته ۱۰۲، گروهها گذشته ۱۳۹

~: أَتَعِدَانِنِىٓ أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ ٱلْقُرُونُ مِن قَبْلِى (۴۶:۱۷)
گرهها ۱، زمانها ۱۲۲

قُرُونًا: ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنۢ بَعْدِهِمْ قُرُونًا ءَاخَرِينَ (۲۳:۴۱)
گُروهان ۲، روزگارها ۳۹، چند گروه ۱۲۲

~: وَأَصْحَٰبَ ٱلرَّسِّ وَقُرُونًۢا بَيْنَ ذَٰلِكَ كَثِيرًا (۲۵:۳۸)
گُروهها ۲، گروهان ۲۴، گروها ۴۶، آینده رسانها ۱۱۳

~: وَلَٰكِنَّآ أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ ٱلْعُمُرُ (۲۸:۴۵)
گروهها ۴۶، گُروهان ۵۳، گروه ۸۷، گروههاء ۹۰، زمانها ۱۳۲

قَرِّى: فَكُلِى وَٱشْرَبِى وَقَرِّى عَيْنًا (۱۹:۲۶)
روشن باش ۱، رُوشن دار ۲، روشن شو ۳، روشن دار ۲۴، روشن گِردان ۳۴، روشن کن ۳۹، چشم دار ۵۲، رُوشَن کَن ۵۳، روشن شو بچشم ۸۰، بروشن کن ۹۶، روشن ساز ۱۱۶

★ قَرِّى عَيْنًا: فَكُلِى وَٱشْرَبِى وَقَرِّى عَيْنًا (۱۹:۲۶)
روشن شو بچشم - چشمت روشن باد ۳، روشن چشم باش ۴۲

ٱلْقُرَىٰ: وَلِتُنذِرَ أُمَّ ٱلْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا (۶:۹۲)
دهها ۱

~: ذَٰلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ بِظُلْمٍ (۶:۱۳۱)
ده ۴۲، شهر ۹۲

~: وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ ٱلْقُرَىٰٓ ءَامَنُوا۟ وَٱتَّقَوْا۟ (۷:۹۶)
شهرها ۲۷، دیهها ۴۵

~: وَكَذَٰلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَآ أَخَذَ ٱلْقُرَىٰ (۱۱:۱۰۲)
دیهها - شهرها ۵۵، شهرها ۷۶، اهل دهها ۹۳

~: وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ بِظُلْمٍ (۱۱:۱۱۷)
دیهها ۵۵

~: إِلَّا رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ ٱلْقُرَىٰٓ (۱۲:۱۰۹)
شهرها ۳، دیههاء ۹۰

~: وَتِلْكَ ٱلْقُرَىٰٓ أَهْلَكْنَٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا۟ (۱۸:۵۹)
دیهها ۲، دیهها ۵۵، دهها ۱۲۹

~: وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ (۲۸:۵۹)
شهر و دیها ۴۷، شهرها و دهها ۱۰۲

~: وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ ٱلْقُرَى ٱلَّتِى بَٰرَكْنَا فِيهَا (۳۴:۱۸)
دیها ۴۱، دیهها ۱۱۱

~: لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا (۴۲:۷)
خوانندگان[1] ۸۱

~: وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُم مِّنَ ٱلْقُرَىٰ (۴۶:۲۷)
دیهها ۲۲، دهها و شهرها ۱۰۲، گروهان ۱۳۸

~: مَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ مِنْ أَهْلِ ٱلْقُرَىٰ (۵۹:۷)
دیهها ۸۱، دیهها و شهرها ۱۰۳، دیه ۱۳۸

~: لَا يُقَٰتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِى قُرًى (۵۹:۱۴)
دیهها ۲، دیهها ۱۰۰

★ أُمّ ٱلْقُرَىٰ: وَلِتُنذِرَ أُمَّ ٱلْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا (۶:۹۲)
مکه ۱۳۸

قَرِيبًا: لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا (۹:۴۲)
نزدیک ۱، نزدیک ۵۵، نزدیکتر ۵۸

~: قُلْ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَرِيبًا (۱۷:۵۱)
زود ۲، نزدیک ۵۵

~: كَمَثَلِ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا (۵۹:۱۵)
نزدیک ۲، اندک روزگار ۲۴

قَرِيبٌ: وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ (۲:۱۸۶)
نزدیک ۵۵

~: ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ (۴:۱۷)
نزدیک - زود ۲، زود ۲۹، زود پیشتر ۴۰، بزودی ۹۱، پیش ۱۲۴

~: إِنَّ رَحْمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ ٱلْمُحْسِنِينَ (۷:۵۶)
نزدیک ۱

~: وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ (۱۱:۶۴)
نزدیک ۵۵

~: إِنَّ مَوْعِدَهُمُ ٱلصُّبْحُ أَلَيْسَ ٱلصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (۱۱:۸۱)
نزدیک ۵۵

~: رَبَّنَآ أَخِّرْنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ (۱۴:۴۴)
نزدیک ۵۵

~: وَإِنْ أَدْرِىٓ أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ (۲۱:۱۰۹)
نزدیک ۵۶

~: وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ قَرِيبٌ (۴۲:۱۷)
نزدیک ۳۲

~: قُلْ إِنْ أَدْرِىٓ أَقَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ (۷۲:۲۵)
نزدیکتر ۸۷

ٱلْقَرْيَةَ: وَإِذْ قُلْنَا ٱدْخُلُوا۟ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةَ (۲:۵۸)
ده ۱، دیه ۲، دیه ۵۵

~: رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةِ (۴:۷۵)

۱. کذا در اصل، که ظاهراً کلمه را از ریشهٔ «قرأ» گرفته است (؟).

شهر ۳

~: وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا (۶: ۱۲۳)
شهر ۱۰، دیه و شهر ۵۸، ده و شهر ۱۱۱، دیهه ۱۱۲

~: وَكَم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا (۷: ۴)
مردمان شهرها ۱۰، شهرها ۲۷

~: وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ (۷: ۱۶۱)
دیه ۴۵، دیه شهر ۹۲

~: فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا (۱۰: ۹۸)
دیدهی[1] ۹۱

~: وَسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي (۱۲: ۸۲)
دیه ۲

~: وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً (۲۱: ۱۱)
دهها ۳۴، دیها ۸۷، شهرستان ۱۱۳

~: وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَت تَّعْمَلُ (۲۱: ۷۴)
شهرستان ۶۴، شارستان ۸۷

~: فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ (۲۲: ۴۵)
دیهها ۲، دهها ۱۰۸

~: إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا (۲۷: ۳۴)
شهر یا دیه ۵۸

~: قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُو أَهْلِ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ (۲۹: ۳۱)
دیه ۶۱

قَرْيَتِكُمْ: إِلَّا أَن قَالُوا أَخْرِجُوهُم مِّن قَرْيَتِكُمْ (۷: ۸۲)
دیه ۳، دیه و شهر ۲۷، شهر ۶۰، ده ۱۰۶، ده، شهر ۱۰۹، دیهتان ۱۱۴

قَرْيَتِنَا: وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَا (۷: ۸۸)
شهر ۲۴، ده ۳۵، دیه ۹۸

الْقَرْيَتَيْنِ: عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ (۴۳: ۳۱)
دوده ۱، دو دیه ۳، دُو دِیه ۲۲، دو شهر ۲۹، دو دیه ۳۲

قَرِينًا: وَمَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (۴: ۳۸)
هم پُشت و یار ۲، همنشین ۳، هم بست ۱۰، همتا ۳۸، پیوند ۳۹، هم پیوند ۵۳، یَار ۵۵، هم نشین ۵۶، هم کار ۵۷، هم پیوندی ۷۴، هم نشست ۷۸، یار و هم نشین ۸۲، هم یار ۹۲، نزدیک ۹۲، هم نشین و یار ۹۴، همه نشین ۱۱۰، دمساز ۱۱۵، همنشین و یار ۱۲۸، یار و دمساز ۱۳۰

قَرِينٌ: قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ (۳۷: ۵۱)
یار ۲، هم سر ۲۹، همنشین ۴۱، هم پیوَند ۵۳، یاری ۸۷، همسر ۹۶، همسر و هم نشین ۱۰۰، یار همنشین ۱۰۲، هم رشته ۱۰۴، یار و همنشین ۱۱۱، رفیق ۱۲۴

~: نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (۴۳: ۳۶)
همتا ۲۹، هم نشین ۳۰، همنشین و دمساز ۱۰۳، همدم ۱۳۶

~: بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ (۴۳: ۳۸)
دوست ۹۶

قَرِينُهُ: وَقَالَ قَرِينُهُ هَٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ (۵۰: ۲۳)
هم نشست ۲، انباز ۱۷، نزدیک ۲۴، هم نشین ۳۰، همتا ۵۲، هم پیوند ۶۹، همنشین ۹۶

~: قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ (۵۰: ۲۷)
یار ۲، همتای ۲۹، همسر ۵۱، پیوند ۱۳۹

قَسَتْ: ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ (۲: ۷۴)
سَختْ گشتْ ۲، سخت کرد ۴، سخت و سیاه گشت ۱۰، سخت و سیه گشت ۴۰، سَخت آسِت ۴۲، سِیاه گشتِ ۵۰، سیاه گشت ۵۳، سَخت شدْ ۵۵، سخت سیاه شد ۵۷

---

۱. اگر مصحف دیهی نباشد، آیا می توان آن را گونه ای محلّی از همین کلمه دانست؟

~: وَلَٰكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ (٦:٤٣)
سخت شد ١، سخت گشت ٢، سیاه شد ٩، سخت شده بود ٢٤، سخت گشت ٢٦، سخت شدند ٢٩، سیاه و سخت گشته است ٤١، سخت گشته بود و سیاه ٤٤، سخت سیاه شد ٥٧، سخت شده است ٦٢، سخت و سیاه شده است ٧٩، سخت بود ١١١

~: فَطَالَ عَلَيْهِمُ ٱلْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ (٥٧:١٦)
سخت شد ٤٢، سخت و سیاه شد ٧٩، سخت شد ٨١، سخت و سیاه ست ١١٣، سنگین شد ١٣٤

ٱلْقِسْطِ: وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَأُو۟لُوا۟ ٱلْعِلْمِ قَآئِمًۢا بِٱلْقِسْطِ (٣:١٨)
درستی ٦٩، راستی و داد ١٣٨

~: وَيَقْتُلُونَ ٱلَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِٱلْقِسْطِ (٣:٢١)
داد کردن ٢٧، راست دادن ٥٦، داد عدل ٧٢، دادگری ١٢٥، دادگستری ١٢٩

~: وَأَن تَقُومُوا۟ لِلْيَتَٰمَىٰ بِٱلْقِسْطِ (٤:١٢٧)
داد دادن ٤٥، داد راستی ٨٤، داد دادن ١١٢

~: يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ كُونُوا۟ قَوَّٰمِينَ بِٱلْقِسْطِ (٤:١٣٥)
داد و راستی ٢، دادکاری ٣١

~: كُونُوا۟ قَوَّٰمِينَ لِلَّهِ شُهَدَآءَ بِٱلْقِسْطِ (٥:٨)
داد و راستی ٥٣، د آد ١٠٠

~: وَإِنْ حَكَمْتَ فَٱحْكُم بَيْنَهُم بِٱلْقِسْطِ (٥:٤٢)
راستی و داد ٥٦، راستی درستی ١٠٤، داد براستی ١٢٤

~: وَأَوْفُوا۟ ٱلْكَيْلَ وَٱلْمِيزَانَ بِٱلْقِسْطِ (٦:١٥٢)
برابر ١٢٤

~: قُلْ أَمَرَ رَبِّى بِٱلْقِسْطِ (٧:٢٩)
راستی و داد ٢٧، راستی کردن ٤٨

~: لِيَجْزِىَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ بِٱلْقِسْطِ (١٠:٤)
داد و راستی ٥٥، راستی و درستی ١١١

~: فَإِذَا جَآءَ رَسُولُهُمْ قُضِىَ بَيْنَهُم بِٱلْقِسْطِ (١٠:٤٧)
راستی ١

~: وَقُضِىَ بَيْنَهُم بِٱلْقِسْطِ (١٠:٥٤)
داد و راستی ٥٣

~: وَنَضَعُ ٱلْمَوَٰزِينَ ٱلْقِسْطَ لِيَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ (٢١:٤٧)
راست ١، راستی و داد ٥٣، براستی ١١٣

~: لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلْقِسْطِ (٥٧:٢٥)
داد ٢، داد کردن و راستی نمودن ٤٩

ٱلْقِسْطَاسِ: إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا۟ بِٱلْقِسْطَاسِ ٱلْمُسْتَقِيمِ (١٧:٣٥)
ترازو ١، ترازو و قپان ٢، کبان و ترازوی ٣، کپان ٤٩، ترازوی ٥٣، کبان یا ترازو ٥٥، قپان و ترازو ٥٧، ترازو ٦٢، کپان ـ ترازوی ٨٠، کپان یا ترازو ٩١

~: وَزِنُوا۟ بِٱلْقِسْطَاسِ ٱلْمُسْتَقِيمِ (٢٦:١٨٢)
کپان ٣، ترازو قبان ٥٣، ترازو و قپان ٥٦، ترازو کپان ٦٤، ترازو یا قپان ٩٥، ترازو یا کبان ١٢٨، ترازوا ١٣٩

قَسَمٌ: وَإِنَّهُۥ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (٥٦:٧٦)
سوگند ١، سوگند یاد کردن ٢٤، سوگند ٥١

ٱلْقِسْمَةُ: وَإِذَا حَضَرَ ٱلْقِسْمَةَ أُو۟لُوا۟ ٱلْقُرْبَىٰ وَ (٤:٨)
بخشش ٢، بخش کردن ٣، بخش گردن ٥٥، بخشیدن ٥٧، جایگاه بخش ٧٢، جایگاه بخشش ٨٨

~: أَلَكُمُ ٱلذَّكَرُ وَلَهُ ٱلْأُنثَىٰ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰٓ (٥٣:٢٢)
بخش ٣، بخشش ١٠٨، بهره ١٢٤

~: وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ ٱلْمَآءَ قِسْمَةٌۢ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ (٥٤:٢٨)
بخشش ٢، بخشیده ٢٤، بخش کرده ٤٢، بخشیدنی ٥١، بخش کرده شده ١٢٠

قَسَمْنَا: نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ (٤٣:٣٢)

بخش کردیم ۳، وابخشیدیم ۲۹، بخشیدیم ۳۰، بَخش کردیم ۳۲، بخش کرده‌ایم ۱۱۶، بخش کردیم ما ۱۲٤

قَسْوَةً: فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً (۲:۷٤)
سختي ۲، سخت ۳، سختی ۳٦، سخَتی ٤۲، سیَاه شده ۵۰، سیاه شده ۵۳، سَختِی ۵۵، سختی و سیاهی ۵۷، از روی سختی ۹۱، سنگ ۱۰۱، سخت دل شدن ۱۰۹، سخت دلی ۱۱۲

قَسْوَرَةٍ: كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنفِرَةٌ فَرَّتْ مِن قَسْوَرَةٍ (۷٤:۵۱)
تیراندا‌ختاران ۱، شیر ۲، شیر یا تیراندازان ۳، تیراندازان ٦، پای بند ۱۹، شیر ٤۲، شیر یا تیراندازندگان ۷۹، شیران ۸۹، شیر پای بند ۹٤، شیر نر ۱۳۰

قِسِّيسِينَ: ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ (۵:۸۲)
زیرکان ۲، پیشوایان ۳، دانشومندان ۲۷، دانشمندان ۳۷، خدای پرستان ۳۹، کشیشان ٤۱، مهتران ٤۵، پیشوَایَان ۵۵، مهتران ترسایان ۵٦، خداوند شناسان ۵۷، میان سر تراشیدگان ٦۰، پارسایان ۷۲، پیش وایان ۸۰، دانایان ۸٤، پارسا ۹۸، بزرگان ترسایان ۱۲۱، راست گویان ۱۲۳، بزرگان ۱۲۸، دانایان راستگوی ۱۳۰

قَصَّ: فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ (۲۸:۲۵)
وازراند ۱، پدید کرد ۲، برخواند ۲٤، گفت ۳۰، بازگفت ۳٦، پیدا کرد ۵۸، برگفت ۸۰، خواند ۱۰۳، خوند ۱۳۰، سخون گفت ۱۳۹

ٱلْقِصَاصُ: كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى (۲:۱۷۸)
برابری ۳، بازکشتن ۳۸، کشتن کشندگان ٤۱، کشنده را بازکشتن ٤۹، بَرابَری ۵۵، کشتن ٦۷، بازایستادن ۹۰، برابری کردنَ ۱۲۱، خون خواهی ۱۳٦

~: وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (۲:۱۷۹)
بازکشتن کشنده ۳، برابری ـ کشتن کشنده ۹۱

~: الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ (۲:۱۹٤)
بَرابَرْ ۲، سربسر ٤۱، بَرابَر ٤۲، بجای یکدیگر ٤۳، بازخواستن ۹۵

~: وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ (۵:٤۵)
برابر ۲، برابر کردن ۳۷، براَبر ٤۲، بَرابَری ۵۵، برآبر ۹٤

قَصْدُ: وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ (۱٦:۹)
راستی ۱، میانه ۳، نمودن ۲٤، پیدا کردن ۲۹، راه بردن ۳۹، راه ٤۲، پدید کردن ٤۸، بُردَنْ ۵۳، میّانه ۵۵، میانَه ۷۱، راست ۷٤، بردن ۸۸، بنمودن ۹۲

★ قَصْدُ السَّبِيلِ: وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ (۱٦:۹)
میانه راه ۳، میانهٔ راه ۳۰، راه گذرندگان ۵۲، میّانه رَاه ۵۵، راه راست نمودن ۵۸، نمودن راه راست ۵۹، راه گذرندگان ۹٦، راه راست ۱۲٤، راه نمودن ۱۳٦

قَصْر: وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ (۲۲:٤۵)
کوشک ۱، کوشک ۲، کوشکها ۲٤

~: إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (۷۷:۳۲)
کهها[1] ۱، موی شتران سیاه ٦۷، کوشک بزرگ ۱۱۳

ٱلْقَصَصُ: إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ (۳:٦۲)
بازگفتن ۳۹، سخنها ٤۱

~: فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۷:۱۷٦)
برگفتنی ۳، بَرگُفتَن ۵۵، گفتها ۱۱٤

۱. کهها: کوشکها.

~: نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ ٱلْقَصَصِ (۱۲:۳)
پیدا کردن ۲، بر گفتن ۳، بر گفتها ۱۱٤

~: فَلَمَّا جَآءَهُۥ وَقَصَّ عَلَيْهِ ٱلْقَصَصَ (۲۸:۲۵)
سر گذشت ۱۱۱

قَصَصًا: فَٱرْتَدَّا عَلَىٰٓ ءَاثَارِهِمَا قَصَصًا (۱۸:٦٤)
وازجست ۱، پَی جستن ۲، برپی رفتن ۳، باز گشتن ۸، پی برنده ۲۹، پی رفتن ۳۰، جستن ۳۹، پی گرفتن ٤۲، پی جستن ۵۲، بَرپَی رَفتَن ۵۵، پی جویان ۵۸، پی گرفتند ۷٦، پی بردن ۷۹، پی برد ۹۲، پی جستن و از پس رفتن ۱۰۸، از پی رفتن ۱۱۱، پیجویی ۱۲۲، برپس رفتن ۱۲٦، برجستن ۱۲۸، پی جویی میکردند ۱۳۲، پی درپی ۱۳۳

قَصَصْنَا: حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِن قَبْلُ (۱٦:۱۱۸)
پدید کردیم ۲، نام بردیم ۲٤، بگفتیم ۵۳، بَر گفتِیم ۵۵، بخواندیم ۵٦، گفتیم ۵۸، ور گفتیم ۵۹، گفتیم ما ٦۱، خَواندِیم ٦۲، خواندیم ۹۳، خوندیم ۱۳۰

~: مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ (٤۰:۷۸)
بر گفتیم ۳، پدید کردیم ۳۰، برخواندیم ۳۹، برخوانیم ٤۹، باز گفتیم ٦٤، خوانده‌ایم ۱۱٦

قَصَصْنَاهُمْ: وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ (٤:۱٦٤)
بر گفتیم ۳، برخواندیم ۳۰، یاد کردیم ٦۲، بگفتیم ۸۲، بازخواندیم ۱۱۵، خواندیم ۱۲۲، ما بگفتیم ۱۲۵، باز گفتیم ما ۱۳٤

قَصَصِهِمْ: لَقَدْ كَانَ فِى قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ (۱۲:۱۱۱)
گفتها ۱۱٤

قَصَمْنَا: وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً (۲۱:۱۱)
شکستیم ۲، فروشکستیم ۱۲، شکستیم ۳۰، شکستیم و نیست کردیم ٤۱، بشکستیم ٤۳، بشکستَمْ ۵۳، شکستیم ما ۵۸، درشکستیم ما ٦٤، درهم شکستیم ۱۱۱، فروشکستیم ما ۱۲٤

قُصُورًا: تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورًا (۷:۷٤)
کوشکها ۱، کوشک ۳، کوشگهای تاوُستانی ۱۰، کوشکهَا ٦۲، کوشکهاء ۹۰، بناهای بلند ۱۱۳

~: وَيَجْعَل لَّكَ قُصُورًا (۲۵:۱۰)
کوشکها ۲، کوشکاها ۳۰، خانهای بلند ۱۳۱، کوشک ها ۱۳٤

ٱلْقُصْوَىٰ: وَهُم بِٱلْعُدْوَةِ ٱلْقُصْوَىٰ (۸:٤۲)
دورتر ۱، دُورترین ۲، دورترین ۱۰، دورترین از چاه بدر ۳۸، دور ٤۱، دُورتَر ۵۵، دویتر ۵۸، دورشونده ۱۲۲

قَصِيًّا: فَحَمَلَتْهُ فَٱنتَبَذَتْ بِهِۦ مَكَانًا قَصِيًّا (۱۹:۲۲)
دور ۱، دُورْ ۲، دور از مردم ٤۱، دوردست ۵۹

قُصِّيهِ: وَقَالَتْ لِأُخْتِهِۦ قُصِّيهِ (۲۸:۱۱)
وازجوی ۱، پَی بَر ۲، بر پی رو ۳، بپرس ۳۰، برپی شو ۳۹، برو برپی ٤۱، از پس برو ٤۲، در پی برو ٤۳، از پی فرا می شو ٤۷، همی رَوْ ۵۳، از پس برفت ۷٦، از پی فروشو ۷۹، برپی روش ۸۰، پس رو ۹۰، از پس همی شو ۹٤، پی بر ۱۰۸، از پی فراشو ۱۰۹، برپی برو ۱۱٦، از پس رو ۱۲۵، پیجوُیی کن ۱۳۲، برود از پس ۱۳۹

قَضَاهَا: إِلَّا حَاجَةً فِى نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَىٰهَا (۱۲:٦۸)
رواکرد ۱، بگزارد ۲، گزارد ۳، پدیدار کرد ۲٤، آشکاره کرد ٤۹، رَوا کَرْد ۵۳، گزارده شد ۵۸، بجای آورد ٦۲، گذارده شد ۷٤، بگذارد ۹٦، گذارد ۱۱٤، روان کردن ۱۲٤، بر آورد ۱۳٦

قَضَاهُنَّ: فَقَضَىٰهُنَّ سَبْعَ سَمَٰوَاتٍ فِى يَوْمَيْنِ (٤۱:۱۲)
بیافرید ۲۲، بگزارد ٤۱، پرداخت ۱۰۳، اندازه کرد ۱۰۸، گذراند ۱۲۱، آفرید ۱۲۲، اندازه کرده است ۱۲٤

قَضْبًا: فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا (۸۰:۲۸)
سپست ۱، گیاها ۲٤، سبست ۳٤، سپست تر ٦۱،

اسپر ۷۹، اسپست ۹٤، سُپست ۹٦، آسْپِشت ۱۰٤، اسبست ۱۱٦، سبیست ۱۲۱، سِبست ۱۲٤، اسپس ۱۳۰

قَضَوْا: فِيٓ أَزْوَٰجِ أَدْعِيَآئِهِمْ إِذَا قَضَوْا۟ مِنْهُنَّ وَطَرًا (۳۳: ۳۷)
گزارند ۳، بگذرد ۳۰، گزاردند ۳۹، بگزارند ٤۱، روا کنند ٤۷، بگزارد ۵۳، بگذارند ٦۱، گزارده باشند ۸٦، رواکنند ۸۸، بگزارده باشند ۱۰۰، گذارده باشند ۱۱٦، بگزاردند ۱۲٤، بجای آورده باشند ۱۳۲، گزارده شود ۱۳۸

قَضَى: وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن (۲: ۱۱۷)
گزارْد ۱۰، خواهد ۲٤، بگزرد ٤۱، بُگزارَد ٤۲، بیاید ۹۰، بگذرد ۱۰۵، خواهد که بگذارد ۱۲۱، گذارده شود ۱۳۸

~: إِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (۳: ٤۷)
کار گزارد ۳، خواهد بودن ۲۹، برآند ۹٤، بگذ آرد ۱۰۰، برگذارد ۱۰۲، برآید ۱۲۸

~: هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰٓ أَجَلًا (٦: ۲)
پدید کند ۲، پدید کرد ۲٦، پدید گرد ٤۲، پدید گرْدْ ۵۳، پدید کرد و بریده ۵۸، گذشت ٦۹، بگزارد پدید کرْ[د] ۸۸

~: وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّآ إِيَّاهُ (۱۷: ۲۳)
فرمود ۱، بفرمود ۲۹، فَرمود ۵۳، فَرْمُود ٦۲، فرموده است ٦٤، بفرموده ست ۱۳٦

~: إِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (۱۹: ۳۵)
بگزارد ۲، بگزارَدْ ۵۳، براندی ۱۲۸

~: فَوَكَزَهُۥ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ (۲۸: ۱۵)
براندْ ۲، بکشت ٤٦، بکشت ۵٦، مرگ درآمد ۷٦، کشته شد ۸۸، کشت ۱۰٤

~: فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى ٱلْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِۦٓ (۲۸: ۲۹)
بجای آرد ۲۱، بسر برد ۵۲، بَرآورد ۷٦، بپایان آورد ۱۳۲

~: فَمِنْهُم مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُۥ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ (۳۳: ۲۳)
گزارد ۳، اندر گذشت ۱٤، بسرآورد ۲٤، بگزارید ٤٦، گذارده است ۱۲۰، بجا آورد ۱۳۲

~: إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمْرًا (۳۳: ۳٦)
داد کند ۱۸، بفرماید ۳۹، بگذارد ٤۱، بگزارد و روا کرد ٤۷، بگذارَدْ ۵۳، روا کرد ۵٦

~: فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَٰكَهَا (۳۳: ۳۷)
براند ٦٤، گذارد ۱۰٦، بجای آورد ۱۳۲

~: فَيُمْسِكُ ٱلَّتِى قَضَىٰ عَلَيْهَا ٱلْمَوْتَ (۳۹: ٤۲)
راند ۳۰

~: فَإِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (٤۰: ٦۸)
براند و بگرداند ۱۰۸

قُضِیَ: وَقُضِىَ ٱلْأَمْرُ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ (۲: ۲۱۰)
وابردارند اُو برگُزارَند ۱۰، برانند ۲۹، برگزارند ٤۰، گُزاردَه شوَد ٤۲، گزارَدْ ۵۳، بگزارند ٦۰، گزارند ٦۳، رانده شود ٦٤، گذارده شد ۸٤، گذ آرده شود ۱۰۰، گذارده شود ۱۰۵، گذارده ۱۲۳

~: وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِىَ ٱلْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ (٦: ۸)
رانده شدی ۲، گزارده شد ۳، بپرداختندی ۲۷، گزارده شده ٤۱، گزاردَه شوَد ٤۲، گُزاردَه شدی ۵۳، گزارده شدی ٦۳، فرمان شدی ۱۰۲، هرآینه گذارده شود ۱۱۱، گذارده شد ۱۱۲، گزارده میشد ۱۳۰

~: لَقُضِىَ ٱلْأَمْرُ بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ (٦: ۵۸)
گزارده شدی ۲، گزارده گشتی ۲٦، گزاردَه گشتی ٤۲، گُزارْدَه شدِی ۵۵، گذارده شدی ٦۷، بگذاردمی ۷٦، بگزاردمی ۸۸، گذاردندی ۹٦، گذارده گشتی ۱۰۵، هرآینه گذارده شدی ۱۱۱، گذارده آمدی ۱۲۱، رانده شدی ۱۲۸

~: لَقُضِىَ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ (۱۰: ۱۱)

گُزارده شودی ۲، پدید کردی ۲۴، پس آورده شودی ۲۷، بگزاردِی ۲۹، گزارده‌اند ۳۸، کرده شود ۳۹، گُزاردَه شدِی ۵۵، گزارد ۶۹، گذ آرده شدی ۱۰۰

~: لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ فِیمَا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ (۱۰:۱۹)
گزارده شدی ۱۳، پدید آمد ۲۴، بگزاردندی ۲۹، گزارده شدی کار ۴۲، کار شدی ۱۰۵، بگذارده شدی ۱۲۴

~: فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ (۱۰:۴۷)
دَاوری بَگزاردَندی ۱۰، پدید کرد ۲۴، بگازارد ۹۴

~: وَقُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ (۱۰:۵۴)
بگزاردند ۲۹، گزارَدَهْ شدْ ۵۳، گزارده آید ۵۷، گزارده شد کار ۹۴

~: وَیَا سَمَاءُ أَقْلِعِی وَغِیضَ الْمَاءُ وَقُضِیَ الْأَمْرُ (۱۱:۴۴)
رانده شد ۳۹، گُزاردَه شد ۵۵، برانند ۶۰، پرداخته شد ۶۴، برگزارده شد ۶۷، باز گزاردند ۷۶، برفت ۸۸، گذ آرده شد ۱۰۰، بگذشت ۱۲۱، بجا آورده شد ۱۳۶

~: قُضِیَ الْأَمْرُ الَّذِی فِیهِ تَسْتَفْتِیَانِ (۱۲:۴۱)
گزارده شِد رانده شد ۲، گذارده شود ۵۳، گزاردَه شد ۵۵، براَندَند ۷۶، گزآرده شد ۱۰۰، حکم کرده شد ۱۱۲

~: وَقَالَ الشَّیْطَانُ لَمَّا قُضِیَ الْأَمْرُ (۱۴:۲۲)
گُزارده شود ۲، برگزاردند ۵، گُزارَدَه شود ۵۳، گُذارند ۵۷، گزارده شده ۶۱، گزارنده شود ۱۱۳

~: وَأَنْذِرْهُمْ یَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِیَ الْأَمْرُ (۱۹:۳۹)
بپردازند ۲۴، بگزارد ۴۳، گُزارَدَهْ شود ۵۳، فرموده شود ۵۸، پرداخته باشد ۶۲، رانده شدست ۶۴، بگذارند ۷۶، خواهد بگذارد ۱۰۶، پرداخته ـ شود ۱۰۹

~: وَقُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ (۳۹:۶۹)
داوری کنند ۲۴، گزاردَهْ شَوَدْ ۵۳

~: وَلَوْلَا کَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ (۴۱:۴۵)
داوری کرده شد ۳

~: إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ (۴۲:۱۴)
گُزارده آمدی ۲، گزارده آمدی ۲۲، گزارده آمد ۳۸، رانده شدی ۳۹

~: وَلَوْلَا کَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ (۴۲:۲۱)
گزارده شوی ۱۶، گزاردَه شوی ۲۲

~: فَلَمَّا قُضِیَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِینَ (۴۶:۲۹)
گزارده شد پیغام ۱۷، بپرداختند ۳۴، پرداختَهْ شد ۵۳، برگذارده شد ۱۰۲، خوانده شد ۱۳۹

قَضَیْتُ: فِی أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَیْتَ (۴:۶۵)
داوری کِرده باشی ۱۰، داوری کردی تو ۳۹، تو داوری کنی ۴۵، داوری کردی ۵۳، داوری کنی تو ۵۸، گزاردی تو ۶۱، داور کردی ۷۲، بگزاری تو ۷۵، تو داوری کردی ۹۲، گذ آرده شدی ۱۰۰، داوری کنی ۱۱۲، گزارده باشی تو ۱۳۸

~: أَیَّمَا الْأَجَلَیْنِ قَضَیْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَیَّ (۲۸:۲۸)
من بگزارم ۲۴، بگزارم ۳۰، گزاردم ۴۱، بکنم ۴۶، بگزاردم ۴۷، بگذارم ۶۴، بگزارم و بپایان رسانم ۱۰۳، گذاردم ۱۰۶، بگذارم و به پایان رسانم ۱۱۱، بگزارم من ۱۱۳، گزارم ۱۱۴، بپایان رسانم ۱۲۰، بپایان آورم ۱۳۲

قُضِیَتِ: فَإِذَا قُضِیَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا (۶۲:۱۰)
گُزارده شود ۲، گزارده آید ۲۴، بگزارند ۲۹، گزارده شد ۳۹، گزارده شود ۶۱، گذارده شد ۱۰۲، گذارده شود ۱۰۸، گزاردید ۱۲۴

قَضَیْتُمْ: فَإِذَا قَضَیْتُمْ مَنَاسِکَکُمْ (۲:۲۰۰)
بگزارید ۲، گزاریت ۳، گزارده و پَرداختَه باشید

١٠، بپردازی ٢٤، بگذارید شما ٢٩، گزاردید ٣٦، گزارده و پرداخته شوید ٤٠، بگزاردید ٤٣، بگزارید ٥٢، بگذاریت ٥٥، گزارید ٦١، بگذارید ٧٦، بگذ آرده باشید شما ١٠٠، گذرانده باشید ١٠٦، گذاردید ١١٦، بجای آوردید ١٢٠

~: فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَوٰةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَـٰمًا (٤: ١٠٣)
گزارده باشید ١٠، بگزاری شما ٢٤، بپردازید ٢٩، بگزارده باشید ٣١، گزاردیت ٤١، بگزارده باشید ٤٥، بگزاردید ٥٣، گذارده باشی ٦٠، بگزارده باشید شما ٦٣، پردازید ٨٨، بگزارید شما ١٠٤، گذارده باشید ١٠٦، گذارید ١١١، گزارد شما ١٣٨

قَضَيْنَا: وَقَضَيْنَآ إِلَيْهِ ذَٰلِكَ الْأَمْرَ (١٥: ٦٦)
آگه کردیم ١، بگزاردیم - پدید کردیم ٢، بگزاردیم ٢٩، بگزاردیم ٥٣، برگذاردیم ٥٩، گزاردیم ما ٦١، باز راندیم ٦٢، پدید کردیم ٩٦، بگذ آردیم ما ١٠٠، بگذاردیم ما ١٠٢، گذاردیم ١١٤

~: وَقَضَيْنَآ إِلَىٰ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ فِى الْكِتَـٰبِ (١٧: ٤)
پیغام دادیم ٣، بگزاردیم ما ٢٩، پیغام فرستادیم ٣٠، بیاگاهانیدیم ٣٤، بیاگاهانیدم ٤٨، اگاه کردیم ٥٣، پیغام فرستادیم ٥٥، بیاگاهانیدیم ٦٢، آگاهی دادیم ١٢٥

~: إِذْ قَضَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ (٢٨: ٤٤)
بگزاردیم - بفرمودیم ٤، سپاردیم ما ٢٤، بسپردیم ٤١، آگاه کردیم ٤٣، بگزاردیم ٤٧، بگزاردیم ٥٣، بدادیم ٦٤، بگذاردیم - بفرمودیم ١٠٨، گذاردیم ١١١، گذاردیم ما ١٢٣

~: فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِۦٓ (٣٤: ١٤)
گزاردیم ٣٨، براندیم ما ٣٩، براندیم ٨٨، بگذاردیم ١٠٦، انداختیم ما ١٣٨

الْقِطْر: وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُۥ عَيْنَ الْقِطْرِ (٣٤: ١٢)
مس ١، رود روان ١٨، مس ٢٩، روی گداخته ٣٠، روی ٣٩، مس گداخته ٤١، روی - مس ٥٢، روی مس ١٠٥، پارهای مس ١٠٦، مس گداخته ١٠٩، روی و مس روان ١٢٤، آهن گداخته ١٣٢، مس ١٣٦

قِطْرًا: قَالَ ءَاتُونِىٓ أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا (١٨: ٩٦)
مس ١، روی گداخته ٢، مس گداخته ٣، روی گداخته ٢٤، روی ٣٩، مس گداخته ٤٢، مسها و رویها گداخته ٤٤، مس گداخته ٥٥، مس و روی گداخته ٥٦، گداخته ٧٤، پارهٔ مس ١٠٠، پارهای مس ١٠٦، آهن گرم شده و روی گداخته ١١٦، آهن آب شده ١٢٢، آهن مس گداخته ١٢٣

قَطِرَانٍ: سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ (١٤: ٥٠)
آن که در اشتر گرگین مالند ٣٠، آتش سوزان ٣٩، روغن که در اشتر گرگن مالند ٤٢، آنچه در شتر گرگین مالند ٥٥، مس گداخته ٧٢، از ورشتر مالیده باشند ٧٦، آتش سیاه ٩٠، آنچه در شتر گرگین مالند ٩١، روی گداخته گرم ٩٤، روغنیست که در اشتر گرگین مالند ٩٦، روغنیست که در اشتر گرگن مالند ١٠٥، کتران ١٠٩، روغن سیاه گندیده که آنرا بر شتران گرکی مالند ١١١، گداخته ١١٣، روغن گندیده سیاهست که بر شتران گرگن مالند ١١٦، روی گداخته ١٢٨

قُطِعَ: فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا (٦: ٤٥)
بُریده شد ٢، ببرید ٩، بریده شد ٢٦، بریده شود ٣٦، بریده شد - برکرده شد ٣٩، بریده آمد ٥٣، بُریده شد ٥٥، ببریدند ٦٢، برکنده شد ١٢٢

فَقَطَّعَ: وَسُقُوا مَآءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَآءَهُمْ (٤٧: ١٥)
ببرد ١، پاره پاره کند ٢، پاره پاره می کند ٦، ببرد ٢٢، پاره پاره گرداند ٣٠، می برد ٤١، پاره پاره گرد ٥١، پاره پاره شود ٥٢، بریده شوند ٩٢، پاره کند ٩٦، بریده شود ١٠٠، پاره پاره میکند ١٢٠ پاره پاره کرد ١٢١

قِطَعًا: كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِنَ الَّيْلِ (۱۰:۲۷)
پاره ۱، پارها ۳، تاریکیها ۱۰، تاریکی ۲٤، پارهها ۳۰، پارَها ٤۲، پَارَهَا ٥٥، پَارهَا ٦۲، بارها ۱۱۲، پایها ۱۱۳

قِطَعٌ: وَفِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ (۱۳:٤)
پارها ۱، پارها زمین ۳، پاریها ۲٤، جایها ۳٦، راهها ٤۳، پَارَهَا ٥۳، پَارَهاء زمین ٥٥، دیهها ٥۸، پاره هاء ٦۳، پر کاله ۱۱۰، پاره ها ۱۲۰

★ قِطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ: وَفِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ (۱۳:٤)
پارها زمین پیوسته یکدیگر ۳

قِطْعٍ: فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ الَّيْلِ (۱۱:۸۱)
پاره ۱، پاره ۲، پاره ٤۲، پَارَه ٥۳، پَارهٔ ٥٥، پاره و گوشه ٦۹، پاره ۷٦

قُطِّعَتْ: أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ (۱۳:۳۱)
پاره کرده شدی ۱، پاره پاره کردندی ۲، ببرند ۷ مکرّر، بشکافتی ۲٤، ببریدندی ۲۹، بریده شدی ۳۰، کوتاه کرده شود ۳٦، بُریده شدِی ٥٥، پاره پاره شود و شکافته ٥۸، شکافته شود ۷٤، پاره پاره بکردندی ۷٦، پاره پاره شدی ۷۹، پاره شدندی ۱۰۰، شکافته شدی ۱۱۱، پاره پاره کرده شدی ۱۱۳، پاره پاره کرده شد ۱۲۹، ریزه ریزه شود ۱۳٦

~: فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ (۲۲:۱۹)
بریده شهد ۱، بریده شود ۲، بریده اند ۱۲، ببرید ۲٤، ببریدند ۲۹، ببریده اند ۳٤، بریده آمد ۳۸، پاره پاره کرده شود ۳۹، بُبّرند ٥۱، بریده امدست ٥۳، بریده کنند ٥٦، بریده شده است ٦۲، بریدست ٦۹، برید شده اند ۱۰٦، ببرنده ۱۱۱، بریده شدند ۱۱٤، پاره کرده شد ۱۲٦، بریده شد ۱۳۲، پاره پاره کردند ۱۳۹

قَطَعْتُمْ: مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا (٥۹:٥)
ببرید ید ۱، بُبُرید ند ۲، برید یت ۳، ببرید ند ٤۹، ببرید شما ٦۱، برید ید ۹٦، پاره کردید ۱۰٤

★ مَاقَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ: مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ (٥۹:٥)
شَما نبریدی ۸۱، آنچه بریدند از خرمابن ۱۳۲

قَطَّعْنَ: فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ (۱۲:۳۱)
ببریدند ۱، ببریدنْد ۲، بُریدند ۳، ببریدند - پاره پاره کردند ۳۰، ببرّیدند ۳٤، ببریدند زنان ٤۲، بُرَند - پَاره پَاره گردَند ٥٥، ببریدَند ٦۲، می بریدند ٦۳، بُبُریدَند ۷٦، می بریدند ۱۰۰، بریدن ۱۱۱، بریرند ۱۲۲، پاره کردند ۱۲۸

~: فَسْئَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ (۱۲:٥۰)
بُبُریدنْد ۲، بریدند ۳، برّیدند ٤۲، بُریدَند ٥٥، ببریده بودند ٥٦، بُبُریدَند ۷٦، ببریدند ۱۱۳، به بریدند ۱۲۸

قَطَعْنَا: وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا (۷:۷۲)
ببریدیم ۱، بُبُریدیم ۲، بریدیم ۳، بُن بسند بکَردیم و از بن بکَندیم ۱۰، ببریدیم ما ۲۷، ببریدیم ما - بر کندیم ما ۳۹، ببریدیم ٤٥، بُبُریدیم ٥۳، ببرانیدیم ما ٦۱، بردیم ٦۲، ببریدیم - کندیم ٦۷، ببریم ما بر کندیم ۹۲، ما بریدیم ۹٦، بریدیم ما ۹۹، ببرّیدیم ۱۰۰، برانداختیم ۱۲۷، بُبُریدیم ۱٤۰

~: لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (٦۹:٤٦)
ببریدی ۱، ببریم ۲۹، ببرم ۳۰، ببریدمانی ٤۲، ببریدیمی ٦۱، بکلانیدمی ٦٤، ببریدمانیم ما ۸۹، بریدمانی ۱۰۰، بریدیمانی ۱۱٤، بریدمی ۱۲۱، می بریدیم ۱۳۲، پاره پاره کنیم ۱۳٦، ببریمانی ۱۳۸

قَطَّعْنَاهُمْ: وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا (۷:۱٦۰)
بپراکندیم ۱، بپَراکندیم ۲، جداجدا کردیم ۲۷، پراکنده گردانیدیم ۳٤، ببریدیم ۳٥، جدا کردیم ۳٦، گروه گروه بکردیم ٤۲، پراکندیم ٥۲، پراکنده بکردیم ٥۳، بر گنده گردیم ٥٥،

بگردانیدیم ٦٤، برکندیم ٧٢، پیدا کردیم ما ١٠٠، گروه گروه کردیم ١٠٣، جدا گردانیدیم ١٠٤، ببرّیدیم بپراکندیم ١٠٩، جدا کردیم ما ١٢٣، ببریدیم ما ١٣٤

~: وَقَطَّعْنَٰهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ أُمَمًا (٧: ١٦٨)
پراکنده کردیم ٣، از هم بَیوگندیم ١٠، پاره پاره کردیم ٣٥، برکنده کردیم ٣٩، بپراکنیم ٤٢، برپراکندیم ٥٨، ببرانیدیم ما ٦١، پراکنده کردیم ما ٨٩، ببریدیم و پراکنده کردیم ٩٣، پراکنده ساختیم ١١١، نفرین کردیم ١١٢، گردانیدیم ١٢٧، بپراکندیم ما ١٣٤

قِطْمِير: مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ (٣٥: ١٣)
چند پُوستی خسته ١، پُوست اندرُون خرما ٢، پوست تنکی که بر کوله خرما بود پیچیده ٣، خسته خرماستان ١٨، پوست استخوان خرما ٢٤، پوست اندرون خرما ٣٠، خسته خرما ٣٦، هسته خرما ٣٨، چند پوست خسته ٣٩، چاهک شیار دانه خرما ٤١، جوی استه خرما ٤٢، پوست خستهٔ خرما ٤٣، خرما استه ٤٩، پوست استه ٥٣، پوست دانهٔ خرما ٥٨، پوست تنک خسته خرمابنان ٦١، پوست خسته خرما ٦٤، پوستک خرما که میان خسته آن باشد ٦٦، پوستی تنک که بر خسته خرما بود ٧٨، پوستک تنک بر دانه خرما ٨٠، سنگ خسته خرما ٩١، پوست خرما ٩٤، اندک ١٠٦، سفهٔ پوست خرما ١٠٩، تنگ خسته خرمان ١١٠، پوست رخنه استخوان خرما ١١١، اندازه پوست استه خرما ١١٤، پوستهٔ استخوان خرما ١١٦، دانه خرما ١١٨، پوست استخوان ١١٩، پوست هسته خرما ١٢٢، پوست خسته خورما ١٢٣، پوست اندر میان خرما ١٢٩، خرما پوستک خسته ١٣٩

قِطَّنَا: وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ ٱلْحِسَابِ (٣٨: ١٦)
نامه ١، برخ ٢٢، نوشته ٣٠، بَرْخ ٥٣، بهره ٥٦، روزنامهاء ٩٠

قُطُوفُهَا: فِى جَنَّةٍ عَالِيَةٍ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ (٦٩: ٢٣)
میوه چیدن ٢، بارها ـ میوها ٣، میوه ٨، بارکرده میوها ٣٩، چیدن مَیوها ٦١، چیدن میوها ٧٩، بارها میوه ٩٢، میوهاَ ١٠٥، چِیدن ١١٣، بارها و دانها ١٢١

~: وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَٰلُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا (٧٦: ١٤)
میوها ١، بارهاء درخت ٣، میوه درختان ٢٤، چیدن میوه ٦١، بارها ٨٠، چیدن ١٠٤، چیدن میوه‌ها ١١٣، میَوه چیدن ١٢٤، میوه‌ها ١٣٦

قَعَدَ: وَقَعَدَ ٱلَّذِينَ كَذَبُوا ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ (٩: ٩٠)
بنشستند ١، نشستند ٣، نشست ٣٨، بنشینند ٤١، بنشیند ٩٢، نشستن ١٣٠

قَعَدُوا: وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا (٣: ١٦٨)
بنشستند ١، بَنشَستَند ٢، نشستند ٣، خود بنشستند ١٠، فرونشستند ٢٩، نشسته‌اند ٣٦، نشسته [بودند] ٤٠، بَنِشستَند ٤٢، نِشستَند ٥٥، نشسته بودند ٨٨، ایشان نشسته بودند ١٢٣، بنشستندی ١٣٨

فَقَعُوا: فَقَعُوا لَهُۥ سَٰجِدِينَ (١٥: ٢٩)
بیفتید ١، بیفتید ٢، افتیت ٣، بیوفتادند ٢٤، درافتادند ٤١، بُفتید ٥٣، فروافتید ٥٦، درفتید ٥٧، بیوفتید ٥٨، افتادند ٦١، درافتید ٦٤، آفتیت ٧١، درفتادند ٧٦، اندرافتید ٩٣، درآیید ١٠٤

~: فَقَعُوا لَهُۥ سَٰجِدِينَ (٣٨: ٧٢)
بیفتند ٢٢، فروشوند ٢٤، بیفتیدند ٣٤، بیافتید ٦١، در روی افتادندی ٦٤، بیفکنید ٧٤، بُفتادند ٨١، ایستیت ٩١، بروی درافتید ١٠٣، بروی درآیید ١٠٤، بیفتادند ١٠٥، افتید ١١٤، بروی افتید ١١٦، در روی درافتید ١٢٠، برُو درآئید ١٣٢، درافتد ١٣٣

ٱلْقُعُودِ: إِنَّكُمْ رَضِيتُم بِٱلْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ (٩: ٨٣)
نشستن ١، نشستن گاه ١١، نِشْستن ٥٥، نِیشستن ٦٢، نشستن باز ٦٧، نشستن جای ١٠٠، نشین ١١٤

~: ٱلنَّارِ ذَاتِ ٱلْوَقُودِ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (٨٥: ٦)

نشسته ۱، نشستگان ۶۱، نشینند گان ۱۰۹، نشسته گان ۱۳۶، نشسته بودند ۱۳۸، نشست ۱۳۹

قُعُودًا: اَلَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَـٰمًا وَقُعُودًا (۳:۱۹۱)
نشستگان ۱، نشستَه ۲۳، نشستن ۴۱، نِشستَه ۴۲، نِشستگان ۵۵، نشسته گان ۹۱، حال که نشسته باشد ۱۳۸

~: فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَـٰمًا وَقُعُودًا (۴:۱۰۳)
نشستگان ۲، نشسته ۱۰، نشستهْ ۵۳، نِشستگان ۵۵، بنشسته ۷۵، نشستگاَن ۹۴، نشستگان و افتادگان ۱۱۱، نشینند ه ۱۱۹، نشسته ۱۲۱، نشسته باشند ۱۳۸

قَعِيدٌ: إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ (۵۰:۱۷)
نشسته ۱، هم نشین ۳، نشستگان ۶۹، همنشین ۸۰، نِشستَه ۸۱، همنیشنی ۱۲۰

قِفُوهُمْ: وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسْئُولُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ (۳۷:۲۴)
واز گیرید ۱، ایستانیت ۳، بیستانید ۲۲، بدارید ۲۴، بازدارید ۲۹، بداریت ۳۰، بایستانید ۳۳، بایستانند ۶۱، فروآرید ۹۶، نگاه دارید ۱۲۱، بیستانید ۱۳۹

قَفَّيْنَا: وَقَفَّيْنَا مِن بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ (۲:۸۷)
بربی فرستادیم ۳، از پَی یَک دیگر مَی فَرستادیم ۱۰، بفرستادیم ۲۴، از پس درآوردیم ۳۶، از پی یکدیگر می فرستادیم ۴۰، در پی بفرستادیم ۴۱، بیاوردیم ۵۳، بَربَیْ فِرستَادیم ۵۵، از پس در رسانیدیم ما ۵۷، از پی در داشتیم ۵۹، فرستادیم ما ۶۱، از پی فراداشتیم ۶۳، دم آوردیم ۶۷، فروفرستادیم ۷۶، بر پی داشتیم ما ۷۹، در پس فرستادیم ۸۰، پس یکدیگر کردیم ۹۲، پیاپی بیاوردیم ۱۰۱، پی فراداشتیم ۱۰۶، پیاپی فرستادیم ۱۲۲، بپای کردیم ما ۱۲۴، بپای کردیم ۱۲۸، در پی آوردیم ۱۲۹

~: وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ (۵:۴۶)
بگزیدیم ۱، سپسْ فرستادیم ۲، از پی اندر داشتیم ۲۷، پس بفرستادیم ۲۹، بیاوُرْدیم ۴۵، پس درآوردیم ما ۵۶، در پس داشتیم ۵۷، درایستانیدیم ما ۶۱، از پی فرا داشتیم ما ۶۳، پس تو بفرستادیم ما ۶٤، در پی داشتیم ۷۶، از پس فرستادیم ۹٤، ما در پی داشتیم ۹۶، بر پی داشتیم ما ۹۸، در پی داشتیم ما ۱۰۰، از پی درآوردیم ۱۰۲، از پس فراداشتیم ۱۰۳، از پی درآوردیم ما ۱۰٤، از پس فرستادیم ما ۱۲٤، از پس فریستادیم ۱۲۸، فرستادیم از پس ۱۲۹

~: ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا (۵۷:۲۷)
سپس فرستادیم ۲، فرستادیم ۳، اندر داشتیم ۲٤، بربی داشتیم ۲۹، پَس درآوَردیم ۴۲، در پی فرستادیم ۴۳، از پی داشتیم پی گیر کردیم ۵۲، بفرستادیم ما ٦٤، از پس داشتیم ما ۶۹، داشتیم ما ۸۷، پی گیر کردیم ۹۶، در پی فراداشتیم ۱۰۶، برمی داشتیم ۱۱۳، دربی فرا داشتیم ما ۱۱۷، از پی فرستادیم ما ۱۲٤، به پی فرستادیم ۱۲۹، از پی برافراشتیم ما ۱۳٤، فراداشتیم ما ۱۳۸

قُلْ: قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِندَ اللَّهِ عَهْدًا (۲:۸۰)
بگویی ۱۰۵

~: تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ (۲:۱۱۱)
بگُوی ۲

~: قُلْ مَا أَنفَقْتُم مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ (۲:۲۱۵)
بگه ۱، بگوی ۱۰

~: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ (۵:۷۷)
بگوی ۲، گوی ۵۷

~: قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ (۱۳:۲۷)
بگُوی ۶۲

~: قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ (۱۳:۳۰)
بگو ۲

~: وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ (۱۳:۳۳)

گو ۵

~: قُل لَّا تُقۡسِمُواْۖ طَاعَةٞ مَّعۡرُوفَةٌ (۲۴: ۵۳)
بگو ۱۱۹

~: قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ (۳۱: ۲۵)
گو ۶۱

~: قُلۡ نَعَمۡ وَأَنتُمۡ دَٰخِرُونَ (۳۷: ۱۸)
بگو ۵۷

قَلَّ: مِمَّا قَلَّ مِنۡهُ أَوۡ كَثُرَۚ نَصِيبٗا مَّفۡرُوضٗا (۴: ۷)
خجاره[1] شد ۱، کم شد ۳، اَندَکی بود ۱۰، اند ک ۲۳، اند ک باشد ۴۳، اند ک باشَدْ ۵۳، اند ک شد ۶۱، اند ک بود ۶۳، اند ک است ۹۰، کمتر بود ۱۰۰، کم است ۱۰۴، کم باشد ۱۱۱

ٱلۡقَلَٰٓئِدَ: وَلَا ٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَلَا ٱلۡهَدۡيَ وَلَا ٱلۡقَلَٰٓئِدَ (۵: ۲)
شتران که پوست درخت حرم اندر گردن شان اَوگنده باشند ۱۰، گردن بند بسته ۴۱، گردن بند ۴۲، آن که بر گردن آویخته باشد ۵۳، گردَن بَندها ۵۵، گردن بستگان ۷۸، آنکه بر گردن نشان دارد ۸۴، آن که گردن بند بسته باشد ۸۸، شتران گردن بند کرده ۱۱۴، شتران خون آلوده ۱۳۶

~: قِيَٰمٗا لِّلنَّاسِ وَٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَٱلۡهَدۡيَ وَٱلۡقَلَٰٓئِدَ (۵: ۹۷)
گردنْ بَند بستگان ۲، گردن بندها ۳، گردن بند بستگان ۲۶، آنکه نشان بر گردن دارد ۲۹، گردن بستها ۵۲، گردن بَندهایِ شتران ۵۵، شتران گردن بند ۶۳، شتران با گردنَ بند ۷۶، آنان که بسته بودند بگردن ۸۲، آنکه او را گردن بند ند ۹۴، ستوران ۱۱۹، آنچه بر گردن دارد ۱۲۱

قَلۡبِ: وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلۡقَلۡبِ (۳: ۱۵۹)
دِل ۲

~: إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ (۲۶: ۸۹)
دلک ۲

~: إِذۡ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلۡبٖ سَلِيمٍ (۳۷: ۸۴)
دل ۱

قَلۡبِكَ: فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلۡبِكَ (۲: ۹۷)
دل ۴۰

قَلۡبُهُۥ: وَمَن يَكۡتُمۡهَا فَإِنَّهُۥٓ ءَاثِمٞ قَلۡبُهُۥ (۲: ۲۸۳)
دل ۱۰۵

~: إِلَّا مَنۡ أُكۡرِهَ وَقَلۡبُهُۥ مُطۡمَئِنُّۢ بِٱلۡإِيمَٰنِ (۱۶: ۱۰۶)
دِل ۵۵

قَلۡبِهَا: لَوۡلَآ أَن رَّبَطۡنَا عَلَىٰ قَلۡبِهَا (۲۸: ۱۰)
دل ۸۶

قَلَّبُوا: وَقَلَّبُواْ لَكَ ٱلۡأُمُورَ حَتَّىٰ جَآءَ ٱلۡحَقُّ (۹: ۴۸)
بگردانستند ۱، زیر و زَبر کردنْد ۲، گردانیدند ۳، بَرهم شوریدند ۱۰، بگردانیدند ۱۱، ور گردانیدند ۲۴، برهم شدند ۲۷، بگردانیده‌اند ۳۶، زیر و زبر کردَند ۴۲، همی گردانیدند ۵۳، گردَانیِدَند ۵۵، زیـرزبـر کـردنـد ۵۶، زیـر و زبـر کـردنـد ۵۷، بر گردانیدند ۶۰، میگردانیدند ۶۷، همی گردانند ۸۸، گردیدند ۱۰۳، گرداندند و زیر و زبر کردند ۱۰۹، بگردانید ۱۱۱، بر گرداندند ۱۱۴

قَلۡبِي: قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطۡمَئِنَّ قَلۡبِي (۲: ۲۶۰)
دل ۱، دِل ۵۵

قَلۡبَيۡنِ: مَّا جَعَلَ ٱللَّهُ لِرَجُلٖ مِّن قَلۡبَيۡنِ فِي جَوۡفِهِۦ (۳۳: ۴)
دودل ۱، دُو دِلْ ۲، دودلان ۴۱، دُودِل ۵۳

قُلۡتَ: ءَأَنتَ قُلۡتَ لِلنَّاسِ ٱتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَٰهَيۡنِ (۵: ۱۱۶)
بگُفتی ۲، همی گفتی ۴۵، تو گفتی ۱۱۱

---

۱. خجاره: اندک، کم، قلیل.

~: قُلْتَ لَآ أَجِدُ مَآ أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ (۹:۹۲)
گفتی ۱، گفتی تو ۵۸، گوی ۹٦، بگویی ۱۲۸

~: وَلَئِن قُلْتَ إِنَّكُم مَّبْعُوثُونَ مِنۢ بَعْدِ ٱلْمَوْتِ (۱۱:۷)
گوهی ۱، گویی ۳، تو گویی ۲۹، تو گوی ۵۷، گویی تو ۵۸، بگویی تو ٦۱، گوئی تو ۱۰۰

~: وَلَوْلَآ إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ (۱۸:۳۹)
بگفتی ۱۰۸

~: فَقُلْتُ ٱسْتَغْفِرُوا۟ رَبَّكُمْ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارًا (۷۱:۱۰)
بگفتم ۳۹

★ [لَا] قُلْتَ: وَلَوْلَآ إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ (۱۸:۳۹)
نگفتی ۱

★ مَاقُلْتُ: مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَآ أَمَرْتَنِى بِهِۦٓ (۵:۱۱۷)
نگفتم ۱، نه گفتم ۲، نه من گفتم ۲۷، نفرمودم ۵۸، نگفته‌ام ٦٤، نگفتم من ۹٦

قُلْتُمْ: وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ (۲:۵۵)
گُفتید ۲، گُفتید ۱۰، گفتی شما ۵۷، بگفتند ۸۲

~: وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَٰحِدٍ (۲:٦۱)
گفتند ۹۰

~: قَدْ أَصَبْتُم مِّثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّىٰ هَٰذَا (۳:۱٦۵)
گُفتید ۲، گفتیت ۳، گفتی ۲٤، وایست گفت شما را ٤۰، بگویید ٦۱

~: قُلْ قَدْ جَآءَكُمْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِى بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَبِٱلَّذِى قُلْتُمْ (۳:۱۸۳)
گفتید شما ٥٦

~: وَمِيثَٰقَهُ ٱلَّذِى وَاثَقَكُم بِهِۦٓ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا (۵:۷)
گفتید ۱، گفتید ۲، گفتید تان ٦۱

~: وَإِذَا قُلْتُمْ فَٱعْدِلُوا۟ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ (٦:۱۵۲)
گوهید ۱، گویید ۵۳، گفتندی ۵٤، بگوئید ٦٤، سخن گویید ۹۲، گوئید ۱۰۰، گویید ۱۱۱، سخن گوئید شما ۱۱۲

~: قُلْتُم مَّا نَدْرِى مَا ٱلسَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا (٤۵:۳۲)
گوییت ۳۲، میگفتید ۱۰۳

★ [لَا] قُلْتُمْ: وَلَوْلَآ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُم مَّا يَكُونُ لَنَآ (۲٤:۱٦)
نگفتید ۱۳۲

قُلْتُهُۥ: إِن كُنتُ قُلْتُهُۥ فَقَدْ عَلِمْتَهُۥ (۵:۱۱٦)
گفتم ۱، گُفته باشم ۲، گفته باشم ۳، گفته‌ام ۲۷، گفته من ٦۱، گفتمی ۷٦، گفته بودمی ۱۰۳، گفته‌ام این ۱۰۵

ٱلْقَلَم: نٓ وَٱلْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (٦۸:۱)
خامه ۳، مداد ۱۳٦

~: ٱقْرَأْ وَرَبُّكَ ٱلْأَكْرَمُ ٱلَّذِى عَلَّمَ بِٱلْقَلَمِ (۹٦:٤)
نوشتن ۱۲۰

قُلْنَ: وَقُلْنَ حَٰشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا بَشَرًا (۱۲:۳۱)
گفتند ۱، گُفتند ۲، گُفتَند ۷٦

~: قُلْنَ حَٰشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِن سُوٓءٍ (۱۲:۵۱)
گفتند زنان ۵۸، بگفتند ۹۲، گفتند ۹٤

قُلْنَ: وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۳۳:۳۲)
گوهید ۱، گوییت ۲، بگویید ٤۲، گویند ٥٦، بگوئید ٦٤، بگویند ۱۱٤

قُلْنَا: وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُوا۟ لِءَادَمَ فَسَجَدُوٓا۟ (۲:۳٤)
گُفتیم ۵۵، گُفتیم ۱۲۱

~: وَقُلْنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ ٱلْجَنَّةَ (۲:۳۵)
بگفتیم ۲

~: وَإِذْ قُلْنَا ٱدْخُلُوا۟ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةَ فَكُلُوا۟ مِنْهَا (۲:۵۸)
گفتیم ما ۲٤، ما گفتیم ۲۹

~: فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا۟ قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ (۲:٦۵)

گفت ما ۶۳

~: وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا (۴:۱۵۴)
فرموديم ۳۶، بگفتيم ما ۶۱

~: قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (۷:۱۶۶)
گفتيم ۱

~: لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا (۸:۳۱)
بگوييمى ۲۷، گفتمانى ۲۹، گفتيمى ۵۵، بگوييم ۵۸، بگوييم ما ۶۱، بگفتمانيم ما ۱۳۴

~: لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا (۱۸:۱۴)
گُفته باشيم ۲، گفته باشيم ما ۹۳

~: قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ (۱۸:۸۶)
گُفتيم ۲

~: قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى (۲۰:۶۸)
گفتيم ۲

~: وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ (۲۰:۱۱۶)
گفتم ۸۷

~: فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ (۲۰:۱۱۷)
بگُفتيم ۲، گفتيم ۸۷

~: فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ (۲۸:۷۵)
گوهيم ۱، گوييم ما ۵۸، بگويم ۶۱، گوييم ۶۴

قُلُوبِ: سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ (۳:۱۵۱)
دلهاء ۵۳

~: كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ (۷:۱۰۱)
دِلها ۱۰

~: مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ (۹:۱۱۷)
دلان ۱۰

~: أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۱۳:۲۸)
دلها ۵۸

~: إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ (۴۰:۱۸)
دلها ۱، جانها ۱۳۴

قُلُوبُكُمْ: ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ (۲:۷۴)
دل ها ۶۴، دِلها ۵۵

~: وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ (۲:۲۲۵)
دِلها ۲

~: إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ (۳:۱۲۶)
دلها ۱

~: ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ (۳۳:۵۳)
دلها ۱۱۴

قُلُوبُنَا: وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ (۲:۸۸)
دلها ۱۲۸

~: وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا (۴:۱۵۵)
دلها ۱۰۰

قُلُوبِهِمْ: خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ (۲:۷)
دِلها ۵۵، دل ها ۶۴

~: فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ (۳:۷)
دلهاء ۹۰

~: وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ (۶:۴۳)
دلها ۱

~: وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ (۳۳:۶۰)
سينها ۱۱۴

~: فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ (۳۹:۲۲)
دلان ۳۳، دلان ۹۴

~: رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ (۴۷:۲۰)
دل ۶

★ مُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ: وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ (۹:۶۰)
نواخته دلان ۱۰

قُلُوبِهِنَّ: ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ (۳۳: ۵۳)
دِلّها ۱۱۹، دلها ۱۳۸

قَلَى: وَٱلَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ (۹۳: ۳)
دشمن گرفت ۲٤

★ مَاقَلَى: مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ (۹۳: ۳)
دشمن نکرد ۱، نبزید ۵۲، دشمن نداشته است ۵۳، دشمن نگرفت ٦۵، نه دشمن داشت ۸۸، نداشت دشمن ۱۰۸، دشمن نداشت ۱۰۹، بدشمن ـ نگرفت ۱۱۳، دشمن نگرفته است ۱۲۰، دشمن نگشته ۱۳۲

قَلِيلًا: وَلَا تَشْتَرُوا بِـَٔايَـٰتِى ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّـٰىَ فَٱتَّقُونِ (۲: ٤۱)
أندَکْ ۲، آندَ ک ۵۵

~: بَل لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ (۲: ۸۸)
نیک اند ک ۳، اندی ٤۱، نیک آندَ ک ۵۵

~: قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُۥ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُۥٓ (۲: ۱۲٦)
اند ک مایه چند ک ۱۰

~: وَيَشْتَرُونَ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا (۲: ۱۷٤)
خوارمایه ۱۰

~: تَوَلَّوْا۟ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ (۲: ۲٤٦)
خجاره[1] ۱

~: فَشَرِبُوا۟ مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ (۲: ۲٤۹)
أند ک ۲، بسیار اند ک ٤۵، آندَ کْ ۹٤

~: يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ ٱللَّهِ وَأَيْمَـٰنِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا (۳: ۷۷)
أند کْ ۲، اند ک مایه ۱۰، آندَ کْ ۲۷

~: لَا يَشْتَرُونَ بِـَٔايَـٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا (۳: ۱۹۹)
خوارمایه ۱۰

~: لَٱتَّبَعْتُمُ ٱلشَّيْطَـٰنَ إِلَّا قَلِيلًا (٤: ۸۳)
نادر ۱۲۲

~: وَلَا تَشْتَرُوا۟ بِـَٔايَـٰتِى ثَمَنًا قَلِيلًا (۵: ٤٤)
اند کاند ک ۳۵

~: وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَـٰيِشَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۷: ۱۰)
کم ۹٦

~: وَٱذْكُرُوٓا۟ إِذْ كُنتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ (۷: ۸٦)
اند ک مایه بُشمار ۱۰

~: إِذْ يُرِيكَهُمُ ٱللَّهُ فِى مَنَامِكَ قَلِيلًا (۸: ٤۳)
اند ک مایه تا دلیوَر[2] بکرد شما را ۱۰

~: ٱشْتَرَوْا۟ بِـَٔايَـٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا (۹: ۹)
خوار مایه ۱۰

~: وَلَا تَشْتَرُوا۟ بِعَهْدِ ٱللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا (۱٦: ۹۵)
آندَ ک ٦۲

~: إِنَّا كَاشِفُوا۟ ٱلْعَذَابِ قَلِيلًا ۚ إِنَّكُمْ عَآئِدُونَ (٤٤: ۱۵)
اند ک ۲

قَلِيلٌ: قُلْ مَتَـٰعُ ٱلدُّنْيَا قَلِيلٌ وَٱلْـَٔاخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ ٱتَّقَىٰ (٤: ۷۷)
اند گی ۱۰

~: مَتَـٰعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱٦: ۱۱۷)
أند کْ ۲

~: فَمَا مَتَـٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا فِى ٱلْـَٔاخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (۹: ۳۸)
اند کمایه ۱۰، آندَ ک ۵۵

~: قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نَـٰدِمِينَ (۲۳: ٤۰)
زود ۱۲۸

~: وَأَثْلٍ وَشَىْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ (۳٤: ۱٦)

---

۱. خجاره: اند ک، کم، قلیل.
۲. دلیوَر / دلیر.

اند ک مایه ۲٤، اند که ۱۱۰

قَلِيلَةٍ: كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ (۲:۲٤۹)
أند ک ۲، اند ک مایه ٦۳

قَلِيلُونَ: إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ (۲٦:٥٤)
خجارة ۱، أندكان ۲، اند کان ۲۰، اند ک مایه ۲٤، اند ک ۲۹، اند گان ۷۹

قُمْ: يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۷۳:۲)
ورخیز ۱، برخیز ۲

قُمْتُمْ: إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ (٥:٦)
ورخیزید ۱، برخیزیت ۳، برخیزید ۱۰، برخیزید ۲۷، بایستید ۳۷، بپای خیزید ٤٥، بیستید ٦۱، برخیزید شما ۱۰۰

الْقَمَرُ: فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي (٦:۷۷)
ماهتاب ۲، ماه روشن ۱۰

~: وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا (٦:۹٦)
ماهتاب ٦۱

~: وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ (۷:٥٤)
مه ۱

~: هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا (۱۰:٥)
ماه ٥٥، ما ٥۷

~: إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ (۱۲:٤)
ماه ۱۰۰

~: وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى (۱۳:۲)
ماه ۲، ما ٦۳

~: يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَ... وَالْقَمَرُ (۲۲:۱۸)
ماهتاب ۱۲، ماه تاب ٥۳

~: وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ (۲۹:٦۱)
ماه تاب ۲٤

قَمَرًا: وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُّنِيرًا (۲٥:٦۱)
ماه ۲۰، ماه تاب ۲٤، ماهتاب ۱۳٤

قَمْطَرِيرًا: إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (۷٦:۱۰)
سخت ۱، سخت ترش ۳، رو فراهم کشیده ۳٤، سخت ـ دشوار ۳٦، دشوار ٦۱، بغایت ترش ۷۹، دشوآر ۱۰۰، با سختی ۱۰٤، سخت تند ۱۰۹، سخت ترین ۱۱٤، ترش ۱۱۷، سخت کوفته ۱۱۹، بسیار ترش روی ۱۲۲، سخت دشوار ۱۲۳، بسیار ترش رو ۱۳۲

الْقُمَّلَ: فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ (۷:۱۳۳)
خبز ملخ[1] ۱، زیفج ۲، دیفر ۳، ملخ پیاده ۱۰، شپش ۲٤، دیفژ ۳۰، ملخ پیاده یا شپش ٤۱، زیفج ـ شپش ٤۲، دیفش ٤۳، سوس ٥۳، دیفژ ٥٥، اشپشه ٦۲، ملخ پیاده و شپش ٦۷، ملخ بی پای ۷۲، ملخ ناپر ۷٤، هیچ ۹٤، سنه ۹٥، کبارکنها ۱۰٤، زیفج ـ شُپش ۱۰٥، شپسها ۱۰٦، ملخ پیاده و سوس ۱۰۹، شب پر ۱۱۲، دیقش ۱۱٤، شپشک ۱۱۹، کرم ۱۲۰، ملخ بی پر ۱۲۲، زیفج ۱۲٥، کنه ۱۳۱، زیفیج ۱۳٤، کنه ۱۳٥

قَمِيصِهِ: وَجَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ (۱۲:۱۸)
پیراهن ۱، پیرهن ۲٤، پیراهن ٥٥، پیراهن ۱۱٥

~: وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِن دُبُرٍ (۱۲:۲٥)
جامه ۱۰۳، پیرهن ۱۰٤

قَمِيصِي: اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَٰذَا (۱۲:۹۳)
پیراهن ۱، پیراهن ۷٦، پیرهن ۱۰۰

---

۱. خبز ملخ: ملخ پیاده، شپش.

قِنا: وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ (۲:۲۰۱)
برهان ٤۰، نگاه‌دار ٥۲، نگه بدار ۱۳۸

~: فَٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ (۳:۱٦)
نگاه دار ۳، وادار ۱۰، بازپای ٥۷، نگه‌دار ۱۱۱، نگاهدار ۱۲۲

~: سُبْحَـٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ (۳:۱۹۱)
برهان ـ وادار ٤۰

ٱلْقَنَاطِير: وَٱلْقَنَـٰطِيرِ ٱلْمُقَنطَرَةِ مِنَ ٱلذَّهَبِ (۳:۱٤)
گنجهاَ ۱، بَدْرها ۲، خواسته ۲٤، گاوپوستها ۲٥، پوستها گاوپرزر ۳٦، خواستها ٤۰، پوست گاو پرزر ٤۱، بَدرَها ٤۲، پوستهاء گاو ٤۸، بدرها ٥۲، مَالَهای بسیّار ٥٥، یلها[1] ٦۹، پوستهای گاو ۷٤، پرشکاریهاَ ۷٥، خواستها گرد کرده ۷۸، پلها[1] ۸۲، پوستها ۸۸، خواستهاء ۹۰، پوستها گاو ۹۲، بدرهاَ ۱۰٥، پوست گاوها ۱۲۸، همیانهای زر و نقره ۱۲۹

* قَنَاطِير ٱلْمُقَنْطَرَة: وَٱلْقَنَـٰطِيرِ ٱلْمُقَنطَرَةِ (۳:۱٤)
خواستهای گرد کرده ۱۰، پوستها پر زر ٤۳، پوستهاء گاوان پرزر کرده ٤۹، یک بر یکدیگر نهاده ۹٦

قِنْطَارًا: وَءَاتَيْتُمْ إِحْدَىٰهُنَّ قِنطَارًا (٤:۲۰)
پوست گاو و دینار پر ۱، بَدْره یا پوسْت گاو زرْ ۲، پوست گاو پر زر ۳، پوست گاو پر زرْ ۲۷، کاوین ٤۰، پوست پر زر ٤۳، پوست گاوی از زر ٥۳، پُوستگاو پُر زر ٥٥، پوست گاو زر ٥۷، کابین بسیار ٦۹، پوست گاوی زر ۷۲، پوستی پر زر ۷٤، پوست گاو پر از زر ۷٦، پوست گاوی پر زر ۸۰، بپری پوست گاو زر ۹۰، یک پوست گاو زر ۹٤، پوست گاو زر پر ۱۰٥، پوست گاو پور ذر ۱۱٤، پوست گاو بزر ۱۱۹، بدره یا یک گاو زر ۱۲۸

قِنْطَار: مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيْكَ (۳:۷٥)
پوسّت گاو زر ۲، پوست گاو پر زر ۳، پوست گاوی بَرزاَ پُرّ زَر ۱۰، پَوست گاف پر زر ۲٤، پوست گاو یا زر یا درم ۲٥، پوست گاو پر زَرْ ۲۷، پوست گاو پُر بزر ٤۰، پُوست گاو زر ٤۲، پوست پر زر ٤۳، پوست ٥۲، پُوسْت گاو پُر زَر ٥٥، پوست گاو ٦۹، پوست گاوی پر زر ۷۲، پوست گاوی پر از زر ۷٥، پوست گاو پر از زر ۷٦، پوست گاوی زر ۸۸، پوسته گاو پر زر ۹۲، پری پوست گاو ۹۹، خروآر ۱۰۰، یک پوست گاو زر ۱۲۸

قَنَطُوا: هُوَ ٱلَّذِى يُنَزِّلُ ٱلْغَيْثَ مِنۢ بَعْدِ مَا قَنَطُوا۟ (٤۲:۲۸)
نومید شدند ۱، ناامید شدند ۱٦، نومید شوند ۲۲، نومید شده باشند ۲٤، نومید گشته باشد ۳۰، نومید گشته باشند ۳٤، نومید گشتند ٤۹، نومید گرْدَند ٥۳، نُومید شدند ۸۱، نومید می‌شوند ۱۰٤، نومنده شده‌اند ۱۱۱، نومید گردند ۱۲٤، ناامید شده بودند ۱۳٦، نومی شده باشد ۱۳۸

قِنْوَان: وَمِنَ ٱلنَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ (٦:۹۹)
سرزکها[2] ۱، خوشها ۲، خوشها ۳، شاخها ۲٤، خوشَها ٤۲، خوشه ٤۸، خوشَها ٥٥، شاخهاء ٦۰، درختان از یکدیگر برسته ۹٥، شکوفه ۱۰٦، شکوفه و غنچه ۱۱۱، درهم ۱۱٥، خوشهای تو ۱۲۹، خوشه ها ۱۳٤

قَنُوط: وَإِن مَّسَّهُ ٱلشَّرُّ فَيَـُٔوسٌ قَنُوطٌ (٤۱:٤۹)
نومید ۱، غمگین ۲، درمند ۱٦، دژم ۲۲، سخت نومید ۳۰، رمیده ـ نومید ٥٦، ناامید ۱۰٤، امید بریده ۱۲۰، نومید ۱۳۲

ٱلْقَهَّار: خَيْرٌ أَمِ ٱللَّهُ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّارُ (۱۲:۳۹)
شِکَنَندَه گامْها ٥٥، توانا بر همه چیز ۱۰٤، شکننده کام‌ها ۱۱۹

---

۱. کذا در اصل، دانسته نشد که کدام صورت صحیح است و انسب (؟).

۲. سرزکها: شاخه ها، خوشه ها.

~: قُلِ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّٰرُ (۱۳:۱٦)
فروشکننده ۲، شکنندهٔ کامها ۳، زبردست ۵، کامکار ۳۹، شِکَنندهٔ کامها ۵۵، بی انباز ٦٤، فروشکننده کامها ۱۲۵

~: وَبَرَزُوا۟ لِلَّهِ ٱلْوَٰحِدِ ٱلْقَهَّارِ (۱٤:٤۸)
شکننده ۵۳، فرود شکننده ۸۳، توانا ۱۰٤

~: وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّارُ (۳۸:٦۵)
فروشکننده ۲، شکننده کامها ۳، شکننده کامهاء ۹۰، فروشکننده دشمنان ۱۰۸

~: لِّمَنِ ٱلْمُلْكُ ٱلْيَوْمَ لِلَّهِ ٱلْوَٰحِدِ ٱلْقَهَّارِ (٤۰:۱٦)
شکننده ۳۰، شکنندهٔ کامهای بند گان ۱۳۹

قِهِمْ: وَٱتَّبَعُوا۟ سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ ٱلْجَحِيمِ (٤۰:۷)
نگاه دارشان ۲

~: وَقِهِمُ ٱلسَّيِّـَٔاتِ (٤۰:۹)
پناه ده ۹۹، نگهدار ۱۱٤

قُوا: يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ قُوٓا۟ أَنفُسَكُمْ (٦٦:٦)
نگه دارید ۱، برهانید ۲، نگاه داریت ۳، نگاه دارید ۳٦، نگاهدارید ۸۷، نگهد آرید ۱۰۰، نگهدارید ۱۰٦، بازدارید ۱۲٤

قَوَارِيرَ: قَالَ إِنَّهُۥ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ (۲۷:٤٤)
شیشه ۱، آبگینها ۳، ابگینها ۲۰، آبگینه ۲٤، شیشها ۳٦، آب گینه ۳۹، ابگینه ۵۳، آبگینه ها ۱۰۹، آب گینها ۱۳۰

قَوَارِيرَا: كَانَتْ قَوَارِيرَا۠ قَوَارِيرَا۟ مِن فِضَّةٍ (۷٦:۱۵)
شیشها ۱، ابگینها ۲، آبگینه ۱۹، ابگینه ها ـ شیشه ها ٤۳، آب گینه ٦۱، روشنیها ۹۲، آب گینها ۱۰۸، آینه ها ۱۲۹

~: قَوَارِيرَا۟ مِن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا (۷٦:۱٦)
شیشه ۸۷

ٱلْقَوَاعِدُ: وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَٰهِـۧمُ ٱلْقَوَاعِدَ مِنَ ٱلْبَيْتِ (۲:۱۲۷)
بنیادها ۳، بُنیاد ۱۰، کووادها ٤۲، بُنیادها ۵۵، بندادها ۵۹، بنداد ٦۰، داورها ۸۲، بنیاد ۸۸، کرَدادها ـ بنیادها، پایها ۱۱۱، ستونها ۱۲٤، کردادها ـ بنیادها ۱۲۵، پایه ها ۱۳٦

~: فَأَتَى ٱللَّهُ بُنْيَٰنَهُم مِّنَ ٱلْقَوَاعِدِ (۱٦:۲٦)
بن دادها ۱، جَایها ۲، بنیا ۲٤، بنها ۵۳، نشستگاه ٦۱، بیخ و جای ۸۸، پایها ۱۰۰، بنیانها ـ پایه ها ۱۰٦، ریشها ۱۲۲

~: وَٱلْقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ ٱلَّٰتِى لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا (۲٤:٦۰)
از زه بشد گان[1] ۱، گَند پیران ۲، نشستگان ۲٤، نشست گاه ۳۰، زاران ۳٦، نشینند گان ٤۱، زالان ٤۳، نِشِسْتگان ۵۱، نشسته ۵٤، بازایستادگان ٦۲، بازاستادگان ۷۸، فرود ایستادگان ۸۰، فرونشستگان ۸۸، گندپیران بازآیند گان ـ نومید شد گان ۹۰، فرواستادگان ۹۱، زنان آزاد بازمانده ۹۲، گنده پیران ۹٤، گند پیران ۹۵، باز ایستادن ۹۸، پیران از زه شده ۱۰۲، گنده پیر ۱۰۸، فرونشینند گان ۱۰۹، نشستها ۱۱۱، فروایستادگان ۱۱٤، نشستگان در خانه ۱۱٦، گند و پیران ۱۲۸

★ قَوَاعِدُ مِنَ ٱلنِّسَاءِ: وَٱلْقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ (۲٤:٦۰)
آن زنان از زه شده که بزه امید ندارند ٤۷

قَوَامًا: وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا (۲۵:٦۷)
راستی ۱، راست ۲، داد ۲٤، ایستاد ۳۰، میانه، راست ۳۹، استاده ٤۲، ایستاده ٤۳، بایستگی میانه ٤۷، میانگی ۵٦، نگاه دارنده ٦۲، میانه و راست ۷۲، دراستاده ۱۰۸، میانه بپای داشته ۱۰۹، ایستادن ۱۱٦، راست درست ۱۲۰، راست ایستادن ۱۲۳، راست استادن ۱۳۰

---

۱. از زه بشد گان: نازایند گان.

قَوّامُونَ: اَلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ (٤:٣٤)
کدخدایان ١، اِستادگان ٢، ایستادگی کنندگان ٣، پای مردان گماشته خدای ١٠، ایستادگان ـ بر گماشتگان ٢٧، گماشته شده اند ٣٦، گماشتگان ٣٩، پای مرد و گماشته (باشند) استادگان ٤٢، گماشته ٥٣، ایستادگی کنندگان ٥٥، ایستندگان ـ ایستادندگان ٨٣، ایستاده [اند] ٨٨، گماشگان ایستادگان ٨٩، استندگان ٩٩، کارگذاران ١١١، کارگذارنده ١١٥، کارگذاران و ایستادگان ١١٦، کارگذار ١٢٣، ایستادگان ١٢٨

قَوّامِینَ: کُونُوا۟ قَوَّٰمِینَ بِٱلْقِسْطِ (٤:١٣٥)
استاداران ١، استادگان ٢، ایستادگی کنندگان ٣، پای مردان و ایستاده ١٠، پای مردان ٢٧، باستیده ٣٤، راست کاران ٤١، استادگان ٤٢، ایستادگی کنندگان ٥٥، راست گویان ٥٨، گویندگان ٦٠، گماشتگان ٦١، استاده ٦٢، راست استادگان ٦٤، ایستندگان ٦٩، ایستیدگان ٨٤، راست ایستادگان ٩٠، کارگذاران ١٣٥، ستاگان ١٣٨

~: کُونُوا۟ قَوَّٰمِینَ لِلَّهِ شُهَدَآءَ بِٱلْقِسْطِ (٥:٨)
استادگان ٢، نیک ایستادگی کنندگان ٣، ایستادگان و پای داران ١٠، ایستادگان ٢٧، ایستاده ٢٩، ایستندگان ٤١، نیک اِستادگی کنندگان ٥٥، پای دارندگان ٧٢، نیک ایستادگان ٨٠، ایستادگان ٨٤، وا ایستادگان ٩٥، بپای دارندگان ٩٨، استندگان ٩٩، بپای ایستاده ١٢٤

قُوَّةٍ: خُذُوا۟ مَآ ءَاتَیْنَٰکُم بِقُوَّةٍ وَٱذْکُرُوا۟ مَا فِیهِ (٢:٦٣)
نیروی ٣

~: خُذُوا۟ مَآ ءَاتَیْنَٰکُم بِقُوَّةٍ وَٱسْمَعُوا۟ (٢:٩٣)
نیرُو ٢، نیرَو ١٠، نیرُو ٥٥، نیرو و توانایی ٦٤، کوشش ٧٤

~: أَنَّ ٱلْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِیعًا وَأَنَّ ٱللَّهَ شَدِیدُ ٱلْعَذَابِ (٢:١٦٥)
نیرُوی ٢، توانایی ٥٥

~: مَّوْعِظَةً وَتَفْصِیلًا لِّکُلِّ شَیْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ (٧:١٤٥)
نیرو و کوشش ٢٧، استوار ٩٤

~: خُذُوا۟ مَآ ءَاتَیْنَٰکُم بِقُوَّةٍ وَٱذْکُرُوا۟ مَا فِیهِ (٧:١٧١)
اِستواری ٢، نیرو و کوشش ١٠، کوشش و نیرو ٢٧، کوشش ٥٥، منش ٥٨

~: وَأَعِدُّوا۟ لَهُم مَّا ٱسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ (٨:٦٠)
نیرووا ١١، ساز ٦٢، تیر و کمان ١١٢، ساز و برگ ١٢٠

~: کَٱلَّذِینَ مِن قَبْلِکُمْ کَانُوٓا۟ أَشَدَّ مِنکُمْ قُوَّةً (٩:٦٩)
نیروا ١١، تناوری ١٠٤، توانایی بدن ١١١، زور ١١٤

~: وَلَا تَکُونُوا۟ کَٱلَّتِی نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنۢ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنکَٰثًا (١٦:٩٢)
استواری ٢، استوار کردن ٣٠، تافتگی و سختی ٥٨، سختی ٧٦، تاب ٨٠، تاب دادن ٩٣

~: قُلْتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِ (١٨:٣٩)
نیرو ٢، ساخت ٦٢

~: قَالُوا۟ نَحْنُ أُو۟لُوا۟ قُوَّةٍ وَأُو۟لُوا۟ بَأْسٍ شَدِیدٍ (٢٧:٣٣)
نیروان ١٠٥

~: ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً (٣٠:٥٤)
توانایی ٣، نیرومندی ٤١، توانائی ٦٤

★ لَا قُوَّةَ: قُلْتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِ (١٨:٣٩)
هیچ نیرو نکند ٩٤

قُوَّتِکُمْ: وَیَزِدْکُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِکُمْ (١١:٥٢)
نیرو ٣، نیروی ٦١، زور ١١٤، توانایی ١٢١، توانائی ١٣٠، نیرومندی ١٣٦

قُوتِلْتُمْ: وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ (۵۹:۱۱)
کارزار کرده شید ۱، کارزار کرده شویت ۳، کارزار کنند با شما ۲۹، کشته شویت ۳۰، کارزار کرده شوید ۳۹، با شما کارزار کنند ۵٦، کارزآر کنند با شما ۱۰۰، کارزار کنند ۱۰۸

قُوتِلُوا: وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنصُرُونَهُمْ (۵۹:۱۲)
کارزا کرده شوند ۳، کارزار کنند با ایشان ۵٦، کارزار کنند با شما ۱۰۰، کارزار کرده شوید ۱۱۳، کارزارشان کنند ۱۱٤، کارزار شود با ایشان ۱۳۹

قَوْسَيْنِ: فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ (۵۳:۹)
دو کمان ۱، دو کمان ۵۳، دوزه وار کمان ۱۰۰، دو دستهٔ کمان ۱۲٤، کمان ۱۳۸

الْقَوْلُ: قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ (۲:۲٦۳)
سخن ۱۰

~: إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ (٤:۱۰۸)
گفتار ۱۰۰

~: لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ (٤:۱٤۸)
گفتن ۲۹، گفت ٦۲

~: يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ (٦:۱۱۲)
سخن ۲، سخنان ۱۰، سخنان ۲۷، سخون ۳۹، سخنها ۸۸

~: يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ (۹:۳۰)
گفتار ۵۵

~: سَوَاءٌ مِّنكُم مَّنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَن جَهَرَ بِهِ (۱۳:۱۰)
گفتار ۲

~: وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (۲۲:۳۰)
سخن ۲

~: أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُم (۲۳:٦۸)
سخن ۱

~: إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ (۲٤:۵۱)
گفتار ۲

~: وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ (٤۹:۲)
آواز ٦، خواندن گفتار ۸۱

~: إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (٦۹:٤۰)
گفتار و زفان ۱۹، خواندن ٤۱، خوانده ٦٤، فروآورده ۱۱۳

قَوْلًا: فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا (۲:۵۹)
سخن ۱۰، گفتار ۵۵، سخن ۱۱٤

~: إِلَّا أَن تَقُولُوا قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۲:۲۳۵)
سخن ۲، گفتن ٤۱

~: وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (٤:۵)
گفتار ۳، گفتارها ۳٤، گفتار و سخن ۵۸

~: لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (۱۸:۹۳)
سخن ۱

~: فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (۲۰:٤٤)
گفتار و بانگ ٤۱، سخون ٦۷

قُولَا: فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (۲۰:٤٤)
بگویید ۲٤، بگوئید هر دو ۵٦، بگوئید شما ۹۲

~: فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ (۲۰:٤۷)
بگوئید ۲۹، بگوییت ٤۱

~: فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲٦:۱٦)
گوهید ۱، بگوئید ۵٦، گوئید ٦٤، گواید ۷٦

قَوْلِكَ: وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَن قَوْلِكَ (۱۱:۵۳)
گفتار ۵۸، گفتآر ۱۰۰، سخن ۱۲۱

قَوْلَكُمْ: وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ (٦۷:۱۳)
گفتار ۵٦، سخن ٦٤

قَوْلُنَا: إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ (۱٦:٤۰)

گفتار ۲، گفتن ۱۲۰، فرمان ۱۲۶

قَوْلُهُ: مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۲: ۲۰۴)
سخُن ۲، سخن ۴۳، گفتن ۱۰۴

~: قَوْلُهُ ٱلْحَقُّ وَلَهُ ٱلْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ (۶: ۷۳)
گفتار ۲

قَوْلِهَا: فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا (۲۷: ۱۹)
گفتار ۲۰، سخن ۹۲

قَوْلِهِمْ: كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ (۲: ۱۱۳)
گُفتار ۲، ایشان گفتند ۴۰

~: قَتْلِهِمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ (۴: ۱۵۵)
گفتن ۱

~: وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ ٱلْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (۱۰: ۶۵)
گفت ۵۱

~: وَإِن تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ (۱۳: ۵)
گُفتن ۷۶

~: وَإِن يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ (۶۳: ۴)
سخن ۱، گفتار ۸۱

قُولُوا: وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَٰيَٰكُمْ (۲: ۵۸)
گوُييد ۲، مَی گويند ۱۰، می گوئید ۲۹، گُوييتْ ۵۵

~: وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا ٱلصَّلَوٰةَ (۲: ۸۳)
گوئید ۳۶، گوييد ۶۳

~: وَقُولُوا ٱنظُرْنَا وَٱسْمَعُوا (۲: ۱۰۴)
بگوييد ۲، بگُويَيد ۱۰

~: قُولُوٓا ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْنَا (۲: ۱۳۶)
گوئيت ۳، بُگوَيَد همه ۱۰، گوييت ۳۰، گويند ۴۰

~: فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا ٱشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۳: ۶۴)
بگُوَيَدْ ۱۰، بگوييت ۲۸، بگوئَيد ۵۷، شما بگوئيدْ

۹۶

~: وَٱرْزُقُوهُمْ فِيهَا وَٱكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۴: ۵)
بگوييد ۲، گوييد ۲۳، بگوييد ۱۰۴

~: فَقُولُوا يَٰٓأَبَانَآ إِنَّ ٱبْنَكَ سَرَقَ (۱۲: ۸۱)
بگوييد ۲، گوييت ۳، بگوئيد ۲۹، بگُوييِد ۷۶

~: وَقُولُوٓا ءَامَنَّا بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيْنَا (۲۹: ۴۶)
گوهيد ۱، بگويند ۶۱، بگوايد ۷۶

~: قُولُوٓا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ ٱلْإِيمَٰنُ فِي قُلُوبِكُمْ (۴۹: ۱۴)
بی گوهيد ۱

قَوْلِى: وَٱحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي (۲۰: ۲۸)
سخنان ۱، سخن ۲۴

~: فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي (۲۰: ۹۴)
گفتار ۸۶

قُولِى: فَقُولِيٓ إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا (۱۹: ۲۶)
بگو ۱، بگوی ۲، بگوی ۳۰، بگويی ۱۳۸

ٱلْقَوْمِ: قَدْ بَيَّنَّا ٱلْءَايَٰتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۲: ۱۱۸)
گُروه ۲

~: لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۲: ۱۶۴)
گروه ۱۰

~: وَتِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۲: ۲۳۰)
گروه ۲۷

~: وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَـَٔانُ قَوْمٍ (۵: ۲)
گروه ـ دوستان ۳۷

~: فَقُطِعَ دَابِرُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا (۶: ۴۵)
مردان ۲۶

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ (۶: ۱۴۴)
گروهان ۲۹

~: كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْـَٔايَٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (٣٢:٧)
گروهان ٥٣

~: ذَّٰلِكَ مَثَلُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا (١٧٦:٧)
گروهان ٣٤

~: أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ (٧٠:٩)
گروه ٥٥

~: وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْمُجْرِمِينَ (١١٠:١٢)
گروهه ٧٩

~: يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلْقَوْمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓ (٥٩:١٦)
خویش و پیوند ٦٤

~: فَقُلْنَا ٱذْهَبَآ إِلَى ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ (٣٦:٢٥)
آن گروه ٤٦

~: نَتْلُوا۟ عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِٱلْحَقِّ لِقَوْمٍ
يُؤْمِنُونَ (٣:٢٨)
مردمان ٢١

~: وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ (١٧:٤٤)
گروه ٢

★ قَوْمِ الضَّالِّينَ: لَأَكُونَنَّ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلضَّآلِّينَ (٧٧:٦)
بی راهان و گم شدگان ١٠

★ قَوْمِ ٱلْمُفْسِدِينَ: قَالَ رَبِّ ٱنصُرْنِى عَلَى ٱلْقَوْمِ
ٱلْمُفْسِدِينَ (٣٠:٢٩)
گروه تبه کار ١٣٦

★ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ: أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِ ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ (٦٠:٢٧)
گروهی اند گردنده ١٠٥

★ لِقَوْم: فَبُعْدًا لِّلْقَوْمِ لَّا يُؤْمِنُونَ (٤٤:٢٣)
مر گروه را ٨٧

~: وَفِى خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِن دَآبَّةٍ ءَايَٰتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (٤:٤٥)
مر گروهی را ٢

قَوْم (ی): يَٰقَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم (٥٤:٢)
گروه ٢، گروه ١٠، گروه ٥٥

~: قَالَ يَٰقَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا (٨٦:٢٠)
خویش و پیوند ٦٤

~: قَالَ يَٰقَوْمِ ٱتَّبِعُوا۟ ٱلْمُرْسَلِينَ (٢٠:٣٦)
مردمان ٦١

قَوْمًا: كَيْفَ يَهْدِى ٱللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا۟ بَعْدَ إِيمَٰنِهِمْ (٨٦:٣)
گروه ٢

~: وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ (٣٩:٩)
گروه ٥٣

~: إِذَا بَلَغَ بَيْنَ ٱلسَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا (٩٣:١٨)
کسان ٥٨

~: وَأَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا ءَاخَرِينَ (١١:٢١)
گروهان ١٠٠

~: كَذَٰلِكَ ۖ وَأَوْرَثْنَٰهَا قَوْمًا ءَاخَرِينَ (٢٨:٤٤)
گروه ٢

~: وَظَنَنتُمْ ظَنَّ ٱلسَّوْءِ وَكُنتُمْ قَوْمًۢا بُورًا (١٢:٤٨)
مردمان ٦

قَوْمُكَ: وَكَذَّبَ بِهِۦ قَوْمُكَ وَهُوَ ٱلْحَقُّ (٦٦:٦)
گروه ٢، مردمان ١٠

~: إِنِّىٓ أَرَىٰكَ وَقَوْمَكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (٧٤:٦)
کسان و گروه ٥٨

~: فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا۟ بِأَحْسَنِهَا (١٤٥:٧)
خویش ٢٩، گروه ١١٤

~: وَإِنَّهُۥ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۖ وَسَوْفَ تُسْـَٔلُونَ (٤٤:٤٣)
مر گروه ١١٤

لِقَوْمِكُمَا: أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا (٨٧:١٠)
گروه ١١٤

قَوْمُنا: رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنا وَبَيْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ (۷:۸۹)
مُردمان ۱۰، گروه ۳۵

~: هٰؤُلاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً (۱۸:۱۵)
گروه ۲

~: قالُوا يا قَوْمَنا إِنّا سَمِعْنا كِتاباً (۴۶:۳۰)
کسان ۱۳۹

قَوْمِهِ: وَإِذْ قالَ مُوسىٰ لِقَوْمِهِ (۲:۵۴)
گروه ۱۰

~: وَإِذِ اسْتَسْقىٰ مُوسىٰ لِقَوْمِهِ (۲:۶۰)
گروه ۴، گروه ۵۵

~: وَإِذْ قالَ مُوسىٰ لِقَوْمِهِ (۲:۶۷)
گروه ۱۰، گروه ۶۳

~: وَتِلْكَ حُجَّتُنا آتَيْناها إِبْراهِيمَ عَلىٰ قَوْمِهِ (۶:۸۳)
مردم ۹۶

~: فَخَرَجَ عَلىٰ قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرابِ فَأَوْحىٰ إِلَيْهِمْ (۱۹:۱۱)
کسان ۵۸

~: إِذْ قالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ ما هٰذِهِ التَّماثِيلُ (۲۱:۵۲)
خویش و پیوند ۶۴

~: فَما كانَ جَوابَ قَوْمِهِ إِلّا أَنْ قالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ (۲۹:۲۴)
گروه ۲

~: وَنادىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ (۴۳:۵۱)
لشکر ۲۲

~: إِنّا أَرْسَلْنا نُوحاً إِلىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ (۷۱:۱)
مردمان ۶

★ لِقَوْمِهِ: قالَ مُوسىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللّٰهِ (۷:۱۲۸)
مرگروه ۹۴

~: إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ أَلا تَتَّقُونَ (۳۷:۱۲۴)
مرگروه ۱۱۴

قَوْمَها: فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَها تَحْمِلُهُ قالُوا يا مَرْيَمُ (۱۹:۲۷)
گروه ۸۶، کسان ۹۲

قَوْمَهُمْ: أَنْ يُقاتِلُوكُمْ أَوْ يُقاتِلُوا قَوْمَهُمْ (۴:۹۰)
گروهان ۴۵، گروه مردان ۵۸

~: لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ (۹:۱۲۲)
مُردمان ۱۰

~: ثُمَّ بَعَثْنا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلاً إِلىٰ قَوْمِهِمْ (۱۰:۷۴)
گروهه ۷۹

~: وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ (۱۴:۲۸)
خویش و پیوند ۶۴

~: إِذْ قالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنّا بُرَآءُ مِنْكُمْ (۶۰:۴)
خویشاوندان ۲۴

قَوْمَهُما: وَنَجَّيْناهُما وَقَوْمَهُما مِنَ الْكَرْبِ (۳۷:۱۱۵)
پیوستگان ۶۴، گروهان ۱۱۴

قُومُوا: وَقُومُوا لِلّٰهِ قانِتِينَ (۲:۲۳۸)
بایستید ۱، بَپای باشید ۲، برخیزیت ۳، بأیستَید بر پای ۱۰، برخیزید ۲۹، باشید ۳۰، بیبستید ۴۰، نگاه داریت ۴۱، بأشید ۴۲، بپای باشید ۵۳، ایستید ۵۷، بازایستید ۶۳، خیزیت ۸۰، برپای باشید ۸۲، بپای باشیت ۸۳، پای بستید ۹۲، بیستید ۱۰۱، برپای ایستید ۱۱۱، بپای ایستید ۱۱۶، بپای دارید ۱۲۱، بپای بایستید ۱۲۲، بپای خیزید ۱۲۴، بپا ایستید ۱۲۹، به پای باشید ۱۳۸، بر جای ایستید ۱۳۵

قَوْمِي: إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هٰذَا الْقُرْآنَ مَهْجُوراً (۲۵:۳۰)
گروه ۲۰

الْقُوىٰ: عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوىٰ (۵۳:۵)
نیرو ۳۰، اندام[1] ۱۳۶

۱. کذا، که به نظر می رسد در ترکیب جمله چنین معنی شده باشد.

قَوِيّ: إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ (۸:۵۲)
با نیرو ۱۱، توانا ۵۵، سخت نیرومند ٦٦، زورمند ۱۱٤

~: إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلْقَوِيُّ ٱلْعَزِيزُ (۱۱:٦٦)
استوار گیر ۹٤، به نیرو ۱۰۵

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۲:٤۰)
توانا ۶٤

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۲:۷٤)
توانا ۲، نیک توانا ۳، نیرومند شده ۱۱۳

~: وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ (۲۷:۳۹)
توانا ۲، بنیرو ٤٦، بزور ۵۸

~: إِنَّ خَيْرَ مَنِ ٱسْتَـْٔجَرْتَ ٱلْقَوِيُّ ٱلْأَمِينُ (۲۸:۲٦)
استوار ۹٦

~: يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ وَهُوَ ٱلْقَوِيُّ ٱلْعَزِيزُ (٤۲:۱۹)
با نیروا ۲۲، بسیار توانا ۱۱٦

~: إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۵۷:۲۵)
نیرومند ۳۰، پیروزمند ۱۱۳

قَوِيًّا: وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (۳۳:۲۵)
بنیرو ۲، نیرومند ٤٦، توانا ٦۱

قِيَامًا: ٱلَّذِينَ يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمًا وَقُعُودًا (۳:۱۹۱)
بپایان[1] ۱، ایستادگان ۲، ایستادگان ۳، برپای ۱۰، ایستاده ۲۳، استاده ۳٤، استاده ٤۲، برپا خاسته ۵۳، ایستادگان ۵۵، ایستاده باشند ۱۳۸

~: ٱلَّتِي جَعَلَ ٱللَّهُ لَكُمْ قِيَٰمًا (٤:۵)
استادی ۱، پای داری ۲، ایستادگی کنندگان ۳، بپای خاستن ۲۳، استادگی ٤۲، استادگی ۵۲، بپای کرده ۵۳، پای داری ۸٤، سر استان ۹٦، استادگی کنندگان ۹۷، پایداری ۹۸، زیستن ۱۰٤، پاداری ۱۲۸

~: فَٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ قِيَٰمًا وَقُعُودًا (٤:۱۰۳)
وربا ۲٤، استادگان ۵۵، ایستاده باشد ۱۳۸

~: جَعَلَ ٱللَّهُ ٱلْكَعْبَةَ ٱلْبَيْتَ ٱلْحَرَامَ قِيَٰمًا لِّلنَّاسِ (۵:۹۷)
استادن جای ۱، ایستادن ۲٤، ایستادگی ۲٦، ایستادن گاه ۲۷، ایستادن جای ٤۳، استادن ۵۲، ایستادن ۵۳، جای استادن ۷٦، برپا دارنده ۱۲۷، پایدار ۱۳٦

~: وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَٰمًا (۲۵:٦٤)
استاداران ۱، استادگان ۳، ایستاده ۲٤، برپای استاده ٤۲، واستاده ٤٦، بپای ایستاده ۵۸، ایستادگان بنماز ۱۰٤، بپای ایستادگان ۱۲۰، بپا ایستادگان ۱۳۲، استادان ۱۳۸

قِيَامٌ: ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ (۳۹:٦۸)
بپایان ۱، ایستادگان ۳، برپای خاسته ۲٤، ایستاده ٦۱، استادگان ۷۹، بپا استادگان ۱۲۳

~: فَمَا ٱسْتَطَٰعُوا۟ مِن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا۟ مُنتَصِرِينَ (۵۱:٤۵)
ورخاستنی ۱، بپای خواستن ۲، ایستادن ۳، برخاستن ۲٤، برخاستن ۵۱، استادن ۵۲، برخاستن ۵۳، خاستن ۹۰، برخواستن ۹۹

ٱلْقِيَامَةِ: وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰٓ أَشَدِّ ٱلْعَذَابِ (۲:۸۵)
راستخیز ۲، رستاخیز ۱۰، برخاستن از خاک ٤۹، رستخیز ۵۲، رستخیز ۵۵

~: فَٱللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (۲:۱۱۳)
رستاخیز ۱۰

~: وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (۲:۱۷٤)
برخاستن ٤۲، برخاستن ۹٦

~: وَٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ فَوْقَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (۲:۲۱۲)

---

۱. بپایان: ایستادگان.

رستاخیز ١٠، بازپسین ٨٢

~: فَوْقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَـٰمَةِ (٣:٥٥)
رستخیز ٢

~: وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ (٣:١٦١)
رستاخیز ١، راستخیز ٢

~: فَمَن يُجَـٰدِلُ ٱللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ (٤:١٠٩)
راستخیز ٢

~: فَٱللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ (٤:١٤١)
بازخواست ١٢٢

~: وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَـٰمَةِ (٥:٦٤)
راست خیز ٨٨

~: قَالُوا۟ بَلَىٰ شَهِدْنَآ أَن تَقُولُوا۟ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ (٧:١٧٢)
رستخیز ١٢٠

~: إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِى بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ (١٠:٩٣)
رستخیز ١٣

~: لِيَحْمِلُوٓا۟ أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً (١٦:٢٥)
راستخیز ٢، رستخیز ٥٣

~: ثُمَّ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ يُخْزِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ (١٦:٢٧)
خاستن ٤٢، رستخیز ٥٥

~: وَلَيُسْـَٔلُنَّ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ عَمَّا كَانُوا۟ يَفْتَرُونَ (٢٩:١٣)
رستاخیز ١

~: ثُمَّ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ (٢٩:٢٥)
راستخیز ٢

~: خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ (٤٢:٤٥)
رستخیز ٣٢

~: إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِى بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ (٤٥:١٧)
راستخیز ٢

قَيَّضْنا: وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُوا۟ لَهُم (٤١:٢٥)
بگماشتیم ٢، برگماشتیم ٣، بگمارید یم ٢٢، گماشته ایم ٢٤، بگماشتیم ٣٠، بینگیختیم ٣٤، برگماشته ایم ٣٦، بگمارید یم ٣٨، تنگ فراگرفتیم ٤٢، فراهم آوردیم ما ٥٦، بگماشتیم ما ٥٨، پیدا آوردیم ٦٤، فراهم اوردیم ٦٩، فراهم آورد ٩٠، پیدا کردیم ٩٦، برگماشتیم ما ٩٩، ساخته کردیم ١٠٢، برانگیختیم ١٠٣، تنگ فراگرفتم ١٠٥، گماشتیم ١٠٦، برانگیختیم و گماشتیم ١٠٩، انداختیم ١٢١، برانگیزانیم ١٣٦، انداختیم ما ١٣٨

بِقيعَة: وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَعْمَـٰلُهُمْ كَسَرَابٍۭ بِقِيعَةٍ (٢٤:٣٩)
هامون ١، بیابان ٢، زمینها راست فراخ ٣، جایگاه بلند ٣٠، خالی دشت ٤٧، دشت ٤٨، زمین هَموار ٥٣، دشت هامون ٥٨، زمین هموار ٧٨، زمین هامون ٧٩، زمینهای راست فراخ ٨٠، زمینهاء راست فراخ ٩١، زمین فراخ ١٠٢، شوره زمین ١٠٨، بیابان ١١٩، بیابانهای هموار ١٢١، سراب ١٣٦

قيلَ: وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ (٢:١١)
گفتهْ شوَدْ ٥٥

~: فَبَدَّلَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ قَوْلًا غَيْرَ ٱلَّذِى قِيلَ لَهُمْ (٢:٥٩)
فرمودند ٢٤، فرموده شد ٣٦، گفته شدْ ٥٥، گفته بودند ٦٢، گفته شده بود ٦٣

~: وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا۟ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ (٢:٩١)
گویند ٢، بخوانند ٤٠

~: وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا۟ قَـٰتِلُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ (٣:١٦٧)
گفتند ٢

~: أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوٓا۟ أَيْدِيَكُمْ (٤:٧٧)
گفته آمد ٥٣

~: وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ (٥:١٠٤)
گفته شهد ١، گفته شهود ٣٧

~: مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ ٱنفِرُوا فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ (٩:٣٨)
گُفته شَوَد ٥٥

~: وَقِيلَ يَٰٓأَرْضُ ٱبْلَعِي مَآءَكِ وَيَٰسَمَآءُ أَقْلِعِي (١١:٤٤)
گفتند ٢٤، گُفته شد ٥٥

~: وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمْ (١٦:٢٤)
گُویند ٢

~: وَقِيلَ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوْا مَاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمْ (١٦:٣٠)
گفته شود ٢

~: وَإِن قِيلَ لَكُمُ ٱرْجِعُوا فَٱرْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ (٢٤:٢٨)
گویند ٢

~: وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱسْجُدُوا لِلرَّحْمَٰنِ (٢٥:٦٠)
گویَند ٦١

~: إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (٣٧:٣٥)
گفتندی ٣٣، گفته شدی ٦١

~: مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ (٤١:٤٣)
گفته شد ١، گفته شده است ٦٤

~: وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ (٤٥:٣٢)
گفته می شد ١٠٣، گفته میشد ١٣٠

~: إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي ٱلْمَجَٰلِسِ فَٱفْسَحُوا (٥٨:١١)
بگویند ٣٠

قِيلًا: وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ ٱللَّهِ قِيلًا (٤:١٢٢)
همی گوید ٤٥، گفتار ١٠٠

~: إِلَّا قِيلًا سَلَٰمًا سَلَٰمًا (٥٦:٢٦)
گفتن ١

~: إِنَّ نَاشِئَةَ ٱلَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْـًٔا وَأَقْوَمُ قِيلًا (٧٣:٦)
گفتار ٢، خواندن ١٢٠

قِيلِهِ: وَقِيلِهِۦ يَٰرَبِّ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ (٤٣:٨٨)
گفتن ١، گفتار ١٦، گفته شد ٣٩

ٱلْقَيِّمُ: ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ (٩:٣٦)
راستَ ١، راسْت ٢، استوار ٤١، راستی ٧٢

~: ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ (١٢:٤٠)
رَاسْت ٢، بی کژی ٣٦، پسندیده ٦٩، راست و درست ٧٩، راست و پاکیزه ٩٢، رآست ١٠٠، بایسته ١٠٢

~: ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ (٣٠:٣٠)
رَاست ٢، پای دار ٢٤، درست و راست ٤٧

~: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ ٱلْقَيِّمِ (٣٠:٤٣)
راست و بایسته ٤٧، پایدار ٩٩

قِيَمًا: دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا (٦:١٦١)
راست ١، رَاست استاده ٢، پاینده درست و راست ١٠، راست بی کژی ٣٩، استادَه ٤٢، راست و پاینده ٤٤، استاده ٥٢، پاینده ٥٦، راست استاده ٦٤، ایستاده ٦٩، راست و درست ٧٩، راست ایستاده ٨٣، پاینده ١٠٢، بپای شده ١٠٧، درست ١٢٧

قَيِّمًا: قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ (١٨:٢)
رَاستْ ٢، راست ٣، راست و استوار ٤١، درست و راست ٤٤، رَاسْت ٥٥، رَاست ٥٧، استوار ٦١، ایستادَه ٦٢، پاینده ٨٨، راست و درست ١٠٢، بی کژی ١١٠

قَيِّمَةٌ: يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ (٩٨:٣)
رآست پاکیزه ٢، راست ٢٤، درست ٩٠، بپای کرده ٩٢، رآست ١٠٠، درست و راست ١٣٢، بپای دارند ١٣٩

~: وَيُؤْتُوا ٱلزَّكَوٰةَ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلْقَيِّمَةِ (٩٨:٥)
بی کژی ٣٦، بپاء کرده ٣٩، پاینده ٤٨، راست و درست ٦٤

ٱلْقَيُّومُ: ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْحَىُّ ٱلْقَيُّومُ (٢:٢٥٥)
ستادَهٔ ٢، پایندهٔ همیشه ٢٧، کارساز بندگان ٤١، پَاینده ٥٥، پاینده ٥٧، همیشه بُدْ و همیشه بُود ٦٣،

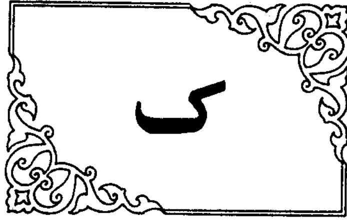
راست دارنده ۸۲، ستاده ۸٤، جاوید و پاینده ۹٤، پاینده و بی همتا ۹۵، پآینده ۱۰۰، همیشه پاینده ۱۰۲، پاینده بخود ۱۰٤، ستاده بکار بند گان ۱۰۷، پاینده برپای دارنده ۱۱٤، نمیرد ۱۲۸

~: اللّٰهُ لَآ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ (۲:۳)

پاینده ۱، همیشه بُود وُ همیشه باشد ۱۰، همیشه بود و همیشه باشد ٦۳، پاینده که نمیرد ۹۲، ایستاده بکار بند گان ۱۲۱، دریابنده ۱۳٦

~: وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَیِّ الْقَیُّومِ (۲۰:۱۱۱)

استاده ۲، همیشه ۳، ایستادِ گان ۵۳، پاینده همیشه ۷۹، پایدار ۹٤، پایَنده ۹۹، همیشه زنده ۱۱۳، زنده پاینده ۱۱٦، پای دار ۱۲۸



كَ: مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ ٱلَّذِى ٱسْتَوْقَدَ نَارًا (۲: ۱۷)
همچه ۱۱۱

~: وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ (۲: ۳۰)
ته ۱۰

~: فَٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلْأَرْضُ (۲: ۶۱)
خود ۳۰

~: ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ فَهِىَ كَٱلْحِجَارَةِ (۲: ۷٤)
چون ۳۶، همچو ۵۵

~: وَلَئِنِ ٱتَّبَعْتَ أَهْوَآءَهُم مِّنۢ بَعْدِ مَا جَآءَكَ
مِنَ ٱلْعِلْمِ (۲: ۱٤۵)
به تو ۱۲٤

~: يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ ٱللَّهِ (۲: ۱۶۵)
چنان که ٤۰

~: فَٱذْكُرُوا ٱللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَآءَكُمْ (۲: ۲۰۰)
چنانچه ۱۰٤

~: فَٱنظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ (۲: ۲۵۹)
توا ۱

~: كَمَثَلِ جَنَّةٍۭ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ (۲: ۲۶۵)
هم چو ۵۷

~: وَلَيْسَ ٱلذَّكَرُ كَٱلْأُنثَىٰ وَإِنِّى سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ (۳: ۳۶)
همچو ۵۵

~: يَٰمَرْيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰكِ وَطَهَّرَكِ (۳: ٤۲)
تو را ٤۰

~: وَلَا تَكُونُوا كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَٱخْتَلَفُوا (۳: ۱۰۵)
چُن ۲۳

~: كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ (۳: ۱۱۷)
چو ۲۳

~: وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۳: ۱۲۱)
خویش ۲

~: ثُمَّ جَآءُوكَ يَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ (٤: ۶۲)
بر تو ۲

~: لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنۢ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُۥ مَوَدَّةٌ (٤: ۷۳)
چنانستی ۶۱

~: يَخْشَوْنَ ٱلنَّاسَ كَخَشْيَةِ ٱللَّهِ (٤: ۷۷)
همچو ۳

~: لَهَمَّت طَّآئِفَةٌ مِّنۡهُمۡ أَن يُضِلُّوكَ (٤: ١١٣)
ترا ۲، ت ۹۷

~: لَئِنۢ بَسَطتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقۡتُلَنِي (٥: ٢٨)
خویش ۲

~: وَإِذۡ تَخۡلُقُ مِنَ ٱلطِّينِ كَهَيۡـَٔةِ ٱلطَّيۡرِ بِإِذۡنِي (٥: ١١٠)
مانند ۲۴، برسان ۴۲، بر ۸۳، مانند ه ۱۲۸

~: كَٱلَّذِي ٱسۡتَهۡوَتۡهُ ٱلشَّيَٰطِينُ فِي ٱلۡأَرۡضِ حَيۡرَانَ (٦: ٧١)
همچون ۲۹

~: كَمَن مَّثَلُهُۥ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ لَيۡسَ بِخَارِجٖ مِّنۡهَا (٦: ١٢٢)
همچنین ۲۷

~: إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ (٧: ٦٠)
مرترا ۱۰ مکرّر

~: يَأۡتُوكَ بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ (٧: ١١٢)
به توا ۱

~: وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَ (٧: ١١٧)
خویشتن ۱۰

~: كَدَأۡبِ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ (٨: ٥٢)
هَمچُنان ۱۰، همچنان ۲۷

~: كَمَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ (٩: ١٩)
چنو ۷۲

~: وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعۡضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ (١٠: ٤٦)
ترا

~: فَلَعَلَّكَ تَارِكُۢ بَعۡضَ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ (١١: ١٢)
کتوا ۱

~: وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلسَّيِّئَةِ قَبۡلَ ٱلۡحَسَنَةِ (١٣: ٦)
واتوا ۱

~: أَمۡ جَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ خَلَقُواْ كَخَلۡقِهِۦ (١٣: ١٦)
همانند ۱۲۱

~: أَفَمَن يَعۡلَمُ أَنَّمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ (١٣: ١٩)
چنان ۵

~: مَّثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمۡۖ أَعۡمَٰلُهُمۡ كَرَمَادٍ (١٤: ١٨)
بسان ۷ مکرر

~: أَفَمَن يَخۡلُقُ كَمَن لَّا يَخۡلُقُۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (١٦: ١٧)
چنان ۲

~: وَمَآ أَمۡرُ ٱلسَّاعَةِ إِلَّا كَلَمۡحِ ٱلۡبَصَرِ (١٦: ٧٧)
چون ۲

~: وَلَا تَجۡعَلۡ يَدَكَ مَغۡلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ (١٧: ٢٩)
خویش ۲

~: قَدۡ جَآءَنِي مِنَ ٱلۡعِلۡمِ مَا لَمۡ يَأۡتِكَ فَٱتَّبِعۡنِيٓ (١٩: ٤٣)
بتو ۲

~: يَوۡمَ نَطۡوِي ٱلسَّمَآءَ كَطَيِّ ٱلسِّجِلِّ (٢١: ١٠٤)
هم چنان ٤٤

~: وَإِن جَٰدَلُوكَ فَقُلِ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِمَا تَعۡمَلُونَ (٢٢: ٦٨)
با تو ۲

~: قَالَ ذَٰلِكَ بَيۡنِي وَبَيۡنَكَ (٢٨: ٢٨)
شما ۵۸

~: وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ (٢٩: ٥٣)
از تو ۵۶

~: يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ (٣٣: ٢٨)
خویشتن ۲۴

~: أَمۡسِكۡ عَلَيۡكَ زَوۡجَكَ وَٱتَّقِ ٱللَّهَ (٣٣: ٣٧)
خودت ۴۱، خود ۶۱

~: رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ (٤٤: ٦)
تو ۲

~: إِنَّ شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ طَعَامُ ٱلۡأَثِيمِ كَٱلۡمُهۡلِ (٤٤: ٤٥)
چون ۱، همچو ۳۲

~: ذُقْ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْكَرِيمُ (۴۴: ۴۹)
تو ۲

~: ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا (۴۵: ۸)
چونان ۲۲

~: وَلَا تَجْهَرُوا لَهُۥ بِٱلْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ (۴۹: ۲)
چنانک ٦

~: كَمَثَلِ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا (۵۹: ۱۵)
همچون ۲

★ كَالَّذِي: أَوْ كَٱلَّذِى مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ (۲: ۲۵۹)
چونا که ٤١

بِكَ: فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ (۴۳: ۴۱)
ترا ۱۱٤

لَكَ: وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ (۲: ۳۰)
بتو ۳٦، تو رآ ۹٤

~: مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۲: ۱۲۰)
مرترا ۳

~: إِنِّى نَذَرْتُ لَكَ مَا فِى بَطْنِى مُحَرَّرًا (۳: ۳۵)
ازبهر تو ۳

~: لَيْسَ لَكَ مِنَ ٱلْأَمْرِ شَىْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ (۳: ۱۲۸)
مرترا ۲

~: وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۱: ۵۳)
ترا ۲

~: قَالَ يَٰٓإِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ (۱۵: ۳۲)
ترا ۲

~: ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِۦ عَلَيْنَا وَكِيلًا (۱۷: ۸٦)
مرخویشتن را ۱۰۳

~: فَقُلْنَا يَٰٓـَٔادَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوْجِكَ (۲۰: ۱۱۷)
مَرترا ۲

~: إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا لِّيَغْفِرَ لَكَ ٱللَّهُ (۴۸: ۱)
برای تو ۵۱

~: ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰٓ أَيَحْسَبُ ٱلْإِنسَٰنُ أَن يُتْرَكَ سُدًى (۷۵: ۳۵)
ترابیم ۸۸

★ مَالَكَ: مَا لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۲: ۱۲۰)
نباشد ترا ۷٦، نباشد مَرترا ۱۱٤

~: قَالُوا يَٰٓأَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ (۱۲: ۱۱)
چبودترا ۵۸

~: قَالَ يَٰٓإِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ ٱلسَّٰجِدِينَ (۱۵: ۳۲)
چه بُودَست مَرترا ۵۵، چه بود مرترا ۵۸

لَكِ: قَالَ يَٰمَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَٰذَا (۳: ۳۷)
تراست ۵۸

كَاتِبًا: وَإِن كُنتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا (۲: ۲۸۳)
دویر[1] ۱، دَویر[1] ۱۰، نبیسنده ۲۹، نویسنده ۴۳، دبیر ٦۲

كَاتِبٌ: وَلْيَكْتُب بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌۢ بِٱلْعَدْلِ (۲: ۲۸۲)
نوشتاری ۱، نبیسنده ۲، نویسندهٔ ۳، دویر ۱۰، نبیسنده دبیر ۲٤، نویسنده ۲۷، چَک[2] نویس ۳۹، نُبیسَنده ٤۲، دَبیر ۵۵، نویسندَه ۵۷، نِویسنده ٦۲، نویسند گان ٦٤، دبیران ۱۳٦

كَاتِبُونَ: وَإِنَّا لَهُۥ كَٰتِبُونَ (۲۱: ۹٤)
نوشتاران ۱، نبشته ایم ۲، نویسند گان ۳، می نویسیم ۳٤، نبیسنده ٦۹، بنویسیم ۷٦، نبیسند گان ۹٤، بازنویسند گان ۱۰۰، نویسنده گان ۱۱۳، پاداش کنند گان ۱۳۹

---

۱. دویر: کاتب، نویسنده. (دویر / دبیر).
۲. چک: قباله خانه و باغ، منشور، برات و مواجب.

* إِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ: وَإِنَّا لَهُۥ كَـٰتِبُونَ (۹٤:۲۱)
ماا و را بنیوسیم ۲٤، ما مر آنرا نبشته ایم ۱۰۸

فَكَاتِبُوهُمْ: فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا (۳۳:۲٤)
واز خروشید ۱، باز فروشید ۲، فروشید ۳۰، بنویسید ۵۸، فرشیت ۹۱، افروشید ۱۰۹، بفروشید ۱۲٤

كَاتِبِينَ: وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَـٰفِظِينَ كِرَامًا كَـٰتِبِينَ (۱۱:۸۲)
دویران[1] ۱، نبیسند گان ۲، نویسند گان ۳۰، نویسنده گان ۱۱۳

كَادَ: مِنۢ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ (۱۱۷:۹)
کامست[2] ۱، خواست ۲، نزدیک بود ۲۹، نزدیک شده بود ۳٦، نزدیک آمد ۵۸، خَواست ٦۲، خوآست ۹٤

~: إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا (٤۲:۲۵)
خواست ۲، خواستی ٤٦، میخواهند ٦٤، نزدیک شوند ۱۱۹، نزدیک آمد ۱۳۹

كَادَتْ: إِن كَادَتْ لَتُبْدِى بِهِۦ (۱۰:۲۸)
کامست ۱، خواست ۲٤، خواستی ٤٦، نزدیک بود ۵۳

كَادِحٌ: يَـٰٓأَيُّهَا ٱلْإِنسَـٰنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ (٦:۸٤)
کارکنار[3] ۱، همی کار باید کردن ۲، رنج برنده ۲۹، کار همی باز گرفتی ۳۰، کار کننده ۳٦، بازمانده ۳۹، کار کننده برنج ۹۱، کوشنده ۱۰۲، رنج کشنده ۱۱۱

كَادُوا: فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا۟ يَفْعَلُونَ (۷۱:۲)
نزدیک بُد ۱۰، بنزدیک بود ٦۳، خواستید ۹۰، میخواستند ۱۳۰

~: إِنَّ ٱلْقَوْمَ ٱسْتَضْعَفُونِى وَكَادُوا۟ يَقْتُلُونَنِى (۱۵۰:۷)
خواستَند ۲، خواستَند ۱۰، خواهستند ۳۹، نزدیک بود ٤۰، خواستَند ٤۲، خَواسْتَنْد ۵۵، نماند ۷٦، نزدیک بودند و خواستند ۷۹، نزدیک بودند ۹۳، خواستن ۱۲۸، نزدیک شدند ۱۳٦

~: وَإِن كَادُوا۟ لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ ٱلَّذِىٓ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ (۷۳:۱۷)
کامستند ۱، بخواهند ٦۱، خواهند ۷٦

~: وَإِن كَادُوا۟ لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ ٱلْأَرْضِ (۷٦:۱۷)
کامستند ۱، خواسْتند ۲، خواستند ۳، خواستندی ۳۹، کامستی ۵۹، خواستند و نزدیک بودند ۷۹، خواهند ۱۱٤، خواستند ایشان ۱۳۹

~: كَادُوا۟ يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (۱۹:۷۲)
خواستند ۲، نزدیک بدی ٦، می خواستَند ٤۲، نزدیکست ۱۰۰

* مَا كَادُوا: فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا۟ يَفْعَلُونَ (۷۱:۲)
نخواستند ۲۹، نه خواستند ٤۰، نَه خواسْتَند ۵۵، نزدیک نبودند ۵۷، نمی خواستند ٦٤، نَخوآستَنْد ۹٤، نبودند نزدیک ۱۰۰، نمیخواستند ۱۰٤، نه نزدیک بود ۱۰٦

كَاذِبًا: وَإِن يَكُ كَـٰذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُۥ (۲۸:٤۰)
دروغ زن ۱۵، دروغ گوی ٤۳

~: وَإِنِّى لَأَظُنُّهُۥ كَـٰذِبًا (۳۷:٤۰)
دروزن[4] ۱، دُروغ زنْ ۲۲، دروغ گو ٦۱

كَاذِبٌ: مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَـٰذِبٌ (۹۳:۱۱)
دروزن گرفتار ۱، دروغ زن ۷ مکرّر، سخت دروغگوی ٤۱، دروغگوی ۸۰، دروغگو ۱۱۳، دروغ

---

۱. دویران / دبیران.
۲. کامست: خواست، نزدیک بود.
۳. کارکنار / کارکننده.
٤. دروزن / دروغ زن.

گو ۱۱٦

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَـٰذِبٌ كَفَّارٌ (۳۹: ۳)
دروزن[1] ۱، دُروغ زن ۲، دروغ گـــوی ۳، دروغ گوینده ٦۱

کَاذِبَةٌ: إِذَا وَقَعَتِ ٱلْوَاقِعَةُ لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ (۵٦: ۲)
دروغ ۱، بـاز دارنـده ۲٤، وادارنـده ۲۹، بـدروغ دارنـده ۳۹، دروغ دارنده ٤۱، واگـردانـنـده ۵۲، دروغ کننده ٦۱، دروغی ۱۰۸

~: نَاصِيَةٍ كَـٰذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۹٦: ۱٦)
دروغ زن ۲، دروغ گوینده ۸۷، دروغ گوی ۱۳۰، دروغگوی ۱۳۲

کَاذِبُونَ: وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَـٰذِبُونَ (٦: ۲۸)
درو زنان ۱، دُروغ زنان ۲، دروغ گویان ۳، دروغ زنند ۲٤

~: يُهْلِكُونَ أَنفُسَهُمْ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَـٰذِبُونَ (۹: ٤۲)
دروغ زنان ٤۸

~: وَٱللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَـٰذِبُونَ (۹: ۱۰۷)
دروغ گوینده گان ۱۱۸

~: فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ ٱلْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَـٰذِبُونَ (۱٦: ۸٦)
دُروغ زنان ۲

~: وَأُولَـٰئِكَ هُمُ ٱلْكَـٰذِبُونَ (۱٦: ۱۰۵)
دروغگویان ۳۰، دروغ گویند گان ۱۰۳

~: بَلْ أَتَيْنَـٰهُم بِٱلْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَـٰذِبُونَ (۲۳: ۹۰)
دروغ زن‌اند ٤۳

~: يُلْقُونَ ٱلسَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَـٰذِبُونَ (۲٦: ۲۲۳)
دروغ زنان ۲

~: وَٱللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَـٰذِبُونَ (۵۹: ۱۱)
دروغ زن ۱۳۸

کَاذِبِينَ: فَنَجْعَل لَّعْنَتَ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَـٰذِبِينَ (۳: ٦۱)
دروغ گویان ۳، دروَغ زنان ۱۰، دروغ گویند گان ۲٤، دروغگویان ۳۰، دروغ زنآن ۱۰۰

~: وَتَعْلَمَ ٱلْكَـٰذِبِينَ (۹: ٤۳)
دروغ گویان ۷۹

~: بَلْ نَظُنُّكُمْ كَـٰذِبِينَ (۱۱: ۲۷)
دروغزنان ٦٦

~: وَهُوَ مِنَ ٱلْكَـٰذِبِينَ (۱۲: ۲٦)
دروُغ زنَان ۷٦

~: قَالُوا فَمَا جَزَـٰٓؤُهُۥٓ إِن كُنتُمْ كَـٰذِبِينَ (۱۲: ۷٤)
دروزنان ۱، دروغ زنَان ۷٦

~: وَلِيَعْلَمَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا أَنَّهُمْ كَانُوا كَـٰذِبِينَ (۱٦: ۳۹)
دروُغ زَنَـــانْ ۵۳، دُروُغ گـــویـــان ۵۵، دروغ دارند گان ۷٦، دروغ دارنده گان ۱۱۸

~: أَنَّ لَعْنَتَ ٱللَّهِ عَلَيْهِ إِن كَانَ مِنَ ٱلْكَـٰذِبِينَ (۲٤: ۷)
دَرَوْغ زنَان ۵۱

~: وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ ٱلْكَـٰذِبِينَ (۲٦: ۱۸٦)
دروُغ زنان ۲

~: فَلَيَعْلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ ٱلْكَـٰذِبِينَ (۲۹: ۳)
دروغ زنان ۲

کَارِهُونَ: وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ لَكَـٰرِهُونَ (۸: ۵)
ناپسند دارند گان ۳، دشوار می پنداشتند ٤۱، دشوار می آمد ٤۸، ناپَسند دَارَند گان ۵۵، دشوار داشـــتـــنـــد ۱۰۵، دشـــخـــوار دارنـــد ۱۱۲،

---

[1] ۱. دروزن / دروغ زن.

دشخواردارند گان ۱۲٤

~: وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَٰرِهُونَ (۹:٤۸)
دشخوار داشتاران ۱، دشخوارهمی داشتند ۲، دشوار همی داشتند ۱۱، دشوار داران ٤۱، ناپسند دارند گان ۵۵، همی دشوار داشتند ۱۰۵، ناپسند ید گان ۱۱٤، دشوار کاران ۱۲٤

~: وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَٰرِهُونَ (۹:۵٤)
می دُشخَوارداشتند ۱۰، دشوار دارند گان ۲۷، ناخواهند گان ۲۹، دشوار داران ٤۱، ناکام باشند ۸۳، ناخواهآن ۹٤، ناکام ۹٦، ناخوش داران ۱۳۵

~: أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمْ لَهَا كَٰرِهُونَ (۱۱:۲۸)
ناخواهان ۲، دشوار دارید ۵۳، ناپسند دارند گان ۵۵، نخواهند گان ۵۷، دشوار دارند گان ۵۹، ناخواستگان ۱۱۲، خواهنده نه اید ۱۲٦

~: بَلْ جَآءَهُم بِٱلْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَٰرِهُونَ (۲۳:۷۰)
ناخواهان ۲، دشخوار می دارند ۲٤، ناخواهنده ۲۹، دژ واردارنده اند ٤۷، دُشمَنْ دَارَنْد ۵۳، دشمن دار ۱۰۵، ناخواهانند ۱۱۱، ناخواهند گان ۱۱۹، ناخاهان ۱۳۰، ناخوش دارند گان ۱۳۵

~: وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَٰرِهُونَ (۴۳:۷۸)
ناپسند دارند گان ۳۲، دشخواران ۸۱، دشوار دارنده گان ۱۰۹، ناپسند گان ۱۱٤

★ هُمْ كَارِهُونَ: وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَٰرِهُونَ (۹:۵٤)
ایشان ناکام باشند ۲

كَارِهِينَ: قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَٰرِهِينَ (۷:۸۸)
دشخوارد اشتاران ۱، ناخُواهند گان ۲، ناپسند ید گان ۳، دژمنشان ۲۷، ناخواهنده ۲۹، ناخواهان ۳۱، ناخواهند گان ۳۵، دشوار داران ٤۱، دشوار دارند گان ٤۲، ناپسند ند گان ۵۵، دشوار داشتگان ۷۸، ناپسند دارنده گان ۸۰، دشوار دارند گان و ناخواهند گان ۸۳، اگر نخواهیم که باز آییم هم باز آییم ۸۹، ناپسند دارند گان ۹۱، دشمن دار آن ۹٤، دشوار دارند گان و ناخواهان ۱۰۹، ناخوش آیند گان ۱۱٤، ناخوانان ۱۲۸، دشخوار دارند گان ۱٤۰

كَاشِفَ: فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ (۶:۱۷)
گشاینده ۳، ببرده ۹، وادارنده ۲٤، دور کننده ۳٦، گشاینده ٤۲، باز گشاینده ٤۳، ببرنده ٤۵، گُشایَنده ۵۵، باز برنده ۹۲، باز د آرنده ۹٤، وابرنده ۱۰۹

~: فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ (۱۰:۱۰۷)
گُشاینده ۲، باززننده ۲۷، ور دارنده ۲۹، برنده ۳۸، باز دارنده ۳۹، بردارنده ٤۱، باز گرداننده ٤۹، گُشاینده ۵۵، بازبرند [ه] ۵۷

★ لاَ كَاشِفَ: فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ (۶:۱۷)
وازکنا[۱] رنبهد ۱، کس بازندارد ۲۹، نیست گشاینده ۱۰۵

~: فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ (۱۰:۱۰۷)
باز نتواند داشتن ۱۳، نیست هیچ بازدارنده ۱۲۱

كَاشِفَاتُ: هَلْ هُنَّ كَٰشِفَٰتُ ضُرِّهِۦٓ (۳۹:۳۸)
وازکنا[۱] ران ۱، توانند گشادن ۲، گشایند گان ۳، ببریده ۱۵، ببرنده ۲۲، بردارند گان ۲۹، بازدارنده ۳۹، بردارنده ٤۱، وابرنده ٤۲، بازدَارَند گان ۵۳، باز برنده ۵٦، دور گرداننده ٦۱، وابرند گان ۷۹، بازدارند گان ۸۱، باز گیرنده ۹٤، بازدارند گان ـ وابرند گان ۱۰۹، گشاینده ۱۱٤، دور کنند گان ۱۱۵، بازدارندان ۱۳٦

كَاشِفَةٌ: لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ ٱللَّهِ كَاشِفَةٌ (۵۳:۵۸)
وازکنار[۱] ۱، بیرون آرنده ۲، گشاینده ۳، دیدار

۱. وازکنار: گشاینده.

کننده ٢٤، پدید آرنده ٣٠، پدیدارنده و آشکار کننده ٣٥، پیدا کننده ٣٦، برهنه کننده ٣٩، باز کننده ٤٢، بازدارنده ٥٣، بازبرنده ٥٦، [بر]هنه کننده ٦١، بیرون آورنده ٩٤، پدید کننده ٩٦، برد آرنده ١٠٠، پدیدارنده ١٠٢، گشاینده ـ پدید آرنده ١٠٨، وابرنده ١١٣، بردارنده ١١٧، بازپس برنده ١٢٦

كَاشِفُوا: إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابِ قَلِيلاً إِنَّكُمْ عَائِدُونَ (٤٤: ١٥)
وازکناران ١، باز بَریم ٢، گشایند گان ٣، بازبریم ٢٢، بگشاییم ٣٠، گردانندە ٣٩، بردارنده ٤١، دور کردیم ٦١، دور کنند گان ٦٧، بازدارند گان ٦٩، بازگشایند گان ٧٢، وابرنده ٧٩، بردارند گان ١٠٠، باز گردانیم ١٠٥، وابرند گان ١٠٩، بازبرنده ١٢٢، بازداریم ١٢٤

الْكَاظِمِينَ: وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ (٣: ١٣٤)
فروخورداران ١، فُرو خُورند گان ٢، فرخورند گان ٢٣، بازدارند گان و فروخورند گان ٢٧، کسانی که فروخورند ٢٩، آن که خشم فروخورند ٤٠، فِروبرندگان ٤٢، فروبرند گان ٥٢، بخورید ٥٣، فروخَورَند گان ٥٥، فروخوردند گان ٥٧، آن کسانی که خشم فروبرند ٦٢، فروخورنده خشم ٧٢، فربرند گان ٧٦، فروخورند گان ١٠٠، فروخورند گان ١١٦، فروبرنده گان ١٣٦

~: إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ (٤٠: ١٨)
خشم خورداران ١، خشم فروبرند گان ٣٨، خشم فروخورند گان ٤٩، هَمي فُروخورَند ٥٣، خشم فرو خورنده ٦٩، خشم ناکان ٨٠، خشم فروخورند ٨١، خشم و اندوه خوارگان ٨٨، خشم و اندوه خوارند گان ٩٤، خشم آلود ١٠٥، خشمناک ١١٤، اندوهگین ١١٥

★ الْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ: وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ (٣: ١٣٤)
آنکسانی که خشم فروخورند ٣٤، فروخورند گان خشم ٩٤، آنان که فرو خورند خشم ١١٤، فروخرند گان خشم ١٣٠

بِكَافٍ: أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ (٣٩: ٣٦)
گوسی کنار[1] ١، بَسَنده ٢، بَسنده ٢٢، بسنده ٣٠، بسنده کار ٧٢، بسنده است ٩٦

كَافَّةً: ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً (٢: ٢٠٨)
یک سره ١٠، همگی ٢٩، هَمَه ٤٢، گروه گروه ٦١، یَکبارگی ١١٥، یکبار ١٢٣

~: وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً (٩: ٣٦)
هم خند ساخته ١٠، جمله ٥٣، هر همه ٥٨، یکسره ٩٤، همگان ١٢٦

~: وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً (٩: ١٢٢)
هَمَگین ٥٣، همه بَیکْبَارْ ٥٥، همه بیک بار ٥٧، همه گان ١٠٩

~: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ (٣٤: ٢٨)
همه ١، نیک بازدارنده و گرد کننده و فراز رسنده ٣، همیشه ٢٢، بازدارنده ٦٧، جمع کننده ٩٨، همه ـ فراهم آرنده ١٠٩، فرارسنده ١٢١

كَافِرٌ: وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ (٢: ٤١)
ناگَروندە ٢٩، ناگَرَویدَه ٥٥، ناگرویدگان ٨٢، ناسپاس ٩٦، نگرویده ١١٦، نه گرونده ١٣٠

~: وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا (٢٥: ٥٥)
مرد ناگرونده ٨٦

~ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ (٦٤: ٢)
ناگرویده ٢

---

١. گوسی کنار: بسنده کار؛ کفایت کننده.

كَافِرَةٌ: فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ (١٣:٣)
ناگرويده ٣، ناگرويده بخداى ٢٥، نگرويده ٥٦، نگرويدگان ١١١

الْكَافِرُونَ: وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (٢٥٤:٢)
ناگرويدگان ٢

~: إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (٧٦:٧)
نابرويدگان ١٠

~: فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ (١٢٥:٩)
نگرويدند ٥٨

~: قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ (٢:١٠)
بى گرويدگان ٩٢

~: وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (١٩:١١)
ناخستون شوندگان ٦٤، نگروندگان ١١٦

~: ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ (٨٣:١٦)
ناسپاس و ناگرويدگان ٥٨

~: إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (١١٧:٢٣)
ناگرويدگان ٢، ناگروندگان ٨٧

~: وَقَالُوا إِنَّا بِكُلٍّ كَافِرُونَ (٤٨:٢٨)
نابرونده ٢١

~: فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (١٤:٤١)
ناگرويده [ايم] ٢٤

~: وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (٢٦:٤٢)
ناگرويدگان ٣٢

~: قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (٢٤:٤٣)
ناخستونان ٦٤

~: قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (٣٠:٤٣)
نگرويدگان ٣٠، ناسپاسان ٦١

~: فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَٰذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (٢:٥٠)
گبرگان ٧٢

~: يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ (٨:٥٤)
گبرگان ٣٩

الْكَافِرِينَ: وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (١٩:٢)
ناگرويدگان ٥٥

~: وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (٢٤:٢)
ناگرويدگان ٥٥

~: وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (٣٤:٢)
ناگروندگان ٣، ناگرويدگان ٥٥

~: فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ (٩٨:٢)
ناگرويدگان ٢

~: فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (١٩١:٢)
ناگرويدگان بخداى ٨٤

~: وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (٢٦٤:٢)
ناگرويده ٣٦

~: فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (٢٨٦:٢)
ناگرويدگان ١٢٢

~: وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (١٣١:٣)
ناگرويدگانرا ٥٨

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (٦٧:٥)
ناگرويده گان ٢

~: فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ (٨٩:٦)
ناخستونان ٦٤

~: أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (١٣٠:٦)
ناسپاس دارندگان ٣٩

~: وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (٢٦:٩)
ناگروندگان ٥٥

~: إِنَّ ٱلْخِزْیَ ٱلْیَوْمَ وَٱلسُّوٓءَ عَلَى ٱلْكَٰفِرِینَ (۱۶: ۲۷)
ناگرویدگان ۲

~: فَلَا تُطِعِ ٱلْكَٰفِرِینَ وَجَٰهِدْهُم بِهِۦ (۲۵: ۵۲)
نابروندگان ۲۰

~: وَأَنتَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِینَ (۲۶: ۱۹)
ناسپاسی کناران ۱، ناسپاسان ۲۴، ناسپاس داران ۳۰، نسپاسان ۹۱، ناسپاسداران ۱۰۸

~: إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَٰفِرِینَ (۲۷: ۴۳)
نگرویدگان ۱۳۲

~: یَٰٓأَیُّهَا ٱلنَّبِیُّ ٱتَّقِ ٱللَّهَ وَلَا تُطِعِ ٱلْكَٰفِرِینَ (۳۳: ۱)
نابرویدگان ۴۷

~: وَٱسْتَكْبَرْتَ وَكُنتَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِینَ (۳۹: ۵۹)
ناسپاسیان ۸۰، ناگروندگان ناسپاسان ۱۰۹

كَافُورًا: یَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۷۶: ۵)
بوی خوش ۱۲۱، بسیار خنک ۱۳۶

كَالِحُونَ: وَهُمْ فِیهَا كَٰلِحُونَ (۲۳: ۱۰۴)
تروش رویان ۱، ترش رُوی ۲، سیاه رویان ۲۴، ترش روی ۲۹، رویها فراهم کشیده ۳۴، زشت رویان ۴۷، ترش رُویان باشند ۵۳، روی فراهم کشیده ۵۴، روی درهم کشیده ۸۸، ترش روی باشند ۱۰۵، روی ترش کنندگان ۱۱۰، ترش رو ۱۱۴، از روی دند آن ۱۳۵

كَالُوهُمْ: وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ یُخْسِرُونَ (۸۳: ۳)
بپیمند ۱، بپیمایند ۲۴، بپیمایند از بهر مردمان ۹۱، به پیمایند ۱۰۲، می پیمایند ۱۱۱، میپیمایند ۱۱۶، پیمانه کنند ۱۲۶

كَامِلَةٌ: تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ (۲: ۱۹۶)
بی کم و کاست ۱۰۹

~: لِیَحْمِلُوٓا۟ أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً (۱۶: ۲۵)
سپری ۵۹

كَامِلَیْنِ: وَٱلْوَٰلِدَٰتُ یُرْضِعْنَ أَوْلَٰدَهُنَّ حَوْلَیْنِ كَامِلَیْنِ (۲: ۲۳۳)
دوبُر ۱۰۹

كَانَ: أَبَىٰ وَٱسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِینَ (۲: ۳۴)
بودو گشت ۳، شد ۵۵، پیوسته بود ۱۰۷

~: وَقَدْ كَانَ فَرِیقٌ مِّنْهُمْ یَسْمَعُونَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ (۲: ۷۵)
بُودَند ۲، بُدند ۱۰، بدند ۶۳

~: قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِیلَ (۲: ۹۷)
است ۴۰، باشد ۱۲۸

~: إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَٰرَىٰ (۲: ۱۱۱)
باشد ۲

~: أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا یَعْقِلُونَ شَیْـًٔا (۲: ۱۷۰)
همی بودند ۵۷

~: فَإِن كَانَ ٱلَّذِی عَلَیْهِ ٱلْحَقُّ سَفِیهًا (۲: ۲۸۲)
هست ۱

~: مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن یُؤْتِیَهُ ٱللَّهُ ٱلْكِتَٰبَ (۳: ۷۹)
سزاوار بود ۴۰

~: وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ ٱلْكِتَٰبِ لَكَانَ خَیْرًا لَّهُم (۳: ۱۱۰)
بُودی ۲

~: فَٱنظُرُوا۟ كَیْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُكَذِّبِینَ (۳: ۱۳۷)
بود ۱، بدست ۴۰

~: یَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ ٱلْأَمْرِ شَیْءٌ مَّا قُتِلْنَا (۳: ۱۵۴)
بودی ۱، بُودی ۲

~: مَّا كَانَ ٱللَّهُ لِیَذَرَ ٱلْمُؤْمِنِینَ عَلَىٰ مَآ أَنتُمْ عَلَیْهِ (۳: ۱۷۹)
روا بود ۵۶

~: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَیْكُمْ رَقِیبًا (۴: ۱)

بود هست ۵۸

~: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۴: ۱۱)
هست و بود و باشد ۵۸

~: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا (۴: ۴۳)
بودست ۷۶

~: وَٱسْمَعْ وَٱنظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ (۴: ۴۶)
می بود ۱۲۳

~: وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ (۴: ۶۶)
شدی ۲۹

~: فَإِن كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ ٱللَّهِ (۴: ۱۴۱)
بهد[1] ۱

~: أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْـًٔا (۵: ۱۰۴)
هند[2] ۱

~: وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا (۷: ۷۰)
بودند ۱

~: فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَـٰقِبَةُ ٱلْمُجْرِمِينَ (۷: ۸۴)
بوده باشد ۱۳۶

~: فَأَتْبَعَهُ ٱلشَّيْطَـٰنُ فَكَانَ مِنَ ٱلْغَاوِينَ (۷: ۱۷۵)
شد ۱

~: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۸: ۳۳)
چنانست که ۹۴، چنانست ۱۲۸

~: مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا مَسَـٰجِدَ ٱللَّهِ (۹: ۱۷)
سزد ۳

~: قُلْ إِن كَانَ ءَابَآؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ (۹: ۲۴)
هستند ۱۲۴

~: مَا كَانَ لِأَهْلِ ٱلْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُم (۹: ۱۲۰)
بود سزد ۱۰۹

~: أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا (۱۰: ۲)
بیاد ۱۰۵، همی باشد ۱۱۳

~: إِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ (۱۲: ۲۶)
چنانست ۲

~: فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَـٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ (۱۲: ۱۰۹)
بُوده است ۷۶

~: وَمَا كَانَ لَنَآ أَن نَّأْتِيَكُم بِسُلْطَـٰنٍ (۱۴: ۱۱)
بُود ۵۷

~: وَكَانَ ٱلْإِنسَـٰنُ عَجُولًا (۱۷: ۱۱)
هست ۲

~: وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (۱۷: ۲۰)
باشد ۲

~: وَكَانَ ٱلشَّيْطَـٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورًا (۱۷: ۲۷)
بُود و هست ۳۰

~: وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (۱۷: ۸۸)
باشند ۳۰

~: قُل لَّوْ كَانَ فِى ٱلْأَرْضِ مَلَـٰٓئِكَةٌ (۱۷: ۹۵)
بودندی ۱۳۹

~: فَسَجَدُوٓا إِلَّآ إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ ٱلْجِنِّ (۱۸: ۵۰)
گشت ۲

~: قُل لَّوْ كَانَ ٱلْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَـٰتِ رَبِّى (۱۸: ۱۰۹)
بید ۱، بُودند ۲

---

۱. بهد: بُوَد، باشد.
۲. هند / اند، باشند.

~: وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا (۲۵:۶۷)
باشند ۵۸

~: إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۳:۳٤)
بود و هست ٤۷

~: وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ (۳۳:۳٦)
رسد ٦٤

~: إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي ٱلنَّبِيَّ (۳۳:۵۳)
رواست ۲٤

~: فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ ٱلْمُدْحَضِينَ (۳۷:۱٤۱)
گردید ۲٤

~: قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ (٤۱:۵۲)
باشَدْ ۳۲

~: ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ (۷۵:۳۸)
شود ۳، بشد ٦۱

~: إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَآءً (۷٦:۲۲)
هست و بود ۳۰

★ كَانَ كَبُرَ: وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ (٦:۳۵)
بود گران ۲٤، سخت می آید و گران و بزرگ ٤٤، بزرگ می آید ۵۸، بود بزرگ ٦۱، چنان است که همی بزرگ آید ۸۸، باشد بزرگ ۱۱٤، بزرگ آید ۱۲٤

~: إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُم مَّقَامِي وَتَذْكِيرِي بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ (۱۰:۷۱)
بُزُرگ می نِمَاید ۵۵، می گران آید ۵۹، هست بزرگ ٦۲، هست بزرگ و گران ۱۱۱، بزرگ است ۱۱۳، باشد بزرگ ۱۲۱، هست گران ۱۲۲

★ كَانَ يُؤْذِي: إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي ٱلنَّبِيَّ (۳۳:۵۳)
همی برنجانید ۹٤

★ أَفَمَن كَانَ: أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا (۳۲:۱۸)
هر کو آن کسی که باشد ۳۰

★ لَكَانَ: فَلَوْ صَدَقُوا۟ ٱللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ (٤۷:۲۱)
باشَدِی ۲۲

★ لَوْ كَانَ: أَوَلَوْ كَانَ ءَابَآؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْـًٔا (۵:۱۰٤)
اگر نبودند ۷٦

~: لَوْ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَا (۲۱:۲۲)
بودندی ۱۲۳

~: لَوْ كَانَ هَٰٓؤُلَآءِ ءَالِهَةً مَّا وَرَدُوهَا (۲۱:۹۹)
بودندی ۵٦

~: لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَآ إِلَيْهِ (٤٦:۱۱)
باشدی ۲۲

★ مَا كَانَ: أُو۟لَٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَن يَدْخُلُوهَآ (۲:۱۱٤)
نیسْت ۲، نه بود ٤۰

~: وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ (۲:۱۳۵)
هرگز نبود ٤۰

~: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَٰنَكُمْ (۲:۱٤۳)
نکرد ٦۷

~: وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ (۳:٦۷)
نبود ۱، هرگز نبد ٤۰، نبوده است ٦٤

~: مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤْتِيَهُ ٱللَّهُ ٱلْكِتَٰبَ (۳:۷۹)
نه سزاوار بود ٤۰

~: وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ (۳:۹۵)
نبود و نباشد ۱۰۱

~: وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ (۳:۱٤۵)
نبهد ۱، نباید ۲۹، نبود و نباشد ۱۰۰

~: وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّآ أَن قَالُوا۟ رَبَّنَا (۳:۱٤۷)
نه بد ٤۰

~: يَغُلَّ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَغُلَّ (۳:۱٦۱)
نه رَوابُودْ ٤۰

~: مَّا كَانَ ٱللَّهُ لِيَذَرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَآ أَنتُمْ عَلَيْهِ (۳: ۱۷۹)
نه چُنانست ۲، نه چنانست که ۹٤، هرگز نباشد ۱۱۱

~: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ (۸: ۳۳)
نکند ۵۸، نچنانست که ۹٦، نچنان است ۱۲٤

~: مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُۥٓ أَسْرَىٰ (۸: ٦۷)
نیست و روا نباشد ۵۸، نرسد ۱۲٤

~: مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا۟ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ (۹: ۱۷)
نبهود ۱، نیست ۲٤، نه سَزد ۵۵، نسزد و سزاوار نباشد ۱۱۱

~: فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ (۹: ۷۰)
نچنان بود ۹٦

~: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا (۹: ۱۱۵)
نَچُنانسْت ۲

~: مَا كَانَ لِأَهْلِ ٱلْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُم (۹: ۱۲۰)
نُبوذ ۲، مه سزد ۳۰

~: وَمَا كَانَ ٱلْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا۟ كَآفَّةً (۹: ۱۲۲)
نبند ۱، نه شاید ۱۳۳، نباشند ۱۳٦

~: وَمَا كَانَ ٱلنَّاسُ إِلَّآ أُمَّةً وَٰحِدَةً فَٱخْتَلَفُوا۟ (۱۰: ۱۹)
نبودند ۱

~: مَا كَانَ لَنَآ أَن نُّشْرِكَ بِٱللَّهِ مِن شَىْءٍ (۱۲: ۳۸)
نشاید ۲، نه سَزد ۳، روانباشد ۵۸، نُبود ۷٦، نه شایست ۸۳، نشایست ۹٤، نشاید و نسزد ۹٦

~: مَّا كَانَ يُغْنِى عَنْهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ (۱۲: ٦۸)
نَتوانِست ۷٦، نه چنان بود ۱۰۵، نبایست ۹۳

~: مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ (۱۲: ۱۱۱)
نبودست ۵۸

~: وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِىَ بِـَٔايَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ (۱۳: ۳۸)
نیست و نتواند و نرسد ۵۸

~: وَمَا كَانَ لَنَآ أَن نَّأْتِيَكُم بِسُلْطَٰنٍ (۱٤: ۱۱)
نباشد ۲

~: وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ (۱٦: ۱۲۳)
نبوذ ۲

~: وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا (۱۸: ٤۳)
نبود ـ نتوانسْت ۲

~: مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ مِن وَلَدٍ (۱۹: ۳۵)
نه سزا است ۲٤، نیست و نبود ۹۲، نه شاید و نسزد ۹٤

~: وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا (۱۹: ٦٤)
نیست و نباشد ۵۸

~: إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (۲٦: ۸)
نیستند ٦٤

~: مَّا كَانَ لَكُمْ أَن تُنۢبِتُوا۟ شَجَرَهَآ (۲۷: ٦۰)
نیست و نبود و نباشد ۵۸

~: وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ (۲۸: ۵۹)
نه چنانست ۳۰

~: وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ ٱلْخِيَرَةُ (۲۸: ٦۸)
نسزد ٤۷

~: وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ (۲۹: ٤۰)
چنان بود ۲

~: وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ (۳۳: ۳٦)
نرسد و نسزد ٤۷

~: مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ (۳۳: ٤۰)
نبود و نیست ٤۱

~: مَا كَانَ لِىَ مِنْ عِلْمٍۭ بِٱلْمَلَإِ ٱلْأَعْلَىٰٓ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۳۸: ٦۹)
نبُود ۸۱

~: وَمَا كَانَ لَهُم مِّنْ أَوْلِيَآءَ يَنصُرُونَهُم (٤۲: ٤٦)

نَباشد ٨١

★ ما كَانَ لَكُمْ: مَا كَانَ لَكُمْ أَن تُنبِتُوا شَجَرَهَا (٦٠:٢٧)

چون نتوانيد شما ٧٦

★ ما كَانَ يَنْبَغِي: مَا كَانَ يَنبَغِي لَنَا (١٨:٢٥)

نرسد و نبايد و نشايد ٩٢، نَبايست ١١٩

كَانَا: فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ (٣٦:٢)

بُودنْد ٢، بدند ١٠، بُودَند ٥٥

~: كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ (٧٥:٥)

بودند ١، چُنان بُودند ٢، بودند هردو ٢٤

كَانَتْ: قُلْ إِن كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ (٩٤:٢)

هسْت ٢، چنانست ٤٠

~: وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ (١٤٣:٢)

هَسْت ٢

~: وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ (١١:٤)

بهد ١، باشَد ٤٥

~: إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (٨٣:٧)

بود ١، بود آن زن ٢، گشت ٦٧

~: فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا (٩٨:١٠)

بوده است ٩٣

~: وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً (١١٢:١٦)

بُودنْد ٢

~: فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ (٧٩:١٨)

بُود ٢، بودست ٥٦

~: كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا (١٠٧:١٨)

باشد ٢

~: وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا (٥:١٩)

هست ١، بود و هست ٥٨

~: الَّتِي كَانَت تَّعْمَلُ الْخَبَائِثَ (٧٤:٢١)

بودند ١، همی بودند ٦١

~: كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا (١٥:٢٥)

هست و باشد ٥٨

~: فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (٣٧:٥٥)

شود ٣، بباشد ٣٩، بشود ٩٦

~: يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ (٢٧:٦٩)

بودی ٥٤، بودمی ١١٣

~: وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا (١٤:٧٣)

بند[1] ١

~: وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (١٩:٧٨)

گردد ٦٤

★ إنْ كَانَتْ: إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً (٢٩:٣٦)

نيست ٣٣، نبود ٣٩

~: إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً (٥٣:٣٦)

كه نباشد ٥٦

★ لا كَانَتْ: فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ (٩٨:١٠)

نبودند ١٠٥

★ لَوْ لا كَانَتْ: فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ (٩٨:١٠)

چرا نبود ١، اگر نبودى ٥٨

★ ما كَانَتْ: وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا (٢٨:١٩)

نبود ٦١

★ كَانَتْ لَكَبِيرَةٌ: وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا (١٤٣:٢)

---

١. بند / باشند.

گران آید و بزرگ ۵۹

★ كَانَتْ لَهُمْ: كَانَتْ لَهُمْ جَزَآءً وَمَصِيرًا (۲۵: ۱۵)
بود ۱۱٤

كَانَتَا: فَإِن كَانَتَا ٱثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا ٱلثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ (٤: ۱۷٦)
بند ۱، باشد ۱۰ مکرّر، باشند ۲٤

~: أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَٰهُمَا (۲۱: ۳۰)
بودند ۱، بُودنْد ۲

~: كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا (٦٦: ۱۰)
بودند هر دو ۳۰

★ كَانَتَا رَتْقًا: أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا (۲۱: ۳۰)
هر دو با هم بسته بودند ۸۷

كَانُوا: وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۲: ۱٦)
بُودَنْد ۵۵

~: رِجْزًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۲: ۵۹)
همی بُودند ۲

~: وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُوا (۲: ۸۹)
بُودنْد ۲

~: لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۲: ۱۰۲)
چُنان بُودی ۲

~: فَٱللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ (۲: ۱۱۳)
بودند ایشان ۳

~: وَٱلْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَٰرَىٰ (۲: ۱٤۰)
ایشان بدند ۱۰، بدند ٤۰

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ (۳: ۱۱۲)
بودند ۱

~: لَّوْ كَانُوا عِندَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا (۳: ۱۵٦)
بُودند ۲، می شدند ۳٦

~: فَإِن كَانُوا أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ (٤: ۱۲)
بُوند ۲۷، بوده باشند ۱۱۱

~: إِنَّ ٱلْكَٰفِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا (٤: ۱۰۱)
هند ۱، هستند ۳

~: وَإِن كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَآءً (٤: ۱۷٦)
بند ۱، باشد ۱۰ مکرّر

~: لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۵: ٦۲)
می بودند ۵۸

~: كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ (۵: ۷۹)
چنان بود ۱۰۵

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا (٦: ۱۵۹)
بشودند ۱۰ مکرّر، بودند و شدند ۵۸، بشدند ۸۸

~: وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ (۹: ۱۱۳)
بهد ۱

~: أَفَأَنتَ تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ (۱۰: ٤۲)
همه هند ۱

~: رُّبَمَا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (۱۵: ۲)
بندی ۱

~: وَمَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۱۵: ۱۱)
بُودنْد ۲

~: إِنَّ ٱلْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَٰنَ ٱلشَّيَٰطِينِ (۱۷: ۲۷)
هسْتند ۲

~: كَانُوا مِنْ ءَايَٰتِنَا عَجَبًا (۱۸: ۹)
بوده‌اند ۱۰۳

~: إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ (۲٦: ۵)
شَند ۲۰، باشند و بودند ۵۸

~: لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۲۹: ٦٤)
باشید ٤۷

~: مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمْ وَكَانُواْ شِيَعًا (۳۰:۳۲)
گشتند ٤٧، شدند ٦١

~: وَنَصَرْنَٰهُمْ فَكَانُواْ هُمُ ٱلْغَٰلِبِينَ (۳۷:۱۱٦)
بُودَند ۸۱

~: قُلْ أَوَلَوْ كَانُواْ لَا يَمْلِكُونَ شَيْـًٔا (۳۹:٤۳)
باشند ۱۵

~: وَمَا ظَلَمْنَٰهُمْ وَلَٰكِن كَانُواْ هُمُ ٱلظَّٰلِمِينَ (٤۳:۷٦)
بودَند ۳۲

~: وَكَانُواْ يُصِرُّونَ عَلَى ٱلْحِنثِ ٱلْعَظِيمِ (٥٦:٤٦)
همی بودند ۸۱

★ إنْ كَانُوا: فَسْـَٔلُوهُمْ إِن كَانُواْ يَنطِقُونَ (۲۱:٦۳)
اگر چنانست ۱۰۸

★ لَوْ كَانُوا: لَّوْ كَانُواْ عِندَنَا مَا مَاتُواْ (۳:۱٥٦)
بودندی ۱، بُودَندی ۲

~: وَلَوْ كَانُواْ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلنَّبِيِّ (٥:۸۱)
چنان بودندی ۱۰ مکرر، ایشان بودندی ٤٥

~: رُّبَمَا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْ كَانُواْ مُسْلِمِينَ (۱٥:۲)
بودندی ۲، کاشکی بودندی ۳، بوده بُودَندی ٦۲

~: وَلَأَجْرُ ٱلْءَاخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ (۱٦:٤۱)
چنانستی ۱۰٥

~: أَن لَّوْ كَانُواْ يَعْلَمُونَ ٱلْغَيْبَ (۳٤:۱٤)
بوندی ۱

★ مَا كَانُوا: فَمَا رَبِحَت تِّجَٰرَتُهُمْ وَمَا كَانُواْ مُهْتَدِينَ (۲:۱٦)
نبودَند ۲۹، نه بودند ایشان ٥۷، نشدند ٦٤

~: مَّا كَانُواْ لِيُؤْمِنُوٓاْ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ (٦:۱۱۱)
نبودند ۱، نه چنانست که ۸۸، نمیبودند ۱۱۱

~: وَمَا كَانُوٓاْ أَوْلِيَآءَهُۥ (۸:۳٤)
نیستند ۲۷، نمیباشند ۱۳٦

~: وَجَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَمَا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ (۱۰:۱۳)
نیاوردند ۷٦

~: مَا كَانُواْ يَسْتَطِيعُونَ ٱلسَّمْعَ (۱۱:۲۰)
نه بودند ٤۱، نباشند ۱۰۳

~: إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَمَا كَانُوٓاْ إِذًا مُّنظَرِينَ (۱٥:۸)
نبودند و نباشند ٥۸، نه باشند ۷۱

~: لَّا يَأْكُلُونَ ٱلطَّعَامَ وَمَا كَانُواْ خَٰلِدِينَ (۲۱:۸)
نُبودَند ۲

~: فَقَرَأَهُۥ عَلَيْهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ مُؤْمِنِينَ (۲٦:۱۹۹)
نبودندی ۱

~: وَمَا كَانُواْ سَٰبِقِينَ (۲۹:۳۹)
نبودند ایشان ٥٦

★ كَانُوا يَتَّقُونَ: وَأَنجَيْنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ (۲۷:٥۳)
بودند ترسندگان ۸۷

★ كَانُوا يُسَارِعُونَ: إِنَّهُمْ كَانُواْ يُسَٰرِعُونَ فِى ٱلْخَيْرَٰتِ (۲۱:۹۰)
همی شتافتند ۹٤

★ كَانُوا يَسْتَهْزِؤُنَ: وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۱۱:۸)
افسوس می کردند ٤۱

~: وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ (۱٦:۳٤)
همی فسوس کردند ۹٤

★ كَانُوا يَصْنَعُونَ: وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ ٱللَّهُ بِمَا كَانُواْ يَصْنَعُونَ (٥:۱٤)
همی کردند ۸۸

~: فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلْجُوعِ وَٱلْخَوْفِ بِمَا كَانُواْ يَصْنَعُونَ (۱٦:۱۱۲)
همی کردند پیشه ۹٤

★ كَانُوا يَظْلِمُونَ: فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ (۷: ۱۶۲)
همی ستم کردند ۹۴

~: كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ (۷: ۱۷۷)
ستم همی کردند ۹۴

★ كَانُوا يَفْتَرُونَ: وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۳: ۲۴)
می بربافتند ۹۷، هستند می بافتند ۱۳۰

~: وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۷: ۵۳)
ساختند از خویش ۹۴

~: وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۶: ۸۷)
از خویش بافتند ۹۴

~: وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۸: ۷۵)
از خویشتن ساختند ۹۴

★ كَانُوا يَفْسُقُونَ: كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۷: ۱۶۳)
بی فرمانی همی بکردند ۹۴

~: بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۷: ۱۶۵)
همی بی فرمانی کردند ۹۴

★ كَانُوا يَفْعَلُونَ: هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۸۳: ۳۶)
کرده باشند ۱۳۸

★ كَانُوا يَكْسِبُونَ: فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۵: ۸۴)
همی اندوختند ۹۳، ساختند ۹۴

~: فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۳۹: ۵۰)
کردند ۶۷

★ كَانُوا يَمْتَرُونَ: بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ (۱۵: ۶۳)
همی گمان بردند ۹۴

★ كَانُوا يَنْحِتُونَ: وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ (۱۵: ۸۲)
می تراشیدند ۵۵، همی تراشیدند ۹۳، تراشیدند ۹۴

كَاهِن: فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ (۵۲: ۲۹)
کندای[1] ۱، دروغ زن ۳۰، اختر گوی ۳۶، اختر گو ۳۹، دروغ گوی (اختر گوی) ۸۱، جادو ۹۶، پری گرفته اختر گیر ۱۰۸

~: وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (۶۹: ۴۲)
پری گرفته ۲، جادوی ۳۹، فای گوی[2] ۵۲، اختر گوی و نشان گوی ۵۶، راز گوی ۷۲، نشان گوی ۹۱، پری گرفته ۱۰۸، فال گیر ۱۱۳

كَأْسًا: يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ (۵۲: ۲۳)
جای پر شراب ۵۳، قدح ۶۹، کاسه ۱۱۱

~: وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا (۷۶: ۱۷)
جام ۳۰

~: وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا وَكَأْسًا دِهَاقًا (۷۸: ۳۴)
جامها ۴۱، کاسها ۱۱۱

كَأْس: يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ (۳۷: ۴۵)
جامِها ۲۲، قَدَح ۵۳، جامها ۱۰۰

~: بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ (۵۶: ۱۸)
جامها ۳۴، خارن ۱۱۳، پیاله ۱۱۵

~: إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ (۷۶: ۵)
جام

---

۱. کندای: فال گوی، اختر گوی.
۲. فای گوی / فال گوی.

★ كَأَن: كَأَن لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ (٤: ٧٣)
پنداری ٢، گویی که ٣، چنانستی که ٢٧، گوئی ٣٦، گویا ٦٣، گوئیکه ٩٦، همچنانکه ١٢٤

~: ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا۟ فِيهَا (٧: ٩٢)
گوهی ١، چنان گوی که ٢٧، گویا که ٢٩، همانا که ٣٥، گوئیا ٧٩

~: مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَآ إِلَىٰ ضُرٍّ مَّسَّهُۥ (١٠: ١٢)
چُنان پندارَند ١٠، گویا ٢٩، چنانکه گوئی ١٠٠، گوئیا ١٠٦

~: كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِٱلْأَمْسِ (١٠: ٢٤)
گوی ٨٨، پندار ١٠٥

~: وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوٓا۟ (١٠: ٤٥)
چنان استی ٥٨

~: كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا۟ فِيهَآ (١١: ٦٨)
گویِی که ٥٥، گوییی ٩٤

~: كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا۟ فِيهَآ (١١: ٩٥)
گفتی ٧ مکرر، گویی ٣٠، چنانکه گویی ٤١، گویِی که ٥٥، گوئی که ٨٠

~: وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا (٣١: ٧)
چنانستی ٤٦

~: ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا (٤٥: ٨)
چنانکه ٢، گویی که ٣٢، چنانستی که گویی ٥٦

★ كَأَنَّ: كَأَنَّ فِىٓ أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (٣١: ٧)
چنان که گویی ٤٧

★ كَأَنَّكَ: يَسْـَٔلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِىٌّ عَنْهَا (٧: ١٨٧)
گویا که ٢٩، ماناکه ٣٥، چنانکه گوئی ٩٣

★ كَأَنَّمَا: فَكَأَنَّمَآ أَحْيَا ٱلنَّاسَ جَمِيعًا (٥: ٣٢)
چُنانسْت که ٢، همچنانست که ٣، گویی که ٣، چنان استی که ١٠ مکرّر، پنداری ١٠ مکرّر، چنانکه ٢٤، چنانستی ٢٧، چنانست که ٢٩، گویی ٣٧، چُنان که ٤٥، چنان باشد ٥٣، هَمچنانَسْت که ٥٥، گویِی کِه ٥٥، چنان که ٦٢، گوییا که ٦٣، گویا همچنان باشد ٧٠، چنان است ٨٨، پنداری که ٩٦، گوییا ١٠٣، چنانست ١٢٨، همچنان است ١٢٩

~: ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِى ٱلسَّمَآءِ (٦: ١٢٥)
پنداری ٢، گویی که هر آینه ٣، پنداری ١٠ مکرّر، چنان است که ٢٧، چنانستی که ٣٦، چنانکه گویی ٥٦، گوئیا ١٠٠

~: كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى ٱلْمَوْتِ (٨: ٦)
گویا ٢٩، همانا که ٣٥

~: كَأَنَّمَآ أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ (١٠: ٢٧)
گوهی ١، وازان مَاند ١٠، گویا که ١١٤، گویی یا که ١٢٨

~: فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ ٱلسَّمَآءِ (٢٢: ٣١)
چُنانسْت ٢، همچنان ١٠٠، چنان بود ١٠٥

★ كَأَنَّهُ: وَإِذْ نَتَقْنَا ٱلْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُۥ ظُلَّةٌ (٧: ١٧١)
گوهی ١، گفتی که ٢٤، همانا که ٣٥، چنانکه گویی ٤١، گویی ٩٢، همچنان ٩٣، گوی ١٢٥، چنانکه ١٢٨

~: فَلَمَّا جَآءَتْ قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرْشُكِ ۖ قَالَتْ كَأَنَّهُۥ هُوَ (٢٧: ٤٢)
گوهی ١، پنداری ٤٦، که خود ٧٦، گویا ١٠٠

~: طَلْعُهَا كَأَنَّهُۥ رُءُوسُ ٱلشَّيَٰطِينِ (٣٧: ٦٥)
چنانست ٤١، گوای که ٨١، چنانستی ١٣٩

~: كَأَنَّهُۥ وَلِىٌّ حَمِيمٌ (٤١: ٣٤)
گواهی اوی ١، گویی که ٣، پندار که ٥٢

~: كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٌ صُفْرٌ (٧٧: ٣٣)
گویی ٦، چنانکه چون ٣٩

★ كَأَنَّهَا: كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ (۲۴:۳۵)
همچون ۲، گوئیا ۵۱، چنانستی ۵۶، گوئیی ٦٤، گویی چون ۹۲، پنداری ۹٦، چنانست که گویی ۹۹، گویی پنداری ۱۰۵

~: وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ (۲۷:۱۰)
هم چنان که ٢٤

~: وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ (۲۸:۳۱)
درست گفتی که آن ٤٦، گویا ۷٦، پنداشتی ۱۰۵

★ كَأَنَّهُمْ: كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲:۱۰۱)
گویی که ۲، گوئی ۳، چُنانستی که ٤، چُنانِکه ۱۰، چنانکه گویی پنداری ۲۹، چنانستی که ٤۳، گوئی ۵۲، چنانکه گویی که ٦۲، گوییا که ٦۳، چنان که ۹۰

~: كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ (٤٦:۳۵)
پنداری ۲، گوئیا ۵۱

~: تَنزِعُ ٱلنَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ (٥٤:۲۰)
چنانکه گفتی که ٢٤

~: كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُّسَنَّدَةٌ (٦۳:٤)
پنداری که ۲۹

★ كَأَنَّهُنَّ: كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ (۳۷:٤۹)
چنان پنداری ۳۰، گوُیی که ۸۱

~: كَأَنَّهُنَّ ٱلْيَاقُوتُ وَٱلْمَرْجَانُ (٥٥:٥٨)
گوییا ۵۲، گوی که ۸۱، درست گویی ۱۰۸

كَأَيِّنْ: وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَـٰتَلَ مَعَهُۥ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ (۳:۱٤٦)
چند ۱، چنْد ۲، ای بسیارا ۱۰، بسا ۲۷، بسا که ۲۹، چندان ۳۰، بسیارا ٤۰، چند بودند ۷٤، بسیار ۷٦، بسا ۱۰۰

~: وَكَأَيِّن مِّنْ ءَايَةٍ فِي ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۱۲:۱۰۵)
چندا ۳، چَندَا ۵۵، اِی بَسا ۷٦، بسیاری ۸۰، بس ۱۲۱، چنداست ۱۲٤، چندی ۱۲۹

~: فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَـٰهَا (۲۲:٤٥)
ای بسا ۹٦

~: وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَهَا (۲۲:٤۸)
چند ۳٤

~: وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٍ لَّا تَحْمِلُ (۲۹:٦۰)
بسی ۲۹، چندا ۳٤، چندند ۷٤

~: وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً (٤۷:۱۳)
چندا ٦، ای بسی ۵۲، چندین ۸۱، بسا ۱۳۲

~: وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِۦ (٦٥:۸)
چندا - بسا ۱۰۹، چه بسیار ۱۳٦

كَبَائِر: إِن تَجْتَنِبُوا۟ كَبَآئِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ (٤:۳۱)
گناهان بزرگ ۱۰۰، بزرگ گناهان ۱۲۸

★ كَبائِرَ الإثم: ٱلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَـٰٓئِرَ ٱلْإِثْمِ (٥۳:۳۲)
گناهان بزرگ ۳۹

كُبّارًا: وَمَكَرُوا۟ مَكْرًا كُبَّارًا (۷۱:۲۲)
بزرگ ۱، سخت بزرگ ۳، بزرگی ۷۹

كُبِتَ: كُبِتُوا۟ كَمَا كُبِتَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ (٥٨:٥)
نگوسار گردیدند ۲، خوار کرده شدند ۳، خوار و نگوسار گردانیدنی ۳۰، سرنگون شدند ۳٦، نگوسار کرده شدند ۳۹، نگوسار شدند ٤۳، خوار کردند ۵٦، نگوسار کردند ٦۱، خوار و رسوا کرده شدند ۷۹، بروی افتادند ۸۱، نگوسار کرد ۸۸، بنفرین شدند ۹٤، نگونسار کرده شدند ۱۰۰، خار شدند ۱۰٤، خوار و نگوسار گردانیدند ۱۰۸، نگوسار کرده شد ۱۰۹، خوار شدند ۱۱٤، نگونسار شدند ۱۲۲، خوار و نگونسار کرد ۱۲٤، نگونگسار کرده شدند ۱۳۱

كُبِّتْ: فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي ٱلنَّارِ (٢٧:٩٠)
سرتنگون کرده شهد[1] ١، نگوسار افکنند ٢، نگوسار کرده شود ٣، درو کنند ٢١، نگوسار کنند ٢٤، بیفکنند ٢٩، نگوسار گردانند ٣٠، نگوسار کند ٣٨، نگوسار گردد ٣٩، سرنگون در اندازند ٤١، برافکند ٤٦، نگونسار درافکنند ٤٧، درفتند شان ٥٢، سرنگون کرده شوند ٥٣، نگونسار کرده شود ٥٨، افکنده شود ٦٤، نگون کرده شود ٦٩، می کشند و می برند ٧٦، نگون انداخته شود ٧٨، انداخته شود ٧٩، افکنده شوند ٩٢، نکونسار افکند ٩٤، نیگوسار افکنند ٩٥، سرنگون د راندازند ایشانرا ١٠٠، در افتند ١٠٥، در افکنده شود ١٠٩، در انداخته شود ١١٣، نگونسار شد ١١٤، برو در افتاده شود ١٢١، سرنگون افتند ١٢٢، اندرافکند ١٣٩

كُبِتُوا: كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ (٥:٥٨)
نگوسار گرداند شان ٢، خوار کرده شوند ٣، بروی دارند ایشانرا ٢٩، خوار و نگوسار گردانند شان ٣٠، بروی افتادند ٣٨، نگوسار افتند ٣٩، زیان زده و نگونسار کنند شان ٤١، نگوسار کرده شوند ٤٣، خوار کنند ایشان را ٥٦، نگوسار کنند ٦١، خوار و نژند شدند ٦٤، رسوا و خوار کرده شوند ٦٧، خوار کرده ٧٨، خوار و رسوا کرده شدند ٧٩، سرنگون کرده شدند ٨٩، بنفرین شدند ٩٤، نگوسآر کرده شدند ١٠٠، خار باشند ١٠٤، سرنگون کرده شوند ١٠٦، خوار و نگونسار کرده شوند ١١١، رسوا کرده شوند ١١٣، خوار شدند ١١٤، نگونسار و خوار کرده شوند ١١٦، خوار شوند ١٢٠، نگونسار شوند ١٢٢، خوار کرده شدند ١٢٩، نگونگسار کنند شان ١٣١، خوار کند ایشانرا ١٣٩

كَبَدٍ: لَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ فِي كَبَدٍ (٤:٩٠)
رنج ١، سختی ٢، سختی و رنج ٣٦، رنج کشنده ٤١، سختی و دشخواری ٧٩، سختی و دشواری ٨٨، رنج کشیدن ١٠٤

كَبُرَ: وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ (٦:٣٥)
بزرگ آمده باشد ٣، همی بزرگ آید ١٠ مکرّر، همی بزرگ [آید] ٢٦، بزرگ می آید ٢٧، دشواری آید ٣٦، گران و بزرگ ٤٤، گران آید ١٠٤، گران شد ١٢٠، گران شده ١٣٠، گران باشد ١٣٣

~: إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُم مَّقَامِي وَتَذْكِيرِي بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ (١٠:٧١)
بزرگ و دشوار شد ٣٦، بزرگ شده بود ٥١، بزرگ و گران می آید ٥٨، باشد بزرگ ٦١، بزرگ باشد ٧٦، بزرگ شده باشد ١٠٣، بزرگ آمد و گران ١٠٩، گران گشته است ١٢٠، گرانست ١٢٦، گردید بزرگ ١٣٦

~: كَبُرَ مَقْتًا عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا (٤٠:٣٥)
بزرگ شد ١، بزرگست ٣، بزرگتر ٩٦

~: كَبُرَ عَلَى ٱلْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ (٤٢:١٣)
بزرگ آمد ١، بزرگ آید ٢٢، بزرگ نمود ٣٢، دشوار و گران آمده است ٦٤، بُزرگ شد ٨١، بزرگ و گران آمد ١٠٢، بزرگست و گران و دشوار ١٠٣، بزرگ آمد و گران و دشوار ١٠٩، دشوار و گرانست ١١٦، دشوار است ١٣٢، بزرگست و گران ١٣٨

~: كَبُرَ مَقْتًا عِندَ ٱللَّهِ أَن تَقُولُوا (٦١:٣)
بزرگ است ٢، بزرگ ٤٣، بزرگا ١٠٩، بزرگ منشی ١٣٤

★ كَانَ كَبُرَ: وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ (٦:٣٥)
بزرگ آمده باشد ٣٠

---

١. سرتنگون کرده شهد / سرنگون کرده شود.

~: إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُم مَّقَامِي (۷۱:۱۰)
باشد بزرگ ۳، بُزرگ و گران و دُشخوار مَی آید ۱۰، بزرگ می نماید ۳۰

کَبُرَ مَقْتًا: كَبُرَ مَقْتًا عِندَ ٱللَّهِ (۴۰:۳۵)
بزرگ دشمن داشتی ۶۱

~: كَبُرَ مَقْتًا عِندَ ٱللَّهِ (۶۱:۳)
بزرگ دشمنایگی است ۶۱

ٱلْكُبَرِ: إِنَّهَا لَإِحْدَى ٱلْكُبَرِ نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ (۷۴:۳۵)
بزرگیها ۱، کارهاءَ بزرگ ۲، بزرگ دشوار ۳، مهترین ۱۹، بزرگان ۳۹، دشوار بزرگ ۸۰، کارها[ی] بزرگ ۸۸، بزرگی ۹۲، بزرگ ۱۱۳، کارهای دشوارتر ۱۱۴، دشوار ۱۲۱، کارهای بزرگ ۱۳۶

ٱلْكِبَرُ: وَأَصَابَهُ ٱلْكِبَرُ (۲:۲۶۶)
پیریَ اوسستی ۱۰، بزرگ زادی ۳۹، پیری ۵۵، پیری ۶۳، پیری و کلانی ۹۲

~: وَقَدْ بَلَغَنِيَ ٱلْكِبَرُ وَٱمْرَأَتِي عَاقِرٌ (۳:۴۰)
بزرگ سالی ۳، پیری ۱۰، بزرگ سال ۳۰، پیر ۳۶، بُزرگی ۴۲، بُزُرگ سَالِی ۵۵، بزرگی زاد ۵۸، پیری و بزرگ ۱۲۸

~: ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى ٱلْكِبَرِ إِسْمَٰعِيلَ (۱۴:۳۹)
بُزرگی ۲، بزرگی سال ۴۹، بُزرگی سَالْ ۵۵، بزرگی - پیری ۸۳، سرپیری ۱۰۰

~: قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰٓ أَن مَّسَّنِيَ ٱلْكِبَرُ (۱۵:۵۴)
پیری ۱، بزرگی ۲، بُزرگی سَال ۵۵، پیری بزاد ۵۸، بزرگی و پیری ۷۹

~: إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ ٱلْكِبَرَ أَحَدُهُمَآ (۱۷:۲۳)
بزاد بُزرگ ۵۳، بزاد بزرگ ۱۲۴

~: وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ ٱلْكِبَرِ عِتِيًّا (۱۹:۸)
پیری ۲، بزرگی ۳۲، پیری و بزرگی ۴۴، زال بزرگ ۹۲، زاد بزرگ ۹۴، کارها بزرگ ۱۳۹

فَكَبِّرْ: يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنذِرْ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ (۷۴:۳)
بزرگ دار ۱، ببزرگی یاد کن ۳، به بزرگی یاد کن ۳۰، بزرگی یاد کن ۳۹، بزرگ دان ۹۶، بزرگه دار ۱۱۰، یاد کن ۱۳۹

كِبْرٌ: إِن فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ (۴۰:۵۶)
بُزرگ منشی ۲، بارنامه ۳، بزرگواری ۲۴، بزرگی ۲۹، بزرگی جستن ۳۸، بزرگ منشی ۶۴، بارنامگی ۹۱، سرکشی ۱۱۱، گردن کشی ۱۲۴

كُبَرَاءَ نَا: رَبَّنَآ إِنَّآ أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا (۳۳:۶۷)
بزرگان ۱، بزرگان و پیشوایان ۱۰۳، بزرگترین ۱۱۴، مهتران ۱۳۴

كَبُرَتْ: كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ (۱۸:۵)
بزرگ شد ۱، بزرگشت ۲، نیک بزرگ گشت ۳، بزرگ است ۲۴، بزرگا ۴۱، نیک بُزرگست ۵۵، بزرگان ۵۹، بزرگ ۷۶، نیک بزرگ است ۸۰، بزرگست ۹۶

★ كَبُرَتْ كَلِمَةً: كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ (۱۸:۵)
بزرگ سخنیست ۴۲، بزرگا سخنا ۱۰۹

كِبْرَهُ: وَٱلَّذِي تَوَلَّىٰ كِبْرَهُۥ مِنْهُمْ لَهُۥ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۲۴:۱۱)
گویشتن[۱] ۱، بیشتر ۲۹، بزرگ ۳۶، بزرگترین ۴۷، بزرگی ۵۶، گناه ۷۶، بزرگتر ۹۲

كَبِّرْهُ: وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ وَلِيٌّ مِّنَ ٱلذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًۢا (۱۷:۱۱۱)
بزرگ دار ۱، بُزرگ دارْ ۲، ببزرگی یاد کن ۳، بزرگ داری ۲۴، بَبُزرگی یاد کن ۵۵، بزرگ

۱. گویشتن: بزرگ کردن.

دان ۶۱، بزرگوار دار ۷۶، بزرگ یاد کن ۹۳، به بزرگی یاد کن ۱۰۶

اَلْکُبْرَیٰ: لِنُرِیَکَ مِنْ ءَایَٰتِنَا ٱلْکُبْرَیٰ (۲۳:۲۰)
بُزرگترین ۲، بزرگ تر ۲۹، بزرگ ترین ۵۶، بزرگترها ۹۱

~: یَوْمَ نَبْطِشُ ٱلْبَطْشَةَ ٱلْکُبْرَیٰٓ إِنَّا مُنتَقِمُونَ (۱۶:۴۴)
مهتر ۱، سخترین ۲، بزرگ ۳۹

~: لَقَدْ رَأَیٰ مِنْ ءَایَٰتِ رَبِّهِ ٱلْکُبْرَیٰٓ (۱۸:۵۳)
بزرگتر ۲، بزرگوارترین ۸۱

~: فَأَرَیٰهُ ٱلْءَایَةَ ٱلْکُبْرَیٰ (۲۰:۷۹)
بُزرگ ترین ۲، بزرگتر ۱۲۰

~: فَإِذَا جَآءَتِ ٱلطَّآمَّةُ ٱلْکُبْرَیٰ (۳۴:۷۹)
بزرگترین ۲۴، مهین ۳۹

اَلْکِبْرِیَاءُ: وَتَکُونَ لَکُمَا ٱلْکِبْرِیَآءُ فِی ٱلْأَرْضِ (۷۸:۱۰)
پادشاهی ۳، پادشاهی ۵۵، بزرگی و پادشاهی ۱۱۶، پادشهی ۱۳۰

~: وَلَهُ ٱلْکِبْرِیَآءُ فِی ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۳۷:۴۵)
بزرگواری ۱، بزرگی ۲، بُزرگواری ۲۲، بزرگوآری ۱۰۰، بزرگ داری و بزرگ ۱۰۸، بزگواری[1] ۱۱۳، بزرگیها ۱۲۱

فَکُبْکِبُوا: فَکُبْکِبُوا۟ فِیهَا هُمْ وَٱلْغَاوُۥنَ (۹۴:۲۶)
سرتنگون کرده شند[2] ۱، سَرنگونشان کنند ۲، نگوسار کرده شوند ۳، اندرافکندشان ۲۴، بروبیفکندندشان ۲۹، بروی اندرافکنندشان ۳۰، نگوسار افکنده شوند ۳۶، سرنگون در اندازندشان ۴۱، نگوسار شدند ۴۳، برروی افکندشان ۴۶، نگونسار در افکنید ایشانرا ۴۷، بروی درافکندند ۵۲، اندرافکند سرنگون ۵۳، بروی اندرافکندشان ۶۱، نگوسار افکنده شدند ۶۴، نگونسار درروی افکند شدند ۷۲، دراندازند ۷۶، بروی در انداخته شوند ۷۹، بروی افکنده شوند ۸۶، نگونسار کرده شود ۸۷، سرنگون کرده شوند ۸۹، نکوشان کردشوند ۹۱، سرنگون در اندازند ۱۰۰، بروی افکنده شوید ۱۰۴، سرنگو کرده شوند ۱۰۶، گِرد کرده شدند ۱۰۹، بروی درافکنده شوند ۱۱۱، نگونسار شدند ۱۱۴، نگونسار انداخته شوند ۱۲۱، بروی افکنند ۱۲۴، بیرون افکند ایشان ۱۲۸، نگونسار افکنده شوند ۱۳۲، نگونسار در افتند ۱۳۶، در روی افکنده شوند ۱۳۹

کَبِیرًا: وَلَا تَسْـَٔمُوٓا۟ أَن تَکْتُبُوهُ صَغِیرًا أَوْ کَبِیرًا (۲۸۲:۲)
بزرگ ۲، مِهتَر ۱۳۸

~: إِنَّهُۥ کَانَ حُوبًا کَبِیرًا (۲:۴)
سخت ۱۲۵

~: إِنَّ ٱللَّهَ کَانَ عَلِیًّا کَبِیرًا (۳۴:۴)
بزرگ ۱، بزرگ تر ۱۰، بزرگوار ۲۴، برتر ۲۹، نیکوکار ۳۴، بزرگتر ۴۰، بزرگوآر ۱۰۰، فواز[3] و بزرگ ۱۰۷

~: إِنَّ لَهُۥٓ أَبًا شَیْخًا کَبِیرًا (۷۸:۱۲)
بُزرگ ۲، پیر ۲۹، بزرگ شده ۶۲، پیر ۷۶

~: إِنَّ قَتْلَهُمْ کَانَ خِطْـًٔا کَبِیرًا (۳۱:۱۷)
بزرگ ۹۳

~: سُبْحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَیٰ عَمَّا یَقُولُونَ عُلُوًّا کَبِیرًا (۴۳:۱۷)
بسیار بزرگ ۱۳۶

---

۱. اگر سهو کاتب نباشد، می توان «بزگواری» را تلفظی محلّی از بزرگواری دانست.
۲. سرتنگون کرده شند: سرنگون کرده شوند.
۳. آیا محرّف «فراز» است؟

~: فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا (۵۸:۲۱)
مهتر ۱، مهترین ۱۲، مهین ۲۴، مِهْتَر ۵۳

~: وَجَاهِدْهُم بِهِۦ جِهَادًا كَبِيرًا (۵۲:۲۵)
بزرگ و سخت ۱۱۱

~: وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا (۴۷:۳۳)
بسیار ۲۴

~: وَٱلْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا (۶۸:۳۳)
بسیار و بزرگ ۵۸

کَبِیرٌ: قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ (۲۱۷:۲)
بُزرگ ۲

~: قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ (۲۱۹:۲)
بسیار ۷۵

~: تَكُن فِتْنَةٌ فِى ٱلْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ (۷۳:۸)
بُزرگ ۶۲

~: عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلْكَبِيرُ ٱلْمُتَعَالِ (۹:۱۳)
بزرگوار ۱، بزرگ ۲، بزرگوآر ۱۰۰

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْكَبِيرُ (۶۲:۲۲)
بزرگتر ۲، بزرگ وار ۹۱، برتر و بزرگوارتر ۱۱۱

~: وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ (۲۳:۲۸)
سخت پیر ۴۷، بزرگ سال ۸۶، بزرگ ـ بزار بر آمده ۱۰۹

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْكَبِيرُ (۳۰:۳۱)
بُزرگ تَرْ ۲

~: قَالُوا۟ ٱلْحَقَّ وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْكَبِيرُ (۲۳:۳۴)
بزرگ تر ۳۰، بزرگوار تر ۴۷

~: لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۷:۳۵)
بزرگوا ۹۶

~: فَٱلْحُكْمُ لِلَّهِ ٱلْعَلِىِّ ٱلْكَبِيرِ (۱۲:۴۰)
بزرگترین ۲، بزرگ ترین ۳۰

~: ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَضْلُ ٱلْكَبِيرُ (۲۲:۴۲)
بزرگ ۱، بزرگه ۱۱۰

~: وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌ (۵۳:۵۴)
بزرگی ۴۹

~: ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْكَبِيرُ (۱۱:۸۵)
بسیار بزرگ ۱۳۶

کَبِیرَةٌ: وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلْخَٰشِعِينَ (۴۵:۲)
گران و دُشخوار ۱۰، گران ۲۴، سَخت ۴۲، بُزرگ ۵۵، بزرگ تر ۸۲، بزرگ، گران ۱۰۱، بزرگ آید و گران آید ۱۰۲، سخت ۱۰۵، گران ـ دشوار ۱۰۹، گران و دشوار ۱۱۶، بسیار گران ۱۲۲، بسیار بزرگ ۱۳۶

~: وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُ (۱۴۳:۲)
بزرگ و گران ۲، سخت بزرگ و دُشخوار ۱۰، دشوار ۳۶، دشخوار کار ۴۰، بزرگ و گران ۴۲، بزرگتر ۹۴، گران و بزرگ ۱۰۱

~: وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً (۱۲۱:۹)
بزرگ ۱، بزرگ ۲، بزرگ و بسیار ۵۸، بزرگ ۱۲۶

~: لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَىٰهَا (۴۹:۱۸)
بُزرگ ۲، گناه بزرگ ۴۳، گناه بُزرگ ۵۵

لَکَبِیرُکُمْ: إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِى عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحْرَ (۷۱:۲۰)
بُزرگ ۲، مِهْتَر ۵۳، استاد ۶۷، بزرگ ۱۰۸

~: إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِى عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحْرَ (۴۹:۲۶)
مهتر ۱، بزرگ ۲۹، بزرگترین ۳۹، مهین ۴۷، بزرگوارتر ۹۴

کَبِیرُهُمْ: قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ أَبَاكُمْ (۸۰:۱۲)
مهتر ۱، پیر ۲، بزرگ ۵، میهین ترین ۷ مکرر،

بزرگترین ۲۴، مهتر ۵۳، بزرگتر ۵۶، مِهتر ۷۶، مهین ۱۰۲

~: قَالَ بَلْ فَعَلَهُۥ كَبِيرُهُمْ (۲۱:۶۳)
مهترین ۱۲، کلان ۸۰

ٱلْكِتَابِ ~ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ ٱلْكِتَٰبَ (۲:۴۴)
نامه ۵۵

~: وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ ٱلْكِتَٰبَ (۲:۷۸)
نامه یا نوشتن ۳، نَبِشته ۱۰

~: وَأَنزَلَ مَعَهُمُ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ (۲:۲۱۳)
نامها ۶۴

~: وَيُعَلِّمُهُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (۳:۴۸)
نبشتن ۱۰، نبشتن و خواندن ۴۰، نوشتن خواندن ۷۵

~: إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ كِتَٰبَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ (۴:۲۴)
فرمان ۹۰

~: أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ نَصِيبًا مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ (۴:۴۴)
دانش ۱۰۴

~: وَأَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (۴:۱۱۳)
نبی ۵۲

~: وَأَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ (۵:۴۸)
نامه ـ نبی ۸۸

~: وَإِذْ عَلَّمْتُكَ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ (۵:۱۱۰)
نامه ۲

~: لَوْ أَنَّآ أُنزِلَ عَلَيْنَا ٱلْكِتَٰبُ لَكُنَّآ أَهْدَىٰ مِنْهُمْ (۶:۱۵۷)
نامه آسمانی ۱۰۴

~: أُو۟لَٰٓئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُم مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ (۷:۳۷)
نبشته ۲

~: لَّوْلَا كِتَٰبٌ مِّنَ ٱللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ (۸:۶۸)
نبشته ۶۲

~: لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ (۱۳:۳۸)
نوشته ۳

~: وَيُثْبِتُ وَعِندَهُۥٓ أُمُّ ٱلْكِتَٰبِ (۱۳:۳۹)
نامهٔ نوشته ۱۰۹

~: وَوُضِعَ ٱلْكِتَٰبُ فَتَرَى ٱلْمُجْرِمِينَ (۱۸:۴۹)
نامها ۴۴

~: وَٱلَّذِينَ يَبْتَغُونَ ٱلْكِتَٰبَ (۲۴:۳۳)
وازفرختن ۱، خویشتن باز خریدن ۲، خویشتن باز خریدن ۲۹، خود را باز خرند ۷۶، باز خریدن ۸۶، افروخت ۱۰۹

~: وَمَا مِنْ غَآئِبَةٍ فِى ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ مُّبِينٍ (۲۷:۷۵)
نوشته و نامه ۷۶

~: وَجَعَلْنَا فِى ذُرِّيَّتِهِ ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلْكِتَٰبَ (۲۹:۲۷)
نامهٔ نبشته ۱۰۹

~: مَا كُنتَ تَدْرِى مَا ٱلْكِتَٰبُ وَلَا ٱلْإِيمَٰنُ (۴۲:۵۲)
نامه ۳۲

~: وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْمِيزَانَ (۵۷:۲۵)
نبی ۳۹

~: أَمْ لَكُمْ كِتَٰبٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۶۸:۳۷)
نامه نبشته ۸۰، نوشتهٔ نازک شده ۱۰۳

~: كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلْفُجَّارِ لَفِى سِجِّينٍ (۸۳:۷)
نامه اعمال ۷۹

~: وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا سِجِّينٌ كِتَٰبٌ مَّرْقُومٌ (۸۳:۹)
دیوان ۱۰۴

★ أَهْلَ ٱلْكِتَابِ: قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَآءٍۭ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ (۳:۶۴)

ترسايان ۷۵

~: يَـٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَـٰبِ لِمَ تُحَآجُّونَ فِىٓ إِبْرَٰهِيمَ (۳: ٦٥)
جهودان و ترسايان ٥٨

~: قُلْ يَـٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَـٰبِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ (۳: ۹۹)
جهودان ۱۰

~: يَسْـَٔلُكَ أَهْلُ ٱلْكِتَـٰبِ أَن تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَـٰبًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ (٤: ١٥٣)
ترسايان ۷۵، جهودان و ترسايان ۱۰۳

★ لَوْلاَ كِتَابٌ: لَّوْلَا كِتَـٰبٌ مِّنَ ٱللَّهِ سَبَقَ (۸: ٦٨)
اگرنه نبشته بودی ۳۸

كِتَابًا: وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ كِتَـٰبًا (۳: ١٤٥)
نوشتن ۳، نُبشتَه ٤٢، نَبِشْتَن ٥٥، نبشته شده ۹۰، نبشت ۹۷، نویشته ۱۰۵

~: إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ كِتَـٰبًا مَّوْقُوتًا (٤: ١٠٣)
نوشته ٣٤

~: وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَـٰبًا فِى قِرْطَاسٍ (٦: ٧)
نامه ۲

~: وَنُخْرِجُ لَهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ كِتَـٰبًا يَلْقَىٰهُ مَنشُورًا (١٧: ١٣)
نامَهْ ٥٣

~: وَكُلَّ شَىْءٍ أَحْصَيْنَـٰهُ كِتَـٰبًا (٧٨: ٢٩)
نبشته ۲، نبشتن ١١٤

كِتَابَكَ: ٱقْرَأْ كِتَـٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ ٱلْيَوْمَ (١٧: ١٤)
نَامَه ٥٥، نامه ٥٦، كردار ٥٨

كِتَابُنَا: هَـٰذَا كِتَـٰبُنَا يَنطِقُ عَلَيْكُم بِٱلْحَقِّ (٤٥: ٢٩)
نامه. نبشته ٦٤، نامه ۱۰۲، نوشته ۱۱۳

كِتَابَهُ: فَمَنْ أُوتِىَ كِتَـٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ (١٧: ٧١)
نامه ۱، نامه کرد ۱۱۱

~: فَأَمَّا مَنْ أُوتِىَ كِتَـٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ فَيَقُولُ (٦٩: ١٩)
نوشته ۱۰۳

كِتَابِهَا: كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰٓ إِلَىٰ كِتَـٰبِهَا ٱلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ (٤٥: ٢٨)
نامَه ۳۲، نبشته ۸۷، نامه ۱۰۰، نامها ۱۱۳

كِتَابِي: ٱذْهَب بِّكِتَـٰبِى هَـٰذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ (٢٧: ٢٨)
نامه ٣٦، نامَهْ ٥٣، نوشته ۱۳۰، نامه ۱۳۸

كِتَابِيَهْ: فَيَقُولُ هَآؤُمُ ٱقْرَءُوا۟ كِتَـٰبِيَهْ (٦٩: ١٩)
نامه ٤١

كَتَبَ: وَٱبْتَغُوا۟ مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمْ (٢: ١٨٧)
نوشت ۳

~: ٱلَّتِى كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمْ (٥: ٢١)
فرمودست ٢٤، نبشته است ۲۹، بفرمود ۳۷، پیدا کرد ٥٨، نویسد ۹۲، بنوشت ۱۲۸

~: كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ ٱلرَّحْمَةَ (٦: ١٢)
ویجب کرد ۱، نَبشتْ ۲

~: كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ ٱلرَّحْمَةَ (٦: ٥٤)
پذیرفت ٥٨

~: قُل لَّن يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَنَا (٩: ٥١)
نبشت ۳، بنوشت ۲۹، نبشتست ٤٩، نوشته باشد ۹۳، نوشته است ٩٦

~: أُو۟لَـٰٓئِكَ كَتَبَ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلْإِيمَـٰنَ (٥٨: ٢٢)
باستانید[1] ۱، بنوشتست ٦٤، نوشت ـ استوار کرد ۱۰۹

~: وَلَوْلَآ أَن كَتَبَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمُ ٱلْجَلَآءَ (٥٩: ٣)
نبشتی ۸۱، نوشته بودی ۱۰۰

كُتِبَ: كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِصَاصُ فِى ٱلْقَتْلَى (٢: ١٧٨)

۱. باستانید: نوشت، ثابت گردانید.

نبشته شد ۲۹، نبشتند ۴۰

~: كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ (۲: ۱۸۰)
نبشته شده ۱۱۰

~: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ (۲: ۱۸۳)
نِبشتَه شد ۲، نبشته شود ۴۲، نبشته شود ۵۲، نوشته کرده شد ۷۵، نبشته است ۱۰۵، نوشته شده ۱۲۹

~: كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَكُمْ (۲: ۲۱۶)
نوشته است ۶۳

~: إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ (۲: ۲۴۶)
نوشته شد ۳، نبیسند ، نبشتند ۴۲، نبشته ۴۳، ببیسند ۵۷، نوشته شود ۶۳، بنویسد ۶۴، نبیسند ۷۶، نویشتند ۱۰۵

~: لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ (۳: ۱۵۴)
نبشته شد ۲، نبشته بودند ۲۳، نوشتند ۲۴، نبشته بودند ۲۹، نبشتَه شد ۴۲، نبشته بود ۵۳، نوشته‌اند ۱۰۴، نویشته شد ۱۰۵

~: فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ (۴: ۷۷)
ویجب کرده شد[1] ۱، برنویسند ۳۴، برنبشتند ۶۲

~: النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ (۴: ۱۲۷)
ویجب کرده شد[1] ۱، نوشته باشد ۶۳، نویشته شود ۱۰۵، نوشته آمده است ۱۲۸

~: إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ (۹: ۱۲۰)
ویجب کرده شهد ۱، نبشتَه شود ۲، بنوشتند ۲۹، وانویسند ۹۵، نوشته شده است ۱۲۸

~: وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ (۹: ۱۲۱)
نبشته‌اند ۱۳، نبشته شدست ۹۴

~: كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ (۲۲: ۴)
بنبشته شود ۲، نبشته آمد ۱۲، نوشت ند ۲۴، نبشته آمَدَه است ۵۳، نبشته شده است ۶۴، نبشتن بروی ۱۰۵

كُتُبٌ: يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ (۲۱: ۱۰۴)
نامه ۱، نبشتن ۱۲، نامها ۲۹، برنامه ۴۱، نوشتن ۵۳، نوشته ۵۸

~: وَمَا آتَيْنَاهُم مِّن كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا (۳۴: ۴۴)
نامه ۳۰

~: يَتْلُوا صُحُفًا مُطَهَّرَةً فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ (۹۸: ۳)
نبشته ۳۴، نبشتها ۴۸، نوشتها ۱۱۴، نوشته‌ها ۱۲۰، آخر کامها ۱۳۹

★ كُتُبٌ قَيِّمَةٌ: فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ (۹۸: ۳)
کراسهاء پیشینیان ۹۱

كَتَبَتْ: فَوَيْلٌ لَهُم مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ (۲: ۷۹)
نبشت ۲، بنبشت ۴، نَبشت ۱۰، نوشته ۲۵، همی نبشت ۳۴، نُبِشت ۴۲، نِبشت ۵۵، نبشتند ۵۷، بنوشت ۶۳، بِنِبشت ۹۴، نوشت ۹۸، به نوشت ۱۲۴

كَتَبْتَ: وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ (۴: ۷۷)
نبشتی ۲، نوشتی ۳، نبشتی تو ۲۷، نبشتی ۲۹، بنویشتی ۹۶، نوشتی تو ۱۲۴

★ لِمَ كَتَبْتَ: رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ (۴: ۷۷)
چرا نبشتی ۵۲

كَتَبْنَا: وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ (۴: ۶۶)
ویجب کردی ۱، بنویسیم ما ۶۱، ما نوشتیم ۱۲۴

~: مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۵: ۳۲)
ویجب کردیم ۱، بنبشتیم ۲، نوشتیم ۳، نبشتم ۷۵، نوشتیم ما ۱۰۰، نویشتیم ۱۰۵

---

۱. ویجب کرده شد / واجب کرده شد.

~: وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ (٥: ٤٥)
نبشته بوديم ۲۹، نوشتيم ما ۳۷، نبشتيم ما ٥۷

~: وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ (۷: ۱٤٥)
بنويشتيم ۱، نبشتيم ۳، بنوشتيم ۱۰، بنوشتيم ما ۲۹، ما بنوشتيم ٦٤

~: وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ (۲۱: ۱۰٥)
ما بنبشتيم ۲، بنبشتيم ۱۲، نبشته‌ايم ٦۲، بنوشته‌ايم ما ٦٤

★ لَوْ أَنَّا كَتَبْنَا: وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ (٤: ٦٦)
بنبشتيمی ۲، بنوشتيمی ۲۷، نويسيمی ۳۰، نوشتمانی ٤۰، بنبشتيمی ٤٥، نبشتيمی ٥٦، نبشتمی ٥۷، نوشتمانيم ما ۸۹، باز نوشتمانی ۱۰۰، نبشتيمانی ۱۰٤، نوشتمانيم ۱۳۸

كَتَبْنَاهَا: مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ (٥۷: ۲۷)
نبشتيم ۲، نوشتيم ۳، نبشتيم ما ۹۹، فرموديم ۱۲٥

★ مَا كَتَبْنَاهَا: مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ (٥۷: ۲۷)
ويجب نكرديم ۱، ما ننوشته بوديم ٦٤، ما ننوشتيم ۸۱، ننوشتيم ما هرگز ۱۰۰

كُتُبِهِ: كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ (۲: ۲۸٥)
نامها ٥٥

~: وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ (٤: ۱۳٦)
نامها ۲، نامهاء ۳، نوشتها ۷٥، نامَها ۸۲

كَتَمَ: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً (۲: ۱٤۰)
پنهان كند ۲، پنهان كند ۱۰، پنهان كرد ۲٤، بپوشيد ۲٥، پوشد ۳۰، بپوشد ۳٦، پنهان كُند ٤۲، پوشيده داشت ٤۹، پنهان كردند ٥۳، بپوشاند ٥۷، باز پوشانيد ٦۳، نهانی داشت ۸٤، باز پوشاند ۹٥، نهان داشت ۱۰٤، نهانی داشت ۱۰۷، پوشيد ۱۰۹، پوشانيد ۱۱٤، به پوشد ۱۳۰

كَثُرَ: مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا (٤: ۷)
فراوان شد ۱، بسْيار باشد ۲، بسيار شد ۳، بسياری بود ۱۰، بسيار ۲۳، بيش شد ۲۷، بَسْيار بَاشَدْ ٥۳، بسيار باشد ٥٦، بيشتر شد ٦۱، بيشتر ۱۰۰، بسيار بود ۱۰۲، بيشتر است ۱۰٤، زياد باشد ۱۱۱

كَثُرَتْ: وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ (۸: ۱۹)
فراوان شهد ۱، بسيار بوند ۳، بسيار باشند ۱۰، بسيار باشد ۲۷، بسيار شوند ۲۹، بر شود ۳٥، بسيار شود ۳۹، بسيار بود ٤۲، بسيار آيد ٥٦، بسيار بودند ۱۰٤

كَثْرَةُ: وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ (٥: ۱۰۰)
فروانی ۱، بشْياری ۲، بسياری ۹، فراوانی ۳۷، بِسياری ٤۲، بسيار ۹۲، بسياری ۱۰۰

كَثْرَتُكُمْ: إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ (۹: ۲٥)
بسيَاری ۱۰، بسياری و انبوهی ۳۹، بسيّاری ٤۲، بِسْياری ٥٥، بِسيَاری ٦۲، بسياری ۱۰۰، بسياری ـ انبوهی ۱۰۹

كَثَّرَكُمْ: وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ (۷: ۸٦)
فراوان كرد ۱، بِسْيار گردانيد ۲، بسيار كرد ۳، بسيار بكرد ۱۰، بسيار گردانيد ۳٦، بسيَارْ كردْ ٥٥، بسيار گردانيد ۱۰۰، بَسيار گردَانيد ۱٤۰

كَثِيبًا: وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا (۷۳: ۱٤)
ريگ ۱، ريگ توده ۲، خاک ۲٤، پشتها ۲۹، توده ريک ۳٦، توده ريگ ٤۱، تودهٔ ريگ ۷۹، توده ۹۰، توده ی ريگ ۱۰٥، تلهای ريک ۱۱۱، تلهای ريگ ۱۲۰، ريگ ريزان ۱۲٤، تلها ۱۳۰، تلهاء ريک ۱۳۷، كودهٔ ريگ ۱۳۸

★ كَثِيبًا مَهِيلًا: وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا (۷۳: ۱٤)
ريگی روان ۱

كَثِيرًا: يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا (۲: ۲٦)
بسيار ٤، بِسيّار ٥٥

~: فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا (۲: ۲۶۹)
بَسیار ۹٤

~: وَٱذْكُر رَّبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِٱلْعَشِيِّ (۳: ٤۱)
زیاد ۱۲۱

~: وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشْرَكُوٓا۟ أَذًى كَثِيرًا (۳: ۱۸٦)
فراوان ۱، بِسْیار ۲

~: لَوَجَدُوا۟ فِيهِ ٱخْتِلَٰفًا كَثِيرًا (٤: ۸۲)
بَسْیار ۵۳

~: وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ كَثِيرًا (٤: ۱٦۰)
فروان ۱

~: يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا (۵: ۱۵)
فروانی ۱، بسیارترین ۱۲۸

~: ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم بَعْدَ ذَٰلِكَ (۵: ۳۲)
بَسْیار ۵۳

~: وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ (۵: ٦٤)
بیشترین ۲٤

~: وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَٰسِقُونَ (۵: ۸۱)
بیشتر ۵۳

~: وَٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ كَثِيرًا (۸: ٤۵)
بَسْیار ۵۳

~: وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلنَّاسِ عَنْ ءَايَٰتِنَا لَغَٰفِلُونَ (۱۰: ۹۲)
بسیاری ۵۳

~: وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا (۲۰: ۳٤)
بی شمار ۱۰۳

~: وَٱدْعُوا۟ ثُبُورًا كَثِيرًا (۲۵: ۱٤)
بِسْیار ۵۱

~: وَنُسْقِيَهُۥ مِمَّا خَلَقْنَآ أَنْعَٰمًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا (۲۵: ٤۹)
مهتر ٤٦

~: وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرًا (۳۳: ۳۵)
فروان ۱

~: وَقَدْ أَضَلُّوا۟ كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا ضَلَٰلًا (۷۱: ۲٤)
بسیاران ۹۰

کَثیر: وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ (۲: ۱۰۹)
بسیار ۲، بِسْیار ۵۵

~: وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَٰتَلَ مَعَهُۥ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ (۳: ۱٤٦)
فراوان ۱، بِسْیار ۲، انبوه ۱۲۲

~: وَيَعْفُوا۟ عَن كَثِيرٍ (۵: ۱۵)
بیشترین ۱۰ مکرّر، بیشتر ۲۷

~: وَٱلشَّجَرُ وَٱلدَّوَآبُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ ٱلنَّاسِ (۲۲: ۱۸)
بِسْیار ۲

~: فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا۟ عَن كَثِيرٍ (٤۲: ۳۰)
بسیار ۳۲، بسیار ۱۰۰

~: وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَٰسِقُونَ (۵۷: ۱٦)
فراوانی ۱

کَثیرَة: فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥٓ أَضْعَافًا كَثِيرَةً (۲: ۲٤۵)
فراوان ۱، بسیارترین ٤۰

~: كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً (۲: ۲٤۹)
فروان ۱، بِسْیار ۲، بسیار ۳، انبوه ۳٦، بَسیار ۵۷

~: لَقَدْ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ فِى مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ (۹: ۲۵)
فراوانی ۱، بِسْیار ۵۵، بسیار ۱۰۰

~: لَكُمْ فِيهَا فَوَٰكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۲۳: ۱۹)
بِسْیار ۲، بَسْیار ۵۳، بسیآر ۱۰۰

کِدتَ: لَقَدْ كِدتَّ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ (۱۷: ۷٤)
خُواسْتی ۲، نزدیک آوردی ۳، توخواستی ۲۹، نزدیک بود ۳٦، نزدیک بودی ٤۲، نزدیک بُودَیی ۵۵، نزدیک شدی ۵۷، نزدیک آمدی ۵۸،

نزدیک بودی تو ۷۹، خواستتی ۱۱٤

~: قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ (۵٦:۳۷)
کامستی ۱، خواستی ۳، بخواستی ۳۰، خواستی تو ٦۱، تو خواهی ۸۱، تو نزدیک بودی ۱۲۳

کَدْحًا: إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَٰقِيهِ (٦:۸٤)
کاری ۱، کار کردن ۲، رنج بردن ۲۹، باز گرفتن ۳۰، باز آمدن ۳۹، کوشیدن ۱۰۲، رنج ۱۲٦، رنج کشیده ۱۳٦

كِدْنَا: كَذَٰلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ (۷٦:۱۲)
بساختیم ۲، ساختیم ۵، می خواستیم ۷ مکرر، دستان کردیم ما ۲۹، بسگالیدیم ٤۱، خواستیم ۵۳، سگالش کردیم ما ۵٦، ساخته‌ایم ۵۸، سگالیدیم ما ٦۱، ساختیم ما ٦۳، خواستیم ۷٦، برساختیم ۱۰۹، چاره کردیم ۱۲۲، شناختیم ۱۲۸

كَذَّابٌ: وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَٰذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (٤:۳۸)
دروزن ۱، دُروغ زن ۲، دروغگو ۳، دُروغ زنْ ۲۲، دروغ زن ۲٤، دروغ گوینده ۸۷، دروغ گو ۹۱، بسیار دروغ گوی ۱۰۰، بسیار دروغگو ۱۲۲

~: إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (۲٤:٤۰)
دروزن گفت ۱، دروغ گوینده ۸۷، بسیار دروغ گوی ۱۰۰، دروغ آورنده ۱۲۱، دروغ زنان ۱۳۸

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ (۲۸:٤۰)
دروغ گوید ۱۳٦

~: أَءُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ (۲۵:۵٤)
دروغ گوی ۲٤، دروغ زن تر ۳۹، سخت دروغ گوی ٤۱، دروغ دارنده ۹۹

~: سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَّنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُ (۲٦:۵٤)
نیک دروغگوی ۳

كِذَّابًا: وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا (۲۸:۷۸)
بدرُوغ داشتن ۲، دروغ زن داشتن ۳، دروغ داشتن ۲۹، دروغ گوی داشتن ۹۱، بدروغ داشتن ۱۰۰، بدوغ دانستن ۱۱۳

~: لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا (۳۵:۷۸)
دروغ ۱، دروغ گفتن، بدروغ داشتن ۲٤

كَذَبَ: فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ (۳۲:۳۹)
دروغ گفت ۱، دروغگوی گفت ۳، دروغ گوید ٦۱

★ مَا كَذَبَ: مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ (۱۱:۵۳)
دروغ نگفت ۱، بدروغ نداشت ۸۱، نادانسته نبود ۹٦

الْكَذِبَ: انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ (۵۰:٤)
دروغ گفتن ۲٤

~: وَلَٰكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ (۱۰۳:۵)
دروغ زن ۹۲

~: وَجَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ (۱۸:۱۲)
دُروغ ۵۳، دروغین ۸۰، دروغ آلود ۹۰

~: وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ (٦۲:۱٦)
دُروغ ۲

~: إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۵:۱٦)
دروغ ۱

كَذَّبَ: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ (۲۱:٦)
دروغگوی داشت ۳، دروغ زن شود ۹، دروغ داشتند ۱۰ مکرر، دروغ زن گفت ۲٦، بدروغ دارد ۲۷، دروغ زن دارد ٤۱، دروغ انگارد ۱۲۷!

~: وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ (٦٦:٦)

بدُروغ داشتند ۲

~: كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ (۶:۱۴۸)
دروزن گرفتند ۱، بدروغزن داشتند ۱۰، دروغ گفتند ۲۹

~: فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِـَٔايَـٰتِ ٱللَّهِ (۶:۱۵۷)
دروغ دارد ۲۷، دروغ زن کرد ۵۶، دروغ داراد ۱۲۸

~: فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِـَٔايَـٰتِهِۦٓ (۷:۳۷)
بدروغ گیرد ۴۵، دروغ کند ۱۳۶

~: فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِـَٔايَـٰتِهِۦٓ (۱۰:۱۷)
دروغ زن دارند ۹۱

~: كَذَٰلِكَ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ (۱۰:۳۹)
دروغ زن گرفتند ۵۸

~: وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَـٰبُ ٱلْحِجْرِ ٱلْمُرْسَلِينَ (۱۵:۸۰)
دروغ زن داشتند ۳

~: إِلَّآ أَن كَذَّبَ بِهَا ٱلْأَوَّلُونَ (۱۷:۵۹)
بدُروغ داشتند ۲

~: أَنَّ ٱلْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۲۰:۴۸)
دروزن گرفت ۱، بدروغ دارد ۲، دروغ گوید ۷۶، بدروغ گوی دآرد ۹۴، دروغ انگاشت ۱۲۲

~: وَلَقَدْ أَرَيْنَـٰهُ ءَايَـٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ (۲۰:۵۶)
بدرُوغ داشت ۲، دروغ داشت ۴۱

~: وَأَعْتَدْنَا لِمَن كَذَّبَ بِٱلسَّاعَةِ سَعِيرًا (۲۵:۱۱)
دروغ زن گرفت ۵۸، دروغ دانست ۸۶

~: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِٱلْحَقِّ (۲۹:۶۸)
دروغ زن کند ۵۶، دروغ انگاشته ۱۲۲

~: فَقَدْ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ (۳۵:۲۵)
دروغ زن کردند ۵۶

~: إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ (۳۸:۱۴)
دروغداشتند ۱۱۴

~: كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ (۳۹:۲۵)
دروغ زن گردند ۳۳، بدروغ گرفتند ۳۸، باورنداشتند ۱۳۲

~: فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى ٱللَّهِ وَكَذَّبَ بِٱلصِّدْقِ (۳۹:۳۲)
دروغ زن داشت ۳، دروغ گفت ۱۵، بدروغ گرفت ۳۸، دروغ گو داشت ۹۹، دروغ شمرد ۱۰۳

~: كُلٌّ كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ (۵۰:۱۴)
بدروغ داشتند ۶

~: فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ وَلَـٰكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۷۵:۳۲)
بدروغ داشت ۳۹، بَدُروغ داشت ۴۲

~: فَأَرَىٰهُ ٱلْـَٔايَةَ ٱلْكُبْرَىٰ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ (۷۹:۲۱)
دروغ گرفت ۳۸، دروغ گوی داشت ۹۱، دروغ زن گفت ۱۳۲

كُذِّبَ: فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ (۳:۱۸۴)
تدروزن گرفته شدند[1] ۱، بدَروغزن داشتند ۱۰، بدروغ داشتند ۲۴، دروغ گوداشته‌اند ۲۷، بدروغ زن داشته‌اند ۲۹، دروغ داشته‌اند ۳۶، بدروغ زن داشتند ۴۰، بدروغ بر گرفتند ۴۱، دروغ زن داشتند ۴۳، دروغ زن داشته شدند ۵۶، دروغ داشته باشند ۷۵، دروغ زن داشته‌اند ۷۶، دروغگوی داشته شدند ۹۱، دروغ کردند ۹۲،

---

۱. تدروزن گرفته شدند / دروغ زن گرفته شدند.

دروغ گوی داشته شدند ۹۷، دروغ زن داشتید ۱۰۷، بدروغ داشته شدند ۱۲۱، دروغگو شمرده شدند ۱۲۲، دروغ زن کردند ۱۲٤

~: وَكُذِّبَ مُوسَىٰ فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ (۲۲:٤٤)
دروزن گرفته شد ۱، دروغ زن گرفتند ۱۲، بدروغ گوی داشتند ۲٤، دروغ زن گرفته شد ۵۸، دروغ گفته شد ۸۷، بدروغ داشته شد ۱۱۳، بدروغداشته شد ۱۳۳

كَذِبًا: قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۷:۸۹)
دروغ گفتن ۲٤

~: فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۱۰:۱۷)
دروغ ۱

~: إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا (۱۸:۵)
دروغ ۲، دروغ بزرگ ۱۳٦

~: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۲۹:٦۸)
بدروغ دارد ٤۷، دروغ بافت ٦۱

~: أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (٤۲:۲٤)
دُروغ ۳۲

فَكَذَبَتْ: قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ (۱۲:۲۷)
دروغ گفت زن ۱، دُروغ گُفت ۲، دروغ گفت ۳، دروغ گفت آن زن ۲۹، زن دروغ می گوید ٤۱، زن دروغ همی گوید ٦۲، دروغ میگوید ۹۳، دروغ گفته این زن ۹٤، دروغ زن است آن زن ۱۲۸

كَذَّبَتْ: فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ (۲۲:٤۲)
تدروزن گرفتند ۱، بدروغ دارید ٦۱، دروغ زن گرفت ۸۷، به دروغ داشتند ۱۳۰

~: كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ (۲٦:۱۰۵)
بدروغ گفت ۲، دروغ داشتند ٤۱

~: كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ (۲٦:۱٤۱)
دروغ زن داشتند ٤۳

~: كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ (۳۸:۱۲)
دروزن گرفتند ۱، بدروغ گرفت ۳۸، دروغ زن گرفتند ۵٦، بدروغ زن داشتند ۸۱

~: كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ (۵۰:۱۲)
دروغ زن کردند ۳۹، بدروغ زن داشت ۸۱

~: كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۵٤:۱۸)
دروغداشتند ۱۱٤

~: كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ (٦۹:٤)
دروغگوی داشتند ۳، بدروغ داشتند ۳۰، بدروغ گرفتند ۵٤

~: كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۹۱:۱۱)
دروغ زن کرد ٦۱، دروغ گفت ۹٦

كَذَّبْتَ: بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا (۳۹:۵۹)
دروزن گرفتی ۱، بدروغ داشتی ۳۰، دروغ زن داشتی ٤۱، دروغ داشتی تو ٤۲، دروغ زن کردی ۵٦، دروغ زن کردی تو ٦۱، دروغ داشتی ۱۱٤، دروغ انگاشتی ۱۳۲

كُذِّبَتْ: وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ (٦:۳٤)
دروزن گرفته شدند ۱، دروغگوی داشته شدند ۳، بدروغ داشتند ۹، دروغ زن داشتند ۳۷، بدروغ کردند ٤٤، دروغ زن کردند ۵۳، دروغ داشته شدند ۱۲۱، دروغ داشتند ۱۲۸

~: وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ (۳۵:٤)
بدروغ زن داشتند ۲۲، بدروغ داشته شدند ۳۸، دروغ زن می کردند ۵٦، دروغ زن گرفته شدند ۵۸، دروغ زن داشته شدند ٦۱

كَذَّبْتُمْ: فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ (۲:۸۷)
بدروغ داشتی ٤، بدروغزن بایست داشت ۱۰،

بدروغ زن داشتی ۲٤، دروغ زن دارید ۲۹، دروغ زن داشتید ۳٤، دروغ زن کردند ۳٦، دروغ زن وابست داشت ٤٠، دروغ زن داشتید شما ٤۳، بدروغ گرفتید ۵۳، بدروغ داشتی شما ۵۷، بدروغ می داشتید شما ٦۳، دروغ دارید ۹٦، بدروغ میداشتید شما ۱۰۰، دروغ گوی داشتید ۱۰۲، نسبت دروغ کنید ۱۰٤، بدروغ میداشتید ۱۰٦، باور نداشتید ۱۳٦

~: قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُم بِهِ (٦:۵۷)

دروزن گرفتند ۱، دروغگوی داشتیت ۳، دروغ زن شدید ۹، دروغ داشتیت ۱۰ مکرّر، دروغ داشتید ۲٦، شما دروغ داشتید ۲۷، دروغ زن می داریت ٤۱، درُوغ دَاشتِید ٤۲، باور نمی داریت شما ٤٤، دروغ زن گرفتید شما ۵۸، دروغ زنید شما ٦٤، دروغ کردید ۹۰، دروغ گوی داشتیت ۹۱، شما بدروغ داشتید ۹٦، بدروغ زن شدید ۱۰۰، دروغ میدارید شما ۱۱۲، دروغ داشتید شما ۱۲٤

~: فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (۲۵:۷۷)

دروغ زن گرفتید ۵۸، بدروغگوی داشتید ۱۲۱

~: قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا (۲۷:۸٤)

بدروغ داشتید ٤۷، دروغ زبان باشید ۵۳، بدروغ زن داشتند شما ٦۱، دروغ گفتید شما ۷٦، دروغ گفتید ۸۷، دروغ انگاشتید ۱۳۲

كَذَّبْنَا: قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا (٦۷:۹)

بدروغ داشتیم ۲، بدروغ گرفتیم ۱۹، دروغ زن کردیم ٦۱، دروغ زن داشتیم ۹۲، دروغ داشتیم ۹٦، دروغ داشتیم ما ۱۱۳، باور نکردیم ۱۳۲

كَذِبُهُ: وَإِن يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ (٤۰:۲۸)

دروغ ۱، دروغ گفتن ٦۱

كَذَبُوا: انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ (٦:۲٤)

دروغ گویند ۲٤، دروغ می گویند ۵۳، دروغ همی گویند ٦۲، درُوغ گفتند ۸۸، دروغ زن گفتند ۹۲، دروغ بستند ۹٦، دروغ میگویند ۱۱۱

~: وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ (۹:۹۰)

دروغ زن گرفتند ۵۸، دروغ داشتند ۱۲۱

~: هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ (۱۱:۱۸)

دروغ بربافتند ٦٤، بدروغ داشتند ۷۵

~: تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ (۳۹:٦۰)

دروغ گفتند ۱، دروغ گرفتند ۱۵، دروغ گفته بودند ۳٤، بدروغ بستند ۱۰۰

كُذِبُوا: حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا (۱۲:۱۱۰)

دروزن گرفته شدند ۱، دروغ زن دانند ۵، بدروغ زن داشتند ۲٤، دروغ زن کردند ٤۹، دُرُوغ گفتهَ شَوند ۵۵، دروغ زن داشتند ۵۸، دروغ زن داشته شدند ٦۱، بدروغ داشتند ٦۳، بدُروغ داشتند ۷٦، بدروغ داشته شدند ۱۱۳

كَذَّبُوا: وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا (۲:۳۹)

بدروغ داشتند ۲، دروغگوی داشتند ۳، بَدروغ دارند ۱۰، دُرُوغ گُوی دَاشتنْد ۵۵، بدروغ داشتن ۸۸، باور ندارند ۱۳٦

~: كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ (۳:۱۱)

دروزن گرفتند ۱، جاحد شدند ٦۷، دروغ انگاشتند ۱۲۲

~: وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا (۵:۱۰)

بدروغزن دارند ۱۰، دروغ زن داشتند ۲۷، ده‌روغ گفتند ۷٦، دروغ داشتید ۹٦، دروغداشتند ۱۱٤، دروغ داشته‌اند ۱۳۰

~: فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ (۵:۷۰)

دُروغ زن داشتنْد ۲، دروغ زن داشتند ۳، دروغ زن داشتندی ۳٦، دروغ زن گرفتند ۳۷

دُروغ زن داشتَند ٤٢، بدروغ زن همی داشتند ٦٢، دروغ داشتندی ٧٦، بدروغ میداشتند ١٣٨

~: وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَآ (٥:٨٦)
دُروغ دَاشتَنْد ٢، دروغ گوی داشتند ٣، دروغ گرفتند ٣٧، دروغ زن گفتند ٧٥، دروغ پنداشتند ١٢١

~: فَقَدْ كَذَّبُوا۟ بِٱلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ (٦:٥)
دُروغ داشتند ٢، دروغ گویند ٢٩

~: قَدْ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِلِقَآءِ ٱللَّهِ (٦:٣١)
دروغ گفتند ٩

~: وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ (٦:٣٩)
باور نداشتند ٤٤، دروغ زن باشند ٥٣

~: وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا يَمَسُّهُمُ ٱلْعَذَابُ (٦:٤٩)
دروغ زن شدند ٩، دروغ داشتند و دارند ٤٤، ناخستون شدند ٦٤

~: وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱسْتَكْبَرُوا۟ عَنْهَآ (٧:٣٦)
بدَروغ دَاشتَند ١٤٠

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَٱسْتَكْبَرُوا۟ عَنْهَا (٧:٤٠)
بدروغ داشته باشند ١٠، دروغ دارند ٧٦

~: وَأَغْرَقْنَا ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَآ (٧:٦٤)
بدَروغزن داشتند ١٠، بدروغ زن گرفتند ٤٥

~: وَقَطَعْنَا دَابِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا (٧:٧٢)
بدُروغ داشتَند ١٤٠

~: ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ شُعَيْبًا كَانُوا۟ هُمُ ٱلْخَٰسِرِينَ (٧:٩٢)
بدروغزن داشتند ١٠، دروغی کردند ٩٢

~: وَلَٰكِن كَذَّبُوا۟ فَأَخَذْنَٰهُم (٧:٩٦)
باور نداشتند ـ بدروغ داشتند ١٠٩

~: فَمَا كَانُوا۟ لِيُؤْمِنُوا۟ بِمَا كَذَّبُوا۟ مِن قَبْلُ (٧:١٠١)
دروغ زن داشته‌اند ٦١

~: ذَّٰلِكَ مَثَلُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا (٧:١٧٦)
بدروغ گوی داشتند ٥٧

~: سَآءَ مَثَلًا ٱلْقَوْمُ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا (٧:١٧٧)
دروغ برگرفتند ٤١

~: وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم (٧:١٨٢)
دروغ میدارند ٤١، بدروغ مید آرند ١٠٠، بدروغ دانستند ١٣٦

~: كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَٰهُم بِذُنُوبِهِمْ (٨:٥٤)
دُرُوغ گُوی دَاشتَنْد ٥٥، دروغ زن بودند ٥٨

~: بَلْ كَذَّبُوا۟ بِمَا لَمْ يُحِيطُوا۟ بِعِلْمِهِۦ (١٠:٣٩)
مَی دَروغ خوانند و بدروغ دارند ١٠

~: قَدْ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِلِقَآءِ ٱللَّهِ (١٠:٤٥)
دروغ زن ساختند ٩٢

~: وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ (١٠:٩٥)
دروغ گرفتند ٥٨

~: وَنَصَرْنَٰهُ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَآ (٢١:٧٧)
بدروغ میداشتند ٤١

~: وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا (٢٢:٥٧)
بدرُوغ داشتند ٢

~: ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِلِقَآءِ ٱلْءَاخِرَةِ (٢٣:٣٣)
دروغ میداشتند ٦٤، دروغ شناختند ٨٦

~: بَلْ كَذَّبُوا۟ بِٱلسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا (٢٥:١١)
دروغ زن کردند ٢٤

~: ٱذْهَبَآ إِلَى ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا (٢٥:٣٦)
استوار نداشتند ٦٤، بدروغ داشتَند ٧٦

~: وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا۟ ٱلرُّسُلَ (٢٥:٣٧)

دروغ گو کردند ٦٤، دروغ زن گرفت ۱۳۹

~: بَلْ كَذَّبُوا۟ بِٱلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ (۵:۵۰)
بدُروغ داشتند ۲، دروغ دانستند ۳۸، دروغ کردند ۳۹، دروغ می پندارند ٦٤

~: وَكَذَّبُوا۟ وَٱتَّبَعُوٓا۟ أَهْوَآءَهُمْ (۳:۵٤)
بدُروغ گرفتند ۲، بدروغ زن داشتند ۸۱

~: فَكَذَّبُوا۟ عَبْدَنَا وَقَالُوا۟ مَجْنُونٌ وَٱزْدُجِرَ (۹:۵٤)
بدروغ کردند ۱۳۹

~: وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَـٰتِنَآ (۱۹:۵۷)
بدروغ گرفتند ۲، بَاوَر نداشتَند ۵۱

~: بِئْسَ مَثَلُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَـٰتِ ٱللَّهِ (۵:٦۲)
دروغ شمرده‌اند ۱۳۲

~: وَكَذَّبُوا۟ بِـَٔايَـٰتِنَا كِذَّابًا (۲۸:۷۸)
دروغ می دانستند ٦٤

كُذِّبُوا: فَصَبَرُوا۟ عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا۟ وَأُوذُوا۟ (۳٤:٦)
دروزن گرفته شدند ۱، دروغ زن داشتند شان ۲۷، بدروغ داشتند و باور نکردند شان ٤٤، دروغ زن داشته شدند ٦۱، بدروغ داشتندی ٦۳، ایشان دروغ داشتند ۷٦، بدروغ داشته شدند ۹٤، دروغ داشته شدند ۱۲٤، دروغ داشته همی شدند ۱۲۸

كَذَّبُوكَ: فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ (۱۸٤:۳)
دروزن گیرند ۱، بدرَوغزَن دارند ۱۰، بدروغ زن دارند ۲٤، دروغ گوی دارند ۲۷، بدروغ بر گیرند ٤۱، درُوغ زن دارند ٤۲، دروغ گفتید ۵۳، بدروغ دارند ۵٦، بدروغ زن می دارند ۵۷، بدروغ زن داشتند ٦۲، دروغ زن کردند ٦۷، دروغ دارند ۷۵، دروغ کنند ۹۲، بدروغ د آرند ۱۰۰، باور ندارند ۱۰٤، دروغ گو شمارند ۱۲۷، دروغ گوی کردن ۱۳۰

~: فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ (۱٤۷:٦)
دُروغ زن دارنْد ۲، دروغگوی دارند ۳، بدَروغزن دارند ۱۰، دروغ زن دارند ۲۷، بدروغ د آرند ۱۰۰، دروغ داشتند ۱۱٤

~: وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل لِّى عَمَلِى وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ (٤۱:۱۰)
دروغ زن داشتند ۲٤، دروغ زن گیرند ۵۸، دروغ زن کنند ٦٤

كَذَّبُوكُم: فَقَدْ كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ (۱۹:۲۵)
بدروغ گفتند ۳۰، بدروغ داشتند ٤۷، بِدروُغ دَاشتَند ۵۱، دروغ زن کردند ٦٤، دروغ زن گردانیدن ۱۰۸، دروغ داشتند ۱۳۸

كَذَّبُونِ: قَالَ رَبِّ ٱنصُرْنِى بِمَا كَذَّبُونِ (۲٦:۲۳)
بدرُوغ داشتْند ۲، بدروغ می دارند ۲٤، دروغ زن گرفتند ۵۸، دروغ داشتند ۱۳۹

~: قَالَ رَبِّ ٱنصُرْنِى بِمَا كَذَّبُونِ (۳۹:۲۳)
دروغ زن کردند ٦٤، دروغ که مرا می کنند ۷٦، بدروغ میدارند ۱۰۰

~: قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِى كَذَّبُونِ (۱۱۷:۲٦)
بدروغ داشتند مرا ٤۷، دروغ زن داشتند ٦٤، دروغ گوی داشتند ۱۱٤

كَذَّبُوهُ: فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيْنَـٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ (٦٤:۷)
دروغ گوی داش تیت ۹۱

~: فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَـٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِى ٱلْفُلْكِ (۷۳:۱۰)
دروغگوی داشتند ۳، دروغ زن داشتند ۵۲، بدروغ گرفتند ۵۸

~: وَلَقَدْ جَآءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ (۱۱۳:۱٦)
بَدُروغ زَنْ داشتَنْد ۵۳، دروغ گرفتند ۷۲

~: كُلَّ مَا جَآءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ (٤٤:۲۳)
دُروغ داشتند ۲، بدروغ زن داشتند ۲٤، بدروغ داشتند ۳۹، دروغ زن گردیدی ۷۷، بدروغ داشتندی ۱۰۰، دروغ زن کردن ۱۰۸

~: فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَٰهُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً (۲٦: ۱۳۹)
دروغداشتند ۱۱٤، ایشان دروغ زن داشتند ۱۳۹

~: فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ (۲۹: ۳۷)
دروغ زن داشتند ۲، بدروغ زن بگرفت ۳۰، دروغ داشتند ٦۱

~: فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (۳۷: ۱۲۷)
دروغ زن کردند ۳۹

~: فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا (۹۱: ۱٤)
دروزن گرفتند ۱، بدروغ برداشتند ۹۲

كَذَّبُوهُمَا: فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ (۲۳: ٤۸)
بدروغ داشتند ۷٦، دروغ زن گفتند ۸۷، دروغ گوی داشتند ۱۰۳، دروغ زن داشتند ۱۳۹

~: إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا (۳٦: ۱٤)
بدروغ زن داشتند ۲۲، دروغ زن کردند ۳۹، دروغ زن داشتند ٦۱

كِرَامًا: وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (۲۵: ۷۲)
خویشتن از آن بزرگ دارند ۲، روی گردانندگان ۳، آزادگان ۲۰، بردباران ۲٤، بزرگ ۲۹، بزرگوار ـ ستوده ۳۰، گرامی داشته ۵٦، بنگردند ۷٦، آزاد مردمان ۹۰، بزرگوار آن ۹٤، گرامی ۹٦، بزرگانه ۱۲۱، گرامی دارندگان ۱۳۲

~: وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ (۸۲: ۱۱)
بزرگواران ۳۰، گرامی کرده ۳۹، بزرگوار ٤۱، گرامی کردگان ۷۹، بزرگان ۱۱۵

كِرَامٍ: بِأَيْدِي سَفَرَةٍ كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۸۰: ۱٦)
بزرگواران ۲، بزرگوار ۳٦، گرامی کردگان ۳۹، گرامیان ٦٤، بزرگان ۹۰، گرامی کرده شدگان ۱۰۲، بزرگ ۱۱۵ بندگان گرامی ۱۳۰

★ كِرَامٍ بَرَرَةٍ: بِأَيْدِي سَفَرَةٍ كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۸۰: ۱٦)
نیکوکاران ۱۳۲

كَرْبٍ: قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ (٦: ٦٤)
انده ۱، اَندُه و سَختی ۲، دشواری ۳، سختی و اندوه ۵۲، اَندیشه و آندوه ۵۵، اندوهان و دشواری ۵۸، رنج ٦۰، سختی ۸۸، اندیشه و اندوه ۹۱

~: فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۲۱: ۷٦)
اندُوه ۲، اندوه و رنج ۱۰۲، اندوهی ۱۰۵، اندوه سخت ۱۰۹، غم ۱۳۵

~: وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۳۷: ۷٦)
اندوه ۲، رنج و اندوه ۱۰۲

كَرَّةً: لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ (۲: ۱٦۷)
بازگشتنْ ۲، بازگردانیدن ۳، واشدن ۲٤، واز ٤۰، باری دیگر ٤۱، بازگشتن بودی ۵۳، بازپس شدن ۵٦، یکبارگی ٦۱، بازآمد ٦۲، یک بار ٦٤، بازگردانند ۱۲٤

~: ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ (۱۷: ٦)
دورکردن ۲۹، دیگربار ۵۳، یکبار ٦۱، برگشتن ۸۸، دگربار ۹٤، گردش ۱۰۹، باردیگر ۱۲۹

~: فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲٦: ۱۰۲)
وازهیشتن ۱، واگشتی ۲۰، بار ٤۱، دیگر باره ۷٦

~: لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۳۹: ۵۸)
بازگشتن ۲، واگشتن ۲۹، بازگردیدن ٤۲، بازآمدن ۸۱

~: قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۷۹: ۱۲)
بازگردان ۸۰

كَرَّتَيْنِ: ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ (٦۷: ٤)
دوبارَه ۱، دُوباره ۲، باری از پس باری ۳، دوبار دیگر ٦، دوبار ۲۹، باردیم ٤۹، دوبار ٦۱، دوباره ۱۰۰

کُرْسِیُّهُ: وَسِعَ كُرْسِیُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ (۲: ۲۵۵)
پادشاهی ۳، دانش ۷٤

~: وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِۦ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ (۳٤:۳۸)
تخت ۳، نشستگاه ۸۷

كَرَّمْتَ: قَالَ أَرَءَيْتَكَ هَٰذَا ٱلَّذِى كَرَّمْتَ عَلَىَّ (۱۷: ٦۲)
برگزیدی ۲، گرامی کردی ۳۰، برکشیدی ٤۱، گرامی کردی تو ۵۳، گرامی کردی ۵۵، بزرگی نهادی تو ٦۱، گرامی کردی تو ٦۳، گرامی کردی ۱۰۰، گرامی گردانیدی و برکشیدی ۱۱۳، بزرگی کنی ۱۳٦

كَرَّمْنَا: وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِىٓ ءَادَمَ وَحَمَلْنَٰهُمْ (۱۷: ۷۰)
برگزیدیم ۲، گرامی کردیم ۳، برگزیدیم ٤۲، گرامی کردیم ما ۵۷، بزرگی دادیم ما ٦۱، گرامی کردیم ما ۱۰۰، گرامی داشتیم ۱۱٤، گرامی داشتیم ما ۱۲۷

كَرِهَ: وَيُبْطِلَ ٱلْبَٰطِلَ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُجْرِمُونَ (۸:۸)
دُشخوار و دشمن دارند ۱۰، نخواهند ۲۹، خوش نیاید ۹۰

~: إِلَّآ أَن يُتِمَّ نُورَهُۥ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْكَٰفِرُونَ (۹: ۳۲)
همه دشخوار دارند ۱، ناپسند دارند ۳، می دشوار دارند ۲۷، دشوار آید ۳٦، ناپسند دارند ۵۵، ناخوش دآرند ۹٤

~: وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُشْرِكُونَ (۹: ۳۳)
دشوار دارند ٤۲، ناپسند باشند ٦۷، ناخوش آمد ۱۱۵

~: وَلَٰكِن كَرِهَ ٱللَّهُ ٱنۢبِعَاثَهُمْ (۹: ٤٦)
دشخوار داشت ۱، نپسندید ۱۱، نخواست ۲٤، دشوار کرد ٤۱، ناپسند داشت ۵۵، نخواسته بود ٦۲، دشوار داشت ۹٦، نه پسند[1] داشت ۹۱، نخواسته بود ۹۳، نپسند د ۱۰۵، ناپسند داشت ۱۱۹، ناخوش دارد ۱۲۲، دشمن داشت ۱۲٤

~: وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُجْرِمُونَ (۱۰: ۸۲)
دشوار دارند ۲، دشخوار دارد ۵۳، ناپسند دارند ۵۵، ناپسنده اند ٦٤، ناخوش باشند ۹٤، داشوار دارند ۱۰۹، بدخواه باشد ۱۲۸

~: مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْكَٰفِرُونَ (٤۰: ۱٤)
دشخوار دارند ۱، دُشوار دارند ۲، دشخوار اید ۱۵، دشخوار آید ۲٤، دشوار دارد ٦۱، ناپسند باشد ٦٤، ناخوش آید ٦۷، نه پسند ند ۱۱٤، ناپسند دارد ۱۲۱

~: وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْكَٰفِرُونَ (٦۱: ۸)
نخواستند ۳۹، نپسندند ٦٤، دشمن دارند ۹٦

~: لِيُظْهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُشْرِكُونَ (٦۱: ۹)
ناخوش دارند ۱۰۸، ناپسند دارند ۱۱٤

كَرَّهَ: وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ ٱلْكُفْرَ وَٱلْفُسُوقَ وَٱلْعِصْيَانَ (٤۹: ۷)
دشخوار کرد ۱، ناپسند گردانید ۲، دشمن گردانیده است ٦، دشمن گردانید ۲٤، ناخواسته گردانید ۲۹، دشمن کرد ۳۹، دُشوار دارد ۵۲، دشمن و دشوار کرد ٦۱، دشوار کرد ٦۹، ناخواه کرد ۸۱، دشوار داشت ۹۲، نخواست ۱۰۰، دشوار دارد ۱۰۵، ناپسند کرد ۱۱٤، ناخوش کرد ۱۲۲، ناپسنده گردانید ۱۲٤

كَرْهًا: فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا (۳: ۸۳)
دشکام ۱، ناخُوش منشي ۲، ناخوشی ۳، دشواری ۲۷، ناخوشی ٤۲، ناخوشی ۵۵، ازکام ۷۵، نخواه ۱۲۲، ناخواه ۱۳۵، ناکام ۱۳۸

~: لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَرِثُوا۟ ٱلنِّسَآءَ كَرْهًا (٤: ۱۹)

۱. در متن اصلی کلمه به گونه ای است که «برپسند» هم خوانده می شود.

دژکام ۱، ناخواسْت ۲، ستم ۱۰، سِتم ۲۷، ناخواست ٤۰، ناخواست ٤۲، نَاپِسَنْد ۵۵، زور ۵۷، نخواهیتی ۸٤، بی خواست ۱۰٤، نابایست ۱۳۱، بدشواری ۱۳٦

~: قُلْ أَنفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا (۹: ۵۳)

ناکام ۲، ستم و ناخواست ۱۰، بدستهای ما ۲۹، بناکام ٤۹، نَاخوشی ۵۵، ناکامی ۵۷، بناکام ـ بدشواری ۱۰۹

~: فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا (۱۳: ۱۵)

ناخوش منشی ۲، ناپسند ۳، ناخوش منش ۵، ناخواستن ۲۹، ناخوش منشی ٤۲، ناخوش ۵۳

~: فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ٱئْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا (٤۱: ۱۱)

ناکام و ناخوشی ۲، ناپسند دارنده ۳، ناخوش کام ۱۵، از روی ناشایست ۲۵، ناخواهان ٤۱، دشخواری ٤۹، بناخواست ٦٤، ناخواهش ۱۰۳، ناکام یاناخوش منشی ۱۰۸، از سرناخوشی ۱۲۰

کُرْهًا: حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا (٤٦: ۱۵)

دشخواری ۱، دُشواری ۲، دشواری ۳، ناخواست ۲۹، دشخوار ۳۸، دشوار ٤۱، رنج ٤۸، رنج و سختی ۱۰۳

کُرْهٌ: كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ (۲: ۲۱٦)

دشخواری ۱، دُشخوار ۲، ناپسند ۳، دشخوار ۱۰، دشوار ۳٦، نَاپَسنْد ۵۵، ناپسندیده ۷۸، نخواسته ۹۵، سخت ۱۱۲، ناخوش ۱۳٦

کَرِهْتُمُوهُ: أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ (٤۹: ۱۲)

دشَخوار دارید ۱، دشخوار دارید شما ۲، ناپسند داشتیت ۳، دشوار دارید ٦، دشوار داریت ۳۰، دوست نداشتید و دشوار داشتید ۳۹، دشخوار داشتید ۵۳، نخواهید ۸۱، ناخوش دارید ۸۷، دشوار دارید شما ۱۰۸، ناپسند داشتید ۱۱٤

کَرِهْتُمُوهُنَّ: فَإِن كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰٓ (٤: ۱۹)

دشَخوار دارید ۱، ناخُواها باشید ۲، ناپسند داریت ۳، نخواهید ۲۷، دشوار دارید ۳٦، دشوار می دارید ۳۹، تاانْ نوآید [1] ٤۰، دشوار داریت ٤۱، نَاخواها بأشید ٤۲، بدشواری دارید ٤۳، ناخواها باشید ۵۲، ناخواه باشید ۵۸، ناخواهان باشند ۷۸، ناخواهان باشید ۸۲، ناخواهان باشیت ۸۳، شما خوش نباشید ۹٦، دشمن دارید ۱۲۱

کَرِهُوا: وَكَرِهُوٓا۟ أَن يُجَٰهِدُوا۟ بِأَمْوَٰلِهِمْ (۹: ۸۱)

دشَخوار داشتند ۱، دشوار داشتن ٦٦، ناخوش آمدشان ۹٤، نخاستند ۱۳۰

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا۟ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ (٤۷: ۹)

دشوار داشتند ۲، ناپسند داشتند ۳، ناخوش داشتند ۵٦، ناپسند بودند ٦٤

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا۟ لِلَّذِينَ كَرِهُوا۟ (٤۷: ۲٦)

دُشوار داشتند ۲، نخواستَند ۲۲، دشوار کردند ۱۳۹

~: ٱتَّبَعُوا۟ مَآ أَسْخَطَ ٱللَّهَ وَكَرِهُوا۟ رِضْوَٰنَهُۥ (٤۷: ۲۸)

نخواستند ۲، دشوار گذاشتند ۸۷، دشواری داشتند ۱۳۹

کَرِیمًا: وَنُدْخِلْكُم مُّدْخَلًا كَرِيمًا (٤: ۳۱)

خوَش ۱، بُزرگوار ۲، گرامی ۳، نیکوَا ۱۰، نیکو ۲٤، بزرگوار و نیکو ۲۷، خوب ۸٤

~: وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (۱۷: ۲۳)

نیکوا ۱، آزاده ۸، نرم ۲۹، نیکو ۵۳، گرامِی ۵۵، نیکوْ ۵۷، نیکو آهسته ۵۸، شکوهمند ۵۹، نرم و خوب ٦۷، خداوندانه ٦۷، پسندیده ۱۲۸

---

۱. کذا در متن اصلی، آیا مصحف «بدتان آید» است ؟

~: وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (٣٣:٣١)
آسان نیکو ٨٦، نیک ١١٥

~: وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا (٣٣:٤٤)
بزرگوار ٢، بزرگ ٢٩، گرامی کننده ٤١

كَرِيمٌ: وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (٨:٤)
نیکوا ١، نیکوا و بزرگوار ١٠، بزرگوار ـ نیکو ٢٧، گران مایه ٥٧، خوب ـ بزرگوار ١٠٩

~: لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (٨:٧٤)
بزرگوار و نیکو ٢٧، گرامی ٥٥، بزرگ نیکو ١٣٠

~: مَا هَٰذَا بَشَرًا إِنْ هَٰذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ (١٢:٣١)
بُزرگوار ٢، گرامی ٣، بزرگ و گرامی ٤٢، گران مایه ٤٩، گرامی ٥٥، گرامی ٦٢، بُزُرگ ٧٦، بزرگ داشته ١٢٦، گرامی ١٣٣، بزرگواری ١٣٦

~: لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (٢٢:٥٠)
نیکو ٢٤، بزرگوار نیکو ٧٢

~: لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (٢٣:١١٦)
بزرگوار ١، بزرگوار ٢، گرامی گردانیده ٩٢، گرامی بزرگوار ١٠٩

~: لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (٢٤:٢٦)
نیک ٣٩، خوب و بزرگ ١٠٩

~: كَمْ أَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (٢٦:٧)
زیبا ٢٤، نیکوتر و بزرگوارتر ٣٠، نیکوتر ٦١، پسندیده ٨٦، نیکو و پسندیده ١٠٣، خوب و زیبا گرامی ١٠٩

~: وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (٢٦:٥٨)
خوش ١، خرّم ٤٧، نیکو و خوش ٦٤، نیکو، پاکیزه ١٠٧، نیکو و خوش آینده ١١٦

~: إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ (٢٧:٢٩)
مهر کرده ٥٢

~: وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (٢٧:٤٠)
بزرگوار ٤٦

~: فَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (٣١:١٠)
خوب ٢٤، نیکو و بزرگوار ٤٦، گرامی و نیکو ٦٢، نیکوو زیبا ١٠٩

~: أُولَٰئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (٣٤:٤)
فراخ و نیکو ٦٤

~: وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ (٤٤:١٧)
بزرگوار ٢٢، نیکو خو خوب روی ٤٤

~: وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (٤٤:٢٦)
بَزُرگُوار ٢٢، خوب و زیبا ٤٤، خوش و خوب و نیکو ١٠٩

~: ذُقْ إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ (٤٤:٤٩)
بُزرگوار ٣٢، نیکو کار ٣٨، گرامی دارنده ٤١

~: وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ (٥٦:٤٤)
آزرم و خوش ٥٦، گرم ٩٠، نیکوی رساننده ١٣١

~: إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ (٥٦:٧٧)
بزرگوار ـ پسندیده سودمند ١٠٩، نیکوی بزرگوار ١٣٨

~: فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (٥٧:١١)
بزرگ ١

~: إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (٨١:١٩)
گرامی کرده ٣٩، نیکوکآر ١٠٠

~: يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (٨٢:٦)
بسیار بخشش ٤١، بزرگوار گرامی ٩١، بزرگوارتر ١١٤

كَسَادَهَا: وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا (٩:٢٤)
کاسدی ١، نارَوایی ٢، ناروا شدن ٣، نارِوایی ١١، بی رَوَا شدن ٥٥، ارزانی ٦٢، نارِوای ٧٢، ناروائی

۸۵، زیان ۱۲۱، تاوان ۱۲٤، ناروان ۱۳۰

کُسالَی: وَإِذَاقَامُوٓاْإِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُواْ كُسَالَىٰ (٤: ١٤٢)
اجگهنان[۱] ۱، گاهلان ۵۵، سنگینان ۱۳۵

~: وَلَا يَأْتُونَ ٱلصَّلَوٰةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ (٩: ٥٤)
کاهلان ۱۳۵

کَسَبَ: بَلَىٰ مَن كَسَبَ سَيِّئَةً (٢: ٨١)
بکند ۲، ورزد ۳، ساخت ٤، کند ۲٤، اندوخته باشد ۲۹، سازد ۵۰، بکند ۵۲، بسازد ۵۳، وَرْزَدْ ۵۵، اندوخت ۵۷، اندوزد ۸۹، الفخت ۹۰، سازد ۹٤، کرد ۱۰۲، بیندوزد ۱۰٤، پیشه کند ۱۳٦

~: كُلُّ ٱمْرِيٕۭ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ (٥٢: ٢١)
کرده بود ۲٤، بکرد ۳۰، ورزید ۳۹، کردست ٦۱، کرده باشد ۹٦

~: مَآ أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُۥ وَمَا كَسَبَ (١١١: ٢)
آندوخت ۲، بدست آورد ۲٤، دست رنجش ٤۰، الفخجیده است ٦٤، اندوخته است ۹٦، کار کرد ۱۱٤، گرد کرد ۱۲۳

کَسَبَا: فَٱقْطَعُوٓاْ أَيْدِيَهُمَا جَزَآءَۢ بِمَا كَسَبَا (٥: ٣٨)
کردنْد ۲، ورزیدند ۳، کرده باشند ۲٤، کردند ۲۷، بساختند ۲۹، کردَند ٤۲، اندوختند ٦۳، الفنجیده اند ٦٤، کارکردند ۷۵، الفنجیدند ۹۰، بساختند ۹٤، ساختند ۹۸، کرده اند ۱۱۱

کَسَبَتْ: تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ (٢: ١٣٤)
ورزیدند ۳، کِردَند ۱۰، کردند ۲٤، اندوخت ۳۵، الفخت ۹۰، ساختند ۱۲۸

~: تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ (٢: ١٤١)
کردستند ۱۰، اندوختند ٦۳، میندوخت ۱۱۵

~: وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ (٢: ٢٢٥)
بکرد ۲، ورزند ۳، بخواست ٤۰، کرد و اندوخت ۵۷، اندوخته اید ۱۰۷، اندوزد ۱۲۱

~: ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ (٢: ٢٨١)
کرده بود ۲٤، اندوخته باشد گرده بود ۲۷، کرده باشد ٤۱، کار کرده است ٦۹، خوزیده است ۸۳، ساخته باشد ۱۲٤، اندوخته است ۱۳۰

~: لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا ٱكْتَسَبَتْ (٢: ٢٨٦)
کند ۲۹، کُند ۵۲، گرد ٦۱، آهخت ۷٤، الفخته اند ۹۰

~: وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ (٣: ٢٥)
کرده أست ۲، کرده بَود ۱۰، کرده باشد ۲۵، اندوخته اند ٦۲

~: ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ (٣: ١٦١)
ساخته باشند ۵۳، اندوخته بود ۱۰٤، کرده ۱۱۱

~: وَذَكِّرْ بِهِۦٓ أَن تُبْسَلَ نَفْسٌۢ بِمَا كَسَبَتْ (٦: ٧٠)
بکرْد ۲، ساخت ۹، کِردَه بَود ۱۰، کار کرد ۳۹، می ورزید ٤۱، الفنجیده باشد ٤٤

~: أَوْ كَسَبَتْ فِىٓ إِيمَٰنِهَا خَيْرًا (٦: ١٥٨)
ورزیده بود ۳، دوزیده باشد ۱۰ مکرّر، بخوزید بود ۲۷، بیندوخت ۲۹، خوزیده باشد ٤۲، سَاخْتَهْ باشد ۵۳، کرده باشد و خوزید ۸۳، بساخته بود ۹٤، ساخته بود ۱۲٤

~: أَفَمَنْ هُوَ قَآئِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ (١٣: ٣٣)
کردستْ ۲، اندوخته باشند ۳٤، گردند ٦۱، گرد ۷٦، اندوزند ۱۲۰، ورزیده باشد ۱۲٤

~: لِيَجْزِىَ ٱللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ (١٤: ٥١)
کردسْت ۲، ورزیده است ٤۱

---

۱. اجگهنان: به کاهلی؛ کاهلان.

~: ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ (۳۰:۴۱)
کار کردند ۶۱، الفنجیدند ٦٤

~: وَمَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ (۴۲:۳۰)
کار کردست ٦١

~: وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ (۴۵:۲۲)
کرد ۲، کِرْد ۲۲، ورزید ۳۲

~: كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (۷۴:۳۸)
کردست ۲، ورزید ۳، میکرده است ٦، کرده است ۲۹، ساخته است ۳۸، الفنجیده است ٦٤

كَسَبْتُمْ: لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ (۲:۱۳٤)
کِرده باشید ۱۰، کردید ۲٤، کنید ۲۹، می وَرزیدیت ۵۵، اندوزید ٦٣، الفنجید ٦٤، کنید ٧٦، اندوزید شما ۸۹، اندوختید شما ۱۰۰، ورزیدید ۱۰۹، ساختید ۱۲۸

~: لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ (۲:۱٤۱)
کردید ۲، شما سازید ۲۹، کرده باشید ٤۰، شما همی کنید ۵۳، میکنید ٦٧، اندوخته اند ۸٤، اندوخته بید ۱۳۰

~: أَنفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ (۲:۲٦٧)
ورزیدیت ۳، ساخته آید و گرد کرده آید ۱۰، ساختی شما ۲٤، اندوختی ۲۵، کار کرده باشید ۲٧، می ورزیت ٤۱، خوزید شما ۵۲، اندوختید - اندوختی شما ۵٧، کردستید ٦٣، الفختید ٦٧، کار کردید ٧۵، می کنید ۸۲، خُوزیدیت ۸۳، الفخته اند ۹۰، اندوختید شما ۱۰۰، بدست آورده اید شما ۱۰۲، خوزید ۱۰۵، بساختید ۱۲٤

كَسَبُوا: أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا (۲:۲۰۲)
کرده باشند ۱۰

~: لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا (۲:۲٦٤)
کردند ۲، اندوخته باشند ۲۵، خوزیدند ٤۳، خوزیدند ۵۲، اندوختند ۵٧، کار کردند ٦۹

~: اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا (۳:۱۵۵)
ورزیدند ۳، مرکز یله کردند[1] ٤۰، ساخته بودند ۵۳، کرده بودند ٧٢

~: وَاللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوا (٤:۸۸)
کردند ۲، کرده اند ٢٤، بساختند ۲۹، گرد کردند ۵۸، الفنجیدند ٦٤، اندوخته بودند ۱۰٤

~: أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا (٦:٧۰)
کِردَه وُ گفته و ساخته باشند ۱۰

~: وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا (۱۰:۲٧)
أندوُختنْد ۲، بیندوختنید ۲۹، اندُوختند ٦۲، الفنجیده اند ٦٤

~: لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ (۱٤:۱۸)
اندوختند ایشآن ۱۰۰

~: لَوْ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُوا (۱۸:۵۸)
می کردند ٢٤، اندوخته اند ۳٤، کردَند ٦۱

~: وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا (۳۵:٤۵)
می ورزیدند ٤۱

~: وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا (۳۹:٤۸)
همی کردنْد ۲، کردید ۱۱۱

~: تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا (٤۲:۲۲)
کردند یا ساختنْد ۲، گَرْده بَاشَند ۵۱، کرده اند ۱۰۲

---

۱. کذا در متن اصلی.

~: أَوْيُوبِقْهُنَّ بِمَاكَسَبُواْوَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ (۴۲: ۳٤)
ورزیدند ۳۲، بکردند ٤۱، الفنجیده باشند ٦٤

~: وَلَايُغْنِي عَنْهُم مَّاكَسَبُواْ شَيْـًٔا (٤٥: ۱۰)
ساختند ۲، ساختند ۲۲، کردند و الفختند ٦۷، اندوخته باشند ۱۰۰

کِسَفًا: أَوْتُسْقِطَ ٱلسَّمَآءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا (۱۷: ۹۲)
پاره ۱، پاره پاره ۸، پارها ٥٥، لخت لخت ۱۰۸

~: فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ (۲٦: ۱۸۷)
پارها ٥۳، پارهٔ ٥٦، پار ۷٦، ابر آتشبار ۱۲۲

~: وَيَجْعَلُهُۥ كِسَفًا فَتَرَى ٱلْوَدْقَ (۳۰: ٤۸)
پارها ۱، پاره پاره ۲، پاره، پاره ٤۳، پارها ٤۷، پارها ٥۳، پاره پاره ۱۰۹

~: أَوْنُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ (۳٤: ۹)
پاره میغ ٥۲

كِسْفًا: وَإِن يَرَوْاْ كِسْفًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ سَاقِطًا (٥۲: ٤٤)
پاره ۱، پارهٔ ابر ٤۱، پارهٔ میغ ٥۲، پاره ٥۳، پاره‌ی میغ ۱۰٥، پارهٔ میغ ۱۲٥

كِسْوَتُهُمْ: مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْكِسْوَتُهُمْ (٥: ۸۹)
جامه پوشیدن ۱، پوشانیدن ۳، پوشیدن ۹، جامه پوشی ۲٤، جامه ۲۹، پوشیدنی ٤۱، جامهاء ٥۳، پوشانیدن ٥٥، پوشش ٥٦، جامه کردن ٥۷، جامه پوشانید ٦۳، جامه پوشانیدن ۸۹، پوشانیدن ایشان ۱۰٥، جامه دادن ۱۲۲

كِسْوَتُهُنَّ: وَعَلَى ٱلْمَوْلُودِ لَهُۥ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ (۲: ۲۳۳)
جامه پوشیدن ۱، پوشش ۲، پوشش ۳، جامه پوشیدنی ۱۰، جامه ۲٤، پوشیدنی ٤۲، پوشیدنی ٥۲، پوشیدن ٥۳، پوشانیدن ٥٥، جامه پوشانیدن ٦۳، جامه دادن بنیکوی ۸۸، جامها ۹۸، جامه دادن ۱۰۰

فَكَسَوْنَا: فَكَسَوْنَا ٱلْعِظَـٰمَ لَحْمًا (۲۳: ۱٤)
وربپوشانیدیم ۱، بپوشیدیم ۲، پوشانیدیم ۳، بربپوشانیدیم ۲٤، دربپوشانیدیم ۲۹، بپوشانیدیم ۳۰، اندربپوشانیدیم ۳٤، پوشیدیم ۳۹، بپوشانیدیم ما ٥٦، بپوشیدیم ما ٥۸، بپوشیدیم ٦۱، در پوشیدیم ٦۲، برپوشیدیم ما ۷۷، دربپوشانیدیم ما ۷۹، برپوشیدیم ۸۸، پوشانیدیم ما ۹۰، بازپوشانیدیم ۹٤، پوشیدیم ما ۱۲٤، به پوشانیدیم ۱۳۰

كُشِطَتْ: وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ كُشِطَتْ (۸۱: ۱۱)
در نوشته شهد ۱، بیاهنجند ۲، از جای بردارند ۲٤، در نوردند ۲۹، بیاهنجند ۳۰، درپیچیده شود ۳٦، برهنه شود ۳۸، کنده و پاره شود ٤۱، باز گشند ٥٦، باز گشایند ٦۱، برکنده شود از یکدیگر ٦٤، پراکنده شود از یکدیگر ٦۷، شکافته و وابرده شود ۷۹، گشاده کرده شود ۸۰، باز کشند ۹۰، برهنه شود ۹٤، باز کشیده شوند ۹۹، باز برند ۱۰۲، درهم پیچیده ۱۰۳، باز برده شود ۱۰٤، بشکافند ۱۰٦، برکنده شود ۱۱۱، شکافته و وابود شوند ۱۱۳، برکنده و پیچیده شود ۱۲۰، از روی هم برخاسته شوند ۱۲۲، نوردیده شود ۱۲٤، بازپس برده شود ۱۲٦، کنده و در هم پچیده شوند ۱۳۰، از روی هم برخواسته شوند ۱۳۲، شکافته شود ۱۳٤، از هم باشد ۱۳٦، باز گشاده شود ۱۳۹

كَشَفَ: ثُمَّ إِذَا كَشَفَ ٱلضُّرَّ عَنكُمْ (۱٦: ٥٤)
وازکند ۱، بردارد ۲، برمی دارد ۳، وازدارد ۲٤، وردارد ۲۹، گشاید ۳۰، بردارد ۳۸، بازدارد ۳۹، باز گشاید ٤۳، بازدارد ٥۳، گشاید ٥٥، باز برد ٥٦، بازبرد و بردارد ٥۸، باز برند ٥۹، دور کند ٦۱، باز کند ۷۲، برگشاد ۷٦، بگشاید ۹٤، برد آرد ۱۰۰، وابرد ۱۱۳، برداشت ۱۲٦

كَشْفَ: فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ ٱلضُّرِّ عَنكُمْ (۱۷: ٥٦)
وازکردن ۱، گشادن ۳، ورداشتن ۲۹، بازداشتن ۳۹، برداشتن ٤۱، باز گشادن، گشادن ٥٥، باز

بردن ٥٦، باز بُردن ٥٧، دور کردن ٥٨، وابردن ٥٩، دور کردن ٦١، برگشادن ٧٦، بردن ٨٨، گشادن و بردن ٩٤، وابردن ١١٣، واگشادن ١١٤

كَشَفَتْ: وَكَشَفَتْ عَن سَاقَيْهَا (٤٤:٢٧)

واز کرد ١، برهنه کرد ٢، دامن برگرفت ٢٠، برگفت جامه ٢٤، ورداشت ٢٩، بگشاد ٣٠، شلوار برکشید ٤٢، باز برد پوشش ٤٧، واگشاده کرد ٤٨، بَرهَنه کرد ٥٣، جامه برکشید ٥٦، برداشت پوشش ٦٢، برکشید جامه ٦٤، جَامه بَرگرفت ٧٦، پیدا کرد ٨٨، برکشید ٩٢، بردآشت ١٠٠، گشاد ١٠٩، بازبرد ١١٣، وابرد ١١٤، برداشت ١٢٠، بالاکشید و برهنه کرد ١٣٥

كَشَفْتَ: لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ (١٣٤:٧)

واز کنی ١، برداری ٢، گشایی ٣، بَرگیرَی ١٠، ورداری ٢٤، برگیری ٢٧، برداری تو ٢٩، بازبری ٣٥، دورکنی ٣٦، بازداری ٣٨، برداری ٤٢، بازگشاید ٤٣، برداری ٥٢، بازگشایی ٥٦، بگردانی تو ٥٨، دور کنی تو ٦١، بگردانی ٦٢، وابری تو ٧٩، بگشایی - برداری ٨٣، گشاده گردانی ٩٤، برد آری تو ١٠٠ بازکنی - بگشایی تو ١٠٩، بازبری تو ١١٣

كَشَفْنَا: فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ (١٣٥:٧)

وازکردیم ١، بگشادیم ٢، برداشتیم ١٠، برداشتیم ما ٢٧، باز بردیم ٣٥، باز گشاییم ٥٦، بگردانیدیم ما ٥٨، دور کَردیم ما ٦١، باز کردیم ما ٧٢، باز داشتیم ما ١٠٠، گشاده کردیم ما ١٢٤

~: **فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا** (١٢:١٠)

واز کنیم ١، گشاده کردیم ٣، برداریم ١٣، ورداریم ٢٤، ورداشتیم ما ٢٩، بگشائیم ٥٣، گشَادَه گرِدْیم ٥٥، دور کنیم و برداریم ٥٨، دور کردیم ما ٦١، برداریم ما ٦٣، بگردانیم ما ٦٤، وابریم ما ٧٩، باز بریم ٨٨، بگشاییم ٩٦، برد آریم ما ١٠٠، وابریم ١١٣، بازداشتیم ما ١٢٤

~: **لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ** (٩٨:١٠)

ماپوشیدیم ١٣، ورداشتیم ٢٤، باربردیم مَا ٢٧، بگردانیدیم ٣٩، برداشتیمی ٥٧، برگرفتیم ٥٨، دور کردیمی ما ٦١، برداختیم ٧٨

~: **فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِن ضُرٍّ** (٨٤:٢١)

برداشتیم ٢، گشادیم ٣، ببردیم ١٢، بگشادیم ما ٣٩، برهانیدیم ما ٤١، برگشادیم ٤٢، بازبردیم ما ٥٦

~: **وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم** (٧٥:٢٣)

بگشادیمی ٢، ورداشتمانی ٢٩، دورکنیم ٣٩، بازبردیمی ٤٧، بازداریم ٥٣، بازکردیم ٥٨، بازکردیمی ما ٧٧، وابردمانی ٧٩، پیدا کنیم ٨٧، برداشتمانیم ما ٨٩، برداشت مانی ما ١٠٦، بگشادیمی ١٠٨، وابردیمی ١١٤، بازبَریم ١١٩، برداشتمانیم ١٣٤، برداشتمانی ما ١٣٨، بَازگشادیمی ١٣٩

~: **فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ** (٥٠:٤٣)

ببُردیم ما ٢، بَبُردیمی مَا ٢٢، دور کردیم ٣٩، واگردانیدیم ٤٩، بردیم ٩٢، برداشتیم ما ١٣٨

~: **فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَاءَكَ** (٢٢:٥٠)

بگشادیم ٢، وابردیم ٦، ما بگشادیم ٣٩، باز گشادیم ٤٢، باز داشتیم ٤٧، باز گرفتیم ٥٣، باز بریدیم ٥٩، گشادیم ما ٦١، برهنه کردیم ٦٩، وابردیم ما ٧٩، آشکار کردیم ٩٦، برهنه کردیم ما ٩٩، باز کردیم - دور کردیم ١٠٩، واکردیم ١٣٠

كَظِيمٌ: وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ (٨٤:١٢)

اندهگن ١، اندوهگن ٢٤، خشم آلوده ٣٩، فرو می‌خورد ٤١، خشم آلود ٤٨، اندوه بدل همی داشت ٥٣، اندوهگین ٥٨، پر شده از اندوه ٦٢، غمناک و خِشم آلوُدَه ٧٦، خشمناک ٨٠، غم

خورنده ۱۰۵، پر شده از اندوه، خشم فروخورنده ۱۰۹، پر بود از اندوه ۱۱۱، خشم فرو خورد ۱۲۱

~: ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (۱۶:۵۸)
فُرومانده ء از خشم ۲، خشم فروخورنده ۲۹، پر از خشم بر آمده ۳۴، خشم گین ۴۱، فرو مانده از خشم ۴۲، خِشمْ همَی خورَدْ ۵۳، خشمناک ۵۵، اندوه خورده ۵۷، فرو خورنده ۶۱، خشم فرو برد ۷۶، پر خشم گشته ۹۴، خشمالود ۹۵، پر خشم ۱۰۹، خشمگین ۱۱۴، پر از خشم ۱۲۰، غمناک ۱۲۶، خشم فرو خرنده ۱۳۰

~: ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (۴۳:۱۷)
خشم فُرو خُورده ۲، خشمناک ۳، خشم فرو خورده ۱۶، خِشمِ فروا خُوردهْ ۲۲، خشم فرو برنده ۲۹، خشم گیر ۳۰، خشمگین و اندوهگن ۴۹، اندوه فرو خورنده ۶۱، خشمگن ۱۰۰، خشم ۱۲۳، خشم خورنده ۱۲۴، خَشْمناک ۱۳۲، غم بدل فرو برد ۱۳۳

اَلْكَعْبَةِ: يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ (۵:۹۵)
خانه ۲۶، خَانه خُدَای ۵۵، خانه خدای ۷۶

اَلْكَعْبَيْنِ: وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ (۵:۶)
اشتالَنگ ۲، دو شتالنگ ۳، هَردَو بزَول ۱۰، شتا لنگ ها ۱۰ مکرّر، شتا لنگ ۳۰، بزول ۴۲، بشتالنگ ۴۹، هردو شتَالِنگ ۵۵، شتالک ۷۵، شتالگنها ۹۴، دوبزول ۱۰۲، دوشالنگ ۱۰۴، بزول ۱۰۵، دو استخوان بر آمده میان پشت پای ۱۱۶، دو اشتالند ۱۱۹، دو استخوان ۱۲۳، هر دو اشتالنگ ۱۲۴، دو استخوان که از پشت قدم برخواسته ۱۲۶، شتالنگها ۱۲۸، بر آمده گی قوزک پا ۱۳۶

کَفَّ: فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ (۵:۱۱)
وازداشت ۱، فُرو گرفت ۲، بازداشت ۳، کوتاه کرد ۲۴، دور کرد ۳۶، بآز دَاشْت ۵۵، باززد ۶۱، باز گردانید ۹۲، باز د آشت ۹۴

~: وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ (۴۸:۲۰)
فرو گرفت ۲، واداشت ۶، باز گرفت ۲۹، بازدارد ۳۰، کوتاه کرده است ۶۴

كِفَاتًا: أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (۷۷:۲۵)
درآورستار[1] ۱، جَاء باز گشتن ۲، فراهم آرنده ۳، جای باز گشتن ۳۰، بسنده ۳۹، گرد کننده و با خود گیرَنده ۴۲، جای فراهم آمدن ۴۳، آرامگاه ۴۸، فرد کننده ۵۲، فراز آرنده ۵۶، با هم آورده ۷۶، گرده کننده ۹۶، فراهم دارنده ۱۰۲، پوشنده ۱۰۳، گرد کننده با خود گیرنده ۱۰۵، با هم آورنده ۱۰۶، فراهم آورنده ۱۲۱، باردان ۱۲۶، جای فراهم ۱۳۹

اَلْكُفَّارُ: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ (۲:۱۶۱)
ناگرَوِنْد گان ۵۵، ناسپاس ۶۱

~: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ (۳:۹۱)
ناگرویده گان ۳۰، ناسپاسان ۶۱

~: أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ (۵:۵۷)
ناگروید گان ۲، ناگرَوِنْد گان ۵۵

~: وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ (۹:۶۸)
ناگِروند گان ۱۱۴

~: وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ (۱۳:۴۲)
ناگروید گان ۲، نابروند گان ۶

~: كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ (۵۷:۲۰)
برزگران ۱، کشاورزان ۳، کشاورز ۴۱، بَرزِگران

---

۱. در آورستار: فراهم آورنده؛ جمع کننده.

۴۲، برزیگران ناسپاسان ۱۰۹، برزگران ۱۱۳، برزیگران ۱۱۷

~: فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (۸۳:۳٤)
ناگروندگان ۲

کَفّاراً: وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (۷۱:۲۷)
ناسپاس دار ۲، ناسپاس ٦، ناسپاس داران ٦٤، نیک نسپاس ۸۰، ناگرونده ۱۰۲، بسیارناسپاس ۱۲۲

کَفّار: وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (۲:۲۷٦)
ناسپاس ۱، ناسپاس دار ۲، نیک نسپاس ۳، ناسپاس دار ٤۲، ناسپاس ۵۵، ناگرویده ۸٤، ناسپاسی کننده ۹۹، ناسپاس ۱۰۰، نگرونده ۱۰٤، ناسپاس بزه کار ۱۱۲

~: إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (۱٤:۳٤)
ناسپاس دار ۲، نیک نسپاس ۵۵، ناسپاس دارنده ۵٦

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (۳۹:۳)
نوسپاس ٤۱، نسپاسی کننده ۸۱، سخت ناسپاس ۹۲، بسیار ناسپاس ۱۱۱

~: أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ (۵۰:۲٤)
گبر ۳۹، نسپاسی کننده ۸۱، ناگرویده ۸٦، نسپاس ۹۱

کُفّاراً: لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا (۲:۱۰۹)
ناگرویدگان ۳، ناگرویدگان ۵۵، ناگروندگان ۱۱۱

کَفّارَة: فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ (۵:٤۵)
پوشش ۲، پوشندهٔ گناه ۳، پوشش ۱۰ مکرّر، پوشندهٔ گناه ۵۵، گردیده ۷۵، پوشنده گناه ۸۰، پوشیدگی ۱۰۹

کَفّارَتُه: فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ (۵:۸۹)
پوشش ۲، پوشش ـ پوشیدن ۳٦، پوشانیدن ۵٦، پوشاننده ۸۰، پوشنده ۹۱

أکُفّارُکُم: أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَٰئِكُمْ (۵٤:٤۳)
گبرکان ۳۹، ناگرویدگانیان ۹۱، ناگرویدگان ۱۱٦

کَفَرَ: وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ (۲:۱۰۲)
نبشت جادوی ٤۰، ناخستون شد ٦٤

~: فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ (۲:۲۵۳)
نگروید ۲، نگروید ٤۲

~: وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۳:۹۷)
ناسپاسی کند سرباز زند ۵۵، نسپاسی کند ۸۰

~: فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ مِنْكُمْ (۵:۱۲)
بنگرود ۹٤، نه گرود ۹۷

~: وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (۲۷:٤۰)
ناسپاس داری کند ٦۱، ناسپاس شد ۱۱٤

~: مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا (۳۰:٤٤)
نگرویده است ۱۱٦

~: وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۳۱:۱۲)
ناسپاسی کند ۱، ناسپاس شود ۲٤، ناسپاسی کند ۵۳، ناسپاسی نماید ۱۰٤

~: فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ (۳۵:۳۹)
ناسپاسی کرد ۱۱٦

~: إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ (۸۸:۲۳)
نگرود ۳۰، ناخستون شود ٦۷

★ ما کَفَرَ: وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ (۲:۱۰۲)
نه نبشت جادوی ٤۰، هرگز نافرمان نشد ۱۲۱

کُفِرَ: تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرَ (۵٤:۱٤)
ناسپاسی کرده شد ۱، ناسپاس داشته بود ۳۰، ناسپاسی کردندش ۳۹، ناگرویده شد و ناسپاسی

کرده شد ۱۰۹، نگرویده بود ۱۱۱، ناسپاس بودندش ۱۳۹

اَلْكُفْرُ: وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ (۲:۲۱۷)
ناگرویدگان ۳۰

~: فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ (۳:۵۲)
ناگرویدن ۳، نابرویدن ۴۰، ناگرویدگی ٦٤

~: أَيَأْمُرُكُم بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (۳:۸۰)
پوشیدن ۱۲۳

~: إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ (۹:۲۳)
ناگروش ۹٤

~: إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ (۹:۳۷)
ناگروندگی ۱۰۹

~: وَلَٰكِن مَّن شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا (۱٦:۱۰٦)
ناگرَویدَن ۵۵

~: وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ (۳۹:۷)
ناسپاسی کردن ۱۱٤، ناسپاسی ۲٤

~: وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ (٤۹:۷)
گبرکی ۳۹

كَفَّرَ: كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ (٤۷:۲)
محاکند ۱، بپُوشانید ۲، فروپوشد ۳، بیامرزید ۲٤، بپوشید ۲۹، بپوشاند ۳۰، بستَردْ ۵۳، درگذشت ٦۱، درگذارد ۷۸، واپوشانید ۷۹، فرو پوشید ۹٤، پوشید ۹٦، باز پوشاند ۱۰۰، درگذاشت ۱۰۲، درگذارند ۱۰۳، بپوشانید ۱۰۸، درگذراند ۱۱۱، واپوشاند ۱۱۳، درگذرد ۱۱۵، بپوشاند و درگذراند ۱۱٦، به پوشانید ۱۲٤

كَفِّرْ: وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا (۳:۱۹۳)
محاکن ۱، بپُوشان ۲، پوشان ۳، بپوشان ۲٤، درگذار ۲۵، پاک گردان ۳٦، بستر ۳۸، بپُوشان ٤۲، بپوش ۵۳، فروگذار ٦٤، بستر ۷٦، بپُوش ۹٤، بازپوشان ۱۰۰، فراگذار ۱۰۲، درگذر ۱۰۳، بازدار ۱۱۸، درگذران ۱۲۳، به پوشان ۱۲٤، به پوش ۱۳۰

كُفْرًا: ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا (۳:۹۰)
دوستی کردن و اجهُودان ۱۰

~: ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ (٤:۱۳۷)
ناگرویدن ۳

~: مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا (۵:٦٤)
ناسپاسی ۱۰۰

~: مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا (۵:٦۸)
سَرزدگی ۲، ناسپاسی ۳۹، پوشیدن ۵۸، ناسپاس بی‌راهی ۷۵

~: اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا (۹:۱۰۷)
ناگرویده کاری ۱۲۸

~: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا (۱٤:۲۸)
نسپاسی ۲، بناسپاسی ۳٦

~: فَخَشِينَا أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا (۱۸:۸۰)
ناگرویدگی ۵۸، سرکشی ۱۱۱، ناپاکی ۱۱٦

كُفْرَانَ: وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ (۲۱:۹٤)
ناسپاسی کردن ۱، ناسپاسی نباشد ۲، ناسپاسی ۳، ناشناختن ۱۲، ناسپاس ۳۰، باز پوشانیدن ۱۰٦

★ لا كُفْرَانَ: فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ (۲۱:۹٤)
ناسپاس داری نباشد ۹٤، باز نپوشانند ۱۳۸

اَلْكَفَرَةُ: أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ (۸۰:٤۲)
ناسپاس داران ۲، ناگروندگان ۵٦، ناگرویدگان ۸۰

كَفَرَتْ: فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ (۱٦:۱۱۲)
ناسپاس دار شدند ۲، نُسپاسی کردند ۳، ناسپاس

کردند ۲٤، نسپاسی کردند ۳۰، ناسپاس دار شدند ۵۲، نَاسْپَاسِی گَرْدند ۵۵، ناسپاسی کردند ۵٦، ناسپاس شد ۵۹، ناسپاسی گرد ٦۱، ناسپاس شدند ٦٤، ناسپاسی کرد ۹۲، ناسپاس گشتند ۹٤

~: فَآمَنَت طَّآئِفَةٌ مِّنۢ بَنِىٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَكَفَرَت طَّآئِفَةٌ (٦۱: ١٤)
نگرویدند ۵٦

كَفَرْتُ: إِنِّى كَفَرۡتُ بِمَآ أَشۡرَكۡتُمُونِ مِن قَبۡلُ (١٤: ٢٢)
بیزارم ۲٤، نگرویدم ۹٤

كَفَرْتُمْ: أَكَفَرۡتُم بَعۡدَ إِيمَٰنِكُمۡ (۳: ۱۰٦)
نگروید گی کردید ۱۰۹

~: وَلَئِن كَفَرۡتُمۡ إِنَّ عَذَابِى لَشَدِيدٌ (١٤: ۷)
ناسپاسی کنید ۱، ناسپاس دار باشید ۲، نسپاسی کنیت ۳، ناسپاسی کنی ۲٤، ناسپاس باشید ۵۲، ناسپاس شوید ۵۳، نسپاسِی کَنِیتْ ۵۵، ناسپاس شَوی ۵۹، ناسپاسی کنید شما ۸۹، ناسپاس دارید ۹٦، ناسپاس گردید ۱۱۲

~: فَيُغۡرِقَكُم بِمَا كَفَرۡتُمۡ (۱۷: ٦۹)
ناسپاسی کردید شما ۹۲، ناسپاس کردید ۱۱۱

~: إِذَا دُعِىَ ٱللَّهُ وَحۡدَهُۥ كَفَرۡتُمۡ (٤۰: ۱۲)
نگرویدندی ٦٤، نمیگرویدید ۱۱۱، نگروید ۱۱٤

~: إِن كَانَ مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ ثُمَّ كَفَرۡتُم بِهِۦ (٤۱: ۵۲)
ناخستون شوید ٦٤، نسپاسی کردی ۸۱

★ لَئِنْ كَفَرْتُمْ: وَلَئِن كَفَرۡتُمۡ إِنَّ عَذَابِى لَشَدِيدٌ (١٤: ۷)
اگر نگروید ۱۱۱

بِكُفْرِكَ: قُلۡ تَمَتَّعۡ بِكُفۡرِكَ قَلِيلًا (۳۹: ۸)
ناگرویدن ۸۱، ناسپاسی ۹۲، ناگرویدن و ناسپاسی ۱۱۱

كَفَرْنَا: وَكَفَرۡنَا بِمَا كُنَّا بِهِۦ مُشۡرِكِينَ (٤۰: ۸٤)
بیزار گشتیم ۲٤، نگرویدیم ما ۱۲۳، ناگروید ۱۳٦

~: كَفَرۡنَا بِكُمۡ وَبَدَا بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةُ (٦۰: ٤)
نگرویدیم ۵٦

كَفَّرْنَا: وَٱتَّقَوۡاْ لَكَفَّرۡنَا عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ (۵: ٦۵)
محا کردی ایما ۱، بپوشانیدیمی ۲، پوشیدیمی ۳، بپوشانیدیم ۱۰ مکرّر، بپوشانیم ۲٤، درگذاریم ۳٦، بستریم ۳۸، بپوشیدیمی ما ۵٦، بپوشانیدمانی ۵۷، پوشیدیمی ما ۵۸، بپوشیم ٦۷، بپوشیدمی ما ۷٦، واپوشانیدمانی ۷۹، ببردیمی ۸۸، بپوشیدمانی ۱۰۰، پوشیدیمانی ما ۱۰٤، بپوشیدمی ۱۰۵، بپوشانیدمی ۱۰۷، درگذرانیم ۱۱٦، پوشانیدمی ۱۲٦، بپوشانیم ما ۱۲۷، بپوشیدیم ۱۲۸، درگذرانیدیم ۱۳۰

كُفْرُهُ: مَن كَفَرَ فَعَلَيۡهِ كُفۡرُهُۥ (۳۰: ٤٤)
ناگرویدن ۵٦، ناسپاسی ۱۱٤

~: وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحۡزُنكَ كُفۡرُهُۥٓ (۳۱: ۲۳)
نابرویدن ٤۵

كُفْرِهِمْ: بَل لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَقَلِيلًا (۲: ۸۸)
ناگَرَوِیدَنْ ۵۵، ناگرویدن ۱۱٤

~: وَأُشۡرِبُواْ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلۡعِجۡلَ بِكُفۡرِهِمۡ (۲: ۹۳)
ناسپاسی ۳۸، ناگرویدن ۵۵

~: وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ ٱللَّهُ بِكُفۡرِهِمۡ فَلَا يُؤۡمِنُونَ (٤: ٤٦)
ناگرویدن ۲، ناگرویدَن ٤۲

~: وَكُفۡرِهِم بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ (٤: ۱۵۵)
نگرویدن ۱۱٦

~: وَلَا يَزِيدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ كُفۡرُهُمۡ إِلَّا خَسَارًا (۳۵: ۳۹)
ناگرویدگی ۹۲

كَفَرُوا: إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ (۲: ٦)
بگرویدند بزبان ۸٤

~: وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَآ (۲: ۳۹)
نگورویند ۱۲۸

~: وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُوا (۲:۱۰۲)
نبشتند ۴۰

~: وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ ٱلَّذِي يَنْعِقُ (۲:۱۷۱)
بنگرويدند ۴۸

~: زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا (۲:۲۱۲)
بگرويده‌اند ۱۱۱

~: وَمُطَهِّرُكَ مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا (۳:۵۵)
بنه برويدند ۴۰

~: وَجَاعِلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوكَ فَوْقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا (۳:۵۵)
نه برويدند ۴۰

~: فَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا (۳:۵۶)
نگرويدنْد ۲، نابرويده باشند ۴۰

~: وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَآءً (۴:۸۹)
نگرويدند ۲، نگرويدند ايشان ۲۹

~: يَتَوَلَّوْنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا (۵:۸۰)
پوشيدند ۳۷

~: لَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۶:۷)
نگرُويدند ۸۸

~: وَقَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِۦ (۷:۹۰)
ناخستون شدند ۶۴

~: وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ (۸:۷۳)
نگرويده‌اند ۱۳۰

~: وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۹:۳)
ناخستو شدند ۶۷

~: إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ (۹:۸۴)
ناگرويده شوند ۱۲۸

~: أَلَآ إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ (۱۱:۶۰)
ناسپاسی کردند ۳، ناسپاس گشتند ۵۲، ناسپاسي گردنْد ۵۵، ناسپاس شدند ۹۶، نافرمانی کردند ۱۱۴، فرمان نبردند ۱۲۲

~: بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ (۱۳:۳۳)
نگرويدند ۲

~: مَّثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ (۱۴:۱۸)
ناگرويده شدند ۲۹

~: رُّبَمَا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (۱۵:۲)
نه گرويدَنْد ۵۵

~: وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِـَٔايَٰتِنَا (۳۰:۱۶)
نه گرويدند ۳

~: يَوْمَ ٱلْفَتْحِ لَا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا إِيمَٰنُهُمْ (۳۲:۲۹)
نگرويده‌اند ۶۴

~: ذَٰلِكَ ظَنُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا (۳۸:۲۷)
ناگرويدند ۹۲

~: أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَٱلَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ ٱلْمَكِيدُونَ (۵۲:۴۲)
گبر شدند ۳۹

كَفَفْتُ: وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ عَنكَ (۵:۱۱۰)
وازداشتم ۱، بازداشتم ۲، باز داشتیم ۳، کوتاه کردم ۹، بگردانیدم ۴۱، بازداشتَم ۴۲، بازداشتَم ۵۵، بسنده کردم ۶۱، من باز داشتم ۱۰۴، باز داشتم من ۱۲۳

ٱلْكِفْل: وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا ٱلْكِفْلِ (۲۱:۸۵)
بهر ۱۲۱

~: وَٱذْكُرْ إِسْمَٰعِيلَ وَٱلْيَسَعَ وَذَا ٱلْكِفْلِ (۳۸:۴۸)
پذيرفتاری ۹۰، پذرفتاری ۱۰۸، پايندانی ۱۲۳

كِفْلٌ: يَكُن لَّهُۥ كِفْلٌ مِّنْهَا (۴:۸۵)
نياوه ۱، بَهر ۲، بهره ۳، بخش ۴۱، بزه ۴۹، بَهره ۵۵،

همچنان ۷۵، برخ ۸۴

كَفَّلَهَا: وَأَنۢبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا (۳۷:۳)

بسپرد ۲، پذرفتاری کرد ۳، برپذیرفت ۱۰، پذیرفت ۲٤، پذیرفتاری کرد ۲۷، بسپرد ۲۹، پذیرفتار کرد ۳۰، پذیرفتار شد ۳٦، میانجی شد ۳۹، فااسپُرد ٤۰، بپذیرفت ٤۱، پایندان کرد ٤۹، پَذرِفتارِی گَرد ۵۵، در پذیرفت ۵۷، میانجی کرد ۵۸، سپرد ٦۱، پایندانی کرد ٦۳، باز گذاشت ۷٦، پدرفتاری کرد ۸۰، پایندان گردانید ۸۹، پذرفتار کرد ۹۱، پآیندانی کرد ۱۰۰، فراسپرد ۱۱۱، نگهبانی کرد ۱۳٦، بپذیُرفت ۱۳۸

كِفْلَيْنِ: يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِۦ (۲۸:۵۷)

دونیاوه ۱، دوُبهره ۲، دو بهره ۳، دوپاره ۲٤، دو برخ ۳۸، دو بخش ٤۳، دو چند مزد ۵۲، دو چندان ۵٦، دو بخشش ۹۰

كُفُّوا: أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوٓا۟ أَيْدِيَكُمْ (۷۷:٤)

وازدارید ۱، فروگیرید ۲، بازداریت ۳، فَرَودَارَید ۱۰، نگاه داری ۲٤، فرود آرید ۲۹، بازدارید ۳٦، بازگیرند ۳۸، فروگیرید ٤۲، کوتاه گیرید ٤۵، بَاز دَاریتْ ۵۵، دست بداری ٦۰، باززنید ٦۱، بازَگیرید ۸۸، باز ایستیت ۹۷، بازد آرید ۱۰۰، مگذارید ۱۲٤، بازخود گیرند ۱۳۸

كُفُوًا: وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدٌۢ (٤:۱۱۲)

همتا و مانند ۲٤، همتا ٤۱، مانند ۹٦، همتای ۱۱٤

كَفُورًا: وَكَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورًا (۲۷:۱۷)

ناسپاس دارْ ۲، نیک نسپاس ۳، نوسپاس ٤۱، ناسُپَاس ۵۳، نِیک نسَپاس ۵۵

~: وَكَانَ ٱلْإِنسَٰنُ كَفُورًا (٦۷:۱۷)

ناسپاس ۱، بسیار ناسپاس ۱۱۱

~: إِنَّا هَدَيْنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (۳:۷٦)

ناسپاسی کردن ۱، ناسپاس دار ۲، ناسپاس و نافرمان ۱۰۲، سپاس نادارنده ۱۱٤

~: فَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا (۲٤:۷٦)

نسپاس ۱۹، بزه کاری ۹٦، ناسپاس گزاری ۱۲۲، ناس پاس ۱۳۰، ناسپاس گزار ۱۳۲، ناسپاسی ۱۳۸

كَفُورٌ: إِنَّهُۥ لَيَـُٔوسٌ كَفُورٌ (۹:۱۱)

نوسپَاس ٤۱، ناسپَاس ۵۳، نَاسْپَاس ۵۵، نَاسپَاس ٦۲، نافرمان ٦۹، نسپاس ۸۰، ناسپاسی کننده ۱۲٦

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (۳۸:۲۲)

ناسپاسْ دار ۲، ناسِپَاس ۵۳

~: إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَكَفُورٌ (٦٦:۲۲)

ناسپاس و ناشناس ۱۱۱، بسیار ناسپاس ۱۱٦

~: وَمَا يَجْحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ (۳۲:۳۱)

نیک نسپاس ۳، ناسِپاس ۵۳

~: وَهَلْ نُجَٰزِىٓ إِلَّا ٱلْكَفُورَ (۱۷:۳٤)

ناسپاسْ ۲، ناسپاس دار ۳۰، ناسپاسی کردن ٤۲، ناسپاسان ۵٦، ناسپاسی ۸۷، نَسپاس ۱۱۹، ناسپاس گزاران ۱۲۲، ناسپاس گذاران ۱۳۲

~: كَذَٰلِكَ نَجْزِى كُلَّ كَفُورٍ (۳٦:۳۵)

ناسپاس ۱، ناسِپَاس ۲۲، ناسُپاس ۵۳، ناسپاس کننده ۸۷

~: فَإِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ كَفُورٌ (٤۸:٤۲)

نسپاسی کُننده ۸۱، سخت ناسپاس ۹۲، ناسپاس و ناگرونده ۱۰۳، نیک ناسپاس ۱۲۱، ناسپاس سخت ۱۲۳

~: إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ (۱۵:٤۳)

نیک نُسپاس ۳۲، نسپاسی کننده ۸۱، ناسَپاسی کننده ۸۷، ناس پاس ۱۲٤

كُفُورًا: فَأَبَىٰٓ أَكْثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۸۹:۱۷)

ناسپاسی ۱، ناسپاسْ داری ۲، ناسپاسی کردن ۳،

نوسپاس ۴۱، ناسپاس داری ۵۲، ناشناختَنْ ۵۳، نَاسْپَاس ۵۵، ناسپاس دار ۱۰۵، ناسپاسی و ناگرویدن ۱۱۶

~: فَأَبَى ٱلظَّٰلِمُونَ إِلَّا كُفُورًا (۱۷:۹۹)
ناسپاس ۸، نوسپَاسَان ۴۱، ناسپاس دآری ۹۴

~: فَأَبَىٰٓ أَكْثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۲۵:۵۰)
نسپاسی ۲، ناسپاسی و نابرویدن ۴۷، ناشْپاسی کَرْدَنْ ۵۳، ناسپاسيِ ۷۶، ناسپاسی کننده ۸۷، نَسپَاسِی ۱۱۹، ناسپاسان ۱۳۸

کَفَی: فَأَشْهِدُوا۟ عَلَيْهِمْ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبًا (۴:۶)
گوس[۱] ۱، بسنده است ۳، پسندیده است ۱۲۸

~: وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ نَصِيرًا (۴:۴۵)
بسندَه، بَس ۱۰، بس ۴۰، بسند است ۷۵

~: وَكَفَىٰ بِهِۦٓ إِثْمًا مُّبِينًا (۴:۵۰)
بسندَه است ۵۷

~: ذَٰلِكَ ٱلْفَضْلُ مِنَ ٱللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ عَلِيمًا (۴:۷۰)
بسنده باشد ۸۴

~: وَأَرْسَلْنَٰكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا (۴:۷۹)
بسنده بُوَد ۱۰، بسنده باد ۲۹

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا (۴:۸۱)
بَس اسْت ۵۵

~: وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا (۴:۱۳۲)
بسنده بود ۳۴، بس بُود ۴۵

~: وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَشْهَدُونَ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا (۴:۱۶۶)
بَسْندَهْ است ۵۳

~: فَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًۢا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ (۱۰:۲۹)
بَسندَ سْت ۲، بس است ۳، بسندَ ست ۱۰، بسنده شد ۲۹، بس بود ۳۸، بس بودست ۵۸

~: كَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًۢا بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ (۱۳:۴۳)
بَسْنْده اَسْت ۵۳، بسنده ست ۱۱۳

~: ٱقْرَأْ كِتَٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ ٱلْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (۱۷:۱۴)
بَسندسْت ۲

~: وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًۢا بَصِيرًا (۱۷:۱۷)
بسنده بود ۸، بسست ۵۹

~: وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا (۲۵:۳۱)
بَسنده است ۲، بسنده ۴۷

~: وَكَفَىٰ بِهِۦ بِذُنُوبِ عِبَادِهِۦ خَبِيرًا (۲۵:۵۸)
بسنده است و بسنده کن ۴۷

~: وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا (۳۳:۳)
بسنده است ۳۴

~: وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلْقِتَالَ (۳۳:۲۵)
گوسی کرد ۱، بسنده کرد ۴۷

~: كَفَىٰ بِهِۦ شَهِيدًۢا بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ (۴۶:۸)
بسندست ۲، بس باشد ۸۱

★ كَفَى بِنَا: أَتَيْنَا بِهَا ۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ (۲۱:۴۷)
بسنده باشیم ما ۲، بسنده ایم ۳، بسندیم ما ۲۴، بسندیده باشم ما ۳۰، بسنده ایم ما ۱۰۳، پسنده ایم ۱۱۱، بسیم ما ۱۳۲

کَفیلاً: وَقَدْ جَعَلْتُمُ ٱللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا (۱۶:۹۱)
میانجی ۱، پذرفتارْ ۲، پذرفتار ۳، گواه ۲۴، پایندان ۲۹، پذیرفتار ۳۰، پذیرفتکار ۳۴، نگاه بان ۳۹، کارران و نگاهبان ۴۱، مِیَانْجِی ۵۳، پذَرفتار ۵۵، پذرفتکار ۵۹، پایندن ۶۳، پذیرفتارگی ۹۶، نگاه

---

۱. گوس: بس، بسنده.

دارنده ۹۹، پایبند ۱۰۶، برخود گواه ۱۱۱، نگهبان ۱۲۹

كَفَيْنَاكَ: إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِءِينَ (١٥: ٩٥)
گوسی کردیم ۱، بسندگی کنیم ۲، بسنده کردیم ۲۹، دور کردیم ۳٦، بسندگی کنیم ٤٢، برگرفتیم ۵۸، بسنده کردیم ما ٦١، بلند گردانیدیم ٧٦، بسنده باشیم ٨٤، بس بود کردیم ٨٨، پسنده باشیم ٩٤، پسندگی کنیم ٩٦، بسنده‌ایم ١٠٢

كَفَّيْهِ: إِلَّا كَبَاسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ (١٣: ١٤)
دودست ۱، دو پنجه ۲۹، هر دو پنجه ۱۱۳، پنجها ۱۱۸

~: فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا (١٨: ٤٢)
دُو دسْت ۲، دستها ٧٦

كَلٌّ: وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ (١٦: ٧٦)
گران ۲۹، افتاده ٤١، گران ۵۵، گنگ ٦١، وبال ٦٢، بمانده ١٠٢، بارگران ١٠٤، مانده ١٠٩

كُلِّ: إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢: ٢٠)
هرْ ۲، هر ۱۰

~: كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ (٢: ١١٦)
همه ۲

~: وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ (٢: ١٤٨)
هر گروه ٥٦

~: أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢: ٢٥٩)
هرْ ٩٤

~: وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (٢: ٢٧٦)
هر ۱

~: كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ (٢: ٢٨٥)
هر یکی ۳

~: يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا (٣: ٧)
هر همه ٦١

~: إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (٤: ٣٣)
هر یک ۱، هر کس ۲۹، هر کسی ۱۲٤

~: فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ (٤: ١٢٩)
همه ٤٥

~: وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ (٦: ١٠١)
همهٔ ۵۳

~: وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٍ (٦: ١٤٦)
هر چه ۲۹

~: وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا (٦: ١٦٤)
هیچ ۲٤

~: قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ (٧: ٣٨)
همگان ۲٤

~: وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (١٠: ٧٩)
همه هر ۵۸

~: كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى (١٣: ٢)
هر یک ۵۵

~: كُلٌّ يَجْرِي إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى (٣١: ٢٩)
همه ۱

~: فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (٥٥: ٥٢)
هر گونه ۳۰

★ لِكُلٍّ: وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ (٤: ٣٣)
بهرهریکی ۵۷

~: لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا (٥: ٤٨)
مرهریکی را ۱۲٤

~: وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِمَّا عَمِلُوا (٦: ١٣٢)
مرهریک را ٩٤، هر یک را ١١٤، مریکی را ١٢٤

~: قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَٰكِن لَّا تَعْلَمُونَ (٣٨:٧)
مرهریک را ١١٤

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (٣٣:٤٢)
مرهر ٨١

★ لِكُلِّ شَيْءٍ: تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ (٨٩:١٦)
مرهرچیز را ٥٨

★ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ: وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا (٢:٢٢)
هر تنی که بار دهد ٣٤

★ كُلَّ مُمَزَّقٍ: إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ (٧:٣٤)
هر چه پاره ترّ ٤١

كُلاًّ: وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ (٩٥:٤)
هر یک ٢، هر یکی ٣

~: وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ (١٣٠:٤)
هر کرا ٧٥

~: وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا (٨٤:٦)
هَر یک ٥٥، هر کس ٦٢

~: وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ (٤٦:٧)
همه کس ١٣٠

~: وَكُلًّا نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِ الرُّسُلِ (١٢٠:١١)
همه ١، هَر یک ٥٥

~: وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا (٣٩:٢٥)
هَمه ٥٦

~: فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ (٤٠:٢٩)
هر که و همه ٤٧

كُلا: وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا (٣٥:٢)
بخورید ٢، بخوریت ٣، مَی خُورّید ١٠، بُخَوریت ٥٥، می خورید ٦٣

~: فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا (١٩:٧)
بخورید ١، بخورّید ١٠، بخوریت هر دو ١٠ مکرّر بخوری ٢٤، هر دو بخوریت ٤١، بخورید هر دو ٥٢، بخورید تان ٦١، بخورید هردوان ٩٦

كَلَّا: كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ (٧٩:١٩)
هر آینه نباید ٢، نه چنانست ٣، بدرستی که ٤١، چنان نیست ٥٨، نباید چون ٦١، نه چنانست نباید چنین گفت ٩٤، هر آینه نباید چنین گفتن ١٠٨

~: كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ (٨٢:١٩)
هر آینه نباید چُنین ٢، چنانست ٥٨، نباید چنین ٦١، نیست آنچنان ٦٤، نیست ٨٧، چنین نباشد ١٢٨

~: كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا (١٠٠:٢٣)
نه چنان بود ٣، چه دورست ٩٢

~: قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا (١٥:٢٦)
نه چنان باشد ٦٤

~: قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (٦٢:٢٦)
دورست ٢٩، نچنانست ٨٦، نچنین است ١٣٢

~: أَرُونِيَ الَّذِينَ أَلْحَقْتُم بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا (٢٧:٣٤)
نیست چنین ٥٦

~: كَلَّا إِنَّهَا لَظَىٰ نَزَّاعَةً لِّلشَّوَىٰ (١٥:٧٠)
نچنین ١، نباشد ٢، نه چنان است ١٢٣، این نباشد ١٢٤

~: كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّمَّا يَعْلَمُونَ (٣٩:٧٠)
نه چنانستی ٩٢

~: كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا (١٦:٧٤)
نباشد این چُنین ٢، نباشد این چنین ٣٠

~: كَلَّا وَالْقَمَرِ وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ (٣٢:٧٤)
سو گند ست ١٠٨

~: كَلَّا بَل لَّا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ (٥٣:٧٤)

نباشد چنین ۸۸

~: كَلَّا لَا وَزَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ ٱلْمُسْتَقَرُّ (۷۵:۱۱)
سوگند که ۲، نباشد آن ۲۹، نه چنین باید ۵٦

~: كَلَّآ إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ (۸۰:۱۱)
نباید چُنین ۲، دوری باد ٦٤

~: كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِٱلدِّينِ (۸۲:۹)
نَچُنین بایَد ۲

~: كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ ٱلْيَتِيمَ (۸۹:۱۷)
نیست چنین ۲، نه چنین است ۳۹

~: كَلَّآ إِذَا دُكَّتِ ٱلْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۸۹:۲۱)
نباید چنین ۲، باز ایست ۱۳٦

كَلَالَةً: وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَٰلَةً أَوِ ٱمْرَأَةٌ (۴:۱۲)
بی پدر و بی مادر و بی فرزند ۲، جز مادر و پدر و فرزند ۳، بُرادرُ و خُواهر هم مادر ۱۰، نه پدر دارد و نه فرزند ۲۳، آن بود که مادر و پدر نبود ۲٤، خواهران و برادران مادری ۲۷، بی مادر و بی پدر و بی فرزند ۲۹، فرزند و پدر ۳٦، برادر و خواهر هم مادر ٤۰، جُز مَادَر و پَدَر و فَرزَند ۵۵، بی مادر و پدر و فرزند ۵٦، فرزندان نباشد و مادر و پدر نباشد این چنین مرد را ۵۸، مردی که نه زن باشد او را و نه فرزند ٦۱، وَیرا پدر و مادر نبود ٦۲، از برادران مادری ۷٦، آن بود که مادر و پدر نبود ۸٤، نه پدر بود نه پسر ۸۸، بجز پدر و پدرپدر و فرزند ۹۱، خویشان ۹٦، جُز مادر و پدر و فرزند ۹۷، بی مادر و پدر ۱۱۹، بی پدر و مادر بی فرزند ۱۲۱، نه پدر دارد و نه مادر و نه فرزند ۱۲٤، مرده بی پدر و مادر و فرزند ۱۳٦

~: يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ ٱللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِى ٱلْكَلَٰلَةِ (۴:۱۷٦)
مادر و پدر و فرزند ۳، آنکهِ نَه پدرُ و نَه فرزند بُوَد ۱۰، آنکه نه پدر بود او را نه فرزند ۲۷، مردی کمرو را پسر نباشد نه پدر ٤۹، [بی] پدر و بی مادر و بی فرزند ۵۲، آنکس که نه پدر دارد و نه فرزند ۵۳، جُز مادَر وُ پَدر و فَرزَند ۵۵، آنکه مادر و پدر و فرزند ندارد ۵٦، جز مادر و پدر ۷۵، برادران مادری ۷٦، بی پدر و بی فرزند ۷۸، بی پدر و مادر و فرزند ۸۳، آنکه نه پدر دارد و نه فرزند ۸٤، جز پدر و پدر پدر و فرزند ۹۱، بی مادر و بی پدر ۹٤، بی پدر و بی فادر و بی فرزند ۱۰۵، مردن بی پدر و مادر و فرزند ۱۰۹، مرد بی پدر و مادر و فرزند ۱۱٤، مرده ایکه نه پدر دارد نه فرزند ۱۲۱، زنی که نزاد ۱۲٤، برادران و خواهران پدری یا پدر مادری ۱۲۷

كَلَامَ: يَسْمَعُونَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُۥ (۲:۷۵)
سخُن ۲، سخن ۳، سَخُن ۱۰، سخون ٦۱

~: فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ (۹:٦)
سخنان ۱

بِكَلَامِى: إِنِّى ٱصْطَفَيْتُكَ عَلَى ٱلنَّاسِ بِرِسَٰلَٰتِى وَبِكَلَٰمِى (۷:۱٤٤)
سخنان ۱، سخن ۳، سخن و گفت ۵۸، سخون ٦۱، سَخُن ۹٤، سخن گفتن ۹٦، سخنگویی ۱۲۲

كِلَاهُمَا: إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ ٱلْكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوْ كِلَاهُمَا (۱۷:۲۳)
هردوا ۱، هردو ۳، هَردو ۳۰، هَردُو ٤۲، هَرْدوُ ۵۳، هردو ایشان ۵٦، هردوُ ۵۷، هردوان ۵۹، هردوشان ۹۲، هردو ازیشان ۹٤، دو ۱۰٦

ٱلْكَلْبِ: فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ ٱلْكَلْبِ (۷:۱۷٦)
سگ ۱، سَگ ۵۵

كَلْبُهُمْ: وَكَلْبُهُم بَٰسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِٱلْوَصِيدِ (۱۸:۱۸)
سگ ۱، سَگ ۲

كِلْتَا: كِلْتَا ٱلْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أُكُلَهَا (۱۸:۳۳)
هردوا ۱، هردو ۲، دو ٤۳، هر یکی از آن ۷٦، آن

هر دو ۱۰۰، اینتان ۱۱٤، آن دو ۱۲۲، هر ۱۲۹

* كِلْتَا ٱلْجَنَّتَيْنِ: كِلْتَا ٱلْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أُكُلَهَا (۱۸: ۳۳)
هر دو بوستان ٤۱، هر دو بستان ۵۸، آن دو بوستان ۵۹

كِلْتُمْ: وَأَوْفُوا ٱلْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ (۱۷: ۳۵)
بپیمید ۱، بپیمایید ۲، بپیمایت ۳، پیمایید ۲۹، بپیمائید ۳۸، بِپیمائید ۵۳، بپیمایید ۵٦، پیمودی ۵۹، پیمان کنید ۷٦، بپیمائید شما ۹۳، به پیمایید ۱۰٦، پیمانه کردید ۱۱٤، پیمانه کنید شما ۱۱۸، برپیمایید ۱۲۱

ٱلْكَلِمُ: يُحَرِّفُونَ ٱلْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ (٤: ٤٦)
سخن ۱

~: يُحَرِّفُونَ ٱلْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ (۵: ۱۳)
سخُن ۲، سخنها ۳، سخون ٦۱، سخنهاء ۹۰

~: يُحَرِّفُونَ ٱلْكَلِمَ مِنۢ بَعْدِ مَوَاضِعِهِۦ (۵: ٤۱)
سخَنها ۷۰

~: إِلَيْهِ يَصْعَدُ ٱلْكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ (۳۵: ۱۰)
سخنان ۳

كَلَّمَ: مِّنْهُم مَّن كَلَّمَ ٱللَّهُ (۲: ۲۵۳)
سخن گفت ۱، سخن گُفت ۲، سخُن گفت ۱۰، سخن خویش بشنوانید ۲۵، سخن گفته است ۲۹، سَخُن گُفت ٤۲، سخون گفت ٦۱، سخن بگفت ٦٤، سخن گوید ٦۹، سخن کند ۹۰، سخن کرد ۹۸

~: وَكَلَّمَ ٱللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا (٤: ۱٦٤)
سخون کرد ٦۱، سخُنْ گفت ٦۲

كُلِّمَ: أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ ٱلْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ ٱلْمَوْتَىٰ (۱۳: ۳۱)
بسخن آورده شدندی ۱، بسخن آوردندی ۲، سخن گفته شد ۳، سخن گفتندی ۵، سخن گُفتی ۲٤، گویا کنند ٤۱، بسخن آوردندی ٤۲، سخن گفته شوند ۵٦، بسخن آرند ٦۰، سخون گفته شدی ٦۱، بَسخُن آوُردندِی ۷٦، بسخن آورده شدی ۷۹، سخن گوینده شدندی ۸۰، سخن گفته شود ۹۲، سخن گفته شدی ۱۱٤، بسخن آورده شدند ۱۲۰، بسخن آورده شود ۱۲۲، سخن آوردندی ۱۲۸، فاسخن آیند ۱۳۹

كُلَّمَا: كُلَّمَآ أَضَآءَ لَهُم مَّشَوْا۟ فِيهِ (۲: ۲۰)
هرگه که ٤، هَرگه کِه ۱۰، هرچگاه ۱۰ مکرّر، هر آنچه ٤۸، چون ٦۰، هرانگاه ۱۰۷، هرگاه که ۱۲۲

~: كُلَّمَا رُزِقُوا۟ مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رِّزْقًا (۲: ۲۵)
چن ٤، هر آنگاه که ٤۸

~: أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمْ رَسُولٌۢ (۲: ۸۷)
هرگاه ۲، هربار که ۳، هرآنگه ۲۹، هَرانْ هَنْگام ۵۳، هَربَار ۵۵، ای هرگه ٦۳، هرگه ۷٦، آنگاه ۹۲

~: أَوَكُلَّمَا عَٰهَدُوا۟ عَهْدًا نَّبَذَهُۥ فَرِيقٌ مِّنْهُم (۲: ۱۰۰)
هرگاه ۲، هَرگه ٤۰، آن هنگام ۸۸، هَرگاه ۱۲۱

~: كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا ٱلْمِحْرَابَ (۳: ۳۷)
که ۲۵، هَرگهْ ٤۰

~: كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم (٤: ۵٦)
هرباری ۱، هرآنگاه ۱۰٤

~: كُلَّمَآ أَوْقَدُوا۟ نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا ٱللَّهُ (۵: ٦٤)
هرگاه ۱۰۰، هرگاه چون ۱۲٤، هر چند ۱۲۷

~: كُلَّمَا جَآءَهُمْ رَسُولٌۢ (۵: ۷۰)
همچنانکه ۷۰

~: وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِۦ سَخِرُوا۟ مِنْهُ (۱۱: ۳۸)
هربار ۱، هرگه ۲٤، هرچون ۵۷

~: كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَٰهُمْ سَعِيرًا (۱۷: ۹۷)
هرکجا ۲

~: كُلَّمَآ أَرَادُوٓا۟ أَن يَخْرُجُوا۟ مِنْهَا مِنْ غَمٍّ (۲۲: ۲۲)
هر آن هنگام ۱۲، هرجا ٦۱

~: كُلَّمَآ أَرَادُوٓاْ أَن يَخْرُجُواْ مِنْهَآ أُعِيدُواْ فِيهَا (۲۲:۲۰)
هر آنگاه ۲٤

~: وَإِنِّى كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ (۷۱:۷)
هرباری که ۱، هروقت ٦

كُلَّ مَا: كُلَّ مَا رُدُّوٓاْ إِلَى ٱلْفِتْنَةِ (٤:۹۱)
هربار ۱، هرگاه ۲، هرگه ۱۰، هرآن هنگام ٤٥، هرگاه که ٥٦، هربار که ٥٨

~: كُلَّ مَا جَآءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ (۲۳:٤٤)
هر گه که ۲۹، هر آنگاه ۳۹، هرجا که ۷۷، هرچگاه ۱۰۸، هر گاهی که ۱۱۳

كَلِمَاتٍ: فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٍ (۲:۳۷)
سَخنان ۱۰، سخنی چند ۲٥، سُخنان ٥٥، سخانان چند ۸٥، سخن چند ۱۲۳

~: وَإِذِ ٱبْتَلَىٰٓ إِبْرَٰهِـۧمَ رَبُّهُۥ بِكَلِمَٰتٍ فَأَتَمَّهُنَّ (۲:۱۲٤)
سُخنان ۲، سخنها ۳، فرمانها ۲۹

~: وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِ (٦:۳٤)
سخنان ۲، سخنآن ۱۰۰، سخن ها ۱۱۸

~: لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِ (۱۰:٦٤)
گفتها ٥۱، سَخُن ٥٥، گفتارها ٦٤، گفتهاء ۱۰۳

~: لَّوْ كَانَ ٱلْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَٰتِ رَبِّى لَنَفِدَ ٱلْبَحْرُ (۱۸:۱۰۹)
سخنان ۱، سخونان ٤٤، دانشها ۱۳۲

~: مَّا نَفِدَتْ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِ (۳۱:۲۷)
سخنهاء ٦٤

كَلِمَاتِهِ: ٱلَّذِى يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَكَلِمَٰتِهِۦ (۷:۱٥۸)
سخنها ۳٥، فرمانها ٤۱

~: وَيُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُحِقَّ ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ (۸:۷)
سخنان ۱

~: وَيُحِقُّ ٱللَّهُ ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ (۱۰:۸۲)
سخنهاء ۱۳، سخن ٥٨

~: لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦ (۱۸:۲۷)
سُخنان ٥٥، سخونان ٦۱، گفتهاء ٦٤، گفتها ۱۰۳

~: وَيَمْحُ ٱللَّهُ ٱلْبَٰطِلَ وَيُحِقُّ ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ (٤۲:۲٤)
سُخنان ۲، سَخنان ۳۲، سخُنها ۸۲

كَلِمَةٍ: يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًۢا بِكَلِمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ (۳:۳۹)
سخون ۳۹

~: إِنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ ٱسْمُهُ ٱلْمَسِيحُ (۳:٤٥)
فرزند ۱۰٤

~: وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا (٦:۱۱٥)
سخنها و فرمانها ٤٤، سَخنان ٥۳

~: وَجَعَلَ كَلِمَةَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلسُّفْلَىٰ (۹:٤۰)
سخُن ۲، سخن و کار ٤۱

~: وَلَقَدْ قَالُواْ كَلِمَةَ ٱلْكُفْرِ (۹:۷٤)
کلیمه ۱۱۳

~: كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ (۱۰:۳۳)
سخن ۱

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰:۹٦)
سخن و فرمان ٤۱

~: وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا (۲۰:۱۲۹)
سَخن ۲

~: أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ ٱلْعَذَابِ (۳۹:۱۹)
گفتار ۱۲۲

~: وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ (٤۰:٦)
سُخن ۱۱٤

كَلِمَتُنَا: وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا ٱلْمُرْسَلِينَ (۳۷:۱۷۱)
گفتار ۲٤، سخون ۳۳، سخن ۱۱٤

کَلِمَتُهُ: إِنَّمَا ٱلْمَسِيحُ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ ٱللَّهِ وَكَلِمَتُهُۥ (۴: ۱۷۱)
سخن ۱، سخون ۶۱، گفت ۶۲، گفتار ۹۸

کَلَّمَهُ: وَلَمَّا جَآءَ مُوسَىٰ لِمِيقَٰتِنَا وَكَلَّمَهُۥ رَبُّهُۥ (۷: ۱۴۳)
سخن گفت ۱، سخُن گُفتْ ۲

~: فَلَمَّا كَلَّمَهُۥ قَالَ إِنَّكَ ٱلْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ (۱۲: ۵۴)
سخن گفت ۲، سَخُن گُفت ۵۵، سخون گفت ۶۱، سُخُن گفت ۶۲، سخن کرد ۱۱۶

کَلَّمَهُمُ: وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَآ إِلَيْهِمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ ٱلْمَوْتَىٰ (۶: ۱۱۱)
سخن گفتندی ۱، سخُن گویند ۲، سخن گفتند ۳، سخن گفتی ۲۹، سخون گویند ۳۹، سخنی گفتی ۵۳، سخون گفتی ۶۱، سخن گویند ۷۶، بسخن آوردیمی ۱۰۷، سخن میکردند ۱۱۱، سخن میگفت ۱۱۲، سخن گفت ۱۲۱، سخن میگفتند ۱۲۳، سخن گفتن ۱۲۴

كُلِّهِ: وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِٱلْكِتَٰبِ كُلِّهِۦ (۳: ۱۱۹)
همه ۱، همهَ ۵۳، هَمَه ۵۵

~: لِيُظْهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ (۹: ۳۳)
هَمَه ۵۳

كُلَّهَا: وَعَلَّمَ ءَادَمَ ٱلْأَسْمَآءَ كُلَّهَا (۲: ۳۱)
همه ۲، هَمَه ۱۰، هَرْ هَمَه ۹۴

~: وَلَقَدْ أَرَيْنَٰهُ ءَايَٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ (۲۰: ۵۶)
هر همه ۵۸

~: كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَٰهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ (۵۴: ۴۲)
هَمگنان ۲

كُلُّهُمْ: وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَءَامَنَ مَن فِى ٱلْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا (۱۰: ۹۹)
همه ۵۹

~: فَسَجَدَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۱۵: ۳۰)
همه ایشان ۳، هَمَهْ ۵۳، هر ۷۶

~: وَكُلُّهُمْ ءَاتِيهِ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ فَرْدًا (۱۹: ۹۵)
هر یک ۵۶، همه گان ۸۷، همگیان ۹۰

~: فَسَجَدَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۳۸: ۷۳)
همگنان ۲۲، همه گنان ۳۰، همگان ۷۴، همه ۹۲، همه بیک بار ۱۱۴

كُلُّهُنَّ: وَيَرْضَيْنَ بِمَآ ءَاتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ (۳۳: ۵۱)
همگنان ۳۰، همگِنانْ ۵۳، هر یک ۶۱

كُلُوا: كُلُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقْنَٰكُمْ (۲: ۵۷)
بُخوریت ۵۵، بخرید[1] ۱۰۶

~: فَكُلُوا۟ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ (۲: ۵۸)
مَی خورَید ۱۰

~: كُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ مِن رِّزْقِ ٱللَّهِ (۲: ۶۰)
بُخوریت ۵۵

~: كُلُوا۟ مِمَّا فِى ٱلْأَرْضِ حَلَٰلًا طَيِّبًا (۲: ۱۶۸)
بخوریت ۳، بخُورَید ۱۰

~: كُلُوا۟ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقْنَٰكُمْ (۲: ۱۷۲)
بخورید ۲

~: فَكُلُوا۟ مِمَّآ أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَٱذْكُرُوا۟ ٱسْمَ ٱللَّهِ عَلَيْهِ (۵: ۴)
روا بود خوردن ۱۰

~: وَكُلُوا۟ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلًا طَيِّبًا (۵: ۸۸)
خورید ۱، بخُورِید ۲، بخوری ۲۴

۱. بخرید / بخورید.

~: فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ (۱۱۸:۶)
بخورید ۱، بخورید۱ ۵۸

~: كُلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ (۱۴۱:۶)
مَی خورید ۱۰

~: كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ (۱۶۰:۷)
مَی خُورَید ۱۰

~: فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا (۶۹:۸)
اُکنون مَی خورید ۱۰، بخورید شما ۲۴، بِخَورید ۶۲

~: فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا (۱۱۴:۱۶)
خورَید ۶۲

~: كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ (۵۴:۲۰)
می خورید ۴۸

~: فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (۲۸:۲۲)
بِخُورِنْد ۵۱، بوخرید[1] ۱۱۳

~: كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ (۲۴:۶۹)
خوریت ۸۰

كُلُوهُ: فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ (۴:۴)
بخورید ۱، بخورِید ۲، بخوریت ۳، بخُورَید ۱۰

كُلِي: ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ (۶۹:۱۶)
بخورید ۱، بخُورْ ۲، بخوریت ۳، بخُورید ۵۳، بخوری ۵۷

~: فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا (۲۶:۱۹)
بخور ۱، بُخورْ ۲

كَمْ: سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُم مِّنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ (۲۱۱:۲)
چند بار ۴۰، چه ۱۳۸

~: كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ (۲۴۹:۲)
که بسا ۱۰۰، ای بس ۱۰۱

~: قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا (۲۵۹:۲)
چند ۲، چَند ۱۰، چند یست ۶۳

~: أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ (۶:۶)
چند ۱، چنْد ۲، چَندا ۴۵

~: قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ (۱۹:۱۸)
چند گاه ۴۴

~: أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم (۲۶:۳۲)
بسیار ۸۶، چندی ۱۲۴

وَكَمْ: وَكَم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا (۴:۷)
بسا ۳۶، بسا ۱۰۰، ای بسا ۱۱۲

~: وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا (۷۴:۱۹)
چند گونه ۴۴

~: وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ (۹۸:۱۹)
چند و بسیار ۴۴، بسا ۱۰۰

~: وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً (۱۱:۲۱)
چند که ۱۲، چند ۱۰۰

~: وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ (۵۸:۲۸)
چندا ۳، بس که ۴۷

~: وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ (۶:۴۳)
چَندا ۳۲، بسا که ۶۴، چه بسیار ۱۰۳

~: وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ (۳۶:۵۰)
بسی ۲۹، چندا ـ ای بسا ۱۰۹ چند ین ۱۲۳

★ كُمْ: إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ (۱۴:۲)
شما ۵۵

---

۱. بوخرید / بخورید.

~: وَٱدْعُوا۟ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ (٢:٢٣)
خویش ٢

~: وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ ٱلْبَحْرَ (٢:٥٠)
شما ١٢٣

~: لَا تَسْفِكُونَ دِمَآءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ (٢:٨٤)
یکدیگر ٢٩، یک دیگر ٩٨

~: وَمَا تُنفِقُوا۟ مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنفُسِكُمْ (٢:٢٧٢)
شما مردان ٢٥

~: إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ (٢:٢٨٢)
یکدیگر ١٢٨

~: وَإِن تُبْدُوا۟ مَا فِىٓ أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُم بِهِ ٱللَّهُ (٢:٢٨٤)
واشما ١، شُمارا ٥٥

~: لَن يَضُرُّوكُمْ إِلَّآ أَذًى (٣:١١١)
شمارا ٢، باشما ٥٦

~: أَلَن يَكْفِيَكُمْ أَن يُمِدَّكُمْ رَبُّكُم (٣:١٢٤)
شما ١

~: ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنۢ بَعْدِ ٱلْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا (٣:١٥٤)
أزشما ٢

~: وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَٰنِكُم بَعْضُكُم مِّنۢ بَعْضٍ (٤:٢٥)
شُما ٩٤

~: فَإِنِ ٱعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَٰتِلُوكُمْ (٤:٩٠)
از شما ٥٦، باتان ٦١

~: حَتَّىٰ يَخُوضُوا۟ فِى حَدِيثٍ غَيْرِهِۦٓ إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ (٤:١٤٠)
شماتون ١

~: وَلَا تَرْتَدُّوا۟ عَلَىٰٓ أَدْبَارِكُمْ فَتَنقَلِبُوا۟ خَٰسِرِينَ (٥:٢١)
خویش ١٢٤

~: وَإِذَا جَآءُوكُمْ قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا (٥:٦١)
بشما ٢

~: ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰٓ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ (٦:٦٠)
تان ٩

~: وَلَقَدْ خَلَقْنَٰكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَٰكُمْ (٧:١١)
شمار ٥٧

~: قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَٰرِى سَوْءَٰتِكُمْ (٧:٢٦)
خویش تان ٢٤

~: إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ (٧:٥٤)
خود

~: ٱعْمَلُوا۟ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَٰمِلُونَ (١١:١٢١)
خویشتن ٢٤، خُود ٧٦

~: ٱذْكُرُوا۟ نِعْمَةَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ (١٤:٦)
خویشتن شما ٥٨

~: وَقَدْ جَعَلْتُمُ ٱللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا (١٦:٩١)
خُویشتن ٣

~: تَتَّخِذُونَ أَيْمَٰنَكُمْ دَخَلًۢا بَيْنَكُمْ (١٦:٩٢)
یکْ دگر ٢

~: إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ (١٧:٥٤)
برشما ٥٨

~: فَٱبْعَثُوٓا۟ أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمْ (١٨:١٩)
از خود ٥٨

~: لِيَسْتَـْٔذِنكُمُ ٱلَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ (٢٤:٥٨)
خُویش ٢

~: وَقِيلَ ٱدْعُوا۟ شُرَكَآءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ (٢٨:٦٤)
خویش ٦٤

~: ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم تُرْجَعُونَ (١١:٣٢)
شمان ٦١

~: وَمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُم بِٱلَّتِى تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰٓ (٣٧:٣٤)
ایشان ٦١

~: قُلْ أَرَءَيْتُمْ شُرَكَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ تَدْعُونَ (٤٠:٣٥)
خود ٦١

~: وَلَقَدْ أَهْلَكْنَآ أَشْيَاعَكُمْ (٥١:٥٤)
شمان ٣٩

~: يَسْعَىٰ نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَٰنِهِم بُشْرَىٰكُمُ ٱلْيَوْمَ (٥٧:١٢)
ایشان ٦١

~: إِنَّمَا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ قَٰتَلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ (٦٠:٩)
خود شما ٦١

لَكُمْ: ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ فِرَٰشًا (٢:٢٢)
از بهر شمارا ٦٣، بهر شما ٨٠، شما ٨٢

~: ٱلَّذِى خَلَقَ لَكُم مَّا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا (٢:٢٩)
از بهر شما را ١٠، برای شما ٣٦

~: وَلَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ (٢:٣٦)
شمارا ٩٤

~: وَٱبْتَغُوا۟ مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ (٢:١٨٧)
از بهر شما ٣

~: إِنَّ ٱللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا (٢:٢٤٧)
از برای شما ٢٧

~: فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ (٤:١٢)
شماراست ٧٦

~: وَأَن تَصْبِرُوا۟ خَيْرٌ لَّكُمْ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٤:٢٥)
شمار ٥٧

~: أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ ٱلْبَحْرِ وَطَعَامُهُۥ مَتَٰعًا لَّكُمْ (٥:٩٦)
ایشانرا ٦٣

~: نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيٓـَٰٔتِكُمْ (٧:١٦١)
شمانرا ٩٢

~: وَإِنَّ لَكُمْ فِى ٱلْأَنْعَٰمِ لَعِبْرَةً (١٦:٦٦)
مرشما ١١٣

~: وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۢ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا (١٦:٨٠)
از براشما ١١٣

~: يَنشُرْ لَكُمْ رَبُّكُم مِّن رَّحْمَتِهِۦ (١٨:١٦)
برای شمارا ٥٨

~: فَٱرْجِعُوا۟ هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ (٢٤:٢٨)
مرشمارا ٢

~: وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ (٢٨:٥٥)
شمارا باد ٣٠

~: فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ (٣٧:٩٢)
شمارکه ١

~: ٱللَّهُ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَنْعَٰمَ (٤٠:٧٩)
مرشمانرا ٦١

~: أَنْ أَدُّوٓا۟ إِلَىَّ عِبَادَ ٱللَّهِ إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (٤٤:١٨)
شمارا ٢

~: سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ (٥٥:٣١)
بشما ٦٤

~: ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ (٥٨:١٢)
مرشمار ٨٠

★ مالكُمْ: فَمَا لَكُمْ فِى ٱلْمُنَٰفِقِينَ فِئَتَيْنِ (٤:٨٨)
چه بودست شمارا ١٠، چبود شمارا ٥٧

~: ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥ (٧:٧٣)
نیست تان ٥٨

~: مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ ٱنفِرُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ (۹: ۳۸)
چهٔ بُودَست مَرشَمَارا ۵۵

~: وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۹: ۱۱۶)
نبهد شما را ۱، نباشد مرشما را ۱۲۷

~: وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ (۱۱: ۱۱۳)
نباشد شمارا ۷۶

~: أَوَلَمْ تَكُونُوٓا۟ أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٍ (۱۴: ۴۴)
نیست و نباشدتان ۵۸، نباشد شمارا ۷۶

~: بَلْ هُمُ ٱلْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ (۳۷: ۲۵)
چه بودست مرشمارا ۳۰

~: مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًۢا بِٱلْيَمِينِ (۳۷: ۹۲)
چه بود شما را ۲۲

وَلَكُمْ: وَلَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ (۲: ۳۶)
شمآرا ۹۴

لَكُمَا: وَقَاسَمَهُمَآ إِنِّى لَكُمَا لَمِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ (۷: ۲۱)
شمارا ۲۴

~: وَأَقُل لَّكُمَآ إِنَّ ٱلشَّيْطَٰنَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۷: ۲۲)
مرشمارا ۵۸، هردو ۵۸

~: وَتَكُونَ لَكُمَا ٱلْكِبْرِيَآءُ فِى ٱلْأَرْضِ (۱۰: ۷۸)
شمادورا ۱، شمادوتن ۲۴

~: وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَٰنًا (۲۸: ۳۵)
شماهردو ۲۴، شما ۵۸

~: وَٱلَّذِى قَالَ لِوَٰلِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَآ (۴۶: ۱۷)
شمادو ۱

كُنْ: وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (۲: ۱۱۷)
بَباش ۱۰، بُباش ۵۵، پیدا شو ۱۲۲

~: إِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (۳: ۴۷)
هست شو ۳۶، بشو ۱۲۰

~: خَلَقَهُۥ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (۳: ۵۹)
باشد ۶۱

~: وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ (۶: ۷۳)
شو ۳۶، بباشید ۶۴

~: فَخُذْ مَآ ءَاتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ (۷: ۱۴۴)
باش ۱

~: فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ (۱۵: ۹۸)
باش ۵۵

~: فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ (۱۹: ۳۵)
بباش ۲

كُنَّ: إِن كُنَّ يُؤْمِنَّ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ (۲: ۲۲۸)
هند[1] ۱، هستید ۶۴، ایشان ۹۶

~: فَإِن كُنَّ نِسَآءً فَوْقَ ٱثْنَتَيْنِ (۴: ۱۱)
بند[2] ۱، بوند ۹۷

~: قَالَ إِنَّهُۥ مِن كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ (۱۲: ۲۸)
شمارا ۵۶، شما زنان ۵۸

~: وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ (۳۳: ۳۱)
شمان ۹۲

~: وَقَرْنَ فِى بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ (۳۳: ۳۳)
خویش ۳۰، خود ۹۲

~: وَإِن كُنَّ أُو۟لَٰتِ حَمْلٍ فَأَنفِقُوا۟ عَلَيْهِنَّ (۶۵: ۶)

---

۱. هند: هستند.
۲. بند: باشند.

باشند ۳، هستند ۳۹، باشند زنان ۹۶

~: إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبْدِلَهُۥٓ أَزْوَٰجًا خَيْرًا مِّنكُنَّ (۶۶:۵)
شما ۱

کُنّا: قَالُوا۟ فِيمَ كُنتُمْ قَالُوا۟ كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِى ٱلْأَرْضِ (۴:۹۷)
بودیم ۱

~: لَوْ أَنَّآ أُنزِلَ عَلَيْنَا ٱلْكِتَٰبُ لَكُنَّآ أَهْدَىٰ مِنْهُمْ (۶:۱۵۷)
بودی ایما ۱، می بودیم ۱۰۰

~: أَوْ لَتَعُودُنَّ فِى مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَٰرِهِينَ (۷:۸۸)
بَاشَم ۵۵، بوده باشیم ۱۳۶

~: إِن كُنَّا نَحْنُ ٱلْغَٰلِبِينَ (۷:۱۱۳)
بیم ایما[1] ۱، باشیم ۲۷

~: إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَٰفِلِينَ (۱۰:۲۹)
مَابودیم ۲

~: إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا (۱۰:۶۱)
بیم ۱، باشیم ما ۲۹، ما باشیم ۷۶

~: وَمَآ أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَٰدِقِينَ (۱۲:۱۷)
هند ۱، ما هستیم ۶۴، هَستیم ما ۷۶

~: مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَٰرِقِينَ (۱۲:۷۳)
بودیم ۷۶

~: وَسْـَٔلِ ٱلْقَرْيَةَ ٱلَّتِى كُنَّا فِيهَا (۱۲:۸۲)
بُودیم ۲

~: أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبًا أَءِنَّا لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۳:۵)
شویم ۳، گشتیم ۵، گردیم ما ۵۸

~: وَقَالُوٓا۟ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمًا وَرُفَٰتًا (۱۷:۴۹)
شَویم ۵۵

~: قَالُوٓا۟ أَءِذَا كُنَّا عِظَٰمًا وَرُفَٰتًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۱۷:۹۸)
شویم ما ۵۸

~: قَالُوا۟ يَٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ (۲۱:۱۴)
بُودیم ۲

~: لَّٱتَّخَذْنَٰهُ مِن لَّدُنَّآ إِن كُنَّا فَٰعِلِينَ (۲۱:۱۷)
هستیم ما ۱۲، بودمان ۱۱۳

~: وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُۥدَ ٱلْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَٱلطَّيْرَ وَكُنَّا فَٰعِلِينَ (۲۱:۷۹)
مابودیم ۲

~: وَكُنَّا بِكُلِّ شَىْءٍ عَٰلِمِينَ (۲۱:۸۱)
بودیم و هستیم ما ۱۰۰

~: وَعْدًا عَلَيْنَآ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ (۲۱:۱۰۴)
هستیم ۲

~: وَمَا كُنَّا عَنِ ٱلْخَلْقِ غَٰفِلِينَ (۲۳:۱۷)
بودیم ما ۲۴

~: إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (۲۳:۳۰)
خودبودیم ما ۷۷

~: قَالُوٓا۟ أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا (۲۳:۸۲)
شدیم ۳۹، ببودیم ۴۷، گردیم ۵۴

~: وَكُنَّا قَوْمًا ضَآلِّينَ (۲۳:۱۰۶)
مَابُودیم ۵۱

~: وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبًا وَءَابَآؤُنَآ (۲۷:۶۷)
ما ببودیم ۴۷، بودیم و شویم ۵۸، شدیم ما ۹۲

~: وَلَٰكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (۲۸:۴۵)
بوده‌ایم ۹۲

۱. بیم ایما: باشیم ما.

~: أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَءِنَّا لَمَدِينُونَ (۳۷: ۵۳)
بباشيم ۲، باشيم ۸۱

~: وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (۴۳: ۱۳)
بوديم ۳۲

~: أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (۴۴: ۵)
هستيم ۲

~: أَءِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً (۷۹: ۱۱)
گرديم ۱۰۳

★ لَكُنَّا: لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ (۶: ۱۵۷)
بوديمى ۲۴، مابوديمى ۲۹، بودمانى ۵۷، هرآينه بوديمانى ما ۱۰۴، بودمانيم ما ۱۱۱

~: لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (۳۴: ۳۱)
مابودمانى ۲۲، مى بوديمى ما ۹۲

~: لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۳۷: ۱۶۹)
بوديمى ما ۳۳، مى بوديمى ۹۲

★ مَا كُنَّا: إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ (۶: ۲۳)
نبوديم ۱، نُبوديم ۲، ما نبوديم ۲۹، نبوديم ما هرگز ۱۰۰

~: فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ (۷: ۷)
نباشيم ۴۵

~: وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ (۷: ۴۳)
نبوديم ما ۲۹

~ وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ (۱۲: ۸۱)
ما نيستيم ۲۴، نه‌ايم ما ۵۸، نيستيم ما ۷۶

~: مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ (۳۶: ۲۸)
نيستيم ما ۳۳

~: سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (۴۳: ۱۳)
نبوديم و نيستيم ۸۱، نبودمانى ما ۱۳۴

~: مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۶۷: ۱۰)
نمى بوديم ما ۱۰۰، نمى بوديم ۱۰۳

★ مَا كُنَّا نَعْمَلُ: مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ (۱۶: ۲۸)
مانكرديم ۹۶، هرگز نكرده‌ايم ۱۲۱

★ كُنَّا صَادِقِينَ: وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ (۱۲: ۱۷)
ماراست گو باشيم ۶۲

★ كُنَّا نَبْغِ: قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ (۱۸: ۶۴)
مى جستيم ۳، ما مى جُستيم ۹۴، ميجستيم ۱۳۲

★ كُنَّا نَخُوضُ: وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ (۷۴: ۴۵)
ما درمى آمديم ۸۷، بوديم ما درمى شديم ۹۲، گفت و گوى كرديم ۹۴

★ كُنَّا نَسْمَعُ: وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ (۶۷: ۱۰)
بوديم كه ميشنيديم ۱۳۶

★ كُنَّا نَقْعُدُ: وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ (۷۲: ۹)
بوديم ما كه مى نشستيم ۹۲

كُنْتَ: وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا (۲: ۱۴۳)
بودى ۲، نه بودِى ۱۰، بودى تو ۲۴، بدى ۴۰

~: وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ (۳: ۴۴)
بُودى ۲

~: وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ (۳: ۱۵۹)
بودى توا ۱، بودنى ۸۸، مى بودى ۱۲۳

~: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا (۴: ۷۳)
بودمى ۲، بُودمى ۱۰، من بودمى ۲۷، بودمى من ۵۲، بودمى ۱۲۸

~: وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ (۴: ۱۰۲)
بى ۱، باشى ۲، باشى ۳، باشى تو ۲۷، بباشى ۲۹، بِباشى ۹۴، باشى تو ۱۰۰، بوده باشى ۱۱۴

~: إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي (۵: ۱۱۶)

بودم ۱، بودم ۲۷

~: وَكُنتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ (۱۱۷:۵)

بوده‌ام ۱۳۰

~: فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنتَ أَنتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ (۱۲۷:۵)

بودی ۱، هستی ۹، تو بودی ۳۷، بودی و هستی ۱۲۱

~: فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۷۰:۷)

هی[1] ۱

~: ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۷۷:۷)

هستی تو ۲۴، تو هستی ۲۹

~: قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا (۱۰۶:۷)

میباشی ۱۳۶

~: وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ (۱۸۸:۷)

بوده باشم ۱۳۶

~: فَإِن كُنتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ (۹۴:۱۰)

هستی تو ۴۲

~: قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي (۲۸:۱۱)

من باشم ۲۹، باشم من ۱۰۰، بباشم ۱۰۵

~: إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي (۶۳:۱۱)

بودم هستم ۵۸

~: وَإِن كُنتَ مِن قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ (۳:۱۲)

بُودی تو ۷۶

~: إِنَّكِ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ (۲۹:۱۲)

هی[1] ۱، هستی ۵۸، بودی ۷۶، تو بودی ۹۶، هستی تو زن ۱۱۳

~: قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنتُ إِلَّا بَشَرًا رَّسُولًا (۹۳:۱۷)

هستم ۱۰۸، من من ۱۳۹

~: وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا (۵۱:۱۸)

بودم من ۵۶

~: وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا (۲۳:۱۹)

بودمی ۲۴

~: وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنتُ (۳۱:۱۹)

بم[2] ۱، باشم و بودم ۵۸، باشم ۶۱

~: وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا (۳۵:۲۰)

هستی ۲، بودی و هستی و باشی ۵۸، تویی ۷۶

~: رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنتُ بَصِيرًا (۱۲۵:۲۰)

بُودم ۲

~: مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ (۳۲:۲۷)

بوده‌ام من ۹۲

~: وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (۵۷:۳۷)

می بودم ۹۲

★ ماكُنتَ: وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۴۴:۳)

نه بودی تو ۲۷، تو نبودی ۳۶، نه بُدِی ۴۰، نیستی ۷۵

~: مَا كُنتَ تَعْلَمُهَا أَنتَ (۴۹:۱۱)

نبودی ۱

~: وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا (۵۱:۱۸)

نیستم من ۲، نیستم من ۴۳، نبودم و نه‌ام ۵۸، نه بودم ۱۳۹

~: مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ (۳۲:۲۷)

نیم ۵۸، من نبودم ۶۱، نبوده‌ام ۶۴، نبوده‌ام من

۱. هی / هستی.
۲. بم / بُوَم، باشم، بودم.

۷٦، نبودم من ۸٦

~: وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَآ (۲۸:٤٤)
نبودی ۲

~: مَا كُنتَ تَدْرِي مَا ٱلْكِتَٰبُ وَلَا ٱلْإِيمَٰنُ (٤۲:٥۲)
تو نیستی ۸۱

~: قُلْ مَا كُنتُ بِدْعًا مِّنَ ٱلرُّسُلِ وَمَآ أَدْرِي (٤٦:۹)
نبودم ۱، من نیستم ۱۰۳، نیستم ۱۱۱

★ مَا كُنْتَ تَدْرِي: مَا كُنتَ تَدْرِي مَا ٱلْكِتَٰبُ (٤۲:٥۲)
تو نمی دانستی ۹۲، نمی دانستی ۱۲۱

★ مَا كُنْتَ تَرْجُوا: وَمَا كُنتَ تَرْجُوٓاْ أَن يُلْقَىٰٓ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبُ (۲۸:۸٦)
نبودی تو اومید دارنده ٥٦

★ مَا كُنْتُ قَاطِعَةً: قَالَتْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمَلَؤُاْ أَفْتُونِي فِيٓ أَمْرِي مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ (۲۷:۳۲)
نبرم ٤۳

كُنْتُمْ: وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا (۲:۲۳)
چنانست کِشما ۱۰، شما هستید ۲٤، می باشید ۲۹، هَستِیت ٥٥، هستی ٥۷

~: وَكُنتُمْ أَمْوَٰتًا فَأَحْيَٰكُمْ (۲:۲۸)
بودی شما ۲٤، بُودِیت ٥٥، بوده اید ۱۱۲

~: لَكُنتُم مِّنَ ٱلْخَٰسِرِينَ (۲:٦٤)
گردیدی ۲٤، بُودِیتی ٥٥، میبودید ۱۱۱

~: إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲:۹۱)
هستیت ۳، بودید شما ۲۹، بدستید ٤۰

~: إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲:۹۳)
شما بُدستی ۱۰، بُدی ٤۰

~: إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (۲:۱۱۱)
هستید ۲

~: أَمْ كُنتُمْ شُهَدَآءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ ٱلْمَوْتُ (۲:۱۳۳)
بود شما ٦۳

~: وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُۥ (۲:۱٥۰)
باشید ۲٤، باشید تان ٦۱

~: وَإِن كُنتُم مِّن قَبْلِهِۦ لَمِنَ ٱلضَّآلِّينَ (۲:۱۹۸)
بودید تان ٦۱، شما بدی ٦۳، باشید و بودید ۱۰۰

~: إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲:۲٤۸)
هید ۱، باشی شما ۷٥

~: وَذَرُواْ مَا بَقِيَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓاْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲:۲۷۸)
هستی شما ۲٥

~: وَإِن كُنتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ (۲:۲۸۳)
بید ۱، شما بُدستی ۱۰

~: فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۳:٥٥)
شما بودی ۲٤

~: وَٱذْكُرُواْ نِعْمَتَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَآءً (۳:۱۰۳)
شما بُدی ۱۰، بوده باشید ٦۱

~: كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ (۳:۱۱۰)
بودیت هستیت ٤۱، گشتید شما ٤۲، گشتید ۸٤

~: وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ ٱلْمَوْتَ (۳:۱٤۳)
بودید و هستید ۳۰

~: قُل لَّوْ كُنتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ (۳:۱٥٤)
بُودِی تان ۲، بودیتی ۳، بودیدی ۲۷، بودتانی ٤۸، بودیدی تان ٦۱، بودندی ۱۰۷

~: وَلَوْ كُنتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ (٤:۷۸)
باشید ۲، باشید شما ٤٥

~: كَذَٰلِكَ كُنتُم مِّن قَبْلُ فَمَنَّ ٱللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوٓاْ (٤:۹٤)
بودید ۱، بُودید ۲

~: وَإِن كُنتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا (٦:٥)
باشيت ١٠ مكرر

~: قَالُوٓا أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ (٧:٣٧)
شما بوديد ٢٧

~: فَذُوقُوا ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (٨:٣٥)
همى بوديد ١١٢

~: حَتَّىٰٓ إِذَا كُنتُمْ فِى ٱلْفُلْكِ (١٠:٢٢)
بنشينيد ١٣٦

~: ءَآلْـَٔنَ وَقَدْ كُنتُم بِهِۦ تَسْتَعْجِلُونَ (١٠:٥١)
بودتى ٥٩، مى بوديد ١١٨

~: إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٢١:٣٨)
هستيد ١٢

~: لَقَدْ كُنتُمْ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُمْ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (٢١:٥٤)
بُوديد شما ٢

~: أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَٰمًا (٢٣:٣٥)
بباشيد ٣٠، شويد ٣٩، كرديد ٧٦

~: لَّوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (٢٣:١١٤)
چنان بودى ٦١

~: إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ (٢٤:٢)
چنانست ٦١

~: وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٣٦:٤٨)
هستيد شما ٣٣

~: هَٰذَا يَوْمُ ٱلْفَصْلِ ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ (٣٧:٢١)
بودى ٨١

~: فَأْتُوا بِكِتَٰبِكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (٣٧:١٥٧)
هَستيد ٨١

~: إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ (٤٤:٧)
هَستيت ٣٢

~: إِنَّ هَٰذَا مَا كُنتُم بِهِۦ تَمْتَرُونَ (٤٤:٥٠)
بوديت ٣

~: وَكُنتُمْ أَزْوَٰجًا ثَلَٰثَةً فَأَصْحَٰبُ ٱلْمَيْمَنَةِ (٥٦:٧)
بباشيد شما ٣٠، بشويد شما ٩٦

~: إِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ إِذَا جَآءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (٧١:٤)
چنانستى ١٠٨

★ اِنْ كُنْتُمْ: إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (١٦:٤٣)
شما نيسنيد ١٠٣

~: فَسْـَٔلُوٓا أَهْلَ ٱلذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (٢١:٧)
نيستيد شما ١٠٣، اگر چنانست ١٠٨

~: إِن كُنتُمْ فِى رَيْبٍ مِّنَ ٱلْبَعْثِ (٢٢:٥)
نيستيد ١٠٣

★ لَكُنْتُمْ: لَكُنتُم مِّنَ ٱلْخَٰسِرِينَ (٢:٦٤)
گشتيدى ١٠، هر آينه بوديد ٦٣

★ مَا كُنْتُمْ: مَّا كُنتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ (١٠:٢٨)
نبوديد شما ٥٨، نبوديد ١٢١

★ كُنْتُمْ تَخْتَلِفُونَ: مَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (١٦:٩٢)
ناهموار گشتيد ٩٤

★ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ: بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (١٦:٢٨)
شما هميكرديد ٩٣، همى كرديد ٩٤

~: وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (٢٧:٨٤)
بوديد شما دانايان ٨٧

★ كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ: لَتُسْـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ (١٦:٥٦)
شما بربافتيد ٩٣، شما از خويشتن بافتيد ٩٤

★ كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ: بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ (٧:٣٩)
همى ساختيد ١٢٨

★ كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ: فَذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ (٩:٣٥)

اندر گنج و نهل کردید ۱۰

★ كُنْتُمْ صادِقِينَ: إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (۲:۲۳)
راست می گویید ٤۰

~: فَتَمَنَّوُاْ ٱلْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (۲:۹٤)
شما می راست گویید ۱۰، راست گفتید ٤۰

~: إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (۲:۱۱۱)
می راست گویید ٤۰

~: فَٱتْلُوهَآ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ (۳:۹۳)
راست همی گویید ۹٤

كُنْتُنَّ: إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا (۳۳:۲۸)
هستید ٤۷، هستید شما ٥٦، هستند ۱۱۸

~: وَإِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ (۳۳:۲۹)
هید ۱

كَنْزٌ: لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنزٌ أَوْ جَآءَ مَعَهُۥ مَلَكٌ (۱۱:۱۲)
گنج ۱

كَنَزْتُمْ: هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ (۹:۳٥)
گنج نهادید ۱، همی گنج نهادید ۲، گنج نهادیت ۳، اندر گنج نهاده بودی ۱۰، همی گنج نهادید ۱۱، گنج می نهادیت ٤۱، گنج نهادید شما ٤۳، گنج کردند ٥۳، گنج نهادیت ٥٥، گنج نهادید تان ٦۱، بنهادید ۸۸، گنج کردید شما ۹۳، گنج نهادیم ۱۰۷، گنج نهاده بودید ۱۲۰، گنج می نهادید ۱۳٤، گنج کرده بودید ۱۳٦

ٱلْكُنَّسِ: فَلَآ أُقْسِمُ بِٱلْخُنَّسِ ٱلْجَوَارِ ٱلْكُنَّسِ (۸۱:۱٦)
روز پنهام شداران ۱، پنهان شوند گان ۲، ناپیدا روند گان ۲٤، نهان شونده ۳٦، پنهان شوند ٤۱، پنهان شوند گان در جایگاههای خویش ۷۹، پنهان رو ۸۹، بازپس آیند گان ۹۰، پنهان ۹۲، واپس شوند گان ۱۰۲، پنهان شونده ۱۱۱، پنهان شوند گان در جای خویش ۱۱۳، نهان شوند گان ۱۱٦، بازپس روند ه ۱۱۹، روند گان ۱۲۱

لَكَنُودٌ: إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لِرَبِّهِۦ لَكَنُودٌ (۱۰۰:٦)
ناسپاس دار ۲، ناسپاس ۲٤، پوشنده ۹٦، هر آینه ناشناسست ۱۰٦، بسیار ناسپاس ۱۳٦

كُنُوز: مِّن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (۲٦:٥۸)
گنجها ۱

ٱلْكَهْفِ: أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَٰبَ ٱلْكَهْفِ (۱۸:۹)
شکاف ۳، شکاف کوه ۲۹، غار ۳٦، شِگاف ٥٥، دکان کوه ۹٥، شکاف در کوه ۱۰۰، سوراخ کوه ۱۲٤، سوراخ ۱۲۸

~: فَضَرَبْنَا عَلَىٰٓ ءَاذَانِهِمْ فِى ٱلْكَهْفِ (۱۸:۱۱)
سوراخ کوه ٥۸

~: فَأْوُۥٓاْ إِلَى ٱلْكَهْفِ (۱۸:۱٦)
سوراخ که ۱

كَهْفِهِمْ: وَلَبِثُواْ فِى كَهْفِهِمْ (۱۸:۲٥)
غار ۸، شکاف ۱۰۸

كَهْلًا: وَيُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِى ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًا (۳:٤٦)
دُومویگی ۲، از پس سی سالگی ۱۰، پیر ۲٤، سی ساله ۲٥، سی وسه سال ۲۸، چهل روزه ٤۰، گاه سپیدی موی ٤۹، کد خدا ٥۷، بزرگ ٦۲، دومُویی ٦۹، از پس چند سال که دوموی باشد ۷۸، دومویگی ۸٤، دو موی و پیر ۱۱٦

~: تُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِى ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًا (٥:۱۱۰)
پیری ۱، بُزرگی ۲، سی وسه ساله ۳، نه پیر ۹، بزرگی و پیری ۱۰ مکرّر، بزرگی ۲٦، دومویگی ۲۹، سی سالگان ۳۷، دومویی ٤۳، سی وسه سَاله ٥٥، کد خدایی ٥۷، مرد دوموی ٥۸، سی سالگی ۷۲، سی وسه سالگی ۸۰، دومو ۹٦، دوموی و پیری ۱۱۸، برو مریکی ۱۲۸، میان سی سالگی و پنجاه سالگی ۱۳۰

کَواعِب: حَدَآئِقَ وَأَعْنَٰبًا وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا (۷۸: ۳۳)
کنیزکان پستان بر آورده ۲، دختران نارپستان ۳، زنان دوشیده ۲۴، زنان رسیده ۲۹، پستان بر آورده مانند انار ۳۰، جفتان نارپستان ۳۶، کنیزکان ۳۸، زنان نارپستان ۵۲، کنیزکان پوستان بر آورده ۵۶، نارپستان ۶۷، کنیزکان نارپستان ۹۰، دختران نارپستانان ۱۰۹، نارپستانان ۱۱۳، دختران ۱۱۴، دختران انار سینه ۱۳۶

اَلْکَوافِر: وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ (۶۰: ۱۰)
زنان ناگرویده ۳، زنان ناگرونده ۱۲۱، ناگروندگان ۱۲۹

اَلْکَواکِب: إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ (۳۷: ۶)
ستارگان ۱، استارگان ۵۹

~: إِذَا السَّمَآءُ انفَطَرَتْ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ (۸۲: ۲)
ستارها ۱۰۲

اَلْکَوْثَر: إِنَّآ أَعْطَيْنَٰكَ الْكَوْثَرَ (۱۰۸: ۱)
جوی در بهشت ۵۲، با خیر بسیار ۷۹، نیکی بسیار ۱۰۹، فرزند بسیار ۱۲۰، بیشمار ۱۲۲، بسیاری ۱۲۳، فرزندان بیشمار ۱۳۲

کُوِّرَتْ: إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ (۸۱: ۱)
تاریک کرده شهد ۱، سیاه شود ۲، بپیچانند ۲۴، سیاه کنند ۲۹، سیاه گردد ۳۰، نور برگرفته شود ۳۶، تاریک گردد ۳۸، درپیچند ۴۱، سیاه کند ۵۱، درپیچید ۶۱، تاریک شود ۶۴، درپیچیده و تاریک کرده شود ۷۹، در پوسته شود ۸۰، برهم زنند ۹۰، پوشیده شود ۹۱، درهم پیچیده شود ۹۴، برده شود روشنایی ۹۹، درگرفته شود ۱۰۰، در نور دیده شود ۱۰۶، برپیچند ۱۰۸، تاریک کرده شود ۱۰۹، درچیده و تاریک کرده شود ۱۱۳، درنوشته شود ۱۱۴، درهم نوردیده گردد ۱۲۲، درهم پوشیده شود ۱۲۳، بی نور شود ۱۲۶، برده شود روشنایی او ۱۳۹

کَوْکَبًا: فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ الَّيْلُ رَءَا كَوْكَبًا (۶: ۷۶)
ستاره ۱، ستار ۱۰، ستارَهْ ۵۳، ستاره ۵۵، ستاره ۶۲، ستارگان ۹۰

~: يَٰٓأَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا (۱۲: ۴)
استاره ۴۹، ستاره ۵۳، ستاره ۵۵، ستاره ۶۲، ستاره ۱۰۰

کَوْکَبٌ: كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ (۲۴: ۳۵)
ستاره ۱، ستاره ۵۱، ستارَهْ ۵۳

کُونوا: فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ (۲: ۶۵)
گردید ۲۴، باشیت ۵۵، بگردید ۱۲۰

~: وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَٰرَىٰ تَهْتَدُوا (۲: ۱۳۵)
باشند ۶۳، باشید شما ۱۰۴

~: وَلَٰكِن كُونُوا رَبَّٰنِيِّـۧنَ (۳: ۷۹)
بودید ۱، بباشیت ۳، باشی ۲۵

~: كُونُوا قَوَّٰمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَآءَ لِلَّهِ (۴: ۱۳۵)
بید ۱، بباشید ۲، باشید ۱۰

~: كُونُوا قَوَّٰمِينَ لِلَّهِ شُهَدَآءَ بِالْقِسْطِ (۵: ۸)
باشیت ۳، بُباشید ۱۰

~: قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَٰسِـِٔينَ (۷: ۱۶۶)
شوید ۳۶

~: اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّٰدِقِينَ (۹: ۱۱۹)
باشید تان ۶۱

~: قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا (۱۷: ۵۰)
باشی شما ۲۴

~: يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ (۶۱: ۱۴)
بباشید ۲، بشوید ۸۷

کُونی: قُلْنَا يَٰنَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ (۲۱: ۶۹)
باش ۱، بباش ۲

کَیْ: کَیْ نَقَرَّ عَیْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ (۲۰:٤۰)
تا ۲، تا که ۲٤

کَیْدَ: إِنَّ کَیْدَ الشَّیْطَانِ کَانَ ضَعِیفًا (٤:۷٦)
سازش ۲، سگالش ۳، سازش بَد ٤۲، سازش بد ۵۲، سِگالِش ۵۵، سگالش و ساختن ۵۸، سگالیدند ۷۵

~: ذَلِکُمْ وَأَنَّ اللّهَ مُوهِنُ کَیْدِ الْکَافِرِینَ (۸:۱۸)
ساخته و اندیشه ۵۸، سگالش ۸٤، بد سازش ۱۲۸

~: وَأَنَّ اللّهَ لَا یَهْدِی کَیْدَ الْخَائِنِینَ (۱۲:۵۲)
بداندیشی ۳٦

~: إِنَّمَا صَنَعُوا کَیْدُ سَاحِرٍ (۲۰:٦۹)
بدسگالی ۲۹، ساخت ۵۸، دستان ۱۰۳

~: وَمَا کَیْدُ الْکَافِرِینَ إِلَّا فِی ضَلَالٍ (٤۰:۲۵)
بدسگالیدن ۳، بدی ۲۹

~: وَمَا کَیْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِی تَبَابٍ (٤۰:۳۷)
سازش بد ۲، سگالش ۸۸

~: فَإِن کَانَ لَکُمْ کَیْدٌ فَکِیدُونِ (۷۷:۳۹)
سگالیدن ۳، بدسگالش ٤۱، چاره ۱۲۲

کَیْدًا: فَیَکِیدُوا لَکَ کَیْدًا (۱۲:۵)
سگالیدن ۳، سگالیدَن ۷٦

~: وَأَرَادُوا بِهِ کَیْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِینَ (۲۱:۷۰)
سازش بد کردن ۲، سگالش ۱۲، سِگالِشْ ۵۳، کردنی ۱۱۳

~: فَأَرَادُوا بِهِ کَیْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِینَ (۳۷:۹۸)
سَازش بَد ۲، سِگالش ۲۲، بدی ۲۹، بدسگالشی ۹٤، دستان ۱۰۳

~: أَمْ یُرِیدُونَ کَیْدًا فَالَّذِینَ کَفَرُوا هُمُ الْمَکِیدُونَ (۵۲:٤۲)
سگالش بد ۲، بدسگالیدن ۳، بدسگالی ۲۹، بدساختن ۳۰، فریب ۳۹، بدخواهی ۸٦، رسانیدن مکروه ۱۰٤

~: إِنَّهُمْ یَکِیدُونَ کَیْدًا وَأَکِیدُ کَیْدًا (۸٦:۱۵)
سازش بد ۲، سازش ۳۰، سگالش کردن ۸۷، سگالیدن ۹۸

~: وَأَکِیدُ کَیْدًا فَمَهِّلِ الْکَافِرِینَ أَمْهِلْهُمْ رُوَیْدًا (۸٦:۱٦)
ساختن ۸۹، افسوس کردن ۱۳٦

کَیْدَکُمْ: فَأَجْمِعُوا کَیْدَکُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا (۲۰:٦٤)
سَازش ۲، جادوی ٤۱، کردار ۵۲، سِگالِش ۵۳، ساز ۵٦، سگالش ۸۰، دستان ۱۰۳، کردار ۱۰۵، ساز بد ۱۰۸، سازش و سگالش ۱۰۹

کَیْدِکُنَّ: قَالَ إِنَّهُ مِن کَیْدِکُنَّ (۱۲:۲۸)
سَازش بد ۲، سگالیدن سگالش ۳، بدسگالیدن ٤۲، دستان ٤۹، بَدْ سِگالیدَن ۵۵، سگالیدن ٦۱، سازش بد ۹٤، سازش ۹٦

کَیْدَهُ: فَتَوَلَّی فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ کَیْدَهُ ثُمَّ أَتَی (۲۰:٦۰)
سازِش بد ۲، سگالش جادو ٤۱، سازش ٤۳، ساز ۵۸، سازش بد ٦۱، جادوان ۱۰۳، بدسگالی ۱۰۹

~: هَلْ یُذْهِبَنَّ کَیْدُهُ مَا یَغِیظُ (۲۲:۱۵)
سگالش ۱۲، کردار ۵۲، سگال ۵۳

کَیْدُهُمْ: لَا یَضُرُّکُمْ کَیْدُهُمْ شَیْئًا (۳:۱۲۰)
سگالش بد ۳، سگالش ۲۳، بدسگالی ٤۱، بدسگالیدن ۵۷، سگالیدن ۵۸، بدخواهی ۸٤، سازش ۱۲۸

~: یَوْمَ لَا یُغْنِی عَنْهُمْ کَیْدُهُمْ شَیْئًا وَلَا هُمْ یُنصَرُونَ (۵۲:٤٦)
بدخواهی ۱۰٤، بدسگالش ۱۱٤

~: أَلَمْ یَجْعَلْ کَیْدَهُمْ فِی تَضْلِیلٍ (۱۰۵:۲)
سازش بد ۲

کَیْدَهُنَّ: وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّی کَیْدَهُنَّ (۱۲:۳۳)

بد ٢٤، سازش ٩٨

~: فَٱسْتَجَابَ لَهُۥ رَبُّهُۥ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ (١٢: ٣٤)
بدی ٢٩، سگالش ٩٠

~: إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ (١٢: ٥٠)
آنچه سگالیدند ٢٩، سگالش ١١٤

كِيدُون: ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ (٧: ١٩٥)
سازش بد کنید ٢، بدسگالی کنید ٢٩، می سگالید ٢٥، بکنیت آنچه می خواهیت ٤١، سازش بد کنید ٥٢، می سازید ٥٨، بدسگالید ٦١، سگالید ١٠٢، فریب نمایید ١٠٤، سازش بدی کنید ١٠٥، سازش بد کنی ١٢٤، سازش بر کنید ١٢٨

~: فَإِن كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ (٧٧: ٣٩)
بسگالید ١٩، بسازیت ٣٠، سگالش کنید ٦١، پیش برید ١٠٣، چاره کنید ١٢٢

كِيدُونِي: مِن دُونِهِۦ فَكِيدُونِي جَمِيعًا (١١: ٥٥)
بدسگالیت ٣، بکنید ٧ مکرر، سگالش کنید ٢٧، بدسگالی کنید ٢٩، بسگالید ٣٨، بسگالیت هر بدیی که می سگالیت ٤١، سازش بد کنید ٥٢، بسگالید ٥٣، سگالیت ٥٥، برسگالید ٦٤، سازش بکنید ٩٦، سازید ١٠٦

كَيْدِي: وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (٧: ١٨٣)
گرفتن ١٠، بد سگالیدن ٣٥، کار ٤١، ساختن ٨٩، ناگاه گرفتن ٩١، فراگرفتن ٩٣، گرفتن بناگاه ١٢٧، گرفتن پنهانی ١٣٥

~: وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ أَجْرًا (٦٨: ٤٥)
سازش ٢، پوشیده گرفتن ٣، سگالش ١٩، سگالیدن ٦١

كَيْفَ: كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِٱللَّهِ (٢: ٢٨)
چگونه ١٠، چگونه ٥٥، چگونه ٦٣

~: وَٱنظُرْ إِلَى ٱلْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا (٢: ٢٥٩)
چون ١، چگونه ٢٧

~: هُوَ ٱلَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي ٱلْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَآءُ (٣: ٦)
چنانکه ٢٤، هر چگونه ٥٥، هر چه گونه ٨٠، هر گونه ٩٠، بهر روش ١٢٢

~: كَيْفَ يَهْدِي ٱللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا۟ بَعْدَ إِيمَٰنِهِمْ (٣: ٨٦)
چگونه ٢٥، چگونه ١١٩

~: وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ (٣: ١٠١)
چگونه ٢

~: فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍۭ بِشَهِيدٍ (٤: ٤١)
چون بود ٢٤

~: فَكَيْفَ إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌۢ (٤: ٦٢)
چه ٥٨

~: بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَآءُ (٥: ٦٤)
هر چگونه ٢، چگونه و چون ٤٥

~: ٱنظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ ٱلْءَايَٰتِ (٥: ٧٥)
چگونه ٢

~: وَكَيْفَ أَخَافُ مَآ أَشْرَكْتُمْ (٦: ٨١)
چگونه و چرا ١٠

~: وَٱنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُفْسِدِينَ (٧: ٨٦)
چگونه بود ٢٧

~: كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ (٩: ٧)
چون و چگونه ٥٨

~: كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا۟ عَلَيْكُمْ (٩: ٨)
چه گونه باشد ١٢٨

~: لِنَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (١٠: ١٤)
چونست ٢٤

~: أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا (١٤: ٢٤)

چُون ۲، چِگُونه ۵۵

~: اُنظُرْ کَیْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ (۱۷:۴۸)
کچکونه ۸

~: قَالُوا کَیْفَ نُکَلِّمُ مَن کَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِیًّا (۱۹:۲۹)
چه گونه ٤۸

~: اُنظُرْ کَیْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ (۲۵:۹)
چه گونه ۱۱۳

~: فَانظُرْ کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِینَ (۲۸:٤۰)
چگانه ۹۵

~: فَتُثِیرُ سَحَابًا فَیَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ کَیْفَ یَشَاءُ (۳۰:٤۸)
چُنانکه ۲، چنانچه ۸٦

~: فَکَیْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِکَةُ یَضْرِبُونَ (٤۷:۲۷)
چون بهد ۱، چگونه باشد ٤۱

★ کَیْفَ فَعَلَ: أَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّكَ (۱۰۵:۱)
چه کرد ۲٤

اَلْکَیْلَ: وَأَوْفُوا الْکَیْلَ وَالْمِیزَانَ بِالْقِسْطِ (٦:۱۵۲)
پَیمُودن و پَیمانه ۱۰، پیمُودَن ۵۵، پیَمانه ۵۸، پَیْمودن ٦۲، پیمانها ٦٤، پیمانه و پیمودن ۹۱

~: فَأَوْفُوا الْکَیْلَ وَالْمِیزَانَ (۷:۸۵)
پیمانه ۱، پَیمانه ۲، قفیز ۳۹

~: أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْکَیْلَ وَأَنَا خَیْرُ الْمُنزِلِینَ (۱۲:۵۹)
پیماد[1] ۱، پَیمانَه ۵۵، پیمودن یا پیمانه ۸۰

~: قَالُوا یَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْکَیْلُ (۱۲:٦۳)
خراوار بار ٤۹

~: وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ کَیْلَ بَعِیرٍ (۱۲:٦۵)
پیمودن ۲، بار ۳۸، پیمُودَن ۵۵، یک خروار ۷٦، پیمودند ۱۱۳

~: فَأَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَیْنَا (۱۲:۸۸)
کویز ۷ مکرر، پَیماَنه ۵۳، پیمانه، پیمودن ۱۰۹

~: وَأَوْفُوا الْکَیْلَ إِذَا کِلْتُمْ (۱۷:۳۵)
پَیمانَهٔ ۵۳

~: أَوْفُوا الْکَیْلَ وَلَا تَکُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِینَ (۲٦:۱۸۱)
پیمانه و پیمودن ۵۸، ترازو ۱۳۸

★ کَیْلَ بَعِیر: وَنَزْدَادُ کَیْلَ بَعِیرٍ (۱۲:٦۵)
شتروار ۷ مکرر، پیمانه شتروار ۵۲، اشتر بار ۵۸، یک اشتر بار ٦٤، اشترواری بار ۸۸، شترواری ۹۳، پیمانه اشتروار ۹٤، یک شتروآر ۱۰۰، پیمانهٔ شتروار ۱۰۹، یکشتروار ۱۱۱، پیمانه یکشتر ۱۲۰

کَیْلَا (کَیْ لَا): فَأَثَابَکُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِکَیْلَا (۳:۱۵۳)
تا ۵٦

~: لِکَیْ لَا یَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَیْئًا (۱٦:۷۰)
آنگاه ۲٤، تا نه ۵۵

~: لِکَیْلَا یَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَیْئًا (۲۲:۵)
تا که ۸٦، تا نه ۱۰۸

---

۱. پیماد / پیمانه؛ کیل.



لَ: ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ فِرَٰشًا (۲:۲۲)
آز بهر ۵۵

~: وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ (۲:۵۵)
به ۲٤

~: قَالُوا۟ ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِىَ (۲:۷۰)
برای ۵۲

~: لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ (۲:۱٤٤)
هرآینه ۵۵

~: وَمِمَّآ أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ (۲:۲٦۷)
برای ۲۷

~: وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (۳:٦۲)
که ۲۹

~: لَٱتَّبَعْتُمُ ٱلشَّيْطَٰنَ إِلَّا قَلِيلًا (٤:۸۳)

همه ۲۷

~: وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَءَامُرَنَّهُمْ (٤:۱۱۹)
تا ۱

~: فَطَوَّعَتْ لَهُۥ نَفْسُهُۥ قَتْلَ أَخِيهِ (۵:۳۰)
را ۱

~: قَالُوا۟ يَٰمُوسَى ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ (۷:۱۳٤)
از برای ۲۷

~: فَمَا ٱسْتَقَٰمُوا۟ لَكُمْ فَٱسْتَقِيمُوا۟ لَهُمْ (۹:۷)
وا ۱۰

~: وَأَوْحَيْنَآ إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمْرِهِمْ هَٰذَا (۱۲:۱۵)
درست ۵۹

~: وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَـًٔا (۱۲:۳۱)
آز بهرِ ۷٦

~: لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ (۱۴:۷)
هَرآينه ۵۵

~: قَالُوا لَوْ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ لَهَدَيْنَٰكُمْ (۱۴:۲۱)
نيز ۷۶

~: لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِى سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۵:۷۲)
سوگند ۳۶

~: لَيَرْزُقَنَّهُمُ ٱللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا (۲۲:۵۸)
زود كه ۵۶

~: إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (۲۳:۳۰)
از ۴۳

~: لَّلَجُّوا فِى طُغْيَٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ (۲۳:۷۵)
هرآينه ۴۷

~: قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ (۲۶:۷۱)
بهر ۴۶

~: لَنُنَجِّيَنَّهُۥ وَأَهْلَهُۥٓ إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ (۲۹:۳۲)
هرآينه ۳

~: وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ (۲:۳۰)
مَر ۱۳۸

~: وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُوا لِءَادَمَ فَسَجَدُوٓا (۲:۳۴)
اَزْ بَهر ۵۵

~: وَءَامِنُوا بِمَآ أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ (۲:۴۱)
بَر ۵۵

~: وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا ٱلصَّلَوٰةَ (۲:۸۳)
با ۶۳

~: لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (۲:۹۷)
مر ۹۹

~: وَمَا جَعَلْنَا ٱلْقِبْلَةَ ٱلَّتِى كُنتَ عَلَيْهَآ إِلَّا لِنَعْلَمَ
(۲:۱۴۳)
از بهر آنكه ۱۰۵

~: وَلِتُكَبِّرُوا ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ (۲:۱۸۵)
از بهر آنكه تا ۴۰

~: قُلْ مَآ أَنفَقْتُم مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَٰلِدَيْنِ ... (۲:۲۱۵)
بجاء ۹۰

~: وَأَن تَعْفُوٓا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ (۲:۲۳۷)
به ۲۴

~: وَلِنَجْعَلَكَ ءَايَةً لِّلنَّاسِ (۲:۲۵۹)
ز بهر آن ۶۳

~: وَٱللَّهُ يُضَٰعِفُ لِمَن يَشَآءُ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ (۲:۲۶۱)
بهر ۲۷

~: وَلْيُمْلِلِ ٱلَّذِى عَلَيْهِ ٱلْحَقُّ وَلْيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ (۲:۲۸۲)
گوی ۶۳

~: وَلِيُمَحِّصَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا (۳:۱۴۱)
ز بهر آنكه تا ۴۰

~: ٱلَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَٰنِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا (۳:۱۶۸)
فا ۱۰

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ (۳:۱۸۲)
ور ۱

~: رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِى لِلْإِيمَٰنِ (۳:۱۹۳)
بی ۱

~: قَٰنِتَٰتٌ حَٰفِظَٰتٌ لِّلْغَيْبِ (۴:۳۴)
در ۵۶

~: مَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ (۵:۶)
كه ۱۰ مكرّر

~: ٱعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَٱتَّقُوا ٱللَّهَ (۵:۸)
بِ (به) ۱۰ مكرّر

~: يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَٰتِهِمَآ (۷:۲۷)
تا ۱

~: سُقۡنَٰهُ لِبَلَدٖ مَّيِّتٖ فَأَنزَلۡنَا بِهِ ٱلۡمَآءَ (۷:۵۷)
سوی ۱۰ مکرّر، از برای ۲۷

~: فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُۥ لِلۡجَبَلِ جَعَلَهُۥ دَكّٗا (۷:۱۴۳)
بر ۲۷

~: فَلۡيَضۡحَكُواْ قَلِيلٗا وَلۡيَبۡكُواْ كَثِيرٗا (۹:۸۲)
باید ۲۹

~: قُلِ ٱللَّهُ يَهۡدِي لِلۡحَقِّ (۱۰:۳۵)
بـ ۵۶

~: لَا تَبۡدِيلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِ (۱۰:۶۴)
اندر ۶۲

~: مَّا جِئۡنَا لِنُفۡسِدَ فِي ٱلۡأَرۡضِ (۱۲:۷۳)
تا ۵۵

~: وَزَيَّنَّٰهَا لِلنَّٰظِرِينَ (۱۵:۱۶)
برِ آی ۱۰۰

~: وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ (۱۶:۸۹)
ز ۲۴

~: وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورٗا (۱۷:۲۷)
ب ۲۴

~: وَلۡيَتَلَطَّفۡ وَلَا يُشۡعِرَنَّ بِكُمۡ أَحَدًا (۱۸:۱۹)
باید که ۲۹

~: وَأَمَّا ٱلۡجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَٰمَيۡنِ يَتِيمَيۡنِ (۱۸:۸۲)
از آن ۲۴

~: إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ عَصِيّٗا (۱۹:۴۴)
در ۷۶

~: وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ مُبَرَّءُونَ (۲۴:۲۶)
فراخورد ۴۷

~: فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ (۲۴:۶۳)
گو ۴۳

~: فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ ٱلۡقَيِّمِ (۳۰:۴۳)
فرا ۷۶

~: فَذُوقُواْ فَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ (۳۵:۳۷)
مررا ۴۷

~: وَٱلشَّمۡسُ تَجۡرِي لِمُسۡتَقَرّٖ لَّهَا (۳۶:۳۸)
با ۳

~: لِمِثۡلِ هَٰذَا فَلۡيَعۡمَلِ ٱلۡعَٰمِلُونَ (۳۷:۶۱)
چون ۵۶

~: وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ (۴۰:۳۷)
وا ۱

~: وَأُمِرۡتُ لِأَعۡدِلَ بَيۡنَكُمُۖ ٱللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمۡ (۴۲:۱۵)
از بهر ۳

~: قُل لِّلۡمُخَلَّفِينَ مِنَ ٱلۡأَعۡرَابِ (۴۸:۱۶)
مرین ۸۰

لاَ: ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ (۲:۲)
هیچ نیست ۲۹

~: ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ (۲:۶)
نَه ۵۵

~: أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا بَيۡعٞ فِيهِ وَلَا خُلَّةٞ (۲:۲۵۴)
نبهد[1] ۱

~: لَيَجۡمَعَنَّكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِ (۴:۸۷)
نیست ۱، نیست هیچ ۶۱

---

۱. نبهد: نباشد.

~: يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۵:۱۰۳)
هیچ نه ۱۰ مکرّر

~: يَوْمِ ٱلْقِيَـٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ (۶:۱۲)
هیچ ۵۸

~: لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِۦ وَيُمِيتُ (۷:۱۵۸)
نیست و نباشد ۵۸

~: لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۰:۶۲)
نباشد ۲، نیست ۳

~: قَالَ لَا عَاصِمَ ٱلْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ ٱللَّهِ إِلَّا مَن رَّحِمَ (۱۱:۴۳)
نه هیچ ۵۵

~: لَآ إِلَـٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱتَّقُونِ (۱۶:۲)
نیست ۲

~: لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَـٰتِهِۦ (۱۸:۲۷)
نه هیچ ۳

~: لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ (۴۰:۳)
نیست ۱۰۶

~: وَلَـٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۴۰:۶۱)
نا ۱۲۴

~: وَفَـٰكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (۵۶:۳۳)
نا ۳۹

~: لَآ أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۱۰۹:۲)
نه هرگز ۴۰

فَلَا: فَمَن تَبِعَ هُدَاىَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ (۲:۳۸)
نیست ۵۵

~: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا ٱفْتَدَتْ بِهِۦ (۲:۲۲۹)
نَبُوَد ۵۷

~: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِىٓ أَنفُسِهِنَّ (۲:۲۳۴)
نیست ۴۲

~: فَإِن لَّمْ تَأْتُونِى بِهِۦ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِندِى (۱۲:۶۰)
نه هیچ ۵۵

~: قَالَ إِنَّ هَـٰٓؤُلَآءِ ضَيْفِى فَلَا تَفْضَحُونِ (۱۵:۶۸)
مه ۲

~: فَإِذَا نُفِخَ فِى ٱلصُّورِ فَلَآ أَنسَابَ بَيْنَهُمْ (۲۳:۱۰۱)
نباشد ۲

وَلَا: وَلَا تَقْرَبَا هَـٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّـٰلِمِينَ (۲:۳۵)
نگر ۱۰

~: وَلَا تَشْتَرُوا۟ بِـَٔايَـٰتِى ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّـٰىَ فَٱتَّقُونِ (۲:۴۱)
مَه ۲

~: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲:۶۲)
نبود هیچ ۲۹

~: وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۲:۱۰۷)
هیچ ۴۰

~: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲:۲۶۲)
نبود ۵۷

~: وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲:۲۷۴)
نی ۱

~: وَلَا ٱلَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ (۴:۱۸)
نه نیز ۱۲۴

~: يُرِيدُونَ وَجْهَهُۥ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ (۱۸:۲۸)
نباید که ۲۹

~: يَـٰٓأَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ (۱۹:۴۲)
نه ۲

~: لَّا نُخْلِفُهُۥ نَحْنُ وَلَآ أَنتَ مَكَانًا سُوًى (۲۰:۵۸)
نه نیز ۲

~: فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا (۲۰:۱۱۲)
نه ۲

~: وَلَا هُدًى وَلَا كِتَٰبٍ مُّنِيرٍ (۳۱:۲۰)
بی ٤٧

~: وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (۳۱:۳۳)
نه، هیچ ٦٤

~: وَالظَّٰلِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (٤۲:۸)
نه ۳۲

لَائِمٍ: وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ (۵:٥٤)
سرزننده ۱۰۹، سرزنش کن ۱۱٤

لَابِثِينَ: لِّلطَّٰغِينَ لَّٰبِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا مَـَٔابًا (۷۸:۲۳)
درنگ کناران ۱، درنگ کننده گان ۲، درنگ کنند ۱۳٦

لَاتَ: فَنَادَوا وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ (۳۸:۳)
نبود ۱، نیست ۲، نباشد ۱۲٤

اللَّاتَ: أَفَرَءَيْتُمُ اللَّٰتَ وَالْعُزَّىٰ (۵۳:۱۹)
بت بزرگ ۱۳٦

لَازِبٍ: إِنَّا خَلَقْنَٰهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ (۳۷:۱۱)
خازه ۱، بَردَفسنده نوچگی ۲، برچفسیده ۳، خاره ۲۲، دوسان ۲٤، دوسنده ۲۹ و ۱۰۵، سخت ۳۳، چسبنده ۳٦، سخت استوار ٤۱، نرم دوسنده ٤۲، جفسیده ۷۸، برچفسنده ۸۰، چفسیده ۹۲، بهم چسبیده ۹٦، جفسنده ۹۸، نرم و بردفنده ۱۰۸، دوسنده ـ چفسنده ۱۰۹، گل چسبنده ۱۱۱، دوسفده ۱۱٤، جسبنده ۱۱۵، چفسنده ۱۲۳، چرب ۱۳۳

لَاعِبِينَ: وَمَا خَلَقْنَا ... وَمَا بَيْنَهُمَا لَٰعِبِينَ (۲۱:۱٦)
بازی کناران ۱، بازی کُننده گان ۲، بازی ۲٤، ببازی ٦۲، بازی کننده ۷٦، بازیچه ۱۲۱، بازیگران ۱۲۲

~: قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنتَ مِنَ اللَّٰعِبِينَ (۲۱:۵۵)
بَازی گران ۲، بازی کنان ۱۲، بازی می کنی ۵۲، بازی کُنان ۵۳

~: وَمَا خَلَقْنَا السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَٰعِبِينَ (٤٤:۳۸)
بازی کنندگان ۲، بازی کنندگان ۳، بازی گران ۱٦، بازی گرانِ ۲۲، بازی کننده گان ۲۹، بازی کندگان ۹۰

اللَّٰعِنُونَ: وَيَلْعَنُهُمُ اللَّٰعِنُونَ (۲:۱۵۹)
نفرین کننده گان ۳، نفرین کنان ٤۸، نَفرین کُندگان ۵۵، نفرین کندگان ۹۰

لَاغِيَةً: فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَٰغِيَةً (۸۸:۱۱)
سخن بیهوده ۲، سخن هرزه ۲٤، بیهوده ۳٤، سخن بی فایده ۷۹.

لَاقِيهِ: أَفَمَن وَعَدْنَٰهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَٰقِيهِ (۲۸:٦۱)
پذیره[1] آمدار ۱، بَرسد ۲، بیننده ۲۹، برسد بدان ۳۰، رسنده ٤۲، ببیند ٤٦، باز رسنده باز ٤۷، یابنده ۷٤، رسد ۷٦، رسنده و یابنده ۹۰، دریابنده ۱۱۱

لَامَسْتُمُ: أَوْ لَٰمَسْتُمُ النِّسَاءَ (٤:٤۳)
بمجیدید[2] ۱، برمجیده باشی ۲٤، ببسایید ۲۷، نزدیکی کند ۳۸، بساویت ٤۱، بَساوید ٤۲، ببساوید ٤۳، دست فرا کرده ۵۳، دست زده باشید ۵۷، برسیده باشید ٦۳، گردایید ۸۸، بسایید شما ۹۰، بسائید ۱۰۰، بسودید ۱۰۹، بیستادید ۱۲۸، دست رسانده باشید ۱۳۱، رسیده باشد شما ۱۳۸

---

۱. پذیره: بیننده.
۲. بمجیدید: نزدیکی کردید، گرد آمدید.

~: أَوْلَـٰمَسْتُمُ ٱلنِّسَآءَ (۶:۵)
بمجید ید ۱، ببُسوده باشید ۲، بسوده باشیت ۱۰ مکرّر، بسوده باشید ۲۷، گرد آیید ۲۹، بهم آمدید ۳۱، بسوده بأشید ۴۲، ببساوید شما ۴۳، گرد آمده باشد ۵۳، گرد آمده باشید ۵۷، گرد آیید ۵۸، نزدیکی کنید ۷۶، بساوید ۸۸، شما ساویده باشید ۹۶، برسیده باشید شما ۱۰۰، بسابیده باشید ۱۰۴، نزدیک کردید شما ۱۱۸، گرد آمده باشید شما ۱۲۴، رسیده باشید شما ۱۳۸

لَاهِيَةً: لَاهِيَـةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّجْوَى (۲۱:۳)
بی تیمار ۳۹، فراموش کننده ۵۶، ببازی ۶۴، بازی کنند ۷۶، گشته ۱۰۲، بی آگاه شد ۱۰۹، بی نیاز ۱۲۶

لِئَلَّا: لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ (۲: ۱۵۰)
تا نه ۳، تا نه ۵۵، تا نه باشد ۸۸، تا آنکه ۱۲۲، تا چنانکه ۱۲۴

~: لِئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ ٱلْكِتَـٰبِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ (۵۷: ۲۹)
تا ۲۹

ٱللُّؤْلُؤُ: لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ (۵۲:۲۴)
مروارید ۱، مروارید ۹۴، مروارید ها ۱۳۹

~: يَخْرُجُ مِنْهُمَا ٱللُّؤْلُؤُ وَٱلْمَرْجَانُ (۵۵:۲۲)
مروارید خرد ۲، مروارید بزرگ ۳، مروارید هاء بزرگ ۴۱، مروارید بزرگ ۵۱، مروارید بزرگ شهوار ۱۰۹، مروارید خورد ۱۱۱، مروارید کلان ۱۳۱، دانهای مروارید ۱۳۶

لُؤْلُؤًا: فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا (۲۲:۲۳)
مروارید ۱، مروارید ۲، مروارید ۱۱۱، دانهای گرانبها ۱۳۶

~: يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا (۳۵: ۳۳)
مروارید ۲۲

~: إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا (۷۶: ۱۹)
مَروارید ۲، مروارید بزرگ ۳، مروارید خرد ۸۰، مروارید ها ۱۰۲، مروار ۱۳۰

لِبَاسٌ: هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ (۲:۱۸۷)
پُوشِش ۲، پوشش ۳، آرام ۱۰، دلارام ۴۰، پوش ۵۲، بوشِش ۵۷، پوشید ۷۶، گسترش ۷۹، جامهاء ۹۰، پُوشش ۹۴، آرام جای ۹۸

~: وَلِبَاسُ ٱلتَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ (۷:۲۶)
جامَهای پُنبَه و جُزان ۱۰

~: فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلْجُوعِ وَٱلْخَوْفِ (۱۶:۱۱۲)
جامَه پوشش - پُوشش ۲، پُوشِش ۵۵، جامه ور ۱۰۵

★ لِبَاسَ الْجُوعِ: فَأَذَٰقَهَا ٱللَّهُ لِبَاسَ ٱلْجُوعِ وَٱلْخَوْفِ بِمَا كَانُواْ يَصْنَعُونَ (۱۶:۱۱۲)
جامه ور گرسنگی ۱۰۵

لِبَاسًا: يَـٰبَنِىٓ ءَادَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا (۷:۲۶)
پُوشِش ۲، پوشید نیها ۲۷، پوشید نی ۴۱، جامه ۴۳، جامَه ۵۵، پوشیدن ۹۲، جامه پوشش ۹۴، جامهآی نرم ۱۰۵، جامه پوششی ۱۲۴

~: وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ لِبَاسًا (۲۵:۴۷)
پوشش ۲، پوشش - پوشنده ۹۱

~: وَجَعَلْنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشًا وَجَعَلْنَا ٱلَّيْلَ لِبَاسًا (۷۸:۱۰)
پُوشش ۲، پرده ۲۴، آرامش ۱۳۹

لِبَاسُهُمْ: وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۲۲:۲۳)
جامها ۳۴، پوشانید نی ۴۳، پوشید نیهاء ۶۴، پوششها ۱۰۵

~: وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۳۵:۳۳)
پوشش ۲، جامه ۷، پوشید نیها ۳۰، پوشیدن ۳۹، پوشید نی ۹۱

لِبَاسَهُمَا: يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا (۷:۲۷)
پوشش ۱۰ مکرّر، جامها ۳۶، پوشیده ۵۷، پوشیدن

۵۸، جامهاشان ۶۰، جامهاء ۹۰، رخت ۱۳۵

لَبِثَ: فَمَا لَبِثَ أَن جَآءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ (۱۱: ۶۹)
ایستاد ۶۲

~: فَلَبِثَ فِي ٱلسِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ (۱۲: ۴۲)
درنگ کرد ۱، دَرَنگ کردْ ۵۵، درنگ کرد ۶۱، بَماند ۶۲، درنگ افتاد ۱۰۴، درنگ کرد ماند ۱۰۹، ماند ۱۲۱

~: فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا (۲۹: ۱۴)
بماند ۲۹، دِرنگ کرد ۵۶، باستاد ۸۸، ببود ۱۳۹

~: لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِۦٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۳۷: ۱۴۴)
درنگ کردی ۱، مانِدی ۲۲، بماندی ۳۴، درنگ میکرد ۱۱۱

★ مَالَبِثَ: فَمَا لَبِثَ أَن جَآءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ (۱۱: ۶۹)
درنگ نکرد ۱، روزگار نشد ۷ مکرّر، نکرد درنگ ۳۸، دَرَنگ نَکرد ۵۵، هیچ درنگ نکرد ۸۸، درنگ نگیرد ۹۲، بیدرنگ بود ۱۳۰

لَبِثْتُ: قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا (۲: ۲۵۹)
درنگ کردم ۱، بُدستم ۱۰، بیستادم ۲۵، ایستادم ۲۹، مانده‌ام ۳۰، استادم ۳۴، دِرَنگ کردَم ۴۲، بودستم ۶۳، ماندم ۷۴، درنگ کردم من ۹۹، آرامیدم ۱۰۱، درنگ کرده‌ام ۱۲۲

~: فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِۦٓ (۱۰: ۱۶)
بماندم ۳۸، بودم ۳۹، بُودَم ۵۳، دَرَنگ کردَم ۵۵، درنگ کردیم ۶۹، درنگ نمودم ۱۰۴، بودم من ۱۲۴

~: قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا (۲: ۲۵۹)
بیستادی ۲۵، ماندی ۳۰، درنگ کردیِ ۴۲، دَرَنگ کَرْدیِ ۵۵، درنگ کردی تو ۵۶، آرامیدی ۱۰۱، درنگ کردی ۱۲۹

~: فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِيٓ أَهْلِ مَدْيَنَ (۲۰: ۴۰)

درنگ کردیِ ۲، بُودی ۵۳، تو باستادی ۹۶

~: قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا (۲۶: ۱۸)
درنگ کردی ۱، بماندی ۲، بودی ۲۴، بماندی تو ۲۹، باستادی ۳۴، ببودی ۵۳، درنگ نمودی ۸۶، وابماندی ۹۴

لَبِثْتُمْ: وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا (۱۷: ۵۲)
درنگ بکردیت ۳، دَرَنک کَرْدِیت ۵۵

~: قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ (۱۸: ۱۹)
استیدید ۳۴، بودیت ۴۱، خفته ماندیت ٤٤، خفته ماندید ٤٤، ماندَه بُودید ۵۳، بوده‌اید شما ۵۸، بماندیدتان ۶۱، مانده بودید ۶۳، ماندید ۸۸، درنگ کردند ۱۳۹

~: يَتَخَٰفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا (۲۰: ۱۰۳)
درنگ کنید ۱۲۱

~: قَٰلَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي ٱلْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ (۲۳: ۱۱۲)
درنگ کردید ۱، استیدی شما ۳۴، درنگ کرده‌اید ۴۷، بودید شما ۵۸، درنگ کردیت ۸۰، استادید ۹۶

~: قَٰلَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا (۲۳: ۱۱٤)
درنگ کردید ۲، استیدی ۳۴، بودید ۳۹، درنگ گردِیْد ۵۱، دِرنگ کردید شما ۵۶

~: لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْبَعْثِ (۳۰: ۵۶)
بماندید ۳۴، بماندید شما ۴۷، بودید، درنگ کردید ۶٤، درنگ نمودید ۸۶، درنگ نموده‌اید ۱۳۲

★ اِنْ لَبِثْتُمْ: وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا (۱۷: ۵۲)
درنگ نکردی ۲٤، نبودید ۳۹، نماندید ۵۳، درنگ نبود شما را ۵۸، درنگ نکرده‌اید ۱۰۳، درنگ نکرده باشید ۱۱۳

~: يَتَخَٰفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا (۲۰: ۱۰۳)

درنگ نکردید ۱، نکردید درنگ ۳۴، نکردیت درنگ ۴۱، که درنگ نکردید ۴۲، درنگ نکردید شما ۵۸، که نبودید ٦٤، که نماندیم ۹٤، شما ناستادید ۹٦، درنگ نکردند ۱۲۸

~: إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا (۲۰:۱۰٤)
نَبُودِنْدْ ۵۳، درنگ نکنید شما ۵٦، درنگ نکردید ۸۱

~: قَـٰلَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا (۲۳:۱۱٤)
درنگ نکردید ۲، اک نماندید شما ۷٦، درنگ نکردیم ۹٤، ناستید ۹٦

لَبِثْنا: قَالُواْ لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ (۱۸:۱۹)
درنگ کردیم ۲، ما درنگ کردیم ۲٤، استیدیم ۳٤، خفته ماندیم ٤٤، بمانده بودیم ۵۳، بماندیم ما ٦۱، ایستادیم ٦۲، مانده بودیم ٦۳، ماندیم ۸۸، مانده بودیم ما ۱۲٤، درنگ کرده‌ایم ۱۳۲

~: قَالُواْ لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْـَٔلِ ٱلْعَآدِّينَ (۲۳:۱۱۳)
درنگ کردیم ۱، درنگ کردیم ۲، بودیم ۳۹، درنگ کردیم ما ۵٦، بودیم ما ۵۸، بماندیم ۷٦، درنگ نمودیم ۸٦، بودیم درنگ کردیم ۹٤، استادیم ۹٦

لَبِثُوا: لِنَعْلَمَ أَىُّ ٱلْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوٓاْ أَمَدًا (۱۸:۱۲)
درنگ کردند ۱، درنگ کردند ۲، دیر ماندند ٤٤، دَرنگ کَردند ۵۵، پیوندند ٦۳

~: وَلَبِثُواْ فِى كَهْفِهِمْ ثَلَـٰثَ مِاْئَةٍ سِنِينَ (۱۸:۲۵)
ببودند ۸، بماندند ۳۹، بماندند ۵۳، درَنگ کردند ۵۷، درنگ نمودند ۱۳۲

~: قُلِ ٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُواْ (۱۸:۲٦)
ماندند ۵۸، درنک کردند ۱۳۹

~: مَا لَبِثُواْ فِى ٱلْعَذَابِ ٱلْمُهِينِ (۳٤:۱٤)
ماندندی ۳۸، کردند درنگ ۸۷

★ مالَبِثوا: مَا لَبِثُواْ غَيْرَ سَاعَةٍ (۳۰:۵۵)
درنگ نکردند ۱، درنگ نکرند ٤٦، نبودند ٤۷، درنگ نکرده‌اند ۱۰۳، درنگ نکنند ۱۱۳

~: مَا لَبِثُواْ فِى ٱلْعَذَابِ ٱلْمُهِينِ (۳٤:۱٤)
نکردندی درنگ ۲٤، درنگ نکردندی ۳۰، نماندندی ۳۹، بنه استادندی ۸۸، درنگ نمی کردند ۹۲، نباستادنی ۹٦، درنگ نمیکردند ۱۰۳

لُبَدًا: يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُّبَدًا (۹۰:٦)
فراوان ۱، بسیار ۲، بسیار و برهم نهاده ۷۹، بسیار وبرهم نهاده۷۹، بسیار برهم‌نهاده ۸۰، فراوآن ۱۰۰، برهم نهاده ۱۱٤، فراهم آمده ۱۳٦

لِبَدًا: يَدْعُوهُ كَادُواْ يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (۷۲:۱۹)
بهم ۱، یک بر دگر استاده ۲، گروهان خویش بر یکدیگر افکننده ۳، بر یکدگر ایستاده ۳۰، بر یکدیگر افتیده ۳٤، گرد آمده ٤۱، برهم نشسته ٤۳، گروهها ۵۲، بر یکدیگر افتاده از انبوهی ۵٦، بر یکدیگر فتاده ٦۱، گرد امده ٦۹، بر زبر یکدیگر افتند گان ۷۹، گروهانی انبوهی کننده ۸۰، بر دیگر استاده ۸۸، بر یکدیگر افتاده ۹۱، برهم افتاده ۱۰۲، یک بر دیگر استاده ۱۰۸، چسبند گان ۱۱۱، برابر یکدیگر افتند گان ۱۱۳، گروهان بسیار ۱۱٤، جفسند گان ۱۱۵، بسر درافتیده ۱۱۷، انبوهان ۱۲۱، گروه انبوه ۱۲۲، چفسند گان ۱۲۳، انبوه ۱۳۲، گروه ۱۳۹

لَبْس: بَلْ هُمْ فِى لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ (۵۰:۱۵)
هکَوی[1] ۱، پوشید گی ۲، شوریده کردن ۲، شورش

۱. هکوی: گمان، شگفتی.

۶، پوشیدن ۲۹، پوشش ۳۸، پوشیدنی ۸۸

لَبَسْنا: وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبِسُونَ (۹:۶)
هکوی کردی ایما ۱، پوشیده کردیم ۳، برپوشیدیمی ۹، پوشیده گردانیم ۲۵، پوشانیدمی ۲۶، پوشیده بکردمی ۲۹، پوشیده کردیمی ۳۰، بپوشانیم ۳۸، پوشیدیمی ۳۹، بَرپوشیدیمی ۴۵، برپوشیدَی ۵۳، پُوشیدَه کردیمی ۵۵، بپوشیدیمی ۵۶، ما بپوشیدمانی ۵۷، پوشانیدیم ۵۸، بپوشانیدیمی ما ۶۱، پوشیده بکردیمی ۶۲، در پوشانیدمانی ۶۳، بشورانیدمانی ۷۹، پوشیده کردمی ۸۸، بپوشانیدمانیم ما ۸۹، پوشیدی ما ۹۶، شوریده کردیمی ۱۰۲، درپوشانیدیم ما ۱۰۶، پوشیده سازیم ۱۱۱، پوشیدمانی ۱۱۴، می پوشانیدیم ۱۱۵، بپوشانیم ما ۱۱۸، پوشیم ۱۲۱، پوشیده کردیم ما ۱۲۴، پوشیده میکردیم ۱۲۹، پوشیده میگردانیدیم ۱۳۰، درپوشاندمانیم ۱۳۴، درپوشانیدمانیم ۱۳۸

★ لَلَبَسْنا: وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبِسُونَ (۹:۶)
هر آینه در پوشانیدیم ما ۱۰۶

لَبَنًا: مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا (۱۶:۶۶)
شیر ۱، شیر ۲، شِیر ۱۰

لَبَن: وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ (۴۷:۱۵)
شیر ۱

لَبُوس: وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ (۲۱:۸۰)
زره ۱، پوشش ـ زره ۲، پوشش ۲۴، زره کردن ۴۸، پوشیدنی ۷۶، زره گری ۸۹، پوشش زره ۱۰۲، زرّه ۱۱۱، زرهها ۱۲۶، زرها ۱۳۹

لُجَّةً: فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً (۲۷:۴۴)
ژرف ۱، ژَرف ۲، میانه دریا ۳، آب بسیار ۲۰، دریا ۲۹، مغ[1] ۳۰، دریاء بزرگ ۴۳، گرداب ژرف ۴۷، آب ۵۲، آب ژرف ۵۳، دریای بزرگ ۵۸، آب مغ ۶۱، دَریا ۷۶، آب نیک بگو ۷۹، آب بزرگ ۸۶، دور ۸۷، پر آب ۸۹، میان دریا ۹۱، آب ژرف بسیار ۱۰۹، بزرگ تک ۱۱۳، آبگینه ۱۱۷، آب مَغ ۱۲۸، دریاچه ۱۳۲، زرق ۱۳۵

لَجّوا: لَّلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۲۳:۷۵)
ستیزه بستندی ۱، ستیزه کردندی ۲، اندر روند ۳۰، بستیهند ۳۶، روی درنهند ۴۲، بستیهندیدی ۴۷، روی درنهند ۵۲، اندر شوند ۵۳، ستیزه ۶۱، فرو روند ۶۴، دور شدند ۷۶، شیزه بستندی ۷۷، ستیزه نمودندی ۷۹، ستهیدندی ۸۰، سخت بیستادندی ۸۹، بستهیدندی ۱۰۲، ستیزندگی کنند ۱۱۱، درشوند ۱۱۹، ستیزه کنند ۱۲۰، ستیزه نمایند ۱۳۲، سخت بایستادندی ۱۳۸

~: بَل لَّجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ (۶۷:۲۱)
ستیزه بستند ۱، بَستَهند ۲، ستهیدند ۳، بستهیدند ۳۰، اندر شدهاند ۳۹، ستیزه کردند ۶۱، دور در شدند ۷۹، همی بستیهند ۸۸، بِستهیدند ۹۶، بستیهیدند ۱۰۲، باز ایستادهاند ستیهیدند ۱۰۹، ستیزه کردند و درافتادند ۱۱۱، سخت بیستادهاند ۱۱۷، درافتادهاند ۱۲۲، همی بستهید ۱۲۴، ستهیدن ۱۲۵، درافتادند ۱۳۲، سخت بیستادهاند ۱۳۸

لُجّيّ: أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ (۲۴:۴۰)
ژرف ۱، مغ ۲، مغ بسیار آب ۳، بسیار آب ۲۹، دور ۳۴، بزرگ ۴۳، بس دور ۴۸، ژَرف ۵۳، دور قعر ۵۴، ژرف و دُور ۵۶، جرف ۷۶، پرف ۷۸، نیک بگو ۷۹، دیرین ۸۷، مغ ۱۰۸، نیک نکو ۱۱۳، ژرف ۱۱۹، بسیار مغ ۱۲۱، میغ بسیار ۱۲۹

۱. مَغ: ژرفا، گودی.

لَحْمُ: إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ ٱلْمَيْتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحْمَ ٱلْخِنزِيرِ (۲:۱۷۳)
گوشت ۲، خون ۵۷

~: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ ٱلْمَيْتَةُ وَٱلدَّمُ وَلَحْمُ ٱلْخِنزِيرِ (۵:۳)
گوشت ۱۰، گوشت ۵۵

~: إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ ٱلْمَيْتَةَ وَٱلدَّمَ وَلَحْمَ ٱلْخِنزِيرِ (۱۶:۱۱۵)
گوشت ۲

~: أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا (۴۹:۱۲)
گوشد ۴۷

~: وَأَمْدَدْنَٰهُم بِفَٰكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (۵۲:۲۲)
گوشت ۱

لَحْمًا: كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا (۲:۲۵۹)
گوشت ۱، گوشت ۲

~: فَكَسَوْنَا ٱلْعِظَٰمَ لَحْمًا (۲۳:۱۴)
گوشت و پوست ۵۲، گوشت ۸۸

~: وَمِن كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا (۳۵:۱۲)
گوشت ۲

لَحْن: وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِى لَحْنِ ٱلْقَوْلِ (۴۷:۳۰)
نهاد ۱، کژی ۲۲، گزاردن ۳۰، نادرست ۴۲، گردانیدن ۷۲، کژ ۱۰۵، گذاردن ۱۰۸، کجی ۱۱۷، درشتی ۱۲۴، گفتن ۱۳۹

★ لَحْنِ ٱلْقَوْلِ: وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِى لَحْنِ ٱلْقَوْلِ (۴۷:۳۰)
گفتار کژ ۵۲

لُحُومُهَا: لَن يَنَالَ ٱللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا (۲۲:۳۷)
گوشتها ۱، گوشتها ۲، گوشتهام ۷۶، گوشتهآ ۱۰۵، گوشها ۱۱۳، گوشت ۱۱۴

بِلِحْيَتِى: قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِى وَلَا بِرَأْسِى (۲۰:۹۴)
ریش ۱، ریش ۲، موی روی ۳، موی و روی ۸۰، ریش مرا ۱۰۸

لُدًّا: وَتُنذِرَ بِهِۦ قَوْمًا لُّدًّا (۱۹:۹۷)
سخت پیکار ۱، سخت پیکاران ۳، همباز گیران ۴۲، ستیزه کار و داورکن ۴۴، پیکارکنندگان ۵۸، پیکارگر ۷۸، درشتان ۷۹، ستیزه کار ۸۷، سخت گران ۸۸، ستیزنده ۱۱۱، پیکاران ۱۱۴، ستیزکاران ۱۲۳، ستیزنده گان ۱۳۱

لَدُنْ: ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ (۱۱:۱)
نزدیک ۱، نزد ۳، نزد ۵۵

~: وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى ٱلْقُرْءَانَ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (۲۷:۶)
نزد ۶۲

لَدُنَّا: وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَوٰةً وَكَانَ تَقِيًّا (۱۹:۱۳)
نزدیک ۱

~: ثَمَرَٰتُ كُلِّ شَىْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا (۲۸:۵۷)
نزد ما ۴۷

لَدُنْكَ: وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً (۳:۸)
نزدیک ۱، نزد ۲، نزد تو ۳

~: قَالَ رَبِّ هَبْ لِى مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً (۳:۳۸)
نزد ۲

~: وَٱجْعَل لِّى مِن لَّدُنكَ سُلْطَٰنًا نَّصِيرًا (۱۷:۸۰)
نزد ۲

لَدُنْهُ: وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا (۴:۴۰)
نزدیک ۱، نزد ۲

~: فِيمَا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ (۱۸:۲)
نزد ۶۲

لَدُنِّى: قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّى عُذْرًا (۱۸:۷۶)
نزدیک ۵۶، نزد ۹۳

لَدَى: وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا ٱلْبَابِ (۱۲:۲۵)

نزدیک ۱، نَزد ۵۵، نزد ۹۳

★ لَدَی ٱلْبَابِ: وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا ٱلْبَابِ (۱۲: ۲۵)
بر در ۳

★ لَدَی ٱلْحَنَاجِرِ: إِذِ ٱلْقُلُوبُ لَدَی ٱلْحَنَاجِرِ كَٰظِمِينَ (۴۰: ۱۸)

برسد بگلوها ۳۹

لَدَیَّ: إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَیَّ ٱلْمُرْسَلُونَ (۲۷: ۱۰)
نزدیک من ۴۳، نزد من ۱۲۱

~: قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا۟ لَدَیَّ (۵۰: ۲۸)
نزدیک ۱، نزد ۳

لَدَيْنَا: قَالَ إِنَّكَ ٱلْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ (۱۲: ۵۴)
نزدیک ۲۴، نزد ما ۱۲۴

~: وَلَدَيْنَا كِتَٰبٌ يَنطِقُ بِٱلْحَقِّ (۲۳: ۶۲)
نزدیک ما ۴۷، زی ۷۷

~: وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ (۳۶: ۳۲)
نزد ۳، بنزدیک ۲۴، سوی ما نزد ما ۱۲۴

لَدَيْهِ: كَذَٰلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا (۱۸: ۹۱)
نزد ۲، نزدیک ۶

~: مَا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (۵۰: ۱۸)
نزد ۹۹

لَدَيْهِمْ: وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَٰمَهُمْ (۳: ۴۴)
نزد ایشان ۳، نزدیکشان ۹۹، نزدیک شان ۱۰۳

~: وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوٓا۟ أَمْرَهُمْ (۱۲: ۱۰۲)
نزد ۲

~: كُلُّ حِزْبٍۭ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۲۳: ۵۳)
نزدیک ۱، نزدشان ۱۱۴

★ بِمَا لَدَيْهِمْ: وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ (۷۲: ۲۸)
آنچه نزد ایشانست ۴۱

لَذَّةٍ: بَيْضَآءَ لَذَّةٍ لِّلشَّٰرِبِينَ (۳۷: ۴۶)
خوشی ۱، بامَزه ۲، مزه ۳، میرَاوند ۲۲، گوارنده ۴۲، مزه دار ۴۹، خوش گوار ۸۹، مزه ۹۴، خوشگوار ۱۱۵، خوشخوار ۱۲۰

~: وَأَنْهَٰرٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّٰرِبِينَ (۴۷: ۱۵)
خوش ۱، خوش مزه ۲، بامزه ۳، خوش و گوارنده ۶، مزه مند ۲۲، خوش بامزه ۳۹، خوش آینده ۴۳، میزمند ۴۷، مزه دهنده ۴۹، مزمند ۶۱، مزه مند ۹۴، مزه دهنده ۱۰۲، خوش و گوارا ۱۳۹

لِزَامًا: وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا (۲۰: ۱۲۹)
برچَفسیده پیوسته ۳، فرا گرفته ۴۱، هموار ۴۳، دایم ۵۲، همواره ۱۲۴

~: فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًۢا (۲۵: ۷۷)
گرفتار ۲، پیوسته ۳، نزدیک ۲۴، گرفتاری ۵۶، برچفسیده پیوسته ۸۰، نگاه داشت ۹۶، چفسان ۱۰۹، برچفسنده ۱۱۴، نگهداشت ۱۲۵

لِسَانِ: لُعِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنۢ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُۥدَ (۵: ۷۸)
زبان ۱، زبَان ۲، زفان ۱۰ مکرّر، زفان ۶۲، زبآن ۱۰۰

~: وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِۦ (۱۴: ۴)
زوان ۶۳، گفت ۸۸

~: وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (۱۹: ۵۰)
ستایش ۳

~: وَٱجْعَل لِّى لِسَانَ صِدْقٍ فِى ٱلْءَاخِرِينَ (۲۶: ۸۴)
زبان ۲

★ لِسَانَ صِدْقٍ: وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (۱۹: ۵۰)

ستایش نیکوی ۹۱

لِسَانًا: هُوَ أَفْصَحُ مِنِّى لِسَانًا (۲۸: ۳۴)
زوان ۲۱، سخن ۵۸

~: وَهَٰذَا كِتَٰبٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا (١٢:٤٦)
زفان ٢٢

~: أَلَمْ نَجْعَل لَّهُۥ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (٩:٩٠)
زبان ١، زبان ٢

لِسَانِكَ: فَإِنَّمَا يَسَّرْنَٰهُ بِلِسَانِكَ (٥٨:٤٤)
زبان ١، زبان ٢

~: لَا تُحَرِّكْ بِهِۦ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِۦٓ (١٦:٧٥)
زفان ٦

لِسَانِي: وَٱحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي (٢٧:٢٠)
زبان ١، زفان ٧٦

~: وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِي (١٣:٢٦)
زبآن ١٠٠، زفان ١١٩

لَسْتُ: وَلَا تَقُولُوا۟ لِمَنْ أَلْقَىٰٓ إِلَيْكُمُ ٱلسَّلَٰمَ لَسْتَ مُؤْمِنًا (٩٤:٤)
نه‌ای ١، نیستی ٢، تو نیستی ٩٦

~: وَهُوَ ٱلْحَقُّ قُل لَّسْتُ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ (٦٦:٦)
نام ١، نیستم ٢، نیستم ٣، نه‌آم ٦٢، نیَمْ من ١٠٤

~: وَكَانُوا۟ شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِى شَىْءٍ (١٥٩:٦)
نیستی ٣، نیستی تو ٢٤، نیستید ٢٧، نیستی ترا ١٢٨

~: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا۟ بَلَىٰ (١٧٢:٧)
نه‌ام ١، نه مَنم ١٠، نَه منم ٢٧، نیستم من ٢٩، همی نیستم ٣٥، نه منم ٦٢، من نیستم ٩٦، نیم من ١٠٤، نه من ١٢٤

~: وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَسْتَ مُرْسَلًا (٤٣:١٣)
نیستي ٢، نیسْتی تو ٥٥

~: لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ (٢٢:٨٨)
نهٔ تو ١٣٢

لَسْتُمْ: وَلَسْتُم بِـَٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغْمِضُوا۟ فِيهِ (٢٦٧:٢)
نا يد ١، نیستید شما ٢، نیستید شما ٢٧، نباشید شما ٢٩، نیستی شما ٥٧، نیستید تان ٦١، نباشید ٦٤، نیستم ٦٩

~: لَسْتُمْ عَلَىٰ شَىْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا۟ ٱلتَّوْرَىٰةَ (٦٨:٥)
نیستیت ٣، نیستید ٢٩، نیست شما را ٣٦

~: وَمَن لَّسْتُمْ لَهُۥ بِرَٰزِقِينَ (٢٠:١٥)
نیستیت شما ٧١، نه‌اید ١١٢

★ لَسْتُمْ بِآخِذِيهِ: وَلَسْتُم بِـَٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغْمِضُوا۟ فِيهِ (٢٦٧:٢)
آن خود فانستانید ٦٣

لَسْتُنَّ: يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِىِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ ٱلنِّسَآءِ (٣٢:٣٣)
نايد ١، نیستیت شما ٣، نیستید شما ٣٠، مباشید ٤٧

ٱللَّطِيفُ: وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ (١٠٣:٦)
مهْربان ٢، مهربان ١٠ مکرّر، چابک کار ٢٧، دوربین ٣٦، باریک بین و باریک دان ٤٤، باریک بین ـ نغز کار ٤٩، باریک دَانْ ٥٣، بَاریک بِین ٥٥، نیکوا کار ٥٧، بَاریک بین و مهربان ٥٨، نوازنده ٦٧ و ٩٢، نیکو ١٢٣

~: إِنَّ رَبِّى لَطِيفٌ لِّمَا يَشَآءُ (١٠٠:١٢)
چابُک کار ٢، زیبا کار ٥، نیکو کار ٣٨، نغز و مهربان ٤٩، باریک ٥٣، بَاریک بِین شِیرین کار ٥٥، نغز کار ٥٧، دوربین و باریک بین ٦٧، دوربین و باریک دان ١٠٢، رسانندهٔ نیکوئی ١١٦، نکو کار ١٢٥

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (٦٣:٢٢)
باریک دان ١٢، خوب کار ٢٤، مهربان تر ٦١، باریک بین باریک کار ١٠٩، شیرین کار ١٢٩

~: يَأْتِ بِهَا ٱللَّهُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (١٦:٣١)
خردْبین ٢، باریک بین ٣، نازک ١٤، باریک دان باریک بین ٤٧، دانا ٦١، باریک و دوربین ٦٤،

دورهی[1] ۱۱۰، پاک بین ۱۲۹

~: اللّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ (۴۲: ۱۹)
مهروان ۱، مهربان و نیکوکار ٦٤، نازک بین ۸۰، بسیار نیکوکار ۱۱٦، نیکو کننده ۱۲٦

~: أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (٦۷: ۱٤)
بینندهِ راز ۲، باریک بین شیرین کار ۳، دور اندر بیننده ٤۹، دانا و دوربین ٦۱، دور بیننده ۹۱، باریک دآن ۹٤، بیننده ۹۵، باریک بین و نیکوکار ۱۰۹، بسیار بسیار نیکوکار ۱۳٦

لَطِيفًا: إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۳: ۳٤)
مهربان ۲، دوربین ۳٦، نیکوکار ۳۹، نازک ٤۷، باریک دآن ۵۳، باریک دان و نیکوکار ۱۰۹، باریک بین ۱۱۷

لَظَى: كَلَّا إِنَّهَا لَظَى نَزَّاعَةً لِلشَّوَى (۷۰: ۱۵)
آتش فرُوزان ۲، آتش ۳، زوانه آتش ٦، دوزخ ۱۹، آتش فروزان ۳۰، دوزخ ۳۹، آتش سوزان ٤۱، آتش زفانه زننده ٤۹، دوزخ تافته ٦۹، آتش زبانه زننده ۷۲، زبانه آتش ۹۰، زبانه زننده ۱۰٦، آتش با زبانه ۱۰۹، زبانه می زند ۱۱۳، آتش دوزخ ۱۲۰، آتش زبانه زننده ۱۳۸، آتش زبانه ۱۳۹

لَعِبًا: لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا (۵: ۵۷)
بازیچه ۱۲۲

~: وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا (٦: ۷۰)
بازی ۲، بازی و رامش ۵۸، بازی بازی ۱۲٤

~: الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا (۷: ۵۱)
بازی ۱، بازیَ و خَندستانیَ ۱۰، بازی کردن ۱۰۲، افسوس ۱۱۰

لَعِبٌ: وَمَا الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ (٦: ۳۲)
بازی ۱، بازی کودکان ٤۱، بَازی ۵۵، بیهوده ۹۰

~: وَمَا هَٰذِهِ الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ (۲۹: ٦٤)
افسوس ٦۹، بیکاری و بازی ۱۰۳

~: اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ (۵۷: ۲۰)
بازی کردگان ٤۱، بازیچه ۱۰۳

لَعَلَّ: وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا (۳۳: ٦۳)
شاید بود که ٤۷، مگر که ۱۳۸، باشد ۱۳۹

~: وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ (٤۲: ۱۷)
شاید ۱، تامگر ۵٦، شاید که ۱۰۳

~: لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا (٦۵: ۱)
مگر ۲، باشد که ۱۳۹

لَعَلَّكَ: فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ (۱۱: ۱۲)
شاید ۱، باشد که ۵٦، بَود که ٦۲

~: فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ (۱۸: ٦)
مگر ۲، همانا ۷٦، گویا ۱۳۲

~: فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ (۲۰: ۱۳۰)
تابُوک ٤۲، تابوک ۵۲، تا بود ۷٦، تا مگر ۸٦، باشد ۱۳۵

★ لَعَلَّكَ تَارِكٌ: فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ (۱۱: ۱۲)
مگر تو دَسْت بَداریِ ۲، مگر تو دست باز داری ۹٦

لَعَلَّكُمْ: وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲: ۲۱)
تا بود ٦۰، هر آینه ۹۱، بود که ۹٦، اگر ۱۱٤، گاه ۱۲۲، گاه باشد ۱۲۷

~: مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۲: ۵۲)
تا ۱۰

---

۱. دورهی: دوربین، باریک بین.

~: وَإِذْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۲:۵۳)
تا مگرْ ۲، مَگرْ ۵۵

~: وَٱذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲:۶۳)
مَگرَ ۵۵

~: وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِى عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۲:۱۵۰)
تا شما ۳، تا بود که ۶۳، هر آینه مگر ۱۰۴

~: فَٱتَّقُوا ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۳:۱۲۳)
شاید ۱، تا مگر ۲، مگر ۲۷

~: وَٱتَّقُوا ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳:۱۳۰)
تا مگر تان ۲۳

~: ذَٰلِكُمْ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۶:۱۵۲)
شاید که ۹۶

~: وَٱذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۷:۱۷۱)
باشد ۵۸

~: وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۸:۲۶)
باشد ۱۱۲

~: وَٱذْكُرُوا ٱللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۸:۴۵)
تا باشد که ۱۰۳

~: وَأَنْهَٰرًا وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۶:۱۵)
تا شما ۵۵

~: وَٱرْجِعُوٓا إِلَىٰ مَآ أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَٰكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْـَٔلُونَ (۲۱:۱۳)
تا شاید ۹۲

~: كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَٰهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۲۲:۳۶)
تا همانا ۷۶

~: ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۲۴:۲۷)
تا فراخوردان ان بوده ۴۷

~: كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْءَايَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲۴:۶۱)
تا فراخوردان ان بود ۴۷

~: لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۲۷:۴۶)
تا فراخوردان ان بوده بر شما ۴۷، بو که ۹۶

~: لَّعَلِّىٓ ءَاتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ ٱلنَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (۲۸:۲۹)
بود ۶۲

~: وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِۦ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۲۸:۷۳)
فراخوردان ان ۴۷

~: ٱتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۳۶:۴۵)
باشد که ۸۶

~: وَٱلْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ (۴۱:۲۶)
تابوک ۴۲

لَعَلَّنَا: لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ ٱلسَّحَرَةَ إِن كَانُوا هُمُ ٱلْغَٰلِبِينَ (۲۶:۴۰)
شاید ۱، باشد که ۳۹، مگر ۶۲

لَعَلَّهُ: لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ فَقُولَا لَهُۥ قَوْلًا لَّيِّنًا (۲۰:۴۴)
تا مگر ۳۴، تا بو که ۴۲، مگر ۴۳، تا ۸۷، تابود ۱۰۰

~: وَإِنْ أَدْرِى لَعَلَّهُۥ فِتْنَةٌ لَّكُمْ (۲۱:۱۱۱)
باشد ۳۹، مگر که ۱۰۰، بو که ۱۲۵

~: وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ (۸۰:۳)
باشد که ۵۶

لَعَلَّهُمْ: وَٱكْفُرُوٓا ءَاخِرَهُۥ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۳:۷۲)
مگر شان ۲۸، تابود ۶۳

~: فَأَخَذْنَٰهُم بِٱلْبَأْسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (۶:۴۲)
شاید ۱، شاید که ۱۱۱

~: وَنَقْصٍ مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۷:۱۳۰)
باشد ۵۸، تا باشد که ۱۰۳

~: فَٱقْصُصِ ٱلْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۷:۱۷٦)
بر امید آنکه ۱۰

~: فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۸:۵۷)
مگر ۵۵

~: وَلِيُنذِرُوا۟ قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوٓا۟ إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (۹:۱۲۲)

مگر ۱۳

~: لَّعَلِّىٓ أَرْجِعُ إِلَى ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۲:٤٦)
مگر شاید ۵۸

~: إِذَا ٱنقَلَبُوٓا۟ إِلَىٰٓ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱۲:٦۲)
تا مگر ۷٦

~: وَٱرْزُقْهُم مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (۱٤:۳۷)
مگرشان ۵۵، تا بود که ۹۳

~: وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ ٱلْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۲۰:۱۱۳)
بر که ٤۲، تابوک ۵۲

~: لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۸:٤٦)
تا مگر ۱۳۹

~: وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ ٱلْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۸:۵۱)
تا همانا ۹٦

~: لِيُذِيقَهُم بَعْضَ ٱلَّذِى عَمِلُوا۟ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۳۰:٤۱)
فراخوردان ان ٤۷

~: لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳۲:۳)
شاید و باشد ۵۸

~: قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِى عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۳۹:۲۸)
تا باشد ۹۲

~: فَإِنَّمَا يَسَّرْنَٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (٤٤:۵۸)

تا مگر ۲

لَعَلِّى: لَّعَلِّىٓ أَرْجِعُ إِلَى ٱلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۲:٤٦)
شاید ۱، تا مگر ۲، تا ۵۵، شاید که ۹۲، تا بود که ۱۰۰

~: إِنِّىٓ ءَانَسْتُ نَارًا لَّعَلِّىٓ ءَاتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ (۲۰:۱۰)
مگر ۲، شاید من ۷٤، شاید که من ۹۲

~: لَعَلِّىٓ أَعْمَلُ صَٰلِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّآ (۲۳:۱۰۰)
تابوک ٤۲، باشد که ۵۸، باشد ۱۳۹

~: إِنِّىٓ ءَانَسْتُ نَارًا لَّعَلِّىٓ ءَاتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ (۲۸:۲۹)
شاید بود ۹۲

~: لَّعَلِّىٓ أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ (۲۸:۳۸)
تا بوکه ۹٦

~: يَٰهَٰمَٰنُ ٱبْنِ لِى صَرْحًا لَّعَلِّىٓ أَبْلُغُ ٱلْأَسْبَٰبَ (٤۰:۳٦)
تا ۳

لَعَنَ: إِنَّ ٱللَّهَ لَعَنَ ٱلْكَٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا (۳۳:٦٤)
نفرین کرد ۳۰، بنفریده است ٤۷، دور کرد ۱۰٤، دور کرده ۱۳۲

لُعِنَ: لُعِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنۢ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ (۵:۷۸)
نفرین کرده شدند ۳، نفرین کردند ۲۷، دور کرده شدند ۲۹، بنفرین کردند ٤۵، نفرین کرده است ۵۳، رانده شدند ٦۷، بنفرین شدند ۱۱۲، نفرین کرده شده‌اند ۱۳۰

لَعْنًا: وَٱلْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا (۳۳:٦۸)
نفرین کردن ۳، نفرین ۳۰، راندن ۵۸، رسوا کردن ٦۱، دور کردن ۱۱۱، رندن ۱۳۰

لَعَنَّا: أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّآ أَصْحَٰبَ ٱلسَّبْتِ (٤:٤۷)
نفرین کردیم ۳، کپی گردانیدیم ۱۰، نفرین کردیم ما ٦۱، بنفریدیم ۱۰۲، دور گردانیدیم ۱۰٤، رانده‌ایم ۱۲۰

لَعَنّاهُمْ: فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ (۵: ۱۳)
دور کردیم ۲، نفرین کردیم ۳، گزید نهادیم ۳۶، دُور کردیم ۴۲، بنفرین کردیم ۴۵، نفرین کردیم ۵۳، بنفریدیم ۱۰۲، دور گردانیدیم ۱۰۴، براندیم ۱۲۳

لَعَنَتْ: كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا (۷: ۳۸)
نفرین کنند ۳، نفرین کند ۲۹، نفرین کرد ۶۱

لَعْنَةُ: فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (۲: ۸۹)
نفرین ۵۵

~: أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ (۲: ۱۶۱)
دور گردانیدن ۱۰۴

~: فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (۳: ۶۱)
نفرین ۳، راندن ۳۹

~: أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ (۳: ۸۷)
دوری ۱۰۴

~: وَأُتْبِعُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۱: ۶۰)
نفرین ۵۵، راندن و نفرین ۸۸

~: أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (۱۳: ۲۵)
نفرین ۵۳، دُور کردن و راندن ۸۳

~: وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ (۱۵: ۳۵)
نفرین و راندن ۵۵

~: وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ (۲۴: ۷)
نفرین ۵۳

~: وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (۴۰: ۵۲)
دُوری ۲

لَعْنَتي: وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ (۳۸: ۷۸)
نفرین ۲۲

لَعَنَهُ: وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ (۴: ۹۳)
نفرین کرده ۲۷، نفرین کَند ۴۲، نفرین کُنَدْ ۵۳، دور گرداند ۱۰۴، نفرین کرد و دور کرد ۱۰۹

~: إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا لَّعَنَهُ اللَّهُ (۴: ۱۱۸)
دُور کرد ۲، نفرین کرد ۳، دُور گرد ۴۲، ور گرداناد ۷۶، نفرین کناد ۱۱۴

~: مَن لَّعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ (۵: ۶۰)
دور کرد ۲، بنفرین کرد ۴۵، نفرین کند ۵۷، براند ۹۵، بنفرید ۱۰۲

لَعَنَهُمُ: وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَل لَّعَنَهُمُ اللَّهُ (۲: ۸۸)
نفرین گرد ۵۳، نَفرین گرد ۵۵، بنفرید ۵۹، نفرین ۱۰۵، دور کرده ۱۲۲، رانده است ۱۲۳

~: وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۴: ۴۶)
نفرین کردست ۲۴، نِفرین کرد ۴۲، نفرین کند ۶۱

~: أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ (۴: ۵۲)
نفرین گرد ۶۱

~: هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ (۹: ۶۸)
بنفرین کرد ۱۱، برانده است ۲۷، دُور کرد ۸۳

~: لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۳۳: ۵۷)
نفرین کرد ۳، بنفریند و بنفریده است ۴۷، دور گردانیده است ۱۰۳

~: أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ (۴۷: ۲۳)
نفرین کرْد ۲۲، دور گردانید ۳۰، براند ۶۷

~: وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ (۴۸: ۶)
دور کرد ۲، بنفریده است ۶، بنفرین کند ۳۸، دور کرده است ۶۴

لُعِنوا: غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا (۵: ۶۴)
نفرین کرده شدند ۳، نفرین کردندشان ۳۰، نَفرین بریشان گَرْدَند ۵۳، نفرین باد بر ایشان ۹۱، رانده شدند ۱۲۳

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ يَرْمُونَ ٱلْمُحْصَنَٰتِ ٱلْغَٰفِلَٰتِ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ لُعِنُوا۟ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ (٢٤:٢٣)
نفرين شدند ٣٠، نَفرين كردَه امَدست ٥٣، نفرين كرده اند ٩٤، دور گردانيده اند ايشانرا ١٠٤، نِفرين كنندشان ١١٩، دور كرده شده اند ١٢٢

ٱللَّغْوُ: لَّا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغْوِ فِىٓ أَيْمَٰنِكُمْ (٢:٢٢٥)
نادانِسْته ٢، نَادانستَه ٤٢، نادانسته ٥٢، ناانديشه و ناگهان ٧٨، نادآنسته ٩٤، آنچه در زبان آمد ١٠١، نادانستن ١٢٨

~: لَا يُؤَاخِذُكُمُ ٱللَّهُ بِٱللَّغْوِ فِىٓ أَيْمَٰنِكُمْ (٥:٨٩)
بازى ٢، ناپاكى ٩، بيهوده ٢٧، ناباكى ٣١، سخن هرزه ٥٧، پنداشت ٨٠، سوگند بر پنداشت ٩١، بى فايده ٩٦، بيهودگى ٩٩، نافرجآم ١٠٠، گمان ١٣٣

~: وَٱلَّذِينَ هُمْ عَنِ ٱللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (٢٣:٣)
سخن بيهُوده و كار بيهُوده ٢، نافرجام ٣، بيهوده گفتن ٤١، نافرجَام ٤٢، نابكارى كردن ٥٨، گفتار بيْهوده ٦١، گفتار بيهوده ٦٤، نابكار ٧٢، زيانكارى ٧٤، نابكار گفتن ٧٧، سخن بيهوده و كار بيهوده ١٠٨، گفتار بيفايده ١٣٢، سخنان بى فايده ١٣٦

~: وَإِذَا مَرُّوا۟ بِٱللَّغْوِ مَرُّوا۟ كِرَامًا (٢٥:٧٢)
بيهوده و ناشايست ٤٧، كار ناشايست ٨٦، نافرجام ١٠٠، چيزى ناپسند ١٠٣، سخن بيهوده و ناپسنديده ١١١، ناپسند ١١٦، دروغ ١٢١، ناپسنديده ١٢٣، ناكار گفتن ١٣٩

~: وَإِذَا سَمِعُوا۟ ٱللَّغْوَ أَعْرَضُوا۟ عَنْهُ (٢٨:٥٥)
سخن بيهوده ٢، هرزه ٢٩، بيهده ٣٩، نادرست ٤٦، نابَكارى ٥٣، ياوه ٦٤، بيهوده ياوه ٩٢، سخن يافه ٩٤، دشنام ٩٨، سخن يافه و بيهوده ١٠٨، بى هوده ١١٩، ناشايست ١٢٥، سخن بافته ١٢٨، سخن ناشايسته ١٣٠

~: يَتَنَٰزَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ (٥٢:٢٣)
نابكارى ٢، نافرجامى ٣، درد ٢٤، بيهوده و هرزه ٤١، سخن بد ٥٦، بى فرجام ٨٠، سخن نافرجام ٨١، بيهوده گى ١٠٨، سخن بى فايده ١١٣، بيهده گويى ١٢٢، بدمستى ١٣٦

لَغْوًا: لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَٰمًا (١٩:٦٢)
اكار[1] ١، بيهوده ٢، بيهوده ٣، هرزه ٢٩، بازى ٥٣، سخن هرزه ٩٦، نافرجآم ١٠٠، سخن نابكار ١٠٣

~: لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا (٥٦:٢٥)
نابكارى ٢، نافرجام ٣، سخن ناخوش ٥٢، سخنان بيهوده ١٢٠، فرجام بيهوده ١٢١

~: لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّٰبًا (٧٨:٣٥)
سُخن بيهُده ٢، سخن بيهوده ٣٤، بيهده ٣٩، سخن بى فايده ٧٩، بيهود ٩١، نافرجام گفتن ٩٤، سخنان بيهوده ١٠٣، سخن بيفايده ١٠٥، سخن بيهوده و هرزه ١١٦، حرف زشت ١٣٦

لُغُوبٌ: وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ (٣٥:٣٥)
رنج ١، ماندگى ٢، ماندى ٧، سختى و ماندگى ٤١، مانده شدن ٤٢، ماندگى و كوفت ١١١، بازماندگى ١١٧، درماندن ١١٩، مندگى[2] ١٣٠، بازى ماندگى ١٣٩

~: وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ (٥٠:٣٨)
ماندهى ١، ماندن ٦، رنج و ماندگى ٦٤، مانده گى ٩٥

لَفِيفًا: فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ ٱلْءَاخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا (١٧:١٠٤)
همه ١، بهم درآميختَه ٢، با هم آورده ٢٩، بر

---

١. اكار: بيهوده.
٢. مندگى / ماندگى.

یکدیگر آویخته ٣٤، بهم در آمیخته ٤١، درهم پیچیده ٤٢، بهم آمیخته ٥٢، فراهم کرده ٥٣، همه ٥٥، هرهمه ٥٨، درهم پیخته ٦٠، بر یک دیگر آمیخته ٦٢، با هم ٦٣، آمیخته ٦٤، همه آمیخته ٦٧، درهم بیخته ٧٦، بهم اندر آمیخته ٧٨، همگان ٨٨، روی با روی ٨٩، اندر آمیخته ٩٨، با هم پیچیده ١٠٠، با هم آمیخته ١٠٢، یک اندر دیگر فراز آورده ١٠٨، آمیخته شده ١١١، پیچیده شده ١٢١، درهم آمیخته ١٢٢، پیچیده ١٢٣، فراز آورده ١٢٨، آمیخته با هم ١٣٠، آمیخته بهم ١٣١

لِقَاءِ: قَدْ خَسِرَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ (٦:٣١)
پذیره آمدن ١

~: وَیُنْذِرُونَکُمْ لِقَاءَ یَوْمِکُمْ هَذَا (٦:١٣٠)
پدید آمدن ٧٢

~: وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ یُؤْمِنُونَ (٦:١٥٤)
پاداش و دیدار ٣، پاداش و دیدار ٥٥، رسیدن جزا ١٠٤

~: کَمَا نَسُوا لِقَاءَ یَوْمِهِمْ هَذَا (٧:٥١)
دیدن ٣، بازرسیدن ٤٨، دیدار ٥٥، برخوردن ١٢٢، دریافتن ١٣٠

~: وَالَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ (٧:١٤٧)
وارسیدن ٢٩، فرارسیدن ١٠٤، دیدن ـ دیدار ـ بازرسیدن ١٠٩

~: قَدْ خَسِرَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ (١٠:٤٥)
دیدار و بازرسیدن ١٠٩

~: یُفَصِّلُ الْآیَاتِ لَعَلَّکُمْ بِلِقَاءِ رَبِّکُمْ تُوقِنُونَ (١٣:٢)
رسیدن ٢، دیدن و رسیدن ٥٦، رسیدن ٧٦

~: الَّذِینَ کَفَرُوا وَکَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ (٢٣:٣٣)
دیدن و بودن ٥٨

~: مَنْ کَانَ یَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ (٢٩:٥)
باز رسیدند ١٣٨

~: وَإِنَّ کَثِیرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَکَافِرُونَ (٣٠:٨)
برانگیختن ٩٨، دیدار ـ بازرسیدن ١٠٩

~: الَّذِینَ کَفَرُوا وَکَذَّبُوا بِآیَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ (٣٠:١٦)
دیدار ٢، بازرسیدن باز ٤٧

~: وَیُنْذِرُونَکُمْ لِقَاءَ یَوْمِکُمْ هَذَا (٣٩:٧١)
درآمدن ٥٦

~: أَلَا إِنَّهُمْ فِی مِرْیَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ (٤١:٥٤)
دیدار ٢

~: وَقِیلَ الْیَوْمَ نَنْسَاکُمْ کَمَا نَسِیتُمْ لِقَاءَ یَوْمِکُمْ هَذَا (٤٥:٣٤)
رسیدن ٢

لِقَاءَنَا: إِنَّ الَّذِینَ لَا یَرْجُونَ لِقَاءَنَا (١٠:٧)
دیدن ٣

~: فَنَذَرُ الَّذِینَ لَا یَرْجُونَ لِقَاءَنَا (١٠:١١)
رسیدن ٢، مردیدار ما را ١٢٤

~: قَالَ الَّذِینَ لَا یَرْجُونَ لِقَاءَنَا (١٠:١٥)
رسیدن ١٣، دیدار ٥٥

~: وَقَالَ الَّذِینَ لَا یَرْجُونَ لِقَاءَنَا (٢٥:٢١)
دیدار ٢، بازرسیدن ٤٧، بازرسیدن با ما ٤٧، دیدار ـ رسیدن ١٠٩

لِقَائِهِ: الَّذِینَ کَفَرُوا بِآیَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ (١٨:١٠٥)
پذیره آمدن ١، رسیدن ٢، دیدار ٣٤، دیدار ٥٣، دیدار ٥٥، دیدن ٦٤

~: وَالَّذِینَ کَفَرُوا بِآیَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ (٢٩:٢٣)
رسیدن ٢، بازرسیدن ٤٧، دیدار ـ بازرسیدن ١٠٩

لَقَّاهُمْ: وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا (٧٦:١١)
پیش بازآورد ٣، بداد ٢٤، پیش آورد ٣٠، بنماید ٣٩، برسد ٤٢، برساند ٦١، پیش آرد ٧٩، بدید

٩٢، افکند ١٣٦، بدهد ١٣٩

لَقُوا: وَإِذَا لَقُوا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوٓا ءَامَنَّا (٢: ١٤)
بینندْ ٥٥، برسند ٦٠، فرارسند ٦٢

~: وَإِذَا لَقُوا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوٓا ءَامَنَّا (٢: ٧٦)
بَرسند ٢، بینند ٣، بَبینند ١٠، ببینند ٢٩، بدیدند ٥٠، دیدند ٩٢، برسیدند ٩٦، به بینند ١٢١، برخورند ١٢٢

لَقُوكُمْ: وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوٓا ءَامَنَّا (٣: ١١٩)
پدیره آیند ١، ببینند شما را ٣، ببینند ٢٤، بینند ٢٩، فَراز رَسَند ٤٢، فراز رسند ٥٢، به بینند ٥٨، برسند ٦١، فرارسند ٨٢، بینند ٩٠، برخورند ١٢٢، فرارسد ١٢٨

لَقِيَا: فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا لَقِيَا غُلَٰمًا فَقَتَلَهُۥ (١٨: ٧٤)
دیدند ١، بدیدنْد ٢، رسیدند ٢٤، بدیدند ٢٩، پیش آمد ایشانرا ٥٩، برسیدند ١٢٨، برخوردند ١٣٢

لَقِيتُمْ: إِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا (٨: ١٥)
بینید ١٠، فراز رسیده و ببینید ٢٧، کارزار کنید ٢٩، بینی شما ٣٥، فراز رسید ٥٢، برسید ١١٢

~: إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَٱثْبُتُوا (٨: ٤٥)
بهم آیید ١، بینیت ٣، بِبینی ١٠، ببینید ١١، به بینید ٢٧، فرا رسید ٤٢، بِـینیتْ ٥٥، ببینید شما ٥٨، دیدید ٦١، بی نیت ٩١، نمودید شما ـ بینید شما ١٠٠، فراز رسیدی شما ١٠٩

~: فَإِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا (٤٧: ٤)
پدیره آیید ١، بینند ٥٢، برسید ٨١، برخورید ١٣٢، بینید شما ١٣٨

لَقِينَا: لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبًا (١٨: ٦٢)
دیدیم ١، ما دیدیم ٤٢ و ٩٦، بدیدیم ما ٤٣، دیدیم ٥٥، دیدیم ما ٥٦ و ١٢٣، برسیدیم ما ٥٨، رسیدیم ما ٦١، بدیدیم ٦٤ و ١٠٥، رسیدیم ١١٣، برسیدیم ١٣٤

لَٰكِن: لَّٰكِنِ ٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلْعِلْمِ مِنْهُمْ (٤: ١٦٢)
چونَ ٧٥

~: لَٰكِنِ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُۥ جَٰهَدُوا بِأَمْوَٰلِهِمْ (٩: ٨٨)
بجُز انکه ٥٥

وَلَٰكِنْ: أَلَآ إِنَّهُمْ هُمُ ٱلْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ (٢: ١٢)
جُز آنکهِ ٥٥، جز آنکه ٨٠، هر آینه ١٠١، آری ١٣٦

~: أَلَآ إِنَّهُمْ هُمُ ٱلسُّفَهَآءُ وَلَٰكِن لَّا يَعْلَمُونَ (٢: ١٣)
بین که ١٠٩، آری ١٣٦

~: وَلَٰكِن كَانُوٓا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (٢: ٥٧)
جُز آنکِه ٥٥، جز که ٩٠

~: وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ (٢: ٢٢٥)
جز که ٢٧

~: أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ (٢: ٢٣٥)
جز آنکه ٣، جزانکه ٨٠، آری ١٣٦

~: وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا (٣: ٦٧)
بی ١، بَیک ١٠

~: وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ (٤: ١٥٧)
نه که ١٣٤

~: وَلَٰكِن لَّا تُحِبُّونَ ٱلنَّٰصِحِينَ (٧: ٧٩)
جز که ٢٧

~: قَالَ لَن تَرَىٰنِي وَلَٰكِنِ ٱنظُرْ إِلَى ٱلْجَبَلِ (٧: ١٤٣)
لیکن ١٢٩

~: وَلَٰكِنْ أَعْبُدُ ٱللَّهَ ٱلَّذِي يَتَوَفَّىٰكُمْ (١٠: ١٠٤)
نیک ٥٩

~: وَلَكِن رَّحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا (٢٨: ٤٦)
نیک ٤٧

~: وَلَكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ (٣٣: ٥)
نیک ٤٧

~: وَلَكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ (٤٢: ٢٧)
جز ٣٩

~: وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ (٤٣: ٧٦)
نکه ٨١

وَلَكِنَّ: وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا (٢: ١٠٢)
بَیک ١٠، جُزانکه ٥٥

~: وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (٢: ٢٤٣)
جُزِ آنکه ٥٥، آری ١٣٦

~: وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ (٢: ٢٧٢)
بیک ١٠

~: وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ (٦: ١١١)
جز کِه ٢٧

~: وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (٨: ٣٤)
بی ١

~: وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (١٠: ٤٤)
جز که ٢٧، بیک ٥٩

~: وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ (١٤: ١١)
جزانکه ٣٠

~: وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (٢٧: ٧٣)
بیک ٤٧

~: وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (٢٨: ١٣)
لیکن ١٢٩

~: وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ (٢٨: ٥٦)
جز کی ٤٦

~: وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (٣٤: ٢٨)
جز آنکه ٣

لکنّا: لَّكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا (١٨: ٣٨)
هر آینه ٨٠، نه که ١٠٨

ولَکنّا: وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ (٢٨: ٤٥)
بی ایما ١، بیک ٤٧، جز آنکه ٨٠

ولَکنّه: وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ (٧: ١٧٦)
آری ١٣٦

ولَکنّی: وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (١١: ٢٩)
بی من ١، بیک ٥٩

أَلَمْ: أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ (٢: ٣٣)
نه ٣، نه ٥٥

لَمًّا: وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا (٨٩: ١٩)
سخت ١، ستم ٢، بسیار ٣٩، گرد کردن ٨٠،
گِرد کردن ١٠٩، با هم ١٣٨

لَمّا: فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ (٦: ٥)
آنگاه کِه ٢٧

~: وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ (١٠: ٥٤)
آنگاه ٥٦، چو ٥٩

~: لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ (١٠: ٩٨)
آنگاه که ٢٧

~: وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ (١١: ١١١)
آنگَه ٧٦

~: وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ (١٤: ٢٢)
آنگه ٥

~: وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا (١٨: ٥٩)
چُون ٢، چونکه ١٣٩

~: وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا

(٢٤:٣٢)
مر آنچه ١٠٠

~: لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (٤٣:٣٤)
همین که ٨٦

~: وَإِنْ كُلٌّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (٣٢:٣٦)
هرآینه ٣

~: لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ (٥١:٦٨)
آنهنگام ١١١

~: وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ (١٣:٧٢)
هرآنگه ٦، راست ١١٣

~: إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (٤:٨٦)
مگر که ١٠٠

لَمّا: بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ (٨:٣٨)
هنوز ٥٢

~: وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ (٣:٦٢)
چون نه ٣

فلمّا: فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ (١٧:٢)
هنگامی که ١٠٢

~: فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ (٢٤٦:٢)
آنگاه که ٢٧

~: فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ (٢٥٩:٢)
هرگاه که ٥٦

~: فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا (٣٦:٣)
آنگاه ٥٨

~: فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ (٥٢:٣)
چُون ٣

~: فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ (٧٧:٤)
چون ٢

~: فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ (١١٧:٥)
ازمان ٣٧

~: فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا (٢٢:٧)
چن ١٠ مکرّر، آنگه که ٢٩

~: فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ (١١٦:٧)
هرچون ٣٥

~: فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ (٧٠:١١)
آنهنگام ١١١

~: فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا (٨٠:١٢)
چو ٧ مکرّر

~: فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ (١٠٣:٣٧)
راست که ٨١، آنهنگام که ١٠٣

ولَمّا: وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ (٨٩:٢)
چُون ٢، آنهنگام ١٢٣، چونکه ١٣٦

~: وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ (١٠١:٢)
چون ٣، اُکنون ١٠، آنگاه ٣٦

~: وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ (٢١٤:٢)
هنوز ٣٠، هرگاه که ٩٢

~: وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ (١٣٤:٧)
آنگاه که ٢٧، آنگه ٢٩، هرگاه ٩٢، راست که ١١٣

~: وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا (١٤٩:٧)
هرچون ٣٥

~: وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ (١٥٤:٧)
چون که ١١٤

~: وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا (٥٨:١١)
آنگه که ٢٩

~: وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ (٦٨:١٢)
چو ١٣٠

~: وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ (۲۹:۳۱)
آنهنگام که ۱۲۳

~: وَلَمَّا رَءَا الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ (۳۳:۲۲)
ازمان ۱

وَلَمّا: وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ (۳:۱۴۲)
نه ۱۲۴

~: وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ (۱۰:۳۹)
هَنُوز ۵۵

~: وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ (۴۹:۱۴)
هنوز نه ۸۰

أَوَلَمّا: أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ (۳:۱۶۵)
ازمان ۱، چُون ۲، چون آن هنگام ۲۷، آنگاه ۵۸، آنگهی ۶۲

لُمْتُنَّنِي: قَالَتْ فَذَٰلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ (۱۲:۳۲)
سرزنش کردیت ۳، بیغاره کرد ۴۹، سَرزَنش کردَیت مَرا ۵۵، سرزنش کردید ۱۰۲، نکوهش کردید ۱۰۹، سرزنش می کردید ۱۳۶

لَمْح: وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ (۱۶:۷۷)
زدنْ ۱، نگرش ۳، نمایش ۴۲، نگرسْت ۵۵، چشم زدن ۶۹، یک نگریستن ۷۹، نمودن ۹۴، زدن چشم ۹۹، چشم برهم زدن ۱۱۳

~: وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ (۵۴:۵۰)
نگرستن ۲۹، نگریستن ۳۴، گردانیدن ۴۱، بَرهَم زدن ۴۲، برهم زدن ۴۳، بهم زدن ۶۹، نگریستن - چشم زدن ۱۰۹، دیدن ۱۲۰، یک چشم زدن ۱۳۴، یک چشم برهم زدن ۱۳۶

★ لَمحِ الْبَصَر: وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ (۱۶:۷۷)
چشم زخم ۲۴، چشم نگریستن - بیک چشم زدن ۱۱۱، نگریست چشم ۱۲۰

~: وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ (۵۴:۵۰)
نمایش چشم زدنی ۸۸، دیدن بچشم ۱۲۰، نمایش بچشم نمودنی ۱۲۴

★ كَلَمْحٍ بِالْبَصَر: وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ (۵۴:۵۰)
چون نگریستن بچشم ۱۰۳، مانند زدن چشم بهم ۱۱۱

لُمَزَة: وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱۰۴:۱)
بد گوی ۲۹، از پس پشت ۳۹، افسوس کننده ۸۸، بد گویی به پیش ۱۰۹، از پس گوی دوروی ۱۲۱، بد گوی روی باروی ۱۲۴، چشمک ۱۳۶

لَمَسْنا: وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا (۷۲:۸)
بمجیدیم[1] ۱، بَبْسُودیم ۲، ببسودیم ۲۹، پسودیم ۳۸، برسیدیم و ببسودیم ۴۱، بَسُودیم ۴۲، بسودیم ۵۶، برسیدیم ۶۱، رسیدیم ما ۷۹، سودیم ما ۹۲، بسودیم ما ۹۹، برسیدیم ما ۱۰۰، رسیدیم ۱۰۲، بسودیم - رسیدیم ۱۰۹، می بسودیم ۱۲۶

لَمَسُوهُ: وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ (۶:۷)
بمجیدندی ۱، بَبْسُودندی ۲، بسودند او را ۳، ببسودندی ۹، بسودندی ۲۶، ببساوندی ۴۳، بُبسودندی ۴۵، بَساویدَندی ۵۳، دست باز زندی ۵۷، می سودندی ۶۱، ببسودند ۷۲، نفشانند ۷۶، بسایدندی ۷۹، بسایند ۱۰۳، می بسودند ۱۱۲، می سودند ۱۲۰

اللَّمَم: الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ (۵۳:۳۲)

۱. بمجیدیم: لمس کردیم؛ پسودیم.

گنهان خورد ۱، گناه خرد ۳، گناه کوچک ۲۹، گناه شورد ٤٢، گناه خورد ۵۲، گناهان خرد ۵۳، گناه خرد ۵٦، گروه ۹۰، خرد و اندک ۱۰۹، گناهان خورد ۱۱۷، گناه اندک ۱۲۰، آنچه خوردتر باشد ۱۲۳، گناهان کوچک ۱۳٦

لَنْ: لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ جَهْرَةً (۲:۵۵)
هرگز نه ۵۵

~: وَقَالُوا لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ (۲:۸۰)
نه هرگز ۱۰۵

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَٰلُهُمْ (۳:۱۱٦)
هیچ نه ٤٠

~: لَن يَبْعَثَ ٱللَّهُ مِنۢ بَعْدِهِۦ رَسُولًا (٤٠:۳٤)
هرگز نه ۳

فَلَنْ: فَلَن يُخْلِفَ ٱللَّهُ عَهْدَهُۥٓ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ (۲:۸۰)
هرگز نه ۸۰

~: فَلَن تَمْلِكَ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا (۵:٤١)
نه ۷۵

~: فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِهِۦ (۱۷:۹۷)
هرگز ۵٦

وَلَنْ: فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَن تَفْعَلُوا (۲:۲٤)
هرگز ۵۵

~: وَلَن تَسْتَطِيعُوٓا أَن تَعْدِلُوا بَيْنَ ٱلنِّسَآءِ (٤:۱۲۹)
نه ٢٤، هرگز ۲۹

~: وَلَن تُغْنِيَ عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْـًٔا (۸:۱۹)
هیچ ۱۱۲

~: وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبْدِيلًا (۳۳:٦۲)
هرگز نه ۳

لِنْتَ: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمْ (۳:۱۵۹)
نرم شدی ۱، نرم گشتی ۲، نرم خَوی و بردبار بُدی ۱۰، نرم گشتی ۲۳، بردبار بودی ۲۷، نرم داشتی ۳٤، نرم خوی آفریده شدی ۳٦، نرم خوی و بردباری ٤٠، نرم دل کرد ٤١، نَرم شدی ۵۵، نرمی کن ۵٦، نرم شدی تو ٦۳، نرم بود ۷۲، تو نرم دل شدی ۹۰، نَرم گشتی ۹٤، نرمی کردی ۹٦، نرم خوی آمدی ۱۰۰، نرم شوی ۱۰۱، نرم خوی بودی ۱۰۲، نرم خو شدی ۱۰۹، نرم خوی شدی ۱۱۲، نرم گشته ۱۱۵، نرم دل گردیدی ۱۲۲، نرم گشتی تو ۱۲۳، نرم میکرد ۱۳۵، نرم کردی ۱۳٦، نرم شده‌ای ۱۳۸

ٱللَّهَبِ: لَّا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ ٱللَّهَبِ (۷۷:۳۱)
زبانه ۱، زبانهٔ آتش ۳، زوانه ٦، زفانه آتش ۱۹، درفش ۲۹، زبانه آتش ۳۰، آتش ۳۷، زفانه ۳۸، فروغ آتش ٤١، زبانه‌ی آتش ۸۸، گرماء آتش ۹٤، زفانهٔ آتش ۹۵، زبانه زدن ۱۰۰، زبانیه آتش ۱۰۳، تفش آتش دوزخ ۱۱۳، شرارهٔ آتش ۱۱٦، زنجه آتش ۱۱۷، آتش زبانه ۱۳٦

~: تَبَّتْ يَدَآ أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱۱۱:۳)
فروغ ٤١، زبانه ۹۰، درفش ۱۰۵

لَهْوٌ: وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ (٦:۳۲)
اکاری[1] ۱، افسوس ۲٦، بازیچه ۲۷، بازی ۲۹، شادی دیوانگان ٤١، افسُوس ٤٢، نافرجامی ٦۳، فریب ۱۰٤، ناپروایی ۱۰۹

~: وَمَا هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ (۲۹:٦٤)
افسُوس ۲، شادی ٤٦، شادی کودک ۵۸، نافرجام ۱۰٦، شادی و خرمی و ناپروایی ۱۰۹، بیفایده ۱۲۲، بیکاری ۱۳۱

~: وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ ٱلْحَدِيثِ (۳۱:٦)

---

۱. اکاری: بازی، بیهوده.

اکاری[۱] ۱، بي هوده ۲، بیهوده ۳۰، نابکار ۳٤، بیهوده ٦۱، بیهود گی ۹۹، سخن هرزه و بازی ۱۱۱

~: إِنَّمَا الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ (۳٦:٤۷)
اکاری[۱] ۱، فسوس ۲، خرمی ٦، فسوس ۵۳، فسوس ۵٦

~: اَعْلَمُوٓا أَنَّمَا الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ (۵۷:۲۰)
هرزه ۸۱، ناپروایی ۱۰۹

★ لَهْوَ الْحَدِيثِ: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ (٦:۳۱)
گفتار سرود ۱۲٦

لَهْوًا: وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا (٦:۷۰)
اکار ۱، افسوس ۲، افسوس کردن ۱۰، افسوس ۱۰ مکرّر، فراموش ۲٦، باختن ۲۷، بیهوده کاری ٦٤، نافرجام ۸۵، نافرجامی ۱۰٦، ناپروایی ۱۰۹، بیهود گی ۱۱۰، فسوس ۱۲۸

~: الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا (۷:۵۱)
اکاری ۱، فسوس ۲، بی هودی ۱۰، بیهده ۲۷، بازی ۲۹، شادی ٤۱، فسوس ۱٤۰

~: لَوْ أَرَدْنَا أَن نَّتَّخِذَ لَهْوًا (۲۱:۱۷)
فرزندی ۱، زنان ۱۰۵، بازیچه ۱۳۲، فرزندان ۱۳۹

لَوْ: يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ (۲:۹٦)
اگر ۷٦، کاش ۱۱۱

~: وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُم (۲:۱۰۹)
کاشکی ۳، اینکه ۱۲۲، تا ۱۳٦

~: لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا (۲:۱٦۷)
آی کاش ۱۰، ای گاش ٤۰

~: وَدَّت طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ (۳:٦۹)
مگر ٦۲، آنکه ۱۲۳

~: قُل لَّوْ كُنتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ (۳:۱۵٤)
ار ۱

~: وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ (٤:٤۲)
که ۲۷

~: وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا (٤:۸۹)
که ۲

~: قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً (۱۱:۸۰)
کاشکی ۵۵، کاشکی باشد ۱۲۳

~: أَن لَّوْ يَشَآءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا (۱۳:۳۱)
اگر ۷٦

~: رُّبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (۱۵:۲)
کاشکی ۵۵

~: وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۱٦:٤۱)
اگر ۲

~: أَن لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ (۳٤:۱٤)
ار ۱

~: وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (۵٦:۷٦)
گر ۲

فَلَوْ: فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲٦:۱۰۲)
کاشکی ۱۱٤، کاش ۱۳۲

وَلَوْ: وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوٓا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ (۲:۱٦۵)
آی گر ۱۰، آی گر ٤۰

~: وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ (۲:۲۲۱)

---

۱. اکاری: بازی، بیهوده.

گرچه ۱۰

~: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ (۲:۲۵۳)

و گر ۱

~: وَلَوِ افْتَدَىٰ بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۳:۹۱)

اگرچه ۲

~: وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ (۴:۶۶)

ار ۱

~: وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ (۴:۱۲۹)

اگرچه ۵۵

~: وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ (۵:۱۰۰)

گرچه ۹

~: لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ (۵:۱۰۶)

هرچند ۶۲

~: وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا (۶:۹)

گرنه ۹

~: أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۹:۳۲)

اگرچه ۵۵

~: وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (۱۰:۸۲)

اگرچه ۵۵

~: وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ (۱۲:۱۷)

هرچند ۶۲

~: وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ (۴۱:۴۴)

چرا ۸۱

~: وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ (۴۷:۳۰)

گر ۲۲

~: وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا (۴۸:۲۲)

گر ۶

~: بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ (۷۵:۱۵)

چون ۳۹

أَوَلَوْ: أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا (۲:۱۷۰)

گرچه ۱۰

~: أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۵:۱۰۴)

اگرچه ۲۹، و اگرچه ۱۲۴

~: قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ (۷:۸۸)

اگرچهْ ۵۵

~: قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُبِينٍ (۲۶:۳۰)

هرچند ۶۱

لَوَّاحَةٌ: لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ (۷۴:۲۹)

سوختار ۱، گزارنده ۲، گرداننده رنگ ـ شورنده ۳، گرداننده ۶، تافته ۱۹، سوزنده ۲۹، شورنده ۳۰، بگرداننده ۴۲، سیاه کننده ۶۷، زاننده ۶۹، سوزنده و سیاه کننده ۷۹، رنگ گرداننده ۸۰، رونده ۸۸، بر کننده ۸۹، گرداننده رنگ ۹۴، گدازنده ۹۹، پوست باز کننده ۱۰۰، گوارنده ۱۰۸، نیک سوزان ۱۰۹، بسیار سیاه کننده ۱۱۶، بگرداننده پوست ۱۱۹، بگردانیده بسیاهی و سوزاننده ۱۳۸

لِوَاذًا: الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا (۲۴:۶۳)

ستادی گرفتن ۱، اندخسیدن[۱] ـ پنهان شدن ۳، در پس یکدیگر ۲۹، گریختن ۳۰، پس پشت دیگران پنهان ۳۹، پنهان ۴۲، پشت برهم نهاده ۴۳، پناه گرفتن ۴۷، در پس یَکدیِگر ۵۱، پناه ۵۴، پشت

---

۱. اندخزیدن، در لهجهٔ بیرجند هم متداول است که تلفظ دیگری از همین کلمه تواند بود.

باز گرفته ۵٦، بپشت دادن ۷۲، پنهان شوند از پس یکدیگر پنهان شدنی ۷۹، اندخسیدن[1] ۸۰، پناه ساخته ۹٤، بشب تار رفته ۱۰۲، پناه گیرنده ۱۰۹، پناه جستن ۱۱۱، پنهان شوند ۱۱۳، بهانه ۱۱۹، نهان شدن ۱۲۱، زینهار خواستن ۱۲٤، نهان ۱۳۲، پناه دادن ۱۳۸، بپشت داران ۱۳۹

لَوَاقِحَ: وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ (۲۲:۱۵)
بارداداران ۱، آبستن کنندهٔ درختان ۳، آبستن کننده ۳۰، باردهنده ۳٤، باردار می کند ۳٦، آبستن کنندگان ٤۲، برگیرند ٤۸، گشن افکنده ٤۹، باردَهَندَه ۵۳، آبِسْتن کنَندگان دَرختان ۵۵، آبستن کند ۵٦، گشن دهندگان ۵۹، باردار کرد ٦۰، یاری دهنده میغ ٦۲، آبستن کننده ـ پربار کننده ٦۷، آبستن کنندگان درختان ۷۱، باردار کننده ۷۹، آبستن کننده درختان و گرد کننده ابرها ۹۳، باردهندگان ۱۰۲، باردار کنندگان ۱۰۹، آبستان ۱۱۱، پیش افکنده ۱۱۲، پرورندگان ۱۱۵، آبستن کندها ۱۱٦، آبستن کرده ۱۲۱، فراهم آورنده ۱۲۲، آبستان بابر ۱۲۳، بارگرفتها ۱۳۵

اَللَّوَّامَةِ: وَلَآ أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (۲:۷۵)
بسیار نکوهنده ٦، ریزیده ۱۹، نکوهش گر ۱۰۹، ریزنده ۱۲۵

لَوْحٍ: بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَّجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ (۲۲:۸۵)
تختهٔ ۲، تخته ۳۰

لَوْلَا: لَوْلَآ أَخَّرْتَنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ (۷۷:٤)
چه بودی اگر ۲۹

~: وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِ (۳۷:٦)
چرانه ۲

~: لَّوْلَا كِتَٰبٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ (٦۸:۸)
اگر نمی بود ۱۳٦

~: إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَآ أَن تُفَنِّدُونِ (۹٤:۱۲)
مگر که ۷ مکرّر

~: لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِ (۷:۱۳)
چرانه ۲

~: لَّوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَٰنٍۭ بَيِّنٍ (۱۵:۱۸)
چرا و چکار ٤٤

~: رَبَّنَا لَوْلَآ أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا (۱۳٤:۲۰)
چبودی اگر ۲

~: كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِۦ لَوْلَآ أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا (۱۰:۲۸)
گرنه ٤۷

~: وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَٰذَا الْقُرْءَانُ عَلَىٰ رَجُلٍ (۳۱:٤۳)
چرانه ۳۲

فَلَوْلَا: فَلَوْلَآ إِذْ جَآءَهُم بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا (٤۳:٦)
چرا ۱

~: فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَآئِفَةٌ (۱۲۲:۹)
چرا نه ۵۵

~: فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ ءَامَنَتْ فَنَفَعَهَآ إِيمَٰنُهَآ (۹۸:۱۰)
اگرا ۹۱

~: فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ (۱۱٦:۱۱)
چرا نبود ۱۱۱

~: فَلَوْلَآ إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ (۸۳:۵٦)
چگونه باشد ۳۰

وَلَوْلَا: وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ (۲۵۱:۲)

---

۱. اندخزیدن، در لهجهٔ بیرجند هنوزهم متداول است.

ار نبودی ۱

~: وَلَوْلَا فَضْلُ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُۥ (۸۳:۴)
اگرنه ۲، گرنیستی ۱۰۷

~: وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ (۱۹:۱۰)
اگر نمیبود ۱۳۶

~: وَلَوْلَآ إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ (۳۹:۱۸)
چه بُودی اگر ۲، چه بودی ۳۴، چرانه ۵۵

~: وَلَوْلَا دَفْعُ ٱللَّهِ ٱلنَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ (۴۰:۲۲)
اگر نه ۲

~: وَلَوْلَآ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُم مَّا يَكُونُ لَنَآ (۱۶:۲۴)
چبودی اگر ۵۴

~: وَلَوْلَآ أَن يَكُونَ ٱلنَّاسُ أُمَّةً وَٰحِدَةً (۳۳:۴۳)
گرنه ۲۲

لَوْمَا: لَّوْ مَا تَأْتِينَا بِٱلْمَلَٰٓئِكَةِ (۷:۱۵)
چرا ۶۲، چه بودی ۱۰۵

لَوْمَةَ: وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَآئِمٍ (۵۴:۵)
سَرزَنِش ۵۵، سرزنش ۸۰

لُومُوا: فَلَا تَلُومُونِى وَلُومُوٓا۟ أَنفُسَكُم (۲۲:۱۴)
سرزنش کُنید ۲، سرزنش کنید ۴۲، خواری کنید ۱۱۴

لَوْنُهَا: ٱدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوْنُهَا (۶۹:۲)
گُونه ۲، گونه ۳، رَنگ ۱۰، گُونه ۵۵، رنگش ۱۰۱

لَوَّوْا: يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ ٱللَّهِ لَوَّوْا۟ رُءُوسَهُمْ (۵:۶۳)
بجنبانند ۱، بگردانند ۲، برتابند ۳، برپیچند ۲۴، بپیچند ۲۹، بجُنبانند ۵۳، پیچانند ۶۱، برگردانند ۹۴، به پیچآنند ۱۰۰، به پیچند ۱۰۳، بپیچانیدند ۱۰۵، به پیچانند ۱۰۶، بگردانند و بجنبانند ۱۰۸، پیچند ۱۲۳، به پیچانیدند ۱۲۵، روی بگردانند ۱۳۰

لَیًّا: وَٱسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَٰعِنَا لَيًّۢا بِأَلْسِنَتِهِمْ (۴۶:۴)
گردانستنی ۱، پیچیدَن ۲، گردانیدن ۳، پیچَندَه و زَوجَندَه ۱۰، پیچانیدن ۲۹، پیچادن ۴۲، گردانیدن ۵۳، پیچیدن ۵۷، پیچیدن زبان ۷۶، گردانیدن و پیچیدن ۱۰۲، نرمی ۱۲۴، درپیچان ۱۳۸

لَیالٍ: قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۰:۱۹)
شو[1] ۱، شبْ ۲، شبان روز ۲۹، شباروز ۵۶، شبانروز ۸۶

~: سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَٰنِيَةَ أَيَّامٍ (۷:۶۹)
شب ۳۰

~: وَٱلْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَٱلشَّفْعِ وَٱلْوَتْرِ (۲:۸۹)
شبها ۲، شب ها ۱۳۰

لَیالِیَ: سِيرُوا۟ فِيهَا لَيَالِىَ وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ (۱۸:۳۴)
شوها[1] ۱، شبها ۲، شبانگاهها ۶۱، شب ها ۹۲

لَیْتَ: يَٰلَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَآ أُوتِىَ قَٰرُونُ (۷۹:۲۸)
ای کاشکی ۳، کاش ۸۶

~: قَالَ يَٰلَيْتَ بَيْنِى وَبَيْنَكَ بُعْدَ ٱلْمَشْرِقَيْنِ (۳۸:۴۳)
کاشکی ۱، کاشک ۲۲، کاشکي ۳۲، کاجکه[2] ۸۱، کاجکی[2] ۹۴

لَیْتَنا: فَقَالُوا۟ يَٰلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا (۲۷:۶)
کاشکی ۱، کاشکي ۲، کاشکا ۹۶

~: يَقُولُونَ يَٰلَيْتَنَآ أَطَعْنَا ٱللَّهَ وَأَطَعْنَا ٱلرَّسُولَا۠ (۶۶:۳۳)
کاشک ۳۴

---

۱. شو / شب.
۲. کاجکه، کاجکی / کاشکی.

★ یَالَیْتَنا: فَقَالُوا۟ يَـٰلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ (۶:۲۷)
ای کاشکی ما ۳، و آی کاشکی ۱۰۰

لَیْتَنی: يَـٰلَيْتَنِى كُنتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا (۴:۷۳)
کاشکی ۱، کاشکِ ۲، کاشکی ۱۰، کاج[1] ۱۰۴

~: وَيَقُولُ يَـٰلَيْتَنِى لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّىٓ أَحَدًا (۱۸:۴۲)
کاش ۲، کاشکی ۵۵

~: قَالَتْ يَـٰلَيْتَنِى مِتُّ قَبْلَ هَـٰذَا (۱۹:۲۳)
کاجکی ۹۴، کاشکا ۹۶

~: يَـٰوَيْلَتَىٰ لَيْتَنِى لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (۲۵:۲۸)
کاشک ۲

لَیْتَها: يَـٰلَيْتَهَا كَانَتِ ٱلْقَاضِيَةَ (۶۹:۲۷)
کاشکی ۱، کاش ۱۱۱

لَیْسَ: لَّيْسَ ٱلْبِرَّ أَن تُوَلُّوا۟ وُجُوهَكُمْ (۲:۱۷۷)
نیَست ۲، نه آنست ۲۹، نه بود ۴۰

~: فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا (۲:۲۸۲)
نیست ۱

~: إِنِ ٱمْرُؤٌا۟ هَلَكَ لَيْسَ لَهُۥ وَلَدٌ (۴:۱۷۶)
نباشد ۲، نبود ۲۴

~: مَا يَكُونُ لِىٓ أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِى بِحَقٍّ (۵:۱۱۶)
نیست ۲

~: لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِىٌّ وَلَا شَفِيعٌ (۶:۵۱)
نیست نباشد ۵۸

~: أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِأَعْلَمَ بِٱلشَّـٰكِرِينَ (۶:۵۳)
نه ۸۸

~: كَمَن مَّثَلُهُۥ فِى ٱلظُّلُمَـٰتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا (۶:۱۲۲)
نَتواند ۲، نه تواند ۱۰ مکرّر

~: أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَـٰفِرِينَ (۲۹:۶۸)
همی یابند ۹۹

~: أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَـٰفِرِينَ (۳۹:۳۲)
همی نیست ۱۰۰

~: أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ (۳۹:۶۰)
نه هست ۳۰

~: لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ (۵۶:۲)
نبهد ۱

★ لَیْسَ بِضارّ: وَلَيْسَ بِضَآرِّهِمْ شَيْـًٔا (۵۸:۱۰)
نتواند گزایستَن ۲

★ لَیْسَ بِمُعْجِز: فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِى ٱلْأَرْضِ (۴۶:۳۲)
نتواند گریختنّ ۲

★ لَیْسَ مِنّی: فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّى (۲:۲۴۹)
نه از یاران منست ۶۳

لَیْسَت: لَيْسَتِ ٱلنَّصَـٰرَىٰ لَيْسَتِ ٱلْيَهُودُ عَلَىٰ شَىْءٍ
(۲:۱۱۳)
نیستند ۳، نَیستند ۱۰، نه‌اند ۱۰

~: وَلَيْسَتِ ٱلتَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ
(۴:۱۸)
نیستْ ۲، نیست ۳۶، نه سزاست ۴۰

لَیْسوا: لَيْسُوا۟ سَوَآءً مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَـٰبِ (۳:۱۱۳)
ناند ۱، نه‌اند ۴۰، نیستید ۴۱، نیستند ایشان ۵۶، نیستند شان ۶۱

~: فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا۟ بِهَا بِكَـٰفِرِينَ (۶:۸۹)
نبند ۱، نیستَند ۲، نیستند ۳، نه‌اند ۱۰، نباشند ۲۹،

---

۱. کاج / کاش.

نِيشتَند ٥٥

اَللَّيْلِ: ثُمَّ أَتِمُّوا ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيْلِ (٢:١٨٧)
فروشدن آفتاب ٣٦

~: تُولِجُ ٱلَّيْلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَتُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيْلِ (٣:٢٧)
شَبْ ٢، شف ٢٥

~: وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ (٣:١٩٠)
شو[1] ١

~: وَهُوَ ٱلَّذِى يَتَوَفَّىٰكُم بِٱلَّيْلِ (٦:٦٠)
شَبْ ٢

~: وَهُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ لِبَاسًا (٢٥:٤٧)
شبها ٥٨

~: وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ (٤٥:٥)
شب ٢

لَيْلًا: أَتَىٰهَآ أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا (١٠:٢٤)
شَبْ ٢، شب تاریک ١٠

~: فَأَسْرِ بِعِبَادِى لَيْلًا إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ (٤٤:٢٣)
شب ٢

~: قَالَ رَبِّ إِنِّى دَعَوْتُ قَوْمِى لَيْلًا وَنَهَارًا (٧١:٥)
بشب ٦

لَيْلَةً: وَإِذْ وَٰعَدْنَا مُوسَىٰٓ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً (٢:٥١)
شبْ ٢، شَبان ٥٣، شَبْ ٥٥

~: أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ ٱلصِّيَامِ ٱلرَّفَثُ (٢:١٨٧)
شَب ٢، شبها ١٠

~: فَتَمَّ مِيقَٰتُ رَبِّهِۦٓ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً (٧:١٤٢)
شو[1] ١، شبـاروز ١٠، شبـان روز ٥٦، شبـانـه روز ٦٣، شب‌انروز ٦٣، شبانروز ٩٦

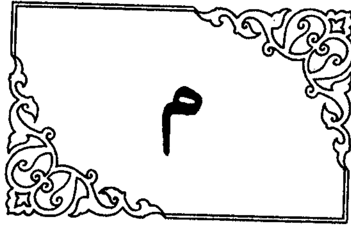
~: إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةٍ مُّبَٰرَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ (٤٤:٣)
شب ٩٤

لَيِّنًا: فَقُولَا لَهُۥ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (٢٠:٤٤)
نرم ١، نَرْم ٥٣، نرم و نیکو ٦٤، گفتاری نرم ١٠٦

لِينَةٍ: مَا قَطَعْتُم مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا (٥٩:٥)
خرماها ١، خرمابنان نیکو ٢، درخت خرما ٢٩، خرمابنان ٣٠، درختان خرماء بربار ٤١، درخت خرما ٥٢، خرما نرم ٥٦، نرم ٦١، درختان خرما ٦٤، خرمان بنان نیک ٦٧، خرماء نرم ٧٨، درختان خرما ٧٩، خرما ٩٠، درختهآء خرما ٩٦، خرماستان ١٠٦، نیکو یا نرم ١٠٨، خرمابنان گوناگون ١٠٩، خورمانیان ١٢٣، خرمابن ١٣٢، درخت خرمابن ١٣٤، خرمابُن ١٣٦

---

١. شو / شب.



بِمَ: فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ (۲۷: ۳۵)
تاچی ۱، بآنچه ۵۸، تا چه ۷٦

فَبِمَ: قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَن مَّسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ (۱۵: ٥٤)
بچه ۲، بچه چیز ۲۹، چه چیز ۵۸

فِيمَ: ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنتُمْ (٤: ۹۷)
در چی ۱، اندرچه ۲، اندرچه ۲۷، درچه ۳٦، اندرچه چیز ٤٥، چه چیز ۱۱۲

~: فِيمَ أَنتَ مِن ذِكْرَاهَا (۷۹: ٤۳)
در چه چیز ٥٦، درچهٔ ۱۰۰، در چه چیزی ۱۲۰

لِمَ: يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ (۳: ٦٥)
چرا ۲، چی ۲۵

~: وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا (۷: ۱٦٤)
چرانه ۱۱٤

فَلِمَ: قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنبِيَاءَ اللَّهِ مِن قَبْلُ (۲: ۹۱)
چرا ۲، از بهر چرا ۱۰، چرا ۵۵

~: قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُم (۵: ۱۸)
چرا ۱

مِمَّ: فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۸٦: ۵)
از چی ۱، از چه ۲٤، از چه چیز ۱۰۰، از ۱۳٦

مَآبِ: إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبِ (۱۳: ۳٦)
واز آمدن ۱، بازگشتن ۲، بازگشت ۵، بازگشت ۵۵

مَآبِ: وَاللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (۳: ۱٤)
واز آمدن جای ۱، جاء بازگشتن ۲، واگشتن گاه ۱۰، بازگردیدن ۲٤، جای ۲۵، بازگشتن جای ۲۷، جای بازگشت ۲۸، جا بازگشت ٤۲، جای بازگشت ۵۵، جاء بازگشتن ٦۵، جای بازگردیدن ۹۵، بازگشتن جا ۱۰۲

~: طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ (۱۳: ۲۹)
جای بازگشتن ۲، جایگاه بازگشت ۵، جای بازگشت ۵۵، جایگاهی که بآن گردند ٦۲

~: وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ (۳۸: ۲۵)
جاء بازگشتن ۲، جایگاه ۲۲، بازگشت جاء ٦۵

~: وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ (۳۸: ٤۰)
جای بازآمدن ٦۹

~: هَٰذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ (۳۸: ۴۹)
بازگشت جای ۴۱

~: هَٰذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ (۳۸: ۵۵)
باز آمدن ۵۶

مَآبًا: إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا لِلطَّاغِينَ مَآبًا (۷۸: ۲۲)
بازگشتن گاه ۲۹، جاء بازگشت ۹۰، آرام گاه ۱۱۱

~: فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا (۷۸: ۳۹)
بازگشتن ۲۹، راه بازگشتن ۱۰۲، بازگشتنگاه ۱۲۵

مَآرِبُ: وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَىٰ (۲۰: ۱۸)
آرزوها ۷۹، کارها ۱۱۱

مَا: أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا (۲: ۲۶)
آنچه ۵۵، بهرچه ۱۲۳

~: قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ (۲: ۶۸)
چیست ۲، این چه ۴۰، چه گونه ۱۳۶

~: أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (۲: ۷۷)
آنچ ۷۹

~: خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا (۲: ۹۳)
این ... که ۴۰

~: وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ (۲: ۱۰۲)
چیز ۶۱

~: مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ (۲: ۱۰۹)
آنکه ۲

~: إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي (۲: ۱۳۳)
کرا ۳

~: مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا (۲: ۱۴۲)
چه چیز ۲۴، که چیز ۵۹

~: إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ (۲: ۱۷۴)
آنچه را که ۱۲۷

~: وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ (۲: ۲۱۱)
آنکه ۱۰

~: يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ (۲: ۲۱۵)
چی ۱

~: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ (۲: ۲۳۳)
آن ۱

~: لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ (۲: ۲۳۶)
که ۲۷، آنگاه که ۱۰۵

~: ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى (۲: ۲۶۲)
آنرا که ۲۷

~: فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ (۳: ۷)
آنرا که ۲۷

~: رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا (۳: ۳۵)
اینچه ۱۰

~: وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ (۴: ۱۱۶)
هرچه ۴۵

~: وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (۵: ۲۰)
چندانکه ۲۴

~: قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا (۵: ۷۶)
چیزی ۶۱

~: وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ (۶: ۱۳۳)
چنانکه ۱۰ مکرّر

~: اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ (۷: ۳)
که ۲۷

~: فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا (۷: ۷۰)
چیزی را ۶۱

~: وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ (۸:۶۰)
هرچند ۱۰

~: مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انفِرُوا (۹:۳۸)
چیست ۱، چیست چه بوده است ۱۰۹

~: قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا (۱۲:۲۵)
چیست ۵۵

~: مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفْسِهِ (۱۲:۵۰)
بچه ۲، چون ۷۶

~: قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفْسِهِ (۱۲:۵۱)
چه بُود ۲

~: اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ (۱۳:۸)
چه ۵۵

~: إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ (۱۳:۱۱)
آنچ ۵

~: يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ (۱۹:۴۲)
آنرا ۲

~: وَمِنْهُم مَّن يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (۲۴:۴۵)
هرچه ۲

~: وَقَالُوا مَالِ هَٰذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ (۲۵:۷)
چه بودست ۲

~: إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۸:۸٤)
همانچه ۵۸

~: قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ (۳۸:۷۵)
هر آنچه ۱۱٤

~: وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (٤۳:۱۲)
تا ۸۱

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ (٤۷:۲۸)
آنچز را که ۱۱٤

~: فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۵۶:۸)
چگونه ۳، چه نیکو ٤۱

~: وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۵۶:۹)
چه بدا ٤۱

~: وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ (۵۶:٤۱)
چه باشد ۸۱

مَا: مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا (۳:۶۷)
هرگز نه ٤۰

~: اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ (۱۱:۵۰)
نیست ۱

★ مَا أَنَا: مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ (۵:۲۸)
نه‌ام من ۱، نیستم ۲

~: قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (۶:۵۶)
نباشم من ۵۸، نباشم ۱۰۳

~: وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ (۶:۱۰٤)
نیستم مَن ۱۱٤

★ مَا أَنتَ: وَمَا أَنتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ (۲:۱٤۵)
نِیی تو ۶۱

~: وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (۶:۱۰۷)
نه‌ای توا ۱، نیستی ۹، نیستی تو ۵۸

~: مَا أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ (۲۶:۱۵٤)
نه‌ای تو ۶۱

~: وَمَا أَنتَ بِهَادِ الْعُمْيِ عَن ضَلَالَتِهِمْ (۳۰:۵۳)
نباشی تو ٤۷

★ مَاذَا: يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ (۲:۲۱۵)
چگونه ۲٤

~: وَيَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ ٱلْعَفْوَ (۲:۲۱۹)
چیست آنکه ۳، چند ۲٤

~: وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا۟ بِٱللَّهِ (٤:۳۹)
چبودی ۱، چه چیز ۲، چه باشد ۵٦، چه بودی ٦۱، هرچه ٦۳، چه بود ۷۵

~: يَسْـَٔلُونَكَ مَاذَآ أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ ٱلطَّيِّبَٰتُ (۵:٤)
که چه ۲، چه ۵۵

~: يَوْمَ يَجْمَعُ ٱللَّهُ ٱلرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَآ أُجِبْتُمْ (۵:۱۰۹)
چی ۱، چه چیز ۲

~: فَمَاذَا بَعْدَ ٱلْحَقِّ إِلَّا ٱلضَّلَٰلُ (۱۰:۳۲)
چیست ۱

~: مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ ٱلْمُجْرِمُونَ (۱۰:۵۰)
چمی ۱

~: قُلِ ٱنظُرُوا۟ مَاذَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۱۰:۱۰۱)
چیست آن ۳۹، تا چیست ۷٦

~: وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمْ (۱٦:۲٤)
چیست آنچه ۵۵

~: وَقِيلَ لِلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ مَاذَآ أَنزَلَ رَبُّكُمْ (۱٦:۳۰)
چه ۵۵

~: ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَٱنظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ (۲۷:۲۸)
تا چمی ۱، بچه ۱۰٦

~: وَٱلْأَمْرُ إِلَيْكِ فَٱنظُرِى مَاذَا تَأْمُرِينَ (۲۷:۳۳)
چون ۲٤

~: وَمَا تَدْرِى نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا (۳۱:۳٤)
کدام چیزی ۵٦

★ مَاذَا تَعْبُدُونَ: إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَاذَا تَعْبُدُونَ (۳۷:۸۵)
چمی پرستون کنید ۱

بِمَا: وَٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ (۲:٤)
آنچه ٦۰

~: ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا۟ وَّكَانُوا۟ يَعْتَدُونَ (۲:٦۱)
آنچ ۹۸

~: أَفَكُلَّمَا جَآءَكُمْ رَسُولٌۢ بِمَا لَا تَهْوَىٰٓ أَنفُسُكُمُ (۲:۸۷)
چیزی که ٤۰، بدانچه ٤۱

~: أَن يَكْفُرُوا۟ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بَغْيًا (۲:۹۰)
که ۲۹

~: وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا۟ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ (۲:۹۱)
بدین که ٤۰

~: ءَامِنُوا۟ بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُم (٤:٤۷)
چه ۲٤

~: وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (٤:۱۰۸)
بر آنچه ٦۳

~: ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا۟ وَّكَانُوا۟ يَعْتَدُونَ (۵:۷۸)
بدان که ۲

~: ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (٦:٦۰)
بدانچه ۲

~: حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ ٱلْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ (۹:۱۱۸)
با آن ۱۲۲

~: وَلَا تَطْغَوْا۟ إِنَّهُۥ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱:۱۱۲)
بدان ۱

~: إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرٌۢ بِمَا يَصْنَعُونَ (۲٤:۳۰)
بهر چه ۲٤

~: وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (٤۸:۲٤)
بدانچ ٦

فَبِمَا: فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَٰقَهُمْ لَعَنَّٰهُمْ (۵:۱۳)
در آنچه ۳۷

فَمَا: فَمَا رَبِحَت تِّجَـٰرَتُهُمْ (۲:۱٦)
نَه

~: أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ (۱٦:٤٦)
نباشند ۵۸

~: وَمَن يُهِنِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّكْرِمٍ (۲۲:۱۸)
نبهد ۱، نباشد ۱۱۳

فَمَا: فَمَآ أَصْبَرَهُمْ عَلَى ٱلنَّارِ (۲:۱۷۵)
چون ۲٤، چگونه ۳٦

~: فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا ٱسْتَيْسَرَ مِنَ ٱلْهَدْيِ (۲:۱۹٦)
آنچه ۵٦

~: قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ فَمَالِ هَـٰٓؤُلَآءِ ٱلْقَوْمِ (٤:۷۸)
چبود ۵۷

~: فَمَا لَكُمْ فِي ٱلْمُنَـٰفِقِينَ فِئَتَيْنِ (٤:۸۸)
چه بود ۲۷

~: فَمَا ٱسْتَقَـٰمُوا۟ لَكُمْ فَٱسْتَقِيمُوا۟ لَهُمْ (۹:۷)
چندانکه ۵۸

~: فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۱۰:۳۵)
چیست ۱

~: قَالُوا۟ فَمَا جَزَٰٓؤُهُۥٓ إِن كُنتُمْ كَـٰذِبِينَ (۱۲:۷٤)
چیست ۵۵

~: قَالَ فَمَا بَالُ ٱلْقُرُونِ ٱلْأُولَىٰ (۲۰:۵۱)
چبود ۱۳۲

~: قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَـٰسَـٰمِرِىُّ (۲۰:۹۵)
چه ۲

أَفَمَا: أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ (۳۷:۵۸)
نباشیم ۹۱

فِيمَا: فِيمَا كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۲:۱۱۳)
آنچه ۳، بدانچه ۲۹، از آنچه ٦۳

~: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا ٱفْتَدَتْ بِهِۦ (۲:۲۲۹)
در آنچه ۲۷

~: حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ (٤:٦۵)
أندر انکه ۲

كَمَا: وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا۟ كَمَآ ءَامَنَ ٱلنَّاسُ (۲:۱۳)
چُنانکه ۵۵

~: كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ (۲:۱۰۸)
چُنان که ۱۰

~: يَعْرِفُونَهُۥ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَآءَهُمْ (۲:۱٤٦)
چنان که ٤۰، چون ٦۱، چنانچه ٦۲

~: كَمَآ أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ (۲:۱۵۱)
همچنان که ۱۰

~: كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ (۲:۱۸۳)
چُنانک ٤۲

~: وَٱذْكُرُوهُ كَمَا هَدَىٰكُمْ (۲:۱۹۸)
چنانچه ۹۲

~: فَإِذَآ أَمِنتُمْ فَٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم (۲:۲۳۹)
چنان ۱

~: وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَٰدَىٰ كَمَا خَلَقْنَـٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ (٦:۹٤)
هم چنان که ۲٦، چنانچه ۳۹

~: كَمَآ أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنۢ بَيْتِكَ بِٱلْحَقِّ (۸:۵)
همچنین که ۱۰، همچنان ۲۷

~: أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ (۱۱:۹۵)
هَمْچُنانکه ۵۵

~: مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ ءَابَآؤُهُم مِّن قَبْلُ (۱۱:۱۰۹)
هم چنان ۱

~: كَمَآ أَتَمَّهَا عَلَىٰٓ أَبَوَيْكَ مِن قَبْلُ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْحَـٰقَ (۱۲:٦)
چنچه ۹۲

~: کَمَآ أَنزَلْنَا عَلَى ٱلْمُقْتَسِمِينَ (۱۵:۹۰)
همنانکه ۱۱۸

~: وَقُل رَّبِّ ٱرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِى صَغِيرًا (۱۷:۲٤)
همچنانک ۷۹

~: وَإِن تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُم مِّن قَبْلُ (٤۸:۱٦)
چنانک ٦

~: فَيَحْلِفُونَ لَهُۥ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ (٥۸:۱۸)
همچنانچه ۱۰۳

لَمَا: وَإِنَّ مِنَ ٱلْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ ٱلْأَنْهَٰرُ (۲:۷٤)
آنچه ۱۰۵، باشد که ۱۲۱

~: لَمَآ ءَاتَيْتُكُم مِّن كِتَٰبٍ (۳:۸۱)
بدانچه ۲، چون ۲٤، اگر، مر آنچه ۲۸

لِمَا: وَءَامِنُوا۟ بِمَآ أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ (۲:٤۱)
مر آن چیزی که ۱۱٤، آن چیز که ۱۲۳، مرانرا ۱۲٤

~: فَجَعَلْنَٰهَا نَكَٰلًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا (۲:٦٦)
آن را که ۱۰، مر آنکسانی را که ۱۱٤، هر آنچه ۱۲۳

~: مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ (۲:۱۰۱)
وازان که ۱۰

~: فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لِمَا ٱخْتَلَفُوا۟ فِيهِ (۲:۲۱۳)
بدانچه ۲

~: نَزَّلَ عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ (۳:۳)
آن را ۱، مر آنچه را که ۲۸، از آن چه ٦۳

~: وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَىَّ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ (۳:٥۰)
آنرا که ۲

~: ثُمَّ جَآءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ (۳:۸۱)
مر آنرا که ۲

~: فَمَا وَهَنُوا۟ لِمَآ أَصَابَهُمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ (۳:۱٤٦)
از بهر آنکه ٥۷، از بهمانچه ۹۷

~: ءَامِنُوا۟ بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُم (٤:٤۷)
مر آنرا ۲، مر آنچه را ۲۷، آن ۲۹، مر آنچیز که ٦۱

~: مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ (٥:٤٦)
مر آنچیز را ٦۱

~: وَلَوْ رُدُّوا۟ لَعَادُوا۟ لِمَا نُهُوا۟ عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَٰذِبُونَ (٦:۲۸)
بدانکه ٦۲، بانچه ۱۱۱

~: ٱسْتَجِيبُوا۟ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (۸:۲٤)
بدان که ٥۸، بچیزی که ٦۱، وا آنچه ۱۱۳

~: إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ (۱۱:۱۰۷)
چنانکه ٥۸

~: وَإِنَّهُۥ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَٰهُ (۱۲:٦۸)
آنکه ۲، مر آنچیز را که ٦۱

~: إِنَّ رَبِّى لَطِيفٌ لِّمَا يَشَآءُ (۱۲:۱۰۰)
بدانچه ٦٤، هر که ۱۲۱

~: لِنَعْلَمَ أَىُّ ٱلْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوٓا۟ أَمَدًا (۱۸:۱۲)
بد آنچه ۱۰۰

~: هُوَ ٱلْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ (۳٥:۳۱)
مر آنچه ٥٦

~: مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَىَّ (۳۸:۷٥)
مر آنکس را که ٥٦

★ لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ: مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ (۳:۳)
مر آنچ را پیش ازویست ۳

مِمَّا: وَإِن كُنتُمْ فِى رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا (۲:۲۳)
چه ۱۱٤

~: فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ (۲:۳٦)
از آنچه ۲، از آنچه ۳

~: فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ (۲:۷۹)

زان چی ۴۵، زان چه ۶۳

~: وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ ءَالُ مُوسَىٰ (۲:۲۴۸)

زان ۱

~: لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۳:۱۵۷)

از آنچ ۳

~: وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ ٱلْوَٰلِدَانِ (۴:۷)

آنکه ۵۶

~: فَكُلُوا۟ مِمَّا ذُكِرَ ٱسْمُ ٱللَّهِ عَلَيْهِ (۶:۱۱۸)

چیست ۱

~: فَكُلُوا۟ مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَٰلًا طَيِّبًا (۸:۶۹)

از آنکه ۲۴

~: يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّآ أُخِذَ مِنكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ (۸:۷۰)

از آن

~: فَٱخْتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ ٱلْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ ٱلنَّاسُ (۱۰:۲۴)

ازنچه ۷۶

~: ذَٰلِكَ مِمَّآ أَوْحَىٰٓ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ ٱلْحِكْمَةِ (۱۷:۳۹)

از آن که ۵۸

وَمِمَّا: وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ (۲:۳)

آنچه ۲، از انچه ۲۴، زانچه ۲۵، از آنچه ۵۵، از ۵۷

وَمَا: وَٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ (۲:۴)

آنچه ۲

~: قُولُوٓا۟ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْنَا (۲:۱۳۶)

بدانچه ۶۳

~: وَمَآ أُهِلَّ بِهِۦ لِغَيْرِ ٱللَّهِ (۲:۱۷۳)

آنکه ۱۰

~: وَمَا تَفْعَلُوا۟ مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ ٱللَّهُ (۲:۱۹۷)

هر آنچه ۵۷

~: وَمَا تَفْعَلُوا۟ مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ (۲:۲۱۵)

هَرچه ۱۰

~: وَمَا ٱخْتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ (۳:۱۹)

آن که ۲۵

~: وَلِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ (۳:۱۲۹)

آن ۱

~: وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا۟ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ (۴:۳۹)

چه ۲

~: ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلُ (۵:۵۹)

بدان ۱

~: وَمَآ أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَآ أَنْهَىٰكُمْ عَنْهُ (۱۱:۸۸)

چند ۱، چندانکه ۴۲

~: وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ (۳۶:۴۲)

هَرْچه ۳۲

~: وَمَا خَلَقَ ٱلذَّكَرَ وَٱلْأُنثَىٰٓ (۳:۹۲)

بدوی ۱

~: قَالُوا۟ وَمَا لَنَآ أَلَّا نُقَٰتِلَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ (۲:۲۴۶)

چه بود ۵۷

~: وَمَا لَكُمْ لَا تُقَٰتِلُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ (۴:۷۵)

چیست ۱

~: وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَمَا جَآءَنَا مِنَ ٱلْحَقِّ (۵:۸۴)

چبود ۹، چه بودست ۵۶، چه بوده است ۸۸

~: وَمَا ظَنُّ ٱلَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ (۱۰:۶۰)

چیست ۵۵

~: قَالُوا۟ وَمَا ٱلرَّحْمَٰنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا (۲۵:۶۰)

چگونه ۱۲۱

~: قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ ٱلْعَٰلَمِينَ (۲۶:۲۳)

کیست ۲۴

~: وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا (۳۳:۶۳)
چه ۱

~: وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْحَآقَّةُ (۶۹:۳)
چباشد ۱۹

~: سَأُصْلِيهِ سَقَرَ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا سَقَرُ (۷۴:۲۷)
چه باشد ۵۱

~: وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا لَيْلَةُ ٱلْقَدْرِ (۹۷:۲)
چه چیز ۱۲۰

وَمَا: ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَمَا هُم بِمُؤْمِنِينَ (۲:۸)
نیستند ۲، نباشند ۹۴

~: وَمَا هُم بِخَٰرِجِينَ مِنَ ٱلنَّارِ (۲:۱۶۷)
نباشند ۲، هرگز نه ۴۰

~: وَمَا لَهُۥ فِى ٱلْءَاخِرَةِ مِنْ خَلَٰقٍ (۲:۲۰۰)
نبود ۵۷، نه باشد ۶۱

~: وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ (۲:۲۷۰)
نبهد ۱

~: وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ (۳:۲۲)
نیست و نباشد ۵۸

~: وَمَا هُوَ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ (۳:۷۸)
نیست ۱

~: وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَٰلَمِينَ (۳:۱۰۸)
نه چُنانست که ۲

~: وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ (۳:۱۹۲)
نبهد ۱

~: وَمَآ أُو۟لَٰٓئِكَ بِٱلْمُؤْمِنِينَ (۵:۴۳)
نبند ۱، نیستند ۲

~: وَمَأْوَىٰهُ ٱلنَّارُ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ (۵:۷۲)
نباشد ۲

~: وَمَآ أَكْثَرُ ٱلنَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۲:۱۰۳)
ناند ۱

~: وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِى تَبَابٍ (۴۰:۳۷)
نُبود ۲

★ وَمَا نَحْنُ: وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ ٱلْأَحْلَٰمِ بِعَٰلِمِينَ (۱۲:۴۴)
نه‌ایم ما ۵۷

~: وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۳۴:۳۵)
ما نیستیم ۶۱

~: إِلَّا مَوْتَتَنَا ٱلْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۳۷:۵۹)
نخواهیم بود ۶۴

~: نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ ٱلْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۵۶:۶۰)
نیستیم ما ۲

مَاءٌ: وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً (۲:۲۲)
آب ۱۰

~: وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ ٱلْمَآءُ (۲:۷۴)
آبها ۹۹

~: فَلَمْ تَجِدُوا۟ مَآءً فَتَيَمَّمُوا۟ صَعِيدًا طَيِّبًا (۴:۴۳)
آو ۱

~: فَلَمْ تَجِدُوا۟ مَآءً فَتَيَمَّمُوا۟ صَعِيدًا طَيِّبًا (۵:۶)
آبْ ۲

~: وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً (۶:۹۹)
باران ۲۷

~: كَسَرَابٍۭ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ ٱلظَّمْـَٔانُ مَآءً (۲۴:۳۹)
'اب ۱۱۹، آب ۱۲۳

~: أَنَّا نَسُوقُ ٱلْمَآءَ إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلْجُرُزِ (۳۲:۲۷)
آب ـ میغ پر آب ۴۷

~: فِيهَآ أَنْهَٰرٌ مِّن مَّآءٍ غَيْرِ ءَاسِنٍ (۴۷:۱۵)

می و آب ۵۱

~: أَنَّا صَبَبْنَا ٱلْمَآءَ صَبًّا (۸۰:۲۵)
ابر[1] ۱۱۳

★ مَاءٍ صَدِيدٍ: وَيُسْقَىٰ مِن مَّآءٍ صَدِيدٍ (۱۴:۱۶)
آبی که از دوزخیان رفته باشد ۷۶، خونابهٔ دوزخیان ۱۲۷

★ مَاءٍ كَالْمُهْلِ: يُغَاثُواْ بِمَآءٍ كَٱلْمُهْلِ (۱۸:۲۹)
چرک و ریم دوزخیان ۱۱۱

★ مَاءٍ مَعِينٍ: فَمَن يَأْتِيكُم بِمَآءٍ مَّعِينٍ (۶۷:۳۰)
آب روان ٦٤

مَائِدَةً: يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ (۵:۱۱۲)
خوان ۱، خُوان ۲، خوان آراسته ۳، خَوانِ آراسته ۵۵، خوآن ۹۴، خان بیاراسته ۱۳۸

~: ٱللَّهُمَّ رَبَّنَآ أَنزِلْ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ (۵:۱۱۴)
خوان اراسته ۷۸، خان ۱۱۴

مَاءَكِ: وَقِيلَ يَٰٓأَرْضُ ٱبْلَعِى مَآءَكِ (۱۱:۴۴)
آبت ۱۱٤

مَاؤُهَا: أَوْ يُصْبِحَ مَآؤُهَا غَوْرًا (۱۸:۴۱)
آب ۱

مَاتَ: أَفَإِيْن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ ٱنقَلَبْتُمْ (۳:۱۴۴)
بمرد ۱، بُمیرد ۱۰، میرد ۹۷، بمیرند ۱۱۸

~: وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰٓ أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا (۹:۸۴)
مرد ۳، بمیرَدْ ۶۲، مرده باشد ۱۱۱

مَاتُوا: إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ وَهُمْ كُفَّارٌ (۲:۱۶۱)
بَمُردنْد ۲، بَمیرَند ۱۰، بمرده باشند ۲۹، مُرْدَنْد ۵۵

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَمَاتُواْ وَهُمْ كُفَّارٌ (۳:۹۱)
بمردند ۱، مُردند ۲۸

~: لَّوْ كَانُواْ عِندَنَا مَا مَاتُواْ وَمَا قُتِلُواْ (۳:۱۵۶)
مُردَنْدی ۲، بمردندی ۲۴، مردَنْدی ۵۳

~: إِنَّهُمْ كَفَرُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَمَاتُواْ (۹:۸۴)
بمُرْدَند ۶۲، مردن ۱۲۸، مرده‌اند ۱۳۰

~: ثُمَّ مَاتُواْ وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ ٱللَّهُ لَهُمْ (۴۷:۳۴)
بَمُردند ۴۲

★ مَامَاتُوا: لَّوْ كَانُواْ عِندَنَا مَا مَاتُواْ وَمَا قُتِلُواْ (۳:۱۵۶)
بنمردندی ۱، بنه مردندی ۲۳، نه بمردندی ۲٤، نمُردندی ۲۷، نه‌مردندی ٤۰، نمرده بودندی ۹۶، نمی‌مردند ۱۲۲

مَارِجٍ: وَخَلَقَ ٱلْجَآنَّ مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ (۵۵:۱۵)
بزْدَر[2] ۱، زُفانه ۲، زبانه ۳، تیز ۲٤، آتش بی دود ۳۵، زفانه ۳۸، زبانه پر از درد و پر رنج ٤۱، زبانهٔ درفشنده ۵۱، زبانه آتش ٦۱، دیوستنبه ۸۱، زنجه ۸۹، زفانیه ۹۵، پاره ۱۰۲، آتش بی‌دود - زبانهٔ آتش ۱۰۸، زبانهٔ بی‌دود ۱۰۹، زفانهٔ آتش ۱۱۳، دود ۱۲۰، آمیخته ۱۲۱، زبانه بیدود ۱۲۲

مَارِدٍ: وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَٰنٍ مَّارِدٍ (۳۷:۷)
رانَده ۱، بد سِتنبه ۲، ستنبه ۳، پلید شوخ ۲٤، نافرمان ۲۹، بی فرمان ۳۳، ستنبه و نافرمان ۳۹، رمندَه ٤۲، ستیه‌انده[3] و نافرمان ۷۲، گردن کش ۹۸، سرکش و نافرمان ۱۰۳، رمنده و بد ۱۰۵، ستنبه - سخت بد ۱۰۸، ستمبه ۱۰۹، سرکش نافرمان ۱۱۱، بیرون شده از فرمان ۱۲۹، سرکش ۱۳۱

---

۱. ظاهراً باتوجه به مفهوم آیه، مجازاً معنی شده است.

۲. بزدر: زبانه آتش بی دود.

۳. ستیه انده / ستیهنده.

اَلْمَاعُونَ: وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (٧:١٠٧)
رخت خانه ١٠٩، دیگ ـ دلو ـ تبر ١٢٠

مَاكِثُونَ: لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُم مَّاكِثُونَ (٤٣: ٧٧)
درنگ کناران ١، مانند گان ٢، باشند گان ٣، مانندِ گان ٢٢، درنگ خواهید کرد ٣٠، درنگی کنان ٤٢، درنگ کنند گان ٤٣، جاودان ٤١، درنگ کنان ٥٢، درنگ کرد گان ٥٦، درنگ کنند ٩٠، درنگ خواهید کردن ١٠٨، درنگ کرد گانید ١٢٦

مَاكِثِينَ: مَّاكِثِينَ فِيهِ أَبَدًا (٣:١٨)
درنگ کناران ١، باشند گان ٢، درنگ کنند گان ٣، باشند ٢٤، بماندە ٥٣، درنگ کنندگان ٥٥، درنگ کنند گان جاوید ٥٨، درنگ کننده گان ١١٣، درنگ کننده ١٢١

اَلْمَاكِرِينَ: وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (٣: ٥٤)
پاداش دهند گان ٢٨، شایندگان ٤٢، داستان کنند گان ٦٩، پاداش کنند گان ٧٥، سازبد کنان ٨٤، سازند گان ٩٤، بدی سگالنند گان ٩٥، سگالش گران ١١٤، سگالید گان ١٢٤

~: وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (٣٠:٨)
مکر کناران ١، سازند گان ١٠، سگالند گان ٥٨

اَلْمَالُ: وَءَاتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ (١٧٧:٢)
خواسته ٢

~: وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ (٢٤٧:٢)
خواسته ٥٥

~: أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ مِن مَّالٍ وَبَنِينَ (٢٣: ٥٥)
خواستها ١٠٣

~: يَوْمَ لَا يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (٨٨:٢٦)
سوزیان ٢٠

مَالًا: وَيَٰقَوْمِ لَا أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا (٢٩:١١)
خواست ٥٢، مزد ٨٨

~: وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَّمْدُودًا (١٢:٧٤)
سوزیان ٦

مَالِئُونَ: فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (٣٧: ٦٦)
پر کناران ١، پُر کنند ٢، پر همی کنند ٢٢، پر کننده ٢٩، پر کنند گان ٣٣، پر می کنند ٤١، سیر بر آیند گان ٨١، پر گرداننده ٨٦

~: لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (٥٦: ٥٣)
پر شود ٣٠، پُر کنند ٨٨، پر کنید ١٠٨

مَالِكِ: الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (٤:١)
پادشاه ٤، پادشاهُ و داور ١٠، خداوند گار ٨٤

~: قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ (٣: ٢٦)
پادشاء ٢، خداوند ٢٥، پادشا ٢٧، پادشاه و خداوند ٥٨، پادشای ٧٢، پادشآه ١٠٠

مَالِكُونَ: فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ (٧١:٣٦)
پادشا شداران ١، پادشا أند ٢، گرد آرند گان ٣، توانآن ٢٢، پادشاه ٢٤، پادشا ٣٣، خداوندان ٣٩، گردانند گان ٨٠، توانایان ٨٨، گردانند گان و نگه داران ١٠٩، خداوندانند ١٢٦

مَالِيَهْ: مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهْ (٢٨:٦٩)
خواسته ١٩

مَانِعَتُهُمْ: وَظَنُّوا أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمْ حُصُونُهُم مِّنَ اللَّهِ (٢:٥٩)
بازدارنده ٢، بازدارد ٣٠، بازداشت ٤٢، نگه بدارد ١٠٦ و ١٣٨، بازداشتن ١٢٤

اَلْمَاهِدُونَ: وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (٥١: ٤٨)
گسترداران ١، گستریده ٢، گسترنده ٣، گسترند گان ٢٩، گسترانندە ٣٨ و ١٢٠، گسترانند گان ٣٩، گسترنده کنیم ما ٨٠، بگسترند گان ٨٩، گسترانیدیم ما ٩١،

بگسترانند گان ۱۱۷، گسترانیدن ۱۳۰، گسترد گان ۱۳٤

مِائَةٌ: فَأَمَاتَهُ ٱللَّهُ مِاْئَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ (۲:۲۵۹)

صد ۱، سد ٦۳، صَد ۱۰۰

~: فِي كُلِّ سُنۢبُلَةٍ مِّاْئَةُ حَبَّةٍ (۲:۲٦۱)

صدگان ٤۳، سَدْ ٦۳

~: وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّاْئَةٌ يَغْلِبُوٓا۟ أَلْفًا (۸: ٦۵)

صَدْ ۲

اَلْمُؤْتَفِكَاتُ: وَأَصْحَٰبِ مَدْيَنَ وَٱلْمُؤْتَفِكَٰتِ (۹:۷۰)

شارستانها ۱، نگوسار شدند گان ۲، دیهها زیر و زبر شده ۳۹، سرهاء نگوسار شده ٤۹، شارِسْتانها ۵۵، آن دِیهها که زیر و بر کردیم ٦۲، دیهاء زیر و زبر شده ٦۵، نگون سار شد گان ـ شارستانها ۸۳، دیهاء زیر زبر شده ۹۰، نگوسار گشتگان ۹٤، ریزریز شده ۹۸، زیر و زبرشد گان ۱۰۰، زیر و زبر شوند گان ۱۰۲، شهرستان ۱۰۵، نگوسار شده گان ۱۰۹، شهرهای زیر و زبر گردیده ۱۲۲، نگونساری گشتگان شهرها ۱۲٤، شهرهای زیر زبر گردیده ۱۲۷، ریزه ریزه شدها ۱۳۵، شهرها ۱۳٦

~: وَجَآءَ فِرْعَوْنُ وَمَن قَبْلَهُۥ وَٱلْمُؤْتَفِكَٰتُ بِٱلْخَاطِئَةِ (٦۹: ۹)

نگوسار شُد گان ۲، زیر و زور شد ها ۸، گرو ۵٤، دیهیها زیْر زبر شده ٦۱، شهرهای قوم لوط ۷۹، نگوسار شد گان ۸۸، دیهیهاء ۹۰، شارستها ۱۱٤، سرنگون کردن ۱۲۰، نگونسار شد گان ۱۲٤، دروغ گوی ۱۳٦، زیر زبر شد گان ۱۳۹

اَلْمُؤْتَفِكَةَ: وَٱلْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ (۵۳:۵۳)

شارستانها ۱، نگوساران ۲٤، بزمین فروشده ۲۹، شارستان نگوسار گردانیده ۳۰، فروافکنده ۵٦، شارستان نگوسار کرده ۸۸، شارستانهاء ۹۰، بر گردیده ۱۰۲، بر گردنده ۱۰۹، شارستها ۱۱٤، شهرستان ۱۱٦، دروغ زن ۱۳٦، فرود افکنده، فرود برده ۱۳۹

اَلْمُؤْتُونَ: وَٱلْمُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ (٤:۱٦۲)

داداران ۱، دهند گان ۲، دهندَ گان ۱۰، دهنده گان ۳۰، گزارند گان ٤۱، می دهند ۵۸، بد هند گان ۸۵، دهایان ۹٦، دهند گآن، بدهند گآن ۱۰۰

مَأْتِيًّا: إِنَّهُۥ كَانَ وَعْدُهُۥ مَأْتِيًّا (۱۹:٦۱)

آمدار ۱، آمدنی ۲، آمده شده ـ آینده ۳، آمدنی ۲٤، آینده ۲۹، آمده ٤۲، بوده و رسیده ٤٤، آمَدَهْ ۵۳، بجای آمده ٦۲، آینده و آمدنی ٦۷، آماده شده ـ آینده ۸۰، آمده شده ۹۱، درآینده ۹۹، آورده شده ۱۲۹

مِائَتَيْنِ: إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَٰبِرُونَ يَغْلِبُوا۟ مِاْئَتَيْنِ (۸: ٦۵)

دویست ۱، دُویسْت ۲، دویست کس ٤۱

مُؤَجَّلًا: إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ كِتَٰبًا مُّؤَجَّلًا (۳: ۱٤۵)

زمان پیدا کرده ۱، زمان داده ۳، برانده ۱۰، پیدا کرده ۲۳، پدید کرده ۳۹، پیدا کردَه ٤۲، بفرمان پیدا کرده ۷۸، زمانه پیدا کرده ۸۲، پیدا کرده زند گانی و مرگ ۹۰، زمان پدید کرده ۹٤، هنگام کرده ۱۰۲، وقت پدید کرده ۱۰٦، نام زده ۱۱٤

مُؤَذِّنٌ: قَالُوا۟ نَعَمْ ۚ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌۢ بَيْنَهُمْ (۷:٤٤)

بانگ کنار ۱، آگاهاننده ۳۰، آواز دَهندَه ٤۲، آگاهَانَنده ۵۵، آگاه کننده ۸۰، آگاهنده ۱۱٤، آوازکننده ۱۱۹، بانگ گو ۱۲۷

~: ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا ٱلْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَٰرِقُونَ (۱۲: ۷۰)

آواز دهنده ۲، بانگ کننده ۳۸، بانگ زننده ٤۱، آوَاز دَهندَه ۵۵، نداکننده ۱۲۰، فریاد زننده ۱۳٦

مُؤْصَدَةٌ: عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤْصَدَةٌۢ (۹۰:۲۰)

استوار پوشیده ۲، گماشته ۲٤، درفرو گرفته ۲۹، استوار پُوشیده ۳٤، دربسته ٦۱، گرد درآمده ۷۹، استوار کرده ۸۰، دربسته شده ۱۰۲، فرو گرفته ۱۰۵،

دربسته و پوشیده ۱۰۹، پوشیده شده ۱۱۶، سوزان استوار کرده شده ۱۲۱، فروزان ۱۲٤، جای فراخ ۱۲٦، برافروخته ۱۲۹

~: إِنَّهَا عَلَيْهِم مُّؤْصَدَةٌ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ (۸:۱۰٤)
آتش برافروخته ۲۹، در فراز کرده ۵۱، استوار ۸۸، سربسته ۹٦، در فراز گرفته ۱۰۵، در نبشته ۱۱٤، فروبسته شده ۱۱٦، فروبسته ۱۲۰، بسته ۱۳۹

مَأْكُولٍ: فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ (۵:۱۰۵)
میانه خورده ۲، خورده ۲٤، خوردنی ٤۸، خورده شده ۵۲، خورده انداخته ۷۹، کرم خورده ۹٦، نیم خورده ۱۰٦، ناچیز شده ۱۲۰

ٱلْمُؤَلَّفَةِ: وَٱلْعَـٰمِلِينَ عَلَيْهَا وَٱلْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ (۹:٦۰)
بهم کرده ۱، نَرْم کرده ۲، گرد آورده ۳، نُوَاختَه ۱۰، پیوستگان ۱۱، پیوسته ۲۷، واهم آورده ۲۹، آنرا که دلهای ایشان بدست آرند ٤۲، فراهم آوردن ٤۳، فراز آرنده ٤۹، گرم کرده ۵۲، گرْد آورده ۵۵ و ۹۱، دوستی نموده ۵٦، آنانکه بدوستی آورده باشند ۵۷، فراهم داشتگان ٦۹، آنکسها که گرم باید کردن ۹٤، با هم آورده ۹۵، فراهم آورده ۹۹، نرم شد ۱۰۰، فراهم آورده شده ۱۰۲، فراهم آورده شد ۱۰۹، آرام دادگان ۱۱۲، بهم آورده شده ۱۲۰، نو آمده ۱۲٤، نرم کرده ۱۲۹

★ ٱلْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ: وَٱلْعَـٰمِلِينَ عَلَيْهَا وَٱلْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ (۹:٦۰)
نُوَاختَه دلان ۱۰، نرم کردن دلهاشان ۵۸

مُؤْمِنٌ: وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكٍ (۲:۲۲۱)
گِرَویدَه ۹٤

~: وَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ (٤:۱۲٤)
برویده ۱۰

~: وَمَآ أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَـٰدِقِينَ (۱۲:۱۷)
راست کر گرفتار ۱[1]، استوار دارنده ۳٦، باور دارنده ٤۱، راست دارندَه ٤۲، اسْتُوار دَارندَه ۵۳، رَاسْت گوی دَارَندَه ۵۵، راست گوی دارنده ۵٦، باور کننده ۹٤، باور د آرنده ۱۰۰

~: وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ (۱۷:۱۹)
گرونده ۸

~: وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ (۳۳:۳٦)
مرد گرویده ۳۰، مرد گردن دهنده ۹۱

~: لَآ إِلَـٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْمَلِكُ ٱلْقُدُّوسُ ٱلسَّلَـٰمُ ٱلْمُؤْمِنُ (۵۹:۲۳)
بی بیم کننده ۳ و ۸۰، آرام دهنده ۳۹، آرآم دهنده ۱۰۰

~: هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَكُمْ فَمِنكُمْ كَافِرٌ وَمِنكُم مُّؤْمِنٌ (٦٤:۲)
گرویده ۲

★ مَآ أَنتَ بِمُؤْمِنٍ: وَمَآ أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا (۱۲:۱۷)
نَداری تُو بَاوَر ٦۲

مُؤْمِنًا: وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَن يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَـًٔا (٤:۹۲)
گرونده ۸۰

~: وَمَن يَأْتِهِۦ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ (۲۰:۷۵)
گرویده ۲

~: وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِىَ مُؤْمِنًا (۷۱:۲۸)
برونده ٦

مُؤْمِنَاتُ: أَن يَنكِحَ ٱلْمُحْصَنَـٰتِ ٱلْمُؤْمِنَـٰتِ (٤:۲۵)
گرویده ۲۷، گرونده ۱۱٤

---

۱. راست کر گرفتار: باوردارنده؛ راست گوی دارنده.

~: وَالْمُحْصَنَٰتُ مِنَ الْمُؤْمِنَٰتِ (۵:۵)
گرویدگان زنان ۲، گروندگان ۳۶، زنان گرویسته ۳۷

~: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَٰتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ (۹:۷۱)
گرویدگان زنان ۲، زنان گرویده ۳، گرویدگان از زنان ۴۹

~: وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَٰتِ جَنَّٰتٍ (۹:۷۲)
زنان گرونده ۵۵

~: لَوْلَآ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَٰتُ (۲۴:۱۲)
گرویدگان زن ۶٤، زنان گروندگان ۱۱٤

~: وَقُل لِّلْمُؤْمِنَٰتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَٰرِهِنَّ (۲۴:۳۱)
زنان گرویدگان ۲، زنان برویده ۴۷

~: وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَٰتِ (۳۳:۳۵)
برویدگان از زنان ۴۷، زنان باور دارنده ۱۱۵

~: وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَٰتِ (۳۳:۷۳)
گروندگان از زنان ۱۱٤

~: وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَآءٌ مُّؤْمِنَٰتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ (۴۸:۲۵)
برویده ٦

~: إِذَا جَآءَكُمُ الْمُؤْمِنَٰتُ مُهَٰجِرَٰتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ (۶۰:۱۰)
گرویدگان ۱۳٦

~: أَن يُبْدِلَهُ أَزْوَٰجًا خَيْرًا مِّنكُنَّ مُسْلِمَٰتٍ مُّؤْمِنَٰتٍ (٦٦:۵)
راست گوی دارندگان ٦۷، باور دارندگان ۱۰۳، گردن نهادگان ۱۳۰، گرویده شدگان ۱۳٦

مُؤْمِنَةٌ: وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكَةٍ (۲:۲۲۱)
گرونده ۲، برویده ۱۰، گرویده ۴۲، گرونده ۵۵ و ۹٤، بروریده ٦۳

~: وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ (۳۳:۳٦)
زن گرویده ۳۰، زن برویده ۴۷، زن گردن دهنده ۹۱، زن گرونده ۱۱٦

مَأْمَنَهُ: فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَٰمَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ (۹:٦)
جای بی بیم شدن ۳ و ۹۱، جای بی بیم شدن ۵۵، جای بی بیم ٦۱، جایگاه ٦۹، زینهارگاه ۱۰۲، جایگاه بی بیم ۱۰۹، جای بی بیمی ۱۱٤، جای ۱۲۱

مُؤْمِنُونَ: لَّا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَٰفِرِينَ أَوْلِيَآءَ (۳:۲۸)
گرویدگاران ۷۵

~: مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَٰسِقُونَ (۳:۱۱۰)
باور دارندگان ۱۰٤

~: وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ (٤:۱٦۲)
گرویستاران ۱، بگرویدند ۵۸، بگرویدگان ٦۳، گرویدگان ۱۱۸

~: وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ (۵:۸۸)
گرویدگان ۲، گرویده ۹، گرویستگان ۳۷، گرویدگان ۵۳

~: قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۷:۷۵)
برویدگان ۱۰

~: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَٰتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ (۹:۷۱)
گرویدگان مردان ۲، مردان گرویده ۳، گرویدگان از مردان ۴۹

~: فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ (۹:۱۰۵)
گروندگان ٦۲

~: لَّوْلَآ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَٰتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا (۲۴:۱۲)
مردان گرویدگان ۲، مردان گرونده ۳٦، برویدگان از مردان ۴۷، گرویدگان مرد ٦٤، مردان گروندگان ۱۱٤

~: رَّبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ (٤٤:۱۲)
گردن نهادگان ۱۳۰

~: وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَآءٌ مُّؤْمِنَٰتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ (۲۵:۴۸)
برویده ٦

~: وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤْمِنُونَ (۱۱:٦۰)
بگروند گان ۱۰۰

~: وَلَا يَرْتَابَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْمُؤْمِنُونَ (۳۱:۷٤)
بروند گان ٦

مُؤْمِنَيْن: وَأَمَّا ٱلْغُلَٰمُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ (۸۰:۱۸)
دو گرونده ۳۰، دو گرویده ٥٦

مُؤْمِنِينَ: ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَمَا هُم بِمُؤْمِنِينَ (۸:۲)
گرونده ۱۰۲

~: قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنۢبِيَآءَ ٱللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۹۱:۲)
راست گویان ٦٤

~: قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُم بِهِۦٓ إِيمَٰنُكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۹۳:۲)
برویدگان ۱۰، برویده ٤۰، بگروید گان ٦۳

~: وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّكُم مُّلَٰقُوهُ ۗ وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۲۲۳:۲)
مُردمان برویده ۱۰

~: إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲٤۸:۲)
گرویستاران ۱، باور کنند گان ٥٦

~: وَذَرُوا۟ مَا بَقِىَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓا۟ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲۷۸:۲)
گرونده گان ۱۳

~: لَّا يَتَّخِذِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلْكَٰفِرِينَ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۲۸:۳)
گروید گان ۲

~: إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (٤۹:۳)
باور کننده ۲۹

~: فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۱۷٥:۳)
نکو کاران ٤۰

~: وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓا۟ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲۳:٥)
بی گمانان و گروید گان ٤۱، گرویذ گان ۷٥

~: لِتُنذِرَ بِهِۦ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (۲:۷)
گروند گان ۱٤۰

~: فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۳۲:۷)
راست کر گرفتاران ۱، براست دارند گان ٤۸، گروند گان ـ باوردارند گان ۱۰۹

~: وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ جَنَّٰتٍ (۷۲:۹)
گروید گان از مَرد ۹٤

~: وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ (۷۸:۱۰)
رَاست گوی دَارَند گان ٥٥، باوَر دَارند گان ٦۲، راست دارند گان ٦۳

~: وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (٥۳:۱۱)
اُستوار دَارَند گان ٥٥، استوار دارند گان و گروید گان ٥۸

~: بَقِيَّتُ ٱللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۸٦:۱۱)
بگروند گان ۸٥

~: أَفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُۥ بِمُؤْمِنِينَ (۳۸:۲۳)
راست کر گرفتاران ۱، اِستوار دارند گان ۲، استواردارا ن ٤۲ و ٥۲، باوردارنده ۷٦، استوار دارند گاران ۷۷، باور دارنده گان ۱۱۳

~: لَعَلَّكَ بَٰخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا۟ مُؤْمِنِينَ (۳:۲٦)
گروند گان و گردن نهند گان ۱۱۱

~: إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (۸:۲٦)
بروند گان ۲۰، گروند گان ۷٦

~: فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۶:۱۰۲)
گزید گان ۵۳

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۶:۱۲۱)
گردن نهند گان ۱۱۱

~: لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۸:۱۰)
باور د آرند گان ۱۰۰

~: وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ (۳۳:۳۵)
مردان گرویده ۳، مردان گرونده ۷، گروید گان از مردان ۳۹، مردان گرونده ۴۳، مردان راست گوی دارنده ۹۱

~: وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ (۳۳:۷۳)
گروید گان مردان ۴۱، بَروید گان از مردان ۴۷

~: لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (۳۴:۳۱)
گردن نهاد گان و گروید گان ۵۸

~: قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۳۷:۲۹)
گروید گان ۲۲

~: لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ (۴۸:۵)
مردان گروید گان ۲

★ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ: إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۳:۴۹)
باور دارید و ببروید ۴۰

★ لِلْمُؤْمِنِينَ: لِتُنْذِرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (۷:۲)
مر بگروید گان را ۱۱۱

~: إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ (۴۵:۳)
مر گروند گانرا ۱۱٤

~: وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ (۷۱:۲۸)
مر مردان گرونده را ۱۱٤

مَأْمُونٍ: إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ (۷۰:۲۸)
بی بیم شده ۳، بی ترس ۱۰۹

مَأْوَاكُمْ: وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۲۹:۲۵)
جای باش ۳، بازگشت جای ۴۱، بازنشستن جای ۴۷، آرامگاه ٦٤، جای پناه ۱۰۹، جایتان ۱۱٤، جای بازگشت ۱۱٦

~: وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۴۵:۳٤)
جای ٤۳

~: مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۵۷:۱۵)
جایگاه ۲، جای بازگشتن ۳۰، آرامجای ٦٤، جایگان ۷۸

مَأْوَاهُ: كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ (۳:۱٦۲)
جایگه ۱، جایگاه ۲، جای بازگشت ۳، بازگشت ۲۷، بازگشت جای ٤۱، آرام جای ٦٤، بازآمد نگاه ۹٦، جآ ۱۰۰

~: فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ (۵:۷۲)
جای ۲، جَای بَاش ۵۵

~: فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ (۸:۱٦)
جای باش ۳، جا ۲۹، جَایِ بازگشت ۵۵، آرامگاه ۱۲۷، جای گاه ۱۲۸

مَأْوَاهُمْ: وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ (۳:۱۵۱)
جایگه ۱، جَاءِ بازگشتن ۲، جای بازگشت ۳، واگشتن گاه ۱۰، بازگشتن جای ۲۷، جَایِ بَازگشت ۵۵، بازگشتن ۵۸، بازآمدن گاه ۹٦، جای پناه ۱۰۹

~: مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ (۳:۱۹۷)
بازگشت ۲، آرام گاه ٦٤، جای بازگشتن ۸۰

~: فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (٤:۹۷)
جای باش ۳، واگِشتن گاه ۱۰، پایگاه ۱۱۲

~: وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۹:۷۳)
جای بودن ٤۹، آرام جای ٦۷

~: وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ (۹:۹۵)
بازگشت جای ٤۱، جای فرو آمد ۹۱

~: أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸:۱۰)
جَای بَاش ۵۵، بازگشت و جای ۵۸، جایشان ۱۱٤

~: أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ (۱۳:۱۸)
جای گاه ۵، جَای بَاشِش ۵۵، جاه پناه ۱۰۹

~: مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (۱۷:۹۷)
جاِی ۲، جایگاه ۸، جا ۷٤، پناه جای ۱۰۹، جای فرود آمدن ۱۱۰

~: وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۲٤:۵۷)
باز رفتن گاه ۹٦

~: وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ (۳۲:۲۰)
جایگاه و بازگشت ۱۳۹

~: وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (٦٦:۹)
جاه ۳۹، آرامگاه ٦٤، جآی ۱۰۰

اَلْمَأْوَىٰ: فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۲:۱۹)
جاءَ بُودن ۲، بازگشت یا جای باشیدن ۳، جایگاه بازگشت ٤٦، بازگشت ٤٦، جای بودن ۵۸، آرام جای ٦٤، جای ٦۹، باشیدن ۸۰، آرامگاه ۸۸، بازآمدنگاه ۹٦، پناه جای ۱۰۹

~: عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ (۵۳:۱۵)
جایگاه ۲ و ۹۹، جای باشیدن ۳ و ۸۰، آرام گاه ٤۹، بازگشت جای ۵٦، بازگشتن جای ۸۱، جای گرفتن ۸٦، بودن گاه باشیدن گاه ۱۰۸

~: فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۷۹:۳۹)
بازگشتن ۱۳۹

~: فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۷۹:٤۱)
پناه گاه ٤۱، جای بازگشت ۸۰

مُبَارَكًا: إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا (۳:۹٦)
خجسته ۳، باافزونی بسیار ۳۰، با افزونیِ بسیّار ۵۵

~: وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ (۱۹:۳۱)
پاکیزه ٦۱، راه نمای ۱۰۵، با افزونی ۱۰۸، با فزونی ۱۱٤

~: وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا (۵۰:۹)
افزاینده و پرورنده ٦۷، فرخنده ۷۲

مُبَارَكٌ: وَهَٰذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ (٦:۹۲)
خجسته ۳، فرخنده ٤۹، با افزُونی ۸۸

~: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ (۳۸:۲۹)
با افزونی بسیار ۳، فرخنده و خجسته ۵۸، افزونی بسیار ۱۱٤

مُبَارَكَةٍ: يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ (۲٤:۳۵)
بسیار چیز ۱۱۳

~: تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً (۲٤:٦۱)
با افزونی ۳

~: فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ (۲۸:۳۰)
با فزونی بسیار ۳، با افزونی بسیار ۹۱

~: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ (٤٤:۳)
خجسته ۳

مُبْتَلِيكُمْ: قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ (۲:۲٤۹)
آزمودار ۱، آزموده کرده‌اند ۲۹، بیازماید ۳٦، آزمُوده گردانْد ٤۲، آزمون می کند ٤۸، آزمایَنده ۵۵، آزماینده ۵٦، آزمود کننده ۵۷، آزموده کرد ٦۲، آزمایش خواهد کرد ٦۳، آزموده می کند ٦٤، بیاموزد[۱] ٦۹، آزموده گرداند ۷٦، آزمون

۱. آیا «بیاموزد» صورت دیگری از «بیازماید» است؟

کننده ۱۰۲، آزمایش نماینده ۱۰٤، آزموده گردانند ۱۰۵، می آزماید ۱۲۱، آزمایش کننده ۱۳۵، آزموده ۱۳۸

لَمُبْتَلِينَ: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (۲۳:۳۰)
آزموداران ۱، آزمایند گان ۲، آزماینده ۳۹، ازمون کنان ۵۳، آزمود گان ٦۵، ازمایند گان ٦۹، آزمایش کنند گان ۷۲، آزموده کنند گان ۹٤، آزمون کننده ۱۰۲، آزمایش کننده گان ۱۱۳

★ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ: وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (۲۳:۳۰)
ماایم که آزماییم ۲٤

الْمَبْثُوثِ: يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۱۰۱:٤)
پراکنده ۲، پراکنده کرده ۱۰۹، پراکنده شده ۱۲۹

مَبْثُوثَةٌ: وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ (۸۸:۱٦)
پراکنده ۱، گسترده ۲، افکنده ۲٤، فکنده ۲۹، بازکشیده ۳٦، گشوده ۳۹، گستریده ۵۳، بگسترده ۸۹، گسترانیده ۱۰٤، گسترده شده ۱۱٦، افشانده ۱۱۷، پراکنده کرده ۱۲٦

مُبَدِّلَ: وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ (٦:۳٤)
بر گرداننده ۲، گراینده ۸۸

~: لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ (٦:۱۱۵)
گرداننده ۲، گردانیده ۲٤، گردَاننده ۵۵، گردانیدن ۹٦

~: لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۱۸:۲۷)
دیگر کننده ۳، بگرداننده ۲۹، دیگر کُنَندَه ۵۵، دگر کننده ۱۰۹

★ لَا مُبَدِّلَ: وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ (٦:۳٤)
بر گردانیده نیست ۸۸

~: لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (٦:۱۱۵)
کس بنگرداند ۲۹، نه هیچ گردَاننده ۵۵، هیچ کس نگرداند ٦۲

~: لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۱۸:۲۷)
نه هیچ دیگر کننده ۳

مُبْدِيهِ: وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ (۳۳:۳۷)
اشکرا کنار ۱، پیدا کنند ۲، پیدا کننده ۳، پیدا کرد ٤۳، آشکارا کنند ٤۷، آشکاره کند ٤۹، پدید خواهد کردن ۵۳، پدید کننده ۵۸، آشکارا کننده ۸٦، آشکار کننده ۱۱۱، آشکار نماینده ۱۳۲

الْمُبَذِّرِينَ: إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ (۱۷:۲۷)
توهی کناران ۱، پراکنید گان بناشایست ۲، گزاف کاری کنند گان ۳، گُزاف کاران ۳۰، زیان بران ٤۱، گُزاف کاری کُنَدگان ۵۵، گزاف کنند گان ۵۷، پراکنند گان بناشایست ۸۳، پراکنند گان بناشایست ۹٦، پاشند گان ۱۰٤، پراکند گان ۱۰۵، پراکنده کنند گان ۱۲۸، گذاف کاران ۱۲۹

مُبَرَّءُونَ: أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ (۲٤:۲٦)
وی زار کرد گان ۱، بیزار کرد گان ۲، بیزار کرد گان ۳، بی گناه ۲٤، بیزار ۲۹، بیزار کرده گان ۳۰، بیزاران ۳۸، بیزار شدند ٤۳، بیزارند ٤۸، پاک و دُوراند ۵۱، بیزاران و پاکان ۵٤ و ۱۰۹، بی زاران ۵٦، پاکان ۷۹، بیزار و پاک ۸۸، آزاد کرد گان ۹۰، بیزار کرده شد گان ۱۰۲، بیزارگان ۱۱٤، بیزاران ۱۱۹، بیزار کرده شده ۱۲۱، بیزار کرده شدند ۱۲۸

---

۱. اشکرا کنار / آشکار کننده.

مُبرِمُونَ: أَمْ أَبْرَمُوٓاْ أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ (٤٣: ٧٩)
استوار کننده ٣، استوار کرده‌ایم ٣٠، اسْتُوار کننده ٣٢، پدید کنند گان ٤٢، استوار کاران ٥٦، استوار کنند گان ٦٩، سخت گیرند گان ١٠٢

مَبْسُوطَتَانِ: بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَآءُ (٥: ٦٤)
فراخ ١، گسترده ٢، گشاد ٣، گسترانیده ٢٧، گشاده ٣٨، گستریده ٤٥، گسترد گان ٥٧، فراخ کرده شد گان ٦٢، بگسترانیده است ٧٠، گشاده و گسترده ٩٢، هر دو دست گشاده ٩٦، گشآده ١٠٠، دو گسترده ١٠٩، گسترده شده‌اند ١١١، گسترده‌اند ١١٦، هر دو گشوده‌اند ١٢٢، گشاده است ١٢٦، فراخ بگسترده ١٣٨

مُبَشِّرًا: وَمَآ أَرْسَلْنَـٰكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (١٧: ١٠٥)
میزدک[1] بر ١، مُژده دهنده ٢، مژده دهید ٨، مژد گانی دهنده ١٣٠

~: وَمَآ أَرْسَلْنَـٰكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (٢٥: ٥٦)
مژد گان دهنده ٢٤، مژده ١٣٩

~: إِنَّآ أَرْسَلْنَـٰكَ شَـٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (٣٣: ٤٥)
مژدَه دهنده ١١٩

~: إِنَّآ أَرْسَلْنَـٰكَ شَـٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (٤٨: ٨)
میزدک بردار ١، مژده دهنده ٢، مژد گان ده ٢٤، مژده ده ٨٠

~: وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِى مِنۢ بَعْدِى ٱسْمُهُۥٓ أَحْمَدُ (٦١: ٦)
مژددهنده ٨٠

مُبَشِّرَاتٍ: وَمِنْ ءَايَـٰتِهِۦٓ أَن يُرْسِلَ ٱلرِّيَاحَ مُبَشِّرَٰتٍ (٣٠: ٤٦)
پراکنداران ١، مُژده دهند گان ٢ و ٣، مژده آرنده ٣٩، مژد گان دهنده بباران ٤٧، مژدَهْ دَهَنْد گان ٥٣، مژده دهنده ٥٦، مژده دهند ٦١، پراکنده ٨٤، مژد گانی دهند گان ١٠٢

مُبَشِّرِينَ: فَبَعَثَ ٱللَّهُ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مُبَشِّرِينَ (٢: ٢١٣)
مُژدَه دَهند گان ٢، مُژد گان دهند گان ١٠ و ١٣، مژده دهنده ٣٦، مژده کنند گان ٥٢، مِژدَه دِهَنْدَه ٩٤

~: رُّسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةٌ (٤: ١٦٥)
میزدک برداران ١، مُژدَه دهنَد گان ٤٥ و ٥٣، مژد گانی دهند گان ١٠٢

~: مَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ (١٨: ٥٦)
مژده دهان ٨، مُژدَه دَهَند گان ٥٥

مُبْصِرًا: هُوَ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ لِتَسْكُنُوا۟ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبْصِرًا (١٠: ٦٧)
دیدور ١، رَوشن ١٠، روشن ١٣، بینا کننده ٢٩، بینا ٥٥، بیننده ٥٦، روشن و تابنده ٥٨، بینائی ١٠٠، نماینده ١٣٠

~: أَنَّا جَعَلْنَا ٱلَّيْلَ لِيَسْكُنُوا۟ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبْصِرًا (٢٧: ٨٦)
بینا ـ روشن ٣، روشن کی بینند ٤٦، دیدن ٥٣، روشن کننده ٥٦، بینند ٧٦، بینا چنان روشن که توان دید دروی ٩١، دیدار ٩٤، روشن و بینا ١٠٩، بیننده دیدار ١٢٨، پدیدار ١٣٩

~: ٱللَّهُ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ لِتَسْكُنُوا۟ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبْصِرًا (٤٠: ٦١)
برپیدای ٢٢، پیدا ٣٨، پدیدار آمده ٣٩، ببینیت ٤١، تابنده ٦٩، راه بیابند ٨١، پیدا و روشن ٩٢، روشن و بیننده ١٠٩

مُبْصِرَةً: وَجَعَلْنَآ ءَايَةَ ٱلنَّهَارِ مُبْصِرَةً (١٧: ١٢)

---

١. میزدک = مژده.

دیدور ۱، بینا پیدا ۲، روشن ۳ و ۵۷، بینا ـ روشن ۳۰، نماینده ٤١، بینا ٤٢، بدیدار ۵۳، روشن و تابان ٦٤، روشنایی ۹۰، ۱۰۳، از بهر دیدن ۹۳، بینا و پیدا ۹٦، روشنی ۱۲۰، پیدا و بینا ۱۲۸

~: وَءَاتَيْنَا ثَمُودَ ٱلنَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا۟ بِهَا (۱۷: ۵۹)
پیدا ۲، نشانی روشن ۳، آشکارا ۸، روشن پیدا ۳۰، دیدار ٤۳، بَدیدار گَردِه ۵۳، نِشانِ رُوشَن ۵۵، نشان پیدا ۵٦، پیدا بدیدار ۵۸، فراپیش ۵۹، نشان روشن ۸۰، نشانی ۹۰، نمائیده ۱۱۰، پیدا و روشن ۱۱۳

~: فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ ءَايَٰتُنَا مُبْصِرَةً (۲۷: ۱۳)
دیدور کرده ۱، هویدا ۲، بدیدار بُودَه ۵۳، اشکارا ۷۸، روشن کرده ۹۰، بینا روشن که توان دید ۹۱، پیدا کننده ۹۹، هویدا و روشن ۱۰۲، روشن و هویدا ۱۱۱، روشن کننده ۱۱۳، بینا کننده ۱۱٤، پیداشونده ۱۲٤

مُبْصِرُونَ: تَذَكَّرُوا۟ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ (۷: ۲۰۱)
بینا ان ۱ و ۵٦، بینندگان ۳، ببینند اُو وَاآیستَند ۱۰، بیناشدگان ۳۵، بیدارشدگان ۵۷، بیداران ٦۳، خردمندان ۷۲، بینا ۹۳، بینایان ۱۰۹، می بینند ۱۲۱

★ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ: تَذَكَّرُوا۟ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ (۷: ۲۰۱)

پس ناگاه شان چشم همی بینند ٦۱

ٱلْمُبْطِلُونَ: أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ ٱلْمُبْطِلُونَ (۷: ۱۷۳)
توهی کناران ۱، بی کاران ۲، بی راهان ۲۷، نادرست کاران ٦٤، ناچیزکاران ۹۱، نادرستان ۱۱٤، کج روان ۱۱٦، کجروان ۱۲۲

~: إِذًا لَّٱرْتَابَ ٱلْمُبْطِلُونَ (۲۹: ٤۸)
تبه کاران ٤۷، بیهدکاران ۹۱، تباه کارآن ۹٤، تباه کاران و کج روان ۱۱۱، تباهکاران ۱۲۰

~: لَيَقُولَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ (۳۰: ۵۸)
تباه کاران ۲، دروغ گویان ۲٤، کژ گویان ۳۸، نابکاران ٤۷، ناراست آرندگان ۵۸، گزاف کاران ٦٤، کار بباد کنندگان ٦۷، بیهده کاران ۸۰، گناهکاران ۸۷، تباه کاران و دروغ گویان ۱۱۱، نابودکاران ۱۳۲

~: وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلْمُبْطِلُونَ (٤۰: ۷۸)
بدی کنندگان ۵۳، ناراستان ۵۸، تباه کاری کنندگان ٦۱

~: وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ ٱلْمُبْطِلُونَ (٤۵: ۲۷)
هرزه کاران ۲، بیهوده کاران ۳، گزاف گران ۹۰، ناراستگان ۱۱۱

مُبْعَدُونَ: أُو۟لَٰٓئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ (۲۱: ۱۰۱)
دورکردگان ۱، دُور کردگان ۲، از دوزخ دور کردگان ۱۲، دور ۲٤، دور بکرده باشند ۳٤، دورکرده ٤۲، دورشدگان ٤۸، دوران ۵۳، دُور کرده شدگان ۵٦ و ٦۵، دور گردندگان ۸۰، دور گردِگان ۱۰۵، دور کرده گان ۱۱۳، دورشده گان ۱۱۹، دور گردانیده شده ۱۲۲ و ۱۳۲، دور شوندگان ۱۳۰، دور گردانیدگان ۱۳۵، دور کردندگان ۱۳۸

مَبْعُوثُونَ: وَلَئِن قُلْتَ إِنَّكُم مَّبْعُوثُونَ مِنۢ بَعْدِ ٱلْمَوْتِ (۱۱: ۷)
انگیختگان ۱، بَرانگیختَه شُدَگان ۵۵، برانگیخته شدگان ٦۱، بیانگیختگان ٦۵، زنده کُنَند ۷٦، برانگیخته گان ۱۰۹، برانگیخته شوند ۱۱۲، برانگیخته شوندگان ۱۱۹، برانگیخته شده‌اید ۱۲۱، برانگیزگان ۱۲٤

~: أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (۱۷: ٤۹)
برانکیختگان ۸، برانگیزندگان ۳۹، برانگیزیده ۵۳، بَرانگیختهگان ۵۵، برانگیخته ٦۱

~: أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (۱۷: ۹۸)
زنده واکرده ۲۹، انگیزَندِگان ۵۳، زنده کرده

شده باشیم ۵۶، زنده کنند ۷۶، برنگیختگان ۱۱۶

~: أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۲۳: ۸۲)
برخواهند انگیخت ۵۴، زنده شویم ۵۸، برانگیخته خواهیم بود ۷۶، برنگیخته شدگان ۸۰، برانگیختگان ۱۱۹

~: أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۳۷: ۱۶)
همی برانگیزند ۲۲، برانگیختنیان ۳۳، برانگیختان ۶۹، برخیزانندگان ۹۶، برانگیزانند ۱۲٤، برانگیخته شدگانیم ۱۲۶، زنده گردانیدگان ۱۳۰

~: أَيِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۵۶: ٤۷)
زنده کردگان و برانگیختگان ۱۰٤، بوده کردگان ۱۰۶، زنده کردگان ۱۱۳

مَبْعُوثِينَ: وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (٦: ۲۹)
انگیختگان ۱، بَرانگیختگان ۲، برانگیخته شدگان ۳، زنده کردگان ۲۷، برانیدندگان ۵۳، زنده شدندگان ۵۸، برانگیخته شده گان ۸۰، برنگیخته شده گان ۱۱٦، برانگیخته شده ۱۲۱

~: نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۲۳: ۳۷)
زنده واکرده ۲۹، برانگیخته گان ۳۰، دیگر بار زنده شویم ۵۸، برانگیختان پس از مرگ ٦٤، گرویدگان ۸٤، برانگیختان ۹٤، انگیختان ۱۰۸، زنده کرده گان و برانگیخته گان ۱۱۳، برانگیخته شوندگان ۱۳۰

★ مَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ: وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (٦: ۲۹)
ما را ورنه‌انگیزند ۲٤، نیست ما را برانگیختنی ٦۲

~: نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۲۳: ۳۷)
ما را هرگز برنخواهد برانگیختن ۳٤

مُبْلِسُونَ: أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ (٦: ٤٤)
نومید شداران ۱، نومید ۲، نومید شدند ۲۹، نومید گشته ٤٤، نومیدگان ۵۲، نَوْمید ۵۵، نومید شوندگان ٦۳، نومید شدگان ٦٤، نومید ماندند ۸۸، نمیدان[1] ۸۹، نومیده شد ۹۲، ناامید ۹٦، اندوه خورندگان و پشیمانان ۱۱٦، پشیمانان ۱۲۳، ناامید شدگان ۱۲۹

~: إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۲۳: ۷۷)
نومیدان ۳، نومید ۲٤، نومیدْ بَاشَنْد ۵۳، نااومیدان ۵٦، نومید گشتند ٦۱، نومید آن ۹٤، نومید شوند ۹٦، ناامیدان و بیچارگان ۱۱۱، نُومیدأن ۱۱۹، فروماندگان ۱۲۰، نومید گشتگان ۱۲٤، ناامید گشتگان ۱۲۸

~: لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (٤۳: ۷۵)
نومید باشند ۲، نُومیدان ۲۲، نُومیْد ۵۳، ناامیدان ۱۰۳ و ۱۱۱، نومید کردند ۱۲٤، ناامید شوندگان ۱۲٦

★ إِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ: أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ (٦: ٤٤)
چون ایشان ناامید شدند ۱، چون ایشان نااومید شدند ۲٤

مُبْلِسِينَ: أَن يُنَزَّلَ عَلَيْهِم مِّن قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ (۳۰: ٤۹)
نومید شداران ۱، نُومیدان ۲، نومیدان ۳، نومید شده ۲٤، نومید شدگان ۳۹، نومید ۷٦، ناامیدان ۱۰۳، نومید باشند ۱۰۵، نومید شوندگان ۱۲٦

مَبْلَغُهُمْ: ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُم مِّنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ (۵۳: ۳۰)
رسیدن جای ۱، بررسیده ۲، جای رسیدن ۳، رسیدن ۲۹، رسیدن گاه ۳٦، اندازه ۳۹، جای

---

۱. نمیدان / ناامیدان.

رَسِیْدَن ۵۱، نهایت وانج رسیدَنْد ۵۳، رسید نگاه ۹۶، رسانیدن ۱۳۶، برسیده ۱۳۸

مَبْنِیَّةٌ : لَهُمْ غُرَفٌ مِّن فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ (۳۹:۲۰)
بَرآورده ۲، بر آورده ۳، براورده ۵۳

مُبَوَّأً : وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ (۱۰:۹۳)
جایگه ۱، جایگاه ۲، جای فرود آمدن ۳، فرود آمدن جایگاه ۱۳، فرود آوردن جای ۲۷، جای ۲۹، ساخته ۳۹، آرامگاه ۴۱، جَایِ فُرُود آوردَن ۵۵، جاء دادن ۵۹، جای ساختن ۶۱، فرود آوردنگاه ۶۲، جای دادن ۶۳، فرو آوردن ۸۸، فرود جای ۹۲، فرود آوردن ۱۰۲

مُبِينٌ : إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۲:۱۶۸)
پیدا کُنَنده ۲، آشکار ۱۰، هوَیْدا ۶۲

~: وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۳:۱۶۴)
هُویدا ۱۰، روشن ۲۴

~: قَدْ جَاءَكُم مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ (۵:۱۵)
هویدا روشن ۴۵، هویدا کننده ۵۳

~: فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۵:۹۲)
دیدور ۱، پیدا و هُوَیدا ۱۰، هُوَیْدا ۵۳، پیدا و روشن ۶۴، رسانیدن ۷۹، پیدا و روشن کننده ۹۸

~: فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۵:۱۱۰)
پیدا ۲، هویدا و آشکارا ۱۰۲

~: وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (۶:۵۹)
پدید کرده ۹، پید آ ۹۴

~: إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۶:۱۴۲)
هویدا و پیدا ۱۰

~: وَأَقُل لَّكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۷:۲۲)
هوَیْدا ۶۲

~: إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۷:۶۰)
پدیدار ۱۳۶

~: فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (۷:۱۰۷)
پیدا و پدید ۵۸

~: قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۰:۷۶)
پَیْدا ۶۲

~: لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۱:۷)
روشن و آشکارا ۱۱۱

~: الر ۚ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۱۲:۱)
روشنائی ۱۰۰

~: فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۱۴:۱۰)
آشکارا ۵

~: الر ۚ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ (۱۵:۱)
پَیدا کُننده ۵۵، جدا کننده ۸۰

~: إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ (۱۵:۱۸)
تابان و پدید ۵۸، تابان ۱۰۳، درخشان ۱۳۰

~: فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ (۱۵:۷۹)
روشن ۶۳

~: فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۶:۳۵)
روشن سازنده ۱۳۰

~: وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُّبِينٌ (۱۶:۱۰۳)
پیدا و پدید کرده ۷۲

~: وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (۲۴:۲۵)
پیدا کننده ۲

~: وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۲۴:۵۴)
رُوشَن ۵۱

~: قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ (۲۶:۳۰)

پدید ۵۸

~: طسٓ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْقُرْءَانِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ (۲۷:۱)
روشن پیدا ۴۱، روشن کننده ۱۱۶

~: فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ إِنَّكَ عَلَى ٱلْحَقِّ ٱلْمُبِينِ (۲۷:۷۹)
پیدای ۵۸، روشنی و هویدا ۱۱۱

~: تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ طسٓمٓ (۲۸:۲)
پدید کننده ۴۶

~: إِنِّىٓ إِذًا لَّفِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ (۳۶:۲۴)
هویدا و روشن ۸۶

~: إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ (۴۳:۱۵)
آشکارا کننده ۱۲۳، پیدا گشته ۱۲۴

~: حمٓ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ (۴۴:۲)
پیدا کرده ۲۴، پیدا کننده و پیدا ۴۴، پیدا پیدا کننده ۱۰۹

~: قُلْ إِنَّمَا ٱلْعِلْمُ عِندَ ٱللَّهِ وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۶۷:۲۶)
روشن سخن ۹۸، آشکا ۱۲۵

~: وَلَقَدْ رَءَاهُ بِٱلْأُفُقِ ٱلْمُبِينِ (۸۱:۲۳)
پیندان روشن ۱۱۳

مُبِينًا: أَتَأْخُذُونَهُۥ بُهْتَٰنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (۴:۲۰)
پیدا ۲، بزرگ ۲۴

~: وَكَفَىٰ بِهِۦٓ إِثْمًا مُّبِينًا (۴:۵۰)
روشن ۲۴

~: وَأُو۟لَٰٓئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَٰنًا مُّبِينًا (۴:۹۱)
دیدور ۱، پیدا و هویدا ۱۰

~: إِنَّ ٱلْكَٰفِرِينَ كَانُوا۟ لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا (۴:۱۰۱)
آشکار ۱۱۱

~: فَقَدِ ٱحْتَمَلَ بُهْتَٰنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (۴:۱۱۲)
هویدا ۵۳

~: فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا (۴:۱۱۹)
پیدا ۲، آشکارا ۹۶

~: وَءَاتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَٰنًا مُّبِينًا (۴:۱۵۳)
روشن پیدا ۶۰، هویدا کننده ۱۰۴، پدید کننده ۱۳۶

~: وَأَنزَلْنَآ إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا (۴:۱۷۴)
پَیدا ۶۲

مُبَيِّنَاتٍ: وَلَقَدْ أَنزَلْنَآ إِلَيْكُمْ ءَايَٰتٍ مُّبَيِّنَٰتٍ (۲۴:۳۴)
دیدور کرده ۱، پیدا کرده ۲، روشن ۳۶، پَدید کَرْدَه ۵۳، پیدا ۵۶، پَیْدا ۶۱، پیدا کرده شده ۸۰، روشن کننده، ۱۲۶، همه روشن ۱۳۲

~: لَّقَدْ أَنزَلْنَآ ءَايَٰتٍ مُّبَيِّنَٰتٍ (۲۴:۴۶)
هویدا ۴۷، پدید کرده ۵۸، پَیْدا کرده ۶۱، پیدا کرده ۱۰۸، روشن کرده شده ۱۱۶

~: رَّسُولًا يَتْلُوا۟ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ مُبَيِّنَٰتٍ (۶۵:۱۱)
پیدا کننده ۳، آشکارا کنند گان ۹۶

مُبَيِّنَةٍ: إِلَّآ أَن يَأْتِينَ بِفَٰحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ (۴:۱۹)
دیدور ۱، پیدا ۲، آشکارا ۱۰، آشکار ۴۰، پَیْدا ۶۲، روشن کننده ۱۱۱، نمایان ۱۲۷

~: مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَٰحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ (۳۳:۳۰)
روشن ۴۲، هُویْدَا ۵۳، پیدا کرده و روشن شده ۱۰۳، روشن شده ۱۱۱، پیدا و روشن ۱۱۶

~: وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّآ أَن يَأْتِينَ بِفَٰحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ (۶۵:۱)
پیدا کننده ۳، پیدا کرده ۸۰، روشن و هویدا ۱۰۰

مِتُّ: قَالَتْ يَٰلَيْتَنِى مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا (۱۹:۲۳)
من بمردی ۱، بمردمی ۲، مرده بودمی ۳۹، مرده بودم ۴۳، بَمُرْدُم ۵۳، مُردمی ۵۶، من بمردمی ۶۲، مردم ۸۶، بمرده بودمی ۹۴، نبودمی ۱۱۳، می مردم ۱۲۱

~: أَءِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا (۱۹:۶۶)
من بمیرم ۲، بمیرم ۳۰، بمردم ۴۲، میرم ۱۱۴،

بمیرم من ۱۲۳

~: أَفَإِيْن مِّتَّ فَهُمُ ٱلْخَـٰلِدُونَ (۲۱:۳٤)

بمیری ۱، تو بمیری ۲، بمیری تو ۲٤، بَمیری ۵۳

مَتاب: عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ (۱۳:۳۰)

وازآمدن ۱، بازگشتن ۲، بازگشت ۳، جای بازگشت ۵، بازگشت جاء ۳۹، بازگشت جای ٤۱، بَازگشت ۵۵، بازگشتن گاه ۵۷، بازگشتن جای ۱۰۰

مَتابًا: فَإِنَّهُۥ يَتُوبُ إِلَى ٱللَّهِ مَتَابًا (۲۵:۷۱)

وازآمدن ۱، بازگشتن ۳، واگشت ۲۰، بازآمدن ۲۹، بازگشت ۳٤، بازگشتن بسزا ٤۷، بازگشتن جای ۱۰٦، بازگردیدن ۱۱۳

مَتاعٌ: وَلَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَـٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ (۲:۳٦)

برخورداری ۲، برخورد آری ۹٤

~: وَلِلْمُطَلَّقَـٰتِ مَتَـٰعٌۢ بِٱلْمَعْرُوفِ (۲:۲٤۱)

بهرخورداری ۵۷، بهره ۱۲۷

~: ذَٰلِكَ مَتَـٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۳:۱٤)

برخورداری ۱، اهریان ۲۵، برخوردن ٤۰، بهره بخش ۱۲۲

~: وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا مَتَـٰعُ ٱلْغُرُورِ (۳:۱۸۵)

آخریان ۱۰، آخریان ٤۰

~: قُلْ مَتَـٰعُ ٱلدُّنْيَا قَلِيلٌ (٤:۷۷)

برخوردن زندگانی ۱۰، اخریان ۸۸

~: وَلَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَـٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ (۷:۲٤)

آسایش ٤۱، بهرمندی ۱۲۷

~: إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُم مَّتَـٰعَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۱۰:۲۳)

بَرخورداری ۵۵

~: وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِى ٱلنَّارِ ٱبْتِغَآءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَـٰعٍ زَبَدٌ مِّثْلُهُۥ (۱۳:۱۷)

جامه ۲، کالاَ ۵۵

~: وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا فِى ٱلْـَٔاخِرَةِ إِلَّا مَتَـٰعٌ (۱۳:۲٦)

اندک مایه چیز ۷٦، چیزی اندک ۱۲۱

~: وَإِنْ أَدْرِى لَعَلَّهُۥ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَـٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ (۲۱:۱۱۱)

برخرداری ۱۲، برخورداری اندک ۸٦

~: أَن تَدْخُلُوا۟ بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَـٰعٌ لَّكُمْ (۲٤:۲۹)

کالاَ ۲، چیز ۱۰۵، رخت ۱۰۹

~: وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَىْءٍ فَمَتَـٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۲۸:٦۰)

خنود و برخورداری ٤۷

~: فَهُوَ لَـٰقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَـٰهُ مَتَـٰعَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۲۸:٦۱)

زندگانی ۲

~: فَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَىْءٍ فَمَتَـٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (٤۲:۳٦)

خواسته ۲٤، کالاء ۳۹

★ مَتاعُ الْغُرورِ: وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا مَتَـٰعُ ٱلْغُرُورِ (۳:۱۸۵)

برخورداری ناپایدار ۱۳۰

مَتاعًا: وَعَلَى ٱلْمُقْتِرِ قَدَرُهُۥ مَتَـٰعًۢا بِٱلْمَعْرُوفِ (۲:۲۳٦)

برخُورداری ۲، دادن ۲٤، نیکوی ۳۰، اهریان ۳٤، برخوردار ۳٦، جامه درویشی ٤۱، تبن و چادر و سربوش ٦۳، بهره‌ور گردانیدن ۱۲۲، هزینه ۱۲٤، برخوردار ساختن ۱۳۵

---

۱. اهریان، آخریان: مال و خواسته.

~: وَصِيَّةً لِأَزْوَٰجِهِم مَّتَٰعًا إِلَى ٱلْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ (۲: ۲۴۰)

برخورداری ۱، برخَورداری ۵۵

~: أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ ٱلْبَحْرِ وَطَعَامُهُۥ مَتَٰعًا لَّكُمْ (۵: ۹۶)

برخورداریی ۳، برخرداری ۹، برخورد آری ۱۰۰

~: ثُمَّ تُوبُوٓا۟ إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَٰعًا حَسَنًا (۱۱: ۳)

زند گانی ۲۴، بَرخوردَاری دَادَن ۵۵، برخوردارئی ۶۰، بهره مندی ۱۲۲

~: وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَآ أَثَٰثًا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٍ (۱۶: ۸۰)

کالاها ۱۲۴

~: وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَٰعًا فَسْـَٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٍ (۳۳: ۵۳)

کالا ۱، جامه ۲، خنور ۷، کارفرما ۲۴، چیز ۱۱۳، رخت ۱۳۰

~: إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٍ (۳۶: ۴۴)

زند گانی دادن ۲۴، گذاشتنی ۴۱

~: نَحْنُ جَعَلْنَٰهَا تَذْكِرَةً وَمَتَٰعًا لِّلْمُقْوِينَ (۵۶: ۷۳)

توشه ۵۶

~: وَفَٰكِهَةً وَأَبًّا مَّتَٰعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَٰمِكُمْ (۸۰: ۳۲)

آسایش ۴۱، بهره ۱۰۴

مَتَاعَنَا: وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِندَ مَتَٰعِنَا (۱۲: ۱۷)

کالا ۱، جامه ۲، کالا و رخت ۳، بنگاه ۲۴، اخریان ۲۹، رخت ۳۰، کـالاء ۵۳، بَـنـگـاه ۶۲، کـالاَ ۱۰۰، رخت و بار ۱۲۰، کالاها ۱۲۴، جامه ها ۱۲۸

~: إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَٰعَنَا عِندَهُۥ (۱۲: ۷۹)

کالاَ ۲، پیْمانه ۷۶، کاله ۷۸، کلا ۹۶، پیمانه ۱۱۸

مَتَاعَهُمْ: وَلَمَّا فَتَحُوا۟ مَتَٰعَهُمْ وَجَدُوا۟ بِضَٰعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ (۱۲: ۶۵)

کالا ۱، کالاها ۲، بار ۷ مکرّر، آخریان ۲۹، بارها ۴۱، کـاَلاَهَا ۵۵، رختـهـا ۶۴، جـوالـهـا ۷۲، بـاَر ۷۶، جوال ها ۱۲۸

مُتَبَّرٌ: إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ مُتَبَّرٌ مَّا هُمْ فِيهِ (۷: ۱۳۹)

نیست کرده شدست ۳ و ۳۰، نیِسْت کردَه ۵۵، دنبال بریده ۱۰۰، نیست کرده ۱۱۴، نیست شده ۱۴۰

مُتَبَرِّجَاتٍ: أَن يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَٰتٍۭ بِزِينَةٍ (۲۴: ۶۰)

بیرون شداران ۱، آرایند گان خویش را ۲، آراسته ۲۴، بیرون آیند گان ۳۹، پیدایها ۴۳، بر آراینده ۴۷، پیْدَا کنندَه ۵۱، آنکه بیارایند خویشتن را ۵۶، آرایند گان خویشتن ۶۱، خویشتن آرایند گان ۷۲، گشاده باشند گان ۸۰ و ۹۱، آراینده گان خویشتن را ۹۵، آشکارا کنند گان ۹۹، آراسته کرده ۱۰۰، پیدا شوند گان ـ نمایند گان ۱۰۹، آراسته و گشاده بیرون شوند گان ۱۱۹، آراسته بیرون شدن ۱۳۸

مُتَّبَعُونَ: أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِىٓ إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ (۲۶: ۵۲)

پس روی کرد گان ۱، از پس بیایند ۲، دنبال داشته ۲۹، دررسید گان ۳۹، از پس بیرون خواهند آمد ۴۶، از پس درآمده گان ۴۷، از پس آمد گان ۴۹، پس شما آمدَه ۵۳، پس آمد گان ۵۶، پس آیند گان ۵۸، بدم خواهند آمدن ۶۱، از پی بخواهند آمدن ۷۶، از پی درآمد گان ۷۹، پی روان ۸۸، پیروی کرده شد گان ۱۰۰، بدم خواهد آمدن ۱۰۸، از پی درآمده شد گان ۱۰۹، از پی درآمده شوید ۱۱۱، از پی درآیند گان ۱۱۶، پیروی کردند گان ۱۱۷، پس درآمد گان ۱۱۹، از پی شما درآمد گان ۱۳۲

~: فَأَسْرِ بِعِبَادِى لَيْلًا إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ (۴۴: ۲۳)

بُدم آمد گان ۳، بدم خواهید آمدن ۱۶، بدُم خواهند آمدن ۲۲، دنبال داشتگان ۲۹، بَدُم آمد گان ۳۲، دنبال کرده شوید ۳۹، پس رفتگان ۴۴، بدم آیند گان ۸۰، پس روی کنند گان ۸۱،

دنبال گرفته شدگان ۹۲، پیروی شده گان ۱۰۰، از پی در آمده گان ۱۰۹، از پی درآمده خواهید شد ۱۲۲، از پی درآمده ۱۳۲

★ إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ: فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ (۲۳:۴۴)

که ایشان پی شما برگرفته اند ۲

مُتَتَابِعَيْنِ: فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ (۹۲:۴)

یک پس دیگر ۱، پیوسته ۲، پیاپی ۳۴، پیوسته ۴۲، دو ماه پیوسته ۵۷، پس یکدیگر ۸۴، از پی یکدیگر ۱۲۳

~: فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ (۴:۵۸)

پس یکدیگر ـ پیوسته ۳۶، پیاپی ۴۲، پشتاپشت ۹۴، پی درپی ۱۰۳

مُتَجَانِفٍ: فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِّإِثْمٍ (۳:۵)

گشتار ۱، گراینده ۲، گردانیده ۱۰ مکرّر، چسبیده ۳۸، کوشنده ۴۱، آهنگ کننده ۴۳، گراینده ۵۵، بازچسبیده ۷۶، فزاینده ۹۲، چسبنده ۱۰۲، میل کننده ۱۳۸

مُتَجَاوِرَاتٌ: وَفِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُّتَجَاوِرَاتٌ (۴:۱۳)

یک وادیگر همسایگی گرفتار ۱، همسایهٔ یک دگر ۲، پیوسته یکدیگر ۳، بیکدیگر پیوسته ۵، بیکدیگر نزدیک ۲۹، گوناگون ۳۸، بهم نزدیک و بهم پیوسته ۳۹، نزدیک یکدیگر ۴۱، بهم پیوسته ۴۲، پیوسته یک دیگر ۴۹، همپایه یکدیگر ۵۲، نزدیک یک دیگر ۵۳، پیوسته یکدیگر ۵۵، در بر یکدیگر ۶۰، نزدیک ۶۱، پیوسته بیک دیگر ۶۳، پیوسته بیگدیگر ۶۴، بنزدیک یک دیگر ۷۶، هم پهلوان ۸۴، بهم نزدیک ۸۹، پیوست یکدیگر ۹۲، هم پهلوی یک دیگر ۹۴، نزدیک بیکدیگر ۹۵، همسایه یکدیگر ۹۶ و ۹۸، نزدیک و بهم پیوسته ۱۰۲، همسایه گان ۱۰۹، همتایان یکدیگر ۱۱۰، نزدیک یگدگر ۱۱۵، همسایگان ۱۱۹، پیوسته ۱۲۰، هم پهلوی یکدیگر ۱۲۸، نزدیک بهم ۱۳۵

مُتَحَرِّفًا: وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا (۱۶:۸)

گشتار ۱، بازگردنده ۲، بیکسو شونده ۳، بَر یک سو گز گشته ۱۰، هاگردیده ۲۹، برگردنده ۳۵، گردنده ۳۶، کرانه گیرد ۴۱، سارکننده ۴۲، برگردد ۵۶، گرداننده ۶۱، بگردیده ۶۳، گروند ۶۹، سازش ۸۴، یکسو شونده ۹۱، هاگردند ۹۵، بازگردند ۱۰۵، بازگشت ۱۱۲، برگردیدن ۱۲۱، جولان کننده ۱۳۳

★ إِلَّا مُتَحَرِّفًا: وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا (۱۶:۸)

مگر بَیکسُو نَهَند ۵۵

مُتَحَيِّزًا: إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ (۱۶:۸)

بهم آمدار ۱، بازرَونده ۲، پناه گیرند ـ گیرندهٔ جای ۳، پناه گیرنده ۳۰، بازآینده ۳۵، جای گیرنده ۳۶، سوزنده از گروه ۳۹، پناه جوید ۴۱، بازشونده ۴۲، پناه گیرنده ۵۵، بگردد ۵۶، فراهم خزنده ۶۹، بازرونده ۸۳، درگوفتن ۸۴، فراهم آرنده ۹۰، باز شود ۹۳، باز روند ۱۰۵، درکوفتن ۱۰۷، پناه جوینده ۱۱۱، پنه گیرنده ۱۱۲، آیند ۱۲۱، جوینده ۱۲۲، پناه جوی ۱۲۳، بازآیند ۱۲۸، چسپیده ۱۳۶

مُتَّخِذَ: وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا (۵۱:۱۸)

گرفتار ۱، گیرنده ۲، فراگیرنده ۲۹، گیرنده ۵۵، کننده و گیرنده ۵۶، فراگیرم ۷۶

★ مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ: وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا (۵۱:۱۸)

نه چنانست که من بگیرم ۱۰۸

مُتَّخِذَاتِ: وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ (۲۵:۴)

گرفتاران ۱، گیرندگان ۲، گیرندگان ۳، دارندهٔ

۱۰، گیرنده ۲۹، گِیرَندَگان ۵۵، فراگیرنده ۶۲، فراگیرندگان ۶۳، گرویدگان ۸۲، گیرنده گان ۱۱۸

* لَامُتَّخِذَات: وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ (۲۵:٤)
نگیرندگان ۷۵

* مُتَّخِذَات أَخْدَان: وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ (۲۵:٤)
گیرندگان بدوستی ۳٦

مُتَّخِذِی: وَلَا مُتَّخِذِیٓ أَخْدَانٍ (۵:۵)
گرفتاران ۱، گیرندگان ۳، دارندگان ۱۰، فراگیرندگان ۶۳، گیرنده ۷٦

* لَامُتَّخِذِی: وَلَا مُتَّخِذِیٓ أَخْدَانٍ (۵:۵)
نگیرندگان ۹۹

* مُتَّخِذِی أَخْدَان: وَلَا مُتَّخِذِیٓ أَخْدَانٍ (۵:۵)
دَوستگان دارندگان ۱۰

مُتَرَاكِبًا: فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا
(۹۹:٦)
یک ور دیگر نهاده ۱، یَکْ بَر یکْ دگر نشَسْته ۲، بر هم نشسته ۳، بر یکدیگر ۹، بر هم نشسته دَر خوشه و دَر کُویلَه ۱۰، یک بر دیگر نشسته ۱۰ مکرّر، بر یکدیگر نشسته ۲٦ و ۲۹، بر هم بَسته ٤۲، بر هم نهاده ٤۳، توده کر[د]ه از بر یک دیگر ٤۹، بَرهَمْ نِشِسْتَه ۵۵، بر هم نشانده ۶۳، زبر یکدیگر ٦٤، بر یکدیگر بسته ٦۵، ز بر یکدیگر نشسته ٦۷، پس یکدیگر ٦۹، بر یکدیگر نهاده ۷۲، یک بر دیگر بسته ۷٤، از بر یکدیگر ۸۲، یک بر دیگر نزدیک نشسته ۸۳، بر هم نشانده ۸۵، نشسته ۹۰، از برگ یکدیگر بربسته ۹٤، بهم بسته ۹٦، نزدیک دیگر نهاده ۹۸، چفشیده ۹۹، بر هم نشسته ـ خوشه ۱۲۲، از بر یکدیگر نشسته ۱۲٤، بهم بر نشسته ۱۲۹

مَتْرَبَةٍ: یَتِیمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مِسْكِینًا ذَا مَتْرَبَةٍ (۱٦:۹۰)
درویشی ۲۹، درویش ۳۸، اَنْدَر خَاکْ اُفتادَهْ ۵۳، خاکسار ٦٤، بخاک وا دوسیده از درویشی ۷۹، پهلو بر خاک نهاده ۱۲۰ و ۱۳۳، خاک آلوده ۱۲٦

مُتَرَبِّص: قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا (۱۳۵:۲۰)
بر مر گرفتار ۱، چشم دارنده ۳، گوش دارنده ۲۹، چشم می داریت ٤۱، چشم دارید ٤۳، چشم داشتن ۵۲، چشم همی داریم ۵۳، چشم همی دارند ٦۱ و ۱۰۸، چشم می دارند ۷٦، چشم دارندگان ۸۹، چشم دارند ۱۲۱

مُتَرَبِّصُون: فَتَرَبَّصُوٓا إِنَّا مَعَكُم مُّتَرَبِّصُونَ (۵۲:۹)
برمر گرفتاران ۱، چشم دارندگان ۳، چَشم دَارَندگان ۵۵، چشم داران ٦۱، دارندگان ۱۲٤، پایندگان ۱۲۸

مُتَرَبِّصِین: قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّی مَعَكُم مِّنَ الْمُتَرَبِّصِینَ
(۳۱:۵۲)
برمر گرفتاران ۱، چشم دارندگان ۲، چشم داران ٤۱، گوش دَارَندگان ۵۳، راه نگاه دارندگان ۸۱، راه پای کننده ۹٦، چشم د آرندگان ۱۰۰، پایندگان ۱۰۵، چشم دارنده ۱۰۸

الْمُتَرَدِّیَة: وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّیَةُ وَالنَّطِیحَةُ (۳:۵)
از بالای بیفتاده ۱، از کُوه فُرو افتیده و بچاه درْ افتاده ۲، از بالای افتاده و مرده ۳، آنکه از کوهی یا چاهی اندر اَوفتَد ۱۰، از کوه فرو غلتیده و بچاه اندر افتاده ۱۰ مکرّر، آنچه از کوه بزیر گردانند تا بمیرد ۲٤، از کوهی درافتاده ۲۷، آنکه بمیرد بچاه ۳۰، از کوه اندر گردیده ۳۱، آنکه از بالا درافتد ۳٦، از بالا افتاده مرده ۳۷، از کوه بیند اخته ۳۸، از بالا درافتاده ٤۱، از کوه فرو غَلتیده ٤۲، از بالا افتاده ٤۳، از کوه اندر گردیده افتاده مُردَه ٤۵، اَز بَالا دَرآفتَاده و مُردَه ۵۵، از بالا فروافتاده ۵٦، از بلندی بزیر افکنده ۵۷، آنکه از جای درافتد و بمیرد ۵۸، آنچه از جایی اَفتاده باشد ٦۲، از بالا درافتیده و مرده ٦۳، آنکه از جاء بلند درافتد و

بمیرد ۶۵، از بالا بزیر افتاده ۷۰، از بالا درافتاده و بمرده ۷۶، افتاده از بلندی ۸۲، از کوه فروغلتنده و بچاه اندر افتاده ۸۳، از بالا اندر افکنده ۸۴، از بالا دراُفتیده ۸۵، آنچه از بالا افتاده و مرده باشد ۸۸، از پا درافتد ۹۰، آنچه از کوه فرود افتد ۹۲، افتاده از بلندی وَ مُرْدَه ۹۴، از بام افتاده ۹۸، از بالا فرود افتاده ۹۹، از بالا بزیر افتاده و بمرده ۱۰۰، از جای بلند افتاده یا در جایی افتاده ۱۰۲، از کوه فرو غلطیده ۱۰۵، از بلندی افتاده ۱۱۱، از کوه درگردنده ۱۱۲، مرده ۱۱۹، آنچه از بالا درافتد ۱۲۱، آنچه از بلندی افتاده ۱۲۳، آنچه از بلندی انداخته باشند ۱۲۴، آنچه از بلندی افتاده و مرده باشد ۱۲۷، افتاده از بلندی و مرده ۱۲۸، به افتادن از بازی مرده ۱۳۵

مُتْرَفوها: وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا (۳۴:۳۴)

بزرگان ۷، توانگران ۲۴، مهتران و توانگران ۳۰، انباردگان ۳۹، انباردگان و توانگران ۶۷، تونگران ۹۹، بناز پروردهاشان ۱۱۴، پروردگان ۱۲۱

~: إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ (۴۳:۲۳)

بناز پروردگان ۳، مهتران ۲۴، مهْتَرانْ وَ توانگران ۵۳، توانگران انبارده ۶۴، نازپروردگان ۸۰، دنه گرفتگان ۸۱، بهتران ۹۲، بناز پرورده شدگان ۱۰۹، سران ـ سروران ۱۲۶

مُتْرَفِين: إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ (۵۶:۴۵)

بناز پروردگان ۳ و ۸۰، دَنه گرفتگان ۴۲، انباردگان ۴۳ و ۹۲، دنَه گرفتگان ۵۱، بزرگواران ۵۲، نازپرودگان بی فرمان کردگان ۸۰، خداوندان ناز ۸۱، بناز پروردگان بی فرمانی کردگان ۹۱، ناز پروردگان ۹۴، بناز پرورده شدگان ۱۰۹، پروردگان ۱۲۹

مُتْرَفِيها: وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا (۱۷:۱۶)

توانگران ۲، بناز پروردگان ۳، انباردگان ۳۶، گردن کشان ۴۲، بنَاز پَروَرْدگان ۵۵، مهتران ۵۶، رای مستان ۵۹، نازپروردگان ۹۱، بناز پرورده شدگان ۱۰۹

مُتْرَفِيهِمْ: حَتَّى إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ (۲۳:۶۴)

کامکاران ۲، بناز پروردگان ۳، توانگران ۳۴، انباردگان ۳۹، توانگران و مهتران ۵۴، کام کاران ۶۱، مهتران ۷۶، بَناز پَروَرْدَگانِ ۱۱۹

مُتَشابِهًا: وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا (۲:۲۵)

مانندهءَ یک دِگر ۲، گوناگون ۴، مانند یک دیگر ۲۴، بهم مانند بَرنگ مانند بطعم ۴۰، بهم مانندَه ۴۲، مَانَندَ یَکدِیگر ۵۵، مانند یک دگر ۵۷، مانند ۶۰، مانند ۸۰ هم مانند ۸۵، گوناگون ۸۸، بهم مانند ۸۹، بیکدیگر مانند ۹۱، مانَنْدَه ۹۴، بمانند ۱۰۲، مانند بهم ۱۲۷

~: وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ (۶:۱۴۱)

مانسته ۱، مانَند یَکْ دگر ۲، مانند یک دیگر ۵۳، مَانَدَه ۵۵

~: اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا (۳۹:۲۳)

مانند یک دگر ۲، بیکدیگر مانند ۳، مانند بیک دیگر ۲۲، مانند یکدیگر ۳۰، بهم مانند ۴۲، هم مانند ۱۰۶، مانسته بهم دیگر ۱۰۹، بیکدیگر مانند ۱۱۳، مانند هم ۱۲۲

مُتَشابِهٍ: وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ (۶:۹۹)

مانسته ۱، مَانده ءَ یک دگر ۲، بَهم مانند ۱۰، مانند یکدیگر ۲۶، مانند ۳۶، مانند بیک دیگر ۴۴، مَانَنده بَمَزَه ۵۵، مانند یک دیگر ۵۶، بیک دگر مانند ۵۷، مانند یکدیگر ۵۸ و ۶۱، همتا ۷۶، بیکدیگر مانند ۷۹، بهم مانند ۸۹، بهم مانند ۱۱۲

~: وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ (۶:۱۴۱)

مانند ۳، برخی واهم ماند ۱۰، ماننده‌ٔ یک بر یک ـ مانند یک بدیگر ۲۷، بیک دیگر مانند

۵۷، ما نشسته[1] ۷۲، مانند همدیگر ۹۶، مانندہ بهم ۱۰۹، مانند بهم ۱۱۶

★ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ: وَٱلزَّيْتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَٰبِهٍ (۶: ۹۹)

بَهم نامانندہ ۱۰

مُتَشَابِهَاتٌ: هُنَّ أُمُّ ٱلْكِتَٰبِ وَأُخَرُ مُتَشَٰبِهَٰتٌ (۳: ۷)

مانستها ۱، پوشیده ۳، مانندان ۲۷، مانندہ یکدیگر ۴۱، مانند یکدیگر ۴۳، پُوشیده ۵۵، بیکدیگر مانندہ ۵۶، مانندها ۶۱، بهم مانندہ ۱۰۰، بهم مانندگان ۱۰۳، مانندگان ۱۰۹، مانند بیکدیگر ۱۱۶، مانندہ به یکدیگر ۱۲۹

مُتَشَاكِسُونَ: ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَآءُ مُتَشَٰكِسُونَ (۳۹: ۲۹)

یَک باز دیگر ناسازندہ ۲، بدخویی کنندگان ۳، بر آمیختگانَ یک با دیگر ۲۲، بدخوکان ۲۹، با یکدیگر ناسازندہ ۳۰، ناسازوار ۳۳، بر آمیختگان ۳۸، بدخویان ۴۱، یک با دیگر آمیخته ۴۹، بدخو باشند ۵۲، با یکدیگر ناهمواری کنندہ ۵۶، ناسازندگان ۶۹، با یک دیگر شوندگان ۷۸، بدخو ۹۶، یک با دیگر ناسازندہ ۱۰۸، بدخوی ۱۲۰، کینه‌ور ۱۲۲، بدخوی اکنندہ ۱۲۶

مُتَصَدِّعًا: لَّرَأَيْتَهُۥ خَٰشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ ٱللَّهِ (۵۹: ۲۱)

پاره شدار ۱، پاره پَاره شکافندہ ۲، شکافته شده ۳، پاره پاره گشته ۲۴، شکافته ۲۹، شکافندہ پاره پاره ۳۰، بازشکافته ۴۱، شکافندہ ۴۳، پاره پاره شده ۴۹، پاره پاره شوندہ ۸۹، پاره پآره ۱۰۰، پاره پاره ـ شکافته ۱۰۹، شکافته و از هم ریخته ۱۱۱، ترسندہ ۱۲۰، از هم شکافته ۱۲۶، پاره پاره ۱۳۸، بشکافته ۱۳۹

ٱلْمُتَصَدِّقَات: وَٱلْمُتَصَدِّقِينَ وَٱلْمُتَصَدِّقَٰتِ (۳۳: ۳۵)

زنان راست گوی ۳۰

ٱلْمُتَصَدِّقِينَ: إِنَّ ٱللَّهَ يَجْزِى ٱلْمُتَصَدِّقِينَ (۱۲: ۸۸)

بخشندگان ۲

ٱلْمُتَطَهِّرِينَ: إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَطَهِّرِينَ (۲: ۲۲۲)

پاکی کناران ۱، پاکیِ کُنندگان ۲، پاکی جویندگان ۳، خویشتن پاکیزه داران ۱۰، پاکیزکان ۳۴، پاکان و پاکی کنندگان ۴۱، پَاکیِ کُنندگان ۴۲، پاکی کنندگان ۴۳، پاکان ۴۸، پاک کنندگان ۵۲، پَاکیِ جُویَندگان ۵۵، پاک شوندگان ۶۱، پاک کردگان ۶۴، پاکیزه گان ۷۵، پاکیزه کاران ۸۸، پاکیزه کنندگان ۹۰، پاک جویندگان ۱۰۶

ٱلْمُتَعَال: عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلْكَبِيرُ ٱلْمُتَعَالِ (۱۳: ۹)

وردور ۱، برتر ۲، برتر از همه ۳، بزرگوار ۲۴، بلند ۲۹، بزرگتر از همه ۴۳، برتر از هر چیز ۴۹، بَر از هَمه ۵۵، بَرداشته ۵۷، افرشته ۶۳، برتَر از هَمه ۷۶، افراشته ۹۳، برتر اندر پادشاهی ۹۶، برتر بر همه ۱۱۶

مَتَّعْتُ: بَلْ مَتَّعْتُ هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمْ حَتَّىٰ جَآءَهُمُ ٱلْحَقُّ (۴۳: ۲۹)

برخورداری دادم ۱ و ۲، برخورداری دادمْ ۲۲، بزیانیدم ۳۹، برخوردار کردیم ۶۱، برخورداری دادیم ۹۴، برخورد آری دادم ۱۰۰

مَتَّعْتَهُمْ: وَلَٰكِن مَّتَّعْتَهُمْ وَءَابَآءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا۟ ٱلذِّكْرَ (۲۵: ۱۸)

برخُورداری دادی ۲، تو برخورداری دادی ۲۹، برخوردار کردی ۳۶، زندگانی و برخورداری دادی ۴۷، برخورداری داد ۶۱، زندگانی داد ۱۰۵،

---

[1]. مانشسته / مانسته.

برخوردار گردانیدی ١١١، کامیاب کردی ١١٥، بهرخورداری دادی ١١٩

مُتَعَمِّدًا: وَمَن يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآؤُهُۥ جَهَنَّمُ (٩٣:٤)

بآهنگ ٥٨، باهنگ ٧٤، آهنگ کنان ١٠٩

~: وَمَن قَتَلَهُۥ مِنكُم مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ (٩٥:٥)

بستم کرده ٦١، آهنگ کننده ٨٢، آهنگ کُننده ٩٤، دانسته ١٢٣

مَتَّعْنَا: لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِۦٓ أَزْوَٰجًا مِّنْهُمْ (٨٨:١٥)

برخُوردار گردانیدیم ٢، برخورداری دادیم ما ٤١، بَرخَورداری دَادیم ٥٥، بهرخورداری کردیم ٥٧، برخوردار کردیم ٦٠، برخوردار گردانیم ٩٦، برخورد آری دادیم ما ١٠٠، بهره دادیم ١٢١، بهره‌ور گردانبده‌ایم ١٢٧

~: لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِۦٓ أَزْوَٰجًا مِّنْهُمْ (٢٠:١٣١)

برخُورداری دادیم ٢، برخوردار گردانیدیم ١١١، بهره‌ور کرده‌ایم ١٢٢

~: بَلْ مَتَّعْنَا هَٰٓؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمْ (٢١:٤٤)

برخورداری دادیم ١، برخرداری دادیم ١٢، برخورداری کردیم ٣٩، روزداری دادیم ٧٨، برخورداریم ١٠٦، بهره‌ور کردیم ما ١٣٢، کامیاب می گردانیم ١٣٥

مَتَّعْنَاهُ: كَمَن مَّتَّعْنَٰهُ مَتَٰعَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا (٢٨:٦١)

برخورداری دادیم ١، برخُورداری دهیمش ٢، بزیانیدیم ٣٩، برخورداری داده باشیم ٤٧، برخَوْرْداری دادیْم ٥٣، برخورداری کردیم ما ٦١، برخورداری داده‌ایم ٦٤، برخورداديم ما ٨٩، برخورد آری دادیم ١٠٠

مَتَّعْنَاهُمْ: وَمَتَّعْنَٰهُمْ إِلَىٰ حِينٍ (١٠:٩٨)

برخُورداری دادیم ٢، زندگانی دادیم ١٣، بزیانیدیم ٣٩، بَرخَوردَاری دَادیمْ ٥٥، برخورداری دادیمی ما ٦١، برخورداری دادیم ما ٧٢، برخورداری بدادیم ٩٢، برخورد آری دادیم ما ١٠٠، برخوردار ساختیم ١١١، بهره‌ور کردیم ١٢٢، بهره‌مند گردانیدیم ما ١٢٤، بهرور کردیم ١٢٧، برخوردار بگذاشتیم ١٣٠، برخورداديم ١٣٦

~: أَفَرَءَيْتَ إِن مَّتَّعْنَٰهُمْ سِنِينَ (٢٦:٢٠٥)

برخورداری دهیم ٤٦، برخورداری دادیمی ٤٧، بَرخَوْردَاری دهیم ٥٣، برخورد آری دادیم ١٠٠، برخوردار کنیم ١٣٩

~: فَـَٔامَنُوا۟ فَمَتَّعْنَٰهُمْ إِلَىٰ حِينٍ (٣٧:١٤٨)

ما برخوردار کردیم ٣٩، برخورداری گردانیم ٦١، برخورد آری دآدیم ما ١٠٠، دادیم برخورداریشان ١١٤

مَتِّعُوهُنَّ: وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُۥ (٢:٢٣٦)

برخُورداری دهید ٢، بَرخُورداری دَهید ٤٢، برخورداری گیرند ٦٩، دست جامه دهید ٧٨، برخورد آری دهید ٩٤، بدهید ١٠٤، برخورداری دهند ١٠٧، بهره‌مند سازید ١٢٢

~: فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (٣٣:٤٩)

چیزی بدهید ٢٩، هزینه دهید ٤٧، برخوردَاری کنید ٥٣، برخورداری گیرید ٨٧، برخوردار سازید ١٠٣، بهرخورداری دهید ١١٩

مُتَفَرِّقَةٍ: وَادْخُلُوا۟ مِنْ أَبْوَٰبٍ مُّتَفَرِّقَةٍ (١٢:٦٧)

پراگنده ١، پراگنده ٢، پَراگنْدَه ٥٥، پراکند ٥٧، پراکند کرده شده ٩٩، جداگانه ١٣٥

مُتَفَرِّقُونَ: ءَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَٰحِدُ الْقَهَّارُ (١٢:٣٩)

پراکنده ١، پَراکنْدَه ٥٥، پراکندگان ٦١، پراکنده‌ان ٩٨

مُتَقَابِلِينَ: إِخْوَٰنًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَٰبِلِينَ (١٥:٤٧)

رويـاروپـان ۱، روی بَـروی آورده ۲، روبـاروی يکديگر نشستگان ۳، روی با روی کرده ۲٤، روی فرايکديگر کرده ۲۹، روی با روی يکديگر نشستگان ۳۰، روياروی ٤۱، روياروی يک ديگر ٤۹، رُوی با رُوی يَکْ ديگر ۵۳، رُو بارُوی يَکدِيگر نَشِسْتَگان ۵۵، رُوی بيک ديگرها کردگان ۵۷، روی در روی ۵۸، روی در رويـــان ۵۹، رَو آروی آرند گان ٦۱، بَرابر يَکْ ديگر ٦۲، رو فرايکديگر کنند گان ٦۳، رويهاء ايشان برابر يکديگر ٦۷، روياروی يکديگر نشستگان ۷۱، روی با يکديگر ۷٦، روی با روی نشسته ۷۹، روياروی يکديگر نشينند گان ۸۰، رو باروی يکديگر نشينند گان ۹۱، روی در روی آرنـد گـان ۹۲، روبـروی آورده ۹٦، روباروی يکديگر نشسته ۱۰۳، روی بروی آورده ۱۰۵، روی بـروی آرنـد گـان ۱۰۹، روی آرنـد گـان ۱۱۰، رويها با يکديگر آورند گان ۱۱۱، روباروپان ۱۱٤، روبرو يکديگر ۱۱۵، رويها بيکديگر آورده ۱۱٦، روی با روی يکديگر ۱۲۱، روبهم دارند گان ۱۳۵

~: فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ (۳۷: ٤٤)
روی بَروُی آورده ۲، روياروی نشستگان ۳، همْ رويان ۲۲، نشسته روی بيک ديگر کرده ۲٤، روی فراهم کرده ۲۹، پيشاپيش يکديگر ۳۳، روی در روی آورده ۳۹، روياروی يکديگر ٤۱، روی بروی کرده ٤۲، روياروی کرده ٤۸، روی فرايک ديگر کرده ٤۹، برابر يکديگر نشسته ۸٦، با هم رويان ۸۸، روباروی نشستگان ۹۱، نشسته بروی يکديگر ۹۲، روی در روی کـنـنـد گـان ۱۰۹، روی بـروی يکديگر کرده ۱۱۱، فرايکديگر کنند گان ۱۱۷، روبروی ۱۲۳، روی بر روی يکديگر ۱۲٦

~: يَلْبَسُونَ مِن سُندُسٖ وَإِسْتَبْرَقٖ مُّتَقَٰبِلِينَ (٤٤: ۵۳)
هم رُويان نـشْـسته ۲، هم رويان نـشسته ۱٦ و ۲۳، روی بروی يک ديگر کرده ۲٤، روی بيکديگر آورده ۲۹، پيشاپيش روياروی ۳۰، روی در روی يکديگر آوَرَنْد گان ۳۲، برابر يکديگر ۳٤، روی بر يکديگر آورده ۳٦، روباروی ٤۱، روی بر روی آورده ٤۹، برابر يک ديگر ۵۳، روياروی نشسته ۵٦، روی بر روی يکديگر آورد گان ٦۷، روياروی برابر يکديگر ۷۲، روی در روی يکديگر ۸۰، هَمْرُويان ۹٤، روی يکديگر ارند گان ۹۸، روی فرا يکديگر کنند گان ۱۰۰، روی برويان ۱۰۲، رو با رو نشسته ۱۰٤، پيشاپيش ۱۰۸، رو با رو نشستگان ۱۱۱، در برابر يکديگر نشسته ۱۱٦، روبروی يکديگر نشسته ۱۲۲، روی بر روی نشستگان ۱۲٦، رو بر روی يکديگر نشسته ۱۳۲

~: عَلَىٰ سُرُرٖ مَّوْضُونَةٖ مُّتَّكِـِٔينَ عَلَيْهَا مُتَقَٰبِلِينَ (۵٦: ۱٦)
برابر نشسته ۲، روی در روی يکديگر آورد گان ۳ و ۸۰، بروی بروی ۲٤، برابران ۳۰، هم رويان گشته ۳۸، در برابر يک ديگر ٤۹، رُوی بهَم آوَرد گان ۵۱، روی در روی يکديگر ٦٤، روی يـاروی ۷۹، روی بـروآورده ۸۸، روی بـر روی ۹۰، هـم رويـان ۹٤، رو بارو ۱۰٤، روی با روی کنند گان ۱۰۹، برابر يکديگر نشستگان ۱۱۱، برابر روی نشستن ۱۱۳، روبروی يکديگر ۱۲۰، بر روياروی ۱۳۹

مُتَقَلَّبَكُمْ: وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَىٰكُمْ (٤۷: ۱۹)
وازگشتن ۱، گشتن ۲، برگشتن ۳، گشتن جای ٦، جای گشتن ۲۲، آمد و شد ۲٤، بازگشت ۲۹، جای بازگشت ٤۲، جای گشتن ٤۷ و ۱۳۹، جاء بازگشت ۵۱، بازگشت جای ۵٦، آمد شد ٦۷، جای برگشت ۸۰، گردش ۸۱، جای برگشتن ۹۱، گرديدنگاه ۹٦، گرديدن ۱۰۵، جای بازگشتن ۱۱۹، جای رفتن ۱۲۳، گشتن ۱۲٤، بازگشتن جای ۱۲٦، جای بازگشت ۱۲۹

ٱلْمُتَّقُونَ: وَأُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ (۲: ۱۷۷)
پَرهيزکاران ۲، پرهَيزکاران ۱۰، پَرهيزگارَان ۵۵، پرهيزگارآن ۹٤

~: إِنْ أَوْلِيَآؤُهُۥٓ إِلَّا ٱلْمُتَّقُونَ (۳٤:۸)

پرخیز کاران ۱، پارسایان ۳۹، پارسا آن ٦۷

~: مَّثَلُ ٱلْجَنَّةِ ٱلَّتِى وُعِدَ ٱلْمُتَّقُونَ (۳۵:۱۳)

پرخیز کار ۷ مکرّر، گروندگان ۵۵

~: قُلْ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ ٱلْخُلْدِ ٱلَّتِى وُعِدَ ٱلْمُتَّقُونَ (۱۵:۲۵)

پرهیزکاران گروندگان ۹۱، پرهیزندگاران ۹۲

~: وَٱلَّذِى جَآءَ بِٱلصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ (۳۳:۳۹)

ترسکاران ۳٤

ٱلْمُتَّقِينَ: الٓمٓ ذَٰلِكَ ٱلْكِتَٰبُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲:۲)

پرهیزکاران ۵۵، ترسندگان ۹۸، پرهیزکنندگان ۱۱٦

~: فَجَعَلْنَٰهَا نَكَٰلًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (٦٦:۲)

پرهیزکاران ۱۰، پرهیزگارآن ۹٤

~: ٱلْوَصِيَّةُ لِلْوَٰلِدَيْنِ وَٱلْأَقْرَبِينَ بِٱلْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى ٱلْمُتَّقِينَ (۱۸۰:۲)

پرهیزکاران ۲

~: وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُتَّقِينَ (۱۹٤:۲)

ترسکاران ۲، ترسکاران ۲۹

~: وَلِلْمُطَلَّقَٰتِ مَتَٰعٌۢ بِٱلْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى ٱلْمُتَّقِينَ (۲٤۱:۲)

پرخیزکاران ۱، پرهیزگاران ۲، پرهیزگاران ۱۰، نیکوکاران و پرهیزگاران ٤۱

~: وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِٱلْمُتَّقِينَ (۱۱۵:۳)

پارسایان و پرهیزگاران ۵۸

~: هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۱۳۳:۳)

نیک مردان ۲۷

~: وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (۱۳۸:۳)

پرخیزکاران ۱۰

~: وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (٤٦:۵)

ترسیاران ۹٦

~: يُورِثُهَا مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ وَٱلْعَٰقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۱۲۸:۷)

پرهیزگاران و نیکوکاران ۲۷

~: وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُتَّقِينَ (۳٦:۹)

پرهیزگان ۵۷، شکیبایان ۹٤

~: وَلَدَارُ ٱلْءَاخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ ٱلْمُتَّقِينَ (۳۰:۱٦)

پرهیزندگان ۹۲

~: وَٱجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۷٤:۲۵)

پارسایان ۵۸

~: وَٱلْعَٰقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۸۳:۲۸)

نیکوکاران ۲۱

~: أَمْ نَجْعَلُ ٱلْمُتَّقِينَ كَٱلْفُجَّارِ (۲۸:۳۸)

پارسا آن ۵۸

~: إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حَدَآئِقَ وَأَعْنَٰبًا (۳۱:۷۸)

پرهیزگاران راست کار ۱۲۰

★ لِلْمُتَّقِينَ: الٓمٓ ذَٰلِكَ ٱلْكِتَٰبُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲:۲)

پرهیزکارانرا ۵۷، مرپرهیزکاران را ٦۲

~: فَجَعَلْنَٰهَا نَكَٰلًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (٦٦:۲)

پرهیزگارانرا ۳٦

~: وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (٤٦:۵)

مرترس کاران را ۸۸

~: وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۳٤:۲٤)
مرپرهیزگارانرا ٤۳

مُتَّكَأً: أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً (۳۱:۱۲)
نشست گاه ۲٤، نشستگاه ۳۸، بالشتها ٤۳، بالشها ۵۸، بالش ۷٤، آرامگاه ۸٤

مُتَّكِئُونَ: فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ (۵٦:۳٦)
تکیه زده گان ۱۰٦

مُتَّكِئِينَ: مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ (۵٤:۵۵)
نشستگان ٦۷

~: مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ (۷٦:۵۵)
چفسید گان ۳۹، جفتید گان ۱۳۹

~: عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ مُّتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ (۱٦:۵٦)
جفسید گان ۷۸

مُتَكَبِّرٍ: وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٍ (۲۷:٤۰)
بزرگ منشتی کناری ۱، گردن کش ۲٤، بزرگ منش ۵٦، گردنکش ۱۰۰، گردنکشی ۱۱۱

~: كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ (۳۵:٤۰)
بزرگ منشتی ۱، بزرگ سر ٤۱، گردن کش بزرگ منش ۸۰، گردنکشنده ۱۰۰، سرکش ۱۰٤، سرکشنده از فرمان ۱۱٦

~: الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ (۲۳:۵۹)
بزرگ منشت ۱، بزرگوار ۳، تنها ببزرگواری ۳۹، سنگین کار ۹٦، بزرگوار بخود ۱۰۸، بی نیاز ۱۰۹، بزرگوار و شکننده گردنکشان ۱۱۱، گردن افراز ۱۱۵، بزرگی جوی ۱۲۹

الْمُتَكَبِّرِينَ: فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۲۹:۱٦)
بزرگ منشتی کناران ۱، بزرگ منشان ۲، گردنکشان ۲۹، گرْدَنْ کشَان ۵۳ و ۵۵، بارنامه کنند گان ۵۷، بزرگ منشان و ناگروید گان ۵۸، بزرگمنشان ۵۹، سرکشان بزرگ منشان ٦٤

~: أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ (٦۰:۳۹)
بزرگی کنند گان ۲۹، سر بزرگان ٤۱، بزرگ منشی کنند گان ۹۸، گردنکشآن ۱۰۰

~: فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۲:۳۹)
گرْدن کشَان ۲۲، بزرگ سران ٤۱

~: فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷٦:٤۰)
گردن کشان ۳، بزرگ منشان ۳۹، بزرگواران ٤۲، سرکشان ٦٤، گردن کشی کنند گان ۸۷، گردن کشند گان ۱۲٦

الْمُتَكَلِّفِينَ: قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ (۸٦:۳۸)
درگور گرفتاران[1] ۱، از خویشتن ساختگان ۲، خویشتن ساختگان ۳، خویشتن کارکنند گان ۲۲، از خویشتن ساخته ۲٤، خویشتن ساخته گان ۳۰، خود سازند گان ۳۳، خویشتن کارکنند گان ۳۸، فراسازند گان کار ٤۳، اندرگرفتگان ۵۳، پایند ان ۵۸ و ۸۱، فراسازند گان ٦۵، بر دشخواری دارند گان ٦۹، ستم کاران ۸۷، کارکنند گان ۸۸، رنج بر خویشتن گیرند گان ۸۹، خواهند گان ۹۸، درخواهند گان ۱۰۹، خود کاران ۱۱۰، ساختگان ۱۱٤، رنج بر خود نهند گان ۱۱۹، فرابافند گان ۱۳۱، بر بافند گان دروغ ۱۳۸

۱. در گور گرفتاران: ایشان که از خویش چیزی برسازند.

ٱلْمُتَلَقِّیَان: إِذْیَتَلَقَّی ٱلْمُتَلَقِّیَانِ عَنِ ٱلْیَمِینِ وَعَنِ ٱلشِّمَالِ قَعِیدٌ (۵۰:۱۷)
دو پدیره آمدار ۱، دو گیرنده ۲، دو فراگیرنده ۶، دو فراهم رسنده ۲۹، در پیش شونده ۳۹، رو پیش آینده ۴۳، پیش آیندگان ۶۱، پیش شوندگان ۶۵، فراگیرندگان ۷۹، دو پیش آینده ۸۷، دو فراز گیرنده ۸۸، دو فرا یکدیگر رسنده ۸۹، بینندگان ۹۶، دو فرشته فراگیرنده ۱۰۴، فراگیرنده ۱۱۱، فرایکدیگر رسنده ۱۳۸

مُتُّمْ: وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِی سَبِیلِ ٱللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَحْمَةٌ (۳:۱۵۷)
بمیرید ۱، بمیرید ۲، بمیریت ۳، بمیری ۲۴، مردید ۲۷، بمردید ۷۶، میریت ۹۷

~: وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَی ٱللَّهِ تُحْشَرُونَ (۳:۱۵۸)
بمیرید شما ۵۶، بمیری شما ۶۰، مرده شوید ۱۱۲، بمردید شما ۱۱۸

مُتِمُّ: وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْكَٰفِرُونَ (۶۱:۸)
آشکارا کننده ۶۷، بپایان رساننده ۱۰۹

مِتُّمْ: أَیَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَٰمًا (۲۳:۳۵)
بمیرید ۱، بمیریت ۳، بومیرید ۱۱۳، مردید ۱۱۴

مِتْنَا: أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۲۳:۸۲)
بمیریم ۱، بمیریم ما ۲۴، مردیم ما ۳۹، ما بمرده باشیم ۷۶، مردیم ۱۰۳، ما بمیریم ۱۰۸، میمیریم ۱۲۳

~: أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۳۷:۱۶)
ما میریم ۹۶، می میریم ۱۱۴

~: أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَٰلِكَ رَجْعٌ بَعِیدٌ (۵۰:۳)
ما بمیریم ۲، میریم ۳، بمردیم ما ۶۱

ٱلْمُتَنَٰفِسُونَ: وَفِی ذَٰلِكَ فَلْیَتَنَافَسِ ٱلْمُتَنَٰفِسُونَ (۸۳:۲۶)
نازندگان ۲، شادی کنان ۲۴، پیش دستی کنندگان ۳۶، آسایندگان ۴۱، آرزو برندگان ۴۸، کوشندگان ۵۶، خواهانی کنندگان ۸۰، کارکندگان ۹۰، نازندگان ۹۵، بازندگان ۱۰۸، خواهان نمایندگان ۱۲۹

لِلْمُتَوَسِّمِینَ: إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لَأَیَٰتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِینَ (۱۵:۷۵)
حنایشت کناران[1] ۱، زیرکان ۲، نشان دانندگان ۳، اندیشه کنندگان در نشانه ۲۹، نگرندگان ۳۹، زیرکان ۴۲، بگزیدگان ۵۳، نگرینگان و اندیشه کنان ۵۷، اندیشه کنان و بجای آرندگان ناگفته ۵۸، کسانیکه بنگرند ۶۲، اندیشه کنندگان ۶۷، بنشان دانندگان ۷۱، راست برندگان ۸۰، گرویدگان ۸۴، زیرکان ۹۸، نشان جویندگان ۱۰۲، نشان کنندگان ۱۰۶، خداوندان فراست ۱۱۱، هنجار برندگان ۱۱۲، فراست زبدگان ۱۱۴، بخواب روندگان ۱۲۹

مُتَوَفِّیكَ: إِذْ قَالَ ٱللَّهُ یَٰعِیسَیٰٓ إِنِّی مُتَوَفِّیكَ وَرَافِعُكَ إِلَیَّ (۳:۵۵)
میراننده ۲، میراننده ۳، بمیرانم ۲۷، فرامیراننده ۳۴، برنده ۳۹، جان ستاننده ۴۹، میراننده ۵۵، بمیراننده ۵۷، سپری کننده ۵۸، فراپذیرنده ۶۲، ستانندهٔ جان ۷۶، جان ستاننده ۱۰۰، خوابانانده ۱۰۴، جان ستاننده ۱۰۶، فراستاننده ۱۰۹، فراگیرنده از روی زمین ۱۱۶، فراگیرنده ۱۲۰، میران ۱۲۴، براننده ۱۲۸، بردارند ۱۳۵

★ إِنِّی مُتَوَفِّیكَ: إِذْ قَالَ ٱللَّهُ یَٰعِیسَیٰٓ إِنِّی مُتَوَفِّیكَ وَرَافِعُكَ إِلَیَّ (۳:۵۵)
من سپری خواهم کردن ترا ۱۰، که بمیرانم ۲۴، من بمیرانم ۲۵

---

۱. حنایشت کناران: اندیشه درکنندگان.

اَلْمُتَوَكِّلُونَ: وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (۱۲:۶۷)
وستام کناران[۱] ۱، سپارندگان ۲، کار بازگذارندگان ۱۰۹

~: وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (۱۴:۱۲)
بازگذارندگان ۱۳۰

~: قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (۳۹:۳۸)
دِلْ بَندگان ۲، دل بندندگان ۳۰، استوار گیرندگان ۷۴، بازدارندگان ۷۸، دل بندگان ۱۰۸

اَلْمُتَوَكِّلِينَ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (۳:۱۵۹)
وستام کناران ۱ ۱، خویشتن سپارگان ۲، کار بخدای گذارندگان ۴۱، سپارندگان ۴۲، سپارندگان خود ۵۲، کار سپاران ۵۸، خویشتن سپارنده گان ۸۳، کسانی که کار باو گذارند ۱۰۴، کار بازگذارندگان ۱۰۹، بسپازندگان ۱۲۸

مَتَى: وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ (۲:۲۱۴)
کَیْ ۲، کی خواهد بُد ۱۰، تا کی ۶۳، که باشد ۷۶، تا ۱۲۴

~: وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۰:۴۸)
کی بهد ۱، کی خُواهَد بُودَن ۱۰، کی ۵۵، کدام ۱۳۶

~: وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲۱:۳۸)
کی باشد ۴۱، کي ۸۷

~: وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲۷:۷۱)
که ۱۳۹

~: وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۳۲:۲۸)
کَیست ۳

~: وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۳۴:۲۹)
کی باشد ۲۹، باشد ۳۸، کَیْ ۳۹، کی است ۵۶

~: وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۳۶:۴۸)
کیست ۳۳

~: وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۶۷:۲۵)
کی بود ۸۰

مَتِينٌ: وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (۷:۱۸۳)
بس سخت وُ سهمگِن ۱۰، سخت ۲۴، استوار و سهمگین ۲۷، اسْتُوار ۵۵

~: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (۵۱:۵۸)
استوار ۲، سخت استوار ۳۰، پیدا ۷۸، استوار کار ۸۰، استوار سخت ۹۰

مَثَابَةً: وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا (۲:۱۲۵)
جَایْ بازگشتن ۲، جای بازگشت ۳، وازَ امدن گاه ۱۰، جای بازگشتن ۳۸، جَای بازگشتَن ۴۲، بازگشتن جای ۴۳، بازگشتن جا ۴۸، بازگشتن ۵۲، جَای بَازگشتْ ۵۵، جایگاه بازآمدن ۵۷، ثواب گاه ۸۴، جایگاه ۸۸، بازگشت ۹۰، بازگشت گاه ۱۰۱، جا ۱۲۱

مَثَانِيَ: وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي (۱۵:۸۷)
دوگانیها ۳۸، دوگانْ ۵۳، دوگانه ۵۹، آنکه اندروی ستایش است ۹۴، دو ۹۶

~: اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ (۳۹:۲۳)
دوگانها ۱، دوباره ۲، دوگانی ۲۲، دودو ۲۹، دوگان دوگان ۳۳، دوگان ۴۱، دوگان دُوْگان ۵۳، بازگردانیدها ۸۰، دوبار ۹۹، دو پاره و دو توکرده ۱۰۳، دوکردها ۱۱۴، دوتو کرده ۱۲۳،

---

۱. وستام کناران: توکل کنندگان.

دوتو شده ۱۳۲

مَثْبُورًا: وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَـٰفِرْعَوْنُ مَثْبُورًا (۱۷: ۱۰۲)
دیوانه ۴۲، تباه شده ۸۸، نیست کرده شده ۱۰۹

مِثْقَالُ: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ (۴: ۴۰)
چند سنگ ۱، سنگ ۴۱، بسنگ هر چه خرد ۵۳، هَمسَنگ ۵۵، چند اندازه ۵۶، گران سنگی ۶۵، همسنگ مور ۷۴، چند ۷۵، گران سنگ ۷۶، هَمْسَنگ ۹۴ وزن ۱۰۴، به سنگ ۱۳۵

~: وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ (۱۰: ۶۱)
هم سَنگ ۲، هَمسَنگ ۱۰، هم سنگ مورچه ۴۲، همسنگ سپندان ۹۴، همه سنگ ۱۱۰

~: وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا (۲۱: ۴۷)
هم سنگ ۲، اندازه ۴۱، هم چند ۹۰، هم وزن ۱۳۲

~: لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلْأَرْضِ (۳۴: ۳)
سنگ مورچه‌ای ۱۸، همسنگی ۴۷، همسنگ مورچه ۷۴، هم سنگ مورچه‌ای ۸۴، چند مورچه ۸۷، هم چند سنگ ۹۱، ذره ۱۱۹، هموزن ۱۳۲

~: لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلْأَرْضِ (۳۴: ۲۲)
مانند ۴۱، هم سنگ مور ۵۸، برابر ۱۲۶

~: فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۹۹: ۷)
بسنگ ۲۹، همچند ۸۷

مُثْقَلَةٌ: وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا (۳۵: ۱۸)
گران کرده ۱، تن گران بار ۲، گران بار کرده ۳، گران بار ۲۴، گرابار ۲۹، گران شده ۳۴، گران بارشده ۳۶، گران بار بار گناه ۴۱، بار گران ۴۲، گرانبار ۴۳، گرانباری ۴۷، گِران بارِی ۵۳، گران بار گناه ۶۴، گرانبار شده ۱۲۰، سنگی بار ۱۳۸

مُثْقَلُونَ: أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ (۵۲: ۴۰)
گران کردگان ۱، گران بار کردگان ۲ و ۹۴، گران باران ۲۴، گران شدگان ۳۰، گران بار گردیدگان ۸۰، گرانبار ۱۰۳، گرانبار کردگان ۱۱۴، گرانبار شدگان ۱۲۰

~: أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ (۶۸: ۴۶)
گران بار کرده شدگان ۳، گران بار شوند ۱۹، گران ۶۱، گران شدگان ۹۴، گرآن باران ۱۰۰، گرانباران ۱۲۰، گرانبارند ۱۲۶، گران بار شدگان ۱۳۰، سنگی بار ۱۳۸

مِثْلُ: كَذَٰلِكَ قَالَ ٱلَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ (۲: ۱۱۳)
همچون ۲، همچنین ۱۰، هم چنین ۴۰

~: فَإِنْ ءَامَنُوا۟ بِمِثْلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ (۲: ۱۳۷)
چنانک ۳۶

~: فَٱعْتَدُوا۟ عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا ٱعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ (۲: ۱۹۴)
همچنانکه ۲، چنانکه ۲۴، هم چنانکه ۷۶

~: وَلَهُنَّ مِثْلُ ٱلَّذِى عَلَيْهِنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ (۲: ۲۲۸)
همچنان ۱، هم چندان ۱۰، هم چو ۵۶، داستان ۶۱

~: أَن يُؤْتَىٰٓ أَحَدٌ مِّثْلَ مَآ أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَآجُّوكُمْ (۳: ۷۳)
همچُنانکه ۲، همچنان که ۲۴، ماننده ۲۵

~: يُوصِيكُمُ ٱللَّهُ فِىٓ أَوْلَـٰدِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَيَيْنِ (۴: ۱۱)
چند ۱، چُون ۲، هم چَند ۱۰، همچو ۲۷، چندان ۱۲۴

~: فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ ٱلْأُنثَيَيْنِ (۴: ۱۷۶)

---

۱. ظاهراً این معنی با «مَثَل» مناسبت دارد.

هم چندان ۱۰، همچندان ۲۷

~: قَالَ يَٰوَيْلَتَىٰٓ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَٰذَا ٱلْغُرَابِ (۳۱:۵)

هم چون ۱، چُونْ ۲، همچن ۱۰ مکرّر

~: فَجَزَآءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ ٱلنَّعَمِ (۹۵:۵)

همچُنان ۲، همچند ۱۰ مکرّر

~: وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ (۹۳:۶)

هم چنان ۱، چنان ۲٤، چنانکه ۲٦، چنانچه ۵۸

~: قَالُوا۟ قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَآءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَٰذَآ (۳۱:۸)

همچو ـ مانند ۱۰۹

~: فَهَلْ يَنتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلِهِمْ (۱۰۲:۱۰)

همچنین ۱۰، مانندان ۹۲

~: أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَآ أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ (۸۹:۱۱)

چنانکه ۵۸

~: وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا۟ بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُم بِهِۦ (۱۲٦:۱٦)

چندانکه ۲٤، مانند ٦۱

~: عَلَىٰٓ أَن يَأْتُوا۟ بِمِثْلِ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِۦ (۸۸:۱۷)

چنین ۱، همچُونْ ۲

~: لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ ٱلْعَٰمِلُونَ (٦۱:۳۷)

از بهر ۳۰

~: يَٰقَوْمِ إِنِّىٓ أَخَافُ عَلَيْكُم مِّثْلَ يَوْمِ ٱلْأَحْزَابِ (۳۰:٤۰)

همچون ۱

مَثَلٌ: مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ ٱلَّذِى ٱسْتَوْقَدَ نَارًا (۱۷:۲)

مانَنده ۲، داسْتان ۵۵

~: وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ كَمَثَلِ ٱلَّذِى يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ (۱۷۱:۲)

داسْتان ۲

~: وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلِكُم (۲۱٤:۲)

همچنان ۱۰، مانند ۲٤، چون ۲۹، همچنان که ٦۳

~: كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنۢبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ (۲٦۱:۲)

داستان ۲،، د آستان ۱۰۰، همچون ۱۱۰

~: فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُۥ وَابِلٌ (۲٦٤:۲)

داستاشت ۱۲۸

~: مَثَلُ ٱلْفَرِيقَيْنِ كَٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْأَصَمِّ (۲٤:۱۱)

بمانند گي ۲، مانند گی ۵۲

~: مَّثَلُ ٱلْجَنَّةِ ٱلَّتِى وُعِدَ ٱلْمُتَّقُونَ (۳۵:۱۳)

نشان ۷ مکرّر

~: مَّثَلُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِرَبِّهِمْ (۱۸:۱٤)

داسْتان ۵۵

~: وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ (۲٦:۱٤)

نمودار ٤۱

~: وَلِلَّهِ ٱلْمَثَلُ ٱلْأَعْلَىٰ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (٦۰:۱٦)

داستان ۵۷

~: وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِى هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ (۸۹:۱۷)

گونه ۱۲٤

~: وَٱضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (٤۵:۱۸)

نشان ۷٤

~: وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِى هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍ (۵٤:۱۸)

داستان و پند ٤٤، دستان ۱۰۷

~: وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِى هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ (۵۸:۳۰)

پیدایی ۵۸

مَثَلًا: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَسْتَحْيِۦٓ أَن يَضْرِبَ مَثَلًا (٢٦:٢)
داستان ٢، مانند ٢٤، نمودار ١٢١

~: سَآءَ مَثَلًا ٱلْقَوْمُ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا (١٧٧:٧)
داستان ١٠٠

~: هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (٢٤:١١)
مانندگی ١٢٤

~: ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَّا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَىْءٍ (٧٥:١٦)
داستان ٥٧

~: وَمَثَلًا مِّنَ ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلِكُمْ (٣٤:٢٤)
ماننده گی ٩٥

~: ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ أَنفُسِكُمْ (٢٨:٣٠)
ماننده ٥٨

~: وَٱضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَٰبَ ٱلْقَرْيَةِ إِذْ جَآءَهَا ٱلْمُرْسَلُونَ (١٣:٣٦)
دستان ٢٢

~: فَجَعَلْنَٰهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْءَاخِرِينَ (٥٦:٤٣)
داستان ٣٢، مانندگان ٣٩، پند ١٠٨

مِثْلُكُمْ: قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ (١١:١٤)
یکی ٧ مکرّر

~: قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰٓ إِلَىَّ (١١٠:١٨)
چون ٥٨، همچو شما ١٠٨، ماننده ١٢٦

~: هَلْ هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ (٣:٢١)
همچون ١

~: مَا هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ (٢٤:٢٣)
همچون ٢، مانند ٢٤، هم چون ٥٨، همچو ٦١

مِثْلَنَا: مَا نَرَىٰكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا (٢٧:١١)
همچون ١، هم چو ٢٤، چون ٤٣

~: قَالُوٓا۟ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا (١٠:١٤)
همچون ٢، مانند ٥

~: مَآ أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِـَٔايَةٍ (١٥٤:٢٦)
هم چون ٤٦، سان ٤٧، همچو ٧٦

مَثَلُهُ: كَمَن مَّثَلُهُۥ فِى ٱلظُّلُمَٰتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا (١٢٢:٦)
مانندا ١٠ مکرّر، داستان ٥٣، مانند ٦١

~: فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ ٱلْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ (١٧٦:٧)
داستان ٥٥، ماننده ٥٨، نمودار ١٢١

مِثْلُهُ: فَأْتُوا۟ بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِۦ (٢٣:٢)
همچنو ٤، هم چون ٢٤، مانند ٥٥، هم چون ٦٣، ماندن ٨٤

~: لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُۥ مَعَهُۥ لِيَفْتَدُوا۟ بِهِۦ (٣٦:٥)
هم چند ١، هم چند ٤٥، چندان ٥٣

~: وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهُۥ يَأْخُذُوهُ (١٦٩:٧)
همچنان ١

~: قُلْ فَأْتُوا۟ بِسُورَةٍ مِّثْلِهِۦ (٣٨:١٠)
چون ١٣

~: ٱبْتِغَآءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَٰعٍ زَبَدٌ مِّثْلُهُۥ (١٧:١٣)
مانند ٥، مانند ٧٦

~: لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفْتَدَوْا۟ بِهِۦٓ (١٨:١٣)
همچند ١، همچند ٢، همچنان نیز ١٠٥

~: وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِۦ مَدَدًا (١٠٩:١٨)
همچنان ٢، هم چندان ٢٤

~: فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِۦ (٥٨:٢٠)
همچون ٢، دوچند ٥٨، همچو ٦١، همچنان مانند

~: يَعِظُكُمُ ٱللَّهُ أَن تَعُودُوا۟ لِمِثْلِهِۦٓ أَبَدًا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲۴: ۱۷)

مانند ۲، چنان ۴۷، همچنین ۶۱

~: وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مَا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُۥ مَعَهُۥ (۳۹: ۴۷)

چند ۱، همچندان ۲

~: لَيْسَ كَمِثْلِهِۦ شَىْءٌ ۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ (۴۲: ۱۱)

مانند ه ۲۴

~: فَلْيَأْتُوا۟ بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِۦٓ إِن كَانُوا۟ صَـٰدِقِينَ (۵۲: ۳۴)

مانند ه ۲، هم چنین ۵۶

مِثْلِهَا: نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَآ أَوْ مِثْلِهَآ (۲: ۱۰۶)

همچُنان ۲، مانند ۲۴، هم چنان ۴۰

~: وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا (۶: ۱۶۰)

همچنان ۱، هم چند ۲۴، همچندان ۴۴، هم چَنْدَ ۵۳، همه چند ۹۲

~: وَٱلَّذِينَ كَسَبُوا۟ ٱلسَّيِّـَٔاتِ جَزَآءُ سَيِّئَةٍۭ بِمِثْلِهَا (۱۰: ۲۷)

همچُونْ ۲، مانَند ۵۵، همچو ۹۶

~: مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا (۴۰: ۴۰)

همچند ۳۸

~: ٱلَّتِى لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِى ٱلْبِلَـٰدِ (۸۹: ۸)

چنان ۳۹

مَثَلُهُمْ: مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ ٱلَّذِى ٱسْتَوْقَدَ نَارًا (۲: ۱۷)

داستان شان ۹۰

مِثْلُهُمْ: إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ (۴: ۱۴۰)

همچون ۱، چون ۲۴، همچُون ۴۵

~: قَـٰدِرٌ عَلَىٰٓ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ (۱۷: ۹۹)

هم چنان ۲۴، همچو ۱۰۸

~: وَءَاتَيْنَـٰهُ أَهْلَهُۥ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا (۲۱: ۸۴)

هم چند ۱، مانند ۲، همچنان ۱۲، هم چندان ۲۴ و ۵۶، هم چنین ۵۲، یکچندان ۱۲۲

~: وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُو۟لِى ٱلْأَلْبَـٰبِ (۳۸: ۴۳)

همچند ۱، همچندان ۳۴

مِثْلَهُنَّ: خَلَقَ سَبْعَ سَمَـٰوَٰتٍ وَمِنَ ٱلْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ (۶۵: ۱۲)

همچون ۲، هم چندان ۲۴، مانند ۴۱، همچو ۱۰۸

ٱلْمُثْلَىٰ: وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ ٱلْمُثْلَىٰ (۲۰: ۶۳)

بهترین ۲ و ۲۴، بهتر ۲۹، نیکوتر ۳۹، روشن و پیدا ۴۱، بریده کرده ۴۳، بهترین و افزون ترین ۵۶، بیدارترین و برترین ۸۴، نیکوتر و پسندیده تر ۸۶، نیکوتر و بهتر ۱۰۴، برتر ۱۲۶، راست تر ۱۳۳، نهاده راست ۱۳۹

مِثْلَيْهَا: أَوَلَمَّآ أَصَـٰبَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُم مِّثْلَيْهَا (۳: ۱۶۵)

دوچندان ۱۰

مِثْلَيْهِمْ: وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأْىَ ٱلْعَيْنِ (۳: ۱۳)

دوچند ۱، دومانند ۳ و ۲۸، یک بَدوچند ۱۰، دُو مَانَند ۵۵، دو چند خود ۵۶، دو بار مانند ۱۰۰، دو برابر ۱۲۳

مَثْنَىٰ: فَٱنكِحُوا۟ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ مَثْنَىٰ وَثُلَـٰثَ وَرُبَـٰعَ (۴: ۳)

دوگـان ۱، دُگـان ۲، دُو دُو ۱۰، دو ۲۹، دُوگـان دُوگان ۵۵

~: أَن تَقُومُوا۟ لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ (۳۴: ۴۶)

دوگان دوگان ۲، دوگانه ۲۲، دودو ۲۴، دو دوتا ۱۱۶، دو تا دوتا ۱۲۳، دوکان ۱۲۶

مَثْوَاكُمْ: قَالَ ٱلنَّارُ مَثْوَىٰكُمْ خَـٰلِدِينَ فِيهَآ (۶: ۱۲۸)

جایگه ۱، جاء ۲، جای باش ۳، جای ۱۰ مکرّر، جای بودن ۲۷، بازگشت جای ۴۱، جایگاه ۴۴، جا ۴۸، جَای بَاشِش ۵۵، آرام جای ۶۴، آرام گاه ۶۷،

استادن گاه ۹۶، جای باشش ۱۰۹، آرامگاه ۱۱۱، جایتان ۱۱٤، جای پاشش ۱۱۹

~: وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ (۱۹:٤۷)
جای باشیدن ۳ و ۸۰، بودن جای ٦، جای بودن ۲۲، نشستگاه ۲۹، بودن جای ۵٦، باشیدن ۱۰۸، باشش ۱۱۹، بودن ۱۲٤، ارامگاه ۱۳۳

مَثْوَاهُ: أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَن يَنفَعَنَا (۲۱:۱۲)
جای ۱، جایگاه ۲، جای باش ۳، جای باش ۵۵، جای باشش ۵٦، جا ۹۰، بودن ۱۰۵، جایگاه بودن ۱۰۹

مَثْوَايَ: قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ (۲۳:۱۲)
جا ۲، جای ۲۹، جای باشش ۵۵، بجای ۵٦، جایگاه ۵۷، جای من ٦۰، خفتن جای ٦۲، جایگاه باشش ۱۰۹، جای باشش من ۱۱۹

مَثُوبَةٌ: وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ خَيْرٌ (۱۰۳:۲)
پاداشت ۲، مزد ۱۰، باز گشت ۵۲، پاداش ۵۵، پای داشت ۵۷

~: قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِندَ اللَّهِ (٦۰:۵)
پاداش ۱، پاداشن ۲ و ۱۰ مکرر، پاداش دادن ۲۷، پاداش ٤۲، پاداش و جایگاه ۵۳

مَثْوًى: أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ (٦۸:۲۹)
جای بودن ۲، جاء ۳۹، جای ۷٦

~: أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ (۳۲:۳۹)
جاء بودن ٦۵، جای باشیدن ۱۱۹

~: أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ (٦۰:۳۹)
جایگاه ۱۵، آرامگاه ٤۱، جای آرام ۱۰۳، جا ۱۱٤

~: فَإِن يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ (۲٤:٤۱)
نشستگاه ۲۹

~: وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ (۱۲:٤۷)
جای بودن ۲، جای ٦، جاء گاه ۳۹، جایگاه باش ٤۱، جایگاه باشیدن ۱۰۹

مَثْوَى: وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ (۱۵۱:۳)
جایگه ۱، جای باش ۳، وازگشتن جای ۲۷، منزل گاه ٤۰، باز گشت جای ٤۱، جای درنگ کردن ۵۲، جای باش ۵۵، جای ۵۷، آرام جای ٦٤، باز گشتن جای ۷٤، جای درنگ ۸۲، جای باشش ۹۱، استادنگاه ۹٦، جای فرود آمدن ۱۰۲، درنگ کردن ۱۲۵

~: فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۲۹:۱٦)
جاء بودن ۲، آرام گاه ۳، جای باشش ۵۵، جایگاه ۵۷، آرامجای ٦٤، جایا ۱۱۳

~: خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۲:۳۹)
جای بازگشت ۹۲

~: خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷٦:٤۰)
جای گاه ٦۹

اَلْمَجَالِس: إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ (۱۱:۵۸)
جایها نشست ۳، نشستن جاء ۳۹، نشستگاه ٤۸، نشستن جای ۵٦، نشین جای ۹۹، نشستها ۱۰۵، جایهای نشستن ۱۰۹، جای نشستن ۱۱۳، جایهای نشست ۱۱٤، نشستنگاه ۱۲٤

اَلْمُجَاهِدُونَ: لَّا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ... وَالْمُجَاهِدُونَ (۹۵:٤)
کارزار کنند گان ۲ و ۳، کارزار کنند گان ٤۲، کارزار کنند گان ۵۵، کارزار کنان ٦۱، کوشند گان ۱۰۹، کارزار کنند ۱۲۹

اَلْمُجَاهِدِينَ: فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً (۹۵:٤)
کارزار کننده گان ۷۵

~: وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ (۳۱:٤۷)
کارزار کنند گان ۲، کارزار کنند گان ۳،

واکوشند گان ٦، کارزا کنند گا ٣٠، کوشند گان ٤١، کوشش کنند گان ٩٩

مُجْتَمِعُونَ: وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ (٢٦: ٣٩)
بهم آمداران ١، گرد آمد گان ٣، فراهم آمد گان ٢٠، گرد آینده ٢٩، فراهم آیند گان ٣٩، گرد آیند گان ٤٣، گردایند گان ٥٦، گردشوند گان ٨٦، گردشد گان ٩٨، گرد آمدَ گان ١١٩، گِردشوند گان ١٣٢، گردشد گان ١٣٩

مَجْذُوذٍ: إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ عَطَآءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ (١١: ١٠٨)
بریده ١، بُرِیده ٢، بریدَه ٤٢، کم کرده ٤٩، بُریدَه ٥٥، باز بریده ٦٣، بریده شده ٨٠، بریده شد[ه] ٩١، پایان ١٣٣

ٱلْمُجْرِمُ: يَوَدُّ ٱلْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِى مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍۭ بِبَنِيهِ (١١:٧٠)
گنه کار ١، گناه کار ٣، گناه کآر ١٠٠، گناهکار ١٣٢

مُجْرِمًا: إِنَّهُۥ مَن يَأْتِ رَبَّهُۥ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُۥ جَهَنَّمَ (٢٠: ٧٤)
گنه کار ١، گناه کار ٢، گناه کار ٣٠، گناهکار ٤٣، گناه کار ٥٣

مُجْرِمُونَ: لِيُحِقَّ ٱلْحَقَّ وَيُبْطِلَ ٱلْبَٰطِلَ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُجْرِمُونَ (٨:٨)
گنه کاران ١، گناه کارآن ٩٤

~: مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ ٱلْمُجْرِمُونَ (١٠: ٥٠)
گناهکاران ٢، مانده کاران ٥٩، گناه گاران ٦١

~: وَمَآ أَضَلَّنَآ إِلَّا ٱلْمُجْرِمُونَ (٢٦: ٩٩)
بد کرداران ١١١

~: وَلَا يُسْـَٔلُ عَن ذُنُوبِهِمُ ٱلْمُجْرِمُونَ (٢٨: ٧٨)
گناهکاران ٤٦، بد کاران ٤٧

~: وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُقْسِمُ ٱلْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا۟ غَيْرَ سَاعَةٍ (٣٠: ٥٥)
ناگروند گان ٦٤

~: وَٱمْتَٰزُوا۟ ٱلْيَوْمَ أَيُّهَا ٱلْمُجْرِمُونَ (٥٩:٣٦)
گناه کاران ٢، ناگروید گان ٣

~: يُعْرَفُ ٱلْمُجْرِمُونَ بِسِيمَٰهُمْ (٤١:٥٥)
گبر کان ٣٩

مُجْرِمِينَ: وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلْـَٔايَٰتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ ٱلْمُجْرِمِينَ (٥٥:٦)
گنه کاران ١، گناه کاران ٢، تبه کاران ٦٢، تباهکاران ٩٠

~: وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُۥ عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْمُجْرِمِينَ (١٤٧:٦)
گنا کاران ٦٤، ستمکاران ١٠٦، گنهکاران ١٢٠

~: وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُجْرِمِينَ (٤٠:٧)
بَی سامان کاران ١٠، گناه کارآن ١٠٠

~: فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُجْرِمِينَ (٨٤:٧)
زشت کاران و بی سامان کاران ١٠، گنه کارَان ٥٥

~: فَٱسْتَكْبَرُوا۟ وَكَانُوا۟ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (١٣٣:٧)
پُر گناه ١٠، گناهکاران ٢٧، ناگروید گان و گناه کاران ٥٨

~: نُعَذِّبْ طَآئِفَةًۢ بِأَنَّهُمْ كَانُوا۟ مُجْرِمِينَ (٦٦:٩)
گناهکارآن ٩٤

~: كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْقَوْمَ ٱلْمُجْرِمِينَ (١٣:١٠)
بد کرداران ٣٩

~: فَٱسْتَكْبَرُوا۟ وَكَانُوا۟ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (٧٥:١٠)
گناه کارَان ٥٥، ناگروید گان ٥٨، بزه کاران ٥٩، فرمانان گناه کار ١١٩

~: وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا۟ مُجْرِمِينَ (٥٢:١١)
گوناه کاران ٥٧، گناه کار ٧٦

~: قَالُوٓا۟ إِنَّآ أُرْسِلْنَآ إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (٥٨:١٥)

نابکاران ٤٨، گناه‌ران ٥٦

~: وَنَسُوقُ ٱلْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا (٨٦:١٩)
تباه کاران ٧٢، ستم کاران ١٣٩

~: يَوْمَ يَرَوْنَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ (٢٢:٢٥)
بد کاران ٤٧

~: فَٱنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُجْرِمِينَ (٦٩:٢٧)
گناه کاران و ناگروند گان ١١١

~: وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَٰهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا۟ مُجْرِمِينَ (٣٧:٤٤)
نافرمانان ١٣٤

~: إِنَّ ٱلْمُجْرِمِينَ فِى ضَلَٰلٍ وَسُعُرٍ (٤٧:٥٤)
گبر کان ٣٩

~: أَفَنَجْعَلُ ٱلْمُسْلِمِينَ كَٱلْمُجْرِمِينَ (٣٥:٦٨)
بد کاران ٢

مُجرِمِيهَا: وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا فِى كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَٰبِرَ مُجْرِمِيهَا (١٢٣:٦)
گناه کاران ٢، گناه کار ٣٦، گناه کارانْ ٥٣، گناهکاران ٦١، گناه کار آن ٩٤، گناه نهند گان ١١٤، گنه کنند گان ١١٦

مَجْرِيٰهَا: وَقَالَ ٱرْكَبُوا۟ فِيهَا بِسْمِ ٱللَّهِ مَجْر۪ىٰهَا وَمُرْسَىٰهَآ (٤١:١١)
راندن ١، رفتن ٢، رفتن جای ٤٨، رَاندَن ٥٥، رود گردان ٦١، راننده ٧٦، روانه شدن ٧٩، بردن ١٠٠، روان کننده ١٣٦

مَجْمَعَ: لَآ أَبْرَحُ حَتَّىٰٓ أَبْلُغَ مَجْمَعَ ٱلْبَحْرَيْنِ (٦٠:١٨)
بهم آمدن جای ١، جای گرد آمدن ٣، فراهم رسیدن ٨، جایگاه ٢٤، جای بهم آمدن ٣٨، بهم جا آمدن ٣٩، جای فراهم آمدن ٤٣، گرد آمدن ٥٢، بهم برامدن ٥٣، جای فراهم آمَدن ٦١، بیکجای آمدن ٦٣، بهم رسیدن ٧٦، بهم آمدن ٨٤، فراهم آمدن ٩٠، گرد آمدن گاه ٩٤، گرد آمدنگاه ٩٦، جای بهم پیوستن ١٠٩، جای گرد کرده ١١٩، جای آمدن ١٢٨

~: فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا (٦١:١٨)
آمدن گاه ٢، گرد آمدن جای ٤١، گرد آمدن گا[ه] ٥٢، جای گردَ آمَدَن ٥٥، گردشدن ٥٨، گرد کردن ٦١، جای گردشدن ٧٤، فراهم رسیدن ١٣٤

مَجْمُوعٌ: ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ ٱلنَّاسُ وَذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ (١٠٣:١١)
بهم کرده ١، گِرد آورده ٢، گرد آورده شده ٣، واهم آورده ٢٩، فراهم آورده شوند ٣٦، گرد کرده ٣٨، گردَ آورَدَه شدَه ٥٥، گرد کردَه ٥٧، گرد کنند ٩٣، فراهم آورده شده ١٠٢، گرد شده ١١١، گرد آوردن ١١٩، گرد آمده ١٢٤

لَمَجْمُوعُونَ: قُلْ إِنَّ ٱلْأَوَّلِينَ وَٱلْءَاخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ (٥٠:٥٦)
بهم کردگان ١، گرد کردگان ٣، همه گرد آمده ٤١، گرد کرده ٦١، فراهم آرند ٨١، همه را گرد آرند ١٠٨، فراهم آورده شدگان ١٠٩

مَجْنُونٌ: وَقَالُوا۟ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِى نُزِّلَ عَلَيْهِ ٱلذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (٦:١٥)
دیوانه ١، دِیوانه ٢، دیوَانَه ٥٥، دِیوَانَه ٦٢

~: قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ ٱلَّذِىٓ أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (٢٧:٢٦)
دیو آنه ٩٤

~: وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوٓا۟ ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (٣٦:٣٧)
دیوانه شده ٩٩

~: فَذَكِّرْ فَمَآ أَنتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ (٢٩:٥٢)

دیبانَهْ ٥٣

ٱلْمَجُوسَ: وَٱلَّذِينَ هَادُوا۟ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلْمَجُوسَ (١٧:٢٢)
گوران ٢، گبرکان ٢، مغان ٣، گبران ٢٩، مُغان ٥٦، گبرگان ٩٦، گبرکان و مغان و آتش پرستان

١٠٩، زنار داران ١١٥، بت پرستان ١٢٤، آتش پرست ١٣٦

مُجيب: إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ (١١:٦١)
پاسُخ کُننده ٢، پاسخ کننده ٣، پاسخ کننده خوانند گان ٤١، پاسخ دهنده ٤٣، پاسُخ کُننده ٥٥، پاسخ کنند ٧٩

اَلْمُجيبُونَ: وَلَقَدْ نَادَىٰنَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ (٣٧: ٧٥)
پاسَخ کُنند گان ٢، پاسخ کنند گان ٣، پاسخ کننده ٢٤، پاسخ کننده گان ٣٣، پاسخ کنند ٦١

اَلْمَجيدُ: رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ (١١:٧٣)
بُزر گوار ٥٥، شکوه مند ٥٩، کریم ٧٩، بزرگ وار ٨٠، پاکیزه ١١٢

~: قٓ وَالْقُرْءَانِ الْمَجِيدِ (٥٠:١)
بزرگوار ١، ستوده ٤٣، استوار ١٢٤

~: وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (٨٥: ١٥)
بزرگ ٣٠، نگاهدارنده ٧٨، بزرگ کننده ٩٨

مَحاريب: يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِن مَّحَارِيبَ وَتَمَاثِيلَ (٣٤:١٣)
جایها بزرگ ٣، مزگتها ٢٤، کوشکها ٥٢، جایهای بزرگ ٨٠، نماز گاهها مزگتها ١٠٩، باورها ١١٤

اَلْمِحال: وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ (١٣:١٣)
پیکار ١، کین کشیدن ٥، پیکار کننده ٥٨، سازش نهانی ١٠٩

مَحَبَّةً: وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي (٢٠:٣٩)
دوستی ١، دُوسْتي ٢، دوشتی ٧٦

مُحْتَضَر: وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ (٥٤:٢٨)
بجای امده ٦٩، آمده شده ١٠٩

اَلْمُحْتَظِر: فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ (٥٤:٣١)
تنک[1] بستار ١، بدیوار بازمانده ٢، بپای کوفته ٢٤، بر کنده و شکسته ٣٠، بر کنده ٣٥، بازمانده ٣٨، افکنده ٤٢، پراکنده و خشک ٤٣، مالیده و شبگاه گوسفند کرده ٤٩، ریزیده شده ٥٦، شکسته ٦٩، شبگاه سازنده ١٠٩، نیم خورده ١١٧، خشک ١٢١، درهم شکسته ١٢٣، بهم چسبیده ١٢٩

لَمَحْجُوبُونَ: كَلَّا إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ (٨٣: ١٥)
بشرد گان[2] ١، بازداشته ٢٤، بازداشتگان ٥٦، درپرده ٩٠، اندر پرده باشند ١٠٨، بازداشته شد گان ١٠٩، پرده شد گان ١١١، بازداشته شده بودند ١١٤، در پرده شد گان ١١٦، در پرده باشند ١٢٤، در پردهٔ ناامیدی باشند ١٣٦

مَحْجُورًا: لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا (٢٥:٢٢)
بازداشته ٢ و ٣٨، واداشت ٢٠، دور کرده ٤٢

~: وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا (٢٥:٥٣)
بشرده[3] ١، بازداشته کرده ٢، بازداشته شده ٣، بسته ٢٠، استوار ٢٤، واداشته ٢٩، پردهء بازداشته ٤١، پرده کرده ٨٧

مُحْدَث: مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ (٢١:٢)
نوا[4] ١، نَو کرده ٢، نو کرده ٣، نوافتاده ١٢ و ٨٤،

---

١. فاشه ی تنک بستار = هشیم المحتظر: خاشاکی ریزه.
٢. بشرد گان: بازداشتگان ؛ پوشید گان.
٣. بشرده: بازداشته.
٤. نوا / نو.

پدید آورده ۲۹، نو آفریده ۷۶، از نو پدید آمده ۱۰۸، نو و تازه ۱۰۹، نوپیدا شده و فرود آمده ۱۱۱، پند نو ۱۳۲، نو فرستاده شده ۱۳۳

~: وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَٰنِ مُحْدَثٍ (۵:۲۶)
نو فرو فرستاده ۲، نو ۲۰، تازه ۲۴، پدید کرده ۲۹، نو فرستاده ۳۹، نو آورده ۴۲، نو نهاده ۴۳، فرود آمدن ۷۸، تازه و نو ۹۴، نو آورد ۹۶، نو آورده شده ۱۰۲، نو فرستاده شد ۱۱۱، نو آفریده ۱۱۹، نو کرده شده ۱۲۱، نو پیدا شده ۱۳۰، نو پدید آورده شده ۱۳۵

مَحْذُورًا: إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (۵۷:۱۷)
ترسیده ۱، ترسیده شده ۳، ترسنده ۲۴، پرهیز جسته ۴۱، بجای ترسیدن ۴۲، بازداشته ۴۳، بجای ترسیدن ۵۲، ترسانیده ۵۳، تَرسیدَه شُدَه ۵۵، پرهیزده ۵۶، پرهیزیده ۵۷، بباید ترسید ۶۲، ترسیده از آن ۷۲، ترساننده ۷۶، جای ترسیدن ۱۰۵، پرهیز کرده ۱۱۳، ترسیدنی ۱۲۸، ترسناک ۱۳۷

اَلْمِحْرَابَ: كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ (۳:۳۷)
مزگت خانه ۱۰، جایگاه نماز ۳۶، ورواره ۵۸، نماز جای ۱۰۹، باور ۱۱۴

~: فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ (۳:۳۹)
پیش گاه ۳۰، پیشگاه ۵۵

~: فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ (۱۹:۱۱)
مزگت ۴۴، نمازگاه ۴۸

~: وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ (۳۸:۲۱)
جای نماز ۷۹، بالای خانه ۱۱۶، دیوار جای نماز ۱۳۰

مُحَرَّرًا: رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا (۳:۳۵)
آزاد کردَه ۲، آزاد کرده ۳، آزاد ۲۴، آزاد گردَه ۴۲، آزاد کَرْدَه ۵۵، آزاده کرده شده ۶۱، آزاد شده ۱۲۷، آزاد گردانیده ۱۳۵

مُحَرَّمٌ: وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ (۲:۸۵)
ناشایست کردست ۳، نَاشَایِسْتَه گَرْده ۵۵، بسته کرده شده ۱۰۹، ناشایسته کرده ۱۱۴

~: خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا (۶:۱۳۹)
بازداشته شده ۲۷، بازداشته ۸۲، حرام کرده ۱۰۴، بسته و بازداشته ۱۰۹

~: بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِندَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ (۱۴:۳۷)
شکوه مند کرده ۵۹، شکهمند ۱۰۲، شکوه مند ۱۱۲، بزرگ داشته ۱۲۱

مُحَرَّمَةٌ: قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً (۵:۲۶)
بسته کرده شده ۱۰۲، بازداشته شده ۱۰۹

اَلْمَحْرُوم: وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۵۱:۱۹)
بشرده[۱] ۱، نایافته ۲، بی روزی ۳، تنگ روزی ۲۴، بازداشته ۴۲، بی زبان ۵۳، بی بهرگان ۶۱، سرباز داشتگان ۹۵، بی روزی ناخواهنده ۷۹، بیروزی ۸۰، بی بهره ۱۰۳، بیروزی ناخواهنده ۱۱۳، کم روزی ۱۲۱، بی روزیان ۱۲۲، نه خواهنده ۱۳۸

~: وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۷۰:۲۵)
نایابنده ۲، ناخواهنده ۶، بازدارنده ۳۹، بی روزی و ناخواهنده ۷۹، نخواهنده ۸۹، بی روزی مانده ۱۰۲، بی روزی کرده شده ۱۰۹، بی روزی خواهنده ۱۱۳

مَحْرُومُونَ: إِنَّا لَمُغْرَمُونَ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۵۶:۶۷)

---

۱. بشرده = مَحْرُوم: بی روزی و بی بهره.

بشرد گان ۱، بی بهره کرد گان ۳، بی روزی ۲۹، نومیدان ۳۰، بی بهرگان ۴۱، بازداشتگان ۴۲، بازداشتگان ۵۲، بی روزی کرد گان ۷۹، باززد گان ۹۴، دولت گشتگان ۹۵، بی بهره ماند گان ۱۱۱، بی بهره گان ۱۲۲

~: قَالُوٓاْ إِنَّا لَضَآلُّونَ بَلۡ نَحۡنُ مَحۡرُومُونَ (۶۸:۲۷)
بازداشته گان ۲، بی روزیان ۳، بی برخ ۲۴، بازدارند گان ۳۹، تنگ روزیان ۸۹، تنگ روزیآن ۱۰۰، بی روزی ماند گان ۱۰۲، بی روزی کرده شد گان ۱۰۹، بی روزی کرده گان ۱۱۳، بیروزیان ۱۱۴، بی بهره شد گان ۱۲۲، بی دوستان ۱۲۴، بیروزی ماند گان ۱۲۹

مُحۡسِنٌ: بَلَىٰ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٌ (۲:۱۱۲)
نیکوکار ۲، نیکوا کار و نیکوا کردار و نیکوا گفتار ۱۰، نیکو ۲۴، نیکوخواه و نکو گفتار و کردار ۴۰، نکو کار ۴۱، نیکو گار ۴۲

~: مِّمَّنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٌ (۴:۱۲۵)
نیکو کار ۱، نیکوا گوی و نیکوا کار و نیکوخواست ۱۰، نیکو کردار ۴۹، نیکوا کار ۵۷، گرویده باشد و نیکو کار ۵۸، نیکوئی کننده ۱۱۶

~: وَمَن يُسۡلِمۡ وَجۡهَهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٌ (۳۱:۲۲)
ویژه کننده ۴۷

~: وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحۡسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفۡسِهِۦ مُبِينٌ (۳۷:۱۱۳)
نیک کردار ۳۳، نیکوئی کننده ۸۷، نیکوی کننده ۹۹

لِلۡمُحۡسِنَاتِ: فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡمُحۡسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجۡرًا عَظِيمًا (۳۳:۲۹)
نیکوی کناران ۱، نیکو کاران ۳۴، زنان نیکو کار ۴۸، نیکویی کنند گان ۵۶، زنان نیکو کار ۶۱، زنان نیکو ۷۶، نیکزنان ۹۹، نیکو کار آن ۱۰۰، نیک زنان ۱۰۶، نکو کاران ۱۲۵

مُحۡسِنُونَ: وَّٱلَّذِينَ هُم مُّحۡسِنُونَ (۱۶:۱۲۸)
نیکویی کناران ۱، نیکو کاران ۲، نیکو کاران ۲۴، نیکُو کاران ۵۵، نیکوئی کردند ۱۰۰، نکو کاران ۱۱۵، نیکو کنند گان ۱۱۹

مُحۡسِنِينَ: نَّغۡفِرۡ لَكُمۡ خَطَٰيَٰكُمۡۚ وَسَنَزِيدُ ٱلۡمُحۡسِنِينَ (۲:۵۸)
نیکو کاران ۲، نیکوا کاران ۱۰، نیکُو کاران ۵۵

~: وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ (۲:۱۹۵)
نیکان ۳۶، نیکو کان ۱۳۸

~: وَعَلَى ٱلۡمُقۡتِرِ قَدَرُهُۥ مَتَٰعَۢا بِٱلۡمَعۡرُوفِۖ حَقًّا عَلَى ٱلۡمُحۡسِنِينَ (۲:۲۳۶)
نیکوی کناران ۱، نیکُو کاران ۴۲، نیکو کار آن ۹۴

~: إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ (۵:۱۳)
نیکوا کاران ۱۰

~: ثُمَّ ٱتَّقَواْ وَّأَحۡسَنُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ (۵:۹۳)
نیکویی کنند گان ۷۶

~: وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ (۶:۸۴)
نیکوا کاران و نیکوا گویان و نیکوا سگالشان ۱۰

~: إِنَّ رَحۡمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ (۷:۵۶)
نیکوا گفتاران و نیکوا کرداران ونیکوا خواهند گان ۱۰

~: مَا عَلَى ٱلۡمُحۡسِنِينَ مِن سَبِيلٍ (۹:۹۱)
نیک کرداران ۲

~: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ (۹:۱۲۰)
نیکو کرداران ۲۷

~: وَٱصۡبِرۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ (۱۱:۱۱۵)
نیکو کان ۵۷، نیکو کنند گان ۱۱۱

~: فَخُذۡ أَحَدَنَا مَكَانَهُۥٓۖ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ (۱۲:۷۸)
نکو کاران ۲، نیکو کاران ۷۶

~: ءَاتَيْنَـٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلْمُحْسِنِينَ (۱٤:۲۸)

نیکوان ۱۰۳

~: تِلْكَ ءَايَـٰتُ ٱلْكِتَـٰبِ ٱلْحَكِيمِ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ (۳:۳۱)

نیکوی کاران ۳۰، نیکان ۸۷

~: إِنَّهُمْ كَانُوا۟ قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ (۱٦:۵۱)

نیکوی کنندگان ۹۹، نیکوکاران ـ فرمان بران ۱۰۹

مَحْسُورًا: وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ ٱلْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (۲۹:۱۷)

سر برهنه ۱، پشیمان گشته ۲، پشیمان زده ۳، بازمانده ۸، رنجه شده ۳٦، مانده شو ۳۹، برهنه ٤۱، اندر مانده ۵۳، کُند مانده ۵۷، رنجه و مانده ۵۹، تهی دست ٦۳، دریغ خورده ٦۹، مانده گشته ۷۸، پشیمانی زده ۸۰، مانده گردانیده ۸۳، رنجیده شده ۹۰، پشیمان ۹۱، رنج شده ۹۲، پشیمان گشته ۹٤، پشیمان گردانیده ۹٦، رنجور ۱۰۲، پشیمان شده ۱۰۹، درمانده ۱۱٦، برهنه شده ۱۲۲، برهنه شده یا درمانده ۱۲۷، درمنده ۱۳۰، بند شده ۱۳۳

مَحْشُورَةً: وَٱلطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُۥٓ أَوَّابٌ (۱۹:۳۸)

گرد آورده ۲، گرد کرده ۳، گرد آوَرْده ۲۲، گرد کردَه ٤۲، گرد کرده شده ٦۱، گرد بر گرد پرزده ۹۹، برانگیخته شده ۱۰۲، برانگیخته ۱۰۹

مُحْصَنَاتٌ: وَٱلْمُحْصَنَـٰتُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَـٰنُكُمْ (۲٤:٤)

پاک دامنان ۱، بَاشُویان ۲، آزاد زنان بشوی داده ۳، زنان شوی مَنده ۱۰، خداوندان شوی ۲۷، آزادان پاک دامنان ۲۹، زنان آزاده شوی داده ۳۰، آن زنان که شوهر دارند ٤۰، پاک دامنان شایسته ٤۱، زنان شوهر دارنده ٤۸، پاکان ۵۳، زَنان آزاد بُشوی دَاده ۵۵، زنان شوی داشته ۵٦، زنانی که شوهر دارند ٦۰، زنان پرسایان ٦۱، هر که شوی دارد ٦٤، زنان شوهردار ٦۷، آنانکه شوهر دارند ۷٦، زنان پاکان ۸۸، زنان با شوی ۹۱، پاک دامنآن ۹٤، زنان آزاد بشوی داده ۹۷، نیکودارندگان شویان ۹۸، نگاه داشته شده ۱۰۵، شوهرداران ۱۱۱، زنانی که آزادند ۱۱٤، پاکان از گناه ۱۲٤

~: ..... وَءَاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ مُحْصَنَـٰتٍ غَيْرَ مُسَـٰفِحَـٰتٍ (۲۵:٤)

آزادان ۱، آزادان پاک دامانان ۲، پارسایان ۳، زنان آزاد ۳، پرستاران پارسا و بسامان ۱۰، زنان پارساء خویشتن دار ۲۷، پرهیزگار ۲۹، خویش کاران ۳۹، پرستاران شوی دار بسامان و پارسا ٤۰، زنان آزاد شایسته ٤۱، زنان آزاد شوهر کرده ٤۱، زنان شایسته ٤۱، پاک دامنان ٤۲، زنان پاکیزگان آزاد ۵۳، پَارسَایان ۵۵، زنان شوهردارندگان ۵۷، بسامان کاران ۵۸، زنان آزاد بسامان ۵۸، زنان پارسایان ٦۱، پرهیزکار ٦۲، شوی کردگان ٦۳، خویش داران ۷۲، ازادگان پاک دامنان ۷۸، پاک دامنان پاک کاران ۸۳، کنیزکان پاک دامن ۸٤، زنان پارسای ۸۹، خوش کاران ۹۲، آزادگان پاک دامنان ۹۸، نیکزنان ۹۹، زنان آزاده ۱۰٤، آزادان و پاک دامنان ۱۰۵، زنان آزاد بی شوهر ۱۱۱، پاک و آزاد ۱۲٤، پاکیزگان آزادان ۱۲٤، آزادان و پاک دامانان ۱۲۵، بازدارندگان ۱۳۵، زنان شوهر داشته ۱۳٦

~: وَٱلْمُحْصَنَـٰتُ مِنَ ٱلْمُؤْمِنَـٰتِ وَٱلْمُحْصَنَـٰتُ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَـٰبَ (۵:۵)

پاک دامانان پاک کاران ۲، زنان پاکیزگان ۲۹، نیک زنان ۳۰، پاکیزه زنان ۳۱، زنان شوهر دیده ٤۱، پاک دَامنان ٤۲، زنان پارسا آزاد ۵٦، زنان آزاد پارسا ۵٦، زنان پارساان و آزادان ۵۷، زنان پاک و پارسا ۵۷، زنان پرهیزکار ٦۲، زنان آزاد و پرهیزگار ٦۵، پاک کاران ۹٤، آزاد زنان و پاک دامنان ۱۰۲، زنان پارسان ۱۱۰، زنان پاکدامن ۱۲٦

~: وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ (۲۴:۴)
زنان پارسا ۳، زنان پاکیزه ۳۰، زنان شوی دار ۳۹، زنان آزادگان ۵۴، آزادگان ۶۲، زنان خوش کام ۷۷، زنان پاک دامنان ۱۲۸، زنان پارسای شوهردار ۱۳۶، آزاد ۱۳۹

~: إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ (۲۴:۲۳)
زنان پاک ۲۴، پاکیزه دامن ۵۶، زنان آزاد و پارسا ۷۲، زنان نیکوکاران و آزاد ۹۹، آزاد زنان پارسا ۱۰۹

★ مُحْصَنَاتُ الْمُؤْمِنَاتِ: أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ (۴:۲۵)
زنان آزاد گرویده ۵۶

مُحَصَّنَةٍ: لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرًى مُحَصَّنَةٍ (۵۹:۱۴)
بنیاد کرده ۱، اِستُوار کرده ۲، استوار کرده ۳، استوار ۲۴، اُستوار کرده ۳۰، اَستوار ۴۲، نگاه داشته ۴۳، استوار کرده بدزد کرده ۸۱، استوار کرده شده ۹۹، بارو ۱۱۱، استوار کرد ۱۳۹

مُحْصِنِينَ: أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ (۴:۲۴)
پاک دامنان ۱، پاک دامانان ۲، خویشتن نگاه دارندگان ۲۷، پاک دامنان پاک کاران ۲۹، خویشی کاران ۳۹، زنان داران ۴۰، شایستگان ۴۱، زنان پارسا ۴۳، پاکان ۵۲، پارسایان ۵۵، زنان بسامان ۵۸، نیکوکاران ۶۱، پرهیزکار ۶۲، زن کنندگان ۶۳، خویشتن داران زن کنندگان ۶۷، نگاه‌دارنده ۱۰۴، پاک زنان ۱۱۰، پارسا ۱۱۴، زن کننده گان ۱۳۶

~: إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ (۵:۵)
پارسایان ۳، پرهیزگار باشند ۲۹، نهفتگان و پاگیزگان ۴۹، بزنی کنندگان ۵۸، پاک دامنان ۸۸، زن خواهندگان پارسایان ۹۱، زن کنندگا[ن] ۱۰۶

مُحْضَرًا: يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا (۳:۳۰)
بجاءَ آورده ۲، نوشته ۲۵، بجای آوُردَه ۴۲، بجای آورده ۵۲، پدید کرده شده ۹۰

مُحْضَرُونَ: فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (۳۰:۱۶)
حاضر آوردگان ۴۶، بجای آورده ۶۵

~: أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (۳۴:۳۸)
بجا آوردگان ۲، بجای آمدگان ۲۲، بازداشته ۲۴، بجای آوردگان ۳۰، آورده شوند ۳۹، بجا آورده گان ۹۵

~: وَإِنْ كُلٌّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (۳۶:۳۲)
بازداشتگان ۲۴، آورده شدگان ۱۰۹

~: لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ (۳۶:۷۵)
پیش ایستاده ۲۴

~: فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (۳۷:۱۲۷)
بجاء آوردگان ۲

مُحْضَرِينَ: ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (۲۸:۶۱)
بجای آوردگان ۳۰

~: وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (۳۷:۵۷)
بازداشتگان ۲۴، آوردگان ۳۰، آورندگان ۱۰۸، آورده شدگان ۱۰۹، گرد آمدگان ۱۲۹

مَحْظُورًا: وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (۱۷:۲۰)
بشرده[1] ۱، بازگرفته ـ بازداشته ۲، بازداشته ۳، واداشت ۲۴، بازداشته از نیک ۴۹، بازداشتَهٔ ۵۳، بَازدَاشْته ۵۵، بریفت ۵۹، بازداشت ۹۰، بازداشت

---

۱. بشرده: بازداشته، باز گرفته.
۲. بریفت / گریفت = گرفت، گرفته.

شده ۹۲، بازگرفته ۹۴، بازداشته شده ۹۹، بند کرده ۱۱۳، بازدارنده ۱۱۸، بازگرفته ۱۲۸

مَحفوظًا: وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا (۲۱: ۳۲)
نگه داشته ۱، نگاه داشته ۲، نگاه داشته شده ۳، نگاه داشته ۵۳، نگاه دآشته ۹۴، نگاهداشته ۱۰۸، نگاشته از رفرح ۱۱۳، نگهداشته ۱۲۵، نگاهداشته شده ۱۳۱

مَحفوظٍ: بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ (۸۵: ۲۲)
نگاشته ۲، نگهداشته شده ۱۱۶، نگه بداشته ۱۳۸

مُحکَمات: مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ (۳: ۷)
پیدا ۲۹، استوار ۳۶، استوار کرده ۴۱، پیدا ۶۲، پدید کرده ۹۶، درست کرده شدگان ۱۰۹، روشن ۱۲۳

مُحکَمَة: فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ (۴۷: ۲۰)

اُستوار کرده ۲، استوار کرده ۳، درست کرده ۶، درست ۲۹، استوار ۶۱، درست و استوار ۱۰۹

مُحَلِّقِینَ: إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ (۴۸: ۲۷)
ستر داران ۱، ستردگان ۲، سترندگان ۳، سترده سرها ۲۴، تراشیده ۲۹، موی ستردگان ۳۸، موی سترندگان ۳۹، سر ستردگان ۴۱، تراشندگان ۴۲، بسترند ۵۳، موی سر سترندگان ۶۱، استردگان ۶۹، بسترده ۷۸، اُستردگان ۹۴، ستُرنده ۱۰۴، سترده ۱۰۵، سر تراشندگان ۱۱۹، ستر کان ۱۳۹

مَحِلَّهُ: وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ (۲: ۱۹۶)
جایگاه ۲، کشتن گاه ۱۰، جا ۷۶، جای کشتن ۸۴، جایگاه کشتن ۹۲، جای فرود آمدن ۱۰۲، جای فرو آمدن ۱۰۹

~: وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ (۴۸: ۲۵)
جاء کُشتن ۲، جای ۶، جاء ۳۹، جای کُشتن ۵۶، جای بسمل کردن ۶۷، جای کشتن ۸۱، کشتن گاه ۸۷

مَحِلُّهَا: ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۲۲: ۳۳)
جای گشتن ۱۲، جای فرود آمدن ۴۳، فروآمدن جای ۵۶، جای کشتن ۸۷، جای بازگشتن ۸۸، فروآمدن ۱۰۶، فرود آمدن ۱۳۴، بسمل جای ۱۳۹

مُحَمَّد: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ (۴۸: ۲۹)

ستوده شده ۹۹

مَحْمُودًا: عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا (۱۷: ۷۹)
ستوده ۲، پسندیده ۲۹، سُتُوده ۵۳، ستوده ۵۵، سپاس داری کرده ۵۶، ستوده شده ۶۱

مَحَوْنَا: فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ (۱۷: ۱۲)
محا کردیم ۱، ناپیدا کردیم ۲، ناپدید کردیم ۳، بستردیم ما ۲۹، پاک کردیم ۴۱، ناپیدا کردیم ۵۲، بستردیم ما ۵۷، گم کردیم ما ۵۸، ناچیز کردیم ما ۶۱، برانداختیم ۹۱، نیست کردیم ۱۱۴، گستردیم ۱۱۸، پنهان کردیم ما ۱۲۴

مَحْیاهُمْ: سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ (۴۵: ۲۱)
زندگانی ۱، زندگی ۲۲، زندگانی ۵۳، زیست ۱۰۰، زیستن ۱۰۴، زنده شده ۱۰۶، زندگیشان ۱۱۴، زنده بودن ۱۳۶

مَحْیایَ: قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ (۶: ۱۶۲)
زندگانی ۱، زیستن ۲۹، زیست ۳۹، زنده ۵۳، زندگانی ۵۵، زندگی ۹۹، زندگانی من ۱۰۵، زندگی من ۱۰۶

مَحیصًا: أُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا (۴: ۱۲۱)
گریختن جای ۱، رهایی ۲، گریختن گاه و پناه ۱۰، پناه ۲۴، گریختن گاه ۲۷، جای گریز ۳۰، رستن ۳۱، گریز جای ۳۶، گشتن گاه ۳۸، گزندگاه ۴۱، جای گریز ۴۲، گریز ۴۳، جای گریختن ۴۹، جای

گُریز ۵۵، رستگاه ۵۷، گریز جای و گریختن ۵۸، رستگاری ۶۰، گریزگاه ٦١، رهایش ٦٤، جای گشتن ۷۲، گریز جا ۷۸، رستی ۸٤، رهش گاه ۹٦، ریستن ۱۲٤، گریختن جایی ۱۳۸

مَحِيص: سَوَآءٌ عَلَيْنَآ أَجَزِعْنَآ أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِن مَّحِيصٍ (۱٤:۲۱)
گریختن جای ۱، گریختن گاه ۳٤، گریز جای ۳٦، نگاه دارنده ۳۹، رستگاری ٤١، رهایی ٤٨، چاره ۵۲، رَستَنْ ۵۳، گُریزگاه ۵۵، رستن گاه ۵۷، فریادرس ۷۹، پناهی ۸٤، گریزگاه ۱۰۰، پناهگاه ۱۰۲، بازداشت ۱۱۲، فریادرس ۱۱۳

~: وَظَنُّوا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ (٤١:٤٨)
جاء گُریختن ۲، جای گریختن ۲۲، رهاننده ۲٤، گریز ۲۹، پناه جای ٦۵، رستن و گریختن ٦٧، گریز جای و پناه جای ۷۲، گریز جاء ۹۰، نگاهدارنده ۱۱۵، گریختن جا ۱۳٤

~: وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ (٤٢:۳۵)
جای گریختن ۱٦، جای گُریختن ۲۲، رستن ۳۰، پناه گاه ۱۱۹، پناه و گریزگاه ۱۲٦

~: فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ (۵۰:۳٦)
پناه ۲٤، گریختن ۳۰، جای گریز ۵۱، رَستِگاری ۵۳، جای گریزْ ٦١، رستگاری و گریختن ٦٧، گریز جا ۹۰، کریزگاه ۱۲۰

الْمَحِيض: وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ (۲:۲۲۲)
بی نَمازیِ زنان ۲، بی نماز شدن زن ۳، بَی نمازی ۱۰، بی نمازی زنان ۲۷، جای بی نَمازْ شدن زَن ۵۵، بی نمازی زن ٦٧، ناپاکی ۱۰۹، بینمازی ۱۲۵

~: وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِن نِّسَائِكُمْ (٦۵:٤)
بی نماز شدن ۳، ناپاکی و سرشستن ۸۱، نماز کردن ۸۸، از نماز بریدن ۹۵، بی نماز بودن ۱۲۱، نماز بریدن ۱۲٤

مُحِيطًا: وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (٤:۱۰۸)
در گرفتار ۱، آگاه بَر رسیده ۲، دانا ۳، دانا و بینا و شنوا ۱۰، آگاه ۲٤، دانا و بینا ۲۷، در گرفته ۳۹، آگاه ٤۲، دَانَا ۵۵، دانا و گرد بر آمده ۵۷، آگاه و در گرفته و بررسیده ۵۸، در گیرنده ۷۵، آگاه بر رسیده ۷۸، آگاه و بررسیده ۹٤، آگاه بر رسنده ۹۸، دانا و رسیده ۱۲٤، آگاه و بو رسیده ۱۲۸

~: وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا (٤:۱۲٦)
دانا تُوانا ۲، اگاه و توا ٤۲، دریابنده ٤۳، آگاه و دانا ٤۵، گرد بر آمده و دانا ۵۷، رسیده و در گرفته ۵۸، دانا و تُوانا ٦۲، در گرفته ٦٤، فرا گرفته ۷۵، دانا ۱۰۰، فرارسنده ۱۰۲، وارسنده ۱۱۱، اندر رسیده ۱۲٤

مُحِيطٌ: وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (۲:۱۹)
نَیک داند ۱۰، گرد آرنده ۲٤، گِرْدْ دَر گِرفته ۵۵، فرو گیرنده ۹٦

~: إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۳:۱۲۰)
در گرفتار ۱، دانا ۲، دانا و بینا اُو شنوا ۱۰، اندر گرفته ۲۳، دانا و بینا و شنوا ٤۰، دَانَا ٤۲، دَانَا ۵۵، در گرفته ۵۸، گیرنده ٦۹، گرد دانا ۹۸، رسنده ۱۳۳

~: وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۸:٤۷)
دانا و بینا و آگاه ۱۰، آگاه ۱۱، آگاه و دانا ۲۷، دانسته ۵۸، آگاه و دانسته ۸۳

~: وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ (۱۱:۸٤)
گِردْ اندر گیرنده ۲، گرد در گرفته ۳، گرد ۷ مکرّر، فراگیرد همه را ٤١، گرد بر آینده ٤۲، گرد اندر گیرنده ۵۲، گرد اندر آید ۵۳، گِرد دَر گرفته ۵۵، گرد در گیرنده ۵٦، گرد بر آمده ۵۷، دریافته ۷۵، گِرد در آمده ۷٦، اندر گیرنده ۹٦، گرد در آمده باشد ۱۱۳، گرد اندر گیرند ۱۲۸

~: إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۱۱:۹۲)

بررسیده ٢، دریابنده ٣٩، فراگیرنده ٦٥، برسیده ٩٦، رسیده ١٢٤

~: أَلَآ إِنَّهُۥ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌۢ (٤١:٥٤)
آگاه و اندرْ یافته ٢، آگاه و دانا و اندر رسیده ١٦، آگاه و دانا ٢٢، فرارسنده ٦٥، گرفته ١١٠، وارسیده ١١١، وارسنده ١١٦، فرارسیده ١٣٠

~: وَٱللَّهُ مِن وَرَآئِهِم مُّحِيطٌۢ (٨٥:٢٠)
گِرد درگرفته ٢، درگیرنده ٤١، دانا و فرارسنده ١٠٢، درآمده ١٢٤

لَمُحِيطَةٌ: وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌۢ بِٱلْكَٰفِرِينَ (٩:٤٩)
درگرفتار ١، اندر گرفتسْت ٢، گرد درگرفته ٣، گرد اندر گرفته ١١، درگیرنده ٢٧، گرد درآیند ٢٩، فراز گیرنده ٣٦، گرد درگیرنده ٣٩، گِرْد بَر گِرْد گرفته ٥٥، دانا ٦١، گرد درآینده ٦٣، گرد درآرنده ٧٩، گرد در گرد گرفته ٨٠، گِرد اندر گرفته ٨٣، گرد بر گرده ٩٢، گرد گیرنده ٩٦، گرد دراینده ١٠٠، درآینده ١٠٤، گرد آمده ١٠٧، گرد درآمده‌ست ١١٣، گرد ورآینده ١٢٦، گرد گرفته ١٢٨

~: وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌۢ بِٱلْكَٰفِرِينَ (٢٩:٥٤)
گرد اندر آمده ١٤ و ٣٤، گرد درآمده ٤١، ساخته و تمام فرا رسیده ٤٧، اندر گرفتَه ٥٣، درگرفته ٥٨، گرداگرد درگیرنده ٦١، گرد درآینده ٨٦، فرارسنده ١٠٢، گرد برآینده ١٠٤، گرد درگرفتست ١٠٨، فرارسنده و گرد برآینده ١٠٩، فروگرفته ١٢٠، گرد برگیرنده ١٢٦، فراگیرنده ١٣٢، گرد کننده ١٣٨

مُحْيِي: إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِ ٱلْمَوْتَىٰ (٣٠:٥٠)
زنده کنار ١، زنده گرْدانَنْده ٥٣، زنده گرداننده ١٠٣

~: إِنَّ ٱلَّذِيٓ أَحْيَاهَا لَمُحْيِ ٱلْمَوْتَىٰٓ (٤١:٣٩)
زنده کنند ٣، زنده کنذْ ٢٢، زنده می کند ٥٦، زنده کند ٦١

ٱلْمَخَاضُ: فَأَجَآءَهَا ٱلْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ ٱلنَّخْلَةِ (١٩:٢٣)
درد زادن ١، دَرْد زادن ٣، درد زه ٢٤، درد فرزند نهادن ٤٤، دَرْد زَادنْ ٥٣، بار نهادن ٦٢، درد زه - زادن ٦٧، درد زائیدن ٧٤، اثر بار نهادن ٧٦

ٱلْمُخْبِتِينَ: فَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ فَلَهُۥٓ أَسْلِمُواْ وَبَشِّرِ ٱلْمُخْبِتِينَ (٢٢:٣٤)
نرم شداران ١، فروتنی کنندگان ٣، آرامیدگان ١٢، پرستندگان ٣٠، فرمان برداران ٤١، فروتنان ٤٣، فروتنان و ترس کاران ٥٦، ترسکاران ٦٥، خدای ترسان ٧٨، گردن نهندگان ٩٤، نرم دلان ١٠٢، فروتنان و ترسکاران ١١١

مُخْتَالًا: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (٤:٣٦)
گشی کناری ١، کشیِ کُننده خویشتن بیننده ٢، خرامنده ٣، خرامَندَه و کش ١٠، خرامان ٣٦، خرامنده و کش و نازنده ٤٠، فریبنده ٤١، کشی کُندَه ٤٢، خرامنده بکشی ٤٣، کشی کننده ٥٢، خَرامَندَه ٥٥، بارنامه کننده ٥٧، کشی کننده و کینه کش ٦٧، خرامیده ٦٩، خویشتن بیننده ٨٢، گشی کننده ٨٣، دامن کشنده ٨٨، درِ رفتن خرامنده ٩٠، خرامَنْدَه ٩٤، خواهنده ١٠٤، خُرامند ١١٤، گردن کش ١٢١، سرکشی کننده ١٢٥، خویشتن بیننده ١٢٨، خودپسند ١٢٩

مُخْتَالٍ: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (٣١:١٨)
گشیّ کناری ١، گشیِ کُننده ٢، کشی ٢٤، کستی کننده ٣٠، کسی کنندگان ٣٦، فریبنده ٤١، خرانـنده ٤٦، گشنده ٤٧، سرکشی کن ٥٣، کشی کننده نازنده ٩٨، کشتنی کننده ١٠٨، خودمند ١١٠

~: وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (٥٧:٢٣)
خرامنده ٢، کرامنده ٣٩، خرامَنده ٤٢، کشی کننده ٤٩، خرامانده ٩٤، کیشی کننده ١٠٩

مُخْتَلِفًا: وَٱلنَّخْلَ وَٱلزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُۥ (٦:١٤١)
ناهموار ۲، گوناگون ۳، گونه گونه رنگارنگ کهتر و مهتر شیرین و ترش ۱۰، گوناگون و ناهموار ۲۹، گونه گون ۳٦، نه مانند یکدیگر ۵۸، ناهم‌وار ۸۲

~: وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَٰنُهُۥٓ (١٦:١٣)
مانند و نامانند ٤٣، رنگ رنگ ۷٦، برافرود ۸۰، نه یکسان ۱۰۹

~: فَأَخْرَجْنَا بِهِۦ ثَمَرَٰتٍ مُّخْتَلِفًا (٣٥:٢٧)
از هرگونه ۲۲، دیگرسان ۳۹

~: ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِۦ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَٰنُهُۥ (٣٩:٢١)
ناهموار ۲، از هر گونه ۲۲، بیک دیگر نماند ٢٤، رنگارنگ ٤٢، گوناگون ۵۳، گوناگون ۸۱، گونها ۹۲، گوناگون شونده ۱۰۹

مُخْتَلِفٌ: يَخْرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ (١٦:٦٩)
ناهموار ۲، بگردنده ۲۹، گوناگون ۳٤، گردنده ۵۳، برافرود ۵۵، دو گونه وسه گونه ۵۸، دوگونه ۷٤، آمیخته ۹۰، چند گونه ۱۰۰، نه یک رنگ ۱۰۹

~: وَمِنَ ٱلْجِبَالِ جُدَدٌۢ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهَا (٣٥:٢٧)
بیک دیگر نماند ٢٤، هرگونه ٤٧، نه یکسان ۵۸، رنگ برنگ ۷۸، رنگارنگ ۱۱٤، گوناگو ۱۳۰

~: وَمِنَ ٱلنَّاسِ وَٱلدَّوَآبِّ وَٱلْأَنْعَٰمِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ كَذَٰلِكَ (٣٥:٢٨)
از هر گونه ۱۱٤، گوناگونه ۱۳۹

~: وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلْحُبُكِ إِنَّكُمْ لَفِى قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ (٥١:٨)
ناهموار ۲، برافرود ۳، گونه گونه ٤۱، نامانند ۵۳، گوناگونه ۹۲، برفرود ۱۱٤

★ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ: يَخْرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ (١٦:٦٩)
فاوا رنگها ۵۹

مُخْتَلِفُونَ: ٱلَّذِى هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (٧٨:٣)
برافرود ۳، ناهمواران ۳۰، ناسازان ۱۰۹

مُخْتَلِفِينَ: وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ (١١:١١٨)
برافرود شوندگان ۳، برافرود شوندگان ۵۵، دو گروه ۵۸، ناهمواری کنندگان ٦۱، برافرود شوندگان ۸۰، ناهموار ۹٦، ناسازان ۱۰۹

مَخْتُوم: يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ (٨٣:٢٥)
مهر کرده ۲، مهر کرده ۲۹، مهر برنهاده ۵۳، مهر برنهاده ۸۹، مهر کرده شده ۹۱، مهر نهاده شده ۱۲۲، مُهر نهاده شده ۱۳۲، سر بمهر ۱۳٦

مَخْذُولًا: لَّا تَجْعَلْ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا (١٧:٢٢)
خوار کرده ۱، فروگذاشته ۳، بی یار گذاشته ۸، رها گذاشته ۲۹، بدبخت شده ۳٦، رانده ۳۸، یاری ناکرده ۳۹، شکسته و رانده ٤۱، گذاشته ۵۳، فرو گذاشته ۵۵، هرزه بگذاشته ۵۷، رها کرده ٦۰، خوار گردانیده شده ٦۱، فرو گذاشته بی بار ٦۷، ترا بتو رها کرده ۸۳، ترا بتو مانده ۹٦، رسوا کرده ۱۰۰، نکوهیده ۱۱۱، دور کرده ۱۱۳، خوار ۱۱۵، فروگذاشته شده ۱۱٦، خوار شده ۱۲۲، گذاشته ۱۲٤، بجای مانده ۱۲۸، شرمنده ۱۳۰، رسوا ۱۳٦

مُخْرَج: رَّبِّ أَدْخِلْنِى مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِى مُخْرَجَ صِدْقٍ (١٧:٨٠)
بیرون کردن جای ۱، بیرون آوردن ۳، بیرون بردن ۸، بیرون آوردن ۵۵، بیرون آوردن جای ۵٦، بیرون بردن ۵۷، بیرون بردن جای ۵۹، جای بیرون آوردن ٦۱، بیرون آوردن ٦۲، جایگاه ۸٤

مَخْرَجًا: وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجْعَل لَّهُۥ مَخْرَجًا (٦٥:٢)
بیرون شدن ۱، بیرون شو ۳، بیرون آمدن ٢٤، بیرون ۵٦، بیرون شد ٦۱، گشایش ۸۷، جای بیرون آمدن ۹۹، جای بدر آمدن ۱۱۳

مُخْرِجٌ: وَٱللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ (٢:٧٢)

پیدا خواست ۲۹، پدید خواست کرد ۴۰، بیرُون آورده ۵۰، بیرون آرد ۶۱، پدید کننده ۷۶، پدیدارنده ۱۰۲

~: يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَمُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتِ مِنَ ٱلۡحَيِّ (۶: ۹۵)
می بیرون آرد ۱، بیرُون آرنده ۲، بیرون آرنده ۳، بیرُون آرَنده ۵۵، بیرون می کند ۷۶، بدرآرنده ۹۶

~: قُلِ ٱسۡتَهۡزِءُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ مُخۡرِجٞ مَّا تَحۡذَرُونَ (۹: ۶۴)
بیرون آوردار ۱، آشکارا بخواهد کردن ۱۰، بیرون آرد ۱۱، بیرون آورنده ۲۹، بیرون برنده ۴۲، پیدا آرنده ۴۹، برُون آرنده ۵۵، پیدا کننده ۶۰، آشکارا کننده ۶۴، آشکار کننده ۸۸، بیرون آورد ۱۲۱

مُخرَجُونَ: إِذَا مِتُّمۡ وَكُنتُمۡ تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَنَّكُم مُّخۡرَجُونَ (۲۳: ۳۵)
بیرون آوردگان ۱، زنده کرده شوید ۵۸، بیرون آورند ۷۶، بیرون آرند گان ۷۷، بیران آوردگان ۹۵، بیرون آورده شده گان ۱۱۳

~: أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبٗا وَءَابَآؤُنَآ أَئِنَّا لَمُخۡرَجُونَ (۲۷: ۶۷)
بیرون کردکان ۱، بیرون آرند ۲، بیرون خواهند آورد ۲۱، بیرون آورده شده ۴۶، بیرون آورده ۴۷، بیرُون اوُردگان ۵۳، بیرون آورده شویم ۵۶، بیرون آینده گان ۶۴، بیرون آمده گان ۱۰۰، بیرون شدگان ۱۱۱، بیرون آورندگان ۱۱۳، بیرون آورده شدگان ۱۱۶

مُخرَجِينَ: لَا يَمَسُّهُمۡ فِيهَا نَصَبٞ وَمَا هُم مِّنۡهَا بِمُخۡرَجِينَ (۱۵: ۴۸)
بیرون کردگان ۱، بیرون آیندگان ۲، بیرون آوردگان ۳، بیرون کرده ۲۹، بدر آیندگان ۴۱، بیرُون کردگان ۵۳، بیرُون آورَدگان ۵۵، بیرون آورندگان ۵۷، بیرون آرندگان ۶۱، بیرون کرده ۶۲، فرود کردگان ۶۹، برون آوردگان ۷۱، بیرون رونده ۷۶، بیرون کرددگان ۹۸، بیرون کردشدگان ۱۰۰، بیرون شدگان ۱۱۵، بیرون کرده شده ۱۲۱، بیرون ماندگان ۱۲۶، بیرو شوندگان ۱۳۰

~: قَالُواْ لَئِن لَّمۡ تَنتَهِ يَٰلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُخۡرَجِينَ (۲۶: ۱۶۷)
بیرون کرده گان ۳۰، بیرون کرده شدگان ۳۶، بیرون کرْدگان ۵۳، بدرکردگان ۱۰۰، بیرون روندگان ۱۱۴، بیرون راندگان ۱۲۱، آواره شدگان ۱۳۲

مُخزِی: وَأَنَّ ٱللَّهَ مُخۡزِي ٱلۡكَٰفِرِينَ (۹: ۲)
خوارکنار ۱، رسوا کننده ۳، خوار بکننده ۲۹، رَسوا کنَنده ۵۵، خوارکننده ۵۶، رسوا سازنده ۱۱۶

ٱلۡمُخۡسِرِينَ: أَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُخۡسِرِينَ (۲۶: ۱۸۱)
کهستاران ۱، تباه کاران ۲، کم دهندگان ۳، کاهندگان ۲۰، کم سنجندگان ۲۹، کم کنندگان ۳۶، کم پیمایندگان ۳۹، زیان کاران ۴۳، کم وکاست کنندگان ۴۷، زیان کنندگان ۴۹، کَمْ کُنان ۵۳، کم بیایندگان ۹۲، زیان کنندگان ـ کم کنندگان ۹۴، بازکاهندگان ۱۰۰، کم پیمایندگان و زیانکاران ۱۱۱، کم کننده گان ۱۱۳، باز کاهانندگان ۱۱۷، کاهانندگان ۱۲۲، کم دهنده گان ۱۲۹

مُخضَرَّةً: فَتُصۡبِحُ ٱلۡأَرۡضُ مُخۡضَرَّةً (۲۲: ۶۳)
سوز ۱، سبز گردانیده ۲، سبز ۳، سبز شده ۱۲، سبز و پر میوه ۳۶، سبزه ۴۳، سَبْز ۵۳، سبز گشته ۸۷، سرسبز ۱۰۰، سبز گشته بگیاه ۱۱۱، سبز و خرم ۱۲۰، سرسبز و خرّم ۱۲۲، سَبز ۱۲۴

مَخضُودٍ: وَأَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ مَآ أَصۡحَٰبُ ٱلۡيَمِينِ فِي سِدۡرٖ

---

۱. سوز / سبز.

مَخضُودٍ (۲۸:۵٦)
وی خار ۱، بی خار ۲، خارزده ۳، بریده ۲۹، درختان خارزده ۳۹، خارا زوزده ٤۱، شاخ بُریده ٤۲، خار بریده ٤۸، شاخ بریده ۵۲، خسارنده ۷۸، درخت بچیده بار ۸۱، خسارزده ۹۸، خار باز کرده ۱۰۲، بی خار و خاشاک ۱۱۱، ریزانیده خار نرم ۱۱٤، درخت خار باز کرده ۱۳٤، درهم بافته شده ۱۳٦

مُخَلَّدُونَ: يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ (۱۷:۵٦)
جاودانه کردگان ۱، جاودانگان ۲، جاودانه ٢٤، جاودانیان ۳۰، جاودان در کودکی ٤۱، جاویدان ٤۳، جاودان مانده ۵۱، جاوید ٦۱، گوشوار در گوش کردگان ۸۰، همیشه ۱۰۰، جاوید ماندگان ۱۰۹، جاویدان که پیری و مرگ بر ایشان راه نیابد ۱۱٤، جاویدمندگان ۱۳۰، گردن بندها ۱۳۹

~: وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ (۱۹:۷٦)
جاودانه کرده شدگان ۳، جاودانی ۲۹، جاودان ۳۹، پیرایه جاودانه ۵٦، جاوید کردگان ۷۹، گوشواره در گوش کردگان ۸۹، جاودانه کرده شده ۹٤، جاوید کرده شدگان گوشوار گمرده گان ۱۰۹، جاوید شدگان ۱۱٤، جاوید گردانیده شده ۱۲۰، گوشواره در گوش ۱۳۰، همیشگی باشند ۱۳٦

مُخْلَصًا: إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا (۵۱:۱۹)
یکتا کنار ۱، یَک تاه ۲، بی آمیغ کرده ۳، یکتا ۳۰، ویژه کننده ۳۸، صافی کننده ٤٤، پاک دین ٤۸، یکتا دل ۵۹، یکتا شده ٦۹، یک رویه در بندگی ۷۸، یکتا ۸۷، یکتا کننده ۹۰، پاک گردانیده ۱۱۱، پاکیزه گردانیده شده ۱۱٦، یکتاه ۱۲۸، پاک کرده شده ۱۳۰

~: فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ (۲:۳۹)
یکتا کنار ۱، بی آمیغ کننده ۳، یکتا کِرْدَه ۲۲، یکتا کرده ۳۸، یکتا دارنده ۳۹، یک دل ٤۱، یکتا کننده ٤۳، یکتا گردانیده ۹۵، ویژه کننده ۱۰۲، پاک کننده ۱۰۳، پاکیزه کننده ۱۱٦

~: قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ (۱۱:۳۹)
یک تاه کرده ۲، یک تا ۳۳، یک رویه ۸۷

~: قُلِ اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَّهُ دِينِي (۱٤:۳۹)
یکتا کنم ۲۲، یکتاه کرده ۳۰، یکتاه گَرْدَهْ ۵۳، بی آمیزش کننده ۸۰، یگانه ۱۱٤، پاک کرده ۱۳۹

مُخْلِصُونَ: وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ (۱۳۹:۲)
بی آمیغ کنندگان ۳، پاکیزه دینان ۱۰، یکتاگویان ۲۹، پاک درونان ٤۱، یکتا ٤۳، ویژه کنندگان ٤۹، یکتاهان ۵۳، یکتاآن ۵۹، یکتاکنان ٦۱، یکی گویندگان ٦۳، یکی گویان ٦٤، یکتایان ۷٤، یکتا گویندگان ۸٤، یکتادلان ۸۸، یک رویان ۹۰، یکتاهآن ۹٤، یکتاکردگان ۹۹، ویژه کاران ۱۰۹، بیکی گویندگان ۱۳۸

الْمُخْلَصِينَ: إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (۲٤:۱۲)
یکتاکناران ۱، یکتاه گردانیدن ۲، ویژه کرده ۳، نیکان ٢٤، یکتاآن ۵٦، یکتاکنندگان ۵۸، ویژه کاران و یکتایان ۱۰۹، رستکاران ۱۱۲، پاک گشته از ناشایسته ۱۲۰، یکتا گردیدگان ۱۲٤

~: وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (٤۰:۱۵)
یَک تاه گردانیدگان ۲، ویژه کردگان ۳، یکتا گردانیدگان ٤۲، یکتاان ٤۳، نگاه داشتگان ٤۹، گزیدِگانْ ۵۳، ویژه کَردگان ۵۵، گزیدگان ۵۷، یکتاء کردگان ۹۰، یکتا گردانیدن ۹۸، ویژه کاران ۱۰۲، پاکان ۱۱۲، بیگنهان ۱۲۸، پاک گشتگان ۱۲۹

~: إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (٤۰:۳۷)
یکتاهان پاکان ۲، یکتا کِرْدگان ۲۲، یکتاهان ۳۰،

یکتا کنان ۳۸، پاک دلان ۴۱، برگزید گان ۴۳، یکتایان ۴۹، یکی گویند گان ۵۷

~: إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۳۷: ۷۴)
پاکان یک تاه کرد گان ۲، پاکیزه کرد گان ۳، یکتا کرد گان ۲۲، گزید گان ۲۹، یکتا کرد گان ۳۸، پاکیز گان ۳۹، یکی گویند گان ۸۱، پاک کرده شد گان ۱۰۳، ویژه کنند گان ۱۰۹، پاکیزه کرد گان ۱۱۴، شایسته گان ۱۳۶

~: إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۳۷: ۱۲۸)
پاکان ۲، نیکوکاران ۳۰، رهانید گان ۳۳، یک دلان یک رویان ۴۱، یکی گویند گان ۸۱، ویژه کرده شد گان ۱۰۲

~: إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۳۷: ۱۶۰)
پاکان یکتاهان ۳۰، یک تا آن ۳۳، پاکان ۳۸، یک رویان ۵۶، پاکیز گان و یکتا آن ۷۲، پاکان و یکی گویان ۸۱، ویژه شد گان ۱۱۴، پاکیزه کان ۱۱۹، یکتان ۱۳۹

~: لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۳۷: ۱۶۹)
یکی گویان ۸۱، پاکان بگناهان[1] ۹۵

~: إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (۳۸: ۸۳)
گزید گان ۲۲، پاک دلان پاک درون ۴۱، گزید گان ۵۳، پاک شد گان ۱۰۳، پاک کرده شد گان ۱۲۳

مُخْلِصِينَ: وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ (۷: ۲۹)
یکتا کناران ۱، بی آمیز کنند گان ۳، یکتایان و زاری کنند گان ۲۷، یکتا کنند گان ۴۳، بی آمیغ کنند گان ۵۵، یک تائیان ۹۰، ویژه کنند گان ۱۰۲، بی آمیزشان ۱۱۴، یکتاه کرده ۱۴۰

~: وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ (۱۰: ۲۲)
بی آمیغ کنند گان ۳، پاکیزه دارند گان ۱۰، یکتاه کرده ۱۳، یکتادل ۵۳، یکتایان ۵۶، یکتا کنان ۶۱، پاک کنند گان ۱۱۱، پاکیز گان ۱۱۴

~: فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ (۲۹: ۶۵)
یکتاه گردانیده ۲، یکتا کرد گان ۳۴، یکتا شد گان ۳۹، ویژه کننده گان ۴۷، یکتا آن ۵۶، یکتا ۶۱، پاکیزه کرده ۶۵، یکتاه گردانیده پاکیزه گردانیده ۱۰۸، پاک گردانند گان ۱۱۱

~: وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ (۳۱: ۳۲)
یکتاه کرده ۲، پاک گرداننده ۳۰، یک دل ۴۱، یکتا کنند ۴۷، یکتا کرده ۵۳، پاک دارنده ۷۶، یکتا گردانیده ۱۰۸، دل یکتا کرده ۱۲۹

~: فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ (۴۰: ۱۴)
یکتا کنید ۲۲، یگانه دانند گان ۱۱۴، پاک سازند گان ۱۱۶، پاکیزه گان ۱۱۹

~: هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ (۴۰: ۶۵)
بی آمیزش کنند گان ۳، یکتا کننده ۱۵، پاک درونان ۴۱، یکتا دارند گان ۴۹، یکتاان ۵۶، پاکیزه کنند گان ۱۱۱، بی آمیزش ۱۱۴

~: وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ (۹۸: ۵)
یکتا گردانیده ۳۴، ویژه کرد گان ۵۶، یکتان ۱۳۹

مُخْلِفَ: فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ (۱۴: ۴۷)
دیگر کننده ۱۰۹، پس اندازه ۱۱۴

---

۱. بگناهان می تواند تلفظی دیگر از «بی گناهان» باشد، می توان «به» را به معنی «از» فرض کرد.

اَلْمُخَلَّفُونَ: فَرِحَ ٱلْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَٰفَ رَسُولِ ٱللَّهِ (۸۱:۹)
پس کرد گان ۱، سپس ماند گان ۲، بازپس گذاشتگان ۳، بازپس ماند گان ۱۱، بازپس داشتگان ۲۷، واپس گذاشتگان ۲۹، باز گذاشتگان ۳٤، پس ماند گان ۳٦، پس باز گذاشتگان ۳۹، بازماند گان ٤۸، باپس ماند گان ۵۲، سَپَس گُذاشتگان ۵۵، بازپس افتاد گان ٦۰، پس شد کان ۷۲، بازپس گرایند گان ۸۰، باپس گذاشتگان ۹۳، پس مانند گان ۹٤، بازماند گآن ۱۰۰، از پس گذاشتگان ۱۰۲ واپس گذاشته گان ۱۰۹، از پس ماند گان ۱۲۸، بازمند گان ۱۳۰، گذشتگان ۱۳۵

~: سَيَقُولُ لَكَ ٱلْمُخَلَّفُونَ مِنَ ٱلْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَآ أَمْوَٰلُنَا (۱۱:٤۸)
واپس ایستاد گان ٦، بازپس ایستاد گان ۲٤، باپَس گذاشتگان ٤۲، پس ماند ند و نرفتند ٤٤، باپس ایستاد گان ٤۸، باپس استاد گان ۵۲، پس گذشتگان ٦۱، پس داشتگان ٦۵، پس کرد گان ٦۹، واپس ماند گان ۷۹، واپس استد گان ۸۷، پس استاد گان ۹٦، پس کرد گان و پس ماند گان و پس ایستاد گان ۱۰۹، آنانی که بازماند ند ۱۲٤، واپس مند گان ۱۳۰

~: سَيَقُولُ ٱلْمُخَلَّفُونَ إِذَا ٱنطَلَقْتُمْ (۱۵:٤۸)
سپس ماند گان ۲، پس گذاشتگان ۳، ناسازواران ۳۰، واپس داشتگان ٤۱، بازپس ایستند گان ٤۳، بازپس ماند گان ٤٤، بازپس نشستگان ٦۵، بازپس گذشتگان ۸۰، زپس ماند گان ۸۱، پس گردند کان ۱۰۲

لِلْمُخَلَّفِينَ: قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ ٱلْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ (۱٦:٤۸)
پس کرد گان ۱، پس ایستاد گان ٦، سپس روند گان ۳۰، بازپس گذشتگان ۳٤، پس ماند گان ۳۹، واپس گذاشتگان ٤۱، بازپس استاد گان ٤۹، مرپس گذاشتگان را ۵٦، بازپس ماند گان ۸۰، مرپس ماند گانرا ۸۱، واپس ایستد گان ۸۷، باپس ماند گان ۱۰۵، سپس ماند گان ۱۰۸، بازپس کرده شد گان ۱۰۹، واپس ماند گان ۱۱۳، مرآن بازماند گان را ۱۱٤، ایستاد گان ۱۳٤، پس کرد گان ۱۳۹

مُخَلَّقَةٍ: ثُمَّ مِن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ (۵:۲۲)
أندازه کرده ۲، اندازه کرده ۳۰، نسو کرده ٤۲، افریده ۵۳، آفریده ۵٦، آفریده کرده نگاشته ۸٤، آفرینش ۸۷، آفریده نگاشته ۸۸، بگردیده شده ۱۰۰

مَخْمَصَةٍ: فَمَنِ ٱضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِّإِثْمٍ (۳:۵)
گرسه ی ۱، گرسنگی ۲، گرسنگی ۳، گُرسنگی ۵۵، تنگی ۵۷، گرسنگی و بی برگی ٦٤، گشنگی ۱۱٤، گرسنگی بسیار ۱۱٦

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ (۱۲۰:۹)
گُرسْنگی ۲، رنج ۲٤، تهی دستی ۳٦، گُرسْنگی ۵۵، گُرسنگی ٦۲، درویشی ۱۰۰

مَدَّ: وَهُوَ ٱلَّذِى مَدَّ ٱلْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِىَ (۳:۱۳)
بکشید ۱، بکشید ـ بگسترد ۲، بگسترد ۷ مکرّر، بگسترانید ۳٤، برکشید ٤۱، بازکشید ٤۸، بگسترانید ۵۳، کشید ۵۵، بکشید و فراخ کرد ۵۸، گسترد ٦۱، بگسترانیده است ٦۲، بگُسترانید ٦۳، بکشید و بگسترد ٦۷، بکشید ۷٦، گسترانید ۱۰٤، کشید و گسترد ۱۱۱، بکشد ۱۱۸، کشانید ۱۲۲

~: أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ ٱلظِّلَّ (٤۵:۲۵)
کشید ۳، واکشیده است ۲۰، می گسترد ۳٦، بازکشیده است ٤۷، بازکشیده ٤۸، فراهمی کشد ٦۲، بکشیده است ۷٦، بازکشید ۱۰۹، کشیده است ۱۱۱، بسترد ۱۲۸، پهن گردانید ۱۳۵

مَدًّا: فَلْيَمْدُدْ لَهُ ٱلرَّحْمَٰنُ مَدًّا (۷۵:۱۹)

اوزودنی ۱، ماندن ۲، افزون کردن ۳، فروگذاشتن ۵۶، گشادگی ۶۹، بکشیدن ۷۲، روزگار ۸۸، گشادن ۹۰، فراخی ۱۰۰، بازکشیدن ۱۱۶

~: وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ ٱلْعَذَابِ مَدًّا (۱۹: ۷۹)
کشیدن ۲، افزونی ۲٤، افزودن ۲۹، کشیدن ٤۱، افزونی ۵۳، درکشیدن ۱۰۰، افزون ۱۰۲، بازکشیدن و گستردن ۱۱۶

ٱلْمَدَائِنِ: قَالُوٓا۟ أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِى ٱلْمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ (۷: ۱۱۱)
شارستانها ۲، شهرها ۱۰، شهرها ۲۷، شهرهاء ۹۰

~: قَالُوٓا۟ أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَٱبْعَثْ فِى ٱلْمَدَآئِنِ حَٰشِرِينَ (۲۶: ۳۶)
شهرها ۲، شهرها ۵۳، شهرستانها ۱۰۳

مِدَادًا: قُل لَّوْ كَانَ ٱلْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَٰتِ رَبِّى (۱۸: ۱۰۹)
سیاهی ۵۲، نبشتن ۱۰۰، سیاه ۱۲۸

مُدْبِرًا: فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا (۲۷: ۱۰)
واپس شدار ۱، پشت دهنده ۳، پشت فراگردانیده ۲۰، پشت فرادهنده ۲۹، سپس رونده ۳۰، بازپس شونده ۳۹، پشت برکرده ٤۲، پشت گردانیده ٤۳، باپس ۷۶، پشت برگردانیده ۸۸، پشت کننده ۱۱۶، پشت گرداننده ۱۲۶، پس رونده ۱۲۸، گریزان ۱۳۲

~: فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا (۲۸: ۳۱)
برگردیده ۲٤، پشت بازکرده ۳۸، پشت آرنده ۳۹، پشت برکننده ٤۲، روی برگردانیده ٤۶، یک سر روی بگردانیده ٤۷، بازپس ۵۳، روی گرداننده ۵۶، واپس ۶۱، پشت بر بکرده ۷۶، از پس پشت ۱۳۹

ٱلْمُدَبِّرَٰتِ: فَٱلسَّٰبِقَٰتِ سَبْقًا فَٱلْمُدَبِّرَٰتِ أَمْرًا (۷۹: ۵)
ساختاران ۱، فرمان دهندگان ۳۶، خردمندان ۶٤، نگرندگان در پایان کار ۸۰، اندیشه کنندگان ۹۰، نگرندگان پایان کارها ۹۱، اندیشه کنندگان ۱۰۹، نگرندگان ۱۱٤

مُدْبِرِينَ: وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ ٱلْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ (۹: ۲۵)
واپس شداران ۱، سپس روندگان ۲، پشت برگردانیده ۱۰، پشت برگردانندگان ۲۷، پشت فرادهندگان ۲۹، پس روندگان ٤۲، پشت دهندگان ۵۵، از پس روندگان ۸۳، پس شوندگان ۹۲، بازپس روندگان ۹٤، سپس دارندگان ۹۶، پس پشت دادگان ۹۹، بازپسان ۱۰۷، گریختگان ۱۲۲، باز روروندگان ۱۲۸، پشت دادگان ۱۳۶

~: تَٱللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَٰمَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا۟ مُدْبِرِينَ (۲۱: ۵۷)
پشت بازکردگان ۱۲، روی گردانندگان ۳۰، بازپس همی ایند ۵۳، سپس روندگان ۶۱، روی گردانیده ۶۹، پشت برکرده ۷۶، واپس گرویدگان ۹۲، پشت برکردندگان ۱۱۳

~: وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْا۟ مُدْبِرِينَ (۲۷: ۸۰)
پشت بداده ۳٤، روی بگردانید ٤۷، بازپس همی شوند ۵۳، واپس شوندگان ۶۱، پشت داده ۶۲، پشت برکنید ۷۶، بازپس شدگان ۹۰، روندگان ۱۰۸، پشت برگردندگان ۱۱۶، از پس پسینیان ۱۳۹

~: وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْا۟ مُدْبِرِينَ (۳۰: ۵۲)
سپس روندگان ۲، پشت آرندگان ۳۹، پشت گردانندگان ٤۳، پشت فراز کنند ٤۷، روی پس نهاده ۵۳، واپس شدگان ۶۱، روی کرد ۶۹، پشت برکننده ۷۶، روی گردانیدگان ۸۷، گریزندگان ۱۰۳

~: فَتَوَلَّوْا۟ عَنْهُ مُدْبِرِينَ فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمْ (۳۷: ۹۰)
روی گردانیدگان ۲، پشت دهندگان ۳، پشتافرا اوکرده ۲۲، روی برگردانیده ۲٤، پشت دادگان ۳۳، بازپس شوندگان ۳۹، بازشدگان ٤۹، بازپس ماندگان ۵۶، پشت بکردگان ۸۱، پشت کردگان ۹۶، روی گردانندگان ۹۸، پس ماندگان ۹۹،

پشت کنند گان ۱۰٦، روی گردانند گان پشت دهند گان ۱۰۹، دورشوند گان ۱۱۹، بر گردند گان ۱۳۰

~: يَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ (٤٠: ٣٣)
پشتها فرا کرده ۱۵، پشت بر کنند گان ۲۹، پشت فرا کرده ۳۸، پشت بر کرد گان ۵۱، باپس شوند گان ٦۵، باز گشتگان ۱۰۳، بازپس گردند گان ۱۲٦

مُدَّتْ: وَإِذَا ٱلْأَرْضُ مُدَّتْ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (٨٤: ٣)
کشیده شهد ۱، بکشند ۲٤، بکشد ۲۹، باز کشند و بگسترانند ۳۰، کشیده شود ۳٦، باز کشیده شود ۵٦، باز کشند ۸۸، باز کنند ۱۰٦، بگسترانند ۱۰۸، گسترده شود ۱۱٦، کشیده و هموار شود ۱۳۲، کشیده و گسترده گردد ۱۳٦، باز کشند ۱۳۸، باز کشیده شود ۱۳۹

مُدَّتِهِمْ: فَأَتِمُّوٓا۟ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ (٩: ٤)
روزگار ۲۷

ٱلْمُدَّثِّرُ: يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنذِرْ (٧٤: ١)
سر بجامه درکشیده ۲، جامه در خود پیچیده ۳، خود را بپوشیده ٦، جامه بسر اندر کشیده ۱۹، خویشتن بجامه پوشیده ۲۹، جامه در سر کشیده ۳۰، سر در جامه پیچیده ۳٤، جامها بسر اندر کشیده ۳۹، سر در جامه کشیده ٤۳، جامه سر در کشیده ۵۲، در جامه کشیده ٦۵، سر در جامه برده ۷۲، سر در جامه کشنده ۷۸، بسر درکشیده جامه فوقانی ۷۹، گلیم سر کشیده ۹۰، جامه اندر سر کشیده ۹٤، گلیم بخود پیچیده ۱۰۰، در خود پیچیده لباس ۱۰٤، سر بجامه اندر کشیده ۱۰۸، جامه پوش ۱۱۵، جامه در سر پیچیده ۱۱۹، جامه پوشیده ۱۲۰، پیچیده در جامه ۱۲۲، جامه بر سر در کشیده ۱۲۵، جامه در کشیده ۱۲٦، جامه بخود پیچیده ۱۲۹، جامه بر خود پیچیده ۱۳۰، پیچیده در جامه خواب ۱۳۲، جامه بسر در کشید ۱۳۸

ٱلْمُدْحَضِينَ: فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ ٱلْمُدْحَضِينَ (٣٧: ١٤١)
شکستگان ۱، برد گان ۳۳، دورشد گان ۸۷، دور کرده شد گان ۹۲، لغزند گان ۱۰۲، برافتاد گان ۱۰۳، برفتاد گان ۱۱٦، قرعه برافتاد گان ۱۳۳

مَذْءُومًا: قَالَ ٱخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَّدْحُورًا (٧: ١٨)
دور کرده ۱، دُورْکرده ۲، رانده ۳، رانده دُور کِرده از هَمَه نیکی ۱۰، دور کردَه ۲۷، راندَه ۵۵، خوار گشته ٦۱، راندَه ٦۲، خوار گردانیده ٦٤، رواننده ۸۷، رآنده ۱۰۰، نفریده دور کرده بخواری ۱۰۲، در اندوه شده ۱۲۷، رنده شده ۱۳۰

~: ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصْلَىٰهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا (١٧: ١٨)
دُور کرده ۲، دور بکرده ۲٤، رمانده ۳٤، خوار مانده ۳۹، رانده از درگاه ٤۱، دُور گردَهْ ۵۵، دور از همه چیزها ۵۸، دور کرد ۵۹، رانده دور کرده ٦۷، دور ۱۰٤، دور از هم ۱۱۰، رنده ۱۳۰، رانده گشته ۱۳۵

~: فَتُلْقَىٰ فِى جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا (١٧: ٣٩)
خوار کرده ۳۹، رَاندهْ ۵۳، بخواری رانده ۵۸، خوار کرده شده ٦۱، نکوهیده ۸۸، دور کرده شده ۱۰۲، رانده شده ۱۱۱، دور گردانیده شده ۱۱٦، نکوهیده دور کرده ۱۲۸

مُدْخَلَ: وَقُل رَّبِّ أَدْخِلْنِى مُدْخَلَ صِدْقٍ (١٧: ٨٠)
در کردن جای ۱، درْآوردن ۲، در آوردنی ۳، دربردن ۲۹، اندر آوردن ۳۹، جای ٤۲، اندر اوُردَن ۵۳، دَر آوَرْدن ۵۵، در آوردن جای ۵٦، دَر آوردن ۵۷، جای در آوردن ٦۱، اَندر آوَردَن ٦۲، جایگاه ۸۸

مُدْخَلًا: نُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّـَٔاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُم مُّدْخَلًا كَرِيمًا (٤: ٣١)
در کردن جای ۱، در آوردن ۲، بجای در آوردن ۳، اندر شُدَن گاه ۱۰، فرو آوردن ۲٤، بدر آوردن ٤۱،

دربردن ۷٦، جای درآمدن ۸۰، جا ۹٦، بجاهی ۱۳۵

~: لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ (۲۲: ۵۹)
جایگاه ۱۲، اندر آوردن ۳۰، درآمدن جای ٤۱، اندر اورْدَن ۵۳، درآوردن جای ۵٦، جای درآوردن ۵۸، جای ۷٦، آوردن گاه ۹۵، درآمدن ۹٦، جایگاه درآمدن ۱۳۲

مُدَّخَلًا: لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ (۹: ۵۷)
درشدن جایها ۱، جَای اَندرْ شُدنْ ۲، جای درآمدن تنگ ۳، سُمها اندر زمین ۱۰، شکاف ۱۱، سوراخ ۲٤، درشدن جای ۲۷، جای درشدن ۲۹، جایگاه درشدن ۳۸، درشدن جاء در زمین ۳۹، درآمدن جای ٤۱، درشدن ٤۳، سوراخها اندر زمین ٤۹، سَرْدابَه ۵۳، جَای دَرآمَدَنیِ تنگ ۵۵، درشدن جای در زمین ۵٦، جای اندرشدن ۵۷، سوراخ در زمین ۵۸، سرداوه ٦۲، در رسیدن جا ۷۲، جای درآمدن ۷۹، جای که درشدندی ۸۸، در رفت جای ۹۰، اَنْدرْ آمدن گاه ۹٤، درشدن جا ۱۰۲، جای درشدنی سردابهٔ بزمین ۱۰۹، اندر آمدن گاه ۱۲٤، سوراخی در زمین ۱۱۲، جای درشدنی ۱۱۳، جایی که درشوند ۱۲۱، سوراخی که در آن توانید خزید ۱۳۰، سُنب ۱۳٦

مَدَدًا: وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا (۱۸: ۱۰۹)
أفزُونی ۲، افزونی ۳، افزایش ۳۹، فُزونیِ ۵۵، فزونی ۸۰، زیادت ۱۱۸، سیاه ۱۲۸، کشیدن ۱۳٦

مَدَدْنَاهَا: وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ (۱۵: ۱۹)
واز کشیدیم ۱، بگستریدیم ۲، کشیدیمش ۳، بگسترانیدم ۲٤، بگستردیم ۲۹، بکشیدیم ۳۸، کَشیدِیم ۵۵، فراخ کشیدیم ما ۵٦، بکشیدیم ما ۵۸، بازگستردیم ۵۹، بگسترانیدیم ما ٦٤، بگستردیم ۹٦، بگستریم ۱۰۵، گستریدیم ۱۱٤، گستردیم ۱۱٦، گسترانیدیم ۱۲۲

~: وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ (۵۰: ۷)
کشیدیم ۱، واکشیدهایم ٦، بگسترانیدیم ۳۰، بازگستردهایم ۳٦، بکشیدیمش ۵۲، بازکشیدیم ۵۳، بگستردیم ما ٦۱، بازگستریدیم ۸٦، گسترانیدیم ما ۱۰٦، بگسترانیدیمش ۱۰۸، کشیدهایم ۱۱۱، کشیدیم و گستردیم ۱۱٦، گستردهایم ۱۲۰، بازگسترانیدیم ۱۲۲

مدرارًا: وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِم مِّدْرَارًا (٦: ٦)
گواریدار ۱، باران بریزنده ۲، باران ۹، باران ریزنده ۲٦، باران بسیار ریزنده ۳۰، بارنده ۳۹، باران ریزان ٤۲، بسیار پیوسته ٤۸، باران ریزان ۵۲، بسیَار ریزَندَه ۵۵، نیک ریزنده ۹٦، بارنده پیاپی ۱۰۲، فروبارنده ۱۰۹، ریزان و پیاپی ۱۱٦، ریزنده و پیاپی ۱۲۲، باران ریزه ۱۲۸، پی درپی بارنده ۱۳۵

~: يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا (۱۱: ۵۲)
ریزنده ـ باران ۲، بسیار بارنده ۳، باران بارنده ۲۷، ریزنده ۲۹، پیاپی ۳٤، باران بسیار ۳٦، آب باران ٤۱، ریزان ٤۲، بَارَانِ بسیار ۵۳، نیک بَارَندَه ۵۵، باران پیاپی ٦۰، پیوسته دمادم ریزان ٦۷، نیک بارنده ۸۰، باران ریز آن ۱۰۰، بارنده نیک فرو ریزان ۱۰۹، پی درپی ۱۱۵، ریزان از ابر ۱۱۹، پیوسته بارنده ۱۲۰، پیوسته باران ۱۳۰، در پی بارنده ۱۳۵

~: يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا (۷۱: ۱۱)
بسیار ریزنده ۳، باران پیوسته ٦، ریزان ٤۲، پیوسته ٤۹، باران ریز ۵۲، باران هموار ۵٦، ریزنده باران ۹۵، بارندهٔ پیاپی ۱۰۹، بسیار ریزاننده ۱۱٦، ریزانیدن ۱۱۹، بارنده پی درپی ۱۲۳

لَمُدْرَكُونَ: قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرَكُونَ (۲٦: ٦۱)
دریافته شدگان ۳، دریافتگان ۲۰، دریافته ۲۹، اندر یافته گان ۳۰، دررسیدگان ۳۹، درخواهند یافت ٤۳، اندر یابند ٤٦، اندر یافتگان ٤۹، دررسیدگان و دریافتگان ۷۲، رسیدند ۷٦، دریافت شدگان ۸۰، دریافتهاند ۸۸، دریافته

شد گان ـ دریابند گان ۹۱، دریابند ۱۰۵، دررسیده گان ۱۰۹، دریافته گان ۱۱۳، از پس دررسید گان ۱۱۹، دریافته شده ۱۲۱، دریافتند گان ۱۳۰

مُدَّکِر: وَلَقَد تَّرَكْنَٰهَآ ءَايَةً فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (٥٤:١٥)
پند پذیرفتار ۱، پند پذیرنده ۲، پند گیرنده ۳، پند پذیر ۳۹، پند گیرنده ٤۲، یادگار ۱۲٤

~: وَلَقَدْ يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (٥٤:١٧)
یاد کننده ۲، پند گیر ۲٤، یاد دارنده ۵۳، بازدارنده و پند پذیرنده ۱۳۹

~: وَلَقَدْ يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (٥٤:٢٢)
یاددارنده ۳۹، یاد کننده و پند گیرنده ۵٦، یاد گیرنده پند پذیر ۱۰۹، برداشته ۱۳۹

~: وَلَقَدْ يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (٥٤:٣٢)
پند پذیرنده ۲۹، یاد گیرنده ٤۹، پند شنونده ۱۰۳، بیم کننده ۱۱٤

~: وَلَقَدْ أَهْلَكْنَآ أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (٥٤:٥١)
یاد کننده ۵۱، پند پذیرنده ۹٦

مُدْهَآمَّتَان: مُدْهَآمَّتَانِ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥:٦٤)
دوسیه ۱، آن هر دو سبز سیاه رنگ ۲، سیاه نمایند از سیر آبی ۳، سبزی سخت سبز ۲٤، سیاه از سیرابی ۲۹، سخت سبزها ۳۰، سبزی با سیهی زند ۳۹، دو بهشت سبز و سیراب ٤۲، هر دو از تری و سبزی چون سیاه بود ٤۹، سبزی سبز ۵۱، هر دو بهشت سبز و سبزتر[۱] ۵۲، هر دوان سیه ۵٦، دو برگ سبز ٦۱، هر دو سیاه که از سبزی و سیرابی سیاه وام نماید ٦۷، دو مُرغ ۸۱، سیاه نمایند هر دود سبز گن[۲] ۸٤، هر دو سخت سبز ۸۸، دو بستان سبز سیر آب ۸۹، دو بهشت سبز ۱۰۲، دو بهشت سبز از بسیاری سبزی بسیاهی زننده ۱۰۳، سبز و سیر آب ۱۰٦، هر دو سبز که بسیاهی زند ۱۰۸، دو بوستان سبز که از سبزی بسیاهی زنند ۱۰۹، سیاه نماینده از سبزانی ۱۱٤، سیاه شد گان ۱۲۰، هر دو سبز و خرّم ۱۲۲، دو بهشت سیاهی زننده ۱۲۳، سخت سبز ۱۲۹، هر دو سرسبز خرّم ۱۳۲، دو بستان سبز و سیراب ۱۳٤، دو بستان سبزهٔ سیر آب ۱۳۸، هر دو سبز که بسیاهی زند ۱۳۹

مُدْهِنُونَ: أَفَبِهَٰذَا ٱلْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ (٥٦:٨١)
در ساختاران[۳] ۱، سخن کنید ۳۰، دروغ زن می داریت ٤۱، بازی کنند گان ٤۸، دروغ زن کنند گان ۵٦، دروغ گویان ٦۷، بدروغ دارند گان ۷۹، چرب زبان کنید ۹۰، نا گروید گان ۱۰۳، همی چرب سخنی کنید ۱۰۸، چرب نرمی کنند گان ۱۰۹، سستی مینمایید ۱۳۲، روغن مالیده گان ۱۳٦

مَدْيَن: وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا (٧:٨٥)
شهرها ۵۷، شهر ۱۰۵

~: وَقَوْمِ إِبْرَٰهِيمَ وَأَصْحَٰبِ مَدْيَنَ (٩:٧٠)
چاه ویران ۱۰۷

ٱلْمَدِينَة: إِنَّ هَٰذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوهُ فِى ٱلْمَدِينَةِ (٧:١٢٣)
شارستان ۱، شارسْتانْ ۲، شهرستان ٤۲

~: مَا كَانَ لِأَهْلِ ٱلْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُم مِّنَ ٱلْأَعْرَابِ (٩:١٢٠)
شهر یثرب ۹۳

---

۱. متن اصلی: سبز و سبزبر، که تصحیف به نظر آمد. شاید «سبز و سیرتر» هم بتوان خواند.

۲. کذا، متن اصلی: سبز کن (؟).

۳. در ساختاران: چرب سخنان، مداهنه کنان.

~: وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا (۱۲:۳۰)

شهر ۲، شَهر ۵۳

~: وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ (۱۵:۶۷)

شارستان ۲

~: فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ (۱۸:۱۹)

شارستانْ ۲، شارستان و بازار افسوس ۴۹

~: وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ (۱۸:۸۲)

شهرْ ۲

لَمَدِينُونَ: أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ (۳۷:۵۳)

پاداش داده شدگان ۳، شما را باید کردن[1] ۲۲، پاداش داده ۲۹، پاداش دهند ۳۰، پاداش دادگان ۳۳، پاداش کردگان ۳۹، رستگاران ۴۱، شمار کردگان ۵۶، شهرنشینان ۸۱، پاداشت دادگان ۱۰۲، پاداشت شدگان ۱۰۹، پاداش شدگان ۱۲۱، سزا داده شدگان ۱۲۲، جزا دادگان ۱۳۸

مَدِينِينَ: فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ تَرْجِعُونَهَا (۵۶:۸۶)

وام ستدگان ۲، پاداش دادگان ۳، پاداش کردگان ۳۸، تاوان زدگان ۴۳، پاداشت دادگان ۷۸، پاداشت داده شدگان ۱۰۲، پاداش داده شدگان ۱۲۰، شمارکنندگان ۱۲۴، پاداش دهندگان ۱۲۹

مَذْءُومًا: قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا (۷:۱۸)

نهربیده‌ی[2] ۱، نیک نکوهیده ۲، نکوهیده ۳، نکوهیده ۱۰، زشت و نکوهیده ۴۲، زشت ۵۲، نُکوهیده ۵۵، خوار ۵۶، نکوهیده شده ۶۱، نفرین کرده ۷۸، نیک نکوهیده ۸۳، دور کرده ۹۰، زشت ۱۰۵، بخواری ۱۳۵

مُذَبْذَبِينَ: مُذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ (۴:۱۴۳)

رانده گان ۱، گردندگان ۲، سرگردان گردان ۳، گردندگان ۳۱، گردنده ۴۲، سرگردان ـ گردندگان ۴۳، اندرماندهٔ آندورانده ۵۳، سَرگردان سَرگران ۵۵، فرومانندگان ۵۷، جنبندگان ۶۹، سرگردان کردگان ۸۰، گردنده‌اند ۹۴، خود بجنبش آورندگان ۹۶، سرگردانان ۱۱۴، گرده‌اند ۱۲۸، گروندگان ۱۲۹

مُذْعِنِينَ: وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ (۲۴:۴۹)

نرم شداران ۱، گردن نهادگان ۲، گردن دادگان ۳، گردن نهاده ۲۹، شتابندگان ۳۹، گردن نهاده و فرمان بردار ۴۷، گردن نهندگان ۴۸، گردَن نَهندَه ۵۱، فرمان بردار ۵۲، گردَنْ نهادگان ۵۳، فرمان برندگان ۱۱۱، با شتاب باشند ۱۱۳، گرد نهادندگان[3] ۱۲۴، گردن نهادگان ۱۳۶

مُذَكِّرٌ: فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۸۸:۲۱)

پند دادار ۱، پَند دهنده ۲، پند دهنده ۲۴، یادَهنده ۴۲، یاددهنده ۵۱، پندده ۱۰۹، پند نماینده ۱۳۲

مَذْكُورًا: لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا (۷۶:۱)

ایاد کرده ۱، یاد کرده شده ۲، یاد کرده ۶، یاده کرده ۳۹، یَاد کردَه ۴۲، یاد کرده و دانسته ۷۹، دانسته و شناخته ۱۰۴، یاد کرده شده نام برده ۱۰۹، یاد کرده و داشته ۱۱۳، یاد کرده شد ۱۲۲

---

۱. شمار اباید کردن / شمار باید کردن. شاید بتوان «شمارا بایدگردن» هم خواند، به اعتبار این که دَین بر گردن مدیون است.

۲. نهربیده‌ی (؟): نکوهیده.

۳. گردنهادندگان / گردن نهادندگان، با ادغام دو «نون» و به صیغهٔ فاعلی.

مَذْمُومًا: ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا (۱۸:۱۷)
نهرِیده‌ی[1] ۱، نکوهیده ۳، نکوهید ۴۹، نُکُوهِیْدَه ۵۵، نکوهیدَه ٦۲، دور کرده ۹٤، نکوهش کرده شده ۱۳۵

~: فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَخْذُولًا (۲۲:۱۷)
نهرِیده‌ی[1] ۱، نکُوهِد ۲، نگوهیده ۹۸، خوار ۱۱٤

مَذْمُومٌ: لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (٤۹:٦۸)
نهرِیده[2] ۱، نکوهیده شده ۳ و ۳٦، نکوهید گان ۳۹

مَرَّ: أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا (۲۵۹:۲)
برفت ۱، بر گذشت ۲، گذشت ۳، بگذشت ۱۰، بر گذشت ۲۹، گذشت ۵۵، گذشت ۸۰

~: مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرٍّ مَسَّهُ (۱۲:۱۰)
برود ۱، بگذرد ۲٤، بُگذشت ۵۵، گذرد برود ۱۰۹، گذرد ۱۱٤، بگریزد ۱۱۸

~: وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ (۳۸:۱۱)
برفتی ۱، بگذشتی ۲٤، می گذشتند ٤۱، گذَشت ۵۵، برفتندی ۵۸، گذشتی ۸۸، بگذشتند ۱۱۱، بگذشتندی ۹۳، بِگذَشتی ۹٤، گذشتند ۱۱٤، میگذشتند ۱۲۰، می گذشتند ۱۳٦

مَرَّ: وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ (۸۸:۲۷)
رفتن ۱، گذشتن ۳، گذشتن ۸۰

مِرَاءً: فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا (۲۲:۱۸)
پیکار ۱، ستهیدن ۳، گفت و گوی ٤۱، ستیزه ٦۷، ستیهیدن ۸۰، پیکار کردن ۱۲۸

مَرَّاتٍ: وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۵۸:۲٤)
بار ۲٤، هنگام ۳۰، بَارْ ۵۳، بارَها ۱۱۹

الْمَرَاضِعَ: وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ (۱۲:۲۸)
پستانها دایگان ۱، پستانها ۳، شیردهندگان ۲۱، شیرزنان ۲٤، شیرخوردنها ۳۰، زنان شیردهنده ٤۳، شیرها ۵۳، شیرها زنان ٦۱، شیردایگان ٦٤ و ۹۲، شیرهاء زنان ۷۲، شیردادن ۸۸، شیرخوردن ۸۹، دایگان ۹۰، پستانهاء زنان ۹٦، بستانها دایگان ۹۸، زنان شیردهندگان ۹۹، پستانهای زنان ۱۰۵، دایگان شیردهنده ۱۱۵، بستانها ۱۱۹، سیردایکان ۱۲۰، پستان ۱۳۲

مُرَاغَمًا: وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا (۱۰۰:٤)
شدن جای ۱، نوکام ۲، ۲۹، ۷۸، چراگاها ۳۱، آسایش گاه ٤۱، فراخی ٤۲، جای رفتن ٤۳، جایگاه ۵۳، آرام گاه ۵۷، جایگاهها ٦۲، گشتن جای ٦۹، ناکام ۸۳، جایگاه آسودن ۸٤، جایهاء ۹۰، نَوْکام ۹٤، برکام ۹۸، نشستن جای ۱۰۰، جایها ۱۰۲، جایگاه آسودن ۱۰۷، آرامگاه ۱۱۱، چراگاهها ۱۱۲

الْمَرَافِقِ: فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ (٦:۵)
وازنها ۱۰، آرنجها ۱۰ مکرّر، بارزنو ۲٤، آرنج ۲۷، آرنجهان ۳۰، زونکها ـ انگم زنگیچه ۳۷، وارنَها ٤۲، ارنجها ٤۳، ارشنه ٤۸، وارنها ۵۲، نرنجین ۵۳، آرانجها ۵٦، ارشنیها ۵۷، ارش ٦۳، ارنج ٦۹، آرجها ۷۲، واران ۷٦، آرنجها ۸۲، آرنْج ۸۳، وارن ۸٤، آرِنجها ۸۸، آرانجهاء ۹۰، آرنگ ۱۰۲، بوارن ۱۰۷، بند دستها ۱۲۳، زنگیچه ۱۲٤، بخ ۱۳۳

---

۱. نهرِیده‌ی: نکوهیده.
۲. نهرِیده‌ی، نهرِیده: نکوهیده.

اَلْمَرْءُ: فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ (۲:۱۰۲)
مَردُم ۴۲، مَرْد ۵۵، شوهر ۱۲۲

~: يَوْمَ يَنظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ (۷۸:۴۰)
مردم ۲

~: يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۸۰:۳۴)
مرد ۱

مَرَّتْ: فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ (۷:۱۸۹)
برفت ۱، استوار شد ۳، فابذشت ۱۰، بگذشت ۲۴، فراگذشت ۲۷، ببرد ۳۵، می روفت ۳۹، می رفت ۶۷، آمد وشد کرد ۷۹، فراگذشت ۸۸، میرفت ۹۲، آمد شد کرد ۱۰۴، آمد شد ۱۲۶

مَرَّةٍ: وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ (۶:۹۴)
بار ۱، بارْ ۲

~: كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ (۶:۱۱۰)
بَار ۵۵، باره ۶۲

~: ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ (۸:۵۶)
بَار ۵۵

~: أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً (۹:۱۲۶)
یک بارْ ۲، یکبار ۳، یک بار ۱۳

~: وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ (۱۷:۷)
بار ۱۰۰

~: وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ (۲۰:۳۷)
راه ۱

~: الَّذِي أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ (۴۱:۲۱)
بار ۱۰۸

مِرَّةٍ: عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ (۵۳:۶)
نیرو ۳۰، زور ۸۱

مُرْتَابٌ: كَذَٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ (۴۰:۳۴)
گمامند ۱، بگمان شَونده ۲، بگمان ۳، بگمان افتاده ۵۳، باگمان ۵۶، بی گمان ۸۱، بگمان شونده ۱۰۸، به گمان شده ۱۱۴، بگمان باشد ۱۲۱، گمان کرده شده ۱۳۶

مَرَّتَانِ: الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ (۲:۲۲۹)
دوبار ۱، دُوباره ۱۰، دُوبار ۴۲، دُوبار ۵۵، دو ۶۳

مُرْتَفَقًا: بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا (۱۸:۲۹)
جایگاه ۲۴، بازگشت جای و آسایش گاه ۴۱، تن آسان ۴۳، نشستگاه ۵۶، همه کردنی ۸۴، جای بودن ۸۸، آرامگاه ۹۴، جایها ۹۶، جای ۱۰۲

~: نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا (۱۸:۳۱)
تختها ۳۰، آسایشگاه ۴۱، جایگه ۵۳، تن آسانی و آرزو رسیدن ۵۸، آرامجای ۶۴، آسای کردن ۷۴، آرام جا ۱۰۲، آرام گاه ۱۰۸، نواگاه ۱۰۹

مُرْتَقِبُونَ: فَارْتَقِبْ إِنَّهُم مُّرْتَقِبُونَ (۴۴:۵۹)
برمر گرفتاران ۱، چشم دارندگان ۳، گوش دارنده ۲۹، چشم همی دارند ۳۰، چشم دارنده ۳۹، چشم می دارند ۴۱، همی چشم دارند ۵۳، چشم داران ۸۷

مَرَّتَيْنِ: سَنُعَذِّبُهُم مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ (۹:۱۰۱)
دوباره ۱، دُوبارَه ۲، دُوبَار ۵۵

~: أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ (۹:۱۲۶)
دوبار ۱

~: لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا (۱۷:۴)
دُوبارْ ۲، دوبَار ۶۲، دوبآره ۱۰۰

~: أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا (۲۸:۵۴)

دوچندان ۲٤، دو بهره ۵۳

~: نُؤْتِهَآ أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۱:۳۳)

دُوباره ۲، دُوبَاره ۳۰، دوبرابر ۱۱٦، یک دو ۱۳۹

مَرَجَ: وَهُوَ ٱلَّذِى مَرَجَ ٱلْبَحْرَيْنِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ (۲۵: ۵۳)

بیرون هیشت[1] ۱، بهم درگذاشت ۳، درآمیخت ۲۰، ورآمیخت ۲۹، براند ۳۰، بیآمیخت ٤۳، درهم کشاد ٤۷، درهم آمیخته ٤۸، فراگذاشت ٦۷، برآمیخت ۷۲، برهم گشود ۸۹، درهم نشاند ۱۰۲، بهم گذاشت ۱۰۳، فروگذاشت ۱۰٤، بهم آمیخت ۱۰۹، بهم درگذرانید ۱۱٤، آمیخت ۱۲۱، بیامیخت با هم ۱۲۲، بهم درآرنده است ۱۲۹، بهم در پیوست ۱۳٦، میخته ۱۳۹

~: مَرَجَ ٱلْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ (۵۵: ۱۹)

درهم گذاشت ۳، بیامیخت ۲٤، جدا کرد ۳۰، درهم آمیخت ۳٦، بیامیختن ۳۹، بَیامخت ٤۲، بیافرید ۵۳، درهم گشاد ۵٦، روان کرد ٦۷، درهم درگدشت ۸۰، گشوده شده درهم ۸۱، درهم گذشت ۹۱، رها کرد و روان ساخت ۱۱٦، راه داد ۱۳۰، برگشود ۱۳۱، همی بیامیخت ۱۳۹

ٱلْمَرْجَانُ: يَخْرُجُ مِنْهُمَا ٱللُّؤْلُؤُ وَٱلْمَرْجَانُ (۵۵:۲۲)

مروارید خرد ۳، مروارید خورد ۲٤، بسد ۳۹، وسَه ٤۲، مروَارید خُرد ۵۱، مروارید خُرد ـ بُسّد ۱۰۹، مروارید ریزه ۱۲۰

~: كَأَنَّهُنَّ ٱلْيَاقُوتُ وَٱلْمَرْجَانُ (۵۵:۵۸)

مروارید ۲٤، مَرْوَارِیْد ۵۳، مروارید سفید ۱۱۱

مَرْجِعُكُمْ: ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ (۳: ۵۵)

بازگَشتن ۲، آمدن پس از مرگ ۲۵، بازآمدن جای ۲۷، بازگَشتن ٤۲، بازآمدن گاه ۹٦

~: إِلَى ٱللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۵: ٤۸)

وازآمدن ۱، واگشتن ۲۷، بازآمدنگاه ۹٦

~: إِلَى ٱللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۵:۱۰۵)

وازگشت ۳۷، بازگشت شما ۵۷

~: ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (٦:٦۰)

بازگشتن ۲، واگشتن گاه ۱۰

~: إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعْدَ ٱللَّهِ حَقًّا (۱۰: ٤)

بازگشتن ۲، بازگشت ۳، برگشت ۱۳٦

~: ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰:۲۳)

واگشتن ۱۰، بازگردیدن ۲٤

~: إِلَى ٱللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۱: ٤)

بازگشت جای ۲۷، بَازگشت ۵۵

~: إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۹: ۸)

آمدن ۲٤، بازگشتن جای ٤٦

~: إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۹: ۷)

بازگشتن ۱۱۹

مَرْجِعُهُمْ: ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ (٦:۱۰۸)

وازآمدن ۱، بَازگشتن ۲، بازگشتن ۹، بازآمدن اُوَاگشتن ۱۰، بازگشت ۲۹

~: فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ ٱللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ (۱۰:٤٦)

بازگردیدن ۲٤

---

[1] بیرون هیشت: درآمیخت.

~: مَتَٰعٌ فِي ٱلدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ (۱۰: ۷۰)
باز آمدن ۵۸

~: إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْ (۳۱: ۲۳)
باز گشت جای ۵٦

~: ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى ٱلْجَحِيمِ (۳۷: ٦۸)
آرام گاه ۳٤، جای باز گشت ٦۱، باز آمدن گاه ۹٦، باز گشتشان ۱۱٤

ٱلْمُرْجِفُونَ: وَٱلْمُرْجِفُونَ فِي ٱلْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ (۳۳: ٦۰)
دروغ گفتاران ۱، دروغ گویان ۷، هاافکنده کنند گان ۲۹، آنانک سخنها بدروغ افکنند ۳۸، آنانکه در می اندازند آوازه ٤۱، دروغ افکنند گان ٤۲، چیزها گویند بدروغ ٤۷، از جای افکند گان ۷۲، دروغ افکند گان ۱۰۲، خبرهای بدروغ افکند گان ۱۰٦، دروغ اندازند گان ۱۰۹، افکند گان ۱۳۰، از جا افکند گان ۱۳۹

مَرْجُوًّا: قَالُواْ يَٰصَٰلِحُ قَدْ كُنتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَٰذَآ (۱۱: ٦۲)
مید داشته ی ۱، امید داشته ۳، امید داشته شده ۳٦، اومیدوار ٤۱، امید داشته ٤۲، امیدوار ٤۳، امید داشته ۵۵، اومید دارنده ۵۷، امیدوارتر ۸۸، امیددار ۹٤، امیدوآر ۱۰۰، امّیدوار ۱۰۵

ٱلْمَرْجُومِينَ: قَالُواْ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَٰنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمَرْجُومِينَ (۲٦: ۱۱٦)
سنگ کشتگان ۱، سنگ سار کرد گان ۲، سنگسار کرد گان ۳، کشتگان ۲٤، سنگسا کرد گان ۲۹، سنگ ساران ۳۰، سنگساران ۹۰، سنگسار شد گان ۱۰۲، سنگ کار کرد گان ۱۰۸، سنگسار کرده شد گان کشتگان بسنگ ۱۰۹، راند گان یا سنگسار کرده شد گان ۱۱۱، سنگسار کرده شد گان ۱۱٦، رانده شد گان ۱۲۱، راند گان ۱۲۳، سنگ کرده شد گان ۱۲۹، رنده شد گان ۱۳۰

مُرْجَوْنَ: وَءَاخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ ٱللَّهِ (۹: ۱۰٦)
پس کرد گان فرمان ۱، بازپس داشتگان ۲، بازپس گذاشتگان ۳، امیدواران ۱۳، سپس مانده ۲۷، وابرداشته ۲۹، ۳۰، بازداشته ۳۸، اومید می دارند ٤۱، بازپس داشته ٤۲، امید میدارند ٤۳، باپس داشتگان ۵۲، سَپَس گذاشتگان ۵۵، باپس ایستادگان ۵۷، واپس داشتگان ۷۹، بازپس گذشتگان ۸۰، از پس مانده اند ۹٤، پس داشتگان ۱۰۵، بازپس داشته شد گان ۱۰۹، امید داده می شوند ۱۱۳، باپس گذشتگان ۱۱٤، امیدوارند ۱۲۱، دست بازداشته اند ۱۲٤

مَرَحًا: وَلَا تَمْشِ فِي ٱلْأَرْضِ مَرَحًا (۱۷: ۳۷)
بهنبارده ۱، باسرده ۸، خرامان ۳٦، کشی ۳۹، شادان ٤۳، شاد ٤۸، خَرامّان ۵۳، سرفراز ٦٤، نشاط و شادی ۷۸، خوش کام ۸۸، خراما ۹۰، بشادی ۹٤، بشادی و خرّمی ۱۰۰، نازان ۱۱۱، نازنده ۱۳۳

~: وَلَا تَمْشِ فِي ٱلْأَرْضِ مَرَحًا (۳۱: ۱۸)
شادی ۲، شاد کام ۳، یکسر ۱٤، شادی کنان ۲٤، کشی کننده ۳٦، شادمان ۳۹، سخت شادمان ٤۱، بکبر ٤٦، بدَنه ٤۷، نازندگی ۵٦، انباردگی ۵۸، نازان خرامان ٦۷، شادگان ۸۷، بخرام ۹۰، دنه ۱۰۹، برای بازی ۱۱۱، نشاط ۱۲۵، شادمانه ۱۲٦، بازی ۱۳۳، بناز ۱۳۷، بدنه گرفته ۱۳۸

مَرْحَبًا: هَٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًۢا بِهِمْ (۳۸: ۵۹)
فراخی ۲۹، خوشی ٤۳، نیکی باد ۵۳، فراخی جای ۷۹، استوار ۹۰، خوشی و فراخی جای ۱۰۰، شادی و خوشی ۱۰۲

~: قَالُواْ بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًۢا بِكُمْ (۳۸: ٦۰)
شادی ۲، فراخی مکان ۱۰۰، نیک ۱۲۵

★ لَامَرْحَبًا: هَٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًۢا بِهِمْ (۳۸: ۵۹)
فراخی مباد ۱، فراخ مکناد ۲٤، فراخی مبادا ۲۹، شادی مباد ۳۰، نیکو مباد ۸۸، فراخ مباد ۹۹، مباد

فراخی و شادی ۱۰۹، گشادگی مباد ۱۲۱، هیچ نیکی مباد ۱۲۳

~: قَالُوا۟ بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًۢا بِكُمْ (۳۸: ۶۰)
شادی مبادا ۲، نیکوی مبادا ۲۲، مدها فراخی ۲۴، مباد هیچ شادی ۴۱، نیک مباد ۴۲، جای فراخ مباد ۹۲، فراخ جای مباد ۱۱۳، هیچ فراخی و گشادی مباد ۱۱۶

بِٱلْمَرْحَمَةِ: وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلْمَرْحَمَةِ (۹۰: ۱۷)
بخشایست[۱] ۱، بخشایش کردن ۲، بخشایش ۵۱، بخشودن ۶۱، مهربانی ۷۹، خشنودی ۹۰، بخشایش و مهربانی ۱۱۶

مَرَدَّ: وَإِذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِقَوْمٍ سُوٓءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُۥ (۱۳: ۱۱)
واز گردانستار ۱، باز زد ۲، بازدارنده ۳، باز گردانیده ۳۰، بازداشت ۵۳، باز گردانیدن ۵۷، بازنَندَه ۶۰، جای باز گشت ۶۱، گریز گاه ۱۲۱

~: يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ ۖ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ (۳۰: ۴۳)
واز گشتن ۱، باز گردانیدن ۲، باز گرداننده ۳، باززده ۶۹

~: يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ (۴۲: ۴۴)
باز گشتن ۲، ور گردانیدن ۲۹، باز گردیدن ۳۴، باززدن ۳۹، باز گرد ۱۲۱

★ لَامَرَدَّ: إِذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِقَوْمٍ سُوٓءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُۥ (۱۳: ۱۱)
باززد نباشد ۲، نتوان باززد ۹۴، هیچ باز گردانیدنی نیست ۱۱۱، نیست گریز گاهی ۱۲۱

~: يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ ۖ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ (۳۰: ۴۳)
باززد نیست ۴۳، باز گردانیدن نبود ۴۷، باز نتواند شد ۷۶، باززده نیست ۸۷، باز گردیدن نیست ۱۰۳، هیچ باز گردنده نباشد ۱۲۱

~: مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ (۴۲: ۴۷)
نه باشد باز گشت ۱۶، باز گردانیدنی نبود ۱۳۸

مَرَدًّا: خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا (۱۹: ۷۶)
باز گشتن ۲، باز گشت ۲۹، باز گشت جا ۳۶، باز گشت جای ۴۱، باز گردانیدن ۴۳، باز گشتن جای ۵۶، جای باز گردانیدن ۶۹، باز گردیدن ۷۹، جای باز گشتن ۸۶، گردانیدن ۹۰، جای بر گشتن ۱۰۴، باز گفتن ۱۰۶، باز گشت سرانجام ۱۰۹، از روی باز گشت ۱۱۱، جای باز گشت ۱۳۲

مُرْدِفِينَ: أَنِّى مُمِدُّكُم بِأَلْفٍ مِّنَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ مُرْدِفِينَ (۸: ۹)
پس ور نشانده گان ۱، دَمادم آینده گان ۲، از پی یکدیگر آینده گان ۳، از پس یک دیگر اندر پیاپی هَمخُنند ۱۰، پیوسته زپس یک دیگر ۲۴، پس یک دیگر ۲۷، از پی در آورده ۲۹، از پس بر گرفتگان ۳۵، پس یکدیگر ۳۶، از پس یکدیگر ۳۸، پس یکدیگر آینده گان ۳۹، بر پس یکدیگر ۴۱، یک پس دیگر ۴۳، از پس یک دیگر ۴۹، دمادم آینده گان ۵۲، از پَیِ یَکدِیگَر آیَندَگان ۵۵، از پس آیند ۵۷، بهم پیوسته ۶۲، از پی یکدیگر در آینده گان ۶۳، از پی در آینده گان یکدیگر ۷۹، از یکدیگر آینده گان ۸۰، دُمادُم آینده گان ۸۳، در آینده گان ۸۹، بیک دیگر ۹۰، از پس یکدیگر آینده گان ۹۱، آینده گان از پس یکدیگر ۹۴، از پس یکدیگر بر نشسته ۹۵، برتر یکدیگر ۱۰۰، از پی یکدیگر فرا کرده گان ۱۰۲، از پی در آرنده گان ۱۰۴، دمادُم آینده گان ـ از پی در آینده گان ۱۰۹، یک یک از پس ۱۱۲، از پی یکدیگر دررسنده گان ۱۱۴، در پی یکدیگر ۱۲۱، از پی هم در آینده گان ۱۲۲، در آینده ۱۲۳، آینده گان از یکدیگر ۱۲۸، در پی یکدیگر در آینده گان ۱۳۴، از پی هم آینده گان

---

۱. بخشایست: بخشایش.

۱۳۵، بی دربی ۱۳۶

مَرَدَّنَا: وَأَنَّ مَرَدَّنَآ إِلَى ٱللَّهِ (۴۳:۴۰)
بازگشت ۲، بازگشت ما ۱۵، گردیدن ۱۰۶

مَرَدُوا: وَمِنْ أَهْلِ ٱلْمَدِينَةِ مَرَدُوا۟ عَلَى ٱلنِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ (۱۰۱:۹)
ستنبه شدند[1] ۱ و ۲۹، خو کردند ۳، بازشدند ۱۳، بایستادند ۲۴، چیره شدند ۳۸، فرود شده‌اند ۳۹، سخت شُدند ۴۲، نرم ایستاده‌اند ۴۳، بیستادند ۴۹، خُو گردَند ۵۵، بستهیدند ۵۶، سرکش شدند ۵۷، ایستادند و استوار شدند ۵۸، استاده‌اند ۶۲، سخت باستاده‌اند ۶۳، پای افشردند ۶۷، خیره شدند ۶۹، برگشتند ۷۸، ایستاده‌اند ۸۳، بی فرمانی کردند ۹۰، سخت بیستاده‌اند ۹۳، خوگر شدند ۹۵، نافرمانی کردند ۱۰۲، سخت شدند ۱۰۳، سخت ایستاده هستند ۱۰۶، خوگر شده ۱۱۱، فرسوده شدند ۱۱۲، خوی کرده‌اند ۱۱۶، گستاخ شدند ۱۲۱، گردن کشی میکنند ۱۲۸

مَرْدُودٍ: وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (۷۶:۱۱)
بازگردانیده ۲، بازگردانیده ۳، ورگردانیده ۲۹، بَازگرداَنیده ۵۵، بازگردنده ۵۸، واگردانیده ۵۹، بازگردیده ۷۵، بازکردانیده ۷۹، بازگردانیده شده ۹۲، باززده ۹۴، بازگردیده شده ۱۰۲، بازبرده ۱۲۴

لَمَرْدُودُونَ: يَقُولُونَ أَءِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِى ٱلْحَافِرَةِ (۷۹: ۱۰)
بازدگان ۶۱، بازگردانیدگان ۷۹، بازگردانیده شدگان ۸۰، بازگردانیده شده گان ۹۱، بازبرنده ۱۰۸، بازگرویدگان ۱۱۳، بازگردندگان ۱۱۷، بازگردانیده ۱۲۰، بازگردیده شدگان ۱۲۲، بازبرند ۱۲۴، بازگرداندگان ۱۲۶

مُرْسَاهَا: يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَىٰهَا (۱۸۷:۷)
بپای شدن ۱، بودن ۳، برخاستن رَستاخَیز ۱۰، فروگذاشتن ۳۵، استوارشدن ۴۲، درست شدن ۵۲، بُودَن وَی ۵۵، آمدن ۵۶، پدید آوردن ۷۲، بودنگاه ـ درست شدن ۱۰۹، رسیدن ۱۱۴، بپا آوردن ۱۲۳، درستی ۱۲۸

~: وَقَالَ ٱرْكَبُوا۟ فِيهَا بِسْمِ ٱللَّهِ مَجْر۪ىٰهَا وَمُرْسَىٰهَآ (۴۱:۱۱)
وازگرفتن ۱، فرواستادن ۲، ایستانیدن ۳، واداشتن ۲۹، استیدن ۳۴، ایستادن ۳۶، استان ۴۲، بازایستادن ۴۳، ایستادن جای ۴۸، استادن ۵۲، ایستَانیدَن ۵۵، بازآمدن ۶۱، بر جای بداشتن ۶۳، بازداشتن ۶۷، فرستادن ۶۹، بدارنده ۷۶، فروفرستادن ۷۸، استانیدن ۹۹، بر جای داشتن ۱۰۴، فریستادن ۱۲۸، لنگر انداختن ۱۲۹، هنگام بازداشتن ۱۳۱، گاه ایستادن ۱۳۵، نگاه دارنده ۱۳۶

~: يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَىٰهَا (۴۲:۷۹)
بُوْدن ۲، استوار بودن ۶۱، پدید آمدن و بودن ۸۰، رسانیدن ۱۱۴

مُرْسَلٌ: أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَـٰلِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِۦ (۷۵:۷)
فرستاده ۱، فرسْتاده ۲، پیامبر فرستاده ۲۷، فرستاده شده ۶۱، فرستاَده ۱۰۰، پیغامبر ۱۲۱، فرستَاده ۱۴۰

مُرْسِلَ: وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ (۲:۳۵)
فرستادار ۱، فرستنده ۲، رساننده ۴۲، فرو فرستنده ۵۶، رساننده ۶۴، فرستاننده ۱۰۰، فرستانده ۱۱۳

مُرْسَلًا: وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَسْتَ مُرْسَلًا (۴۳:۱۳)
فرستاده ۱، فرسْتاده ۲، پیغامبر ۵، فِرسَتاده ۵۵، فرستاده شده ۶۱، پیغمبر فرستاده ۷۶، فروفرستاده

---
۱. ستنبه شدند: نافرمان شدند.

۸۰، پیغامبری ۸۴، فریستاده ۱۲۸

اَلْمُرْسَلات: وَٱلْمُرْسَلَٰتِ عُرْفًا فَٱلْعَٰصِفَٰتِ عَصْفًا (۱:۷۷)
فرشتگان فرستاده ۱، فرستادگان ۳، فریشتگان فرستاده ۲۹، بادهای فرستاده ۳۰، فرستاده گان ۳۸، بادها فرستاده یا فریشتگان فرستاده ۵۶، فرشتگان ۷۶، بادهای فرستاده یا فرشتگان فرستادگان ۷۹، بادها فرستاده ۸۸، بادها یا ملائکه فرستاده ۱۰۴، فرستاده شدگان ۱۰۹، بادهای فرستاده با فرشتگان فرستادگان ۱۱۳، فرشتگان که بپایی آیند ۱۱۷، فرشتگان فرستاده شده ۱۳۲

مُرْسِلَةٌ: وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ (۳۵:۲۷)
فرستادار ۱، فرستنده ۳، بخواهم فرستاد ۶۱، بفرستم ۷۶، فرستیده ۸۴، پیغامبر ۸۷، من بخواهم فرستاد ۱۰۸، فرستاننده ۱۱۱، بخواهم فریستادن ۱۲۸

مُرْسِلُوا: إِنَّا مُرْسِلُوا ٱلنَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَٱرْتَقِبْهُمْ وَٱصْطَبِرْ (۲۷:۵٤)
فرستادارآن ۱، فرستندگان ۳، فرستیده ۳۰، فرستادگان ۵۶، فرستنده ۶۱، فرستادیم ۸۷، فرو فرستنده ۱۰۸

مُرْسَلُونَ: قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا ٱلْمُرْسَلُونَ (۵۷:۱۵)
فرستادگان ۱، فِرِسْتادِگانْ ۵۳، فرستادگان ۶۲، فرشتگان ۷۶، فرستیدگان ۱۱۲، فریستادگان ۱۲۸

~: فَلَمَّا جَآءَ ءَالَ لُوطٍ ٱلْمُرْسَلُونَ (۶۱:۱۵)
فرستادگان ۲

~: يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ ٱلْمُرْسَلُونَ (۱۰:۲۷)
پیغمبران ۷۶، پیغمبران و فرستاده شدگان ۱۱۱

~: وَٱضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَٰبَ ٱلْقَرْيَةِ إِذْ جَآءَهَا ٱلْمُرْسَلُونَ (۱٤:۳۶)
پیغامبران ۲٤، فرستاده شده ۵۶، فرستاده شدگان ۶۱، فرستاده شده گان ۱۳۶

~: قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا ٱلْمُرْسَلُونَ (۳۱:۵۱)
فرشتگان فرستاده ۸۶

مُرْسَلِينَ: تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ (۲۵۲:۲)
فرستادگان ۱، پیامبران بهمهٔ جهانیان فرستاده ۲۷، فِرِستادگان ٤۱، پیغامبران فرستاده ۵۵، فرشتگان ۷۵، پیغمبران ۷۶، پیغامبران فرستاده ۹٤، پیغمبران و فرستاده ۱۰۱، فرستاده شدگان ۱۰۹

~: وَلَقَدْ جَآءَكَ مِن نَّبَإِي۟ ٱلْمُرْسَلِينَ (۳٤:۶)
فرستادگان ۱، آنکسانی که ایشانرا فرستاده‌ایم ۲۹، آن کسانی که فرستاده‌ایم ۶۲، پیغامبران ۱۱۰

~: فَلَنَسْـَٔلَنَّ ٱلَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْـَٔلَنَّ ٱلْمُرْسَلِينَ (۶:۷)
فرستادگان ـ پیغامبران ۱۰ مکرّر، پیامبران ـ رسانیدن پیغام ۲۷، پیغام بران ۱۳۶

~: ٱئْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ (۷۷:۷)
فرستاده گان ۸۰، پیغمبران و فرستاده شدگان ۱۱۱، پیغمبران فرستاده شده ۱۳۶

~: وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَٰبُ ٱلْحِجْرِ ٱلْمُرْسَلِينَ (۸۰:۱۵)
فرستادگا ۵۷، رسولان ۱۰۶

~: وَمَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ (۵۶:۱۸)
فِرِستاده گان ۵۵

~: وَمَآ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ (۲۰:۲۵)
پیغامبران فِرِستاده ۵۱، پیغامبر ۶۱، پیغمبران فرستاده ۸۶

~: يسٓ وَٱلْقُرْءَانِ ٱلْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ (۳:۳۶)
پیغامبران فرستاده ۵۶

~: قَالَ يَٰقَوْمِ ٱتَّبِعُوا۟ ٱلْمُرْسَلِينَ (۲۰:۳۶)
فرستاده شدگان ۱۰۳

~: وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ (۱۲۳:۳۷)

پیغمبران ۸۱

~: وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (۳۷:۱۷۱)

پیغمبران فرستاده ۸۱

مُرْسِلِينَ: وَلَٰكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (۲۸:۴۵)

فرستاداران ۱، فِرِستادَهْ ۵۳، فرستنده ۵۶، فرشتگان ۸۰، فریستند گان ۱۲۸

~: أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (۴۴:۵)

فرستاداران ۱، فرستادگان ۱۶، فرستند گان ۳۰، فرستَند گان ۳۲

مُرْشِدًا: وَمَنْ يُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا (۱۸:۱۷)

ره آر ۱، راه نماینده ۲، راه نمای ۳، راهنما ۳۴، راه نما ۴۳، رَاه نَمایْ ۵۵، راه نَمای ۶۲، رانمای ۹۱، راه نماید ۱۰۸، راه راست نماینده ۱۱۱، راه راست نمای ۱۳۲

الْمِرْصَادِ: إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (۸۹:۱۴)

کدار ۱، بَرراه گذر ۲، راه گذر ۲۴، ره ۲۹، بر راه ۳۹، راه راست ۷۸، ره گذر ۸۸، نگاه داشته ۹۰، کمین گاه ۹۱، نگاهداشت ۹۲، راه ۹۶، راه گذر ۱۰۲، گذرگاه ۱۰۴، سر راه ۱۰۹، کمینگاه ۱۲۱، چشم داشتن جای ۱۲۶

مِرْصَادًا: إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۷۸:۲۱)

راه گذرْ ۲، نیک چشم دارنده راه نگاه دارنده ۳، جایگاه ۲۴، راه گذر ۳۰، بر کرده ۳۸، برراه تر ۳۹، نیک چشم دارنده ۸۰، راهگذ آر ۱۰۰، راه گذرگاه ۱۰۲، گذرگاه ۱۰۹، ره گذر ۱۱۳، چشم دارنده ۱۱۴، کمین گاه ۱۱۶، کمینگاه ۱۲۰، زندان ۱۳۹

مَرْصَدٍ: وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ (۹:۵)

ره ۱، راه گذر ۳، راهی که شَند و آیند اندر بازارگانِه ۱۰، راه پای ۱۱، راه ۲۴، کمین گاه ۳۶، راه بان ۳۸، ره گذر ۴۲، گذرجای ۴۳، گذَر ۵۵، سر راه ۵۷، گذر ۷۲، کمینگاه ۷۴، راه گدر ۸۰، دام ۹۲، راه گذار ۹۴، سرراه ۱۰۰، راه و گذرگاه ۱۰۲، گذرگاه ۱۰۴، راه گذرگاه ۱۰۹، بازارگاه ۱۲۱، راهگذر ۱۲۴، رهگذر ۱۳۳

مَرْصُوصٌ: كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ (۶۱:۴)

یک بدیگر پیوسته ۲، درهم گداخته ۲۴، بیکدیگر پیوسته ۳۰، ارزیز فرو ریخته ۳۴، تنگ بر آورده ۳۸، بیکدیگر پیوسته ۳۹، ار زیز ریخته ۴۱، بگچ کرده آرزیز ۴۲، برهم ۴۳، راست پیوسته ۴۹، بارز کرده ۵۲، در یک دیگر بسته ۵۶، برهم نهاده ۶۱، استوار کرده ۶۹، استوار و چفت بر آورده ۸۰، ار زیز ومس گداخته ۸۱، استوار کرده بی گشادگی ۸۴، بر یکدیگر نهاده ۸۷، استوار و جفت بر آورده ۹۱، بهم بسته ۹۶، استوار کرده شده ۱۰۲، استوار بی گشادنی ۱۰۴، بارزیز کرده ۱۰۵، یک بدیگر پیوسته ۱۰۸، استوار کرده شد تنگ در بر یکدیگر درآورده ۱۰۹، ریخته از ارزیز ۱۱۱، استوار و جفت ۱۱۴، از ارزیز ریخته ۱۱۶، بهم پیوسته ۱۲۰، استوار بر آورده شده ۱۲۱، استوار شده ۱۲۲، بیکدیگر ریخته از ازریر ۱۳۱، بیکدیگر چسبیده ۱۳۳، درهم بسته ۱۳۹

مَرَضًا: فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا (۲:۱۰)

بیماری ۲، تنگی ۸۴

مَرَضٌ: فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ (۵:۵۲)

بیماری ۱، بیمارِی ۵۵

~: وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَٰؤُلَاءِ دِينُهُمْ (۸:۴۹)

رنج ۶۱

~: لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ (۲۲:۵۳)

بیماری ۲، درد ۵۳

~: وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ (۳۳:۱۲)

بیمار ۹۶، خستگی ۱۱۴

~: فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ (۳۳:۳۲)

بی سامانی ۸۶

~: رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ (۴۷: ۲۰)
بیماران ۱۳۸

مَرْضَات: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ (۲: ۲۰۷)
خُشنودی ۲، خُشنُدی ۱۰، خُشنودی ۴۲، خُشنوی ۵۵، خشنودی ۷۴، خشنودیها ۱۱۰

~: وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ (۲: ۲۶۵)
خشنودی ۱، خشنودی ۲، خشندی ۱۰، خشنودی جستن ۱۰۴

~: وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ (۴: ۱۱۴)
خُشنودی ۲، خشنودی ۱۰، خُشْنودی ۵۳

مَرْضَاتِي: إِن كُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي (۶۰: ۱)
خشنودی ۱، خوشنودی ۱۰۸

مَرِضْتُ: وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (۲۶: ۸۰)
بیمارشم ۱، بیمار شوم ۳، بیمار گردم ۲۴، بیمار شدم ۴۱، بیمار می شوم ۱۱۳

مُرْضِعَة: يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ (۲۲: ۲)
شیردادار ۱، شیردهنده ۲، شیردهنده ۳، زنی که شیر دهد ۲۴، هر زنی که شیر دهد ۳۴، زن شیردهنده ۳۶، شیر دَهَنده ۵۳

مَرْضَى: وَإِن كُنتُم مَّرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ (۴: ۴۳)
بیماران ۱، بیماران او خستگان ۱۰، بیماران و خستگان ۴۰، بیماران ۵۵، رنجور ۶۷، بیمار ۱۰۰، خسته ۱۰۴

~: أَوْ كُنتُم مَّرْضَىٰ أَن تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ (۴: ۱۰۲)
بیمار وُ خَسته ۱۰

~: وَإِن كُنتُم مَّرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ (۵: ۶)
بیماران یا خستگان ۱۰، بیمار آن ۹۴

~: لَّيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ (۹: ۹۱)
بیماران ۲، بیماران ۵۵

~: عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ (۷۳: ۲۰)
بیمار ۶، بیماری ۱۲۵

مَرْضِيًّا: وَكَانَ عِندَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (۱۹: ۵۵)
پسندیده ۱، پسندیده ۲، پسندیده کار ۴۴، پَسندیدَهْ ۵۳، پسندید ۹۶، خشنود ۱۰۵، ستوده ۱۲۴

مَرْضِيَّةً: ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۸۹: ۲۸)
پسندیده ۱، خشنود گشته ۳۴، خشنود کرده ۳۸، خشنوده شده ۳۹، خشنود ۶۱، خشنود شده ۱۱۴، پسندیده شده ۱۱۶، خشنود باشد از تو ۱۳۲، خوش شدن ۱۳۶

مَرْعَاهَا: أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا (۷۹: ۳۱)
چراگه ۱، چَراگاه ۲، گیا ۲۴، گیاه‌زار ۲۹، چراگاه ۳۰، مرغزار ۳۶، چراخوار ۶۱، چراخواران ۶۴، چراخور ۶۷، گیاه ۹۰، چره‌زاران ۱۰۶، چرازار ۱۰۹، گیاه‌زار و چراگاه ۱۱۱، چره‌زار ۱۱۷

الْمَرْعَى: وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ (۸۷: ۴)
چراگه ۱، گیاخوار ۲، گیاه ۲۴، چراخور ۳۰، چراگاه ۳۴، چراگاهها ۶۴، چراخوار ۶۵، گیاه‌خوا ۸۸، چره‌زار ۸۹، چرازار ۱۰۵، گیاخوار ۱۰۸، مرغزار ۱۲۴

مِرْفَقًا: وَيُهَيِّئْ لَكُم مِّنْ أَمْرِكُم مِّرْفَقًا (۱۸: ۱۶)
خواب گاه ۲۴، نیکوئی ۳۹، آسایش ۴۱، روزی ۴۲، آسانی ۴۳، رهانیدن ۴۹، کاری ساخته ۵۲، جایگاه سُودمَند ۵۳، نرمی کردن ۶۹، نیکویی ۷۲، کار بزرگ ۸۸، نیکو ۹۰، کار ساخته ۹۴، تکیه گاه ۱۰۶، بنو ساخته ۱۰۸، برگ و نوا ۱۰۹، آسان شود ۱۲۲، کار بنو ساخته ۱۲۸، مدارا ۱۳۶

اَلْمَرْفُودُ: وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ (۱۱: ۹۹)
داده ۱، داده شــده ۳۶، یــاری داده ۴۱، در آورده ۴۳، دَادَه شُدَه ۵۵، بخشوده ۶۳، بخشُوده ۱۰۶، بداداده شده ۱۱۳

اَلْمَرْفُوع: وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (۵۲: ۵)
ورداشتَه ۱، برداشته ۲، افراشته ۳، برافراشته ۴۲، برداشته ـ بلند ۴۳، بلند برداشته ۴۹، بر کشیده ۵۳، بلند و برداشته ۷۹، بیفراشته ۸۱، بر آورده ۹۰، افراشته ۹۱، بلند کرده شده ۱۰۲، برفراشته ۱۰۵، بلند ۱۱۳، بلند برداشته و برافراشته ۱۱۶، بلند برداشته شده ۱۲۰، افراشته شده ۱۲۵، آفرشته ۱۳۸

مَرْفُوعَةٌ: وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ إِنَّا أَنْشَأْنٰهُنَّ إِنْشَاءً (۵۶: ۳۴)
ورداشته ۱، افراشته ۳، بلند ۲۴، فراشته ۲۹، بَرداشته ۴۲، بفراشته ۸۱، بلند بر آورده ۸۸، بلند برداشته شده ۱۰۲، پرهنر ۱۰۶، بگسترده ۱۱۷، بالای هم گسترده ۱۲۰، برافراشته شده ۱۲۲، بالای هم چیده ۱۳۶، گران مایه ۱۳۹

~: فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ (۸۰: ۱۴)
برافراشته ۵۱، بلند گردانیده شده ۸۰، بلند افراشته ۸۷، بلند گردانیده ۹۴، بلند کرده شده ۱۰۲، بلند برداشته ۱۰۹، برداشته و بلند ۱۱۱، برداشته شده ۱۱۶

~: فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ (۸۸: ۱۳)
برداشته ۲، بلند و برداشته ۷۹، بلند کرده ۹۱، آراسته ۱۰۰، افراشته ۱۱۱، بلند برافراشته ۱۱۶، بلند برداشته ۱۲۶

مَرْقَدِنَا: قَالُوا يٰوَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا (۳۶: ۵۲)
خفتن جایها ۱، خُوابْ گاه ۲، خوابگاه ۳، خواب گاه ۲۲، خواب ۳۳، خواب جای ۴۹، گورها ۷۴، خَواب گاه ۹۴، خواب گاهها ۹۵، خفتنگاه ۹۶، خفتن جای ۱۰۶، خواب جا ۱۱۳، خابگاه ۱۲۹

مَرْقُومٌ: وَمَا أَدْرٰيكَ مَا سِجِّينٌ كِتٰبٌ مَرْقُومٌ (۸۳: ۹)
نویشته ۱، نوشته و نشانه کرده شده ۱۱۱

~: وَمَا أَدْرٰيكَ مَا عِلِّيُّونَ كِتٰبٌ مَرْقُومٌ (۸۳: ۲۰)
نوشته ۲۴، نشان کرده ۳۰، نبشته ۳۴، نبشته شده ۸۰، نوشته شده ۱۰۲، نشان زده ۱۰۸، نبشته، مهر کرده ۱۳۹

مَرْكُومٌ: يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ (۵۲: ۴۴)
یک ور دیگر نهاده ۱، برهم نهاده ۲، برهم نشسته ۲۴، بهم نشسته ۳۰، بر یکدیگر نشسته ۳۴، زور یک دیگر برساخته ۳۵، بر یکدیگر افتاده ۳۹، برهم نشسته پاره افتاده ۴۱، برهم ۴۳، بر یکدیگر نشستَهْ ۵۳، بر یکدیگر افتاده ۵۶، بر یکدیگر فتاده ۶۱، زبر یک د یگر ۶۷، بر همه نهاده ۸۰، بر یکدیگر بسته ۸۸، برهم نشانده ۸۹، تو برتو ۹۲، درهم بسته ۱۰۳، زبر یکدیگر نشسته ۱۰۸، درهم بسته و بهم چسبیده ۱۱۱، بهم بسته ۱۱۵، بر یکدیکر افتاده ۱۲۵، فراهم آمده ۱۳۶، تو برتو نهاده ۱۳۹

مَرُّوا: وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (۲۵: ۷۲)
برونـد ۱، گذرند ۳، بگذرند ۲۰، بگردند ۴۶، بَرَوْند ۵۳، برفتند ۵۶، بَروند ۷۶

~: وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (۸۳: ۳۰)
بگذشتند ۳۹، بگذشتندی ۵۶، می گذشتند ۸۰، می گذشتند ۹۱، میرفتند ۱۰۰، بگذشتن ۱۱۳، میگذرند ۱۲۰، میگذشتند ۱۲۹، می رفتند ۱۳۹

مَرِيئًا: فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا (۴: ۴)
گهارشتی ۱، گوارنده ۲، خوش ۳، گوارنده وی بزه ۱۰، نوش ۲۳، سازنده ۲۹، گوارنده ۳۴، گوارا ۴۳، خَوشْ ۵۵، گواران ۵۸، نوش باد ۶۵، گوآرنده ۱۰۰، خوشگوار ۱۱۱

مُرِيبٍ: وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (۱۱: ۶۲)
گمامند کنار ۱، در گمان اندازنده ۳۰، گمان برنده ۳۹، گمان افکننده ۴۳، سخت ۸۸، بگمان

~: وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۱:۱۱۰)
افتنده بگمان ۵۶، گمانمند ۵۹، سست گمان ٦٤، افکننده ۱۰۵، نومید ۱۱۲، بد گمان اندازنده ۱۳۵

~: وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (۱٤:۹)
در گمان افکند ۱۰۲، در گمان آرند ۱۰۹، بیگمان ۱۱۲، بگمان اوفتاده ۱۲٤

~: إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ (۳٤:٥٤)
بگمان افکننده ۳۹، بگمان افتاده ۵۳، بگمان آرنده ۱۰۹

~: وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (٤۱:٤٥)
بگمان افکنده ۲، گمان مند ۱۵، بگمان افکنده ۳۰

~: لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (٤۲:۱٤)
گمان مند ۲، گمان ٤۹، گمان اندازنده ۱۰۲، نیک بگمان ۱۰٤، بگمان اندازنده ۱۲۲

~: مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ (۵۰:۲۵)
گمامند ۱، در گمان افکننده ۳، پیدا و بگمان اندر ۳۹، در گمان ۷۲، گمان برنده ۸۱، بگمان فکننده ۱۰٤، با گمان ۱۱٤

مِرْيَة: فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ (۱۱:۱۷)
گمامندی ۱، گمان ۲، گمان مندی ۳۹

~: فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ (۳۲:۲۳)
گمان ۲

مَرِيج: فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ (۵۰:۵)
جنبان ۲، شوریده ۳، شورنده ٦، درهم آمیخته ۳٦، پیچیده ۳۸، در آمیخته و جنبان ۳۹، بهم درزده ٤۱، آمیخته ٤۲، بهم بر آمده ٤۹، در آمیخته ٦۵، پوشیده ٦۷، درامیختـه ٦۹، درهم ۹۰، جنبـان ۹۵، بـهم آمیخته و شوریده ۱۰۹، باساست ۱۱۳، سوزنده ۱۲۹، بر آمیخته ۱۳۹

مَرِيدًا: وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا (٤:۱۱۷)
رانده ۱، رانده ستنبه ۳، ستَنبه ۱۰، ستیهنده ۲۹، ستِیْهَنْدَه ۳٤، رمنده ۵۲، ستَمْبَهْ ۵۳، ستَنْبَه ۵۵، ستیهنده و رانده ٦۵، رانده و نفرین کرده ۷۵، رمیده ۸۲، رآنده ۱۰۰، سرکش ۱۱۱، ستیزنده ۱۱٦، رانده شده ۱۲۱، گردنکش ۱۲۲

مَرِيد: وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ (۲۲:۳)
رانده ۱، جهندَه ستِنبه ۲، ستنبه ۳، جهنده ۳۰، ستیهنده ۳٤، نافرمان ۳۹، ستمنه ۵۳، استَهیده ٦۲، جمنده ٦۹، ستبه یعنی درشت ۷۹، گردنکش ۹۵، بی فرمان ۹٦، ستبه ۹۸، رانده شده ۱۰۲، گردن کشنده ۱۰۳، بد ۱۰۵، جنبنده ستنبه ۱۰۸، رانده گمراه ۱۱۱، سرکش ۱۱٦، دور کرده شده ۱۲۹

اَلْمَرِيض: وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ (۲٤:٦۱)
بیمار ۱

مَرِيضًا: فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ (۲:۱۸٤)
بیمار ۲، بیمارْ ۲، بیمار ۳ بیمار ۵۵، رنجور ۸۸، بیمار ۱۰۰

مَرْيَم: وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ (۳:۳٦)
خدای پرست ۳

مِزَاجُهُ: وَمِزَاجُهُ مِن تَسْنِيمٍ (۸۳:۲۷)
آمیزشت ۱، آمیزش ۳٤، آمیختن ۵۲، آمیختگی ۱۱۱، آمیز ۱۳۰، مزه ۱۳٦

مِزَاجُهَا: يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۷٦:۵)
آمیزشت ۱، آمیزش ۳، آمیختن ٤۳، آمیختگی ٦۷، آمیز ۱۳۰

~: وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا (۷٦:۱۷)
آمیخته ۳٤، طعم ۱۳٦، نام ۱۳۹

مُزْجَاة: وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ (۱۲:۸۸)
ناروا ۲، اندک ۳، ناروان ۳۹، اندک و فرومایه ٤۹، اندک ۵۵، کاسته ٦۲، ناروا ۷۸، اندک و

ناسره ۷۹، ناروا کم و کاست ۱۰۹، اندک و کم ۱۲٤، فاروا ۱۲۸

بِمُزَحْزِحِهِ: وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَن يُعَمَّرَ (۲:۹٦)
دور کننده ۳، دُور کُننده ۱۰، دور بکننده ۲۹، بیرون آرنده ٤۱، دور کنندهٔ ۵۲، ذشته شده ۵۳، دُورْکنَنده ۵۵، بدور کننده ۵۷، رسته شده ۹٤، از زندگانی درکننده ۹۹، رهاننده ۱۰۰، دورگرداننده ۱۱۱، رهانیدن ۱۳۸

★ مَا بِمُزَحْزِحِهِ: وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَن يُعَمَّرَ (۲:۹٦)
دور نکند ۲٤

مُزْدَجَرٌ: وَلَقَدْ جَاءَهُم مِّنَ الْأَنبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ (٥٤:٤)
جای وازشدن ۱، بازشدن ۲، جای پند گرفتن ۳، واایستادن ۲۹، جای باز ایستادن ۳۰، باززدن ۳۸، بازاستادن ۳۹، بازدارنده ٤۱، وازده ٤۳، بازایستاده ٥٦، دست واز زدن ٦٥، باز ایستادن ۷۸، جای پند گرفتن ۸۰، باززده ۸۱، جای بازاستادن ۸۸، وازدن ۸۹، بند ۹۰، بازاستند ۱۰۵، وازدنی ۱۰٦، بازداشتن ۱۱۱

مُزِّقْتُمْ: هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ (۳٤:۷)
پارَه کرده شید ۱، پراکنده کرده شویت ۳، شما را تاره کند ۱٤، بپراکنند ۲۹، پراکنده گرداند شما را ۳۰، شما را پراکنده گردانیده باشد ۳٤، پاره پاره شدند ۳۸، جدا و پراکنده شوید ۳۹، پاره شویت ٤۱، پراکنده شدید ٤۳، بریزانیدند شما را ٤۷، پراکنده کند ٥۲، بپراکنند شما ٥٦، پاره پاره شوید شما ٥۸، پاره و ریزه کرده شوید ٦۷، بپراکنندتان ٦۹، بپراکنید شما ۷۲، پاره پاره شوند ۷٤، پراکنده کنند شما را ۸۸، پاره کردید ۹۰، پراکنده گردانندتان ۹٤، شما را پراکنده کرده باشد ۹٦، کوفته میشوید شما ۱۰۰، پاره کرده شوید ۱۰۳، پراکنده کرده شوید ۱۰۹، پاره کردتان ۱۱٤، ریزه‌ریزه کرده شوید ۱۱٦، پارَه پارَه کنند شما را ۱۱۹، پراکنده شوید ۱۲۱، پاره کنند شما را ۱۲٤

مَزَّقْنَاهُمْ: فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ (۳٤:۱۹)
پاره کردیم ۱، بپراکندیم ۲، پراکنده کردیم ۳، پراکندیم ۲٤، جدایی افکندیم ۳٦، پاره پاره کردیم ۳۸، بپراکندیم ما ٥۸، پاره کردیم ما ۹۰، پراکنده ساختیم ۱۰۳، پارَه پارَه کردیم ۱۱۹، پراکنده گردانیدیم ۱۲۲، بپراکنده کردیم ۱۲٥، پاره‌پاره کنم ۱۳۹

الْمُزَّمِّلُ: يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۷۳:۱)
جامه در سرکشیدار ۱، جامه در خود پیچیده ۳، جامه در خویشتن پیچیده ٦، گلیم بسر اندرگرفته ۱۹، جامه در خود گرفته ۲٤، خویشتن بپوشیده ۲۹، بجامه اندر پیچیده ۳۰، سر در جامه کشیده ۳٤، جامه در سرکشیده ۳٦، خود رَا بَجامَه پیچیده ٤۲، سر در گلیم کشیده ٤۳، گلیم در سر کشیده ٤۸، پوشیده ٥۲، جامه بخویشتن اندر پیچیده ٥٦، جامه بخود گرفته ٦۹، سرک گلیم کشیده ۷۸، جامه بسر درکشیده ۷۹، خویشتن بجامه درپیچیده ۸۸، جامه بسر اندر کشیده ۹٤، گلیم بسرکشیده ۹۹، جامه بخود پیچیده ۱۰۰، جامه بسر درآورده ۱۰۲، جامه بخود درپیچیده ۱۰٤، پرده در خود پیچیده ۱۱۱، گلیم‌پوش ۱۱٥، گلیم درخود پوشیده ۱۱٦، گلیم در خود پیچیده ۱۲۰، جامه بر خود پیچیده ۱۳۰، کشیده سر در جامه ۱۳۹

الْمُزْنِ: أَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ (٥٦:٦۹)
اور ۱، مَیغ ۲، ابر ۳، ابرها ۸۷، ابر سپید ۸۹، ابر سفید ۱۰۳، میغ سپید ۱۰٥

مَزِيدٍ: هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ (٥۰:۳۰)
افَزونی ۳، فزونی ۳۰، اَفْزونی ٥۳، اَفْزونی ٦۱، زیادت ۸۱

مَسَّ: فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ (۳:۱٤۰)

بسود ۳، فراز رسید ٤۰، بُسُود ۵۵

~: وَقَالُوا قَدْ مَسَّ ءَابَآءَنَا ٱلضَّرَّآءُ وَٱلسَّرَّآءُ (۷: ۹۵)
بَرسید ۲، مَی رسیدی ۱۰، برسید ۲۷، فرارسید ۲۹، هارسید ۳۵، رسیده است ۵۳، بساوید ۹۸، بسود ۱۱٤، رسیده ۱۲۳، سود ۱۲۹، خَود رَسند ۱٤۰

~: وَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَـٰنَ ٱلضُّرُّ دَعَانَا لِجَنۢبِهِۦٓ (۱۰: ۱۲)
بَرسد ۲، برسد ۱۳، هارسد ۲۹، بَرسَد ۵۳، بِسَاوَد ۵۵، برسیدست ٦۱، فَرا رسَد ٦۲، برسد و بساید ٦۷، بساود ۱۱٤

~: وَإِذَا مَسَّ ٱلنَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيْهِ (۳۰: ۳۳)
فرود آید ٤۱، فرارسد ٤۷، بَرسَدْ ۵۳، بپساید ۸۱

~: فَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَـٰنَ ضُرٌّ دَعَانَا (۳۹: ٤۹)
ببساید ۳۹

ٱلْمَسِّ: ٱلَّذِى يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيْطَـٰنُ مِنَ ٱلْمَسِّ (۲: ۲۷۵)
دیوانه ۱، دیوانگی ۲، دیوَانِگه ۱۰، دیوانگی ۲٤، دیوانگه ٤۰، دیوَانگسی ۵۵، مجیدن ٦۵، بیهوشی ۱۰۰

~: يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِى ٱلنَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ (۵٤: ٤۸)
سودن ۳، رسیدن ۲۹ بسودن ۳۰، سوختن ٤۱، سوزش ٤۳، براماسیدن ٤۹، بساویدن ۸۸، بسودن ـ سوختن ۱۰۹

مَسَـٰجِدَ: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَـٰجِدَ ٱللَّهِ (۲: ۱۱٤)
مزگتها ٤، مَزگتها ۱۰، مزگت ها ٤۰، خانها ٤۱، مَزگتها ٤۲، مَزگتها ۵۵، مزگتهاء ۹۰، مزگتها ۱۰۵

~: إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَـٰجِدَ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ (۹: ۱۸)
مزگتها ۱، خانهای خدا ۱۲۷

~: وَأَنَّ ٱلْمَسَـٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ ٱللَّهِ أَحَدًا (۷۲: ۱۸)
مَزگتها ۲، مزیگتها ۹۲

مِسَاسَ: فَإِنَّ لَكَ فِى ٱلْحَيَوٰةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَ (۲۰: ۹۷)
رسیدن ۱، دست بسودن ۲۹، بسودن ۳۹، آمیختن و بسودن ٥٦، ببسودن ۸۷، بشوذن ۹۵، دست بردست زدن ۹٦، آمیختن ۱۰۲، بسودن و آمیختن ۱۰۹، سودن ۱۱۹

★ لَا مِسَاسَ: فَإِنَّ لَكَ فِى ٱلْحَيَوٰةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَ (۲۰: ۹۷)
مسائید ۳۸، کسی با تو نپیوندد و تو با کسی نپیوندی ٤۱، رسیده نیست ۵۲، مَهْ أمیزیْد ۵۳، نه هیچ بسودست مرا ۹۱، نبسایم ۹۸

مُسَـٰفِحَـٰتٍ: مُحْصَنَـٰتٍ غَيْرَ مُسَـٰفِحَـٰتٍ (٤: ۲۵)
پلید دامنان ۲، پلید کاران ۳، بَی سامان کاران ۱۰، پلید کار ۲۷، نابکاران ۳۹، زنان بد کار ٤۱، ناپاکان ٦۱، نابکار ٦۹، پلید دامنان ۷۸، پلید دامنان پلید کاران ۸۳، پلیدان ۸۸، پلید د آمنان ۹٤، هرزه کنند گان ۹٦، پلید دامنان و پلید کاران ۱۲۸

مُسَـٰفِحِينَ: أَن تَبْتَغُوا بِأَمْوَٰلِكُم مُّحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَـٰفِحِينَ (٤: ۲٤)
پلید دامنان ۲، دوستکان گیرند گان بزنی ۲۷، بد کاران ٤۱، پلیدان ۵۳، پَلید کارَان ۵۵، زنا کنند گان ۵۷، پلید داشتن ۷۸، ریزند گان ۱۰۹، پلید دانان ۱۱۰، پَلید کاران ۱۱٤

~: إِذَآ ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَـٰفِحِينَ (۵: ۵)
پلید دامانان پلید کاران ۲، پلید کاران ۳، بَی سامان کاران ۱۰، پلید دامنان پلید کاران ۱۰ مکرّر، بی سَامانان ۲۷، بز کارگان ۳۰، بلایه کاران ۳۱، بَلایَه کاران ٤۵، پلید دامنان ۸۲، پلید د آمنان ۹٤، زنا کننده ۱۱۸

ٱلْمَسَاقُ: إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ ٱلْمَسَاقُ (۷۵: ۳۰)
راندن ۱، رَاندن ۲، بدن جای ٤۱، رَانَدن ٤۲، رانده شدن ۷۹، راندن و بردن ۱۰۹، رانده شدند ۱۱۳، بازگشت ۱۱۵، رفتن ۱۱۹

مَساكِنَ: وَتِجارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسادَها وَمَساكِنُ تَرْضَوْنَها (۹:۲٤)
جایها باش ۲، سَرایها أُو نشستگاهها ۱۰، آرام گاه ۱۱، آرامگاه ۵۲، جَایِ بَاشِشِ ۵۵، جایهاء باش ۹۱

~: وَمَساكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنّاتِ عَدْنٍ (۹:۷۲)
جایگهها ۱، آرام جایها ۲۷، جایها باش ۳۰، نشستگاهها ۳٤، کوشکها ۳٦، زیستن جایگاه ٤۹، نشستگاهها ۵۳، جایگاها ٦۰، نشستنگاه‌هها ٦۲، جایگاهها ۷۹، جایهاء ۹۰، بودنگاهها ۹٤

~: وَسَكَنْتُمْ فِي مَساكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ (۱٤:٤۵)
آرام گاهها ۲، خانها ۳، جایگاهها ۵، آرامگاهها ٤۱، نشستگاهها ۵۳، خانها ۵۵، جایگاه ۵۷، خانه ها ۸۰، جای گاه ۹۲، آرامگاها ۱۲٤، آرام گاه‌ها ۱۲۸

~: وَمَساكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنّاتِ عَدْنٍ (٦۱:۱۲)
جایهاءَ باشیدن ۲، جایها ۳، جایهای باشیدن ۳۰، آسایشگاهها ٤۱، جایگهاء ۹۰، جاها ۱۱۵، نشیمنها ۱۳٦

مَساكِنِكُمْ: وَارْجِعُوا إِلَى ما أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَساكِنِكُمْ (۲۱:۱۳)
آرام گاهها ۲، جایگاه ۱۲، جایها ۵۳، آرام جایها ۵٦، خان و جای ۵۸، خانهاء ٦٤، نشستگاهها ٦۹، جایهای باش ۸۰، خانهاء باش ۹۱، آرامگاهها ۹۵، نشستن جایها ۱۰۲، جای گاه‌ها ۱۱۳، جای باشش ۱۱۹

~: يا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَساكِنَكُمْ (۲۷:۱۸)
جایگهها ۱، خانها ۲، جایها ۳، جایگاهها ٤٦، جایگاه ۵۳، درآر جای ۹۲، جایگاهها و خانها ۱۰۲، خانها ـ آرامگاهها ۱۰۹، جایگاه‌ها ۱۱۳، جایهاتان ۱۱٤

مَساكِنِهِمْ: كَمْ أَهْلَكْنا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَساكِنِهِمْ (۲۰:۱۲۸)
آرام گاهها ۲، جایگاه ۲۹، جایها ٤۳، خانها ۵۳، نشست گاهها ۹۰، جایهاء باش ۹۱، جایهاشان ۱۱٤، آرام گاه‌ها ۱۲۸

~: فَتِلْكَ مَساكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلّا قَلِيلًا (۲۸:۵۸)
جایگهها ۱، جایهاءَ باشیدن ۲، جایها باش ۳، سرایها ۲٤، جای باشیدن ۳۰، آرامگاهها ٤۷، جایگاهها ۵۳، جای ٦۱، جائگاه ۸۷

~: وَعاداً وَثَمُودَاْ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَساكِنِهِمْ (۲۹:۳۸)
جایهای بُودن ۲، جایگاه ۲۱، جایهای بودن ۳۰، جایگاها ۳٤، جاء گاهها ۳۹، جای بودن ۵۸، باشید گان ۹۵، سراها ۱۲۳

~: يَمْشُونَ فِي مَساكِنِهِمْ (۳۲:۲٦)
خانهاء باش ۳، آرامگاه ۱۰۸

~: فَأَصْبَحُوا لا يُرى إِلّا مَساكِنُهُمْ (٤٦:۲۵)
جایهاءَ باشیدن ۲، خانها ۳، جایگاهها ۲۲، نشینان سراها ۲٤، آرام جایها ۵٦، جایهای باشیدن ۱۰۸، جایهای آرامیدن ۱۰۹، جای گاه ۱۱۱

مَساكِينُ: وَبِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً وَذِي الْقُرْبى وَالْيَتامى وَالْمَساكِينِ (۲:۸۳)
بی چارگان ٤۹، بیچارَه گان ۵۵، دردمندان ٦۳

~: ذَوِي الْقُرْبى وَالْيَتامى وَالْمَساكِينَ (۲:۱۷۷)
درْویشان ۲، دَرَویشان ۱۰، نیازمندان ٤۰، بیچارگآن ۱۰۰، بیچاره گان ۱۳٦

~: فَلِلْوالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتامى وَالْمَساكِينِ (۲:۲۱۵)
درویشان ۱

~: وَإِذا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبى وَالْيَتامى وَالْمَساكِينُ (٤:۸)
بیچارگان ۳، نهفت نیاز ٤۰، کم سرمایگان ٤۱، دَرْویشان ۵۳، درمَانِد گان ۵۸، بی مارکان ۹۱،

خویشان بیچاره ١٣٦

~: وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ (٤: ٣٦)
درماند گان ٣٩، درویشان و بی چارگان و نهفت نیازان ٤٠، بیچارگان ٩١، درویشان درمانده ٩٢

~: فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ (٥: ٨٩)
درویش ١، درویشان ٢٦، درویشان ٤٥، دَروْیشان ٥٣، بیَچارَه گآن ٥٥، درویشان درماند گان ٥٨، بیچاره ١٠٤

~: وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ (٨: ٤١)
درویشها ١، نهفت نیازان ٤٩، بیَچارَگان ٥٥

~: إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا (٩: ٦٠)
دَرویشان گردَندَه ١٠، کم چیزان ١١، بی چیزان ٩٤، بیچارگآن ١٠٠، بی پدران ١٠٧، گدایان بیچارگان ١٠٩

~: أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ (١٨: ٧٩)
دَرویشان ٥٥

~: أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ (٢٤: ٢٢)
دَروْیشان ٢، دَروِیْشان ٥١، درویشان بیچاره ١٣٦

~: فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ (٥٩: ٧)
کمْ سرمایگان ٤١، بیچَارگان ٨١، بیچارگان ١٠٠

مَسْئُولًا: وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (١٧: ٣٤)
پرسیده ١، پرسیده شده ٣٠، درخواسته ٤٨، پُرسِیدَه شُدَه ٥٥، پُرسیده ٥٧، پرسیدن ٥٨، پرسند ٧٦، پرسنده ١١٨

~: إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (١٧: ٣٦)
پُرسیده ٢، پرسِیدَه ٣٠، پرسیدنی ٥٩، پرسیده شوند ١١٩

~: كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا (٢٥: ١٦)
خهسته ١، خُواسته ٢، خواسته ٣، فراخواسته ٤٧، دَرخَواسته ٥١، خواسته ازوی ٥٤، واخواسته ٦٥، ازو بخواهند و بدهد ٧٦، پُرسِیدَه ١١٩

~: وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا (٣٣: ١٥)
پُرسَیده ٢، خواسته شده ٣، کرده و خواسته ٤٩، پَرسَیْدَهْ ٥٣، پرسنده شده ١١٩

الْمُسَبِّحُونَ: وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ (٣٧: ١٦٦)
نمازکنان ٣٩، بپاکی یادکنان ٤١، بپاکی یاد می کنیم ٦١، نمازکنندگان ٦٧، بپاکی یادکنندگان ٧٨

الْمُسَبِّحِينَ: فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ (٣٧: ١٤٣)
نمازکنندگان ٣، نمازکنان ٢٤، بپاکی یادکنندگان ٤١

مَسْبُوقِينَ: نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (٥٦: ٦٠)
پیشی کردگان ١، پیش دستی کردگان ٢، پیش رفته ٣٠، پیش شوندگان ٣٩، پیشی کنندگان ٤٣، پس ماندگان ٥٦، پیش دستی کردگان ٨٠، پیشی گیرند ٨١، پیش کرده شدگان ٨٧، پیشین گرفته شدگان ١٠٢، پیشی گرفته شده ١٠٣، بتوان جستن - از ما پیش توان رفتن ١٠٨، پیشین کنندگان ١٢٤

~: عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (٧٠: ٤١)
پیش دستی کرده شدگان ٣، پیشی گرفتگان ٦، پیشی کنند ١٩، نه ما آنیم که از ما بتوان جستن ٣٠، پیشی کرده شدگان ٨٠، پس شدگان ٩٠، واپس ماندگان ٩٩، پیشی گرفته شدگان ١٠٠، پیشی گیرندگان ١٢٦، پیش شدگان ١٣٩

الْمُسْتَأْخِرِينَ: وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ (١٥: ٢٤)
پس شَداران ١، سپس آیندگان یا سپس

اشنید گان ۲، بازپس شوند گان ۳، زند گان ۲٤، واپس ایستند گان ۲۹، پس ماند گان ۳٦، پسینگان ۳۹، بازپس گیران ٤۱، باپس استند گان ٤۲، بازپستر شوند گان ٤۳، بازپس مانند گان ٤۹، پسینگان ۵۳، سپس شوند گان ۵۵، بازپس افتند گان ۵٦، بازپس دارند گان ۵۷، پس روان ٦۰، پسینان ٦۱، بازپسینیان ٦۳، پس رفتگان ۷۲، بازپشینان ۷٦، واپس استاد گان ۷۹، از پس شوند گان ۸۰، بازپسینان ۹۳، ازپس آیند گان ۹٤، باپس ایستند گان ۹۵، سپس آیند گان ۹٦، بازپس آیند گان ۱۰۰، سپس باشند گان ۱۰۳، باپس استاد گان ۱۰۵، سپس ماند گان ۱۰۹، واپس افتاد گان ۱۱۱، واپس ماند گان ۱۱٦، واپس آمد گان ۱۱۲، پس شوند گان ۱۱٤، بازپس ماند گان ۱۲۱، پس افتاد گان ۱۲۲، واپس رفتگان ۱۲۳، پس آیند گان ۱۲۸، پس مانده گان ۱۲۹، بازپس ایستاد گان ۱۳٤

مُسْتَأْنِسِینَ: فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِینَ لِحَدِیثٍ (۳۳: ۵۳)

خرسندی گرفتاران ۱، میارامید ۳۹، مشینیت بسخن گفتن ٤۱، شادی کننده ٤۷، آرام مگیرید ۵۲، شادی کنید ۵۳، دل آرامید گان ۵٦، سر گیرند گان ٦۱، بی فرمانی جویند گان ۸۰ و ۹۵، آرام گیرند گان ۸۹، نشینند گان ۹۸، نه بی برمانی چون بند گان ۱۰۸، واپس جوینده باشید ۱۱۳

مُسْتَبْشِرَةٌ: وُجُوهٌ یَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِکَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ (۸۰: ۳۹)

رامشتی شدار ۱، شادان ۲، شادمان ۲٤، خرّم ۲۹، خندان ۳٤، مژده ستان ۳۸، خورّم ٤۲، خورم ۵۲، خورّم ۹٦، شاد آن ۱۰۰، شاد ۱۱۹، شادی کننده ۱۲٦

مُسْتَبْصِرِینَ: فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِیلِ وَکَانُوا مُسْتَبْصِرِینَ (۲۹: ۳۸)

بینا پنداشتاران ۱، بینایان ۳، بینایی جوینده ۲۹، بدیدند ۳۰، بینند گان ۳٤، روشن دانند گان ۳۹، نگرند گان و بینایان ٤۱، می دیدند ٤۳، بینش نمایند گان از خود ٤۷، همی دیدند ۵۳، می نگریستندی ۵٦، بینادلان ۷۹، بینایان و زیرکان ۱۰۹، بینادل ۱۳۲، پیدا بدیدارها ۱۳۹

اَلْمُسْتَبِینَ: وَءَاتَیْنَٰهُمَا الْکِتَٰبَ الْمُسْتَبِینَ (۳۷: ۱۱۷)

دیدور ۱، پیدا ۲، پیدا کننده ۲۲، روشن بکرده ۲٤، روشن ۲۹، پدید ۳۳، هویدا و پیدا کرده ٤۹، پیدا کُنَنْدَه ۵۳، پیدا راه بر ٤۵، پدید کننده ۷۸، پیدا و روشن ۷۹، هویدا ۸۱، هویدا کننده ۹٤، روشن کننده ۱۰۰، هویدا و روشن ۱۱۱، پیدا کرده ۱۲۹

مُسْتَخْفٍ: وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِالَّیْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ (۱۳: ۱۰)

پنهام شدار[1] ۱، پوشیده ۳، پنهان ۲٤، نهان می رود ۳٦، پنهان شونده ۳۹، پنهان می باشد در رفتن ٤۱، پُوشِیدَه ۵۵، بازپوشیده ۵۷، پنهان شد ۵۸، پنهان رونده ٦۳، پنهان می رود ٦۹، پوشنده ۹۱، نهان ۹٤، پنهان شود ۱۰۵، پوشیده می شود ۱۱۳، پوشاننده ۱۱٦، سبک و نهان دارد ۱۲۱، میپوشد ۱۲۳

مُسْتَخْلَفِینَ: وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَکُمْ مُسْتَخْلَفِینَ فِیهِ (۵۷: ۷)

پادشاه[1] ۲٤، سپس ماند گان ۳۰، پس ماند گان ۸۸، گماشتگان ۸۹، پسینان گذشتگان ۱۱۱، پس از دیگران ۱۱۳، جانشینان ۱۲۰، پیشینیان ۱۲۲، گماستگان ۱۳۸

---

۱. پنهام شدار / پنهان شونده.

۱. پادشاه: مسلط، تقریباً با معنای «گماشتگان» نزدیک می نماید.

مُسْتَسْلِمُونَ: مَالَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ (۳۷:۲٦)
نرم شداران ۱، گردن نهاد گان ۲، گردن داد گان ۳، گردن نهاد گان ۲۲، تن بداده اند ۲۹، گردن نهاد گان ۳۰، تن بداده ٤۲، گردن نهند گان ٤۳، نرم کرد گان ٦۷، فرو گذارنده اند ۸٦، گردن داد گان ۹۱، گردن نهاده گان ۹۵، همدیگر را سپرد گان ۹٦، فرو گذارنده ۱۱۳، گردن نهادند گان ۱۲٤، فرو گذارند گان ۱۳۰، گردن نهد گان ۱۳۹

مُسْتَضْعَفُونَ: وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ (۲٦:۸)
سست گرفتگان ۱، زبون گرفتگان ۲، سست شمرد گان ۳، بزبون گرفته ۱۰، واایستنده و زبون ۲۷، سُست شُمَرد گان ۵۵، سست شد گان ۵٦، بیچارگان ۵۸، زبون داشتگان ۹٤، سستان ۱۰۷، خوار و سست داشته گان ۱۰۹، ضعیف یافتگان ۱۱۳، بودید زن داشتگان ۱۲۸، ناتوان شمرد گان ۱۳۵

الْمُسْتَضْعَفِينَ: وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ (۷۵:٤)
سست گرفتگان ۱، زبُون گرفتگان ۲، سست شمرد گان ۳، بی چارگکان ۱۰، پیران و بیچارگان ۲۷، بیچارگان ۳۹، زبُون گرفتگان ٤۲، سستان ٤۳، سُست گرفتگان ٤۵، زبون گرفتگان ۵۲، سستان و زبونان ۵۳، درماند گان ۵۸، سُسْت شمرد گان ۹۷، سست کرد گان ۱۱۹، سست شد گان ۱۲۱، سست گرفتان ۱۲۸، زبون گرفته گان ۱۲۹

~: قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ (۹۷:٤)
زبُون داشتگان ۲، بی چارگان ۱۰، زبون داشتگان ۲۹، بیچاره کرد گان ۳۹، سُست گرفتگان ۵۳، سُسْت شُمُردگان ۵۵، زبونان ٦٤، سست تافتگان ۱۰۲، سست گیرند گان ۱۲۱، سُستان ۱۲٤

~: إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ (۹۸:٤)
سستان و اندرماندگان ۵۳، بیچاره ۵۸، سست کاران ۸٤، زبون د آشتگان ۹٤

~: وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ (۱۲۷:٤)
خُوار داشتندگان ۲، خُوار داشتگان ٤۲، پیران سُستان ٤۵، خوار داشتگان ۵۲، بیچاره گرفتگان ۷۲، بزبون داشتگان ۹٦، خورداستکان ۹۸

مُسْتَطَرٌ: وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ (۵۳:۵٤)
نوبشته ۱، نبشته آمده ۲، نوشته شده ۳، نبشته ۲٤، نوشته ۳۰، نبشته شده ۸۰، ببریده ۸۱، نبشته آمده ۹٤

مُسْتَطِيرًا: وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷:۷٦)
پراکنده ۱، دراز کشیده ۲، پراکنده ـ بهمه جا رسنده ۳، پیش آمده ۱۹، باز کشیده ۳۰، پریده ۳۹، دراز کشیده پیوسته ٤۱، آشکارا ٤۳، آشکار ٦۵، پراکنده ۹٤، فرارسنده ۱۰۲، پراکنده و بهمه فرارسنده ۱۰۹، پراکنده و رسنده ۱۲۲، کشیده ۱۲٤، فراگیرنده ۱۳٦

الْمُسْتَعَانُ: فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (۱۸:۱۲)
یاری دهنده ٤۱، یَاری خَواسْتَه ۵۵، یاری خواهند ازو ٦۳، یاری خواهیم ٦٤، یاری خواهم ۷٦، فریادرس ۸٤، یاری خواسته شده ۹۳، نیرو باید خواستن ۹٤، یاری کننده ۱۲٤، نیرو باید خواستن ۱۲۸، نیرو دهنده ۱۲۹

~: وَرَبُّنَا الرَّحْمَٰنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ (۱۱۲:۲۱)
یاری خواسته ازوی ۲، یاری خواسته ۳، یاری ازو خواهند ۳٤، یاری دهنده یاری خواهان ٤۱، آنکه یاری خواسته ازو ۵٦، یاری ازو خواهد ۵۸، یاری خواسته ازیش ۷۹، آنکه ازو یاری خواهند ۸٦، یاری کننده ۹٦، یاری جسته ۹۸، یاری خواستن ۱۱۳، یاری داده شده ۱۲۱، یاری خواهند ۱۳۸

الْمُسْتَغْفِرِينَ: وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ (۱۷:۳)

آمرزشت خهستاران ۱، آمرزش خُواهان ۲، آمرزش خواهندگان ۳، نمازکنان ۱۰، ایشان که نماز کنند و آمرزیدن خواهند ۲۵، آمرزش خواهان ۴۰، آمُرزش خُواهَندِگان ۴۲، آمُرزش خَواهَندَگان ۵۵، امرزش خواهندگان ۶۹، آمرزندگان ۷۵، آمرزش خوآهندگان ۱۰۰، آمرزش خواهندگان با نیاز ۱۰۴، آمرزخواهان ۱۲٤

مُسْتَقْبِلَ: فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ (٤٦: ٢٤)
پیش آمدار ۱، روی آورده ۲، پیش رونده ۳، فروآمده برابره ۲۲، روی آورنده ۲۹، پیش آمده ۳۰، روی کننده ۳۸، پیش آینده ۳۹، فراز آمده بزانو ۴۷، روی نهاده ۴۹، روی آرنده ۷۹، روی فراکننده ۸۹، پیش آینده یا پیش رونده ۹۱، فراز آمده ۹٤، باروی ۱۰۲، پیش می آمد ۱۰۵، روآورنده ۱۱۱، روی فراکرده ۱۲۶

ٱلْمُسْتَقْدِمِينَ: وَلَقَدْ عَلِمْنَا ٱلْمُسْتَقْدِمِينَ مِنكُمْ (١٥: ٢٤)
پیش شداران ۱، پیش رَوندگان ۲، در پیش شوندگان ۳، مردگان ۲٤، فراپیش شوندگان ۲۹، پیش رفتگان ۳۶، پیشینگان ۳۹، پیش روندگان ٤۱، پیش شوندگان ٤۹، پیش آیندگان ۵۲، دَر پیش شَوَندگان ۵۵، پیش کُنندگان ۵۷، پیش روان ۶۰، پیشان ۶۱، بازپیشینیان ۶۳، پیشی کنندگان ٦٤، پیشینیان ٦۷، پس ماندگان ٦۹، در پیش روندگان ۷۹، پیشی گیرندگان ۸۸، پیش ماندگان ۹۹، پیشی گرفتگان ۱۰۰، پیش رفتهگان ۱۰۹، پیش آمدگان ۱۱۵، بازپس دارنده ۱۱۸، نخستینان ۱۱۹، گذشتگان ۱۳۰

مُسْتَقَرًّا: أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا (٢٥: ٢٤)
استاد[1] ۱، آرام گاه ۳، آرامش جای ۲۰، جایگاه ۲٤، جای آرامش ۵۸، بارام کرده ۸۰، آرام کرده ۹۱، آرام جای ۹۲، جای آرام ۹۹، جایگاه ۱۰۰

~: إِنَّهَا سَآءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (٢٥: ٦٦)
استادن جای ۱، جایگاه آرام ۲، جایگاه و جای بودن ۵۳، آرامش ۵۸

~: خَٰلِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (٢٥: ٧٦)
آرامگاه ٤۱، جای آرامیدن ٤۶، آرامگه ٤۷، جایِگاه ۵۳، ارامگاه ۷۲

مُسْتَقَرٌّ: وَلَكُمْ فِي ٱلْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ (٢: ٣٦)
آرام گاه ۲، آرامش جای ٤، آرام یا آرامگاه ۵۵، آرامش ۱۰۲

~: لِّكُلِّ نَبَإٍ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (٦: ٦٧)
استادن جای ۱، جایگاه ۹، جای آرامش ۲۶، نگهبان ۱۲۱

~: وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ (٦: ٩٨)
آرام گاه ۲، آرام جای ٤۹، قرارگاه ۵۳، جای بودن ٦۷، آرام جاه ۹۰، آرام ۱۰۰، شکم مادر ۱۰۵، آرامگاه داده شده ۱۲۱، آرامگاه ـ شکم مادر ۱۲٤، قرارجای ۱۲۶

~: وَلَكُمْ فِي ٱلْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ (٧: ٢٤)
آرَام ۵۵، ارام جای ٦۹، استادن جای ۷۸، آرآم گاه ۱۰۰

~: وَٱلشَّمْسُ تَجْرِى لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا (٣٦: ٣٨)
آرامش جاه ۳۹، جای آرام ۹۹

~: إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ ٱلْمُسْتَقَرُّ (٧٥: ١٢)
آرامگاه ۳، آرامش گاه ٦، جایگاه آرام ۱۹، جای

---

۱. استاد این معنی در ترکیب جملهٔ فارسی سازگار می افتد.

آرامیدن ٥٦، آرام گرفتن ۱۱٤

مُسْتَقِرًّا: فَلَمَّا رَءَاهُ مُسْتَقِرًّا عِندَهُ قَالَ هَٰذَا مِن فَضْلِ رَبِّى (٤٠:٢٧)

استادار[1] ۱، آرامیده ۳، بداشته ۲٤، آرام گرفته ٤۱، نهاده ٤۲، ارامیده ٦۹، نهادَه ۷٦، آرام ۹۲، نهاده بوده ۹٦، آرآم گیرنده ۱۰۰، آرام گیرنده ۱۰٦، آرمیده ۱۲۱

مُسْتَقِرٌّ: وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ (٥٤:٣)

استادار ۱، آرام گرفته ۲، آرمنده ۳، آرام گیرد جای خویش ۸۱، آرامنده ۸۷، بجای خویش آرامیده ۸۸، آرام گیرنده ۸۹، آرام گاه ۱۰۰، بجای خویش آرمیده ۱۰۸، آرام و استوار ۱۰۹

~: وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ (٥٤:٣٨)

آرامیده ۳، پاینده ٤۲، بارام باینده ٤۹، آرام گرفتَه ۸۱، آرامیده - پیوسته ۹۱، پیوسته ۹۲، بجا گاه ۹٦، بجای رسنده ۱۰۲، بجایگاه رسیده ۱۰٥، آرامیده پیوسته ۱۱٤، فرا گرفته ۱۲۰، پای دار ۱۳۸، آرامید و پیوسته ۱۳۹

مُسْتَقَرَّهَا: وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا (١١:٦)

استادن جای ۱، جای آرام گاه ۲، آرام گاه ۳، آرامگاه ۳٦، ایستادن جاء ۳۹، جای آرام ٤۲، قرار گاه ٥۱، آرآمگاه ٥٥، جای آرمیدن ٥٦، خفتن جای ٥۸، آرامش جای ٥۹، آرام ٦۳، جایگاه ٦۹، ایستادن جای ۷۲، آرام جای ۹۰، آرامگاه ۹٤، جای آرام، پشت پدر ۱۰٥، آرامگاه پشت پدران ۱۰۹

اَلْمُسْتَقِيمُ: يَهْدِى مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (٢:١٤٢)

راست استوار ٤۱

~: فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ (٥١:٣)

ارست و پسندیده ٥۸

~: وَمَن يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِىَ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (١٠١:٣)

پسندیده ۲۷

~: وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (١٦:٥)

راست و پسندیده ٥۸

~: وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (٣٩:٦)

رَاسْت ۲

~: وَاجْتَبَيْنَٰهُمْ وَهَدَيْنَٰهُمْ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (٨٧:٦)

راست پسندیده ٥۸

~: لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَٰطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (١٦:٧)

راست ۱، راه راست ۱۱۳

~: هَٰذَا صِرَٰطٌ عَلَىَّ مُسْتَقِيمٌ (٤١:١٥)

راست ۲، رَاسْت ٥۳

~: وَمَن يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (٧٦:١٦)

راست ٥٥

~: شَاكِرًا لِّأَنْعُمِهِ اجْتَبَٰهُ وَهَدَىٰهُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (١٢١:١٦)

رَاسْت ٥۳

~: فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ (٣٦:١٩)

راست ایستاده ٤٤

~: وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ (٦٧:٢٢)

ایستاده ٦۲، استواری ۱۱٥

~: وَاللَّهُ يَهْدِى مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (٤٦:٢٤)

استوار ٤۱

~: فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ (٦٤:٤٣)

---

۱. استادار / استده = ایستاده، آرامیده.

روشن ۳۸

~: أَمَّن يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۲۲:۶۷)

درست ۸۷، درست و راست ۱۰۰

مُسْتَقِيمًا: وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (۴:۶۸)

راست ۱، راست ۲، راست و استوار ۴۱، استوار ۶۱

~: وَهَٰذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا (۶:۱۲۶)

راست و پاینده ۱۰

~: وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا (۶:۱۵۳)

راست ۲، درست و راست ۱۰

~: وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (۴۸:۲)

راست ایستاده ۴۴، ایستاده ۵۳

مُسْتَكْبِرًا: وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا (۳۱:۷)

بزرگ منشی کنار ۱، گردن کش ۳، با بزرگ منشی ۳۰، بزرگ منش ۳۴، گردن کشی کننده ۴۲، بزرگی کننده ۴۶، کردن کشی کند بزرگی جوید ۴۷، کردن کش ۴۸، با بزرگی ۵۳، گردن کشی کرده ۶۱، گردنکش ۸۹، گردنکشی کننده ۹۶، گردن کشنده ۱۰۶، خوش منش و گردن کش ۱۰۹، گردنکشی ۱۳۸

~: يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا (۴۵:۸)

بزرگی جوینده ۲۲، گردن کشیده ۲۴، بزرگی جوینده ۳۸، بزرگی نماینده ۳۹، سر بزرگ ۴۱، گردن کشی کننده ۶۱، گردنکشنده ۱۰۰، بزرگه منشی ۱۱۰، از روی گردن کشی ۱۳۶

مُسْتَكْبِرُونَ: قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٌ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ (۱۶:۲۲)

بزرگ منشی کناران ۱، بُزرگ منشی کنند گان ۲، گردن کشان ۳، گردن کشی کننده ۲۹، بزرگ منشی کنند گان ۴۲، گردنکشان ۴۸، بزرگ منشی کنند ۵۲، گردن کشان ۵۵، تنگدارند گان ۹۹، سرکشان ۱۱۵، بزرگ منشیان ۱۲۸

~: لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ (۶۳:۵)

بزرگ منشی کنند ۳۰، بزرگی نماینده ۳۹، بزرگ سری می کنند ۴۱، بزرگ منشان ۵۶، بزرگی کنند گان ۶۱، تنگ دارند گان ۷۲، گردن کشی می کنند ۸۱، گردن کشند گان ۱۲۶

مُسْتَكْبِرِينَ: إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ (۱۶:۲۳)

بزرگ منشی کناران ۱، بُزرگ منشی کُنند گان ۲، گردن کشان ۲۴، گردن کشی کنند گان ۲۹، گردنکشان ۴۸، بزرگ منشی کنند گان ۵۲، سرکشان بزرگ منشان ۶۴، هستی کنند گان ۱۱۰، سرکشند گان ۱۱۵

~: مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ (۲۳:۶۷)

بُزرگ منشی کُنند گان ۲، بزرگی همی جستند ۳۰، بزرگی نمایند گان ۳۹، بزرگ منشی کنان ۴۱، گردن کشان ۴۲، گردن کشید گان ۵۳، بزرگ منشان ۵۶، بزرگی کنند گان ۷۲، بزرگ منشی کردید ۷۷، سرکشان ۹۲، گردنکشی جستگان ۱۱۴، گردنکشی کنند گان ۱۳۴

مُسْتَمِرٌّ: وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ (۵۴:۲)

رفتار[1] ۱، روان ۲۴، روان شده ۲۹، اُستوار ۴۲، استوار ۵۲، بنیرو و روان ۸۸، همیشه ۱۰۲، بنیرو روان ۱۰۸، بنیرو پیوسته ۱۰۹، بایسته ۱۲۴، رونده ۱۲۶

~: إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ (۵۴:۱۹)

---

۱. رفتار / رونده، روان.

زود گذر ۳۵، پیاپیْ ٤۲، گذرنده ۵۳، سخت ۸۱، پیاپی ۱۰۰، به نیرو ۱۰۲، بنیرو ۱۰۸، پیوسته ۱۰۹، گذران ۱۳۱، همیشه ۱۳٦

مُسْتَمْسِكُونَ: أَمْ ءَاتَيْنَٰهُمْ كِتَٰبًا مِّن قَبْلِهِۦ فَهُم بِهِۦ مُسْتَمْسِكُونَ (٤۳:۲۱)
دست درزداران ۱، دَسْت زدگان ۲، چنگ درزدگان ۳، دست اندر زدگان ۱٦، دَست اندرْ زَدگان ۲۲، اندر آویخته ۲٤، دست آویز کننده ۲۹، دست اندر زده ۳۰، چنگ درزنند گان ۳۲، دست درزده‌اند ۳٤، دست درزدگان ۳۸، چنگ درزننده ۳۹، چنگ درزده ٤۲، دست اندر اویختهٔ ۵۳، چنگ اندر زنند گان ۵٦، کار کنند گان ۷۹، دست درمی‌اوکنند ۸۱، دست درآویزند گان ۸۹، بازدارند گان ۹۹، چنگ در زده‌اند ۱۰۵، درآویزند گان ۱۰٦، چنگ زنند گان ۱۱۵، چنگ زده گان ۱۳۰، درآویزگان ۱۳۱

مُسْتَمِعُهُمْ: فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ (۵۲:۳۸)
نیوشیدار ۱، گوش دارنده ۳، شنونده ۳٤، شنوانده ٤۳، نغوشهٔ کننده ٤۹، گوش داران ۵۲، شنوندهٔ ایشان ۸٦، گوش بازدارنده ۱۰۰، گوش کننده ۱۱۳، گوش دارنده‌شان ۱۱٤، سخن شنونده ۱۲٤، گوش دهنده ۱۳٦

مُسْتَمِعُونَ: فَاذْهَبَا بِـَٔايَٰتِنَآ ۖ إِنَّا مَعَكُم مُّسْتَمِعُونَ (۲٦: ۱۵)
نیوشیداران ۱، شنوند گان ۳، نیوشند گان ۲۰، شنونده ۲۹، شنویم آنچه ایشان گویند ۷٦

مُسْتَنْفِرَةٌ: كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنفِرَةٌ فَرَّتْ مِن قَسْوَرَةٍ (۷٤: ۵۰)
سوریده ۱، رمنده ۲، رمیده ٦، اندر رمیده ۳۰، بترسیده ۲٤، گریخته ۳٤، گریزان ٤۱، رَمیدَه ٤۲، نیک رمنده ۷۹، گریزنده ۱۰٦، سخت رمنده گان ۱۰۹، نیک رمیده ۱۱۳، رم خورده ۱۲۲، رمید گان ۱۲۳، گریخته شده ۱۳۰

مَسَّتْهُ: وَلَئِنْ أَذَقْنَٰهُ نَعْمَآءَ بَعْدَ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ (۱۱: ۱۰)
رسید ۱، بسود ۳، رسیده باشد ٤۲، بُسود ۵۵، رسیده بود ۹۲، رسیده باشد باو ۹۳، رسنده بود ۱۰۰

~: وَلَئِنْ أَذَقْنَٰهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنۢ بَعْدِ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ (٤۱: ۵۰)
رسد ۱، بسُود ۳۲، برسید ۳۹، برسد ۵٦، برسیده باشد ٦۱، رسیده ۱۳۲، رسیده است ۱۳٦

مُسْتَهْزِءُونَ: قَالُوٓا۟ إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ (۲: ۱٤)
اَفسُوَس کُنند گان ۲، آفسُوس دارَند گان ٤۲، افسوس کنان ۵۰، آفسُوسْ بَردارَندگان ۵۵، هَمی افسوس می‌داریم ۵۷، افسوس دارند گان ٦۰، افسوس کنند گان ٦٤، فسوس دارند گان ۸۰، فسوس کنند گان ۸۲، افسوس کننده ۱۰۲، افسوس کنند گان ۱۲۵، افسوس گیرند گان ۱۲۹، رسوا کنند گان ۱۳٦

اَلْمُسْتَهْزِءِينَ: إِنَّا كَفَيْنَٰكَ ٱلْمُسْتَهْزِءِينَ (۱۵: ۹۵)
اوسوسَ کناران ۱، افسوس کُنند گان ۲، فسوس کنند گان ۳، افسوس دارند گان ۲۹، افسوس کنند گان ۳٦، افسوس کنان ۳۹، افسوس داران ٤۱، آفسُوس گُرانْ ۵۳، فُسوُس کُنند گان ۵۵، اوسوس گران ۵۹، افسوس گران ۷۲، فسوس دارند گان ۹٤، افسوس دارنده گان ۱۱۳، افسوس کننده گان ۱۲۹

مَسَّتْهُمْ: مَّسَّتْهُمُ ٱلْبَأْسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ وَزُلْزِلُوا۟ (۲: ۲۱٤)
رسید ۱، بسود ۳، رسیده ۵۳، بُبسُود ۵۵، برسید ۵٦، هارسید ۵۷، فراایشان رسید ٦۲

~: وَإِذَآ أَذَقْنَا ٱلنَّاسَ رَحْمَةً مِّنۢ بَعْدِ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُمْ (۱۰: ۲۱)
رسیده باشد ۱۳، رسیده بود ۲٤، فرارسیده باشد ۳٤، برسیده باشد ٤۱، رَسَد ۵۳، ببساود ۱۲۸، رسیده است ۱۳٦

~: وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ (۲۱: ٤٦)
رسد ۱، برسد ۲٤، بَرَسَدْ ۵۳

مُسْتَوْدَعٌ: وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ (٦: ۹۸)

اسپردن جای ۱، نَهان گاه زنهار گاه بَرخی پشت مازه پدران ۱۰،۲، نهان گاه پشت بدر ۱۰ مکرّر، زینَهار گاه ۲۷، جای پنهان ۳۰، بزنهار نهاده اندر رحمهاء مادران ٤۹، جَای زینَهار نَهادن ۵۵، پشتها ۶۰، پشت پدر آرام نهاد ۸۲، نهان گاه پشت پدر ۸۳، اندر پشت پدر ۸۸، جای زینهار نهادن ۹۱، سپردن جای ۱۰۲، پشت پدر ۱۰۵، پشت پدر آرامگاه نهان ۱۲٤

مُسْتَوْدَعَهَا: وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا (۶:۱۱)
اسپردن جای ۱، جای نگاه داشت ۲، جای زینهاری ۳، جایگاه مرگ ۲٤، زینهار گاهش ۲۷، چراگاه ۳۸، سپردن جاء ۳۹، ودیعت گاه ۵۱، جای زینهَاری ـ گور ۵۵، دانستن ۵۶، بزینهار نهان گاه ۵۷، مردن جای ۵۸، جای سپردن ۶۱، جایگاه ۶۲، سپردن جای ۷۲، جای پنهان ۹۱، نهان گاه ۹٤، جای نگاه داشتن ۹۶، نهاد جای شکم مادران ۱۰۹، آرامگاه ۱۱۱، آسودن گاه ۱۱۲، جای زنهار ۱۱٤، پشت پدران ۱۲٤، رام گاه ۱۳۳

مَسْتُورًا: بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا (۱۷:٤۵)
بشرده[1] ۱، پوشیده ۲، پوشیده ۸، واپوشیده ۲۹، پوشید ۳٤، پُوشیْدَه ۵۳، پَوشیدَه ۵۵، پُوشیده ۵۷، پوشیده شده ۶۱، با پوشش ۱۲۷

بِمُسْتَيْقِنِينَ: إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ (٤۵:۳۲)
بی گمانان ۳، بی گمان دانند گان ۳۶، بیگمانان ۱۱۶

★مَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ: إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ (٤۵:۳۲)
ما که بدرست ندانیم ۲٤

مَسْجِدْ*: فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (۲:۱٤٤)
مزگت ۱۰

~: فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (۲:۱٤۹)
مسکت ۱۱۹

~: فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (۲:۱۵۰)
مزگِتْ ۲، مَزکت ۵۳، مزگتْ ۱۰۵

~: وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (۲:۲۱۷)
مزکت ۱۲۸

~: وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (۵:۲)
مِزگیت ۱۰ مکرّر، مزگتِ ٤۵، مَزگت ۵۳

~: وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ (۷:۲۹)
نمازگاه ۲، نماز کِردَن ۱۰، مزگتی ۳۱، نمازگاه ۱٤۰

~: يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ (۷:۳۱)
نماز ۳، نماز کردن ۱۰، نَماز ۵۵، جای نماز ۱۲۷

~: إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدتُّمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (۹:۷)
مزگت ۵۲

~: فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَٰذَا (۹:۲۸)
مَزگت ۵۵

~: لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ (۹:۱۰۸)
مزگیت ۲۷

~: وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ (۱۷:۷)

---

۱. بشرده: پوشیده.

مژگت ۳۹

~: وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ (۲۲: ۲۵)
مژگت ۱

~: هُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَصَدُّوكُمْ عَنِ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ (۴۸: ۲۵)

مژگت ۱

★ مَسْجِدِ ٱلْحَرَام: فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ (۲: ۱۴۴)
خانه خدای ۴۰

مَسْجِدًا: قَالَ ٱلَّذِينَ غَلَبُوا۟ عَلَىٰٓ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا (۱۸: ۲۱)
مژگت ۱، نمازگاه ۴۲، مزدگت ۱۰۸

ٱلْمَسْجُور: وَٱلْبَحْرِ ٱلْمَسْجُورِ (۵۲: ۶)
پرکرده ۱، پُر کرده ۲، پرکرده یا تفسانیده ۳، پراکنده ۳۰، گرم کرده ۳۴، پرآتش سوزان کرده ۴۱، پر ۶۹، افروخته بآتش ۷۹، پر کرده یا بفشانیده ۸۰، برجوشیده ۸۱، گرم کرده بآتش ۸۶، پرآب ۹۰، پرآگنده آرایش ۹۵، افروخته ۹۶، پر برآمده ۱۰۳، بر کرده ۱۰۶، پراکنده از آتش ۱۰۸، برآمده ۱۱۱، پر برآمده ۱۱۵، پر شده ۱۲۰، برآمده ۱۳۳، پرکرده شده ۱۳۶

ٱلْمَسْجُونِينَ: لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ ٱلْمَسْجُونِينَ (۲۶: ۲۹)
در زندان کردگان ۱، بَزندان کردگان ۲، زندان کردگان ۳، زندانیان ۲۴، بازداشتگان ۵۳، بازداشتگان در زندان ۵۶، واداشتگان در زندان ۷۶، زندآن کردگان ۱۰۰، بازگرفتگان ۱۰۷، زندان کرده شدگان ۱۱۱

مَسْحًا: رُدُّوهَا عَلَىَّ فَطَفِقَ مَسْحًۢا بِٱلسُّوقِ وَٱلْأَعْنَاقِ (۳۸: ۳۳)
مالستن ۱، زدن ۳، مالیدن ۲۲، همی زد ۲۴، می مالید ۲۹، بسودن ۳۰، مالیدگی ۳۹، مالیدَنْ ۵۳، نوردن ۶۹، پیمودن ۸۱، سودن ۸۹، دست مالیدن ۹۹، بریدن ۱۰۴، می بسود ۱۲۰، دست بگردن ۱۳۸

ٱلْمُسَحَّرِينَ: قَالُوٓا۟ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلْمُسَحَّرِينَ (۲۶: ۱۵۳)
جادویَ کردگان ۱، جادوکردگان ۲، فریفتگان ۳۰، جادوی کرده شدگان ۳۶، میان تهیان ۳۹، جادوان ۴۲، جادویی درآموختگان ۴۷، جادوی کنان ۴۹، جَادُوی کرده ۷۶، جادویی بدیش کردگان ۷۹، جادوی گران ۹۲، فرفتگان ۹۶، جادو کرده شدگان ۱۰۰، فریفته گان ۱۰۸، جادویی کرده شدگان ۱۰۹، جادو بریش کرده گان ۱۱۳، جادوی گردَگان ۱۱۹

~: قَالُوٓا۟ إِنَّمَآ أَنتَ مِنَ ٱلْمُسَحَّرِينَ (۲۶: ۱۸۵)
جادوی کردگان ۱، شیفتگان ۳۰، جادوی کرده گان ۴۷، جَادُوی کردگان ۷۶، جادوگران ۱۳۶

مَسْحُورًا: إِذْ يَقُولُ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (۱۷: ۴۷)
جَادُو کرده ۲، جادوی کرده شده ۳، جادوی رسیده ۸، فریفته ۲۴، بفریفته ۲۹، جادوی گرفته ۳۶، جادُوی گرْدَهْ ۵۳، جَادُوی گردَه شُده ۵۵، جَادُوی رسیده ۵۷، جادو و فریبانیده ۵۸، جادو کردَه ۶۱

~: إِنِّى لَأَظُنُّكَ يَٰمُوسَىٰ مَسْحُورًا (۱۷: ۱۰۱)
شش زده یا جادوی کرده ۳، دیوانه ۲۴، جادوی زَده ۴۱، جَادُوی گردَه ۵۵، جادویی برش کرده ۹۴، جادو کرده شده ۱۰۰، جادویی کرده شده ۱۰۲، جادویی کرده ۱۰۶، جادویی ۱۲۴

~: وَقَالَ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (۲۵: ۸)
جادوی کرده ۱، جادو کرده ۲، جادوی درآموخته ۴۷، جادو ۵۲، جادوی گرْده ۵۳، جادویی بروی کرده ۵۴، جادُوی کرده ۷۶، جادو شده ۱۱۵، جادُوی رَسیدَه ۱۱۹، جادوئی کرده ۱۳۸

مَسْحُورُونَ: بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ (۱۵: ۱۵)
جادوی کرد گان ۱، جادو کرد گان ۲، جادوی کرده شد گان ۳، جادوی کردستند ۲٤، بفریفته ۲۹، جادوی کرده شده گان ۳۰، جادوی کنان ۳۸، جادوی گرفتگان ٤۱، جادوان کرد گان ٤۳، جادُوی گرْدَه ۵۳، جادُو گردَه شُدَ گان ۵۵، جادوی کرده ۵٦، جادوی رسید گان ۵۷، جادوی کرد گان و سخت ترسیده ۵۸، جادوی می کردند ۷٦، جادوی گران ۹۰، جادو کرده شد گان ۹۳، جادوی پوش کرد گان ۹۵، جادویی گران ۱۰۵، جادویی کرده گان ۱۰۹، جادویی کرد گان ۱۱۲، پریش کرده گان ۱۱۳، جادو کننده گان ۱۱٤، جادوشد گان ۱۱۵، جادوگران ۱۱۸، جادو کرده شده ۱۲۱، جادوی کردان ۱۲۵، جادوان ۱۲۹، جادو شده گان ۱۳۰

اَلْمُسَخَّر: وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ (۲: ۱٦٤)
رام کرده ۳، فرمان بُردار کِردَه ۱۰، روان ۳٦، فرمان بردار کرده ٤۰، نرم ایستاده ٤۳، روان کرده ٤۸، فرمان بردار ۵۲، فرمان دهد ۵۳، رَامْ گردَه ۵۵، رام کرده شده ٦۱، بفرمان کرده ۸۸، فرمان بردار و نرم ۹۲، فرمان برد آر ۹٤، آرام کرده ۱۰٤، رام گردانیده شد ۱۱۱، رام شده ۱۲۰، فرمان داشته ۱۲۹، فروداشته ۱۳۱

مُسَخَّرَاتٌ: وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ (۷: ٥٤)
فرمان بُردار گردانیدن ۲، فُرمان بُردَه‌دار کردَه ۱۰، فرمان بردار کرد گان ۱۰ مکرّر، فرمان بردارند ۲٤، فرمان بردار ۲۷، رام کردها ۲۹، نرم ایستاده ٤۳، فرمان بُردار کرد گان ٤۵، فرمان بردار کرده ٤۹، رَام گرْد گان ۵۵، فرمان بران ٦۹، نرم کرده ۷٦، فرمان بردار گردانیدن ۸۳، رام گردانیده ۹٤، رام شد گان ۹۸، رآم کرده ۱۰۰، رام کرده شده گان ۱۲۰، رام شده گان ۱۳۰، فرمان بَردار ۱٤۰

~: وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ (۱٦: ۱۲)
فرمان بُردارْ کرد گان ۲، فرمان برداران ۳، رام کرده ۲۹، فرمان برداران کرده ۳۹، فرمَان بَرداران ۵۵، رام گرد گان ٦۱، نرم استاد گان ۷۲، فرمان بردار گردانیده ۹٤، فرمان بردار کنند گان رام کرده گان ۱۰۹، نرم گردانید گان ۱۱۰، نرم ایستاده گان ۱۱۹، راه ساخته شد گان ۱۲۰

~: أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ (۱٦: ۷۹)
نرم کرد گان ۱، رام کرد گان ۳، رَام گرْد گان ۵۵، فرمان بُرداران ۵۷، نرم ایستاد گان ۵۸، نرم ایستایند گان ۷۲، رام کرده شد گان ۱۰۲، فرمان بران رام کرد گان ۱۰۹، رام کرده شده ۱۱٦، پران ۱۲٦، رام گردانیده شده ۱۲۷

لَمَسَخْنَاهُمْ: وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ (۳٦: ٦۷)
هیچ کنیم ۱، پاک کردیم ۳، بگردانیم ۲۲، بگردانید یمی ۲٤، بر گردانیم ٤۱، گردانیدمی ٦٤

مَسَدٍ: فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (۱۱۱: ۵)
لیف ۵۱، زنجیر آهنین ۱۲۰، لیف خرما ۱۲٤

مُسْرِفٌ: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ (٤۰: ۲۸)
توهي کنار ۱، تباه کار ۲، گزاف کار ۳، گزافکار ۱۵، گزاف ۱۰۲، گزاف کار و از اندازه گذرنده ۱۰۹

~: كَذَٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ (٤۰: ۳٤)
نابکار ۵۳، تباهی کننده ۱۱۳

مُسْرِفُونَ: ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (۵: ۳۲)
توهي کناران ۱، تباه کاریها کردند ۱۰ مکرّر، تباه کاری کردند ۲۹، تباه کاران ۳۰

گزاف کاری کنند ۳۱، گزاف گران ۷۸، گزآف کاران ۱۰۰، همی گزاف کاری کنند ۱۰۷، تباه و گزاف کاران ۱۰۹، زیان کاران ۱۱٤

~: بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (۸۱:۷)
گزاف کاران ۳، تباه کاران ۱۰ مکرّر، گزاف کاران و بی سامان ۲۷، گزاف کاران ٤٥، گزآف کارآن ۱۰۰، بیرون شوند گان از فرمان ۱۰۲، تباهی کنند گان ۱۱۳، تباه کارآن ۱٤۰

~: بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (۳٦:۱۹)
گزافکاران ۱۲۰، ستم کاران ۱۲٤

مُسْرِفِينَ: وَلَا تُسْرِفُوٓا۟ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْرِفِينَ (٦:۱٤۱)
توهی کناران ۱، نیست کنند گان ۱۲٤

~: كُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ وَلَا تُسْرِفُوٓا۟ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلْمُسْرِفِينَ (۷:۳۱)
أز اندازه گذرند گان ۲، از اندازه گذرند گان ۱۰ مکرّر، گزافکاران ۲۹، از اندازه در گذرند گان ٤۲، گزافکاران ٥٥، گزاف کارآن ۹٤

~: كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ (۱۰:۱۲)
تباه کاران ۲، اندر گذرند گان ۲۷، گزاف کاران ٥٥، گزآف کارآن ۱۰۰، تباهی کننده گان ۱۱۳، فساد کاران ۱۲٤

~: وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلْمُسْرِفِينَ (۱۰:۸۳)
گزاف گویان ۹۰، زیانکاران ۱۲۱

~: فَأَنجَيْنَٰهُمْ وَمَن نَّشَآءُ وَأَهْلَكْنَا ٱلْمُسْرِفِينَ (۲۱:۹)
تباه کاران ـ اندر گذرند گان ۲، گزاف کارآن ٤۲، تباهکاران ۸۷

~: وَلَا تُطِيعُوٓا۟ أَمْرَ ٱلْمُسْرِفِينَ (۲٦:۱٥۱)
گزاف کاران ۲، تباه کارآن ٥۳، گزآف کاران ۱۰۰، گذرند گان از اندازه ۱۰۹

~: وَأَنَّ ٱلْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ (٤۰:٤۳)
گزافِ کاران ۲۲، تباه کننـد گان ٦۱، گذاف کاران ۱۲۳

~: أَن كُنتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ (٤۳:٥)
گِران کاران ۹۰

~: مِن فِرْعَوْنَ إِنَّهُۥ كَانَ عَالِيًا مِّنَ ٱلْمُسْرِفِينَ (٤٤:۳۱)
گناهْ کاران ٥۳، تباهی کننـد گان ٦۱، تباه کرد گان ۱۳۰

~: مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ (٥۱:۳٤)
گزاف کاران ۲، پلید کاران ۳٥، بی فرمانان ٤۱، بد کاران ۱۰۲

مَسْرُورًا: وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا (۸٤:۹)
شادمان ۲، شادمان و شاددل ۳۰، شاد کرده شده ۸۰، شادی دهنده ۹۱، شاد آن ۱۰۰، شاد کرده شود ۱۰۹

~: وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا إِنَّهُۥ كَانَ فِىٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا (۸٤:۱۳)
رامشت ۱، شادان ۲٤، شادمانه ۲۹، شادان و نازان ۱۱٦

مَسْطُورًا: كَانَ ذَٰلِكَ فِى ٱلْكِتَٰبِ مَسْطُورًا (۱۷:٥۸)
نویشته ۱، نبشته ۸، نوشته ۳۰، نبشته شد [ه] ۳٦، نبشتهْ ٥۳، نِبشتهْ ٥٥، نُبشْته ٦۲، نبشته پدید کرده ٥۸، نوشته شده ۱۰۲

مَسْطُور: وَٱلطُّورِ وَكِتَٰبٍ مَّسْطُورٍ فِى رَقٍّ مَّنشُورٍ (٥۲:۲)
نویشته ۱، نبشته ۳، نوشته ٤۹، نُبشْته ٥۳، نبشته ۸۱، نبشته شده ۹۹، نوشته شده ۱۰۲، بنوشته ۱۲۹

مَسْغَبَة: أَوْ إِطْعَٰمٌ فِى يَوْمٍ ذِى مَسْغَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۹۰:۱٤)
گرسنگی ۲٤، گرسنه ۳۹، سخت گرسنه ۹۲، سختی ۱۰۰، گشنگی ۱۱٤، شدت ۱۳٦

مُسْفِرَةٌ: وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۸۰:۳۸)
روشن شدار ۱، تابان ۲، تابان ۳۰، روشن ۲۹،

شادان ٣٤، روشن از نور ٣٦، شادمان ٣٨، گشاده ٣٩، تابنده ٦٥، تازه ٦٧، تابان و روشن ٧٩، درفشان ٩٠، روشن و تابان ١٠٢، تابان و درخشان ١٠٣، روشن شونده ١٢٦، نورانی ١٣٢، تابان باشد ١٣٦

مَسْفُوحًا: إِلَّآ أَن يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا (٦: ١٤٥)
ریخته ١، روان ٢، ریخته و رونده ١٠، ریختهٔ ٥٥، ریخته ٦٢، ریخته شده ٨٠، ریختهٔ روان ٩٤، فروریخته ٩٦، ریختن ١١٠، ریخته روان ١٢٤

مِسْكٌ: خِتَٰمُهُۥ مِسْكٌ وَفِى ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ ٱلْمُتَنَٰفِسُونَ (٨٣: ٢٦)
مُشک ٢، مشک ٣٠، مِشک ٩٦، بوی مشک ١٣٨

مَسَّكُمْ: لَّوْلَا كِتَٰبٌ مِّنَ ٱللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَآ (٨: ٦٨)
فارسیدی ١٠، رسدی ٢٩، برسیدی ٤٢، فراشما رسیدی ٦٢، بسودی ٩٤، بساویدی ٩٩، میرساند ١١١، میرسید ١١٢، می رسیدی ١١٦، بسودمی ١٢٨

~: إِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْـَٔرُونَ (١٦: ٥٣)
بساید ١٠٩، بساودتان ١١٤

~: وَإِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فِى ٱلْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّآ إِيَّاهُ (١٧: ٦٧)
برسد ٥٨، بساوتد ١١٤

~: لَمَسَّكُمْ فِى مَآ أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (٢٤: ١٤)
رسیدی ١، فراشما رسیدی ٤٧، برسید ٥٣، فرارسیدی ٥٤، بسودی ٦٥، رسیدی شما را ١١١، بسودیتان ١١٤

ٱلْمَسْكَنَةُ: وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلْمَسْكَنَةُ (٢: ٦١)
درویشی ٢، دَروِیشی ١٠، درویشه ٢٤، خواری ٥٠، بیچارگی ٥٣، راندن از جایگاه ٦٢، بینوایی ١٠٦

~: وَبَآءُو بِغَضَبٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ ٱلْمَسْكَنَةُ (٣: ١١٢)
درویشی ١، دوریشی ٢، بیچارگی ٣، دروِیشی او بی چارگی ١٠، دروشی دل ٣٤، زی درویشه و نیاز ٤٠، دَرویشی ٤٢، درویش دلی ٦٢، درویشی و درماندگی ٦٤، درویشی و خواری ٦٧، خواری ١٢٣، بیچاره گی ١٢٤، درویشی و تنگدستی ١٢٧، درویشها ١٣٠

مَسْكَنِهِمْ: لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِى مَسْكَنِهِمْ ءَايَةٌ (٣٤: ١٥)
جای باش ٣، جایگاه ٣٨، جایگاهها ٥٦، خانها ٥٨، جایها ١٣٩

مَّسْكُوبٍ: وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ وَمَآءٍ مَّسْكُوبٍ (٥٦: ٣١)
ریخته ١، ریزانیده یعنی همیشه روان ٣، چکنده بارنده ٣٠، آب ریخته ٣٥، روان ٣٦، ریزان ٤١، برزده و ریخته ٤٩، فروریخته ٥٣، ریخته روان ٥٦، ریزانیده ٨٠، روان و ریخته ٨٧، چکیده ٨٨، ریزانیده ـ همیشه روان ٩١، رونده ٩٤، ریخته شده ٩٩، روان کرده شده ١٠٢، ریخته شده و ریزان ١١١، زده ١١٩، روان شده ١٢٢، ریزان شده ١٣٠

مَسْكُونَةٍ: لَّيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا۟ بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ (٢٤: ٢٩)
باشنده ٣، درش نشسته ٢٩، آرام گاه ٣٤، آرام گرفته ٣٨، بودن جاء ٣٩، آرامگاه ٥٢، نشستهٔ ٥٣، آنکه دروی کسی نشسته باشد ٥٦، کناه شده ٩٥، باشیده ١١٤، آرمیده ١١٩، نشیمن ١٣٦، آرام گیرنده ١٣٨

مِسْكِينٌ: وَعَلَى ٱلَّذِينَ يُطِيقُونَهُۥ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ (٢: ١٨٤)
دَرْویش ٢، بیچاره ٣، دَروِیش ١٠، دَروِیش ٤٢

~: وَءَاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ (١٧: ٢٦)
درویش ١، بیچاره ٣٠، کم سرمایه ٤١، نهفت نیازان ٤٩، بیچاره ٥٥، دُرویش ٥٧، درمانده ٥٨، در گرد ٥٩، بیچارگان ٧٦، گدایان ١٢٦

~: فَـَٔاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَ (٣٠: ٣٨)
دروِیشان ٦١

~: أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا ٱلْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ (٦٨:٢٤)
بیچاره ۱۰۰

~: وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ ٱلْمِسْكِينَ (٧٤:٤٤)
درویشان ۱، درماند گان ٦٧

~: وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ (١٠٧:٣)
مردمان درمانده ٦٤

مِسْكِينًا: فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا (٥٨:٤)
درویش ۱، بیچاره ۳، درویش و بیچاره ٤۹، بیچاره ـ نیک درویش ۹۱

~: وَيُطْعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (٧٦:٨)
بی چیز ۳۰

مُسْلِمًا: وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا (٣:٦٧)
گردن نهاده ۲٤، یکی گوینده ۳۹، فرمان بردار ۱۰۲

~: أَنتَ وَلِيِّۦ فِي ٱلدُّنْيَا وَٱلْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا (١٢:١٠١)
گردن فرونهاده ٥٧

مُسْلِمَات: إِنَّ ٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُسْلِمَٰتِ (٣٣:٣٥)
زنان گردن داده ۳، زنان گردن نهنده ٤۳، گردن نهاد گان از زنان ٤٧، گروید گان از زنان ٥٦، زنان گرویده ۹۱، زنان فرمان برنده ۱۰۳، زنان گردن نهنده گان ۱۱۳، زنان گروند گان ۱۱٤

~: أَن يُبْدِلَهُۥٓ أَزْوَٰجًا خَيْرًا مِّنكُنَّ مُسْلِمَٰتٍ مُّؤْمِنَٰتٍ (٦٦:٥)
گردن نهاد گان ۲، گردن داد گان ۳، گزارنده فرمانها ٦٧، گردن نهند گان ۹٥، گروید گان ۹۹، گردن نهند گان از زنان ۱۰۹، گردن نهنده گان ۱۱۳

مُسَلَّمَةٌ: تُثِيرُ ٱلْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي ٱلْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا (٢:٧١)
رسته ۱، بی آسیب ۳۰، تن درست ۳٦، از تن رسته ٥۰، پاک ٥۲، بی آسیب ٥٥، بگذاشته و آسوده ٦٤، درست ۹۰، بگذاشته ۹۸، پاک ۱۰٥، رهانیده ۱۰۹، دست بازداشته شده ۱۱٦، بگذاشته و آسوده ۱۲۱، بازداشته شده از همه کار ۱۲۳

~: فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ (٤:٩٢)
اسپرده ۱، بسپُرده ۲، سپرده ۳، اسپُردَه ۱۰، سپُردَه ۲٧، سُپاردَه ٥۳، سُپُردَه ٥٥، گزارده شده ٦۱، فراسپرده ٦۳، سُپُرده ۸۲، سُپُرْدَه ۹٤، آزاد کرده شده ۱۱٦، باید بسپرده ۱۲۸

مُسْلِمُون: فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (٢:١٣٢)
فَرمان بُردَاران ۲، گردن فرونهاد گان ۳٥، فرمان برداریم ۳۸، فرمان بردار ٤۲، گردن نهاده ٦٤

~: لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ (٢:١٣٦)
فرمانْ بُرداران ۲، برویده ایم ٤۰، گردن داده ایم ٤۱، فرمان برداران ٦٤، گردن نَهند گان ۱۱٤

~: ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَٱشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (٣:٥٢)
گردن داد گان ۲، بروید گان ۱۰، روی آرند گان بخدای ۲۸، برورویده ایم ٤۰، گردَن دادَ گان ٤۱، گردَن نِهاد گان ٤۲

~: فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا ٱشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (٣:٦٤)
گردن نَهاد گان ۲

~: لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ (٣:٨٤)
نرم شداران ۱، گردن نَهاده گان ۲، گردن داده گان ۲۸، گردن نهند گان ۳٤، گردن داده ٤۱، باور دارند گان ٤۹، گردن نهاده گان ٧٥، گروند گان ۸۰

~: ٱتَّقُوا ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (٣:١٠٢)
گروید گان ۲

~: قَالُوٓا ءَامَنَّا وَٱشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ (٥:١١١)
گردَنْ نَهاد گان ۲، گردنهند گان ۱۱۱

~: وَأَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (۱۱:۱٤)
گردن فرونهادگان ۵۷، گردَن نهادگان ٦۱

~: أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (۲۱:۱۰۸)
تن بداده ٤۲، گردن نهنده ۸٦، گردن خواهید نهادن ۱۰۸، گردن نهادندگان ۱۲۹

~: إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ (۲۷:۸۱)
گردن نهادگان ۲، برویدگان و گردن نهاده فرمان خدا را ٤۷، گردن نهندگان فرمان ۱۱۱

~: وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمْ وَٰحِدٌ وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ (۲۹:٤٦)
تن بداده ۲۹، گرْدَنْ نِهادِگان ۵۳، خستو آمدگان ۵۸

~: إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ (۳۰:۵۳)
گردن نهند ۷٦

~: وَأَنَّا مِنَّا ٱلْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا ٱلْقَٰسِطُونَ (۷۲:۱٤)
گردن نَهادند گان ۲

مُسْلِمَيْنِ: رَبَّنَا وَٱجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ (۲:۱۲۸)
گَرْدن نَهَندگان ۲، دو گردن داده ۳، فُرمان بُردار ۱۰، گردن دادگان ۳۰، کردن نهنده ۳۸، فرمان بردار ٤۰، گردن نهندگان ٤۳، گردن نهنده ۵۳، گردَنْ دَادگان ۵۵، بسپارنده خویشتن ۵۷، دو گردنهنده فرمان بردار ۵۹، گردن نهادگان ٦۱، دو گردن نهنده ۹٦، فرمان برندگان ۱۲۹

مُسْلِمِينَ: وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْمُسْلِمِينَ (٦:۱٦۳)
نرم شداران ۱، گردن نهندگان ۲، گردن دهندگان ۲۷، گردن فرو نهادگان ۵۷، گروندگان ۹۰

~: رَبَّنَآ أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (۷:۱۲٦)
گردن فرو نهادگان ۳۵، گردن نهادگان ٦۱، گردن نهندگان ۱۱۳

~: وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ (۱۰:۷۲)
گردن دادگان ۳

~: إِن كُنتُمْ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوٓا۟ إِن كُنتُم مُّسْلِمِينَ (۱۰:۸٤)
گروندگان و گردن نهندگان ۱۱۱، گرویده ۱۳٦

~: ٱلَّذِىٓ ءَامَنَتْ بِهِۦ بَنُوٓا۟ إِسْرَٰٓءِيلَ وَأَنَا۠ مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ (۱۰:۹۰)
فرمان برداران ٦٤، باوردارندگان ۱۲۳

~: وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ (۱٦:۸۹)
گردن نهنده گان ۱۱۳

~: وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ (۱٦:۱۰۲)
گردن نهندگان ۲

~: أَلَّا تَعْلُوا۟ عَلَىَّ وَأْتُونِى مُسْلِمِينَ (۲۷:۳۱)
یکی گویندگان و گردن نهادگان ۲۰، گردن نهاده ۲٤، برویدگان ٤۷، همه گردن نهاده ۷٦

~: أَيُّكُمْ يَأْتِينِى بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَن يَأْتُونِى مُسْلِمِينَ (۲۷:۳۸)
گرْدَنْ نهادِگان ۵۳، گردن نهاده ۷٦

~: وَأُوتِينَا ٱلْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ (۲۷:٤۲)
اُستوار دارندگان ۲، گردن نهندگان ۲٤، اُسْتُوارْ داشتگان ۵۳

~: وَلَهُۥ كُلُّ شَىْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ (۲۷:۹۱)
گردَنْ نهندگان ۲، ایستادگان ۱۱۱

~: إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِۦ مُسْلِمِينَ (۲۸:۵۳)
برویده ٤۷

~: إِنَّ ٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُسْلِمَٰتِ (۳۳:۳۵)
مردان گردن داده ۳، مردان گردن نهندگان ٤٤، گردن نهادگان از مردان ٤۷، گرویدگان از مردان ۵٦، مردان گرویده ۹۱، مردان گروندگان ۱۱٤، مردان فرمان بردار ۱۱٦

~: وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ (١٢:٣٩)
گردن نهند گان ٢

~: وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (٣٣:٤١)
گردن نهاده گان ١٠٨

~: الَّذِينَ ءَامَنُوا بِـَٔايَـٰتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ (٦٩:٤٣)
گردن نهند گان ٢

~: إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (١٥:٤٦)
گردن نهاد گان ٢

~: فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ (٣٦:٥١)
گروید گان ٣٠

~: أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (٣٥:٦٨)
یکی گویان ٨

مُسْمَع: وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ (٤٦:٤)
اشنانیده ١، شنوانیده ١٠، شنیده ٢٧، بشنوده ٣٤، شنوانَیدَه ٥٥، شنواییده ٧٦، شنوانیده شده ٨٠، شنیدن ٩٢، شنوا ١٢٤

بِمُسْمِع: وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ (٢٢:٣٥)
اشنوانیدار ١، شنوانیدن ٢، شنواننده ٣، شنوا کننده ٢٢، شنونده ٦٤، شنواننده سخن ١٠٣، شنواننده ـ دریابانند ه ١٠٩، شنوانده ١١١، شنوا ١٣٩

مُسَمًّى: إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى (٢٨٢:٢)
نام‌زد کرده ١، نام بُردَه ٢٧، نـآم نهـآده ١٠٠، وام داده[1] ١٢٨

~: ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُ (٢:٦)
نام برده ٢، نام زَدَه کردَه ٥٣، نام بُردَه ٨٨، پدید کرده شده ١٣٦

~: ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى (٦٠:٦)
نَام بُردَه ٢، نـام‌زد کـردَه ٤٢، پـدیـد کـرَدَهٔ ٥٣، دانسته ٥٨، نامزد شده ٦٤، نام‌زد کرده شده ٩٩، نآم نهاده شده ١٠٠

~: يُمَتِّعْكُم مَّتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى (٣:١١)
نـامـبـرده ١٣، نـام‌ور زده ٢٩، پـدیـد کـرده ٥٣، نَامُبرده ٥٥، نآم نهاده ١٠٠

~: وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى (٢:١٣)
نام نهاده ٢٩، نام برده شده ٥٦، نام برده و دانسته ٥٨، نام‌زد ٦٠

~: وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى (١٠:١٤)
نام زَدَه کَردَهٔ ٥٣، نام نهاده شده ٦١

~: لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى (١٢٩:٢٠)
نام زده کرده ٢

~: وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى (٥:٢٢)
نامزده ١٢، نامزد کرده ٦٤

~: لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى (٣٣:٢٢)
نام زده کَردَهٔ ٥٣، نام کرده شده ٥٦

~: وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ (٥٣:٢٩)
پیدا کرده ٤٣

~: مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى (٨:٣٠)
نام زن ٩٥، نامیده شده ١٣٦

~: وَلَـٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى (٤٥:٣٥)

---

١. این معنی در پیوند ترجمهٔ فارسی سازگار می‌افتد، به صورت یک لغت مجرد.

نام زده ۲، نام کرده ٥٦، نامبرده شده ۱۱۱

~: وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى (٣٩:٥)

نام زدَه ۲۲

~: وَيُرْسِلُ ٱلْأُخْرَىٰٓ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُسَمًّى (٣٩:٤٢)

نامزد ۱۵

~: وَلِتَبْلُغُوٓاْ أَجَلًا مُسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (٤٠:٦٧)

نام کرده شد ۸۱

~: مَا خَلَقْنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى (٤٦:٣)

نام‌زد شده ٦٤

~: يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُسَمًّى (٧١:٤)

نام بُرده ۲، نام پدید کرده ۷۹

مَسَّنَا: قَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا ٱلضُّرُّ (١٢:٨٨)
دریافت ۷ مکرّر، رسید ۳٦، بَرسید ٥۲، بُسوُدْ ٥٥، رَسید ۷٦، بسود ۸۰، رسید، بسود ۱۰۹، بسودمان ۱۱٤

~: وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ (٥٠:٣٨)

بسود ۱۱٤

★ مَامَسَّنَا: وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ (٥٠:٣٨)

بنَسود ٥٦، نرسید ٦٤

مُسَنَّدَةٌ: وَإِن يَقُولُواْ تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُّسَنَّدَةٌ (٦٣:٤)

به دیوال هیشته‌اند ۱، پشت بدیوار نهاده ۳، ۳۰، هادیوار نهاده ۲٤، بدیوارها باز نهاده ۳۰، فرایکدیگر نهاده ۳٤، بر دیواری ایستاده ۳٦، بدیوار گذاشته ۳۹، ایستاننده ٤۱، بَرآفراخته ٤۲، برهم یازنده ٤۳، بدیوار بازنهاده ٤۸، بهم وانهاده ٤۹، برافراخته ٥۲، بر یکدیگر نهاده ٦۱، فرایکدگر نهاده ٦٥، با یک دیگر بالیده ٦۹، بازنهاده ۷۲، فرا دیوار افراشته ۷۹، بدیوار نهاده ۸۰، پشت داده ۸۱، بدیوار بازمانده ۹٤، افراشته ۹٦، پوده شده ۱۰۲، برافروخته ۱۰٥، بر دیوار بپای نهاده ۱۰۸، ببر بازنهاده ۱۰۹، فرادیوار ۱۱۳، برافراشته ۱۱۹، پشت بدیوار بازنهاده ۱۲۱، فرادیوار گذاشته ۱۳٤، میان تهی ۱۳٦، فرادیوار گذشته ۱۳۸

مَسْنُونٍ: وَلَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِن صَلْصَٰلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (١٥:٢٦)

گنده ۱، سیاه ۲، بگردیده ۲٤، کهنه بوده ۳۹، ببوییدهٔ گندیده ٤۱، سیاه و گنده ٤۲، گَندَهَ شده ٥۳، بُویْ گرفته ٥٥، بوی گردیده ٥۷، سال خورده ٥۸، گنَدیدَه ۷٦، سیاه گنده ۸۳، بوی بگردآنیده ۱۰۰، گردیده ۱۰۹، بوگرفته ۱۱۱، گندیده ۱۱۲، گندیده شده ۱۲٤

~: إِنِّي خَٰلِقٌۢ بَشَرًا مِّن صَلْصَٰلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (١٥:٢٨)

بوی گرفته ۳، گردنده ۲٤، سالها برآمده ۳۸، گندیدهٔ گردیده ٤۱، گشته بوی ٤۳، گنْدَه بُودَهْ ٥۳، بوی وی گشته ٥٦، بُوی گردیده ٥۷، گشته ٥۹، بوی بگردانیده ٦۳، سال برآمده ۷٦، گننده ۷۸، کهنه شده ۸٤، سیاه کننده ۹٤، بوی گردانیده ۱۰۳، سالخورده ۱۱۹، ریخته شده ۱۳٥

~: خَلَقْتَهُۥ مِن صَلْصَٰلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (١٥:٣٣)

گنده شده ۳٦، گَندیْدَهْ ٥۳، سیاه و گند ۹۲، سیاه و گنده ۱۰٥، بوی ناک ۱۱۱

★ حَمَاءِ مَسْنُون: وَلَقَدْ خَلَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِن صَلْصَٰلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (١٥:٢٦)

غَریفجی[1] بوی گرفتن ۳، لوشی سیاه و گنده ۱۰٥

۱. غریفج: لجن و گل بدبوی.

مَسَّنِیَ: وَمَا مَسَّنِیَ ٱلسُّوٓءُ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِیرٞ وَبَشِیرٞ (۷: ۱۸۸)
رسیدی ۱۰، بسودی ۳۰

~: قَالَ أَبَشَّرۡتُمُونِی عَلَىٰٓ أَن مَّسَّنِیَ ٱلۡكِبَرُ (۱۵: ۵٤)
رسید ۱، رسید ۲، بسود ۳، رسید ست ۲٤، رَسَیْد ۵۳، برسیده است ٦۷

~: وَأَیُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّی مَسَّنِیَ ٱلضُّرُّ (۲۱: ۸۳)
فرارسیده است ۳٤

~: أَنِّی مَسَّنِیَ ٱلشَّیۡطَٰنُ بِنُصۡبٖ وَعَذَابٍ (۳۸: ٤۱)
رسانید ۱، برسانید ۲۲، بپسود ۳۳، ببسود ۳۹، بَرِسَیْد ٦۱، برسانید ٦٤، بسوُد ۸۱

★ مَامَسَّنِیَ: وَمَا مَسَّنِیَ ٱلسُّوٓءُ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِیرٞ وَبَشِیرٞ لِّقَوۡمٖ یُؤۡمِنُونَ (۷: ۱۸۸)
نرسیدی ۱، فراز نرسیدی ۲۹، نسودی ٤۲، بنَسُودی ۹٤، نمیرسید ۱۲۲، نبسودی ۱۲۸

مَسَّهُ: مَرَّ كَأَن لَّمۡ یَدۡعُنَآ إِلَىٰ ضُرّٖ مَّسَّهُۥ (۱۰: ۱۲)
بسودیش ۲۷، بدو رسیده است ٤۱، ببساید ـ رسد ۱۰۹، بسود ۱۱٤

~: وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ كَانَ یَـُٔوسٗا (۱۷: ۸۳)
رشد ۷٦

~: وَإِن مَّسَّهُ ٱلشَّرُّ فَیَـُٔوسٞ قَنُوطٞ (٤۱: ٤۹)
بَساوَدش ۳۲، رسَد ۸۱

~: وَإِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ فَذُو دُعَآءٍ عَرِیضٖ (٤۱: ۵۱)
بساوَد ۳۲، بساودش ۱۱٤

~: إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ جَزُوعٗا (۷۰: ۲۰)
بساود ۳

مَسَّهُمْ: إِذَا مَسَّهُمۡ طَٰٓئِفٞ مِّنَ ٱلشَّیۡطَٰنِ تَذَكَّرُواْ (۷: ۲۰۱)
رسد ۱، رَسَد ۵۳، بساود ۱۱٤

مُسْوَدًّا: وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا (۱٦: ۵۸)
سیاه گردانیده ۲، سِیَاه ۵۵، سیاه گشته ۹٤

~: ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِیمٞ (٤۳: ۱۷)
سیاه ۱، سیاه شده ۱٦، سیاه شُده ۲۲، سیاه کرده ۳۹، تیره ۱۳۲

مُسْوَدَّةٌ: تَرَى ٱلَّذِینَ كَذَبُواْ عَلَى ٱللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسۡوَدَّةٌ (۳۹: ٦۰)
سیه شده ۱، سیاه گشته ۲، سیاه ۳، سیاه شده ۱۵، سیاه شد ۸۷، بسیاه بوده ۹٦، سیآه ۱۰۰، سیاه کرده شده ۱۰۳

مُسَوَّمَةِ: وَٱلۡقَنَٰطِیرِ ٱلۡمُقَنطَرَةِ مِنَ ٱلذَّهَبِ وَٱلۡفِضَّةِ وَٱلۡخَیۡلِ ٱلۡمُسَوَّمَةِ (۳: ۱٤)
بچرا فرستاده ۱۰، چراکننده ۲٤، چریده ۲۵، بچرا گذاشته ٤۲، چراشان کرده ٤۳، نِشان گردَه ۵۵، بداغ کرده ۵۷، داغ زده شده ٦۱، فربه کرده و نشان کرده ۷٤، بچرا گذاشته با داغ کردگان ۸٤، بچرا فراگذاشته ۸۹، بَچرا گذاشته ۹٤، بچرا گذاشت ۹٦، خوب رفتار ۱۰۰، بچرا گذاشته داغ کردگان ۱۰۷، نشاندار ۱۱۵، داغدار ۱۲۷، داغ کردگان ۱۲۸، نشانه دار ۱۳۱، داغ نهاده ۱۳٦

~: مُسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَۖ وَمَا هِیَ مِنَ ٱلظَّٰلِمِینَ بِبَعِیدٖ (۱۱: ۸۳)
نشان کرده ۱، بنشانه بکرده ۲۹، نشان بر گرْدَه ۵۳، نِشَان گردَه ۵۵، نشانها کرده ۵۸، نام نهاده ٦۱، نِشَان گرْدَه ٦۲، نشانها کرد ۷٤، نام هر یک بر آن سنگ نویشته ۱۰۵

~: مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلۡمُسۡرِفِینَ (۵۱: ۳٤)
بنشان کرده ۲٤، نشان کرده گان ۳۰، داغ کرده ٤۱، نشان بر کرده ٤۹، نشان کرده و نبشته ٦٤، نشان کرده ٦۷، نشان کرده شده ۹۹، بچرا فروگذاشته ۱۰٦، برهم نشانده ۱۱۷

مُسَوِّمِینَ: یُمۡدِدۡكُمۡ رَبُّكُم بِخَمۡسَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِینَ (۳: ۱۲۵)
نشان کردگان ۱، نشان کنندگان ۳، نشان

بر کرده ٣٤، نشان کرده ٤١، نشّان کُنند گان ٥٥، راست کنند گان ٧٨، بنشان کرد گان ٨٥، بنشان کننـد گان ٨٩، داغ کـرده ٩٠، نشآن کـرد گان ١٠٠، نشان کرده شد گان ١٠٢، نام برد گان ١١٠، نشان دار ١١٥، نشان کرده گان ١١٩، نشانها کرده ١٢٤، نشانه کننـد گان ١٣٠، اسپان داغدار ١٣٣، نشان کنندن ١٣٤، نشان کرده شده ١٣٦

اَلْمُسِيءُ: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَلَا ٱلْمُسِيٓءُ (٤٠: ٥٨)

گست کار ١، بد کردار ٣، بدی کنندہ ٢٢، بد کار ٤٢، بَدْ کِرْدارْ ٥٣، بدی کـنـنـده ٥٦، بد کرداران ٦٤، بد کننده ٨١، گناهکار ٩٢، گناه کار ٩٦

اَلْمَسِيحُ: إِنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ ٱسْمُهُ ٱلْمَسِيحُ (٣: ٤٥)

خجسته و بساینده ١٠٩

~: وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا ٱلْمَسِيحَ عِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ (٤: ١٥٧)

نیک رَوْ ١٠٩، مرده زنده کن ١١٤

مَشَّاءٍ: وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ هَمَّازٍ مَّشَّآءٍۭ بِنَمِيمٍ (٦٨: ١١)

رفتار ١، رَونده ٢، نیک رونده ٣، رونده ٢٤، بس بـشـب رونـده ٤١، نـیـک دونـده ٨٠، دونده ٩٥، را رونـده ١٠٨، در پس رونده ١٠٩، نیکرونده ١١٤، بسیار رونده ١١٦، سخت رونده ١٢٣، برنده ١٢٤، بدرفتار ١٣٦

مَشَارِبُ: وَلَهُمْ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (٣٦: ٧٣)

شـمـیـدن جایها ١، آشامیـدنـها ـ شیر ٢، جایها آشامیـدن ٣، آب خورشـهـا ٢٢، آشامیـدنـی ٢٤، آشامیدنیها ٣٠، آب خورها ٣٣، خورشـهـا ٥٢، آشامیدن ها ٥٩، آشامها ٧٤، جایهاء آشامیدن ٨٠، آبخورها ٨٧، آشامیـدن ٨٩، آبـشـخـورهـا ١٠٠، جایهای آشامیدن ١٠٩

اَلْمَشَارِقِ: ٱلَّذِينَ كَانُواْ يُسْتَضْعَفُونَ مَشَٰرِقَ

ٱلْأَرْضِ وَمَغَٰرِبَهَا (٧: ١٣٧)

جایها بر آمدن آفتاب ٣، بر آمدن گاههای آفتاب ١٠، بر آمدن جایهای آفتاب ٢٧، جایهای آفتاب بر آمدن ٢٩، جای بر آمدن آفتاب ٤١، روز بر آمد ٥٨، جای بر آمدن ها ٦١، جایها آفتاب بر آمدن ٨٠، بَرْآمدن آفتاب ٩٤، جایگاههای بر آمدن آفتاب ١٠٢، خاورها ١٠٩، بر آمدن آفتاب ١٢٤

~: رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ ٱلْمَشَٰرِقِ (٣٧: ٥)

آفتاب بر آمدنها ٣٣، جایهای بر آمدن آفتاب ٤١، روز بر آمدن ٧٤، جاهای بر آمدن آفتاب ٧٩، خاورها و باخترها ١٠٩

~: فَلَآ أُقْسِمُ بِرَبِّ ٱلْمَشَٰرِقِ وَٱلْمَغَٰرِبِ إِنَّا لَقَٰدِرُونَ (٧٠: ٤٠)

جایهاء بر آمدن ٩١، جایهاء بر آمدن آفتاب ٩٤

اَلْمَشْئَمَةِ: وَأَصْحَٰبُ ٱلْمَشْـَٔمَةِ مَآ أَصْحَٰبُ ٱلْمَشْـَٔمَةِ (٥٦: ٩)

دست چپ ١، چپ ٣٦، سوی چپ ١٠٩

مُشْتَبِهًا: وَٱلزَّيْتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَٰبِهٍ (٦: ٩٩)

مانسته ١، مانندهٔ یک دِگر ٢، مانـنـده بشکل ٣، گـونـا گـون ٩، بَهم مانـنـده بَرنگ ١٠، مانـنـده یک دیگر ١٠ مکرّر، مانـنـده ٢٦، مانندهٔ یکدیگر ٢٩، مانند یکدیگر ٣٦، مانند یک دیگر ٤٤، مانـنـده یک دیگر ٥٣، میان یک دیگر ٥٦، بیک دگر مانـنـده ٥٧، مانند یکد گر ٦١، بهم مانـنـده ٦٣، بیگد یگر مانند ٧٤، مانند ٧٦، بیگد یگر مانـنـده ٧٩، مانـنـده یک بدیگر ٨٣، مَانند یک دیگر ٨٨، مانند همدیگر ٩٦، مانند و همتا ١٠٣، بهم مانند ١٠٦، مانـنـده بهم ١١٤، مانند بیکدیگر ١١٦، مانا ١٢٠

مُشْتَرِكُونَ: فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِى ٱلْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (٣٧: ٣٣)

انبازآن ٣، همباز یکدیگر ٣٤، انباز گیرند گان ٩٩

~: إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِى ٱلْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (٤٣: ٣٩)

هنبازان ٢، هَنبازان ٢٢، انباز آرند گان ٩٠، انبازآن ١٠٠، انبازانید ١٢٦

اَلْمَشْحُونِ: فَأَنجَيْنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِى ٱلْفُلْكِ ٱلْمَشْحُونِ (٢٦: ١١٩)
پر كرده ١، پر ٢٤، پر كردهٔ آراسته ٧٢، پرشده ٧٤، پربار كرده شد ١٠٩، بر باد كرده ١١٩، پر كرده آراسته ١٣٩

~: وَءَايَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِى ٱلْفُلْكِ ٱلْمَشْحُونِ (٣٦: ٤١)
پُر ٢، پرْ كردَه ٢٢، پربار ٣٠، پربار كرده ٤٢، پُر كرده ٥٦

~: إِذْ أَبَقَ إِلَى ٱلْفُلْكِ ٱلْمَشْحُونِ (٣٧: ١٤٠)
پُر كِردَه ٢٢، پربار كرده ٣٠، پر كرده شده ٦١، گران كرده ٧٤

مَشْرَبَهُمْ: قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ (٢: ٦٠)
آبْ خُور ٢، جاى آب خور ٣، آب خور ٤، آب شخَور ١٠، آبشخور ٣٤، آبخور ٤٨، جَاىِ آبِ خَورْد ٥٥، جايگاه آبخور ٦٣، جايگاه آبْ خور ٨٥، آب خوردن ٨٩، جاى آبخوردن ١٠٦، جاى آب خورد ١٣٤

~: قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ (٧: ١٦٠)
شميدن ١، جاى آبخور ٣، آب شخُور وجوى ١٠، چشمه ٢٤، جاى آب خوردن ٢٩، آب خورش ٣١، آب خورد ٣٥، فروآمدن جاى آب ٣٦، آب خوار ٤١، آب خور ٦٠، راه ٦١، آب خَوردن گاه ٦٢، آبخورد ٧٤، آبش خور ٧٩، آب خوردن جاى ٨٩، جاى آب خورش ١١٤، آبشخور ١٢٠، جاى آبخورد ١٢١

اَلْمَشْرِقُ: وَلِلَّهِ ٱلْمَشْرِقُ وَٱلْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا۟ فَثَمَّ وَجْهُ ٱللَّهِ (٢: ١١٥)
جاى برآمدن آفتاب ٢، برآمدن گاه ١٠، آفتاب زَنجا برآيد ٤٠، جايگاه آفتاب برآمدن ٤٩، جَاى بَرآمَدَن آفتاب ٥٥، آنجا كه آفتاب برآيد ٦٤، خاور ١٠٩، جاى افتاب برآمدن ١١٩، جاى بدر آمدن آفتاب ١٢٨

~: قُل لِّلَّهِ ٱلْمَشْرِقُ وَٱلْمَغْرِبُ (٢: ١٤٢)
جاءَ آفتابْ برآمدن ٢، جاى آفتاب برآمدن ٥٣، جَاى برآمدن افتاب ٥٥، آفتاب برآمدن ٥٩، آنجاَ كه برآيد آفتاب ١٢١، سوى برآمدن آفتاب ١٢٦

~: لَّيْسَ ٱلْبِرَّ أَن تُوَلُّوا۟ وُجُوهَكُمْ قِبَلَ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ (٢: ١٧٧)
بَرَ آمَدن آفتاب ٥٥

~: قَالَ إِبْرَٰهِـۧمُ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَأْتِى بِٱلشَّمْسِ مِنَ ٱلْمَشْرِقِ (٢: ٢٥٨)
جَاى بَرآمَدن ٤٢، جاى بَرَامَدَن ٥٥، جاى بيرون شدن آفتاب ٦١، جاء برآمدن ٧٦، جاى برآمدن ٩٧

~: قَالَ رَبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَآ (٢٦: ٢٨)
برآمدن جاى آفتاب ٤٧، برآمدن آفتاب گاه ٩٥، برآمدن گاه آفتاب ١٠٨

~: رَّبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱتَّخِذْهُ وَكِيلًا (٧٣: ٩)
برآمدن آفتاب ٣٠

اَلْمَشْرِقَيْنِ: قَالَ يَٰلَيْتَ بَيْنِى وَبَيْنَكَ بُعْدَ ٱلْمَشْرِقَيْنِ (٤٣: ٣٨)
دو جهان ٢، دُو جهان ٢٢

~: رَبُّ ٱلْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ ٱلْمَغْرِبَيْنِ (٥٥: ١٧)
آفتاب برآمدنيها ٢، دوجاء آمدن آفتاب ٩٢، دو خاور ١٠٩، جاى برآمدن آفتاب ١١٣، خاوران ١٢١

مُشْرِقِينَ: فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ (١٥: ٧٣)
در وقت روز ورآمد شداران ١، در روشنايى آيند گان ٣، در روشنى شوند گان ٢٩، روز بَرامَدن ٥٣، دَر رُوشنايِى آيند گان ٥٥، آفتاب برتافتگان ٥٩، آنگاه كه روشن شد آفتاب ٦٢، بامداداان ٦٣، بامداد كنند گان ٧٩، روشنايى آيند گان ٨٠، برآمدن آفتاب ٩٠، آنگه كه روشن گشت آفتاب ٩٣، بآفتاب برآمدن ٩٤، در

بامدادان ١٠٠، درآیندگان در روشنی ١٠٩، آفتاب برآمده ١١٢، بام‌داد کننده گان ١١٣، در روشنی آینده گان ١١٤، چاشت کنندگان ١١٥، بروشنائی روز درآمدگان ١١٦، بروشنی درآیندگان ١٢٢، روشنای ١٢٩، روزشدگان ١٣٥

~: فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ (٦٠:٢٦)

در روشنایی آمدگان ٣، در روشنای آیندگان ٢٠، درفشیدن آفتاب ٣٤، بوقت آفتاب برآمدن ٤٦، بگاه آفتاب برآمدن ٦١، روشنایی روندگان ٨٠، آفتاب برآیندگان ٨٧، گاه آفتاب برآمدن ٩٤، بامداد ١٠٥، جایگاه آفتاب برآمدن ١٠٧، روشنی روز شوندگان ١٠٩، روشنایی آمدگان ١١٤، بام‌دادان ١٣٨

مُشْرِكٍ: وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ (٢٢١:٢)

آزاد ناگرویده ٢، انبازگوی ٣، گبر آزاد ١٠، مرد ناگرویده ٢٧، آزاد گبر ٤٠، ناگرویده ٤٢، ناگرویده ٥٢، آنبازگوی ٥٥، مرد انباز گیرنده ٥٦، مرد بت پرست ٨٤، مرد آزاد ناگرونده ١٢٢

~: وَالزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ (٣:٢٤)

بت پرست ٣٩، انبازگیر ٤٢، انباز آرنده ٤٧، انباز گیرنده ٥٦، مرد انباز گوینده ٥٨

ٱلْمُشْرِكَاتِ: وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ (٢٢١:٢)

زنانَ انباز گوینده ٣٠، زنان انباز گیرندَه ٤٢، زَنان آنباز گویندَه ٥٥، زنان گبر ٦٣، زنان ناگرویده ٧٥

~: لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ (٧٣:٣٣)

زنان انبازگوی ٣، زنان بت پرست ٢٩، زنان انبازگیران ٣٠، زنان انبازگیر ٤١، انباز گیرندگان از زنان ٥٦، زنان انباز آرنده ٥٨، انبازگیران از زنان ١٢٤

~: وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ (٦:٤٨)

زنان انباز گیرنده ٣٠، زنان انباز گیرندگان ٥٦

مُشْرِكَةٍ: وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكَةٍ (٢٢١:٢)

آزاد ناگرویده ٢، انباز گوینده ٣، آزاد زَن گبر ١٠، زن انبازدارنده ٤١، زنان ناگرویَده ٤٢، زن ناگرویده ٥٢، ناگرویده ٦١، زن انباز گوینده ٨٠، ناگِرَونده ٩٤، زنان آزاد ناگرونده ١٢٢، آزاده ناگرونده ١٢٨

~: الزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً (٣:٢٤)

بت پرست ٢٩، زن بت پرست ٣٩، انبازگیر ٤٢، انباز آرنده ٤٧، انباز گیرنده ٥٦، انبازگوی ٨٠، زن انبازگوی ٩٢، زن انباز آرنده ١٠٢، زن انبازگیرنده ١١٤

ٱلْمُشْرِكُونَ: وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (١٢١:٦)

انبازگیرندگان ٤٤، انبازگوی ٥٨، انباز دارندگان ٦٣

~: إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ (٢٨:٩)

بت پرستان ٢٩، انباز فرادارندگان ٨٩

~: وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِاللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ (١٠٦:١٢)

آنبازگویان ٥٥، هنبازگیرَان ٥٧، انباز گویندگان ٥٨، انباز فرادارندگان ١٠٠، هنبازگیران ١١٢

~: وَالَّذِينَ هُم بِهِ مُشْرِكُونَ (١٠٠:١٦)

انبازگویان ٣٠، انبازآرندگان ٥٩

~: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (٩:٦١)

أنبازگیران ٢، انبازآرندگان و دشواردارندگان ١٠٩، انباز دارندگان ١٣٨

ٱلْمُشْرِكِينَ: مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ (١٠٥:٢)

بت پرستان ٤، مردان گَبر ١٠

اَلْمُشْرِكِينَ: وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۲:۱۳۵)
أنباز گیران ۲، انباز گیر آن ۹٤

~: وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا (۲:۲۲۱)
مردان گبر ۱۰، گبران ٦۳، نا گرویده ٦٤، مردان انباز گزیده ۹۲، مردان انباز گوینده ۱۰۲

~: وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳:٦۷)
انباز گیران ۲، انباز گویان ۳، گبرکان ٤۰، انباز گیران ٤۲، انباز گویند گان ٥٥، انباز گریان ۹۰

~: فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳:۹٥)
أنباز گیران ۲، انباز گویند گان ۳٦، انباز فراگیرند گان ۱۰٦، انباز کنند گان ۱۳٦

~: وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (٦:۱٤)
انباز گیران ٥۳، همباز گیران ۷۲

~: إِلَّا أَن قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ (٦:۲۳)
انباز گویان و گیرند گان ٥۸، انباز فراد آرند گان ۱۰۰

~: وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (٦:۷۹)
هنباز گیران ۹، انباز فرادارند گان ٤۸، انباز داران ۹٤

~: لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (٦:۱۰٦)
أنباز گیران ۲، انباز دارند گان ٤۱

~: دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (٦:۱٦۱)
انباز گیران ٥۷

~: مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ (۹:۱۷)
نا گروند گان
٤۱، انباز گیرند گان ۹٤

~: مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَن يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ (۹:۱۱۳)
آنباز گویان ٥٥

~: وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۰:۱۰٥)
انباز آوران ۱۳٦

~: وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۲:۱۰۸)
انباز آرند گان ٥، انباز گیران ٥۳، آنباز گیرند گان ۷٦، نا گروید گان ۹۸

~: فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (۱٥:۹٤)
انباز گیران ۲

~: وَلَٰكِن رَبُّكَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱٦:۱۲۰)
انباز گیران ٥۳، انباز آرنده گان ٥۹

~: أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱٦:۱۲۳)
انباز گیران ۲، بت پرستان و انباز آرند گان ٥۸

~: حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ (۲۲:۳۱)
أنباز گیران ۲، هنباز گیرند گان ۱۲، انباز آورند گان ٤۲

~: وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۲۸:۸۷)
انباز فرادارند گان ۱۰۰

~: كَانَ أَكْثَرُهُم مُّشْرِكِينَ (۳۰:٤۲)
بت پرست ۷٦

~: لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ (۳۳:۷۳)
مردان انباز گوی ۳، مردان بت پرست ۲۹، انباز آرند گان با خدا از مردان ٤۷، انباز گیرند گان از مردان ٥٦، مردان انباز آرنده ٥۸

~: قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ (٤۰:۸٤)
هنباز گیرند گان ۲۲، انبازان ٦۱، همبازان ۹٤، انباز گو ۱۱٤

~: فَاسْتَقِيمُوٓا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ (٦:٤١)
دروغ زنان ١٥، بت پرستان ٦١

~: كَبُرَ عَلَى ٱلْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ (١٣:٤٢)
انباز آورند گان ٨١

~: وَيُعَذِّبَ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْمُشْرِكِينَ وَٱلْمُشْرِكَٰتِ (٦:٤٨)
مردان انباز گیران ٢، انباز گیران از مردان ٣٠، مردان انباز گیر ٤١، مردان انباز گیرند گان ٤٤، مردان انباز گیرنده ٤٩، مرد آن بت پرست ١٠٠

ٱلْمَشْعَر: فَٱذْكُرُوا ٱللَّهَ عِندَ ٱلْمَشْعَرِ ٱلْحَرَامِ (١٩٨:٢)
جای دانستن ٦١

★مَشْعَرِ ٱلْحَرَام: فَٱذْكُرُوا ٱللَّهَ عِندَ ٱلْمَشْعَرِ ٱلْحَرَامِ (١٩٨:٢)
نشانگاه بزرگ ٤٩

مُشْفِقُونَ: وَهُم مِّنْ خَشْيَتِهِۦ مُشْفِقُونَ (٢٨:٢١)
ترسیداران ١، هراسان ٣، ترسنده ٢٩، ترسَند گان ٥٣، لرزان و ترسان ١١١، ترسناک ١٣٢

~: ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ وَهُم مِّنَ ٱلسَّاعَةِ مُشْفِقُونَ (٤٩:٢١)
ترسان ٢، ترسند گان ١٢، ترسان و لرزان ١١١

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ هُم مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ (٥٧:٢٣)
دربیم لرزنده ٣٩، فروتن و ترسند گان ٥٨، ترسان ترسند گان ١٠٩، ترس کاران ١١٩

~: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا ٱلْحَقُّ (١٨:٤٢)
ترسان ٢٢، همی ترسَند ٣٠، همی ترسَند ٥٣، می ترسند ٥٦، ترسان اند ٨٠، ترسانند ١٠٩

~: وَٱلَّذِينَ هُم مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ (٢٧:٧٠)
ترسان ٢، ترسان و لرزان ٦، ترسان باشند ٢٨، ترس کار ٦١، ترسناکان ١٣٢، ترسکاران ١٣٣، ترسد گان ١٣٩

مُشْفِقِينَ: وَوُضِعَ ٱلْكِتَٰبُ فَتَرَى ٱلْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ (٤٩:١٨)
ترسیداران ١، ترسَند گان ٢، ترسان ٣، ترسان ٤٢، ترسان و لرزان ٤٤، همی ترسَند ٥٣، ترسَند گان ٥٥، ترسنده گان ١١٩، ترسنده ١٢٦

~: تَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا (٢٢:٤٢)
ترسان ٢، ترسند گان ٣، ترسانِ ٢٢، همی ترسند ٣٠، ترسند گان ٣٢، ترسان و هراسان ٦٤، ترسان، لرزان ١٢٠، ترسنده ١٢١

~: قَالُوٓا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِىٓ أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ (٢٦:٥٢)
ترسانید گان ٣٠، مهربانان ٤٨، ترسَندِ گان ٥١، ترسکاران ٥٣، ترسند گان و هراسان ١٠٩، ترسناگان ١٢٢

كَمِشْكَاة: مَثَلُ نُورِهِۦ كَمِشْكَوٰةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ (٣٥:٢٤)
کلونک[1] ١، گنبد ٢، چراغ وراه ٣، چراغ ٢٩، روزن ٣٠، روزن ـ گنبد ٤٣، چراغ بَره ٥١، جام ٦٩، سوراخ ٧٦، چراغ پره ٧٩، چرغدان ٨٠، چراغ خانه ٨٨، روزن ٨٩، چراغها ٩١، گنبد ٩٤، چراغ پرده ٩٦، چراغ واره ١١٣، چراغ پایه ١١٤

مَشْكُورًا: فَأُو۟لَٰٓئِكَ كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا (١٩:١٧)
پذیرفته ١، سپاس داشته ـ پسندیده ٢، پاداش بسیار داده ٣، پسندیده ٨، سپاس داشته ٢٩، پذیرفته و سپاس داشته ٤١، پاداش بسیار داده ٥٥، سپاس داشته شده ٦١، پذیرفت ١١٠، سپاس کرده

١. کلونک: چراغدان.

۱۲۱، مزد داده شده ۱۳۶

~: إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا (۷۶: ۲۲)
پسندیده سپاس داشته ۲، سپاس داشته شده ۳، پسندیده و سپاس داشته ۳۰، پذیرفته ۲۴، سپاس دارنده ۳۹، پاداش کرده ۴۳، پذرفته ۹۱، پذیرفته سپاس کرده شده ۱۰۴، پسنده سپاس داشته ۱۰۸، پاداش داده شده ۱۱۱، پذیرفته و پاداش کرده ۱۳۹

مَشْهَدِ: فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۹: ۳۷)
آمدن گاه ۲، گرد آمده جایگاه ٤٤، جای آمد فراز آمدن ۵۹، حضرت گاه ۸٤، جای آمدن ۱۲۸

مَشْهُودًا: إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (۱۷: ۷۸)
بجای آمده ۲۸، گواهی داده شده ٦۱، گوآه ۱۰۰، گواهی داده شده ۱۰۲، دیده شده ۱۲۳

مَشْهُودٌ: ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ (۱۱: ۱۰۳)
گواه برگرفته ۷۵، بجای آمده هم اندروی ۸۳، گواه کرده ۹۰، بجای آمده ۹٤، بجای آمده همه دروی ۹٦، آمده شده ۱۰۹

~: وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (۸۵: ۳)
آنکه سُویٔ وی آیند ۲، بگواه برگرفته ۳۸، گواه داده ٤۱، آنکه بَر اوُ گواهست ۵۱، گواهی داده شده ۸۰، گواهی داده ۹۰، گواهی داده برو ۱۱۱، گواه داده شده ۱۱٤

مَشَوْا: كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُم مَّشَوْا فِيهِ (۲: ۲۰)
بَروند ۲، بَارَی برفتندَی ۱۰، بَروَند ٤۲، رَفتَند ۵۵، بروَند ۵۷، روند ٦۰، رفتند ۸۰، بروند ۸۲، روان شوند ۱۰۱، میروند ۱۲۲، بایستند ۱۲۳

مَشِيدٍ: وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ (۲۲: ٤۵)
بلند ۱، افراشته ۳، سرافراشته ۱۲، بگچ برآورده ۳۰، برداشته ۳٤، بلند برکشیده ٤۱، بلند بگچ کرده ٤۳، اُستوار ۵۳، بلند گذاشته ۵٦، بلند کرده ۵۸، بکچ کرده ٦۱، برافراشته ۷۲، بسنگ و گچ افراشته ۷۹، گچ کرده ۹۰، گچ کرده ۹۸، بگچ کرده ۱۰۸، افراشته و بگچ کرده برداشته ۱۰۹، برآورده و بگچ کرده ۱۲۸، گچکاری ۱۳۱، افرشته ۱۳۸

مُشَيَّدَةٍ: وَلَوْ كُنتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ (٤: ۷۸)
بلند کرده ۱، بُلَند برآورده ۲، افراشته ۳، بُلَند اُو استوار ۱۰، برافراشته ۲۷، بلند برآورده بسنگ و گچ ۲۹، سربلند ۳۱، استوار کردة ٤۱، بُلند برآوردَه ٤۲، بلند بگچ کرده ٤۳، سَربُلند ٤۵، بلند برآوردَه ۵۲، بُلَندْ بَرْبُرْدَهْ ۵۳، اَفراشته ۵۵، برآورده ۵٦، دژها برداشته ۵۷، بلند کرده و گچ کرده ۵۸، سخت ٦۰، سخت کرده شده ٦۱، گچ کرده ـ بلند برآورده ۸۲، بلند بسنگ و گچ ۸٤، استوار ۸۸، آراسته ۹۰، بگچ کرده ۹۵، بگرج کرده ۹٦، سخت گرد آنیده ۱۰۰، بگچ اندرون ۱۱۹، استوار کرده ۱۲٦، سخت دشوار ۱۳۵، بلند ۱۳٦

مَشْيِكَ: وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِن صَوْتِكَ (۳۱: ۱۹)
رفتن ۱، رفتار ۳، روش ۱۰٦

بِمَصَابِيحَ: وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا (٤۱: ۱۲)
چراغها ۱، چِرَاغِهَا ۲۲، ستارگان ۲٤، ستارگان تابان روشن ٤۱، ستاره‌ها ۱۰۵، چراغها ـ ستارگان ۱۰۸

~: وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ (٦۷: ۵)
ستارگان چون چراغ ٦، ستارگان روشن ۵٦، چراغهاء ۹۰، چراغ ۹۲، ستارها ۱۱۹

مَصَانِعَ: وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (۲٦: ۱۲۹)
گل کردها ۱، کُوشکها ۲، کوشکها ۳، جایها ۲۰، نشست گاهها ۳۰، آب دانها ٤۱، نشستگاهها ٤۳، جایگاهها ٤۹، کوشکها ۵۳، کنشتها ۷٦، حوضها استوار ۷۸، خانها ۸۷، کوشکها برداشته ۸۸،

نشسته گاهها ۹٤، کوشکهای برداشته ۹٦، برجها ۱۰۵، نشستکاها ۱۰۸، کوشکهای بلند ۱۰۹، نشست گاه ها ۱۲۸، جویهای آب ۱۳۰، درباچها ۱۳۲، گوشها ۱۳٦

مِصْباحٌ: مَثَلُ نُورِهِۦ كَمِشْكَوٰةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ (۲٤:۳۵)
چراغ ۱، چراغ تابان ۱۰۳، چراغ افروخته ۱۱٦

مُصْبِحِينَ: أَنَّ دَابِرَ هَٰٓؤُلَآءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ (۱۵:٦٦)
بامدادی کناران ۱، در بامداد شنوند گان ۲۹، سپید دمان ٤۹، بامْدادان ۵۳، بامداد درآمد گان ۵۷، گردند گان ٦۱، خواهد گشتن ۹٤، بامداد کرده ۹٦، در بامد آدان ۱۰۰، خواهد گشتن ۱۲۸

~: فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ (۱۵:۸۳)
بامْدادانْ ایشان ۵۳، بامداد آمد گان ۵۷، بامداد کرد گان ۵۹، بامداد همی اندر آمدند ۹٤، بامداد گشت ۱۰۵، بامداد درآیند گان ۱۰۹، بامداد همی اندر آمدند ۱۲۸، درآیند گان ۱۳۰

~: وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِم مُّصْبِحِينَ (۳۷:۱۳۷)
در بامداد درآمد گان ۳، بامداد ۳۰، سپیده دمان ۳۳، بامداد کنند گان ۳۹، بامداد کُنانْ ۵۳، در بامداد شد گان ۵٦، بامدادشد گان ۹۹، در بامداد آن ۱۰۰، بامداد کننده ۱۳۲

~: إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (٦۸:۱۷)
بامدادان ۲، بامد آدان ۱۰۰، چاشت کنند گان ۱۱۵، سپیده دم ۱۳٦

~: فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ أَنِ ٱغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ (٦۸:۲۱)
در بامداد آیند گان ۳، بامداد کنان ۳۸، در بامداد پگاه آیند گان ۸۰، شبگیر کنان ۱۰۲، بامداد به گاه ۱۱٤

مُصَدِّقًا: وَءَامِنُوا بِمَآ أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ (۲:٤۱)
رَاسْت دارنده ۲، راست گوی دارنده ۳، براست دارنده ٤، رَاست دارندَه ٤۲، رَاستْ گوی دارنده ۵۵، براستی ۹۰، رآست دآرنده ۹٤، راستگوی ۱۲۱

~: وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَآءَهُۥ وَهُوَ ٱلْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ (۲:۹۱)
درست ٦٤

~: فَإِنَّهُۥ نَزَّلَهُۥ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ ٱللَّهِ مُصَدِّقًا (۲:۹۷)
راست کننده ۹۸، درست دارنده ۱۱۵

~: نَزَّلَ عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ (۳:۳)
راسْت دارنده ۲، راست گوی ۲۸، رَاسْت گوی دَارَندَه ۵۵، راست دآرنده ۹٤، راست گرداننده ۹۵، برآست دآرنده ۱۰۰، راست گویی دارنده ۱۱۹

~: أَنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًۢا بِكَلِمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ (۳:۳۹)
راسْت دَارنده ۲، بگروننده ۲۵، از پاکیزه دلی برورِیده ٤۰، راست دارَنده ٤۲، باور دارَنده ۵۷، راست گو دارنده ٦۱، راست گو ٦۲، راست گوینده ٦٤، راست دآرنده ۹٤، باور کننده ۱۲۳

~: وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَىَّ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ (۳:۵۰)
راست دارنده اُو برویده ۱۰، باوردارنده ۲۹، راست گوی کننده ۳۹، برویده و راست دارنده ٤۰، رأست دَارَنده ٤۲، راست گوي دارند ٦۹، راستگوی دارنده ۷٤

~: ءَامِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُم (٤:٤۷)
راست گرگرفتار[1] ۱، اُسْتُوار دارَندَه ٤۲، راست ۵۳، راست گوش کننده ۷۲

~: مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْإِنجِيلَ (۵:٤٦)

۱. راست گرگرفتار / راست گیرنده، تصدیق کننده.

راه راست دارنده ۱۰ مکرّر، راستگی گرفتار[1]، ۳۷، رَاست دارنده ۴۵، راست گویی کننده ۶۷، استوار دآرنده ۹٤، استوار دارنده ۱۲۸

~: إِنَّا سَمِعْنَا كِتَٰبًا أُنزِلَ مِنۢ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا (۳۰:٤٦)

براستدارنده ۱۳۱

~: إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيْكُم مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ (٦:٦١)

باوردارنده ۱۱٤

مُصَدِّقٌ: وَلَمَّا جَآءَهُمْ كِتَٰبٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ (۸۹:۲)

راست دارنده ٤، راست دارند ۳۸ و ۵۳، راست گوی دَارَنده ۵۵، براست داند ۶۳، رآست دآرند ۹٤، راست کننده ۹۸، گواه ۱۱۶

~: وَلَمَّا جَآءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ (۱۰۱:۲)

راست گوی دارنده ۱۰، راستگوی دارنده ۷٤، راست گودارنده ۹۹

~: ثُمَّ جَآءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ (۸۱:۳)

راست دارَنده اُو بَرویدَه ۱۰، راست گوینده ۳۹

~: وَهَٰذَا كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ ٱلَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ (۹۲:٦)

راست کر گرفتار ۱، رَاسْت دَارنده ۲، باور کننده راست گوی دارنده ۳، راست گوی ۹، ٤٤، راست گوی کننده ۵۸، باورداشته ۸۸

~: وَهَٰذَا كِتَٰبٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا (۱۲:٤٦)

رَاست دارنده ۲، براست دارنده ۲۹، باوردارنده ۳۸، بدرست دارنده ٤۹، باورداران ۱۱٤، براستدارنده ۱۳۱

ٱلْمُصَّدِّقَاتِ: إِنَّ ٱلْمُصَّدِّقِينَ وَٱلْمُصَّدِّقَٰتِ (۱۸:۵۷)

زنان راست گوی دارنده ٤۱، راست گویان زنان ۶۱، زنان راست گوی ۸۱، راست دارندگان از زنان ۸۸، زنان راست ۹۲، زنان راست گویان ۹۶

ٱلْمُصَدِّقِينَ: يَقُولُ أَءِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُصَدِّقِينَ (۵۲:۳۷)

راست کر گرفتاران ۱، استوار دارندگان ۲، راست گویان ۲۲، راست گویان ۲٤، باوردارندگان ۳٤، راست دارندگان ۳۶، راست گوی دارندگان ۳۹، راست گوی داران ٤۱، راست گویانْ ۵۳، رآست دارندگان ۱۰۰، باور آرندگان ۱۰٤

ٱلْمُصَّدِّقِينَ: إِنَّ ٱلْمُصَّدِّقِينَ وَٱلْمُصَّدِّقَٰتِ (۱۸:۵۷)

راست گویان از مردان ۳۹، مردان راست گوی دارنده ٤۱، راست گویان ۸۱، راست دارندگان از مردان ۸۸، مردان راست ۹۲، مردان راست گویان ۹۶، مردان باوردارنده ۱۰۳، باور دارندگان مردان ۱۲۳، راست دارندگان ۱۲۹

مِصْرًا: ٱهْبِطُوا۟ مِصْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ (۶۱:۲)

شهر ۲

بِمُصْرِخِكُمْ: فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوٓا۟ أَنفُسَكُم مَّآ أَنَا۠ بِمُصْرِخِكُمْ (۲۲:۱٤)

فریاد رسیدار ۱، فریادرسان ۳، رهاننده ۵، رهاینده ۲٤، فریادرسنده ۲۹، فریادرس ۳۰، فَرْیَادْرَس ۵۳، فریادرَس ۵۵، رهانیده ۷۸، رهانیدگان ۹۶، فریاد رسندگان ۱۰۹، فریاد رسانده ۱۱۳٤

★ مَّآ أَنَا۠ بِمُصْرِخِكُمْ: فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوٓا۟ أَنفُسَكُم مَّآ أَنَا۠ بِمُصْرِخِكُمْ (۲۲:۱٤)

من فریاد نرسم ۶۲

مَصْرِفًا: فَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا۟ عَنْهَا مَصْرِفًا (۵۳:۱۸)

---

۱. راستکی گرفتار / راست گیرنده.

گشتن ١، جاءَ بازگشتن ٢، گريزگاه ٣، بازگرديدن ٢٩، بازگشت ٣٤، گردانيدن ٣٩، جاي برگرديدن ٤٢، جاي گردانيدن ٤٤، جاي بازگشتن ٥٢، گريزگاه ٥٥، بازگشت جاي ٥٦، بازگشتن گاه ٥٧، بازگشتن ٥٨، جاي گشتن ٥٩، برگشتن گاه ٦٠، گريختن جاي ٦٧، گر[د]اند گاه ٩١، جاي بازگشت ٩٢، جاي واگشتن ٩٤، بگرديدن ١٠٠، جاي گريز ١٢٢، گردانيده ١٢٨

مَصْرُوفًا: أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ (١١: ٨)
گردانسته ١، برگردانيده ٣، گرداننده ٢٤، بازگردانيده ٢٧، واگردانيده ٢٩، بازداشت ٣٨، بگرداننده ٤١، بازگرداننده ٤٢، بازگشته ٥٣، برگردانيدَه ٥٥، گردانيده ٥٨، گرديده ٦٠، گردانيده شده ٦١، بگردانيده ٦٣، بازگردنده ٧٥، بگردد ٧٦، برگرداننده ٨٠، بگردآنيده شده ١٠٠، گردانيده شده ١٠٢، بازداشته شده ١٠٤، بگرديده ١٠٦، بازگشت ١٢٤، بازداشته ١٢٦، برگردانيده شده ١٢٧

اَلْمُصْطَفَيْنَ: وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ (٣٨: ٤٧)
گزيدگان ١، گزيدگان ٢، برگزيدگان ٣، گزيدگان ٢٢، گردكان ٩١، دو برگزيده ١٣٦

مُصْفَرًّا: وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا (٣٠: ٥١)
زرده شده ١، زرد گردانيدَه ٢، زرد بوده ٤٧، زرد و خشك شده ٥٨، زردبام ٨٨، خشك و زرد شده ١٠٢، زرد گردانيده ١٠٨، زرد گشته و خشك ١٠٩

~: ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا (٣٩: ٢١)
زرد گشته ٢، زرده شدَه ٢٢، زرد گشتهٔ ٥٣، زرد گشتَه ٨١

~: ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا (٥٧: ٢٠)
زرد ٣، زرد گشته ٣٠، زرد خشك شده ١١٩

مَصْفُوفَةٌ: مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُم

بِحُورٍ عِينٍ (٥٢: ٢٠)
برسته نهاده ٢، بررسته نهاده ٣، بهم بازنهاده ٢٤، درهم پيوسته ٢٩، دم‌بدم نهاده ٣٠، برابر نهاده ٣٩، برسته بنهاده ٤٨، برسته وانهاده ٤٩، پشت كرده ٦١، پيوسته بيكديگر ٦٤، پهلوي يكديگر نهاده ٦٧، برسته نهاده بهم پيوسته ٨٠، پيوسته ٩٠، پيوسته نهاده ٩١، پهلو يكديگر زده ٩٢، برهم نهاده ١٠٢، بررس نهاده ١٠٩، بهم پيوسته و در بر يكديگر ١١٦، بهم نهاده ١١٩، پيوسته شده بهم ١٢٢، در پهلوي هم نهاده ١٣٤، برهم نهاده شده ١٣٦، يكديگرنهاده ١٣٨

~: وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ (٨٨: ١٥)
برنهاده ٢، بازنهاده ٢٩، افراشته ٣٨، بارنهاده ٤٢، ايستانيده ٤٨، پس يكديگر ايستانيده ٦٤، پس يكديگر ايستاده ٦٧، برشته نهاده ٨٧، برسته ٨٨، در پهلوي يكديگر نهاده ٨٩، راست نهاده ٩٠، آراسته ١٠٠، پرده نهاده ١٠٨، برس نهاده ١٠٩، پهلوي يكديگر بنهاده ١١١، نهاده بهمديگر ١١٦، بگسترده ١١٧، پهلوي يكديگر چيده ١٢٠، در پهلوي هم گسترده شده ١٢٢، انداخته ١٢٣، برسته كرده ١٢٤، بدسته نهاده ١٢٦، بر يكديگر گذاشته ١٣٣، در پهلوي يكديگر ١٣٤

مُصَفًّى: وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ (٤٧: ١٥)
روشن كرده ٣، پاك كرده ٢٤، پاكيزه گردانيده ٣٠، پاك كرده از موم ٤١، پاك كردَه ٤٢، پاكيزه ٥٣، پالوده ٥٦، روشن كرده شده ٩٩، ويژه كرده ١٠٩، ناگداز ١٣٦

اَلْمُصْلِحِ: وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ (٢: ٢٢٠)
نيك كار ١، نيكوكار ٣، نيكوا دارنده ١٠، نيكوكار ٤٢، نيكوكاران ٥٢، نيكوكار ٥٥، دادگر ٦٣، آن كس كه تباه نكند ٦٥، راست كار ٧٤، نيكودار ٧٦، نيكويي كننده ٨٣، بسامان آرندگان ٨٤، بسامان كار ٨٨، بسامان آورنده ١٠٤، بيناكار

۱۱۰

مُصْلِحُون: قَالُوٓا۟ إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (۱۱:۲)
نیکوگاران ۲، نیکان ۲٤، سامان آرند گان ۲۹، نیکی کُنند گان ٤۲، نیکوگارَان ۵۵، بسامان آرند گان ۸٤، نیکوکنند گان ۹۳، نیکی کننده گان ۹۹، نیکوکننده گان ۱۰۱، بسامانان ۱۰۹

~: وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ (۱۱۷:۱۱)
نیکی کناران ۱، خُوب کاران ۲، خوب کاران ٤۲، پارسا باشند ٤۳، نیکوکارانْ ۵۵، نیکوکاه‌ان ۵۷، نیکوکار ۷٦، خوب کارآن ۹٤، خوبکاران ۹٦، بسامان کاران ۱۰٤، بسامان آورند گان ۱۲۰، نیکوکردار ۱۳٦

ٱلْمُصْلِحِينَ: إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُصْلِحِينَ (۱۷۰:۷)
نیکی کناران ۱، نیکوَاکاران بگفتار و کردار و سگالش ۱۰، خوب کاران ۵۲، پارسایان ۵۸، نیکوکرداران ٦٤، راست کنند گان ۷۲، بسامان کاران ۹۵، نیکوکاران ۱۰۰، بسامان آورند گان ۱۳۰

~: وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلْمُصْلِحِينَ (۱۹:۲۸)
نیکان ۱، نیکوکاران ۲، نیکوکاران ٤۳، پارسایان و راست کنند گان ۵۸، کار بسامان آرند گان ۸٦، نیکخواهان ۸۷، بسامان آرند گان ۱۰٤، شایستگان آشتی دهند گان ۱۰۹، شایستگان ۱۳٦، بسامانان ۱۳۹

مُصَلًّى: وَٱتَّخِذُوا۟ مِن مَّقَامِ إِبْرَٰهِـۧمَ مُصَلًّى (۱۲۵:۲)
نمازگاه ۲، جای نماز ۳، جای ۲٤، جَایِ نَماز ۵۵، جایگاه نمازکردن ۸۳، نماز جای ۱۲۱

ٱلْمُصَلِّينَ: إِلَّا ٱلْمُصَلِّينَ ٱلَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَآئِمُونَ (۲۲:۷۰)
نمازگران ۱، نمازکنند گان ۲، نمازکنان ۱۹، گروید گان ٦٤، نمازکننده گان ۱۱۳

~: قَالُوا۟ لَمْ نَكُ مِنَ ٱلْمُصَلِّينَ (٤۳:۷٤)
نمازکُنان ۲، نماز گزارند گان ۳۰، نمازگزاران ٤۱، نماز گذارند گان ۸۷، نمازگذاران ۱۰۰

ٱلْمُصَوِّرُ: هُوَ ٱللَّهُ ٱلْخَٰلِقُ ٱلْبَارِئُ ٱلْمُصَوِّرُ (۲٤:۵۹)
نگاشتاَر ۱، پیکرکننده ۳، نگارنده ۳۰، نکارکننده ٤۳

مُصِيبَةٌ: ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوٓا۟ إِنَّا لِلَّهِ (۱۵٦:۲)
کار أندُهکن ۲، درد و اندُوه و گرسَنگی و زیان و بی چارگی ۱۰، رنج و سختی ٤۱، کاری اندوهگِن ٤۲، کار اندوهگن ۵۲، رَسَنده ۵۵، رسیدنی ۱۰۲، آزار ۱۱۱، کاری اندوهگن ۱۱۹، دشواری ۱۲۰

~: أَوَلَمَّآ أَصَٰبَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُم مِّثْلَيْهَا (۱٦۵:۳)
کار أندهکن ۲، گسست ۳۹، شکست ٤۸، نابایستی ۱۲۳

~: فَكَيْفَ إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (٦۲:٤)
اندوه ۲، درد و اندُوه ۱۰، ناکامی ۹۰

~: فَإِنْ أَصَٰبَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَىَّ (۷۲:٤)
کاری اندوهگین ۲۹، سختی ٤۱، رنجیدن ۷۵

~: إِنْ أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِى ٱلْأَرْضِ فَأَصَٰبَتْكُم مُّصِيبَةُ ٱلْمَوْتِ (۱۰٦:۵)
رَسیده ۲۷، رسیدن ٦۰، رسنده مرگ ۱۱۹

~: وَإِن تُصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا۟ قَدْ أَخَذْنَآ أَمْرَنَا (۵۰:۹)
کار أندُهگن ۲، رسندهٔ بد ۳، انده ۱۱، رَسَندهٔ ۵۵، بدی ۱۰۲، کار اندوه گین ۱۲۸

~: وَلَوْلَآ أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ (٤۷:۲۸)
کار أندُه گن ۲، رسنده ۳، رسیده ۲۱، گزند ۹۱، رسنده از عذاب ۱۰٤

~: وَمَآ أَصَـٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ (٤٢:٣٠)

رسنده ٣٢، رنج ٣٩، درد ٦١، اندوه ٨١، کارهای اندوهگن ١٢٤

~: مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا فِىٓ أَنفُسِكُمْ (٥٧:٢٢)

کار آندوه گن ٢، کار اندوهگین ٣٠، رسنده از اندوه ٥٦، گناه ٨١

~: مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ (٦٤:١١)

کاری أندُه گن ٢، کار اندوه گین ٣٠، کار اندوهناک ١٠٨

مُصِيبُهَا: وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلَّا ٱمْرَأَتَكَ إِنَّهُۥ مُصِيبُهَا (١١:٨١)

رسیدار ١، رسنده ٣، برسد ٤١، رَسَنْده ٥٥، هارسنده ٥٧، رسانند‌ه ٦١، فرارسد ٧٦، خواهد رسید ١٢٨

اَلْمَصِيرُ: ثُمَّ أَضْطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلنَّارِ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (٢:١٢٦)

جاءَ بازگشتن ٢، جای بازگشتن ٣، جایگاه ١٠، بازگشتاک ٢٩، واگشتن گاه ٤٠، جای بَازگشتن ٤٢، بازکشت ٧٤، جآیگاه ٩٤، بازگشتی ١١٩

~: غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ ٱلْمَصِيرُ (٢:٢٨٥)

پس مرگ آمدن ٢٥، بازشدن جای و بازگشت ٢٧، باید آمدن ٤٠، بازگشتن ١١٩

~: وَيُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفْسَهُۥ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلْمَصِيرُ (٣:٢٨)

بازگشتن جای ٢٧، واگشدن ٤٠، بَازگشت ٥٥، بازگشتن ١٣٨

~: كَمَنۢ بَآءَ بِسَخَطٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأْوَىٰهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (٣:١٦٢)

بازگشت جای ٢٧، جای بازگشتن ٤٢، جَای بَازگشت ٥٥، جای شدن ٥٨، جای بازگشتا ٧٩، بازگشت جا ٩٠، آرامگاه ١٢٣

~: وَإِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ (٥:١٨)

بازگشت ٣، گشتن جای بازگشتن ٣٧، باز رفتنگاه ٩٦

~: وَمَأْوَىٰهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (٨:١٦)

جایگاه واگشتن گاه ١٠، جای ٢٤، وازگشتن گاه ٢٧، بازگشت گاه ٣٥، بازگشتن جا ٤٨، جایی که بدو بازگردند ٥٧

~: وَمَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (٩:٧٣)

بازگشت جاء ٣٩، جَای بَازگشتَن ٥٥، بازگشتا ١١٢، آرام گاه ١٣٦

~: وَهِىَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَىَّ ٱلْمَصِيرُ (٢٢:٤٨)

جای بازگشت ٤٨، باز آمدَنْ ٥٣

~: ٱلنَّارُ وَعَدَهَا ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (٢٢:٧٢)

جایگاه بازگشتن ١٢، جایگاه شدن ٥٣، جا ٥٨، جای گشتاگه ١١٣، دوزخ ١٣٨

~: وَمَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ وَلَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (٢٤:٥٧)

بازشُدَنْ ٥٣، بازگشتا ٥٤، باز رفتن گاه ٩٦

~: أَنِ ٱشْكُرْ لِى وَلِوَٰلِدَيْكَ إِلَىَّ ٱلْمَصِيرُ (٣١:١٤)

بازگشتن ٢، بازشدن ٣٩

~: ٱللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ (٤٢:١٥)

شدن جای ١، جاء شدن ٣٩، بازآمدنگاه ٩٦

~: إِنَّا نَحْنُ نُحْىِۦ وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا ٱلْمَصِيرُ (٥٠:٤٣)

واگشتن ٦، بازآمدن ٩٦

~: مَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ هِىَ مَوْلَىٰكُمْ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (٥٧:١٥)

جاء بازگشت ٣٩، بازبست جای ٥١

~: حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (٥٨:٨)

جای بازگشتا ٧٩

~: رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ ٱلْمَصِيرُ (٦٠:٤)

بازشدن ۳۹

~: أُوْلَـٰٓئِكَ أَصْحَـٰبُ ٱلنَّارِ خَـٰلِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (١٠:٦٤)

بازآمدن گاه ۹٦

~: وَمَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (٩:٦٦)

جای بودن ۸۷

~: وَلِلَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (٦:٦٧)

بازگشتن گاه ۲۹

مَصِيرًا: فَأُوْلَـٰٓئِكَ مَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ وَسَآءَتْ مَصِيرًا (٤:٩٧)

جای بازگشتن ۲، جاذ گاه ۱۰، جایگاه ۲٤، بازگشت ۲۹، بازگشت جای ۳٤، بازگشتن ٤۳، بازگردیده ۷٦، بازگشت جا ۹۰، دوزخ ۱۳۸

~: نُوَلِّهِۦ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِۦ جَهَنَّمَ وَسَآءَتْ مَصِيرًا (٤:١١٥)

جای بازگشتن ۳، گردیدن ۲٤، واگشتن گاها ۲۷، بازگشتگاه ۵۷، جا بازگشتن ۱۲۵

~: كَانَتْ لَهُمْ جَزَآءً وَمَصِيرًا (٢٥:١٥)

شدن جای ۱، جاءَ بازگشتن ۲، بازگشتن جای ٤۷، جایگاه بازشدن ۵۳، جَای بَازگشت ۷٦

~: وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَآءَتْ مَصِيرًا (٤٨:٦)

واگشتن جای ٦، جای بازگشت ۳۸، جایگاه بازگشتن ٤۷، جاء بازگشت ۵۱، جای بازگش ۱۱۳، جا بازشدن ۱۳۹

مَصِيرَكُمْ: قُلْ تَمَتَّعُواْ فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى ٱلنَّارِ (١٤:٣٠)

شدن ۱، بازگشت ۲، بازگشت ۳۰، واگردیدن ۲٤، جای بازگشت ٦۱، بازگشتن ٦۳، بازشدن ۸۸

بِمُصَيْطِرٍ: لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ (٨٨:٢٢)

ورگماشته ۱، گماشته ۲، نگاه بان ۲۹، برگماشته ۳٦، گماشته نگاه بان ۸۸، نگابان ۱۰۵، نگاهبان ۱۲۵

ٱلْمُصَيْطِرُونَ: أَمْ عِندَهُمْ خَزَآئِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ ٱلْمُصَيْطِرُونَ (٥٢:٣٧)

برگماشتگان ۲، گماشته گان ۳۰، گماشتگان ۳۹، برگماشته ٦۷، نبیسند گان ۸۱، کمان کشید گان ۸۸، سرکشان ۱۲۰

ٱلْمَضَاجِعِ: فَعِظُوهُنَّ وَٱهْجُرُوهُنَّ فِي ٱلْمَضَاجِعِ (٤:٣٤)

خفتن جایها ۱، خُوابْ گاهها ۲، بسترها ۳، خُوفتُ وخیز ۱۰، خواب جایها ۲۷، خوابگاه ۲۹، جایها ۳٤، بستر ۳۸، خوابگاهها ٤۲، بسترگاه ۵۳، بِسْتَرهَا ۵۵، پهلوگاهها ۵۷، جامهای خواب ٦۲، جایخوابها ٦۳، جامه خواب ۷۹، بستر خوابها ۸۹، خفتن جا ۹۰، خوابگاهها ۱۰۰، خوابگاه ها ۱۱۲، جایگاه ها ۱۳٤

~: تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ ٱلْمَضَاجِعِ (٣٢:١٦)

خُواب گاهها ۲، بسترها ۳، خوابگاها ۳۰، بسترها ۳٤، خوابگاهها ۳٦، بسترگاهها ۵۳، خواب جای ٦۹، جایگاههای خواب ۷۹، خوابگاههاء ۹۰، خوابها ۹۸، بستر خوابها ۱۰۰، جایگاه خواب ۱۰۵، خواب گاها ۱۱۳، جایهای خواب ۱۱۹

مَضَاجِعِهِمْ: لَبَرَزَ ٱلَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ ٱلْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ (٣:١٥٤)

خفتن جایها ۱، خُوابْ گاهها ۲، جای افکندن ۲۳، بسترها ۲٤، خواب جایها ـ گشتن جای ۲۷، خوابگاهها ۲۹، گشتن جای ۳٦، خواب گاه ۳۸، کارزارگاه ٤۰، خوابگاه ٤۳، خوابگاه وگشتن جای ٤۹، خواب گاهها ۵۲، خفتنگاهها ۵۷، نشستن جای ۵۸، خانها ٦۳، جایگاه ٦۹، خواب کارهها ۸۲، خفتن گاه ۹۵، جایها ۹۷، خوابگها ۹۸، بسترها ۱۰٦، جایهای افتادن ۱۰۹، جایهای خوابشان ۱۱٤، کشتنگاهها ۱۲۲، کشتنگاهها ۱۲۷، بازگشتن جاها ۱۳٤، جاها ۱۳۸

مُضَارٍّ: مِنۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَآرٍّ (٤:١٢)

دشخواری نمودار ۱، زیان کردن ۲، گزند رسانیده ۳، زیان رساننده ۲۷، زیان کننده ۲۸، زیان زدگی ۳۹، ستیزه کار ۴۰، زیان گردن ۴۲، زیان ۴۳، زیان نموده ۵۸، گزند رسانیده شده ۶۱، گزند رساننده ۶۳، گزند رسانیدن ۸۵، گزند رساننده ۱۰۰، گزند درآرنده ۱۰۹، گزند ۱۱۹، زیان آرنده ۱۲۳، زیان رسانیده شده ۱۳۰

مُضَاعَفَةً: لَا تَأْكُلُوا الرِّبَوٰٓا أَضْعَٰفًا مُّضَٰعَفَةً (۳:۱۳۰)

یک دوا کرده ۱، بسیار گشته ۲، دوچندان کرده ۳، بسیار ۲۳، افزون کرده ۲۹، برافزون ۳۶، دوباره کرده ۳۸، یکی بدو کرده ۳۹، فزونی کرده ۴۱، دُوتُو گشته ۴۲، دوچند ۴۳، دوتو گشته ۵۲، بسیار کرده ۵۳، دُوچَندان گردَه ۵۵، کم وبیش یک دو ۵۸، افزون ۶۳، دوچندان ۷۶، بسیار گشته ۸۲، دوچند کرده شده ۹۹، افزونی ۱۰۲، افزون گردانیده ۱۰۴، افزو کرده ۱۰۶، ته برته ۱۰۹، بر بالای یکدیگر ۱۱۱، تو برتو ۱۱۶، افزوده ۱۲۳

مَضَتْ: وَإِن يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ (۸:۳۸)

بگذشت ۱، گُذشَشت ۲، گذشت ۳، گُذَشت ۱۰، برفت ۳۵، گذشته است ۴۲، گذشته است ۵۳، گذشتست ۶۴، گذشت ۸۰

الْمُضْطَرَّ: أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوٓءَ (۲۷:۶۲)

درمانده ۱، بیچارَه دَرمانده ۲، بیچاره ۳، بیچارهٔ اندرمانده ۳۰، درمندگان ۴۹، بیچارگان ۵۸، درماندگان ۶۲، بیچاره کرده ۸۰، مرد درمانده ۹۴، فرومانده ۱۰۲، بیچاره اندر مانده ۱۰۸، سختی رسیده و درمانده ۱۰۹، فروماندهٔ بیچاره ۱۱۶، بیچاره درمانده ۱۲۸

الْمُضْعِفُونَ: تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰٓئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ (۳۰:۳۹)

اوزون گنداداران[1] ۱، خداوندان دوچندانها ۲، بیفزاینده ۲۹، دوچندان ۳۰، دوچند کردگان ۴۳، خداوندان ۴۶، افزونی کنان ۴۷، اَفزُون کُنَندِگانْ ۵۳، بدهند دوچندان ۵۶، خداوندان یک دو ۶۱، می افزاید ۷۶، یابندگان افزونی ۱۰۳، یکی بدو کرده ۱۰۵، دو بهره گیرندگان ۱۰۶، دوباره کنندگان ۱۰۹، خداوند افزونی ۱۱۱، دو مزد دهندگان ۱۱۴، افزون یابندگان ۱۲۳، افزون کنندگان ۱۲۴، پایندان ۱۳۱، خداوند یک دو ۱۳۹

مُضْغَةٍ: ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ (۲۲:۵)

گوشت پاره ۲، گوشت خاییده ۲۹، گوشت نرم ۴۱، پارهٔ گوشت ۵۳، گوشت پاره بی استخوان ۵۸، گوشت تازه ۶۱، اندکی گوشت ۶۲، گوشت بی استخوان ۷۴، پاره گوش بی استخوان ۱۰۲، گوشت پاره که بخایند ۱۱۱، گوشت خائیده ۱۲۱، پارچه گوشتی ۱۳۵، گوشت جاییده[2] ۱۳۶

~: ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً (۲۳:۱۴)

گوشت ۱، گُوشتْ پاره ۲، گوشت خاییده ۲۹، پاره گوشت ۳۴، گوشت نرم چون خاییده ۴۱، گوشت پارهٔ بی استخوان ۶۵، گوشت خائیده ۷۷، پاره گوشت خاییده ۱۰۲، گوشتی که بیکبار بخوایند ۱۱۱، پارچه گوشت ۱۲۰

مُضِلٌّ: إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ (۲۸:۱۵)

وی رَه کنار[3] ۱، گُمراه کننده ۲۴، گم گرداننده

---

۱. اوزون گنداداران / افزون کنندگان.

۲. جاییده، اگر تصحیفی از خاییده نباشد، می توان آن کلمه را صورتی از کلمهٔ «جویده» فرض کرد.

۳. وی ره کنار / بی راه کننده.

۳۰، بیراه کننده ۳٤، از راه برنده ٤۱، گم گردانیده ۹٤، گمره کننده ۱۰۰، گرداننده ۱۰۸، گمراه ۱۲۵

~: وَمَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّضِلٍّ (۳۹: ۳۷)
گمراه کننده ۳، گم راه بکننده ۲۹، گم کننده ۳۰، بی راه کننده ۳۹

ٱلْمُضِلِّينَ: وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ ٱلْمُضِلِّينَ (۱۸: ۵۱)
وی ره کناران ۱، گم راه کنند گان ۲، گمراه کنند گان ۳، گم راهان ۸، گمراهان ۲۸، بی راهان ۳۹، گمبود گان ٤۹، گمراه کنند گان ۵۵، گم راهان ۵۷، گم راه کنند گان ۶۰، گمکننده گان ۶۱، بیراه کنند گان ۶۲، گمراه کنان ۶۷، گم بود گان ۸۸، بی راه کنند گان ۹۲، گمر آهان ۱۰۰، گمره کنند گان ۱۰۳، گم کنند گان ۱۰۸، گناه کاران ۱۲٤

مَضَى: فَأَهْلَكْنَآ أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ ٱلْأَوَّلِينَ (۴۳: ۸)
بگذشت ۱، گذشت ۳، گذشته است ۱۰۳

مُضِيًّا: فَمَا ٱسْتَطَٰعُوا۟ مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ (۳۶: ۶۷)
رفتن ۱، گذشتن ۳، رفتن ۲۲، بگذشتن ۲۹، شدن و رفتن ۳۰، بگذرند ۶۱، باز گشتن ۱۱۵، پیش رفتن ۱۱۶

مُطَاعٍ: ذِى قُوَّةٍ عِندَ ذِى ٱلْعَرْشِ مَكِينٍ مُّطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (۸۱: ۲۱)
فرمان برداری کرده ۱، فرمان برده ۲۹، فرمان بردار ۳۰، فرمان روا ٤۱، فرمان برده شده ۵۶، فرمان برند ۱۰۶، فرمان کنند ۱۰۸، فرمانبرده شده ۱۱۱، فرمان برد ۱۱۳

مَطَرٍ: وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّن مَّطَرٍ (٤: ۱۰۲)
باران ۱، باران گران کننده ۱۱۱، باران گران ۱۱۶

~: وَلَقَدْ أَتَوْا۟ عَلَى ٱلْقَرْيَةِ ٱلَّتِىٓ أُمْطِرَتْ مَطَرَ ٱلسَّوْءِ (۲۵: ٤۰)
بارانیدن ٤۲، باریدن ۶۱

~: فَسَآءَ مَطَرُ ٱلْمُنذَرِينَ (۲۷: ۵۸)
سنگ باران ۲۱، سنگ ۷۶

مَطَرًا: وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا (۷: ۸٤)
باران ۱، باریدن ٤۱، بارانیدن ۶۳، بارانیدن ۱٤۰

لِلْمُطَفِّفِينَ: وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (۸۳: ۱)
کم پیموداران ۱، مرگم کنند گانرا ۲، کاهند گان بپیمانه را و ترازو ۲٤، کم پیمایند و کم سنجند ۲۹، کم نمایند گان ۳۰، کاهند گان ۳٤، ستد و داد گران ۳۸، کم پیمایند گان ٤۱، کم کنند گان پیمانه ۷۹، کم پیمایند گان پیمانه ۸۷، ستد و داد گان ۹٤، گاهند گان ۹۵، ترازوا کم سنجید ۹۸، کم پیمایند گآن ۱۰۰، کم کاهند گان ۱۰۲، کم سنجند ـ کم پیمایند ۱۰۵، کم کننده گان پیمانه ۱۱۳، کم سنجند گان ۱۱۹، کم پیمانان ۱۲۲، کاهند گان پیمانه ۱۳۱، کم پیمایان ۱۳۲

مَطْلَعِ: سَلَٰمٌ هِىَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ ٱلْفَجْرِ (۹۷: ۵)
بر آمدن ۲، دمیدن ۱۱۶

مَطْلِعَ: حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ ٱلشَّمْسِ (۱۸: ۹۰)
به ور آمدن جای ۱، برآمدن گاه ۲، جای بر آمدن ۳، آن جایگاه که آفتاب بر آید ۲٤، جای در آمدن ۲۹، بجاء بر آمدن ۳۹، بر آمدن جای آفتاب ٤۱، جای آفتاب بر آمدن ٤٤، جای ۵۳، جای بر آمدن ۵۵، بر آمدن ۵۸، بر آمدن گاه ۷۶، آنجا که بر آید ۹۳، بر آمدن جای ۹٤، بیرون آمد نگاه ۹۶، بیرون آمدن گاه ۹۸، جای بر آمدن آفتاب ۱۰۲، بر آمده گاه ۱۰۵

مُّطَّلِعُونَ: قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ (۳۷: ۵٤)
ورنگرستاران ۱، دیدور شد گان ۳، بررسید گان ۲۲، بررسند گان ۳۸، نگرند گان ۳۹، دیده وران ٤۱، دیده ورشونده گان ٤۲، بر آینده گان ٤۳، دیده وران ٤۹، برامد گان ۵۳، دیده وران ۶٤، برشونده گان ۸۷، دیده ور شونده ۹۲، نگاه کننده گان ۱۰۲، دیده ورید ۱۱۵، بیننده گان

۱۲۴، آگاهان ۱۳۶، نگرید گان ۱۳۹

اَلْمُطَلَّقَاتُ: وَٱلْمُطَلَّقَـٰتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَـٰثَةَ قُرُوٓءٍ (۲۲۸:۲)
زَنان پای گُشاده کردَه ۳، زنان گذاشته ۷۴، زنان پای گشاده ۹۱، زنان رها کرد گان ۹۵، رها کرده شد گان ۱۰۹، زنان رها کرده شده ۱۲۳

~: وَلِلْمُطَلَّقَـٰتِ مَتَـٰعٌۢ بِٱلْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا عَلَى ٱلْمُتَّقِينَ (۲۴۱:۲)
زنان رها کرده ۳، زنان دست واداشته ۱۰، زنان دست بازداشته ۲۷

اَلْمَطْلُوبُ: ضَعُفَ ٱلطَّالِبُ وَٱلْمَطْلُوبُ (۷۳:۲۲)
جُسْته ۲، جسته شده ۳، آنکه او را جوید ۱۲، آنک او را جویند ۳۸، جسته ۳۹، جُسته ۴۱، ربوده شده ازیش ۷۹، جوینده شده ۸۴، آنکه او را جویند ۸۸، آنچه جسته شود ۱۳۲

مُطْمَئِنٌّ: إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُۥ مُطْمَئِنٌّۢ بِٱلْإِيمَـٰنِ (۱۰۶:۱۶)
آرامیده ۱، آرام گیرنده ۲۹، آرام گرفته ۳۴، آرمیده ۳۶، آرمنده ۴۸، ارامیدَه ۵۳، آرَامیدَه ۵۵، آرَمیده ۵۷، آرامنده ۶۱، آرام گیرند ۹۳، آرآم گیرنده ۱۰۰

مُطْمَئِنَّةً: وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً (۱۱۲:۱۶)
آرامیده ۲، آمرمیدَه ۵۳، آرَامیدَه ۵۵، بی بیم ۷۴، آرآم گیرنده ۱۰۰، آرام گیرنده ۱۰۶، آرامیده باسایش ۱۱۱، آرام گیرند گان ۱۱۴، آرام گرفته و آرامیده ۱۱۶، آرامیده و آسوده ۱۳۰

~: يَـٰٓأَيَّتُهَا ٱلنَّفْسُ ٱلْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷:۸۹)
آرامیده ۱، آرمیده ۲، آرمنده ۴۱، آرامْ ۵۳، آرامیده و باوردارنده ۷۹، آرامگیرنده ۱۰۰، آرام گرفته ۱۰۲، آرام کننده ۱۳۸

مُطْمَئِنِّينَ: يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ (۹۵:۱۷)
آرامید گان ۱، آرمید گان ۲، آرام گرفتگان ۸، آرمیدَ گان ۵۳، آرَامید گان ۵۵، خانه گرفتگان ۵۹، آرامند گان ۶۱، آرام گیرند گان ۶۳، آرامیده ۷۶، آرامیده گان ۹۱، آرآم گیرند گان ۱۰۰، باشند گان ۱۰۳، آرام یافتگان ۱۱۵، آرام گرفته ۱۳۷

مُطَهَّرَةٌ: وَلَهُمْ فِيهَآ أَزْوَٰجٌ مُّطَهَّرَةٌ (۲۵:۲)
پاکیزه گردانیده ۲، پَاک کرده ۴، پاک ۳۶، پاک گردَانیده ۴۲، پَاکیزَه کردَه ۵۵، پَاکیزَه ۹۴، زنان پاکیزه ۱۱۹، بسیار پاکیزه ۱۲۲، پاک آفریده ۱۳۸

~: خَـٰلِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَٰجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَٰنٌ مِّنَ ٱللَّهِ (۱۵:۳)
پاک کرده ۱، پاک گردانیده ۲، پاکیزه کرده شده ۳، پاکیزه کِرده ۱۰، پاکیزه کرده ۳۰، پاک گردانیدَه ۴۲، پاک بکردَه ۶۲، پاک ۷۶، پاک گردآنیده ۹۰، پاک پاکیزه پاک گردانیده شده ۱۲۱

~: لَّهُمْ فِيهَآ أَزْوَٰجٌ مُّطَهَّرَةٌ ۖ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا (۵۷:۴)
پاکیزه گردانیده ۲، پاکیزه کرده شد ۳، پاکیزه کردی از خازکنی ۲۷، پاکیزک ۳۸، پاک گردانیده ۶۳، پاک و پاکیزه ۱۱۹

~: فِى صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴:۸۰)
پاک بکرده ۲۴، پاک کرد از باطل ۱۱۳، پاک شده ۱۲۰، پاکیزه کرده شده ۱۲۱

~: رَسُولٌ مِّنَ ٱللَّهِ يَتْلُوا۟ صُحُفًا مُّطَهَّرَةً (۲:۹۸)
پاکیزه ۲، پاک کرده شده ۹۱

مُطَهِّرُكَ: إِنِّى مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَىَّ وَمُطَهِّرُكَ (۵۵:۳)
پاک کُننده ۲، پاکیزه کننده ۳، برهاتم ۲۷، پاک کننده ۲۹، پاک کُنندَه ۴۲، پَاکیزه کُنندَهٔ ۵۵، پاک دار ۵۸، پاک گردانم ۶۱، پاک خواهم کرد

۹۰، پاک گرداننده ۱۰۰، رهاننده ۱۰۶

اَلْمُطَهَّرُونَ: فِي كِتَٰبٍ مَّكْنُونٍ لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلْمُطَهَّرُونَ (۷۹:۵۶)

پاکان ۱، پاکیزگان ۲، پاک کرده گان و پاکیزگان ۳۰، پاکیزه شدگان ۹۹، پاگیزگان ۱۰۸

اَلْمُطَّهِّرِينَ: وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلْمُطَّهِّرِينَ (۱۰۸:۹)

پاکی کناران ۱، پاکان ۳، پاکیزگان ۲۴، پاکی کنندگان ۲۷، پاکی جویندگان ۳۶، پاک جویان ۴۱، پاگان ۵۵، پاکیزگی کنندگان ٦٦، پاک کنندگان ۹۹، پاک جویندگان ۱۰٦، پاکی کننده کاران ۱۱۳، پاگیزگان ۱۲۲، پاکی ورزندگان ۱۳۱، پاکیزه گان ۱۳٦

اَلْمُطَّوِّعِينَ: ٱلَّذِينَ يَلْمِزُونَ ٱلْمُطَّوِّعِينَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ (۷۹:۹)

خوش کامه شداران ۱، فرمان برداران ۲۷، فرمان برداران ۴۱، افزونی دهندگان ۵۲، خویش کاران ۵۷، خوش کامان ۷۲، افزونی دهندگان خوش منشان ۱۰۹، فرمان برنده گان ۱۱۸، فروتنان ۱۲۱، افزون دهندگان ۱۲۳

مَطْوِيَّاتٌ: وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطْوِيَّٰتٌۢ بِيَمِينِهِۦ (۶۷:۳۹)

درنوشته بند ۱، درنوردیده ۳، نوردیده ۱۵، نوردیده ۲۲، نوشته ۲۴، درنوردیده باشند ۲۹، نوشته گردد ۳۰، پیچیده شوند ۳٦، درنوردند ۴۳، برهم پیچیده ۴۹، برنوشتها ۵۳، درنوشته ۵٦، پیچیده ٦۱، درنوشته ۸۱، درنوردیده شده ۹۱، درهم نوردیده ۱۰۲، درپیچیده شده ۱۰۳، درنوردد ۱۰۵، درنوردیده شوند ۱۰٦، درپیچیده شده باشند ۱۱۱، درهم پیچیده ۱۲۰، درپیچیده شود ۱۲۲، درگردیده ۱۲۴، اندر نوردیده شوند ۱۲۹، نوردیده شده ۱۳٦

مُظْلِمًا: كَأَنَّمَآ أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ ٱلَّيْلِ مُظْلِمًا (۲۷:۱۰)

تاریک ۱، تاریک سخت تاریک ۱۰، تاریک ۵۵، سیاه ٦۳، تآریک ۱۰۰، تاریک ـ بسیاری سیاهی ۱۱۱، تاریک کننده ۱۱۳

مُظْلِمُونَ: نَسْلَخُ مِنْهُ ٱلنَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ (۳۷:۳٦)

در تاریکی شداران ۱، در تاریکی آیندگان ۳، بتاریکی اندر باشند ۲۲، بمانده اندر تاریکی ۲۴، بتارکی اندر ۳۳، در تاریکی شدگان ۳۹، در تاریکی شوندگان ۴۳، در تاریکی کنندگان ٦۱، تاریک کردگان ۸۷، در تاریکی درآیندگان ۱۰۹، درشونده در تاریکی ۱۱۳، در تاریکی باشند ۱۲۴، در تاریکی درآیند گانند ۱۲٦

★ **فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ**: نَسْلَخُ مِنْهُ ٱلنَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ (۳۷:۳٦)

همانگاه ایشان اندر تاریکی بمانند ۱۰۸

مَظْلُومًا: وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلْطَٰنًا (۳۳:۱۷)

بستم ۱، ستم رسیده ۲، ستم رسیده ۳، سِتَم کَرْدَهْ ۵۳، سِتَم کَرْدَهْ ۵۵، بی‌داد کرده ۵۸، ستم کرده ۹۱، بَسِتَمْ ۹۴

مَعَ: وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرْكَعُوا۟ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ (۴۳:۲)

وَاَز ۱۰

~: وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلْمُتَّقِينَ (۱۹۴:۲)

یار و نگهدار ٦۳

~: وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ (۲۴۹:۲)

یار و نگه‌دار ۴۰، وا ۴۲

~: يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱكْتُبْنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ (۸۳:۵)

با ۲، به ۵۸

~: أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ ٱللَّهِ ءَالِهَةً أُخْرَىٰ (۱۹:٦)

بَا ۲

~: يَغْلِبُوٓا۟ أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ (٦٦:۸)

یار و نگه‌دار ۱۰

مُعاجِزینَ: وَٱلَّذِینَ سَعَوۡاْ فِیٓ ءَایَٰتِنَا مُعَٰجِزِینَ (۲۲:۵۱)
پیشیَ کناران ۱، پیش دستی کنند گان ۳، توانند گریختن ۲۴، ستیزه کنند گان ۳۶، سست کنند گان ۸۸، سُست کنند گان ۹۶، درمانده کنند گان ۱۰۹، پیش دست کنند گان ۱۱٤، پیش آیند گان ۱۱۵، پیشی گیرند گان بر یکدیگر ۱۳۲

~: وَٱلَّذِینَ سَعَوۡ فِیٓ ءَایَٰتِنَا مُعَٰجِزِینَ (۳٤:۵)
سُست گردانند ۲، درگذرند گان بگمان ایشان و بیشی کنند گان ۳، بیشین کنند گان ٤۹، درگذرند گان ۸۰، نیستی کنند گان ۹۱، پیشی گیرند گان ۱۰۹

~: وَٱلَّذِینَ یَسۡعَوۡنَ فِیٓ ءَایَٰتِنَا مُعَٰجِزِینَ (۳٤:۳۸)
سُست گردانند ۲، بیشی کنند گان ۳، سست گردانند ۳۰، ستیزه کاران ۳۹، جهند گان ۵۸، پیش شوند گان ٦۱، پیشی کنند گان ۸۰، پیشین کنند گان ۹۱، پیش گیرند گان ۱۳۱

مَعادٍ: إِنَّ ٱلَّذِی فَرَضَ عَلَیۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لَرَآدُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ (۲۸:۸۵)
مکه[1] ۱، جایگاه ۲۱، جای ۲۹، آغاز آمدن ۳۰، جای بازگشتن ٤٦، بازگشتن جای ٤۷، جای باز آمدن ۵۸، بازگشت جای ٦۱، بازگشتن ۸٦، بهشت ۹۸، جایگاه بازگشتن ۱۰۲، جای بازگشت ۱۰۹، بازگشت ۱۱۵، جایگه ۱۲۸

مَعاذَ: قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِ إِنَّهُۥ رَبِّیٓ أَحۡسَنَ مَثۡوَایَ (۱۲:۲۳)
وازداشت ۱، بازداشت خُواهم ۲، پناه می گیرم ۳، واداراذ ۲٤، پناه گرفتن ۲۹، بازداشت خواهم ۳٦، پناه می برم ٤۱، بازداشت خَواهَمْ ۵۳، بازداشت خواستم ۵۷، پناه دهم ٦۰، پناه ٦۲، نگاهداشت خواهم ٦۷، پناه گیرم ۷٦، پناه برم ۸۸، بازداشت خوآهم بخدای ۹٤، پناه میگیرم ۱۰۳، پناه میگرم ۱۱۱

~: قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِ أَن نَّأۡخُذَ (۱۲:۷۹)
مکناد ۵، زینهار ۷ مکرّر، وادارد ۲۹، پناه میخواهم ٤۲، بازداراد خدا ٤۸، بازداشت خَواهِمْ ۵۳، پَناهِ می گیرَم ۵۵، بازداشتن خواستی ۵۷، زینهار می خواهم از خدای ٦٤، پَناه گِرفتَم ۷٦، مبادا ۹۳، وادارآد ۱۰۰، پناه گرفتم ۱۱۸

مَعاذِیرَهُ: بَلِ ٱلۡإِنسَٰنُ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦ بَصِیرَةٌ ۝ وَلَوۡ أَلۡقَىٰ مَعَاذِیرَهُۥ (۷۵:۱۵)
پردها ۳٦، پردهاء ۹۰، پوزشها ۱۰۹

مُعارِجَ: لِبُیُوتِهِمۡ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَیۡهَا یَظۡهَرُونَ (٤۳:۳۳)
نردوانها ۱، نَردْبانها ۲، نردبانها ۳، نردبانِهآ ۲۲، نردبان ها ۳۲، پایگاهها ٤۲، پایهای نردوان ۵۳، نَردبانها ۸۱، نردبانهاء ۹۰، نردهبانها ۹۲، پایها ۱۳٦

~: لَیۡسَ لَهُۥ دَافِعٌ ۝ مِّنَ ٱللَّهِ ذِی ٱلۡمَعَارِجِ (۷۰:۳)
ورشدن جایها ۱، بَرشُدنَها ۲، ورشد جایگاهها ٦، آسمانها ۲۹، راههاء آسمان و برآمدن جای چون نردبان ٤۱، برشدنها ۵٦، نردبان ۹۰، بزرگیها ۱۰۲، جایهای برآمدن ۱۰۹، بلندیها ۱۲٤، بلندمرتبه ۱۳٦

مَعاشًا: وَجَعَلۡنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشًا (۷۸:۱۱)
زندگانی و کُوشش ۲، زندگانی و کوشش ۳۰، زندگانی ۳٤، زیستن ۳۸، زیستگاه ۱۰۹، گزران ۱۳٦

مَعایِشَ: وَلَقَدۡ مَكَّنَّٰكُمۡ فِی ٱلۡأَرۡضِ وَجَعَلۡنَا لَكُمۡ فِیهَا مَعَٰیِشَ (۷:۱۰)
زیشتنها[2] ۱، زِیستنیها ۲، رَوزیهای خُوردنی و

---

۱. این معنی ناظر به وجه تفسیری کلام است نه به وجه لغوی آن.
۲. زیشتها: زیستنیها؛ روزی ها.

آشامیدنی و پوشیدنی ۱۰، زیستنها ۱۰ مکرّر، روزی ۲٤، زیستنها ۲۷، چیزها که سبب زندگانی باشد ۳۰، زندگانیها ۳۱، زیست از خوردنی و نوشیدنی ۵۸، زندگانیهاء ٦۹، زندگانی کردن ۷٦، زیستنیها ۸۳، خورش ۹۰، زینتها ۱۰۵، زیستنی ۱۱۱، زندگی ۱۲۲، کارهای زندگانی ۱۲٤

~: وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ (۱۵:۲۰)
جایگاههاءَ زندگانی ۲، زندگانی ها ۳۹، جای زندگانی ۵۲، زندگانی گاه ۵۳، زندگانی ۵۸، زیش ها ۵۹، زیستن ٦۳، جایگاه زندگانی بردن ۸۳، زیستن گاه ۸۸، جایگاه زندگانی ۹٦، جایهای زیست ۱۰۹، جای های زندگانی ۱۲۸، زنده گانی ها ۱۳٦

ٱلْمُعْتَبِينَ: وَإِن يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُم مِّنَ ٱلْمُعْتَبِينَ (٤۱:۲٤)
خشنود کردگان ۱، بازگردانیدگان ۲، خشنوُد کِردگان ۲۲، گردندگان ۳۰، فریاد رسندگان ۳۸، خشنودی جستگان ٤۳، آشتی کنندگان ۵۲، بازگردندگان ٦۱، خشنودگان ۷۸، آشتی کردگان ۸۹، خشنودگران ۹۰، آشتی کرده شدگان ۱۰۲، آشتی کننده ۱۰۵، آشتی جویندگان ۱۰٦، بازگردانیدگان بآشتی ۱۰۹، خشنود کرده شدگان ۱۲۱، فریاد رسیده شدگان ۱۳٦

مُعْتَدٍ: مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ (۵۰:۲۵)
گدشتاری ۱، از اندازه درگذارنده ٦، بیدادگر ٤۲، گناه کار ٤۳، درگذرنده ۵۳، ستمکار ۸٦، بی دادگر ۹۰، از اندازه گذرنده ۱۰۹

~: أَثِيمٍ مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ (٦۸:۱۲)
گدشتاری کناری ۱، ستم کارهء بَزه کار ۲، ستم کاره ۲٤، بازدارندهٔ نیکی ۹۵، گذرنده ۱۰۹، ستم کننده ۱۲۰

~: وَمَا يُكَذِّبُ بِهِۦٓ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۸۳:۱۲)
ستم کار ۲، بی راه ۳۹، گزاف کار ٦۷، بیراه ۹۸، ستمکاره بزه کار ۱۱۱

ٱلْمُعْتَدُونَ: وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُعْتَدُونَ (۹:۱۰)
گدشتاری کناران ۱، ستم گران و بَی دادن ۱۰، گذرندگان ۵۲، ستمکاران ۵۳، درگذرندگان ۱۱۲

ٱلْمُعْتَدِينَ: إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ (۲:۱۹۰)
بَیدادان ۱۰، بیدادکنندگان ۳۸، پیشی دستی کنندگان ٦۷، از حد درگذرندگان ۷٦

~: وَلَا تَعْتَدُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُعْتَدِينَ (۵:۸۷)
گدشتاری کناران ۱، گذشتاری کنان ۳۷، بی فرمانان ٤۱

~: إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُعْتَدِينَ (٦:۱۱۹)
آن که بزَر جَویند اُو رَنجه دارند ۱۰، ستمکاران ٤٤، درگذَرنگان ۵۵، بادگردندگان ۷۸، درگذرندگان ۱۰٤، بیراهان ۱۱۲، درگذارنده گان ۱۱۸، از حدّ درگذرندگان ۱۳۸

~: كَذَٰلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلْمُعْتَدِينَ (۱۰:۷٤)
بی راهان ۱۳، ستم کاران ٤۸، آن کسانی که از فرمان بیرون شوند ٦۲، از اندازه گذرندگان ۱۰۹

ٱلْمُعْتَرَّ: فَكُلُواْ مِنْهَا وَأَطْعِمُواْ ٱلْقَانِعَ وَٱلْمُعْتَرَّ (۲۲:۳٦)
پدیره آمدار ۱، نماینده ءَ ناخواهنده ۲، ناخواهنده ۱۲، درویش ناخواهنده ۲۹، درویش ۳٤، نهفت نیاز ۳۸، خواهندهٔ فرومانده ٤۱، آنکه نماید و نخواهد ٤۳، آینده ۵۲، خَواهَندَهْ ۵۳، ناخواهندگان ٦۱، بیمار ٦۹، نهفت نیازان ۷۸، نیاز فرانماید و بخواهد ۷۹، خواهنده ۸۸، دورمانده ۹۰، نخواهنده ۱۰۰، فرومانده ۱۰۲، خواهندگان ۱۰۳، نماینده ناخواهنده ۱۰۸، ناخواهنده آن که نخواهد ۱۰۹، آنکس که همی نماید ۱۱۳، ناخواهند حاجتمند ۱۱۹، ناخوانده ۱۳۹

بِمُعْجِزٍ: وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِيَ ٱللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي ٱلْأَرْضِ (٤٦:۳۲)
پیشی کنار ۱، درگذرنده ۳، گریذنده ۵٦، گریزنده ۸۱

★ لَيْسَ بِمُعْجِزٍ: وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِيَ ٱللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي ٱلْأَرْضِ (۳۲:٤٦)
نتواند گریختن ٢٤

مُعْجِزِينَ: إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ (۱۳٤:٦)
پیشی کناران ۱، جستن و گریختن ۱۰ مکرّر، گریختن و جستن ٤٢، جهند گان ٤٨، بازدارند گان ۷۲، جَستن و گریختن ۸۳، اندر گذرند گان ۹۰، جمند کار ۹۲، سست یابند گان ۱۰۲، سُست یابند گان ۱۰۹، باتیه شوند گان ۱۲۰

~: قُلْ إِي وَرَبِّيٓ إِنَّهُۥ لَحَقٌّ وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ (۵۳:۱۰)
سُسْت کُنند گان ۲، سست کنند گان ۱۳، سست گردانیدن ۵۳، درماند گان ٥٦، سست او کند گان ٥٩، خستگان ٧٤، گریزند گان ۹۲، سُست کنند گان ٩٦، جستگان از عذاب ۱۱۹

~: إِنَّمَا يَأْتِيكُم بِهِ ٱللَّهُ إِن شَآءَ وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ (۲۰:۱۱)
در گذارند گان ۳، گریزند گان ۲۷، جستگان ۵۸، او کند گان ٥٩، گریزنده ۷۸، سُست کنند گان ۹٤، پست کنند گان ٩٦

~: أُو۟لَٰٓئِكَ لَمْ يَكُونُوا۟ مُعْجِزِينَ (۳۳:۱۱)
پیشی کنند گان ۳۹، بیشی کنند گان ۷۲، پیشی گیرند گان ۱۰۹

~: أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ (٤٦:١٦)
گریختن ٤٢ زبون کنند گان ٦١، اندر بگذرند ٦٢

~: لَا تَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مُعْجِزِينَ فِي ٱلْأَرْضِ (۵۷:۲٤)
در گذرند گان ۳، گریزند گان و درماند گان ٥٦، جستگان و از دست رفتگان ۵۸، از دست شد گان ۷۷، پیش دستی کنند گان ۱۰۷، درمانده کنند گان ۱۰۹

~: وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ (۲۲:۲۹)
جهند گان گریزند گان ۲، بیرون شوند گان ٤٦، بیچاره یابند گان ۱۰۹

~: سَيُصِيبُهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُوا۟ وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ (۵۱:۳۹)
گریختنی ۷۸، در گدرند گان ۸۰، سست گردانیدن ـ جستن و گریختن ۱۰۸

★ مَآ أَنتُمْ بِمُعْجِزِينَ: وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ (۱۳٤:٦)
نَتوانید شما جَسْتن و گُریختن ۲

~: قُلْ إِي وَرَبِّيٓ إِنَّهُۥ لَحَقٌّ وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ (۵۳:۱۰)
نتوانید شما سست گردانیدن ۱۲۷

~: سَيُصِيبُهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُوا۟ وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ (۵۱:۳۹)
نتوانید ایشان بگریختن ٢٤

مَعْدُودٍ: وَمَا نُؤَخِّرُهُۥٓ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ (۱۰٤:۱۱)
شمرده کرده ٤١، شمرده و دانسته ٤٩، شُمردَه شُده ٥٥، شمرده شده ٦١، شُمُرْدَه ٦٢، شُمُرده ٧٦

مَعْدُودَاتٍ: أَيَّامًا مَّعْدُودَٰتٍ (۱۸٤:۲)
شَمرده ۱۰، سی روز یا سی کم یک ٤٠، شُمُرْدَه ٥٥، شمار کرد گان ٦١، شمرده شده ٩٦، شمارده ۱۰۹

~: وَٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ فِيٓ أَيَّامٍ مَّعْدُودَٰتٍ (۲۰۳:۲)
شُمُردَه ٤٢، شمارد گان ۱۰۹

~: لَن تَمَسَّنَا ٱلنَّارُ إِلَّآ أَيَّامًا مَّعْدُودَٰتٍ (۲٤:۳)
شمرده ۱، چند ۲۹، شمردَه ٥٧، شمرده شد گان ٦١، شمرد گان ۱۰۹، شُمردَه ۱۳۸

مَعْدُودَةً: إِلَّآ أَيَّامًا مَّعْدُودَةً (۸۰:۲)
شُمرده ۲، شُمردَه ۱۰، شمردَه ٤٢، شُمُرْدَه ٥٥، چند ٦٣، شمارده ۱۰۹

~: وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ ٱلْعَذَابَ إِلَىٰٓ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ (۸:۱۱)

آماریده ۱، شُمرده ۵۵، شمرده شده ۶۱، شُمردَه ۶۲

~: وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ (۱۲: ۲۰)
شمرده ۱، نبهره ۳۶، شُمردَه ۵۵، شمرده ـ اند ک ۶۱، چند ۱۰۰، شمرده اند ک ۱۱۲

مُعَذِّبُهُمْ: لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ (۷: ۱۶٤)
شکنجه کننده ۳، شِکنجه کنندَه ۵۵

~: وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۸: ۳۳)
عذاب کنار ۱، شِکنجه کنندَه ۵۵

مُعَذِّبُوهَا: نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا (۱۷: ۵۸)
شکنجه کنند گان ۱۱٤

مُعَذِّبِينَ: وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۳٤: ۳۵)
شکنجه کرد گان ۳

~: وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۳۷: ۵۹)
کرد گان دوزخ ۱۳۹

مُعَذِّبِينَ: وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (۱۷: ۱۵)
شکنجه کنند گان ۳

مَعْذِرَةً: قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۷: ۱٦٤)
بهانه ۳، بَهانَه ۵۵، پوزش ۱۰۹

مَعْذِرَتُهُمْ: فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ (۳۰: ۵۷)
بهانه ۳، پوزش ۷٦، پوزش خواستن ۱۰۹، بهانه آوردن ۱۲۱

~: يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ (٤۰: ۵۲)
بهانه ساختن ۳

الْمُعَذِّرُونَ: وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ (۹: ۹۰)
عذر آورداران ۱، سُستی کنند گان ۳، بهانه گیرند گان ۲۷، سستی کنند گان ۳۰، سُستی کُنند گان ۵۵، پوزش کنند گان ۱۰۹، بهانه گویان ۱۱٤، سست کنند گان ۱۱۹

مَعَرَّةٌ: فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ (٤۸: ۲۵)
سختی ۱، بزه و گناه ۲، رنج و خون بها ۳، سختی سرزنش ٦، بزه ۲٤، رنج ۲۹، بزه و تابان ۳۹، زیان ٤۲، شبیخون ٤۷، گناه ۵٦، رنج و خونبها ۸۰، رنج و خون بهای ۹۱، ناخوشی و دشواری ۱۰۹، غم و اندوه ۱۳۱، بزه‌مندی ۱۳۹

مُعْرِضُونَ: ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ (۲: ۸۳)
روی گردانیده ۲، روی گردان ۳، بر گردند گان ٤، بر گشته‌اید ٤۰، روی بگردانند گان ٤۹، رُوی گردَانیدَ گان ۵۵، روی گردانید گان ۸٤، روی گرد آنند گان ۹٤، روی میگردانید ۹۸، روی گردنده گان ۱۰۱، روی گردانان ۱۱۲

~: ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ (۳: ۲۳)
روی گردانستاران ۱، بدَروغزن داشته اُو روی اندر گردانیده‌اَند ۱۰، روی بگردانید ٤۰، رَوی گرَدانند گان ۵۵، روی بگردانید گان ۸۸، روی گردانیدند گان ۱۲٤، روی گرداند گان ۱۲۹، رو گرداند‌ه گان ۱۳٦

~: وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ (۸: ۲۳)
رُوی اندر گردانیده ۱۰، بر گشته ٤۲، رُوی گردَانند گان ۵۵، روبگردانند گان ۷۹، روی گردنند گان ۸۰، باز گردند گان ۹٦

~: بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ (۹: ۷٦)
روی بر گردانید گان ۱۱، ور گردیده ۲٤، ها گردنده ۲۹، روی بر گردانند گان ۵۷، بر گشتگان ٦۰، رویگردانند گان ۷۹، بر گردانید گان ۱۲٤، روی گردانیده بودند ۱۲۸

~: يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ (۱۲: ۱۰۵)
رُوی گردانید گان ۲، بر گردند گان ۵،

برگردیدگان ۲٤، رُوی گرداننده‌گان ۵۵، بمی گردانند ۷۶، روگردانند گان ۱۲۲

~: اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ (۱:۲۱)
روی گردانیده گان ۹۱، روی بگرداننده گان ۱۱۳

~: بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُم مُّعْرِضُونَ (۲٤:۲۱)
رُوی گردانیدگان ۲، رُوی گَردانیده‌اند ۵۳

~: وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (۳۲:۲۱)
روی گرانند گان ۹۱

~: بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ (٤۲:۲۱)
ها گرده‌اند ۲۹، برگَرْدَنْد ۵۳، روی بگرداننده ۷۶، روی گرادانند گان ۹۱، برگردید گان ۱۲٤

~: وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳:۲۳)
رُوی گرداننده‌گان ۲، برگردیده ۲٤، روی گردانیده باشَنْد ۵۳، روی بگردانند ۷۶، روی گردان ۱۱٤

~: بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم مُّعْرِضُونَ (۷۱:۲۳)
بگردنده ۲۹، روی گرداننده گان ٤۷، روی گردانند ٤۸، روی برگردانید گان ۵۳

~: إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم مُّعْرِضُونَ (٤۸:۲٤)
رُوی بگردانیده ۲، برگردنده ٤۷

~: قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (٦۸:۳۸)
روی گردند گان ۳۸، روی می گردانیت ٤۱

~: وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ (۳:٤٦)
روی گردانید گان ۲، روی گردانند گان ۳، روی می گردانند ٤۱، روی گردانیده ٤۷، روی

گردنید گان ۹۱

مُعْرِضِينَ: إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (٤:٦)
روی گردانستاران ۱، رُوی گردانید گان ۲، روی گرداننده گان ۳، برگردید گان ۲٤، برگردیده ۲۹، روی گردانید گان ٤۲، گردانید گان ۵۳، روی برگردند گان ٦۳، برگردنده ۷۶، بازگردید گان ۹٦، بگردید گان ۱۰۳

~: وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۸۱:۱۵)
رُوی گردانید گان ۲، روی گردند گان ۳۸، رُوی گردانیدِ گانْ ۵۳، برگشتگان ٦۰، بازگردند گان ٦۵، روی برگردانید گان ۸٤، برگردند گان ۹۳، روی گردانیده گان ۱۱۹، روی گردان ۱۳٦

~: إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ (۵:۲٦)
روی گردانید گان ۲، روی گرداننده ٤٦، روی بگردانند گان ٤۷، رُوی بگرداننده ۷٦، روی بگردند گان ۱۱۳

~: إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (٤٦:۳٦)
رَوی گردانید گان ۲۲، ایشان برگشته‌اند ۲٤، روی گردانان ٤۱، روی گردانید گان ۱۳۰

~: فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ (٤۹:۷٤)
روی می گردانند ٦، روی بگردانید گان ۵۲، روی بگردید گان ۱۱۳

مَعْرُوشَاتٍ: وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ (۱٤۱:٦)
ماسیابسته[۱] ۱، چفته ـ خنبید ۲، جُفته بَسته شَوشهای رَز بَروَی ساخته ۱۰، خنبیده ۱۰ مکرّر، خفته و خوابانیده ۲۷، وادیج کردها ـ وایج کردها ۳۰، چفته ۳٤، جفته زده ۳۸، جفته کرده ٤۱، جنبیده ٤۲، پایه بسته ٤۳، برداشته و بربسته ٤٤،

۱. ماسیابسته: چفته، داربست.

چفته زَدَه ٥٣، چفته زده ٥٦، چفته بستگان ٥٧ چفتها ٦٢، چفته بسته ٦٣، چفته دار ٦٥، باید بسته ٦٩، حاشیابسته ٧٢، وانج کردها ٨٠، خنبیده چون رز ٨٣، خفته ـ خنبیده ٨٨، چَفت بسته ٨٩، بسته ٩٢، خوانبیده ٩٤، خفته بسته ٩٥، آنچه کردها ٩٧، چَفته بسته ١٠٦، چَفته زده ١٠٧، برداشته و بر چوب و نی بسته ١١١، در هوا بالا رفته ـ بر زمین گسترده ١١٢، چوب بست کرده ١١٤، برداشته شده ـ بر چوب و نی بسته ١١٦، برداشته شده ١٢٠، پوشیده ١٢١، داربست شده ١٢٢، انگور برداشته ١٢٣، جمیده ١٢٤، خوابانیده جنبیده ١٢٨، برداشته ١٣٠، بزمین افتاده ١٣١، کاشته ١٣٦

* غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ: وَغَيْرَ مَعْرُوشَٰتٍ (٦:١٤١)
جُفته نابسته چون دَال میوَه ١٠، بگسترده که پایه نباید او را ٤٩

اَلْمَعْرُوفِ: اَلْوَصِيَّةُ لِلْوَٰلِدَيْنِ وَٱلْأَقْرَبِينَ بِٱلْمَعْرُوفِ (٢:١٨٠)
نیکویی ٤٢

~: وَلَهُنَّ مِثْلُ ٱلَّذِى عَلَيْهِنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ (٢:٢٢٨)
نیکوی ١، نیکویی و شناخته ٤٣، شناسا ١٢٤

~: ٱلطَّلَٰقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌۢ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌۢ بِإِحْسَٰنٍ (٢:٢٢٩)
نیکوا داشتن ١٠، خوش منش ٤٠

~: وَعَلَى ٱلْمَوْلُودِ لَهُۥ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ (٢:٢٣٣)
سزا ٣٩، شناخته ٣٩، داد ٦٣، نیکوي و خوشی ١٣٠

~: فِيمَا فَعَلْنَ فِىٓ أَنفُسِهِنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ (٢:٢٣٤)
زیبایی ٩٨

~: فِى مَا فَعَلْنَ فِىٓ أَنفُسِهِنَّ مِن مَّعْرُوفٍ (٢:٢٤٠)
آرایش و براهش ٦٣

~: وَلِلْمُطَلَّقَٰتِ مَتَٰعٌۢ بِٱلْمَعْرُوفِ (٢:٢٤١)
بسزا ٧٢

~: قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَآ أَذًى (٢:٢٦٣)
نیکُو ٢، شناخته و نیکو ٣٩، نیکوي ١١٠، خوب ١٣٥

~: وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٣:١٠٤)
خُوبی ٢، خوبی کردن ٢٩، خوبی ٨٤، نیکو کردن ١٢٤

~: تَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٣:١١٠)
نیکی ٢٧، پسندیده ٦٤، کارهای نیک ٨٤، کارهاء نیکو ٩٠، کارهای نیکو ١٣٠

~: وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٣:١١٤)
نیکُوبی ٢

~: وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِٱلْمَعْرُوفِ (٤:٦)
اندازه ٥٢، بنیکوی و باندازه ٥٣، نیکوی ـ اندازه ٨٤

~: وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ فَإِن كَرِهْتُمُوهُنَّ (٤:١٩)
نیکوَی و خوبی ١٠، نیکوخویی و سازگاری ٤٠

~: وَءَاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ (٤:٢٥)
نیک ٢٧

~: إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ (٤:١١٤)
نیکویی کردن ١، نیکوی کردن ٢، نیکوای ٥٧، فرمود نیک ٥٨

~: يَأْمُرُهُم بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَىٰهُمْ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٧:١٥٧)
نیکوا کاری ١٠، دانسته ٧٢

~: يَأْمُرُونَ بِٱلْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمَعْرُوفِ (٩:٦٧)
کار نیکو ٣، کار نیکو ٥٥، کار نیکوا ٥٧، فرموده خدای تعالی ٧٩، کارهای خوب ١٣٦

~: يَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٩:٧١)
نکویی ١١٥

~: اَلْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنكَرِ (۱۱۲:۹)

کارِ نیکو یا نیکویی ۵۵، کردنی ۱۰۴

~: وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ (۴۱:۲۲)

نیکی ۲، نیکوکاری ۱۲، نیکی کردن ۲۴، نیکیها ۴۱، شناخته شده ۵۸، کارهای کردنی ۸۶

~: يَٰبُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَوٰةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنكَرِ (۱۷:۳۱)

کار کردنی ۸۶، نیکوئی کردن ۸۷، کار نیک ۹۸

~: طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ (۲۱:۴۷)

نیکو ۲، نکو ۶، نیکُو ۲۲، نیک خوش ۳۹، درست ۶۱، نیکو خوش ۷۲

~: وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ (۱۲:۶۰)

شایسته ۶۴، کار شایسته ۱۰۲، فرمودن ۱۱۳

~: فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ (۲:۶۵)

نیکوئی ۲، نیکوتر ۴۱، خیر ۷۶، خوب و نیکوی ۱۰۹

~: وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ (۶:۶۵)

نیکی و خوشی ۹۶، فرموده خدا ۱۱۳

مَعْرُوفًا: إِلَّا أَن تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا (۲۳۵:۲)

نیکوا ۱، نیکوا ۱۰، سربسته ۶۳، نیکوتر ۱۰۵

~: وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۵:۴)

نیکو ۲، نیکو ۳، خوش نیکو ۴۰، شناخته ۵۸، نیک ۶۱، خوب ۶۷

~: فَارْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۸:۴)

نیکو و خوش ۳۸، خوش ۴۰، اندازه ۱۰۵

~: فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا (۱۵:۳۱)

نیکویی ۴۷، نیکویی کردن ۵۶، نیکی کردن ۵۸، نیکی ۶۷، پسندیده ۷۹، نیکوئی ۸۷

~: إِلَّا أَن تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُم مَّعْرُوفًا (۶:۳۳)

نیکوی ۶۱

~: وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۳۲:۳۳)

درست ۱۳۹

مَعْرُوفَةٌ: قُل لَّا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ (۵۳:۲۴)

نیکوا ۱، نیکوی ۲۴، شناخته ۲۹، نیکو ۴۳، نیکویی ۶۱، پسندیده ۶۴، دانسته ۷۲، نیکوئی ۸۷، شناخته شده ۱۰۲

اَلْمَعْزِ: مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ (۱۴۳:۶)

بزان ۱، بز ۳، بُزان ۱۰، بُز ۵۵، بُزینه ۶۲، بزینه ۷۹، بَرّه ۸۲، بزغاله ۱۳۴

مَعْزِلٍ: وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ (۴۲:۱۱)

کرانّه ۱، جای جدا ۲۷، دوری ۲۹، کرانه جدا رفته ۳۰، مای ۳۹، گوشه ۴۱، دور ۴۲، جایگاه دور ۵۳، کنارهٔ دور ۵۶، گوشهٔ ۶۴، کنار ۶۷، دُور ۷۶، کناره ۸۳، جای دور ۸۵، یکسو ۹۰، کرانه جدا رفته ۹۱، یکسر ۹۹، جای دَرْ ۱۰۴، کنار دریا ۱۲۲، جای هولناک ۱۲۶، کنارهٔ از دریا ۱۲۷، کرانه کشتی ۱۳۱

لَمَعْزُولُونَ: إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ (۲۱۲:۲۶)

ورتا کردگان[1] ۱، دورکردگان ۳، بیک سو کردگان ۲۰، بازداشته ۲۴، برگردِ گان ۵۳، یکسو کردگان ۶۴، دور کرد و بازداشته ۷۶، بازداشته گان ۹۵، دور کرده شدگان ۱۰۲، دورشدگان ۱۲۱، برگردانید گان ۱۲۴، درگذرنده گان ۱۲۹، دور ۱۳۲

۱. ورتا کردگان: دور کردگان؛ بازداشتگان.

مِعْشارَ: وَكَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا۟ مِعْشَارَ مَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ (۳۴: ۴۵)
ده یک ۱، دهیک ۳، نزدیک ۷، بده یَدان ۲۲، ده یَک ۵۳، ده یکی ۹۰، بد یک ۱۱۴

مَعْشَرَ: يَٰمَعْشَرَ ٱلْجِنِّ قَدِ ٱسْتَكْثَرْتُم مِّنَ ٱلْإِنسِ (۶: ۱۲۸)
گره ۱، گروه ۱۰، گروه گروه ۴۲، گُروه ۸۸

~: يَٰمَعْشَرَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ (۶: ۱۳۰)
گروهان ۴۴

~: يَٰمَعْشَرَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ إِنِ ٱسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا۟ (۵۵: ۳۳)
گروه ۲، گروهه ۱۱۳

اَلْمُعْصِراتِ: وَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلْمُعْصِرَٰتِ مَآءً ثَجَّاجًا (۷۸: ۱۴)
آبرهاء فِشارنده ۱، ابرها نزدیک بباریدن ۳، میغ ۲۴، ابرها ۲۹، میغها ۳۸، ابر فشارنده ۴۱، ابر ۶۱، ابرهای نزدیک بباریدن ۸۰، ابرها بارنده ۸۷، ابرهای فشارنده ۸۸، ابرهاء نزدیک باریدن ۹۴، میغهای بارنده ۱۰۲، ابرها فشارنده ۱۰۸، فشارنده ۱۱۱، ابرهای بارنده ۱۲۱، ابرها فشارنده ها ۱۳۰، ابرهای نزدیک رسنده بباریدن ۱۳۸

مَعْصِيَة: وَيَتَنَٰجَوْنَ بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَمَعْصِيَتِ ٱلرَّسُولِ (۵۸: ۸)
نافرمانی ۱، بی فرمانی ۲، بی فرمانی کردن ۳، نافرمان شدن ۳۸، نافرمان برداری کردن ۷۹، نافرمان برداری ۸۸، نافرمانی کردن ۹۹، بیفرمانی کردن ۱۱۴

~: فَلَا تَتَنَٰجَوْا۟ بِٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَمَعْصِيَتِ ٱلرَّسُولِ (۵۸: ۹)
نافرمانی کردَن ۴۲، بیفرمانی ۱۲۳

مُعَطَّلَة: فَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ (۲۲: ۴۵)
گذاشته ۲، بی کار کرده ۳، فروگذاشته ۲۹، بی کار مانده ۳۶، بیران کرده ۵۲، بیکار مانده ۵۸، ویران گشته ۶۵، سربسته ۹۶، بازداشته ۱۱۱، از کار افتاده ۱۱۶، بیکار کرده ۱۱۹، دست بازمانده ۱۲۰، بیکار ۱۲۱، ویران ۱۳۲

مُعَقِّبَ: وَٱللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِۦ (۱۳: ۴۱)
واز گردانستار ۱، سپس افکَننده ۲، بازدارنده ۳، پس آمد ۵، گردانَنده ۲۴، واپس دارنده ۲۹، بر گرداننده ۳۶، باز گرداننده ۴۱، پس افکنده ۴۲، گرذانیدَه باشد ۵۳، بازدارَنده ۵۵، نیست گرداننده ۵۶، باپس دارنده ۵۷، پس اندازنده ۶۱، بازدارندۀ ۷۶، سپس افکننده ۸۳، از پس فکنده ۹۴، گرد آننده ۱۰۰، باپس افکننده ۱۰۵، از پی درآینده ۱۰۹، بازپس دارنده ۱۱۶، بازپس افکننده ۱۲۵، از پس افکنده ۱۲۸، وادارنده ۱۳۶

★ لَامُعَقِّبَ: وَٱللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِۦ (۱۳: ۴۱)
سپس افکَنده نباشد ۲، باپس افکنده نباشد ۵۲

مُعَقِّبَاتٌ: لَهُۥ مُعَقِّبَٰتٌ مِّنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِۦ (۱۳: ۱۱)
نگه وانان ۱، بربی یکدیگران ۳، نگاه وانان ۵، نگاه بان ۲۴، نگه بانان ۲۹، نگاه بانان ۳۹، فریشتگان پیاپی آینده ۴۱، در پی یکدیگر ۴۳، نگاه بابان ۵۲، فریشتگان ۵۶، ازپس درآیند گان ۵۷، پس اندازند گان ۶۱، فریشتگان که از پی یک دیگراند ۶۲، نگهبانان ۶۳، نگاهبانان ۶۷، از پی یکدیگر درآیند گان ۷۹، فرشتگان که از پی یکدیگر آیند ۸۰، سپس یک دیگر آیند گان ۸۳، پس یکدیگر ۸۸، فرشتگان که از پس یکدیگر همی آیند ۹۳، فریشتگان در پی رونده ۹۵، سپس یکدگر آیند گان ۹۶، پس یکدیگر ایند گان ۹۸، فرشتگان ۹۹، سپس یکدیگر درآیند گان ۱۰۹، در پی آینده ۱۱۱، از پی آیند گان ۱۱۲، از پی یکدیگر درآینده گان ۱۱۳، پس آیند گان ۱۲۹، پی درپی ۱۳۰، از پی هم درآیندها ۱۳۵، نگاهبان ۱۳۶

مَعَكُمْ: وَإِذَا خَلَوْا۟ إِلَىٰ شَيَٰطِينِهِمْ قَالُوٓا۟ إِنَّا مَعَكُمْ (۲: ۱۴)

با شمایيم ۱۱۲

مَعْكُوفًا: وَصَدُّوكُمْ عَنِ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ وَٱلْهَدْىَ مَعْكُوفًا (۲۵:۴۸)
واز گرفته ۱، بازداشته یا استاده ۲، بازداشته ۳، واداشتن ٦، پذیرفتن ٤٧، بازداشته ۸۱، بازداشت ۹۱، بازداشته شده ۱۱۱، بازداشته بجایگاه ۱۳٤

كَٱلْمُعَلَّقَة: فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ ٱلْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَٱلْمُعَلَّقَةِ (۱۲۹:٤)
آویخته ۱، آویخته ۲، نه بشوی و نه بی شوی ۳، پای بَستی نه شُوی مندُونه بیوه ۱۰، آویخته ٤۲، نه با شُوی و نه بی شُوی ۵۵، نه با شوی و نه بی شوی ٦۳، نه با شوی و بی شوی ۹۱، ناباشوی و نه بی شوی ۹۸، پای بسته نه با شوی نه بی شوی ۱۰۲

مُعَلَّمٌ: ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ (۱٤:٤٤)
آموخته ۱، آموخته ۲، آموزانیده ۳، آموزنده ۳۰، آموخته گوی ٤۱، بیاموختهاند ۵٦، آموخته شده ٦۱، بیاموخته ٦۹، دانشمند ۹۰، درآموخته ۱۰۰، آموزگار ۱۰۵، درآموخته شده ۱۰۹

مَعْلومٌ: وَمَآ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ (٤:۱۵)
دانِسْته ۲، دانِسته ۵۵

~: وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ (۲۱:۱۵)
دانسته ۱، دانسْته ۲، پدیدْ کرْده ۵۳، دانش ٦۹

~: فَجُمِعَ ٱلسَّحَرَةُ لِمِيقَٰتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۳۸:۲٦)
دانسته ۲، پدید کرده ۹٦

~: لَّهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۱۵۵:۲٦)
پدید گردد ۵۲

~: إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ أُولَٰٓئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ (۳۷: ٤۱)
پدیدار کرده ۲٤، پدید ۳۳

~: وَمَا مِنَّآ إِلَّا لَهُۥ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ (۱٦٤:۳۷)
دانسته ۲، دانسته پیدا ۵۸، دانِسته ۸۱

~: قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلْمُنظَرِينَ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْوَقْتِ ٱلْمَعْلُومِ (۸۱:۳۸)
پیدا کرده ۲٤

~: وَٱلَّذِينَ فِىٓ أَمْوَٰلِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّآئِلِ وَ (۲٤:۷۰)
دانسته شده ۳، شناخته ۲۹

مَعْلُومَات: ٱلْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَٰتٌ (۱۹۷:۲)
دانِسْته ۲، دانسته ۳، پیدا کرده ۵٦، دآنِسْته ۹٤، دانسته شدگان ۱۰۹

~: وَيَذْكُرُوا ٱسْمَ ٱللَّهِ فِىٓ أَيَّامٍ مَّعْلُومَٰتٍ (۲۸:۲۲)
دانِسته ۵۱، شمرده ۱۰۵، دانسته شده ۱۱۱

مُعَمَّر: وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِۦٓ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ (۱۱:۳۵)
زندگانی داده ۱، زندگانی ٤۲، بسیار زندگانی کرده ٤٧، برزاد برآمده ۵۳، دراز زندگانی ۵٦، زادور کرده ۵۸، بسیار زندگانی کننده ۸۸، زندگانی کننده ۹٦

ٱلْمَعْمُور: وَٱلْبَيْتِ ٱلْمَعْمُورِ وَٱلسَّقْفِ ٱلْمَرْفُوعِ (٤:۵۲)
آبادانَ کرده ۲، آبادان ۲٤، آبادانْ ۵۳، آماده کرده ۸۰، آبدان ۹٦، آبادان کرده شده ۱۲۰

مَعَنَا: يَٰبُنَىَّ ٱرْكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ ٱلْكَٰفِرِينَ (٤۲:۱۱)
واما ۷ مکرّر

مَعَهُ: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُۥ مَتَىٰ نَصْرُ ٱللَّهِ (۲۱٤:۲)
وا ۱، وَاز ۱۰

~: لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُۥ مَعَهُۥ (۳٦:۵)
با آن بهم ۲۷

~: لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنزٌ أَوْ جَآءَ مَعَهُۥ مَلَكٌ (۱۲:۱۱)
بوی ۹۳

~: وَدَخَلَ مَعَهُ ٱلسِّجْنَ فَتَيَانِ (۱۲:۳٦)
بازو ۷ مکرّر

~: وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ (٤۸: ۲۹)
وازو ٦

مَعَهُمْ: وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَآءَهُۥ وَهُوَ ٱلْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ (۲:۹۱)
ایشان دارند ٤٠

~: وَلَمَّا جَآءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ (۲:۱۰۱)
بدیشان ۱۳۰

~: فَإِن شَهِدُوا۟ فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ (٦:۱۵۰)
بایشان ٦۳

ٱلْمُعَوِّقِينَ: قَدْ يَعْلَمُ ٱللَّهُ ٱلْمُعَوِّقِينَ مِنكُمْ وَٱلْقَآئِلِينَ لِإِخْوَٰنِهِمْ (۳۳:۱۸)
درسجاسک اوکنداران[1] ۱، بازدارندگان ۲، پیچانندگان ۳۹، گردن کشان ٤۳، بازدارندگان و گردانندگان ٥٦، گران کنندگان ٦۷، بازگردندگان ۹۰، بازدارندگان ۱۰۸، بازداشتگان ۱۳٤

مَعِيَ: هَٰذَا ذِكْرُ مَن مَّعِيَ وَذِكْرُ مَن قَبْلِي (۲۱:۲٤)
بر ۸۷

مَعِيشَةً: وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةً ضَنكًا (۲۰:۱۲٤)
زیست ۱، زندگانی ۲، زندگانی ۳، زیستن ۳۹، زنده گانی ۱۱۳، گذران ۱۳٦

مَعِيشَتَهَا: وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍۭ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا (۲۸:٥۸)
زیست ۱، زندگانی ۲، روزی ۲٤، زیستن ۳۸، زیش ٤۷

مَعِيشَتَهُمْ: نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (٤۳:۳۲)
زیست ۱، زیستن ۲، زندگانی کردن ۳، زیسَتِن ۲۲، روزیها ۲٤، روزی ۲۹، زندگانی ۳۹

مَعِينٍ: وَءَاوَيْنَٰهُمَآ إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ (۲۳: ٥٠)
آب روان ۱، چشمهٔ روان ۲، آب پاکیزه ٤۲، چشمه آب ٥۳، آب ٥٤، آب خوش و پاک ٥۸، چشم روان ٦۱، آب خوش و پاک ٥۸، چشم روان ٦۱، آبهاء روان ٦٤، اب روان ٦۹، آب دوان بر روی زمین ۷۲، آب پیدا و چشم نگرنده ۷٦، آب روان بر روی ۸٦، چشمه گاه ۸۸، چشمهٔ روشن ۸۹، چشمه ۱۰۰، چشمه روشن ۱۰٦، آب جاری ۱۲۰

~: يُطَافُ عَلَيْهِم بِكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ (۳۷:٤٥)
می ۱، چشمهٔ روان ۲، آب خوش ۲۲، چشمهٔ روان ۳۰، آب روشن ۳۳، چشمهٔ رویان روان ٤۱، آب پاک ٤۲، چشمهٔ خوش ٤۹، آب چشمه ٥۳، آب چشمه روان ٥٦، پاکیزه ٦٤، خمرروان ٦۹، شراب دیداری ۸۱، چشمه روان سپید ۱۰۸

~: بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ (٥٦:۱۸)
می بهشت ۲٤، آب چشمها ٥٦، می روان ٦۱، آب چشمه روان ۱۰۸

~: فَمَن يَأْتِيكُم بِمَآءٍ مَّعِينٍۭ (٦۷:۳٠)
خوش ۱۹، آشکارا ۲٤، روان ۲۹، چشمه روان ۳٠، خوش روان ٤۱، رُوشن ٤۲، خوش و روان ٤۹، شیرین ٥٠، روآن ۹٦، روشن ۱۰٤، جاری ۱۲٠، روان خوش گوار ۱۳٦، روان بروی زمین ۱۳۹

مَغَٰرَٰتٍ: لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَـًٔا أَوْ مَغَٰرَٰتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَّوَلَّوْا۟ إِلَيْهِ (۹:٥۷)

---

۱. در سجاسک اوکنداران (؟): به تأخیر افکنندگان.

سوراخ ها ۱، شکافها در کوه ۳، جایی که دروی فرود شوند ۲۷، جای فروشدن ۲۹، شکافها ۳۰، درشدن جاء در کوه ۳۹، نهان گاه ۴۲، سوراخها اندر کوه ۴۳، شکافها دَر کوه ۵۵، درشدن جای در کوه ۵۶، سوراخهای کوه ۵۸، سمجها ۶۹، شکافی در کوه ۹۱، نهان گاهها ۹۴، نهانگاه ۹۶، نهان کوها ۱۰۲، شکاف کوه ۱۰۷، نهان کده ها ـ شکافها ۱۰۹، سوراخها در کوه ۱۱۲، جایگاه ۱۲۴، مغان گاهها ۱۲۸، شکافی اندر کوه ۱۲۹، سورخها ۱۳۴، سوراخ و شکافگاه ۱۳۶

ٱلْمَغَارِبِ: فَلَآ أُقْسِمُ بِرَبِّ ٱلْمَشَٰرِقِ وَٱلْمَغَٰرِبِ (۷۰: ۴۰)
جایهاءِ فرورفتن آفتاب ۳، فرورفتن جای آفتاب ۴۱، جایهای فروشدن آفتاب ۷۹، جایهای فرورفتن آفتاب ۸۰، جایهاء فرورفتن آفتاب ۹۱، فرورفتن آفتاب ۹۴، جای فروشدن آفتاب ۱۱۳

مَغَارِبَهَا: ٱلَّذِينَ كَانُوا۟ يُسْتَضْعَفُونَ مَشَٰرِقَ ٱلْأَرْضِ وَمَغَٰرِبَهَا (۷: ۱۳۷)
جایها فرورفتن ۳، فروشدن گاههای آفتاب ۱۰، فروشدن جایهای آفتاب ۲۷، جای فروشدن ۲۹، جَایهای آفتاب فُرورَفتن ۵۵، جایهاَ فروشدن ۵۷، جای فرود آمدنها ۶۱، روزفروشدن ۷۴، جایها آفتاب فرورفتن ۸۰، فرورفتن ۹۴، جایگاههای فروشدن آفتاب ۱۰۲، باخترها ۱۰۹، جایهای فرورفتن آفتاب ۱۱۴، جای فرورفتن آفتاب ۱۱۹

مُغَاضِبًا: وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبًا (۲۱: ۸۷)
خشم شدار ۱، خشمناک ۳، خشم آلود ۲۴، خشم گرفته ۳۰، خشمگین ۳۶، با خشم ۳۹، در خشم ۴۳، خشم ۵۳، خشم گیرنده ۵۶، خشم گین ۶۹، خشم ناک ۷۶، بخشم ۸۷، خشم فروخورنده ۸۹، خشم فروخرنده ۱۳۸

مَغَانِمُ: فَعِندَ ٱللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ (۴: ۹۴)
کامها ۳۹

مُغْتَسَلٌ: ٱرْكُضْ بِرِجْلِكَ هَٰذَا مُغْتَسَلٌۢ بَارِدٌ وَشَرَابٌ (۳۸: ۴۲)
شستن جای ۱، جَاءَ سرشُستن ۲، جای سر و تن شستن ۳، جایگاه شِسْتن ۲۲، جای سر شستن ۳۰، جای تن شستن ۳۸، شستن گاه ۴۲، جایگاه بشستن ۴۹، جا شستن ۵۳، چشمهٔ تن شستن ۶۵، بشُستَه ۸۱، جایگاه شستن ۸۸، شستن ۹۰، جای چشمه آب ۱۰۲، شستنگاه ۱۰۹، جایگاه سر و تن شستن ۱۱۴، جای شستن تن ۱۲۲، آب سر شستنی ۱۲۴، جای شستن ۱۳۶، چشمه ۱۳۸

ٱلْمَغْرِبُ: وَلِلَّهِ ٱلْمَشْرِقُ وَٱلْمَغْرِبُ (۲: ۱۱۵)
جایِ فرورفتن ۳، جای فروشدن آفتاب ۳۸، آفتاب آنجا فروشود ۴۰، جَای فرُو شدَن ۵۵، فروشدن جای آفتاب ۵۹، آنجا که آفتاب فرو رود ۶۴، باختر ۱۰۹

~: قُل لِّلَّهِ ٱلْمَشْرِقُ وَٱلْمَغْرِبُ يَهْدِى مَن يَشَآءُ (۲: ۱۴۲)
جَاءَ آفتابْ فُروشدن ۲، جای فرورفتن آفتاب ۴۱، جَای فُرُو رفتَن آفتَاب ۵۵، آنجا که فرو رود آفتاب ۱۲۱، آنجا که [آفتاب] فرورود ۱۳۵

~: لَّيْسَ ٱلْبِرَّ أَن تُوَلُّوا۟ وُجُوهَكُمْ قِبَلَ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ (۲: ۱۷۷)
آفتاب فروشدن ۷۴، فرود آمدن ۹۹، آفتاب فرورفتن ۱۱۱

~: فَأْتِ بِهَا مِنَ ٱلْمَغْرِبِ (۲: ۲۵۸)
جای فرو شُدَن ۴۲، جای فُرُو رفتَن ۵۵، فروشدن گاه ۶۳

~: حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ ٱلشَّمْسِ (۱۸: ۸۶)
فرود شدن جای ۱، فُرو رفتن گاه ۲، آنجا که فرو شد ۲۴، جای فروشدن ۲۹، جای فرو شُدَن ۴۲، فروآمدن ۴۴، جای آفتاب فروشدن ۴۹، فرورفتن ۵۲، فروشدن ۵۳، جاء فروشدن ۶۵، جایی که فرو رود ۹۳، فرورفتن گاه ۹۴، فرو رفتگاه ۹۶، جای فروشدن خورشید ۱۰۶

~: قَالَ رَبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَآ (٢٦:٢٨)
فروشدن جای ٤٧، فروشدن آفتاب ٦١، فروشدن آفتاب گاه ٩٥، فروشدن گاه آفتاب ١٠٨

~: رَّبُّ ٱلْمَشْرِقِ وَٱلْمَغْرِبِ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ (٧٣:٩)
فرورفتن آفتاب ٣٠

ٱلْمَغْرِبَيْنِ: رَبُّ ٱلْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ ٱلْمَغْرِبَيْنِ (٥٥:١٧)
روز فرو شُد نیها ٢، دو جای فروشدن ٩٢، دو باختر ١٠٩، جای فروشدن آفتاب ١١٣

مُغْرَقُونَ: وَلَا تُخَٰطِبْنِى فِى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ (٢٣:٢٧)
بآب فروبرد گان ٣، به آب فروبرد گان ١٢٩

~: وَٱتْرُكِ ٱلْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ (٤٤:٢٤)
آب فروبرد گان ٣٢، بآب فرو برند گان ٩١

ٱلْمُغْرَقِينَ: وَحَالَ بَيْنَهُمَا ٱلْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ ٱلْمُغْرَقِينَ (١١:٤٣)
فرورفتگان بآب ٣، فُرو رَفته گان بآب ٥٥، فرورفتگان بآب ٩٤، فرو برده شد گان ١٠٩

مَغْرَمًا: وَمِنَ ٱلْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ مَغْرَمًا (٩:٩٨)
تاوان ١، تابان ٥٧، تاوآن ١٠٠، تاوان و زیان ١٠٤، تاوان زیان ١٠٩، زیان ١٣٠

مَغْرَم: أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ (٥٢:٤٠)
تاوان ١، وام ٢٤، تاوان وام ٣٥، زیان زدگی ٤٩، کاوان ٦٤، تاوان کرد گان ٨٨، زیان ٩١، تاوان دهنده گان ١٣٦

~: أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ (٦٨:٤٦)
تابان ١٩، تاوان زد گان ٨٨، تاوان دادن ٩٢، تاوان گران ٩٥، تاوان زدگی ١٠٣، تاوان ١١٣

لَمُغْرَمُونَ: إِنَّا لَمُغْرَمُونَ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (٥٦:٦٦)
تاوان زدگان ١، گران بار ٢٩، تاوان زده ٣٠، توان زدگان ٣٨، تاوان زدگان ٤٢، تاوان خواستندی ٤٩، زیان زدگان ٦٤، تاوان برامد گان ٦٩، تاوان برآمد گان ٨٧، تابان کرد گان ٩٢، تاوان داد گان ٩٤، تاوان زده گان ٩٥، تاوان دهند گان ١٢٠

ٱلْمَغْشِىِّ: يَنظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ ٱلْمَغْشِىِّ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْمَوْتِ (٤٧:٢٠)
وربوشیده ١، هوش رفته ٢، بیهوش شده ٣، بی هوش ٦، برپوشیده ٢٢، بی هوش رسیده ٢٩، پوشیده ٣٨، برپوشیده ٤٧، ازهوش برفته ٥٢، بیهوش ٦١، بی هوش شده ٦٥، بیهوش افتاده ٧٩، هُش رفته ٨١، ترسنده ٩٦، بیهوش کرده باشد ١٠٦، بیهوش و مدهوش ١١١، کسی که فرود آمده باشد برو بیهوشی ١١٦، فرود آمده بیهوش ١٢٣، بیهوش کرده ١٣٤، بی هوش کرده ١٣٨

ٱلْمَغْضُوبِ: صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ ٱلْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ (١:٧)
خشم گرفته ٤، خشم [گرفتی] ٢٤، خشم کرده شده ٢٩، خَشم گِرِفته ٥٥، ستم کرده شد ٩٩، خشم گرفته شده ١١١، خشم کرده ١٣٦، خشم گرفته شد ١٣٨

مَغْفِرَةٌ: أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشْتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلْهُدَىٰ وَٱلْعَذَابَ بِٱلْمَغْفِرَةِ (٢:١٧٥)
آمُرزش ٢، آمُرزش ٤٢

~: وَٱللَّهُ يَدْعُوٓاْ إِلَى ٱلْجَنَّةِ وَٱلْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِۦ (٢:٢٢١)
آمرزشت ١، آمرزش ١٠

~: قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَآ أَذًى (٢:٢٦٣)
آمرزشتی ١، اندر گذاشتن ١٠، درگذاشتن ٢٤، پوشیدن ٦٢، درگذرانیدن ٦٧، درگذاشت ٧٥، درگذشتن ١٠٢، گناه پوشیدن ١٠٧، بخشش کردن ١٢٣

~: وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا (٢:٢٦٨)
آمرزش ٢

~: وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمۡ (۳: ۱۳۳)
آمرزیده شدن ۳، آمرزیدن ۵۵

~: وَلَئِن قُتِلۡتُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَوۡ مُتُّمۡ لَمَغۡفِرَةٌ مِّنَ ٱللَّهِ (۳: ۱۵۷)
امرزش ۵۳

~: دَرَجَٰتٍ مِّنۡهُ وَمَغۡفِرَةً وَرَحۡمَةً (۴: ۹۶)
بخشآیش ۹۴

~: لَّهُمۡ دَرَجَٰتٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَمَغۡفِرَةٌ وَرِزۡقٌ كَرِيمٌ (۸: ۴)
آمُرزشی گناهان ۵۳، پوشیدن گناه ۵۸، بخشش ۱۱۵

~: وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغۡفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلۡمِهِمۡ (۱۳: ۶)
امُرزش ۵۳، آمُرزنده ۷۶

~: لَهُم مَّغۡفِرَةٌ وَرِزۡقٌ كَرِيمٌ (۲۴: ۲۶)
امُرزش ۵۳

~: سَابِقُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمۡ (۵۷: ۲۱)
آمرزش خواست ۶۱

~: هُوَ أَهۡلُ ٱلتَّقۡوَىٰ وَأَهۡلُ ٱلۡمَغۡفِرَةِ (۷۴: ۵۶)
آمرزیدن ۱

مَغْلوبٌ: فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَغۡلُوبٌ فَٱنتَصِرۡ (۵۴: ۱۰)
درمانده ۴۱، کرده ۸۱، چیر کرده شد ۹۱، دست یافته شده و درمانده ۱۰۹

مَغْلولَةٌ: وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ يَدُ ٱللَّهِ مَغۡلُولَةٌ (۵: ۶۴)
واز گرفته ۱، بربسته ۳، فروبسته ۳۰، بند برنهاده ۳۸، بند ۴۱، بَسْتَه ۵۵، باز گرفته و بسته شده ۵۸، با گردن بسته ۶۳، باز گرفته ۶۷، بنده نهاده ۷۶، اندر بند ۸۲، در بند کرده شده ۱۰۲، بند نهاده ۱۰۳، بربسته است با گردن ۱۱۴، دربسته شده بسینه ۱۱۹، دربند ۱۲۴

~: وَلَا تَجۡعَلۡ يَدَكَ مَغۡلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ (۱۷: ۲۹)
بَسْته ۲، بسته ۳، فرو گرفتن ۲۴، وابسته ۲۹، بند کرده ۴۱، بازبسته ۴۲، بَسْتَهْ ۵۳، بازداشته ۶۵، بند ۱۲۸

مُغْنُونَ: فَهَلۡ أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا مِنۡ عَذَابِ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٍ (۱۴: ۲۱)
واز کناران ۱، سود دارنده ۵، بازدارنده ۲۹، برهانیت و برداریت ۴۱، بازداشتن ۵۲، دُور کُنَند گان ۵۵، بی نیاز کنند گان ۵۶، بی نیاز کننده ۵۷، سود کنند گان ۵۸، بگردانند گان ۵۹، فریادرسان ۶۰، بی نیازان ۶۱، واتوانید داشتن ۷۶، بگزیرانند گان ۷۹، دور کننده گان ۸۰، بازراند گان ۹۰، بی نیازی کنند گان ۱۰۲، بی نیاز کنان ۱۱۲، بازدارنده گان ۱۱۳

~: إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ تَبَعٗا فَهَلۡ أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا (۴۰: ۴۷)
دور کننده گان ۲، بازدارنْد ۲۲، شما برخواهید شدن ۲۴، بازداریت ۳۰، بازدارند گان ۳۸، بردارند گان ۶۷، بگزیرانند ه ۱۰۰، بی نیاز کنند گان ـ دور کنند گان ۱۰۹

مُغَيِّرًا: ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ لَمۡ يَكُ مُغَيِّرٗا نِّعۡمَةً أَنۡعَمَهَا (۸: ۵۳)
گردانستار ۱، گرداننده ۳، بگرداننده ۲۹، گردانَنْده ۵۵، گرداننده ۶۱، گردانیده ۶۳

★ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا: ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ لَمۡ يَكُ مُغَيِّرٗا نِّعۡمَةً أَنۡعَمَهَا (۸: ۵۳)
هر گیزبَنه گردانیدست ۱۰، نگرداند ۵۸، نباشد که بگرداند ۶۲

فَالْمُغيرَاتِ: فَٱلۡمُورِيَٰتِ قَدۡحٗا فَٱلۡمُغِيرَٰتِ صُبۡحٗا (۱۰۰: ۳)
تاراج کنند گان ۱۰۹

مَفَاتِحُ: وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلۡغَيۡبِ لَا يَعۡلَمُهَآ إِلَّا هُوَ (۶: ۵۹)
گشایشهَا ۲، کلیدها ۳، گشادن ۹، گشایشها ۲۶، گشَایشها ۴۲، گشایش ۵۳، گشاد ۵۸، گشادنیها ۷۲

مَفَاتِحَهُ: أَوۡ بُيُوتِ خَٰلَٰتِكُمۡ أَوۡ مَا مَلَكۡتُم

مَفَاتِحَهُ أَوْصَدِيقِكُمْ (۲۴:۶۱)
کلیدها ۱، کلیدان ۴۸، کلیدْهَا ۵۱، گشادن ۵۳، کلید ۷۶، کلیدهاء ۹۰، کلَیدهاْ ۱۱۹

مَفازاً: إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازاً حَدَائِقَ وَأَعْنَاباً (۷۸:۳۱)
دست بردن ۱، رستگاری ۲، جای رستن ۳۴، رستن ۴۳، جای رستگاریْ ۶۱، رستن جای ۶۵، فیروزی یافتن ۱۰۴، رستگاری ـ جای رستن ۱۰۸، پیروزی یافتن ۱۱۳، فیروزی ۱۲۲

مَفازَةٍ: فَلَا تَحْسَبَنَّهُم بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ (۳:۱۸۸)
برستنی ۱، رَشْتگاری ۲، رستگاری ۳، رَسته ۱۰، رستَه ۲۳، جایگاهی که رستگاری باشد ۲۹، رستن ۳۹، رِشْتَهْ ۴۰، رسته‌اند ۵۳، رستگاران ۵۶، رستن جای ۶۳، رهایش ۶۴، فیروزی ۹۶، جای رَستن ۱۰۴، جای رستن ۱۰۹، رهائی یابندگان ۱۱۵، برستن جای ۱۳۴

مَفازَتِهِمْ: وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ (۳۹:۶۱)
دست بردن ۱، رستگاری ۱۵، رستن ۴۳، رستن جای ۴۸، رستگاریها ۵۶، فیروزیها ۱۰۹، راست کاریها ۱۱۱، برستن جای ۱۳۴

مُفَتَّحَةً: جَنَّاتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَابُ (۳۸:۵۰)
گشاده ۱، گشاده کرده ۲، گشوده ۲۹، گشوده شود ۸۱، گشاده کرده شده ۹۹، بازگشاده ۱۰۲، گشاده شده ۱۰۳، برگشوده ۱۰۶، گشاده گردانیده ۱۱۱، گشوده شده ۱۱۶، گشاده باشد ۱۲۰

مُفْتَرٍ: قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۶:۱۰۱)
دروغ درحیندار[1] ۱، تو از خُود می بافی ۲، بربافندهٔ ۳، دروغ گوینده ۲۹، بربافته ۳۰، دروغ زن ۳۹، دروغ بربافنده ۴۱، دروغ فرابافنده ۴۲، دروغ گوی ۴۳، سخن باف ۵۲، بربَافَنْدَه ۵۵، دروغ سازنده ۵۶، دروغ گو ۵۸، فرابافنده ۵۹، فَراساز ۶۲، دروغ بر ۷۲، فراساز ۷۶، از خویشتن برسازنده ۷۹، بربافنده ۸۰، از خویشتن همی سازد ۸۳، دروغ نهنده ۸۸، دروغ بافنده ۹۰، همی فراسازی ۹۳، از خویشتن سازنده ۹۴، از خود پدید آورنده ۱۰۴، تو از خویشتن همی بافی ۱۰۵، سازنده و فرابافنده ۱۰۹، از خویشتن بسازنده ۱۱۳، بربافنده سخنان ۱۲۲، بافنده دروغ ۱۲۹

مُفْتَرُونَ: مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ (۱۱:۵۰)
دروغ درحینداران ۱، دروغ بربافندگان ۳، دروغ زنان ۲۴، دروغ گویان ۲۹، دروغ گویندگان ۳۶، دروغ بربافان ۴۱، بَربَافَندگان ۵۵، سازندگان بدروغ ۵۷، دروغ بران ۵۸، دروغ فرابافان ۵۹، دروغ بربافتگان ۶۱، دُروغ زنَان ۶۲، بربافندگان ۶۳، دروغ سازندگان ۶۵، بافندگان ۹۰، بربافتگان ۹۱، دروغ بافتگان ۹۲، دروغ فرابافندگان ۹۵، دروغ برمی بافید ۱۰۰، دروغ بافندگان ۱۰۲، سازندگان دروغ ۱۰۹، بافندگان دروغ ۱۱۲، دروغگویان ۱۱۵

مُفْتَرًى: قَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى (۲۸:۳۶)
دروغ درحینده ۱، از خویشتن ساخته ۲، فراساخته ۳۴، فراهم نهاده ۳۸، بدروغ ساخته ۳۹، دروغ بافته ۵۸، دروغ بافته شده ۶۱، دروغ ساخته ۷۲، از خویشتن برساخته ۷۹، دروغ بربافته ۹۸، فرابافته شده ۱۰۲، بدروغ کرده ۱۳۹

~: وَقَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرًى (۳۴:۴۳)
بَافته و ساخته ۲، بربافته ۳، فرابافته ۷، بافته ۲۴، ساخته ۳۹، فروگرفته ۵۳، بربافته شده ۶۱، ساخته

[1] ۱. دروغ درحیندار: دروغ بافنده.

شده ۹۹، بافته و ساخته ۱۰۸، بافته شده ۱۳٦

مُفْتَرَيَاتٍ: قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ (۱۳:۱۱)

دروغ درحیندہ ۱، از خویشتن ساخته ۲، بربافتها ۳، بافته ۲٤، فرابافته ۲۹، برساخته ۳٦، بدروغ بافندگان ۳۹، بَربَافْتها ۵۵، بافته از خویش ۵٦، بدروغ ها ساخته ۵۷، دروغ گفتها ۵۸، دروغ سَاخته ٦۱، فراساخته ٦۲، بربافته ٦۳، دروغ گفته ۷٤، درهم بافته ۷۵، از خویشتن برساخته ۷۹، بدروغ ساخته ۸۳، از خود بافته ۹۰، دروغ بربافته ۹۲، بدروغ از خویشتن بافته ۹٤، دروغ فرابافته ۱۰۳، از خود گفته شده ۱۰٤، بربافته شده ۱۱۱، دروغ ۱۲۱، بدروغ از خویشتن ۱۲۸، بدروغ بستها ۱۳۵، فرابافته شده ۱۳٦

مُفْتَرِينَ: وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ (۷:۱۵۲)

دروغ درحیداران ۱، دروغ سازندگان ۲، بربافندگان دروغ ۳، دَروغزنان بر خدای ۱۰، دروغ زنان ۲۹، بدروغ سازندگان ۳۵، دروغ گویندگان ۳٦، دروغ بربافندگان ٤۱، بَربَافَندگان دُروغ ۵۵، دروغ گویان ۵۷، بربافندگان ٦۳، دروغ برندگان ۷۲، از خویشتن برسازندگان ۷۹، فراسازند از خدای دروغ ۹۳، فرابافندگان دروغ ۹۵، دروغ پدید کنندگان ۱۰٤، دروغ سازان ۱۰۹، دروغ بافان ۱۱۲، دروغ بافندگان ۱۱٤، دروغگویان ۱۲۱، بافندگان دروغ ۱۲۹، دروغ سَازَان ۱٤۰

الْمَفْتُونُ: فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ (٦۸:٦)

دیوانه ۱، آزموده کرده - دیوانه ۳، دیوانگی ۱۹، دیوَانگی ٤۲، شوریدگی ۸۸، شوریده و دیوانه ۱۰۲، دیوانگی و شوریدگی ۱۰۹، آزموده شده است ۱۱٤

الْمَفَرُّ: يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ (۷۵:۱۰)

گریختن جای ۱، جا گریختن ۲، گریز - گریختن - جای گریز ۳، گریختن گاه ۱۹، گریختن ۲٤، جای گریختن ۳۰، جای گریز ۳٦، گریختن جاء ۳۹، گریز گاه ٤۱، گریزگاه ٤۲، گریز ٤۳، گریز جای ٦۷، جاء گریز ۹۰

مُفْرَطُونَ: لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ (۱٦:٦۲)

شتاوانیدگان ۱، بگذاشته ۲٤، بشتابانیده ۲۹، ماندگان ۳۰، فراموش کردگان ٤۹، فراموشان ۵۲، ماندگان بُوند دَر آتش ۵۵، فروگذاشتگان ۵٦، هرزه گذاشتگان ۵۷، گذاشته شدگان ٦۱، گذاشتگان ۷۲، فرامشتان انگارند ۷۸، مانندگان ۸۰، درگذشتگان ۹۰، فراموش کرده شدگان ۹۲، فراموشان انگارند ۱۰۵، شتابانیدهگان ۱۰۹، فروگذاشتهگان ۱۱۳، پیش داشته شوند ۱۱٦، پیش رانده شدگان ۱۲۰، پیش فرستاده شدگان ۱۲۲، فراموش کرده شوند ۱۲٦، پش شدگان ۱۳۰، گذاشته شده ۱۳۳، شکافتهگان ۱۳٤، پیش فرستادگان ۱۳۵

مَفْرُوضًا: مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا (٤:۷)

پدید کرده ۲، پدید کرده ۲۳، پدید کرده دانسته ۳۹، پدید گردَه ٤۲، بازبریده ٤۹، پدید گَردَه ۵۳، پَیدَا گُرده ۵۵، پدید کرده و دانسته ۵۸، بریده کرده شده ٦۱، بازبرید ۱۱۲، اندازه کرده شده ۱۳۵

~: وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا (٤:۱۱۸)

پیدا کرده ۳، دانسته ۲۷، بریده ٤۳، بازبُریدَهٔ ۵۳، پَیدَا گردَه ۵۵، بریده کرده ۵٦، باندازه کرده ۵۷، پیدا ۵۸، انداخته ۷٦، جدا کرده ۱۰۲، برنده ۱۰۷

---

۱. دروغ درحیداران: دروغ بافندگان.

اَلْمُفْسِدَ: وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ (٢: ٢٢٠)
توه كار ١، تباه كار ٣، تباه كننده ١٠، بد كار ٢٧، كسى كه تباه كند ٢٩، تباه كاران ٣٦، تباه كار ٤٢، تباهكاران ٥٣، تباه گار ٥٥، بد كاران ٥٦، تباهى كننده بى داد ٦٣، تباهكار ٩٠

اَلْمُفْسِدُونَ: أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَا يَشْعُرُونَ (٢: ١٢)
تباه كار آن ٩٤، زيان كاران ٩٦، سياهى كنند گان ١٠٦

~: إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ (١٨: ٩٤)
توهى كناران ١، تباه كاران ٢، تباهى كنند گان ٣٠، تباه كنند گان ٥٣، تَباهى كُنَنْد گان ٥٥، تباهكاران ٧٤، تباهى كردند ٧٦، تباهى كنند ١١٤، تباهى ميكنند ١٢٨، تباه كننده گان ١٣٦

مُفْسِدِينَ: وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (٢: ٦٠)
گناه كاران ٣، تباه كاران ٤٢، تباه گاران ٥٥، سخت تباه كاران ١٠٥

~: فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ (٣: ٦٣)
بد كرداران ٢٧، گنه كاران ١٠٦

~: وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (٥: ٦٤)
توهى كناران ١، بى سامانان ٢٧، تباهْ كاران ٥٣، تبه كارى ١١١

~: فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (٧: ٧٤)
تباه كار آن ٩٤، زيان كنند گان ٩٦، تباهى كنند گآن ١٠٠، تباهى كننده گان ١١٣، تباه كننده گان ١٣٦، تبه كاران ١٤٠

~: وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (٧: ٨٦)
گنه كاران و بى سامان كاران ١٠

~: فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (٧: ١٠٣)
تباهى كنند گان ٢٩

~: اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (٧: ١٤٢)
بى سامان كاران ١٠، تبا كاران ١٠٢

~: آلْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (١٠: ٩١)
بد كاران ٢٧، تَباهْ كارانْ ٥٣، گمراهان ١٢٣، گمراه كنند گان ١٣٠

~: وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (١١: ٨٥)
تَبه گاران ٥٥، تباهكاران ٩٠، تباهى كننده گان ١١٨

~: وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (٢٦: ١٨٣)
تباه كار ٧٦

~: فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (٢٧: ١٤)
تباه كاران ٢، تبآهى كنند گان ١٠٠

~: إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (٢٨: ٤)
تباه كنند گان ٢٤، تبه كاران ٦٤، تباه كرد گان ١٣٠

~: قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ (٢٩: ٣٠)
نابكاران تباه كار ٥٨

~: وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (٢٩: ٣٦)
نابكاران ٦٤، تبا كارى ٧٦، بلايه كاران ٩١

~: أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ (٣٨: ٢٨)
تَباه گارانْ ٥٣، بيراهان ١٢١

مُفَصَّلًا: وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا (٦: ١١٤)
ديدور كرده ١، پديد كرد ٢، پيدا كرده ٣، پديد كرده ١٠ مكرّر، پديد كردَه ٤٢، جدا كننده ٤٤، پديد گردَهْ ٥٣، پيدا گردَه ٥٧، جدا كرده شده ٦١، هويدا كرده ٦٣، جدا كرده ٧٦، جدا

واکردنده ۹۵، جدا واکرده ۱۰۹، روشن کرده شده ۱۲۰

مُفَصَّلاتٍ: وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ ءَايَٰتٍ مُّفَصَّلَٰتٍ (۷:۱۳۳)
دیدور کرده ۱، پیدا کرده ۳، جدا زیک دیگر ۲۴، پدید کردَه ۲۷، جدا بکرده ۲۹، پیدا ۳۵، جدا کرده ۴۳، پَیَدا گردَه ۵۵، پَیدا ۶۲، هویدا کرده ۶۳، از یکدیگر جدا کرده ۷۲، پیدا کرده جدا ۹۰، یکی از پس دیگری ۹۶، جدا گرد آنیده ۱۰۰، جدا گردانید از یکدیگر ۱۰۴، جدا کردگان پیدا و هویدا ۱۰۹، از هم جدا کرده ۱۱۳، جدا و کرده‌ها ۱۱٤، جدا کرده شده ۱۱٦، جدا شده ۱۲۳، پیدا شده ۱۲۹، پدید کرده ۱۳٦

مَفْعُولاً: وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولاً (٤:٤٧)
کرده ۱، کِردَنی او بودنی ۱۰، بودنی ۲٤، کرده و بجای آورده و باشنده ۲۷، بوده ۳۸، کردَه و بُودَه ٤۲، گردَه شُدَه ۵۵، بوده و کرده ۹۲، گذارده شده ۱۰۰، بودن ۱۰۷، کرده شدنی ۱۰۹، گزارده شده ۱۱۱

~: وَلَٰكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولاً (۸:٤۲)
گرْدَه ۵۵، گذارده شد ۱۰۰، بوده ۱۰۵

~: وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولاً (۸:٤٤)
بُودَنی و ساخته و از کابَیاوُرده ۱۰، بودنی و کردنی ۲۷، رانده ۹۰

~: فَجَاسُوا خِلَٰلَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولاً (۱۷:۵)
گرْدَهْ ۵۳، گرده شده ٦۱، برانده ۹۳

~: سُبْحَٰنَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولاً (۱۷:۱۰۸)
کرده و بوده ۲، کرده شده ۳۰

~: وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولاً (۳۳:۳۷)
کرده شده ۳، کرده و گزارده ۷، بجاء آورده ۳۹، بوده و کرده ٤۱، گزارده ٤۷، گرْدَنی ۵۳، کرده بوده ۹٤، گردَه ۱۱۹، کرده خدا شده ۱۲٦، کرده و گذارده ۱۳۹

~: السَّمَاءُ مُنفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولاً (۷۳:۱۸)
کرده و بُوده ۲، کردنی ٦، آینده ٤۲، کردنی و بودنی ۵٦، کرده فرمود و باشنده ۱۳۹

اَلْمُفْلِحُونَ: أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲:۵)
رَستگاران ۲، رَستگارانْ ۵۵، راست گویان ۸٤

~: وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۳:۱۰٤)
نیک بخت شداران ۱، رستگاران ۲، رَستگاران ۱۰، رست گاران ۳۹، رستگاران و نیکبختان ۵۸، نیکبختان ٦۵، نیکوبختان ۷۲، راه یافتگان ۷۵، رستگار آن ۹٤، فیروزی یافتگان ۹٦، پیروزی یافته گان ۱۰۹، رست کاران ۱۳۸

~: فَمَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۷:۸)
رستگاران ۵۳، رستگارشد گان ٦۱، راست کاران ٦۹، فیروزی یابند گان ۱۰۲، رَستگارَان ۱٤۰

~: وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۷:۱۵۷)
رستگار ۲۹، نیک بختان ۳۱، رسته گاران ۳۵، رستگاران ـ فیروزی یافته گان ۱۰۹

~: فَمَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲۳:۱۰۲)
پای دار ۲، رستگار باشند ٤۸، پیروزی یافتگان ۹٦

~: ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۳۰:۳۸)
رستگان ـ پیروزی یافتگان ۱۰۹

~: أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵۸:۲۲)
رهایش یافته گان ۳۰، رستگاران ـ پیروزی

یابندگان ۱۰۹

ٱلْمُفْلِحِینَ: فَعَسَىٰٓ أَن يَكُونَ مِنَ ٱلْمُفْلِحِينَ (۲۸: ۶۷)
نیک بخت شداران ۱، رستگاران ۲۱، رستگان ۴۶، رستگاران ۵۳، رستگان نیکبختان ۵۸، پای داران و رستگاران ۹۴، پایداران ۱۲۸، رسته گاران ۱۲۹

ٱلْمَقَابِرَ: حَتَّىٰ زُرْتُمُ ٱلْمَقَابِرَ (۲: ۱۰۲)
گورستانها ۲۴، گورستان ۳۶، گورها ۴۱

مَقَاعِدَ: وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ ٱلْمُؤْمِنِينَ مَقَٰعِدَ لِلْقِتَالِ (۱۲۱:۳)
جایها ۱، نشست گاهها ۲، جایها ایستادن ۳، کارزارگاها ۱۰، نشست جایها ۲۳، جایگاه ۲۴، جایگاهها ۳۸، لشگرگاه ۴۰، نشست گاه ۴۱، نشستگاهها ۴۲، نشستن ۴۳، جای نشست ۴۸، جایهای ایستادن ۵۵، نشست گاهها ۵۷، جای ۶۰، نشست گاهها ۶۱، نشستگاه ۶۷، چیزها ۷۵، جایهای نشست ۷۶، جایهای ایستادن ۸۰، جای نشستن ۸۲، بنشسته ۸۸، نشستن جای ۸۹، جایها ۱۰۱، جایگاه نشستن ۱۰۲، جایهای نشین ۱۱۱، نشستنگاها ۱۲۱، جاهای ایستادن ۱۲۲، نشیمنها ۱۳۵

~: وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَٰعِدَ لِلسَّمْعِ (۹:۷۲)
نشستگاهها ۲، جایها نشستن ۳، نشستنگاهها ۶، نشستن گاهها ۱۹، راهها ۴۲، جایگاههاء نشستن ۷۲، جایهاء نشست ۸۰، نشین جای ۹۱، نشستگاهها ۹۴، جایگاههای نشستن ۱۰۲، نشسته گاهها ۱۰۹، جایهای نشستن ۱۱۳، نشستگاه ها ۱۳۲، جایگاهان نشستن ۱۳۹

مَقَالِيدُ: لَّهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۳۹: ۶۳)
کلیدها ۲، کُلیدها ۵۳، کلیدهاء ۹۰، کلیدها ـ بندگشایها ۱۰۹، جلیدها ۱۱۰

~: لَهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۱۲:۴۲)
کلید ۲۴، کلیدهاء ۳۲

مُقَامَ: يَٰٓأَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَٱرْجِعُوا۟ (۳۳: ۱۳)
استاد ۱، جای ایستادن ۳، درنگ ۳۰، جایگاه بودن ۳۴، ایستادن جاء ۳۹، جا ۴۷، جای درنگ ۴۹، جایگاه ۵۲، اِستادن ۵۳، جای ۶۱، جای بودن ۹۲، جای استادن ۱۰۹، ایستادن ۱۲۴

مَقَامًا: عَسَىٰٓ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (۱۷: ۷۹)
جایگاه ۲، جای ۳، جای ۵۵، جای ایستادن ۵۸، جایگاه ۱۰۰

~: أَىُّ ٱلْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا (۱۹: ۷۳)
باستاد ۱، پایگاه ۲، جای ایستادن ۳، پایگه ۳۰، جاء ۳۹، استادن ۴۳، جایگاه ایستادن ۵۶، خانه و جای ۶۴، جایگاه استادگی ۹۹

مَقَامِ: وَٱتَّخِذُوا۟ مِن مَّقَامِ إِبْرَٰهِـۧمَ مُصَلًّى (۲: ۱۲۵)
جایگاه اِستادن ۲، اُیستادن گاه ۱۰، جایگاه اِستادن ۴۲، ایستادن جای ۴۳، جایگاه استادن ۵۲، جای ایستادن ۵۵، استادن گاه ۵۷، جاء استادن ۹۶

~: فِيهِ ءَايَٰتٌۢ بَيِّنَٰتٌ مَّقَامُ إِبْرَٰهِيمَ (۹۷:۳)
استادن جای ۱، پایگاه ۲، جایگاه ۲۳، ایستادن جا ۳۶، ایستادن گاه ۴۰، جایگاه ایستادن ۴۹، پایه گاه ۷۲، نشان پای ۱۰۴، جای استادن ۱۰۹

~: فَأَخْرَجْنَٰهُم مِّن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (۵۸:۲۶)
جایگهی ۱، جایگاهها ۲، آرامش جای ۲۰، نشستگاهها ۷۶، جایها ۱۰۶، جایگاه ۱۲۵

~: وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (۲۶:۴۴)
جای ایستادن ۳، جای بودن ۱۶، جای ایستادن ۳۲، نشستگاهها ۳۴، آرامگاهها ۴۱

~: إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى مَقَامٍ أَمِينٍ (۵۱:۴۴)
جای ۳، جایگاهها ۲۲، نشستنگاه ۴۴، جای گاه ۱۳۰

~: وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ جَنَّتَانِ (۴۶:۵۵)

استادن ۱، ایستادن ۲۴، جای واداشتن ۲۹، استادَن ۴۲، پیش ۶۱

~: وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى ٱلنَّفْسَ (۷۹: ۴۰)
استادن پیش ۱، بایستادن ۲۴، ایستادن ۶۱، ایستآدن ۱۰۰

★ مَقامُ إبْراهیم: فِيهِ ءَايَـٰتٌۢ بَيِّنَـٰتٌ مَّقَامُ إِبْرَٰهِيمَ (۳: ۹۷)
آن سنگ که نشان پای ابراهیم آنجاست ۳

مُقامًا: إِنَّهَا سَآءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (۲۵: ۶۶)
جایگه ۱، جای باش ۳، جایگاه ۲۴، جای بودن ۳۰، آرام گاه ۴۲، استادن جای ۴۷، جای بُودَنْ ۵۳، جایگاه ایستادن ۱۰۹، برایستادن جایگاه ۱۱۳، جای ۱۲۸

~: خَـٰلِدِينَ فِيهَا ۚ حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (۲۵: ۷۶)
جای بودن ۲۰، جای ۲۹، بودن ۴۲، ایستادن جا ۶۲، آرامگاه ۷۶، ایستیدنا ۸۸، بودن گاه ۱۰۷، جایگاه استادن ۱۰۹

ٱلْمُقامَة: ٱلَّذِىٓ أَحَلَّنَا دَارَ ٱلْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِۦ (۳۵: ۳۵)
استاد ۱، باشیدن ۲، جآی بودن ۲۲، ایستادن ۲۹، جای بودن ۳۸، بودن ۳۹، بُودَنْ ۵۳، درنگ کردن ۵۶، درنگ ۷۲، جای کردن ۸۸، درنگین ۹۰، جاودانه ۹۲، پایستگی ۱۰۲، همیشگی ۱۲۶، پاینده ۱۳۳

مَقامِعُ: وَلَهُم مَّقَـٰمِعُ مِنْ حَدِيدٍ (۲۲: ۲۱)
دبوستها ۱، کوبها ۲، گرزها ۳، گرزنها ۲۴، بادبانها ۳۴، تبرها ۳۶، تبرزین ۴۱، دبوسها ۴۲، سر کوبها ۴۳، دَبوسَها ۵۱، دَبوسَها ۵۳، تازیانها ۵۴، بلک تکتها ۶۷، میخ کوبها ۹۴، تبرزینها ۱۰۲، کوزها ۱۱۳، گرزهای آتشین ۱۲۲، دیربتها ۱۳۹

مَقامُكَ: أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبْلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ (۲۷: ۳۹)
جایگه ۱، جایگاه ۲، جای ۵۶، جای برخاستن ۱۱۶

مَقامَهُما: فَـَٔاخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا (۵: ۱۰۷)
به جای ۱، جا ۲، جایگاه ۹، جای ۱۰ مکرّر، بجای ۲۹، جایگاه ۴۵

مَقامی: إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُم مَّقَامِى وَتَذْكِيرِى بِـَٔايَـٰتِ ٱللَّهِ (۱۰: ۷۱)
استادن ۱، ایستادن ۳، بودن ۱۳، جای ۲۹، بُودَنْ ۵۳، اِیْستادَن ۵۵، ایستادن و نشستن ۵۸، بودن و درنگ کردن ۶۷، جایگاه ۷۵

~: ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِى وَخَافَ وَعِيدِ (۱۴: ۱۴)
ایسْتادن ۲، اِیستادَن ۵۵، درگاه ۶۳، جایِ استادن ۹۹، پیش ایستادن ۱۱۵

ٱلْمَقْبُوحین: وَيَوْمَ ٱلْقِيَـٰمَةِ هُم مِّنَ ٱلْمَقْبُوحِينَ (۲۸: ۴۲)
گست رویان ۱، دورکردگان ۳، زشت کردگان ۲۱، سیاه رویان ۲۴، راندگان ۲۹، زشت رویان ۳۹، خشم گرفتگان ۴۷، زشتان ۵۸، سبز چشمان و زشت رویان ۶۴، سیاه رویان باشند ۷۸، دشمن داشتگان ۷۹، از خشم گرفتگان ۱۰۲، زشت رویان و راندگان ۱۰۳، خشم گرفته شدگان ۱۰۹، زشت رویان و یاراند گان ۱۱۱، رانده شدگان ۱۲۲، زشت کاران ۱۲۴، باز زدگان ۱۳۹

مَقْبُوضَةٌ: وَلَمْ تَجِدُوا۟ كَاتِبًا فَرِهَـٰنٌ مَّقْبُوضَةٌ (۲: ۲۸۳)
ستده ۱، گرفته ۳، فاستدَه ۱۰، ستده بآرز ۲۷، گرفته وَ سپرده ۴۱، سِتَاندَه ۴۲، باید ستدن ۴۳، فراستده ۴۸، فرااستده ۴۹، ستانده ۵۲، گِرفته ۵۵، بدست خویش گرد کرده ۵۶، گرفته شده ۶۱، ایستیده ۸۲، ستده شده ۹۹، فراگرفته شده ۱۱۱، گرفته ـ گرو ۱۱۴، ستودن[1] ۱۲۸

---

۱. ستودن / ستدن.

مَقْتُ: يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِن مَّقْتِكُمْ (۴۰: ۱۰)
خشم ۱، دشمنی ۲، دشمن داشتن ۳، دُشْمَنی ۵۳، دشمن داشت ۶۱، دشمنایگی ۶۴، خشم داشتن ۹۲، سرزنش ۱۰۶، دشمن ۱۳۶

مَقْتًا: إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا (۴: ۲۲)
خشم ۱، دُشمناذ گی ۲، دشمن داشته و بد ۳، کین ۲۳، دشمنایگی ۲۷، نکوهش ۲۹، دشمن داشته ۳۰، گناه ۳۹، بدراهی ۴۸، دشمناد گی ۵۲، دشمنانی ۵۳، دُشمنی ۵۵، دشمنایگی ۶۱، بزه ۶۵، کینه و دشمنی ۶۷، دشمنانگی ۷۴، بینش ۸۵، دشمن روبی ۹۰، ستم ۱۱۰، دشمناگی ۱۲۸، دشمن داشته شده ۱۳۰، دروغ ۱۳۶، پولتی[۱] ۱۳۸

~: وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا (۳۵: ۳۹)
دشمنادگی ۲، دشمنادگی ۳۰، زستن ۴۲، دشمنانگی ۴۳، دشمن داشتن ۵۶، دسمنانگی ۷۴، بزستن ۹۶، دشمن سخت ۱۰۳، درنگی ۱۳۹

~: كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ وَعِندَ الَّذِينَ آمَنُوا (۴۰: ۳۵)
دشمن داشت ۶۱، سرزنش ۱۰۶، خشم و دشمنی ۱۰۹، بی نشست ۱۱۷

~: كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (۶۱: ۳)
دشمنی ۲، دُشمن داشت ۴۲، بزرگ دشمنایکی ۶۱، بینش ۸۹، بی نشی ۱۱۷، دشمن ۱۲۶، دشمن بودن ۱۳۶

مُقْتَحِمٌ: هَٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ (۳۸: ۵۹)
درشدار ۱، اَندر افتاده ۲، خویشتن درافکننده ۳، اندر آمدنْد ۲۲، در دوزخ شند ۲۴، درشونده ۲۹، اندر افتاده ۳۰، درهم رفته ۴۱، هَمِي اندَرْ آيَنْد ۵۳، درآیند ۵۶، اندر ایند ۶۹، درافتاده ۷۴، اندر افتنده ۷۸، دوزخ افتاده ۹۰، فرود درآیند ۱۰۰، افتاده ۱۰۲، درآمدگان ۱۱۱، درآیندن ۱۱۳، خویشتن افکند ۱۱۴، درآیندگان ۱۲۰، افکننده ۱۲۱، درآمده ۱۳۶

مُقْتَدِرًا: وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا (۱۸: ۴۵)
توانا ۱، تُوانا ۲، تُوانا بهمه رُویَها ۵۵

مُقْتَدِرٍ: أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ (۵۴: ۴۲)
توانا ۱، سخت گیر توانا ۸۸

~: فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (۵۴: ۵۵)
نیک توانا ۳، توانکردار ۹۶، کامکار ۱۰۲

مُقْتَدِرُونَ: أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ (۴۳: ۴۲)
توانا آن ۱، توانایان ۳، توانا ۱۶، پادشا ۵۳، تواناان ۹۸، کامرانان ۱۰۲، نیک توانا ۱۰۸

مُقْتَدُونَ: وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ (۴۳: ۲۳)
پی برداران ۱، راه گرفته ۱۶، راه گرفته ۲۲، روندگان ۳۰، رونده ۳۲، پس روان ۳۹، پیْ می بریم ۵۶، پی برندگان ۶۱، پس روندگان ۶۷، پی می بریم ۶۹، توانا آن ۸۱، راه یافتگان ۹۴، پی گیری کنیم ۱۰۵، رونده ۱۲۱، پیروی کنندگان ۱۲۲، پیروان ۱۳۰

الْمُقْتِرِ: وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ (۲: ۲۳۶)
درویش ۲، درَویش ۱۰، دَرْویش ۳۵، دَرِوش ۴۲، دست تنگ ۸۸، تُنگ دست ۱۰۹، مرد درویش ۱۱۱، تنگدست درویش ۱۱۶، تنگدست ۱۲۲

مُقْتَرِفُونَ: وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُم مُّقْتَرِفُونَ (۶: ۱۱۳)
ورزندگان ۳، می کُنند اُو مَی سازند ۱۰، کنند ۱۰ مکرّر، کنندگان ۳۶، سازندگار ۵۳، وَرزَدگان ۵۵، اندوزگان ۵۷، کنندگان گناه ۵۸، کارکنندگان ۶۹، خواهند کردن ۷۶، کننده ۸۲، بربافندگان ۸۵، کسب کننده آن ۱۲۳

مُقْتَرِنِينَ: أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (۴۳: ۵۳)
هم بَند کردگان ۱، بهم روندگان ۲، بهم آمدگان

---

۱. قریب به این ضبط «بینشی و پینشی» است که در قرآنهای دیگر ذیل همین کلمه آمده است (؟)

۳، بهمْ رَونْد نان ۲۲، یاری کنان ۲٤، پیوسته ۲۹، هم برابر و دمادم یکدیگر ۳۰، بهم آمد گان با یکدیگر ۳۲، پیوسته بیاری دادن ٤۱، مانند یکدیگر ٤۲، هم کرد گان ٤۳، با یک دیگر نزدیکان ٤۹، با اُو بهَمْ ۵۳، بهم پیوستگان ۵٦، پیوسته یگان و دوگان ٦٤، یاری کنند گان ۷۸، بهم آیند گان ۸۰، همنشینان ۸۱، پیوستگان ۸۷، هم روند گان ۹٤، همبر یکدیگر ۱۰۸، هم بران و یا شوند گان ۱۰۹، بهم نزدیکان ۱۲۱، نزدیک همدیگر ۱۲٤، پیاپی ۱۲٦، نزدیکان ۱۳۳، نزدیک شوند گان ۱۳٤

اَلْمُقْتَسِمِینَ: كَمَآ أَنزَلْنَا عَلَى ٱلْمُقْتَسِمِينَ (۹۰:۱۵)
بخشست کناران ۱، سوگند خُورند گان ۲، بخش کنند گان ۳، سوگند خوارند گان ۵۲، بخشش کنان ۵۳، بخش کُنند گان ۵۵، بخش کنان ۵۷، بخشند گان ۵۹، بخش کاران ۷۲، سوگند خورند گان ۹٤، سوگند خوران ۹٦، بخش کنند گان ۱۱٦، سوگند خواران ۱۱۸، هم سوگندان ۱۲۲، بخشش کنند گان ۱۲۳

مُقْتَصِدٌ: فَلَمَّا نَجَّىٰهُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ فَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ (۳۲:۳۱)
راستی کنار ۱، میانه رَوْ ۲، میانه ۲۹، میانه رو ٤۱، راست ایستیده ٤۷، راه راست رونده ۵۸، میانه نگه دارنده ۸۹، براه راست ایستاده ۱۰۲، بر راه راست رونده ۱۰۹، میانه گزیده ۱۱۹، میانه دارنده ۱۳۸

~: فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِۦ وَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ (۳۲:۳۵)
میانه رو ۲، میانه رونده ۳، میانجی نگاه داشته ۷، میانجی ۲٤، میانه کار ۲۹، میانه گان ٤۹، میانجی ۵۳، میان کار ٦۷، میانه نگهدارنده ۱۰۰، میانجی نگاه دارنده ۱۰۹، میانه روند ۱۱۱، میانه روتر ۱۲۳

مُقْتَصِدَةٌ: مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَآءَ مَا يَعْمَلُونَ (٦٦:۵)

راستی کنار ۱، میانه رو ۲، میانه رونده ۳، میانه ۱۰ مکرّر، میانجی بداد ۲۷، میانجی ۲۹، میانجی اندر گفتار ۳۱، بر راه راست ۳٦، نیکوکار ۳۷، میانه کار ۳۹، میانه گزیده ۵۷، راست کار ۵۸، میانه نگه دارنده ٦۳، میان کار ٦۹، راستکار ۷٤، میانه ور ۷۵، میانه رَوْ ۸۳، راست ۹٦، میانه نگهدارنده ۱۰۰، راست کردار ۱۱٦، راست رو ۱۲۳، راست رو و درست کار ۱۳۰

بِمِقْدارٍ: وَكُلُّ شَيْءٍ عِندَهُۥ بِمِقْدَارٍ (۸:۱۳)
اندازه ۲، اندازه کرده ۳۹، اندازه ۵۵

مِقْدارُهُ: ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُۥٓ أَلْفَ سَنَةٍ (۵:۳۲)
اندازه ۳

~: فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُۥ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (٤:۷۰)
اَندازه ۲، درازی ۱۰٦

اَلْمُقَدَّسِ: فَٱخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِٱلْوَادِ ٱلْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۲:۲۰)
پاک کرده ۱، پَاک ۲، پاک ۲۹، پَاکْ کَردَهْ ۵۳، پاک و پاکیزه ۱۱۱، پاک شده ۱۱٤، پاکی ۱۲۲

~: إِذْ نَادَىٰهُ رَبُّهُۥ بِٱلْوَادِ ٱلْمُقَدَّسِ طُوًى (۱٦:۷۹)
پاکیزه ۲، پاکیزه کرده ۳۹، پاک کردن ٦۱، پاکیزه کرده شده ۱۲۱

اَلْمُقَدَّسَةَ: يَٰقَوْمِ ٱدْخُلُوا۟ ٱلْأَرْضَ ٱلْمُقَدَّسَةَ (۲۱:۵)
پاک کرده ۱، پاک گردانیدَه ۲، پاک ۳، پاک گردانیده ۱۰ مکرّر، پاکیزه ۳۰، پاکیزک ۳۸، پاکیزه کرده ۳۹، پَاک ۵۵، پاک کرده شده ۱۰۲، پاک شده ۱۲۳

مَقْدُورًا: وَكَانَ أَمْرُ ٱللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا (۳۸:۳۳)
اَندازه کرده ۲، پیدا کرده ۱۸، بانداخته ۲۹، اندازه کرده ۳۰، اندازه کرده ـ گزارده ٤۷، باندازه کرده ۵٦، کرده شده ٦۱، بوده ۷۹، اندازه کرده شده ۸۷، گزارده ۸۹، اندازه کردن ۹۲،

پدید کرده ۹۶، اندازه کرده و گذشته ۱۰۹، گذارده شده ۱۱۶، اندازه کرده ۱۱۹، کرده ۱۳۹

مَقْرَبَة: يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۹۰: ۱۵)
نزدیکی ۱، خویشی ۴۲، خویش ۶۱، خویشاوند ۹۰

اَلْمُقَرَّبُونَ: أَن يَكُونَ عَبْدًا لِّلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ (۴: ۱۷۲)
نزدیک کردگان ۱، نزدیک کردگان ۲، نزدیک کردگان ۴۲، تنگ دارنده ۶۲، نزدیک گردگان ۹۴، نزدیک ۹۷، نزدیک گردانیدگان ۱۰۴، نزدیک گردگان ۱۰۵

~: وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۵۶: ۱۱)
نزدیکان ۲۴، نزدیک شدگان ۱۰۰، نزدیک گردندگان ۱۰۲، نزدیک شوندگان ۱۳۶

~: كِتَابٌ مَّرْقُومٌ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (۸۳: ۲۱)
فریشتگان نزدیک کرده ۵۶

~: وَمِزَاجُهُ مِن تَسْنِيمٍ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۸۳: ۲۸)
نزدیک کرده گان ۳۰، نزدیک گردانیده شدگان ۸۰، نزدیک گردانیده شده گان ۹۱، نزدیک کان ۱۳۹

اَلْمُقَرَّبِينَ: وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۳: ۴۵)
نزدیک گردانیده شدگان ۳، نزدیک گردانندگان ۲۸، نزدیک گردانیدگان ۳۰، نزدیک گردانیده گان ۴۹

~: قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۷: ۱۱۴)
نزدیک کردگان ۲، نزدیک گردگان ۵۵، نزدیک شدگان ۹۶، نزدیکان درگاه ۱۲۲

~: قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۲۶: ۴۲)
نزدیک کردگان ۱، نزدیکان ۲۴، نزدیکان ۷۶، نزدکان ۱۲۵

~: فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ (۵۶: ۸۸)
خداوندان نزدیکی ۲، نزدیک کرده گان ۳۰

مُقْرِنِين: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (۴۳: ۱۳)
توانا آن ۱، توانا آن ۲، توانایان ۳، توانااان ۳۸، راست کنندگان ۴۱، فرمان کرداران ۴۹، همنشینان ۸۱، گروهها ۸۷، نزدیکان ۱۰۰، فرمان ده ۱۰۵، گردن نهادگان ۱۰۶، بر آیندگان ۱۰۹، فرمانبردار ساختگان ۱۱۱، فرمان بردار ۱۲۴

مُقَرَّنِين: وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (۱۴: ۴۹)
هم بند کردگان ۱، در پیوسته ۲۹، با یکدیگر بسته ۳۴، جفت کردگان ۳۹، گردن با یکدیگر بسته ۴۲، پابستان با پای دیو بسته ۴۸، بند کرده بیک جای ۴۹، پیوسته کردگان ۵۷، بسته و پیوند کردگان ۵۸، پیوستگان ۶۱، بر یک دیگر بَسْتَه ۶۲، بستگان ۶۳، پیوند کردگان ۷۲، گردن با یک دگر بسته ۸۳، هم نشینان ۸۸، گردن با هم بستگان ۸۹، بهم بازبستگان ۹۳، اندر کشیده و جفت گردانیده ۹۴، دست با گردن بسته ۹۵، یکدیگر بسته ۹۸، با یکدیگر بسته گان ۱۰۹، پیوسته شده گان ۱۱۱، نزدیک کردگان ۱۱۴، نزدیک آورنده شده گان ۱۲۱، بهم بربسته ۱۲۲، بسته گان بر یکدیگر ۱۲۴، اندرکشیده ۱۲۸، گردن بیکدیگر بسته ۱۲۹، با هم پیوسته ۱۳۱

~: وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ (۲۵: ۱۳)
بهم بند کردگان ۱، هم بستگان ۲، بهم بستگان ۳، با یک دیگر نبشسته ۲۴، بند برنهاده ۲۹، فرا هم بستگان ۳۰، فرا هم نشستگان ۳۸، دست وا گردن بستگان ۴۲، با هم بسته ۴۸، بند برنهادگان ۵۱، فراهم گشته ۵۳، دستهای ایشان با گردن ۵۴، هم گردن کرده ۵۶، هم نشستگان ۶۱، دستها ایشان با گردن بسته ۶۲، در پیوستگان ۶۵، جفت جفت ۶۹، جفت جفت در زنجیر کردگان با دیوان بهم

۷۲، با هم بسته ۷۶، در زنجیر کشیده با دیوان ۷۸، دستهاشان بر گردن بسته ۸۸، بسته با دیوان بزنجیرها و بندها ۹۰، بزنجیر بسته ۹۲، بر هم نشستگان ۹۵، واهم کردگان ۹۹، جفت کرده ۱۰۲، دست با گردن بستگان ۱۰۴، بر هم بستگان ۱۰۸، یار کرده شدگان ۱۰۹، پیوسته شدگان و بهم بسته شدگان بزنجیر ۱۱۱، با دیوی بستگان ۱۱۵، پیوسته کردگان ۱۱۹، فراهم کردگان ۱۲۶، دست و گردن بستگان ۱۳۲، برنجیرها با هم زاد بربسته ۱۳۳، با هم بسته گان ۱۳۶، جفت جفت کرده آواز دهنده ۱۳۹

~: وَءَاخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي ٱلْأَصْفَادِ (۳۸: ۳۸)
بهم بستگان ۲۲، بسته ۲۴، دربسته ۲۹، جفت جفت کرده ۳۳، با هم بستگان ۳۸، گردن بستگان ۴۳، با یک دیگر بسته ۴۹، همسران ۸۱، گردن بسته ۹۰، گردن بهم بستگان ۱۰۶، بهم بسته ۱۰۸، بند کرده ۱۲۴، گردن بهم بسته گان ۱۳۶، با یکدیگر ۱۳۹

ٱلْمُقْسِطِينَ: فَٱحْكُم بَيْنَهُم بِٱلْقِسْطِ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ (۴۲:۵)
راستی کناران ۱، داد دهندگان ۳، راستان ۴۸، راستان ۵۳، راستی کنان ۵۷، داد کنندگان ۷۵، داد کارآن ۹۴، دوست میدارد ۱۰۷، داد رسندگان ۱۳۶

~: وَأَقْسِطُوٓا۟ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ (۹:۴۹)
دادگران ۲، داد کنندگان ۳، داد کنان ۲۴، راستی کنندگان ۴۷، داوری کنندگان ۹۱، راست کاران ۱۰۲، میانه نگه دارندگان ۱۰۶، درست کاران ۱۳۶

~: وَتُقْسِطُوٓا۟ إِلَيْهِمْ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ (۸:۶۰)
میان نگهدارندگان ۱۰۶، راستکاران ۱۱۱، میانه روان ۱۳۶

فَالْمُقَسِّمَات: فَٱلْمُقَسِّمَٰتِ أَمْرًا إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ (۵۱: ۴)
بخشست کناران ۱، فریشتگان بخشنده ۲، بخش کنندگان ۳، بخشندگان ۲۴، فریشتگان بخشنده بر بندگان ۳۰، بخش کنندگان ۳۶، فرشتگان پراکنده و پخش کننده ۶۷، بخشش کردن ۸۱، فریشتگان بخش کننده ۸۸، فرشتگانی که کشت کارها کند ۱۰۵

مَقْسُومٌ: لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَٰبٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ (۱۵: ۴۴)
بخشیده ۱، بخشیده ۲، بخش کرده ۳، وابخشیده ۲۹، بَخش کردَه ۵۵، پدید کرده و دانسته ۵۸، بخش کرده شده ۶۱، بخش کرده و دانسته ۶۹، پدید کرده ۷۴، بخشنده ۷۶، بخش کرده شده ۱۰۲

مُقَصِّرِينَ: ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ (۴۸: ۲۷)
کم کناران ۱، کوتاه کنندگان ۳، موی کم کنندگان ۶، بچیده ۲۴، موی کم واکننده ۲۹، کم کردگان ۳۰، کم کنندگان ۴۳، کوتاه کنید ۵۳، گرد کنندگان ۶۹، موی کم کردگان ۸۱، کم کردگان موی ۸۸، باز کم کنندگان ۸۹، کوتاه کنندگان موی ۹۴، مو برندگان ۹۶، کوتاه کرده ۹۸، با کم کنندگان ۱۰۰، موی سر کم کرده ۱۰۵، کوتاه گردانندگان ۱۱۴، چینندگان ۱۱۶، موی تراشندگان ۱۱۹، کوتاه کنند ۱۲۴

مَقْصُورَاتٌ: حُورٌ مَّقْصُورَٰتٌ فِي ٱلْخِيَامِ (۵۵: ۷۲)
وازگرفتگان ۱، پست بالایان ۲، زنان پردگی ۳، نگه داشته ۲۴، بازداشته گان ۳۰، بازداشته ۳۴، واداشته ۳۵، بازداشته ۴۲، بازداشتها ۵۱، بازداشتگان ۵۶، بازداشت ۶۷، پنهان داشته ۱۰۰، بازداشته شدگان ۱۰۲، کوتاه کنندگان دیده ۱۱۱، پوشیدگان ۱۱۳، بازداشته شده ۱۱۶، کوتاه چشمان ۱۲۳، چشم بازداشته ۱۲۶، داشتگان ۱۳۹

★ حُورٌ مَقْصُورَاتٌ: حُورٌ مَّقْصُورَٰتٌ فِي ٱلْخِيَامِ (۵۵: ۷۲)
سپید چشم سپید و سیاهه سیاه واداشته مرواریدهای سفته ۳۵

مَقْضِيًّا: وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا (۲۱:۱۹)
گزارده ۲، گزارده ۳، بگزارده ۲۹، گزارده ۵۳، اندازه کرده ۵۶، گزارده شده ۶۱، رانده شده ۶۴، گذارد شده ۱۰۲، گذارده ۱۰۵، گذارده و رانده بوده ۱۰۸

~: كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا (۷۱:۱۹)
بودنی ۲۴، رانده ۳۰، پرداخته ۵۸، بازبریده ۵۹، برداشته ۹۰، ساخته ۹۲، رآنده ۱۰۰

مَقْطُوعٌ: أَنَّ دَابِرَ هَٰؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ (۶۶:۱۵)
بریده ۱، بریده شده ۳، بریده باشد ۵۳، بریده و بر کنده ۵۸، بریده شوند ۷۱، بریده خواهد گشتن ۱۰۵، بریده و بر کنده شده ۱۱۱، بریده شدنی ۱۱۵

مَقْطُوعَةٍ: وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (۳۳:۵۶)
بریده ۱، بُریده ۲، بریده شده ۳۹، بریده شود ۴۱، وابریده ۴۸، بازبریده ۸۱، بریده گردد ۱۱۹

★ لَامَقْطُوعَةٍ: وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (۳۳:۵۶)

بی پایان ۱۳۱

مَقْعَدِ: فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (۵۵:۵۴)
نشستن جایها ۱، جایگاه ۳، نشستگاه ۲۴، نشسته گاه ۴۲، نشست گاه ۴۳، نشسگاه ۴۸، جای نشستن ۵۱، ایستگاه ۶۹، جای ۸۱، نشستن جای ۹۲، جایگاه نشستن ۱۰۲، نشسته گاه ۱۰۹

بِمَقْعَدِهِمْ: فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ (۸۱:۹)
نشستن ۱، نشین ۳، بازپس ۲۴، نِشستن ۲۷، نشست ۴۸، نِشِسْتَن ۵۵، بنشستن ۵۸، نشستگاه ۶۱، بشین ۹۲، جای نشستن ۹۹، نشستنگاه ۱۳۳

مُقْمَحُونَ: فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُم مُّقْمَحُونَ (۸:۳۶)
خوارشداران ۱، فروگرفتگان ۲، سربردارند گان ۷، بازبستگان ۱۸، بازبستگان ۲۲، بغل کرد گان ۲۴، سربرآورده ۳۶، بسته سربرآورده ۳۹، سربرداشته ۴۲، سربرآرند گان ۵۶، فراز نبینند ۶۵، سرها برافراشته ۶۷، برافراشته سرها ۷۹، سر در هوا ماند گان ۸۰، بستگان ۸۸، سرهاء افکنده باشند ۹۰، سرها افکند گان ۹۱، بردارند سرها ۹۲، بازپسینگان ۹۴، سر برداشتگان و چشم افکند گان ۱۰۲، فرورفتگان ۱۰۸، سر در هوا مانند گان ۱۱۱، سر برافراشتهٔ سرها ۱۱۳، سربرافرازند گان ۱۱۷، سر بروامانـد گان. چشم بهم نهاد گان ۱۲۰، بسر در آمد گان ۱۲۱، برافراشته سر ۱۲۲، در هوا ماند گان ۱۲۳، دهان بسته [باشند] ۱۲۴، برافراشته سران ۱۳۲، چشم در پیش افکند گان ۱۳۴، سرافرازند گان ۱۳۸، بازکشنده گردن ۱۳۹

الْمُقَنطَرَةِ: وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ (۱۴:۳)
گنج نهاده ۱، یک بر دیگر نهاده ۲، برهم نهاده ۳، گرد کرده ۱۰، پر کرده ۲۵، پوستهاء گاو پر کرده ۲۷، بهم کرده ۳۹، پوست گاو پر زر کرده ۴۱، یک بر یکدیگر نهادَه ۴۲، یک بر یکدیگر نهاده ۵۲، بَر هَم نَهاده ۵۵، پر از زر کرده ۵۷، پر از زر و بر هم نهاده ۷۵، بیکد گر نهاده ۷۶، بدرها پر کرده ۷۸، گرد آورده ۸۴، پر خواسته ۸۸، گِرد کرده ۹۰، بَر یکدِیگر نَهادَه ۹۴، فراهم آورده شده ۱۱۱، بر هم آمده ۱۱۴، گرد بر گرد نهاده ۱۱۵، بهم نهاده ۱۱۸، گرد آورده شده ۱۲۱، فراهم آمده ۱۲۲، بر یکدیگر نهاده ۱۲۵، یک بر یک نهاده ۱۲۸، بر گرد نهاده ۱۳۱

مُقْنِعِي: مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ (۴۳:۱۴)
ورداشتاران ۱، در بالا کرده ۵، در پیش افکنده ۲۴، فروافکند گان ۳۰، برداشته ۳۸، برفراشته ۴۱، برارند گان ۴۳، فرا داشتند ۴۸، فرو افکنده سرها ۴۹، بَرداشْتَه ۵۳، فروافکنند گان ۵۷، بر بالا گرفته

٦۲، بـرافـرازنـد گـان ٦۳، بـردارنـد گـان ٦٥، بر آرند گان ۷۲، فرو او كنند گان ۹۱، برافرازنده ۱۰٤، فرو برنـد گان ۱۱۰، بر آورنـد گان ۱۱۲، فرو برد گان ۱۱٥، برداشتگان ۱۱٦

★ مُقْنِعِي رُؤُسِ: مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ (٤۳:۱٤)
فرو افكنند گان سرهاء ۳، سربردارند گان ٥۹، سرها برداشته ٦۰، برداشته سرها ۸۸

لِلْمُقْوِينَ: نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ (٥٦: ۷۳)
وى توشكـان ۱، بى توشگـان ۳، رَوند گـان ٤۲، مسافرانى كه بزمين خالى فرو آيند ٥۱، بيابان روند گان ٥۲، توشه سپرى شد گان ٥۹، توشه برسيد گـان ۸۹، بـى بر گـان ۹۱، برخوردارى برسيد گان ۱۰٦، فرو آيند گان ۱۰۹، بيابانيان ۱۳۲، توشه برسند گان ۱۳۸

مُقِيتًا: وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا (٤: ۸٥)
توانا ۱، نگاه بان ۲٤، نگاه دار ۳٦، شمار كننده ۳۹، تُوانا ٤۲، تُوانا ٤٥، اندر رسيده ٥۳، تُوانَا ٥٥، توانا و پاداش كننده ٥٦، نگاه بان و توانا ٥۸، توانا و داد ستـانـنده ٦٥، نـگاه دارنـده ۷٥، نـگـه بـان ۸۹، نـگـاهـبـان ۱۰۰، تـوآنـا ۹٤، توانا و نـگاه بـان ۱۱۹، نگهبان ۱۲۰، گواه ۱۲٦

مَقِيلًا: خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا (۲٥: ۲٤)
نيم روزان ۱، آرام گاه ۲، خوابگاه ۳، جايگاه ۲٤، بازگشت جاى ۳٦، آرامگاه ۳۸، خواب جاى خوابجاى ٤٦، آسايش گاه ٤۸، جاى خفتن ٤۹، خواب گاه ٥۲، ارام جاى ٦۹، خواب نيم روزان ۸۸، آسودنگاه ۹٤، خفتن گاه ۹۹، جاى خواب ۱۰۷، خوابگاه نيم روز ۱۰۹، گفتار ۱۳٦

مُقِيمٌ: وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ (٥: ۳۷)
پـاىْ دارْ ۲، پـايـدار ۳۰، پـايـدار ٤۲، اسـتـاده ۷٦، جاودان ۱۰۰

~: وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ (۹: ۲۱)
پَاى دارْ ۲، هميشه ۳، پاينده ۲٤، جاويدانه ۱۰۷، جاودانى ۱۱۲

~: هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ (۹: ٦۸)
هَمِيشَه ٥٥، پايَدار ٦۱، پايدار بى پايان ٦٤، جاودانه ٦٥، خوار كننده ٦٦، پاى دارند ۱۰٥، هميشه، پيوسته ۱۰۹

~: وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ (۱۱: ۳۹)
پيوسته ۳، ايستاده ۲۹، هميشه و پيوسته ٤۱، جاويد ٤۲، هميشگى ٤۸، پيوَسْتَه ٥٥، دايم ۷۲

~: رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي (۱٤: ٤۰)
بپاى كنار ۱، بپاى دارنده ۲، بر پاى دارنده ۳٦، بپاء دارنده ۳۹، نگاه دارنده ٤۱، پاى دارنده ٤۲، بپَاى دَارَنده ٥٥، پيوسته كننده ٥۸، گزارنده ٦۱، بپاى دارم ٦۲، بپا دارنده ۹٦، بپآى دارنده ۱۰۰، پايدارنده ۱۲۳

~: وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُقِيمٍ (۱٥: ۷٦)
ايِسْتاده ۲، استيده ۳٤، روشن ٤۱، ستاده ٤۲، ايستَادَه ٥۳، ايستاده ٦۲، پيوستَه ۷۱، راست ۷٦، پايدار مانده ۹۲، پايسته ۱۰۲، درست ۱۳٦

~: وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ (۳۹: ٤۰)
پاى دار ۲، هَمِيشَه ۲۲، هموارگى ٤۲، بودنى ٦۱، پيوسته و هميشه ۱۱۱

~: أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ (٤۲: ٤٥)
هميشه ۲، هميشه باشند ۱۰۹

اَلْمُقِيمِي: وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ (۲۲: ۳٥)
بپاى كناران ۱، پاى دارند گان ۳، بپاى دارند گان ۱۲، برپاى دارند گان ۳۰، بپاء دارند گان ۳۹، بپا دارند گان ٥۳، بپاى درآرند گان ۹٤

★ ٱلْمُقِيمِي الصَّلاةِ: وَٱلصَّـٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمْ وَٱلْمُقِيمِي ٱلصَّلَوٰةِ (٢٢:٣٥)
پیوسته نماز کنند گان ٥٨

ٱلْمُقِيمِينَ: وَٱلْمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱلْمُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ (٤:١٦٢)
بپای کناران ١، بپای دارند گان ٢، بردارند گان ٣٦، بپا دارند گان ٣٨، بپای داران ٤١، بپای دارندَ گان ٤٥، بپای دارَند ٥٣، می گزارند ٥٨، ایستانند گان ٦١، آن کسانی که بپای دارند ٦٢، برپای دارند گان ٦٤، بپای دارند ٧٠، انکسها که بپای دارند ٧٢، به پای دارند گان ٨٠، پای دارند گان ٨٣، برپا دارند گان ٩٠، بپای دارند گآن ٩٤، بپای دارنده گان ١١٨

مُكَاءً: وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِندَ ٱلْبَيْتِ إِلَّا مُكَآءً وَتَصْدِيَةً (٨:٣٥)
شپلیدن ١، بخشیدن ٢، شخولیدن ٣، بشخَوا وُص وص کردن ١٠، بانگ کردن ٢٤، ششم زدند ٣٥، رود زدن ٣٨، دمیدن ٤٢، سخُولِیدَن ـ وُش گردَن ٥٥، بانگ کردن بلب ٥٧، سخولیدن ٥٨، شنیوه زدن ٦٣، بشبیلدین ٧٢، آواز کردن بلب ٧٩، شخیوه زدن ٨٥، سخولیدن ـ دوس کردن ٩١، سیلی زدن ٩٢، شپیلو زدن ٩٩، شوشست ١٠٢، بانگ کردن بدهن ١٠٤، شخیوه کردن ـ بانگی که از میان دو لب بدر آید ١٠٥، شوْشست ـ شخولیدن ١٠٩، سرودان ١١٠، آواز کردن ١١٢، سخن کردن ١١٩، شخیوه کردن یعنی بانگی که از میان دو لب بدر آید ١٢٥، خوانند گی ١٣٦

مَكَانَ: وَإِنْ أَرَدتُّمُ ٱسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ (٤:٢٠)
جای ١، بجای ٣، جآیگاه ١٠٠

~: ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ ٱلسَّيِّئَةِ ٱلْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوا (٧:٩٥)
بجایگاه ٧٩

~: وَجَآءَهُمُ ٱلْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ (١٠:٢٢)
جایگه ١

~: وَيَأْتِيهِ ٱلْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ (١٤:١٧)
جایگاه ٥٣

~: يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ (١٦:١١٢)
جایگاه ٢٤، جایگاه ٥٣

~: وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلْبَيْتِ (٢٢:٢٦)
جاء ٥١

~: أَوْ تَهْوِى بِهِ ٱلرِّيحُ فِى مَكَانٍ سَحِيقٍ (٢٢:٣١)
جایگاه ١٢

~: وَيَقْذِفُونَ بِٱلْغَيْبِ مِن مَّكَانٍۭ بَعِيدٍ (٣٤:٥٣)
جای گاه ١٠٦

~: وَٱسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ ٱلْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ (٥٠:٤١)
جا ٢

مَكَانًا: أُوْلَـٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ (٥:٦٠)
جایگاه ١، بجایگاه ٣٧، جَایگاه ٥٣، جایگا ٦٣، آرامگاه ١٢٧

~: قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا (١٢:٧٧)
جایگه ١، جای ٢

~: إِذِ ٱنتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (١٩:١٦)
جایها ٤١

~: وَرَفَعْنَـٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا (١٩:٥٧)
جا ٤٣

~: لَّا نُخْلِفُهُۥ نَحْنُ وَلَآ أَنتَ مَكَانًا سُوًى (٢٠:٥٨)
جگاه ٩٦، یکی جا ١٠٥

مَكَانَتِكُمْ: قُلْ يَـٰقَوْمِ ٱعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ (٦:١٣٥)
جایگه ١، جایگاه ٢، جایگاه و کارگاه ١٠، جایگاهها ١٠ مکرر، جَاها ٥٨، سان ١٠٢

~: وَيَٰقَوْمِ ٱعْمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ (١١:٩٣)
جای ٤٢، جَایگاه ٦٢، خوی ٦٣

~: وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ٱعْمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ (١١:١٢١)
توانایی ٣، سیرت و روش ٤١، تُوانَایی ٥٥، تُوانایی ٧٦، توانائیها ٨٠، جایها ١١٤

~: قُلْ يَٰقَوْمِ ٱعْمَلُواْ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ (٣٩:٣٩)
جَایگاه ٢٢، آنچه هستید ١١٣

مَكَانَتِهِمْ: وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنَٰهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ (٣٦:٦٧)
جایگاه ٢٤، جای ٧٤، جا گاه ٩٦، جایگاه ١٠٠، جایها ١٢٣

مَكَانَكُمْ: ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُواْ مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَآؤُكُمْ (١٠:٢٨)
جای نگه دَارَید ١٠، ورجای باشید ٢٩، جایگاه ٣٨، جای ٦٤

مَكَانَهُ: وَلَٰكِنِ ٱنظُرْ إِلَى ٱلْجَبَلِ فَإِنِ ٱسْتَقَرَّ مَكَانَهُ (٧:١٤٣)
جای ١

~: إِنَّ لَهُۥٓ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُۥٓ (١٢:٧٨)
جا ٥، بَجای ٥٥، جاَی ٧٦، بجای ١٠٤

~: وَأَصْبَحَ ٱلَّذِينَ تَمَنَّوْاْ مَكَانَهُۥ بِٱلْأَمْسِ (٢٨:٨٢)
جایگه ١، جایگاه ٢

مُكِبًّا: أَفَمَن يَمْشِى مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِۦٓ أَهْدَىٰٓ (٦٧:٢٢)
نگون سار ١، نگوسار فتاده ٢، افتاده ٣، سرنگون ١٩، نگوسار ٢٤، بروی درآمده ٢٩، نگوسار افتاده ٣٠، بَرُو دَر افتادَه ٤٢، بروی درافتاده ٥٢، نگونسار ٨٧، نگون سار افتاده ٩٥، نگون سار ١٠٠، سر فرو افکنده ١٠٣، در روی افتاده ١٠٤، سرنگو ١٠٦، سراشیب و نگوسار ١٠٩، فرو افتاده ١١٦، افتنده ١٢٢، سرافکنده ١٢٣، درافتاده ١٢٦، فرو افکنده ١٣٠، بر شکم ١٣٦، بروی ١٣٩

مَكْتُوبًا: ٱلَّذِى يَجِدُونَهُۥ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِى ٱلتَّوْرَىٰةِ وَٱلْإِنجِيلِ (٧:١٥٧)
نویشته ١، نوشته ٣، نبشته ١٠، نبشته شده ٦١، نِبشتَه ٦٢، نوشته شده ٩٩، نبشت ١٠٥

مَكَثَ: فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِۦ (٢٧:٢٢)
درنگ کرد ١، بمانْد ٢، فرو استاد ٣٤، نزدیک کرد ٤٦، درنگ کردند ٤٧، درنگ کَرْد ٥٣، فرو ایستاد ٦٢، درنگ نمود ١٣٢

مُكْثٍ: وَقُرْءَانًا فَرَقْنَٰهُ لِتَقْرَأَهُۥ عَلَى ٱلنَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ (١٧:١٠٦)
درنگ ١، درنگ ٢، آهستگی ٣٩، دِرَنگ ٥٣، آهَسْتَگی ٥٥، ماند گی و درنگ ٦١، آهستگی و درنگ ٦٤، آهسته ١١٩

ٱلْمُكَذِّبُونَ: ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا ٱلضَّآلُّونَ ٱلْمُكَذِّبُونَ (٥٦:٥١)
در وزن گرفتاران ١، درُوغ دارند گان ٢، بدروغ دارنده گان ٣٠، دروغ دارند گان ٣٩، دروغ زن دارند گان ٤١، بدروغ دارند گان ٤٩، دروغ زن کنند گان ٥٦، دروغ گوی دارند گان ٨٠، دروغ زن گیرند گان ٩٢، دروغ زنان ٩٦

ٱلْمُكَذِّبِينَ: فَٱنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُكَذِّبِينَ (٣:١٣٧)
در وزن گرفتاران ١، درُوغ دارَند گانْ ٢، دروغ گوی دارند گان ٣، بدَروغزن داران ١٠، دروغ گویند گان ٢٤، کسانی که بدروغ داشتند ٢٧، انکه دروغ زن خوانند ٤٠، بدروغ دارند گان ٤٩، دروغ کنان ٧٢، دروغ زنآن ١٠٠

~: ثُمَّ ٱنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُكَذِّبِينَ (٦:١١)
دروُغ زنان ٢، دروغگوی دارند گان ٣، بدروغ گردند گان ٢٦، دروغ زنان گیرند گان ٥٨، آن کسانی که بدروغ داشتند ٦٢، دروغ دارنده گان ٩٦، بدروغ د آرند گان ١٠٠

~: فَٱنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُكَذِّبِينَ (۱٦: ۳٦)
دروغ دارند گان ۳، دروغگوی دارند گان یا دروغگویان ۳۰، دروغ زنان ۵۳، دروغ گوی دارند گان ۵۵، دروغ گیرند گان ۵۸، دروغ زن گشتند گان ۹۲، دروغدارند گان ۱۱۵

~: فَٱنتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُكَذِّبِينَ (٤۳: ۲۵)
دروغ زنان ۲۲، دروغگویان ۸۷

~: فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۵۲: ۱۱)
دروغ زنان ۲، دروغ زن کنند گان ۳۹، دروغ گویان و دروغ داران ٤۱، دروغ دارند گان ۵۱، بدروغ دارنده گان ۱۱۳

~: وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلْمُكَذِّبِينَ ٱلضَّآلِّينَ (۵٦: ۹۲)
دروغ دارند گان ۵۱، دروغگدارند گان ۱۱٤

~: فَلَا تُطِعِ ٱلْمُكَذِّبِينَ (٦۸: ۸)
دروغ دارند گان ۲، به دروغ دارنده گان ۱۱۳

~: وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ (٦۹: ٤۹)
دروغ زن دارند گان ۳، دروغ گوی داران ٤۱

~: فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ ٱلْقَٰدِرُونَ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۷۷: ۲٤)
دروغ داران ۲۹

~: كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٌ صُفْرٌ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۷۷: ۳٤)
دروغ گویان ٦۱

~: وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۷۷: ۳۷)
باورندارند گان ۵۱

~: وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ٱلَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ ٱلدِّينِ (۸۳: ۱۰)
دروغزنان ۸۷، دروغ گردارند گان ۹۱

مَكْذُوب: ذَٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ (۱۱: ٦۵)
دروغ ۱، دروغ داشته ۲، بدروغ کرده ۲۹، دروغ گفته شده ۳۰، دروغ داشته ٤۱، دروغ گفته شده ۵۵، دروغ گفته ۵۸، بدروغ داشته ۷۲، بدروغ گفته شده ۹۳، دروغ دآشته ۹٤

مَكْر: وَمَكَرُوا۟ وَمَكَرَ ٱللَّهُ وَٱللَّهُ خَيْرُ ٱلْمَٰكِرِينَ (۳: ۵٤)
پاداش بدی داد ۳، پاداش سگالشان داد ۲۸، پاداش سگالش داد ۳۰، بد خواست ۳۹، سازش بد بود ٤۲، بد سگالید ٤۹، پاداش سگالیدن دادشان ۵۵، خواست کشتن ٦۰، ساخت ٦۳، بد سگالش ۹۱، سگالش کرد ۹۷، ساخت ۱۰۰، سازش بد بود ۱۰۵

~: وَقَدْ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ ٱلْمَكْرُ جَمِيعًا (۱۳: ٤۲)
دستان کردند ۲۹، سگالیدند ٤۱، سازش بد کردند ۵۲، بد کاری کردند ۵۸، ساختند ٦۳، سگالیده‌اند ٦٤، بد سگالی کردند ۱۰۰

~: قَدْ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَى ٱللَّهُ بُنْيَٰنَهُم (۱٦: ۲٦)
سازش بد کردند ۲، بسگالیدند ۳۸، بد سگالیدند ٤۱، ساختند ۵۳، بد سگالیدند ۵۵، ساختند بدی ۵۸، بسگالید ۵۹، دستان کردند ۱۰۳، سازش بد ساختند ۱۲۸

مَكْرٌ: أَفَأَمِنُوا۟ مَكْرَ ٱللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ ٱللَّهِ (۷: ۹۹)
ناگاه گرفتن ۳، پوشیده گرفتن ۳۰، ناگاه گرفتن ۵۵، گرفت ۵۸، ساختن ٦۳، ساختن ۱۰۰، از ناگاه گرفتن ۱۲۰

~: إِنَّ هَٰذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوهُ فِى ٱلْمَدِينَةِ (۷: ۱۲۳)
دستان ۳، سازش بد ۵۲، دستان ۵۵، ساخته ٦۳، سگالش ۸٤، سازش و سگالش ۱۰۹

~: إِذَا لَهُم مَّكْرٌ فِىٓ ءَايَاتِنَا (۱۰: ۲۱)
سگالش بد ۵۵، بد سگالی ۵۸

~: وَقَدْ مَكَرَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ ٱلْمَكْرُ جَمِيعًا (۱۳: ٤۲)
سازش ۲، سگالشها ٦٤، بد سگالش کردند ۹۲، سازش بد کردند ۱۲۸

~: بَلْ مَكْرُ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَآ أَن نَّكْفُرَ بِٱللَّهِ (۳٤: ۳۳)
سگالش ۲۲، سِگالیدَنْ ۵۳، بدسگالید ید ٦۱، گردش ۹۰، سگالش کردند ۹٤

~: وَمَكْرُ أُوْلَٰٓئِكَ هُوَ يَبُورُ (۳٥: ۱۰)
سگالش ۲، بد سگالش ٤۷، سگالیش ۱۰۸، کید ۱۱۱

~: ٱسْتِكْبَارًا فِى ٱلْأَرْضِ وَمَكْرَ ٱلسَّيِّئِ (۳٥: ٤۳)
سگالیدن ۷، سگالش بد ٤۷

مَكْرًا: قُلِ ٱللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (۱۰: ۲۱)
سازش بد ۱۳، سگالش کردَن ۲۷، دستان ۲۹، داستان ۹۰

~: وَمَكَرُواْ مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۲۷: ٥۰)
سگالش بد ۲، سگالیدن ۲٤، ساختن ۳۰، سِگالیدَن ۵۳، سگالش کردن ۸۷، بدی ۹۲، ساختن ۱۰۰، بدی ساختن ۱۲۸، چاره ۱۳۲

~: وَمَكَرُواْ مَكْرًا كُبَّارًا (۷۱: ۲۲)
دستان کردن ۷۲، بد سگالیدن ۸۰، کید ۱۱۱

مَكَرْتُمُوهُ: إِنَّ هَٰذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوهُ فِى ٱلْمَدِينَةِ (۷: ۱۲۳)
دستان کردیت ۳، سگالیدستی و بساختستی شما ۱۰، بسگالید شما ۲۷، شما بسگالید ید ۲۹، سگالیدیت ٤۱، ساختیَش ۵۲، دَستان گردِیت ۵۵، دستان ساختید ۵۸، بد سازش کردید تا ٦۱، ساخته بودید شما ٦۳، برساخته اید شما ٦۷، شما ساختید ۹٤، سگالیده اید ۱۰۲، ساختید و سگالید ید ۱۰۹، سگالید ۱۱٤

مُكْرِم: وَمَن يُهِنِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّكْرِمٍ (۲۲: ۱۸)
نوازَنده ۲، گرامی کننده ۳، گرامی دارنده ۲۹، گرامی کُنَده ٤۲، گرامی کُنَنده ۵۱، برآرنده و خوار کننده ۹٤، گرامی کن ۹٦، بزرگ گرداننده ۱۰۲، گرامی کننده و نوازنده ۱۱۱

مُكَرَّمَةٍ: فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ فِى صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ (۸۰: ۱۳)
گرامی کرده ۲، گرامی بکرده ۲٤، گرامی ۳٦، گرامی داشته ٤۱، فراخی کرده ۵۲، گرامی کرده شده ۸۰، گرآمی ۱۰۰، گرامی داشته شده ۱۲۰، بزرگوار ۱۳٦

مُكْرَمُونَ: سُبْحَٰنَهُۥ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ (۲۱: ۲٦)
نَواختگان ۲، گرامی کرده ۲٤، گرامی داشته ۲۹، گرامی بکرده ۳٤، گرامی کردگان ۵۳، گرامی ۵۸، بزرگ کرده شدگان ۱۰۲، گرامی کرده شده ۱۱۱، گرامی کرده شده‌اند ۱۱٤، نواختگان ۱۲۸، گرامی شده گان ۱۲۹، بزرگوار ۱۳۹

~: أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ فَوَٰكِهُ وَهُم مُّكْرَمُونَ (۳۷: ٤۲)
نواختگان ۲، نواخته گان ۳۰، گرامی داشتگان ۳۳، گرامی آن ۸۱، گرامی شدگان ۹۹، گرآمی کردگان ۱۰۰، نواخته شده گان ۱۰۹، گرامی کرده گان ۱۱۳، بزرگواران ۱۱٦

~: أُوْلَٰٓئِكَ فِى جَنَّٰتٍ مُّكْرَمُونَ (۷۰: ۳٥)
گرامی کردگان ۲، گرامی کرده شدگان ۳، بزرگوار گردانیده ٦، گرامی می کنند ٤۹، گرامی داشته شده ۱۰٤، گرامی کردگان نواخته ۱۰۸، گرامی داشته شدگان ۱۲۲

ٱلْمُكْرَمِينَ: بِمَا غَفَرَ لِى رَبِّى وَجَعَلَنِى مِنَ ٱلْمُكْرَمِينَ (۳٦: ۲۷)
نواختگان ۲، گرامی کرْدگان ۲۲، گرامی داشتگان ۲۹، نواخته گان ۳۰، گرامی شدگان ۹۲، گرامی داده شدگان ۹۹، گرامی کرده شدگان ۱۰۲، بزرگواران ۱۱٦، گرامی کنندگان ۱۳۸

~: هَلْ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَٰهِيمَ ٱلْمُكْرَمِينَ (٥۱: ۲٤)
گرامی کردگان ۳، گرامیان ۲٤، بزرگوار کردگار ٤۷، گرامی دَاشتگان ۵۱، گرامی داشته شدگان ۹۹، گرآمی کردکان ۱۰۰، گرامی کرده شده ۱۰۳

مَکرْنا: وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۲۷: ۵۰)
دستان کردیم ما ۲۹، بساختیم ۳۰، سگالش کردیم ما ٤٦، ما سگالیدیم ۵۳، سگالیدیم ۵۶، ساختیم ما ۱۰۰، ساختیم ۱۲۸

مَکْرُهُمْ: بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ (۱۳: ۳۳)
بد سگالیدن ۳، ساز ۵، بد سگالش ٤۹، سگالش بد ۱۰۹

~: وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ (۱٤: ٤٦)
سازش بد ۲، دستان ۳۰، بدسگالی سگالش ۳۹، ساز بد کردن ٤۲، سازش بد کردن ۵۲، دَسْتان گردن ۵۵، سگالش دروغ ٦۷، دستان کردن ۹۱، بدی سگالیدن ۹۵، ساختن ۱۰۰

~: فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ (۲۷: ۵۱)
سگالیدن ٤۹، ساخت ۵۸، سازش ٦۱، بدسازی ۹٤

بِمَکْرِهِنَّ: فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ (۱۲: ۳۱)
سازش بد ۲، سگالش ۳، دستان ۲۹، دَسْتان ۵۵، سگالیدن ۵٦، ساختگی و رنک آمیزی ۵۸، گفت و گوی ۷٦، داستان ۸۰، سازش بدیشان ۹٤، سازش ۹٦، ساختن ۱۰٦

مَکَرُوا: وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (۳: ۵٤)
سَازش بد ساختنْد ۲، بد سگالیدند ۳، سگالش کردند ۲۷، بد خواستند ۳۹، ساختند ٤۰، بدی سگالیدندن ٤۱، بَدْ سِگالیدَنْد ۵۵، سازش بد ساختند ۸٤، ساختند ۱۰۰، فریب نمودند ۱۰٤، سازش بد ساختن ۱۰۵، بد سکالیدند ۱۰۹، فریب دادند ۱۲۱، فریب کردند ۱۳٦

~: وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ (۱٤: ٤٦)
بَساختندْ ۲، دستان کردند ۲۹، کردار بد کِردند ٤۹، دَسْتان گردَند ۵۵، پنهان سگالیدند ۵۸، سازش کردند ۹٦، سگالیدند ۱۱۹

~: أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ (۱٦: ٤۵)
بساختنْد ۲، سگالیدند ۳، پنهان ساختند ۵۸، بسگالیدن ۵۹، می سگالیدند ۱۰۲

~: وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۲۷: ۵۰)
بسکالیدند ٤۸، سِگالیدَنْد ۵۳، بساختند ٦۱، بسگالیدند ایشان ٦٤، بساختندی ۱۰۸، بدسگالی کردند ۱۰۹، چاره انگیختند ۱۲۲

~: فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا (٤۰: ٤۵)
بسگالیدند ۲، سگالیدَنْد ۲۲، اندیشیدید ۱۱۱، اندیسیدند ۱۲۰، ایشان سگالیدند ۱۳۹

~: وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا (۷۱: ۲۲)
سازش بد کردند ۲، بدسگالیدن ٦، بدی می سگالند ٤۹، سازش بد کردن ۱۰۸، کید کردند ۱۱۱

مَکْرُوهًا: كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا (۱۷: ۳۸)
دشخوار داشته ۱، ناپسندیده ۲، ناپسند داشته ۳، ناشایسته ۸، ناخواسته ۲۹، دوست ناداشته ۳۸، ناپسندیده ٤۹، دشمن داشْتَهْ ۵۳، ناپِسَنْد دَاشْته ۵۵، دشوار داشته ۵٦، زشت داشته ۵۷، دشوار کار داشته ۵۹، ناخوش و دشوار ٦۱، دشمن داشته ۷۲، ناپسند ۷٤، ناخوش ۹۰، ناخوش داشته شده ۹۲، ناپسندید ۱۲٤، ناخوش داشته ۱۳۵، دشمن داشته شده ۱۳٦

مَکْظُومٌ: وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ (٦۸: ٤۸)
ستم رسیده ۱، خشم فروخورنده ۱۹، اندوهگن ۲٤، بخشم آورده ۲۹، اندوهگین ۳۰، پر از اندوه ۳٤، اندوه گن ۳۹، خشم فروخورده ۵٤، اندوهناک و با خشم ۵٦، خشم کرده ٦۱، غمناک ٦۵، اندهگن ٦۹، اندوهناک و خشمناک ۷۲، غمگین ۸۰، پر خشم ۸۸، خشمگین ۱۰۰، فروخورنده ۱۰٦، فروخورده ۱۱۳، پر از خشم ۱۱٤، پر بر آمده از

خشم و اندوه ۱۱۶، پر از خشم و اندوه ۱۲۰، پر شده از خشم ۱۳۰، خشم گرفته شده بود ۱۳۶، اندوهناک خشم ۱۳۹

مُكَلِّبِينَ: وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ ٱلْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ (۵:۴)
سگ آمختاران ۱، سگ دارندگان بر آغالندگان ۲، آموزندگان شکار سگان و یوزان ۱۰، سگ داران بر آغالیدگان ۱۰ مکرّر، آموزندگان سگان ۲۷، سگ داران ۲۹، سگبانان ۳۰، سگ آموخته دارندگان ۳۶، سگبانان ۴۱، بر آغالیدگان ۴۲، خداوندان سگان ۴۹، سگان آموخته ۵۳، دانایان ۵۵، سگ دارندگان ۵۷، سگ بانان ۶۲، سگان شکاری ۶۳، سگ داران بر آغالیدن ۸۳، سگ دارآن ۹۴، دانایان بتعلیم سگان ۹۷، سگداری کنندگان ۹۹، سگبانی ۱۱۰، سگان شکار کن ۱۱۴، سگان ۱۱۹، سگان و چرغ[1] و باز ۱۲۱، ادب آموز سگان ۱۲۷، سگداران ۱۲۹

مَكَّنَّا: وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي ٱلْأَرْضِ (۱۲:۲۱)
جای ساختیم ۲، جای دادیم ۳، بزرگی دادیم ۴۱، جایگاه کردیم ما ۵۸، جا کردیم ۷۲، پادشاهی دادیم ما ۷۶، جاء کردیم ۹۶، جای کردیم ما ۱۲۴، بزرگی بخشیدیم ۱۳۶

~: وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي ٱلْأَرْضِ (۱۲:۵۶)
جاء ساختیم ۲، دست گاه دادیم ۳، جای دادیم ما ۲۹، جای دادیم ۴۲، جای دادیم ۵۷، جایگاه دادیم ما ۵۸، جایگاه کردیم ۷۲، جایگاه دادیم ۷۴، پادشاهی دادیم ۷۶، جای گیر کردیم ۱۰۹، جای بزرگ دادیم ۱۲۱

~: إِنَّا مَكَّنَّا لَهُۥ فِي ٱلْأَرْضِ (۱۸:۸۴)
جای کردیم ۱، دستگاه دادیم ۳، دستگاه دادیم ۵۵، جای دادیم و دست دادیم ۷۹، پادشایی دادیم ۱۰۳، ما جا دادیم ۱۳۲

مَكَّنَّاكُمْ: وَلَقَدْ مَكَّنَّٰكُمْ فِي ٱلْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَٰيِشَ (۷:۱۰)
جای ساختیم ۲، جای دادیم ۳، پادشاهی دادیم ۱۰، جا دادیم ۲۴، جایگاه دادیم ۳۱، دستگاه دادیم ۳۹، جای ساختیم ۴۲، جآء دادیم ۶۰، جایگاه بکردیم ۷۲، توانایی دادیم ۹۶، پادشاهی و دستگاه دادیم ۱۰۲، ما بجایگاه دادیم ۱۰۷، جای گیر کردیم ۱۰۹، جای ساختیم ما ۱۲۴، ما جای ساختیم ۱۲۵، جای ساختیم ۱۴۰

~: وَلَقَدْ مَكَّنَّٰهُمْ فِيمَآ إِن مَّكَّنَّٰكُمْ فِيهِ (۴۶:۲۶)
جای کردیم ۱، جاء دادیم ۳۹، توانای داده بودیم ۴۹، جای داده بودیم ۸۶، جای دادیم ما ۹۲، توانا کردیم ۹۶، جایگاه دادیم ما ۹۹، جای داده بودیم ما ۱۰۴، بساختیم ۱۰۸، توانا گردانیدیم ۱۰۸، جایگاه دهیم ۱۲۴، ساختیم ما ۱۲۴

* إِنْ مَكَّنَّاكُمْ: وَلَقَدْ مَكَّنَّٰهُمْ فِيمَآ إِن مَّكَّنَّٰكُمْ فِيهِ (۴۶:۲۶)
جای ندادیم ۵۶، جایگاه ندادیم ۱۰۹، دستگاه ندادیم ۱۱۴

مَكَّنَّاهُمْ: مَكَّنَّٰهُمْ فِي ٱلْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّن لَّكُمْ (۶:۶)
جای کردیم ۱، جای ساختیم ۲، جایگاه دادیمشان ۳، داده بودیم ۲۴، جاء ساختیم ۲۶، جای دادیم ۲۷، جایگاه کردیم ۲۹، جاء دادیم ۳۹، جای ساختیم ۴۲، پادشای دادیم ۴۹، جایگاه داده بودیم ۶۲، ما دستگاه دادیم ۹۲، پادشاهی و دستگاه دادیم ۱۰۲، جای دادیم ما ۱۰۴، جا دادیم ۱۱۵، جای داده بودیم ۱۱۶، جای دادی‌مشان ۱۱۹

---

۱. چرغ: پرندهٔ شکاری.

~: ٱلَّذِينَ إِن مَّكَّنَّـٰهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ أَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ (۲۲: ۴۱)
دست دهیم ۳، توانایی دهیم ۲۴، جای دهیم ۴۳، جایگاه دهیم ۵۲، جا کردیم ۵۳، جای سازیم ۶۱، دستگاه دهمشان ۱۰۳، جای گیر گردانیم ۱۰۹، توانا سازیم ۱۲۰

~: وَلَقَدْ مَكَّنَّـٰهُمْ فِيمَآ إِن مَّكَّنَّـٰكُمْ فِيهِ (۴۶: ۲۶)
دستگاه دادیم ۸۰

مَكْنُونٌ: كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ (۳۷: ۴۹)
درستاد کرده[1] ۱، پوشیده ۳، اندر پوست ۳۰، نگاه داشته شده ۶۱، بکندَه ـ مروارید ۸۱، پنهان ۹۲، در پرده داشته ۱۰۲، نهفته داشته ۱۰۹، در نهفت داشته ۱۱۳، پوشیده شده ۱۲۱، پوشیدها ۱۲۳

~: وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ (۵۲: ۲۴)
پیوسته ۳۰، باد و هوا ندیده ۳۴، نگه داشته از گرد ۳۵، ناسفته ۳۸، پراکنده ۴۱، بکنده ۵۸، اندر حقه ۹۵، پنهان داشته شده ۱۳۱

~: وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَـٰلِ ٱللُّؤْلُوِ ٱلْمَكْنُونِ (۵۶: ۲۳)
ناسُفته ۲، در جای نهاده ۳۶، نهان ۴۱، نگاه داشته در حقه ۶۹، در نهفته داشته ۷۹، بکندَه ۸۱، نگاهداشته ۸۷، پنهان داشته ۸۹، بنگاه داشته ۹۸، برهم نشانده ۱۱۹

~: إِنَّهُۥ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ فِى كِتَـٰبٍ مَّكْنُونٍ (۵۶: ۷۸)
نگه داشته ۱، نگاه داشته ۳۰، نگه دَاشته ۴۲، نبشته ۸۱، در نهفت داشتن ۱۱۳، پوشیده و نگاه داشته شده ۱۱۶، پوشیده نگاه داشته شده ۱۳۶

مَكَّنِّى: قَالَ مَا مَكَّنِّى فِيهِ رَبِّى خَيْرٌ فَأَعِينُونِى بِقُوَّةٍ (۱۸: ۹۵)
دست داد ۱، دستگاه داد ۳۰، داده است پادشاهی ۴۱، جای داد ۴۳، توانایی داد ۴۴، توانایی دهد ۵۲، دَادَه است و جای کرْدَه است ۵۳، دَستگاه دَادْ ۵۵، جای کرده است ۶۳، ساخته و جای گیر کرد ۱۰۹، دسترس داد ۱۲۳، جای کرده است ـ توانایی داده است ۱۲۴، داده ۱۳۹

ٱلْمِكْيَالَ: وَلَا تَنقُصُوا۟ ٱلْمِكْيَالَ وَٱلْمِيزَانَ (۱۱: ۸۴)
پیمانه ۱، پَیمانه ۲، پِیمَانَه ۵۵، پیمانها ۷۲، پیمان ۷۴، پیمودن ۷۹

ٱلْمَكِيدُونَ: فَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ هُمُ ٱلْمَكِيدُونَ (۵۲: ۴۲)
سگالش بد دادگان ۳، فریب کار شده ۳۹، فریب کردگان ۴۲، فریب کاران ۵۲، هستند فریب کار کرده ۶۱، پاداش سگالش بد دادگان ۸۰، سگالش بد کردگان ۹۹، سکالش بد کرده شدگان ۱۰۹

مَكِينٌ: فَلَمَّا كَلَّمَهُۥ قَالَ إِنَّكَ ٱلْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ (۱۲: ۵۴)
جای داده ۲۹، جَای گِیرْ ۵۵، جاه یافته ۵۷، جایگاه ۵۸، جای گیرنده ۶۱، جایگاه دار ۷۲، جا داده ۹۰، شکوه‌مند ۱۰۲، جای یافته ۱۰۳، با جاه ۱۱۱، بزرگ جا ۱۲۱

~: ثُمَّ جَعَلْنَـٰهُ نُطْفَةً فِى قَرَارٍ مَّكِينٍ (۲۳: ۱۳)
خستوار ۱، اِستُوار ۲، استوار ۳، ستوار ۶۹، آرامش ۷۷، جای ۹۲

~: فَجَعَلْنَـٰهُ فِى قَرَارٍ مَّكِينٍ (۷۷: ۲۱)
اِستوار ۲، جای گرفته ۱۹، آرام ۹۹

~: ذِى قُوَّةٍ عِندَ ذِى ٱلْعَرْشِ مَكِينٍ (۸۱: ۲۰)
جای گیر ۱، بَا پایگاه ۲، با پایگاه ۳۰، جاه گزیده ۳۹، جاه گرفته ۶۵، جاه گیرنده ۹۰، شکهمند ۱۰۲

ٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ: وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَـٰٓئِكَةِ إِنِّى جَاعِلٌ فِى ٱلْأَرْضِ (۲: ۳۰)

---

۱. درستاد کرده: پوشیده، پنهان.

فریسگان ۱۰، فریشگان ۸۴، فرشته گان ۱۳۶

~: وَعَلَّمَ ءَادَمَ ٱلْأَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى ٱلْمَلَـٰٓئِكَةِ (۳۱:۲)

فرِشتگان ۵۵

~: وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ ءَالُ مُوسَىٰ وَءَالُ هَـٰرُونَ تَحْمِلُهُ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ (۲۴۸:۲)

فریشتگان ۲

~: إِذْ قَالَتِ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ يَـٰمَرْيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكِ (۴۵:۳)

فریشگان ۶۲

~: إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَفَّىٰهُمُ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ ظَالِمِىٓ أَنفُسِهِمْ (۹۷:۴)

فرشتگآن ۱۰۰، فرشگان ۱۲۱

~: وَٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ بَاسِطُوٓا۟ أَيْدِيهِمْ (۹۳:۶)

فریشتگان ۱

~: هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن تَأْتِيَهُمُ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ (۱۵۸:۶)

فریشته ۵۳

~: وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ يَتَوَفَّى ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ يَضْرِبُونَ (۵۰:۸)

فریشتگان ۲۴

~: وَٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ (۲۳:۱۳)

فرشتاگان ۶۷

~: يُنَزِّلُ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةَ بِٱلرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ (۲:۱۶)

فریشگان ۶۲

~: ٱلَّذِينَ تَتَوَفَّىٰهُمُ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ ظَالِمِىٓ أَنفُسِهِمْ (۲۸:۱۶)

فریشتگان ۵۷

~: وَٱتَّخَذَ مِنَ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةِ إِنَـٰثًا (۴۰:۱۷)

فرشتگان ۸، فریشگان ۶۲

~: فَسَجَدَ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّآ إِبْلِيسَ ٱسْتَكْبَرَ (۷۳:۳۸)

فریشت گان ۹۲

~: قَالُوا۟ لَوْ شَآءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَـٰٓئِكَةً (۱۴:۴۱)

فریشگان ۱۵، فریشتگان ۲۲

~: فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ ٱلْمَلَـٰٓئِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَـٰرَهُمْ (۲۷:۴۷)

فریشتگان ۲۲

مَلَائِكَتِه: مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَـٰٓئِكَتِهِۦ وَرُسُلِهِۦ (۹۸:۲)

فرشتگان ۵۵

~: كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَـٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ (۲۸۵:۲)

فریشتگان ۱، فرشتگان ۳۰

مُلاقٍ: إِنِّى ظَنَنتُ أَنِّى مُلَـٰقٍ حِسَابِيَهْ (۲۰:۶۹)

پدیره آمدار ۱، بیننده ۳، برسم ۳۰، خواهم رسیدن ۳۴، بینم ۳۹، رَسَنده ۴۲، رسنده ۵۲، ببینم ۵۴، رسیده ۱۱۳، بازرسنده ۱۳۸

مُلاقُوا: ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَـٰقُوا۟ رَبِّهِمْ (۴۶:۲)

رسید خواهند ۲، دیدنی ۱۰، خواهند دید ۲۹، خواهند رَسیدن ۴۲، ببینند ۵۳، بینند گان ۵۵، بازرسنگان ۸۵، باز رسند گانند ۸۹، رسیدنی ۱۰۲، بازرسنگانند ۱۱۹، خواهند رسید ۱۲۲، پیوسته گان ۱۲۸

~: قَالَ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَـٰقُوا۟ ٱللَّهِ (۲۴۹:۲)

پدیده آمداران ۱، خواهند رسیدن ۲، بینند گان ۳، به بینند ۲۴، بخواهند دیدن ۳۴، رسیده خواهند ۴۲، بخواهند دید ۴۳، رسیده خواهند ۵۲، بازرسند ۶۳، رسیده اند ۹۲، رسیده ۹۶، برسید خواهند ۱۲۸، باز گردند گان ۱۳۶، بازرسند گان ۱۳۸

~: إِنَّهُم مُّلَـٰقُوا۟ رَبِّهِمْ وَلَـٰكِنِّىٓ أَرَىٰكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (۲۹:۱۱)

بیننده ۳، رسنده ۲۷، وارسند گان ۲۹، بینند ۵۳، بینند گان ۵۵، رسند گان ۵۶، وارسنده ۵۹، باز

رسند گان ۶۳، بازرسنده ۹۳، باز رسانند ۱۱۲

مُلاقُوهُ: وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُم مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۲:۲۲۳)
رسند گان ۲۷، بینند گان ۳۰، وا نزدیک باید رفتن ۴۰، می بیند و بینیت ۴۱، برسید ۵۳، بینندگان ۵۵، وانزدیک... باید شدن ۶۳، فرو رسیده اید ۸٤، باز رسند گان ۸۵، بینید ۹۰، فرارسنده ۱۰٤، برخواهید خورد ۱۲۲، فرارسند گان ۱۳۰، بیند ۱۳۸

مُلاقِيكُمْ: قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ (۶۲:۸)
پدیره آمدار ۱، بیننده ۳، برسد ۳۰، رسنده ۳۹، بررسد ۸۱، فرا رسنده پیش آینده ۱۰۹

مُلاقِيهِ: إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۸٤:۶)
پدیره آمدار ۱، رسیدن ۳۰، بیننده ۶۱، رسنده ۷۹، باز رسنده ۱۰۰، باید رسانیدن ۱۰۸، رسیده تر ۱۱۳

اَلْمَلَأُ: أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ (۲:۲٤۶)
مهتران ۱، گروه ۱۰، گروهان ۲۹، مِهتران ٤۲

~: قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۷:۶۰)
گروه بزرگان ۳، مهتران و بزرگواران ۱۰، گُروه بُزرگان ۵۵، بسران[1] و مهینان ۱۰۹، اشراف یعنی بزرگان ۱۱۳

~: قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ (۷:۶۶)
کسّها ٤۵، سرانجمنان ۸۸

~: قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ (۷:۷۵)
مِهتران ۵۳، سران مهتران ۱۰۹، مهتران ۱٤۰

~: قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ (۷:۸۸)
گروه ۵۵، مهتران، سران ۱۰۹

~: قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ (۷:۱۲۷)
وزیران اُو سرهنگان ۱۰، سران و مهینان ۱۰۹

~: يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ (۱۲:٤۳)
داناان ۲٤

~: فَقَالَ الْمَلَؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ (۲۳:۲٤)
بزرگان ۳، گروه ۵۶، بزرگان و مهتران ۷۷، بهتران ۱۰۸

~: قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (۲۶:۳٤)
مردمان ۲٤، سران ۵۸

~: قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَؤُا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي (۲۷:۳۲)
سران لشکر ۳۹، سپاه ۵۶

~: وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم (۲۸:۳۸)
گُروه مهتران ۲، سرگان ۲۱، مهتران گروه ۹٤

~: لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ (۳۷:۸)
گروه برتر ۷٤

~: وَانطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهَتِكُمْ (۳۸:۶)
گروهها ۱، گرُوهان مهتران ۲۲، گروهان مهتران ۸۸، اشوان[2] ۱۱۳

~: مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۳۸:۶۹)
بزرگواران ۳۰، گروهه ۷۹، فرشتگان ۱۳۸

مِلْءُ: فَلَن يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِم مِّلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا (۳:۹۱)
پری ۱، پُری ۲، پُرّی ۱۰، هم سنگ ۲٤، پُری ۲۸، پُری ۵۵، پر ۶۳، پُر ۱۳۸

مُلِئَتْ: وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ (۷۲:۸)

---

۱. بسران: بهینان و برترینان؛ اگر تحریفی از کلمهٔ «سران» نباشد.

۲. آیا با کلمهٔ «اشو» به معنای پاک و مقدس در دیانت زردشتی، ارتباطی دارد؟

پر کرده شد ۱، پر کرده شده ۳، پر شده ۱۹، پر باز کرده‌اند ۲۹، پر کرده ۳۰، پر بودند ۱۰۰، پربار کرده ۱۰۵، پر ۱۱۳

مُلِئْتَ: لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا (۱۸:۱۸)

پر کرده شدی ۱، پر گردانیده شدی ۲۹، پر کرده شدیی ۳۰، پُر شود ۴۱، پر باز کردندی ۴۲، پر می‌شدی ۴۳، پر شود ۴۸، پر گشتی ۵۲، پر شوی ۵۳، پُر کرده شوی ۵۶، پُر کنند ۵۷، پر شدی ۵۸، پر گردانی ۶۱، پر کرده شوی ۶۷، پر کردی تو ۷۶، پر کردی ۹۰، پرگردانیده شوی ۱۰۹، پر کرده شدتی ۱۱۴، پر گردی تو ۱۱۸، پر کرده می‌شدی ۱۲۱، پر گردی ۱۲۳، پر گردیده شدی ۱۲۹، پر شوی ۱۳۷

مَلَأَهُ: رَبَّنَا إِنَّكَ ءَاتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَٰلًا (۸۸:۱۰)

سرهنگان ۴۹، سپاه ۵۳، مهتران ۵۶، گروه ۵۸

مَلَئِهِ: ثُمَّ بَعَثْنَا مِنۢ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِ (۱۰۳:۷)

گروه و لشگرها ۱۰، سرهنگان سپاه ۱۳۶

~: ثُمَّ بَعَثْنَا مِنۢ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ وَهَٰرُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِ (۷۵:۱۰)

گروه ۱، گُروُه ۵۵، گروه مهتران ۵۶، انجمن ۵۹، کسان ۶۴، مهتران و سرهنگان ۶۷، گروهان ۸۳، بزرگان گروه انجمنیان ۱۰۹، لشکر ۱۲۳

~: إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَٱتَّبَعُوٓاْ أَمْرَ فِرْعَوْنَ (۹۷:۱۱)

بزرگواران ۴۱

~: إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَٱسْتَكْبَرُواْ وَكَانُواْ قَوْمًا عَالِينَ (۴۶:۲۳)

مهتران ۵۶، سرهنگاران ۷۷، بزرگان گروه ۱۰۹، گوروئه ۱۱۳، بزرگان ۱۳۹

مَلَئِهِمْ: إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِۦ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَ

مَلَإِيْهِمْ (۸۳:۱۰)

سپاه ۱۳، سرهنگان ۴۹، گروه ۵۱، لشکر ۵۸، گُروه ۶۲، مهتران ۹۰

مِلَّةِ: وَمَن يَرْغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبْرَٰهِـۧمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُۥ (۱۳۰:۲)

دین و کیش ۱۰۱

~: قُلْ صَدَقَ ٱللَّهُ فَٱتَّبِعُواْ مِلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا (۹۵:۳)

کیش ۳

~: دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا (۱۶۱:۶)

دین ۲۷، روش ۴۱

~: وَٱتَّبَعْتُ مِلَّةَ ءَابَآءِىٓ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ (۳۷:۱۲)

کیش ۴۲، گویش ۹۵

~: مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِى ٱلْمِلَّةِ ٱلْـَٔاخِرَةِ (۷:۳۸)

گروه ۲

مُلْتَحَدًا: وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلْتَحَدًا (۲۷:۱۸)

ستاد جای ۱، پناه جای ۳، پناه ۲۴، پناگاه ۳۴، پناه و یاری ده ۴۴، پشتی بان ۴۹، پشتی‌وان ۵۲، جای گشتن ۵۳، پناه‌گاه ۵۵، پناه نگاه‌دارنده ۵۸، پشتوان ۵۹، گریز جای ۶۴، پناه و گریختن جای ۶۷، پشتیبان ۷۸، پشتوای ۹۴، پشتوانی ۹۶، پشتیوان ۱۰۵، پناه گار ۱۲۹، گشتن جای ۱۳۹

~: وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِۦ مُلْتَحَدًا (۲۲:۷۲)

پناه گاه ۳، جسبید جای ۶، پناهی ۱۹، دوست ۳۹، گریز جاء ۹۰، پناهگاه ۹۴، پناگاهی ۱۰۲، جای پناه ۱۳۲

مِلَّتِكُمْ: إِنْ عُدْنَا فِى مِلَّتِكُم بَعْدَ إِذْ نَجَّىٰنَا (۸۹:۷)

کیش ۱۰، دین ۱۰۰

مِلَّتِنَا: وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَآ أَوْ لَتَعُودُنَّ فِى مِلَّتِنَا (۸۸:۷)

کیش ۳، دین ۲۷، کیش ۵۵

مِلَّتِهِمْ: وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ ٱلْيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (٢:١٢٠)
کیش ٣٠، دین ٥٢، کیش ٥٥

مَلْجأً: لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَـًٔا أَوْ مَغَٰرَٰتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَّوَلَّوْاْ إِلَيْهِ (٩:٥٧)
ستاد جای ١، پناه جای ٣، جای باش ٣٠، پناه جاء ٣٩، جَای پنَاه ٥٥، پَنَاه گاه ٦٢، جای پناه ٨٠، جایگاه گریختن ٩٢، آرامگاه ٩٦، گریز گاه ١١٦، پناگاه ١٢٥

~: وَظَنُّوٓاْ أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ ٱللَّهِ إِلَّآ إِلَيْهِ (٩:١١٨)
ستاد ١، جای ٢، پناه گاه ٣، اند خسگاه ٢٧، پناهگاه ٢٩، گریز جای ٣٦، جای گریختن ٤٩، پَناه گاه ٥٥، رستن پناه ٦٧، پناه جایی ١١٣

~: مَا لَكُم مِّن مَّلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٍ (٤٢:٤٧)
پناه ٣، خشواده ٣٠، جای پَناه ٣٢، پناهی ٣٨، پشتیبان ٦٤، پناه و رستن ٦٧، جای پشتوانی ٧٨، پنآه گاه ١٠٠، یاری گر ١٠٥، خشواذه ١٠٨، یاری کرد ١٢٥

مِلْحٌ: هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ (٢٥:٥٣)
شوری ١، شور ١١١

~: وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ (٣٥:١٢)
شور ٣، آب شور ٤٣، سخت شور ٥٦، نمکین ٨٧

ٱلْمَلْعُونَةَ: إِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَٱلشَّجَرَةَ ٱلْمَلْعُونَةَ فِى ٱلْقُرْءَانِ (١٧:٦٠)
دُور کرده ٢، نفریده ٢٩، نفرین کرده شده ٣٠، نفرین کرده ٣٩، نفرین کردْه ٥٣، دور کرده ٩٠، نَفریده ١٠٩، رانده ١٢٣

مَلْعُونِينَ: مَّلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوٓاْ أُخِذُواْ وَقُتِّلُواْ تَقْتِيلًا (٣٣:٦١)
رانده گان دُور کرد گان ٢، نفرین کرد گان ٣، رانده گان ٢٤، دور کرد گان ٣٠، نفرین کنند گان ٤١، نفریده گان ٤٧، رانده گان ٨٨، رانده گان دور کرد گان ١٠٨، رانده گان و دور مانده گان ١١١، نفرین کرده شده گان ١٢١، رند گان ١٣٠، رانده شده گان ١٣١

مُلْقُونَ: قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلْقُواْ مَآ أَنتُم مُّلْقُونَ (١٠:٨٠)
او کنداران ١، افکندنی ١٣، افکنند گان ٢٧، بیفکننده ٢٩، همی افکنید ٣٨، اندازنده ایت ٤١، آفکندَ گان ٥٥، بخواهید آفْکَنْد ٦٢، می اندازید ٧٦، افگند گان ٩٩، اندازند گآن ١٠٠، اندازند ١٠٤

~: قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلْقُواْ مَآ أَنتُم مُّلْقُونَ (٢٦:٤٣)
اندازند گان ٢٠، بخواهی افکندن ٢٤، اندازنده ٤١، افکند گان ٤٦، خواهید افکندن ٦١، افکندن ٧٦، اندازه گان ١١٣

ٱلْمُلْقِيَات: فَٱلْمُلْقِيَٰتِ ذِكْرًا عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (٧٧:٥)
او کنداران ١، فرشتگان پدید کننده ٢، آرند گان ٣، افکنند گان ٢٩، فریشتگان پدید کننده ٣٠، دید ند گان ٣٩، فریشتگانی که آرند ٥٦، فرشتگانی که فرود آرند ٧٦، اندازند گان ٨٩، افکند گان ٩٠، فرود آرند گان ٩١، فرو آرند گان ٩٢، رسانند گان ١٠٤، فرشتگان پدید کننده ١٠٨، فرستاد گان ـ رسانند گان ١١٣، پس آرند گان ١٢١، بیفکنید گان ١٣٩

ٱلْمُلْقِينَ: وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ نَحْنُ ٱلْمُلْقِينَ (٧:١١٥)
او کنداران ١، أفکنند گانْ ٢، افکنند گان ٣، بیوَگنیم ١٠، افکند گان ٢٤، بیفکنیم ٢٧، بیفکنده ٢٩، اندازند گان ٤١، ما بیفگنیم ٥٣، آفکَند گان ٥٥، اندازند گان ١١٣

ٱلْمَلِكُ: وَقَالَ ٱلْمَلِكُ إِنِّىٓ أَرَىٰ سَبْعَ بَقَرَٰتٍ سِمَانٍ (١٢:٤٣)
پادشا ١، پادشاه ٢، پادشآه ١٠٠

~: وَقَالَ ٱلْمَلِكُ ٱئْتُونِى بِهِۦٓ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِى (١٢:٥٤)
پَادشَاه ٥٥

~: مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ (١٢:٧٦)
پادشای ٢

~: وَكَانَ وَرَاءَهُم مَّلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا (١٨:٧٩)
پادشاهی ٧٩

مُلْكِ: وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ (٢:١٠٢)
پادشاهی ٥٥

~: أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (٢:١٠٧)
پادشاهی ٢، پادشاهی ١٠

~: وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ (٢:٢٤٧)
پادشاه ٣٠

~: قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ (٣:٢٦)
پادشاهان ٦٠، پادشاهی ١٠٧

~: وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (٣:١٨٩)
پادشای ١

~: وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا (٥:١٧)
پادشاهی ٢، شادشاهی ٥٥، پادشهی ١٣٠

~: وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا (٥:١٨)
پادشائی ٤٥، پادشاه ٦٤

~: أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (٥:٤٠)
پادشای ٥٣

~: لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ (٥:١٢٠)
پادشاهی ٢

~: وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ (٦:٧٣)
پادشاهی ٢

~: إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ (٩:١١٦)
پادشاهی ٥٥

~: وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ (١٧:١١١)
پادشایی ٢

~: هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ (٢٠:١٢٠)
پادشایی ٢

~: الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ (٢٢:٥٦)
پادشاهی و فرماندهی ١١٦

~: الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَٰنِ (٢٥:٢٦)
پادشاهی ٧٦، پادشاهی و فرمان ٧٩

~: أَمْ لَهُم مُّلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا (٣٨:١٠)
پادشاهی ١٠٠

~: يَا قَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ (٤٠:٢٩)
شاهی ٨١

~: قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ (٤٣:٥١)
پاشاهی ٩١

~: وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (٤٥:٢٧)
پادشاای ٢

~: لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (٥٧:٥)
پادشاای ٢

مَلَكًا: وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ (٦:٨)
فریشته ٢

~: لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَّسُولًا (١٧:٩٥)
فریشته ١، فرشته ٣٤

مَلَكٌ: وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ (٦:٨)
فرشته ١

~: وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ (٦:٥٠)
فریشته ٢

~: لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنزٌ أَوْ جَآءَ مَعَهُۥ مَلَكٌ (۱۱:۱۲)
فِرشتهٔ ۵۵، فِرِشْته ۹۴

~: وَلَآ أَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ وَلَآ أَقُولُ إِنِّى مَلَكٌ (۱۱:۳۱)
فِريشته ۵۵

~: إِنْ هَٰذَآ إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ (۱۲:۳۱)
فريشته ۱، فريشته ۲، فريشته ۵۳، فرشته ۵۵

~: وَكَم مِّن مَّلَكٍ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ لَا تُغْنِى شَفَٰعَتُهُمْ شَيْـًٔا
(۵۳:۲۶)

فريشته ۸۷

~: وَجَآءَ رَبُّكَ وَٱلْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۸۹:۲۲)
فريشتگان ۲، فرشتگان ۳۴، فرشته گان ۱۳۶

مَلِكًا: إِذْ قَالُوا۟ لِنَبِىٍّ لَّهُمُ ٱبْعَثْ لَنَا مَلِكًا (۲:۲۴۶)
سپه سالار ۱۰، سپاه سالار ۳۰، پادشاهي ۶۹، پادشاه ۱۰۰، پادشاهی ۱۰۴

~: إِنَّ ٱللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا (۲:۲۴۷)
پادشا ۱، پادشاه ۳، سالار لشکر ۱۰

مُلْكًا: وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا (۷۶:۲۰)
پادشای ۱، پادشایی ۲، پادشاهی ۳

مَلَكَتْ: أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ (۴:۳)
پادشا شد ۱، پادشاه باشد ۵۷، پادشا باشد ۶۵

~: وَٱلْمُحْصَنَٰتُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ
(۴:۲۴)

پادشاه شود ۲۹

~: فَمِن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُم مِّن فَتَيَٰتِكُمُ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ
(۴:۲۵)

دست یابند ۶۱، خداوند شد ۱۰۹

~: وَٱلصَّاحِبِ بِٱلْجَنۢبِ وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ
(۴:۳۶)
پادشاست ۵۳، خداوند شد ۱۰۹

~: فَمَا ٱلَّذِينَ فُضِّلُوا۟ بِرَآدِّى رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ
(۱۶:۷۱)
بیندوختند ۲۹، پادشا است ۵۶، پادشاه شدند ۶۱، پادشاه گشت ۸۳، پادشاه گشته باشد ۹۴

~: أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۲۳:۶)
پادشا گشت ۲، توانست ۲۹، پادشاه شوند ۱۲۸

~: أَوْ بَنِىٓ أَخَوَٰتِهِنَّ أَوْ نِسَآئِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُنَّ
(۲۴:۳۱)
زیردستان ۴۷، پادُشا باشَد ۵۳، پادشا شند ۷۷

~: وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَيْكَ (۳۳:۵۰)
پادشا گشت ۲، پادشاه شدست ۵۶، بخریدند ۶۱، بادشا ۹۵

~: وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُنَّ (۳۳:۵۵)
بخرید ۸۷

~: إِلَّا عَلَىٰٓ أَزْوَٰجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ (۷۰:۳۰)
پادشا شود ۲، پادشاه باشد ۱۹، پادشاه باشند ۵۴، پادشاه شد ۵۶

★ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ: فَوَٰحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ
(۴:۳)
آن که زَیردست شما بود ۱۰، آنچه زیردست شما باشند ـ کنیزکان ۸۸، آنکه زر خریدهٔ شما باشد ۱۲۴

~: فَمِن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُم مِّن فَتَيَٰتِكُمُ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ
(۴:۲۵)

آنچه بزر خریدند ۱۲۴

~: وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ (۴:۳۶)
بنده و پرستار و شاگرد و مزدور که زیردست شما باشند ۴۰

~: هَل لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُم مِّن شُرَكَآءَ فِى مَا رَزَقْنَٰكُمْ
(۳۰:۲۸)
آنچه زیردستانند ۹۶

★ مِمَّامَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ: وَٱلَّذِينَ يَبْتَغُونَ ٱلْكِتَٰبَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ (۲۴:۳۳)
از آنکه درم خریده شما اند ۹۶

★ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ: أَوْمَامَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ (۴:۳)
زیردست شما ۲۳، کنیزک ۶۰، بزیردست شما باشد ۱۲۸

~: وَٱلْمُحْصَنَٰتُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ (۴:۲۴)
بردگان ۴۰

~: وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ (۴:۳۶)
بندگان و کنیزکان ۱۲۴

~: لِيَسْتَـْٔذِنكُمُ ٱلَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَٰنُكُمْ (۲۴:۵۸)
بندگان شما ۳۹، پادشاه شد دستها شما ـ بندگان ۴۱، بندگان ۷۶

★ مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ: بِرَآدِّي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُمْ (۱۶:۷۱)
بندگان ۲۴، کنیزکان ۳۴، کنیزکان خود ۳۹

★ مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ: أَوْنِسَآئِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُنَّ (۲۴:۳۱)
درم خریدگان از بندگان ـ پرستاران ۷۶، درم خریدگان ۹۶

~: وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُنَّ (۳۳:۵۵)
کنیزکان ۴۱، زیردست ۵۲

مَلَكْتُمْ: أَوْبُيُوتِ خَٰلَٰتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكْتُم مَّفَاتِحَهُۥٓ أَوْ صَدِيقِكُمْ (۲۴:۶۱)
درم خریده ۵۲، بدست شما باشد ۵۴، بدست شما داده باشند ۷۶، پادشاه گشتید شما ۷۷، خاوندی کردید ۱۰۹

بِمَلْكِنَا: قَالُوا۟ مَآ أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا (۲۰:۸۷)
پادشای ۱، پادشای ۲، توانایی ۲۹، خواست ۴۲، فرمان و پادشاهی ۵۶، بایست و شایست و پادشاهی ۵۸، پادشاهی ۶۱، خودی خود ۸۷، خودی خویش ۸۸، توان ۱۰۲، بخودی خود ۱۳۹

مُلْكَهُ: وَٱللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُۥ مَن يَشَآءُ (۲:۲۴۷)
پادشای ۱، پادشاهی ۲، پادشاهی ۳، سالاری ۱۰، پادشایی ۳۰، شاهی ۱۰۶

مَلَكُوتَ: وَكَذَٰلِكَ نُرِيٓ إِبْرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ (۶:۷۵)
پادشای ۱، پادشایی ۲، پادشاهی ۳، پادشاهی ۵۵، فریشتگان ۹۰، پادشاهی ۱۰۰، پادشاییها ۱۰۷

~: أَوَلَمْ يَنظُرُوا۟ فِي مَلَكُوتِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۷:۱۸۵)
پادشاهی ۲، پادشاه ۱۲۰

~: قُلْ مَنۢ بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ (۲۳:۸۸)
پادشاای ۲، پادشاهیها ۳۰

~: فَسُبْحَٰنَ ٱلَّذِي بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ (۳۶:۸۳)
پاداشاهی ۹۱

ٱلْمَلَكَيْنِ: يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ ٱلسِّحْرَ وَمَآ أُنزِلَ عَلَى ٱلْمَلَكَيْنِ (۲:۱۰۲)
دو فریشته ۲، دو فریشته ۴، دو فریشته ۱۰، دو فرشته ۴۲، دو فرشتگان ۹۹

~: إِلَّآ أَن تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ ٱلْخَٰلِدِينَ (۷:۲۰)
دو فرشته ۱، دو فریشته ۳، دو فریشته ۱۰، فریشتگان ۱۰ مکرر، فرشتگان ۵۲

مُلُوكًا: إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنۢبِيَآءَ وَجَعَلَكُم مُّلُوكًا (۵:۲۰)
پادشاان ۱، پادشاهان ۲، پادشا آن ۴۵، پادشاهان ۶۷، پادشاهی ۷۵

مَلُومًا: وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ ٱلْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (۱۷:۲۹)
سرزنش کرده ۳، نکوهیده ۴۲

~: فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا (۱۷: ۳۹)
نکوهیده ۳٤، سَرزنش گردَه ۵۵، سَرزنش کرده ۵۷، نُکوهیدَه ٦۲، دور کرده ۹٤، سرزنش ۱۱۸

مَلُوم: فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَآ أَنتَ بِمَلُومٍ (۵۱: ۵٤)
سرزنش کرده ۳، نکوهیده ۲٤

مَلُومِين: أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَـٰنُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۲۳: ٦)
سرزنش کرد گان ۳، سرزنش کرده شد گان ۸۰، نکوهیده شد گان ۱۰۹، سرزنش کرده ۱۲۱، سرزنش کنند گان ۱۲۹

~: أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَـٰنُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۷۰: ۳۰)
سرزنش کرده گان ۳، نکوهیده گان ٥٦، سرزنش زده شد گان ۱۰۹

مَلِيًّا: لَئِن لَّمْ تَنتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا (۱۹: ٤٦)
یک چند ۱، دیر ۲، روزگاری دراز ۳، دیر ۲٤، دور ۳۰،، یکچند ۳٦، روزگار ۳۹، چند گاه ٤۱، چند ٤۲، سالها ٤٤، دیر گاه ٥٦، روزگار دراز ٥٦، یکچند دیر ٥۹، بارواي ٦۹، سیرشده ۸٤، هنگام دراز ۸۷، چندی ۹۲، بسیار زمان ۹٦، یکچندی ۱۲٥، هنگامی دراز ۱۲٦، روزی چند ۱۳۸، هنگام ۱۳۹

مَلِيكٍ: فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (٥٤: ٥٥)
پادشای ۱، پادشاه ۳، پادشاهی ۳۸، پَادشا ٤۲

مُلِيمٌ: فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ (۳۷: ۱٤۲)
سزای نکوهیدن ٦٥، سزاوار نکوهش ۱۰۹

~: فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ (٥۱: ٤۰)
نکوهیده ۲٤، سزای نِکُوشْ ٥٦، سزای نکوهش ۱۰۸، سزای سرزنش خوار ۱۱٤

الْمَمَاتِ: إِذًا لَّأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ (۱۷: ۷٥)
مَرگ ۲، گور ۳، مردن ۲۹، مرگ ۳۹، مُردن ٥۷، مردگی ۹٤

مَمَاتُهُمْ: كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ (٤٥: ۲۱)
مرگ ۳۲، مردن ۳٦، مُردَن ٥٦، مردگی ۱۱٤، مرده بودن ۱۳٦

مَمَاتِي: قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ (٦: ۱٦۲)
مرگی ۱، مرگ ۲، مردن ۱۰، مَرگ ٥٥، میرانیدن ۹۲، مُردن ۱۱٤

الْمُمْتَرِينَ: الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۲: ۱٤۷)
گمان مَندان ۲، بگمان شوند گان ۳، گمانومندان ٤۸، بگمان شَوَندَگان ٥٥، گمان بران ۸۸، دور درآرند گان ۹۸، گمان داران ۱۰۹، گمان شوند گان ۱۱٤، بی گمان شوند گان ۱۱۹، شک کنند گان ۱۲۳

~: الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ (۳: ٦۰)
گمان مَندان ۲، بُگمان شَوَندَگان ٥٥، گمامند گان ۷۲، بگمان افتند گان ۸۳، گمان ازاد گان ۱۱۹

~: فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (٦: ۱۱٤)
گمامند شداران ۱، گمان مندان ۲، بگمان افتاد گان ۳، گمان برند گان ٤۱، بگمان اُفتاد گان ٥٥، انباز فرادارند گان ۱۰٦، گمرهان ۱۳٦

~: فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۰: ۹٤)

۱. بی گمان شوند گان / بگمان شوند گان.

گمان مندان ۲، شک کنان ۱۳، بی گمانان ۳۸، گمام زدگان ۴۱، گمان افتادگان ۵۸، گمانمندان ۵۹، بد گمانان ۶۴، گمان افتند گان ۶۹، اندوهگنان ۸۸، گمانِ مند آن ۹۴، گمان کنند گان ۱۲۱، گمان برد گان ۱۲۴، بربافند گان ۱۳۴

مُمَدَّدَةٍ: إِنَّهَا عَلَيْهِم مُّؤْصَدَةٌ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ (۱۰۴:۹)
دراز کشنده ۲، کشیده ۲۴، کشیده و استوار کرده ۶۴، بر کشیده شده ۱۰۰، کشیده شده ۱۰۲، نیک دراز ۱۱۴، کشیده و دراز ۱۲۰، دراز ۱۲۳، بازکشیده ۱۲۴، استوار کننده ۱۳۹

مُمِدُّكُم: أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ (۸:۹)
من بیفزایم ۵۲، بیفزایم ۹۴، یاری دهنده ۱۰۹، افزون کنم ۱۱۲

مَمْدُودٍ: وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ (۵۶:۳۰)
کشیده ۱، گسترده ۲، گسترده ۳۰، گشیده ۴۲، باز کشیده ۴۸، بکشیده ۴۹، ناگرنده ۹۵، کشیده شده ۱۰۲، ناگذرنده ۱۰۸، کشیده و گسترده ۱۱۶، پاینده ۱۳۱

مُمَرَّدٌ: قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ (۲۷:۴۴)
هموار کرده ۱، هموار کرده و بلند کرده ۳، نرم کرده ۲۰، برآورده ۲۴، ساده ۲۹، اندوده ۳۰، لشن[1] کرده ۳۶، دراز ۴۲، لشن[1] ۴۳، نسو بکرده ۴۷، نسو کرده ۴۸، کَرْدَهْ ۵۳، ساده و روشن و نرم ۵۶، نَسْوْ ۷۶، هموار کرده و بلند برآورده ۸۰، بلند ۸۷، هموار کرده بلند برآورده ۹۱، هموار ۱۱۱، ساده و هموار ۱۱۶، بلند برآورده ۱۲۱، لغزان ۱۲۲، سخت کردند ۱۳۸

مُمَزَّقٍ: كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ (۳۴:۷)
پاره کردن ۱، پراگندن ۲، پراکنده کردن ۳، دریدن ۷، تاره کردن ۱۸، پراکنده ۲۴، پراکند. ۲۹، پراکنده بودن ۳۴، پاره ۳۸، پراکندگی ۳۹، ریزانیدن ۴۷، پراکنده شدن ۴۹، پارَهْ کَرْدَنْ ۵۳، پراکنده شونده ۹۱، پراکنده گی ۵۳، کردن ۹۶، خورد ومرد شدن ۱۰۰، پاره شدن ۱۰۲، پراکنده کرده شدن ۱۰۹، پاره کرده ۱۱۴، پاره شدنی ۱۱۵، ریزه ریزه ساختن ۱۱۶، پارَه گردَه ۱۱۹، پاره ساختن ۱۳۰

~: فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ (۳۴:۱۹)
تاذه کردن ۴۷

★ كُلَّ مُمَزَّقٍ: إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ (۳۴:۷)
هر چه پاره تر ۴۱

مُمْسِكَ: مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا (۳۵:۲)
وازگرفتار ۱، بازدارنده ۲، بازدارنده ۳، برگیرنده ۷، بازگیرنده ۲۹، بازداشتن ۴۲، نگاه دارنده ۶۱، نگاهدارنده ۸۷، نگه دارنده ۸۹، بازگردنده ۹۶

★ فَلَا مُمْسِكَ: مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا (۳۵:۲)
باز نتواند داشتن ۱۰۵

مُمْسِكَاتُ: أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ (۳۹:۳۸)
وازگرفتاران ۱، بادارندگان ۳، بازگیرنده ۱۵، بازگیرندگان ۲۹، توانند داشتن ۳۰، بازگرفتن ۳۶، بازدارنده ۳۹، بازدارندگان ۴۳، بازدارَندِگان ۵۳، بازدارنْدگان ۵۶، نگه دارندگان ۸۹، توانند بازداشتن ۱۰۵، نگهدارندگان ۱۰۶، نگاه دارندگان بازدارندگان ۱۰۹

---

۱. لشن: نرم، لغزنده.

مُمْطِرُنا: قَالُواْ هَٰذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا (۴۶:۲۴)
گوارندار ۱، بارنده ۳، باران کند ۲۲، ببارنده ۲۹، بـاران آرد ۴۱، بـاران آورد ۴۸، بـاران ایـد ۵۳، بخواهد بارید ۶۱، می بارد ۸۱، باران دهنده ۸۶، باران بارد ۱۰۸، باران بار ۱۳۸

مَمْلُوكًا: ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا (۱۶:۷۵)
گورده کرده[1] ۱، درم خریده ۳، خریده ۵۳، خَریدَه ۵۵، بَرده ۵۷، ببندگی گرفته ۵۸، زیردست ۵۹، بنده ۷۲، به بندگی گرفته ۷۴، پادشا گشته بروی ۷۸، پادشاه گشته بروی ۸۳، زیردست خداوند ۸۸، بزر خریده ۱۲۲، زرخرید ۱۲۷، بروی پادشاه گشته باشد ۱۲۸

مَمْنُوعَةٍ: وَفَٰكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (۵۶:۳۳)
بشرده[2] ۱، بازداشته ۲، بازداشته شده ۹۹، بازداشته شود ۱۱۹، بازداشت شده ۱۳۲

مَمْنُون: لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۴۱:۸)
جد بریده ۱، بریده (یعنی کاسته) ۳، بریده و کم کرده ۵۶، بازبریده ۸۹

~: وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (۶۸:۳)
سخته ۳۸، گسسته ۶۹

~: لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۸۴:۲۵)
کاسته ۲، کاسته و گسسته ۳۰، گسیخته ۳۸، بازداشته ۳۹، ناکاسته ۴۲، کم کرده ۶۱، بریده شده ۱۰۰

~: فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۹۵:۶)
پایان ۱۳۹

مَنْ: وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ (۲:۸)
کس که ۲، کسی ۹۹، گروهی که ۱۲۲

~: وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ (۲:۶۲)
هر کس ۱۰

~: مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَرُسُلِهِۦ (۲:۹۸)
هر کی ۹۸

~: إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَٰرَىٰ (۲:۱۱۱)
انکس که ۱۲۱

~: بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ (۲:۱۱۲)
آناک ۱۰۵

~: مَنْ ءَامَنَ مِنْهُم بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ (۲:۱۲۶)
آن کس را که ۱۰۵

~: وَمَن يَرْغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبْرَٰهِـۧمَ (۲:۱۳۰)
هر که و کیست ۵۷

~: يَهْدِى مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۲:۱۴۲)
آنی که ۱۰۹

~: وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادًا (۲:۱۶۵)
کسْت که ۴۰، کس هست که ۵۷، آنک ۷۵

~: وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِى ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً (۲:۲۰۱)
کسانی که ۲۹

~: وَٱللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲:۲۱۲)
از آنجا که ۱۲۴

~: مَّن ذَا ٱلَّذِى يُقْرِضُ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا (۲:۲۴۵)
کیست ۲، کیست آنکه ۲۷

---

۱. گورده کرده: بنده، زیردست.
۲. بشرده: بازداشته شده.

~: بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي مُبْتَلِيكُم (۲: ۲۴۹)
کی ۱

~: وَلَٰكِنِ ٱخْتَلَفُوا فَمِنْهُم مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُم مَّن كَفَرَ (۲: ۲۵۳)
کس است که ۲۷، کس بود که ۲۷، کس ۲۹، کس است ۴۳، کسیست ۵۶

~: فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ (۲: ۲۸۴)
کرا ۱

~: قَالَ مَنْ أَنصَارِىٓ إِلَى ٱللَّهِ قَالَ ٱلْحَوَارِيُّونَ (۳: ۵۲)
کیانند ۲۸

~: وَمِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ (۳: ۷۵)
کس که ۲

~: وَلَهُۥٓ أَسْلَمَ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ (۳: ۸۳)
ایشان که ۲۵، آنانیکه ۶۱

~: وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلْبَيْتِ مَنِ ٱسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا (۳: ۹۷)
هر آنکس ۷۹

~: لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا (۳: ۹۹)
آنکس که ۲، آنکسان که ۲۷

~: مِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلدُّنْيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلْءَاخِرَةَ (۳: ۱۵۲)
کسانی که ۲۷، کسی که ۶۱

~: وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَجْتَبِى مِن رُّسُلِهِۦ مَن يَشَآءُ (۳: ۱۷۹)
آن را که ۵۶

~: أَتُرِيدُونَ أَن تَهْدُوا۟ مَنْ أَضَلَّ ٱللَّهُ (۴: ۸۸)
هر که را ۵۶

~: مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِۦ فَسَوْفَ يَأْتِى ٱللَّهُ بِقَوْمٍ (۵: ۵۴)
آن کرا ۳۷

~: إِنَّهُۥ مَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِ ٱلْجَنَّةَ (۵: ۷۲)
هر کس که ۲۷

~: فَمَنِ ٱعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۵: ۹۴)
آن که ۲

~: لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا ٱهْتَدَيْتُمْ (۵: ۱۰۵)
کسی که ۲، انکس ۹، آنکسی ۲۶، هر آنکس که ۴۵

~: قُلْ إِنِّىٓ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ (۶: ۱۴)
کي ۱، کسی که ۲

~: ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهْدِى بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ (۶: ۸۸)
آنرا که ۹

~: وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِى ٱلْأَرْضِ يُضِلُّوكَ (۶: ۱۱۶)
انکسها که ۲

~: مَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَا هَادِىَ لَهُۥ (۷: ۱۸۶)
هر کرا ۲۷

~: وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ ٱئْذَن لِّى وَلَا تَفْتِنِّىٓ (۹: ۴۹)
کس ۵۶

~: وَمِنْهُم مَّنْ عَٰهَدَ ٱللَّهَ لَئِنْ ءَاتَىٰنَا مِن فَضْلِهِۦ لَنَصَّدَّقَنَّ (۹: ۷۵)
که ۱۲۴

~: قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ (۱۰: ۳۱)
که ۲

~: وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ (۱۰: ۴۲)
کسیکه ۱۲۱

~: أَلَآ إِنَّ لِلَّهِ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِى ٱلْأَرْضِ (۱۰: ۶۶)*
هر چه ۲۷

~: إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَٰعَنَا عِندَهُۥ (٧٩:١٢)
آنرا که ٥٥

~: وَيُرْسِلُ ٱلصَّوَٰعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَن يَشَآءُ (١٣:١٣)
بدان که ٩٦

~: وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرْذَلِ ٱلْعُمُرِ (٧٠:١٦)
کس که ٢

~: وَٱسْتَفْزِزْ مَنِ ٱسْتَطَعْتَ مِنْهُم بِصَوْتِكَ (٦٤:١٧)
چندانکه ٦٣

~: ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّآ إِيَّاهُ (٦٧:١٧)
او که ٥٨

~: فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَٰبُ ٱلصِّرَٰطِ ٱلسَّوِيِّ وَمَنِ ٱهْتَدَىٰ (١٣٥:٢٠)
کیست ٢، کیستند ٢٩، کیستْ ٨٧

~: قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ مِنَ ٱلرَّحْمَٰنِ (٤٢:٢١)
کدام کس ٨٦

~: وَمِنَ ٱلشَّيَٰطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُۥ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا (٨٢:٢١)
کسان که ٣٩

~: وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِى ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (٣:٢٢)
کس ٥٦

~: وَأَنَّ ٱللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِى ٱلْقُبُورِ (٧:٢٢)
کسان ٦٢

~: مَنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ ٱللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ (٧٢:٢٨)
کدام ٦٤

~: فَمِنْهُم مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا (٤٠:٢٩)
کس که ٢

~: إِنَّ ٱللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَآءُ وَمَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ (٢٢:٣٥)
آنهان که ٣٩

~: إِلَّا مَن رَّحِمَ ٱللَّهُ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ (٤٢:٤٤)
انکه ٢

~: مَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا فَلِنَفْسِهِۦ وَمَنْ أَسَآءَ فَعَلَيْهَا (١٥:٤٥)
هر که ٢

~: قَالَ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّۦنَ مَنْ أَنصَارِىٓ إِلَى ٱللَّهِ (١٤:٦١)
کیان ٣

~: يَقُولُونَ لَا تُنفِقُوا۟ عَلَىٰ مَنْ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ (٧:٦٣)
آنان که ٢٩

★ مَنْ ذَا ٱلَّذِى: مَن ذَا ٱلَّذِى يَشْفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ (٢٥٥:٢)
آن کیست که ٦٣

أَمَّنْ: أَمَّن لَّا يَهِدِّىٓ إِلَّآ أَن يُهْدَىٰ (٣٥:١٠)
انکه ٥٦

بِمَنْ: إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ (١٢٥:١٦)
که ٥٢

~: فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا (٨٤:١٧)
بدانکسی که ٩٢

~: إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ (٣٠:٥٣)
بدانکه ٦١، بدانکس ٨١، بآنکه ٨٦

فَمَنْ: فَمَن تَبِعَ هُدَاىَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ (٣٨:٢)
هرکه ٢، هر کس که ١٠، هرْ که ٥٥

~: فَمَنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ مِنۢ بَعْدِ ذَٰلِكَ (٩٤:٣)
هر که ٢٧

~: فَمَن زُحْزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ (١٨٥:٣)
هر که ٢

~: فَمَن يُجَٰدِلُ ٱللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ (١٠٩:٤)
کیست ٢٧

~: قُلْ فَمَن يَمْلِكُ مِنَ ٱللَّهِ شَيْـًٔا إِنْ أَرَادَ أَن يُهْلِكَ (۱۷:۵)
کیست که ۵۶

~: فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا (۶:۱۴۴)
کیست ۲۴

~: فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَاىَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ (۲۰:۱۲۳)
که ۱

~: فَمَن ثَقُلَتْ مَوَٰزِينُهُۥ فَأُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ (۲۳:۱۰۲)
هر کرا ۱۰۸

أَفَمَنْ: أَفَمَنِ ٱتَّبَعَ رِضْوَٰنَ ٱللَّهِ كَمَنۢ بَآءَ بِسَخَطٍ مِّنَ ٱللَّهِ (۳:۱۶۲)
آن کسی که ۲، انکس که ۵۶

~: أَفَمَن يَعْلَمُ أَنَّمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ٱلْحَقُّ (۱۳:۱۹)
انکسی که ۲، آنکه ۵۵

~: أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۱۶:۱۷)
که ۲

~: أَفَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ فَرَءَاهُ حَسَنًا (۳۵:۸)
هر کرا ۵۶

كَمَنْ: أَفَمَنِ ٱتَّبَعَ رِضْوَٰنَ ٱللَّهِ كَمَنۢ بَآءَ بِسَخَطٍ مِّنَ ٱللَّهِ (۳:۱۶۲)
چُونان باشد که ۲، همچنان ۱۲۴

~: أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ ٱلْحَآجِّ وَعِمَارَةَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ (۹:۱۹)
آنکه ۵۶

~: كَمَن مَّتَّعْنَـٰهُ مَتَـٰعَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۲۸:۶۱)
چنانکه ۵۶

لِمَنْ: وَلَقَدْ عَلِمُوا۟ لَمَنِ ٱشْتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِى ٱلْـَٔاخِرَةِ مِنْ خَلَـٰقٍ (۲:۱۰۲)
هر که ۲۴، آنکه ۶۳، هر آنکه ۱۰۰

لِمَنْ: وَلَا تَقُولُوا۟ لِمَن يُقْتَلُ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمْوَٰتٌۢ (۲:۱۵۴)
مر آنانرا که ۳

~: حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ۖ لِمَنْ أَرَادَ أَن يُتِمَّ ٱلرَّضَاعَةَ (۲:۲۳۳)
مر آنرا که ۲، مر آنکس را ۱۰۷

~: فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ (۲:۲۸۴)
هر کرا ۹۹

~: وَلَا تُؤْمِنُوٓا۟ إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ (۳:۷۳)
آنرا که ۲

~: يَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ (۳:۱۲۹)
کرا ۱

~: وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ (۴:۴۸)
مر آنرا ۲۹، مر آن را که ۶۳

~: وَلَا تَقُولُوا۟ لِمَنْ أَلْقَىٰٓ إِلَيْكُمُ ٱلسَّلَـٰمَ لَسْتَ مُؤْمِنًا (۴:۹۴)
آنکسی که ۲، آنکسها که ۲۷، مرانکس را که ۱۰۵

~: قُل لِّمَن مَّا فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ قُل لِّلَّهِ (۶:۱۲)
کرا ۲، کراست ۹، مر کراست ۸۸، مر کرا ۱۰۵

~: قَالَ ٱلْمَلَأُ ... لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ (۷:۷۵)
آن کسان که ۲۷

~: يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ قُل لِّمَن فِىٓ أَيْدِيكُم مِّنَ ٱلْأَسْرَىٰٓ (۸:۷۰)
آن کس که ۲۲، مر آنکسی را که ۱۲۴

~: إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ (۲۰:۳)
مرورا ۱۰۸

~: قُل لِّمَنِ ٱلْأَرْضُ وَمَن فِيهَآ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۳:۸۴)
مر کرا ۲

~: قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ (۳٤:۳٦)
او را که ۱۱٤

وَلِمَنْ: وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ (۵۵:٤٦)
مرانکس را که ۵٦

مِمَّنْ: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ (۲:۱۱٤)
از آنکه ۵۹

~: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَادَةً عِندَهُ مِنَ اللَّهِ
(۲:۱٤۰)
زانکس ٤۰، از آن کس ٦۷

~: فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ (۲:۲۸۲)
زانکه ٦۳، از آن کسانی که ۷۵، از آنکسانکه ۱۲۱

~: وَتَنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ (۳:۲٦)
ازانکس ۲۵، از آنکس که ۲۷

~: بَلْ أَنتُم بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ (۵:۱۸)
از کی ۱، أز آنکه ۲، از آن که ۱۰ مکرّر

~: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (٦:۹۳)
از آنکس که ۵۸

~: فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (٦:۱٤٤)
از آنکه ۳

~: فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا
(٦:۱۵۷)
از آن کسی که ۲۷

~: إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ (۱۱:۱۱٦)
از آنکسان که ۵۸

~: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا (۱۸:۵۷)
أز آنکسي که ۲

~: تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى (۲۰:٤)
از آنکسي که ۲، از آنکس ۹۲

~: مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ (۳۳:۵۱)
از آنها که ۳۹

~: إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا (۳٤:۲۱)
از آن کس که ۵۸

~: وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ (٤۱:۳۳)
از کسی که ۹۲

وَمِمَّنْ: وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ
(۷:۱۸۱)
از کی ۱، از آن که ۳۵، از آنچه ۵۸، ازینها که ۹۲

~: وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ (۹:۱۰۱)
از آنکسان که ۵۸

~: وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ (۱۹:۵۸)
آنکسانکه ۵٦، از کسانی که ۵۸، از آن کسانیکه ۹۲

~: لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (۳۸:۸۵)
از آنکس ۹۲، از آنکه ۹٦

وَمَنْ: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ (۲:۱۱٤)
کیست ۲، که ۱۰، انکه ۲۹

~: وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ
(۲:۲۱۷)
هر کس که ۵۷

~: فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ (۳:۲۰)
آنکسان که ۹۲، آنان که ۹٤

~: وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ (۳:۱۳۵)
کیست که ۲۷، کي ۱۰۵

~: وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۳:۱٦۱)
هر که ۳

~: وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (٤:۸۷)
کیست ۲

~: وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُۥ لِلَّهِ (٤: ١٢٥)
آنکس ٤٥

~: وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَإِنَّهُۥ مِنْهُمْ (٥: ٥٠)
کدام ٢٤

~: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا (٦: ٢١)
کیست ٢، که باشد ٧٢

~: فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِى ٱلْفُلْكِ (١٠: ٧٣)
کرا ١

~: قَالَ وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ
(١٥: ٥٦)
که ٢

~: تُسَبِّحُ لَهُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ ٱلسَّبْعُ وَٱلْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ (١٧: ٤٤)
آنانکه ٤٢

~: فَأَغْرَقْنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ جَمِيعًا (١٧: ١٠٣)
آنها ١١٣

~: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ (١٨: ٥٧)
کی ١٣٩

~: ثُمَّ صَدَقْنَٰهُمُ ٱلْوَعْدَ فَأَنجَيْنَٰهُمْ وَمَن نَّشَآءُ (٢١: ٩)
آنرا ١٢

~: أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَسْجُدُ لَهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ (٢٢: ١٨)
هر کرا ٨٧

~: لَفَسَدَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ (٢٣: ٧١)
آنچه ٥٨

~: وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ ٱللَّهِ
(٢٨: ٥٠)
کیست ٤٣

~: ٱلَّذِينَ يَحْمِلُونَ ٱلْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُۥ (٤٠: ٧)
آنکسانکه ٥٦

~: وَمَن صَلَحَ مِنْ ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ وَذُرِّيَّٰتِهِمْ
(٤٠: ٨)
کی ١

~: لِّتُنذِرَ أُمَّ ٱلْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ ٱلْجَمْعِ (٤٢: ٧)
آنها که ٣

مِنْ: ٱعْبُدُوا۟ رَبَّكُمُ ٱلَّذِى خَلَقَكُمْ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ
(٢: ٢١)
از ٥٥

~: وَكَانُوا۟ مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟
(٢: ٨٩)
نزد ٧٩

~: وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ
(٢: ١٠٢)
هیچ ٢

~: وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَىْءٍ مِّنَ ٱلْخَوْفِ وَٱلْجُوعِ (٢: ١٥٥)
اندر ٢٩

~: وَأْتُوا۟ ٱلْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَٰبِهَا ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ (٢: ١٨٩)
به ٤٠

~: وَمَا لَهُۥ فِى ٱلْءَاخِرَةِ مِنْ خَلَٰقٍ (٢: ٢٠٠)
هیچ ١٠

~: وَيَسْخَرُونَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ (٢: ٢١٢)
بر ١٢٤

~: أَنفِقُوا۟ مِمَّا رَزَقْنَٰكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ (٢: ٢٥٤)
کاز ١

~: وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ ٱلْمُؤْمِنِينَ مَقَٰعِدَ
لِلْقِتَالِ (٣: ١٢١)
أز ٢

~: يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ ٱلْأَمْرِ مِن شَىْءٍ (٣: ١٥٤)
هیچ ١

~: يُدْخِلْهُ جَنَّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ (۱۳:٤)

در ٤٠، هيچ كس ٤٥

~: وَإِن مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِۦ قَبْلَ مَوْتِهِۦ (١٥٩:٤)

هيچ يک ٦٣

~: مَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ (٦:٥)

هيچ ـ از ٣٧

~: لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ (٥١:٦)

جز ٤٤

~: إِذْ قَالُوا۟ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّن شَىْءٍ (٩١:٦)

از هيچ ٥٨

~: إِنَّ رَحْمَتَ ٱللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ ٱلْمُحْسِنِينَ (٥٦:٧)

به ١٣٦

~: قُلْ مَا يَكُونُ لِىٓ أَنْ أُبَدِّلَهُۥ مِن تِلْقَآئِ نَفْسِىٓ (١٥:١٠)

از ١

~: وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا (٦١:١٠)

هيچ ٥٥

~: إِلَّا كَمَآ أَمِنتُكُمْ عَلَىٰٓ أَخِيهِ مِن قَبْلُ (٦٤:١٢)

ازِ ٧٦

~: وَجَنَّٰتٌ مِّنْ أَعْنَٰبٍ وَزَرْعٌ (٤:١٣)

با ٦٣

~: مَا ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ مِن وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُۥ مِنْ إِلَٰهٍ (٩١:٢٣)

هيچ‌ه ١١٩

~: وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ (١٣:٣٥)

برخى ١٣٦

★ مِنْ أَجْلِ: مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ (٣٢:٥)

از بهر ٢٩

★ مِنْ أَحَدٍ: وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ (١٠٢:٢)

هيچ كس ٤٠

★ مِنَ الّذين: لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ (١٢٧:٣)

بد يشان ١

~: قَالَ رَجُلَانِ مِنَ ٱلَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمَا (٢٣:٥)

ازيشان ١

★ مِنْ أَنْفُسِهِمْ: إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ (١٦٤:٣)

هم ازيشان ٣٩

★ مِنْ دُونِ: وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادًا (١٦٥:٢)

بجز ٤٠

★ مِنْ دُونِهِ: لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِۦ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ (٥١:٦)

بجز وى ٨٨

★ مِنْ ذَلِكُمْ: قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكُمُ (٧٢:٢٢)

ازين ٢

★ مِنْ ذَهَبٍ: يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا (٢٣:٢٢)

زرّين ٤٨

★ مِنْ شَيْءٍ: مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَىْءٍ (٤٠:٣٠)

هيچيز ٤٧

★ مِنْ هٰذا: لَّقَدْ كُنتَ فِى غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا (٢٢:٥٠)

ازين ١

★ وَمِنْ هٰؤُلَاءِ: يُؤْمِنُونَ بِهِۦ وَمِنْ هَٰٓؤُلَآءِ مَن يُؤْمِنُ بِهِۦ (٤٧:٢٩)

ازینها ۴۷، ازین کسان ۹۲، ازینان ۹۶، ازین گروه ۱۰۰

مَنّ: لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۱۶۴:۳)
سپاس نهاد ۲، نیکوا کرد ۱۰، سپاس نهاد ۴۲

~: كَذَٰلِكَ كُنتُم مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا (۹۴:۴)
نیکویی کرد ۳، نیکوئی کرد ۵۵

~: أَهَٰؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّن بَيْنِنَا (۵۳:۶)
سپاس نهاد ۲

~: وَهَٰذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا (۹۰:۱۲)
نیکو کرد ۳۰، نیکویی کرد ۵۵، نیکی کرد ۱۱۴

~: لَوْلَا أَن مَّنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا (۸۲:۲۸)
نکوداشت کرد ۴۷

الْمَنّ: وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ (۵۷:۲)
ترنجبین ۲، ترنگبین ۳، ترنگوین ۴، تلنگبین ۱۰، ترنجمین ۲۴، ترنگمین ۵۷، مرغ بریان ۹۸، مرغ سمانی ۱۲۲

~: لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُم بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ (۲۶۴:۲)
سپاس نهادن ۲، سپاس نهادن ۳۰، سپاس نهادن ۴۲

~: وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ (۱۶۰:۷)
طرنجبین ۱، ترانگبین ۲، ترانگبین ۲۷، ترانجبین ۳۱، ترانجمین ۴۵، طرنگبین ۴۹، ترنگبین ۵۵، ترانکبین ۶۴، ترنگبین ۹۶، ترنکبین ۱۱۹

~: وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ (۸۰:۲۰)
ترنگبین ۲، ترانجبین ۵۳

مَنًّا: لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى (۲۶۲:۲)
سپاس ۲۹، سپاس ۴۲

مِنَّا: رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۲۷:۲)
از ما ۳۶

~: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنَّا (۵۹:۵)
زیما ۱، ور ۲۴

~: قَالَ إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ (۳۸:۱۱)
بر ما ۵۸

~: قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ (۴۸:۱۱)
در آن ۱

~: وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ (۱۶۴:۳۷)
ما ۸۱

~: قَالُوا آذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِن شَهِيدٍ (۴۷:۴۱)
ازیما ۱، ما ۸۱

~: وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا (۴۸:۴۲)
از خود ۹۲

وَمِنَّا: وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَ (۱۱:۷۲)
از ما ۶۱

الْمُنَادِ (ی): وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۴۱:۵۰)
خواندار ۱، خواننده ۳، آواز دهنده ۶، آوازکننده ۳۹، بانگ کننده ۱۳۹

مُنَادِيًا: رَّبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ (۱۹۳:۳)
خواندار ۱، خواننده ۲، خواننده ۳، آوازده ۲۳، آوازدهنده ۲۷، اوازدهنده ۶۹، خوآننده ۹۴، آوازدهنده و بازخواننده ۱۰۲

مَنَازِلَ: جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ (۵:۱۰)
جایگاهها ۲، جایها فرود آمدن ۳، جایها ۲۷، جایهاء فرود آمدن ۸۰، خانها ۱۰۳

~: وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ (۳۹:۳۶)
جایگاههاء فروآمدن ۲، جای فرود آمدن ۶۱،

جایهای فرود آمدن ۸۰، جایهاء فروآمدن ۹۱، جایهای فروآمدن ۱۰۹

مَناسِكَكُمْ: فَإِذَا قَضَيْتُم مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ (۲:۲۰۰)
کارها ۷۶، عبادتها ۱۳۸

مَناسِكَنا: وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا (۲:۱۲۸)
جایها ۵۹

مَناص: فَنَادَوا وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ (۳۸:۳)
گریختن ۱، گریختن ۲، گریز ۳، گریختن ۲۲، گریز جای ۳۶، گریختن جای ۸۱، رهیدن ۹۶، گریزگاه ۱۰۳، گریختن و جستن ۱۰۸

مَنّاع: مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ (۵۰:۲۵)
بشرداری ۱، بازدارنده ۲، بسیار وادارنده ۶، بازدارند ۶۹، بازدارندگان ۱۲۹

~: هَمَّازٍ مَّشَّاءٍ بِنَمِيمٍ مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ (۶۸:۱۲)
نیک بازدارنده ۳، وادارنده ۴۹، بسیار بازدارنده ۱۰۹

مَنافِع: قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ (۲:۲۱۹)
سودها ۳، سودمندیها ۲۷، سود ۵۷، سودمندی ۱۳۰

~: لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ (۱۶:۵)
سُودَها ۵۳، سُودها ۵۵

~: لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ (۲۲:۲۸)
سودگاهها ۱۲، سود جایها ۱۰۰، سوزمندیها ۱۱۳

~: لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى (۲۲:۳۳)
فایدها ۱۱۱

~: وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۲۳:۲۱)
سردها ۷۷

اَلْمُنافِقات: الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّن بَعْضٍ (۹:۶۷)

زنان دورویه ۳، دورویان از زنان ۲۷، زنان دوروی ۲۹، دوسرگان زنان ۹۴، زنان دورویان ۱۱۴، زنان دوزبان ۱۱۹، زنان دورو ۱۲۱، دوسرکان زنان ۱۲۸

~: لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ (۳۳:۷۳)
دورویان از زنان ۵۶

~: وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ (۴۸:۶)
زنان دورو ۸۰

مُنافِقون: إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ (۸:۴۹)
دوسَرگان یا دُورُوگان ۲، دُورُویان ۵۵

~: يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ (۹:۶۴)
دورویان ۳، دُورویان ۵۵، دوزَبانان ۱۱۹

~: الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّن بَعْضٍ (۹:۶۷)
مردان دورویه ۳، دورویان از مردان ۲۷، مردان دوروی ۲۹، دورویان مردان ۴۱، مردان دورو ۸۰، دوسرگان مرد آن ۹۴، مردان دورویان ۱۱۴

~: وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ (۹:۱۰۱)
دوروی کنندگان ۲۷

~: وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ (۳۳:۱۲)
دوسرکان ۳۰

~: لَئِن لَّمْ يَنتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ (۳۳:۶۰)
دوسرگان ۳۰

~: يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا (۵۷:۱۳)
دورویگان ۳۰، مردان دورویه ۸۰

~: إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ (۶۳:۱)

دُوسَرگان ۲، دوسران ۹۵

ٱلْمُنافِقِينَ :رَأَيْتَ ٱلْمُنَٰفِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودًا (۴:۶۱)

دُو سَرگان ۲، دورویی کننـد گان ۳۰، دُورُویی کُنند گان ۵۵، دودلان ۶۱، دوری کنند گان ۱۲۹

~: فَمَا لَكُمْ فِي ٱلْمُنَٰفِقِينَ فِئَتَيْنِ (۴:۸۸)

دُو رُویان ۵۵، دوریان ۹۷

~: بَشِّرِ ٱلْمُنَٰفِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۴:۱۳۸)

دورویی کنند گان ۳

~: إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَهُوَ خَٰدِعُهُمْ (۴:۱۴۲)

دُو سَرگان ۲، دورویان ۴۲، دو سران ۱۲۸

~: وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ (۹:۶۸)

دوسرگان از مردان ۹۴

~: يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلْكُفَّارَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱغْلُظْ عَلَيْهِمْ (۹:۷۳)

دوزبانان ۵۸

~: وَلَيَعْلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَيَعْلَمَنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ (۲۹:۱۱)

دُو سَرگان ۲، دورویان ۳، دورویگان ۳۰، دورویان در دین ۴۷

~: يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱتَّقِ ٱللَّهَ وَلَا تُطِعِ ٱلْكَٰفِرِينَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ (۳۳:۱)

دوسرگان ۳۰، دوزبانان و دورویان ۵۸

~: وَلَا تُطِعِ ٱلْكَٰفِرِينَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ وَدَعْ أَذَىٰهُمْ (۳۳:۴۸)

دُورُویان ۱۱۹

~: لِّيُعَذِّبَ ٱللَّهُ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْمُشْرِكَٰتِ (۳۳:۷۳)

مـردان دورویـه ۳، دورویـان از مـردان ۴۷، دورو مردان ۱۳۲

~: وَيُعَذِّبَ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْمُشْرِكِينَ وَٱلْمُشْرِكَٰتِ (۴۸:۶)

مردان دوروی ۳، مردان دورو ۸۰

~: وَٱللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَكَٰذِبُونَ (۶۳:۱)

دوسرگان ۳۰، مردمان دوروی ۱۳۲

~: وَلِلَّهِ خَزَآئِنُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (۶۳:۷)

دوسَرگان ۳۰، دو رویه گان دودله گان ۱۰۹

~: وَلِلَّهِ ٱلْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِۦ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۶۳:۸)

دُو رُویگان ۳۰

~: يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلْكُفَّارَ وَٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱغْلُظْ عَلَيْهِمْ (۶۶:۹)

دورویه گان ۱۰۹

مَناكِبِهَا: فَٱمْشُوا۟ فِي مَنَاكِبِهَا (۶۷:۱۵)

رهها ۱، کنارها ۲، کرانها ۳، گوشها ۱۹، کنارها ۲۴، گوشها و کنـارها ۳۰، راهها نرم و درشت و آسان و دشوار ۴۱، دُوشَها ۴۲، جوانب و راهها ۷۹، کرانه ۹۰، راهها ۹۲، کنارها ۹۶، کنارهای کوهها ۱۰۹، گرداگرد ۱۳۱، روها ۱۳۶

ٱلْمَنامِ: يَٰبُنَيَّ إِنِّىٓ أَرَىٰ فِي ٱلْمَنَامِ أَنِّىٓ أَذْبَحُكَ (۳۷:۱۰۲)

خوابَ ۱، خوآب ۱۰۰

مَنامِكَ: إِذْ يُرِيكَهُمُ ٱللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا (۸:۴۳)

خواب ۱، خُواب ۱۰، خَواب ۵۵، خوابگاه ۶۱

مَنامُكُمْ: وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ مَنَامُكُم بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ (۳۰:۲۳)

خواب ۱، خُفتن ۲، خفتن ۳، خوابها ۴۳، خواب کردن ۱۰۲، خوابیدن ۱۱۱، جای خواب ۱۱۴، ارام گیرید ۱۳۸

مَنامِهَا: وَٱلَّتِى لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا (۳۹:۴۲)

خواب ۱، خواب جای ۷۹، خوابگاه ۱۱۴

مُنْبَثًّا: وَبُسَّتِ ٱلْجِبَالُ بَسًّا فَكَانَتْ هَبَآءً مُّنۢبَثًّا (۵۶:۶)
پراکنده ۱، پَراکنده ۲، روزن ۳۹، پراکنده شده ۴۹، برکنده ۱۲۳

مُنْتَشِرٌ: يَخْرُجُونَ مِنَ ٱلْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ (۵۴:۷)
پراکنده ۱، پراکند مانده ۳۵

مُنْتَصِرًا: يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا (۱۸:۴۳)
داد واز آوردار[1] ۱، کینه کش ۳، یاری یافته ۸، یاری گر ۲۲، داد بستاننده ۲۹، کینه کشنده ۳۰، یاری خواهنده ۴۱، نیروداده ۴۹، کینه آهنجیدن ۵۲، یاری کرده ۵۳، کینه کَشندَه ۵۵، خویشتن نگاه دارنده ۵۶، یاری دهنده خود را ۵۸، نگاه دارنده ۶۲، یاری کننده ۶۳، نگاه دآرنده ۹۴، دآدستآننده ۱۰۰، کینه آهنجیدن ۱۰۵، دادستاننده ۱۰۶، توانستی گذاردن ۱۰۸، یاری داده ۱۱۳، کینه خواهنده ۱۳۹

مُنْتَصِرٌ: أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ (۵۴:۴۴)
دادواز آوردار[1] ۱، یاری کننده ۲، دادستاننده ۳، دادبستاننده ۲۹، کینه کش ۳۰، یاری دهنده ۴۱، دَادستانَندَه ۴۲، یاری گرد گان ۴۹، داد بازخواهنده ۶۹، گروه دادستاننده ۹۱، داد بازخواهند گان ۹۹، دادستانند گان ۱۰۰، خویشتن نگاه دارنده ۱۰۹، از خود یاری کننده ۱۳۲

مُنْتَصِرِينَ: يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُنتَصِرِينَ (۲۸:۸۱)
داد وازآورداران ۱، فرود ایستند گان ۳۹، یاری کنان ۴۱، یاری داد گان ۴۳، یاری دهند گان ۴۶، نگاه دارند گان و کین کشند گان ۴۷، یاری خواهان ۵۳، خویشتن نگاه دارند گان ۶۹، یاری کنند گان ۹۹، یآری کرد گآن ۱۰۰، یاری رسند گان ۱۱۴، بازدارند گان ۱۳۰، یاری کرده شد گان ۱۳۶

~: فَمَا ٱسْتَطَٰعُوا۟ مِن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا۟ مُنتَصِرِينَ (۵۱:۴۵)
یاری کرد گان ۲، دادستانند گان ۳، خویشتن نگه دارند گان ۲۹، یاری خواهند گان ۳۰، نیرویافتگان ۳۹، کینه کشان ۴۱، یاری یافتگان ۵۳، یاری داده شد گان ۶۵، داد بازخواهند گان ۶۹، یاری خواهند گان از یکدگر ۸۶، دآدبستانند گان ۱۰۰، خویشتن نگاه داشتن از دشمن ۱۰۵، یاری کننده یا کینه کشند گان ۱۰۸، کین بازکشند گان ۱۰۹، یاری یابند گان ۱۳۲

★ مَا كَانَ مِنَ ٱلْمُنْتَصِرِينَ: وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُنتَصِرِينَ (۲۸:۸۱)
نتوانستن از خویشتن بازداشتی ۱۲۸

مُنْتَظِرُونَ: قُلِ ٱنتَظِرُوٓا۟ إِنَّا مُنتَظِرُونَ (۶:۱۵۸)
برمر گرفتاران ۱، پَایند گان ۲، چَشم مَی داریم ۱۰، گوش دارنده ۲۹، پایند گان ۴۲، چَشْم دار ۵۳، که ما چشم همی داریم ۶۲، گوش می داریم ۷۶، چشم دارند گان ۱۰۹، آیند گان ۱۲۸، چشم فرادارند گان ۱۳۴

~: إِنَّا عَٰمِلُونَ وَٱنتَظِرُوٓا۟ إِنَّا مُنتَظِرُونَ (۱۱:۱۲۲)
چَشم دَارند گان ۵۵، برنگرند گان ۷۲، چشم دآرند گان ۱۰۰، چشم دارنده ۱۲۴

~: فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَٱنتَظِرْ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ (۳۲:۳۰)
چشم دارند گان ۳، چشم داران ۴۱، زمان داد گان ۴۲، چشم همی دارند ۵۳، همی چشم دارند ۵۶، چشم می دارند ۵۸، گوش می دارند ۷۶، راه پابند گان ۱۱۹

ٱلْمُنْتَظِرِينَ: فَٱنتَظِرُوٓا۟ إِنِّى مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُنتَظِرِينَ (۷:۷۱)

---

۱. دادواز آوردار: کینه کش.

برمر گرفتاران ۱، چشم دارند گان پایند گان ۱۰ مکرّر، چشم دَارَند گان ١٤٠

~: فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّى مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُنتَظِرِينَ (١٠: ٢٠)
نگرند گان ٢٤، گوش دارند گان ٢٩، چشم دارَان ٤١، چشم دَارَندِ گان ٥٣، چشم دَارَندَ گان ٥٥، چشم د آرند گان ٩٤

~: قُلْ فَٱنتَظِرُوٓاْ إِنِّى مَعَكُم مِّنَ ٱلْمُنتَظِرِينَ (١٠: ١٠٢)
چشم داران ١٣، گوش داران ٤٨، پایند گان ١٢٨

مُنتَقِمُونَ: إِنَّا مِنَ ٱلْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ (٣٢: ٢٢)
دادواز آورداران ۱، داد بستاننده ٢٩، کینه کشان ٣٤، کینَهْ کشان ٥٣، کینه کشید گان ٩٢، کین کشان ١٠٢، کینه کش ١٠٨، دادستانان ١١٤

~: فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ (٤٣: ٤١)
کینه کشند گان ٣، کینه کِش ٢٢، کینه آهنج ٣٠، دادستانند گان ٣٢، کینه بکشیم ٤١، دادستان ٨١، کینه کنند گان ٨٧، کینه بازخواهند گان ٨٩، کینه آهختگان ١٣٩

~: يَوْمَ نَبْطِشُ ٱلْبَطْشَةَ ٱلْكُبْرَىٰٓ إِنَّا مُنتَقِمُونَ (٤٤: ١٦)
داد ... ستانند گان ٣، کینه کشیده ایم ١٦، کینَه کشیده ایم ٢٢، کینه کشنده ٤١، کینه بازکنند گان ١٣٨

مُنتَهَاهَا: فِيمَ أَنتَ مِن ذِكْرَىٰهَآ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَىٰهَآ (٧٩: ٤٤)
دانستن ٢٤، بازرسیدن ١٠٢، بازگردد ١٠٨، رسیدن ١١٤

مُنتَهُونَ: فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ (٥: ٩١)
وازشداران ۱، باز ایستند گان ٣، واخُواهید ایستادن ١٠، بازخواهید ایستادن ١٠ مکرّر، بازایستادن ٢٦، بازشوید گان ٣١، بازگردند گان ٤١، بازباشند گان ٤٣، بازشد گان ٥٣، بَازایستَند گان ٥٥، بازایستاد گان ٥٧، باززد گان ٦١، بازایستد گان ٦٣، بازداشتگان ٦٩، بازایستید گان ٧٢، استادن ٧٦، بازده شوند گان ٩٥، بازاستاده ٩٦، ایستاد گان ١٠٤، بازاستادن ١٠٥، بازایستید ١٠٩، بازداشت شد گان ١١٠، بازخواهید ایستادند ١٢٨، بازاستادند گان ١٢٩، بازاستند گان ١٣٠

اَلْمُنتَهَىٰ: وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ عِندَ سِدْرَةِ ٱلْمُنتَهَىٰ (٥٣: ١٤)
بجایگاه رسیده ١٠٨

~: وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلْمُنتَهَىٰ (٥٣: ٤٢)
بازگشت ٣، بازگشتن ٢٤، جاء رسیدن ٣٩، جای رسیْدن ٦١، رسیدن جای ٨١، بازگشت کارها ١٢٤، جای رسید ١٣٩

مَنثُورًا: فَجَعَلْنَـٰهُ هَبَآءً مَّنثُورًا (٢٥: ٢٣)
پراکنده ۱، پراکنده کرده ٣، پراکرده ٢٩

~: إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا (٧٦: ١٩)
پَراکنده ٢، پراکنده شده ٣، پَراکَنده ٤٢، ریخته ٧٨، پراکنده کرده شده ٨٠، افشانده ٨٩، میلسو[1] ٩١، افشانده شده ١١١، افشانده شده از صدف ١١٦، افشنده شده ١٣٠، افشانده و ناسفته ١٣٨

مُنَجُّوكَ: إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا ٱمْرَأَتَكَ (٢٩: ٣٣)
رهانیداران ۱، برهانیم ٢، رهاننده ٣، رهانید گانیم ٦٧، رهاننده ایم ١٢٦

مُنَجُّوهُمْ: إِلَّآ ءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ (١٥: ٥٩)
برهاننده ٢٩، رهانند گان ٣٠، رهانیده ٦٣

اَلْمُنْخَنِقَةُ: وَمَآ أُهِلَّ لِغَيْرِ ٱللَّهِ بِهِۦ وَٱلْمُنْخَنِقَةُ (٥: ٣)

---

۱. کذا (؟) چه واژه ای است؟ آیا لهجه است؟

گلوا اوشرده ١، بخبَه کُشته ٢، خفه شده ٣، آنکه بخوه مُردار شود ١٠، خبه کشته ١٠ مکرّر، آنچه بخبه مردار شود ٢٧، گلو فشرده و مرده ٢٩، گلو افشارده مرده ٣١، خوه کرده ٣٤، آنچه خفه شود ٣٦، گلو گرفته ٣٨، خفه کرده ٤١، خوه گشته ٤٢، خَپَه شده ٤٣، گلو افشاردَه مُردَه ٤٥، خوَه کند ٥٣، خبَه شُدَه ٥٥، بخفه کشته ٥٦، گلوی باز گرفته ٥٧، انکه از خفه بمیرد ٥٨، خوه گرفته باشد مرده بود ٦١، آنچه خبش کرده باشند ٦٢، خون مرده ٦٧، گلو باز گرفته ٧٠، خبه کرده ٨٠، خبه گشته ٨٣، آنچه خوُه کرده باشند ٨٨، خَو شده و بمرده ٨٩، خبّه کرده ٩٤، گلوا بگرفته ٩٥، گلو گرفته مرده ٩٦، بخفه مرده ١٠٠، خفه کرده شده ١٠٢، گلو گرفته مرده ١٠٦، آنچه افشرده باشد بگلو تا مرده باشد ١١١، گلوا فشارده و مرده ١١٢، گلو گرفته شده ١١٦، بفشردن گلو مرده ١٢٠، انرا که گلو بگیرند نا بمیرد ١٢١، آنچه بفشردن گلو مرده باشد ١٢٣، آنچه بفشردن گلومرده است ١٣٠، بفشار گلو مرده ١٣٥، خوشده[1] ١٣٨

مُنْذِرٌ: إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرٌ ۖ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (٧:١٣)
بدس بردار ١، بیم کننده ٣، بیم نمای ٥، ترساننده ٣٤، بیمْ کُنَدَه ٥٥، آگاه کننده ٥٨، بیم نماینده ٦١، رساننده ٧٢، بِیم کُننده ٧٦، بیم دهنده ١٣٥

~: وَعَجِبُوٓا۟ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ (٤:٣٨)
بیم کُننده ٨١، پیغمبر ١٠٥

~: قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ مُنذِرٌ ۖ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ (٦٥:٣٨)
بیمکننده ٩١

~: بَلْ عَجِبُوٓا۟ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ (٢:٥٠)
پیغامبر ٤٧

~: إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخْشَىٰهَا (٧٩:٤٥)
پند دهنده ٣٩

مُنْذِرُونَ: وَمَآ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ (٢٦:٢٠٨)
بدس برداران ١، بیم نمایند گان ١٣٢

مُنْذَرِينَ: فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُنذَرِينَ (١٠:٧٣)
بدس برد گان ١، بیم کرْد گان ٢، ترسانیده شد گان ٣٦، بِیم گَردَ گان ٥٥، بیم کرده شده گان ١١٣، بیم داده شد گان ١٣٥

~: وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا ۖ فَسَآءَ مَطَرُ ٱلْمُنذَرِينَ (٢٦:١٧٣)
ترسانید گان ٢٩، ترسند گان ٣٤، بیم کرده شد گان ٣٦، بیم کرده گان ٤٧، بیم کردِ گان ٥٣، آگاه کرد گان ٥٨، ترسانند گان ٨٨، بیم یافتگان ١٣٢

~: وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا ۖ فَسَآءَ مَطَرُ ٱلْمُنذَرِينَ (٢٧:٥٨)
بیم کرد گان ٢، بیم کنند گان ٤١، آگاهْ کَردِ گان ٥٣، ترسید گان ٦٢، بیم شد گان ١٢٢

~: فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَآءَ صَبَاحُ ٱلْمُنذَرِينَ (٣٧:١٧٧)
ترسانید گان ٢٩، بیم نمود گان ٦٧

مُنْذِرِينَ: فَبَعَثَ ٱللَّهُ ٱلنَّبِيِّۦنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ (٢:٢١٣)
بیم کُنند گان ٢، بیم کنند گان ٣، بیم کُنَند گان ١٠، بیم کننده ٢٤، ترساننده ٦٢

~: رُّسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةٌۢ (٤:١٦٥)
بدس برداران ١، بیم کنند گان ٢، بیم کنان ٩

~: مَا نُرْسِلُ ٱلْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ (١٨:٥٦)
بیم کنند گان ٢، بیم نمایان ٨، بیم نمایند گان ٦١، بیم دهنده ١٣٥

١. خو شده / خوه (خفه) شده.

~: وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُنذِرِينَ (۲۷:۹۲)
ترسانند گان ۳۳، بیم کنند گان و آگاه کنند گان ۷۲، بیم کرده شد گان ۱۳۶، پیغامبران بیم کنند گان ۱۳۹

~: إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةٍ مُّبَٰرَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ (۴۴:۳)
بیم دهند گان ۱۶، پند دهان ۵۳، پند دهنده ۱۲۴

~: فَلَمَّا قُضِىَ وَلَّوْا۟ إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ (۴۶:۲۹)
بیم کنند گان ۲۲، بیم می کردند ۴۱، ترسند گان ۴۹، ترسند گان آگاه کنند گان ۶۷

مُنْزَلًا: وَقُل رَّبِّ أَنزِلْنِى مُنزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْمُنزِلِينَ (۲۳:۲۹)
فرود کردن ۱، فروآوردن ۲۴، فرود آوردن ۲۹، فرود آورده ۳۹، جایگاه ۴۲، فُرو آوردن ۷۶، جای فرود آمدن ۸۰، جای فرود آوردن ۹۱، فروآوردنی ۱۱۳

مُنَزَّلٌ: يَعْلَمُونَ أَنَّهُۥ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِٱلْحَقِّ (۶:۱۱۴)
فرود کرده ۱، فرُوفرستاده ۲، فرستاده ۱۰، فرو فرستاده ۱۰ مکرّر، فرو فرستاده شده ۲۷، فرو فرستیده ۳۴، فرستاده شد ۳۶، فرستاده آمد ۵۳، فرو فرستاده شد ۶۱، فرستاده شده ۹۰، فریستاده ۱۲۸

مُنَزِّلُهَا: قَالَ ٱللَّهُ إِنِّى مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ (۵:۱۱۵)
فروَد کناران ۱، فرستندهٔ وی ۳، فرو فرستم ۹، فروفرستنده ۲۷، فرستنده ۳۰، فرود کردار ۳۷، فِرْستَنده ۵۵، فرو فرستاینده ۵۷، فرو فرستیده ۶۵، فرود فرستنده ۹۲، فرو فرستادم ۱۰۵، فرود آرنده ۱۱۱، فرو آرنده ۱۱۴

★ إِنِّى مُنَزِّلُهَا: قَالَ ٱللَّهُ إِنِّى مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ (۵:۱۱۵)
که من بفرَستم ۲۴

مُنْزِلُونَ: إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَىٰٓ أَهْلِ هَٰذِهِ ٱلْقَرْيَةِ (۲۹:۳۴)
فروَد کناران ۱، فرستند گان ۳، فروفرستیم ۲۱، فرود آریم ۳۰، فروفرستند گان ۴۳، فروآرنده ۴۷، فرود فرستاد گان ۵۸، فرستاد گان ۶۱، فروخواهیم آوردن ۷۶، فرو روند گان ۸۰، فروفرستنده ۱۰۰، فرود آورند گان ۱۰۲

~: ءَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ ٱلْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ ٱلْمُنزِلُونَ (۵۶:۶۹)
فروفرستاد گان ۳۰، فرود آرنده ۳۹، فرود آرند گان ۴۳، فروآرند گان ۵۱، بیرون آورند گان ۵۲، فرودارند گان ۵۶، فروآورند گان ۸۰، فرود آرنده گان ۹۵

مُنزَلِينَ: بِثَلَٰثَةِ ءَالَٰفٍ مِّنَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ مُنزَلِينَ (۳:۱۲۴)
فرود کرد گان ۱، فُرو فرسْتاد گان ۲، از آسمان فرستاده ۱۰، فرستاده ۲۴، فروفرستاد گان ۳۰، فرود آیند گان ۴۱، فرود آیند ۵۸، فروآمده ۶۰، فرستاد گان ۶۱، فروفرستاده ۶۲، فرو فریستند گان ۷۹، فروآمد گان ۹۴، فروآورده شد گان ۱۰۹، فروفریستاده گان ۱۲۸

ٱلْمُنْزِلِينَ: أَلَا تَرَوْنَ أَنِّىٓ أُوفِى ٱلْكَيْلَ وَأَنَا۠ خَيْرُ ٱلْمُنزِلِينَ (۱۲:۵۹)
فُرود آرند گان ۲، فرود آرند گان ۳، میزوان ۷ مکرّر، مهمان دارند گان ۲۴، میزبانان ۲۹، فرود آورد گان ۳۰، فروآیند گان ۴۲، فروُد دارَند گان ۵۵، فروآرند گان ۵۶، مهمان دار ۷۶، فرود آرند گان ـ میزبانان ۹۱، مهمان داران ۹۳، میزبانی کنند گان ۹۵، فرود آیند گان ۹۹، فرود آرند گان و میزبانان ۱۰۲، فروآرند گان، میزبانان ۱۰۹، فرود آونده گان ۱۱۳، فرود آرنده گان ۱۱۹، فرونهند گان ۱۲۴، مهماند اران ۱۲۶

~: وَأَنتَ خَيْرُ ٱلْمُنزِلِينَ (۲۳:۲۹)
فرود کناران ۱، فُرود آورند گان ۲، فروآورند گان ۲۴، فرود آرند گان ۳۶، فرود آورند گان ۳۸، دهند گان ۵۲، فرودارند گان ۶۹، فروآورد گان ۸۸، دهند گان ۱۰۵، فروآرنده گان ۱۱۳، فروارند گان ۱۱۹

~: مِن جُندٍ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ (٣٦:٢٨)
فروفرستادگان ٢، فروفرستندگان ٣، فرستادگان ٣٣، فرستندگان ٣٩، فروآمدگان ٥٦، فرود فرستنده ٨٦، فروفرستنده ١١١

مَنسَكًا: وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا لِّيَذْكُرُوا ٱسْمَ ٱللَّهِ (٢٢:٣٤)
خُونْ ريختن ٢، خون ريختن ٣٠، فرمان گاه ١٠٢، جاي پرستيدن ١٠٩، بسمل جاي ١٣٩

~: لِّكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ (٢٢:٦٧)
جايگاه ٣٤، جايگاه عبادت ٧٦، خون ريختن جاي ٧٨، دين ١٢٣، راه ١٣٢

مَّنسِيًّا: وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا (١٩:٢٣)
فراموش كرده ١، بيرُون أنداخته ٢، فراموش كرده ٣، بيرون انداخته ٣٠، گذاشته ٣٩، فراموش شده ٤٢، فراموشان ٤٨، فراموش كَرْدَهْ دست بازداشتَهْ ٥٣، فراموش كردن ٥٦، فراموش كرده و گذاشته ٧٦، فراموش كرده شده ٩٢، بازگذاشته ١١٦، دست بازداشته ١٢٤، برون انداخته و فراموش كرده ١٢٨، انداخته شده ١٣٢، زياد رفته ١٣٥

ٱلْمُنشَآتُ: وَلَهُ ٱلْجَوَارِ ٱلْمُنشَآتُ فِى ٱلْبَحْرِ كَٱلْأَعْلَٰمِ (٥٥:٢٤)
دررفتن آورده ٣، بيافريده ٢٤، هاديد آورده ٢٩، برداشته ٣٠، برافراشته ٣٦، سرافراشته ٣٨، درآورده ٤٣، رونده ٤٨، روان ساخته ٥١، بَرْداشته ٥٣، برداشته و روان شده ٥٦، بادوان بركشيده ٦٧، افراشته ٧٨، بادبانها بركشيده ٧٩، دررفتن آمده ٨٠، فراديد آمده ٨١، برآورده بادبانها ٩٢، بادبان كشيده ٩٦، روان ١٠٨، فرارفتن آورده شده‌اند ١٠٩، برداشته شده ١١١، بادها بركشيده ١١٣، برداشته و برافراشته ١١٦، بادبان برافراشته ١٢٢، پيدا آمده ١٢٩، بادبان بركشيده ١٣١

ٱلْمُنشِـُٔونَ: ءَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَآ أَمْ نَحْنُ ٱلْمُنشِـُٔونَ (٥٦:٧٢)
ورآورداران ١، آفرينندگان ٣، برآرندگان ٣٠، آفريننده ٣٩، آفريديم ٥٦، آفريدگاران ٨١، برآورندگان ٨٨، پديدار آرنده ١٠٤، پديد آرندگان ١٢٢

مُّنَشَّرَةً: أَن يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنَشَّرَةً (٧٤:٥٢)
واز كرده ١، باز كرده ٣، واگشاده ٦، پراكنده ١٩، گشاده ٣٦، بَاز كرده ٤٢، باز گشاده ٥٢، باز كرده ـ گشاده ٥٦، باز كرده شده ٩٩، از هم باز كرده ١١٣، سر گشاده ١١٦، سر كشاده ١٢٠، گشوده ١٢٢، باز كشيده ١٢٦، گشاده شده ١٢٩

بِمُنشَرِينَ: إِنْ هِىَ إِلَّا مَوْتَتُنَا ٱلْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ (٤٤:٣٥)
انگيختگان ١، برانگيختگان ٢، زنده كرده شدگان ٣، زنده واكردگان ٢٩، برانگيخته گان ٣٠، زنده شده كردگان ٣٢، زنده كرده شده ٣٩، زنده شدگان ٤٢، زنده كردگان ٤٣، باز زنده وانگيخته ٤٤، زنده كردگان و برانگيختگان ٦٧، برانگيخته ٦٩، زنده كنندگان ٨١، پراكنده شدگان ١٠٠، زنده شوندگان ١٠٢، برانگيخته شدگان ١٢٢، زنده گردانندگان ١٢٦

مَنشُورًا: وَنُخْرِجُ لَهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ كِتَٰبًا يَلْقَىٰهُ مَنشُورًا (١٧:١٣)
وازكرده ١، گشاده ٢، باز گشاده ٣، واكرده ٢٩، باز كرده ٣٨، باز كَرْدَهْ ٥٣، بَاز گشَادَه ٥٥، از هم باز كرده ٦٠، پَراكنده شده ٦١، پراكند كرده شده ٦٩، از هم بر كرده ٧٩، گشاده كرده ٩٢، باز كشاده ١٢٠، گشوده شده ١٢٢، گسترده و گشاده ١٢٨، گشوده ١٣٥، پهن كرده شده ١٣٦

مَّنشُورٍ: وَٱلطُّورِ وَكِتَٰبٍ مَّسْطُورٍ فِى رَقٍّ مَّنشُورٍ (٥٢:٣)
واز كَرده ١، گسترده ٢، باز گشاده ٣، گشاده ٣٠، پراكنده ٣٨، گسترده ٣٩، پراكنده كرده ٤١، گستره ٤٨، باز كرده و پراكنده ٤٩، باز كَرْدَهْ ٥٣، بيخ باز كرده ٦١، باز كرده ٦٩، از هم بر كرده ٨١، باز كرده شده ٩٩، گسترده باز كرده ١٠٢، گشوده

۱۱۱، سر گشاده ۱۱۵، گشاده شده ۱۲۲، پراکنده بسیار ۱۳۶

مَنْصُورًا: فَلَا يُسْرِف فِّي ٱلْقَتْلِ إِنَّهُۥ كَانَ مَنصُورًا (۱۷: ۳۳)

یاری داده ۲، یاری کرده شده ۳، یاری کرده ۸، یاری کردَه یاری کردَه ۴۲، یاری کَرْدَهْ ۵۳، یَاری گرده شُدَه ۵۵، یاری داده ۵۸، یاری دآده ۹۴، یاری ده ۹۸، یاری یافته ۱۱۴، یاری داده شده ۱۱۵

ٱلْمَنْصُورُونَ: إِنَّهُمْ لَهُمُ ٱلْمَنصُورُونَ (۳۷: ۱۷۲)

یاری دادگان ۲، یاری کردگان ۳، یاری کِرْدَگان ۲۲، یاری داده گان ۳۰، یاری گران ۳۳، یاری کَرده ۸۱، یاری کنندگان ۸۷، یاری کرده شدگان ۱۰۳

مَنْضُودٍ: وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ (۱۱: ۸۲)

یک ور دیگر نهاده ۱، دَرْهم پیوشته ۲، ورهم نهاده ۲۹، پس یکدیگر ۳۶، بهم وانهاده ۴۲، برهم ۴۳، یک از پس دیگر ۴۹، درهم پیوسته ۵۲، بَر بالای یکدیگر ۵۳، بَرهَم نَهادَه ۵۵، برهم چیده ۵۷، راست کرده برهم نهاده ۵۸، پیاپی ۶۰، پیوسته بر هم نهاده ۶۱، از بَالایِ یَک دیگَر ۶۲، برهم نشانده ۶۳، زبر یکدیگر نهاده ۶۷، درهم نشانده ۶۳، زبر یکدیگر نهاده ۶۷، درهم نشانده ۷۲، اندر هم پیوسته ۷۸، راست کرده ۹۲، بالای یکدیگر ۹۳، بر هم نهاده شده ۹۹، بهم بازنهاده ۱۰۳، باش پخته شده ۱۱۱، بر یکدیگر نشسته ۱۱۲، سخت برهم نهاده ۱۲۳، هم پیوسته ۱۲۹، پی درپی ۱۳۲

~: فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ (۵۶: ۲۹)

درگوافته[۱] ۱، برهم نهاده ۲، برهم نشسته ۲۴، بر یکدیگر نهاده ۳۰، بر یکدیگر افتاده ۳۶، ساخته با یکدیگر ۳۹، خوش بهم ۴۱، بر هم نهادَه ۴۲، میوهء برهم نهاده ۴۹، ساخته ۶۱، در یک دگر فشانده ۶۵، بر یکدیگر ۹۰، پیوسته یکدیگر ۹۲، تاجه میوه باشد ۱۱۳، برهم چیده شده ۱۱۶، درهم پیچیده ۱۱۹، پکانده شده ۱۲۲، برهم افتیده ۱۲۶

مَنطِقَ: وَقَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ ٱلطَّيْرِ (۲۷: ۱۶)

سخن ۱، زبان ۲۰، گفتار ۲۹، سخن گفتن ۴۶، سخون ۶۷، سخن، گفتار ۹۴، گویایی ۹۹

مُنْظَرُونَ: فَيَقُولُوا۟ هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ (۲۶: ۲۰۳)

زمان دادگان ۱، زمان یافتگان ۹۴، زمآن دادگان ۱۰۰، زمان دهنده ۱۰۸، درنگ داده شدگان ۱۱۱، زمان داده گان ۱۲۹

ٱلْمُنْظَرِينَ: قَالَ إِنَّكَ مِنَ ٱلْمُنظَرِينَ (۷: ۱۵)

زمان دادگان ۱، زمان دَادگان ۲۷، زمان یافتگان ۴۱، فروگذاشتگان ۷۶، پاییده شدگان ۱۰۹، مهلت داده گان ۱۱۳، زمان دَادگان ۱۴۰

~: مَا نُنَزِّلُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ إِلَّا بِٱلْحَقِّ وَمَا كَانُوٓا۟ إِذًا مُّنظَرِينَ (۱۵: ۸)

زمان داده گان ۳۰، فرمان یافتگان ۴۱، زمان داده ۴۸، چشم داشتگان ۶۱، گوش دهندگان ۱۳۶

~: قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلْمُنظَرِينَ (۱۵: ۳۷)

زَمانْ دَادگان ۲، درنگ دادگان ۵۸، درنگ دارندگان ۶۹، زمآن دادگان ۱۰۰، پاییده شده گان ۱۰۹

~: فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ ٱلسَّمَآءُ وَٱلْأَرْضُ وَمَا كَانُوا۟ مُنظَرِينَ (۴۴: ۲۹)

زمان دادگان ۲۲، زمان داده شدگان ۶۱

مَنَعَ: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ (۲: ۱۱۴)

---

۱. درگوافته: بر هم نهاده.

واداشت ١٠، بازدارد ٢٤، بازدارَد ٤٢، بازدارَدْ ٥٣، بَازدَاشِت ٥٥، باززد ٦١، بازداشته ١٣٠

~: وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓاْ إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰٓ (١٧: ٩٤)
ببشرد ١، بازدَاشْت ٥٥

~: وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓاْ إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰ (١٨: ٥٥)
بازداشت ٤٣

★ مَامَنَعَ: وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓاْ إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰٓ (١٧: ٩٤)
بازنداشتْ ٢، وانداشت ٢٤، بازندارد ٥٨، نبازداشت ٩٢، بازندادیم ١٣٩

~: وَمَا مَنَعَ ٱلنَّاسَ أَن يُؤْمِنُوٓاْ إِذْ جَآءَهُمُ ٱلْهُدَىٰٓ (١٨: ٥٥)
بازنداشته ١٣٢

مُنِعَ: قَالُواْ يَٰٓأَبَانَا مُنِعَ مِنَّا ٱلْكَيْلُ (١٢: ٦٣)
بشرده شد ١، واداشتند ٢٤، بازداشته شد ٣٠، بازداشتند ٤٢، بازداشت ٥٣، بازدَاشته شُد ٥٥، باززده شد ٦١، بأز مِی دارَند ٧٦، بازد آشتند ٩٤، بازداشته ١٠٩

مَنَعَكَ: قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ (٧: ١٢)
ببشرد ١، بازدَاشتْ ٢، وَاداشت ١٠، بَازدَاشت ١٤٠

~: قَالَ يَٰهَٰرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوٓاْ (٢٠: ٩٢)
بازداشت ٢

~: يَٰٓإِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَىَّ (٣٨: ٧٥)
بگذارد ٩٢

مَنَعَنَا: وَمَا مَنَعَنَآ أَن نُّرْسِلَ بِٱلْءَايَٰتِ (١٧: ٥٩)
ببشرد ١، بازداشت ٣، بازدَاشْت ٥٥، باززد ٦١، بازداشتیم ٩٩

★ مَامَنَعَنَا: وَمَا مَنَعَنَآ أَن نُّرْسِلَ بِٱلْءَايَٰتِ (١٧: ٥٩)
بازنداشت ٢، وانداشت ٢٩، بازندارد ٦٤، مبازنداشت ٩٤، بازنمیدارد ١١١

مَنَعَهُمْ: وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَٰتُهُمْ (٩: ٥٤)
بازداشتشان ٣، بازداشت ١١، بَازدَاشت ٥٥، باز زد ٦١

★ وَمَامَنَعَهُمْ: وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَٰتُهُمْ (٩: ٥٤)
چی نبشرد ١، بازنداشت ٢٩، نَه بَازدَاشت ٥٥

مُنفَطِرٌ: ٱلسَّمَآءُ مُنفَطِرٌۢ بِهِۦ كَانَ وَعْدُهُۥ مَفْعُولًا (٧٣: ١٨)
پاره شدار ١، شکافته شده ٣، شکافد ٦، بشکافد ١٩، شکافنده ٣٨، شکافته ٤١، شکافته شود ٥٦، بازشکافد ٧٨، شکافته شونده بود ١٢٠

ٱلْمُنفِقِينَ: ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلْقَٰنِتِينَ وَٱلْمُنفِقِينَ (٣: ١٧)
خزین کناران ١، هُزینه کُنند گان ٢، هزینه کنند گان ٣، دهند گان ١٠، هَزینَه کُنند گان ٤٢، هَزینه کُنند گانْ ٥٥، هزینه کنان ٥٧

مُنفَكِّينَ: وَٱلْمُشْرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ ٱلْبَيِّنَةُ (٩٨: ١)
بازایستند گان ٢، بازایستاد گان ٣٤، بازباشند گان ٣٦، بازایستیده ٥٣، بازباشند گان جدا شوند گان ٥٦، دست بازداشتگان ٦٤، جدا شوند گان ٧٩، بازپس ایستاد گان ٨٩، بازدارند گان ٩٢، جدا شده ٩٦، بازاستید گان ١٠٨، بازداشتند گان ١٣٨، دست بازدارند گان ١٣٩

ٱلْمَنفُوشِ: وَتَكُونُ ٱلْجِبَالُ كَٱلْعِهْنِ ٱلْمَنفُوشِ (١٠١: ٥)
زده ٢، پراکنده شده ٢٤، باز کشیده از هم ٣٩، واچیده ٤٨، وازده ٧٩، زده شده ٩٠، پراکنده ٩٦، وازده ریزه و نرم ١٠٠، رنگین برزده ١٠٢، واخیده ١٠٩، رنگین ١١٥، گمان زده شده ١٢٣، پاره پاره ١٣٣، رنگارنگ ١٣٤، حلاجی زده شده ١٣٦، پشم زده ١٣٩

مُنقَعِرٍ: تَنزِعُ ٱلنَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ (٥٤: ٢٠)
ورافتاده ١، از بیخ بر کنده ٢، پراکنده ٣، بر کنده از بیخ ٢٤، از بیخ بر آورده ٢٩، از جای بر کنده

۳۰، از بن بر کنده ۳٤، برافتاده ۳٦، افتاده ٤٢، بر کنده از بن ٤٣، بَر گندَه ٥١، بر کنده ٥٢، بر کشید ٥٣، از بیخ بر کنده و برافتاده ٦٧، از بیخ بر کشیده ٦٩، از بیخ بر کنده و افتاده ٧٩، از بیخ بر کنده شده ١١٦، بر آمده از بیخ ١٢٠، بر کنده شده ١٣٠، پراکنده شده ١٣٣، از ریشه کنده ١٣٦، برداشت ١٣٩

مُنْقَلَبًا: لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنقَلَبًا (١٨: ٣٦)
وازگشتن ١، جای بازگشتن ٢، واگردیدن ٢٩، بازگشت جای ٤١، بازگشتن گاه ٤٢، جای و مقام گاه ٤٤، جای بَازگَشتَن ٥٥، بازگردیدن ٥٧، وازگشتن جای ٥٩، گشتن ٧٢، گشتن جای شدن ٨٤، جآی بازگشتن ١٠٠، بجای بازگشتن ١١٤

مُنْقَلَبٍ: وَسَيَعْلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ أَىَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ (٢٦: ٢٢٧)
وازگشتن جای ١، جایگاه ٢، جای بازگشت ٣، واگشتی جای ٢٠، بازگشتن ٢٩، بازگشتن جای ٤٦، جایگاه بازگشتن ٤٩، جَایگاه ٥٣، جایگاه بازگشت ٥٨، بازگشت ٦٢، جا ١٢١، جای بازگشتن گاه ١٢٨، بازگردیده ١٣٨

مُنْقَلِبُونَ: قَالُوٓا۟ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ (٧: ١٢٥)
وازگشتاران ١، بازگردند گان ٣، ما خُواهیم گشتَن ١٠، واگردنده ٢٩، برگردید گان ٣١، بازگردانند گان ٤٩، بازگردانید گان ٥٢، واگردید گان ٥٧، گردند گان ٦٣، می گردیم ٧٦، بازگردنده ایم ٩٠، بازمیگردیم ١٢٢، بازگردیده ١٢٤، بازگرداند گان ١٢٩، بازگشت کنند گان ١٣٥

~: قَالُوا۟ لَا ضَيْرَ ۖ إِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ (٢٦: ٥٠)
بازگردید گان ٢، بازگشتیم ٤٦، گردنده ٤٧، بازشتابیم ٥٣، بازگردیم ٦١، گردیدن ٧٦، بازگردید گان ١١٩، بازگردانیده گان ١٣٠، گردانید گان ١٣٩

~: وَإِنَّآ إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ (٤٣: ١٤)
بازگردید گان ٢، بازگردِید گان ٢٢، واگردنده ایم ٢٩، بازگردنده ٣٩، بازگشتگاَن ٤٢، بازگردند گان ١٢٩

مَنْقُوصٍ: وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ (١١: ١٠٩)
کهیستَه ١، کاسْته ٢، کاسته ٢٤، واکاهانیده ٢٩، کم کرده ٣٦، گاسْته ٥٥، کم کرده شده ٦١، بازکاهانیده ٦٣، گسسته ٧٢، کاست کاری ٧٥، بکاسته ٩٥، بازبریده ١٠٠، کم شده ١١٤، کم وکاست ١٣٥

ٱلْمُنْكَرِ: وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٣: ١٠٤)
گستی ١، زشتِی ٢٣، گارِ زشْت ٥٥، زشت ٥٧، ناشآیست ٩٤، کارهای ناشایست ١٠٤

~: تَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٣: ١١٠)
ناشایست ٤٢، زشْتی ٥٥، کارهاء ناپسندیده ٩٠

~: وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٣: ١١٤)
بدی ٢، بد کردن ٦٥، ناشایسته کردن ٩٢، کارها ناکُردنی ١٠٤

~: كَانُوا۟ لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ (٥: ٧٩)
زشْتي ٢، زشت کاری ٢٧، کار بد ٦١، کارهای زشت ٧٠، ناکردنیها ٧٩، ناشایستی ١٠٤، کار ناشایسته ١١١

~: يَأْمُرُهُم بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَىٰهُمْ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٧: ١٥٧)
کار زشت ٣، بد کرداری ١٠، کردارهای زشت ٢٧، بدی ٣٦، زشتیها ٤١، کارهاء ناستوده ٦٤، ناشایَسته ٩٩، کار نابایست و ناشایست ١١١

~: يَأْمُرُونَ بِٱلْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمَعْرُوفِ (٩: ٦٧)
ناشایست ١١، ناشناخته ٢٧، کارِ زشْت ٥٥،

ناكردنی ٧٩، ناشاهست ٩٥

~:يَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٩: ٧١)
بدی کردن ٤٩، بد ١٠٣

~:ٱلْآمِرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَٱلنَّاهُونَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٩: ١١٢)
زشتی ٢

~:وَيَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَاءِ وَٱلْمُنكَرِ وَٱلْبَغْيِ (١٦: ٩٠)
کارهای بد ٤١، بَدی ٥٣، ناشناختگی ٥٩

~:وَأَمَرُوا بِٱلْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٢٢: ٤١)
ناخوشیها ٩٢

~:تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا ٱلْمُنكَرَ (٢٢: ٧٢)
ناخوش ـ ناپَسنْد ٢، ناشناخت ١٢، ناخوشی ٣٩، ناخوش و ناپسند ٦١، ناخوش ناپسند ١٠٨، ناشایسته ١٣٩

~:فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِٱلْفَحْشَاءِ وَٱلْمُنكَرِ (٢٤: ٢١)
زشتی ٢، ناپسندیده ٢٤، سخت بد ٤١، نابایست ٦٤، زشتیها کردن ٧٧، بیمناک ٨٠، بناشایست ٨٦، کار ناشناخته ١٠٩، کردار ناپسند ١١١

~:وَتَقْطَعُونَ ٱلسَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ ٱلْمُنكَرَ (٢٩: ٢٩)
ناشایستها ٦١، کار ناپسندیده ٨٦، زشت و ناشایسته ١٠٩، زشت و ناشایست ١١٦

~:إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَاءِ وَٱلْمُنكَرِ (٢٩: ٤٥)
ناخوبی ٢، ناخوش ٧٢، بیمناک ٨٠، بیمناکی ١١٤

~:يَٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأْمُرْ بِٱلْمَعْرُوفِ وَٱنْهَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ (٣١: ١٧)
بدی و ناشایست ٥٦، بدیها ناشناخته ٥٨، ناخوش و ناشایست ١٣٩

مُنْكَرًا: وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنكَرًا مِّنَ ٱلْقَوْلِ وَزُورًا (٥٨: ٢)
گستی ١، زشت ٢، زشت سخت ٣٠، ناشایست ٣٨، ناشناخته ٣٩، ناخوب ٥٦، زشتی ٦١، ناگفتنی ٧٩، زشتر ٨١، ناخوب سخن ٨٨، ناسزا ٩٤، نابایست ١٠٢، ناشناخته و ناپسند ١٠٣، ناگفتنی ١٠٤، ناشایست و ناشناخته ١٠٩، نادانسته ١١١

مُنْكِرَةٌ: فَٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْآخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٌ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ (١٦: ٢٢)
ناشناسا ٢، ناشناسنده ٣، نشناسی کننده ٢٩، ناشناسا ٤٢، نَاشَناسَندَه ٥٥، ناشناخته ٥٧، ناشناس ٥٩، ناشناسایان ١٢٨

مُنْكَرُونَ: قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ (١٥: ٦٢)
نااشنختگان ١، ناشناخته ٣، ناشناسندگان ٣٩، ناشناسان ٦١، نمی شناسم شما را ٧٦، نشناسند شما را ٩٣، نشناختگآن ١٠٠، بیگانگان ١١١، ناشناخته ١١٤، ناآشنا و بیگانه ١١٦، بیگانگان ناآشنا ١٢٢

~:فَقَالُوا سَلَٰمًا قَالَ سَلَٰمٌ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ (٥١: ٢٥)
ناشناختگان ٢، ناشناخته گان ٣٠، ناشناخته کار ٤٧، ناشناسان ٥١، بیگانه ٩٦، ناشناخه شدگان ١١١، ناشناخت ١١٣، ناشناخته شده ١٣٢، نشناس ١٣٨

مُنْكِرُونَ: فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ (١٢: ٥٨)
ناشنختگان ١، نشناختند ٢٩، ناشناسندگان ٣٠، نشناختند ٤١، ناشِناسَندگان ٥٥، نَشناختَند ٧٦، ناشناسنده ١٠٤، نمی شناختند ١١٤

~:وَهَٰذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَٰهُ أَفَأَنتُمْ لَهُ مُنكِرُونَ (٢١: ٥٠)
ناشناخته آرندگان ٣، ناشناختگان ١٢، نشناسی کننده ٢٩، ناشناخته کنندگان ٥٨، ناشناخته دارندگان ٨٠، ناشناختکان ٨٤، ناخواهندگان ٩٤، ناشناختی کنندگان ١٠٩

لَهُ مُنْكِرُونَ: أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ (٢٣: ٦٩)

مراو را ناشنایند ٢، ناشناخته گان ٣٠، ناشناسنده بودند ٣٩، ناشناسان ٦١، نشناسند گان ١٣٠

مَنًّا: وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ (٢٠:٣٧)
نیکویی کردیم ٣، سپاس نهادیم ٥٨، سپاس دادیم ٩٢

مِنْهُ: وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا (٢:٢٦٨)
از خود ٢٧

~: مِنْهُ ءَايَٰتٌ مُّحْكَمَٰتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَٰبِ (٣:٧)
زان ١

~: دَرَجَٰتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً (٤:٩٦)
ازُو ٤٥

~: وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ (٤:١٥٧)
درو ٧٥

~: إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ (٤٣:٥٧)
ازوا ٢٢

~: قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَٰقِيكُمْ (٦٢:٨)
ازوی ١٠٣

~: فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ (٧٥:٣٩)
وز ٦

مِنْهَا: اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا (٢:٣٥)
زِ ٢٤، درانجا ١٣٦

~: وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ (٢:٧٤)
ازو ٢٤، زان ٦٣

~: وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً (٤:١)
ازو ١٠٣

~: قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ (٧:١٣)
اینجا ٧٦

~: لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنقَلَبًا (١٨:٣٦)
ازین ١٠٨

~: اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَٰمَ لِتَرْكَبُوا (٤٠:٧٩)
بر ١١٤

مِنْهَاجًا: لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا (٥:٤٨)
راه ٢، راه روشن ٣، راه راست ٩، ره ٣٧، ورزش ٤١، نهاد ٤٢، چراغ ٤٣، چراغ رُوشن ٤٥، رَاه رُوشن ٥٥، راه پیدا ٥٦، روشن ٦٩، روشنایی ٧٢، روشنائی ٧٨، چراغ روشن ٨٤، راه دوستی ٩١

مِنْهُمْ: وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (٢:١٤٦)
آن که ٤٠

~: إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ (٢:١٥٠)
از ٢٤

~: فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنصَارِي (٣:٥٢)
ازوشان ٩٦

~: وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا (٥:١٢)
زیشان ١

~: وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَائِنَةٍ مِّنْهُمْ (٥:١٣)
با ٣٧

~: لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٥:٧٣)
أزیشان ٢

~: لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَٰبُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ (٦:١٥٧)
ازیشان ١

~: فَتُصِيبَكُم مِّنْهُم مَّعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ (٤٨:٢٥)
ازی شان ٨٠

فَمِنْهُمْ: فَمِنْهُم مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُم مَّن كَفَرَ (٢:٢٥٣)
زیشان ٤٧، از ایشان ٥٦

~: فَمِنْهُم مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا (۲۹:۴۰)
وزیشان ۲

وَمِنْهُمْ: وَمِنْهُم مَّنْ إِن تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ (۳:۷۵)
زیشان ۲، ازیشان ۳۹

~: وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً (۶:۲۵)
برخی ازیشان ۱۱۱

~: وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ ائْذَن لِّي وَلَا تَفْتِنِّي (۹:۴۹)
زیشان ۱

مِنْهُمَا: فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ (۲:۲۳۳)
ازیشان هر دو ۲۷

~: وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً (۴:۱)
ازیشان ۳

~: وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ (۴:۱۱)
زان دوا ۱

~: وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ (۴:۱۲)
ازیشان هر دو ۲۷

~: وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا (۱۲:۴۲)
ازیشان دو ۵۸

~: فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا (۲۸:۴۹)
ازینان ۹۶

مُّنْهَمِرٍ: فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ (۵۴:۱۱)
فرودریختار ۱، ریخته ۳، ریزان ۲۴، ریخته شده ۲۹، بسیار ۳۰، روان شد ۳۹، فروریزنده ۴۹، روان شده ۵۶، بسیار ریز ۶۹، فرود آینده بشتاب ۹۰، بسیار و زود آینده ۱۰۹، ریزنده ۱۲۱، زمین روان شده ۱۳۹

مِنْهُنَّ: ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا (۲:۲۶۰)
ازیشان ۲۷

~: وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا (۱۲:۳۱)
زیشان ۱

~: وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ (۳۳:۴)
از ۶۱

مَنُوعًا: إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا (۷۰:۲۱)
بشردار ۱، بازدارنده ۲، می واگرداند ۶، باز زند خویشتن ۱۹، بازدارد ۳۹، باززند ۵۴، نیک بازدارنده ۸۰، سرباز زننده ۱۰۲

الْمَنُونِ: أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ (۵۲:۳۰)
روزگار ۳، مرگ ۴۳، سختی مرگ ۸۱، زمانه ۱۱۷، بدیها ۱۳۹

مَّنِيٍّ: أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ (۷۵:۳۷)
آب بوی ناک ۲، آب پشت ۳، او ۶، آب مرد ۵۶، آب گنده ۶۱، بیرون آورده ۹۱، آب مرد و زن ۱۰۰

مُنِيبًا: وَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ (۳۹:۸)
واز آمدار ۱، باز گردیده ۲۲، باز گردیده ۲۴، باز گردنده ۳۰، باز گشته ۳۴، باز گشت ۳۸، باز گردیدهٔ ۵۳، باز آینده ۵۸، بازاینده ۶۹، زاری کننده ۸۷، باز گردند گان ۱۲۳، باز گرد ۱۳۹

مُّنِيبٌ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُّنِيبٌ (۱۱:۷۵)
واز آمدار ۱، باز گردیده ۲، باز گردانـنده ۳۰، بخدای باز گردنده ۵۵، باز گردند ۵۹، گردنده ۶۲، با درگاه آینده ۶۳، گردنده ۸۸، گردیده ۹۳، باز گشت نموده بدرگاه خدا ۱۲۲، مهربان ۱۳۶

~: إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ (۳۴:۹)
بخدای باز گردنده ۳، باز گشت ۳۸، باز گردیده ۴۲، باز آید ۴۷، پیش آینده ۵۸، باز گردنده بخدای ۸۶، گردنده از گناه ۹۸، باز گردند گان ۹۹، با درگاه آیند گان ۱۳۴

~: تَبۡصِرَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِكُلِّ عَبۡدٖ مُّنِيبٖ (۵۰:۸)
بازگردنده ۲، واگردنده ۶، روی نهاده ۶۵، زاری کننده ۱۳۶

~: مَّنۡ خَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِ وَجَآءَ بِقَلۡبٖ مُّنِيبٍ (۵۰:۳۳)
واگردیده ۶، با خدای گردیده ۲۹، بازآینده ۳۴، بازگشته ۳۸، روی نهاده ۳۹، بازآمده ۴۷، ترسان ۱۰۵، بازگشته و روی آورنده ۱۱۶، با درگاه آمده ۱۱۷

مُنِيبِينَ: مُنِيبِينَ إِلَيۡهِ وَٱتَّقُوهُ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ (۳۰:۳۱)
وازآمداران ۱، بازگردید ۲، بازشوندگان ۴۲، بازگردیده ۴۷، بازگردیدهٔ ۵۳، بازگردگان ۶۱، اروی آرندگان ۷۸

~: وَإِذَا مَسَّ ٱلنَّاسَ ضُرّٞ دَعَوۡاْ رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيۡهِ (۳۰:۳۳)
بازگردندگان ۲، بازگردانیده ۱۴، واگردندگان ۲۹، بازگردیدگان ۳۴، زاری کنندگان ۴۶، بازگردندگان بدل ۴۷، بازگشته ۶۲، بازگردند ۷۶، روی آوردگان ۷۸، بازآیندگان ۸۹، بازگشتگان ۱۰۳، بازایندگان ۱۳۸

ٱلۡمُنِيرِ: جَآءُو بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُنِيرِ (۳:۱۸۴)
دروشیدار ۱، روشن ۲، روشن و هویدا ۱۰، تابان ۵۸، روشن کرده ۶۷، روشنایی ۹۲، پیدا رُوشن ۹۴، روْشن ۹۷، روشن نماینده ۱۲۲

~: وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ (۲۲:۸)
روشن کننده ۳۶، پیدا و روشن ۷۹، روشن روی ۱۰۸، روشن گردانیده ۱۱۹

~: وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ (۳۱:۲۰)
رُوشن ۲، هُویدا ۱۴، روشن پیدا ۴۶، هویدا ۴۷، روشن راهنماینده ۵۸، راه نماینده ۱۳۷

~: جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَبِٱلزُّبُرِ وَبِٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡمُنِيرِ (۳۵:۲۵)
نورانی ۴۱، تابندهٔ روشن ۵۸، روشن و پیدا ۱۳۹

مُنِيرًا: وَجَعَلَ فِيهَا سِرَٰجٗا وَقَمَرٗا مُّنِيرٗا (۲۵:۶۱)
دروشیدار[1] ۱، روشن ۲، روشن تابان ۴۹، تابان و روشن ۵۸، درفشان ۶۲، روشنایی دهنده ۷۶، روشنی دهنده ۱۰۹، روشنی بخشنده ۱۲۰

~: وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ بِإِذۡنِهِۦ وَسِرَاجٗا مُّنِيرٗا (۳۳:۴۶)
رُوشن تابان ۲، تابان ۳، افروخته ۷، روشن کننده ۴۱، هویدا ۴۷، روشَنْ ۵۳، روشن و تابان ۱۰۹

مُهَاجِرًا: وَمَن يَخۡرُجۡ مِنۢ بَيۡتِهِۦ مُهَاجِرًا إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ (۴:۱۰۰)
بُرنده ۲، بریده از کسها خویش ۴۲، بریده ۵۲، بریده از کسان خویش ۸۳، روی نهاده ۹۰، بریده از کسهای خویش ۱۰۵

مُهَاجِرٌ: فَـَٔامَنَ لَهُۥ لُوطٞۘ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّيٓۖ (۲۹:۲۶)
بُبرم ۲، همی بُبرم از مردمان ۴۶، رونده ۸۶، بریده از خان‌ومان ۹۱، شونده ـ رونده ۱۰۹، بازگردنده ۱۲۱

★ إنّي مُهاجِرٌ: وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّيٓۖ (۲۹:۲۶)
که مَن خواهم شدن ۲۴، مَن برم از کسهای خویش ۱۰۸

مُهاجِرات: إِذَا جَآءَكُمُ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ مُهَٰجِرَٰتٖ فَٱمۡتَحِنُوهُنَّۖ (۶۰:۱۰)
برّندگان از خان‌ومان ۳، بریده از کسان ۳۰، بریده از مردان خویش ۵۶، برندگان از خان‌ومان ۹۴، بریده از کسهای خویش ۱۰۸، بریده از خان‌ومان ۱۱۴، آنکه دوری کرده باشند از خان‌ومان خود ۱۳۲

---

۱. دروشیدار: درخشنده.

ٱلْمُهَاجِرِينَ: وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلْأَوَّلُونَ مِنَ ٱلْمُهَٰجِرِينَ وَٱلْأَنصَارِ (٩:١٠٠)
خان ومان گذاشته گان ١٠٩

~: لَّقَد تَّابَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلنَّبِيِّ وَٱلْمُهَٰجِرِينَ وَٱلْأَنصَارِ (٩:١١٧)
با پیغامبر آیند گان ٥٨، بیرون روند گان ٩٨

~: أَن يُؤْتُوٓا۟ أُو۟لِى ٱلْقُرْبَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينَ وَٱلْمُهَٰجِرِينَ (٢٤:٢٢)
بُرید گان ـ از خانْ ومان ٢، روند گان از خان ومان خود ٥٨، پدید گان ٦١، خان ومان پدید گان ٧٧، دوری گزینند گان ٨٦، برند گان از خان ومان خویش ١٠٨، دوران از خان ومان ١٢١، آنان که بریده اند از جای خویش ١٢٨، دوری گزینند گان از خانمان ١٣٢

~: بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِى كِتَٰبِ ٱللَّهِ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُهَٰجِرِينَ (٣٣:٦)
برید گان از خان ومان ٨٠

~: لِلْفُقَرَآءِ ٱلْمُهَٰجِرِينَ ٱلَّذِينَ أُخْرِجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِمْ وَأَمْوَٰلِهِمْ (٥٩:٨)
بُرید گان از کسهاء خُویش ٢، برند گان از خان ومان ٣، بریده گان از کسان خویش ٣٠، ببریدند از خان ومان ٥٦، بریده از خانها خویش ٨٨، رفتگان ٩٦، برید گان از کسهای خویش ١٠٨، بریده از خان ومان ١٢٤، دورشد گان از خان ومان خود ١٣٥

ٱلْمِهَادُ: فَحَسْبُهُۥ جَهَنَّمُ ۚ وَلَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ (٢:٢٠٦)
گُسترش ٢، آرامگاه ٣، فراشاک ٢٩، گُسترِش ٤٢، آرامْگاه ٥٥، جایگاه ـ آرام گاه ٥٧، گسترش و آرام گاه ٨٣، گستر گاه ١٠٢، گستردش ١١٠

~: سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ ۚ وَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ (٣:١٢)
جایگه ١، خفتن جای ٤٣، آرامگاه ٥٥، جاء آرام گاه ٥٧، آرامگاه ٦١، گاهوارَه ٩٥، خواب جا ٩٨

~: مَتَٰعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ ۚ وَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ (٣:١٩٧)
آرام گاه ٣، باز گشت جای و بستر ٢٧، آرامگا ٣٠، جاء خواب ٣٩، جای خواب ٥٨، گهواره ٦٣، آرام جای ٦٤، جای باز گشت ٩٧، گستردنی ١٠٤

~: لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ (٧:٤١)
بستر ٣، گسترش ١٠ مکرّر، بسترها ٢٤، گاهواره ٤١، بِستَر گاه ٤٥، بِسْتَر ٥٥، خواب گاه ٥٦، گاهواره ـ بستر ٦٩، بستر آرامگاه ١١٩، بَستر ١٤٠

~: وَمَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ (١٣:١٨)
جاءَ گسترش ٢، جایگاه ٥، بستر و آرامگاه ٤٩، آرامْگاه ٥٥، جای آرام گاه ٥٧، جای آرام ٥٨، ساختن جای ٦٢، گستر ٧٨، گسترش جا ٧٩، آرامش ٩٢، گسترش جایا ١١٣، آرامگاها ١١٤

~: جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ (٣٨:٥٦)
خُواب گاه ٢، بستر گاه ٢٢، جای ٢٩، خوابگاه ٣٠، بُستَر گاهْ ٥٣، جای و آرامگاه ٥٦، آرامجای ٦٤، جاء خفتن ٦٥، گسترش جای ٧٩، باز گشتن جای ٨١، گسترد گی ١٠٤، بستر ـ خوابگاه ١٠٩، گسترده ١٣٢

مِهَادًا: أَلَمْ نَجْعَلِ ٱلْأَرْضَ مِهَٰدًا وَٱلْجِبَالَ أَوْتَادًا (٧٨:٦)
گُستر ١، گسترش ٢، بستر ٢٤، گهوارها ٢٩، بستر گاه ٣٨، گهواره ٤١، آرامگاه ٤٨، گهوارَهَا ٥١، آرام گاه ٦٤، گاهواره ٩١، گهوآره ١٠٠، قرار گاه ـ بستر گسترده ١٠٩، فرش گسترده ١١١، گسترده ١٢٠، فراش ١٢٦، بستر جای ١٣٩

مُهَانًا: وَيَخْلُدْ فِيهِۦ مُهَانًا (٢٥:٦٩)
خوار کنار ١، خوار کرده ٢، خوارشده ٢٤، خوار بکرده ٢٩، بخوار کرده ٣٠، خوارتر ٣٤، خوار ٤٣، خوار کننده ٤٦، خَوارْ گَرْدَه ٥٣، خوآر و زار ١٠٠،

خوار کرده شده ١٠٩، خار کرده ١١٣، خار ١٢٤، خواری ١٢٦، خوار گشته ١٢٩

ٱلْمُهْتَدِ: وَمَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلْمُهْتَدِ (٩٧:١٧)
راه بازیافتهٔ ٥٣، راه راست یافته ٥٨، راه یافته تر ٨٨، راه یابنده ٨٩

~: مَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلْمُهْتَدِ (١٧:١٨)
ره بردار ١، راه یافته ٢، راه یاونده ٢٩، راه نموده ٤٤، راه بر ٥٩، راه راست یافته شده ٦١

مُهْتَدٍ: فَمِنْهُم مُّهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَٰسِقُونَ (٢٦:٥٧)
راه بردار ١، راه یافته ٢، راه راست یافته ٣، راه یابنده ٨٩، رآه یابنده ١٠٠، راه یافتگان ١١١

مُهْتَدُونَ: وَإِنَّآ إِن شَآءَ ٱللَّهُ لَمُهْتَدُونَ (٧٠:٢)
راه یافته ٢٩، راه فادانیم ٤٠، باز رَاه یافته ٤٢، راه فرادانیم ٥٠، راه یافته گردیم ٥٢، راه راست یابیم ٥٣، رَاهِ راسْت گیرَندَ گان ٥٥، راه یابند گان باشم ٦٣، باز راه یافته ٧٦، راه یابند گان ١٠٢، راست راه یافتگان ١١٠، راه خواهیم یافت ١٢١، یابند گان باشم ١٣٨

~: صَلَوَٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُهْتَدُونَ (١٥٧:٢)
رَاه یافتگان ٢، راه راست گیرند گان ٣، راست راه ٤٠، رأه یافتگان ٤٢، راه یاوند گان ٤٩، راست داشت یافتگان ٦١، راه راست یابند گان ٦٣، رآه یافتگان ٩٤، راه دانان ٩٥، راه یافته شد گان ٩٩

~: أُولَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلْأَمْنُ وَهُم مُّهْتَدُونَ (٨٢:٦)
راه برداران ١، رَاه یَافتگان ٢، راه راست یافتگان ٢٧، رآه رآست یافتگان ٩٤، راه راست یافتند ١٢٨، راه یابنده گان ١٣٦

~: وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ (٣٠:٧)
را راست یافته ١٠، رَاه یافتگان ١٤٠

~: ٱتَّبِعُواْ مَن لَّا يَسْـَٔلُكُمْ أَجْرًا وَهُم مُّهْتَدُونَ (٢١:٣٦)
بر راه راست اید ٧، راه یافته شده گان ١٣٦، بر راه راست ١٣٩

~: وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّهْتَدُونَ (٢٢:٤٣)
راه یافتگان ٢، رویافتگان ١٦، راه گیرنده ٢٩، راه برند گان ٣٢، راه رونده ٣٩، راه گیرند گان ٧٢، راه بر ٩٦، راه برداران ٩٨، راه یافته گان راه برند گان ١٠٩، راه روند گان ١١٩، روند گان ١٢٤

~: وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ (٣٧:٤٣)
راه یافته گان ٣٠، بر راه راست ٦١، راه راست یافته گان ٨٠

ٱلْمُهْتَدِى: مَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلْمُهْتَدِى (١٧٨:٧)
ره بردار ١، رَاه یافته ٢، راه راست یافته ١٠، راه یافته ٢٤، راه یاونده ٢٩، رَاه رَاست گیرَندَه ٥٥، راه راست یافت ٥٨، رَاه یَافتَه ٦٢، راه یابنده ٦٣، راه راست گیرنده ٩١، راه یافته بود ١٠٠، راه نموده شده ١٢١

ٱلْمُهْتَدِينَ: فَمَا رَبِحَت تِّجَٰرَتُهُمْ وَمَا كَانُواْ مُهْتَدِينَ (١٦:٢)
راه یافتگان ٢، راه یابند گان ٢٩، رَاهِ رَاسْت کُنند گان ٥٥، راه یافته گان ١٠٩

~: قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُهْتَدِينَ (٥٦:٦)
ره برداران ١، راه یَافتگان ٢، راه راست یافتگان ٣، راه دانا آن ٩، راه نمایان ٤١، راه راست یَافتگان ٦١، راه دانان ٩٦، راه یافته شد گان ٩٩، راه یافته شده گان ١٣٦

~: وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ (١١٧:٦)
راه راست یافته گان ٣٠، راهِ راست گیرَندَ گان ٥٥، راه یافتگان و گروید گان ٦٤، راه راست یافته ١٢٤

~: قَدْ ضَلُّواْ وَمَا كَانُواْ مُهْتَدِينَ (١٤٠:٦)
رَاه یافتگانْ ٢، راه راست گرفتگان ٣، رآه راست یافتگان ٩٤، راه یافته ١٢١

~: فَعَسَىٰٓ أُوْلَـٰٓئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ ٱلْمُهْتَدِينَ (٩: ١٨)
راه یاوند گان ٢٩، رَاه یَافتگان ٦٢، رآه یافتگان ٩٤

~: قَدْ خَسِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَآءِ ٱللَّهِ وَمَا كَانُواْ مُهْتَدِينَ (١٠: ٤٥)
راه راست گیرند گان ٣، راه رَاست یافد گان ١٠، رَاه رَاسْت گیرَند گـان ٥٥، راه راست یابند گان ٥٨، راه بایگان ٥٩، یافتگان ١٢٥

~: وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ (١٦: ١٢٥)
رَاهْ یـافتـگـان ٥٣، راه رَاسْت گیـرَند گـان ٥٥، یافتگان راه راست ١١٣

مَهْجُورًا: يَـٰرَبِّ إِنَّ قَوْمِى ٱتَّخَذُواْ هَـٰذَا ٱلْقُرْءَانَ مَهْجُورًا (٢٥: ٣٠)
هشته ١، بریده ٢، دست بازداشته ٣، بگذاشته ٢٠، کار بوی نکرده ٤٢، بیهوده گفته ٤٦، فروگذاشته ٤٧، بُریده و دور شُدَه ٥٣، بیـهوده ٥٦، زشت و نکوهیده ٥٨، سخن بیهود ٦١، بَبریدَه ٧٦، فروبرید ٧٩، ترک آورده ٩٨، فروگذاشته وا یکسو نهاده ١٠٩، فروبریده از پس ١١٣، برنده ١١٩، بازداشته ١٢١، بریده و پراکنده ١٢٤، دست برداشته ١٣٦، ترک کردند ١٣٨

ٱلْمَهْدِ: وَيُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِى ٱلْمَهْدِ (٣: ٤٦)
گاهواره ٢، گهواره و کنار مادر ٥٨، گهْواره ٩٤، گهوآره ١٠٠، کنار ١٢٣

~: تُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِى ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًا (٥: ١١٠)
منجک[1] ١، گاهواره یا کنار مادر ٢، گهواره ٣، گـاواره یـا کـنـار مـادر ١٠ مکـرّر، گـواهـواره ٣١، گاهوارَه ٥٥

~: كَيْفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِى ٱلْمَهْدِ صَبِيًّا (١٩: ٢٩)
گاه‌واره ٣، گاهوارَهْ ٥٣، گهواره ٧٩، کردراه ١١٣

مَهْدًا: ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ مَهْدًا (٢٠: ٥٣)
گستری ١، گُسترش ٢، گسترش ٣٠، گاهواره ٤١، گهواره ٤٣، بستَرگاه ٥٣، آرام جای گسترده ٦٤، گـهـواره و بـسـتـر ٦٥، آرامـش ٧٢، آرام گـاه ٩١، بسترش ١٠٥، گستردن ١٢١

~: ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ مَهْدًا (٤٣: ١٠)
بستر ١، بَشْتَرگاه ٢، آرامگاه ٣، بسترگاه ١٦، بسْترَگاه ٢٢، خواب جای و بستر ٧٢، گسترده ٨٧، گهوآره ١٠٠، پسـتـر ١١٠، کـسـتـرده ١٢٠، فراش گسترده ١٣٢

مَهَّدتُّ: وَمَهَّدتُّ لَهُۥ تَمْهِيدًا ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (٧٤: ١٤)
بگستردم ١، بگسترانیدم ٢، نیک گسترانیدم ٣، ساختـه‌ام ٦، زمان دادیـم ١٩، گسـترانیـدم ٢٤، بگستریدم ٣٠، بساختم ٣٨، جاء دادم ٣٩، فراخ کردم ٤١، بَگسـتَردَم ٤٢، بگسـتَردَم ٥١، آسان کـردم ٦٧، فـراخ کـردیـم ٨٧، گسـتـردم ٩٢، گـسـتـرانـیـدم مـن ٩٩، سـاخـتـه کـردم ١٠٢، بگسترانیدیم ١٠٨، بکشیدم و بگستردم ١١٧، گسترده‌ام ١٢٠، گسترانیدیم ١٢٦

مَهْزُومٌ: جُندٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ ٱلْأَحْزَابِ (٣٨: ١١)
شکسته شده ٣، شکسته ٢٩، شکسته گشته ٣٠، لشکر شکست خورده ١١١، شکست یافتگان ١٢٢

مُهْطِعِينَ: مُهْطِعِينَ مُقْنِعِى رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ (١٤: ٤٣)
شتافتاران ١، همی شتابنْد ٢، شتابند گان ٣، شتاوند گان ٥، شتاونده ٢٩، شتابان ٣٤، روند گان ٣٩، بازماند گان ٤١، همَی شِتابنْد ٥٣، شِتَابندَ گان ٥٥، می شتابند گان ٦٠، شتابانان باشند ٨٤، بند گان ٩٤، شتاب زد گان ٩٩، نشانند گان ١١٢، شتابان باشند ١١٣، شتابنده گان ١١٩

---

١. منجک: گهواره.

~: كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ مُّهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ (٥٤:٨)
شتابنده ۲۹، چشم نهاده گان ۳۰، شتافتگان نزغیرندگان ۳۵، شتابندگان ۴۲، سر در پیش افکنده ترسان و لرزان ۸۱، چشم نهادگان ۸۸، چشم نهاده ۱۰۸، بسیار بهم برآینده ۱۱۱، شتاب کنان ۱۲٤، شتابنده باشند ۱۳٦

~: فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ (٧٠:٣٦)
می شتاوند ٦، می شتابند ۱۹، همی شتابند ٥٤، شتابان و پیش آیندگان ٥٦، شتاب کنندگان ٦١، شتابان و تیزنگرنده ۷۹، گردن دراز کرده ۸۸، شتاب افتاده ۹٦، می شتابید ۱۰٥، شتابان ۱۱۳، گردنها دراز کرده ۱۲٤

كَالْمُهْلِ: وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ (١٨:٢٩)
روی گدخته ۱، روی گداخته ۲، مس گداخته ۳، گوهرهای گداخته ٤١، روغن جوشان ٥۳، مس گداخته ٥٥، گوهر گداخته و روی ٥٨، ارزیز ٦١، مس گداخته ٦٢، دردی ۷۲، دُرد ۸٤، آب گرم ۱۰۰، نقره و ارزیز گداخته ۱۰۲، مس ۱۱٥، روی بگداشته ۱۲۸

~: إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ طَعَامُ الْأَثِيمِ كَالْمُهْلِ (٤٤:٤٥)
دُردی ۲، روی گداخته ۱٦، روی گداخته ۲۲، مس گداخته ۳۲، گوهر گداخته ٤١، دردی بن خم ٤۳، سیم و زر گداخته ٥٦، روی ۹۰، مس و روی گداخته ۱۰۳، مس گداخته ۱۰٥، مس و روی ۱۱۱، نقره و مس گداخته ۱۲٦، میس و روی گداخته ۱۳۰، ارزیر گداخته ۱۳۹

~: يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (٧٠:٨)
روی گداخته ۲، گهرهای گداخته ٦، دردی زیت ۱۹، دود ۳۸، روی گداخته لرزان ٤٨، سیم گداخته ۷۲، درد ۹۰، دردی زیت یا ادیم سرخ ۱۱۳، دود روغن ۱۲۹، نقره یا میس گداخته ۱۳۰

فَمَهِّلِ: فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا (٨٦:١٧)
زمان ده ۲٤، بپای ۱۰۹، فروگذار ۱۱٥، واگذار ۱۳٦

مَهْلِكَ: ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ (٢٧:٤٩)
جای کشته شدن ۱۳۲

مُهْلِكَ: وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ (٢٨:٥٩)
نیست کننده ۲۱

مُهْلِكُهُمْ: لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ (٧:١٦٤)
نیست کننده ۱۰۹

مُهْلِكوا: قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلِ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ (٢٩:٣١)
نیست کنندگان ۱۱٤

مُهْلِكوها: وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا (١٧:٥٨)
نیست کنندگان ۱۱٤

الْمُهْلَكِينَ: فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ (٢٣:٤٨)
نیست کردگان ۳، کالکان ۳٤، نیست کرده شدگان ۱۰۹

مَهِّلْهُمْ: وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا (٧٣:١١)
درنگ ده ۲، زمان ده ۳، بگذار ٦، بپای ۱۰۹

مَهْمَا: وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا (٧: ١٣٢)
هر کدام ۱، هر کُجا ۲، هرچه ۳، هر گه که ۱۰، هر نگاه ۲٤، هرگاه که ۲۷، هرگه ۳٥، هرگاه ۳٦، هَرچه ٥٥، هر بار ٥٨، هر چون که ٦١، هرچند ٦٢، هرگاه ۱۰۰، هرانگاه ۱۰۷، هرآنچ ۱۱۳، هرآنچه ۱۲٦

مَهِيلًا: وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا (٧٣:١٤)
روان ۱، ریزنده ۲، روان کرده شده ۳، بهم ریخته ۱۹، انباشته ۲٤، فرو ریخته ۳٦، برهم ریخته ۳۸، ریزان ٤۲، ریزان ٥۲، ریخته ٦۱، ریزنده و روان ۷۹

ریگ ریزان ۹۶، ریزه روان ۱۰۴، پرا کنده ۱۱۱، روان کرده ۱۱۴، روان ـ نرم ۱۲۶، ریزان و روان ۱۳۰، ریگ ریزه ۱۳۶

اَلْمُهَيْمِنُ: اَلْمَلِكُ اَلْقُدُّوسُ اَلسَّلَٰمُ اَلْمُؤْمِنُ اَلْمُهَيْمِنُ اَلْعَزِيزُ اَلْجَبَّارُ (۵۹:۲۳)
گوای راست ۱، گواه ۳، آرام دهنده ۳۶، گواه راست ۳۸، گواء راست ۳۹، گواه رَاست ۴۲، راست ۸۱، نگاه دارنده ۸۸، آگاه ۱۰۲، نگه بان ۱۰۴، نگهدارنده ۱۰۶، گواه راست نگهبان ۱۰۹، نگهبان ۱۲۲

مُهَيْمِنًا: مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ (۵:۴۸)
گواه ۱، گواه راست ۳، مهربان ۳۱، مِهْرَبان ۴۵، گُواه رَاسْت ۵۵، گواهی دهنده ۵۶، استوار کار ۵۸، راست گوی دارنده ۹۰، گواهی دهنده ۱۲۱، نگاهبان ۱۲۳، نگهبان ۱۳۰

مَهِينٌ: ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُۥ مِن سُلَٰلَةٍ مِّن مَّآءٍ مَّهِينٍ (۳۲:۸)
سست ۱، سُست ۲، سُسْت ۸۹، خوار، سُست ۱۰۹

~: أَمْ أَنَا۠ خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا ٱلَّذِى هُوَ مَهِينٌ (۴۳:۵۲)
خوار ۱، خوار و درویش ۲، درویش ۱۶، خُوار و درْویش ۲۲، خوار کرده ۴۹، خوار کرده شده ۶۱، خوار و نژند ۶۴، خوارتر ۱۲۱

~: وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ (۶۸:۱۰)
سُسْت دل ۲، سست دل ۳۰، خواری ۴۱، خوار بد گو ۶۵، خوار کش ۶۷، خوار شده ۹۲، بدروغ خوارشونده ۱۰۰

~: أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّآءٍ مَّهِينٍ (۷۷:۲۰)
خوار سست ۳۰، سست خوار ۳۴، خوار گردانیده ۶۷، پست ۹۱، خاران ۱۰۰

مُهِينًا: وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (۴:۳۷)
خوار کنار ۱، خُوار کننده ۱۰، خوارنمای ۶۲

~: إِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (۴:۱۰۲)
خوار کننده و سخت ۱۰، خُوار کُننده ۴۵، ناخوش خوار کننده ۵۸، خواری نماینده ۶۵

~: وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (۴:۱۵۱)
خوار گشته ۲۷، خار کننده ۱۰۳

~: وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا (۳۳:۵۷)
خوار کُننده ۲، خوار کننده ۷

مُهِينٌ: وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۲:۹۰)
خُوار کُنَنده ۱۰، دَرْدنَا کْ ۹۴، خار کننده ۱۰۴

~: يُدْخِلْهُ نَارًا خَٰلِدًا فِيهَا وَلَهُۥ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۴:۱۴)
خُوار کُننده ۲، خواری نمای ۲۹، خوار و رسوا سازنده ۱۱۶

~: فَأُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۲۲:۵۷)
خوار کنند ۱۲، خوار و خوار کننده ۱۱۳

~: وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۳۱:۶)
خواربکننده ۲۹، دردنا ک ۴۷، خوار ۵۶

~: مَا لَبِثُوا۟ فِى ٱلْعَذَابِ ٱلْمُهِينِ (۳۴:۱۴)
خوار کننده ۲، خوار و سخت ۵۲، خوار کننَده ۵۳، دردنا ک ۹۲، خواره کننده ۱۰۲، خواری ۱۳۸

~: وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ مِنَ ٱلْعَذَابِ ٱلْمُهِينِ (۴۴:۳۰)
خوار کننده ۲، خوار کُننده ۲۲، سوست کننده ۴۴

~: وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۵۸:۵)
خوار و خوار کننده ۷۹، خوار کننده ۸۷، خوارا خوار کننده ۱۱۳

مَوَاخِرَ: وَتَرَى ٱلْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا۟ مِن فَضْلِهِۦ (۱۶:۱۴)
رفتاران ۱، رَونده و آینده ۲، شکافتگان آب ۳، می رود ۲۴، می شکافد ۳۶، بازپس می رود ۴۱، برندگان آب ۴۳، روندگان ۵۳، شِکافَنْدگان

مَوَاقِيتُ: يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ (۲:۱۸۹)
گاهها ۳، هنگامها ۴۱، گاههَا ۵۵، نشانها ۸۴، گاه‌ها ۹۱

مَوَالِيَ: وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَٰلِيَ مِمَّا تَرَكَ ٱلْوَٰلِدَانِ وَٱلْأَقْرَبُونَ (۴:۳۳)
عصبگان ۱، یاران ۲، دوستان ۵۳، خداوندان ۶۱، یارآن ۹۴، یاران و آسان ۱۲۸

~: وَإِنِّي خِفْتُ ٱلْمَوَٰلِيَ مِن وَرَآءِى (۱۹:۵)
خُویشاوندان ۲، خویشاوندان ۳۰، خویشان ۳۴

مَوَالِيكُمْ: فَإِخْوَٰنُكُمْ فِي ٱلدِّينِ وَمَوَٰلِيكُمْ (۳۳:۵)
دوستان ۱، آزاد کردگان ۲، بندگان ۲۴، یاران ۳۰، عم‌زادگان ۴۶، خویشان ۸۷، آزاد کرده گان ۱۲۵

مَوْئِلًا: بَل لَّهُم مَّوْعِدٌ لَّن يَجِدُواْ مِن دُونِهِۦ مَوْئِلًا (۱۸:۵۸)
ستاد جای ۱، پناه ۸، پناه گاه ۲۹، بازگشتن جا ۳۶، پَناه گاه ۵۵، پناهگاه ۸۰، گذرگاه ۴۸، گریختن جای ۴۹، پناگاه ۵۲، پناه جای ۵۶، رستن و پناه ۵۸، جای رستن ۷۸، بنه گاه ۸۴، جای پناه ۹۹، پناه گاه ۱۰۰، بازگشتن ۱۰۸، پناه و گریز ۱۱۱، پناه و گریزگاه ۱۱۶، گریختن ۱۲۶، بازگشت ۱۲۸، نگاه‌بان ۱۳۹

ٱلْمَوْءُودَةُ: وَإِذَا ٱلْمَوْءُۥدَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنۢبٍ قُتِلَتْ (۸۱:۸)
زنده زیر خاک کرده ۱، زندهء بگور کرده ۲، کودکان کشته ۲۴، در گور کرده ۲۹، زنده بگور کرده ۳۰، گور کرده ۳۸، دختر گور کرده ۴۲، دختر در گو کرده ۵۲، بچهٔ زنده ۵۶، دختران زنده در گور کرده ۶۴، دختر زنده بگور کرد ۸۰، کودکان در خاک کرده ۹۰، دختر زنده بگور کرده ۹۱، دختر در گور کرده ۹۶، زنده در گور کرده ۱۰۲، دختران زنده بگور کرده ۱۰۴، دختر زنده در گور کرده ۱۱۱، دختران زنده بگور ۱۲۰، دختر زنده در خاک ۱۳۰، کودکان زنده در گور شده ۱۳۶

مَوْبِقًا: فَلَمْ يَسْتَجِيبُواْ لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا فَدَعَوْهُمْ (۱۸:۵۲)
بازدارنده ۳، گریختن گاه ۳۹، سختی و دشواری ۴۱، بَازدَارَندَه ۵۵، رودکده ۵۸، جای گریختن ۶۹، بنگاه ۸۴، پرده ۱۲۲

ٱلْمَوْتُ: يَجْعَلُونَ أَصَٰبِعَهُمْ فِىٓ ءَاذَانِهِم مِّنَ ٱلصَّوَٰعِقِ حَذَرَ ٱلْمَوْتِ (۲:۱۹)
مرگی ۹۴

~: وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ ٱلْمَوْتِ (۲:۲۴۳)
مرگ ۲، مَرگ ۲۷، مرگ و کشتن ۳۰، کشتن ۶۳

~: وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ ٱلْمَوْتَ مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ (۳:۱۴۳)
مرگی ۱، مردن ۳

~: إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ حِينَ ٱلْوَصِيَّةِ ٱثْنَانِ (۵:۱۰۶)
بیمار مرگی ۳۷

~: وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِى غَمَرَٰتِ ٱلْمَوْتِ (۶:۹۳)
جان کندن ۴۳

~: كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى ٱلْمَوْتِ وَهُمْ يَنظُرُونَ (۸:۶)
مُردن ۱۰

~: كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ (۲۱:۳۵)
مرگ ۲

~: تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَٱلَّذِى يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْمَوْتِ (۳۳:۱۹)
تاسهٔ مرگ ۴۷

~: يَنظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ ٱلْمَغْشِىِّ عَلَيْهِ مِنَ ٱلْمَوْتِ (۴۷:۲۰)
مردن و جان کندن ۱۱۴

~: وَجَآءَتْ سَكْرَةُ ٱلْمَوْتِ بِٱلْحَقِّ (۵۰:۱۹)
جان دادن ۸۶، جان کندن ۱۰۰، مرگ ۱۱۰، جانکندن ۱۳۱

مَوْتًا: وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَوٰةً (٣:٢٥)
مرگ ٢٤، مرگ دادن ٥٢، میرانیدن ٦٥، مُردن ٧٩، مردن ٩٨، میراندن ١٢٣

ٱلْمَوْتَةَ: لَا يَذُوقُونَ فِيهَا ٱلْمَوْتَ إِلَّا ٱلْمَوْتَةَ ٱلْأُولَىٰ (٥٦:٤٤)
مُردن ٢، مردن ٣

مَوْتَتَنَا: أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ إِلَّا مَوْتَتَنَا ٱلْأُولَىٰ (٥٩:٣٧)
مرگی ١، مرگ ٣٣، مردن ٣٨

~: إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا ٱلْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ (٣٥:٤٤)
مَرگ ٢، مُردن ٢٢، مُردن ٣٢

مَوْتِكُمْ: ثُمَّ بَعَثْنَٰكُم مِّنۢ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (٥٦:٢)
مرگ ١٠، مردن ٣٦، مَرگ ٥٥

مَوْتِهِ: إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِۦ قَبْلَ مَوْتِهِۦ (١٥٩:٤)
مرگی ١، مردن ٣٦، مرگ ٥٨

مَوْتِهَا: فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (١٦٤:٢)
مُردگی و خشکیِ و زُمخکیشی ١٠، مرده شده بود ٢٩، مردگی و خشکی و زمخکی ٤٠، خشک شدن ٤٣

~: قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِۦ هَٰذِهِ ٱللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا (٢٥٩:٢)
مرگی ١، مَرگ ٢

~: فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَآ (٦٥:١٦)
مرگ ٣، مُردن ٥٥

~: فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ مِنۢ بَعْدِ مَوْتِهَا (٦٣:٢٩)
مردن ٣، مرگ ـ پژمردگی ٤٧، خشکی ٦١

~: فَيُحْيِۦ بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَآ (٢٤:٣٠)
مرگی و خشکی ٤٧، مرگ و پژمردگی ١٠٢، مردگی و افسردگی ١١١

~: فَأَحْيَيْنَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (٩:٣٥)
مُردن ١١٤، پژمردگی ١٣٠

~: فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (٥:٤٥)
مردگی ٥٦

~: ٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يُحْيِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (١٧:٥٧)
پژمردگی ١٠٩

مُوتُوا: فَقَالَ لَهُمُ ٱللَّهُ مُوتُوا۟ ثُمَّ أَحْيَٰهُمْ (٢٤٣:٢)
بمیرید ٢، میریت ٣، بمیرید ١٠، بمیرید ٤٢

~: قُلْ مُوتُوا۟ بِغَيْظِكُمْ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ (١١٩:٣)
بمیرید ٢، بمیریت ٣، بمیرید ١٠، بمیری ٢٤، بمیرید ٤٢، میرید ١٠٩

ٱلْمَوْتَىٰ: فَقُلْنَا ٱضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَٰلِكَ يُحْيِ ٱللَّهُ ٱلْمَوْتَىٰ (٧٣:٢)
مرده ٥٣، مُردگان ٥٥، مردها ١٣٥

~: وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ رَبِّ أَرِنِى كَيْفَ تُحْيِ ٱلْمَوْتَىٰ (٢٦٠:٢)
مردگان ١، مرده گان ٣٠

~: وَأُحْيِ ٱلْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ ٱللَّهِ (٤٩:٣)
مُرده ١٢١

~: وَإِذْ تُخْرِجُ ٱلْمَوْتَىٰ بِإِذْنِى (١١٠:٥)
مُردگان ٢

~: وَٱلْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ ٱللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (٣٦:٦)
مردگان ٩٤

~: وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَآ إِلَيْهِمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ ٱلْمَوْتَىٰ (١١١:٦)
مُردگان گورستان ١٠

~: أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ ٱلْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ ٱلْمَوْتَىٰ (٣١:١٣)
مردگان ٢٩، مَردگان ٥٥

~: إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ ٱلْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ (٨٠:٢٧)
مرده دلان ٢١، مردگان مرده دلان ٤٧، مردها ١١٤

~: إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِ ٱلْمَوْتَىٰ (۳۰:۵۰)
مرگ ۱۳۸

مَوْثِقًا: قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُۥ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا (۱۲:۶۶)
پیمان ۱، استُواری ۲، استواری ۴۲، اُستواری ۵۷، سوگند ۱۲۰، پیمان استوار ۱۲۲

~: أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُم مَّوْثِقًا مِّنَ ٱللَّهِ (۱۲:۸۰)
استوار ۳۰، پیمان ۸۶

مَوْثِقَهُمْ: فَلَمَّآ ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (۱۲:۶۶)
سوگند ۲۴، پیمان ۱۱۱

اَلْمَوْج: وَجَآءَهُمُ ٱلْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ (۱۰:۲۲)
آشوب دریا ۳، آشوب دَریا ۵۵، نره آب ۹۱، جوشش آب ۱۰۴، خیز آب ۱۰۹، بهم بر آمدن دریا ۱۱۴، جوش آب ۱۲۶

~: وَهِىَ تَجْرِى بِهِمْ فِى مَوْجٍ كَٱلْجِبَالِ (۱۱:۴۲)
آهنگ ۵۲، آشوب ۵۵

~: وَحَالَ بَيْنَهُمَا ٱلْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ ٱلْمُغْرَقِينَ (۱۱:۴۳)
آشوب آب ۳، هنگ ۵۲، بره آب ۵۹، نرّهٔ آب ۱۰۹

~: أَوْ كَظُلُمَٰتٍ فِى بَحْرٍ لُّجِّىٍّ يَغْشَىٰهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِۦ (۲۴:۴۰)
آشوب دریا شورش دریا ۳، شورش ۵۶، توبرتو آب ۵۸، شورش آب ۹۱، بده آب ۱۲۸

~: وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوْجٌ كَٱلظُّلَلِ (۳۱:۳۲)
آشوب ۳، توتو آب ۵۸

مَوَدَّةٌ: لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنۢ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُۥ مَوَدَّةٌ (۴:۷۳)
دوستی ۱، دُوشتی ۲، دوستی و آشنایی و پیوستگی ۱۰، دوست شناختن ۳۱، دوستی شناختن ۴۵، دُوشتی ۵۵، دوستی و آشنایی ۵۸

~: وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ (۵:۸۲)
دُوستی ۲

~: مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا (۲۹:۲۵)
دوست ۱۱۹

~: وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً (۳۰:۲۱)
دوستیها ۶۱

~: قُل لَّآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ فِى ٱلْقُرْبَىٰ (۴۲:۲۳)
دوستاری ۲۴، دوست داشتن ۳۴، دوستی داشتن ۶۱، دوُستی ۸۱، دوستی کردن ۹۶

~: تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِٱلْمَوَدَّةِ (۶۰:۱)
پیوستگی ۲۴

~: أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ ٱلَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً (۶۰:۷)
دوستی و یاری ۱۰۳

مَوْرًا: يَوْمَ تَمُورُ ٱلسَّمَآءُ مَوْرًا (۵۲:۹)
گشتنی ۱، بر گشتن ۲، بر گردیدن ۲۴، گردیدن ۲۹، جنبیدن ۳۰، رفتن ۴۳، گردانیدن ۴۹، روان کردن ۱۰۰، گردن ۱۰۵، جنبیدن و بگردیدن ۱۰۹، بگردیدن ۱۱۳

اَلْمَوْرُود: فَأَوْرَدَهُمُ ٱلنَّارَ وَبِئْسَ ٱلْوِرْدُ ٱلْمَوْرُودُ (۱۱:۹۸)
پیش آورده ۱، در آورده ۴۱، فروشدن ۴۲، آمده شُده ۵۵، اندر آمده ۵۷، در آینده ۶۵، رسیده شده ۶۹، بازبردگان ۷۵، دَرشُده ۷۶، آماده شده ۸۰، در آیند در آن ۸۵، که ایشان بدان آیند ۹۳، پیش آمده ۹۶، فرود آمدن ۱۰۰، در آمدن جا ۱۰۲، جای در آمده ۱۰۴، آنجا آیند ۱۰۵، در آمده شده ۱۰۹، در رفته روی ۱۱۰، در آمدن دروی ۱۱۳، آب خورده ۱۱۴، می آیند بدان ۱۲۱، آمدن جای ۱۲۲، آنچه بآن وارد شده‌اند ۱۲۷، در آمدگان ۱۳۶

فَٱلْمُورِيَاتِ: فَٱلْمُورِيَٰتِ قَدْحًا (۲:۱۰۰)
برون آرندگان آتش ۲۹، آتش افروزندگان ۳۶، بیرون آرندگان ۵۲، افکنندگان از سنبها خود ۶۵، آتش اسپان که از سنگ آتش بیرون آرند ۹۶، اسبانی که آتش از سم ایشان جهد ۱۰۰، آتش بیرون آورندگان ۱۰۲، اسبانی که آتش از سم ایشان جهد ۱۰۶، اسبان بسم خویش آتش فروزندگان ۱۰۸، آتش برآرندگان ۱۱۴، آوازکنندگان ۱۱۵، اسبان بیرون آورنده آتش از سنگ بسمهای خود ۱۱۶، اسبانی که آتش از سم هایشان بجهد ۱۱۹، بیرون آورندگان ۱۲۰، اسبان آتش از سم بیرون آرندگان ۱۲۲، اسبان آتش جهانیده از سمهای خویش ۱۲۴، اسبان ۱۲۶، بیرون آرندگان آتش از سنگ ۱۳۰، اسبان آتش بسم بیرون آرندگان ۱۳۲، بجهد آتش ۱۳۶، آتش فروز ۱۳۹

مَوْزُونٍ: وَأَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ (۱۵:۱۹)
سنجیده ۱، اندازه کرده ۳، ورسخته ۲۹، سخته ۳۸، خجسته ۳۹، سنجیده و راست کرده ۴۱، سخته وباندازه ۴۹، سخته باندازه ۵۳، سنجیده شده ۶۱، اندازه کرده شده ۸۰، برسنجیده ۹۰، برسخته ۹۵، برکشیده ۱۰۰، اندازه شده ۱۱۴، باندازه ۱۲۴

ٱلْمُوسِعِ: وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى ٱلْمُوسِعِ قَدَرُهُۥ وَعَلَى ٱلْمُقْتِرِ قَدَرُهُۥ (۲:۲۳۶)
توانگر ۳، تُوانگر ۱۰، تونگر ۳۹، توانگر ۴۲، تُوانگر ۵۵، فراخ کننده ۶۱، فراخ دست ۸۸، فراخی ۱۱۰، توانگری ۱۱۸، فراخی دستگاه ۱۲۴، مرد توانگر ۱۲۷

لَمُوسِعُونَ: وَٱلسَّمَآءَ بَنَيْنَٰهَا بِأَيْي۟دٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (۵۱:۴۷)
توانا آن ۱، توانایان ۳، توانگر ۲۴، توانا ۲۹، فراخ کنندگان ۳۱، فراخ کنان ۹۶، بگسترانندگان ۱۱۷، توانگران ۱۳۹

مُوصٍ: فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا (۲:۱۸۲)

أندرزکُننده ۲، اندرزکنندَه ۱۰، أَندَرزکُنَنده ۵۵، اندرزکُن ۵۷، اندرزباش کرده ۹۵

مَوْضُوعَةٌ: فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ (۸۸:۱۴)
نهاده ۲، پس یکدیگر نهاده ۶۴، بر یکدیگر نهاده ۶۷، آماده نهاده بررسته نهاده ۸۰، بنهاده ۸۹، نهاده شده ۹۹، آماده کرده ۱۰۰، برهم نهاده شده ۱۰۲، نیکو نهاده شده ۱۳۲، گونها نهاده ۱۳۹

مَوْضُونَةٍ: عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ مُّتَّكِـِٔينَ عَلَيْهَا مُتَقَٰبِلِينَ (۵۶:۱۵)
درگوافته ۱، برسته نهاده ۲، نزدیک یک دیگر ۲۴، درهم بافته ۲۹، بهم اندر بافته ۳۰، بر یکدیگر پیوسته ۳۴، بررشته نهاده ۳۸، بافته ۴۱، بنهادَه ۴۲، بافته بمروارید ۴۳، برهم نهاده ببافتن ۴۹، نهاده ۶۱، بافته بگوهر و یاقوت ۶۷، بافته بجواهر ۶۹، برهم نهاده ۹۴، آراسته ۱۰۰، بافته شده ۱۰۹، برهم پیوسته و بافته ۱۱۱، بافته از زر رشته ۱۱۳، زربافته ۱۱۵، بهم دربافته ۱۲۴، بافته بزر ۱۳۳، برنهاده شده ۱۳۶

مَوْطِئًا: وَلَا يَطَـُٔونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ ٱلْكُفَّارَ (۹:۱۲۰)
سپردن جای ۱، سپردنی ۳، سپردن ۱۳، زمین ۲۴، جای ۲۷، جای سپردن ۴۳، جاء سپَردن ۵۳، جَایِ سُپردَگی ۵۵، بسپردن جای ۵۶، جای پای سپردن ۷۹، جایگاه ۸۸، سپردن جا ۹۰، تشنگی ۹۱، راه ۱۰۲، بپا سپردن ۱۱۳، جایگاه سپردن ۱۲۴

مَوْعِدًا: وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا (۱۸:۵۹)
هنگام نوید ۳، هَنگام نِوید ۵۵، هنگام ۱۲۱

مَوْعِدٌ: بَل لَّهُم مَّوْعِدٌ لَّن يَجِدُوا۟ مِن دُونِهِۦ مَوْئِلًا (۱۸:۵۸)

نوید گاه ۳، نوید گاه و جایگاه ۴۴

مَوْعِدَةٍ: إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَآ إِيَّاهُ (۹:۱۱۴)
نوید ۳، نِوید ۵۵، بهره ۱۲۸

مَوْعِدُهُ: وَمَن يَكْفُرْ بِهِۦ مِنَ ٱلْأَحْزَابِ فَٱلنَّارُ مَوْعِدُهُۥ (۱۷:۱۱)
جایگاه ۱۰۰

مَوْعِدُهُمْ: بَلِ ٱلسَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ (۴۶:۵۴)
نوید گاه ۱۰۹

مَوْعِظَةٌ: فَمَن جَآءَهُۥ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ فَٱنتَهَىٰ (۲:۲۷۵)
پند ۲، فرمان ۷۴

~: هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۳:۱۳۸)
پند ۱

~: وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۵:۴۶)
پند دهنده ۱۲۱

~: ٱدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلْحِكْمَةِ وَٱلْمَوْعِظَةِ ٱلْحَسَنَةِ (۱۶:۱۲۵)
پَنْد سحن درُست گفتن ۲، پند دادن ۳۹، پند نیکو ۱۰۵

~: وَمَثَلًا مِّنَ ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۲۴:۳۴)
اندرز ۱۳۸

ٱلْمَوْعُودِ: وَٱلسَّمَآءِ ذَاتِ ٱلْبُرُوجِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْمَوْعُودِ (۸۵:۲)
نوید داده ۸۰

ٱلْمُوفُونَ: وَٱلْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَٰهَدُوا۟ (۲:۱۷۷)
بجای آرند گان ۴۸، نگاه دارند گان ۶۷، تمام کنند گان ۱۲۴

لَمُوَفُّوهُمْ: وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ (۱۱:۱۰۹)
بونده داداران ۱، سیری دهنده ۵۹، دهندهایم ۱۲۰

ٱلْمُوقَدَةُ: وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا ٱلْحُطَمَةُ نَارُ ٱللَّهِ ٱلْمُوقَدَةُ (۱۰۴:۶)
فرُوغته ۲، برافروخته ۲۴، افروخته ۳۹، افروخته شده ۸۸، برافروخته شده ۱۱۶

مُوقِنُونَ: فَٱرْجِعْنَا نَعْمَلْ صَٰلِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (۳۲:۱۲)
بی گمانان ۳، بی گمان ۲۴، هستیم بی گمان ۴۶، بیگمانان ۴۷، بی گمان شد یمْ ۶۱، بی گمان شوند گان ۶۹

مُوقِنِينَ: مَلَكُوتَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ ٱلْمُوقِنِينَ (۶:۷۵)
بی گمانان ۲، بی گمانان ۲۷، دانند گان ۷۶، بیگمان ۱۱۱، دانندہ گان ۱۱۸

~: رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ (۲۶:۲۴)
راست کردارند گان ۳۹، دانایان ۴۲، بی گمان ۴۶، بیگمان ۴۷، راست گوی دارند گان ۷۲

~: رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ (۴۴:۷)
بیگمانان ۶۷، بی گمانان ـ راست گوی دارند گان ۷۲

~: وَفِى ٱلْأَرْضِ ءَايَٰتٌ لِّلْمُوقِنِينَ (۵۱:۲۰)
بی گمانان ۲، آنرا که بدرست دانند ۴۷، بی گمانا آن ۶۱

مَوْقُوتًا: إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ كِتَٰبًا مَّوْقُوتًا (۴:۱۰۳)
پدید کرده ۳۶، پَیدا ۵۵، پیدا کرده ۵۷، پیدا کرده شده ۸۰، هنگام پدید کرده ۱۰۹، پدیدار کرده ۱۲۹

ٱلْمَوْقُوذَةُ: وَمَآ أُهِلَّ لِغَيْرِ ٱللَّهِ بِهِۦ وَٱلْمُنْخَنِقَةُ وَٱلْمَوْقُوذَةُ (۵:۳)
بَچوب کُشته ۲، بچوب زده مرده ۳، آنکه بزخم چَوب مُرده بَود ۱۰، بچوب کشته ۱۰ مکرّر، آنچه بچوب بمیرد ۲۴، بزخم چوب مرده ۲۷، آنچ کشته باشند بزخم ۲۹، بچوب زده کُشتَه ۳۱، آنچه بچوب کشته شود ۳۶، بچُوب کشته ۴۱، از جای درافتادَه ۴۲، بچوب زده و مرده ۴۳، بچوب زَده

کُشته ۴۵، از جاده درافتاده ۵۲، بزخم چوب کشند ۵۳، چوب زَدَه و مُردَه ۵۵، زخم زده کشته ۵۶، بزخم چوب کشته ۵۷، آنکه از زخم بمیرد ۵۸، آنچه کشته شده باشد بزخم ۶۲، آنکه بزخم چوب بمیرد ۶۵، چوب زده بمرده ۶۷، زخم زده ۶۹، آنچه بر خشم کشته باشند ۷۰، بزخم کشته شده ۷۵، بچوب یا سنگ کشته شده ۸۰، بچوب زخم کشته ۸۴، آنچه بزخم کشته شود ۸۸، بلت کشته ۹۰، بچوب یا سنگ کشته ۹۱، آنچه بدست کشته شده باشد ۹۲، چوب کشته ۹۸، بچوب یا بسنگ کشته شده ۱۰۰، بچوب کشته شد ۱۰۲، از جای درافتاده ۱۰۵، کشته بچوب ۱۰۹، آنچه بچوب و سنگ زده باشند تا مرده باشد ۱۱۱، بچوب زده کشته ۱۱۲، به چوب مرده ۱۱۴، از بالا درافتاده ۱۱۹، بچوب و سنگ مرده ۱۲۰، آنچه بچوب بکشند ۱۲۱، آنچه نرم کرده باشند ۱۲۴، از جای افتاده ۱۲۵، آنچه مرده باشد بضرب چوب و سنگ ۱۲۷، بچوب یا سنگ زده ۱۲۹، آنچه از بلندی افتاده و مرده است ۱۳۰، آنچه بچوب و سنگ زدن مُرده باشد ۱۳۱، بزخم چوب بمرده ۱۳۴، بزدن مرده ۱۳۵، بچوب کشته شده ۱۳۶

مَوْقُوفُونَ: وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّـٰلِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ (۳۴:۳۱)

وازگرفتگان ۱، بازداشتگان ۲، ایستاده باشند ۷، بازداشته ۲۴، بازداشته گان ۳۰، ایستانیده شوند ۳۹، بازداشَتَهْ ۵۳، بازداشته باشند ۵۶، ایستاده کرده ۶۱، بازاستادگان ۷۴، ایستادگان ۸۷، بازدارندگان ۸۹، استاده ۱۰۵، بازداشتندگان ۱۰۸، بازداشته شده گان ۱۰۹، بپاداشتگان ۱۲۲، استادگان ۱۳۹

مَوْلاكُمْ: بَلِ ٱللَّهُ مَوْلَىٰكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ ٱلنَّـٰصِرِينَ (۳:۱۵۰)

مهتر ۱، یار و نگه دار ۲، دوست ۳، خداوند ۲۴، یاری گر ۲۷، یار و دوست و روزی ده ۵۸، دوست و خداوند ۱۰۰

~: وَإِن تَوَلَّوْا۟ فَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ مَوْلَىٰكُمْ (۸:۴۰)

یَار و نگه دَار ۲، دوست و یار ۳، یار و نگه دار و دَوست دار ۱۰، یار و نگاه دار ۲۷، خداوندگار ۳۵، نگاه دارنده ۴۹، دُوست ۵۵، یاری خواه ۹۹، یار و یاور ۱۱۱

~: وَٱعْتَصِمُوا۟ بِٱللَّهِ هُوَ مَوْلَىٰكُمْ ۖ فَنِعْمَ ٱلْمَوْلَىٰ (۲۲:۷۸)

خداوند و یار ۱۰۸، خدا ۱۳۶

~: مَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ ۖ هِىَ مَوْلَىٰكُمْ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (۵۷:۱۵)

سزاوارتر ۱، یار ۲، یار نگاه دار ۳۰، یار و نگاهدار ۱۰۸، سزا ۱۰۹، جایگاه ۱۳۹

~: وَٱللَّهُ مَوْلَىٰكُمْ ۖ وَهُوَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ (۶۶:۲)

مهتر ۱، نگه دار ۲، نگاه دار ۲۴، یاری کننده ۳۹، یاری ده ۶۱، نگاهدار ۶۷، یاریگر ۸۷، سراِشت ۹۶، یار ۱۰۰، آقا ۱۳۶

مَوْلَانَا: وَٱعْفُ عَنَّا وَٱغْفِرْ لَنَا وَٱرْحَمْنَآ ۚ أَنتَ مَوْلَىٰنَا (۲:۲۸۶)

مهتر ۱، خداوند ۲، خداوندگار ۳، خداوَندِگار ۵، خداوند و یار و نگه دار ۱۰، یار ۲۵، یار و خداوند ۲۹، یار و نگه دار ۴۰، خدا ۶۰، نگه دار ۶۳، یاری ده ۶۴، یاری گر ۶۹، کارساز ۷۴، خداوند و یار ۸۴، ای بارخدایا ۹۲، خد آوند ۱۰۰، یاری دهنده ۱۱۲، کارساز و یاور ۱۱۶، خدای ۱۲۴، یاور ۱۲۷، یار و نگه دار ۱۲۸، آقا ۱۳۶

~: قُل لَّن يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَىٰنَا (۹:۵۱)

نگاه دارنده ۴۹، خَداوند ۵۵، بارخدای ۵۸، دوست دار نیک خواه ۶۴، دستدار و نیکخواه ۶۷، نگاه دار و خداوندگار ۱۰۹، دوست ۱۲۱، سازنده کار ۱۳۰

مَوْلَاهُ: لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَىْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَىٰهُ (۱۶:۷۶)

میره ١، خُداوند ٢، خواجه ٣، خداوند ٤٢، خَواجَه ٥٥، پرستنده ٥٨، یَار ٦٢

~: فَإِنَّ ٱللَّهَ هُوَ مَوْلَىٰهُ وَجِبْرِيلُ وَصَٰلِحُ ٱلْمُؤْمِنِينَ (٦٦:٤)
ایار ١، یار و نگه دار ٢، یار نگاه دار ٣٠، دوست ٤١، خداوند و یار ٨١، یاری گر ٨٧، یار ١٠٥، یار و کارساز ١٠٩، یار و یاری دهنده ١١٣

مَوْلاهُمْ: ثُمَّ رُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوْلَىٰهُمُ ٱلْحَقِّ (٦:٦٢)
مهتر ١، خُداوند ٢، پرورد گار ٣، خداوند ٩، خدا ٥٣، خداوندان ٥٦، دارنـدَه ٦٢، دارنده ٨٨، دوست و خداوند ٩١، سراست ٩٦، کارفرما ١٢٧

~: وَرُدُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ مَوْلَىٰهُمُ ٱلْحَقِّ (١٠:٣٠)
جاوید گان ٣، آفرید گار ٤١، خَداوَندگار ٥٥، خدای ٥٩، خدَاوند ٦٢، یار و یاری دهنده ٧٩، خداوند گار ٨٠

مَوْلُودٌ: وَعَلَى ٱلْمَوْلُودِ لَهُۥ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ (٢:٢٣٣)
زاده شده ٣، فرزندزاده ٢٧، زَادَه شُدَه ٥٥، بزاده ٥٦، فرزند زائیده شده ١١٦، زائیده شده ١٣٧، فرزندان ١٣٨

~: وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ شَيْـًٔا (٣١:٣٣)
فرزند ١، زاده ٢، زاده بوده ٤٧، پسر ٦١، زاده ٩٤

مَوْلُودٌ لَهُ: وَعَلَى ٱلْمَوْلُودِ لَهُۥ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ (٢:٢٣٣)
پدر ١، آنرا که فرزند مراوُرا اُست ـ پدر ٢، آنرا نیز که فرزند از آن بود ٧٦، کسی که زاییده شد فرزندی برای او ١٢٢، آن کس که فرزند مراوراست ١٢٨

الْمَوْلَى: فَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَوْلَىٰكُمْ نِعْمَ ٱلْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ ٱلنَّصِيرُ (٨:٤٠)
نگاه دارنده ٢٧، آقا ١٣٦

~: لَبِئْسَ ٱلْمَوْلَىٰ وَلَبِئْسَ ٱلْعَشِيرُ (٢٢:١٣)
ایار ١، دوُسْت ٢، یاری کننده ١٠٣، خداوندان ١٣٩

~: وَٱعْتَصِمُواْ بِٱللَّهِ هُوَ مَوْلَىٰكُمْ فَنِعْمَ ٱلْمَوْلَىٰ (٢٢:٧٨)
مهتر ١، خداوند ٢، نگه دارنده ٢٤، دوستدار ٦٤، خدای ٨٧، یاری گر ٩٨، دوست دار ١٠٧، یار و یاور ١١١، یاری دهنده ١١٣

~: يَوْمَ لَا يُغْنِى مَوْلًى عَن مَّوْلًى شَيْـًٔا (٤٤:٤١)
دوست ١، یار ٢٢، خویشاوند ٢٤، خویش و دوست ٧٩، بنده ١٣٦

~: ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ مَوْلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ (٤٧:١١)
یار و نگه دار ٢، یاری ده ٢٤، یار و نگاهدار ٣٠، دوست و یار ٤٧، یار و دوست ٥٣، نگاهدار ١٠٨، یار و یاری دهنده ١١٣، دوستی ١١٤، کارگزار ١٢٢، یار و نگاه دار ١٢٤، کارگذار ١٣٢

مُوَلِّيهَا: وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا (٢:١٤٨)
روی آرنده ٣، روی آورنده ٤٣، رُوی آرنَدَه ٥٥، روی کنند ٥٦، گرداننده ٦١، روی فرا کننده ٦٣، روی آوردی ٦٤، روی آورده ٧٦، روآرنده ٨٠، روی نهاده ٩٢، روی کننده ١٠١، روی آوردست ١٠٥، روی گرداننده ١١٩، روی بدان دارند ١٢٤

مُوهِنُ: ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ ٱللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ ٱلْكَٰفِرِينَ (٨:١٨)
سست کنار ١، سُسْت کُننده ٢، سست کننده ٣، سُست بخواهد کردن ١٠، خوار کننده ٤٩، سست کند ٥٨، سست گردانیده ٩٤، سُست کننده ٩٦، خار کننده ١٠٠، خار کنند ١٠٤، سست سازنده ١١١، سست گرداننده ١٢٨، سست ١٣٠، گرداننده ١٣٥

ٱلْمَيِّتُ: يُخْرِجُ ٱلْحَىَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ ٱلْمَيِّتِ مِنَ ٱلْحَىِّ (٦:٩٥)
مرده ١، خُشک و مُردَه و سِردَه ١٠، خشک ١٠ مکرّر، خشک شده ٤١، مردَه ٤٥، مرده شد ٥٨، خشک پژمرده ٦١، مرده ـ خشک ٩٤

~: حَتَّىٰٓ إِذَآ أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَٰهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ (٧:٥٧)

خشک و بی نبات ۱۱۳

~: وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ (۱۷:۱۴)

مُرده ۲، مُرْدَهْ ۵۳، مُردَه ۵۵، مردار ۶۱

~: يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ (۱۹:۳۰)

مردگان ۱۳۹

~: فَسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ (۹:۳۵)

مرده و خشک شده ۱۱۱، پژمرده ۱۱۶

~: إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ (۳۰:۳۹)

مردنی ۳۳، میرنده ۳۹، بخواهی مردن ۵۶

★ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ: وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ (۱۷:۱۴)

وَی نمیرد هرگز ۶۲

مَيْتًا: أَوَمَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا (۱۲۲:۶)

مُرده ۲، دِل مُرده ۱۰، مُردَهْ ۵۳، مرده بود ۱۰۵

~: لِّنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا (۴۹:۲۵)

پژمرده ۴۷، مُردَهْ ۵۳، مردِه ۵۶

~: أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا (۱۲:۴۹)

مرده ۱، مردار ۳۹

~: وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا (۱۱:۵۰)

بمرده ۶، پژمرده بی گیاه ۱۱۱

الْمَيْتَةَ: إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ (۱۷۳:۲)

مُردار ۲، مُردَهْ ۵۳، مُردارْ ۵۵، مرد آر ۹۴

~: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ (۳:۵)

مردار ۱، مردار ۲۷، گوشت مردار ۹۲، مُردار ۹۴، گوشت مرده ۱۰۲، مردار مرده ۱۰۹

~: إِلَّا أَن يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا (۱۴۵:۶)

مُردارْ ۲، مُرْدار ۵۳

~: إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ (۱۱۵:۱۶)

مُردار ۲

~: وَآيَةٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ (۳۳:۳۶)

مرده ۱، مُرده ۲، مرده و خشک و بیگیاه ۱۱۱

مَيِّتُونَ: ثُمَّ إِنَّكُم بَعْدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ (۱۵:۲۳)

مردگان ۱، بمیرید ۳۴، بمیرند ۷۶

~: إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ (۳۰:۳۹)

مردگان ۱، مردنی ۳، مرده گان ۳۰، میرندگان ۳۹، بخواهند مردن ۵۶، مرده‌اند ۷۴، مرده ۹۲

مَيِّتِينَ: أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ (۵۸:۳۷)

مردگان ۱، مردنیان ۳۳، میرندگان ۴۳، میرانیدگان ۸۷

★ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ: أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ (۵۸:۳۷)

ما بخواهیم مردن ۲۴

مِيثَاقَ: وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ (۸۳:۲)

پیمان ۲، عَهْد ۵۵

~: وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ (۸۱:۳)

پیمان ۱

~: وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۲:۵)

پیمان ۱۰، پیمانها ۱۰ مکرر

~: الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ الْمِيثَاقَ (۲۰:۱۳)

استواری ۲۴، بستن ۹۵

مِيثَاقًا: وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (۲۱:۴)

پیمان ۱، سوگند ۴۱

~: وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظًا (٤:١٥٤)
استواریها ٥٨، استواری ٩٢، استواری کردن ٩٦

~: وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظًا (٧:٣٣)
زنهار ٤٢، زینهار ١٢٥

میثاقکم: وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَكُمْ (٢:٦٣)
پیمان ٢، پیمان استوار ٤٩

~: وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَٰقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَآءَكُمْ (٢:٨٤)
استوار ٦٤

~: وَقَدْ أَخَذَ مِيثَٰقَكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (٨:٥٧)
پیمان ١

میثاقه: الَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مِيثَٰقِهِۦ (٢٧:٢)
استواری ٢، استواری ٥٥، استوار ٧٦، استواری و پیمان ١٠٩، پیمانه ١١٠، بستن ١١٤

~: وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَٰقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُم بِهِۦ (٧:٥)
پیمان ١

~: وَالَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنۢ بَعْدِ مِيثَٰقِهِۦ (١٣:٢٥)
استواری کردن ٢، استواری ٣، استوار کردن ٥٢، استوار گردانیدن ٦١، استوار شدن ٦٣، استوار گرفتن ٧٢، پیمان بستن ٧٦، استوآری ١٠٠، پیمان ١١٥، سخت بستن ١٣٥

میثاقهم: فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَٰقَهُمْ وَكُفْرِهِم بِـَٔايَٰتِ اللَّهِ (٤:١٥٥)
پیمانها و استواریها ٥٨

~: فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَٰقَهُمْ لَعَنَّٰهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَٰسِيَةً (١٣:٥)
پیمان ٣٧

~: وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّۦنَ مِيثَٰقَهُمْ وَمِنكَ (٧:٣٣)
پیمانها ٥٦

میراث: وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ (٣:١٨٠)
بازماندها ٣٩، بازمانده ٥٨، پادشاهی ٦١، مرده ماند ١٠٩

~: وَلِلَّهِ مِيرَٰثُ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ (١٠:٥٧)
کلیدها ٧٨

المیزان: وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ (٦:١٥٢)
ترازوا ١، پیمانه و ترازو ٥٣، ترازو ٥٥، سختن ٦٠، بترازو سختن ٦٢، ترازوها ٦٤، بترازو سختن ٨٨

~: فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ (٨٥:٧)
سنجیدن ٥٣، اترازو ٩٤

~: وَلَا تَنقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّيٓ أَرَىٰكُم بِخَيْرٍ (٨٤:١١)
ترازو ٦٢، ترازوی ١٠٥

~: اللَّهُ الَّذِيٓ أَنزَلَ الْكِتَٰبَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ (٤٢:١٧)
ترازو ٢

~: وَالسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (٧:٥٥)
ترازو ٢، ترازو ١٠٠، راستی ١٠٥

~: أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ (٨:٥٥)
کارترازو ١١٣، راستی ١٢٥، دست راست ١٣٠

المیسر: يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ (٢:٢١٩)
قمار بازیدن ١٠١

~: إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَٰمُ رِجْسٌ (٩٠:٥)
مقامری ١، نرد ٢٩، قمار ٤١، باختن ٧٤، قمار باختن ١٢٧

~: أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَٰوَةَ وَالْبَغْضَآءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ (٩١:٥)
نرد و قمار ٥٣

میسرة: وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ (٢:٢٨٠)

فراخ دستی ۱، فراخی ۲، توانگری ۳، فراخ دَستی ۱۰، بفراخ دست شود ۲۵، فراخ دست ۳۰، فراخی ۳۸، تونگری ۳۹، توانگری ۴۲، دست رس ۴۳، تُوانَگری ۵۵، آسانی ۶۱، دست راست ۷۵، توانگری یعنی آسانی ۱۱۹، هنگام توانگری ۱۲۲، توانگری و فراخی ۱۲۸

مَيْسُورًا: فَقُل لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا (۲۸:۱۷)
نیکوا ۱، آسان ۲، نیکو ۲۴، آسان کرده ۴۱، نرم ۴۸، اسانْ ۵۳، آسَان ۵۵، نرم خوش ۵۶، خوش ۵۹، نیکو نَرْم ۶۲، آسان و نرم ۶۷، اسان ۶۹، نرم و نیکو ۱۱۱، هموار مهربانانه ۱۲۷

اَلْمِيعَادَ: إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۹:۳)
نویدها ۵۵

~: وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۱۹۴:۳)
نوید ۵۵، امید نمودن ۵۸

~: وَلَوْ تَوَاعَدتُّمْ لَاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ (۴۲:۸)
نوید ۳

~: قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً (۳۰:۳۴)
وعده جای ۱۰۶، هنگام ۱۰۹

مِيقَاتِ: فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۳۸:۲۶)
گاه ۳، هنگام ۲۰

~: لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۵۰:۵۶)
هنگام زده ۱۰۹

مِيقَاتًا: إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱۷:۷۸)
گاه ۳، نوید گاه ۱۰۹، هنگام ۱۱۴

مِيقَاتِنَا: وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا (۱۵۵:۷)
هنگام ۳۵، هنگام جای ۱۰۹

مِيقَاتُهُمْ: إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ (۴۰:۴۴)
هنگاه گرد آمدن ۲، گاه ۸۰

اَلْمَيْلِ: فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ (۱۲۹:۴)
گشتَن ۱، گرایستن ۳، چَسبیدن ۱۰، چسپیدن ۲۷، گَرْدیْدَن ۵۳، یکی بارگی ۶۱، چسبیدن ۷۶، گرایدن ۹۴، گرائیدن ۱۱۴

مَيْلًا: أَن تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا (۲۷:۴)
گشتن ۱، چفسیدن ۲، گرایستن ۳، گردیدن ۲۹، گرایش ۳۰، گردانیدن ۳۴، چسبیدن ۴۰، چسبیدَن ۴۲، گرایِشْتَن ۵۵، باز گردیدن ۵۷، جفسیدن ۷۸، گرایدنَ ۸۰، جسبیدن ۸۲، چشیدن ۸۴، گراهیت ۹۱، چسپیدن ۱۲۵، خفسیدن ۱۲۸

مَّيْلَةً: لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُم مَّيْلَةً (۱۰۲:۴)
بَرگوفتن ۱۰، کوفتن ۲۷، چسپیدن ۲۹، گرایستن ۳۰، چسبیدن ۳۴، گستن ۳۹، دوانیدن ۴۱، گَرْدیدنْ ۵۳، گرایِشْتَن ۵۵، چمیدن ۵۷، جسبیدن ۸۸، واچسبیدن ۹۵

اَلْمَيْمَنَةِ: فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۸:۵۶)
دست راست ۱، دست رَآست ۱۰۰

~: أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۱۸:۹۰)
راست ۱۰۵، سوی راست ۱۰۹

